



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد دهم - حرف د
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	دابه الارض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۷	دارالکفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴	دامداری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۷	دانش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۰	دانیال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۲	داود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۷۴	دابه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۳	دختر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۴	درخت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۶۷	درک از دیدگاه قرآن بر اساس تفسیر راهنما
۴۲۳	درماندگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۲۷	دروغ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۵۷	دریا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۱۹	دزد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۵۷	دست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۷۶	دشنام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۸۹	دعا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۲۲	دعوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۱۰	دنیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۱۳	دوراندیشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دوست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ۱۶۲۷

دین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ۱۷۸۱

دیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ۲۸۱۵

درباره مرکز ۲۸۲۶

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد دهم - حرف د/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنج‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانش‌های نوین زبان‌شناسی است می‌باشد. زبان‌شناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هر آیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتنای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) - وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

دابه الارض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دابه الارض

تعالیم دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۲

۲ - جنبنده شگفت و موعود الهی ، موجودی سخنگو ، دارای پیام و تذکردهنده روزگار طولانی بی ایمانی بشر

أخرجنا لهم دابه من الأرض تكلمهم أن الناس كانوا بايتنا لايقنون

عبارت <أن الناس..> می تواند به تقدیر <بأن الناس> و متعلق به <تكلمهم> باشد. هم چنین می تواند به تقدیر <لأن الناس...> و تعلیل برای <أخرجنا> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است؛ یعنی، آن جنبیده به مردم خواهد گفت که....

تکلم دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۲،۱۱

۲ - جنبنده شگفت و موعود الهی ، موجودی سخنگو ، دارای پیام و تذکردهنده روزگار طولانی بی ایمانی بشر

أخرجنا لهم دابه من الأرض تكلمهم أن الناس كانوا بايتنا لايقنون

عبارت <أن الناس..> می تواند به تقدیر <بأن الناس> و متعلق به <تكلمهم> باشد. هم چنین می تواند به تقدیر <لأن الناس...> و تعلیل برای <أخرجنا> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است؛ یعنی، آن جنبیده به مردم خواهد گفت که....

۱۱ - > عن أبي عمر قال رسول الله (ص) إذا كان الوعد الذي قال الله : > أخرجناهم دابه من الأرض تكلمهم > قال : ليس

ذلك حديثاً ولا كلاماً ولكنّه سمه تسم من أمرها الله به . . . ;

از

ابی عمر روایت شده: رسول خدا(ص) فرمود: زمانی که وعده الهی <أخرجنا لهم دابّة من الأرض تكلمهم> فرا رسد، تکلم آن دابّه نه به صورت حدیث است و نه گفتار، بلکه علامتی است که هر که را خداوند امر فرموده به وسیله آن، علامت گذاری می کند.

حقیقت دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۲

۲ - جنبنده شگفت و موعود الهی ، موجودی سخنگو ، دارای پیام و تذکردهنده روزگار طولانی بی ایمانی بشر

أخرجنا لهم دابّة من الأرض تكلمهم أنّ الناس كانوا بايتنا لا يوقنون

عبارت <أَنَّ الناس...> می تواند به تقدیر <بأنّ الناس> و متعلق به <تكلمهم> باشد. هم چنین می تواند به تقدیر <لأنّ الناس...> و تعلیل برای <أخرجنا> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است، یعنی، آن جنبنده به مردم خواهد گفت که... .

خروج دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱۲

۱۲ عن أبي جعفر و أبي عبدالله عليهما السلام في قوله: <يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا إيمانها> قال: طلوع الشمس من المغرب و خروج الدابه و الدجال

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است: مراد از <بعض آيات ربك> در آیه، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر خروج جنبنده ای شگفت از زمین در

و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابّة من الأرض

<دابّه> به معنای جنبنده است و نکره آمدن آن، نشانگر عظمت و شگفتی آن می باشد. گفتنی است که به کارگیری واژه <إذا> در عبارت <إذا وقع القول...> بیانگر آن است که ظهور آن آیت الهی، امری قطعی و غیرقابل تخلف است و با توجه به این که این حادثه در گذشته رخ نداده است، معلوم می شود مربوط به تاریخ آینده بشر است.

شگفتی دابه الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر خروج جنبنده ای شگفت از زمین در آینده

و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابّة من الأرض

<دابّه> به معنای جنبنده است و نکره آمدن آن، نشانگر عظمت و شگفتی آن می باشد. گفتنی است که به کارگیری واژه <إذا> در عبارت <إذا وقع القول...> بیانگر آن است که ظهور آن آیت الهی، امری قطعی و غیرقابل تخلف است و با توجه به این که این حادثه در گذشته رخ نداده است، معلوم می شود مربوط به تاریخ آینده بشر است.

دارالکفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دارالکفر

{دارالکفر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۲

۲ مصر، سرزمین کفر بود.

من القوم الکفرین

احکام دارالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۴ امام ، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفارہ قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شود .

فان کان

من قوم عدو لكم و هو مؤمن فتحريه رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلك قول الله عز و جل: <فان كان من قوم عدو لكم ... >.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱، ب ۳۶ مسلسل ۳۷۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۴۸۵.

اقامت در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۹، ۱۸، ۴۸

۴ ناتوانی از انجام تکالیف الهی، پاسخ ماندگاران در سیطره کفر و شرک به فرشتگان مأمور گرفتن جان

قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين

۸ گروهی از مسلمانان در صدر اسلام، از مکه هجرت نکردند و همچنان تحت ستم کافران باقی ماندند.

ان الذين توفيقهم الملكة .. قالوا كنا مستضعفين في الارض

ابن عباس گوید: گروهی از اهل مکه ایمان آوردند، ولی به علت ترس، از هجرت سر باز زدند و این آیه درباره آنان نازل شد. (روح المعانی، ذیل آیه).

۱۸ جهنم، جایگاه مستضعفانی که با داشتن توانایی هجرت در محیط کفر بمانند.

فاولئك ماويهم جهنم

بنابر اینکه سرزنش به جهت ترک هجرت باشد که خود از واجبات است، نه خصوص عمل نکردن به احکام دین.

۱۹ جهنم، جایگاه گنهکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند.

الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها فاولئك ماويهم جهنم و ساءت مصيراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک

هجرت.

زندگی در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۸

۸ ناروایی زندگی در محیط ظلم

يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلهما

ظاهر جمله <الظالم اهلهما> می رساند که علت اصلی خواست مستضعفان برای خروج از قریه، ستمگر بودن اهل آن است؛ نه اینکه علت این باشد که آنان مورد ستم هستند؛ اگر چه از مجموع آیه به دست می آید که آنان نیز مورد ستم واقع می شدند.

کیفر اقامت در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۳

۳ مستضعفان ناتوان از هجرت، به جهت ماندن در بلاد کفر، سزاوار کیفرند. *

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

مؤمنان در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۴

۴ - وجود انسان های مؤمن هر چند اندک در میان جامعه کافر، مانع نزول عذاب الهی بر آنان است.

فأخرجنا .. من المؤمنين ... و تركنا فيها آية

نابودی دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان ، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان *

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم . . . دمر الله عليهم

بدان احتمال که < دمر الله عليهم > تفسیر و بیان نمودی از < تعساً لهم > باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

نجات از دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء

۶ نجات کودکان از محیط کفر و شرک ، از وظایف مؤمنان

و الولدان .. الظالم اهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۶

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

ویژگیهای دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۹

۹ - پیدایش دو قشر مستضعف و مستکبر و حاکمیت نظام طبقاتی ، از ویژگی های جامعه کفر و شرک پیشه

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به .. فيقول الضعفؤا للذين استكبروا إنا كنا لكم

هجرت از دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ وسعت و گنجایش زمین برای هجرت و گریز از سرزمین فساد و کفر

و قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۵

۵ ترک هجرت از سیطره کافران و مشرکان ، گناهی بس بزرگ

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

چون کیفر ترک هجرت در صورت ناتوانی نیز به طور حتمی نفی نشده، معلوم می شود هجرت در صورت توان، از واجبات بسیار مؤکد است و ترک آن گناهی بزرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۵

۵ زندگی در جوار کافران ، امری نامطلوب و هجرت از بلاد

کفر ، امری پسندیده است .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

دامداری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دامداری

تاریخ دامداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۵

۵ - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعجه

دامداری خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان .. قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

دامداری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

دامداری در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۵

۵ - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعجه

دامداری در مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۵

۵ - دامداری ، شغل اصلی مردم مدین در زمان ورود موسی (ع) به آن سرزمین

وجد علیه أمّه من الناس یسقون

جمعیت انبوه چوپانان برای آب دادن به دام ها، نشان دهنده مطلب یاد شده است.

دامداری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۱،۲

۱ - قوم عاد ، برخوردار از امکانات دامی (شتر ، گاو و گوسفند) و نیروی انسانی

أمدکم

بأنعم و بنين

<أنعام> (جمع <نعمة>) در اصل بر شتران اطلاق می شود و گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه اطلاق دوم است.

۲ - رشد قابل توجه دامداری در قوم عاد

أمدکم بأنعم

نکره آمدن <أنعام> و نیز <بنين>، بیانگر فراوانی دام و کثرت توالد و تناسل در میان آن قوم است.

دامداری مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

ماءها و مرعیها... متعاً لکم ولأنعمکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعاً لکم ولأنعمکم

فلسفه دامداری دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - نبودن مردی توانا در خانواده شعیب، علت پرداختن دختران او به کار دامداری

قالتا لانسقی... و أبونا شیخ کبیر

دانش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دانش

اهمیت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ دانش و تحلیل رخدادها و خبرها و تأویل رؤیاها، دانشی گران قدر است.

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لِنُعَلِّمَهُ مِّن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، دانشی گران قدر و از

نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

اهمیت دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ دانش و تحلیل رخدادها و خیرها و تأویل رؤیاها ، دانشی گران قدر است .

و كذلك مکتنا لیوسف فی الأرض و لنعلمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۷

۷ دانش تعبیر رؤیا ، دانشی راهگشا به حوادث آینده و کارآمد برای پیشگیری از ناگواریها

قال تزرعون .. عام فیه یغاث الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

بشارت دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ؛ یعنی، آن واقعت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و

خواب گویای آن است. <تأویل اخبار>؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۷

۷- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخدادهای بود.

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت .. سأبئئك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

دانش ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ دانش و تحلیل رخدادهای و خبرها و تأویل رؤیایها، دانشی گران قدر است.

و كذلك مكنا ليوسف في الأرض و لنعلمه من تأويل الأحاديث

دانش اقتصاد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۵

۵ یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها، آگاهی کامل داشت.

قال اجعلني على خزائن الأرض إني .. علم

دانش تحلیل حوادث یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴

۴ یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

دانش تحلیل حوادث یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷۸،۲۲

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و

تحلیل صحیح رخدادها، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك .. يعلمك من تأويل الأحاديث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیایها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا>؛ یعنی، آن واقعت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار>؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد.

إني رأيت أحد عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع)، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد.

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

يجتبيك ربك و يعلمك .. لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

برداشت فوق، ناظر به

این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...> باشد که از جمله های <کذلک یجتیبک ربک و...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۹، ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیاها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلک مکنا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلّمه...> یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷، ۱۰، ۹، ۸

۸ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتني من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف)

ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

علمتني من تأويل الأحاديث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است، استفاده می شود.

۱۰ خداوند، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیاها و حوادث

رب قد .. علمتني من تأويل الأحاديث

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد ءاتيتني من الملك و علمتني .. أنت وليّ في الدنيا و الآخرة

دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ آگاهی به غیب و دانستن تعبیر رؤیاها، دانشهایی والا و گران سنگ است.

ذلکما مما علمنی ربی

<ذلک> و <ذلکما> و نظایر آنها برای اشاره به دور است. استعمال آن برای مشارالیه نزدیک، گویای این نکته است که: مشارالیه در نزد متکلم، امری با عظمت و بلند مرتبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۵

۵ تعبیر خواب های چند رشته و درهم و برهم، امری مشکل و درخور دانشی ویژه است.

و ما نحن بتأويل الأحلم بعلمين

دانش تعبیر رؤیا در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ خواب گزاری و تعبیر رؤیا ، دانشی رایج در مصر باستان

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

دانش تعبیر رؤیای برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۸

۸ یعقوب (ع) و فرزندانش به تعبیر خواب آگاهی داشتند .

لا تَقْصُصْ رِءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا

دانش تعبیر رؤیای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۸

۸ یعقوب (ع) و فرزندانش به تعبیر خواب آگاهی داشتند .

لا تَقْصُصْ رِءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) بهره مند از دانش تعبیر و تأویل رؤیایها

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا .. كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ

دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷،۸،۲۲

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كَذَلِكَ .. يَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق

وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ؛ یعنی، آن واقعت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع)

به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إني رأيت أحد عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

يجتبيك ربك و يعلمك .. لقد كان في يوسف و إخوته آيات للسائلين

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات> ، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و ..> باشد که از جمله های <کذلك يجتبيك ربك و ...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۹، ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند ، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلمه من تأويل الأحاديث

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكنا ليوسف في الأرض و لنعلمه من تأويل الأحاديث

<لام> در <لنعلمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل رخدادها ، دانشی

مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلمه من تأويل الأحاديث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلمه...> یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیایها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷،۱۴

۷ هم بندها یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ

۱۴ محسن بودن یوسف (ع) ، دلیل مراجعه هم بندها به او برای تعبیر رؤیا

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

جمله <إِنَّا نَرَاكَ> تعلیل برای <تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۳، ۱۰، ۱

۱ یوسف (ع) ، تقاضای هم بندها خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ .. قَالَ لَأَيُّكُمْ طَعَامٌ تَرْزُقَانَهُ إِلَّا تَبَأْتُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأویله> رؤیای هر یک از هم بندها یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قَالَ لَأَيُّكُمْ...> چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

۱۰ آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیایها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود .

ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد و محتمل

است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق، بر اساس احتمال نخست است.

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال: لما أمر الملك بحبس يوسف في السجن ألهمه الله علم تأويل الرؤيا... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع)، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت.

يصحبي السجن أما أحد كما فيسقى ربه خمراً

۲ یوسف (ع)، رؤیای < آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب > را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد.

أما أحد كما فيسقى ربه خمراً

<سَيِّقِي> (مصدر يسقى) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین <أما أحد كما فيسقى...> ; یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

۳ یوسف (ع)، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد.

و أما الآخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

<صلب> (مصدر يصلب) یعنی، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

۵ یوسف (ع)، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به

ایشان گوشزد کرد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضى الأمر...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۴۶، ۴۷، ۴۸

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذى نجا منهما وادّكر بعد أُمَّه

<ادّكر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی، <ادّكر> شده است. <أُمَّه> در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

۵ ساقی پادشاه، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه، اطمینان داشت .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أُنبئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف (ع) از تعبیر رؤیاهاست.

۶ ساقی پادشاه مصر، با بیان دانش یوسف (ع)، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبئکم بتأویله> می

رساند که: ساقی دربار، ماجرای یوسف (ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلك سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلك> هفت سال آبادانی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شکفت خویش آگاه شد.

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷، ۱۰، ۹، ۸

۸ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتی من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

علمتی من تأویل الأحادیث

برداشت

فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد .. علمتی من تأویل الأحادیث

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکتب و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتی من الملک و علمتی .. أنت ولی فی الدنيا و الآخره

دانش جادو در اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۷

۷- اطلاع مردم <ایکه> از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسخرین

دانش جادو در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۷

۷- اطلاع ثمودیان ، از مسأله افسون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسخرین

دانش خواندن در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۲

۲ - خواندن و نوشتن ، در صدراسلام ، وجود داشته است .

و ما كنت تتلوا من قبله من كتب ولا تخطه بيمينك

دانش کتابت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۲

۲ - خواندن و نوشتن ، در صدر اسلام ، وجود داشته است .

و ما كنت تتلوا من قبله من كتب ولا تخطه بيمينك

دانش کشاورزی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ -

۵ یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها، آگاهی کامل داشت.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی .. . علیم

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

روش تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۸

۸- روشِ آموختنِ علمِ تأویلِ حوادث و شناخت علل اصلی رخداد های هستی، روشی تجربی و عملی است.

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

شرایط تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع)، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است.

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

عوامل رشد دانش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۲

اوست.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لاءاباؤکم

موجبات دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

موسی(ع) و دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۹

۹- موسی (ع) بر روش آموختن علم تأویل حوادث ، شکیبایی نداشت .

سأتبتک بتأویل ما لم تستطع علیه صبراً

نعمت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث ، از نعمت های خداوند است .

کذلک .. و لنعلمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

نعمت دانش تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث ، از نعمت های خداوند

است .

كذلك .. و لنعلمه من تأويل الأحاديث

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأويل الأحاديث

دانشمندان

دانشمندان و آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۵

۵ آگاهان و دانشمندان از آیات و مظاهر تفصیل یافته خداوند در طبیعت بهره می برند.

قد فصلنا الأيت لقوم يعلمون

قرآن و دانشمندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۴

۴ هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالتق .. فالتق الإصباح ... النجوم لتهدوا ... قد فصلنا الأيت لقوم يعلمون

دانیال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دانیال(ع)

شکنجه پیروان دانیال(ع)

۴ - > قال رسول الله (ص) ... ملك بُخْتُ نَصْرَ مائَه سنه و سبعاً و ثمانين سنه ... و ملك بعده مِهْرَقِيَه بن بخت نصر ... و أخذ عند ذلك دانيال (ع) و حفر له جُباً في الأرض و طرح فيه دانيال (ع) و أصحابه و شيعته من المؤمنين فألقى عليهم النيران ... و هم الذين ذكرهم الله في كتابه العزيز فقال جلّ وعزّ > قتل أصحاب الأخدود ... < ;

رسول خدا(ص) فرمود: بُخْتُ نَصْرَ ۱۸۷ سال پادشاهی کرد .. و بعد

از وی فرزندش مَهْرَقِيَه پادشاه شد ... و در وقت حکومت خود، دانیال(ع) را دستگیر کرد و چاهی برای او در زمین حفر نمود و دانیال و اصحاب و پیروانش را در آن چاه افکند و آتش ها بر سرشان ریخت ... و اینها همان کسانی اند که خداوند جلّ و عزّ در کتاب عزیزش از آنان یاد نموده و فرموده است: قتل أصحاب الأُخدود...<

شکنجه دانیال(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۴

۴ - > قال رسول الله (ص) ... ملك بُحْتُ نَصْرَ مائَه سنه و سبعاً و ثمانين سنه ... و ملك بعده مَهْرَقِيَه بن بخت نصر ... و أخذ عند ذلك دانیال (ع) و حفر له جُباً في الأرض و طرح فيه دانیال (ع) و أصحابه و شيعته من المؤمنين فألقى عليهم النيران ... و هم الذين ذكرهم الله في كتابه العزيز فقال جلّوعزّ > قتل أصحاب الأُخدود ... < ;

رسول خدا(ص) فرمود: بُحْتُ نَصْرَ ۱۸۷ سال پادشاهی کرد ... و بعد از وی فرزندش مَهْرَقِيَه پادشاه شد ... و در وقت حکومت خود، دانیال(ع) را دستگیر کرد و چاهی برای او در زمین حفر نمود و دانیال و اصحاب و پیروانش را در آن چاه افکند و آتش ها بر سرشان ریخت ... و اینها همان کسانی اند که خداوند جلّ و عزّ در کتاب عزیزش از آنان یاد نموده و فرموده است: قتل أصحاب الأُخدود...<

داود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

داود(ع)

آثار تسیح داود(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۴

۴ - تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ . . . و الطير محشوره كلّ له أَوَاب

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که واژه <كلّ> شامل <جبال> (کوه ها) هم بشود.

آثار توبه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - رجوع و توجه همواره داوود (ع) به خداوند در زندگی ، موجب قدرت و توانمندی او شد .

داود ذالآیید إِنَّهُ أَوَاب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُ أَوَاب> در مقام تعلیل برای <ذالآیید> است؛ یعنی، چون داوود(ع) بسیار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود، صاحب قدرت و توانمند بود.

آمزش داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - دعای داوود (ع) برای آمرزیده شدن ، مورد استجاب خدا قرار گرفت .

فاستغفر ربّه . . . فغفرنا له

۲ - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم در گذشت و او را مورد آمزش قرار داد .

فغفرنا له ذلک

<ذلک> اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

آهنگری در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۶

۶- وجود صنعت آهنگری و ساخت و ساز ابزار آهنی در عصر داوود (ع)

أن اعمل سبغت

و قدّر في السرد

اجابت استغفار داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۱

۱ - دعای داوود (ع) برای آمرزیده شدن ، مورد استجاب خدا قرار گرفت .

فاستغفر ربّه .. فغفرنا له

اجابت دعای داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۱

۱ - دعای داوود (ع) برای آمرزیده شدن ، مورد استجاب خدا قرار گرفت .

فاستغفر ربّه .. فغفرنا له

اختلاف داود(ع) و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیہ غنم القوم و کنا لحکمهم شهدین

نوع مفسران بر آنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ> و <و كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا و عِلْمًا> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

اخلاص داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۷

۷ - داوود (ع)، بنده خالص و ارجمند خدا

عبدنا داود

از اضافه <عبد> به ضمیر

<نا> (الله) که اضافه تشریفیه و مفید تکریم است برداشت یاد شده به دست می آید.

استغفار داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۸

۱۸ - استغفار داود (ع) از پروردگار ، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

استمداد از داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۷

۷ - استمداد صاحب یک میش ، از داود (ع) در برابر طمع تجاوزکارانه برادر دارای ۹۹ میش

إنّ هذا أخي .. و عزّنی فی الخطاب

از ظاهر آیه شریفه برمی آید که آن برادر شاکی، از داود(ع) یاری خواسته بود.

استمداد دادخواه در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۷

۷ - استمداد صاحب یک میش ، از داود (ع) در برابر طمع تجاوزکارانه برادر دارای ۹۹ میش

إنّ هذا أخي ... و عزّنی فی الخطاب

از ظاهر آیه شریفه برمی آید که آن برادر شاکی، از داود(ع) یاری خواسته بود.

اقرار داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- اذعان داوود و سلیمان (ع) به وجود کسانی عالم تر و برتر از ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

و قالوا الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين

الگوگیری از داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- داوود (ع) ، مظهر صبر و مقاومت و الگوی صابران و بردباران تاریخ

واذکر عبدنا داود

توصیه شدن پیامبر اسلام(ص) به یادآوری سرگذشت حضرت داوود(ع)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

امتحان داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۶

۱۶- داوود (ع) ، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را ، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه

امکانات داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۶

۶- داوود و سلیمان ، برخوردار از تمامی امکانات مورد نیاز

و أوتینا من کلّ شیء

اهمیت قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳

۳- ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

>نبأ< به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

اهمیت قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳

۳- ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

>نبأ< به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

برادر دادخواه در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۷

۷- استمداد صاحب یک میش ،

از داوود (ع) در برابر طمع تجاوزکارانه برادر دارای ۹۹ میش

إِنَّ هَذَا أَخِي... و عَزَّي فِي الْخَطَاب

از ظاهر آیه شریفه برمی آید که آن برادر شاکی، از داوود(ع) یاری خواسته بود.

برگزیدگی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۱۰

۱۰- حضرت داوود (ع) ، از زمره انبیای برتر و برگزیده خداوند

و لقد فضلنا بعض النبيين على بعض و اتينا داود زبورًا

از اینکه خداوند، پس از ذکر برتری برخی از انبیا بر بعضی دیگر، از حضرت داوود(ع) سخن به میان آورده است، می تواند از باب ذکر خاص پس از عام، مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

يداود إِنَّا جعلنك خليفه في الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛ یعنی، خداوند تدبیر امور بندگان را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

بشارت به داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۹

۹ - بشارت خداوند به داوود (ع) و قومش ، مبنی بر اعطای پاداش عمل صالح به آنان

اعملوا صلحًا إِنِّي بما تعملون بصير

یادآوری آگاه بودن خدا از عمل داوود(ع) و قومش، پس از سفارش آنان به انجام عمل صالح، می

تواند به منظور این حقیقت باشد که عمل صالح آنان نادیده گرفته نشده و پاداش خواهد داشت.

بشر بودن داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۲

۲ - داوود (ع) ، برخوردار از روحيات و خصوصيات بشری (مانند ترس و ...) در برخورد ناگهانی با خطرات

إذ دخلوا علی داود ففزع منهم

بعثت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۹

۹ بعثت داود (ع) قبل از بعثت عیسی (ع)

علی لسان داود و عیسی ابن مریم

تقدیم ذکر داود بر عیسی حاکی از سبقت زمانی حضرت داود است.

بنی اسرائیل دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ گروهی از بنی اسرائیل زمان داود و عیسی عصیان پیشه و تجاوزگر بودند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بینش داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۱، ۱۹، ۱۶

۱۶ - داوود (ع) ، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را ، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه

۱۹ - داوود (ع) ، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان

مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

۲۱- به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خَزَّ رَاكِعًا

مقصود از <خَزَّ رَاكِعًا> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

پیروزی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۷،۲۶

۷ هلاکت جالوت ، به دست داود

و قتل داود جالوت

۲۶ کشته شدن جالوت (سر کرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملك

پیشگامی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد اتینا موسی و هرون .. یحیی ... انهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <انهم کانوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

تداوم تسبیح داود(ع)

۳ - داوود (ع) به طور مستمر به تسبیح خدا می پرداخت .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

تسبیح کوه ها همراه داوود(ع)، بیانگر این حقیقت است که خود آن حضرت نیز به این کار می پرداخت. گفتنی است که ذکر صبح و شام می تواند کنایه از استمرار عمل تسبیح باشد.

ترس داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - داوود (ع) ، برخوردار از روحيات و خصوصيات بشری (مانند ترس و ...) در برخورد ناگهانی با خطرات

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ ففَزِعَ مِنْهُمْ

۳ - پی بردن نزاع کنندگان و شاکیان به وحشت داوود (ع) از ورودشان و دلداری دادن آنان به آن حضرت

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ ففَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ

تسبیح داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴

۴ - فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

<اُویّی> (از مصدر <اوب>) در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن چنان که مفسران نیز گفته اند تکرار و رجوع در تسیح گویی

است.

۵ - هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أویبی معه

جمله <یا جبال أویبی معه>، بدل اشتمال و یا بدل کل از کل برای <فضلاً> است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

۷ - فرمان خداوند به پرندگان ، برای هم صدایی با داوود (ع) در تسبیح گویی

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . . . و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشد، نکته یاد شده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد شده، <الطیر> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۸ - هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . . . و الطیر

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أویبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ یَسْبِحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

۵ - همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود

(ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذالْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ . إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ

جمله <إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ..> می تواند تعلیل برای <ذالْأَيْدِ...> باشد؛ یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۲

۲ - تمامی پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) ، پیوسته به او مراجعه می کردند و با ایشان به تسبیح می پرداختند .

و الطير محشوره كل له اواب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که لام در <له> برای تعلیل و ضمیر آن به داوود بازگردد و نیز با توجه به این نکته است که آیه شریفه عطف بر آیه قبل بوده و در آن سخن از تسبیح کوه ها با داوود(ع) به میان آمده است. قهراً مقصود از رجوع بسیار پرندگان به آن حضرت (له اواب) رفت و آمد بسیار با ایشان، برای همراهی با او جهت تسبیح خواهد بود.

تشویق به مطالعه قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۱

۱ - تشویق پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به مطالعه در ماجرای گروه متخاصم و شاکی در نزد داوود (ع)

و هل أتیک نبؤا الخصم

استفهام در <هل أتاک..> برای تحریض و تشویق مخاطب است.

تعلیم زره سازی به داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -

۵- آموزش صنعت زره سازی به داوود (ع) ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به او

و لقد آتینا داود منّا فضلاً .. أن اعمل سبغت و قدّر فی السرد

تقرب داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۷

۷- داوود (ع) ، بنده خالص و ارجمند خدا

عبدنا داود

از اضافه <عبد> به ضمیر <نا> (الله) که اضافه تشریفیه و مفید تکریم است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۴

۴- داوود (ع) ، دارای قرب و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

و إنّ له عندنا لزلفی

<الزلفی> به معنای قرب و منزلت است.

تقوای داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷- داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود ... إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

تکلیف آل داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

۱۰ - آل داوود ، موظف به انجام عمل صالح به منظور ادای شکر به درگاه خداوند

اعملوا ءال داود شکرًا

<اعملوا> مقول قول محذوف است و مفعول <اعملوا> چیزی همانند <عملاً صالحاً> محذوف بوده و <شکرًا> مفعول له آن می باشد.

۱۴ - آل داوود موظف به شکر گزاری به درگاه خداوند

اعملوا ءال داود شکرًا

بنابراین که <شکرًا> مفعول به <اعملوا> باشد، <اعملوا> متضمن معنای <اشکروا> خواهد بود.

تکلیف داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۷

۷ - داوود (ع) و قومش ، به انجام اعمال صالح از سوی خداوند مأمور بودند .

و اعملوا صلحاً إتی بما تعملون بصیر

توبه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۶، ۲۲

۲۲ - انابه و توبه داوود (ع) به درگاه خداوند ، پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و أناب

۲۶ - < عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < و ظنّ داود < آی علم و < أناب < آی تاب ... >

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا روایت شده [که فرمود:] < و ظنّ داود > یعنی، دانست و < أناب > یعنی، توبه کرد. .. >.

توصیه های داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - موعظه و رهنمود داوود (ع) به دو برادر متخاصم ، با توصیه به ایمان و نیک کرداری و پرهیز از تجاوز به حقوق
یکدیگر

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغَىٰ . . .

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا ... و قلیل ما هم

بیان این نکته مهم و کلی که <بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ستم می کنند و تنها مؤمنان نیک کردار چنین نیستند> می تواند نوعی رهنمود و موعظه از سوی داوود(ع) به دو برادر متخاصم باشد. گفتنی است که درخواست رهنمود از داوود(ع) از سوی آن دو نفر (و اهدنا إلی سواء الصراط) مؤید برداشت یاد شده است.

ثروت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۱

۱ - سلیمان ، وارث مقام ، امکانات و دارایی های داوود

و ورث سلیمان داود

با توجه به آیه قبل (ما داوود و سلیمان را به نحو یکسان از علم ویژه برخوردار کردیم) باید اذعان کرد که مراد از حورث سلیمان داود< چیزی از قبیل علم موهبتی نیست. علاوه بر این، علوم موهبتی همانند نبوت برخلاف علوم اکتسابی اصولاً قابل انتقال نیست.

جنس منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۶

۶ - > عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجل إلی داود الملکین فتسورا المحراب . . .

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند. <..

جنگجویی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۵

۵- داوود (ع) ، پیامبری جنگجو و رزمنده در میدان های جنگ حق علیه باطل *

لبوس لكم لتحصنكم من بأسكم

آموزش صنعت اسلحه سازی و ساختن زره از سوی خداوند به داوود(ع)، حاکی از این است که آن حضرت، اهل رزم بوده و در میدان های جنگ حضور می یافت.

چوپانی در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۵

۵ - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعجه

حسن فرجام داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۵

۵ - داوود (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامی نیک

و حسن مثاب

<مثاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مثاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود ... إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إن للمتقین لحسن مثاب

<مثاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مثاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حکمت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۰

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود

، عطای خداوند به وی

و اتیه الله الملك و الحکمه و علمه ممّا یشاء

حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۶، ۱۵، ۱۰

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

و اتیه الله الملك و الحکمه و علمه ممّا یشاء

۱۵ داود ، حاکم الهی بنی اسرائیل ، پس از طالوت

انّ الله قد بعث لکم طالوت ملکاً .. و قتل داود جالوت و اتیه الله الملك

کاربرد <واو> عاطفه به جای <فاء>، با وجود اینکه اعطای ملک به <داود> مترتب بر کشته شدن جالوت است، می تواند اشاره به فاصله این دو امر باشد، و این فاصله ظاهراً مدّت زمان زمامداری طالوت است.

۲۶ کشته شدن جالوت (سرکرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۲

۲ - داوود (ع) ، در دوران رسالت خویش رهبری جامعه و مدیریت اجتماعی را در دست داشت .

و شددنا ملکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

حمد داود(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به

در گاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

خطر جنگ در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۷

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند.

داود... و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است که با داوود(ع) زندگی می کردند؛ زیرا مخاطب <کم> در این آیه آنان هستند. این امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

خلافت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد.

یداود إنا جعلنک خلیفه فی الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛ یعنی، خداوند تدبیر امور بندگان را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

خواسته های داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۱

۱۱ خداوند علومی را که مشیت او اقتضا می کرد به داود آموخت.

و علمه ممّا یشاء

خواستہ های منازعان قصہ داود(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۱، ۱۰، ۶

۶ - نزاع کنندگان

و شاکیان ، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

<شطط> در اصل به معنای تجاوز از حد و اندازه است و بیشترین کاربرد آن در معنای افراط، زیاده روی و ستم می باشد.

۱۰ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستار نمایاندن راه درست زندگی به آنان

و اهدنا إلی سواء الصراط

<سواء> در اصل به معنای وسط و میانه است. مقصود از آن در آیه شریفه، راه درست و میانه و به دور از افراط و تفریط در زندگی است.

۱۱ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستند که برای حل مشکلات و اختلافات اقتصادی آنها ، راه درست و میانه را به آنان بیاموزد .

و اهدنا إلی سواء الصراط

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که درخواست هدایت به راه درست، ممکن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد که از موضوعات اقتصادی است.

خویشاوندی منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۱

۱ - وجود نسبت برادری میان دو فرد نزاع کننده و متخاصم در نزد داوود (ع)

إِنَّ هَذَا أَخِي

دامداری در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۵

۵ - وجود دامداری و شغل چوپانی در عصر داوود (ع)

له تسع و تسعون نعهه

ءاوء(ع) از صالحان

ءءء - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٤ - ٨٥ - ٣

ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - داوود (ع) ، داوری عادل ، راهنمایی مطمئن در زندگی و مرجعی صالح برای رسیدگی به امور اجتماعی در نظر مردم عصر خود

هل أتیک نبؤا الخصم .. إذ دخلوا علی داود... خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بینن

داود(ع) از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۸

۸ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته .. و كذلك نجزی المحسنین

مشارالیه <کذلک> هم می تواند هدایت باشد، که از <هدینا> استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از <وهبنا> و <من ذریته> به دست می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

داود(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۵، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۸

۱۸ - استغفار داوود (ع) از پروردگار ، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتنّه فاستغفر ربّه

۱۹ - داوود (ع) ، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از

جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

۲۱- به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خَرَّ رَاكِعًا

مقصود از <خَرَّ رَاكِعًا> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

۲۲- انابه و توبه داوود (ع) به درگاه خداوند، پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و أَنَابَ

۲۵- > عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجل إلى داود الملكين فتسورا المحراب فقالا خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا بالحق إن هذا أخى له تسع و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . و لم يسئل المدعى البينه على ذلك و لم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بی‌نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می‌گویی؟ و این یک خطا

در شیوه دادرسی بود.<

داود(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد ولعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

درخواست از داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۶

۶ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

<شطط> در اصل به معنای تجاوز از حد و اندازه است و بیشترین کاربرد آن در معنای افراط، زیاده روی و ستم می باشد.

دعوی منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - نزاع کنندگان و شاکیان ، مسأله مورد اختلاف خود را نزد داوود (ع) مطرح کردند .

خصمان بغی بعضنا علی بعض

۵ - نزاع کنندگان و شاکیان ، در حضور داوود (ع) مدعی متجاوز بودن یکی از آنان در حق دیگری بودند .

خصمان بغی بعضنا علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۲،۳،۶

۲ - طرح دعوا و نزاع در حضور داوود (ع)، از سوی برادری که صاحب یک میش بود، آغاز گردید.

إِنَّ

هذا أخی له تسع و تسعون نعجه

۳- طمع کردن برادر دارای ۹۹ میش به تنها میش برادر خود ، ادعای نامه برادر شاکي به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أكفنیها

تعبیر <أكفنیها> (کفالت آن را به من واگذار) کنایه از بخشش و هدیه کردن است یعنی، این یک میش را به من هدیه کن.

۶- ادعای مالک تنها میش ، مبنی بر مغلوب شدنش در گفت و گو با برادر دارای ۹۹ میش ، در گرفتن حق خود

و عزنی فی الخطاب

<عزنی فی الخطاب> یعنی، او در گفتوگو با من، مرا مغلوب ساخت و من از عهده بحث با او برای گرفتن حقم بر نمی آیم و تو ای داوود مرا یاری کن.

دعوت از مردم دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- خداوند ، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان ، فرا خواند .

و علمنه صنعه لبوس لکم .. فهل أنتم شكرون

استفهام در جمله <فهل أنتم شاکرون>، متضمن معنای امر است.

دلایل نبوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود .. و علمنه صنعه لبوس لکم ... فهل أنتم شكرون

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و شواهد نبوت آنان است.

دلدارى به داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص -

۳ - پی بردن نزاع کنندگان و شاکیان به وحشت داوود (ع) از ورودشان و دلداری دادن آنان به آن حضرت

إذ دخلوا على داود ففرع منهم قالوا لا تخف

دیوار جایگاه اختصاصی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۴

۴ - بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار جایگاه ویژه داوود (ع)

إذ تسوّروا المحراب

<تسوّروا> از ماده <سور> (به معنای دیوار بلند) است و به کسی گفته می شود که دزدانه بر دیواری بالا-رود. به عنوان مثال <تسور فلان>؛ یعنی، فلانی به دیوار بالا-رفت. واژه <محراب> نیز در دو معنا به کار می رود: ۱ جایگاه پادشاهان و بهترین جای منزل (قاموس المحيط)؛ ۲ جایگاه امام جماعت. گفتنی است که برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

دیوار محراب داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۵،۶

۵ - بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار محراب (جایگاه عبادت) داوود (ع)

إذ تسوّروا المحراب

۶ - > عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجلّ إلى داود الملكين فتسوّرا المحراب . . . ؛

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجلّ دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند. <..>

ذکر قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- داستان داوود و سلیمان ، شایسته یاد و یادآوری است .

و داود و

سليمن إذ يحكمان في الحرث

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <داود> مفعولٌ به برای فعل مقدری، چون <اذکر> باشد (البته با حذف مضافی مانند <خبر>) یعنی، به یاد آور خبر داوود و سلیمان را.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۴

۴ - توصیه خداوند به پیامبر اسلام مبنی بر یادآوری سرگذشت داوود پیامبر، در دوران سخت رسالت خود

واذکر عبدنا داود

رسالت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع)، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إنا جعلنك خليفة في الأرض فاحكم بين الناس بالحقّ

رهبری داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۲

۲ - داوود (ع)، در دوران رسالت خویش رهبری جامعه و مدیریت اجتماعی را در دست داشت .

و شددنا ملکه

زره سازی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۷، ۱۶، ۳، ۱

۱- خداوند ، صنعت زره سازی را به داوود (ع) آموخت .

داود . . . و علّمنه صنعه لبوس

<لبوس> در اصل به معنای لباسی است که انسان را از هر چیز زشتی بپوشاند (مفردات راغب) و مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه <لتحصنکم من بأسکم> (تا شما را از خطرات جنگ حفظ کند) می تواند زره باشد. گفتنی است که برخی از اهل لغت <لبوس> را به معنای <درع> (زره) گرفته اند(قاموس).

۳- صنعت زره سازی ، از

دستاورد های داوود (ع) است .

داود . . . و علمنه صنعه لبوس

با توجه به این که آیات در مقام بر شمردن ویژگی های پیامبران و نیز لطف خاص خداوند به داوود(ع) است، چنین استفاده می شود که این صنعت سابقه نداشته است و در غیر این صورت، ذکر این مورد چندان مناسبتی نداشت.

۱۶- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لكم ... فهل أنتم شكرون

نوع مفسران برآند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و شواهد نبوت آنان است.

۱۷- > عن أبي عبد الله (ع) إنَّ أمير المؤمنين (ع) قال : أوحى الله عزَّوجلَّ إلى الحديد أن لِنَ لِعبدى داود فألان الله عزَّوجلَّ له الحديد فكان يعمل كل يوم درعاً ;

از امام صادق(ع) روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: خدای عزوجلّ به آهن وحی کرد که برای بنده من داوود نرم شو، پس خدای عزوجلّ آهن را برای او نرم کرد و او هر روز یک زره می ساخت.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) : إنَّ أمير المؤمنين (صلى الله عليه) قال : أوحى الله عزَّوجلَّ إلى داود (ع) : إنَّك نعم العبد لولا أنَّك تأكل من بيت المال و لاتعمل بيدك شيئاً ، قال : فبكى داود (ع) (أربعين صباحاً فأوحى الله عزَّوجلَّ إلى الحديد : أن لِنَ لِعبدى داود فألان الله عزَّوجلَّ له الحديد فكان يعمل

كُلَّ يَوْمٍ دَرَعًا فَبِيعَ هَا بِأَلْفٍ دَرَهْمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثَمَآهَ وَ سَتَيْنَ دَرَعًا فَبَاعَ هَا بِثَلَاثَمَآهَ وَ سَتَيْنَ أَلْفًا وَ اسْتَغْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ ۚ

از امام صادق(ع) روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: خداوند به داوود وحی کرد که تو بنده خوبی هستی، جز این که از بیت المال ارتزاق می کنی و با دست خود کار نمی کنی. داوود(ع) چهل روز گریست، سپس خداوند به آهن وحی کرد که برای بنده ام داوود نرم شو و با این آهن را برای داود نرم کرد و داوود(ع) هر روز زرهی می ساخت و آن را هزار درهم می فروخت. او ۳۶۰ زره ساخت و آنها را به ۳۶۰ هزار درهم فروخت و از بیت المال بی نیاز گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - فرمان خداوند به داوود (ع) ، برای ساختن زره های کامل از آهن

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ اَعْمَلَ سَبْعَتَ

<أَنْ> برای تفسیر بوده و در نقش <أى> است ۚ یعنی، ما آهن را برای داوود نرم ساختیم به این معنا که با آهن زره بساز. گفتنی است که <سابغات> در لغت به معنای تام فراخ است (مفردات راغب) و صفت برای موصوف محذوف <دروع> می باشد.

۲ - ممکن شدن زره سازی برای داوود (ع) از آهن ، فلسفه نرم شدن آهن برای آن حضرت

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ اَعْمَلَ سَبْعَتَ

بنابراین که <أَنْ> مصدری باشد، معنا چنین می شود: ما آهن را برای داوود نرم کردیم، به منظور ساختن زره هایی کامل.

زمینه قدرت داود(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - رجوع و توجه همواره داوود (ع) به خداوند در زندگی، موجب قدرت و توانمندی او شد.

داود ذالآید إنّه أَوَاب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه أَوَاب> در مقام تعلیل برای <ذالآید> است؛ یعنی، چون داوود(ع) بسیار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود، صاحب قدرت و توانمند بود.

زیان کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع)، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، اختلاف نظر داشتند.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهیدین

نوع مفسران برآنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنا لحکمهم شاهدین> و <و کلاً آتینا حکماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

سجده داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ - به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خزر راکعاً

مقصود از <خزر راکعاً> مطابق نظر بیشتر

مفسران سجده است.

سلاحهای دفاعی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۲

۲- خداوند ، صنعت ساختن سلاح های دفاعی و بازدارنده را به داوود (ع) آموخت .

داود . . . و علمنه صنعه لبوس

یکی از موارد کاربرد واژه <لبوس>، مطلق <سلاح> است (لسان العرب)؛ ولی با توجه به جمله <لتحصنکم من بأسکم> مقصود از آن سلاح هایی است که جنبه دفاعی دارد و انسان را از ضربه های دشمن حفظ کرده و از هرگونه حمله بازمی دارد.

شکرگزاری آل داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۴،۱۸

۱۴ - آل داوود موظف به شکرگزاری به درگاه خداوند

اعملوا ءال داود شکرًا

بنابراین که <شکرًا> مفعولٌ به <اعملوا> باشد، <اعملوا> متضمن معنای <اشکروا> خواهد بود.

۱۸ - > عن أبي عبدالله (ع) في قوله تعالى <اعملوا آل داود شكرًا> قال : كانوا ثمانين رجلاً- و سبعين إمرأه ما أغبّ المحراب رجل واحد منهم يصلی فیه ;

از امام صادق(ع) درباره قول خدای تعالی <اعملوا آل داود شکرًا> روایت شده که فرمود: هشتاد مرد و هفتاد زن بودند که هرگز مردی از آنان مواظبت بر نماز را در محل عبادت ترک نکرد [و بدین گونه شکر خود را انجام می دادند].<

صبر داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - داوود (ع) ، مظهر صبر و مقاومت و الگوی صابران و بردباران تاریخ

واذکر عبدنا داود

توصیه شدن پیامبر اسلام (ص) به یادآوری سرگذشت حضرت داوود (ع)،

می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

صفات داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۵

۵- داوود (ع) ، پیامبری جنگجو و رزمنده در میدان های جنگ حق علیه باطل *

داود .. و علمه صنه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آموزش صنعت اسلحه سازی و ساختن زره از سوی خداوند به داوود(ع)، حاکی از این است که آن حضرت، اهل رزم بوده و در میدان های جنگ حضور می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۸

۸ - داوود (ع) ، شخصیتی نیرومند و پرتوان

و اذکر عبدنا داود ذالآید

<آید> به معنای قوت و شدت است و <ذالآید> یعنی، صاحب قدرت و نیرومند.

طمع منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۳

۳ - طمع کردن برادر دارای ۹۹ میش به تنها میش برادر خود ، ادعای نامه برادر شاکی به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أكفنیها

تعبیر <أكفنیها> (کفالت آن را به من واگذار) کنایه از بخشش و هدیه کردن است، یعنی، این یک میش را به من هدیه کن.

ظلم در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۴

۴ - رواج ستم و تجاوز به حق ، در میان بسیاری از شریکان در عصر داوود (ع)

و إنّ كثيراً من الخلقاء لیبغی بعضهم علی بعض

عبادات آل داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ - > عن أبي عبد الله (ع) في قوله تعالى < اعملوا آل داود شكراً > قال : كانوا ثمانين رجلاً و سبعين إمرأه ما أغبّ المحراب رجل واحد منهم يصلی فيه ;

از امام صادق(ع) درباره قول خدای تعالی < اعملوا آل داود شكراً > روایت شده که فرمود: هشتاد مرد و هفتاد زن بودند که هرگز مردی از آنان مواظبت بر نماز را در محل عبادت ترک نکرد [و بدین گونه شکر خود را انجام می دادند].

عبرت از قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۲

۲ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، درس آموز برای پیامبراسلام (ص)

و هل أتیک نبؤا الخصم

از تشویق شدن پیامبر(ص) به مطالعه در این ماجرا، برداشت یاد شده استفاده می شود.

عبرت از قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۲

۲ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، درس آموز برای پیامبراسلام (ص)

و هل أتیک نبؤا الخصم

از تشویق شدن پیامبر(ص) به مطالعه در این ماجرا، برداشت یاد شده استفاده می شود.

عبودیت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۷

۷- داوود (ع)، بنده خالص و ارجمند خدا

عبدنا داود

از اضافه <عبد> به ضمیر <نا> (اللّه) که اضافه تشریفیه و مفید تکریم است برداشت یاد

شده به دست می آید.

عدالت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۶،۱۲

۶ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لا تشطط

<شطط> در اصل به معنای تجاوز از حد و اندازه است و بیشترین کاربرد آن در معنای افراط، زیاده روی و ستم می باشد.

۱۲ - داوود (ع) ، داوری عادل ، راهنمایی مطمئن در زندگی و مرجعی صالح برای رسیدگی به امور اجتماعی در نظر مردم عصر خود

هل أتیک نبؤا الخصم ... إذ دخلوا علی داود... خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بینن

علم داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

واتیه الله الملك والحکمه و علمه ممّا یشاء

۱۱ خداوند علومی را که مشیت او اقتضا می کرد به داود آموخت .

و علمه ممّا یشاء

۱۲ خداوند برخی دانش های درخواستی داود را به وی آموخت . *

و علمه ممّا یشاء

چنانچه <من> در <مّمّا یشاء> برای تبعیض باشد، مراد از ضمیر فاعلی در <یشاء>، داود خواهد بود نه الله. چون معنا ندارد خداوند چیزی را بخواهد و ولی برخی از آن انجام پذیرد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۳،۷

۳ - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان

و قال یاٰیها الناس

۷- آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

عَلَمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتِنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

با این که <و اوتینا من کل شیء> شامل <منطق الطیر> هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت به داوود و سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۶

۲۶ - <عن أبي جعفر (ع) في قوله: <و ظنّ داود <أى علم و <أناب <أى تاب ... >>

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا روایت شده [که فرمود: <و ظنّ داود> یعنی، دانست و <أناب> یعنی، توبه کرد. <..>.

علم لدنى داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سلیمان (ع)، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان .. و كَلَّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا و عَلَمًا

عمل خیر داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

و لقد ءَاتَيْنَا

موسی و هرون ... یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عمل صالح آل داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - آل داوود ، موظف به انجام عمل صالح به منظور ادای شکر به درگاه خداوند

اعملوا ءال داود شکرًا

<اعملوا> مقول قول محذوف است و مفعول <اعملوا> چیزی همانند <عملاً صالحاً> محذوف بوده و <شکرًا> مفعول له آن می باشد.

عمل صالح داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۷

۷ - داوود (ع) و قومش ، به انجام اعمال صالح از سوی خداوند مأمور بودند .

و اعملوا صلحاً إتی بما تعملون بصیر

فرزند داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۲

۲ - سلیمان (ع) ، فرزند حضرت داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمان

فضایل داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

و اتیه الله الملك و الحکمه و علمه ممّا یشاء

۲۶ کشته شدن جالوت (سرکرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر

خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و يعقوب . . . و كلا فضلنا على العالمين

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم که در اولین نظر از کلمه <العالمین> به ذهن می آید مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم <العالمین> را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۲،۳،۴،۸

۲- امتیاز سلیمان بر داوود (ع)، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . ففهمنها سلیمان

۳- حضرت سلیمان (ع)، مورد توجه و عنایت خداوند، حتی در زمان داوود (ع)

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . ففهمنها سلیمان

۴- داوود و سلیمان (ع)، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کلاً ءاتینا حکماً و علماً

۸- داوود (ع) برخوردار از مقام والا در پیشگاه خداوند و بهره مند از لطف ویژه او

و سخّرنا مع داود الجبال یسبحن و الطیر

از آن جایی که خداوند، کوه ها و پرندگان را برای هم آوایی با داوود(ع) در تسبیح الهی تسخیر و رام کرد با آن که همه پدیده ها در حال تسبیح او هستند می تواند برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۳،۵،۶،۹

۳ - آگاهی

داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان

و قال يأيها الناس علمنا منطق الطير

۵- آگاهی به گفتار پرندگان، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد آتينا داود و سليمان علمًا .. و قال يأيها الناس علمنا منطق الطير

۶- داوود و سلیمان، برخوردار از تمامی امکانات مورد نیاز

و آتينا من کل شیء

۹- الطاف الهی در حق داوود و سلیمان (ع)، الطافی آشکار برای همگان

و قال يأيها الناس .. إن هذا لهو الفضل المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۶، ۵، ۳، ۲

۲- داوود (ع)، صاحب برتری و فضیلت بر دیگران

و لقد آتينا داود منّا فضلاً

<فضلاً> با توجه به معنای لغوی آن (زیادت از حد متوسط) می تواند به معنای برتری باشد. هم چنین می تواند به معنای اصطلاحی آن (نعمت و احسان) باشد. برداشت یاد شده بنابر معنای اول است.

۳- داوود (ع)، دارای شرافت و امتیازی ویژه در پیشگاه خداوند

و لقد آتينا داود منّا فضلاً

<من> در <منّا> ابتدایی و متعلق به <آتینا> است. آوردن عبارت <منّا> به رغم این که جمله بی نیاز از آن است برای تشریف بوده و حکایت از مقام و منزلت داوود(ع) در پیشگاه خداوند دارد.

۵- هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد آتينا داود منّا فضلاً یجبال أوبی معه

جمله <یا جبال أوبی معه>، بدل اشتمال و یا بدل کل از کل برای

<فضلاً> است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

۶ - خداوند ، تسخیرکننده پرندگان برای داوود (ع)

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و الطیر

بنابراین که <الطیر> عطف به <فضلاً> باشد، <ایتای طیر> به داوود(ع) به معنای مسخر بودن پرندگان برای داوود(ع) خواهد بود.

۸ - هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و الطیر

۹ - مسخر بودن پرندگان برای داوود (ع) ، فضیلتی اعطایی از جانب خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و الطیر

۱۲ - نرم شدن آهن برای حضرت داوود (ع) ، بدون استفاده از آلات ذوب فلز ، فضیلتی اعطایی از جانب خداوند به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) : إنَّ أمير المؤمنين (صلى الله عليه) قال : أوحى الله عزَّوجلَّ إلى داود (ع) : إنَّكَ نِعْمَ الْعَبْدُ لَوْلَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئاً ، قال : فبكى داود (ع) أربعين صباحاً فأوحى الله عزَّوجلَّ إلى الحديد : أن لِيْنُ لِعَبْدِي دَاوُدَ فَأَلَايْنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ فَكَانَ يَعْجَلُ كُلَّ يَوْمٍ دَرْعاً فَبِيعَ هَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثَمِئَةَ وَ سِتِّينَ دَرْعاً فَبَاعَ هَا بِثَلَاثَمِئَةَ وَ سِتِّينَ أَلْفاً وَ اسْتَغْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود:

خداوند به داوود وحی کرد که تو بنده خوبی هستی، جز این که از بیت المال ارتزاق می کنی و با دست خود کار نمی کنی. داوود(ع) چهل روز گریست، سپس خداوند به آهن وحی کرد که برای بنده ام داوود نرم شو و با این وحی آهن را برای داوود نرم کرد و داوود(ع) هر روز زرهی می ساخت و آن را هزار درهم می فروخت. او ۳۶۰ زره ساخت و آنها را به ۳۶۰ هزار درهم فروخت و از بیت المال بی نیاز گشت < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۵

۵ - آموزش صنعت زره سازی به داوود (ع) ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به او

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا .. انْ اعمل سبغت و قدر فی السرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۵،۷،۱۰

۵ - داوود (ع) ، مظهر صبر و مقاومت و الگوی صابران و بردباران تاریخ

واذکر عبدنا داود

توصیه شدن پیامبر اسلام(ص) به یادآوری سرگذشت حضرت داوود(ع)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۷ - داوود (ع) ، بنده خالص و ارجمند خدا

عبدنا داود

از اضافه <عبد> به ضمیر <نا> (الله) که اضافه تشریفیه و مفید تکریم است برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۰ - داوود (ع) ، در همه امور زندگی به خدا روی می آورد و همواره او را مرجع خود می دانست .

إِنَّهُ أَوَّابٌ

<أَوَّابٌ> (از ماده <أَوَّبَ>) صیغه مبالغه و به معنای

<رجوع> است؛ یعنی، داوود(ع) بسیار مراجعه کننده به خدا و متوجه او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۳

۳ - تمامی پرندگان در خدمت داوود (ع) و در رفت و آمد بسیار، با ایشان بودند.

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که اوّاب بودن پرندگان برای تسبیح با داوود(ع) نباشد؛ بلکه این رجوع و بازگشت مکرر و پیوسته، صرفاً به خاطر در خدمت او بودن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - داوود (ع)، داوری عادل، راهنمایی مطمئن در زندگی و مرجعی صالح برای رسیدگی به امور اجتماعی در نظر مردم عصر خود

هل أتیک نبؤا الخصم... إذ دخلوا علی داود... خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بینن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۴

۴ - داوود (ع)، دارای قرب و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

و إنّ له عندنا لزلفی

<الزلفی> به معنای قرب و منزلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۳

۳ - داوود (ع)، برخوردار از مقام و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

یداود إنّنا جعلنک خلیفه فی الأرض

اعطای مقام <خلیفه اللهی> به داوود(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان

، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، یسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. . إسمعیل و یسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنَّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

فلسفه زره سازی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۴

۴- فنّ زره سازی داوود (ع) ، در جهت حفظ مردم از خطرات و پی آمد های جنگ بود .

داود .. . علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

فواید قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، یسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. . سلیمن ... ائیوب ... ابرهیم و اسحق و یعقوب... إسمعیل و یسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

قدرت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۸،۱۴

۸ - داوود (ع) ، شخصیتی نیرومند و پرتوان

<أید> به معنای قوت و شدت است و <ذالْأید> یعنی، صاحب قدرت و نیرومند.

۱۴ - <عن أبی جعفر (ع) قال: الید فی کلام العرب القوّه و النعمه قال (الله عزّوجلّ): > واذکر عبدنا داود ذالْأید <... >;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: <ید> در کلام عرب همان قوت و نعمت است. ... [خداوند عزّوجلّ] فرمود: <واذکر عبدنا داود ذالْأید> <...>.

قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۹

۹ بعثت داود (ع) قبل از بعثت عیسی (ع)

علی لسان داود و عیسی ابن مریم

تقدیم ذکر داود بر عیسی حاکی از سبقت زمانی حضرت داود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع)، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

<نفث> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۹- <أحمد بن عمر الحلّبی قال: سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عزّوجلّ: > و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث < قال: کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم، و الذی فہم الله عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام کلّه >;

احمد بن عمر حلّبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و داود

و سليمان إذ يحكمان في الحرث < سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سليمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.>

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) قال : كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفثت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلى سليمان (ع) ليحكم بينكما فذهبوا إليه فقال : سليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما في بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولدها إلى صاحب الكرم و كان هذا حکم داود ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...<

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع)

(فی) قول الله عزوجلّ : < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > . . . قال : إنه كان أوحى الله عزوجلّ إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجلّ إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجلّ < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود در آورد . . . پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۷، ۴، ۱

۱- خداوند ، صنعت زره سازی را به داوود (ع) آموخت .

داود . . . و علّمه صنعه لبوس

<لبوس> در اصل به معنای لباسی است که انسان را از هر چیز زشتی بپوشاند (مفردات

راغب) و مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه <لتحصنکم من بأسکم> (تا شما را از خطرات جنگ حفظ کند) می تواند زره باشد. گفتنی است که برخی از اهل لغت <لبوس> را به معنای <درع> (زره) گرفته اند (قاموس).

۴- فنّ زره سازی داوود (ع) ، در جهت حفظ مردم از خطرات و پی آمد های جنگ بود .

داود .. و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند ، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند .

داود .. و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است که با داوود(ع) زندگی می کردند؛ زیرا مخاطب <کم> در این آیه آنان هستند. این امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۶

۶ - خداوند ، تسخیر کننده پرندگان برای داوود (ع)

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا .. و الطیر

بنابراین که <الطیر> عطف به <فضلاً> باشد، <ایتای طیر> به داوود(ع) به معنای مسخر بودن پرندگان برای داوود(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - فرمان خداوند به داوود (ع) ، برای ساختن زره های کامل از آهن

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبْعَتَ

<أَنْ> برای تفسیر بوده و در نقش <أی> است؛ یعنی، ما آهن را برای داوود نرم ساختیم به این معنا که با آهن

زره بساز. گفتنی است که <سابغات> در لغت به معنای تام فراخ است (مفردات راغب) و صفت برای موصوف محذوف <دروع> می باشد.

۲- ممکن شدن زره سازی برای داوود (ع) از آهن، فلسفه نرم شدن آهن برای آن حضرت

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبِغَت

بنابراین که <آن> مصدری باشد، معنا چنین می شود: ما آهن را برای داوود نرم کردیم، به منظور ساختن زره هایی کامل.

۳- فرمان خداوند به داوود (ع) برای ساختن زره هایی با حلقه های متناسب و به اندازه از آهن

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبِغَت وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ

<سرد> یعنی، <نسج> و بافت (المنجد) و به معنای سوراخ های خشن مثل حلقه های آهنی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۵، ۲۱، ۱۳

۱۳- برادر مظلوم و دارای یک میش، مورد دلداری داوود (ع) قرار گرفت.

وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي . . . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . وَ قَلِيلٌ مَّا هُمْ

از ظاهر آیه استفاده می شود که سخن داوود(ع) برای دلداری به برادر مظلوم بوده است.

۲۱- به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

وَ خَزَّ رَاكِعًا

مقصود از <خزّ راکعاً> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

۲۵- <عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجلّ إلى داود الملكين فتسورا المحراب فقالا خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم

بيننا بالحقّ إنّ هذا أخي له تسع و تسعون نعجه .

.. فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . و لم يسئل المدعى اليينه على ذلك و لم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بی‌توجهی نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می‌گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۲

۲ - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم در گذشت و او را مورد آمرزش قرار داد .

فغفرنا له ذلك

<ذلك> اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوہ

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیہ غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیہ غنم القوم و کنا لحکمهم شهدین

نوع مفسران بر آنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کُنَّا لِحَكْمِهِمْ شَاهِدِينَ> و <و كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

۸- <عن أبي جعفر (ع) فی قول الله تبارک و تعالی : <داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . > قال لم یحکما إنما کانا یتناظران ففهمها سلیمان . . . ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدای تبارک و تعالی <و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث..> روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول

مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد.

۹- > أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ : > و داود و سليمان إذ يحكما في الحرث < قال : كان حكم داود (ع) رقاب الغنم ، و الذي فهم الله عزَّوجلَّ سليمان (ع) أن احكم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام كله ;

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن (ع) در باره سخن خداوند عزوجل > و داود و سلیمان إذ يحكما في الحرث < سؤال کردم، فرمود: حکم داود (ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) قال : كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفشت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلى سليمان (ع) ليحكم بينكما فذهب إليه فقال : سليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما في بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولدها إلى صاحب الكرم و كان هذا حكم داود . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباہ کردند . . . صاحب

تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بیچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بیچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۲

۲- امتیاز سلیمان بر داوود (ع)، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث .. ففهمنها سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۷

۷- خداوند به داوود (ع)، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد .

و ءاتینه .. فصل الخطاب

>فصل< مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه <خطاب> به معنای سخن بوده و مقصود از <فصل خطاب> سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه <خطاب> به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از <فصل خطاب> رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

جلد - نام سوره -

۱ - حکم داوود (ع)، به ظالمانه بودن کار صاحب ۹۹ میش در طمع کردن به تنها میش برادرش

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك إلى نعاجه

۱۶ - داوود (ع)، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه

۱۸ - استغفار داوود (ع) از پروردگار، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

۱۹ - داوود (ع)، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

۲۵ - > عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجلّ إلى داود الملكين فتسورا المحراب فقالا خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا بالحقّ إنّ هذا أخى له تسع و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . و لم يسئل المدعى البينه على ذلك و لم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ;

امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بیینه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۲

۲ - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم در گذشت و او را مورد آمرزش قرار داد .

فغفرنا له ذلک

<ذلک> اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

کتاب آسمانی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳- > عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) انه سأله عن قول الله عزوجل : > و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر > ما

الزبور و ما الذكر؟ قال : الذكر عندالله ، والزبور الذي أنزل على داود ؛

از عبدالله بن سنان

نقل شده که از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزوجل <و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر> پرسید زبور چیست ذکر کدام است؟ فرمود: ذکر نزد خدا است و زبور آن است که بر داوود نازل شده است.<

کتاب داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۴

۱۴ حضرت داود (ع) از پیامبران پس از نوح (ع) و دارای کتابی از جانب خدا به نام زبور

و آتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۱۲

۱۲- > [النبي (ص)] قال :... أما العشرون : أنزل الزبور على داود في عشرين يوماً خلون من شهر رمضان و ذلك قوله في القرآن : < و آتينا داود زبوراً > ... ;

پیامبر(ص) فرمود: ... اما بیست ... مقصود بیستم ماه رمضان است که در آن زبور بر داوود نازل شد و این سخن خدا در قرآن است که می فرماید: و آتینا داود زبوراً...<

کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۳، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث إذ نفثت فيه غنم القوم

<نفث> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده

به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیہ غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تشبیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

۹- < أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ : > و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث < قال : كان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهم الله عزَّوجلَّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام كله ;

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن (ع) در باره سخن خداوند عزوجل <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود (ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.

۱۰- < عن أبي عبد الله (ع) قال : كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفشت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلى سلیمان (ع) ليحكم بينكما فذهب إليه فقال : سلیمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما في بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل

فإنه يدفع ولدها إلى صاحب الكرم و كان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . . . صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...<

۱۱- < عن أبي عبد الله (ع) (في) قول الله عز وجل : > و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث < . . . قال : إنه كان أوحى الله عز وجل إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عز وجل إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجل < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزوجل به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او

را برانگیخت و وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حق ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...>

کیفیت زره سازی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۳

۳ - فرمان خداوند به داوود (ع) برای ساختن زره هایی با حلقه های متناسب و به اندازه از آهن

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبْغَتَ وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ

>سرد<؛ یعنی، >نسج< و بافت (المنجد) و به معنای سوراخ های خشن مثل حلقه های آهنی است (مفردات راغب).

لعن داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۲، ۱

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از >لعن< داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله >لعن ... علی لسان داود و عیسی< به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

۲ داود و عیسی

(ع) ، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی اسرائیل *

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

بدان احتمال که فاعل محذوف <لعن>، الله باشد. گفتنی است که لعنت خداوند نسبت به کافران بنی اسرائیل بر لسان داود(ع) و عیسی(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

۱۱ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۳ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم ...

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

مالکیت خصوصی در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

وجود مالکیت شخصی در عصر داوود (ع) و مشروع بودن آن

له تسع و تسعون نعجه و لی نعجه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۳

۳ - محترم بودن مالکیت شخصی در عصر داوود (ع)

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک إلى نعاجه

انتقاد نکردن از داشتن ۹۹ میش و ظالمانه دانستن تصاحب تنها میش برادر، گویای برداشت یاد شده است.

مبانی قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) (فی) قول الله عزوجلّ: < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > . . . قال: إنه كان أوحى الله عزوجلّ إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجلّ إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجلّ < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ...

پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...<

محدوده حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - > عن أبي جعفر (ع) قال: ... و أما داود فملك ما بين الشامات إلى بلاد الإصطخر و كذلك كان ملك سليمان ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. محدوده پادشاهی داوود ما بین شامات تا بلاد اصطخر بوده است و همچنین پادشاهی سلیمان...<

محمد(ص) و قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۶

۶ - آشنایی قبلی پیامبر اسلام (ص) از سرگذشت حضرت داوود (ع)

و اذکر عبدنا داود

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لازمه یادکرد، آشنایی است.

مشورت سلیمان(ع) با داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۳

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تثنیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که

حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه،

بعید به نظر می رسد.

معجزه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم ... فهل أنتم شکرون

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و شواهد نبوت آنان است.

معلم داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، صنعت زره سازی را به داوود (ع) آموخت .

داود . . . و علمنه صنعه لبوس

<لبوس> در اصل به معنای لباسی است که انسان را از هر چیز زشتی بپوشاند (مفردات راغب) و مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه <لتحصنکم من بأسکم> (تا شما را از خطرات جنگ حفظ کند) می تواند زره باشد. گفتنی است که برخی از اهل لغت <لبوس> را به معنای <درع> (زره) گرفته اند(قاموس).

۲- خداوند ، صنعت ساختن سلاح های دفاعی و بازدارنده را به داوود (ع) آموخت .

داود . . . و علمنه صنعه لبوس

یکی از موارد کاربرد واژه <لبوس>، مطلق <سلاح> است (لسان العرب)؛ ولی با توجه به جمله <لتحصنکم من بأسکم> مقصود از آن سلاح هایی است که جنبه دفاعی دارد و انسان را از ضربه های دشمن حفظ کرده و از هرگونه حمله بازمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - خداوند، به داوود (ع) حکمت آموخت

و ءاتینه الحکمه

۷- خداوند به داوود (ع)، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد.

و ءاتینه .. فصل الخطاب

<فصل> مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه <خطاب> به معنای سخن بوده و مقصود از <فصل خطاب> سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه <خطاب> به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از <فصل خطاب> رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

مقام قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سلیمان (ع)، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان .. و کلاً ءاتینا حکماً و علماً

مقامات داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۱۰

۱۰- حضرت داوود (ع)، از زمره انبیای برتر و برگزیده خداوند

و

لقد فضلنا بعض النبيين على بعض وءاتينا داود زبورًا

از اینکه خداوند، پس از ذکر برتری برخی از انبیا بر بعضی دیگر، از حضرت داوود(ع) سخن به میان آورده است، می تواند از باب ذکر خاص پس از عام، مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۷

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کلاًءاتینا حکماً و علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۴

۴ - داوود (ع) ، برخوردار از مقامی والا و ممتاز در پیشگاه خداوند

إنّا سخّرنا الجبال معه یسبحن بالعشيّ و الإشراق

تسخیر کوه ها برای تسبیح گویی به همراه داوود(ع)، از عظمت و والامقامی این پیامبر حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۵

۵ - داوود (ع) ، برخوردار از مقامی والا و ممتاز در پیشگاه خداوند

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱،۳

۱ - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار

یداود اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيفَهٗ فِى الْاَرْضِ

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛ یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

۳- داوود (ع) ، برخوردار از مقام و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

یداود اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيفَهٗ فِى الْاَرْضِ

اعطای مقام <خلیفه الهی> به داوود(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

مقامات معنوی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۵

۵- همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذالْاَیْدِ اِنَّهٗ اَوْابٌ . اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعِهٖ یَسْبَحْنَ

جمله <اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ ..> می تواند تعلیل برای <ذالْاَیْدِ...> باشد؛ یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح پردازند.

منازعات قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳،۴،۵

۳- ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل اَتیک نبؤا الخصم

<نبأ> به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

۴- بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار جایگاه ویژه داوود (ع)

إذ تسوّروا المحراب

<تسوّروا> از ماده <سور> (به معنای دیوار بلند) است و به کسی گفته می شود که دزدانه بر دیواری بالا رود. به

عنوان مثال <تسور فلان> یعنی، فلانی به دیوار بالا رفت. واژه <محراب> نیز در دو معنا به کار می رود: ۱ جایگاه پادشاهان و بهترین جای منزل (قاموس المحيط)؛ ۲ جایگاه امام جماعت. گفتنی است که برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

۵- بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار محراب (جایگاه عبادت) داوود (ع)

إذ تسوروا المحراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۳

۳- پی بردن نزاع کنندگان و شاکیان به وحشت داوود (ع) از ورودشان و دلداری دادن آنان به آن حضرت

إذ دخلوا على داود ففزع منهم قالوا لا تخف

مناظره داود(ع) با سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۸

۸- <عن أبي جعفر (ع) في قول الله تبارك و تعالی : < داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . > قال لم یحکما إنما كانا یتناظران ففهمها سلیمان . . . >

از امام باقر(ع) در باره قول خدای تبارک و تعالی <و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث..> روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد.

منشأ استحکام حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۱

۱- خداوند، به حکومت داوود (ع) استحکام و استواری بخشید.

و شددنا ملکه

منشأ حكمت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۶

۶ - خداوند ، به داوود (ع) حکمت آموخت .

و ءاتینه الحکمه

منشأ حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

یداود إنا جعلنک خلیفه فی الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛ یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

منشأ علم داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۱

۱ - اعطای علم و دانشی عظیم و ویژه از سوی خدا به داوود و سلیمان (ع)

و لقد ءاتینا داود و سلیمان علماً

آمدن تعبیر <علماً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و ویژگی دانشی است که به داوود و سلیمان داده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۵

۵ - آگاهی به گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد ءاتينا داود و سليمان علمًا . . . و قال يأَيُّها الناس علمنا منطق الطير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند به داوود (ع) ، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن

به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد .

و ءاتینه . .. فصل الخطاب

<فصل> مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه <خطاب> به معنای سخن بوده و مقصود از <فصل خطاب> سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه <خطاب> به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از <فصل خطاب> رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

منشأ فضایل داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۱

۱ - داوود (ع) ، برخوردار از فضلی ویژه از جانب خداوند

و لقد ءاتینا داود منا فضلاً

نکره بودن <فضلاً> دلالت بر فخامت و عظمت آن می کند. تأکید <منا> با نکره آوردن <فضلاً> بیانگر ویژه بودن آن است.

منشأ نعمتهای آل داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۶

۱۶ - آل داوود ، برخوردار از مکنت و نعمت های فراوان خدادادی

اعملوا ءال داود شکرًا

توصیه خداوند به خاندان داوود مبنی بر انجام عمل صالح به شکرانه نعمت هایش، گویای برداشت یاد شده است.

موعظه به منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - موعظه و رهنمود داوود (ع) به دو برادر متخاصم ، با توصیه به ایمان و نیک کرداری و پرهیز از تجاوز

به حقوق یکدیگر

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغَىٰ .. إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا ... و قَلِيلٌ مَّا هُمْ

بیان این نکته مهم و کلی که <بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ستم می کنند و تنها مؤمنان نیک کردار چنین نیستند> می تواند نوعی رهنمود و موعظه از سوی داوود(ع) به دو برادر متخاصم باشد. گفتنی است که درخواست رهنمود از داوود(ع) از سوی آن دو نفر (و اهدنا إلى سواء الصراط) مؤید برداشت یاد شده است.

موعظه های داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - موعظه و رهنمود داوود (ع) به دو برادر متخاصم ، با توصیه به ایمان و نیک کرداری و پرهیز از تجاوز به حقوق یکدیگر

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغَىٰ .. إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا ... و قَلِيلٌ مَّا هُمْ

بیان این نکته مهم و کلی که <بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ستم می کنند و تنها مؤمنان نیک کردار چنین نیستند> می تواند نوعی رهنمود و موعظه از سوی داوود(ع) به دو برادر متخاصم باشد. گفتنی است که درخواست رهنمود از داوود(ع) از سوی آن دو نفر (و اهدنا إلى سواء الصراط) مؤید برداشت یاد شده است.

موقعیت اجتماعی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - داوود (ع) ، داوری عادل ، راهنمایی مطمئن در زندگی و مرجعی صالح برای رسیدگی به امور اجتماعی در نظر مردم عصر خود

هل أتیک نبؤا الخصم .. إذ دخلوا علی داود... خصمان بغی بعضنا علی

بعض فاحکم بینن

ناظر قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۶

۶- قضاوت داوود و سلیمان (ع) ، مورد نظارت و تأیید خداوند بود .

و کنا لحکمهم شهیدین

ضمیر <حکمهم> به داوود و سلیمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو، اشاره به تأیید آن دارد.

نبوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۴

۱۴ حضرت داود (ع) از پیامبران پس از نوح (ع) و دارای کتابی از جانب خدا به نام زبور

و ءاتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۸

۸ حضرت داود (ع) و عیسی (ع) از پیامبران بنی اسرائیل می باشند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبيای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

نرمی آهن برای

۱۱ - خداوند ، نرم کننده آهن برای داوود (ع)

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

۱۲ - نرم شدن آهن برای حضرت داوود (ع) ، بدون استفاده از آلات ذوب فلز ، فضیلتی اعطایی از جانب خداوند به او

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا .. و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

۱۳ - > عن أبي عبدالله (ع) : إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صلى الله عليه) قال : أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ (ع) : إِنَّكَ نَعَمَ الْعَبْدَ لَوْلَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا ، قال : فَبَكَى دَاوُدَ (ع) أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ : أَنْ لِيَنَّ لِعَبْدِي دَاوُدَ فَأَلَيْنَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دَرْعًا فَبِيعَ هَا بِأَلْفِ دَرْهَمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةَ وَ سِتِّينَ دَرْعًا فَبَاعَ هَا بِثَلَاثِمِائَةَ وَ سِتِّينَ أَلْفًا وَ اسْتَغْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ ;

از امام صادق(ع) روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: خداوند به داوود وحی کرد که تو بنده خوبی هستی، جز این که از بیت المال ارتزاق می کنی و با دست خود کار نمی کنی. داوود(ع) چهل روز گریست، سپس خداوند به آهن وحی کرد که برای بنده ام داوود نرم شو و با این وحی آهن را برای داود نرم کرد و داوود(ع) هر روز زرهی می ساخت و آن را هزار درهم می فروخت. او ۳۶۰ زره ساخت و آنها را به ۳۶۰ هزار درهم فروخت و از بیت المال بی نیاز گشت.<

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۲

۲ - ممکن شدن زره سازی برای داوود (ع) از آهن ، فلسفه نرم شدن آهن برای آن حضرت

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبْغَت

بنابراین که <آن> مصدری باشد، معنا چنین می شود: ما آهن را برای داوود نرم کردیم، به منظور ساختن زره هایی کامل.

نشانه های قدرت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۵

۵ - همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذَاللَّيْلِ إِتْنَا سَخْرْنَا الْجِبَالِ مَعَهُ يَسْبَحُن

جمله <إِنَّا سَخْرْنَا الْجِبَالِ..> می تواند تعلیل برای <ذالالاید...> باشد؛ یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح پردازند.

نعمتهای داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۵،۷

۵ - آگاهی به گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا .. و قَالَ يَأْتِيهَا النَّاسُ عِلْمُنَا مِنْطَقَ الطَّيْرِ

۷ - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان ، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

عِلْمُنَا مِنْطَقَ الطَّيْرِ و أُوْتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

با این که <و أوتینا من کلّ شیء> شامل <منطق الطیر> هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر

اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت

به داوود و سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۵۸، ۱۲

۵ - هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أوبی معه

جمله <یا جبال أوبی معه>، بدل اشمال و یا بدل کل از کل برای <فضلاً> است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

۸ - هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و الطیر

۱۲ - نرم شدن آهن برای حضرت داوود (ع) ، بدون استفاده از آلات ذوب فلز ، فضیلتی اعطایی از جانب خداوند به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۵

۵ - آموزش صنعت زره سازی به داوود (ع) ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. أن اعمل سبغت و قدّر فی السرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، عطیه الهی به داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمان

نیاکان داود(ع)

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا... و من ذریته داود و سلیمن و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

وارث داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۱

۱ - سلیمان ، وارث مقام ، امکانات و دارایی های داوود

و ورث سلیمن داود

با توجه به آیه قبل (ما داوود و سلیمان را به نحو یکسان از علم ویژه برخوردار کردیم) باید اذعان کرد که مراد از <ورث سلیمان داود> چیزی از قبیل علم موهبتی نیست. علاوه بر این، علوم موهبتی همانند نبوت برخلاف علوم اکتسابی اصولاً قابل انتقال نیست.

ورود منازعان قصه

۱ - ورود نزع کنندگان و شاکیان بر داوود (ع) به طور ناگهانی و وحشتناک

إذ تسوّروا المحراب . إذ دخلوا علی داود ففزع منهم

بالا رفتن از دیوار جایگاه داوود(ع) و ترس او از این حرکت، گویای ناگهانی و ترسناک بودن این عمل است.

هدایت داود(ع)

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . . و من ذریته داود و سلیمن و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

هدایتگری داود(ع)

۱۲ - داوود (ع) ، داوری عادل ، راهنمایی مطمئن در زندگی و مرجعی صالح برای رسیدگی به امور اجتماعی در نظر مردم عصر خود

هل أتیک نبؤا الخصم .. إذ دخلوا علی داود... خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بینن

هشدار به داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۹

۹ - هشدار خداوند به داوود (ع) ، برای پیروی نکردن از هوای نفس ، در داوری میان مردم

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی

هم آوایی پرندگان با داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۷،۸،۱۰

۷ - فرمان خداوند به پرندگان ، برای هم صدایی با داوود (ع) در تسبیح گویی

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشد، نکته یاد شده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد شده، <الطیر> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۸ - هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً .. و الطیر

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أویی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

هم آوایی کوهها با داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

۴ - فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

یجبال اُوبی معه

<اُوبی> (از مصدر <اوب>) در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن چنان که مفسران نیز گفته اند تکرار و رجوع در تسبیح گویی است.

۵ - هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضلاً یجبال اُوبی معه

جمله <یا جبال اُوبی معه>، بدل اشتمال و یا بدل کل از کل برای <فضلاً> است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضلاً یجبال اُوبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

یأس داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد و لعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

دایه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اجرت دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲

۳۱ پیش پرداخت اجرت به دایه شیرخوار ، از آداب لازم دایه گرفتن

و ان اردتم ان تسترضعوا اولادکم .. اذا سلّمتم ما ایتیم بالمعروف

بنابراینکه مراد از <اذا سلّمتم .. > تسلیم اجرت به دایه باشد، نه تسلیم حقوق مادر^۲ یعنی آنگاه که اجرت دایه را پرداختید، از او بخواهید که فرزندتان را شیر دهد.

۳۲ جلوگیری از ضرر و بی مهری به فرزند ، با پیش پرداخت اجرت دایه *

و ان اردتم .. اذا سلّمتم

با در نظر گرفتن اینکه آیه در مقام دفع ضرر از کودک است^۲ می توان گفت که پیش پرداخت اجرت دایه به جهت دفع ضرری است که در اثر تأخیر اجرت دایه، ممکن است متوجه طفل گردد.

احضار دایه ها به کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱

۱ - احضار دایگان به کاخ فرعون ، برای شیر دادن به موسی (ع)

و حرّما علیه المراضع من قبل فقلت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم

جواز دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۸،۲۹

۲۸ جواز گرفتن دایه برای شیر دادن فرزند

و ان اردتم ان تسترضعوا .. فلا جناح علیکم

۲۹ جواز گرفتن دایه برای فرزند ، به شرط عدم تزییع حق اولویّت مادر در شیر دادن فرزند

و الوالدات یرضعن .. و ان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح

با توجه به اینکه صدر آیه حق اصلی شیر دادن را از مادر می داند، معلوم می گردد

که دایه گرفتن پدر در صورتی جایز است که این حق ضایع نشود و ثانیاً بازداشتن مادر از شیر دادن کودک منوط به رضایت اوست و دایه گرفتن مصداقی از این بازداشتن است. پس باید با رضایت او، یعنی مراعات حق اولویّت او، به سراغ دایه رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - در صورت به توافق نرسیدن مردان و زنان مطلقه درباره شیردادن نوزاد خویش به خاطر دشوار بودن آن و یا سخت گیری آنان بر یکدیگر باید نوزاد را به دایه بسپارند .

و إن تعاسرتم فسترضع له أُخری

حقوق دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۳۷

۳۷ خداترسی و توجه به نظارت او بر اعمال ، عامل رعایت حقوق متقابل مادر ، پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله و اعلموا ان الله بما تعملون بصیر

خیرخواهی دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۹

۹ - خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری ، از معیار های بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

دایه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۵

۵ - درماندگی خاندان فرعون از یافتن دایه ای مناسب و مورد پذیرش موسی (ع) و اقدام خواهر وی برای بهره گیری از آن

فرصت

حرّمتنا عليه المراضع من

قبل فقالت هل أدلكم

شرایط دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۳۰

۳۰ پرداخت کامل حقوق مادر، شرط جواز دایه گرفتن برای کودک

و ان اردتم ان تسترضعوا .. اذا سلمتم ما ایتیم بالمعروف

بنابراینکه مراد از <اذا سلمتم ..> تسلیم اجرت به مادر باشد، یعنی آنگاه که حقوق مادر را پرداختید، سراغ دایه روید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۹

۹ - خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری، از معیارهای بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلكم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

شرایط رضاع دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۴

۱۴ - شیردادن دایگان، به نوزادان زنان مطلقه، تنها در صورت ضرورت و با مشورت و هم فکری پدر و مادر آنان، شایسته و بجا است.

و ائتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له آخری

قدرت دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۹

۹ - خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری ، از معیار های بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

مزد دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۱

۱۱ - مسؤولیت نگهداری نوزادان زنان مطلقه و گرفتن دایه برای

آنان و هزینه آن ، برعهده مردان است .

و إن تعاسرتم فسترضع له أُخْرَى

مسئولیت دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۳۵،۳۹

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر ، پدر ، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل یکدیگر

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

خطاب اصلی در <اتقوا الله>، متوجه کسانی است که آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مکلف کرد؛ یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۹ خداترسی و توجه به آگاهی او ، عامل رعایت مصالح نوزادان و مسائل مربوط به شیردهی آنان از سوی پدر ، مادر ، وارثان پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

معرفی دایه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۶،۷،۸

۶ - خواهر موسی به فرعونیان اظهار آمادگی کرد تا دایه ای مناسب را برای او معرفی کند .

هل أدلکم علی من یکفله

<کافل> به کسی گفته می شود که پرداختن به امور کسی را بر عهده گیرد (مقایس اللغه).

۷ - خواهر موسی ، آمادگی خود را برای معرفی دایه به فرعونیان ، مکرر به آنان گوشزد می کرد .

فتقول هل أدلکم

فعل مضارع <تقول> بر استمرار کار در گذشته دلالت دارد.

۸- دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلکم علی من یکفله فرجعناک إلی أمک

<فاء> در <فرجعناک> فصیحه است، یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

دختر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دختر

احترام به

دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران ، رفتاری پسندیده برای پدر

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القوی الأمین

ارزش دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۳

۳ - برتری پسر بر دختر در دیدگاه مشرکان صدر اسلام

الرَّبِّکَ البنات و لهم البنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته تاریخی است که مشرکان، فرزند پسر را بر دختر ترجیح می دادند و ولی در عین حال معتقد بودند که خداوند دختر را برگزیده است. از این رو خداوند چنین طرز تفکری را محکوم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۱ - ۲

۲ - مزیت پسران بر دختران ، از عقاید عرب جاهلی

ألکم الذکر و له الأُنثی

ازدواج دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسناد دختر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۱۰، ۹، ۶، ۱

۱- مشرکان دوران جاهلیت ، معتقد به وجود دخترانی برای خداوند

و يجعلون لله البنت

۶- انتساب دخترانی به خداوند از سوی مشرکان ، افترا و دروغی ساختگی است .

و يجعلون لله البنت سبحة

۹- اظهار نظر مشرکان درباره دختر داشتن خداوند

و فرزند دلخواه (پسر) داشتن خود ، مبتنی بر خواهش نفسانی بوده است .

و يجعلون لله البنت .. و لهم ما يشتهون

۱۰- مشرکان ، در برابر اسناد دختر به خدا ، فرزند دلخواهشان (پسر) را به خود اسناد می دادند .

و يجعلون لله البنت .. و لهم ما يشتهون

<و> در <و لهم> می تواند حالیه و هم می تواند عاطفه باشد. در صورت عاطفه بودن جمله <ما...> در محل نصب خواهد بود برای عطف به <البنت>. در هر صورت برداشت فوق قابل استفاده است و اسناد دادن فرزند دختر برای خدا، قرینه ای است بر اینکه مراد از <ما> در <ما يشتهون> فرزند پسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۶

۶- مشرکان ، علی رغم نفرت از دختردار شدن ، آن را به خداوند نسبت می دادند .

و يجعلون لله البنت .. و إذا بشر أحدكم بالأُنثى ظلَّ وجهه مسودًّا و هو كظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۹

۹- قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ، قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما يشتهون .. ألا ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱۳، ۱۰

۱۰- اسناد فرزند دختر به خداوند ، ناسازگار با مثل اعلا بودن و صفات عالی داشتن او

للذین لا يؤمنون بالأخره مثل السوء

عبارت <و لله المثل الأعلى> در مقام

جواب به نسبت ناروایی است که از سوی مشرکان به خداوند داده می شد و آن اسناد دختر داشتن خداست، در حالی که خداوند عالی ترین صفات را داراست و با چنین ادعایی قابل جمع نیست.

۱۳- عزّت و حکمت خداوند ، ناسازگار با اسناد دختر به او

و يجعلون لله البنات . . . و هو العزيز الحكيم

انتساب دختر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۲،۷

۲ - عقیده مشرکان به وجود دختران برای خداوند

الرَّبِّكَ الْبَنَات

۷ - عقیده به وجود دختر برای خدا ، ناسازگار با عقیده به ربوبیت او است .

فاستفتهم الرَّبِّكَ الْبَنَات و لهم البنون

برداشت یاد شده از تصریح به اسم <رَبِّ> در آیه شریفه، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۲

۲ - انتساب برگزیدن دختر به خداوند به جای پسر داوری ناشایست و شکفت آور

أصطفى البنات على البنين . ما لكم كيف تحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۱،۲

۱ - شرک پیشگان ، مورد توییح الهی ، به خاطر اعتقاد به وجود دخترانی برای خداوند

أم له البنات و لكم البنون

۲- فرشتگان ، دختران خدا در نظر مشرکان ، به رگم بیزاری خودشان از داشتن دختر و افتخارشان به پسران

أم له البنت و لكم البنون

مشرکان، از داشتن دختر عار داشتند. خداوند براساس همین پندار غلط، با ایشان مواجه کرده است؛ که اگر به راستی دختران ننگ اند، چرا دختران را به خداوند نسبت داده و تنها

خود را مالک پسران می دانید!؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۱ - ۱

۱ - مشرکان صدراسلام، به خاطر اعتقادشان به دختر داشتن خداوند به رغم امتیاز و برتری پسر در نزد ایشان مورد توبیخ و سرزنش الهی

أَلْكُمْ الذَّكَرُ وَ لَه الْأُنْثَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۲ - ۱

۱ - اعتقاد مشرکان مبنی بر دختر داشتن خداوند، باوری ناروا و ناسازگار با مبانی ارزشی خود آنان

أَلْكُمْ الذَّكَرُ وَ لَه الْأُنْثَى . تَلْكَ إِذَا قَسَمَه ضِيزَى

با آن که مشرکان پسر را بر دختر ترجیح می دادند، خداوند تقسیم آنان را در نسبت دادن دختر، به او و برگزیدن پسر برای خویشان، تقسیمی غیر عادلانه دانسته و آن را نامتناسب با مبانی ارزشی خود آنان معرفی کرده است.

بازگشت دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱

۱ - بازگشت یکی از دختران شعیب نزد موسی به فرمان پدر

فَجَاءتَهُ إِحْدِيهِمَا .. . قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ

بی ارزشی دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۵

۵- زنان و دختران در دوران جاهلیت، بی ارزش بوده و مایه ننگ و عار به شمار می آمدند.

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

بی رغبتی به دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۳

۳ - بی رغبتی برخی از مردم عصر جاهلیت ،

به نگه داری دختران

و إذا الموءودة سئلت

بی منطقی انتساب دختر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۴

۴ - انتساب دختر به خدا، در عین عقیده به برتر بودن پسر بر دختر، عملی نابخردانه و به دور از منطق

فاستفتهم الربك البنات و لهم البنون

بینش دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۶،۷

۶ - موسی (ع)، مردی نیرومند و شخصیتی امین در دیدگاه دختر شعیب

إن خير من استئجرت القوی الامین

۷ - موسی (ع)، از دیدگاه دختر شعیب، بهترین و شایسته ترین مرد برای نگه داری دام هایشان

قالت إحدیهما .. إن خير من استئجرت القوی الامین

پیشنهاد دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

تنفر از دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۲

۲- مشرکان دوران جاهلی ، از دختردار شدن نفرت داشتند .

و يجعلون لله البنت . . . و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظیم ..

مراد از <ما> در <ما یکرهون> به قرینه آیه <و يجعلون لله البنات> (۵۷) می تواند <بنات> باشد.

حد اقل مهریه دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - آزاد

گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

حد اکثر مهریه دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

حیای دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۲

۲ - حرکت توأم با حیا و آزریم دختر شعیب به هنگام بازگشت نزد موسی (ع) و گفتوگو با وی

فجاءته إحدیهما تمشی علی استحياء

خدا و دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۵

۵ برخی مشرکان خداوند را دارای پسران و دخترانی می پنداشتند.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۳،۴

۳- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و يجعلون لله البنت سبحنه

۴- فرزند (دختر) داشتن برای خداوند نقص است .

و يجعلون لله البنت سبحنه

ذکر تنزیه <سبحانه> برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با اسناد فرزند برای خداوند،

ایجاد می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۱۱، ۱۰، ۲، ۱

۱- مشرکان بر این باور بودند که خداوند برای خود، دخترانی از ملائکه برگزیده است.

أفأصنّفکم ربکم بالبّین و اتّخذ من الملائکة إنّثاً

۲- مشرکان بر این باور بودند که خداوند، به دختر و جنس زن، بیش از پسر و جنس مرد، علاقه داشته و ارزش می نهد.

أفأصنّفکم ربکم بالبّین و اتّخذ من الملائکة إنّثاً

از اینکه مشرکان گفته اند: <خداوند برای خود دخترانی از جنس ملائکه انتخاب کرد> می تواند به این معنا اشاره داشته باشد که آنان، می پنداشتند خداوند، به خاطر تمایل و علاقه به جنس زن، چنین گزینشی کرده است.

۱۰- عقیده مشرکان به دختر داشتن خداوند در مقابل پسر داشتن خودشان، سخنی غیر قابل توجیه و بس بزرگ، ناروا و غیر منطقی است.

أفأصنّفکم ربکم بالبّین و اتّخذ من الملائکة إنّثاً إنّکم لتقولون قولاً عظیماً

۱۱- عقیده به دختر داشتن خدا، اتهامی بس بزرگ و نارواست.

و اتّخذ من الملائکة أنّثاً إنّکم لتقولون قولاً عظیماً

دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۴

۴- داشتن دختر در دیدگاه مشرکان جاهلی، صفتی زشت محسوب می شد.

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

<مثل السوء>، مثلی است که مشرکان جاهلی برای صاحبان دختر به کار می بردند و مرادشان از آن، ضرب المثل بد حالی و بدی بود. اینکه خداوند پس از ذکر دیدگاه آنها درباره نوزادان دختر و محکومیتشان، <مثل السوء> را به خود آنان نسبت

می تواند قرینه ای باشد بر مطلب یاد شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۲

۲- مشرکان دوران جاهلی ، از دختردار شدن نفرت داشتند .

و يجعلون لله البنت . . . و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظیم ..

مراد از <ما> در <ما یکرهون> به قرینه آیه <و يجعلون لله البنات> (۵۷) می تواند <بنات> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشر أحدهم . . . و هو كظیم

۲ - پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبئین . و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسوداً و هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۵

۵ - عرب جاهلی ، خود بیزار از داشتن دختر / ولی معتقد به وجود دختر برای خداوند

أَوْ مِنْ . . . و هو فی الخصام غیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۳

۳ - بی رغبتی برخی از مردم عصر جاهلیت ، به نگه داری دختران

و إذا الموءودة سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۲

۲ - دختر بودن فرزند در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق

قتل بود .

بأی ذنب قتلت

دختر در دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۱

۱- چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

و إذا بشر أحدهم بالأنثی ظل وجهه مسوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۱، ۱۲، ۴۸، ۲

۲- خبر دختردار شدن برای مشرکان ، خبری ناگوار و بد بود .

یتوری من القوم من سوء ما بشر به

۴- دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أیمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

مرجع ضمیر در <یمسکه>، مبشربه است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و <علی هون> حال برای ضمیر مفعولی <یمسکه> است. <هون> به معنای خواری و ذلت است و <یدس> (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

۸- مشرکان صاحب دختر ، حیثیت اجتماعی خود را با داشتن دختر در مخاطره می دیدند .

یتوری من القوم من سوء ما بشر به أیمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

۱۱- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

أیمسکه علی هون أم یدسه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

۱۲- هشدار خداوند به مشرکان ، در مورد تصمیم آنان درباره نوزادان دختر

أيمسكه على هون أم يدسه فى التراب ألا ساء ما يحكمون

دختر شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٣ - قصص - ٢٨ - ٢٥ - ١٢

- > عن البنظي قال : سألت الرضا (ع) عن قوله تعالى > إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا < أهي التي تزوج بها ؟ قال : نعم ... ؛

از بنظي نقل شده که گفت: از امام رضا(ع) درباره قول خدای تعالی: > إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ .. < پرسیدم: آیا دختری که نزد موسی آمد و گفت پدرم تو را خواسته ... همان دختری بود که بعداً موسی(ع) با او ازدواج کرد؟ فرمود: آری...<.

دختر عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ مریم ، دختر عمران

امرات عمران . . . و ائمی سمیتها مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۲

۲ - حضرت مریم (ع) ، دختر عمران بود .

و مریم ابنت عمرن

دختر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۴

۲۴ > عن أبي عبد الله (ع) : . . . و كانت لنوح إبنه ركبت معه في السفينه . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: نوح دختری داشت که با آن حضرت سوار کشتی شد.<.

ذلت دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۶

۶- مشرکان صاحب دختر در دوران جاهلیت ، نگهداری دختران را برای خود عار و ذلت می دانستند .

أيمسكه علي هون

برداشت فوق بر این اساس است که <علی هون> حال برای ضمیر فاعلی <ایمسک> باشد.

زننده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۴

۴- دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

مرجع ضمير در <يمسكه>، مبشربه است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و <على هون> حال برای ضمير مفعولی <يمسكه> است. <هون> به معنای خواری و ذلت است و <يدس> (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

زننده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۲

۲ - زننده به گور کردن دختران، از رفتارهای ناپسند برخی از اعراب جاهلی

و إذا الموءودة سئلت

ظاهر آیه شریفه این است که بین مردم دوران بعثت، نمونه هایی از دفن دختران زننده پدیدار شده بود و این آیه در صدد بازداشتن مردم از ارتکاب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۱

۱ - برخی از اعراب جاهلی، دختران خود را بی هیچ گناه و جرمی زننده به گور می کردند.

بأی ذنب قتلت

استفهام تقریری در آیه شریفه، متوجه مقتول شده است؛ با آن که مراد از آن مؤاخذه قاتل است. این گونه بیان، تأکید بر نبود عذر و بهانه برای قاتل است.

سهم ارث دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۲،۳،۵،۶،۷

۲ سهم ارث پسر ، دو برابر سهم دختر است .

یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل

۳ در صورتی که میت تنها دو دختر داشته باشد، سهم ارث آنان دو سوم مال بجا مانده است. *

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ

خداوند به سهم ارث یک دختر و بیش از دو دختر تصریح کرده و نسبت به سهم دو دختر بیانی ندارد، گویا برای تعیین سهم ارث آنان به جمله <لِلذَّكَرِ .. > اکتفا کرده است. از این رو هر گاه وارث میت، یک پسر و یک دختر باشد سهم پسر دو سوم خواهد بود و به مقتضای <لِلذَّكَرِ ... > سهم یک پسر هر مقدار باشد سهم دو دختر همان مقدار است.

۵ در صورتی که میت بیش از دو دختر داشته باشد (بدون پسر) سهم ارث دختران دو سوم است.

فَان كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ

۶ سهم ارث دختران (دو سوم)، به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

فَان كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ

چون آیه در مقام بیان سهام ارث است، چنانچه تفاوتی در سهام آنان بود به آن اشاره می کرد.

۷ در صورتی که میت تنها یک دختر داشته باشد، سهم ارث وی نصف مال بجا مانده است.

وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ

قبول پیشنهاد دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران، رفتاری پسندیده برای پدر

قَالَتِ إِحْدَاهُمَا يَا بَتِ اسْتَعْجِرْهُ .. الْقَوَى الْأَمِينِ

قبول پیشنهاد دختر شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۹

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

گفتگوی دختر شعیب(ع) با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۲

۲ - حرکت توأم با حیا و آزمون دختر شعیب به هنگام بازگشت نزد موسی (ع) و گفتوگو با وی

فجاءته إحدیهما تمشی علی استحياء

مدحهای دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۳

۳ - ستایش دختر شعیب از موسی (ع) نزد پدر

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

مسئولیت دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۴

۴ - دختر شعیب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع)

قالت إنّ أبا يدعوک

مشرکان و دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۸

۸- داشتن پسر ، مورد خوشایند مشرکان و دختر داشتن ، ناخوشایند آنان بود .

و يجعلون لله البنت .. و لهم ما یشتهون

به قرینه مقابله، احتمال دارد مراد از <ما> فرزند پسر باشد. مشرکان با اسناد دادن دختر به خداوند، درصدد تنقیص او بودند و این، حاکی از نفرت آنان از دختر داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل

۱- چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

و إِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوَدًّا

۵- مشرکان ، با دریافت خبر دختردار شدن ، آکنده از اندوه می شدند و از شدت شرمندگی آن را بروز نمی دادند .

و إِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ... وَ هُوَ كَظِيمٍ

<کظم> در لغت، راه خروج نَفَس است و در حبس نفس و سکوت استعمال می شود و در آیه، مراد از <کظیم> کسی است که آکنده از اندوه است.

۶- مشرکان ، علی رغم نفرت از دختردار شدن ، آن را به خداوند نسبت می دادند .

و يَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبِنْتِ .. وَ إِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۳ - ۱

۱ - مشرکان ، معتقد به برگزیدن دختر به جای پسر برای خود از سوی خداوند

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ

منشأ خلقت دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۶

۶ - دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْتًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ

منشأ فرزند دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بهره مندی انسان از فرزندان دختر و پسر و یا محرومیت وی از آنان بنا به خواست و مشیت خداوند است .

أَوْ يَزُوجَهُمْ ذَكَرَانًا وَ إِنثًا وَ

۴ - خداوند ، براساس علم و آگاهی خویش ، به گروهی پسر و به گروهی دیگر دختر و یا به جمعی پسر و دختر می دهد و برخی را عقیم و نازا می گرداند .

یهب لمن یشاء .. أو یزوّجهم ... إنّه علیم قدیر

<تزیوج> در <أو یزوّجهم> به معنای توأم با یکدیگر قرار دادن است؛ یعنی، خداوند به برخی تنها دختر می دهد و به بعضی تنها پسر عطا می کند و برخی را هم پسر و هم دختر می بخشد و برخی دیگر را نازا کرده؛ نه پسر می دهد و نه دختر.

۸ - <عن أبی جعفر (ع) فی قوله ... > أو یزوّجهم ذکراً و إناثاً < جمیعاً یجمع له البنین و البنات یهبهم جمیعاً لواحد؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند .. <أو یزوّجهم ذکراً و إناثاً> روایت شده که فرمود (مراد از آیه این است) که خداوند فرزندان پسر و دختر را باهم به یک خانواده می بخشد.

مؤاخذه اخروی زنده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۱

۱ - در قیامت ، کسانی که دختران را زنده به گور کرده اند ، مؤاخذه خواهند شد .

و إذا الموءوده سئلت

<موءوده> یعنی، دختری که زنده به گور شود. (لسان العرب) مسؤول بودن دختر با آن که باید قاتل او مسؤول باشد یا به خاطر زمینه سازی است، تا او از خداوند درخواست انتقام کند و یا مجاز عقلی است؛ یعنی، از قاتل، درباره او مؤاخذه خواهد شد.

مهریه دختر

شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۴،۲۱

۴ - شعیب (ع) ، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شعبانی گوسفندان) ، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش بود .

قال إني أريد أن أنكحك ... علي أن تأجرني ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد؛ یعنی، <علی آن تأجرنی ثمانی سنین> .

۲۱ - > عن أبي ذر قال : قال رسول الله (ص) : إذا سألت أی الأجلین قضی موسی (ع) ؟ فقل خیرهما و أبرّهما و إذا سئل أی المرأتین تزوّج ، فقل الصغری منهما ... ؛

از ابوذر روایت شده که گفت: رسول خدا(ص) فرمود: اگر از تو سؤال شود که موسی(ع) کدام یک از دو زمان مورد قرارداد با شعیب را تمام نمود؛ بگو بهترین و نیکوترین آن دو را و اگر سؤال شود با کدام یک از آن دو دختر ازدواج کرد؛ بگو با کوچک ترین آن دو. < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إني أريد .. أیما الأجلین قضیت فلاعدون علیّ

ناپسندی زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در

گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب ألا ساء ما يحكمون

ناخسنودی از فرزند دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۸

۸ - ناخسنودی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخسنودی از مشیت و موهبت او است .

فإنَّ الإنسانَ كفور... يهب لمن يشاء إثنًا و يهب لمن يشاء الذکور

نفرت از دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۵

۵ - عرب جاهلی ، خود بیزار از داشتن دختر ، ولی معتقد به وجود دختر برای خداوند

أو من... و هو فی الخصام غیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۲

۲ - فرشتگان ، دختران خدا در نظر مشرکان ، به رغم بیزاری خودشان از داشتن دختر و افتخارشان به پسران

أم له البنات و لكم البنون

مشرکان، از داشتن دختر عار داشتند. خداوند براساس همین پندار غلط، با ایشان مواجه کرده است؛ که اگر به راستی دختران

ننگ اند، چرا دختران را به خداوند نسبت داده و تنها خود را مالک پسران می دانید؟!

دخترکشی

زمینه دخترکشی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱

۱- ایمان نداشتن به عالم آخرت ، زمینه ساز دخترکشی مشرکان عصر جاهلی
و إذا بشر أحدهم بالأنثى . . . يتورى من القوم ... أم يدسه فى التراب ... للذین ل

ظلم دخترکشی

جلد - نام سوره -

۵- نسبت دادن امور ناروا به خداوند و کشتن دختران ، عملی ظالمانه است .

کنتم تفترون . و يجعلون لله البنت سبحه ... أم يدسه فی التراب ... و لو یؤاخذ ا

به قرینه سیاق آیات که درباره مشرکان و عقاید باطل آنها درباره خداوند بود ممکن است مراد از <الناس> مشرکان باشد و <ال> در <الناس> عهد ذکری باشد.

درخت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

درخت

آثار استفاده از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۴ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، زمینه ساز ایجاد روحیه دشمنی در میان انسانها *

فأزلهما الشیطن عنها .. و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۴

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

آثار

تناول از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۹،۱۶،۲۱

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبذت لهما سوءتهما

۱۶ - آدم (ع) با تناول از درخت ممنوع ، مرتکب معصیت پروردگار گردید .

فأكلا .. و عصیء آدم ربّه

۲۱ - آدم ، بر اثر نافرمانی خداوند و خوردن از درخت منع شده ، از رشد خویش بازماند .

فغوی

<غی> (مصدر <غوی>) نقطه مقابل رشد است (مقایس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱

۱ - آدم (ع) در پی عصیان و تناول از درخت ممنوع ، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه

<جبايه> (ریشه اصلی <إجتبی>) به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و <إجتباء> به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین <إجتباه ربّه> یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را برای خود خالص گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱،۱۲

۱ - آدم (ع) و حوا ، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

.. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم (ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۱۲ - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع بهشت ، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد .

فَأَكَلَا .. بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

آثار درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۶

۶ شیطان در مورد آثار شجره نهی شده، خداوند را به دروغگویی متهم کرد.

قال ما نهيكما ربكما عن هذه الشجرة إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

جمله <إلا أن تكونا .. > در حقیقت تکذیب گفتار خداوند است که فرمود: فتكونا من الظالمین.

آثار ذکر رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۳

۳ - توجه به رویدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفروه .. و زیتوناً و نخلاً

آثار ذکر رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۳

۳ - توجه به رویدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفراه .. و زيتوناً و نخلاً

آدم(ع) و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهییه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تا کلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهییه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <و لاتقربا ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجرة.

۱۳ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از

شجره منیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حو را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حو را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳،۴

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از <لا تقربا...> به قرینه فراز قبل (فكلا...) و نیز (فلما ذاقا...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا هذه الشجرة

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴،۵

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لییدی لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان ليدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و

حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۹، ۱۰، ۳، ۲، ۱

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما .. فدلیهما بغرور

<تدلیه>، مصدر <دلی>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت

فوق با توجه به کلمه <تلك>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۹ عن أبي عبدالله(ع): .. فلما أكلوا (آدم و حوا) من الشجرة طار الحلبي و الحلل عن اجسادهما و بقيا عريانين

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملك و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملك> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملك لا يبلى> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۷، ۹، ۸، ۵، ۲، ۱

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشيطان .. فأكلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ،

عمل می کرد .

فوسوس إليه الشيطان .. فأكلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود(فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیرپذیر بوده است.

۵- تأثیرپذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع ، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود .

و لقد عهدنا .. فنسی ... فأكلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

۸- عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹- تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

۱۷- آدم (ع) قبل از تناول از درخت منع شده ، فرمان ممنوعیت آن را از خداوند دریافت کرده بود .

فأكلا منها .. و عصیء اء اءم ربءه

<عصیان> در صورتی تحقق می یابد که امر یا نهی از جانب خداوند صادر شده باشد. بنابراین گرچه

در این آیات به ممنوعیت تناول از درخت، تصریح نشده است؛ ولی ذکر <عصیان>، شاهدهی گویا بر صادر شدن نهی در مورد تناول از آن درخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱

۱ - آدم (ع) در پی عصیان و تناول از درخت ممنوع، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد.

ثم اجتبه ربه فتاب عليه

<جبايه> (ریشه اصلی <إجتبی>)، به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و <إجتباء> به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین <إجتباه ربه> یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را برای خود خالص گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱،۳،۱۲

۱ - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند.

فأكلا منها .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۳ - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به

وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأكلا منها .. و عصی ءادم ... قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

۱۲ - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع بهشت ، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد .

فأكلا .. بعضكم لبعض عدو

اجتناب از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۲

۲۲ > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < ولا تقربا هذه الشجرة > یعنی لا تأکلا منها ؛

از امام باقر(ع) درباره <ولا تقربا هذه الشجرة> روایت شده؛ یعنی، از آن درخت نخورید.<

استفاده از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهیة بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لا تقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <ولا تقربا ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لا تاکلا من هذه الشجرة.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۵

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و

لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۳

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجرة

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

امتحان با درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۳ - ۲

۲ - درخت زقوم، وسیله آزمایش کافران و ستم کاران

أم شجرة الزقوم . إنا جعلناها فتنه للظلمين

آزمایش، یکی از معانی <فتنه> است و برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است. در تأیید این مطلب گفتنی است که مفسران در شأن نزول آیه شریفه نقل کرده اند: ابوجهل هنگامی که کلمه <زقوم> را با اوصافی که قرآن برای آن نقل می کند شنید، آن را به مسخره گرفت.

اهمیت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل، در تغذیه آدمیان *

و النخل باسقت . . . رزقا للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزا یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

ایصال به درخت جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و

سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملك> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملك لا يبلى> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

برکت درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۹

۹ - زیتون ، از درختان پر برکت است .

شجره مبرکه زیتونه

پذیرایی با درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۵

۵ - درخت زقوم ، وسیله پذیرایی و خوراک دوزخیان

أم شجره الزقوم

<زقوم> نوعی از گیاه زهرداری است که در بادیه ها می روید (قاموس المحيط)، ولی برخی از مفسران ویژگی های دیگری برای این درخت برشمرده و گفته اند: درختی با برگ ریز و بدبو است و شیرهای آن می تراود که بدن به محض تماس با آن آماس می کند. این درخت در سرزمین های خشک می روید (روح المعانی (آلوسی)، ذیل آیه شریفه).

پیدایش درخت انار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۶

۶ خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

و هو الذى أنشأ .. و الزيتون و الرمان متشبهها و غير متشبه

پیدایش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ -

۶ خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

و هو الذی أنشأ .. و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

تحریم درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵،۷

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله < ما نهاکما ربکما .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

ترسناکی درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۲

۲ - درخت < زقوم >، درختی زشت منظر و وحشت آور

طلعها کأنه رءوس الشیطین

تشبیه درخت زقوم به سرهای شیطان ها، به خاطر ذهنیتی است که مردم به ویژه عرب ها از شیطان دارند. بدین صورت که آن را موجودی زشت و وحشت آور می دانند و هر چیز و فرد زشت را به چهره و سر شیطان تشبیه می کنند.

تشبیه به تنه درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۲

- ۲

قوم عاد بر اثر باد ، مانند تنه های پوک و افتاده درختان خرما از پای درآمدند .

فتری القوم فیها صرعی کأنهم أعجاز نخل خاویه

<صریح> (مفرد <صرعی>) به معنای چیز افکنده شده بر زمین و <أعجاز> به معنای ساقه های ریشه دار در زمین (تنه ها) است. <خاویه> یعنی، شیء خالی و نیز به معنای شیء افتاده بر زمین آمده است.

تشبیه به درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۰ - ۲

۲- اجساد قوم عاد ، پس از عذاب ، همانند نخل های ریشه کن شده از اعماق خاک

تنزع الناس کأنهم أعجاز نخل منقعر

<عجز> (مفرد <أعجاز>) به معنای تنه و <منقعر> به معنای کنده شده از ریشه است (مختار الصحاح).

تشبیه جوشش درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۱

۱- جوشش زقوم ، در درون دوزخیان ، چونان جوشش آب های داغ

کغلی الحمیم

تشبیه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۵ - ۱

۱- ثمره درخت زقوم ، چونان موادی آلوده و مذاب و جوشان در درون دوزخیان

إن شجرت الزقوم . طعام الأثیم . کالمهل یغلی فی البطون

در معنای <مُهَل>، برخی به آلودگی و عده ای به مذاب بودن آن اشاره کرده اند.

تشبیه میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت <زقوم>، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها کأنه رءوس الشیطین

<طلع>، به

معنای <ثمره> است.

تعقل در درخت انار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ زمان به ثمر نشستن درخت انار تا مرحله رسیدن میوه آن، شایان نگریستن و اندیشیدن است.

أنظروا إلى ثمره إذا أثمر وینعه

۱۳ دوران ثمردهی تا رسیدن میوه اصله نخل و تاک انگور و درخت زیتون و انار، شایان مطالعه و تأمل و راهی برای خداشناسی است.

و من النخل . . من أعناب و الزیتون و الرمان ... أنظروا إلى ثمره إذا أثمر وینعه

مرجع ضمیر <ثمره> می تواند <الرمان> باشد و نیز می تواند <النخل> <اعناب> <الزیتون> به صورت بدل باشد. برداشت فوق بر این مبنا صورت گرفته است. لذا فرمان <انظروا> شامل تمامی موارد مذکور در آیه است.

تعقل در درخت انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۳

۱۳ دوران ثمردهی تا رسیدن میوه اصله نخل و تاک انگور و درخت زیتون و انار، شایان مطالعه و تأمل و راهی برای خداشناسی است.

و من النخل . . من أعناب و الزیتون و الرمان ... أنظروا إلى ثمره إذا أثمر وینعه

مرجع ضمیر <ثمره> می تواند <الرمان> باشد و نیز می تواند <النخل> <اعناب> <الزیتون> به صورت بدل باشد. برداشت فوق بر این مبنا صورت گرفته است. لذا فرمان <انظروا> شامل تمامی موارد مذکور در آیه است.

تعقل در درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ دوران ثمردهی تا رسیدن میوه اصله نخل و تاک

انگور و درخت زیتون و انار، شایان مطالعه و تأمل و راهی برای خداشناسی است.

و من النخل .. من أعناب و الزیتون و الرمان ... أنظروا إلی ثمره إذا أثمر و ینعه

مرجع ضمیر <ثمره> می تواند <الرمان> باشد و نیز می تواند <النخل> <اعناب> <الزیتون> به صورت بدل باشد. برداشت فوق بر این مبنا صورت گرفته است. لذا فرمان <انظروا> شامل تمامی موارد مذکور در آیه است.

تعقل در درخت نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۳

۱۳ دوران ثمردهی تا رسیدن میوه اصله نخل و تاک انگور و درخت زیتون و انار، شایان مطالعه و تأمل و راهی برای خداشناسی است.

و من النخل .. من أعناب و الزیتون و الرمان ... أنظروا إلی ثمره إذا أثمر و ینعه

مرجع ضمیر <ثمره> می تواند <الرمان> باشد و نیز می تواند <النخل> <اعناب> <الزیتون> به صورت بدل باشد. برداشت فوق بر این مبنا صورت گرفته است. لذا فرمان <انظروا> شامل تمامی موارد مذکور در آیه است.

تغذیه از درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - درخت زقوم، غذا و خوراک دوزخیان ستمگر است.

شجره الزقوم .. للظلمین ... فإِنَّهُمْ لَأَکُلُونَ مِنْهَا

۲ - دوزخیان ستمگر، شکم های خود را از درخت زقوم پر خواهند کرد.

فمالتون منها البطون

تکلم درخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ سخن خداوند با موسی (ع) در طور سینا بصورت ایجاد

صدا در درخت و قابل شنیدن برای همراهِ آن حضرت از هر طرف

و کلم الله موسی تکلیماً

امام رضا(ع) درباره سخن گفتن خداوند با موسی(ع) فرمود: .. فخرج بهم الی طور سیناء... فکلمه الله تعالی ذکره و سمعوا کلامه... لان الله عزوجل احده فی الشجره ثم جعله منبعثاً منها حتی سمعوه من جمیع الوجوه ...

توحید صدوق، ص ۱۲۱، ح ۲۴، ب ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۴، ح ۶۷۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۳

۳ - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور، هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلما أتیها نودی من شطی الواد .. من الشجره

<شاطئ> به معنای <جانب> است و <الایمن> مقابل <الایسر> (چپ) صفت برای شاطئ < می باشد. بنابراین <شاطئ الواد الایمن> یعنی، طرف راست وادی.

تمثیل به درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۳

۳- < کلمه طیبه > چونان درخت پاکی و طیبی است که ریشه ای ثابت داشته و شاخ و برگش در بلندای فضا باشد.

کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱

۱- کلمه طیبه، چنان درخت پاکی است که ریشه ثابت و شاخه برافراشته داشته و در وقت ثمردهی، بی کم و کاست ثمر بدهد.

مثلاً كلمه طييه كشجره طييه أصلها ثابت و فرعها في السماء .

توتی اكلها كل حين

احتمال دارد كه <توتی اكلها كل حين > ادامه مشبه به باشد و مراد از آن به تناسب موضوع، آن زمانی است كه درخت در آن هنگام به بار می نشیند و ثمر می دهد.

تمثیل به درخت پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۱

۱- کلمه خبیثه ، چنان درخت پلیدی است كه ریشه هایش از روی زمین كنده شده و ثبات و قراری ندارد .

و مثل کلمه خبیثه كشجره خبیثه اجثت من فوق الأرض ما لها من قرار

<جثت > در لغت به معنای قلع و كنده شده است.

تمثیل به درخت ریشه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۴

۴- اعتقادات حق چنان درختی ریشه دار ، ثابت و استوار است .

كلمه طیبه كشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء

از معنایی كه مفسران، از صحابه و تابعان تاكنون، برای <شجره طیبه > ذكر کرده اند، عقیده به توحید و كلمه <لا إله إلا الله > است كه عقیده حق می باشد.

تناول از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۲،۵

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشیطن . .. فأكلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ، عمل می کرد .

فوسوس إليه الشیطن . . . فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود،

ولی حوا چنین نبود(فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیرپذیر بوده است.

۵- تأثیرپذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود.

و لقد عهدنا .. فنسی ... فأكلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

ثمردهی درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱

۱- کلمه طیبه، چنان درخت پاکی است که ریشه ثابت و شاخه برافراشته داشته و در وقت ثمردهی، بی کم و کاست ثمر بدهد.

مثلاً کلمه طیبه کَشَجَرَه طَیِّبَه أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فُرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ . تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ

احتمال دارد که <توتی اكلها كل حين > ادامه مشبه به باشد و مراد از آن به تناسب موضوع، آن زمانی است که درخت در آن هنگام به بار می نشیند و ثمر می دهد.

حقیقت درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱۰، ۱۱

۱۰ و اختلفوا في الشجرة التي نهى الله آدم عنها .. و روی عن علی(ع) أنه قال: شجرة الكافور.

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: (درختی که آدم(ع) از نزدیک شدن به آن نهی شد)، درخت کافور بود.

۱۱ عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یا بن رسول الله أخبرنی عن الشجرة التي اكل منها آدم و حوا

ما كانت؟ فقد اختلف الناس فيها فمنهم من يروى انها الجنيه و منهم من يروى انها العنب و منهم من يروى انها شجرة الحسد، فقال(ع): كل ذلك حق. قلت: فما معنى هذه الوجوه على اختلافها؟ فقال: يا أبا الصلت ان شجرة الجنه تحمل انواعا فكانت شجرة الحنطه و فيها عنب و ليست كشجرة الدنيا ...

عبدالسلام بن صالح هروي گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یا بن رسول الله(ص) مرا آگاه کنید، درختی که آدم و حوا از آن خوردند چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند؛ عده ای می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد؛ یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست ...

حوا و درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهییه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاکالا> (نخورید) اشاره

به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهي الهی قرار می گرفتند.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهيه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <ولاتقربا...> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: ولاتاکلا من هذه الشجرة.

۱۳ هشدار خداوند به آدم(ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم(ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهيه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۴،۳

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را

بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

مراد از <لا تقربا .. > به قرینه فراز قبل (فکلا ...) و نیز (فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لا تقربا هذه الشجرة

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله <ورى عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲،۳،۱۰

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجرة

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجرة

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا

اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۹، ۸، ۲، ۱

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند.

فوسوس إليه الشیطن . . . فأکلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع، موافق تصمیمات شوهرش آدم، عمل می کرد.

فوسوس إليه الشیطن . . . فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود (فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود.

فأکلا منها فبدت لهما سوء تهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل

از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۲، ۳، ۱

۱ - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فَأَكَلَا مِنْهَا .. قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا

<اهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۳ - آدم و حوا (ع) ، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فَأَكَلَا مِنْهَا .. وَ عَصَىٰ آدَمَ ... قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

۱۲ - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع بهشت ، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد .

فَأَكَلَا .. بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

خالق درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۵

۵ - بهره گیری مسافران و بیابان گردان ، از درخت آتش زنه برای روشن کردن آتش

، حکمت دیگر ایجاد آن از سوی خداوند

و متعاً للمقوین

<مقوین> مشتق از <قوایه> (زمین بی آب و گیاه، بیابان) است؛ یعنی، مسافران و بیابان گردان.

خالق درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبثنا فیها .. زیتوناً و نخلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب، زمین، دانه ها، انگور، سبزیجات، زیتون، نخل، بوستان، میوه و چراگاه، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعاً لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - ایجاد و آفرینش درخت آتش زنه، خارج از قلمرو توانایی بشر

ءأنتم أنشأتم شجرتها

۲ - تنها خداوند، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به <ال> <المنشون> مفید حصر است.

خوشه های درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۳

۳ - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف ، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

<کم> (مفرد <أکمام>) به معنای کاسه یا غلاف میوه

گفته می شود.

درخت اقاقیای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۴

۴ - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقاچیا

و طلح منضود

برخی از مفسران <طلح> را به <ام غیلان> (درخت اقاچیا) تفسیر کرده اند. درخت اقاچیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۱

۱ - وجود درختی به نام <زقوم> در دوزخ

لأكلون من شجر من زقوم

<من> در <من زقوم> بیان جنس <شجر> است؛ یعنی، درختی که از جنس زقوم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۱

۱ - وجود درختی به نام زقوم در دوزخ

إن شجرت الزقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۱

۱ - درخت زقوم ، غذای گناه پیشگان در قیامت

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ . طَعَامَ الْأَثِيمِ

<أثيم> (از ماده <إثم>) به معنای کسی است که مداومت بر گناه دارد.

درخت سدر در سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۷

۷- در پی از بین رفتن باغ های دل نواز قوم سبا با سیل بنیان کن ، مقدار ناچیزی درخت سدر در جای آنها روید .

و بدلنهم بجتّیهم جتّین ذواتی أُكَلُ حَمَطٌ و أَثَلٌ و شِئٌ مِّنْ سَدْرٍ قَلِيلٍ

درخت کافور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۳

۲۳ اختلاف فی

الشجرة التي نهى عن ها آدم (ع) ... وقيل هي شجرة الكافور، يروي عن علي (ع) ... ;

از امام علی (ع) روایت شده که درختی که آدم (ع) از آن نهی شد، درخت کافور بود ... <.

درخت گز در سرزمین سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۶

۶ - دو باغ دل نواز قوم سبأ، در پی جاری شدن سیل به باغ هایی از درختانی با میوه های ناگوار و گز تبدیل شدند .

فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجنتيهم جنتين ذواتي اكل خمط و اثل

<خمط> در لغت به درختی گفته می شود که خار ندارد و نیز گفته شده که درخت گز است (مفردات راغب) هم چنین به معنای میوه ترش مزه یک درخت آمده است (عمده الحفاظ). <أثل> به درخت شوره گز گفته می شود.

درخت ممنوعه و جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

درخت موز بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۱،۲،۶

۱ - وجود درختان موز، در بهشت اصحاب الیمین

و طلح منضود

درباره واژه <طلح> چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها <موز> است.

میوه های آن چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

<نضد> به معنای چیدن بر روی هم است <طلح منضود> یعنی، درختان موز که میوه های آن بر روی هم چیده شده است.

۶- < عن علی بن ابی طالب (ع) فی قوله > و طلح منضود < قال : هو الموز >

از امام علی (ع) درباره سخن خداوند <و طلح منضود> روایت شده که مراد درخت موز است.

رویاننده درخت انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱

۱- خداوند ، رویاننده کشتزار ها و درختان زیتون ، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است .

ینبت لکم به الزرع و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کل الثمرت

رویاننده درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱

۱- خداوند ، رویاننده کشتزار ها و درختان زیتون ، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است .

ینبت لکم به الزرع و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کل الثمرت

رویش درخت انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۷

۷- رویش گیاهان و درختان زیتون ، نخل و تاک به وسیله آب ، زمینه ای برای اندیشیدن و راهی برای خداشناسی است .

يَنْبِتْ لَكُمْ بِهِ .. . إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۷

۷- رویش گیاهان و درختان زیتون ، نخل و تاک به وسیله

آب ، زمینه ای برای اندیشیدن و راهی برای خداشناسی است .

ینبت لکم به .. إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

زشتی درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۲

۲ - درخت < زقوم > ، درختی زشت منظر و وحشت آور

طلعها کأنه رءوس الشیطن

تشبیه درخت زقوم به سرهای شیطان ها، به خاطر ذهنیتی است که مردم به ویژه عرب ها از شیطان دارند. بدین صورت که آن را موجودی زشت و وحشت آور می دانند و هر چیز و فرد زشت را به چهره و سر شیطان تشبیه می کنند.

زشتی میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت < زقوم > ، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها کأنه رءوس الشیطن

<طلع>، به معنای <ثمره> است.

زمینه تناول از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلک علی شجرة الخلد و ملک لایلی

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملک> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملک لایلی> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت.

هل أدلك على شجرة الخلد .. فأكلا منها

زمینه رشد درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۴

۴- باران و زمین مناسب، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است.

صبينا الماء .. ثم شققنا ... و زيتوناً و نخلاً

زمینه رشد درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۴

۴- باران و زمین مناسب، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است.

صبينا الماء .. ثم شققنا ... و زيتوناً و نخلاً

عبرت از درخت انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۲

۲- درختان خرما و انگور و استحصال نوشیدنی از آنها، مایه پند و عبرت است.

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا

برداشت فوق، با توجه به معطوف بودن جمله <و من ثمرات...> بر جمله <و إن لكم في الأنعام لعبرة> است.

عذاب با درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۳ - ۱

۱ - درخت زقوم ، مایه رنج و عذاب کافران و ستم گران از جانب خداوند

أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ . إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

یکی از

معانی <فتنه>، رنج و عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳ - عذاب دوزخ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم يوم الدين

عوامل ثمردهی درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - درخت زیتون، در صورت تابش مستقیم نور خورشید بر آن در طول روز، پربارتر و مرغوب تر خواهد شد.

من شجرة مبرکه زيتونه لاشرقیه ولاغربيه یکاد زيتها یضیء و لو لم تمسسه نار

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت <لا- شرقیه و لا غربیه> این گونه تفسیر شود که: درخت زیتون نه فقط در ناحیه شرق است که تنها به وقت عصر از شعاع خورشید بهره گیرد و نه فقط در ناحیه غرب است که تنها در صبح از شعاع خورشید بهره مند باشد؛ بلکه از مزایای هر دو جهت و از تابش نور مستقیم خورشید از صبح تا به غروب استفاده می کند و روشن است که چنین درختی، از ثمره ای فراوان تر و مرغوب تر برخوردار خواهد بود.

فلسفه خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۳

۳ - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند، یاد آوری قدرت الهی، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبرها است.

نحن جعلناها تذکره

ضمیر <جعلناها> می تواند به

<نار> و یا به <شجره> برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان‌ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می‌آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

فواید درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۵

۵ - بهره‌گیری مسافران و بیابان‌گردان، از درخت آتش زنه برای روشن کردن آتش، حکمت دیگر ایجاد آن از سوی خداوند

و متعًا للمقوین

<مقوین> مشتق از <قوایه> (زمین بی آب و گیاه، بیابان) است؛ یعنی، مسافران و بیابان‌گردان.

فواید درخت انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۳

۳- درختان خرما و انگور، دارای محصولات و فرآورده‌های گوناگون

و من ثمرت النخيل والأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا

مدت ثمردهی درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- إن علیاً صلوات علیه قال: . . . و الحین سته أشهر، لأن الله عزوجل یقول: <تؤتی أكلها کلّ حین یأذن ربّها>؛

امام علی (ع) فرمود: مراد از <حین> شش ماه است؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: <تؤتی أكلها کلّ حین یأذن ربّها>.

مراد از درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۶،۷،۸،۹

-۶

> جابر الجعفی قال : سألت أبا جعفر محمد بن علی الباقر (ع) عن قول الله عزّوجلّ : > كشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها فی السّماء . . . < قال : أمّیا الشجرة فرسول الله (ص) و فرعها علی (ع) و غصن الشجرة فاطمه بنت رسول الله (ص) و ثمرها أولادها (ع) و ورقها شیعتنا . . . ;

جابر جعفی گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا >کشجرة طيبة.. < سؤال کردم، آن حضرت فرمود: اما مراد از درخت، رسول خدا(ص) می باشد و شاخه های اصلی آن، علی(ع) است و شاخه های فرعی آن، فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) می باشد و میوه های آن، فرزندان او و برگهای آن درخت، شیعیان ما می باشند.<

۷- > عمرو بن حریث قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله : > كشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها فی السّماء < فقال : رسول الله (ص) أصلها و أمير المؤمنين (ع) فرعها و الأئمة من ذریتهما أغصانها و علم الأئمة ثمرتها و شیعتهم المؤمنون ورقها . . . ;

عمرو بن حریث گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا >کشجرة طيبة أصلها.. < سؤال کردم پس [آن حضرت] فرمود: رسول خدا(ص) ریشه آن درخت و أميرالمؤمنین(ع) شاخه آن و ائمه(ع) از نسل آن دو، شاخه های فرعی آن و علم ائمه(ع) میوه های آن درخت می باشد و شیعیان مؤمن آنان برگهای آن درختند...<

۸- > عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام فی قول الله : > ضرب الله مثلاً

کلمه طیبه کَشَجَره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السَّجَماء > قال : یعنی النبی (ص) و الأئمه من بعده هم الأصل الثابت و الفرع الولایه لمن دخل فیها ;

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که در باره سخن خدا > ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کَشَجَره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السَّجَماء > فرمودند: یعنی، پیامبر(ص) و ائمه(ع) بعد از او، ریشه های ثابت [آن درخت] و شاخه های آن، ولایت است برای کسی که با [پذیرش آن] تحت ولایت داخل شود.

۹- > عن النبی (ص) [فی قوله تعالی : > کلمه طیبه کَشَجَره طیبه . . . <] : إن هذه الشجره الطیبه هی النخله ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا > کلمه طیبه کَشَجَره طیبه . . . < روایت شده است که فرمود: همانا [مراد از] درخت پاکیزه، درخت خرماست <.

مراد از درخت پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۷

۷- > عن رسول الله (ع) [فی قوله تعالی] : > و مثل کلمه خبیثه کَشَجَره خبیثه . . . < قال : هی الحنظله ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا > و مثل کلمه خبیثه کَشَجَره خبیثه . . . < روایت شده است که فرمود: مراد [از شجره خبیثه] هندوانه ابو جهل است <.

مراد از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۳

۲۳ اختلفت فی الشجره التی نهی عن ها آدم (ع) . . . و قیل

هی شجره الکافور، یروی عن علی (ع) ...؛

از امام علی (ع) روایت شده که درختی که آدم (ع) از آن نهی شد، درخت کافور بود ...<

مکان درخت طوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۵

۵ > سئل رسول الله (ص) عن طوبی قال: شجره أصلها فی داری و فرعها علی أهل الجنة ثم سئل عنها مرّه آخری فقال: فی دار علی (ع) ... ان داری و دار علی فی الجنة بمكان واحد؛

از رسول خدا(ص) درباره طوبی سؤال شد، فرمود: درختی است که ریشه آن در خانه من و شاخه های آن بر سر بهشتیان است. سپس مرتبه دیگری از [رسول خدا] سؤال شد، حضرت فرمود: در خانه علی(ع) است ... همانا خانه من و علی(ع) در بهشت در یک مکان است.<

مکان رویش درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۱

۱ - > زقوم < درختی است که از قعر دوزخ می روید .

أم شجره الزقوم ... إنّها شجره تخرج فی أصل الجحیم

مکذبان درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۲

۲- تردید و ناباوری مشرکان صدراسلام نسبت به دوزخ و وجود درختی به نام زقوم در آن

إنّ شجرت الزقوم

تأکید با >إنّ< و جمله اسمیه از تردید یا نکار مخاطبان نسبت به مضمون آن می کند آیه ۵۰ >إن هذا ما كنتم به تمترون<

برداشت می باشد.

منشأ رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

منشأ رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زَقُوم > می پردازند .

فَمَالُونَ مِنْهَا الْبَطُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۵ - ۱

۱- ثمره درخت زقوم ، چونان موادی آلوده و مذاب و جوشان در درون دوزخیان

إِنَّ شَجَرَتِ الزَّقُومِ . طَعَامُ الْأَثِيمِ . كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبَطُونَ

در معنای <مُهَل>، برخی به آلودگی و عده ای به مذاب بودن آن اشاره کرده اند.

نعمت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

ما أكفراه .. و زیتوناً و نخلاً

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع <زیتونه> باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق

می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

نقش درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۲

۲ - وجود مایه های تذکر و درس آموزی ، در آفرینش درخت آتش زنه

نحن جعلنها تذکره

نقش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۳

۳ - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف ، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

<کم> (مفرد <أکمام>) به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

نقش درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۲،۳

۲ - درخت زقوم ، منبع تغذیه اهل دوزخ (اصحاب شمال)

لأکلون من شجر من زقوم

۳ - اهل دوزخ (اصحاب شمال) ، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود .

لأکلون من شجر من زقوم

آوردن <لام> تأکید، بیانگر آن است که تغذیه اهل دوزخ از <زقوم> تردیدناپذیر است، زیرا آنان برای رفع گرسنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۱

۱ - عارض شدن تشنگی بسیار شدید بر دوزخیان (اصحاب شمال)، به محض فارغ شدن از خوردن میوه <زقوم>

لأكلون من شجر من

زَقُومٌ .. فشربون عليه من الحميم

به کارگیری <فا> در <فشاربون> و نیز قید <عليه>، می رساند که نوشیدن آب بعد از خوردن از <زَقُوم>، بی درنگ و بلافاصله انجام خواهد گرفت و این حکایت از تشنگی شدید دوزخیان دارد که با خوردن <زَقُوم> بر ایشان عارض خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۳ - ۲

۲ - درخت زَقُوم ، وسیله آزمایش کافران و ستم کاران

أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُومِ . إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

آزمایش، یکی از معانی <فتنه> است و برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است. در تأیید این مطلب گفتنی است که مفسران در شأن نزول آیه شریفه نقل کرده اند: ابوجهل هنگامی که کلمه <زقوم> را با اوصافی که قرآن برای آن نقل می کند شنید، آن را به مسخره گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۳

۳- < درخت زَقُوم > ، تجسّم گناهان جرم پیشگان در قیامت *

إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُومِ . طَعَامُ الْأَثِيمِ

تعبیر <شجرت الزَقُوم> و ارتباط میان دو آیه، ممکن است کنایه از این باشد که این بذر گناه است که در آخرت <زَقُوم> می رویاند.

نقش درخت سمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۶

۶ - صورت گرفتن بیعت رضوان ، در سایه درخت < سمره >

يباعونك تحت الشجرة

<الف و لام> در <الشجره> برای عهد است و اشاره به درخت خاصی دارد که بیعت زیر آن صورت گرفت.

نهی از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳،۴،۹

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از <لا تقربا...> به قرینه فراز قبل (فكلا...) و نیز (فلما ذاقا...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا هذه الشجرة

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۹ عن أبي جعفر (ع) في قوله: <و لا تقربا هذه الشجرة> یعنی لا تأكلا منها.

از امام باقر (ع) درباره آیه <و لا تقربا...> روایت شده است: <به این درخت نزدیک نشوید>، یعنی از میوه آن نخورید.

ویژگیهای درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۳

۳ - ایجاد تشنگی شدید، از خصوصیات و اوصاف درخت زقوم

فشربون عليه من الحميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۲

۲ - درخت <زقوم>، درختی زشت منظر و وحشت آور

طلعها كأنه رءوس الشيطان

تشبیه درخت زقوم به سرهای شیطان ها، به خاطر ذهنیتی است که مردم به ویژه عرب ها از شیطان دارند. بدین صورت که آن را موجودی زشت و وحشت آور می دانند و هر چیز و فرد زشت را به چهره و سر شیطان تشبیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دوزخیان ستمگر، بر اثر خوردن غذای < زقوم > به تشنگی شدید دچار خواهند گشت .

شجره الزقوم .. فمالتون منها البطون . ثم إن لهم عليها لشوبًا من حمیم

برداشت یاد شده از تعبیر <علیها> (به معنای <بعدها>)، استفاده می شود.

ویژگیهای درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - شجره منهیة در بهشت آدم (ع) و حوا، دارای جاذبه ای خاص بود . *

و لا تقربا هذه الشجرة

از اینکه آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیة در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند، معلوم می شود که ثمره آن درخت به گونه ای جذاب بوده که نزدیک شدن به آن، موجب تمایل و رغبت کامل برای استفاده از آن می شده است.

ویژگیهای میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت < زقوم >، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها كأنه رءوس الشیطن

<طلع>، به معنای <ثمره> است.

درخت پاکیزه

تمثیل به درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- < کلمه طیبه > چونان درخت پاکی و طیبی است که ریشه ای ثابت داشته و شاخ و برگش در بلندای فضا باشد .

کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- کلمه طیبه ، چنان درخت پاکی است که ریشه ثابت و شاخه برافراشته داشته و در وقت ثمردهی ، بی کم و کاست ثمر بدهد .

مثلاً کلمه طیبه کَشَجَرَه طَیْبَه اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فِرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ . تَوْتَى اَكْلُهَا كُلَّ حِينٍ

احتمال دارد که <توتی اكلها كل حين > ادامه مشبه به باشد و مراد از آن به تناسب موضوع، آن زمانی است که درخت در آن هنگام به بار می نشیند و ثمر می دهد.

ثمردهی درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱

۱- کلمه طیبه ، چنان درخت پاکی است که ریشه ثابت و شاخه برافراشته داشته و در وقت ثمردهی ، بی کم و کاست ثمر بدهد .

مثلاً کلمه طیبه کَشَجَرَه طَیْبَه اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فِرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ . تَوْتَى اَكْلُهَا كُلَّ حِينٍ

احتمال دارد که <توتی اكلها كل حين > ادامه مشبه به باشد و مراد از آن به تناسب موضوع، آن زمانی است که درخت در آن هنگام به بار می نشیند و ثمر می دهد.

مدت ثمردهی درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- إن علیاً صلوات علیه قال : . . . و الحین سته أشهر ، لأن الله عزوجلّ يقول : < توتی اكلها كل حين یاذن ربها > ;

امام علی (ع) فرمود: مراد از <حین > شش ماه است ؛ زیرا خداوند عزوجلّ می فرماید: <توتی اكلها كل حين یاذن ربها > .

مراد از درخت پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره -

۶- > جابر الجعفی قال : سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر (ع) عن قول الله عزّوجلّ : > كشجرة طيبه أصلها ثابت و فرعها في السّماء ... < قال : أمّا الشجرة فرسول الله (ص) و فرعها علي (ع) و غصن الشجرة فاطمه بنت رسول الله (ص) و ثمرها أولادها (ع) و ورقها شيعتنا ... ;

جابر جعفی گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا >كشجرة طيبه.. < سؤال کردم، آن حضرت فرمود: اما مراد از درخت، رسول خدا(ص) می باشد و شاخه های اصلی آن، علی(ع) است و شاخه های فرعی آن، فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) می باشد و میوه های آن، فرزندان او و برگهای آن درخت، شیعیان ما می باشند.<

۷- > عمرو بن حريث قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله : > كشجرة طيبه أصلها ثابت و فرعها في السّماء < فقال : رسول الله (ص) أصلها و أمير المؤمنين (ع) فرعها و الأئمة من ذريتهما أغصانها و علم الأئمة ثمرتها و شيعتهم المؤمنون ورقها ; ...

عمرو بن حريث گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا >كشجرة طيبه أصلها.. < سؤال کردم پس [آن حضرت] فرمود: رسول خدا(ص) ریشه آن درخت و أمير المؤمنين(ع) شاخه آن و ائمه(ع) از نسل آن دو، شاخه های فرعی آن و علم ائمه(ع) میوه های آن درخت می باشد و شیعیان مؤمن آنان برگهای آن درختند...<

۸- > عن أبي جعفر و أبي

عبدالله عليهما السلام في قول الله : > ضرب الله مثلاً كلمه طيبه كشجره طيبه أصلها ثابت و فرعها في السماء < قال : يعنى النبي (ص) و الأئمه من بعده هم الأصل الثابت و الفرع الولايه لمن دخل فيها ;

از امام باقر و امام صادق عليهما السلام روايت شده است كه در باره سخن خدا > ضرب الله مثلاً كلمه طيبه كشجره طيبه أصلها ثابت و فرعها في السماء < فرمودند: يعنى، پیامبر(ص) و ائمه(ع) بعد از او، ریشه های ثابت [آن درخت] و شاخه های آن، ولایت است برای کسی كه با [پذیرش آن] تحت ولایت داخل شود.

۹- > عن النبي (ص) [في قوله تعالى : > كلمه طيبه كشجره طيبه . . . <] : إن هذه الشجره الطيبه هي النخله ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا > كلمه طيبه كشجره طيبه . . . < روايت شده است كه فرمود: همانا [مراد از] درخت پاكيزه، درخت خرماست <.

درخت پليد

تمثيل به درخت پليد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۶ - ۱

۱- كلمه خبيثه ، چنان درخت پليدى است كه ریشه هایش از روی زمین كنده شده و ثبات و قرارى ندارد .

و مثل كلمه خبيثه كشجره خبيثه اجثت من فوق الأرض ما لها من قرار

>جثّ < در لغت به معنای قلع و كنده شده است.

مراد از درخت پليد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۶ - ۷

۷- > عن رسول الله (ع) [في قوله تعالى] : > و مثل

کلمه خبیثه کَشجره خبیثه . . . < قال : هی الحنظله ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا <و مثل کلمه خبیثه کَشجره خبیثه . . .> روایت شده است که فرمود: مراد [از شجره خبیثه] هندوانه ابوجهل است.<

درخت زقوم

امتحان با درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۳ - ۲

۲ - درخت زقوم ، وسیله آزمایش کافران و ستم کاران

أَمْ شَجَرَةُ الزَّقْوَمِ . إِنَّا جَعَلْنَهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

آزمایش، یکی از معانی <فتنه> است و برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است. در تأیید این مطلب گفتنی است که مفسران در شأن نزول آیه شریفه نقل کرده اند: ابوجهل هنگامی که کلمه <زقوم> را با اوصافی که قرآن برای آن نقل می کند شنید، آن را به مسخره گرفت.

پذیرایی با درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۵

۵ - درخت زقوم ، وسیله پذیرایی و خوراک دوزخیان

أَمْ شَجَرَةُ الزَّقْوَمِ

<زقوم> نوعی از گیاه زهرداری است که در بادیه ها می روید (قاموس المحيط)، ولی برخی از مفسران ویژگی های دیگری برای این درخت برشمرده و گفته اند: درختی با برگ ریز و بدبو است و شیره ای از آن می تراود که بدن به محض تماس با آن آماس می کند. این درخت در سرزمین های خشک می روید (روح المعانی (آلوسی)، ذیل آیه شریفه).

ترسناکی درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- درخت < زقوم > ، درختی زشت منظر و

وحشت آور

طلعها كأنه رؤوس الشيطان

تشبیه درخت زقوم به سرهای شیطان ها، به خاطر ذهنیتی است که مردم به ویژه عرب ها از شیطان دارند. بدین صورت که آن را موجودی زشت و وحشت آور می دانند و هر چیز و فرد زشت را به چهره و سر شیطان تشبیه می کنند.

تشبیه جوشش درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۱

۱- جوشش زقوم، در درون دوزخیان، چونان جوشش آب های داغ

کغلی الحمیم

تشبیه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۵ - ۱

۱- ثمره درخت زقوم، چونان موادی آلوده و مذاب و جوشان در درون دوزخیان

إنَّ شَجَرَتِ الزَّقُّومِ . طَعَامُ الْأَثِيمِ . كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبَطْنِ

در معنای <مُهْل>، برخی به آلودگی و عده ای به مذاب بودن آن اشاره کرده اند.

تشبیه میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت <زقوم>، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها كأنه رؤوس الشيطان

<طلع>، به معنای <ثمره> است.

تغذیه از درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - درخت زقوم، غذا و خوراک دوزخیان ستمگر است .

شجره الزقوم .. للظلمین ... فَإِنَّهُمْ لَأَكَلُونَ مِنْهَا

۲ - دوزخیان ستمگر، شکم های خود را از درخت زقوم پر خواهند کرد .

فمالتون منها البطون

درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۱

۱- وجود درختی به نام < زَقْوَم > در دوزخ

لَأَكْلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقْوَمٍ

<من> در <من زَقْوَم> بیان جنس <شجر> است؛ یعنی، درختی که از جنس زقوم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۱

۱- وجود درختی به نام زَقْوَم در دوزخ

إِنَّ شَجَرَتِ الزَّقْوَمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۱

۱- درخت زَقْوَم ، غذای گناه پیشگان در قیامت

إِنَّ شَجَرَتِ الزَّقْوَمِ . طَعَامَ الْإِثْمِ

<اِثْم> (از ماده <اِثْم>) به معنای کسی است که مداومت بر گناه دارد.

زشتی درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۲

۲- درخت < زَقْوَم > ، درختی زشت منظر و وحشت آور

طَلَعَهَا كَأَنَّهُ رِءُوسُ الشَّيْطَانِ

تشبیه درخت زقوم به سرهای شیطان ها، به خاطر ذهنیتی است که مردم به ویژه عرب ها از شیطان دارند. بدین صورت که آن

را موجودی زشت و وحشت آور می دانند و هر چیز و فرد زشت را به چهره و سر شیطان تشبیه می کنند.

زشتی میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت < زقوم >، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها کأنه رؤوس الشیطین

<طلع>، به معنای <ثمره> است.

عذاب با درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷

۱ - درخت زقوم ، مایه رنج و عذاب کافران و ستم گران از جانب خداوند

أم شجره الزقوم . إنا جعلناها فتنه للظلمين

یکی از معانی <فتنه>، رنج و عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم يوم الدين

مکان رویش درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۴ - ۱

۱ - < زقوم > درختی است که از قعر دوزخ می روید .

أم شجره الزقوم .. إنها شجرة تخرج في أصل الجحيم

مکذبان درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۲

۲- تردید و ناباوری مشرکان صدراسلام نسبت به دوزخ و وجود درختی به نام زقوم در آن

إن شجرة الزقوم

تأکید با <إن> و جمله اسمیه از تردید یا نکار مخاطبان نسبت به مضمون آن می کند آیه ۵۰ <إن هذا ما كنتم به تمترون> مؤید برداشت می باشد.

میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۵ - ۱

۱- ثمره درخت زقوم ، چونان موادی آلوده و مذاب و جوشان در درون دوزخیان

إِنَّ شَجَرَتِ الزَّقْوَمِ . طَعَامُ الْأَثِيمِ . كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبَطْنِ

در معنای <مُهْل>، برخی به آلودگی و عده ای به مذاب بودن آن اشاره کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه -

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

نقش درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۳ - ۲

۲ - درخت زقوم ، وسیله آزمایش کافران و ستم کاران

أم شجرة الزقوم . إنا جعلناها فتنه للظلمين

آزمایش، یکی از معانی <فتنه> است و برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است. در تأیید این مطلب گفتنی است که مفسران در شأن نزول آیه شریفه نقل کرده اند: ابوجهل هنگامی که کلمه <زقوم> را با اوصافی که قرآن برای آن نقل می کند شنید، آن را به مسخره گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۳

۳ - < درخت زقوم > ، تجسم گناهان جرم پیشگان در قیامت *

إن شجرة الزقوم . طعام الأثیم

تعبیر <شجرة الزقوم> و ارتباط میان دو آیه، ممکن است کنایه از این باشد که این بذر گناه است که در آخرت <زقوم> می رویاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۲،۳

۲ - درخت زقوم ، منبع تغذیه اهل دوزخ (اصحاب شمال)

لأكلون من شجر من زقوم

۳- اهل دوزخ (اصحاب شمال) ، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود .

لأكلون من شجر من زقوم

آوردن <لام> تأکید، بیانگر آن است که تغذیه اهل دوزخ از <زقوم> تردیدناپذیر است؛ زیرا آنان برای رفع گرسنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره -

۱ - عارض شدن تشنگی بسیار شدید بر دوزخیان (اصحاب شمال) ، به محض فارغ شدن از خوردن میوه < زقوم >

لأكلون من شجر من زقوم .. فشربون عليه من الحميم

به کارگیری <فا> در <فشاربون> و نیز قید <علیه>، می رساند که نوشیدن آب بعد از خوردن از <زقوم>، بی درنگ و بلافاصله انجام خواهد گرفت و این حکایت از تشنگی شدید دوزخیان دارد که با خوردن <زقوم> بر ایشان عارض خواهد شد.

ویژگیهای درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۲

۲ - درخت < زقوم > ، درختی زشت منظر و وحشت آور

طلعها كأنه رءوس الشیطن

تشبیه درخت زقوم به سرهای شیطان ها، به خاطر ذهنیتی است که مردم به ویژه عرب ها از شیطان دارند. بدین صورت که آن را موجودی زشت و وحشت آور می دانند و هر چیز و فرد زشت را به چهره و سر شیطان تشبیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۷ - ۲

۲ - دوزخیان ستمگر ، بر اثر خوردن غذای < زقوم > به تشنگی شدید دچار خواهند گشت .

شجرة الزقوم .. فمالئون منها البطون . ثم إن لهم علیها لشوبًا من حميم

برداشت یاد شده از تعبیر <علیها> (به معنای <بعدها>)، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- ایجاد تشنگی شدید ، از خصوصیات

و اوصاف درخت زقوم

فشربون علیه من الحمیم

ویژگیهای میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت < زقوم > ، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها کأَنه رءوس الشیطن

<طلع> ، به معنای <ثمره> است.

درخت سمره

نقش درخت سمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۶

۶ - صورت گرفتن بیعت رضوان ، در سایه درخت < سمره >

یبایعونک تحت الشجره

<الف و لام> در <الشجره> برای عهد است و اشاره به درخت خاصی دارد که بیعت زیر آن صورت گرفت.

درخت طوبی

مکان درخت طوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۵

۵ > سئل رسول الله (ص) عن طوبی قال : شجره أصلها فی داری و فرعها علی أهل الجنه ثم سئل عنها مرّه آخری فقال : فی

دار علی (ع) . . . ان داری و دار علی فی الجنه بمکان واحد ;

از رسول خدا(ص) درباره طوبی سؤال شد، فرمود: درختی است که ریشه آن در خانه من و شاخه های آن بر سر بهشتیان است. سپس مرتبه دیگری از [رسول خدا] سؤال شد، حضرت فرمود: در خانه علی(ع) است ... همانا خانه من و علی(ع) در بهشت در یک مکان است <.

درخت کافور

{درخت کافور}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ و اختلفوا فی الشجره التی نهی الله آدم عنها .

.. و روی عن علی (ع) أنه قال: شجره الكافور.

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: (درختی که آدم (ع) از نزدیک شدن به آن نهی شد)، درخت کافور بود.

درخت کافور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۳

۲۳ اختلفت فی الشجره التي نهی عن ها آدم (ع) . . . و قيل هی شجره الكافور ، یروی عن علی (ع) . . .

از امام علی (ع) روایت شده که درختی که آدم (ع) از آن نهی شد، درخت کافور بود . . .

درخت ممنوعه

آثار استفاده از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم (ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد؛ تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم (ع) و حوا از شجره منیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۴ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، زمینه ساز ایجاد روحیه دشمنی در میان انسانها *

فأزلهما الشيطان عنها . . . و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۴

شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوء تهما

آثار تناول از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۹،۱۶،۲۱

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبدت لهما سوء تهما

۱۶ - آدم (ع) با تناول از درخت ممنوع ، مرتکب معصیت پروردگار گردید .

فأكلا .. و عصی ءادم ربّه

۲۱ - آدم ، بر اثر نافرمانی خداوند و خوردن از درخت منع شده ، از رشد خویش بازماند .

فغوی

<غی> (مصدر <غوی>) نقطه مقابل رشد است (مقایس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱

۱ - آدم (ع) در پی عصیان و تناول از درخت ممنوع ، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه

<جبايه> (ریشه اصلی <إجتبی>) به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و <إجتباء> به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین <إجتباه ربّه> یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را برای خود خالص گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱،۱۲

۱- آدم (ع)

و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند.

فأكلا منها .. قال اهبطا منها

>إهبطا< ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۱۲ - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع بهشت، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد.

فأكلا .. بعضكم لبعض عدو

آثار درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۶

۶ شیطان در مورد آثار شجره نهی شده، خداوند را به دروغگویی متهم کرد.

قال ما نهيكما ربكما عن هذه الشجرة إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

جمله >إلا أن تكونا .. < در حقیقت تکذیب گفتار خداوند است که فرمود: فتكونا من الظالمین.

آدم(ع) و درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد.

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه >و کلا< (بخورید) می توان گفت: مراد از >لاتقربا< (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیة بوده است.

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیة، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

و لاتقربا هذه الشجرة

از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاكلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهی بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <و لاتقربا ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجرة.

۱۳ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهی ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳،۴

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از <لا تقربا...> به قرینه فراز قبل (فكلا...) و نیز (فلما ذاقا...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا هذه الشجرة

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴،۵

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لییدی لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان ليدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله <ورى عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما ..

<تدلیه>، مصدر <دلّی>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۹ عن أبي عبدالله(ع):... فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلی و الحلل عن اجسادهما و بقیا عریانین ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱

۱ آدم و

حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملک> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملک لا یبلی> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۷، ۹، ۵، ۲، ۱

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشیطن . . . فأکلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع، موافق تصمیمات شوهرش آدم، عمل می کرد .

فوسوس إليه الشیطن . . . فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود (فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

۵ - تأثیر پذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود .

و لقد عهدنا . . . فنسی . . . فأکلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این

مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

۸- عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا

<سواء> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹- تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا

۱۷- آدم (ع) قبل از تناول از درخت منع شده ، فرمان ممنوعیت آن را از خداوند دریافت کرده بود .

فَأَكَلَا مِنْهَا .. و عصیاء آدم ربّه

<عصیان> در صورتی تحقق می یابد که امر یا نهی از جانب خداوند صادر شده باشد. بنابراین گرچه در این آیات به ممنوعیت تناول از درخت، تصریح نشده است ولی ذکر <عصیان>، شاهدی گویا بر صادر شدن نهی در مورد تناول از آن درخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱

۱- آدم (ع) در پی عصیان و تناول از درخت ممنوع ، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه

<جایه> (ریشه اصلی <اجتبی>) به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و <اجتباء>

به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین <إجتباه ربه> یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را برای خود خالص گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۲، ۱۳

۱ - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند.

فأكلا منها .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۳ - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند.

فأكلا منها .. و عصي آدم ... قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>، یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

۱۲ - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع بهشت، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد.

فأكلا .. بعضكم لبعض عدو

اجتناب از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۲

۲۲ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ولا تقربا هذه الشجرة > يعني لا تأكلا منها ;

از امام باقر(ع) درباره <ولا تقربا هذه الشجرة> روایت شده ؛ یعنی، از آن درخت نخورید.<

استفاده از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهیة بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لا تقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <ولا تقربا ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لا تاكلا من هذه الشجرة.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۵

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۳

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجرة

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و

نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

تحریم درخت ممنوعه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵،۷

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله < ما نهاکما ربکما .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

تناول از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۲،۵

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند.

فوسوس إليه الشیطن .. فأکلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع، موافق تصمیمات شوهرش آدم، عمل می کرد.

فوسوس إليه الشیطن .. فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود (فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

۵ - تأثیر پذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود.

و لقد عهدنا .. فنسی ... فأکلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و

پی آمده‌های آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

حقیقت درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰ و اختلفوا فی الشجره التي نهى الله آدم عنها .. و روى عن على(ع) أنه قال: شجره الكافور.

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: (درختی که آدم(ع) از نزدیک شدن به آن نهی شد)، درخت کافور بود.

۱۱ عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یا بن رسول الله أخبرنی عن الشجره التي اكل منها آدم و حوا ما كانت؟ فقد اختلف الناس فیها فمنهم من یروی انها الجنیه و منهم من یروی انها العنب و منهم من یروی انها شجره الحسد، فقال(ع): کل ذلك حق. قلت: فما معنی هذه الوجوه علی اختلافها؟ فقال: یا أبا الصلت ان شجره الجنه تحمل انواعا فكانت شجره الحنطه و فیها عنب و لیست كشجره الدنيا ...

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یا بن رسول الله(ص) مرا آگاه کنید، درختی که آدم و حوا از آن خوردند چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند؛ عده ای می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد؛ یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست ...

حوا و درخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهییه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تا کلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهییه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <و لاتقربا ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجرة.

۱۳ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره

منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حو را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حو را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳،۴

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از <لا تقربا...> به قرینه فراز قبل (فكلا...) و نیز (فلما ذاقا...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا هذه الشجرة

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا

علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۰، ۳، ۲

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلك>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۹، ۸، ۲، ۱

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند.

فوسوس إليه الشیطن . . . فأکلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ، عمل می کرد .

فوسوس إليه الشیطن .

.. فأكلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود (فوسوس إلیه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأکلا منها فبدت لهما سوء تهما

<سواء> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹ - تناول از درخت منع شده، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأکلا منها فبدت لهما سوء تهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۲، ۱۳

۱ - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأکلا منها .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم (ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۳ - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت،

از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأكلا منها .. و عصىء اءام ... قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

۱۲ - تناول آءم و حوا از میوه ممنوع بهست ، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد .

فأكلا .. بعضكم لبعض عدو

ءرخت ممنوعه و جاودانگی

ءلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اءراف - ۷ - ۲۰ - ۵

۵ شیطان در وسوسه آءم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكین أو تكونا من الءلءین

زمینه تناول از ءرخت ممنوعه

ءلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آءم به ءرخت جاودانگی و ملك و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آءم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه ءرخت ممنوع

هل أدلك على شجرة الءلد و ملك لایبلی

مقصود از <شجره الءلد> ءرختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملك> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملك لایبلی> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

ءلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به تناول از

درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدلك على شجرة الخلد ... فأكلا منها

مراد از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۳

۲۳ اختلفت في الشجرة التي نهى عن ها آدم (ع) ... وقيل هي شجرة الكافور، يروي عن علي (ع) ...

از امام علی (ع) روایت شده که درختی که آدم (ع) از آن نهی شد، درخت کافور بود ... <

نهی از درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۴، ۹، ۳

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از <لا تقربا...> به قرینه فراز قبل (فكلا...) و نیز (فلما ذاقا...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا هذه الشجرة

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۹ عن أبي جعفر (ع) في قوله: <و لا تقربا هذه الشجرة> یعنی لا تأکلا منها.

از امام باقر (ع) درباره آیه <و لا تقربا...> روایت شده است: <به این درخت نزدیک نشوید>، یعنی از میوه آن نخورید.

ویژگیهای درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - شجره منہیہ در بہشت آدم (ع) و

حوا، دارای جاذبه ای خاص بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

از اینکه آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهبه در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند، معلوم می شود که ثمره آن درخت به گونه ای جذاب بوده که نزدیک شدن به آن، موجب تمایل و رغبت کامل برای استفاده از آن می شده است.

درختان

آتش زایی درختان سبز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۰ - ۲،۳

۲ - آتشنا بودن درخت سبز و مرطوب ، جلوه ای روشن از قدرت خدا

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

<أخضر> (سبز) صفت برای درخت است و توصیف درخت به سبز بودن در آیه شریفه برابر نظر بیشتر مفسران کنایه از مرطوب بودن آن است؛ زیرا آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است و پدید آوردن آتش از درخت مرطوب بیش از درخت خشک، بیانگر قدرت خدا است؛ چرا که آب و آتش ضد هم هستند.

۳ - آتشنا بودن درخت سبز و مرطوب ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

برداشت یاد شده با توجه به آیات پیشین است که درصدد بیان جلوه های قدرت خداوند برای اثبات معاد و رستاخیز انسان ها است؛ یعنی، خداوندی که قادر است از درخت سبز آتش را پدید آورد و از آب، آتش را بیافریند؛ همو قادر است مرده را نیز زنده کند.

آتش زایی درختان مرطوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۰ -

۲ - آتشنا بودن درخت سبز و مرطوب ، جلوه ای روشن از قدرت خدا

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

<أخضر> (سبز) صفت برای درخت است و توصیف درخت به سبز بودن در آیه شریفه برابر نظر بیشتر مفسران کنایه از مرطوب بودن آن است؛ زیرا آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است و پدید آوردن آتش از درخت مرطوب بیش از درخت خشک، بیانگر قدرت خدا است؛ چرا که آب و آتش ضد هم هستند.

۳ - آتشنا بودن درخت سبز و مرطوب ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

برداشت یاد شده با توجه به آیات پیشین است که درصدد بیان جلوه های قدرت خداوند برای اثبات معاد و رستاخیز انسان ها است؛ یعنی، خداوندی که قادر است از درخت سبز آتش را پدید آورد و از آب، آتش را بیافریند؛ هموقادر است مرده را نیز زنده کند.

آثار تنوع درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۰

۱۰ تنوع میوه ها و درختان زیتون و انار از آیات خداشناسی و توحید است.

و الزیتون و الرمان مشتها و غیر متشبه

آثار قطع درختان خرمای بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۸

۸ - اذن الهی به قطع نخل های بارور بنی نضیر ، در راستای به ذلت کشاندن آنان

ما قطعتم من لینه .. فیاذن الله و لیخری الفسقین

ابقای درختان خرمای بنی نضیر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۲

۲ - قطع بعضی از نخل ها و بر جای نهادن برخی دیگر در غزوه بنی نضیر از سوی مسلمانان ، به اجازه خداوند بود .

ما قطعتم من لینه أو ترکتموها قائمه علی أصولها فیاذن اللّٰه

استراحت در سایه درختان سدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۸ - ۳

۳ - استراحت اصحاب الیمین ، در سایه درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

استفاده از درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۲

۲- رویش گیاهان و درختان میوه به منظور بهره برداری انسان است

ینبت لکم به الزرع و الزيتون و النخیل و الأعنب و من کلّ الثمرت

اطاعت درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۱

۱ - گیاهان از بوته ها تا درختان ، در اطاعت و فرمانبری از قوانین الهی

و النجم و الشجر یسجدان

<نجم> در معنای ستاره و گیاه بی ساقه (بوته) به کار می رود و <شجر> به گیاهان ساقه دار گفته می شود(مفردات

راغب). قرار گرفتن <نجم> در کنار <شجر> قرینه است بر این که مراد از آن، معنای دوم (بوته) است.

انقیاد درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله

يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقياد است.

اهمیت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان *

و النخل باسقت . . . رزقاً للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزاً یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

اهمیت درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۷

۷ درخت ها و کشتزار ها ، دو نمود برکت باران و بقای رحمت آن

ماء مبرکاً فأنبئنا به جنّت و حبّ الحصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أكفّره . . . فليُنظر الإنسن ... حدائق غلبًا

اهمیت درختان بارور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - لزوم حفظ درختان بارور ، در باور مردمان عصر بعثت

ما قطعتم من لینه .. فیاذن الله

از توضیح خداوند نسبت به مشروعیت عمل مسلمانان در قطع درختان بنی نضیر، چنین استفاده می شود که عمل آنان، برای مردم مدینه چه بسا سؤال برانگیز بوده است.

برگ درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ -

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

بهترین درختان سدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۸ - ۱

۱ - عالی ترین نوع درختان سدر ، موجود در بهشت اصحاب الیمین

و أصحاب الیمین ... فی سدر مخضود

توصیف درخت سدر به <مخضود> (بدون تیغ)، ظاهراً اشاره به نوع عالی آن دارد.

تسخیر درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۳

۳ - سراسر هستی ، از اوج ستارگان تا درختان رویده بر زمین ، مقهور اراده و قوانین الهی

و النجم و الشجر یسجدان

در صورتی که مراد از <النجم> ستارگان باشد نه گیاهان بی ساقه مطلب بالا استفاده می شود.

تشابه درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۹

۹ درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه، با یکدیگر متفاوت هستند.

و الزیتون و الرمان مشتبهها و غیر متشبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۷

۷ انواع درختان و میوه

های زیتون و انار، در عین تشابه با یکدیگر، متفاوت هستند.

و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

تعقل در ثمردهی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ لزوم مطالعه و تحقیق در چگونگی ثمر دادن و رشد و رسیدن میوه های درختان

أنظروا إلی ثمره إذا أثمر و ینعه

تفاوت درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۹

۹ درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه، با یکدیگر متفاوت هستند.

و الزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۷

۷ انواع درختان و میوه های زیتون و انار، در عین تشابه با یکدیگر، متفاوت هستند.

و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

تفریح در میان درختان سدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۸ - ۲

۲ - تفرج و تفریح اصحاب الیمین ، در میان درختان سدر در بهشت

<فی سدر> خبر برای مبتدای محذوف است؛ یعنی، <هم فی سدر مخضود>. این جمله به دو گونه معنا می شود: الف) آنان در میان درختان سدر به سر می برند؛ ب) آنان در سایه درختان سدر به سر می برند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

تفریح در میان درختان موز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۳

۳ - گردش و تفریح اصحاب الیمین ،

در میان درختان پر از میوه موز در بهشت

و طلح منضود

<و طلح منضود> به تقدیر <هم فی طلح منضود> است؛ یعنی، آنان در میان درختان میوه موز به سر می برند.

تنوع درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ گوناگونی درختان یک میوه و تفاوت ثمره های آن، در عین شباهت با یکدیگر، از آیات خداشناسی و توحید است.

و هو الذی .. و الزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۴

۴ درختان انگور، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند.

جئت من أعنب و زرع و نخیل .. یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

ثمردهی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - آفرینش آسمان، نزول باران، به ثمر رسیدن میوه ها و پیدایش روزی برای انسان ها، جلوه هایی از ربوبیت خداوند است.

اعبدوا ربکم .. الذی جعل لکم ... رزقاً لکم

جنس درختان خرما ی بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : العجوه أم التمر . . . وهو قول الله عز وجل : > ما قطعتم من لينة أو تركتموها

قائمه على أصولها < قال : يعنى العجوه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که <عجوه> مادر خرما است .. (یعنی اولین درختی است که منشأ نخل های خرما در روی زمین بوده است) و این سخن خداوند است که می فرماید: <ما قطعتم من لینه...> امام فرمود: مقصود همان عجوه است (خرمای عجوه نوع مرغوبی از خرما است).<

خالق درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۲

۲ - خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرم

لنخرج .. جنت ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۱

۱ - درختان تنومند و ستبر بوستان ها ، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلباً

<غلب> جمع <غلباء> است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد <اغلب> و <غلباء> گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند ولی این وصف به قرینه <أنبثنا> در آیات پیشین ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۱

۱- وجود درختی به نام زقوم در دوزخ

إن شجرت الزقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۱

۱- درخت زقوم، غذای گناه پیشگان در قیامت

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقْوَمِ . طَعَامَ الْأَثِيمِ

<أثیم> (از ماده <إثم>) به معنای کسی است که مداومت بر گناه دارد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۱

۱ - وجود درختی به نام < زقوم > در دوزخ

لأكلون من شجر من زقوم

< من > در < من زقوم > بیان جنس < شجر > است؛ یعنی، درختی که از جنس زقوم می باشد.

درختان انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۸ - ۱

۱ - باغ های بهشت ، آکنده از میوه ها و درختان نخل و انار

فیهما فکھه و نخل و رمان

درختان انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۴

۴ درختان انگور ، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد ، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند .

جنت من أعنب و زرع و نخیل ... یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأكل

درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۷

۷ - بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

أَن لَّهُم جَنَّاتٌ .. كَلِمًا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرِهِ

<ثمره> به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳۱

۳۱ جریان نهرهای متعدد ، زیر درختان بهشت

جَنّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به نظر می رسد مراد از <من تحتها الأنهار>، <من تحت اشجارها> باشد، یعنی نهرها

از زیر درختان آن جاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۵

۵ بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهلهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۶

۶ بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهلهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵، ۲

۲ باغ های پوشیده از درختان

جنت تجری

<جنت> (مفرد جنات) به بوستانی گفته می شود که زمین آن پوشیده از درخت باشد.

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به

معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنات .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ جاری شدن نهر ها در زیر درختان انبوه بهشتی ، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

لهم جنت تجري تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۳

۳- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جَنَّتْ تجري من تحتها الأنهر

<جنات> به جایی

گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن <جنات> هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۴،۵

۴ - بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جَنَّتِ تجری من تحتها الأنهر

<جنات> جمع جَنَّة است و <جَنَّتِ> به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

۵ - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جَنَّتِ تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۴

۴ - از زیر درختان بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من الجنة غرْفًا تجری من تحتها الأنهر

جمله <تجری من تحتها الأنهار> می تواند حال برای <الجنة> باشد و ضمیر <تحتها> به <الجنة> برگردد. در این صورت، این برداشت، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۴

۴- جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جَنَّتِ تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ

<جَنَّة> (مفرد <جَنَّات>) به باغ پوشیده از درختان

گفته می شود.

۷- بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۴ - ۵

۵- > عن أبي عبدالله (ع) في قوله < مدهامتان > قال : يتصل ما بين مكّه والمدینه نخلاً ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <مدهامتان> فرمود: [مثل این است که] ما بین مکّه تا مدینه نخل های خرما به یکدیگر متصل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۸ - ۱

۱ - عالی ترین نوع درختان سدر ، موجود در بهشت اصحاب الیمین

و أصحاب الیمین .. فی سدر مخضود

توصیف درخت سدر به <مخضود> (بدون تیغ)، ظاهراً اشاره به نوع عالی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۱

۱ - وجود درختان موز ، در بهشت اصحاب الیمین

و طلع منضود

درباره واژه <طلع> چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها <موز> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان است .

بشریکم الیوم جنت

<جَنَّة> (مفرد <جَنَّات>)، به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۹

۱۹ - وجود نهر های همیشه روان ، از زیر درخت های بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۱ - ۲

۲ - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۴

۴ - جاری بودن نهر های فراوان ، از زیر درختان بهشت

عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

درباره مفاد <تجری من تحتها الأنهار>، سه تصور وجود دارد؛ ۱. با تقدیر کلمه <أشجار>، مراد جریان آب از زیر درختان و کنار ساقه های آن است؛ ۲. مراد جریان آب، زیر کاخ ها و تخت های بهشتیان است؛ ۳. مراد بیان آب خیز بودن زمین بهشت است؛ به گونه ای که آب نهرها، از زیر زمین بهشت سرچشمه می گیرد.

درختان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۱

۱ - <زقوم> درختی است که از قعر دوزخ می روید .

أم شجرة الزقوم .. إنها شجرة تخرج فی أصل الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۱

۱- وجود درختی به نام زقوم در دوزخ

إن شجرة الزقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وجود درختی به نام < زقوم > در دوزخ

لأكلون من شجر من زقوم

< من > در < من زقوم > بیان جنس < شجر > است، یعنی، درختی که از جنس زقوم می باشد.

درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۴

درختان انگور، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند.

جئت من أعنب و زرع و نخیل ... یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

درختان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۲

۲ - در صورت تبدیل شدن همه درختان زمین به قلم و مرکب شدن دریا های متعدد (بیش از هفت دریا) جهت کتابت کلمات الهی، کلمات خداوند تمام نخواهد شد.

لو أنما فی الأرض من شجرة أقلم و البحر یمده من بعده سبعة أبحر ما نفدت کلمت ال

<من> بیان برای <ما>ی موصول است و آوردن <شجره> با تای وحدت به جای <شجر> برای این است که افاده استغراق کند به گونه ای که یکایک درختان را در برگیرد. گفتنی است که <سبعة أبحر> دلالت بر کثرت می کند و <من بعده> به معنای <بعد از اتمام آن دریا> و یا غیر از آن است.

درختان زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۳

۳ - درختان زیتون، با میوه های روغنی و نان خورش سفره آدمیان، نمودی دیگر از تدبیر الهی

تنبت بالدهن و صبغ للأکلین

<صبغ> به معنای خورش عطف بر <الدهن> و تنوین آن برای تنويع است یعنی <درختی که میوه آمیخته به روغن و نوعی خورش برای خوردن گان می رویاند>

درختان میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ گوناگونی درختان یک میوه و تفاوت ثمره های آن، در عین شباهت با یکدیگر، از آیات خداشناسی و توحید است.

و هو الذی . . . و الزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشبهه

رویش درختان پهن برگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۴

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجره من یقظین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران ، کاری خدایی است .

و شجره تخرج من طور سیناء

<شجره> عطف بر <جَنّات> است. <طور> به معنای کوه و <سیناء> شبهه جزیره ای در مصر است. اضافه <طور> به <سیناء> اضافه ظرفیه و به تقدیر <طور فی سیناء> می باشد؛ یعنی: [با آن آب باران] درختی که از طور سینا برمی آید [پدید آوردیم].

۲ - طور سینا ، مرکز رویش درختان زیتون

و شجره تخرج من طور سیناء

ریزش برگ درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۹ - ۸

۸ هیچ برگی از

درختان نمی ریزد، جز اینکه خداوند به آن آگاه است.

و ما تسقط من ورقه إلا يعلمها

زمینه رویش درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۹

۹- انسان، تنها فراهم آورنده زمینه ها است، نه تدبیرگر نظام درونی دانه ها برای تبدیل شدن به درخت

ما كان لكم أن تنبتوا شجرها

رویاندن شجر، به معنای کاشتن آن در متن طبیعت و سپردن آن به عوامل طبیعی رشددهنده نیست؛ زیرا این کار از بشر نیز برمی آید؛ بلکه مراد سامان دادن به نظام و استعداد درونی هسته ای است که در درون طبیعت، تبدیل به درختی با خواص ویژه می شود. این کار خارج از توان بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۱

۱- نزول باران بر زمین، مایه تولید حیوانات و رویش گیاهان است.

و أنزلنا .. لنخرج به حبًا و نباتًا

<بَاء> در <به>، برای استعانت است و بیانگر نقش باران در رویش دانه ها و گیاهان و نیز میوه هایی است که در بوستان های پوشیده از درخت، حاصل می شود.

زوجیت درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۳

۳- درختان و گیاهان محصول دهنده، مشمول قانون زوجیت هستند و نر و ماده دارند.*

و أرسلنا الريح لوقح

زیبایی درختان انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۸ - ۳

۳ - زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در

میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

ستر عورت با برگ درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ - آدم و حوا در پی مکشوف شدن عورت هایشان ، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند .

فبت لهما سوءتھما و طفقا یخصفان علیھما من ورق الجنّہ

<طفقا>؛ یعنی، آغاز کردند و <خصف> هرگاه با <علی> متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود؛ یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

سجده درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّٰه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سرسیزی درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - بهشت ، دارای باغ هایی خرم و سرسبز با درختانی انبوه

فی روضات الجنّات

شاخه های درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۱

۱ - بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرتراوت

ذواتا أفنان

<أفنان>

(جمع <فنن>) است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۵

۵ - درختان روئیده در بهشت اصحاب الیمین ، دارای شاخه های چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

در صورتی که <طلح> به معنای درخت افاقیا باشد، <منضود> وصف شاخه های آن خواهد بود.

شادابی درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۱

۱ - بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرتراوت

ذواتا أفنان

<أفنان> (جمع <فنن>) است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۱

۱ - درختان پرتراوت و نعمت های متنوع بهشت ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

ذواتا أفنان . فبأیء الآء ربكما تكذبان

صفات درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یا بن رسول الله أخبرنی عن الشجرة التي اكل منها آدم و حوا ما كانت؟ فقد

اختلف الناس فيها فمنهم من يروى انها الجنيه و منهم من يروى انها العنب و منهم من يروى انها شجره الحسد، فقال (ع): كل ذلك حق. قلت: فما معنى هذه الوجوه على اختلافها؟ فقال: يا أبا الصلت ان شجره الجنه تحمل انواعا فكانت شجره الحنطه و فيها عنب و ليست كشجره الدنيا ...

عبدالسلام بن صالح هروى گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یا بن رسول

الله (ص) مرا آگاه کنید، درختی که آدم و حوا از آن خوردند چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند؛ عده ای می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد؛ یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست ...

عوامل باروری درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۲

۲- باد ها ، وسیله جا به جا کردن گرده های نر ، برای بارور ساختن گیاهان و درختان است .

و أرسلنا الريح لوقح

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <الرياح لوقح> (بادهای بارورکننده) بادهایی است که مواد باردارکننده را از گیاهان نر، به گیاهان ماده منتقل می کنند.

عوامل ثمردهی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تابش مستقیم نور خورشید به درختان از همه جوانب ، موجب برکت و مرغوبیت میوه آنها خواهد شد .

شجره مبرکه زیتونه لاشرقیه ولاغربیه یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسه نار

عوامل رویش درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۳

۳- آب ، مایه رویش گیاهان و درختان میوه است .

أنزل من السماء ماء .. ينبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعنب

حرف جر <ب> در >به

الزرع > سبیه است و مرجع ضمیر آن > ماء < در آیه قبل است. از این رو معنای جمله چنین می شود: خداوند به وسیله آب، کشتها و ... را برای شما می رویاند.

فلسفه رویش درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۲

۲- رویش گیاهان و درختان میوه به منظور بهره برداری انسان است

ینبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعنب و من كل الثمرات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱

۱ تأمین روزی خلق، از اهداف مهم ریزش باران و رویش درخت ها و گیاهان

و نزلنا من السماء .. فأنبثنا به جنّ و حبّ الحصيد ... رزقاً للعباد

فواید درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۱

۱ - درختان تنومند و ستبر بوستان ها، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلباً

> غُلب < جمع > غلباء < است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد > اغلب < و > غلباء < گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند ولی این وصف به قرینه > أنبتنا < در آیات پیشین ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

قطع درختان خرماى بنى نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اقدام مسلمانان ، به قطع برخی نخل های سبز و بارور یهود بنی نضیر

ما قطعتم من لینه

<لینه> به معنای نخل برافراشته

و بارور است (مفردات راغب).

۲ - قطع بعضی از نخل ها و بر جای نهادن برخی دیگر در غزوه بنی نضیر از سوی مسلمانان ، به اجازه خداوند بود .

ما قطعتم من لینه أو ترکتموها قائمه علی أصولها فیاذن الله

۵ - اعتراض یهود بنی نضیر ، نسبت به قطع نخل های بارور ایشان از سوی مسلمانان *

ما قطعتم من لینه .. فیاذن الله

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه، در پاسخ به اعتراض بنی نضیر در مورد قطع درختان سرسبز و بارور باشد همان گونه که در شأن نزول این آیه آمده است.

۶ - تردید مسلمانان نسبت به درستی عمل خویش ، در قطع درختان بارور ، به هنگام جنگ *

ما قطعتم من لینه .. فیاذن الله

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که پس از قطع بعضی از نخل های بنی نضیر، این تردید و سؤال میان مسلمانان به وجود آمد که: آیا عملشان صحیح و مورد رضای حق بوده یا خیر؟ آیه شریفه پاسخی به پرسش آنان است.

لانه سازی بر روی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحی ربک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و ممّا یعرشون

منشأ پیدایش درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۶

۶ خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

هو الذی أنشأ .. و الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

منشأ تنوع درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۷

۷ گوناگون شدن میوه های درختان و محصولات کشاورزی ، علی رغم بهره‌وری آنها از آب با طبیعتی واحد ، از نشانه های توحید و یکتایی خدا در تدبیر هستی

يسقى بماء وحد و نفضل بعضها على بعض فى الأكل إن فى ذلك الأيت لقوم يعقلون

منشأ ثمردهی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، به وسیله آب های نازل شده از آسمان ، درختان را به ثمر می رساند .

و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

<ثمره> - که مفرد <ثمرات> است - به میوه درختان گفته می شود. <من> در <من الثمرات> می تواند به معنای بعض باشد، در این صورت <من الثمرات> مفعول برای <اخرج> است؛ یعنی: فأخرج به بعض الثمرات ليكون رزقاً لكم. همچنین می تواند <من> بیانیه باشد در این صورت <رزقاً> مفعول برای <اخرج> خواهد بود؛ یعنی: اخرج به رزقاً لكم و هی الثمرات.

منشأ رویش درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۸

۸ - فرایند رویش درختان در دامان طبیعت ، خارج از قلمرو توان بشر

ما كان لكم أن تنبتوا شجرها

میوه درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - میوه درختان از مواهب الهی و رزق و روزی انسانهاست .

فأخرج

به من الثمرت رزقاً لکم

نقش درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۶

۶ زمین و بخش های متفاوت آن و درختان و کشتزارها ، از نشانه های خدا و یکتایی او در تدبیر هستی

إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

و فور درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۳،۱۰

۳ - بهشت ، دارای بستان های فراوان و درختانی انبوه

جَنَّت

<جَنَّة>، بستانی است که با درختانش زمین را بپوشاند (مفردات). جمع بودن <جَنَّت> به قرینه آیاتی که وجود یک بهشت را مطرح کرده است به اعتبار تعدد بستان های آن است.

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

ویژگیهای درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۱

۱ - بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرتراوت

ذواتا أفنان

<أفنان> (جمع <فنى>) است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۹ - ۲،۵

۲ - درختان موز در بهشتِ اصحاب الیمین ، پربار و میوه های آن چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

<نضد> به معنای چیدن بر روی هم است <طلح منضود> یعنی، درختان موز که میوه های آن بر

روی هم چیده شده است.

۵- درختان روئیده در بهشت اصحاب الیمین، دارای شاخه های چیده شده بر روی هم

و طلع منضود

در صورتی که <طلع> به معنای درخت افاقیا باشد، <منضود> وصف شاخه های آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۴ - ۲

۲- بهشت، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

<دانیه> از ریشه <دُنُوْ> (قرب و نزدیکی) است و <دانیه علیهم ظللها>؛ یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

ویژگیهای درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۴ - ۳

۳ زمین جایگاه درختان خرما؛ درختانی که به یک ریشه روئیده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند.

و فی الأرض... نخیل صنوان و غیر صنوان

<نخیل> (جمع نخل) و به معنای درختان خرماس است. <صنوان> (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان <صنو> می گویند.

درک از دیدگاه قرآن بر اساس تفسیر راهنما

درک

آثار درک پلیدی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ مشاهده برهان الهی (درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتی گناه ، باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و ..) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار درک حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - درك فرامانروایی ، قداست ، عزّت و حكمت خدا ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

یسَّبِحُ لِلَّهِ .. الملک القدّوس العزیز الحکیم

ذکر اوصاف <ملک> ، <قدّوس> و .. پس از <یسَّبِحُ لِلَّهِ ...> ، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد؛ یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان (توانایی درك و فهم حقایق) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی (درك حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتی گناه ، باور به عدم رستگاری ظالمان و گناه کاران و ..) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار درك حكمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۹

۹ - درك عزت و حكمت مطلق خداوند ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح و تنزیه او

سَبِّحْ لِلَّهِ .. و هو العزیز الحکیم

جمله <و هو العزیز الحکیم> بیانگر دلیل تسبیح گویی مخلوقات است؛ یعنی، آنها بدان جهت خداوند را تسبیح می گویند

کہ او را عزیز و حکیم می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - درك فرامانروایی ، قداست ، عزّت و حكمت خدا ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

یسَّبِّحُ لِّلّهِ .. الْمَلِكِ الْقَدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

ذكر اوصاف <ملك> ، <قدّوس> و .. پس از <یسَّبِّحُ لِّلّهِ ...> ، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد؛ یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار درك ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی (درك حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتی گناه ، باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و ..) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار درك صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۰ - ۶

۶ - تلقی صحیح و اندیشه درست ، دو پایه اساسی برای هدایت و راهیابی به حق است .

و قالوا لو كُنّا نسمع أو نعقل

آثار درك صحیح ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۶

۱۶ - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درك و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم .. و الملائکه یسبّحون بحمد ربّهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه در صدد بیان عظمت خدا باشد.

آثار درک عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف -

۹ - درك عزت و حكمت مطلق خداوند ، برانگيزاننده موجودات هستی به تسبیح و تنزیه او

سَبِّحْ لِلَّهِ .. و هو العزيز الحكيم

جمله <هو العزيز الحكيم> بیانگر دلیل تسبیح گویی مخلوقات است؛ یعنی، آنها بدان جهت خداوند را تسبیح می گویند که او را عزیز و حکیم می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۱۲

۱۲ - درك فرمانروایی ، قداست ، عزت و حكمت خدا ، برانگيزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

يَسْبِّحُ لِلَّهِ .. الملك القدوس العزيز الحكيم

ذكر اوصاف <ملك> ، <قدوس> و .. پس از <يسبِّح لله...> ، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد؛ یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار درك عظمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درك و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم .. و الملكه يسبحون بحمد ربهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه درصدد بیان عظمت خدا باشد.

۱۷ - تسبیح و عبادت ، برخاسته از میزان درك نسبت به عظمت الهی

و هو العلیّ العظیم .. و الملكه يسبحون بحمد ربهم

از این که فرشتگان بر اساس دركشان از عظمت الهی، به تسبیح مداوم حق می پردازند، مطلب بالا قابل برداشت است.

آثار درك قداست خدا

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۱۲

۱۲ - درك فرامانروایی ، قداست ، عزت و حكمت خدا ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

يَسْبِحُ لَّهِ .. الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ذكر اوصاف <ملك> ، <قدوس> و .. پس از <يسبِح لله...> ، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد؛ یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار عدم درك مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۹

۹- ناتوانی مشركان از درك حقانیت معاد ، عامل متهم ساختن پیامبر (ص) از سوی آنان به سحرزدگی *

إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا .. و قالوا أءذا كُنَّا عِظَمًا ... أءنَّا لمبعوثون

احتمال دارد که شنیدن سخنان غیر قابل درك از پیامبر(ص) عامل نسبت دادن جنون و سحرزدگی به آن حضرت از سوی مشركان بوده است و از جمله آن سخنان، تبلیغ پیامبر(ص) در مورد معاد جسمانی است.

آثار عدم درك معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۷

۷- ایمان نیاوردن مشركان به معاد ، معلول عدم درك حقیقت معاد و استبعاد آن بوده است .

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ .. و قالوا أءذا كُنَّا عِظَمًا و رفئًا أءنَّا لمبعوثون خلقًا جد

آثار محرومیت از درك آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۶

۱۶- هدایت پذیری کسانی که بر دل هایشان پرده افکنده شده و بر گوش هایشان

سنگینی نشسته (محرومان از درك و فهم آیات الهی) ، ناممکن است .

و إن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذا أبداً

<لن> برای نفی همیشگی است که در آیه مورد بحث، با کلمه <أبداً> نیز بر آن تأکید مجدد شده است؛ یعنی، چنین افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

ابزار درك جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۰ - ۱،۳

۱ - ابزار شناخت زوایای جهنم و اعماق هولناك آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريك ماهیه

کلمه <هیه> ترکیبی از ضمیر <هی> و هاء <سكت> است.

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت < هاویه > ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدريك ماهیه

ابزار درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۵

۱۵ - تفکر ، از ابزار شناخت و درك حقایق است .

و لعلهم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ - تفکر و اندیشه وسیله درك درست حقایق الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

ارائه نمونه عینی برای درک معقولات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۹

۹ - استفاده از امور محسوس ، برای آگاهانندن بشر ، به حقیقتی غیر محسوس ، از روش های هدایتی قرآن است .

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ

اهمیت درک آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه -

۴ - ره یابی به آیات نهفته در مسأله حیات و شعور ، پیچیده تر از شناخت نشانه های الهی در آسمان ها و زمین

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ ... وَ فِي خَلْقِكُمْ وَ ... آیت لقوم یوقنون

از این که موجودات زنده، شعورمند و حسّاس، پس از آسمان ها و زمین یاد شده و اندیشه در آن زمینه <یقین> معرفی گردیده است، ژرفای مسأله حیات و شعور استفاده می شود.

اهمیت درک آیات انفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۴ - ۴

۴ - ره یابی به آیات نهفته در مسأله حیات و شعور ، پیچیده تر از شناخت نشانه های الهی در آسمان ها و زمین

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ ... وَ فِي خَلْقِكُمْ وَ ... آیت لقوم یوقنون

از این که موجودات زنده، شعورمند و حسّاس، پس از آسمان ها و زمین یاد شده و اندیشه در آن زمینه <یقین> معرفی گردیده است، ژرفای مسأله حیات و شعور استفاده می شود.

اهمیت درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۹

۱۹- انسان ، موظف به تلاش برای فهم حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات برای خدا

لَاتَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا> تهدید مشرکان به خاطر نیندیشیدن درباره تسبیح موجودات باشد. بنابراین، عبارت، اشعار دارد بر اینکه تلاش برای فهم حقایق عالم لازم است.

اهمیت درک حقایق اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ خداوند ، خواهان درک عمیق انسان ها نسبت به حقایق اخروی

لو کانوا یفقهون

برداشت فوق مستفاد از به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است می باشد.

برادران یوسف و درک وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ برادران یوسف از شنیدن و احساس کردن وحی الهی به او ، ناتوان بودند .

و أوحینا إلیه .. و هم لایشعرون

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که عامل حال (و هم لایشعرون) فعل <أوحینا> باشد. بر این اساس مفاد <و هم لایشعرون> چنین می شود: آنان وحی ما را به یوسف (ع) نمی فهمیدند.

تشویق به درک آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۱۰

۱۰- تشویق آدمی به شناخت طبیعت و آثار قدرت الهی ، از راه تعقل و خردورزی

و من ثمرت النخیل .. إن فی ذلک لآیه لقوم یعقلون

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که آیه شریفه دارای لحن و آهنگی تشویق و تحریص کننده است.

جایگاه درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۷

۷- قلب ، مرکز و جایگاه دریافت و شناخت حقایق است .

كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

این که خداوند، از میان حواس و اعضای شناخت در انسان، تنها قلب را مطرح کرده که مُهر می خورد، حکایت از مرکزیت آن می کند و با از کار افتادن آن، بقیه، کارایی خود را از دست می دهند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۳

۳ - قلب ، جایگاه رؤیت حقایق نامحسوس

ما کذب الفؤاد ما رأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۱۰

۱۰ - دل آدمی ، مرکز درک و فهم حقایق و معارف الهی است .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جایگاه درک زشتی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زینہ فی قلوبکم و کثرہ إلیکم الکفر

جایگاه درک زیبایی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زینہ فی قلوبکم و کثرہ إلیکم الکفر

درک آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ابزار شناخت حقیقت آتش جهنم ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الحطمه

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت ویژگی های آتش جهنم ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما الحطمه

درک آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۶

۶- پیامبر (ص) ، الگو و دارای نقش پیشتاز در درک معارف عالم آفرینش

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

خطاب <ألم تر> اگرچه خطابی عام برای همه انسانهاست، اما مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) می

تواند رهنمودی باشد به این نکته که آن حضرت در درک واقعیات عالم پیشتاز است و دیگران باید آن حضرت را سرمشق خود قرار دهند.

درک آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ مؤمنان دارای زمینه لازم برای درک آیات خداوند در طبیعت هستند.

و هو الذی أنزل .. إن فی ذلکم لآیت لقوم یؤمنون

<ذلکم> اشاره به موارد مذکور در آیه، از قبیل نزول باران، رشد گیاهان، درختان میوه و تشابه و اختلاف آنها و .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۸

۸- آیت خداوند بودن آب باران و حیات موجودات ، برای مردم حق شنو قابل درک است .

و الله أنزل من السماء ماء .. إن فی ذلک لآیه لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۷

۷- تنها بهره مندان از خرد ، توان درک آیات ربوبیت الهی و بهره بردن از آن را دارند .

إن فی ذلک لآیت لأولی النهی

به خاطر این که عقل از پلیدی ها نهی می کند، آن را <نهییه> می گویند و جمع آن <نهی> است. لام در <لأولی النهی> برای اختصاص است و مراد این است که هر چند آیات و نشانه ها برای همه انسان ها است ولی تنها خردمندان می توانند آن را درک کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من آیته ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

با توجه به این که لام در <لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

درک اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۳

۳ - حاضران صحنه قیامت ، دارای قدرت درک و شناخت

علمت نفس

درک انقیاد موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۶

۶ - سجود و خضوع تمامی پدیده های جهان در برابر خدا ، امری قابل درک برای انسان ها

ألم تر أنّ الله يسجد له من في السموت و من في الأرض

همزه در <ألم تر> برای استفهام توییخی است: <رؤیت> (مصدر <تری>) به معنای دانستن و به اصطلاح از افعال قلوب است؛ یعنی، <آیا ندانستی که ..>. توییخ خداوند بیانگر مطلب یاد شده است؛ چه این که سجود و خضوع موجودات اگر قابل درک نبود، خداوند انسان ها را توییخ نمی کرد.

درک برتری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۷

۷ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن امتیاز مؤمنان بر کافران و توجه داشتن به آن

هل يستويان مثلاً أفلاتنكرون

درک تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۲،۳

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کردند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لاند و

آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

درک توحید ذاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ یکتایی خداوند ، منزّه بودنش از داشتن شریک و ضرورت پرستش او ، حقایقی قابل درک و فهم برای همگان

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره . . . أفلاتتعقلون

مفعول <تعقلون> حقایقی است که در این آیه و آیه قبل ، از زبان حضرت هود(ع) نقل شد^۲ همانند ضرورت پرستش خدا ، منزّه بودنش از شریک و . . .^۲ یعنی: أفلاتتعقلون انه ما لكم من إله غيره و إن عبادته واجب عليكم و . . .

درک توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ یکتایی خداوند ، منزّه بودنش از داشتن شریک و ضرورت پرستش او ، حقایقی قابل درک و فهم برای همگان

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره . . . أفلاتتعقلون

مفعول <تعقلون> حقایقی است که در این آیه و آیه قبل ، از زبان حضرت هود(ع) نقل شد^۲ همانند ضرورت پرستش خدا ، منزّه بودنش از شریک و . . .^۲ یعنی: أفلاتتعقلون انه ما لكم من

إله غيره و إن عبادته واجب عليكم و

درک حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۴

۴ - درک حاکمیت و سیطره همه جانبه خدا بر سراسر هستی ، در صلاحیت اشخاص دانشور و خردمند

قل من بیده ملکوت کل شیء .. . إن کتتم تعلمون

درک حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

۹- گوش های عاجز از دریافت پیام های خداوند ، در قیامت ، شنوای صدای دوزخ خواهد بود .

و عرضنا جهنم .. . الذین ... کانوا لا یستطیون سمعًا

درک حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۵

۵ - اهل ایمان و حق جویان ، قادر به درک نمود های اقتدار و حکمت خداوند در هستی

العزیز الحکیم . إن فی السموت و الأرض لآیت للمؤمنین

آیات الهی در هستی، برای همه انسان ها است تا از آن نشانه ها، رو به ایمان آورده و یا در طریق ایمان استوار بمانند. با توجه به این نکته گفتنی است

وصف <المؤمنين> نظر به کسانی دارد که اهل ایمان به حق و در جستجوی آیند.

درک سجده موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۶

۶ - سجود و خضوع تمامی پدیده های جهان در برابر خدا ، امری قابل درک برای انسان ها

ألم تر أن الله يسجد له من في السموت و من في الأرض

همزه در <ألم تر> برای استفهام توییخی است: <رؤیت> (مصدر <تری>) به معنای دانستن و به اصطلاح از افعال قلوب است؛ یعنی، <آیا ندانستی که...>. توییخ خداوند بیانگر مطلب یاد شده است؛ چه این که سجود و خضوع موجودات اگر قابل درک نبود، خداوند انسان ها را توییخ نمی کرد.

درک عظمت عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۵

۵ - درک بزرگی و عظمت عذاب الهی در قیامت ، امری مشکل برای بشر

و لعذاب الآخرة أكبر لو كانوا يعلمون

درک عظمت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدريك ما يوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراك...> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

درک قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳ - ۵

۵ - اهل ایمان و حق جویان ، قادر به درک نمود های اقتدار و حکمت خداوند در هستی

العزیز الحکیم . إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

آیات الهی در هستی، برای همه انسان ها است تا از آن نشانه ها، رو به ایمان آورده و یا در طریق ایمان استوار بمانند. با توجه به این نکته گفتنی است وصف <المؤمنین> نظر به کسانی دارد که اهل ایمان به حق و در جستجوی آنند.

درک قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدريكم ما القارعه

درک کمبودها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۵

۵ - آدمیان در قیامت ، کمبودها و کاستی های خویش را درک و احساس خواهند کرد .

قال ربِّ لم حشرتني أعمى

درک کنندگان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۲

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و في الأرض آيات للموقنين

درک کنندگان توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۹

۹ تنها تقوایندگان ، قادرند که دلایل وحدت تدبیر موجود در جهان آفرینش را درک کنند .

إن فی اختلاف الیل و النهار .. لأیت لقوم یتقون

درک

کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ تنها دانشوران ، شایسته فهم و درک آیات قرآنند (آیات مربوط به پدیده های جهان آفرینش) .

یفصل الأیت لقوم یعلمون

درک محضر معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۸ - ۴

۴ - درک محضر استاد و تلاش برای حضور در مجلس او ، از وظایف دانش اندوزان

جاءك یسعی

درک مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۳

۳ تنها اهل ایمان ، نیکویی منافع حلال و عادلانه و نادرست بودن منافع حرام و ظالمانه را باور خواهند کرد .

بقیت الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چون خیر بودن منافع حلال و عادلانه مشروط به ایمان نیست ، یعنی ، چه جامعه مؤمن باشد و چه نباشد، قسط و عدالت برای آنان خیر است، گفته شده <إن کنتم مؤمنین> شرط باور کردن و فهمیدن است ، یعنی ، اگر مؤمن شوید، می فهمید که منافع حلال خیر است و گرنه باور نخواهید کرد.

درک نیازمندی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۴

۴- درك ماهيت تعلق و نياز زمين و موجودات روى آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

درك نيازمندى موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۴

۴- درك ماهيت تعلق و نياز زمين

و موجودات روی آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

درک ویژگیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت ویژگی های قیامت ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدريک ما القارعه

خطاب در آیه شریفه گرچه متوجه شخص پیامبر(ص) نیست؛ ولی چون آن حضرت خطاب را دریافت کرده است، او نیز از زمره مخاطبان خواهد بود.

درک هماهنگی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۹

۹ - نظم ، هماهنگی و انسجام جهان ، قابل شناخت و درک برای انسان ها

هل تری من فطور

مطلب یاد شده، از تعبیر <هل تری> استفاده می شود.

دعوت به درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۶

۶ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن معارف و حقایق و توجه داشتن به آنها

أفلاتندکرون

متعلق <تذکرون> می تواند مطلق حقایق و معارف باشد و می تواند خصوص حقایقی باشد که در آیه مورد بحث بود. برداشت فوق براساس احتمال اول است. قابل ذکر است که استفهام در <أفلاتذکرون> به داعی امر و ترغیب ایراد شده است، یعنی، حقایق را بفهمید و بدانها توجه داشته باشید.

دعوت به درک مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۷

۷ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن امتیاز مؤمنان بر کافران و توجه داشتن

به آن

هل یستویان مثلاً أفلاتنّکرون

روش درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۱

۲۱- تفکر و اندیشه‌ورزی در طبیعت ، از راه های خداشناسی و درک حقایق هستی است .

إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - اندیشه و فکر از راه های رسیدن به حقیقت است .

ثمّ تتفکروا ما بصاحبکم من جنّه

زمینه درک آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۸

۸ علم و آگاهی، زمینه درک و پذیرش آیات الهی است.

لنبینه لقوم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۵

۱۵- صبر پیشه کردن در برابر مشکلات و بلایا و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر

آیات و نشانه های خدا

إِن فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - ایمان ، زمینه درک آیات و نشانه های الهی در طبیعت

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

زمینه درک احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ دانش و فرهنگ بالای اجتماعی ، زمینه ساز درک عمیق تر حدود و احکام الهی ، و نیز پذیرش آن

الأعراب .. أجدر أَلَّا يعلموا حدود ما أنزل الله

بیان اینکه <بدویان> از درک حدود خدا

دورند، إشعار به این معنا دارد که: متمدن بودن و برخورداری از دانش، زمینه ای بهتر برای شناخت حدود خداست.

زمینه درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۹

۹- حق شنوی ، زمینه درك حقایق

إن فی ذلک لآیه لقوم یسمعون

زمینه درك حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱۱

۱۱ - مطالعه در موجودات هستی ، راهنمای انسان به شناخت خدا و عزّت و حکمت او

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فی السَّمَوَاتِ ... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

زمینه درك حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- تأمل در جهان طبیعت ، زمینه ای برای درك ویژگی های حیات موجودات است .

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا الحَیْوةِ الدُّنْیَا کَمَا أَنزَلْنَاهَا مِنَ السَّمَاءِ

زمینه درك دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ دانش و فرهنگ بالای اجتماعی ، زمینه ساز درك عمیق تر حدود و احکام الهی ، و نیز پذیرش آن

الأعراب . . أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

بیان اینکه <بدویان> از درك حدود خدا دورند، إشعار به این معنا دارد که: متمدن بودن و برخورداری از دانش، زمینه ای بهتر برای شناخت حدود خداست.

زمینه درك رحمانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۲۱

۲۱ - لزوم اندیشه و تفکر در آفرینش پدید ها برای رسیدن به توحید و درك رحمانیت

و رحیمیت خداوند

إن فی خلق السموت و الأرض . . . لأیت لقوم یعقلون

زمینه درک رحیمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۲۱

۲۱ - لزوم اندیشه و تفکر در آفرینش پدید ها برای رسیدن به توحید و درک رحمانیت و رحیمیت خداوند

إن فی خلق السموت و الأرض . . . لأیت لقوم یعقلون

زمینه درک عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱۱

۱۱ - مطالعه در موجودات هستی ، راهنمای انسان به شناخت خدا و عزت و حکمت او

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ . . . وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

زمینه درک عظمت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما یوم الفصل

از این که آیه مورد بحث، در میان آیات مربوط به قیامت است قرار دارد، می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، تنها از طریق خود وحی برای بشر قابل شناخت است.

زمینه درک معاد

۶ - نقش تعیین کننده انسان شناسی ، در درک معارف الهی (معاد و ...)

أیحسب الإنسان أن یتَرَک سُدًى . ألم یک نطفه ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، برای اثبات توانایی خویش بر احیای

مردگان و برپایی قیامت، مسأله هدفمند بودن زندگی انسان و سیر آفرینش او را مطرح ساخته است.

زمینه محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۲

۲ - مصروف داشتن همه تلاش های علمی و فکری در امور دنیایی در پی دارنده خطر محروم شدن از درک حقایق اخروی

بل ادرک علمهم فی الآخره

کافران بدان علت از فهم و درک امور اخروی ناتوان شدند که تمام توان علمی خود را خرج دنیایشان کردند.

شرایط درک آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۷

۱۷- درک آیات و نشانه های الهی ، مقتضی استعداد و شرایط لازم

إن فی ذلک لأیت لکل صبار شکور

با اینکه آیات الهی برای همه مردم است، اختصاص دادن آنها به صابران شکرگزار، حکایت از آن دارد که درک آیات الهی، استعداد و شرایط ویژه ای می طلبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۹

۹- تعقل و خردورزی ، شرط درک صحیح حقایق هستی و بهره گیری از آیات الهی

إن فی ذلک لأیه لقوم یعقلون

شرایط درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- تفکر و اندیشیدن ، شرط درک صحیح حقایق و بهره گیری از آیات الهی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

عاجزان از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۶

۶- متهم کردن پیامبر (ص)

به سحرشدگی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است .

و جعلنا فی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی ءاذانهم وقراً و .. إذ يقول الظلمون إن

عجز از درك اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۸

۸- برخی کافران ناتوان از درک دین پیامبر (ص) و ارزش آن و نالایق برای استفاده از آن

و لی دین

عجز از درك خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۶

۶- قلب های تیره کافران ، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او ، ناتوان خواهند بود . *

إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از <رب> چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

عجز از درك خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۸

۸- بیماردلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم .. أولئك ... فأصمهم و أعمى أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصم> و <أعمى> در پی <فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم> بیانگر

این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین

گر منافع آدمی است؛ اما افسوس که بیمار دلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

عجز از درک عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۳

۱۳ - درک عزتمندی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

و لله العزّه . . . و لكنّ المنفقين لا يعلمون

عجز از درک عزت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۳

۱۳ - درک عزتمندی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

و لله العزّه . . . و لكنّ المنفقين لا يعلمون

عجز از درک عزت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۳

۱۳ - درک عزتمندی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

و لله العزّه . . . و لكنّ المنفقين لا يعلمون

عجز از درک مقدرات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۲

۲ - ناتوانی مؤمنان جن ، از درک صحیح تقدیر الهی در ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنا لاندري أشتر أريد بمن في الأرض أم أراد بهم ربهم رشدًا

عوامل محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۲

۲- عملکرد خود آدمیان (کفر و دنیاگرایی) ، عامل محرومیت آنان از درک حقایق معنوی است .

من کفر بالله

... بأنهم استحبوا الحيوة الدنيا ... أولئك الذين طبع الله على قل

الذين طبع الله .. < در مقام بیان مجازات کسانی است که با اختیار خود به کفر گرویدند و دنیا را بر آخرت ترجیح دادند که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده است. بنابراین همین گزینش و انتخاب که عملی است اختیاری موجب مجازات > طبع قلب < می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۸

۸ - کوردلی ، موجب محرومیت از فهم حقایق و پندپذیری

أفلم یسیروا .. فإنها لاتعمی الأبصر و لكن تعمی القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تکبر و تجاوزگری ، موجب محرومیت از درک صحیح حقایق الهی و مانع از پذیرش آن می شود .

كذلك یضلّ الله .. كذلك یطبع الله علی كلّ قلب متكبر جبار

عوامل محرومیت از درک دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۸

۸ - مردمی که دل هایشان مهر شده ، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

فاقدان درک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندها در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

كلمات <الصم> و <البكم> به ترتيب جمع

<الاصم = کر> و <الایکم = لال> است. <الذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

قدرت درک اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۳

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

محرومان از درک آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۲

۲- مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشه‌هایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا و جعلنا علی قلوبهم أکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که

دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

محرومان از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است.

استحبوا الحیوه دنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۵

۵ - کافران، چنان در ظلمت و گمراهی فرو رفته اند که حتی ملموس ترین حقایق الهی را درک نمی کنند.

والذین کفروا أعملهم .. أو کظلمت فی بحر لَجّی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه س

ندیدن دست خویش با آن که دست از ملموس ترین چیز برای انسان است (إذا أخرج یده لم یکد یرها) حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - خداوند، بر قلب هر متکبر تجاوزگری، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد.

کذلک یطبع الله علی کلّ قلب متکبر جبار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، <جبار> گویند. (قاموس المحيط).

محرومان از درک حقایق اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ منافقان ، مردمانی محروم از درك حقایق اخروی

لو كانوا یفقهون

به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است حکایت از آن دارد

که منافقان از درک حقایق اخروی ناتوانند.

محرومان از درک دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۶

۶ منافقان ، محروم از درک عمیق معارف الهی

و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

محرومان از درک قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۵

۱۵ - محرومیت منافقان ، از درک روابط و مناسبات جهان آفرینش و قدرت خداوند

و لکنّ المنفقین لایفقهون

محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴۳

محرومیت از درک رازهای آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۵

۱۵ - محرومیت منافقان ، از درک روابط و مناسبات جهان آفرینش و قدرت خداوند

و لکنّ المنفقین لایفقهون

مرکز درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۵

۵- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۵

۵- قلب ، مرکز دریافت حقایق و رهنمود های الهی و پیدایش گرایش ها و اعتقادات است .

ما یکذب .. قال أسطیر الأولین . کلاً بل ران علی قلوبهم

منافقان و درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۷

۷ ناتوانی منافقان

از درک عمیق زشتی مواضع و عملکرد خویش و نیز ارزش جهاد در راه خدا

و طبع... فهم لایفقهون

منشأ درک انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۸

۸ - حاضران صحنه قیامت ، خداوند را محشور کننده انسان ها و اختیاردار قوای درک و فهم آنان می دانند .

لم حشرتني أعمى

موانع درک آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ سلب قدرت بینش و برداشت صحیح از آیات الهی، نمودی از گمراه ساختن خداوند است.

و الذين كذبوا بآئتنا صم و بكم فى الظلمت من يشاء الله يضلله

جمله <من يشاء الله> بیانگر این معنی است که کرى و لالی تکذیب کنندگان آیات الهی تحقق همان مشیت الهی در مورد گمراه ساختن تکذیب کنندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۱۰

۱۰ - دروغ پردازی و گناه پیشگی ، مانع از شنود و دریافت بایسته آیات الهی است .

أفأفك أئيم . يسمع آيت الله ... ثم يصرّ مستكبراً كأن لم يسمعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۳

۳- کفر و لجاجت ، مانع درك حقيقت نشانه های الهی

و إن یروا.. یقولوا سبحان

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

موانع درك تعالیم صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درك آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرين

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

موانع درك حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ حسد و تجاوز از حد ، تهدید کننده واقعنگری و روشن بینی عالمان دینی

و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب . . . بغياً بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ روحیه جدال و لجاجت، مانع از درك و پذیرش حق است.

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۸

۸ - اندیشه های خرافی ، مانع از درك واقعیت امور و تحلیل صحیح آنها

قالوا اطيرنا بك و بمن معك . . . بل أنتم قوم تفتنون

ثمودیان به جای درك ریشه واقعی مشکلات خود، آن را به وجود صالح(ع) و بدیمنی او نسبت می دادند؛ در حالی که تأثیر وجود فیزیکی یک فرد در سرنوشت یک ملت آن هم به گونه ای که

ثمودیان می پنداشتند چیزی جز خرافه نبود.

موانع درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۶

۶- درک حقایق معنوی و ارزش های الهی با کفر به آخرت ، امکان پذیر نیست .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

ذکر صفت <لایؤمنون> برای <الذین> مشعر به این معناست که آنان، شایستگی درک و فهم آیات قرآن را نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - انگیزه های ناخالص نفسانی و جو ناسالم فکری جامعه ، از موانع شناخت درست حقایق

أن تقوموا لله مثنی و فردی ثم تتفکروا

توصیه به قیام برای خدا، حاکی از رد انگیزه های ناخالص است و <مثنی و فردی> دعوت به پرهیز از جو زدگی است. این می رساند که ناخالصی و غوغاسالاری، به فهم درست آسیب می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶،۹

۶- کفر ، مانع درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

یستمع إلیک حتی إذا خرجوا من عندک قالوا .. ماذا قال ءانفاً

<ماذا قال..> ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

۹- هواپرستی و ناتوانی از درک حقایق معنوی ، دو عنصر به هم پیوسته

طبع الله علی قلوبهم و اتبعوا أهواءهم

عطف دو جمله، ارتباط و پیوستگی تنگاتنگ میان محتوای آن دو را می‌رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۸

- مردمی که دل هایشان مهر شده ، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

موانع درک دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۵ - ۳

۳ - ثروت و امکانات مادی ، زمینه ساز بازماندن از تلاش برای درک معارف الهی و غافل سازنده انسان از عاقبت خویش *

أما من استغنی

مراد از <استغناء> ممکن است داشتن مال و ثروت باشد. در این صورت به قرینه <جاءک یسعی و هو یخشی> در توصیف جبهه مقابل می توان گفت ثروتمندان در معرض ترک حضور در مجالس دینی و خودداری از تلاش برای آموختن دین و دچار محرومیت از خشیت هستند.

موانع درک سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذين طبع الله علی قلوبهم و أتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع الله علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیک .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

درماندگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

درماندگی

آثار درماندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه ظهور فطرت توحیدی انسان و روی برتافتن از شرک

و جاءهم الموج من کل مکان . . . دعوا اللّٰه مخلصین له

۱۶ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من ال

۱۷ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطاها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله .. لنكونن من الشكرين

خدا شناسی هنگام درماندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من ال

درماندگی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۷

۷ جهان آخرت ، سرای تنهایی و محرومیت از هر گونه شفاعت برای زشت کرداران

و الذين كسبوا السيئات .. ما لهم من الله من عاصم

درماندگی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه . . . قالوا یلوط إنا رسل ربک

دعا هنگام درماندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من ال

دروغ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۴، ۲۲

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و الله و بلی و الله > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): ... و <الرفث> الجماع و <الفسوق> الكذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و الله و بلی و الله

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ ، از مصادیق جدال در حج است .

و لا جدال فی الحج

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل .. و اذا حلف بيمين واحده كاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ اعتقاد به مصوئیت از خلود در عذاب ، دروغی که اهل کتاب ، آن را ساخته و خود را فریب دادند .

و غَرَّهم فی دینهم ما کانوا یفترون

۱۰ دروغپردازی و بدعتگذاری در دین

، شیوه اهل کتاب

و غرّهم فی دینهم ما کانوا یفترون

از ماضی استمراری <ما کانوا> چنین استفاده شده است که بدعتگذاری شیوه مستمر آنان شده بود.

آثار دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۹

۹ دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما کانوا یکذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بما کانوا ..> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب الیم>، متعلق به <فزادهم ...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۳

۴۳ پیشتازی در کفر ، دروغپردازی ، جاسوسی و تحریفگری ، مایه خواری در دنیا و عذاب بزرگ در آخرت

الذین یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۷

۷ زیر پا نهادن عهد خویش با خدا و عادت کردن به دروغ گویی ، مایه گرفتار شدن آدمی به نفاق مزمن و همیشگی

بما أخلفوا الله ما وعدوه و بما کانوا یکذبون

<کانوا یکذبون> بر استمرار دلالت دارد زیرا فعل مضارع آن گاه که همراه با فعل <کان> و نظایر آن باشد، بر استمرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- ریشه بدعت گذاری در دین ، آرا و گفته های بی اساس و دروغین است .

و لاتقولوا لما تصف ألسنتكم الكذب هذا حلل و هذا

حرام لتفتروا على الله الكذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۱

۱۱ - دروغ ، ابزار شیطان برای فریفتن انسان ها

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى . . فبدت لهما سوء تهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۲،۵

۲ - دروغ پردازی و گناه ، نمود های تصرف شیاطین در قلب و روح انسان

تنزل على كل أفاك أثيم

۵ - دروغ ، مادر گناهان و زاینده انحراف ها

أفأك أثيم

اختصاص به ذکر یافتن <إفك> از میان سایر گناهان و اصل قرار گرفتن برای <إثم> (تقدم آن بر إثم) می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۱

۲۱ - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إن الله لا يهدي من هو كذب كفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۲۵

۲۵ - اسراف و دروغ گویی ، مایه محروم شدن از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۱۰

۱۰ - دروغ پردازی و گناه پیشگی ، مانع از شنود و دریافت بایسته آیات الهی است .

أَفَاكُ أَتَيْمٌ . يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ ... ثُمَّ يَصْرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۷

۷ - دروغ گویی ، استفاده ابزارای از مقدسات

و عملکرد های ناپسند ، نشانه های مُهر شدن دل است .

ذَلِكْ بِأَثْمِهِمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۴

۴ - آلودگی به دروغ و گناه ، ساقط کننده انسان تا مرحله تکذیب دین و باز داشتن مردم از نماز

ینهی. عبداً إذا صَلَّى ... كَذَّبَ وَ تَوَلَّى ... ناصیه کذبہ خاطئه

وصف های <کاذبه> و <خاطئه> بیانگر استمرار کذب و خطا در شخص است. این دو وصف در مقایسه با <ینهی> و <کذب> فعل و دلالت کننده بر حدوث نهی و تکذیب اند به منزله علت و معلول می باشند.

آثار سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۵

۲۵ کسی که با سوگند دروغ مال مسلمانی را به چنگ آورد ، مورد غضب الهی است .

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ .. لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

رسول الله (ص): من حلف يميناً يقطع بها مال أخيه، لقي الله عز وجل وهو عليه غضبان فانزل الله تصديق ذلك في كتابه <ان الذين يشترون .. >.

امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۶۸، جزء ۱۲ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سِيحْلِفُونَ بِاللَّهِ .. يَهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ حفظ آبرو در برابر مردم ، با سوگند دروغ و بی توجهی به رضایت خدا و رسولش ، موجب رسوایی و ذلت انسان در آخرت است .

يحلِفون بالله لكم .. فان له نار جهنم ... ذلك الخزي العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۴

۴ - انحرافات منافقان ، نتیجه سوگند های دروغ آنان

اتخذوا أيمنهم جنة فصدوا عن سبيل الله

مطلب یاد شده از تفریع <فصدوا..> بر <اتخذوا...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۳

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفت بار الهی

فلاتطع المكذبين .. كل حلاف مهين ... عتل بعد ذلك زنيماً ... سنسمه على الخرطوم

ابراهیم(ع) و دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٦- > عن الصادق (ع) : والله ما فعله كبيرهم و ما كذب إبراهيم فقيل : و كيف ذلك ؟ قال : إنما

قال : فعله كبرهم هذا إن نطق و إن لم ينطق فلم يفعل كبرهم هذا شيئاً ;

از امام صادق(ع) روایت شده: به خدا سوگند بت بزرگ آن کار را نکرده بود و ابراهیم نیز دروغ نگفت. به امام صادق(ع) گفته شد: چگونه این ممکن است [در حالی که ابراهیم گفت این کار را بت بزرگ کرده است؟! امام فرمود: ابراهیم(ع) گفت: اگر بت بزرگ سخن بگوید، این کار را کرده است و اگر سخن نگوید آن بت بزرگ کاری نکرده است <.

۷- > عن أبي عبد الله (ع) : إن الله ... أحب الكذب في الإصلاح ... ان إبراهيم (ع) إنما قال : < بل فعله كبرهم هذا < إرادة الإصلاح و دلاله على أنهم لا يفعلون ;

از امام صادق(ع) روایت شده: خداوند ... دروغ گفتن برای اصلاح را دوست دارد ... ابراهیم(ع) هنگامی که گفت: <بل فعله کبرهم هذا< هدف او اصلاح و راهنمایی [مردم] بود که آنان [بدانند] بت ها کاری انجام نمی دهند <.

اجتناب از استماع دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۴

۴ - پرهیز از گوش دادن به سخنان یاهو و دروغین ، حالتی پسندیده است .

لا يسمعون فيها لغواً

اجتناب از دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ - لزوم اجتناب از دروغ گویی و باطل سرایی

و اجتنابوا قول الزور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۸

۸ - پرهیز شعورمندان از کلام دروغین

، دلیل راه نداشتن باطل در حریم وعده های خداوند (آفریدگار شعور) *

إِنَّه لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ

تعبیر <مثل أنکم تنطقون> ممکن است در بیان این معنا آمده باشد که اگر انسان شعورمند، از باطل گریزان است و ارزش را در حقیقت می بیند؛ پس چگونه ممکن است که سخن پروردگار آدمیان و خالق نطق (شعور)، بی حقیقت و وعده اش تحقق ناپذیر باشد.

اجتناب از سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۲

۱۲ نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحيات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

اجتناب از گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۳

۳ بندگان خالص خدا، هرگز به باطل و دروغ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذين لا يشهدون الزور

احکام دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبد الله (ع) : قال رسول الله (ص) : لا كذب على مصلح ثم تلا : > أيتها العير إنكم لسارقون > ثم قال : والله ما سرقوا و ما كذب ... ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) فرمود: دروغ برای کسی که قصد اصلاح دارد نیست. آن گاه این آیه را

تلاوت فرمود: <أَيُّهَا الْعَبْرَانِ كَمِ لَسَارِقُونَ > ؛ سپس فرمود: به خدا سوگند کاروانیان دزدی نکرده بودند و [اعلام کننده نیز
[دروغ نگفت...<.

ادعای دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۹

۹ - ادعای مشکران در شریک داشتن خداوند ، دروغین و غیر واقعی است .

و من الناس من یجدل .. و إذا قیل لهم اتبعوا ... و من کفر فلا یحزنک ... و لئن س

فرمان خداوند به پیامبر(ص) برای ادای سپاس و ستایش در پی ذکر پاسخ صریح مشرکان، مبنی بر معرفی خداوند به عنوان خالق عالم، این نکته را می رساند که <آنان خود معترف اند که عقیده شان باطل است. بنابراین، تو حمد خدای را به جای آور!>.

ادعای دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۶

۱۶ - ادعای نبود نشانه ای بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) و نیز سایر پیامبران ، ادعایی گزاف و دروغین است .

لولا .. تأتینا آیه ... قد بیننا الأیت لقوم یوقنون

جمله <قد بیننا الأیات> پاسخ به ادعایی است که جمله <لولا .. تأتینا آیه> آن را بیان می دارد.

ادعای دروغ در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۴

۴ - برخی از مردم ، به دروغ خود را از انفاق گران معرفی کرده و مدعی بذل و بخشش های انبوه اند .

یقول أهلکت مالاً لبدًا

آیه بعد که گوینده <أهلکت مالاً لبدًا> را غافل از آگاهی خداوند خوانده است می تواند نشانگر نادرست بودن ادعای انفاق گری او باشد.

استماع دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده

۱۲ اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر ، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر (ص) بر کفرورزی آنان

لايحنك الذين يسرعون .. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخريين

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذين قالوا> و <الذين هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

اعراض از دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، در مجالسی که به باطل و دروغ پرداز می گذرد ، هرگز حضور نمی یابند .

و عباد الرحمن ... و الذين لايشهدون الزور

فعل <شهد> گاهی در معنای <حضر> (حضور یافت) استعمال می شود و گاهی در معنای <أخبر عن الشيء و شهده> (خبر داد از چیزی و گواهی به آن داد) به کار می رود. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است. <زور> نیز به معنای دروغ و باطل است.

اغواگری با دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - فریب دادن با تمسک به دروغ و

پذیرش مسؤولیت خطا، از راه های ایجاد انحراف دینی است .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. إنهم لکذبون

اهمیت اجتناب از دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۶

۶ لزوم پرهیز از دروغ حتی مصلحت آمیز آن، در صورتی که توریه امکان پذیر است .

معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

یوسف(ع) با اینکه می دانست متهم کردن بنیامین به دزدی دارای مصالحی است؛ ولی در بیان آن از دروغ گفتن امتناع کرد و با توریه آن مصلحت را تدارک نمود.

بهشتیان و دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۷

۷ - نوشندگان شراب بهشتی، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و كأساً دهاقاً . لا یسمعون فیها لعوا و لا کذاباً

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

تبرئه از دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۱

۱ هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود، خویشان را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

تحصیل مال با دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۵

۱۵ - > روی عن ابی جعفر)

ع) انه یعنی بالباطل الیمین الکاذبه یقتطع بها الأموال ;

از امام باقر(ع) درباره <باطل> در آیه فوق روایت شده که: مراد، سوگند دروغ است که موجب به دست آوردن مال می شود (یعنی تحصیل مال باقسم دروغ اکل مال به باطل است).<

تحمیل دروغ بر خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۲

۲ شرک، باطل و اعتقاد به آن تحمیل دروغ بر خویش است.

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

جمله <کذبوا...> بیان حال مشرکان در دنیا می تواند باشد. یعنی مشرکان در دنیا با عقیده شرک بر خود نیز دروغ بستند. زیرا فطرت و جان آدمی گواه بر توحید است.

تزیین دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۵

۵- مشرکان دوران جاهلی ، مردمانی دروغ پرداز و آرایش دهنده مطالب دروغ

و تصف ألسنتهم الکذب

<الکذب> مفعول <تصف> است. آوردن چنین وصفی برای مشرکان به جای فعل <یکذب> حاکی از این است که آنان، مطالب دروغ را توصیف کرده و آرایش می دادند.

تشویق به دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ نفوذ شیطان در انسان ها و ترغیب آنان به نفاق ، دروغ پردازی ، فریب کاری و طرح توطئه های شوم ، نمودی از دشمنی

آشکار او با ایشان است .

إن الشیطن للإنسن عدو مبین . .. اقتلوا یوسف ... أرسله معنا غداً یرتع و یلعب و إ

تنزیه از دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ

۶ - بهشتیان ، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذاباً

<کذاباً> یا به معنای <کَذِباً> (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد <و لا کذاباً> این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

دروغ بودن شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۲،۶

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ، به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

۶ - شریک داشتن خداوند و همسر و فرزند گزیدن او ، کذب محض و ساخته دست انس و جن است .

و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

دروغ بودن فرزندداری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۲،۳،۶

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ، به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا . . . و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

۶ - شریک داشتن خداوند و همسر و فرزند گزیدن او ، کذب محض

و ساخته دست انس و جن است .

و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

دروغ بودن همسررداری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳، ۶، ۲

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ، به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا . .. و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

۶ - شریک داشتن خداوند و همسر و فرزند گزیدن او ، کذب محض و ساخته دست انس و جن است .

و أَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

دروغ جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ ایجاد خوشبینی و اصلاح بین مردم حتی با سخن دروغ ، عملی پسندیده

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا . . . اصلح بین الناس

امام صادق(ع) درباره <اصلاح بین الناس> فرمود: تسمع من الرجل كلاماً يبلغه فتخبث نفسه فتلقاه فتقول سمعت من فلان قال

فيك من الخير كذا وكذا خلاف ما سمعت منه.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبد الله (ع) : قال رسول الله (ص

(: لا كذب على مصلح ثم تلا : > أيتها العير إنكم لسارقون < ثم قال : والله ما سرقوا و ما كذب ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) فرمود: دروغ برای کسی که قصد اصلاح دارد نیست. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: >أيتها العير إنكم لسارقون < ؛ سپس فرمود: به خدا سوگند کاروانیان دزدی نکرده بودند و [اعلام کننده نیز [دروغ نگفت...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۷

۷- > عن أبي عبد الله (ع) : إنَّ الله ... أَحَبَّ الكذب في الإصلاح ... ان إبراهيم (ع)) إنما قال : > بل فعله كبيرهم هذا < إرادة الإصلاح و دلالة على أنهم لا يفعلون ;

از امام صادق(ع) روایت شده: خداوند .. دروغ گفتن برای اصلاح را دوست دارد ... ابراهیم(ع) هنگامی که گفت: >بل فعله كبيرهم هذا< هدف او اصلاح و راهنمایی [مردم] بود که آنان [بدانند] بت ها کاری انجام نمی دهند<.

دروغ در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۴، ۲۲

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به > لا و الله و بلی و الله < در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق(ع): ... و >الرفث < الجماع و >الفسوق < الكذب و السباب و >الجدال < قول الرجل لا و الله و بلی و الله

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ، از مصادیق جدال در حج است.

و لا جدال فی الحج

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل .. و اذا حلف بيمين واحده كاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

دروغ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۱

۱ مشرکان در قیامت به دروغ منکر شرک ورزی خویش در دنیا می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشركين. انظر كيف كذبوا على أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ مشرکان حتی در قیامت دروغ می گویند.

فقالوا يليتنا نرد ولا نكذب ... و إنهم لكذوبون

دروغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا يليتنا نرد ولا نكذب ... و إنهم لكذوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبدالله (ع) : قال رسول الله (ص) : لا كذب على مصلح ثم تلا : > أيتها العير إنكم لسارقون > ثم قال : والله ما سرقوا و ما كذب . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است:

رسول خدا(ص) فرمود: دروغ برای کسی که قصد اصلاح دارد نیست. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: <أَيُّهَا الْعَبْرَانِ كُمْ لَسَارِقُونَ> ; سپس فرمود: به خدا سوگند کاروانیان دزدی نکرده بودند و [اعلام کننده نیز] دروغ نگفت...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۶

۶ لزوم پرهیز از دروغ حتی مصلحت آمیز آن ، در صورتی که توریه امکان پذیر است .

معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

یوسف(ع) با اینکه می دانست متهم کردن بنیامین به دزدی دارای مصالحی است ؛ ولی در بیان آن از دروغ گفتن امتناع کرد و با توریه آن مصلحت را تدارک نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۷

۷- < عن أبي عبد الله (ع) : إنَّ الله... أَحَبَّ الكَذِبِ فِي الإِصْلَاحِ... ان إبراهيم (ع) إِنْما قال : < بل فعله كبرهم هذا > إرادة الإِصْلَاحِ وَ دَلَالَهُ عَلَيَّ أَنَّهُمْ لَا يَفْعَلُونَ ;

از امام صادق(ع) روایت شده: خداوند... دروغ گفتن برای اصلاح را دوست دارد... ابراهیم(ع) هنگامی که گفت: <بل فعله کبرهم هذا> هدف او اصلاح و راهنمایی [مردم] بود که آنان [بدانند] بت ها کاری انجام نمی دهند.<

زمینه سوگند دروغ منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۲

۲ - دروغ گویی ، استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذَلِكْ بِأَثْمِمْ ءَامَنُوا

ثم كفروا

<ذلک> می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

زیان دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۶، ۱۴

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

وإن یک کذباً فعلیه کذبہ

۱۶ - زیان دروغ ، بیشتر از همه ، به خود دروغ گو باز می گردد .

وإن یک کذباً فعلیه کذبہ

سرزنش استماع دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۰

۲۰ ناپسندی گوش سپاری به گفتار دروغ و دروغ بستن بر دیگران

سمعون للکذب

<للکذب> یا مفعول به است برای <سمعون> و یا مفعول له. برداشت فوق بر اساس هر دو احتمال می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للکذب اکلون للسحت

سرزنش سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - سوگند دروغ ، امری ناپسند و نکوهیده در بینش الهی

و يحلفون على الكذب و هم يعلمون

سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۵

۱۵ - > روی عن ابی جعفر (ع) انه یعنی بالباطل الیمین

الكاذبه يفتطع بها الأموال ;

از امام باقر(ع) درباره <باطل> در آیه فوق روایت شده که: مراد، سوگند دروغ است که موجب به دست آوردن مال می شود (یعنی تحصیل مال باقسم دروغ اکل مال به باطل است).<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۱۱

۱۱ سوگند صادقانه به خدا، گناه است و دروغ آن، کفر عملی .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

ان الله عز و جل يقول: <و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم>

کافی، ج ۷، ص ۴۳۴، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۸۳۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ شهادت به ناحق و قسم دروغ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنا إذا لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ خیانت در شهادت و سوگند دروغ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فان عثر علی انهما استحقا .. و الله لایهدی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۳

۳ سوگند دروغ، شیوه ای شیطانی در فریب دادن دیگران

و قاسمهما إني لكما لمن الناصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸،۱۲

۸ اخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن

و سيحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معكم

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سيحلفون بالله . . . و الله يعلم انهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱،۱۱

۱ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون بالله لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

۱۱ تخلف از جهاد و سوگند دروغ ، علامت نفاق و نشانه پلیدی است .

يعتذرون إليکم . . . سيحلفون بالله ... انهم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱،۲،۵

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

يحلفون لكم لترضوا عنهم

۲ خداوند ، مؤمنان را از تأثیرپذیری در برابر ریاکاری و سوگند های دروغین منافقان هشدار داد .

فإن ترضوا عنهم فإن الله لا يرضى عن القوم الفسقين

۵ روی آوری به سوگند های دروغ ، از روش های منافقان برای دستیابی به هدف های خویش

سيحلفون بالله . . . يحلفون لكم

سوگند دروغ ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما .. فدلیهما بغرور

<تدلیه>، مصدر <دلّی>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است.

کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

سوگند دروغ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۳

۳ سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

و الله ربنا ما كنا مشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۵

۵ - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فیحلفون له

سوگند دروغ در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۳

۳ - زن زناکاری که با سوگند دروغین ، سوگند شوهرش بر این عمل زشت را رد و تکذیب کند ، مستحق غضب خدا است .

والخمسه أنّ غضب الله علیها إنّ کان من الصدقین

سوگند دروغ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إني لكما لمن الناصحين

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

سوگند دروغ منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و

سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

يُحْلِفُونَ بِاللَّهِ .. يَهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۲

۲ عدم امکان گریز از جامعه اسلامی برای منافقان صدر اسلام ، عامل رو آوردن آنان به سوگند دروغ برای مؤمن جلوه دادن خود

و يحلفون بالله إنهم لمنكم .. لو يجدون ملجئاً ... لو لؤا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۱،۴

۱ سوگند های دروغ منافقان به خداوند نزد مؤمنان ، برای جلب رضایت آنان

يحلفون بالله لكم ليرضوكم

۴ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد سوگند های دروغ منافقان

يحلفون بالله لكم ليرضوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱

۱ روی آوردن منافقان به سوگند دروغ ، برای انکار سخنان کفرآمیزی که در نهان گفته بودند .

يحلفون بالله ما قالوا و لقد قالوا كلمة الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۱۰،۱۱

۱۰ - منافقان ، آگاهانه متوسل به سوگند های دروغ می شدند .

و يحلفون على الكذب و هم يعلمون

۱۱ - توسل به سوگند دروغ ، از نشانه های نفاق و از ترفند های منافقان برای پوشش دادن نفاق و دورویی خویش .

و يحلفون على الكذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۵۸

۵ - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فيحلفون له

۸ - منافقان می

پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له .. و یحسبون أنّهم علی شیء

کلمه <شیء> در <انّهم علی شیء> موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن <علی شیء نافع> می باشد؛ یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۴،۷

۴ - انحرافات منافقان ، نتیجه سوگند های دروغ آنان

اتّخذوا أیمنهم جَنّه فصدّوا عن سبیل اللّٰه

مطلب یاد شده از تفریع <فصدّوا..> بر <اتّخذوا...> به دست می آید.

۷ - هدف منافقان از تمسک به سوگند های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتّخذوا أیمنهم جَنّه فصدّوا عن سبیل اللّٰه

شایعه دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

علاقه استماع دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱،۲

۱ رغبت فراوان یهود به حرامخواری و شنیدن دروغ ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للکذب اکلون للسحت

صیغه مبالغه <سمعون> و <اکلون> دلالت بر رغبت فراوان دارد. در برداشت

فوق دو خصلت یاد شده، وصف عموم یهودیان (عالمان و پیروان) آنان گرفته شده است.

۲ عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) گوش سپارنده به شایعات دروغین و راغب به حرمخواری و رشوه گیری

سمعون لقوم ءاخیرین .. سمعون للکذب اکلون للسحت

برداشت فوق بر این مناسبت که دو صفت یاد شده درباره عالمان یهود باشد. توصیف عوام یهود در آیه قبل به <سمعون للکذب>، این مبنا را تأیید می کند، و <سحت> به معنای مال حرام است و از مصادیق مورد نظر آن، به مناسبت مورد، رشوه می باشد.

عوامل دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۳

۳ - نفاق، خدعه گری و دروغ پردازی، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من یقول ءامنا .. یخدعون الله ... فی قلوبهم مرض

<فی قلوبهم مرض> بیانگر ریشه رذایلی است که در آیات قبل و فرازهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۵

۵ رشوه خواری عالمان کفرپیشه یهود برای پذیرش و تأیید دروغپردازی های رشوه دهندگان

لقوم ءاخیرین .. سمعون للکذب اکلون للسحت

ذکر رشوه خواری عالمان یهود پس از توصیف آنان به دروغ پذیری، بیانگر آن است که آنان برای پذیرش و تأیید دروغهای بافته شده توسط گروهی از یهودیان رشوه می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ حسد، آدمی را به گناهای همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به

محبوب ترین نزدیکانش ، وادار می سازد .

قالوا یا بانا ما لک لاتأمننا علی یوسف و إنا له لنصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۵

۵ ستمگری ، باطل گرایي و دروغ پردازی ، از نتایج و اثرات کفر به خدا و انکار رسالت پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک .. فقد جاء وظلمًا و زورًا

<زور> به معنای سخن باطل و دروغ است (لسان العرب).

قرآن و دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفحات قرآن ، پاک و منزّه از ثبت هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهره

کسب با دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۵

۱۵ - > روی عن ابی جعفر (ع) انه یعنی بالباطل الیمین الکاذبه یقتطع بها الأموال ;

از امام باقر(ع) درباره <باطل> در آیه فوق روایت شده که: مراد، سوگند دروغ است که موجب به دست آوردن مال می شود (یعنی تحصیل مال باقسم دروغ اکل مال به باطل است).<

کیفر دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما آتاهم .. بخلوا به و تولوا .. بما أخلفوا الله ... و بما كانوا يكذبون

کیفر سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ کسانی که قسم دروغ می خورند ، در آخرت نصیبی نداشته و عذابی دردناک در انتظار آنان است .

انّ الذّین .. و ایمانهم ثمناً قليلاً

امام صادق (ع)، در ضمن شمارش گناهان کبیره فرمود: و اليمين الغموس ؛ لأنّ الله عز و جلّ يقول > انّ الذّین یشترون بعهد الله و ایمانهم ثمناً قليلاً اولئك لا خلاق لهم فی الاخره ... < .

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۳۳ ؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۵.

کیفر گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۶

۲۶ شهادت دهندگان به دروغ و ترک کنندگان شهادت حق ، مورد تهدید خدایند .

و إن تولوا او تعرضوا فإنّ الله کان بما تعملون خبيراً

بیان آگاهی خداوند به شهادتهای دروغ و ترک شهادت حق، کنایه از تهدید و عذاب الهی است.

گناه دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۷ - ۳

۳- دروغ پردازی ، گناهی بزرگ

أفأك أئيم

گناه سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۲

۲ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان

عثر على انهما استحقا اثمًا

مراد از <اثمًا> به قرینه <انا اذاً لمن الاثمين> شهادتهای دروغین است.

گناه گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲۲، ۲۱

۲۱ - > قال رسول الله (ص) خطيباً . فقال : يا أيها الناس عدلت شهادة الزور إشراكاً بالله ثلاثاً ، ثم قرأ : > فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور < ;

رسول خدا(ص) ضمن خطبه ای سه دفعه فرمود: ای مردم! شهادت زور (دروغ)، معادل شرک به خدا است. سپس آیه <فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور> را قرائت فرمود.

۲۲ - > دخل عمرو بن عبيد على الصادق (ع) . . . وقال : أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله فقال : . . . إن الكبائر . . . وقول الزور > واجتنبوا قول الزور < . . . ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد. . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب الله بشناسم. آن حضرت فرمود: ... [از جمله] گناهان کبیره... قول زور است؛ [چون در کتاب الله آمده است:] <واجتنبوا قول الزور>...<.

گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۴

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران يقومان مقامهما من الذين استحق عليهم الأولين

مفعول <استحق> کلمه <اثمًا> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن

می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقاقاً> گفته شده <من الذین استحق...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

ملاک دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ - مخالف اعتقاد سخن گفتن هر چند خود سخن حق باشد دروغ گویی است .

قالوا نشهد إنك لرسول الله .. و الله يشهد إن المنفقين لکذبون

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، منافقان را به رغم این که سخن حقی را گفته بودند ولی در دل آن را باور نداشتند دروغ گو خوانده است.

ممنوعیت سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۸

۸ - سوگند به دروغ ، ممنوع است .

قل لاتقسموا

تردید نیست که سوگند منافقان، سوگندی دروغین بود. بنابراین نهی خداوند از چنین سوگندی، دلیل بر ممنوعیت آن است.

ممنوعیت گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۴

۴ شهادت و گواهی باطل و دروغ ، ممنوع است .

و الذین لایشهدون الزور

منشأ دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۳

۳ - شیاطین ، الهام کننده دروغ و گناه اند ؛ نه پیام های معرفتی و ارزشی همچون قرآن .

و ما تنزلت به الشیطان . . . تنزل علی کلّ

أفَّاك أثم

موارد دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۲ - ۱

۱ انتساب گناه خود به دیگران، دروغی شنیع و گناهی آشکار است.

و من یکسب خطیئه... ثم یرم به بریاً فقد احتمال بهتناً و اثمأ میناً

نکره آوردن کلمه <بهتناً> و <اثماً>، برای اشاره به بزرگی آن دو گناه است. کلمه <بهتان>، به معنای دروغ بستن به دیگران است، به گونه ای که از شنیدن چنین دروغی مبهوت و متحیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ پیمان شکنی، از مصادیق دروغ گویی

بما أخلفوا الله ما وعدوه و بما كانوا یکذبون

برداشت فوق بر این اساس است که <بما كانوا یکذبون> عطف تفسیر و بیان دیگری از <بما اخلفوا الله ما وعدوه> باشد نه امری مستقل از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۹

۹- نسبت دادن فرزند گزینی به خدا، سخنی بس گزاف و دروغ است.

قالوا اتخذ الله ولداً... کبرت کلمه تخرج من أفوههم إن یقولون إلا کذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۲ - ۳

۳- فرزند داشتن خدا، دروغ محض و سخنی ناروا در حق خداوند

ولد الله و إنهم لكذبون

موانع دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۶

۶- ایمان ، مانع افترا و دروغ پردازی است .

إنما یفتری الکذب الذین لا یؤمنون بأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۶ - ۷

۷- توجه به علم الهی، بازدارنده انسان از گزافه گویی و بی صداقتی در دین

قل اَتَعْلَمُونَ اللّٰهَ بِدِينِكُمْ .. و اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۸ - ۶

۶ توجه به علم و بصیرت الهی، بازدارنده انسان از بی صداقتی در عقیده و ناخالصی در عمل

يَمْنُونَ عَلَيْكَ اَنْ اَسْلَمُوا .. اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ غَيْبَ ... و اللّٰهَ بِصِيرٍ بِمَا تَعْمَلُونَ

تذکر به علم و بصیرت الهی، در پایان آیاتی که مدعیان ایمان را به سبب بی صداقتی ملامت کرده است، می تواند پیامدار معنای یاد شده باشد.

موانع گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۲

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران)، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد ایمن> بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

موسی(ع) و دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۵، ۱۴

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل

فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

و إن یک کذباً فعلیه کذبہ

۱۵ - ناروا بودن قتل موسی (ع) ، در نظر مؤمن آل فرعون حتی در صورت دروغ گو بودن او

و إن یک کذباً فعلیه کذبہ

ناپسندی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - اعتقاد به زشتی و زیان باری دروغ ، دارای پیشینه طولانی در میان ملت ها

و إن یک کذباً فعلیه کذبہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۹

۹ - دروغ گویی و تکذیب گفتار تقوایندگان ، خصلت هایی ناروا و مذموم است .

و لا کذاباً

پاکیزه خواندن فضای بهشت از کذب و تکذیب، نشانگر منفور بودن آن در پیشگاه خداوند است.

دروغگو

کیفر دروغگو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - > قال الصادق (ع) : إذا سأل عن صدقه علی أی وجه قاله ، فیجازی بحسبه فکیف یکون حال الکاذب . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: در صورتی که راستگو، از راستگویی اش سؤال شود که به چه انگیزه ای بوده است؟ و بر حسب آن جزا

داده شود، حال دروغگو چگونه خواهد بود..؟<

دروغگویان

{دروغگویان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ دروغگویی، شیوه همیشگی مشرکان لجاجت پیشه است.

فقالوا .. و إنهم لکذبون

۱۱ مشرکان حتی در قیامت

دروغ می گویند.

فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب ... و إنهم لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲۲

۲۲ وانهادن دشمنان حق ناپذیر و بی اعتنایی به دروغپردازیهای آنان فرمان الهی است.

فذرهم و ما یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۵

۵- مشرکان دوران جاهلی ، مردمانی دروغ پرداز و آرایش دهنده مطالب دروغ

و تصف ألسنتهم الكذب

<الكذب> مفعول <تصف> است. آوردن چنین وصفی برای مشرکان به جای فعل <یکذب> حاکی از این است که آنان، مطالب دروغ را توصیف کرده و آرایش می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۷

۷- افترا زندگان به پیامبر (ص) و قرآن ، خود دروغگوی واقعی اند .

و أولئك هم الكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۴

۴ - در پیشگاه خداوند ، قذف کنندگان بی دلیل سرآمد دروغ گویان اند .

فأولئك عند الله هم الكذبون

ضمیر <هم> ضمیر فصل و <الكاذبون> مسند محلی به <ال> جنس و مفید حصر است.

برخورد اخروی با دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

نصیه کذبہ خاطئه . . . سندع الزبانیہ

تشخیص دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۸ تکلیف جهاد ، صحنه تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین ایمان
و جهدوا .. لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا و تعلم الكذابين

دروغگویان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبہ خاطئه .. سندع الزبانیه

دروغگویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نطنکم کذبین .. إنهم ملقوا ربهم

روش برخورد دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۴

۴ - برخی از مردم ، به دروغ خود را از انفاق گران معرفی کرده و مدعی بذل و بخشش های انبوه اند .

يقول أهلكت مالا لبدا

آیه بعد که گوینده <أهلكت مالا لبدا> را غافل از آگاهی خداوند خوانده است می تواند نشانگر نادرست بودن ادعای انفاق
گری او باشد.

۲ - انسان های دروغ پرداز و آلوده به گناه ، گوش سپرده به القائنات دروغین شیاطین

علی کلّ أفاک أثم . یلقون السمع و أكثرهم کذبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر < یلقون > به < کلّ أفاک > باز گردد و < یلقون السمع > کنایه از این باشد که

آنها تمامی اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند. گفتنی است که بر این مبنا ضمیر جمع در <اکثرهم کاذبون> می تواند به شیاطین بازگردد؛ یعنی، منحرفان تمام اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند؛ اما بیشتر شیاطین، اخبار دروغ تحویلشان می دهند.

فرجام دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۹ - ۵

۵ - دروغ پردازان گناه پیشه ، دارای فرجامی خفت بار و آکنده از ذلت

ویل لكل أفاك أثيم .. أولئك لهم عذاب مهين

قلب دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۱

۱ - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزل علی کل أفاك أثيم

<أفاك> از ریشه <إفك> (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین <أفاك> به کسی گفته می شود که دروغ پردازی کند. <أثيم> نیز از ماده <إثم> (گناه) به معنای گنه پیشه است.

کیفر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۸

۸ کیفر دمسازان با دروغ ، عذابی است دردناک

و لهم عذاب الیم بما كانوا یکذبون

<باء> در <بما كانوا> سببیه است و <ما> مصدریه می باشد؛ یعنی: و لهم عذاب الیم بسبب کذبهم المستمر.

لعن بر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان

من الكذابين

محرومیت دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۲۳

۲۳ - اسرافگران و دروغ گویان ، از هدایت الهی محروم اند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

نزدیکی کیفر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز ، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار ، نزدیک است .

سندع الزبانيه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نفرین به دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۷ - ۱

۱ - دروغ پردازان گناه پیشه ، مورد نفرین و تهدید خداوند

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

نهی از اطاعت دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۶

۶ - اطاعت از دستورات دروغ گویان و گنه پیشگان ، مورد نهی خداوند

ناصیه کذبہ خاطئه .. کلاً لاتطعه

دروغگویی

آثار دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

< کذلک > اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است ، یعنی ، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه < یؤفکون > < إفک > است و به معنای < هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد > (مفردات راغب). بنابراین، مراد از

<یؤفکون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

آثار دروغگویی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و تقوا

لنسفًا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

اقرار به دروغگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۹

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

بی اعتنایی به دروغگویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فأعرضوا عنهم

تهمت دروغگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ اشراف کفرپیشه قوم هود، وی را به سفاهت و دروغگویی متهم کردند .

قال الملائه الذین کفروا .. انا لنریک فی سفاهه و انا لنظنک من الکذبین

تهمت دروغگویی به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۲

۲ - انکار رسالت حضرت ابراهیم (ع) و متهم شدن

او به دروغ گویی ، از سوی قوم او (کلدانیان)

فقد کذبت . . . و قوم ابرهیم و قوم لوط

تهمت دروغگویی به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۲

۲ - تکذیب پیامبران ، متهم کردن آنان به دروغ گویی و انکار رسالت ایشان ، سابقه دار در تاریخ بشر

و ان یکذبوک فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۲

۲ - انکار رسالت پیامبران و متهم کردن آنان به دروغ گویی ، سابقه دار در تاریخ بشر

و ان یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۲

۲ - انکار رسالت پیامبران و متهم کردن آنان به دروغ گویی ، سابقه دار در تاریخ بشر

و ان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا . . . قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

تهمت دروغگویی به پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ اشراف و سران قوم نوح ، پیروان آن حضرت را در ادعای ایمان ، به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نزنکم کذبین

تهمت دروغگویی

به شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۵

۵ مردم مدین ، شعيب (ع) را به دروغ گویی در ادعای نبوت و رسالت متهم می کردند .

سوف تعلمون ... من هو كذب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۲

۲ - انکار رسالت شعيب (ع) و متهم شدن او به دروغ گویی از سوی مردم مدین

فقد کذبت ... و أصحاب مدین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۴

۴ - شعيب (ع) متهم به دروغ گویی در ادعای رسالت ، از سوی مردم آيکه

و إن نظنك لمن الكذابين

<إن> مخفف از ثقيله و <ظن> (مصدر <نظن>) مرادف <ایقان> (یقین داشتن) است ؛ یعنی ، <قطعاً تو را از جمله دروغ گویان می دانیم> .

تهمت دروغگویی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملائمة من قومه ... إن هو إلا رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۶

۶ - مردمِ جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت دروغگویی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم لوط با رسالت او و دروغگو خوانده شدن وی از سوی آنان

و قوم إبرهیم و قوم لوط

تهمت دروغگویی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۵

۵- کافران دین ستیز مکه ، پیامبراسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و يقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۲

۲ مشرکان مکه ، سرگذشت نوح و قوم او را ، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (ص) می پنداشتند .

و لقد أرسلنا نوحًا .. أم يقولون افتريه

برداشت فوق ، براین اساس است که ضمیر مفعولی در <إفتراه> به داستان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشین آمده ، باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱- متهم شدن پیامبر (ص) به دروغ گویی از سوی مشرکان، با رخ دادن نسخ و تبدیل پیامی به پیام دیگر در برخی از آیات قرآن

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قالوا إنما أنت مفتّر

۲- نسخ و تغییر برخی از پیام

های الهی ، دستاویزی برای مشرکان در مبارزه با پیامبر (ص) و متهم کردن او به دروغ گویی

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قالوا إنما أنت مفتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۱

۱- مخالفان پیامبر (ص) ، آن حضرت را در استناد قرآن به خداوند دروغگو و مفتی می دانستند .

يقولون إنما يعلمه بشر .. إنما يفتری الكذب الذين لا يؤمنون بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۱

۱ - مشرکان صدر اسلام ، رسالت پیامبر (ص) را انکار و او را به دروغ گویی متهم می کردند .

و إن يكذبوك فقد كذبت قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۳

۳ - از سوی مشرکان ، به پیامبر (ص) اتهام دروغ پردازی زده می شد .

أم يقولون افتريه بل هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱

۱ - کافران ، اظهارات پیامبر (ص) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

وقال الذين كفروا هل ندلكم على رجل يبتئكم .. أفتري على الله كذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۱

۱ - مشرکان صدر اسلام ، رسالت پیامبر (ص) را انکار نموده و او را به دروغ گویی متهم کردند

و إن يكذبوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۱

۱ - مشرکان صدر اسلام ، رسالت پیامبر (ص) را انکار نموده و آن حضرت را به دروغ گویی متهم می کردند .

و إن يكذبوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۶،۷

۶ - کافران ، پیامبر اسلام (ص) را ساحر و بسیار دروغگو می دانستند .

و قال الكفرون هذا سحر كذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۴

۴ - سران کفر و شرک ، کلام توحیدی و یکتاپرستی رسول خدا را ، سخنی دروغ و ساختگی می پنداشتند .

إن هذا إلا اختلق

مقصود از واژه <اختلاق> هنگامی که در وصف کلامی آورده شود سخن ساختگی و دروغی است که سابقه نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - نسبت کذب و افترا به پیامبر (ص) ، از دیگر موضع گیری های منکران ، در قبال وحی قرآنی

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ .. أم یقولون افتری علی اللّه کذباً

ارتباط این آیه با آیات ۱۷ و ۱۸ می تواند توجیه گر واژه <أم> باشد؛ یعنی، منکران قرآن گاهی با انکار معاد می خواهند

وحی را انکار کنند و زمانی هم با نسبت کذب به پیامبر در صدد انکار حقانیت قرآن می باشند.

۲- پیامبر (ص)، به خاطر دعوت مؤمنان به مودت اهل بیت، در معرض اتهام کذب

از سوی عناصر سست ایمان *

أَمْ يَقُولُونَ افترى على الله كذباً

چنانچه مخاطب در <لا أسئلكم> مسلمانان باشند، از ارتباط <أَمْ يَقُولُونَ> با آیه شریفه، می توان استفاده کرد که فاعل <يقولون> عناصر سست ایمان هستند و نه مشرکان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۱

۱ - اتهام کافران به پیامبر (ص) ، در ابداع قرآن از نزد خود و نسبت دادن آن به خداوند

أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ

<تَقْوَلَهُ> یعنی، به دروغ چیزی را به کسی نسبت دادن (المصباح المنیر). مقصود کافران این است که قرآن، کلام خداوند نیست و پیامبر(ص) به دروغ آن را به او نسبت می دهد.

تهمت دروغگویی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۷

۷ - قوم موسی وی را به دروغ گویی در ابلاغ حکم خدا (فرمان ذبح گاو) ، متهم کردند .

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ . . . قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا

با وجود اینکه موسی(ع) با جمله <إِنَّ اللَّهَ . . .> تصریح می کند که خداوند چنین دستوری داده بنی اسرائیل با خطاب به موسی(ع) (أَتَتَّخِذُنَا) او را صادر کننده آن فرمان می پنداشتند یعنی، بر این گمان بودند که وی به گراف آن حکم را به خداوند نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۶ - ۵

۵ - متهم شدن موسی (ع) به دروغ گویی در ادعای رسالت

و ما سمعنا بهذا في ابائنا الأولين

<هذا> به ادعای رسالت از سوی موسی اشاره دارد؛ زیرا فرعون وی را

متهم به دروغ گویی می کند، به این دلیل که اگر رسالت از سوی خدا درست باشد، باید پیش از تو در میان نیاکان ما این امر تحقق می یافت؛ در حالی که چنین چیزی در تاریخ پیشینیان، شنیده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۸

۸ - متهم شدن موسی (ع) به دروغ گویی از سوی فرعون ، به خاطر مردود دانستن الوهیت وی و فراخواندن همگان به پرستش خدای یگانه

و إِنِّي لَأُظَنُّهُ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۶

۶ - تهمت سحر و دروغ گویی به موسی (ع) ، از سوی فرعون ، هامان و قارون

فَقَالُوا سِحْرٌ كٰذِبٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۵، ۱۶، ۵

۵ - دستور ساختن بنای مرتفع و رصدخانه برای اطلاع پیدا کردن از خدای موسی (ع) ، نیرنگ و ترفند فرعون برای اثبات دروغ گویی موسی (ع) در ادعای وجود خدای یکتا در جهان

أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلٰهِ مُوسَىٰ

در این که مقصود اصلی فرعون از ساختن بنای مرتفع چه بوده، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: از جمله این که فرعون با ساختن بنای مرتفع، در صدد نبود که به راه های آسمان دست یابد؛ زیرا کوه های مرتفعی وجود داشت که از برج ها و بنای احدی او بلندتر بود. از این رو مقصود اصلی او این بود که برای مردم اثبات کند که راه یافتن به آسمان، امری

ناممکن است. بنابراین ادعای موسی(ع) به این که در جهان خدایی هست که با او ارتباط دارد، دروغ و باطل می باشد. گفتنی است ذیل آیه که در آن از بی اثر بودن توطئه فرعون سخن به میان آمده مؤید همین برداشت است.

۶- موسی (ع) ، متهم به فردی دروغ گو و دین ساز از سوی فرعون

و إني لأظنه كذبا

۱۵- کار ساز نبودن مکر و حيله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن او

يهمن ابن لي صرحًا.. فأطلع إلى إله موسى... و ما كيد فرعون إلا في تباب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی <کید فرعون> ساختن بنای بلند می باشد.

تهمت دروغگویی به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۵

۵- کافران دین ستیز مکه ، پیامبراسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و يقولون متي هذا الوعد إن كنتم صدقين

تهمت دروغگویی به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۵

۵- کافران دین ستیز مکه ، پیامبراسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و يقولون متي هذا الوعد إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۵

۵ - کافران صدراسلام ، مؤمنان را دروغگو دانسته و عقیده آنان به برپایی قیامت را بی اساس می پنداشتند

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

تهمت دروغگویی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱

۱ قوم نوح ، نبوت او را با وجود شواهد و براهین صدق ، نپذیرفته و آن حضرت را به دروغ گویی متهم کردند .

يقوم إن كان كبر عليكم مقامى . . . فإن توليتم فما سألتكم من أجر ... فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ اشراف قوم نوح ، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نظنكم كذابين

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی بر حسب مدعای آنان است ؛ یعنی ، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۸

۸ نوح (ع) ، در پندار ناروای کفرپیشگان قومش ، فردی دروغگو و ارائه کننده مطالب نادرست

إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۶

۶ - مردم ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و نوح (ع) را به دروغ گویی متهم ساختند .

قال رب انصرني بما كذبتون

تهمت دروغگویی به هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه

و قال المأمن قومه .. إن هو إلا رجل افتري ... و ما نحن له بمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۶

۶ - مردم جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال رب انصرني بما كذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۲

۲ - قوم عاد ، متهم کننده هود (ع) ، به دروغ پردازی برای جداسازی آنان از خدایانشان

قالوا أجتنا لتأفكنا عن الهتنا

دروغگویی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۹

۹ تزویر، وسوسه انگیزی و دروغپردازی، از شیطنتهای ابلیس

إلا إبليس .. فوسوس لهما الشيطان

خداوند در آیات پیشین شیطان را با واژه <ابلیس> نام برد و آنگاه که توطئه گری و تزویر را یاد نمود، او را با وصف <شیطان> توصیف کرد.

دروغگویی ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود.

ناصیه کذبہ خاطئہ

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

دروغگویی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۳

۳ سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

و الله ربنا ما كنا مشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۱،۹

۱ مشرکان در قیامت به دروغ منکر شرک ورزی خویش در دنیا می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشركين. انظر كيف كذبوا على أنفسهم

۹ دروغپردازی مشرکان، حتی در قیامت

انظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ مشرکان حتی در قیامت دروغ می گویند.

فقالوا يليتنا نرد و لا نكذب .. و إنهم لكذوبون

دروغگویی اخروی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۵

۵ - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فيحلفون له

۸- تکذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صداقتی تقاضا کنندگان معجزات متعدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

از اینکه تکذیب معجزات درخواستی (اقتراحی) از سوی پیشینیان، دلیل امتناع خداوند از ارائه معجزات برای امتهای بعدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتها باشد و خداوند به همین دلیل به معجزات درخواستی اینها،

پاسخ منفی داده است.

دروغگویی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۷

۷- بر زبان راندن شعار طاعت و سخنان زیبا و تن ندادن به جهاد، بی صداقتی با خداوند است.

طاعه و قول معروف .. فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم

از تعبیر <فلو صدقوا الله> استفاده می شود که لازمه صداقت با خداوند، آن است که انسان در همه زمینه ها، حتی تکلیف دشوار جهاد، تابع خداوند باشد.

دروغگویی بادیه نشینان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰- تأکید خداوند، بر عدم صداقت اعراب بدوی در ادعای ایمان

بل الله یمنّ علیکم أن هدیکم للإیمان إن کتم صدقین

تعبیر <إن کتم صدقین> در حقیقت ایمان اعراب را زیر سؤال برده است؛ یعنی، شما صادق نیستید و چنان که قبلاً یادآور شدیم، شما تنها تسلیم شده اید؛ ولی ایمان نیاورده اید. بر فرض که واقعاً ایمان آورده باشید، شایسته این است که خدا بر شما منت نهد؛ نه شما بر او.

دروغگویی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۶

۶ فرزندان یعقوب، با دروغ و نیرنگ در صدد برآمدن تا اعتماد وی را جلب کرده و رضایت او را در سپردن یوسف (ع) به ایشان فراهم سازند.

و إنا له لنصحنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش

، موافقت او را برای فرستادن یوسف (ع) به همراه خود جلب کردند .

إنا له لحفظون .. فلما ذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۸

۱ برادران یوسف ، پیش از حضور در نزد یعقوب (ع) با هماهنگی کامل ، دروغهایی را برای ارائه به او ، ساخته و پرداخته کردند .

قالوا یا بانا إنا ذهبنا .. فأكله الذئب

روشن است که همه فرزندان یعقوب در حضور او لب به سخن نگشودند و گزارش ندادند ؛ بلکه یکی از آنان سخن می گفت. بنابراین نسبت دادن آن سخنان دروغین به همه ایشان (قالوا) گویای این است که آنان از پیش دروغها را بافته و تبادل نظر کرده بودند و همگی بر آن اتفاق نظر داشتند.

۲ طعمه گرگ شدن یوسف (ع) ، گزارشی دروغین برادران او به پدرشان یعقوب

قالوا .. فأكله الذئب

۳ غفلت از یوسف (ع) به خاطر سرگرمی به دویدن و مسابقه دادن ، اعتذار دروغین برادران او در توجیه طعمه گرگ شدن یوسف (ع)

یأبانا إنا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عند متعنا

<استباق> به معنای مسابقه دادن و پیشی گرفتن است و جمله <نستبق> حال برای فاعل <ذهبنا> است. بنابراین <ذهبنا نستبق> یعنی، می رفتیم در حالی که با یکدیگر مسابقه می دادیم. رفتن و مسابقه دادن با مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی مطابقتی ندارد ؛ بلکه با مسابقه دویدن منطبق است.

۸ اطمینان برادران یوسف به ناموفق بودن صحنه سازیهایشان در باوراندن دروغ های خود به یعقوب (ع)

و ما أنت

بمؤمن لنا و لو كنا صدقین

<ایمان> به معنای تصدیق کردن شخص و باور کردن مدعای اوست. آوردن جمله اسمیه به همراه <باء> زائده که برای تأکید است حکایت از اطمینان برادران یوسف به مضمون جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۷

۷ یعقوب (ع) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأكله الذئب .. قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

<تسویل> (مصدر سؤلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند به صورت امری نیکوست و مراد از <أمراً> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سؤلت ...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد / بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

دروغگویی پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۹

۹ - سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهكم و إله موسى فنسى

در باره مرجع ضمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی (ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

دروغگویی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه

خواهند داد .

فما للظلمين من نصير . إِنَّ اللَّهَ عَلمُ غيبِ السموت و الأرض إِنَّه عليم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصرانند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

دروغگویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹،۲۰

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنا نعمل من سوء بلی إن الله عليم بما کتتم تعملون

۲۰- امکان دروغ گویی در قیامت

ما کنا نعمل من سوء بلی إن الله عليم بما کتتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معنای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

۱۲ - دروغ پردازی ، در قیامت ، ممکن است .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون .. کذلک کانوا یؤفکون

دروغگویی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ وانهادن دشمنان حق ناپذیر و بی اعتنایی به دروغپردازیهای آنان فرمان الهی است.

فذرهم و ما یفترون

دروغگویی دشمنان انبیا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲۳

۲۳ دروغپردازی و افتراء، شیوه تبلیغات دشمنان انبیاست.

فذرهم و ما یفترون

دروغگویی رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ محمّد بن منصور عن عبد صالح قال: سألته عن قول الله: <و إذا فعلوا فاحشه إلى قوله أتقولون على الله ما لا تعلمون> .. فقال: ... فان هذا من ائمه الجور ادّعوا ان الله أمرهم بالإيتمام بهم فردّ الله ذلك عليهم فاخبرنا إنهم قد قالوا عليه الكذب فسمى ذلك منهم فاحشه.

محمّد بن منصور گوید: از امام کاظم (ع) درباره آیه <و إذا فعلوا فاحشه ..> سؤال کردم فرمود: ... این مطلب درباره پیشوایان جور است که ادعا داشتند خداوند مردم را به پیروی و اقتدای به آنها امر فرموده، خداوند این ادعای آنان را رد کرده و به ما خبر داده که آنان بر خدا دروغ بستند و این دروغ را فاحشه نامیده است.

دروغگویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۹

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصديقين

دروغگویی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۹

۹ - سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهكم و إله موسى فنسى

در باره

مرجع ضمیر فاعلی <نسی> دو احتمال وجود دارد: ۱ مرجع موسی(ع) باشد. ۲ مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

دروغگویی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۱،۲

۱ - شیاطین ، القاگر شونده های خویش به منحرفان ، به گونه ای دروغ و خلاف واقع

يلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در <يلقون> ، <أكثرهم> و <كاذبون> می تواند به شیاطین باز گردد. بر این مبنا <سمع> مصدر به معنای مفعول است. <واو> در <واو أكثرهم> حالیه و تقدیر آن چنین می باشد: <يلقى الشياطين على هؤلاء المنحرفين مسموعاتهم و الحال أن أكثرهم (أكثر الشياطين) كاذبون فى ما يلقونه من شياطين، شونده های خود را بر آن منحرفان القا می کنند در حالی که بیشترشان (بیشتر شیاطین) در آنچه القا می کنند، دروغ می گویند.>

۲ - انسان های دروغ پرداز و آلوده به گناه ، گوش سپرده به القائات دروغین شیاطین

على كلِّ أفك أئيم . يلقون السمع و أكثرهم كذبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <يلقون> به <كلِّ أفك> باز گردد و <يلقون السمع> کنایه از این باشد که آنها تمامی اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند. گفتنی است که بر این مبنا ضمیر جمع در <أكثرهم كاذبون> می تواند به شیاطین باز گردد یعنی، منحرفان تمام اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند اما بیشتر شیاطین، اخبار دروغ تحویلشان می دهند.

دروغگویی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۸

۸ دروغ، اساس کار

شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إني لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۱

۱۱ - دروغ ، ابزار شیطان برای فریفتن انسان ها

هل أدلک علی شجره الخلد و ملک لایلی . .. فبدت لهما سوءتھما

دروغگویی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- ستمگران در مهلت خواهی خویش از خداوند ، به هنگام مشاهده عذاب الهی ، برای پذیرش اسلام و پیروی از پیامبر (ص) راستگو نیستند .

یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربنا أخرنا .. أو لم تکونوا أقسمتم من قبل

از پاسخ خداوند به مهلت خواهی ستمگران که فرمود: شما علی رغم وجود آیات و دلایل روشن، بر زوال ناپذیری خود تأکید داشتید، به دست می آید که اگر خداوند به آنان مهلت دهد باز هم به راه باطل خود ادامه خواهند داد.

دروغگویی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا (ص)، از ترس

افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه

دروغگویی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلَّ أَفَاكُ أَثِيمٍ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به <كَلَّ أَفَاكُ> باز گردد و <السَّمْعَ> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه>؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

دروغگویی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۴

۴ - دروغ و تزویر ، دو حربه فرعون علیه موسی (ع)

قال .. إن هذا لسحر عليم . يريد أن يخرجكم من أرضكم بسحره

تعبیر <يريد أن يخرجكم..> دروغی آشکار است؛ چه این که موسی(ع) خواهان خارج ساختن بنی اسرائیل از مصر بود و نه قبطیان. و از سوی دیگر در مجموع کلام وی تزویر و فریبکاری نهفته است چه در گفتن <أرضكم> (سرزمین شما) و چه در تعبیر <بسحره> (با جادویش)

دروغگویی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۴

۴ - در پیشگاه خداوند ، قذف کنندگان بی دلیل سرآمد دروغ گویان اند .

فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

ضمیر <هم> ضمیر فصل و <الکاذبون> مسند محلی

به <ال> جنس و مفید حصر است.

دروغگویی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۴

۴ - متهم کنندگان صالح (ع) به دروغ گویی و خودخواهی ، خود دروغ گویان و خودخواهان واقعی اند .

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما كنا نعمل من سوء بلى إن الله عليم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۸،۹،۱۰

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلى وعدًا عليه حقًا .. و ليعلم الذين كفروا أنهم كانوا كذابين

۹- دروغ پردازی دائمی کافران درباره معاد

و أقسموا بالله .. لا يبعث الله من يموت بلى وعدًا عليه ... و ليعلم الذين كفروا أ

۱۰- بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله .. لا يبعث الله من يموت بلى وعدًا عليه ... و ليعلم الذين كفروا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - افسانه خواندن قرآن از سوی کافران ، دروغی ناروا به ساحت آن

إن هذا إلا أسطير الأولین . . . و إنهم لکذیبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۹

۹ - رد پیشنهاد کافران)

نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أولم يكفروا بما أوتى موسى من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست؛ زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۹

۹ - تمسك کافران به دروغ، برای مرتد ساختن مسلمانان، شیوه ای متداول در بین آنان بود.

وقال الذين كفروا للذين ءامنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم .. إنهم لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - کافران، در قیامت، دروغ پردازی می کنند.

و يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا .. كذلك كانوا يؤفكون

از جمله معنای <إفك>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۴

۴- اظهار ایمان کافران، در تنگنای عذاب ادعایی دروغین و غیر قابل اعتماد

أني لهم الذكري

برداشت بالا- بنابراین نکته است که تعبیر <أني لهم الذكري> در صدد نفی اثر نباشد؛ بلکه در مقام تحلیل و تفسیر ادعای ایمان کافران در شرایط عذاب باشد، به این که اینان هر چند مدعی ایمان می شوند؛ اما آنان کجا و ایمان کجا؟ آنان راهی به سوی ایمان باز نگذاشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - کافران به دروغ ، مدعی قابل درک نبودن حقایق وحی *

أفسح هذه أم أنتم لاتبصرون

عبارت <أم أنتم لاتبصرون> در حقیقت تکرار همان سخن کافران است که در دنیا نسبت به حقایق دین می گفتند و مدعی بودند که ما در سخنان وحی حقیقتی نمی یابیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۲

۲ - کافران ، خود می دانند که عذر تراشی هایشان دورغ است .

و لو ألقى معاذيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۲

۲ - سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم، عبارتی یکسان دارد ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد زمان آینده است ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

دروغگویی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۲

۲ - کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (ص) ، آماده عبادت خداوند می خواندند ، هرگز به آن تن نداده و معبود پیامبر (ص) را نمی پرستیدند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

دروغگویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت -

۸ - کافران مکه ، برای باز داشتن مسلمانان ، از ایمان شان به دروغ متوسل شدند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. إنهم لکذبون

۹ - کافران مکه ، مردمی دروغگو بودند .

و قال الذین کفروا .. إنهم لکذبون

۱۱ - برعهده گرفتن خطا و گناه ارتداد مسلمانان ، از سوی کافران مکه ، ادعایی دروغ و خالی از واقعیت بود .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. إنهم لکذبون

دروغگویی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

کلّ أفاک أئیم . یلقون السمع و أكثرهم کذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به <کلّ أفاک> باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، <یلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم علی الناس و الحال أنّ أكثرهم کاذبون فیما یلقونه>؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

دروغگویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ > عن ابی عبداللّٰه (ع) فی قول اللّٰه عزوجل : < و سیحلفون باللّٰه لو استطعنا لخرجنا معکم و اللّٰه یعلم إنهم لکذبون > قال : اکذبهم اللّٰه عزوجل فی قولهم < لو استطعنا لخرجنا معکم > و قد کانوا مستطیعین للخروج

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عز وجل: <و سيلحفون بالله ..> روایت شده که فرمود: خداوند آنان را در اینکه گفتند: اگر استطاعت داشتیم همراه شما بیرون می آمدیم، تکذیب کرده است؛ زیرا آنان در آن موقع استطاعت خروج داشتند.>

دروغگویی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سیلحفون بالله .. و الله يعلم انهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۳

۳ فراهم نکردن مقدمات جهاد، دلیل دروغگویی متخلفان جنگ تبوک و عزم قطعی آنان بر عدم شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

دروغگویی متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۱

۱ سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

يحلّفون لكم لترضوا عنهم

دروغگویی مخالفان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۹

۹- دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لَنبِئَنَّهٗ وَاٰهْلَهٗ ثُمَّ لَنَنْقُوْلَنَّ لُوْٓلِيْهٖ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكًا اٰهْلَهٗ

دروغگویی مدعیان دوستی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۶

۶- ترس از مرگ ، نشان دروغ گویی مدعیان دوستی با خداوند

فَتَمَنُّوْا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

دروغگویی مسیحیان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۲

۲ ادعای دروغین نصرانیت (یاری عیسی (ع) و دین خدا) از سوی مسیحیان

و من الذین قالوا إنا نصری اخذنا میثقمهم

خداوند برای بیان این نکته که مسیحیان تنها مدعی نصرانیت هستند، فرمود: <و من الذین قالوا>، و نفرمود: <و من النصراری> چون آنها نه به آیین نصرانیت پایبند بودند و نه عیسی(ع) و دین خدا را یاری می کردند.

دروغگویی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ دروغگویی، شیوه همیشگی مشرکان لجاجت پیشه است.

فقالوا .. و إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۷

۱۷ پیامبر(ص) مأمور بی اعتنایی به مشرکان و دروغپردازی آنان است.

فذرهم و ما یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۷

۱۷ سخن و ادعاهای مشرکان در مورد مشیت الهی و نتیجه گیری جبر از آن، جز گمان و دروغپردازی نیست.

سیقول الذین أشركوا .. إن تتبعون إلا الظن و إن أنتم إلا تخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- معتقدان به شرک ربوبی (شریک داشتن خدا در روزی رسانی) ، اعتقاد خود را بر دروغی ساختگی بنا کرده اند .

بربهم یشرکون .. و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ... عمّا کنتم تفترون

<یفترون> (از مصدر ثلاثی فری) به معنای دروغ است و تفاوتش با

كذب (عدم مطابقت خبر با واقع) در این است كه افتراء، ساختگی و جعلی است (فری فلان الكذب إذا اختلقه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۹

۹ - ادعای مشركان در شريك داشتن خداوند ، دروغین و غیر واقعی است .

و من الناس من یجدل . . . و إذا قیل لهم اتبعوا . . . و من كفر فلا یحزنك ... و لئن س

فرمان خداوند به پیامبر(ص) برای ادای سپاس و ستایش در پی ذكر پاسخ صریح مشركان، مبنی بر معرفی خداوند به عنوان خالق عالم، این نکته را می رساند كه >آنان خود معترف اند كه عقیده شان باطل است. بنابراین، تو حمد خدای را به جای آور!<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۱ - ۲

۲ - عقاید مشركان ، ساختگی و متکی بر سخنان دروغ است .

ألا إنهم من إفكهم ليقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۲ - ۲،۴

۲ - انتساب فرزند به خدا از سوی مشركان ، سخنی نابه جا و دروغ است .

ولد الله و إنهم لكذبون

۴ - مشركان ، مردمی دروغگو در عقاید و باور های شان

و إنهم لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۵

۵ - دروغگو بودن مشركان در ادعا های خود ، درباره خداوند و معارف الهی

فأتوا بكتبكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۲

۲ - مشرکان در ادعای

آمادگی برای ایمان آوردن به کتاب آسمانی ، غیر صادق و دروغگو بودند .

لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين .. فكفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۰

۲۰ - مشرکان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذين اتّخذوا من دونه أولياء .. إنّ الله لا يهدى من هو كذب كفّار

دروغگویی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۵

۵- مشرکان دوران جاهلی ، مردمانی دروغ پرداز و آرایش دهنده مطالب دروغ

و تصف ألسنتهم الكذب

<الكذب> مفعول <تصف> است. آوردن چنین وصفی برای مشرکان به جای فعل <یکذب> حاکی از این است که آنان، مطالب دروغ را توصیف کرده و آرایش می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۶

۶ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی سوگندشکن و غیرصادق در ادعای ایمان به پیامبر الهی ویژه خود

و أقسموا بالله .. فلَمَّا جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا

دروغگویی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲۱

۲۱ پیامبر(ص) موظف به مبارزه منفی با مشرکان مکه از راه بی اعتنایی به شبهات و دروغپردازیهای آنان است.

و لو شاء ربك ما فعلوه فذرهم و ما یفترون

رها کردن مشرکان و اعتنا نکردن به گفته های آنان نوعی مبارزه منفی است که خداوند پیامبر(ص) را به آن فرمان می دهد.

دروغگویی مفتریان بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۷- افترا زندگان به پیامبر (ص) و قرآن ، خود دروغگوی واقعی اند .

و أولئك هم الكذِبون

دروغگویی مفتریان بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۷

۷- افترا زندگان به پیامبر (ص) و قرآن ، خود دروغگوی واقعی اند .

و أولئك هم الكذِبون

دروغگویی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۱

۱ - نهی کنندگان از نماز و تکذیب گران دین ، مردمی خطاکار و دروغ گویند .

ینهی ... کذب ... ناصیه کذبہ خاطئه

دروغگویی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است؛ یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون ..؛ اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

دروغگویی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود.

ناصیه کذبہ خاطئہ

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و

اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

دروغگویی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۷

۷ - منکران معاد ، اشخاصی دروغگویند .

بل أتینهم بالحقّ و إنهم لکذّبون

دروغگویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸ - ۲

۲ - گروهی از انسان ها (منافقان) به دروغ مدعی ایمان به خدا و روز قیامت هستند .

و من الناس من يقول ءامنا بالله و باليوم الآخر و ما هم بمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۷،۹

۷ منافقان ، مردمی دمساز با دروغ و دروغ گویی

بما كانوا یكذبون

فعل مضارع آن گاه که پس از <کان> و مانند آن قرار گیرد، دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد.

۹ دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما كانوا یكذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بما كانوا ..> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب الیم>، متعلق به <فزادهم ...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱۰، ۹، ۶

۶ دروغ، سوگند به خدا، توجیه اعمال ناروا و عذر تراشی، از شگرد های منافقان

يَصْدُونَ عَنْكَ صِدْوًا .. ثُمَّ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

به دليل <يصدون عنك> معلوم می شود که ادعای اراده احسان دروغ بوده است. بنابراین ادعای آنان تنها توجیه و عذر تراشی برای اعمال ناروایشان بوده است نه پی بردن به اشتباه و عذرخواهی واقعی.

۹ توجیه خلافتکاری ها بر مبنای دروغ ، نمودی از انفاق

یریدون ان يتحاكموا .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

۱۰ ادعای نیکوکاری ، مدارا و صلح جویی ، توجیه ناروای منافقان در مورد مراجعه به حکم طاغوتی

یریدون ان يتحاكموا الى الطاغوت .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۴

۴ دروغگویی منافقان ، در ادعای خیرخواهی و صلحجویی

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۵، ۳۶، ۱۸، ۱۵

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للكذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للكذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخريں>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر .

.. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخريين

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و يهوديان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگي كفر و نفاق پاڪ نخواهد ساخت .

أولئك الذين لم يرد الله ان يطهر قلوبهم

۴۵ پيشتازي در كفر ، تحريفگري ، دروغپدازي و جاسوسي ، نمودي از خواري و رسوايي منافقان و يهوديان در دنيا

يسرعون في الكفر .. لهم في الدنيا خزي

رسوايي يهوديان و منافقان، كه <لهم في الدنيا خزي> بيانگر آن است، مي تواند همان رذائلي باشد كه در آيه مطرح شده است. زيرا اين رذائل يا خود رسوايي است و يا موجب رسوايي انسان در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۱۸

۱ منافقان ، در صورت بازخواست از عملکرد و سخنان ناروايشان ، به دروغ آن را شوخي و سرگرمي مي نمايند .

يقولون هو اذن .. و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب

۸ بي شرمي منافقان و اصرار آنان بر دروغ پردازي و تزوير ، حتى پس از افشاي اسرار دروني و توطئه هاي آنان

و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أبالله و آيته و رسوله كنتم تستهزءو

جمله <قل أبالله .. > مي تواند رد ادعای منافقان در مورد <نخوض و نلعب> باشد ؛ يعنى، آنان هنوز هم با اين سخنان در مقام تزويرند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۳، ۱۱، ۸

۸ دروغ گويي ، شيوه مستمر منافقان

و بما كانوا يكذبون

۱۱ شكستن پيمان خود با خدا و دروغ

گویی مستمر ، نشانه منافقان است .

بما أخلفوا الله ما وعدوه و بما كانوا يكذبون

۱۳ از امام صادق (ع) روایت شده : المنافق اذا حدّث عن الله و عن رسوله كذب و اذا وعد الله و رسوله اخلف . . . و ذلك قول الله عزوجل < فأعقبهم نفاقاً في قلوبهم . . . بما أخلفوا الله ما وعدوه و بما كانوا يكذبون > . . . ;

منافق، هرگاه از خدا و رسولش سخن گوید، دروغ می گوید و اگر به خدا و رسول او وعده دهد، خلف وعده می کند . . . و این است سخن خداوند که می فرماید: پس خداوند، نفاق را تا روزی که او را ملاقات کنند در دلهای آنان قرار داد، بدین علت که با خدا خلف وعده کردند و همواره دروغ می گفتند ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۱،۱۹

۱۱ تمسک منافقان به سوگند دروغ برای اثبات حسن نیت خویش در ساختن مسجد (مسجد ضرار)

و ليحلفن إن أردنا إلا الحسنى

۱۹ دروغ گویی ، خصلت منافقان است .

و الله يشهد إنهم لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۷ - ۷

۷ - آن دسته از منافقانی که پس از اظهار ایمان و فرمان بری ، از خدا و رسول او ، روی برتافته و نافرمانی کردند ، ایمان نداشتند .

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثم يتولّى فريق منهم من بعد ذلك و ما أولئك بالمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۹

۹ - منافقان ، عناصری دروغگو و بیگانه با صدق و راستی

ألا إنهم هم الكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۹

۹ - دروغ گویی ، از ویژگی ها و خصلت های منافقان

و الله يشهد إنَّ المنافقين لكذبون

تکیه بر وصف <کاذبون> نشانگر آن است که دروغ گویی، برای منافقان خصلتی ثابت و جدایی ناپذیر است.

دروغگویی منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۱

۱ سوگند دروغ منافقان صدر اسلام به خداوند ، برای اثبات ایمان خویش و همراهی خود با مؤمنان

و يحلفون بالله إنهم لمنكم

دروغگویی ناهیان از نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۱

۱ - نهی کنندگان از نماز و تکذیب گران دین ، مردمی خطاکار و دروغ گویند .

ینهی ... کذب ... ناصیه کذبہ خاطئه

دروغگویی ناهیان از نماز محمد(ص)

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود.

ناصیه کذبہ خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره

او نمایان است.

۳- دروغ گویی و خطاکاری ، نمایان در چهره مخالفت کنندگان با نماز پیامبر (ص)

ناصیه کذبہ خاطئه

توصیف <موی بالای پیشانی> به <کاذب> و <خاطی> به جای توصیف صاحب <ناصیه> به آنها بیانگر ظهور آثار آن در چهره شخص است.

دروغگویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱

۱ - توصیه یعقوب (ع) بر ملازمت فرزندانش بر آئین یهودیت ، از ادعا های دروغین یهود

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه یهودیان است. بنابراین <أم کنتم شهداء...> یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۳

۳ یهودیان ، بدعتگذار و دروغپردازانی سخت ستمگر

قل فاتوا بالتوریه .. فمن افتری ... فاولئك هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۲

۲۲ دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (ص) ، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

قل قد جاءكم .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۱،۲

۱ يهود ، داعيه دار نسبتهايي ناروا

به خداوند ، علی رغم علم و آگاهی به کذب و بطلان آن نسبتها

انظر کیف یفترون علی الله الکذب

ضمیر در <یفترون> به <الذین اوتوا الكتاب> برمی گردد، و مراد از آن به قرینه آیات گذشته یهودیان هستند.

۲ علم و آگاهی یهود به بطلان افترا های خویش بر خداوند *

انظر کیف یفترون علی الله الکذب

چون افترا به معنای دروغ بستن است، آوردن کلمه <الکذب> برای تفهیم این معناست که یهودیان با اینکه می دانند مثلاً خداوند به آنها امتیازی نداده، آن را به خدا نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۵، ۳۶، ۱۸، ۱۵

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخیرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغ پرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر ،

تحریفگری، دروغپردازی و جاسوسی، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر... لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

دلایل دروغگویی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۴،۵،۶

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود.

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاء و> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاء و...> یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب (ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست.

جاء و علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش (طعمه گرگ شدن یوسف

(را آشکار کردند . *

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب (ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

دلایل دروغگویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن کان .. و هو من الصّٰدقین

دلایل دروغگویی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۶

۶ ناتوانی بت ها برای از میان بردن هود (ع) ، علی رغم بیزاری جستن علنی او از آنها ، نشانه حقیقت نداشتن ادعای قوم عاد (ابتلای هود به جنون از ناحیه بت ها)

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء .. فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

دلایل دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبیا ، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. ولقد بعثنا في كل أم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۸

۸ - انکار پیشین تورات از سوی کافران ، نشانه بهانه جویی و عدم صداقت آنان در پیشنهاد خویش

أولم يكفروا بما أوتى موسى من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۵

۵ - ناتوانی کافران از هموردی با قرآن ، نشانگر بی صداقتی آنان در اتهام هایشان

إن كانوا صدقین

دلایل دروغگویی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذبین

روش اثبات دروغگویی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدى منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

عوامل دروغ‌گویی منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۲

۲ عدم امکان گریز از جامعه اسلامی برای منافقان صدر اسلام ، عامل رو آوردن آنان به سوگند دروغ برای مؤمن جلوه دادن خود

و يحلفون بالله انهم

لمنکم . . . لو یجدون ملجئاً ... لوّلوا إلیه

فلسفه دروغگویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱

۱ روی آوردن منافقان به سوگند دروغ ، برای انکار سخنان کفرآمیزی که در نهان گفته بودند .

یحلفون بالله ما قالوا و لقد قالوا کلمه الکفر

کیفر دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لكل أفاک أثیم . . . اتّخذها هزواً ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

گواهان دروغگویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۶

۱۶ گواهی خداوند بر دروغ گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد (مسجد ضرار)

والله یشهد إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۸

۸ - گواهی خداوند بر ماهیت دروغ پرداز منافقان و بی تعهدی آنان در قبال هر پیمان

والله یشهد إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۸

۸ - شهادت اُکید خداوند ، بر دروغ گویی منافقان

و الله يشهد انّ المنافقين لكاذبون

منشأ دروغگویی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۹

۹ رفتار های ناروای برادران یوسف (توطئه ، دروغ و فریب کاری) برخاسته از نفوذ شیطان در

آنان بود .

إن الشیطن للإنسن عدو مبین . .. اقتلوا یوسف ... أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

نشانه های دروغگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۷

۷ عدم رعایت تقوا در عمل ، نشانه عدم صداقت مدعی ایمان

اتقوا الله و کونوا مع الصدقین

از اینکه خداوند مؤمنان متقی را <صادق> شمرده است، برداشت می شود که: اظهارکنندگان ایمان، اگر عملاً به احکام دین پایبند نباشند و تقوا پیشه نکنند، در اظهار ایمان صادق نیستند.

نشانه های دروغگویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۴

۴ - گریزان بودن یهود از مرگ ، نشان دروغین بودن ادعای آنان (این که آنان دوستان و اولیای خدا هستند) .

إن زعمتم أنکم أولیاء لله .. إن کتم صدقین . و لا یتمونه أبداً

دریا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دریا

ابتلا به سختیهای دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱

۱ - انسان ها ، هنگام ابتلا به امواج متلاطم و خروشان دریا ، خالصانه به خدا روی می آورند .

و إذا غشيهم موج كالأظلل دعوا الله مخلصين

<غشى> به معنای <پوشاندن> است (مفردات راغب) و در آیه، معنای <فراگیری> را می دهد. <ظلل> جمع <ظله> است که به معنای <ابر سایه انداز> است (مفردات راغب) <موج> اسم جنس است و نکره آورده شدن اش، به منظور کثرت و عظمت آن می باشد.

استفاده از دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱،۲

خداوند ، دریا ها را رام و در تسخیر بشر قرار داده است .

و هو الذی سَخَّرَ البحر لتأکلوا منه

۲- رام کننده دریا ها برای بهره برداری آدمیان ، فقط خداوند است .

و هو الذی سَخَّرَ البحر لتأکلوا منه

معرفه بودن مبتدا (هو) و خبر <الذی ..> بر حصر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - نعمت بهرهوری از دریا ، موهبتی الهی برای انسان و مشوق او برای شکر و سپاس به درگاه حق

سَخَّرَ لکم .. و لعلکم تشکرون

<لعلکم> عطف بر <لتجری> است و همان گونه که <لتجری> و <لتبتغوا> غایت فعل <سَخَّرَ> به شمار می آیند؛
<لعلکم> نیز معنای غایت را افاده می کند.

استفاده از دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- خداوند ، مشوق آدمی به فراگیری کشتی رانی و دریانوردی و استفاده بهینه از دریا ها و رودها

و سَخَّرَ لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره و سَخَّرَ لکم الأنهر

معنا و مفهوم تسخیر دریا و کشتی برای انسان، فراهم بودن استعدادها و زمینه های لازم برای بهره گیری است که انسان باید از این استعدادها و زمینه ها با تلاش و کوشش علمی و .. خود استفاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۸

۸- خداوند ، خواهان سعی و تلاش انسان در راه تأمین روزی خویش و برخورداری از مظاهر طبیعت چون دریاهاست .

رَبِّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ

استفاده از منافع دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - امتنان الهی بر آدمیان ، به خاطر بهره مند ساختن ایشان از منافع دریا

الله الذی سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ.. و لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ

برشمردن نعمت ها و شایسته شکر معرفی کردن آنها، دربردارنده منت گذاردن خداوند بر خلق است.

اقسام دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > در کره زمین

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

<عذب> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرین است. <سائغ شرابه> (از <ساغ الشراب فی الحلق>) به معنای <سهل انحداره> است؛ یعنی، آبی که به خاطر گوارایی و خوشکامی اش، به راحتی از گلو پایین می رود. <اجاج> نیز به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است.

۲ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > ، از نشانه های قدرت خداوند و یکتایی او

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

۳ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > ، از نعمت های الهی برای بشر

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

این آیه ضمن آن که در مقام بیان

نشانه های قدرت و یکتایی پروردگار است، در صدد بر شمردن نعمت های الهی برای بشر نیز می باشد.

القای گوساله سامری در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۲، ۱۱

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرّقه ثمّ لنسفنه في اليمّ نسفاً

<تحریق> (مصدر <لنحرّقه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین <ثمّ لنسفنه...> یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت.

وانظر .. لنحرّقه ثمّ لنسفنه في اليمّ

<انظر> فرمان موسی (ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در <لنحرّقه> و <لنسفنه>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

امواج دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۳

۳ - دریا، امواجی متلاطم و خطرناک دارد.

و إذا غشيه موج كالظلل

بنی اسرائیل در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در مسیر باز شده در دریا به وسیله موسی (ع)

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثم أغرقنا الآخرين

بنی اسرائیل در ساحل دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۱

۱- قرار گرفتن بنی اسرائیل در میان سپاه فرعون و دریا

فلما ترء الجمعان .. فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاک البحر

از عبارت <أن اضرب بعصاک البحر> معلوم می شود که بنی اسرائیل به هنگام مشاهده سپاه فرعون، نه راه پیش داشتند و نه راه پس؛ زیرا در یک طرف آنان دریا قرار داشت و در سوی دیگر سپاه فرعون.

بنی اسرائیل و شکافتن دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۷

۷- بنی اسرائیل دارای نقشی بسزا در شکافته شدن دریا بر ایشان

و إذ فرقنا بکم البحر

برداشت فوق با توجه به سببیه بودن حرف باء در <بکم> استفاده شده است.

تحمل سختیهای دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۹

۹- تحمل کنندگان سختی های دریا و دارندگان روحیه شکر، بهره مند از نشانه های خدا از آن

لیریکم من ءایته إن فی ذلک لآیت لکل صبار شکور

احتمال دارد <صَبَّار> به قرینه آیه بعد، مربوط به صبر پیشه کردن در امواج و دلهره های دریا باشد.

تدبر در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۲

۲ - دریای خروشان جلوه ای از عظمت

و قدرت الهی و شایان تأمل و اندیشه

و البحر المسجور

<سجر> (شعله‌ور کردن) گاهی استعاره از التهاب و خروشیدن است (مفردات راغب). بنابراین <بحر مسجور>؛ یعنی، دریای خروشان. گفتنی است که با توجه به این که سوگند، همواره به امور مهم و در خور تأمل تعلق می‌گیرد، خداوند با سوگند به دریای خروشان، بشر را به عظمت و قابل تأمل و تدبر بودن آن توجه داده است.

تسخیر دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱،۱۰

۱- خداوند، دریاها را رام و در تسخیر بشر قرار داده است.

و هو الذی سَخَّرَ البحر لتأکلوا منه

۱۰- بیان تسخیر دریا از سوی خداوند و نعمت‌های فراوان آن برای ترغیب انسان به شکرگزاری است.

سَخَّرَ البحر لتأکلوا منه ... و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

تسخیر دریاها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۸

۸- تسخیر دریا‌های موج، نمود بارز عنایت خداوند در مسلط ساختن انسان بر طبیعت

ألم تر أن الله سَخَّرَ لکم ما فی الأرض و الفلک تجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - خداوند، مسخّر کننده دریاها در جهت منافع آدمیان

اللّٰه الذی سَخَّرَ لکم البحر

<لام> در <لکم> معنای منفعت را در بر دارد.

۲- لزوم توجه به تدبیر خداوند در تسخیر دریا ها ، در جهت بهره‌وری و منافع انسان ها

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ

با توجه به این که انسان ها به

هر حال از منافع دریا بهره مند هستند؛ این آیه در صدد بیان اصل بهره‌وری آنان نیست؛ بلکه پیام آن، این است که آنان این نعمت را بی حساب نپنداشته و اراده و تدبیر الهی را در آن نادیده نگیرند.

تشبیه امواج دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۷

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار؛ چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...>؛ یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

تعدد دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۳

۳ - تعدد دریا ها با حد فاصلی از خشکی، نشانی دیگر از تدبیر خداوند

و جعل بین البحرین حاجزاً

مراد از <حاجزاً> (مانع) می تواند خشکی های موجود در میان دو دریا باشد؛ یعنی، این که زمین کاملاً پوشیده از آب نیست؛ بلکه خشکی هایی برای زیست و زندگی انسان و.. در آن تدارک دیده شده است. این امر نشانی دیگر از تدبیر و حضور خدا در اداره شؤون زندگی انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۲

۲ - در صورت تبدیل شدن همه درختان زمین به قلم و مرکب شدن دریا های متعدد (بیش از هفت دریا) جهت کتابت کلمات الهی

، کلمات خداوند تمام نخواهد شد .

لو أنما في الأرض من شجرة أقلم و البحر يمده من بعده سبعة أبحر ما نفدت كلمت ال

<من> بیان برای <ما>ی موصول است و آوردن <شجره> با تالی وحدت به جای <شجر> برای این است که افاده استغراق کند به گونه ای که یکایک درختان را در برگیرد. گفتنی است که <سبعة أبحر> دلالت بر کثرت می کند و <من بعده> به معنای <بعد از اتمام آن دریا> و یا غیر از آن است.

تفاوت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - آثار متفاوت و مشترک آب های دریا ها و استفاده چند منظوره انسان ها از آن ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند است .

و ما يستوی البحرين هذا عذب فرات .. و من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا ... لتبتغوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره قدرت مطلق و یکتایی خداوند متعال سخن می گوید.

تمایز دریا های شور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۳

۳ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نعمت های الهی برای بشر

و هو الذی مرج البحرين هذا عذب فرات .. و حجراً محجوراً

آیه شریفه، ضمن آن که در مقام بیان نشانه های ربوبیت پروردگار است، درصدد برشمردن نعمت های الهی برای بشر نیز می باشد.

تمايز دريا هاى شيرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۳

۳ وجود دو دريا با آب گوارا و شيرين و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آميختن آن دو آب ، از نعمت هاى الهى براى بشر

و هو الذى مرج البحرين هذا عذب فرات .. و حجراً محجوراً

آيه شريفه، ضمن آن كه در مقام بيان نشانه هاى ربوبيت پروردگار است، درصدد برشمردن نعمت هاى الهى براى بشر نيز مى باشد.

جوشش آب دريا ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۶ - ۲

۲ - آب دريا ها ، هنگام پيدائش نشانه هاى قيامت ، به شدت داغ و جوشان خواهد شد . *

و إذا البحار سجرت

<مسجور>؛ يعنى، شعله‌ور شده (قاموس). اين احتمال كه <سجرت>، ناظر به اين معنا باشد، منتفى نيست.

حرکت کشتی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دريا در جهت منافع انسان ، از نشانه هاى توحيد و رحمت گسترى خداوند است .

إن فى .. الفلك تجرى فى البحر بما ينفع الناس ... لأيت

كلمه <ما> در <بما ينفع> مى تواند موصوله باشد كه در اين صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر اين مبنا <التى تجرى...>؛ يعنى، آن کشتیهایی كه در دريا حرکت مى کنند و چیزهایی (از قبيل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند كه براى

مردم سودبخش است... و نیز <ما> می تواند مصدريه

باشد که در این صورت <بَاء> به معنای سبب است؛ یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

خطر دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

خطرهای دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۳

۳ - دریا ، امواجی متلاطم و خطرناک دارد .

و إذا غشیهم موج کالظلل

خلقت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

و الله خلقکم من تراب .. ثم جعلکم أزواجًا ... و ما یتوی البحران ... و سخر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیاى ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب .. و ما یتوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و الله خلقکم من تراب . . و ما یتوی البهران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

دریا های شور

جلد - نام

۱ آفرینش دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ و قرار دادن حایل و مانعی بازدارنده از اختلاط و در هم آمیختن آن دو ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. و حجراً محجوراً

<مَرَجَ> ماده <مَرَجَ> به معنای مخلوط کردن و یا ارسال و رها کردن است. بر این اساس جمله <مرج البحرین...> به معنای روان کردن دو دریا است به گونه ای که در کنار هم قرار گیرند؛ چنان که در آیه ۱۹ سوره <رحمن> آمده است: <مرج البحرین يلتقیان؛ دو دریا را روان ساخت تا به هم برسند و برخورد کنند>. <عَيَذُبُ> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرینی است. <مَلِیحَ> نیز به معنای شور و <اجاج> به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است. <برزخ> به معنای حایل و مرز میان دو شیء است و <حجراً> (مصدر و مفعولٌ به برای <جعل>) به معنای مانع می باشد. <محجوراً> نیز صفت تأکیدی برای <حجراً> است. گفتنی است جمله <و هو الذی مرج البحرین...> برای حصر و از نوع قصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا دو دریا... را آفرید نه قدرتی دیگر.

۲ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نشانه های ربوبیت و قدرت خداوند

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. و حجراً محجوراً

ممکن است مراد از دو

دریا، دو دریای معینی باشد (مثل اقیانوس هند و بحر احمر) و یا از آن رو که عرب رودخانه بزرگ را <بحر> می نامد، مراد ریزش آب رودخانه که شیرین و گوارا است به دریای شور و تلخ باشد و میان این دو مانعی است که نه دریا، آب های شیرین رودخانه ها را تلخ می کند و نه آب های شیرین رودخانه، آب شور و تلخ دریا را شیرین و گوارا می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > در کره زمین

و ما یستوی البهران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

<عذب> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرین است. <سائغ شرابه> (از <ساغ الشراب فی الحلق>) به معنای <سهل انحداره> است؛ یعنی، آبی که به خاطر گوارایی و خوشکامی اش، به راحتی از گلو پایین می رود. <اجاج> نیز به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است.

۲ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ >، از نشانه های قدرت خداوند و یکتایی او

و ما یستوی البهران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

دریا های شیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۱،۲

۱ آفرینش دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و

تلخ و قرار دادن حایل و مانعی بازدارنده از اختلاط و در هم آمیختن آن دو ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. و حجرًا محجورًا

<مَرَج> ماده <مَرَجَ> به معنای مخلوط کردن و یا ارسال و رها کردن است. بر این اساس جمله <مرج البحرین...> به معنای روان کردن دو دریا است به گونه ای که در کنار هم قرار گیرند؛ چنان که در آیه ۱۹ سوره <رحمن> آمده است: <مرج البحرین یلتقیان؛ دو دریا را روان ساخت تا به هم برسند و برخورد کنند>. <عَذْبٌ> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرینی است. <مِلْحٌ> نیز به معنای شور و <اجاج> به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است. <برزخ> به معنای حایل و مرز میان دو شیء است و <حجرًا> (مصدر و مفعولٌ به برای <جعل>) به معنای مانع می باشد. <محجورًا> نیز صفت تأکیدی برای <حجرًا> است. گفتنی است جمله <و هو الذی مرج البحرین...> برای حصر و از نوع قصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا دو دریا... را آفرید نه قدرتی دیگر.

۲ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نشانه های ربوبیت و قدرت خداوند

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. و حجرًا محجورًا

ممکن است مراد از دو دریا، دو دریای معینی باشد (مثل اقیانوس هند و بحر احمر) و یا از آن رو که عرب رودخانه بزرگ را <بحر> می نامد، مراد ریزش آب

رودخانه که شیرین و گوارا است به دریای شور و تلخ باشد و میان این دو مانعی است که نه دریا، آب های شیرین رودخانه ها را تلخ می کند و نه آب های شیرین رودخانه، آب شور و تلخ دریا را شیرین و گوارا می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > در کره زمین

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

<عذب> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرین است. <سائغ شرابه> (از <ساغ الشراب فی الحلق>) به معنای <سهل انحداره> است، یعنی، آبی که به خاطر گوارایی و خوشکامی اش، به راحتی از گلو پایین می رود. <اجاج> نیز به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است.

۲ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ >، از نشانه های قدرت خداوند و یکتایی او

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

دریای سرخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۱

۱ - بنی اسرائیل، در محاصره فرعونیان در کناره دریای سرخ

و إذ فرقنا بکم البحر

ال در <البحر> عهد ذهنی است و اشاره به دریایی معهود دارد که بنا به گفته بسیاری از مفسران، مراد از آن دریای سرخ است. بیان

نجات بنی اسرائیل و غرق شدن فرعونیان در پی شکافته شدن دریا، دلالت بر این دارد که: فرعونیان در کناره دریای سرخ در صدد هجوم به بنی اسرائیل بودند.

دریای موج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۲

۲ - دریای خروشان جلوه ای از عظمت و قدرت الهی و شایان تأمل و اندیشه

و البحر المسجور

<سجر> (شعله‌ور کردن) گاهی استعاره از التهاب و خروشیدن است (مفردات راغب). بنابراین <بحر مسجور> یعنی، دریای خروشان. گفتنی است که با توجه به این که سوگند، همواره به امور مهم و در خور تأمل تعلق می گیرد، خداوند با سوگند به دریای خروشان، بشر را به عظمت و قابل تأمل و تدبر بودن آن توجه داده است.

دعا هنگام طوفان دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ طوفانی شدن دریا و احساس خطر غرق شدن کشتی، از مقطعی که انسان به خدا و نیایش خالصانه به درگاه او روی می آورد.

و جاءهم الموج من كل مكان و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين

دیدنیهای دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۷

۷- حرکت کشتی در دریا با شکافتن آب آن، منظره ای دیدنی و شگفت آور

و ترى الفلك مواخر فيه

عبارت <و ترى الفلك مواخر فيه> معترضه است و بین چند جمله ای واقع شده که به همدیگر عطف شده اند. آوردن جمله معترضه در صورتی که امکان عطف وجود دارد

به خاطر مخالفت با اسلوب جمله و بیان تعجب آور بودن آن است. لازم به ذکر است که <مواخر> جمع <مأخره> (از ماده مخر) بوده و به معنای شکافتن است.

ذخایر دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۷

۷- امتنان خدا بر آدمیان به خاطر بهره مند کردن آنان از کرامت انسانی و نیز ذخیره های معیشتی دریا و خشکی

و لقد كَرَّمنا بنى ءادم و حملنهم .. و رزقنهم من الطيبات

ذوالقرنین در ساحل دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۶ - ۴

۴- پیشروی ذوالقرنین ، با رسیدن به ساحل دریایی گسترده ، متوقف شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه

بدان احتمال که نمای غروب خورشید در آب، نشانه گستردگی پهنه دریا باشد، یعنی، در چشم انداز آن، چیزی مشاهده نمی شد، لذا تصوّر آن بود که خورشید در چشمه جوشانی در دریا فرو می رود و خشکی دیگری در ورای آن نیست.

راهیابی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۱

۱ خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذی جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

زمان عبور بنی اسرائیل از دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ عبور بنی اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعون و سپاهیانش ، هنگام روز بوده است .

و جوزنا بنی اسرائیل .. .

حتى إذا أدرکه الغرق ... فالیوم

سپاه فرعون در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - اقدام فرعون و سپاهیانش ، مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل در بستر دریا

و أزلفنا ثمَّ الأخرین

<ازلَف> (مصدر <أزلفنا>) یعنی، به پیشروی وادار کردن و <ثمَّ> ظرف مکان و معادل <آن جا> و <الأخرین> مفعول برای <أزلفنا> است، یعنی، دیگران (فرعونیان) را وادار کردیم تا به آن جا پیشروی کنند. گفتنی است که <ثمَّ> اشاره به بستر دریا دارد که بنی اسرائیل از آن عبور کردند.

۲ - دخالت اراده الهی در وادار کردن فرعونیان به پیشروی در بستر دریا

و أزلفنا ثمَّ الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۶ - ۲

۲ - تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در مسیر باز شده در دریا به وسیله موسی (ع)

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثمَّ أغرقنا الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۴

۴ - افکنده شدن فرعون و لشکریانش در دریا ، با حقارت و ذلت و به اراده الهی

فنبذنهم فی الیم

واژه <فنبذناهم> اشعار به فروافکندن همراه با ذلت و حقارت دارد؛ زیرا <نبذ> اختصاصاً در دور ریختن اشیایی به کار می رود که فاقد ارزش است. در این جا گفته می شود: <نبذته نبذ النعل الخلق> (آن را چون کفش کهنه دور انداختم).

سوگند به دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۱

۱ - سوگند

خداوند ، به دریای سرشار از آب

و البحر المسجور

<سجر> در معانی پرکردن و شعله‌ور کردن به کار می رود. بنابراین <مسجور> یا به معنای <مملو> (پر شده) و یا به معنای شعله‌ور شده است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

شکافتن آب دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۵،۵

۲ - خداوند ، دریای سرخ را برای عبور بنی اسرائیل شکافت .

و إذ فرقنا بكم البحر

<فرق> (مصدر فرقنا) به معنای فاصله انداختن و شکافتن است.

۵ - شکافته شدن دریا ، موجب غرق شدن و به هلاکت رسیدن فرعونیان شد .

و إذ فرقنا بكم البحر فأنجينكم و أغرقنا آل فرعون

تفریع جمله <أنجیناکم> بر <فرقنا> به وسیله حرف <فاء> می رساند که سبب نجات بنی اسرائیل شکافته شدن دریا بود و از آن جا که <أغرقنا> بر <أنجیناکم> عطف شده، معلوم می شود: زمینه غرق شدن فرعونیان نیز همان شکاف دریا بوده است. یعنی، فرعونیان با دیدن معبر در میان دریا به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند که شکاف بسته شد و آنان به هلاکت رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۷،۳،۲

۲ - وحی الهی به موسی (ع) مبنی بر زدن عصای خویش به دریا

فأوحينا إلى موسى أن اضرب بعصاك البحر

۳ - شکافته شدن دریا با ضربت عصای موسی و باز شدن راه نجات برای بنی اسرائیل

أن اضرب بعصاك البحر فانفلق

<انفلاق> (مصدر <انفلق>) به معنای شکافته شدن است.

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار

؛ چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...>؛ یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

شکافتن دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۱

۱ - پیدایش شکاف های وسیع و فراوان در دریا ها و راه یافتن آب آنها به نقاط دیگر زمین ، در آستانه قیامت

و إذا البحار فجّرت

<فجر> به معنای ایجاد شکاف وسیع (مفردات راغب) و باز شدن راه (مقایس اللغه) است. باب تفعیل این کلمه، دلالت بر کثرت دارد. (تاج العروس)

شوری آب دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۴

۴ - عدم امتزاج آب های شور و شیرین رود ها و دریا ها ، از جلوه های تدبیر خدای یگانه

و جعل بین البحرین حاجزاً

برداشت فوق براین احتمال است که مقصود از <البحرین> رودها و دریاها باشد.

طغیان دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۶ - ۱

۱ - دریا ها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجرت

<سَجَر> و <سَجَّر> به معنای <مَلَأَ> (پر گردانید) است. برخی <تسجیر> را به معنای <تفجیر> (روان ساختن) گرفته اند (لسان العرب). بنابراین <سجرت> که تشدید آن برای مبالغه است یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سرازیر گشت. فُزَّاء گفته است: <مسجر> یعنی،

آنچه آب آن فروکش کرده باشد (لسان العرب) و قاموس <مسجور> را شعلهور شده معنا کرده است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

عبور بنی اسرائیل از دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، با عبور از دریا نجات یافتند و فرعونیان در آب دریا غرق شدند .

فأنجينكم و أغرقنا آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بكم البحر . . . و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۲،۳،۴

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را از دریا عبور داد .

و جوزنا ببني إسرائيل البحر

۲ عبور بنی اسرائیل (قوم موسی) از همان دریایی بود که فرعونیان در آن غرق شدند .

و جوزنا ببني إسرائيل البحر

<ال> در <البحر> عهد ذکری است و اشاره به <الیم> در آیه ۱۳۶ دارد. یعنی بنی اسرائیل را از همان دریا (دریایی که فرعونیان را در آن غرق کردیم) عبور دادیم.

۳ زمان عبور قوم موسی از دریا ، مقارن با غرق شدن فرعونیان در آن دریا بود .

فأغرقنهم فی الیم . . . و جوزنا ببني إسرائيل البحر

<چوزنا ... > عطف است بر آیه ۱۳۶ (فانتقمنا منهم ...).

۴ بنی اسرائیل در پی عبور

از دریا با مردمی بت پرست مواجه شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصدنام لهم

<أتوا> چون به <علی> متعدی شده، متضمن معنای مرور است، یعنی <أتوا قوما مارین علیهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، برای عبادت و مناجاتی خاص فراخواند .

و وعدنا موسی ثلثین ليله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب)، با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن از کلمه <یوم> استفاده می شود، اشاره به این دارد که مواعده خدا با موسی برای عبادت بوده است. و چون موسی در میان قومش نیز عبادت و مناجات داشته، معلوم می شود که این، عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۶، ۲۱، ۱۶، ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه .. و أنزلنا علیهم المن والسلوی

۱۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظللنا علیهم الغمم

۲۱ دسترسی قوم موسی به غذا های حلال و حرام در پی عبور از دریا

كلوا من طيبات ما رزقنكم

۲۶ ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست .. ظللنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن والسلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیان‌ش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا ببنی إسرئیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغياً و عدواً

۱۲ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < و جوزنا ببنی اسرائیل ... > . . . فخرج موسی ببنی اسرائیل و أتبعهم فرعون . . . فدعا موسی ربه فأوحی الله إلیه : أن اضرب بعصاک البحر فضربه فانفلق البحر فمضى موسی و أصحابه حتی قطعوا البحر . . . فلما توسط فرعون و من معه أمر الله البحر فانطبق علیهم فغرقهم أجمعین . . . ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم . . . > روایت شده است: موسی (ع) بنی اسرائیل را بیرون برد و فرعون آنان را تعقیب کرد . . . پس موسی (ع) پروردگار خود را خواند. خداوند به او وحی کرد که عصای خود را به دریا بزن. موسی (ع) عصا را به دریا زد ; آن گاه دریا شکافته شد و موسی (ع) و اصحابش از دریا گذشتند . . . در آن هنگام فرعون و همراهانش به وسط دریا رسیده بودند که خداوند فرمان داد تا امواج آب آنان را در کام خود فرو برد و [بدین ترتیب] همه آنان را غرق کرد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - تمام بنی اسرائیل از یک راه در دریا عبور داده شدند . *

فاضرب

لهم طريقاً في البحر

چنانچه مراد از <طريقاً> جنس نباشد، بر وحدت راه دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۱

۱ - موسی (ع) به فرمان خداوند، بنی اسرائیل را شبانه از مصر کوچ داد و از دریا گذراند.

أسر بعبادی .. فأتبعهم

حرف <فاء> در <فأتبعهم> فصیحه است؛ یعنی، از یک سری جملات محذوف قبل از خود حکایت می کند. حاصل آن جملات این است که موسی (ع) بنی اسرائیل را از مصر کوچ داد و فرعونیان نیز از حرکت آنان آگاه شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل) از شر فرعونیان، با عبور از دریا به اراده الهی بود.

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

۲ - موفق شدن همه همراهان موسی به عبور از دریا

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۶ - ۱

۱ - غرق شدن فرعون و سپاهیان، پس از عبور کامل بنی اسرائیل از دریا

و أنجینا موسی و من معه أجمعین . ثم أغرقنا الآخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۳

۳- اطمینان بخشی خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل ، در به سلامت عبور کردن آنان از دریا و غرق شدن فرعونیان

و اترك البحر رهوا انهم چند مغرقون

هر چند عبارت >واترك

... < معنای فرمان را در خود نهفته دارد؛ اما قرین شدن < رهوًا > می نمایاند که خداوند با بیان این صفت، در صدد اطمینان بخشی و ایجاد آرامش در روح موسی(ع) و اطرافیان آن حضرت بود.

عبور موسی(ع) از دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۴ - ۳

۳- اطمینان بخشی خداوند به موسی (ع) و بنی اسرائیل، در به سلامت عبور کردن آنان از دریا و غرق شدن فرعونیان

و اترک البحر رهوًا إنهم جند مغرقون

هر چند عبارت < واطرک > ... < معنای فرمان را در خود نهفته دارد؛ اما قرین شدن < رهوًا > می نمایاند که خداوند با بیان این صفت، در صدد اطمینان بخشی و ایجاد آرامش در روح موسی(ع) و اطرافیان آن حضرت بود.

عوامل امواج دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۹

۹ وزش باد های تند، عامل طوفانی شدن دریا و تشکیل امواج

جاءتها ریح عاصف و جاءهم الموح من کل مکان

عوامل طوفان دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۹

۹ وزش باد های تند، عامل طوفانی شدن دریا و تشکیل امواج

جاءتها ریح عاصف و جاءهم الموح من کل مکان

فرعون در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اقدام فرعون و سپاهیانش ، مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل در بستر دریا

و أزلفنا ثمَّ الآخرين

<ازلاف> (مصدر <أزلفنا>)؛ یعنی، به پیشروی وادار کردن و <ثمَّ> ظرف

مکان و معادل <آن جا> و <الآخرین> مفعول برای <أزلفنا> است؛ یعنی، دیگران (فرعونیان) را وادار کردیم تا به آن جا پیشروی کنند. گفتنی است که <ثم> اشاره به بستر دریا دارد که بنی اسرائیل از آن عبور کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۴

۴ - افکنده شدن فرعون و لشکریانش در دریا ، با حقارت و ذلت و به اراده الهی

فنبذنهم فی الیم

واژه <فنبذناهم> اشعار به فروافکندن همراه با ذلت و حقارت دارد؛ زیرا <نبذ> اختصاصاً در دور ریختن اشیایی به کار می رود که فاقد ارزش است. در این جا گفته می شود: <نبذته نبذ النعل الخلق> (آن را چون کفش کهنه دور انداختم).

فرعونیان در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۳، ۷، ۲، ۱

۱ خداوند پس از ارائه معجزات متعدد و اتمام حجت بر فرعونیان ، آنان را در دریا غرق کرد .

فانتقمنا منهم فأغرقنهم فی الیم

<الیم> در لغت به معنای دریا و رودخانه بزرگ است و <ال> در <الیم> برای عهد می باشد و چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. برخی دیگر از مفسران آن را اشاره به رودخانه نیل دانسته اند.

۲ خداوند با غرق کردن فرعونیان در دریا از آنان انتقام گرفت .

فانتقمنا منهم فأغرقنهم فی الیم

<فاء> در <فأغرقنا> تفسیریه است. یعنی <أغرقنا> بیان و تفسیر <انتقمنا> می باشد.

۳ فرعونیان به دلیل شکستن پیمانشان با موسی (ع) (ایمان به وی و آزادسازی بنی اسرائیل) سزاوار انتقام الهی و

غرق شدن در دریا گشتند .

إذا هم ینکثون. فانتقمنا منهم

تفریح جمله <فانتقمنا> بر جمله <إذا هم ینکثون> به وسیله حرف <فاء> می رساند که پیمان شکنی فرعونیان در انتقام الهی از آنان دخیل بوده است.

۷ تکذیب آیات الهی و بی اعتنایی به آنها سبب هلاکت و غرق شدن فرعونیان در دریا شد .

فأغرقنهم فی الیم بأنهم کذبوا بآیتنا و کانوا عنها غفلین

حرف <باء> در <بأنهم کذبوا> سببیه است و می رساند که تکذیب آیات و بی اعتنایی به آنها سبب انتقام الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۲،۳

۲ عبور بنی اسرائیل (قوم موسی) از همان دریایی بود که فرعونیان در آن غرق شدند .

و جوزنا بنی اسرائیل البحر

<ال> در <البحر> عهد ذکری است و اشاره به <الیم> در آیه ۱۳۶ دارد. یعنی بنی اسرائیل را از همان دریا (دریایی که فرعونیان را در آن غرق کردیم) عبور دادیم.

۳ زمان عبور قوم موسی از دریا ، مقارن با غرق شدن فرعونیان در آن دریا بود .

فأغرقنهم فی الیم . . . و جوزنا بنی اسرائیل البحر

<جوزنا . . . > عطف است بر آیه ۱۳۶ (فانتقمنا منهم ...)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۵

۵ - فرعونیان ، در تعقیب بنی اسرائیل ، به راه خشک شده دریا ، وارد شدند .

طریقاً فی البحر یبسا . . . فأتبعهم فرعون بجنوده

فلسفه خلقت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

- بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

فواید دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۶

۶ دریا ها در بردارنده امکانات قابل استفاده برای انسانها

متعاً لكم و للسیاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۳

۱۳- اهمیت و نقش حیاتی دریا و کشتی رانی برای انسان

و سخر لكم الفلک لتجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۳،۹

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سخر البحر لتأكلوا منه لحمًا طريًا و تستخرجوا منه حليه تلبسونها و تری الفلک

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

۹- فواید دریا منحصر به گوشت تازه ، اشیای زینتی و کشتیرانی نیست .

سخر البحر لتأكلوا منه لحمًا طريًا و تستخرجوا منه حليه .. و لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۵، ۱۰، ۸، ۵، ۴

۴- دریاها ، از منابع تغذیه انسان با گوشت های تازه

و من كلُّ تَأْكُلُون لَحْمًا طَرِيًّا

<طریّ> به معنای جدید و تازه است.

۵- وجود جواهر و زیور آلات قابل استخراج در دریاها

و تستخرجون حلیه تلبسونها

<حلیه> به معنای زیور است.

۸- دریاها ، بستر تحرک کشتی ها برای تجارت و سفر

و تری الفلک فیه مواخر لتبتغوا من فضله

<ماخره> (مفرد <مواخر>)

از ماده <مخر> و به معنای شکافنده آب ها است.

۱۰ - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا .. و تری الفلک فیه مواخر

۱۵ - آثار متفاوت و مشترک آب های دریا ها و استفاده چند منظوره انسان ها از آن ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند است .

و ما یتوی البحران هذا عذب فرات .. و من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا ... لتبتغوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره قدرت مطلق و یکتایی خداوند متعال سخن می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۷

۷ - دریا ، یکی از منابع ثروت و قدرت

و الشیطن کلّ بناء و غواص

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، در پاسخ به درخواست سلیمان(ع) مبنی بر داشتن حکومت مقتدر، مسأله به خدمت درآوردن شیاطین برای غواصی و استخراج منابع و ذخایر آن را مطرح ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۷

۷ - بهره‌وری انسان از منافع غذایی ، اقتصادی و تجاری دریا ، در پرتو تدارک امکانات و زمینه های آن از سوی خداوند

اللّه الذی سخر .. لتبتغوا من فضله

فواید دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۳

۳- دریا ها و کشتی ها ، در دستیابی انسان به موهبت

های طبیعت و نعمت های خداوندی ، نقش بس مهم و مؤثر دارند .

رَبِّكُمْ الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

کشتی نوح(ع) در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

کشتیرانی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۳

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سَخَّرَ البحر لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تری الفلک

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۵ ، ۸

۸- دریا ها ، بستر تحرک کشتی ها برای تجارت و سفر

و تری الفلک فیه مواخر لتبتغوا من فضله

<ماخره> (مفرد <مواخر>) از ماده <مخر> و به معنای شکافنده آب ها است.

۱۰ - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من كلُّ تأكلون لحمًا طريًّا . . . و تری

۱۵ - آثار متفاوت و مشترک آب های دریا ها و استفاده چند منظوره انسان ها از آن ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند است .

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات . . و من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا ... لتبتغوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره قدرت مطلق و یکتایی خداوند متعال سخن می گوید.

ممانعت از اختلاط دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۱،۲

۱ آفرینش دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ و قرار دادن حایل و مانعی بازدارنده از اختلاط و در هم آمیختن آن دو ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات . . و حجراً محجوراً

<مَرَجَ> ماده <مَرَجَ> به معنای مخلوط کردن و یا ارسال و رها کردن است. بر این اساس جمله <مرج البحرین...> به معنای روان کردن دو دریا است به گونه ای که در کنار هم قرار گیرند؛ چنان که در آیه ۱۹ سوره <رحمن> آمده است: <مرج البحرین یلتقیان؛ دو دریا را روان ساخت تا به هم برسند و برخورد کنند>. <عَذْبٌ> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرینی است. <مِلْحٌ> نیز به معنای شور و <اجاج> به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است. <برزخ> به معنای حایل و مرز میان دو شیء است و <حجراً> (مصدر و مفعولٌ به برای <جعل>) به معنای مانع می باشد. <محجوراً> نیز صفت

تأکیدی برای <حجراً> است. گفتنی است جمله <و هو الذی مرج البحرین...> برای حصر و از نوع قصر افرادی است، یعنی، تنها خدا دو دریا... را آفرید نه قدرتی دیگر.

۲ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب، از نشانه های ربوبیت و قدرت خداوند

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. و حجراً محجوراً

ممکن است مراد از دو دریا، دو دریای معینی باشد (مثل اقیانوس هند و بحر احمر) و یا از آن رو که عرب رودخانه بزرگ را <بحر> می نامد، مراد ریزش آب رودخانه که شیرین و گوارا است به دریای شور و تلخ باشد و میان این دو مانعی است که نه دریا، آب های شیرین رودخانه ها را تلخ می کند و نه آب های شیرین رودخانه، آب شور و تلخ دریا را شیرین و گوارا می سازد.

منافع دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۸

۸ - نعمت ها و منافع دریا، نمود لطف و فضل الهی برای آدمیان

سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ .. و لتبتغوا من فضله

از این که بر منافع نهفته در دریا <فضل الهی> اطلاق شده است، مطلب بالا به دست می آید.

منشأ استفاده از دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۷

۷ - بهره‌وری انسان از منافع غذایی، اقتصادی و تجاری دریا، در پرتو تدارک امکانات و زمینه های آن از

سوی خداوند

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ .. لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

منشأ پیدایش دریاها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۹ - ۲

۲ - جریان آب های عظیم رودها و ریختن آنها به دریاها ، نمود اراده و تدبیر الهی است .

مرج البحرین يلتقیان

<مرج> به معنای رها ساختن است ؛ یعنی، خداوند آب رودها و دریاها را رها کرد تا به هم پیوندند.

منشأ راهیابی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۱

۱ - راهیابی انسان ، در ظلمات بیابان و دریا ، به هدایت و تدبیر خداوند

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

موانع ثمردهی دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۴

۴ - گناه و معصیت انسان ها ، زمین ها و دریاها را از بازدهی و سودبخشی ساقط می کند .

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

موانع طغیان دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار ، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أَوْ يُوْبِقَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ

نعمت دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

وَأَيُّ لَهِمَّ

أنا حملنا ذرّيتهم في الفلك المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۸

۸ - نعمت ها و منافع دریا ، نمود لطف و فضل الهی برای آدمیان

سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ . . . وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

از این که بر منافع نهفته در دریا <فضل الهی> اطلاق شده است، مطلب بالا به دست می آید.

نعمتهای دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

مَنْ كُلُّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُونَ حَلِيه تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مُوَآخِر

نقش دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز

های انسان

وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ . . . وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ . وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۹ - ۱

۱ - زمین ، برخوردار از دو منبع عظیم آب (رود ها و دریا ها) ، به اراده الهی

مفسران بر آنند که مراد از <بحرین> در آیه شریفه، رودها و دریاها است. گفتنی است که واژه <بحر> به مطلق آب زیاد گفته می شود.

دریانوردان

عوامل خشنودی دریانوردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ وزش باد های فرح بخش و موافق ، مایه شادمانی دریانوردان سوار بر کشتی های بادبانی

حتى إذا كنتم فى الفلك و جرين بهم بريح طيبة و فرحوا بها

دریانوردی

آثار دریانوردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۲

۲ - نقش مهم دریانوردی ، در پیشرفت و تکامل زندگی انسان

و له الجوار المنشات . . . فبأىء آلاء ربكمما تكذبان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مسأله امکان دریانوردی به عنوان جلوه ای از ربوبیت الهی نسبت به انسان معرفی شده است.

اهمیت دریانوردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۲

۲ - نقش مهم دریانوردی ، در پیشرفت و تکامل زندگی انسان

و له الجوار المنشات . . . فبأىء آلاء ربكمما تكذبان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مسأله امکان دریانوردی به عنوان جلوه ای از ربوبیت الهی نسبت به انسان معرفی شده است.

تاریخ دریانوردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳- وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

تشویق به دریانوردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- خداوند ، مشوق آدمی به فراگیری کشتی رانی و دریانوردی و استفاده بهینه از دریا ها و رودها

و سخر لكم الفلك لتجرى فى البحر بأمره و سخر لكم الأنهر

معنا و مفهوم تسخیر دریا

و کشتی برای انسان، فراهم بودن استعدادها و زمینه های لازم برای بهره گیری است که انسان باید از این استعدادها و زمینه ها با تلاش و کوشش علمی و ... خود استفاده کند.

دریانوردی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳- وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

منشأ دریانوردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۵

۵- توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات ، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است .

خلقهنّ العزيز العليم ... و جعل لكم من الفلك و الأنعم ما تركبون

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

نعمت دریانوردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۱

۱- امکان ساخت کشتی های عظیم و دریانوردی ، از نعمت های انکارناپذیر الهی برای زمینیان و غیرقابل تکذیب

و له الجوار المنشات ... فبأيء الآء ربكما تكذبان

دریاها

حایل رود ها و دریاها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۰ - ۱

۱ - وجود حایل میان رودها و دریاها ، به تدبیر الهی

مرج البحرين ... بینهما برزخ

<برزخ> به حد فاصل میان دو شیء گفته می شود.

دریاها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - دریا ها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجّرت

<سَجَرٌ> و <سَجَّرَ> به معنای <ملاً> (پر گردانید) است. برخی <تسجیر> را به معنای <تفجیر> (روان ساختن) گرفته اند (لسان العرب). بنابراین <سجّرت> که تشدید آن برای مبالغه است یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سرازیر گشت. فزاء گفته است: <مسجور>؛ یعنی، آنچه آب آن فروکش کرده باشد (لسان العرب) و قاموس <مسجور> را شعله‌ور شده معنا کرده است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

۲ - آب دریا ها ، هنگام پیدایش نشانه های قیامت ، به شدت داغ و جوشان خواهد شد . *

و إذا البحار سجّرت

<مسجور>؛ یعنی، شعله‌ور شده (قاموس). این احتمال که <سجّرت>، ناظر به این معنا باشد، منتفی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیدایش شکاف های وسیع و فراوان در دریا ها و راه یافتن آب آنها به نقاط دیگر زمین ، در آستانه قیامت

و إذا البحار فجّرت

<فجّر> به معنای ایجاد شکاف وسیع (مفردات راغب) و باز شدن راه (مقایس اللغه) است. باب تفعیل این کلمه، دلالت بر کثرت دارد. (تاج العروس)

نقش حایل رود ها و دریاها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - حایل میان رود ها و دریا ها ، مانع از در آمیختن آب های شور و شیرین با یکدیگر

بينهما برزخ لايبغيان

<بغى> به معنای تجاوز

از حد خود است؛ یعنی، حد فاصل میان دو آب مانع از تجاوز آن به یکدیگر و در آمیختن آنها با هم می باشد.

دریای سرخ

بنی اسرائیل در دریای سرخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۲

۲ - خداوند، دریای سرخ را برای عبور بنی اسرائیل شکافت.

و إذ فرقنا بکم البحر

<فرق> (مصدر فرقنا) به معنای فاصله انداختن و شکافتن است.

عبور بنی اسرائیل از دریای سرخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۸

۸ - ایجاد راهی خشک در عمق دریای سرخ برای عبور بنی اسرائیل، از مأموریت های موسی (ع)

فاضرب لهم طریقاً فی البحر یبسا

<اضرب لهم..>، یعنی برای آنان راهی را ایجاد کن. <یبس> به معنای خشک است. <ال> در <البحر> عهد ذهنی و اشاره به دریای مشخصی است که در مسیر هجرت قرار داشت. گروهی از مفسران آن را دریای سرخ و برخی رود نیل دانسته اند.

ماهیهای دریای سرخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۶

۶ ماهیان در روز شنبه (روز تعطیلی کار در آیین یهود) به ساحل دریای مجاور ایله هجوم می آوردند و بر سطح آب آشکار می گشتند.

إذ تأتيهم حيتانهم يوم سبتهم شرعاً

<شَرَع> جمع شارع است. در لسان العرب آمده است: <حيتان شرع> یعنی ماهیانی که از عمق آب به سوی ساحل می آیند. برخی از اهل لغت گفته اند که <حيتان شرع> یعنی ماهیانی که سر از آب بیرون

می کنند.

دزد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دزد

آمزش دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ توبه و اصلاح (خودسازی) سارقان برای آمرزش و سقوط حد از ایشان ، مورد ترغیب خداوند

و السارق و السارقه ... فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإنّ الله يتوب عليه

یادآوری توبه پس از بیان حد سرقت و وعده به عفو سارق، گشودن راهی است برای او تا به این وسیله راه اصلاح در پیش گیرد و از حد رهایی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ عقوبت سارقان و آمرزش آنان به صورت توبه و اصلاح خویش ، از جمله مشیت های الهی

يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

مصدق مورد نظر برای <من يشاء>، با توجه به آیات پیشین، زن و یا مردی است که مرتکب سرقت شود.

اصلاح دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ توبه و اصلاح (خودسازی) سارقان برای آمرزش و سقوط حد از ایشان ، مورد ترغیب خداوند

و السارق و السارقه ... فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإنّ الله يتوب عليه

یادآوری توبه پس از بیان حد سرقت و وعده به عفو سارق، گشودن راهی است برای او تا به این وسیله راه اصلاح در پیش گیرد و از حد رهایی یابد.

برادران یوسف و کیفر دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۴

۱ فرزندان یعقوب

، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۴ فرزندان یعقوب ، ضمن تعیین مجازات سارق تصریح کردند که خصوص سارق (کسی که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود) مسؤول شناخته می شود نه همه افراد کاروان

قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

فرزندان یعقوب در مقام پاسخ به این پرسش که <فما جزؤه> کافی بود که بگویند: <هو جزؤه> ؛ ولی از آن جا که همه کاروان به سرقت متهم شدند (أیتها العیر إنکم لسرقون) لازم دانستند که با جواب تفصیلی (جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه) بیان کنند که همه کاروان مسؤول نیستند ؛ بلکه تنها آن کس که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود، مسؤول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۹،۱۰

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغیب حفظین

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغیب

حافظین < چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم / ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا <حافظین> به معنای <عالمین> خواهد بود.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حفظین

بردگی دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۲ <استرقاق> کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزی الظلمین

جمله <کذلك نجزی الظلمین> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

بردگی دزد در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۹

۹ قوانین جزایی مصر ، استرقاق سارقان را مجاز نمی شمرد .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

توبه دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۱۱، ۱۳، ۱

۱ پذیرش حتمی توبه سارق از جانب خداوند در صورت اصلاح خویش

فمن تاب .. و اصلح فإنَّ الله

تأکید بر پذیرش توبه با حرف <اِنَّ>، حاکی از حتمیت پذیرش توبه است.

۱۱ توبه و اصلاح (خودسازی) سارقان برای آمرزش و سقوط حد از ایشان، مورد ترغیب خداوند

و السارق و السارقه .. فمن تاب من بعد ظلمه و اصلاح فإنَّ الله یتوب علیه

یادآوری توبه پس از بیان حد سرقت و وعده به عفو سارق، گشودن راهی است برای او تا به این وسیله راه اصلاح در پیش گیرد و از حد رهایی یابد.

۱۳ سقوط حد سرقت، در صورت توبه دزد قبل از اطلاع از سرقت وی و دستگیری

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلاح

از امام باقر یا امام صادق (ع) درباره دزدی که پیش از اطلاع از سرقت وی و دستگیری، توبه کند و اصلاح شود نقل شده: اذا صلح و عرف منه امر جمیل لم یقم علیه الحد.

کافی، ج ۷، ص ۲۵۰، ح ۱.

درخواست تعیین مجازات دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند.

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی، که از جمله های قبل استفاده می شود، برمی گردد.

زن دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۲

۲ برابری زنان و مردان در حد سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

عفو دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹

۵ معافیت قانونی سارق از حد سرقت در صورت توبه و اصلاح (خودسازی) *

فمن تاب .. و اصلح فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

یادآوری پذیرش توبه سارق پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به سقوط حد از وی باشد.

قطع دست دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹

۱ وجوب بریدن دست دزد

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

۶ بریدن دست ، کیفری مناسب برای دزدان

فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا

<جزاء> به معنی مقابله کافی در برابر عمل است. (مفردات راغب)

۸ بریدن دست دزد ، عقوبتی بازدارنده و عبرت آموز

نكلا من الله

<نكال> به عقوبتی گفته می شود که برای بازداشتن مجرم از تکرار گناه و عبرت دیگران انجام گیرد.

۱۵ قطع انگشتان دست از انت ها ، بجز انگشت شست ، مجازات سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اینکه دست دزد از کجا باید قطع شود روایت شده: تقطع الاربع اصابع و تترك الابهام ...

کیفر دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ عقوبت سارقان و آمرزش آنان به صورت توبه و اصلاح خویش ، از جمله مشیت های الهی

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

مصدق مورد نظر برای <من یشاء>، با توجه به آیات پیشین، زن و یا مردی است که مرتکب سرقت شود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق، وی را مجازات خواهند کرد.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی، که از جمله های قبل استفاده می شود، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند.

قالوا فما جزؤه... قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : كانت الحكومة فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد. . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است... [که باید به بردگی گرفته

شود] <.

کیفر دزد در دین یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ < استرقاق > کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزی الظلمین

جمله < كذلك نجزی الظلمین > اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

مجازات دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله < فهو جزؤه > این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در < مجمع البیان > آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵،۷

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد كه آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی

به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملک> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

مجازات دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ < استرقاق > کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزي الظلمين

جمله < كذلك نجزي الظلمين > اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

ممنوعیت بردگی دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۹

۹ قوانین جزایی مصر ، استرقاق سارقان را مجاز نمی شمرد .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

دزدی

آثار اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۶

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنك سرق

لحن جمله <إن ابنك سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

آثار دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۷

۷ خیانتکاری و اختلاس ، زمینه ساز خشم و غضب الهی

و من یغلل

يأت بما غلّ .. افمن اتبع رضوان الله كمن بآء بسخط من الله

از مصادیق مورد نظر برای <من بآء بسخط>، خیانتکارانی هستند که در آیه قبل به رسوایی آنان اشاره رفت.

اتهام دزدی به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۰، ۶، ۵

۵ کارگزاران یوسف (ع) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند.

جعل السقايه في رحل أخيه ثم أذن مؤذّن أيتها العير إنكم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب، اتهام سرقت را به آنان اعلام کرد.

ثم أذن مؤذّن أيتها العير إنكم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قافله و شترانی که بار و بنه آنان را حمل می کنند، گفته می شود. این کلمه مرادف کاروان و قافله در فارسی است. <اذان> به معنای اعلام کردن است و <تأذین> مصدر <أذن> به معنای کثرت اعلام می باشد. بنابراین <أذن مؤذّن...> یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) : ... و ارتحل القوم (إخوه يوسف) مع الرفقه فمضوا ، فلحقهم يوسف و فتيته فنادوا فيهم قال : > أيتها العير إنكم لسارقون < ... > .

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. برادران یوسف با کاروانیان حرکت کردند و رفتند، سپس یوسف و افرادی که به آنان ملحق شدند. آن گاه بین آنان ندا دادند و منادی چنین گفت: <أيتها العير إنكم لسارقون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ فرزندان یعقوب با شنیدن اتهام سرقت به سوی یوسف (ع) و کارگزاران وی بازگشتند .

قالوا و أقبلوا عليهم

ضمیر در <قالوا> و <أقبلوا> به کلمه <العیر> در آیه قبل باز می گردد و جمله <و أقبلوا عليهم> حال برای ضمیر در <قالوا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۶

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزله بودنشان از سابقه سرقت ، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری نابجا شمردند .

لقد علمتم .. ما كنا سارقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱،۲،۷،۸

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۲ برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن يسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند.
آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق)

که دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن يسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق ..> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله <إن يسرق ...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

۸ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن يسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته و ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۸

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهران ، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. و ما كنا للغيب حفظين

جمله <و ما كنا ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت

و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گوئید بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

اتهام دزدی به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۴، ۹، ۴، ۳

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین (یوسف) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

۴ یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل .. قال ... الله أعلم بما تصفون

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها...> ؛ یعنی، یوسف (ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف (ع) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان (دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین) را باور ندارد .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل .. و الله أعلم بما تصفون

جمله <و

الله أعلم . . < عطف بر > أنتم ... < است و هر دو مقول > قال < می باشند. و از آن جا که > قال < در مقابل > أسر < و > لم
بید < قرار گرفته، می توان گفت: مراد از > قول < ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و
زیر لب گفته باشد.

اجتناب از دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۸

۸ - پرهیز از دزدی ، زنا و فرزندکشی (سقط جنین و ...) ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لا یسرقن و لا یزنین و لا یقتلن أولدهن

احکام دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۲، ۳، ۱

۱ وجوب بریدن دست دزد

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

۲ برابری زنان و مردان در حد سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

۳ حرمت سرقت و ربودن اموال دیگران

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

تعیین حد برای سرقت، ستم شمردن آن و ترغیب به توبه در آیه بعد، حکایت از حرمت شدید آن دارد.

اسقاط حد دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ سقوط حد سرقت ، در صورت توبه دزد قبل از اطلاع از سرقت وی و دستگیری

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلاح

از امام باقر یا امام صادق(ع) درباره دزدی که پیش از اطلاع از سرقت وی و دستگیری، توبه کند و اصلاح شود نقل شده: اذا
صلح و عرف منه

امر جمیل لم یقم علیه الحد.

کافی، ج ۷، ص ۲۵۰، ح ۱.

برادران یوسف و دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش، بر منزله بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر، سوگند یاد کردند.

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است؛ ولی در حقیقت <ما جئنا..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

برادران یوسف و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۵، ۴، ۳

۳ لاوی از برادرانش خواست، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است.

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد،

دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم / ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا <حافظين> به معنای <عالمين> خواهد بود.

حد دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۹،۱۳

۹ ضرورت اجرای حد سرقت به شیوه ای عبرت انگیز

فاقطعوا ایدیهما .. نکلا من الله

۱۳ تشریح حد سرقت ، جلوه ای از عزت

و حکمت خداوند

فاقطعوا ایدیهما .. و الله عزیز حکیم

توصیف خداوند به <عزیز> و <حکیم> پس از بیان حد سرقت، نقش این دو صفت را در تشریح آن حد نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۵،۶

۵ معافیت قانونی سارق از حد سرقت در صورت توبه و اصلاح (خودسازی) *

فمن تاب .. و اصلح فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

یادآوری پذیرش توبه سارق پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به سقوط حد از وی باشد.

۶ مردم، فاقد تصمیمگیری در اجرا و یا اسقاط حد سرقت

فإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

خداوند موضوع حد سرقت را چیزی جز سرقت قرار نداده است و سقوط آن را تنها به توبه سارق و اصلاح وی مشروط ساخته است؛ بدون آنکه در اجرا و یا سقوط حد، رضایت یا درخواست صاحبان مال را شرط کرده باشد.

حرمت دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۳

۳ حرمت سرقت و ربودن اموال دیگران

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

تعیین حد برای سرقت، ستم شمردن آن و ترغیب به توبه در آیه بعد، حکایت از حرمت شدید آن دارد.

درخواست تفحص از دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ لای به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقلوا یاأبانا .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئله... العیر الئی...> یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

دزدی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ > عن أبي عبد الله عليه السلام... قال: إنهم سرقوا يوسف من أبيه إلا- تری أنه قال لهم حين قالوا: ماذا تفقدون؟ قالوا: نفقد صواع الملك، و لم يقولوا: سرقتم صواع الملك، إنما عنی أنکم سرقتم يوسف من أبيه؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.

دزدی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک، سرقت، زنا، فرزندکشی، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان

عرب پیش از اسلام

أَنْ لَا يَشْرِكْنَ... لَا يَسْرِقْنَ... لَا يَزْنِينَ... وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

دزدی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۶

۶ برخی از مسلمانان، در زمان پیامبر (ص) مرتکب سرقت و خیانت شدند و با نقشه و توطئه در صدد متهم کردن دیگران بودند.

و هو معهم اذ يبيتون ما لا يرضى من القول

در شأن نزول آمده که طعمه بن ابیرق پس از سرقت با خود اندیشید که کالای مسروقه را به خانه یک یهودی بیندازد و در حضور پیامبر(ص) سوگند یاد کند که آن یهودی سرقت کرده و خود از هر خیانتی مبرا است.

زمان اتهام دزدی به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۷

۷ اتهام سرقت به فرزندان یعقوب پس از حرکت و دور شدنشان از محوطه بارگیری، به آنان اعلام شد. *

ثم أذن مؤذّن أيتها العير إنكم لسرقون

حرف <ثم> و نیز جمله <أقبلوا عليهم> در آیه بعد می تواند گویای برداشت فوق باشد.

زیان دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۴

۴ تأمین خسارت های ناشی از دزدی ، شرط پذیرش توبه سارق *

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإنّ الله يتوب عليه

مصدق مورد نظر از اصلاح و درستکاری، به مناسبت مورد، تأمین

خسارتهایی است که دزد به صاحبان کالا وارد ساخته است.

شیوع دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۱،۲

۱ خبر دزدی بنیامین در آبادی محل سکونت یوسف (مصر) ، شایع شده بود .

وسئل القریه التي كنا فيها

<قریه> به محل سکونت و اجتماع انسانها (شهر و روستا) گفته می شود. از این رو در برداشت از آن به <آبادی> تعبیر شد. پرسش از آبادی با اینکه مقصود پرسش از اهل آبادی است، برای رساندن این معناست که: خبر سرقت بنیامین در شهر شایع شده و همگان از آن مطلع بودند.

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل .. العیر التي أقبلنا فيها

ظلم دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۲

۲ دزدی ، گناه و ستمکاری است .

فمن تاب من بعد ظلمه

مراد از <ظلم> به قرینه آیه قبل، همان دزدی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۳

۳ سرقت ، نمونه ای بارز از ستم کاری است .

من وجد فی رحله فهو جزؤه كذلك نجزي الظلمين

مراد از <ظالمین> خصوص سرقت کنندگان می باشد؛ زیرا بدیهی است که هر نوع ستمی کیفریاد شده را نداشت. نام بردن از سارق به <ظالم> اشاره به این معنا دارد که سرقت، نمونه ای بارز از ظلم و ستمگری است.

فساد دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۹

۹ سرقت

، فسادگری در زمین است .

ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

کارگزاران یوسف فرزندان یعقوب را به فسادگری متهم نکرده بودند ؛ ولی آنان قبل از نفی سرقت از خویش ، مفسد بودن خود را انکار کردند ؛ زیرا سرقت را مصداق بارز فسادگری می دانستند .

کاروان تجاری و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۲

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل .. العیر التي أقبلنا فیها

کیفر دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۶،۱۵

۶ بریدن دست ، کیفری مناسب برای دزدان

فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا

<جزاء> به معنی مقابله کافی در برابر عمل است. (مفردات راغب)

۱۵ قطع انگشتان دست از انت ها ، بجز انگشت شست ، مجازات سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اینکه دست دزد از کجا باید قطع شود روایت شده: تقطع الاربع اصابع و تترك الابهام .

کافی، ج ۷، ص ۲۲۵، ح ۱۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۸، ح ۱۸۸.

کیفر دزدی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶،۷

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، ... فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه ... ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد. . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود].<

۷ > عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه > : یعنون السنّه التی تجری فیهم أن یحبسه ... ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند ...<.

گناه دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۲

۲ دزدی ، گناه و ستمکاری است .

فمن تاب من بعد ظلمه

مراد از <ظلم> به قرینه آیه قبل، همان دزدی است.

گواهان دزدی بنیامین

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۶

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنك سرق

لحن جمله <إن ابنك سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

گواهی بر دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۲،۳،۴

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنك سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است.

إن ابنك سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند.

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

لاوی و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ لایوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین

در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغيب حفظين

در معنای جمله <و ما كنا ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنك سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگاهبان باشیم؛ یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

لاوی و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال كبيرهم .. ارجعوا إلى أبيكم فقولوا ياأبانا إن ابنك سرق

يعقوب(ع) و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۴، ۲

۲ یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندانش را باور نکرد .

قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت.

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جميل عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

یوسف(ع) و دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۵، ۱۶

١٥ > عن الرضا (ع) في قول الله : >

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل ... > قال : كانت لإسحاق النبي (ع) منطقه ... و كانت عند عمّه يوسف و كان يوسف عندها ... فربطتها في حقوه ... و قالت : سرقت المنطقه فوجدت عليه ... ;

از حضرت امام رضا(ع) درباره سخن خدا که [به نقل از برادران یوسف] فرمود: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل .. > روایت شده است که فرمود: اسحاق پیامبر کمربندی داشت ... که در نزد عمّه یوسف بود و یوسف نیز در نزد عمّه خود بود ... پس عمّه کمر بند را به کمر او بست ... و گفت: کمر بند به سرقت رفته و سپس در کمر یوسف پیدا شد ...>.

١٦ > عن النبي (ص) في قوله : < إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق يوسف (ع) صنماً لجدّه أبي أمّه من ذهب و فضّه ، فكسره و ألقاه في الطريق ، فعيره بذلك إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل >: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا- و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند.>.

دست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دست

آثار گواهی اخروی دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٢ - نور - ٢٤ - ٢٥ - ٤

٤ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره

آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) خود آنها خواهد بود .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق

جمله <يومئذ يوفيهم الله> استتاف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

تشبیه به دست به گردن بسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۳

۳- انسان بخیل ، همانند انسانی دست بسته به گردن است .

و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

<و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک> کنایه از امساک و پرهیز از انفاق (بُخل) است. اینکه از بُخل و امساک به <دستت را به گردن مبنده> تعبیر شده، نشان می دهد که انسان بخیل، همانند شخص دست بسته است.

تهدید به قطع دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۹

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأُقَطَّعَنَّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأُصلِّبکم أجمعین

دست بریدن زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش

نهاده، آن را چاک چاک کردند.

فلما رأينه أكبرنه و قطنن أيديهنّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطنن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

دست راست ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۳ - ۱

۱- ابراهیم (ع)، با دست راست ضربه ای محکم بر بت ها و معبود های مشرکان وارد ساخت.

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده از مقید شدن <ضرباً> به <بالیمین> (دست راست) به دست می آید که ضربه ابراهیم(ع) محکم بود؛ زیرا دست راست نیرومندتر از دست چپ است و مردم نوعاً از دست راست خود برای ضربه شدید استفاده می کنند.

دست راست موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۳

۳- عصای موسی در میدان مقابله با ساحران، در دست راست او قرار داشت.

و ألق ما فی یمینک

شستن دست در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱،۲

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو)، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وإيديكم .. و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا

سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا- غسله لان الله یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق> ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

قطع دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۷، ۲۴، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ محاربین و ستیزه جویان با خدا و رسول یا باید کشته شوند و یا به دار آویخته گردند و یا دست و پایشان از جهت مخالف بریده شود و یا تبعید گردند .

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. او ینفوا فی الارض

۲ محاربین در صورت فسادانگیزی در جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید)

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. او ینفوا فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که او عاطفه در <و یسعون> و او جمع باشد. یعنی حد ذکر شده از آن محاربی است که فسادگر باشد. تکرار نشدن <الذین> در <یسعون> مؤید این معناست.

۳ حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) ،

کیفری مناسب برای محاربان فسادگر

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

<جزاء> در لغت به معنای کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

۵ تبهکاران و فسادانگیزان جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید)

*

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی .. او ینفوا من الارض

کلمه <فی الارض> بیانگر این است که مراد از <فساد>، فساد در جامعه است، نه فسادهای فردی. گفتنی است که در برداشت فوق <فسادگری> عنوانی مستقل از محارب گرفته شده است.

۲۴ قطع یک دست و یک پا از جهت مخالف ، مجازات محارب فسادگر در زمین ، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان اخذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا

المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلک ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۲،۳

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر، از کیفرهای تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و ارجلکم من خلف

۳ فرعون، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست.

ثم لأصلبکم أجمعین

قطع دست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما، از جمله مجازاتهای تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود.

فلاقطعن أیدیکم و ارجلکم من خلف و لأصلبکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

قطع دست در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع يك دست و يك پا بر عكس يكديگر ،

از شکنجه های سخت نظام فرعونى براى مخالفان

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ

قطع دست دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۵، ۱۶، ۱۷

۱ وجوب بریدن دست دزد

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

۶ بریدن دست ، كیفى مناسب براى دزدان

فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا

<جزاء> به معنى مقابله كافى در برابر عمل است. (مفردات راغب)

۸ بریدن دست دزد ، عقوبتى بازدارنده و عبرت آموز

نكلا من الله

<نكال> به عقوبتى گفته مى شود كه براى بازداشتن مجرم از تكرار گناه و عبرت ديگران انجام گيرد.

۱۵ قطع انگشتان دست از انت ها ، بجز انگشت شست ، مجازات سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اينكه دست دزد از كجا بايد قطع شود روايت شده: تقطع الاربع اصابع و تترك الابهام . . .

كافى، ج ۷، ص ۲۲۵، ح ۱۷؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۲۸، ح ۱۸۸.

كتابت با دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کتابت و نگارش با دست راست ، طبیعت اولی انسان ها است .

و لاتخطه بيمينك

قيد <بيمينك> ، تأكیدی است و حاکی از شكل رایج نوشتن در میان مردم است.

گواهی اخروی دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أیديهم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) گنه کاران

، تمامی گفته ها و کرده های آنان را باز گفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۳

۳ - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا أیدیههم و تشهد أرجلهم بما كانوا یکسبون

گواهی اخروی دست قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إنّ الذین یرمون المحصنت .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

نامه عمل در دست چپ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

<شمال> (در مقابل <یمین>) به معنای دست چپ است. طبق آیه ۲۵ سوره <حاقه> (و أمّا من أوتی کتابه بشماله فیقول یالیتنی لم أوت کتابیه) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

۲ - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - حاقہ - ۶۹ - ۲۵

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۶ - < عن أبي جعفر (ع) قال : ... و أنزل فی الحاقّه ، > و أمّا من أُوتی کتبه بشماله فیقول یا لیتنی لم أُوت کتایبه ... < فهذا مشرک ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ..خداوند در سوره <الحاقّه> می فرماید: (و أمّا من أُوتی کتبه بشماله فیقول یا لیتنی لم أُوت کتایبه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین>

و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

نامه عمل در دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون کتبهم و لا یظلمون فتيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فأما من أوتی کتابه بيمينه ..) باید گفت: <اصحاب الیمین> یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

۲ - آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، <اصحاب الیمین> هستند .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أما إن كان من أصحاب الیمین

<اصحاب الیمین> (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های <اسراء>، <حاقه> و <انشقاق> از آنان به <من أتی کتابه بيمينه> (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

۲ - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ،

> اصحاب الیمین < گفته می شود .

و أمّا إن كان من أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتی کتبه بيمينه

۲ - نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتی کتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه ۳۸ سوره <واقعه>، از آنان به <اصحاب الیمین> نام برده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأما من أوتی کتبه بيمينه .. إني ظننت أني ملق حسايه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأما من أوتی کتبه بيمينه .. فهو فی عيشه راضيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حَسَابِيه .. فِي جَنَّةِ عَالِيه

<عاليه> هم می تواند بیانگر

علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۲

۲ - برخی از انسان ها در قیامت ، نامه عمل خود را با دست راست دریافت خواهند کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۳،۴

۳ - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود ، حسابرسی آسانی خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

<یسیر> دو معنا دارد: ۱. آسان، ۲. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

۴ - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . *

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

نادیده گرفتن <سیئات> که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده مصداق حساب آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۱،۳

۱ - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ينقلب إلى أهله مسرورًا

۳ - دریافت کنندگان نامه عمل

با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. و يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرِرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۴

۴ - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمِيمَنَةِ

این احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

نقش دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۴

۴ - حمل عصا با دست راست ، از آداب عصا به دست گرفتن است .

و أَلْقَ مَا فِي يَمِينِكِ

کارهای پیامبران و سنت های آنان جز در مواردی که به شخص آنها مربوط می شود جملگی برای ما قابل پیروی است. بودن عصا در دست راست موسی(ع) و ذکر شدن آن در قرآن، نشانه برتری و مزیت این عمل است.

دستبند طلایی

دستبند طلایی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۱

۱ - آراسته نبودن موسی (ع) به دستبند های زرین ، دلیل بطلان رسالت او از نظر فرعون

فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أَسُورَهُ مِنْ ذَهَبٍ

<أسوره> (جمع <سوار>) به معنای دستبندها است.

نقش دستبند طلایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۲

۲ - استفاده مردان از دستبند طلا ، نشانگر سیادت و ریاست در جامعه فرعونى بود .

فلولا ألقى عليه أسوره من

ذهب

با توجه به واژه <ألقى>، می توان استفاده کرد که فرعونیان از رسولان الهی انتظار داشتن <نشانه> را داشتند و نشانه آن زمان، دستبند طلا بوده است.

دشنام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دشنام

آثار دشنام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ دشنام علیه کافران موجب دشمنی و کینه توزی جاهلانه و بدون توجه آنان علیه خداوند می گردد.

و لاتسبوا الذین .. فیسبوا الله عدوا بغير علم

آثار روانی دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۳

۳ - تأثیر سوء بیهوده گویی و نسبت های ناروا دادن، در سلامت روحی و روانی جامعه

لا یسمعون فیها لغوا و لاتأثیما

اجتناب از دشنام به بتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ لزوم اجتناب از دشنام به بتها و دیگر مقدسات مشرکان

و لاتسبوا الذین یدعون من دون الله

درباره مراد از موصول <الذین . . > دو احتمال وجود دارد: یکی آنکه مقصود مشرکان و دیگر آنکه معبودهای آنان باشد، یعنی: <لاتسبوا الذین یدعونهم>. البته عائد صله <هم> حذف گردیده است.

احکام دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۴

۴ حرمت دشنام دادن و ناسزا گفتن به مردم

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <بالسوء من القول>، خصوص دشنام دادن و ناسزا گویی است.

حرمت دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ -

۴ حرمت دشنام دادن و ناسزا گفتن به مردم

لا يحب الله الجهر بالسوء من القول

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <بالسوء من القول>، خصوص دشنام دادن و ناسزا گویی است.

دشنام با کلمه راعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۶

۱۶ - امام باقر (ع) فرمود: > هذه الكلمة سب بالعبرانية ، إليه كانوا يذهبون ;

این کلمه (راعنا) به زبان عبری فحش است و آنان (یهود) این کلمه را به عنوان فحش استعمال می کردند.

دشنام به اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۲۳

۲۳ عن أبي عبد الله (ع) في حديث طويل: .. و إياكم و سب اعداء الله حيث يسمعونكم فيسبوا الله عدوا بغير علم و قد ينبغى لكم ان تعلموا حد سبهم لله كيف هو؟ إنه من سب اولياء الله فقد انتهك سب الله و من أظلم عند الله ممن استسب لله و لأولياء الله؟ ...

از امام صادق (ع) ضمن حدیثی طولانی روایت شده است: .. از ناسزاگویی به دشمنان خدا در جایی که آن را می شنوند بپرهیزید، که در نتیجه آنان نیز خدا را از روی دشمنی و ناآگاهی دشنام خواهند داد، سزاوار است بدانید چه سخنانی از مشرکان، ناسزاگویی به خداوند محسوب می شود، هر کس به اولیای خدا ناسزا گوید در حقیقت خدا را دشنام داده است و چه کسی ظالمتر از آنکه موجب دشنام گویی به خدا و اولیای او شود؟ ...

دشنام به خدا

جلد - نام سوره -

۷ ناسزاگویی به خداوند، عملی جاهلانه و تجاوز به حریم قدس الهی است.

فیسبوا الله عدوا بغیر علم

<عدوا> از ریشه <عدی> به معنی ظلم و تجاوز و فرا رفتن از حد است. (قاموس اللغه).

۹ دشنام به خدا برای دفاع از باورهای خویش، عملی شایسته و زیبا در نظر مشرکان است.

فیسبوا الله عدوا بغیر علم کذلک زینا لكل أمه عملهم

۲۳ عن أبي عبد الله (ع) فی حدیث طویل: .. و إياکم و سب اعداء الله حیث یسمعونکم فیسبوا الله عدوا بغیر علم و قد ینبغی لکم ان تعلموا حد سبهم لله کیف هو؟ إنه من سب اولیاء الله فقد انتهک سب الله و من أظلم عند الله ممن استسب لله و لأولیاء الله؟ ...

از امام صادق (ع) ضمن حدیثی طولانی روایت شده است: .. از ناسزاگویی به دشمنان خدا در جایی که آن را می شنوند پرهیزید، که در نتیجه آنان نیز خدا را از روی دشمنی و ناآگاهی دشنام خواهند داد، سزاوار است بدانید چه سخنانی از مشرکان، ناسزاگویی به خداوند محسوب می شود، هر کس به اولیای خدا ناسزا گوید در حقیقت خدا را دشنام داده است و چه کسی ظالمتر از آنکه موجب دشنام گویی به خدا و اولیای او شود؟ ...

دشنام به دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ عن أبي عبد الله (ع) فی حدیث طویل: .. و إياکم و سب اعداء الله حیث یسمعونکم فیسبوا الله عدوا بغیر علم و قد ینبغی

لکم ان تعلموا حد سبهم لله کیف هو؟ إنه من سب اولیاء الله فقد انتهک سب الله و من أظلم عند الله ممن استسب لله و لأولیاء الله؟ ...

از امام صادق(ع) ضمن حدیثی طولانی روایت شده است: .. از ناسزاگویی به دشمنان خدا در جایی که آن را می شنوند پرهیزید، که در نتیجه آنان نیز خدا را از روی دشمنی و ناآگاهی دشنام خواهند داد، سزاوار است بدانید چه سخنانی از مشرکان، ناسزاگویی به خداوند محسوب می شود، هر کس به اولیای خدا ناسزا گوید در حقیقت خدا را دشنام داده است و چه کسی ظالمتر از آنکه موجب دشنام گویی به خدا و اولیای او شود؟ ...

دشنام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

در صورتی که جمله <فیسبوا ..> علت نهی باشد، نه حکمت آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

دشنام به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۲

۲ - تقوای پیشگان در دنیا، گرفتار سخنان زشت و یاوه سرایی های مخالفان

لا یسمعون فیها لغوا

مژده به نبود بعضی از زشتی ها در بهشت با توجه به بی شمار بودن آنچه بهشت عاری از آن است بیانگر این مطلب است که بهشتیان

در دنیا، با این امور ناخوشایند مواجه و از آن در رنج خواهند بود.

دشنام به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۲۲

۲۲ عن أبي عبد الله (ع): .. كان المؤمنون يسبون ما يعبد المشركون من دون الله و كان المشركون يسبون ما يعبد المؤمنون فنهى الله المؤمنين عن سب آلهتهم لكي لا يسب الكفار إله المؤمنين ... فقال: >ولا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدوا بغير علم.<

از امام صادق (ع) روایت شده است: .. مؤمنان، معبودهای غیر خدا را که مورد پرستش مشرکان بود، دشنام می دادند و مشرکان نیز معبود مؤمنان را ناسزا می گفتند، پس خداوند مؤمنان را از دشنام دادن به معبودهای مشرکان نهی فرمود، تا کفار نیز معبود مؤمنان را دشنام ندهند و آیه فوق را در این مورد نازل کرد.

دشنام به مقدسات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لا تسبوا .. فیسبوا الله عدوا بغير علم

در صورتی که جمله >فیسبوا ..< علت نهی باشد، نه حکمت آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

دشنام به نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - طرد شدن نوح پیامبر (ع) ، از سوی قومش ، با

دشنام و اتهام

و قالوا مجنون و ازدجر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <و ازدجر> به معنای <و ازدجره قومه> باشد.

دشنام جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۵

۵ مظلوم ، مجاز به دشنام دادن ظالم و افشاگری علیه اوست .

لا يحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

دشنام حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا .. فیسبوا الله عدوا بغير علم

در صورتی که جمله <فیسبوا ..> علت نهی باشد، نه حکمت آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

دشنام در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لا يسمعون فيها لغوًا ولا تأثيماً

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

دشنام در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثمَّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض و یلعن بعضکم بعضاً

دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۶

۱۶ - امام باقر (ع) فرمود: > هذه الكلمة سب بالعبرانية ، إليه كانوا يذهبون ؛

این کلمه (راعنا) به زبان عبری فحش است و آنان (یهود) این کلمه را به عنوان فحش استعمال می کردند.<

دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۳

۳ - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه ، علیه قرآن و پیامبر (ص) در محفل های شبانه شان

سَمْرًا تهجرون

< سمر > (مصدر < سامر >) یعنی، گفت و گو و تشکیل محفل شبانه. < سامر > اسم جمع است مانند: < حاج >، < حاضر > و < حامل >. < سامراً > حال دیگر برای ضمیر فاعل < تنکصون > است. < تهجرون > به تقدیر تهجرون به مشتق از < هُجر > (بدگویی) و یا < هَجْر > (هزیان و یاوه گویی) است. جمله < تهجرون > (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای < سامراً > می باشد؛ یعنی، < در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید >.

دشنام دهندگان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۳

۳ - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه ، علیه قرآن و پیامبر (ص) در محفل های شبانه شان

سَمْرًا تهجرون

< سمر > (مصدر < سامر >) یعنی، گفت و گو و تشکیل محفل شبانه. < سامر > اسم جمع است مانند: < حاج >، < حاضر > و < حامل >. < سامراً > حال دیگر برای ضمیر فاعل < تنکصون > است. < تهجرون > به تقدیر تهجرون به مشتق از < هُجر > (بدگویی) و یا < هَجْر > (هزیان و یاوه گویی)

است. جمله <تهجرون> (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای <سامراً> می باشد؛ یعنی، <در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید>.

زشتی دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۴

۴ - زشتی و ناروایی بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا به دیگران

لا یسمعون فیها لغوًا و لا تأثیماً

سرزنش دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۲

۲ ناخشنودی خداوند از بدزبانی و زشت گویی مردم نسبت به یکدیگر

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

برداشت فوق بر این اساس است که <من القول> قید برای <السوء> باشد که با توجه به استثنای <الا من ظلم>، معلوم می شود مراد از <سوء من القول>، سخنان ناروایی است که درباره دیگری گفته شود.

سرزنش دشنام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱

۱ - سرزنش رفاه زدگان از سوی خدا، به خاطر یاوه سرایی های آنان علیه قرآن

مستکبرین به سمراً تهجرون . أفلم یدبّروا القول ... ءاباءهم الأولین

استفهام در آیه فوق، استفهام توییخی است و ضمیر جمع در آن به <مترفین> باز می گردد. خداوند در این بخش از آیات، آنها را به خاطر اتهاماتی که به پیامبر(ص) و قرآن می زدند، مورد سرزنش قرار داده و با ارائه دلایل گوناگون، همه راه های

عذرتراشی شان را سد کرده است. آیه فوق، در ردّ اتهامات آنان به قرآن است.

عذاب اخروی دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لا تجثروا الیوم . . . سمراً تهجرون

عذاب اخروی دشنام دهندگان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لا تجثروا الیوم . . . سمراً تهجرون

علم اهمیت اجتناب از دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ لزوم اجتناب از دشنام به بتها و دیگر مقدسات مشرکان

ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله

درباره مراد از موصول <الذین . . .> دو احتمال وجود دارد: یکی آنکه مقصود مشرکان و دیگر آنکه معبودهای آنان باشد، یعنی: <لا تسبوا الذین یدعونهم>. البته عائد صله <هم> حذف گردیده است.

محرومیت دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لا تَجْرُوا الْيَوْمَ .. سَمْرًا تَهْجُرُونَ

محرومیت دشنام دهندگان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لا تَجْرُوا الْيَوْمَ .. سَمْرًا تَهْجُرُونَ

ناپسندی دشنام

جلد - نام سوره - سوره -

۳ - بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا ، دو بیماری روحی روانی برای انسان ها

إِلَّا قِيلًا سَلَمًا سَلَمًا

از تعبیر <سلاماً> استفاده می شود که <لغو> و <تأثیم> که در آیه پیش آمده دو گونه از بیماری است.

دعا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دعا

{دعا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۷

۷ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره در دنیا و آخرت ، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاکتبنا مع الشاهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱،۲

۱ پیامبران الهی و دست پروردگان آنان ، دعاکنندگان به درگاه پروردگار یکتا

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفرلنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم> به پیامبران و یاوران آنان (رئیون) برگشت داده شده است.

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا

در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <رَبَّیون> برگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱،۲۸،۱۱

۱ پذیرفته شدن دعای هم‌زمان انبیای گذشته، در پیکار با دشمنان دین

فاتیمه الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

<ثواب الدنیا>، می‌تواند اشاره به پیروزی مجاهدان باشد که با جمله <وانصرنا

علی القوم الکافرین < درخواست شده بود. و < ثواب الاخره >، حکایت از بر آورده شدن خواسته دیگر آنان دارد که با جمله < و اغفر لنا ذنوبنا >، درخواست شده بود. زیرا ثواب آخرت در گرو آمرزش گناهان است.

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

رَبَّنَا .. و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین. فاتیمهم الله ثواب الدنیا

۸ دعا و درخواست پیکارگران شکبیا به درگاه خداوند در هنگامه کارزار ، مقرون به استجاب است .

رَبَّنَا اغفر لنا .. فاتیمهم الله ثواب الدنیا

۱۱ پیکارگران شکبیا و نیایشگران به درگاه خدا ، نیکوکار و محبوب خداوند هستند .

و کاین من نبی قاتل .. ربنا ... و الله یحبّ المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴

۱۴ پیامبر (ص) موظف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۶

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من

خلفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۸

۲۸ دعای خردمندان برای رهایی از عذاب دوزخ

لاولی الالباب .. فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۵

۵ خردمندان ، خواستار کرامت انسانی و گریزان از خذلان و خواری

لاولی الالباب .. ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته

خردمندان از آن جهت خواهان دوری از آتشند که ورود در آتش را حاکی از خواری و خفت خویش در پیشگاه خداوند می دانند و این معنا کاشف از کرامتخواهی آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۹

۹ آموزش گناهان و پوشاندن بدی ها ، تقاضای خردمندان از پیشگاه پروردگار

ربنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفرنا سئئاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱،۱۲،۱۳

۱ بهره مندی از پاداش های موعود الهی ، خواسته خردمندان از پروردگار خویش

لاولی الالباب .. ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۱۲ خردمندان ، خواستار عزت و سرافرازی از خداوند در دنیا و آخرت

رَبَّنَا وَاتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِكْ وَلَا تَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

۱۳ دور ماندن از خواری و خذلان در روز قیامت ، خواسته و دعای خردمندان به پیشگاه خداوند

و لَا تَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

آثار اجتماعی دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - دعا و نیایش ،

در خدمت ایجاد الفت اجتماعی میان مؤمنان

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا .. و لا تجعل في قلوبنا

محتوای دعا در این آیه، می رساند که دعا به نوبه خویش زمینه ساز الفت اجتماعی و تحکیم بخش پیوندهای امت اسلامی است.

آثار اخلاص در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۷

۷- نیایش خالصانه به درگاه خدا، عامل جلب رحمت او و بر طرف کننده گرفتاری ها است .

و إذا مس الإنسان ضرر دعا ربّه منيباً إليه ثم إذا خوله نعمه منه

<تخویل> (مصدر <خول>) به معنای اعطا و بخشش است و مقصود از جمله <إذا خوله نعمه منه>، رفع گرفتاری و اعطای نعمت آسودگی است که پس از دعا و نیایش بندگان به درگاه الهی تحقق می پذیرد.

آثار التزام به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- پای بندی به دعا و عبادت ، شرط شایستگی افراد برای همنشینی و مصاحبت است .

و اصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي

آثار امیدواری در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۹

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجاب دعا

فاستجبنا له .. إنهم كانوا يسرعون في الخيرت ... و كانوا لنا خشعين

آثار تداوم دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - خو گرفتن به دعا و

نیایش در صبح و پسین ، مایه ارجمندی نزد خداوند و شایستگی برای همنشینی با پیامبر (ص) است .

و اصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي

فعل <یدعون> مضارع و برای استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۳

۳ - دعا و تسبیح مستمر خداوند ، مایه نجات از گرفتاری و غم و اندوه

فلولا أنه كان من المسبحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

آثار ترک دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۷

۷ روی گردانی از نیایش و تضرع در برابر خدا ، گردنکشی و موجب محرومیت از محبت الهی است .

ادعوا ربکم . .. إنه لایحب المعتدین

آثار دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱۱

۱۱ - دعا به درگاه خدا ، نقش مؤثری در دستیابی به هدایت دارد .

إهدنا الصراط المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ - دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است .

ربنا واجعلنا مسلمين لك . . و تب علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۷

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گناهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۱۳ - دعا کردن به درگاه خدا و باور داشتن به اجابت آن ، زمینه ساز هدایت یابی انسان است .

فلیستجیوا لی و لیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۱،۲

۱ آنان که خواهان حَسَنه دنیوی و اُخرویید ، از آنچه انجام داده اند ، بهره خواهند برد .

و منهم من یقول ربّنا اتنا .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

۲ نقش دعا ، در رسیدن به مطلوب

ربّنا اتنا فی الدنیا حسنه .. اولئک لهم نصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲،۵

۲ نقش دعا در پیروزی رزمندگان جبهه حقّ

قالوا ربّنا .. فهزموهم باذن الله

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا .. و انصرنا علی القوم الکافرین . فهزموهم باذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۱۳

۱۳ تداوم هدایت ، در پرتو دعا و استمداد از پروردگار

ربّنا لا ترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ نقش دعا و درخواست از خداوند ، در دستیابی انسان به آرمان خویش

هنا لك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۶،۷

۶ نقش سازنده دعا در میدان جنگ

و تشویق الهی به آن

و ما کان قولهم اَلَا ان قالوا رَبَّنَا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا علی القوم الکافر

۷ نقش بنیادین و سازنده دعا در صلابت ، قوّت و تسلیم ناپذیری پیکارگران

فما وهنوا .. و ما ضعفوا و ما استکانوا ... و ما کان قولهم اَلَا ان قالوا رَبَّنَا ا

یادآوری دعای مجاهدان ربّانی پس از بیان استقامت آنان، می تواند اشاره ای باشد به اینکه دعا از موجبات استقامت و حماسه آفرینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱۴، ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کاتین من نبی .. فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

۱۴ جهاد ، صبر ، دعا ، استغفار و بینش خدامحوری ، از عوامل جلب محبت الهی

قاتل معه .. و الله يحب الصّابرين ... رَبَّنَا اغفر لنا ... و انصرنا ... و الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۴

۳۴ دعا برای نجات یافتن از عذاب دوزخ ، وسیله ای برای رهایی یافتن از آن

فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۹

۱۹ نقش دعا در تحقق وعده های الهی و رهایی از خذلان در آخرت

رَبَّنَا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

اگر دعا در تحقق وعده های الهی تأثیر نداشت، خداوند آن

را به عنوان ویژگی مؤمنان خردمند نقل نمی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۱۹

۱۹ نقش دعا در جلب فضل الهی

و سئلوا الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۶ - ۲

۲ ضرورت نیایش قاضیان به درگاه خداوند ، برای دوری نفس آنان از تمایل به خیانتکاران

و لاتکن للخائنین خصیماً. و استغفر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۶

۶ دعا از اسباب برطرف شدن عذابها و دشواریها

إن أتیکم عذاب الله .. فیکشف ما تدعون إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۸

۸ دعا و نیایش محسنان به درگاه خدا مایه به فعلیت رسیدن استعداد آنان برای دستیابی به رحمت خاص الهی است .

و ادعوه .. إن رحمت الله قریب من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۴

۴ دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در جلب رحمت او و رفع دشواری ها و بلاها

فلما كشفنا عنهم الرجز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۶

۱۶ دعا به درگاه خدا نقش مؤثر برای جلب رحمت او دارد .

و اکتب لنا .. فسأکتبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۶

۶ دعا و استغاثه آدمی به درگاه

خداوند از اسباب بهره مندی وی از امداد های الهی

إذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن كان على بينة .. فلاتك في مريه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتك في مريه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ دعا و نیایش به درگاه خدا و استمداد از او ، راه مصون ماندن از گناه و انحرافات جنسی است .

رب .. و إلا تصرف عني كیدهن أصب إليهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۴،۵

۴ اظهار نیاز به درگاه خدا ، دارای نقشی بسزا در جلب حمایت او و برآورده شدن نیاز های انسان

فاستجاب له ربه .. إنه هو السميع العليم

۵ نقش دعا در رقم خوردن سرنوشت آدمی

إلا تصرف عني كیدهن .. فاستجاب له ربه فصرف عنه كیدهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- دعا می تواند در قلب و جان دیگران تأثیر گذارد و آن را دگرگون سازد .

فاجعل أفئده من الناس تهوى إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۹،۱۴

۹- نقش مؤثر دعا در فرزنددار شدن انسان ، حتی در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی

الحمد لله الذي وهب لي على الكبر إسماعيل و إسحق إن ربّي لسميع الدعاء

۱۴- نقش مؤثر دعا در کنار دیگر عوامل طبیعی ، برای تأمین نیازها و خواسته های انسان

الحمد لله الذي وهب لي على الكبر إسماعيل و إسحق إن ربّي لسميع الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- دعا زمینه دستیابی به < وجه الله > و جلب رضایت او است .

يدعون ربّهم بالغدوة .. يريدون وجهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳ - ۳،۸

۳- پیامبران نیز برای حل مشکلات خویش به دعا رو می آوردند .

عبده زكريّا . إذ نادى ربّه نداءً خفياً

۸- نقش مهم دعا و التجا به درگاه خدا ، در تحولات زندگی انسان و تأمین نیازهای وی

ذكر رحمت ربّك عبده زكريّا . إذ نادى ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- زکریا همواره از دعا ، برای رفع مشکلات خویش ، بهره می گرفت .

و لم أكن بدعائك ربَّ شقيًّا

<باء> در <بدعائك> سببیه یا به معنای <فی> است و مفاد آیه این است که در دعاهای گذشته ام هیچ گاه

محروم نشده ام و به سبب آنها سعادت مند بوده ام.

۸- دعا و نیایش به درگاه خدا، از میان برنده سختی ها و مانع گرفتاری انسان به دام شقاوت است.

و لم أكن بدعائك ربّ شقيًّا

<شقاوت> نقطه مقابل سعادت است (مفردات راغب) و به معنای <سختی و زحمت> نیز می آید (قاموس).

۱۱- زکریا، زندگی سعادت مندانه خود را مرهون راز و نیاز و دعا به پیشگاه خداوند می دانست.

و لم أكن بدعائك ربّ شقيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۲۰، ۱۶، ۱۱

۱۱- دعا، حتی برای پیامبران، امری سازنده و مؤثر است.

و أعتزلکم... و أدعوا ربّي

۱۶ ابراهیم (ع)، در آستانه هجرت خود از دیار بت پرستان، به رفع سختی ها و کسب سعادت خود امیدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن می دانست.

عسی ألا أكون بدعاء ربّي شقيًّا

۲۰- دعا، مانع شقاوت و بدبختی انسان است.

عسی ألا أكون بدعاء ربّي شقيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۹

۹- دعا در رشد و تربیت پیامبران، دارای نقش اساسی است.

ربّ اشرح لی صدري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - دعا در آسان شدن مشکلات تبلیغ دین ، دارای نقش اساسی است .

و یسر لی امری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - دعا در درمان بیماری

ها و شفای آسیب دیدگی های انسان مؤثر است .

واحلل عقده من لسانی

گفته شده است لکننت زبان موسی(ع)، از صدمه دیدن بر اثر آتشی بوده که در دوران کودکی به دهان برده و بر زبان نهاده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۳

۳ - دعا در اثر بخشی خدمات دیگران به پیشبرد اهداف نظراتشان ، مؤثر است .

أشدد به أزری

خواسته موسی از خداوند این بود که هارون(ع) را وسیله قوت یافتن او قرار دهد، چنین خواسته ای حاکی از این است که موسی(ع) می دانست دعای او در ثمربخشی تلاش هارون بی اثر نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۴

۴ - دعا و درخواست از خداوند ، در برآورده شدن خواسته ها و رسیدن به آن ، مؤثر است .

قال ربّ اشرح .. قال قد أتيت سؤلک

برآورده شدن خواسته های موسی(ع) پس از دعا و تقاضای ملتزمانه او به درگاه خداوند بود و این نشان دهنده نقش دعا در اجابت خواسته ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۳

۳ - ندا کردن خدا و دعا و نیایش به درگاه او ، استجاب و پاسخ گویی او را در پی دارد .

إذ نادى ربّه .. فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضرّ

آیه شریفه همان گونه که جمله <رحمه من عندنا و ذکرى ..> به صراحت بیان می دارد در صدد دلداری به پیامبر(ص) و

مؤمنان و نیز برای درس آموزی است.

از این رو آیه شریفه، اختصاص به ایوب(ع) ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۴

۴- دعا ، وسیله ای مؤثر برای نجات از گرفتاری و اندوه

فنادی . . . و نَجِیْنَه مِنَ الْغَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۱

۱۱- دعا و نیایش ، از موجبات و زمینه های فرزنددار شدن و اصلاح نازایی است .

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا .. فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَ أَوْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۳ - ۴

۴ - نقش مؤثر دعا ، در ایمن ماندن از شرور

قُلْ رَبِّ إِنَّمَا تَرِيَّتِي مَا يُوْعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۶

۶ - نقش مؤثر دعا در ایمن ماندن انسان ها از خطر و سوسه های شیاطین

وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَتِ الشَّيْطَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۷

۷- استغفار و دعا برای جلب رحمت الهی ، از مشخصات عبودیت و ایمان

إنه كان فريق من عبادي يقولون ربنا ءامننا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۸

۱۸ تأثیر مثبت و سازنده دعا و آرزو کردن در نیل به مقامات والا و رشد و کمال معنوی

و اجعلنا للمتقين إمامًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۱ ارزش و منزلت انسان در پیشگاه خداوند ، منوط به دعا و عبادت کردن او است .

قل مایعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم

۲ <دعاؤکم> اضافه مصدر به مفعولش باشد که در این صورت <دعا> به معنای دعوت است یعنی ، <لولا دعاؤه ایّاکم الی الإسلام> اگر نبود دعوت کردن خدا یا پیامبر شما را به سوی اسلام . گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است .

۲ دعا و عبادت ، موجب توجه و عنایت خدا به انسان است .

قل مایعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم

۳ انسان ، من های دعا و عبادت ، فاقد ارزش و منزلت در پیشگاه خداوند است .

قل مایعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۳

۳ - دعا و التجا به درگاه خدا ، دارای تأثیر در سرنوشت انسان

ربّ نجّنی .. فنجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۳،۶

۳ - نقش دعای خالصانه در حل مشکلات و رفع گرفتاری ها

أمن یجیب المضطرّ إذا دعا و یکشف السوء

۶ - رفع ناخوشایندی ها از انسان در پرتو دعا ، زمینه ساز اقتدار و توانمندی انسان در گستره حیات

و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الأرض

ذکر <یجعلکم خلفاء> بعد از <یکشف السوء> بیانگر این نکته است که اگر مشکلات همواره بر انسان هجوم آورد و

خداوند آنها را از وی دور سازد، بشر زمینگیر شده و قادر به ادامه حیات نخواهد بود. پس این گره گشایی های خدا است که
زمینه آسایش و رفاه

انسان را در پهنه زمین فراهم می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۹

۹ - دعا به پیشگاه خداوند ، زمینه نجات از ناملايمات و سختی ها است .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه

إعطای رحمت به بندگان گرفتار در ناملايمات، در پی دعای آنان برای نجات از آن وضعيت، احتمال دارد به خاطر دعا و تأثیر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۷

۱۷ - نجات از بلاهای خطرناک و مرگ آفرین در پی دعا ، از آیه های توحید خداوند است .

دعوا لله مخلصين .. فلما نجّهم ... و ما يجحد بأيتنا إلا كلّ ختار كفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۶

۶ - ندا کردن خدا و حاجت بردن به درگاه او ، اجابت الهی را در پی دارد .

و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون

برداشت یاد شده از تعبیر <بهترین پاسخ دهنده> برای خداوند به دست می آید؛ زیرا بهترین اجابت کننده آن کسی است که به درخواست ها کاملاً پاسخ دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۰ - ۴

۴ - امکان فرزنددار شدن انسان با دعا و توسل به ربوبیت الهی

ربّ هب لي من الصّالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۹

۹ - دعا ، عامل رفع مشکلات و رنج های

طاقت فرسا و باعث جلب رحمت و لطف الهی

إذ نادى رَبَّهُ .. هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۷

۷ - نیایش به درگاه خداوند ، عامل جلب رحمت او و برطرف کننده گرفتاری ها است .

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضِرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا

<تخویل> (مصدر <خول>) به معنای اعطا و بخشش است و مقصود از جمله <ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا> رفع گرفتاری و اعطای نعمت آسودگی است که پس از دعا و نیایش بندگان به درگاه الهی تحقق می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۲

۲۲ - نقش مؤثر دعا و مناجات ، در پذیرش توبه و آمرزش گناهان و مصونیت از عذاب دوزخ

فاغفر للذین تابوا .. و قهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۷ - ۳

۳ - برخی از تقاضا ها و دعا های انسان ، مایه فساد و انحطاط او است .

و یتجیب الذین ءامنوا .. و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۸

۸ - دعا به درگاه خداوند ، دارای تأثیر در رهایی انسان از مشکلات و سختی ها

ادع لنا ربِّک .. فلما کشفنا عنهم العذاب

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - دعا

و نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز راهیابی انسان به بهشت و رهایی از دوزخ

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ . إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ

۲ - متقین ، دستیابی خود به بهشت را مرهون دعا ها و نیایش های خود به درگاه خداوند می دانند .

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا .. إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۸

۸ - نیاز بردن به درگاه خداوند ، زمینه ساز برخورداری از فیض او

یسله من .. کلّ یوم هو فی شأن

از ارتباط میان <یسله> با <کلّ یوم..> و تقدم <یسله>، می توان مطلب بالا را برداشت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، دارای تأثیر در تزکیه قلب ها از کینه و بدخواهی

یقولون ربّنا .. و لا تجعل فی قلوبنا غلاً

تمجید خداوند از دعای مؤمنان، نشانگر تأثیر آن است؛ زیرا در صورتی که دعا و تمنا لغو و بی تأثیر باشد، مجالی برای تمجید نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۲

۲ - تأثیر دعا ، در تغییر حوادث و مسائل اجتماعی

ربّنا لا تجعلنا فتنة

از این که کسی چون حضرت ابراهیم(ع) برای بر طرف شدن مشکل دعا کرده و خداوند عمل او را به عنوان عملی بایسته و الگو معرفی می نماید، نشانه تأثیر داشتن دعا در برداشته شدن مشکلات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

۴ - به زحمت افکندن خویش در اوقات فراغت ، برای دعا به درگاه خداوند ، تلاشی ثمربخش و درپی دارنده آسانی و آسودگی است .

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب

حرف <فاء>، این آیه را بر مفاد آیه قبل تفریح کرده است؛ یعنی، حال که هر دشواری، سهولت آفرین است؛ پس سختی تضرع و دعا را بر خود هموار ساز.

آثار دعای خالصانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۴،۹،۱۱

۴ خداوند برطرف کننده عذاب و سختی از مشرکان، پس از توجه و دعای خالصانه آنان

بل إياه تدعون فيكشف ما تدعون إليه

۹ امکان برطرف شدن عذابهای قیامت با دعای خالصانه گرفتاران به آن

أَوْ أَتَاكُمْ السَّاعَةُ .. فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ

اگر مراد از <الساعة> قیامت باشد، آیه برطرف شدن شداید قیامت را پس از توجه خالصانه، امری ممکن، ولی منوط به مشیت خدا، دانسته است.

۱۱ امکان تأخیر مرگ با دعای خالصانه

أَوْ أَتَاكُمْ السَّاعَةُ .. فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الساعة> هنگام مرگ و جان کندن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۷

۷ نیایش خالصانه به درگاه خدا ، عامل جلب رحمت او و مایه رفع گرفتاریهاست .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه

تفریع جمله <لما كشفنا> بر <دعانا> بیانگر برداشت فوق است.

آثار دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲

۶ - تأثیر دعا در رشد و تعالی دیگران

و أشركه فی امری

آداب دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۳

۳ - ستایش خدا و اظهار عبودیت به درگاه او از آداب دعاست .

الحمد لله رب العلمین .. إهدنا الصراط المستقیم

از اینکه دعا به درگاه خدا و درخواست از او (اهدنا الصراط المستقیم)، پس از حمد و ستایش الهی و اظهار عبودیت در پیشگاه وی ذکر شده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۲

۲ - التجا به مقام ربوبی خداوند ، از آداب دعا و درخواست نیازها از درگاه اوست .

رب اجعل هذا بلداً آمناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۶،۹،۱۳

۶ - عمل نیک را در پیشگاه خداوند شایسته ذکر ندانستن ، امری پسندیده است . *

ربنا تقبل منا

مفعول <تقبل> (پذیر) ساختن کعبه است. ابراهیم و اسماعیل (ع) با نیاوردن مفعول؛ یعنی، یاد نکردن از عمل نیکشان، این نکته را بیان می دارند که عملشان در پیشگاه خداوند شایسته ذکر نیست.

۹ - التجا به مقام ربوبی خداوند ، از آداب دعا به درگاه اوست .

ربنا تقبل منا

۱۳ - ستایش خداوند ، از آداب دعاست .

ربنا تقبل منا إنك أنت السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۲

۱۲ - ستایش خداوند در پایان دعا ، از آداب دعاست .

ربنا وابعث إنك أنت

العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۳

۳ توجّه به ربوبیت الهی ، از آداب دعا

من يقول ربنا اتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۱،۲،۳

۱ تمجید آن دسته از مردم که پس از انجام مناسک حج ، خواهان نیکوهای دنیا و آخرت و نجات از آتش هستند .

و منهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنه و في الاخره حسنه و قنا عذاب النار

۲ درخواست از مقام ربوبیت خداوندی ، از آداب دعا

ربنا اتنا

۳ تعلیم چگونگی دعا و درخواست از خداوند

و منهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنه و في الاخره حسنه و قنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۱۴

۱۴ دعا به هنگام برخورداری از نعمت هدایت الهی ، برای تداوم بخشیدن به آن ، شیوه راسخین در علم

و الراسخون في العلم .. ربنا لا ترغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۶ - ۵،۷،۹

۵ اظهار ایمان قبل از دعا ، از آداب طلب غفران و نیایش

اَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ

۷ مطلوبیت دعا و تعمیم دادن آن نسبت به همگان

رَبَّنَا .. فَاغْفِرْ لَنَا

۹ درخواست از مقام ربوبیت حق و عدم اتکای به عمل صالح خویش ، ادب دعا

رَبَّنَا اِنَّا اَمْنَا

همواره در قرآن، ایمان و عمل صالح با هم ذکر می شود؛ ولی در

اینجا چون مقام دعاست، گوینده علی رغم دارا بودن عمل صالح <تقوا>، یادی از آن نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۴،۵

۴ سحر گاهان ، مناسبترین زمان برای استغفار و طلب آمرزش از درگاه خداوند

و المستغفرین بالاسحار

۵ مزیت و برتری بعضی از زمان ها ، برای دعا و استجاب

و المستغفرین بالاسحار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۷، ۱۵، ۹

۹ درخواست از مقام ربوبیت خدا ، ادب دعا

رَبِّ اَنْى نذرت لك

۱۵ اقرار به شنوایی و علم گسترده الهی ، ادب دعا

رَبِّ .. اَنْك انت السميع العليم

۱۷ احساس حضور در پیشگاه پروردگار شنوا و دانا ، ادب دعا

رَبِّ .. فتقبل منى اَنْك انت السميع العليم

<احساس حضور>، از ضمائر خطاب استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۷

۷ درخواست از مقام < ربوبیت > خدا ، ادب دعا

قال ربِّ هب لي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه زکریا به ربوبیت خدا ، در هنگام دعا

قال رب اجعل لی ایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۲

۲ تمسک به ربوبیت خدا ، ادب دعا و نیایش

ربنا امنا بما انزلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲۲

۲۲ ابتهال در

دعا، باز کردن و بالا بردن دست ها و ساعد ها به سوی آسمان است .

ثم نبتهل

امام صادق (ع): ... و الابتهال تبسط يديك و ذراعيك الى السماء.

کافی، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۳، ۱۸

۱۳ توجه به ربوبیت خداوند، از آداب دعا

رَبَّنَا اُنَّا . . . رَبَّنَا فاغفرلنا

۱۸ - شریک ساختن همکیشان در دعا، از آداب آن

رَبَّنَا اُنَّا سمعنا . . . فامنَّا رَبَّنَا فاغفرلنا ... و كَفَّرَ عَنَّا ... و توفنا مع الا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۱۸

۱۸ لزوم امیدواری به فضل خداوند در دعا و تقاضا از او

و سئلوا الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۷

۱۷ توجه به ربوبیت خدا، از آداب دعا

رَبَّنَا اخرجنا . . . و اجعل لنا من لدنك ولياً و اجعل لنا من لدنك نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۴

۱۴ توجه به ربوبیت خداوند از آداب دعا و نیایش

ربنا ءامننا فاکتبننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۴

۴ درخواست از مقام الوهیت و ربوبیت خداوند از آداب دعا و مؤثر در استجاب آن

قال عیسی ابن مریم اللّٰهم ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۳ لزوم تضرع (احساس ذلت و کوچکی) در دعا به درگاه خداوند

ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه

<تضرع> (تذلل و اظهار کوچکی) مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعل و حال برای فاعل <ادعوا> می باشد / یعنی: ادعوا ربکم متضرعین.

۴ دعا در نهان ، توصیه خداوند به بندگان

ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه

<خفیه> (نهان کردن) مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعل و حال برای فاعل <ادعوا> می باشد / یعنی: ادعوا ربکم مخفین دعاءکم.

۵ لزوم اخلاص در دعا

ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه

ترغیب به نهان ساختن دعاها می تواند برای پیشگیری از نفوذ ریا در دعا باشد.

۸ علنی ساختن دعا و نداشتن تضرع در آن ، تجاوز از آداب دعا به درگاه خداست .

ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه إنه لایحب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۵

۵ هراس از مقام ربوبی خدا و نقتت او و امید داشتن به رحمت وی ، از آداب دعا و نیایش به درگاه خداوند است .

و ادعوه خوفاً و طمعاً

هر یک از <خوفاً> و <طمعاً> مصدری است به معنای اسم فاعل و حال برای فاعل <ادعوه> می باشد. یعنی <ادعوه خائفین و طامعین>. متعلق <طمعاً> به قرینه فراز بعد رحمت خداست و در مقابل، متعلق <خوفاً> نقتت خدا و دوری از رحمت او خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۵

۱۵ توسل به ربوبیت خداوند از آداب دعا به درگاه اوست .

ربنا أفرغ

علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۶،۱۰

۶ توجه و تمسک به ربوبیت خداوند ، از آداب دعا به درگاه اوست .

قال رب

۱۰ بیان < أرحم الراحمین > بودن خدا پس از درخواست آمرزش و رحمت ، از آداب دعا به درگاه ربوبی است .

و أنت أرحم الراحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۸

۸ بنی اسرائیل ، در دعای خود به صفت رحمت خداوند متوسل شدند .

و نجنا برحمتك من القوم الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱

۱ اظهار خضوع و تذلل همراه توسل به ربوبیت خداوند و اعتراف مکرر به آن ، از آداب دعاست .

و قال موسى ربنا .. ربنا لیضلوا ... ربنا اطمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۲

۲ التجا به مقام ربوبی ، از آداب دعاست .

و نادى نوح ربه فقال رب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۳

۳ تمسک و توسل به ربوبیت خداوند ، از آداب دعاست .

قال رب .. إلاّ تغفر لى و ترحمنى أكن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ توجه به ربوبیت خدا ، از آداب دعاست .

قال رب .. و إلاّ تصرف عنى كىدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۷

۱۷ توصیف خداوند به صفت رحمت بخشی (مانند ارحم الراحمین) از آداب استغفار و دعا برای آمرزش است .

یغفر الله لکم و هو أرحم الراحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۶

۶ توجه به ربوبیت خدا از آداب دعا و استغفار است .

سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲،۲۶

۲ توجه به ربوبیت خداوند از آداب دعا و نیایش است .

رب قد ءاتیننی .. توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

۲۶ یاد کردن از نعمت های خداوند و ستایش کردن او با صفاتی شایسته ، از آداب دعا به درگاه اوست .

رب قد ءاتیننی من الملک .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلماً و ألحقنی بالصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۶

۶- خواندن خداوند با اسم < ربِّ > از آداب دعاست .

ربِّ اجعل هذا البلد ءامناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۳،۴

۳- ذکر صفت های خداوند (صفات کمال و جمال) از آداب دعا به درگاه اوست .

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نَخْفَىٰ وَ مَا نَعْلُنُ

۴- حسن عرض حاجت کردن و بر زبان راندن نیازها و مشکلات به درگاه خداوند به هنگام دعا

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ أَمْنًا .. رَبَّنَا إِنِّي ... بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ ... رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۶

۶- برشمردن و به زبان آوردن نعمت ها به هنگام حمد و ستایش خداوند ، امری پسندیده و از آداب دعاست .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۸

۸- دعا برای استجابت دعا ها ، از آداب دعاست .

ربّنا و تقبل دعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- هر دعا کننده ای لازم است خواسته های اساسی خویش را ، در دعا ، در اولویت قرار دهد . *

ربّنا اغفر لی و لولدی .. یوم یقوم الحساب

اینکه حضرت ابراهیم(ع) در دعاها و مناجاتش، به ویژه در طلب آمرزش، خود را بر دیگران مقدم داشته است، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که هر فرد دعا کننده ای خواسته اساسی خود را در دعا باید مقدم بدارد؛ هر چند که نباید دیگران را نیز از نظر دور داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۶ - ۷

۷- ذکر صفت ربوبیت خدا در دعا ، امری پسندیده و مطلوب است .

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۷ - ۷

٧- قال أبو عبد الله (ع) : إن علي بن الحسين (ع) ... قال : ... يا من استجاب لأبغض خلقه إليه إذ قال أنظرني إلى يوم

یبعثون ، إستجب لی ... ۱

از امام صادق(ع) روایت شده است: علی بن الحسین(ع) فرمود: ای کسی که [خواسته] مبعوض ترین خلق خود را اجابت کردی! آن گاه که گفت: <أنظرني إلى يوم يبعثون> خواسته مرا اجابت فرما. ..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۱

۱۱- تمسک به ربوبیت الهی در مقام دعا و نیایش ، امری پسندیده و نیکوست .

قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۲،۴

۲- التجا به ربوبیت خدا و خود را مربوب او دانستن ، از آداب دعا و نیایش

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق

۴- بر زبان آوردن خواسته ها در پیشگاه خدا ، از آداب دعا و نیایش

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۴،۲۰، ۱۱، ۱۴، ۶، ۴، ۱

۱- جواز خواندن خدا به هر یک از نام ها و اوصاف متعدد او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

۴- توجه به ذات یکتای پروردگار ، مقصود اصلی در خواندن او با نام ها و صفات متعدد

أیّما تدعوا فله الأسماء الحسنی

۶- عدم جواز خواندن خدا به اسما و صفاتی که دارای شایبه نقص ، کاستی و محدودیت است .

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أياً ما تدعوا فله الأسماء الحسنى

۱۱- لزوم رعایت اعتدال صوت در دعا و نیایش به درگاه خداوند

لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

۱۴- لزوم رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط ، در نحوه انجام عبادات و نیایشها

و لاتجهر... و لاتخافت بها و

ابتغ بین ذلک سیلاً

احتمال دارد که ذکر نماز و یا دعا به عنوان مظهر و مصداق اصلی عبادات و نیایشها آمده باشد و این دو و نیز با آواز خواندن و یا با سکوت خواندن خصوصیتی نداشته باشد. بنابراین، از آیه رعایت اعتدال در نحوه انجام عبادتها قابل استفاده است.

۲۰- > إن رسول الله (ص) قال : < و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها > إنما نزلت فی الدعاء . . . ;

همانا رسول خدا(ص) فرمود: < و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها > [این آیه] فقط در مورد دعا نازل شده است . . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۸

۸- التجا به ربوبیت الهی ، از آداب دعا و نیایش

فقالوا ربنا اتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۶

۲۶- اظهار امیدواری به امداد های الهی ، از شیوه های دعا به درگاه خداوند و درخواست کمک از او است .

و قل عسی أن یهدین ربی لأقرب من هذا رشداً

به زبان آوردن امید (گفتن <عسی أن . . . >) انگیزه ای جز اظهار نیاز و درخواست اجابت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۹

۹- توجه به ربوبیت خداوند ، از آداب دعا است .

یدعون ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳ - ۵

۵- پنهانی بودن دعا و دوربودن آن از انظار ، از آداب دعا است . *

نادی ربّه نداءً خفیّاً

یادکردن از دعای پنهانی حضرت

زکریا و نیز آیات بعدی که استجاب دعاى او را مطرح ساخته، ممکن است به مطلوب بودن دعاى پنهانی و دور از انظار اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱۲، ۶، ۳

۳- توسل به ربوبیت الهی و تکرار آن، از آداب دعا است.

قال ربّ .. لم أکن بدعائك ربّ

۶- برشمردن ضعف ها و کاستی ها و بیان ناتوانی خود از انجام خواسته ها و رفع نیازمندی ها، از آداب دعا و نیایش است.

قال ربّ إني وهن العظم مني واشتعل الرأس شيئا

۱۲- برشمردن لطف و عنایت های مکرر خداوند در گذشته عمر، زمینه جلب رحمت و لطف الهی و از آداب دعا است.

قال ربّ .. لم أکن بدعائك ربّ شقيّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۷

۱۷- توسل به نام مقدس < ربّ > از آداب دعا است.

واجعله ربّ رضيّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۴

۴- زکریا (ع)، هنگام دعا، به ربوبیت خداوند توجه داشت.

قال ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۷

۱۷- توجه به ربوبیت خدا ، از آداب دعا و استغفار است .

سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱۴،۲۱

۱۴- توجه به ربوبیت الهی و نام مقدس < رَبِّ > از آداب دعا است .

و ادعوا ربِّي

۲۱- > قال رسول الله (ص) : رحم الله عبداً طلب من الله عزوجل حاجه فألح في الدعاء استجيب له أو لم يستجب (له) و تلا هذه الآية : > و أدعوا ربّي عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيّاً > ... ;

رسول خدا(ص) فرمود: رحمت خداوند بر بنده ای که از خدای عزوجل چیزی بخواهد و بر خواسته خود پافشاری کند، خواه دعای او مستجاب شود و خواه مستجاب نگردد. سپس پیامبر(ص) این آیه را که نقل کلام ابراهیم(ع) است تلاوت کرد > و أدعوا ربّي عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيّاً >...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۶

۶- یاد کرد ربوبیت الهی و به زبان آوردن نام مقدس > ربّ < ، از آداب دعای به درگاه او است .

قال ربّ اشرح لی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۲۷

۲۷- ذکر نام > ربّ < در دعا ، از آداب آن است .

و قل ربّ زدنی علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۱۲، ۵

۵- خواندن خداوند با نام > ربّ < ، از آداب دعا و نیایش است .

و أيوب إذ نادى ربّه أنّى مسنى الضّرّ

۱۲- التجای انسان به صفت رحمت الهی ، به هنگام درخواست نیاز و نیایش از آداب دعا است .

و أيوب إذ نادى .. و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- تهلیل و تنزیه خداوند و اعتراف به تقصیر و گناه کاری خویش ، از آداب دعا و نیایش است .

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلا أنت سبحنک إئی کنت من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۳

۳- نقش تهلیل و تسبیح خدا و اقرار به ظلم به خویشان ، در استجاب دعا و رهایی از غم ها

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلا أنت سبحنک إئی کنت من الظلمین . فاستجبنا له و ن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۱،۱۳

۱۱- توجه به ربوبیت خداوند و ذکر آن به هنگام دعا ، از آداب دعا و نیایش

إذ نادى ربّه ربّ لا تذرني

۱۳- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲۱

۲۱- > عن أبي عبد الله (ع) قال : الرغبه أن تستقبل بطن كفيك إلى السماء و الرهبه أن تجعل ظهر كفيك إلى السماء ;

از امام صادق(ع) روایت شده: <رغبته> (در دعا) این است که کف دست های خود را به طرف آسمان کنی و <رهبت> این است که پشت دست ها را به طرف آسمان قرار دهی.<

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۲،۳

۲ - لزوم التجا به مقام ربوبیت و پروردگاری خدا به هنگام دعا و عرض نیاز

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکاً

به کارگیری کلمه <ربّ> در مقام عرض حاجت به جای کلمات دیگر، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

۳ - ثنا و ستایش خدا در دعا، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز، امری پسندیده

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین

<منزل> در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله <و أنت خیر المنزلین> (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۳ - ۲

۲ - التجا به پروردگار، از آداب دعا و آموزه ای الهی به پیامبر (ص)

قل ربّ إنا تریننی ما یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۴ - ۲

۲ - التجا به ربوبیت خدا در دعا، مؤثر در جلب رحمت او

قل ربّ.. .. ربّ فلا تجعلنی فی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۳

۳ - التجا به ربوبیت الهی در دعا، از آداب توصیه شده از سوی خدا

وقل ربّ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۹

۹ - التجا به ربوبیت

الهی و بر شمردن صفات رحمت آفرین او ، از آداب دعا و نیایش است .

يقولون ربّنا .. و أنت خير الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۷

۷ - التجا به ربوبیت الهی و برشمردن صفات رحمت آفرین او ، از آداب دعا و نیایش

و قل ربّ اغفر و ارحم و أنت خير الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۰

۲۰ - توسل به اسم < ربّ > و یاد کرد ربوبیت خداوند ، از آداب دعا

و الذين يقولون ربّنا هب لنا .. و اجعلنا للمتقين إمامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۳

۳ - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، از توصیه های او به پیامبر (ص)

و لاتدع مع الله إلهًا اخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۴، ۱۱، ۵، ۳، ۲

۲ - به زبان آوردن استغفار ، امری پسندیده و از آداب دعا است .

قال ربّ اغفرلی

۳ - توسل به ربوبیت خداوند ، از آداب دعا است .

قال ربّ اغفرلی

۵- استغفار ، پیش از دعا و اظهار حاجت به درگاه الهی ، زمینه ساز استجابت دعا و برآوردن حاجت است .

قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً

برداشت یاد شده از استغفار سلیمان(ع)، پیش از اظهار حاجت و درخواست پادشاهی از خداوند برمی آید.

۱۱- برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز

های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال رب اغفر لی و هب لی ملکا

۱۴ - ستایش خداوند ، از آداب دعا و عرض حاجت به درگاه او است .

رب اغفر لی و هب لی ملکا .. إنَّک أنت الوهاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۷

۷ - ذکر صفت ربوبیت خدا در دعا ، امری پسندیده و مطلوب

قال رب فأظرني إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۱ - ۷

۷ - انسان در هیچ حال نباید از استجابت دعایش به درگاه الهی ، مأیوس شود .

قال رب فأظرني .. قال فأنتک من المنظرین . إلی یوم الوقت المعلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۷، ۴، ۳

۳ - ذکر < اللهم > ، سرفصل دعا و نیایش مؤمنان با خداوند

قل اللهم

۴ - ذکر < اللهم > در آغاز ، از آداب دعا به درگاه الهی

قل اللهم

۱۷ - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللهم فاطر السموت .. علم ... أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۶

۱۶ - مناجات با خداوند و ذکر صفت ربوبیت او ، از آداب دعا و حاجت خواهی از او

ربّنا وسعت .. فاغفر للذین تابوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۷ - ۶

۶ - شب هنگام ، وقت مناسب و شایسته برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی \$

كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - توسل به اسما و صفات الهی ، از آداب نیایش و زمینه اجابت دعا *

ربنا إنك رؤوف رحيم

ذکر اوصاف متعدد خداوند (رب، رؤوف و رحيم) در این آیه که رهنمودی است به دعا کنندگان بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۹،۱۱

۹ - > عن أبي عبدالله (ع) : . . . قوله < و تبتل إليه تبتيلاً > قال : الدعاء بأصبع واحده تشير بها . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <و تبتل إليه تبتيلاً> روایت شده که فرمود: [مقصود] دعا کردن همراه با اشاره یک انگشت است. <..>

۱۱ - > عن موسى بن جعفر (ع) قال : التبتل أن تقلب كفك في الدعاء إذا دعوت . . . ;

از امام کاظم(ع) روایت شده که فرمود: <تبتل> آن است که هنگامی که دعا می کنی، کف دست هایت را برگردانی.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۳،۷

۳ - برای توجه به خدا و درخواست از او ، باید نهایت تلاش را به کار برد .

٧ - > عن مسعده بن صدقه قال : سمعت جعفرأ يقول : كان أبي (رضى الله

عنه) يقول : في قول الله تبارك و تعالی < فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب > إذا قَضَيْتَ الصَّلَاةَ بعد أن تُسَلِّمَ و أنت جالس فانصب في الدعاء من أمر الدنيا و الآخرة فإذا فرغت من الدعاء فارغب إلى الله تبارك و تعالی أن يتقبلها منك ;

از مسعده بن صدقه روايت شده كه گفت: از امام صادق(ع) شنيدم كه مي فرمود: پدرم كه خداوند از او راضي باد درباره سخن خداوند تبارك و تعالی <فإذا فرغت فانصب . و إلى ربك فارغب> مي فرمود: زمانی كه نماز را بعد از سلام به پايان رساندی و هنوز نشسته ای، برای امر دنیا و آخرت در دعا بكوش پس هنگامی كه از دعا فارغ شدی، به درگاه خدای تبارك و تعالی تضرع و زاری كن كه آن را از تو قبول كند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۸ - ۶

۶ - بهره مندان از نعمت های الهی ، باید تنها به درگاه خداوند دعا کرده ، حاجت های خویش را از او طلب کنند .

الم نشرح .. و وضعنا ... و رفعنا ... و إلى ربك فارغب

آهسته گویی در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۹

۹- نهی خداوند از خواندن دعا و نیایش با خدا ، با صدایی بسیار بلند یا بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

بنابر اینکه مراد از <صلاه> مطلق دعا باشد، برداشت فوق به دست می آید.

اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۴،۵،۹

۴ - خداوند ، دعای درخواست کنندگان را اجابت می کند .

أجیب دعوه الداع

۵ - اجابت دعا ها از سوی خداوند ، نشانه نزدیکی او به بندگان است .

فإنی قریب أجیب دعوه الداع

جمله <أجیب دعوه الداع> (دعای درخواست کننده را اجابت می کنم) می تواند به منزله علت برای <فإنی قریب> باشد.

۹ - ضرورت ایمان به نزدیک بودن خداوند به بندگان و توان او بر اعطای درخواست های ایشان

و لیؤمنوا بی

از آن جا که <و لیؤمنوا بی> پس از بیان قرب الهی به بندگان و اجابت درخواستهای ایشان مطرح شده، می توان گفت: مراد از ایمان در این جا ایمان به نزدیکی خدا و اجابت درخواستهای بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۱۰

۱۰ اجابت دعا ها و درخواست های دنیوی حج گزاران دنیا طلب

فمن الناس من یقول ربنا اتنا فی الدنیا و ماله فی الاخره من خلاق

و او عاطفه در جمله <و ماله .. >، بیانگر جمله ای محذوف است. \$مثل <نؤتیه> (به او عطا می کنیم) و از آخرت نصیبی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۸

۱۸ خداوند به درخواست حضرت حزقیل ، چندین هزار نفر از مُردگان را زنده ساخت .

و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم

امام باقر (ع): ... فمرّبهم نبیّ ... یقال له حزقیل ... قال ربّ لو شئت لاحییتهم ... فاوحی الله تعالی الیه افتحّ ذلك قال نعم یا ربّ ...

کافی، ج ۸، ص ۱۹۸، ح ۲۳۷؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۵،۱۲

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربنا... و انصرنا علی القوم الکافرین. فهزموهم باذن الله

۱۲ خداوند برخی دانش های درخواستی داود را به وی آموخت. *

و علمه ممّا یشاء

چنانچه <من> در <مّمّا یشاء> برای تبعیض باشد، مراد از ضمیر فاعلی در <یشاء>، داود خواهد بود نه الله. چون معنا ندارد خداوند چیزی را بخواهد و ولی برخی از آن انجام پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۲۲

۲۲ اجابت دعای همسر عمران، در مورد حفظ مریم (س) و فرزندش از شرّ شیطان

و ائی اعیذها بک و ذریّتها من الشّیطان الرّجیم

رسول خدا (ص):... و قال عیسی (ع) فیما یتنی علی ربه: و اعاذنی و امی من الشّیطان الرّجیم فلم یکن له علینا سبیل.

الدر المثور، ج ۲، ص ۱۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲،۵

۲ اجابت دعای مادر مریم از سوی خداوند ، درباره حفظ مریم (س) از شر شیطان

اَنِّی اَعِیْذُهَا .. فَتَقْبَلُهَا ... وَ اَنْبِتْهَا نَبَاتًا حَسَنًا

۵ پذیرش دعای خالصانه بندگان ، جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

فَتَقْبَلُهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

۱۲ خداوند ، شنوای دعای بندگان و اجابت کننده آن

اِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ

<سمیع الدعاء>، تنها به معنای شنیدن دعا نیست بلکه کنایه از استجابت آن است.

۱۴ نقش مسجد و محراب مکان های مقدس در استجابت دعا *

دخل علیها زکریا المحراب .. هنا لك دعا زکریا ربّه

برداشت فوق بر این اساس است که مشارالیه <هنالك>، <المحراب> باشد و جمله <و هو قائم یصلی فی المحراب>، در آیه بعد مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۳،۴

۳ اجابت دعای زکریا در مورد درخواست ذریّه ، از سوی خداوند

قال ربّ هب لی من لدنک ذریّه .. فنادته الملائکه

۴ بشارت اعطای یحیی به زکریا ، در اجابت درخواست ذریّه پاک از خداوند

فنادته الملائکه .. انّ الله یشرک بیحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱

۱ پذیرفته شدن دعای هم‌زمان انبیای گذشته ، در پیکار با دشمنان دین

فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

<ثواب الدنیا>، می تواند اشاره به پیروزی مجاهدان باشد که با جمله <و انصرنا علی القوم الکافرین> درخواست شده بود. و <ثواب الاخره>، حکایت از برآورده شدن خواسته دیگر آنان دارد که با جمله <و اغفرلنا ذنوبنا>، درخواست شده بود. زیرا ثواب آخرت در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱،۲

۱ اجابت سریع دعای خردمندان مؤمن از سوی پروردگارشان

لاولی الالباب .

.. ربّنا ... فاستجاب لهم ربّهم

برداشت فوق بر این مبناست که مفعول <استجاب> در تقدیر باشد؛ یعنی <فاستجاب دعائهم>؛ و حرف <فاء> در <فاستجاب>، دلالت بر نبودن فاصله بین دعای خردمندان و استجاب آن از سوی خداوند دارد.

۲ استجاب دعا، جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

فاستجاب لهم ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۳

۳ دعای مقربان الهی درباره دیگران مقرون به اجابت

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۹

۹ استجاب دعا، از شئون ربوبی خداوند است.

ادع لنا ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۲

۲ خداوند، اجابت کننده دعای بندگان

دعوا لله ربهما .. فلما اتيهما صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۳ - ۷

۷ اجابت دعا، از راه های شناسایی معبود راستین است.

سواء علیکم ادعوتموهم أم أنتم صمتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۲

۲۲ خداوند ، به انسان ها نزدیک است و درخواست های آنان را اجابت می کند .

إن ربی قریب مجیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۵

۲۵ پذیرش درخواست آدمی از جانب خدا و حفظ او از ارتکاب گناه ، جلوه ای از ربوبیت الهی است

معاذ الله إنه ربى أحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۷

۱۷ اجابت دعای بندگان ، پرتوی از ربوبیت الهی است .

فاستجاب له ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۵

۵ توانایی بر رفع نیاز بندگان و اجابت درخواست ها و دعا های آنان ، نشانه خدایی است .

له دعوه الحق والذین یدعون من دونه لایستجیون لهم بشیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۳

۳- دعا و تضرع انسان های گرفتار در وضعیت های ناگوار ، مورد اجابت خداوند قرار می گیرد . *

إذا مسکم الضرّ فالیه تجثرون . ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم

احتمال دارد رفع ناگواری از گرفتارانی که ملتمسانه به درگاه خداوند دعا می کنند، ناشی از دعای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۳، ۳

۳- ندادن خدا و دعا و نیایش به درگاه او ، استجاب و پاسخ گویی او را در پی دارد .

إذ نادى ربّه .. فاستجینا له فکشفنا ما به من ضرّ

آیه شریفه همان گونه که جمله <رحمه من عندنا و ذکرى ..> به صراحت بیان می دارد در صدد دلداری به پیامبر(ص) و

مؤمنان و نیز برای درس آموزی است. از این رو آیه شریفه، اختصاص به ایوب(ع) ندارد.

۱۳- عطای الهی به انسان ، افزون تر از آن چه او آرزو کرده ، نمودی از رحمت خاص خداوند به وی است .

و أنت

أرحم الرحمين .. وءاتينه أهله و مثلهم معهم رحمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - دعای خالصانه به درگاه خداوند ، اجابت می شود .

دعوا لله مخلصين له الدين فلما نجيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۵

۵- معبود واقعی و شایسته پرستش ، توانا بر شنیدن صدای عبادت گران و قادر بر اجابت خواسته های آنان

و من أضلّ ممّن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيمة

خداوند، مشرکان را به سبب پرستش موجوداتی که قادر به شنوایی و اجابت دعای آنان نیستند، سرزنش کرده است. مفهوم این سخن آن است که معبود واقعی، باید قادر بر شنیدن و اجابت خواسته ها و نیازهای مخلوقات باشد.

اجابت دعا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۸

۸ دعا و درخواست پیکار گران شکّیا به درگاه خداوند در هنگامه کارزار ، مقرون به استجاب است .

ربّنا اغفر لنا .. فاتيهم الله ثواب الدنيا

اجابت دعا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ امکان استجاب دعا در قیامت

أو أتتكم الساعة .. فيكشف ما تدعون إليه إن شاء

اجابت دعای خالصانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧- يونس - ١٠ - ٢٣ - ١

١ دعای خالصانه و بی شائبه مشرکان مورد اجابت خداوند

دعوا الله مخلصين له الدين .. فلما

أنجيهم إذا هم ييغون

تفریع جمله <أنجاهم> بر <دعوا الله مخلصين له الدين> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

اجابت کننده دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شنوای دعای بندگان و اجابت کننده آن است .

فاستجاب له ربه . . . إنه هو السميع

<سمیع> علاوه بر اینکه دلالت بر شنوایی خداوند دارد ، به قرینه <فاستجاب له ربه> حاکی از اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۶

۱۶- خداوند ، شنوا و اجابت کننده دعاست .

إن ربّي لسمیع الدعاء

احکام دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۹

۹- نهی خداوند از خواندن دعا و نیایش با خدا ، با صدایی بسیار بلند یا بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

بنابر اینکه مراد از <صلاه> مطلق دعا باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳ - ۴

۴- جواز بلند کردن صدا در دعا

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً

اخلاص در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۶

۶ - خلوص در دعا (تنها خداوند را خواندن و از او درخواست کردن) شرط اجابت دعاست .

أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۵،۷

۵ توجه خالصانه به خداوند در دعا، از شرایط استجابت آن

بل

ایاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه

۷ یأس از غیر خداوند و دعای خالصانه به درگاه او، از اسباب استجابت سریع دعا

بل إیاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه

حرف <فاء> برای افاده معنی ترتیب بدون انفصال است. بنابراین میان <تدعون> و <فیکشف> فاصله ای فرض نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۸

۸ ارزش والا و اهمیت نیایش خالصانه به درگاه خداوند

و لا تطرد الذین یدعون ربهم .. یریدون وجهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۷

۷ ضرورت اخلاص در دعا و عبادت

و ادعوه مخلصین له الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۵

۵ لزوم اخلاص در دعا

ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه

ترغیب به نهان ساختن دعاها می تواند برای پیشگیری از نفوذ ریا در دعا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۴،۲۹

۱۴- دعا ، باید خالصانه ، و تنها برای جلب رضایت خداوند و توجه او باشد .

یدعون ربهم بالغدوة والعشی یریدون وجهه

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذین یدعون ربهم بالغدوة والعشی . . . و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۷

۷- وعده خداوند به نجات مؤمنان از غم و گرفتاری ، در صورت دعای خالصانه آنان

فنادی . . و

كذلك ننجي المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۶۸

۶ - اخلاص در دعا و پرهیز از هرگونه شرک ، امری بایسته و لازم است .

دعوا الله مخلصين له الدين

۸ - دعای مخلصانه به هنگام اضطرار و احساس خطر ، مورد اجابت خداوند است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجيهم

<فا> در <فلما نجاهم> تفریع است بر <دعوا الله> و مفید حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - دعای خالصانه ، زمینه ساز برخورداری انسان از رحمت الهی است .

دعوا ربهم منيبين إليه ثم إذا أذاقهم منه رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۱، ۱۶

۱ - انسان ها ، هنگام ابتلا به امواج متلاطم و خروشان دریا ، خالصانه به خدا روی می آورند .

و إذا غشيهم موج كالظلل دعوا الله مخلصين

<غشی> به معنای <پوشاندن> است (مفردات راغب) و در آیه، معنای <فراگیری> را می دهد. <ظلل> جمع <ظله>

است که به معنای <ابر سایه انداز> است (مفردات راغب) <موج> اسم جنس است و نکره آورده شدن اش، به منظور کثرت و عظمت آن می باشد.

۶ - لازم است که رویکرد به خداوند خالصانه باشد .

دعوا الله مخلصين له الدين

از این که خداوند، چنین وصفی را برای گرفتاران در امواج متلاطم دریا آورده، نشان می دهد که این صفت، مورد پسند خداوند است.

۱۱ - دعای خالصانه به درگاه خداوند ، اجابت می شود .

دعوا اللّٰه مخلصین

له الدين فلما نجّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱

۱ - نیایش خالصانه انسان با خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه

<ضرّاً> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱

۱ - نیایش خالصانه انسان با خدا ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

فإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعانا

<ضرّاً> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

ارزش دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۸

۸ ارزش والا و اهمیت نیایش خالصانه به درگاه خداوند

و لا تطرد الذين يدعون ربهم .. يريدون وجهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- دعا در کنار اقدام و تلاش ، کاری شایسته و ارجمند است .

إذ أوى الفتيه .. فقالوا ربّنا ءاتنا من لدنك رحمه

حرف <فاء> در <فقالوا> دلالت می کند که اصحاب کهف، پس از آن که از شهر و دیار خود گریختند و جهت حفظ ایمان به غار پناه بردند، دست به دعا برداشته و از خداوند تقاضای رحمت و راهنمایی و راهگشایی کردند، نه این که بدون آغاز هیچ حرکتی، خواهان رشد شده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۶

۳۶- نیایش به درگاه خداوند و تأکید در توبه و اظهار بندگی ، دارای ارزشی والا

قال ربّ أوزعنی .

.. إني تبت إليك و إني من المسلمين

بیان گزارش گونه آیه شریفه، در حقیقت ترسیمی از انسان ایده آل و کامل است و تعبیر <إني تبت إليك> و <إني من المسلمين> بیانگر تأکید و الحاح است.

ارزش دعا برای دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۴

۴- دعا برای دیگران ، ارزشمند و پسندیداست .

ربنا اغفر لی و لولدی و للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶ - ۴

۴- ارزش دعا برای رهایی دیگران از گمراهی و ضلالت

و اغفر لأبی إنه کان من الضالین

با فرض این که دعای ابراهیم(ع) در زمان حیات پدرش بوده باشد، عبارت <إغفر لأبی> متضمن دعا برای رهایی از گمراهی نیز هست. جمله <إنه کان من الضالین> که تعلیل برای طلب آمرزش است مؤید همین معنا است.

ارزش دعا برای فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان ، امری مهم و ارزشمند است .

و إذ قال إبرهیم ربّ .. اجنّبی و بنی أن نعبد الأصنام

استجاب دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - توجه به خداوند در انجام عمل نیک و دعا برای پذیرش آن به درگاه خدا، از آداب عمل است .

إذ يرفع إبراهيم القواعد .. ربنا تقبل منا إنك أنت السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۷

۷ - دعا به درگاه خدا و درخواست اجابت آن ، سفارش و توصیه خداوند به بندگان خویش

فلیستجیوا لی

استجاب می تواند به معنای طلب اجابت باشد. بنابراین <فلیستجیوا لی> یعنی، بندگان از من بخواهند که خواسته های آنها را اجابت کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۸

۱۸ استجاب دعای مستضعفان مگه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لکم لا تقاتلون .. الذین یقولون ربنا اخرجنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۸

۸- دعا برای استجاب دعا ها ، از آداب دعاست .

ربنا و تقبل دعاء

استغفار در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ بیان < أرحم الراحمین > بودن خدا پس از درخواست آمرزش و رحمت ، از آداب دعا به درگاه ربوبی است .

و أنت أرحم الرحمین

استقامت در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجبت دعوتكما فاستقيما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۳

۳ - برای توجه به خدا و درخواست از او ، باید نهایت تلاش را به کار

برد .

فانصب

استقامت و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۳

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا

اسما و صفات در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۳

۳- ذکر صفت های خداوند (صفات کمال و جمال) از آداب دعا به درگاه اوست .

ربنا انك تعلم ما نخفي و ما نعلن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱،۴

۱- جواز خواندن خدا به هر یک از نام ها و اوصاف متعدد او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

۴- توجه به ذات یکتای پروردگار ، مقصود اصلی در خواندن او با نام ها و صفات متعدد

أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یاد کردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزندان شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن > یاد کرد.

اصرار در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۲۱

۲۱- < قال رسول الله (ص)

رحم الله عبداً طلب من الله عزوجل حاجه فألح في الدعاء استجيب له أو لم يستجب (له) و تلا هذه الآية : > و أدعوا ربّي عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيّاً < ... ;

رسول خدا(ص) فرمود: رحمت خداوند بر بنده ای که از خدای عزوجل چیزی بخواهد و بر خواسته خود پافشاری کند، خواه دعای او مستجاب شود و خواه مستجاب نگردد. سپس پیامبر(ص) این آیه را که نقل کلام ابراهیم(ع) است تلاوت کرد > و أدعوا ربّي عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيّاً<...<.

اظهار ضعف در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۶

۶- برشردن ضعف ها و کاستی ها و بیان ناتوانی خود از انجام خواسته ها و رفع نیازمندی ها ، از آداب دعا و نیایش است .

قال ربّ إني وهن العظم منّي واشتعل الرأس شيباً

اعتدال در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۴

۱۴- لزوم رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط ، در نحوه انجام عبادات و نیایشها

و لاتجهر .. و لاتخافت بها و ابتغ بين ذلك سبيلاً

احتمال دارد که ذکر نماز و یا دعا به عنوان مظهر و مصداق اصلی عبادات و نیایشها آمده باشد و این دو و نیز با آواز خواندن و یا با سکوت خواندن خصوصیتی نداشته باشد. بنابراین، از آیه رعایت اعتدال در نحوه انجام عبادتها قابل استفاده است.

اعتدال صدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء -

۹- نهی خداوند از خواندن دعا و نیایش با خدا، با صدایی بسیار بلند یا بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

بنابر اینکه مراد از <صلاه> مطلق دعا باشد، برداشت فوق به دست می آید.

۱۱- لزوم رعایت اعتدال صوت در دعا و نیایش به درگاه خداوند

لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

۲۰- < إن رسول الله (ص) قال : > و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها < إنما نزلت في الدعاء . . . >

همانا رسول خدا(ص) فرمود: < و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها > [این آیه] فقط در مورد دعا نازل شده است . . <.

التجا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۲

۲ التجا به مقام ربوبی ، از آداب دعاست .

و نادى نوح ربه فقال رب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۳ - ۱۲

۱۲- التجای انسان به صفت رحمت الهی ، به هنگام درخواست نیاز و نیایش از آداب دعا است .

و أيوب إذ نادى .. و أنت أرحم الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۲

۲- لزوم التجا به مقام ربوبیت و پروردگاری خدا به هنگام دعا و عرض نیاز

وَقُلْ رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا

به کارگیری کلمه <رَبِّ> در مقام عرض حاجت به جای کلمات دیگر، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۳ - ۲

۲ - التجا به پروردگار ، از

آداب دعا و آموزه ای الهی به پیامبر (ص)

قل ربِّ إِمَّا تَرَيِّنِي مَا يُوْعَدُونَ

امیدواری به اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱۷

۱۷- مؤمنان ، باید به اجابت دعای خویش از سوی خداوند امیدوار باشند .

عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بَدْعَاءَ رَبِّي شَقِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۴

۱۴ - رحمت و علم همه جانبه و گسترده خداوند ، مقتضی طلب آموزش از او و امید بستن به اجابت او است .

و يستغفرون للذین ءامنوا ربّنا وسعت کلّ شیء رحمه و علماً فاغفر للذین تابوا

برداشت یاد شده از تفریع <فاغفر للذین تابوا..> بر <ربّنا وسعت...> استفاده می شود، یعنی، ای پروردگار ما! چون رحمت و علم تو گسترده و جهان شمول است، پس پیامرزمؤمنان توبه کننده را... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۹

۱۹ - قدرت مطلق و بی پایان خداوند ، مقتضی امید و دل بستگی مؤمنان به استجابت دعایشان در درگاه الهی

يقولون ربّنا أتمم لنا نورنا و اغفر لنا إنك علی كلّ شیء قدير

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنك علی كلّ شیء قدير> در مقام تعلیل برای دعاها و درخواست های مؤمنان از خداوند است.

امیدواری در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ لزوم امیدواری به فضل خداوند در دعا و تقاضا از او

و سئلوا الله من فضله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ نیایش کنندگان به درگاه خدا با حالت بیم و امید، از زمره محسانند .

و ادعوه خوفاً و طمعاً إن رحمت الله قریب من المحسنین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <إن الله... > بیانگر علت <فادعوه... > باشد یعنی توصیه ما به دعا و نیایش بدان جهت است که شما را مشمول رحمت خویش قرار دهیم بر این مبنا آیه دلالت می کند که دعا و نیایش مصداق احسان و نیایش کنندگان از زمره محسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱۰

۱۰- امیدواری زکریا (ع) به استجاب دعایش از سوی خدا

و لم أكن بدعائك رب شقياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸، ۱۶

۱۶- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، خدا را با رغبت و امید می خواندند .

و یدعوننا رغباً و رهباً

۱۸- پیشی گرفتن در کارهای نیک، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع)، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آیتنا موسی و هرون... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت... و كانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنهم كانوا یسارعون... > به پیامبران بازگردد، چه

این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنهم كانوا یسارعون... >

و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنا رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۳،۵

۳- نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب ، همراه با بیم و امید است .

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا

۵- توأم بودن بیم و امید در دعا و نیایش ، امری بایسته و لازم است .

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۱ - ۷

۷- انسان در هیچ حال نباید از استجابت دعایش به درگاه الهی ، مأیوس شود .

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي .. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ . إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

انگیزه اهل دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- انگیزه اهل دعا و استغاثه در عصر بعثت ، جلب رضایت خداوند و قرار گرفتن در حالتی مناسب با صفات او بود .

يَدْعُونَ .. يَرِيدُونَ وَجْهَهُ

مراد از <وجه> در <یریدون وجهه> نه معنای حقیقی <وجه> است زیرا، خداوند، دارای صورت نیست و نه

کنایه از ذات خداوند است زیرا، نمی توان آن را اراده کرد بنابراین، یا کنایه از رضایت خداوند است، به این مناسبت که انسان ها، در هنگام رضایت، صورت خود را به سوی مخاطب خود برمی گردانند و یا کنایه از صفات خدا است که اهل دعا، یا خود را مشمول آن قرار می دهند و یا در برابر هر صفتی نظیر عزت و علم خداوند، وضعیتی مناسب، نظیر ذلت و ناآگاهی به خود می گیرند.

انگیزه دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۴

۱۴- دعا ، باید خالصانه ، و تنها برای جلب رضایت خداوند و توجه او باشد .

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشَىٰ يَرْجُونَ وَجْهَهُ

اولویتها در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - اِبْرَاهِيم - ۱۴ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- هر دعا کننده ای لازم است خواسته های اساسی خویش را ، در دعا ، در اولویت قرار دهد . *

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ .. يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

اینکه حضرت ابراهیم(ع) در دعاها و مناجاتش، به ویژه در طلب آمرزش، خود را بر دیگران مقدم داشته است، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که هر فرد دعا کننده ای خواسته اساسی خود را در دعا باید مقدم بدارد؛ هر چند که نباید دیگران را نیز از نظر دور داشته باشد.

اهتمام ابراهیم(ع) بر دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - تَوْبَةَ - ۹ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ ابراهیم (ع) ، اهل دعا و نیایش بسیار و شخصیتی حلیم و

بردبار بود .

إن إبرهیم لأوّه حلیم

در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که حضرت فرمودند: <لأوّه الدعاء>: یعنی اوّاه کسی است که بسیار دعا و نیایش کند.

اهمیت اخلاص در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۷

۷- اخلاص ، در دعا و توجه به خدا ، اهمیت زیادی دارد .

دعوا اللّٰه مخلصین له الدین

اهمیت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱۱، ۲

۲- لزوم دعا به درگاه الهی برای دستیابی به صراط مستقیم

إهدنا الصراط المستقیم

۱۱- دعا به درگاه خدا ، نقش مؤثری در دستیابی به هدایت دارد .

إهدنا الصراط المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۷

۷- دعا به درگاه خدا و درخواست اجابت آن ، سفارش و توصیه خداوند به بندگان خویش

فلیستجیوا لی

استجاب می تواند به معنای طلب اجابت باشد. بنابراین <فلیستجیوا لی> یعنی، بندگان از من بخواهند که خواسته های آنها

را اجابت کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۶

۶ انسانها موظف به دعا و نیایش به درگاه خداوند

و ادعوه مخلصین له الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۱

۱ لزوم دعا به درگاه خداوند

ادعوا ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۴

۴ ضرورت دعا و نیایش به درگاه خدا

و ادعوه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَامْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۵

۵ آمیختن عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده ، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و يتخذ ما ينفق .. صلوات الرسول

از اینکه پیامبر (ص) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ انسان باید در حال آسایش و سختی ، متوجه خدا بوده و به درگاه او نیایش داشته باشد .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه مرّ كأن لم يدعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۵

۵ بردباری ، تأسف و تأثر بر مشکلات مردم و توجّه داشتن به خدا و درخواست حاجت ها از او ، صفات و خصلتهایی نیکو و پسندیده است .

إن إبراهيم لحليم أوّه منيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۴

۲۴ انسان باید برای تسلیم بودن در برابر خدا و عاقبت به خیر شدن و زیستن با صالحان در سرای آخرت ، دعا کرده و به درگاه خدا نیایش کند .

توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۳

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوه .. فتَهَجِّدْ به نافلة لك ... و قل ربّ أدخلني مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت < و قل رب عطف به >فتَهَجِّدْ..> بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجد و نماز شب انجام گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۲

۲ - همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) ، نیازمند دعا و نیایش برای جلب رحمت خداوند

و قل ربّ اغفر و ارحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - انفاق ، دارای اهمیتی در رتبه نیایش و دعا به درگاه خداوند است .

یدعون ربّهم .. و ممّا رزقنهم ینفقون

ذکر انفاق در ردیف، تهجد و دعا و تسبیح، نشان دهنده اهمیت آن و هم رتبه بودنش با آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۲

۲ - پیامبر (ص)، موظف به ستایش پروردگار و

نیایش به درگاه او

قل اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۱

۱ - دعا و عرض حاجت به پیشگاه خداوند ، توصیه الهی به مردم

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - لزوم دعا و ارتباط با خدا ، در همه حالات و نه تنها به هنگام سختی و گرفتاری

و إذا أنعمنا .. أعرض ... و إذا مسه الشرّ فذو دعاء عریض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، خواهان بروز و ظهور نماز و نیایش مؤمنان ، در گستره جامعه *

تریهم رکعاً سجداً

واژه <تراهم> می رساند که رکوع، سجود و نیایش مؤمنان، به گونه مخفی صورت نمی گیرد؛ بلکه آن چنان است که اگر شخصی به جامعه اسلامی نگاه کند، به آسانی روحیه نیایش و نمازگزاری را در آنان مشاهده می کند. از سوی دیگر لحن آیه شریفه، تمجید از چنین روش و منش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۶

۶ - تلاش برای عبادت و دعا ، تکلیفی الهی برعهده بهره مندان از نعمت

الم نشرح .. و وضعنا... و رفعنا... فإذا فرغت فانصب

خطاب آیه شریفه گرچه متوجه پیامبر(ص) است ولی از تفریع <فإذا فرغت..> بر نعمت های بیان شده در آغاز سوره، می توان اصلی کلی انتزاع کرد و بر همگان تعمیم داد.

اهمیت دعا برای فرزندان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان ، امری مهم و ارزشمند است .

و إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ .. اجنبنی و بنیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۱

۱۱- لزوم دعا برای صلاح فرزند ، حتی قبل از انعقاد نطفه

واجعله رَبِّ رَضِيًّا

اهمیت دعا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۸

۸ - دعا و نیایش در تاریکی شب ، امری بایسته و پسندیده است .

تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعاً

ایمان اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۳

۱۳ - دعا کردن به درگاه خدا و باور داشتن به اجابت آن ، زمینه ساز هدایت یابی انسان است .

فليستجيبوا لى و ليؤمنوا بى لعلهم يرشدون

بلند کردن دستها در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱- > عن أبي عبد الله (ع) قال: الرغبه أن تستقبل بطن كفيك إلى السماء و الرهبه أن تجعل ظهر كفيك إلى السماء ;

از امام صادق(ع) روایت شده: <رغبت> (در دعا) این است که کف دست های خود را به طرف آسمان کنی و <رهبت> این است که پشت دست ها را به طرف آسمان قرار دهی.<

بنی اسرائیل و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الأرض

بیان حاجت در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۴

۴ - حسن عرض حاجت کردن و بر زبان راندن نیازها و مشکلات به درگاه خداوند به هنگام دعا

ربّ اجعل هذا البلد آمناً .. ربّنا إني ... بواد غير ذى زرع ... ربّنا إنك تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۴

۴ - بر زبان آوردن خواسته ها در پیشگاه خدا ، از آداب دعا و نیایش

و قل ربّ أدخلني مدخل صدق

پاداش دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارى از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون على الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون العرفه

پاداش دعا برای مؤمنان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله تبارك و تعالی > ويستحب الذين آمنوا

و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله < قال : هو المؤمن یدعوا لأخیه بظہر الغیب فیقول له الملك : آمین . و یقول اللہ العزیز الجبار و لك مثلاً ما سألت و قد أعطیت ما سألت بحبک إیّاه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تعالی: <و یستحب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله > روایت شده که فرمود: مراد مؤمنی است که پشت سر برادر دینی خود دعا می کند و فرشته برای او آمین می گوید و خدای عزیز جبار می فرماید (ای مؤمن) و برای تو است دو برابر آنچه برای برادرت خواستی و به خاطر این که برادرت را دوست داشتی آنچه را درخواست کردی به تو عطا کردم.>

ترس در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ نیایش کنندگان به درگاه خدا با حالت بیم و امید ، از زمره محسانند .

و ادعوه خوفاً و طمعاً إن رحمت اللہ قریب من المحسنین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <إن اللہ .. > بیانگر علت <فادعوه ... > باشد یعنی توصیه ما به دعا و نیایش بدان جهت است که شما را مشمول رحمت خویش قرار دهیم بر این مبنا آیه دلالت می کند که دعا و نیایش مصداق احسان و نیایش کنندگان از زمره محسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۳،۵

۳ - نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب ، همراه با بیم و امید است .

یدعون ربهم خوفاً و

۵- توأم بودن بیم و امید در دعا و نیایش ، امری بایسته و لازم است .

یدعون ربهم خوفاً و طمعاً

ترک دعای بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۷ - ۵،۶

۵ لزوم استعاذه به خداوند و پناه بردن به او ، برای دورماندن از درخواست های نابه جا از او

قال رب إني أعوذبك أن أسئلك ما ليس لي به علم

۶ احتمال غیر حکیمانه بودن درخواست ، در لزوم پرهیز از تقاضای آن از درگاه خداوند کافی است .

إني أعوذبك أن أسئلك ما ليس لي به علم

علم نداشتن به حکیمانه بودن درخواست که مفاد <ما ليس لي به علم> است شامل موردی که انسان حتی گمان به مصلحت دارد ولی هنوز به مرتبه علم و اطمینان نرسیده است ، نیز می شود.

تسبیح خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۹

۱۹- تهلیل و تنزیه خداوند و اعتراف به تقصیر و گناه کاری خویش ، از آداب دعا و نیایش است .

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إني كنت من الظلمین

تشویق به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۹

۱۹ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و طلب آمرزش و همراهی با ابرار و حسن عاقبت

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ

ستایش خردمندان به ویژگیهای یاد شده، به این منظور است که مؤمنان هم، خواستار موارد یاد شده باشند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۰

۱۰ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و درخواست پاداش های موعود وی

رَبَّنَا وَ اتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۹

۹ تشویق خداوند به دعا و تضرع به درگاه الهی و درخواست رهایی از عذاب اخروی

و الذین یقولون رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا .. اِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۱

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ اَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قَرَةً اَعْيِن وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِيْنَ اِم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۵

۵ - تشویق خداوند به ندا کردن او و حاجت بردن ، تنها به درگاه الهی

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون

برداشت یاد شده از آهنگ تشویق گونه آیه شریفه به دست می آید.

تضرع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ لزوم تضرع (احساس ذلت و کوچکی) در دعا به درگاه خداوند

ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه

<تضرع> (تذلل و اظهار کوچکی) مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعل و حال برای فاعل <ادعوا> می باشد، یعنی: ادعوا ربکم متضرعین.

۸ علنی ساختن دعا و نداشتن تضرع

در آن ، تجاوز از آداب دعا به درگاه خداست .

ادعوا ربکم تضرعاً و خفيه إنه لا يحب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۸

۸- حالت زاری و التماس حضرت ابراهیم (ع) در دعا و درخواست از خداوند

رَبِّ اجْعَلْ ... رَبِّ إِنَّهُمْ ... رَبِّنا إني ... رَبِّنا ليقیموا ... رَبِّنا إِنَّک

برداشت فوق از تکرار کلمه <رَبِّ> و <رَبِّنا> استفاده گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۷

۷ - > عن مسیعه بن صدقه قال : سمعت جعفرأ يقول : کان أبی (رضی الله عنه) یقول : فی قول الله تبارک و تعالی > فإذا فرغت فانصب . و إلى ربک فارغب < إذا قَضَيْتَ الصلاه بعد أن تُسَلِّمَ و أنت جالس فانصب فی الدعاء من أمر الدنيا و الآخرة فإذا فرغت من الدعاء فارغب إلى الله تبارک و تعالی أن یتقبلها منك ;

از مسعه بن صدقه روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: پدرم که خداوند از او راضی باد درباره سخن خداوند تبارک و تعالی <فإذا فرغت فانصب . و إلى ربک فارغب> می فرمود: زمانی که نماز را بعد از سلام به پایان رساندی و هنوز نشسته ای، برای امر دنیا و آخرت در دعا بکوش پس هنگامی که از دعا فارغ شدی، به درگاه خدای تبارک و تعالی تضرع و زاری کن که آن را از تو قبول کند.>

تعلیم دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (ص)

قل اللهم

کلمه <اللهم> در زبان عرب، اختصاصاً برای ندای خداوند به وقت دعا به کار می رود؛ یعنی، یا الله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱

۱ - تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (ص)

قل اللهم مالک الملک

تعلیم دعا به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱

۱ - تعلیم خواستنی ها و گونه نیایش و دعا، از سوی خداوند به پیامبر (ص)

و قل رب ادخلنی مدخل صدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۱

۱ - تعلیم روش دعا و نیایش به پیامبر (ص) از سوی خداوند

و قل رب .. خیر الرحمن

تعلیم دعا به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۶

۶- تعلیم روش دعا به نوح (ع) از سوی خدا

فقل الحمد لله .. و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین

تناسب دعا با نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یاد کردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با

نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزندان شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

توسل در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۵

۱۵ توسل به ربوبیت خداوند از آداب دعا به درگاه اوست .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱

۱ اظهار خضوع و تذلل همراه توسل به ربوبیت خداوند و اعتراف مکرر به آن ، از آداب دعاست .

و قال موسى ربنا .. ربنا ليضلوا ... ربنا اطمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۳

۳ تمسک و توسل به ربوبیت خداوند ، از آداب دعاست .

قال رب .. إلا تغفر لي و ترحمني أكن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۳

۳- توسل به ربوبیت الهی و تکرار آن ، از آداب دعا است .

قال ربّ .. لم أكن بدعائك ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۰

۲۰ توسل به اسم < رَبِّ > و یاد کرد ربوبیت خداوند ، از آداب دعا

و الذین یقولون ربّنا هب لنا .. و اجعلنا للمتّقین إمامًا

توصیه به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱

۱ - روی آوردن به دعا پس از استقرار یافتن در کشتی و

درخواست فرود آمدن در جایی پر برکت ، رهنمود دیگر خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت .. فقل الحمد لله ... و قل رب أنزلى ... و أنت خير المتزلين

واژه <رب> مشترک لفظی میان مصدر (تربیت کردن) و وصف (مربی و تربیت کننده) است که در این جا معنای وصفی دارد. <منزل> می تواند مصدر میمی به معنای انزال باشد و نیز می تواند اسم مکان به معنای منزلگاه و مهمان سرا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۸ - ۱

۱ - حاجت خواستن از خداوند و تضرع به درگاه او ، تکلیف و توصیه ای الهی به رسول اکرم (ص)

و إلى ربك فارغب

<رغب إليه>؛ یعنی، در دعا خالصانه کوشید و یا اظهار فروتنی کرد و حاجت خواست. (برگرفته از قاموس)

توصیه دعا به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۱

۱ - بهره بردن از ساعات فراغت و به زحمت افکندن خویش در آن فرصت ها برای دعا ، فرمان خداوند به پیامبر (ص)

فإذا فرغت فانصب

از آن جا که متعلق <إذا فرغت> ذکر نشده است، مفاد آن را می توان بر هرگونه فراغتی از جمله فراغت از <نماز> یا <فرائض> یا <امور دنیایی> تطبیق داد. <نَصَبَ> (ماضی <انصَبَ>) یعنی، به رنج و تعب افکند (مصباح). به قرینه آیه بعد، مراد از آن، اشتغال به تضرع و دعا به درگاه خداوند است.

تهلیل در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء -

۱۹- تهلیل و تنزیه خداوند و اعتراف به تقصیر و گناه کاری خویش ، از آداب دعا و نیایش است .

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إنی كنت من الظلمین

حقانیت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۱

۱ خواندن خدا و دعا کردن به درگاه او امری حق و بجاست .

له دعوه الحق

<دعوه> به معنای خواندن و نیز درخواست کردن می باشد. این کلمه در آیه شریفه موصوفی است که به صفتش (الحق) اضافه شده است ؛ یعنی: <الدعوه الحقه>.

حقیقت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۴

۴ دعا کردن ، نوعی کسب است .

رَبَّنَا ... اولئک لهم نصیب مما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۲

۱۲ دعا ، از مصادیق عمل

رَبَّنَا ... رَبَّنَا ... فاستجاب لهم ربهم انی لا اذیع عمل عامل منکم

از آنجا که خداوند پس از دعای مؤمنان فرموده است <لا اذیع عمل عامل منکم>، بنابراین دعا از مصادیق عمل شمرده شده که خداوند فرموده است عمل هیچکس را ضایع نمی کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۸،۹

۸ - دعا، نوعی عبادت است .

ادعونی أستجب لکم إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی

برداشت یاد شده از آنجا است که خداوند مردم را به دعا فراخوانده ولی به جای آنکه ترک کنندگان دعا را به دوزخ تهدید کند، ترک

کنندگان عبادت را تهدید فرمود.

۹ - > فی الصحیفه السجادیه : و قلت : > ادعونی أستجب لکم إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین < فسمیت دعاءک عباده و ترکه استکباراً و توعدت علی ترکه دخول جهنم داخرین ... ;

در صحیفه سجاده آمده است: [خدایا] تو فرمودی مرا بخوانید تا شما اجابت کنم [و فرمودی] کسانی که از روی کبر از عبادت من روی برمی گردانند، به زودی با ذلت وارد دوزخ خواهند شد. پس خواندن خودت را عبادت نامیدی و ترک آن را استکبار خواندی و بر ترک آن وعده دخول ذلیلانه به جهنم را دادی.

حمد خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۳

۳ - ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المتزلین

>منزل< در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله >و أنت خیر المتزلین< (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

حمد در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - ستایش خداوند در پایان دعا ، از آداب دعاست .

ربنا وابعث .. إنک أنت العزیز الحکیم

۱۳ - ستایش خداوند ، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست .

ربنا وابعث فیهم .. إنک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یاد کردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزندان شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

خدا و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۴

۴ - بی نیازی خداوند ، از عبادت ، ستایش و حاجت خواهی بندگان

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم .. أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنی

خشوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آیتنا موسی و هرون .. إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسرعون...> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنهم کانوا یسرعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

خضوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ اظهار خضوع و تذلل همراه توسل به ربوبیت خداوند و اعتراف مکرر به آن ،

از آداب دعاست .

و قال موسى ربنا .. ربنا ليضلوا ... ربنا اطمس

درخواست دعا از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۷

۷ جواز توّسل به پیامبران برای درخواست دعا و طلب آموزش

يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

دعا با لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۵

۵ آمیختن عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده ، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

دعا بر فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ نقش دعای مادر و کمالات معنوی او ، در سعادت فرزند

رَبِّ اَنْتَ نَذرت .. و اَنْتَ اعیذها بكَ

دعا برای ازدیاد علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۲۶

۲۶ - برای زیادتى علم ، باید به درگاه خداوند دعا کرد .

و قل ربّ زدنى علماً

دعا برای انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۴، ۶

۶ اقدام پیامبر (ص) به دعا برای انفاقگران ، پس از دریافت انفاق های آنان

و يتخذ ما ينفق و صلوت الرسول

۱۴ لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و يتخذ ما ينفق .. صلوت الرسول

از اینکه پیامبر (ص) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده

است، برداشت فوق استفاده می شود.

دعا برای تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۱

۱ - نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

و قهم السیئات

الف و لام جنس در <السیئات> مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

دعا برای توفیق فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۳

۱۳- زکریا (ع) با دعا به درگاه خداوند، خواهان توفیق کامل فرزند خویش در استفاده صحیح از میراث او و خاندان یعقوب پیامبر (ع)

یرثنی و یرث من ءال یعقوب واجعله ربّ رضیاً

دعا برای حل مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ - دعا برای رفع گرفتاری و مشکلات دنیوی، کاری شایسته است.

إذ نادى ربّه أنّى مسنى الشیطن بنصب و عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - منافات نداشتن دعا و درخواست از خداوند برای رفع گرفتاری با مقام صبر و شکیبایی

إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ .. إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، ایوب(ع) را که درخواست

رفع گرفتاری از خود را داشت به صبور و شکیبا بودن توصیف و ستایش کرده است.

دعا برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن، عملی پسندیده و شایسته

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَوْلَدَيَّ . وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

دعا برای خدمتگزاران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و يتخذ ما ينفق .. صلوات الرسول

از اینکه پیامبر (ص) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

دعا برای خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است.

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين ... لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا .. قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِر لَكُمْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۴

۱۴- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی

نیکو و از صفات پیامبران است .

لأرجمّك واهجرني ... سأستغفر لك ربّي

دعا برای دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۳

۳- عنایت و توجه ویژه حضرت ابراهیم (ع) به دیگران ، در دعا

ربّنا اغفر لی و لولدی و للمؤمنین

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) در مناجاتش با پروردگار تنها برای خود، دعا نکرد؛ بلکه فرزندان، پدر و مادرش و تمامی مؤمنان را در دعای خویش شریک کرد، برداشت فوق به دست می آید.

دعا برای رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۲

۲ - همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) ، نیازمند دعا و نیایش برای جلب رحمت خداوند

و قل ربّ اغفر و ارحم

دعا برای زکات دهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۳

۱۳ توصیه خداوند به دعا کردن پیامبر (ص) و گیرندگان زکات ، برای زکات دهنده ، به هنگام دریافت آن

خذ من أموالهم ... و صل علیهم

دعا برای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهّن الله

دعا برای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز

پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

رَبَّنَا وَاَدْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ .. و من صلح من ءابائهم و ازوجهم و ذرّيتهم

<مِنَ > در <و من صلح.. > می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <اَدْخُلْهُمْ...> و یا عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم > باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۱

۱ - نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

و قهم السیئات

الف و لام جنس در <السیئات > مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

دعا برای عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- پیامبر (ص) ، مأمور به دعا و نیایش به درگاه خدا ، برای کسب قدرت و توان در انجام پیروزمندانه رسالت خویش

و قل ربّ .. و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <سلطان > آن گونه که برخی از مفسران گفته اند به معنای نیروی قوی و برتر باشد.

دعا برای فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹

۴ - دعا برای نیل فرزندان به فراگیری معالم و احکام الهی و تربیت دینی امری نیکو و شایسته است .

ربنا و ابعث فیهم رسولا .. و یزکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۷

۷ دعای پدران در حق فرزندان ، به اجابت نزدیک تر است .

یا بانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لکم ربی

درخواست فرزندان یعقوب از او برای طلب آمرزش می رساند که آنان دعای وی را به اجابت نزدیک تر می دانستند ؛ حال یا به این لحاظ که او پدر ایشان است یا به این سبب که وی پیامبر خداست و یا هر دو لحاظ در نظر آنان بوده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۰

۱۰- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار مصونیت خویش و فرزندان از گرایش به بت پرستی شد .

و اذ قال ابرهیم ربّ .. اجنبی و بنیّ ان نعبد الاصلنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۱۲، ۱۴

۱۲- حضرت ابراهیم (ع) برای رفع خطر تنهایی و انزوای فرزندان در مکه ، از خداوند خواستار توجه قلبی برخی از مردم به سوی آنان و زندگی جمعی شد . *

ربّنا انی اسكنت من ذرّیتی .. عند بیتک المحرّم ... فاجعل أفئده من الناس تهوی ال

۱۴- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار بهبود وضعیت معیشتی و برخورداری از انواع نعمت ها و محصولات برای فرزندان و ساکنان مکه شد .

با توجه به اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرزندان را در سرزمین بی کشت و زرع اسکان داد، مقصود از <ثمرات> می تواند انواع نعمتها و محصولات مادی و خوراکی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۶

۶- عنایت خاص حضرت ابراهیم (ع) به سرنوشت دنیوی و اخروی فرزندان و خاندانش و یاد کردن از آنان در تمامی دعاهایش

و اجنبی و بنی . . . من ذرّیتی ... ليقیموا الصلوه فاجعل أفئده من الناس تهوی إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۹

۹- زکریا (ع) ، برای صلاح و شایستگی معنوی فرزند خویش دعا کرد .

یرثنی . . . واجعله ربّ رضیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۲،۲۱

۱۲ تأثیر مثبت و سازنده دعای پدر و مادر ، در حق فرزندان خود و در سرنوشت و سعادت آنان

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیتنا قرّه أعین

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إِم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۹

۲۹- ارزش دعای پدر و مادر برای صلاح فرزند

و أصلح لی فی ذرّیتی

دعا برای گناهکاران پشیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۶

۱۶ دستور خدا به دلجویی کردن پیامبر (ص) از گنهکاران نادم، با قبول صدقه شان و دعا برای آنان

خذ من أموالهم صدقه .. و صل عليهم إن صلوتك سكن لهم

برداشت فوق با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش است که درباره متخلفان نادمی نازل شده که برای جبران تخلفشان از جنگ تبوک عزم انفاق تمامی اموال خود را داشتند.

دعا برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۶ - ۱۲

۱۲ - > عن ابن أبي حمزة عن أبيه قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل > إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا < فقال : الصلاة من الله عز وجل رحمه و من الملائكة تزكیه و من الناس دعاء ... ;
 علی بن ابوحزمه، از پدرش، روایت کرده که: از امام صادق(ع) از این سخن خداوند عزوجل > إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ .. < پرسیدم، فرمود: صلوات خداوند، همان رحمت و صلوات ملائکه به پاکی یاد کردن و صلوات مردم دعا است...<.

دعا برای مربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- انسان باید از مربی خویش قدردانی و برای او از خداوند طلب رحمت کند .

ربِّ ارحمهما کما ربَّیانی صغیراً

دعا برای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۷

۷ مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر مزار

مؤمنان و دعا و استغفار برای آنان

و لاتصل... و لاتقم علی قبره

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است.

دعا برای مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۵

۱۵ - دعا و طلب مغفرت برای آنانی که به منظور رسیدگی به امور مهم زندگی شخصی ، اذن ترک حضور در حل و فصل مسائل اجتماعی داده شده است ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

فإذا استئذنونك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم و استغفر لهم الله

دعا برای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۶

۶ حضور پیامبر (ص) بر مزار مؤمنان و دعا و استغفار آن حضرت برای آنان

و لاتصل... و لاتقم علی قبره

از اینکه خداوند حضور پیامبر (ص) را بر سر قبر منافقان نهی کرده است، استفاده می شود که روش آن حضرت حضور یافتن بر مزار مسلمانان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

<ادخلهم...> و یا عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۱

۱ - نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

و قهم السیئات

الف و لام جنس در <السیئات> مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۹

۹- دعای پیامبر (ص) برای مؤمنان و وساطت آن حضرت ، دارای ارزش و اعتبار نزد خداوند

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات

از این که خداوند به پیامبر(ص) فرمان داده است که برای اهل ایمان دعا کند، استفاده می شود که دعای پیامبر(ص) برای امت دارای تأثیری بسزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲۱

۲۱ - دعای شخص پیامبر (ص) برای مؤمنان ، دارای ارزش و تأثیری ویژه نزد خداوند

و استغفر لهنّ الله

از این که پیامبر(ص)، موظف به استغفار برای امت شده است نه خود آنان استفاده می شود که دعای پیامبر(ص)، در پیشگاه الهی ارج و تأثیر ویژه ای دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَوْلَدِي . وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

دعا برای نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - درخواست از خدا برای نجات از گرفتاری ، مقتضای ربوبیت او است .

نَاكِسُوۡا رِءُوسَهُمْ عِنْدَ رَبِّهٖمۡ رَبَّنَا اَبۡصِرْنَا

دعا برای نجات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۲

۲ - دعای نوح به درگاه خدا ، برای نجات خود و مؤمنان همراهش از شرّ قوم کفرپیشه خویش

رَبِّ اِنَّ قَوْمِي كَذَّبُوۡنَ . . . نَجِّنِيْ وَ مَنۡ مَّعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِيۡنَ

متعلق <نجنی> حذف شده است و تقدیر آن <نجنی و .. من شَرِّهم > می باشد.

دعا برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۲، ۹، ۵

۵ - دعا و طلب رحمت بی دریغ از پروردگار برای پدر و مادر ، از وظایف فرزند است .

قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيْرًا

<کما> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چون رحمت پدر و مادر به فرزند بی دریغ بوده، پس فرزند نیز متقابلاً

باید چنین رحمتی را برای پدر و مادرش درخواست کند.

۹- درخواست رحمت از پروردگار برای پدر و مادر، ادای گوشه‌ای از زحمت‌های بی‌دریغ آنان است.

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

<کما> حرف تشبیه مجازی و به معنای <لما> است؛ یعنی، خداوندا به آنان ترحم کن به

خاطر آنکه آنان مرا با زحمتهای خود پرورش داده اند.

۱۲- دعای فرزند برای پدر و مادر ، دارای تأثیر و موجب توجه ویژه خداوند و در مظان استجابت است .

و قل ربّ ارحمهما

از اینکه خداوند دستور به دعا برای والدین با کیفیت و الفاظ خاص داده است به دست می آید که خداوند به این دعا عنایت ویژه داشته و احتمال اجابت آن زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۳

۲۳- به یاد داشتن پدر و مادر به هنگام نیایش ، از احسان فرزند به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنا .. قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک الّتی أنعمت علیّ

با توجه به این که احسان به والدین، نکته بارز این آیه به شمار می رود و در صدر آن قرار دارد، می توان چنین استفاده کرد که سایر بخش های آیه نیز، به نوعی با احسان به والدین در ارتباط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آموزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدئی . و للمؤمنین و

دعا برای هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۱۲

۱۲- درخواست کوتاه ترین راه رشد و هدایت و اظهار امیدواری به نیل به آن ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (ص) است .

و قل عسى أن يهدين ربى لأقرب من هذا رشداً

دعا برای همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۱

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذين يقولون ربنا هب لنا من أزوجنا وذرياتنا قره أعين واجعلنا للمتقين إمام

دعا به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۳ - ۴

۴ - دعا و تحیت فرشتگان بر مؤمنان

هو الذى يصلّى عليكم و ملئكته

دعا در آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۰

۱۰- انسان باید در حال آسایش و سختی ، متوجه خدا بوده و تنها به درگاه او نیایش داشته باشد .

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ .. ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ

دعا در اضطرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۸

۸- دعای مخلصانه به هنگام اضطرار و احساس خطر ، مورد اجابت خداوند است .

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَكَ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ

<فا> در

<فَلَمَّا نَجَّاهُمْ> تفریع است بر <دعوا لله> و مفید حقیقت یاد شده است.

دعا در اوقات فراغت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۷ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ - بهره بردن از ساعات فراغت و به زحمت افکندن خویش در آن فرصت ها برای دعا، فرمان خداوند به پیامبر (ص)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

از آن جا که متعلق <إِذَا فَرَغْتَ> ذکر نشده است، مفاد آن را می توان بر هر گونه فراغتی از جمله فراغت از <نماز> یا <فرائض> یا <امور دنیایی> تطبیق داد. <نَصَبَ> (ماضی <انصَبَ>) یعنی، به رنج و تعب افکند (مصباح). به قرینه آیه بعد، مراد از آن، اشتغال به تضرع و دعا به درگاه خداوند است.

۲ - اوقات فراغت انسان، باید با توجه به خدا و دعا به درگاه او سپری شود.

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

۴ - به زحمت افکندن خویش در اوقات فراغت، برای دعا به درگاه خداوند، تلاشی ثمربخش و در پی دارنده آسانی و آسودگی است.

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

حرف <فاء>، این آیه را بر مفاد آیه قبل تفریع کرده است؛ یعنی، حال که هر دشواری، سهولت آفرین است؛ پس سختی تضرع و دعا را بر خود هموار ساز.

۵ - توجه به امداد های ویژه خداوند، برانگیزاننده پیامبر (ص) به استفاده از فرصت های فراغت، برای سخت کوش بودن در عبادت و دعا

ألم نشرح .. و وضعنا ... و رفعنا ... فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

دعا در بارداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۱۱ دوران جنینی کودک ، دوران توجه والدین به خدا برای درخواست فرزند سالم و شایسته

فلما أثقلت دعوا الله ربهما لئن آتيتنا صلحاً

چنانچه مقصود از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا باشد، بیان حقایق مطرح شده درباره آنها به عنوان پدر و مادر نخستین، جنبه داستانی و بیان سرگذشت ندارد و بلکه اشاره به طبیعت نوعی انسان است.

دعا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۲

۲ ضرورتِ نیایشِ با خداوند ، در هنگامه پیکار با دشمنان

و لما برزوا الجالوت و جنوده قالوا ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۲،۳،۶

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا في امرنا و ثبت اقدنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربیون> برگشت داده شده است.

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا

۶ نقش سازنده دعا در میدان جنگ و تشویق الهی به آن

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا على القوم الكافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۹ - ۲

۲ مجاهدان بدر

پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغيثون ربكم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

دعا در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۱۰

۱۰ اجابت دعا ها و درخواست های دنیوی حج گزاران دنیا طلب

فمن الناس من يقول ربنا اتنا في الدنيا و ماله في الاخره من خلاق

و او عاطفه در جمله <و ماله .. >، بیانگر جمله ای محذوف است. \$مثل <نؤتیه> (به او عطا می کنیم) و از آخرت نصیبی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۱

۱ تمجید آن دسته از مردم که پس از انجام مناسک حج ، خواهان نیکو های دنیا و آخرت و نجات از آتش هستند .

و منهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنه و في الاخره حسنه و قنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۵

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و أُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضيتم مناسككم .. اولئك لهم نصيب مما كسبوا

بنابراینکه مراد از <مما كسبوا> انجام فریضه حج باشد.

دعا در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۰

۱۰ - انسان باید در حال آسایش و سختی ، متوجه خدا بوده و تنها به درگاه او نیایش داشته باشد .

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ

دعا ربّه .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه

دعا در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱،۶

۱ نیایش خالصانه انسان با خدا، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت های سخت و جانکاه

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

<ضرّ> به معنای مطلق آسیب است، ولی در این جا با توجه به <ال> که به اصطلاح اهل ادب <ال> کمالیه است به معنای آسیب سخت و جانکاه می باشد.

۶ نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند، به هنگام گرفتاری ها و مصایب، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت توحید ربوبی

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

روی سخن در این سوره با مشرکان مکه است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلیلهای روشن توحید ربوبی و پوچی اندیشه شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۳

۳- دعا و تضرع انسان های گرفتار در وضعیت های ناگوار، مورد اجابت خداوند قرار می گیرد. *

إذا مسّکم الضرّ فإلیه تجثّرون . ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم

احتمال دارد رفع ناگواری از گرفتارانی که ملتمسانه به درگاه خداوند دعا می کنند، ناشی از دعای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱،۴،۱۰

۱ - نیایش خالصانه انسان با خداوند، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه

<ضرّاً> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

۴ - انسان ها ،

به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْرٌ دَعَا رَبَّهُ مَنِيئًا إِلَيْهِ

<إنابه> (مصدر <منياً>) به معنای رجوع است و <منياً إليه> یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

۱۰ - انسان باید در حال آسایش و سختی ، متوجه خدا بوده و تنها به درگاه او نیایش داشته باشد .

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْرٌ دَعَا رَبَّهُ .. ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱،۴،۵

۱ - نیایش خالصانه انسان با خدا ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْرٌ دَعَا

<ضَرْرٌ> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

۴ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْرٌ دَعَا

۵ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْرٌ دَعَا

دعا در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۴

۴ - دعا به درگاه پروردگار ، نقطه امید پیامبران در اوج مشکلات

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ

دعا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - برکندن تن از بستر آسایش در دل شب ، برای نیایش خدا ، نشان مؤمنان راستین است .

إنّما

يؤمن بآيتنا الذين .. تتجافى جنوبهم عن المضاجع

<تجافی> از ریشه <جفی> به معنای <ملازم نبودن با مکان و جا> است (المنجد) لازم به ذکر است که <تجافی> حال برای <الذین> در آیه پیش است.

۳- نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب ، همراه با بیم و امید است .

يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

دعا در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۹، ۱۱، ۸، ۷

۷- گروهی از مؤمنان عصر بعثت ، با وجود محرومیت های مادی ، همواره و در صبح و پسین ، بر دعا و نیایش خود به درگاه خداوند مراقبت داشتند .

الذین يدعون ربهم بالغدوة والعشي

<غداه> براساس یکی از معانی ذکر شده در <قاموس> به فاصله زمانی بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود و <عشی> را، برخی، <میان ظهر تا غروب> و برخی، <فاصله ظهر تا صبح فردا> معنی کرده اند. (ر.ک: المصباح المنیر).

۸- سپیده دم و پسین ، فرصت هایی مناسب برای دعا به درگاه خداوند است .

بالغدوة والعشي

مراد از <غداه و عشی> ممکن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال می رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد. برداشت بالا، ناظر به نخستین معنا است.

۱۱- خو گرفتن به دعا و نیایش در صبح و پسین ، مایه ارجمندی نزد خداوند و شایستگی برای همنشینی با پیامبر (ص) است .

و اصبر نفسك مع الذین يدعون ربهم بالغدوة والعشي

فعل <يدعون> مضارع و برای استمرار است.

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در

قلب انسان است .

الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ . . . و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

دعا در عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۹، ۱۱، ۸، ۷

۷- گروهی از مؤمنان عصر بعثت ، با وجود محرومیت های مادی ، همواره و در صبح و پسین ، بر دعا و نیایش خود به درگاه خداوند مراقبت داشتند .

الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ

<غداه> براساس یکی از معانی ذکر شده در <قاموس> به فاصله زمانی بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود و <عشی> را، برخی، <میان ظهر تا غروب> و برخی، <فاصله ظهر تا صبح فردا> معنی کرده اند. (ر.ک: المصباح المنیر).

۸- سپیده دم و پسین ، فرصت هایی مناسب برای دعا به درگاه خداوند است .

بالغدوه و العشیّ

مراد از <غداه و عشی> ممکن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال می رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد. برداشت بالا، ناظر به نخستین معنا است.

۱۱- خو گرفتن به دعا و نیایش در صبح و پسین ، مایه ارجمندی نزد خداوند و شایستگی برای همنشینی با پیامبر (ص) است .

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ

فعل <یدعون> مضارع و برای استمرار است.

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ . . . و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

دعا در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۵

۱۵

- ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان .. و إذا سألك عبادي عني فإني أجيب دعوه الداع
برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

دعا در ماه محرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعای زکریا و تقاضای نسلی پسندیده از خداوند ، در روز اوّل محرم

هنا لك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة

امام رضا (ع) به شخصی که اوّل محرم به حضور آن حضرت رسید فرمود: ان هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا (ع) ربه
عزّ و جلّ فقال ربّ هب لي من لدنك ذرية طيبة . . .

عيون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۸؛ امالی صدوق، ص ۱۱۲، ح ۵، مجلس ۱۷.

دعا در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۳

۱۳ - لزوم توأم بودن مبارزه (برائت از کافران معاند) ، با دعا و استغفار به درگاه خداوند

إذ قالوا لقومهم إنا برءؤا.. ربنا عليك توكلنا... ربنا لاتجعلنا

دعا در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ نقش مسجد و محراب مکان های مقدس در استجابت دعا *

دخل عليها زكريا المحراب .. هنا لك دعا زكريا ربه

برداشت فوق بر این اساس است که مشارالیه <هنالك>، <المحراب> باشد؛ و جمله <و هو قائم يصلى فى المحراب>، در آیه بعد مؤید این

معناست.

دعا در مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱،۴

۱ - نیایش خالصانه انسان با خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ

<ضَرٌّ> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

۴ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ مَنِيئًا إِلَيْهِ

<إِنَابَةً> (مصدر <مَنِيئًا>) به معنای رجوع است و <مَنِيئًا إِلَيْهِ> یعنی ، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱

۱ - نیایش خالصانه انسان با خدا ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَانَا

<ضَرٌّ> (ضد <نفع>) به معنای مطلق آسیب است.

دعا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۱۲

۱۲ ارجمندی دعا در حال قیام به هنگام نماز

و قوموا لله قانتین

امام باقر (ع): <و القنوت> هو الدعاء في الصلوه في حال القيام

مجمع البيان، ج ۲، ص ۶۰۰؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۹۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۳

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوه .. فتَهَجِّدْ به نافله لك ... و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت <و قل رب> عطف به

<فتهجّد.. > بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجّد و نماز شب انجام گردد.

دعا در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۷،۹

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الّیل فتهجّد به نافله لكّ .. و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الّیل فتهجّد به .. و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر(ص) به تهجّد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

دعا در نماز نافله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۳

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای دعا و نیایش همراه با نماز و نوافل

أقم الصلوه .. فتهجّد به نافله لكّ ... و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که عبارت <وقل ربّ عطف به >فتهجّد.. > بوده و ذکر خاص بعد از عام بیانگر یکی از اعمال باشد که شایسته است در تهجّد و نماز شب انجام گردد.

دعا و تلاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- دعا در کنار اقدام و تلاش ، کاری شایسته و ارجمند است .

إذ أوى الفتية .. فقالوا ربنا اتنا من لدنك رحمه

حرف <فاء> در <فقالوا> دلالت می کند که اصحاب کهف، پس از آن که از شهر و دیار خود گریختند و جهت حفظ ایمان به غار پناه بردند، دست به دعا برداشته و از خداوند تقاضای رحمت و راهنمایی و راهگشایی کردند، نه این که بدون آغاز هیچ حرکتی، خواهان رشد شده باشند.

دعا و عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۳

۳ دعای همراه با تلاش و عمل ، شرط رسیدن به مطلوب

ربنا اتنا .. اولئك لهم نصيب مما كسبوا

بنابراینکه مراد از <مما كسبوا>، همان دعای آنان باشد.

دعا و قضای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ دعا و شفاعت ، حتی از ناحیه پیامبران ، در قضا های حتمی خداوند بی تأثیر است .

و لاتخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

دعا هنگام درماندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكوننَّ من ال

دعا هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء

۴- شایسته بودن روی آوری انسان به درگاه پروردگار ، به هنگام رنج و گرفتاری

و أَيُّوبُ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضَّرَّ

۸- ربوبیت الهی ، مقتضی روی آوری انسان به درگاه او به هنگام رنج و نیاز

و أَيُّوبُ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضَّرَّ

دعا هنگام طوفان دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ طوفانی شدن دریا و احساس خطر غرق شدن کشتی ، از مقطعی که انسان به خدا و نیایش خالصانه به درگاه او روی می آورد .

و جاءهم الموج من كل مكان و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين

دعای آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۵۵ - ۸

۸ علنی ساختن دعا و نداشتن تضرع در آن ، تجاوز از آداب دعا به درگاه خداست .

ادعوا ربكم تضرعاً و خفيه إنه لا يحب المعتدين

دعای ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۵

۵ نیایش به درگاه الهی ، برای تأمین نیاز های جامعه امری پسندیده و ارزشمند

قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء .. و ارزقنا

دعای بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ دعا به درگاه خداوند و تقاضای امری که به حکیمانانه بودنش اطمینان نیست ، کاری جاهلانه است .

فلاتستلن ما لیس لک به علم إنی أعظک أن تكون من الجهلین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۴

۴ درخواست امری نابه جا و غیر حکیمانه از خداوند ، لغزش و خطاست .

قال رب إني أعوذبك أن أسئلك ما ليس لي به علم

استعاذه و پناه بردن به خداوند ، در موردی است که متعلق آن ، امری ناپسند و شرّآفرین باشد.

دعای پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ درخواست از خداوند برای نابودی ثروت ها و امکاناتی که سد راه خدا می باشد ، امری پسندیده است .

ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على أموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۷

۷ آرزو و دعا کردن برای داشتن همسر و فرزند ، امری پسندیده و شایسته

و الذين يقولون ربنا هب لنا من أزواجنا وذرياتنا قرة أعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۶

۶ - آرزوی به دست گرفتن حکومت و مدیریت جامعه ایمانی و درخواست آن از خداوند ، امری پسندیده و شایسته

رب هب لي حكماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۰ - ۵

۵ - دعا به درگاه الهی برای فرزنددار شدن ، امری پسندیده است .

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

از درخواست حضرت ابراهیم(ع) که از پیامبران بزرگ الهی بود می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

دعای پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳

۶ دعای خاضعانه و پنهانی به درگاه خداوند، مطلوب و قرین اجابت است.

من ینجیکم .. تدعونه تضرعا و خفیه

چون نجات از سختی در آیه در پی <تضرع> و <خفیه> مطرح شده است و تعلیق بر وصف اشعار به علیت دارد، چنین به نظر می آید که این دو حالت در استجاب دعا نقش مهمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۴

۴ دعا در نهان ، توصیه خداوند به بندگان

ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه

<خفیه> (نهان کردن) مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعل و حال برای فاعل <ادعوا> می باشد ؛ یعنی: ادعوا ربکم مخفین دعاء کم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳ - ۱،۵

۱- زکریا به دور از انظار مردم و با صدای بلند ، خدا را خواند و از او حاجت طلبید .

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا

<نداء> ؛ یعنی، خواندن کسی با بلند کردن صدا و <ذکر خفی>، آن است که ذاکر آن را از مردم مستور بدارد (لسان العرب). آیات بعد بیانگر این است که ندای زکریا در رابطه با درخواست فرزند بوده است.

۵- پنهانی بودن دعا و دوربودن آن از انظار ، از آداب دعا است . *

نادی رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا

یادکردن از دعای پنهانی حضرت زکریا و نیز آیات بعدی که استجاب دعای او را مطرح ساخته، ممکن است به مطلوب بودن دعای پنهانی و دور از انظار اشاره داشته باشد.

دعای خاضعانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳

۶ دعای خاضعانه و پنهانی به درگاه خداوند، مطلوب و قرین اجابت است.

من ینجیکم .. تدعونه تضرعا و خفیه

چون نجات از سختی در آیه در پی <تضرع> و <خفیه> مطرح شده است و تعلیق بر وصف اشعار به علیت دارد، چنین به نظر می آید که این دو حالت در استجاب دعا نقش مهمی دارند.

دعای خالصانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ ایمان و نیایش خالصانه به درگاه خداوند، سپاسگزاری است.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشی یریدون وجهه .. ألیس الله بأعلم با

دعای رفع عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۱،۲

۱ موسی (ع) با پذیرش تقاضای فرعونیان (دعا برای رفع عذاب)، برطرف شدن عذاب را از خداوند درخواست کرد.

فلما کشفنا عنهم الرجز

سیاق آیه نشان می دهد که جمله ای همانند <فدعا موسی فکشفنا عنهم الرجز> در تقدیر است که به سبب وضوحش در کلام آورده نشده است.

۲ خداوند با اجابت درخواست موسی، عذاب را از فرعونیان برطرف ساخت.

فلما کشفنا عنهم الرجز

دعای روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۸ درخواست روزی افزونتر از روزی مقدر از درگاه خداوند ، خواسته ای پسندیده و سزاوار

و سئلوا الله من فضله

امام صادق (ع): ان الله قسم الارزاق بين عباده و افضل فضلا كثيراً لم يقسمه بين احد قال الله عز و جل: > و سئلوا

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۱۱۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۵، ح ۲۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۴؛ بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۵، ح ۵.

دعای کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع کمبود آب (استسقا) امری نیکو و شایسته، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

و إذاستسقی موسی لقومه

دعای مردود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۲

۲ خواندن معبود های دروغین و درخواست کردن از آنها، کرداری بیهوده و باطل است .

له دعوه الحق

تقدیم <له> بر <دعوه الحق> حاکی از حصر است؛ یعنی، دعوت حق تنها از آن اوست نه از آن غیر او. و مراد از غیر او به قرینه جمله بعد معبودهایی است که مشرکان آنان را می خواندند و می پرستیدند.

دعای ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۵

۵ آمیختن عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

دعای نجات از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۷

۷ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که درباره سخن خداوند : < ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظالمین >

فرمود: لا تسلطهم علينا فتفتنهم بنا ;

پروردگارا! گروه ستمگران را بر ما مسلط مکن که ما را وسیله آزمایش آنان قرار دهی <.

دعای نجات از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۵، ۱۰

۱۰ دعای مسلمانان مظلوم و مستضعف مکه به درگاه پروردگار برای رهایی از ستم حاکم بر آنان

و المستضعفين .. الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اهْلِهَا

۱۵ مسلمانان مستضعف صدر اسلام، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکه

و اجعل لنا من لدنك ولياً و اجعل لنا من لدنك نصيراً

دعای نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند، برای نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنة .. و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

دعای هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۷

۷ بنی اسرائیل، در دعای خویش از خداوند خواستند: زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند.

و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

جمله <و نجنا برحمتك من القوم الكافرين> به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند

درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

دعوت به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۴

۴ - توصیه خدا به اهل شرک ، به دست برداشتن از بت

پرستی و روی آوردن به توحید و نیایش به درگاه او

یدعوا من دون الله ما لا یضره و ما لا ینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان مردم به دعا و نیایش به درگاه او

فادعوا الله

دنیاطلبی در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۱۰، ۸

۸ برخی مردم ، تنها دنیا را از پروردگارشان خواهند .

و من الناس من یقول ربنا اتنا فی الدنیا

چون گروهی که در آیه بعد مطرح است، خواهان دنیا و نیز آخرتند، به قرینه مقابله، این گروه تنها طالب دنیایند.

۱۰ اجابت دعا ها و درخواست های دنیوی حج گزاران دنیاطلب

فمن الناس من یقول ربنا اتنا فی الدنیا و ماله فی الاخره من خلاق

واو عاطفه در جمله <و ماله ..>، بیانگر جمله ای محذوف است. \$مثل <نؤتیه> (به او عطا می کنیم) و از آخرت نصیبی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۵

۵ نیایش به درگاه الهی ، برای تأمین نیاز های جامعه امری پسندیده و ارزشمند

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائده من السماء .. و ارزقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - دعا برای امور دنیوی (مانند داشتن قدرت سیاسی و رهبری) در صورت داشتن هدف الهی از آن، امری پسندیده برای مردان الهی است.

و هب لی ملکاً لاینبغی لأحد من بعدی

ذکر

با دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۹

۹ دعا و درخواست از خداوند ، ذکر اوست .

فاذکروا الله... فمن الناس من يقول ربنا

ذکر خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۴

۴- توجه به ذات یکتای پروردگار ، مقصود اصلی در خواندن او با نام ها و صفات متعدد

أَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ذکر در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۳،۴

۳- ذکر < اللَّهُمَّ > ، سرفصل دعا و نیایش مؤمنان با خداوند

قل اللَّهُمَّ

۴- ذکر < اللَّهُمَّ > در آغاز ، از آداب دعا به درگاه الهی

قل اللَّهُمَّ

ربوبیت خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۶ - ۷

۷- ذکر صفت ربوبیت خدا در دعا ، امری پسندیده و مطلوب است .

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

زمان در اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ تفاوت زمان ها در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت

سوف أستغفر لکم ربی

کلمه <سوف> می رساند که یعقوب(ع) استغفار برای فرزندانش را به زمان آینده موکول کرد. گویا هدف او از این تأخیر آمدن زمانی بوده که دعا در آن به اجابت نزدیک تر باشد.

زمان دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۵

مزیت و برتری بعضی از زمان ها ، برای دعا و استجاب

و المستغفرین بالاسحار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعای زکریا و تقاضای نسلی پسندیده از خداوند ، در روز اوّل محرم

هنا لك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة

امام رضا (ع) به شخصی که اوّل محرم به حضور آن حضرت رسید فرمود: ان هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا (ع) ربه عزّ و جلّ فقال ربّ هب لي من لدنك ذرية طيبة . . .

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۸؛ امالی صدوق، ص ۱۱۲، ح ۵، مجلس ۱۷.

زمینه اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۳

۱۳ - ستایش خداوند ، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست .

ربنا وابعث فيهم .. إنك أنت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ سه روز روزه سکوت (سخن نگفتن جز با رمز و اشاره) ، کثرت ذکر خدا و تسبیح او ، دستورالعمل خدا به زکریا برای دستیابی به خواسته خویش (فرزند صالح) *

قال ايتك الا تكلم .. و اذکر ربك كثيراً و سبح

در برداشت فوق، فعل <الّا- تکلم> که به صیغه نفی است، به معنای نهی گرفته شده است؛ به قرینه فعل امر <اذکر> که بر

آن عطف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۹

۹ نقش اعمال انسان در استجاب دعا از سوی خداوند

فاستجاب لهم ربهم انى لا اضيع عمل منكم

جمله <انى لا اضيع>، بیان سبب اجابت دعای خردمندان است. یعنی اجابت دعای خردمندان به سبب اعمال نیک آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۴

۴ درخواست از مقام الوهیت و ربوبیت خداوند از آداب دعا و مؤثر در استجاب آن

قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۹

۹ احسان و کردار نیک آدمی زمینه ساز استجاب دعا های وی به درگاه خداست .

و ادعوه .. . إن رحمت الله قريب من المحسنين

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <إن الله .. > توضیحی باشد برای <و ادعوه> نه تعلیل آن. یعنی خدا را بخوانید و به درگاه او نیایش برید ولی این را نیز بدانید که آنگاه دعاهای شما مقبول در گاهش قرار خواهد گرفت که مردمی نیکوکار باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۴

۴ اظهار نیاز به درگاه خدا، دارای نقشی بسزا در جلب حمایت او و برآورده شدن نیاز های انسان

فاستجاب له ربه .. . إنه هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ دعای پدران در حق فرزندان ، به اجابت نزدیک تر است .

يَا أَبَانَا اسْتَغْفِر لَنَا .. قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِر

درخواست فرزندان یعقوب از او برای طلب آمرزش می رساند که آنان دعای وی را به اجابت نزدیک تر می دانستند / حال یا به این لحاظ که او پدر ایشان است یا به این سبب که وی پیامبر خداست و یا هر دو لحاظ در نظر آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۲

۱۲- دعای فرزند برای پدر و مادر ، دارای تأثیر و موجب توجه ویژه خداوند و در مظان استجاب است .

و قل ربّ ارحمهما

از اینکه خداوند دستور به دعا برای والدین با کیفیت و الفاظ خاص داده است به دست می آید که خداوند به این دعا عنایت ویژه داشته و احتمال اجابت آن زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۱۳

۱۳- رحمت گسترده و مهربانی بی مانند خداوند ، مقتضی استجاب دعای بندگان از جانب او است .

و أيوب إذ نادى .. و أنت أرحم الرحمین

از این که ایوب (ع) پس از بیان مشکلات خود، خدا را به صفت <أرحم الراحمین> یاد کرد، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۹

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجاب دعا

فاستجبنا له .. إنهم كانوا يسرعون فی الخیرت ... و كانوا لنا خشعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- قرار گرفتن انسان در شرایط اضطرار و درماندگی، زمینه ساز استجابت دعای وی از سوی خدا

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَا

تصریح به عنوان <مضطرر> نشان می دهد که شرایط اضطرار (یعنی شرایطی که انسان در آن شرایط از همه اسباب و عوامل قطع امید می کند) این زمینه را فراهم می آورد که انسان، خالصانه و بی شائبه از شرک، خدا را بخواند. فریادخواهی خالصانه از خداوند (اذا دعاه) نیز در پی دارنده اجابت آن از سوی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۶

۶- ندا کردن خدا و حاجت بردن به درگاه او، اجابت الهی را در پی دارد.

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون

برداشت یاد شده از تعبیر <بهترین پاسخ دهنده> برای خداوند به دست می آید زیرا بهترین اجابت کننده آن کسی است که به درخواست ها کاملاً پاسخ دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۵

۵- تأثیر احسان و نیکوکاری در اجابت دعا، بقای نسل و نام نیک، تقرب به پیشگاه خداوند و محبوبیت در میان خلق

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون .. سلم علی نوح فی العلمین . إنا كذلك نجزي ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۵

۵- استغفار، پیش از دعا و اظهار حاجت به درگاه الهی، زمینه ساز استجابت دعا و برآوردن حاجت است.

قال رب اغفر لی و هب لی

برداشت یاد شده از استغفار سلیمان(ع)، پیش از اظهار حاجت و درخواست پادشاهی از خداوند برمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۲

۲ - اضطرار و انقطاع از غیر خداوند ، زمینه استجابت دعا

فدعا ربّه اُنّی مغلوب .. ففتحنّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۷، ۱۹

۱۷ - رأفت و رحمت گسترده خداوند ، پشتوانه اجابت دعا ها و استغفار های انسان

يقولون ربّنا اغفر لنا .. ربّنا إنّك رءوف رحيم

۱۹ - توسل به اسما و صفات الهی ، از آداب نیایش و زمینه اجابت دعا *

ربّنا إنّك رءوف رحيم

ذکر اوصاف متعدد خداوند (ربّ، رؤوف و رحيم) در این آیه که رهنمودی است به دعا کنندگان بیانگر مطلب یاد شده است.

زمینه دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۶

۶ مشاهده کمالات دیگران ، برانگیزنده انسان به درخواست کمالات از خدا برای خویش

هنا لك دعا زكريا ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۳

۳ توجه به ربوبیت خدا ، برانگیزنده انسان به دعا

رَبَّنَا اٰمٰنَا بِمَا اَنْزَلْتَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ ربوبیت خداوند ، زمینه دعا و درخواست از او

قال رب .. فافرق بيننا و بين القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ -

۶ مشکلات و سختیها، زمینه توجه به خدا و تضرع و دعا به درگاه او

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم يتضرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۲،۹

۲ شناخت ربوبیت الهی ، مستلزم روی آوری انسان به دعا به درگاه اوست .

إن ربکم الله الذی .. ادعوا ربکم تضرعاً

بیان ضرورت دعا پس از بیان ربوبیت خداوند و تدبیر جهان هستی از سوی او می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۹ توجه به ربوبیت خداوند ، برانگیزنده آدمی به دعا به درگاه او

ادعوا ربکم

هدف از بیان ربوبیت خدا به انسانها، در ضمن دعوت آنان به دعا به درگاه او، ایجاد انگیزه دعا در ایشان است. یعنی باور به ربوبیت خدا همان و روی آوری به درگاه او همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۹

۲۹ اتکا و توکل بر خدا و ادا کننده آدمی به درخواست نیازها از وی و نیایش به درگاه اوست .

علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۴

۴ توجه آدمی به اسما و صفات خدا ، زمینه ساز دیدن خویش در محضر او و روی آوری به دعا و نیایش به درگاه وی

إنه هو العلیم الحکیم. رب قد آتیتنی من الملک ... توفنی مسلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- توجه به ربوبیت خداوند ، سوق دهنده آدمی

به استغاثه و دعا به درگاه او است .

یدعون ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۸

۸- ربوبیت الهی ، مقتضی روی آوری انسان به درگاه او به هنگام رنج و نیاز

و أیوب إذ نادى ربّه أنى مسنى الضرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۳

۳ - اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه ، مستلزم بردن نیازها به درگاه او

قال ربّ انصرنى بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۵

۵ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، مقتضی ترس ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۳

۳ سرنوشت بد و اقامتگاه ناگوار انسان در جهنم ، مقتضی هراسان بودن ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی است .

ربّنا اصرف عنا عذاب جهنّم .. إنّها ساءت مستقرّا و مقاما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۲

۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی دعا به درگاه او و استمداد از او است .

قال رب انصرنی علی القوم المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱،۲،۳

۱ - مواجه شدن با سختی ها و ناملایمات ، موجب توجه انسان ها به خدا و دعا

به پیشگاه او است .

و إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ

<ضُرٌّ> در لغت، به معنای <بدحالی روحی و یا بدنی> است (مفردات راغب).

۲- انسان های گرفتار در سختی ها و تنگنا ها ، مرجع خود را ، خداوند می دانند و برای نجات خویش ، به او روی می آورند .

و إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ

<إِنَابَه> مصدر <منیب> به معنای <رجوع مکرر در مکرر> است (مفردات راغب).

۳- توجّه و رویکرد به خدا ، به هنگام مواجه شدن با سختی ها و دشواری ها ، دلیل سرشت توحیدی آدمیان است .

فَطَرَتِ اللَّهُ اتِّبَاطَ النَّاسِ عَلَيْهَا .. و إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۸

۸- احساس خطر شدید و یأس از عوامل نجات دهنده مادی ، زمینه توجه انسان به خدا و دعا به درگاه او است .

و إِذَا غَشِيَهُمْ مَوَاجٌ كَالظَّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- درخواست از خدا برای نجات از گرفتاری ، مقتضای ربوبیت او است .

نَاكِسُوا رُءُوسَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۴

۴- ربوبیت خداوند ، متقاضی دعا به درگاه او است .

يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۵

۵ - ربوبيت خداوند ، مقتضای استدعا به درگاه او

است .

رَبَّنَا آتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۶

۶ - درخواست و دعا به درگاه خداوند ، از شؤن ربوبیت الهی است .

فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - وهابیت و بخشندگی بسیار خداوند ، مقتضی درخواست های بزرگ از او است .

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلَكًا .. إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

یادآوری صفت وهابیت خداوند، پس از دعا و درخواست پادشاهی بزرگ از سوی سلیمان(ع)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۴

۴ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ

<إنابه> (مصدر <منیباً>) به معنای رجوع است و <منیباً إليه>؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۵

۵ - نزول رزق انسان (باران) از سوی خداوند ، مقتضی دعا و عبادت به دور از شرک و خالصانه او است .

و ينزل لكم من السماء رزقاً .. فادعوا الله مخلصين له الدين

با توجه به تفریع جمله <فادعوا الله ..> بر جملات پیشین (ینزل لكم من السماء رزقاً) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر -

۸ - ربوبیت خداوند ، مقتضی انحصار دعا و درخواست از او است .

ادعوا ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۳

۳ - ربوبیت خداوند ، مقتضی دعا و حاجت خواهی بندگان از او است .

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۶

۶ - امیدواری به رحمت خدا و باورمندی به قیامت ، زمینه ساز روآوری انسان به توکل ، انابه و نیایش

ربنا علیک توکلنا .. لقد کان لکم فیهم أسوه حسنه لمن کان یرجوا الله و الیوم ال

در صورتی که الگو بودن، نظر به محتوای آیات پیشین داشته باشد که درباره توکل، توبه و نیایش بود تعبیر <لمن کان..> افاده مطلب بالا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۸ - ۲

۲ - توجه به ربوبیت خداوند ، برانگیزاننده انسان به ابتهاال و تضرع به درگاه او است .

و إلی ربک فارغب

قید <إلی ربک> متعلق به <ارغب> است. تقدیم آن و آوردن حرف <فاء> پس از آن، بیانگر نقش ربوبیت خداوند، در لزوم توجه به او است.

زمینه های دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ توجه به < ربوبیت > خداوند ، برانگیزنده انسان به دعا و درخواست از او

ربّنا اغفر لنا ذنوبنا

سازندگی دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳

۷ نقش بنیادین و سازنده دعا در صلابت، قوّت و تسلیم ناپذیری پیکارگران

فما وهنوا .. و ما ضعفوا و ما استکانوا ... و ما کان قولهم إلا ان قالوا ربّنا ا

یادآوری دعای مجاهدان ربّانی پس از بیان استقامت آنان، می تواند اشاره ای باشد به اینکه دعا از موجبات استقامت و حماسه آفرینی است.

سرزنش ترک دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۱

۱ - نکوهش اهل شرک، به خاطر ترک نیایش به درگاه خدا و بردن عرض حاجت پیش بت ها

یدعوا من دون الله ما لایضره و ما لاینفعه

شرایط اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۶

۶ - خلوص در دعا (تنها خداوند را خواندن و از او درخواست کردن) شرط اجابت دعاست .

أجیب دعوه الداع إذا دعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۵،۳

۳ دعای همراه با تلاش و عمل، شرط رسیدن به مطلوب

ربّنا اتنا .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

بنابراینکه مراد از <مما کسبوا>، همان دعای آنان باشد.

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضیتم مناسککم .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

بنابراینکه مراد از <مما کسبوا> انجام فریضه حج باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۳

۳ حرکت و

اقدام عملی ، مقدمه ای برای دعا و استجاب آن

و لَمَّا بَرَزُوا .. قَالُوا رَبَّنَا ... فَهَزْمُوهُمْ

مؤمنان به طالوت صرفاً دعا نکردند؛ بلکه پس از آنکه دست به عمل زدند و خود را مهیای جنگ نمودند، دعا کردند و آنگاه دعایشان مستجاب شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۵

۵ مزیت و برتری بعضی از زمان ها ، برای دعا و استجاب

و المستغفرین بالاسحار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۵

۵ توجه خالصانه به خداوند در دعا، از شرایط استجاب آن

بل إياه تدعون فيكشف ما تدعون إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۶

۶ دعای خاضعانه و پنهانی به درگاه خداوند، مطلوب و قرین اجابت است.

من ینجیکم .. تدعونه تضرعا و خفیه

چون نجات از سختی در آیه در پی <تضرع> و <خفیه> مطرح شده است و تعلیق بر وصف اشعار به علیت دارد، چنین به نظر می آید که این دو حالت در استجاب دعا نقش مهمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری

آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجيب دعوتكما فاستقيما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۴

۴ - استجابت دعا و

قبولی نیایش انسان به درگاه الهی ، مشروط به عبادت به دور از شرک و خالصانه او است .

فادعوا الله مخلصين له الدين

برداشت یاد شده از توصیه خداوند به اخلاص در عبادت پس از فراخواندن به دعا و نیایش استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۲

۲ - ایمان و عمل صالح ، شرط پذیرش دعا از سوی خداوند است .

و يستجيب الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۴

۳۴- توبه و تسلیم به درگاه پروردگار ، زمینه و شرط استجابت دعا

قال ربّ أوزعنی . . . إني تبت إليك و إني من المسلمین

<إني> بیانگر نوعی تعلیل است ؛ یعنی، پروردگارا! مرا در راستای شکر و صلاح یاری ده ؛ زیرا من تائب و تسلیم درگاه توأم. این تعبیر می نمایاند که توبه و تسلیم، دارای تأثیر ویژه در استجابت دعا است.

شرایط تأثیر دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ دعا و شفاعت ، حتی از ناحیه پیامبران ، در قضا های حتمی خداوند بی تأثیر است .

و لاتخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

شرایط دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ پایبندی خالصانه به دین و پرهیز از شرک و التقاط، از شرایط دعا و نیایش به درگاه خداوند

و ادعوه مخلصین له الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ دعا به درگاه خداوند و تقاضای امری که به حکیمانه بودنش اطمینان نیست ، کاری جاهلانه است .

فلا تسئلن ما لیس لک به علم إنی أعظک أن تكون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۶

۶ احتمال غیر حکیمانه بودن درخواست ، در لزوم پرهیز از تقاضای آن از درگاه خداوند کافی است .

إنی أعوذبک أن أسئلك ما لیس لی به علم

علم نداشتن به حکیمانه بودن درخواست که مفاد <ما لیس لی به علم> است شامل موردی که انسان حتی گمان به مصلحت دارد ولی هنوز به مرتبه علم و اطمینان نرسیده است ، نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۷

۷ - دعا و عبادت ، تنها شایسته خداوند یکتا و دارنده حیات حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو فادعوه

<فا> در <فادعوه> عاطفه بوده و برای ربط میان سبب و مسبب است؛ یعنی، به سبب آن که خدا دارنده حیات حقیقی و یکتا است، پس او را باید عبادت کرد و از او حاجت خواست.

صفات خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۳

۳ - ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل رب أنزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین

<منزل> در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود.

ذکر جمله <و أنت خیر المنزلین> (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۷

۷- التجا به ربوبیت الهی و برشمردن صفات رحمت آفرین او، از آداب دعا و نیایش

و قل رب اغفر و ارحم و أنت خیر الرحمین

عوامل اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۷۸

۷ یأس از غیر خداوند و دعای خالصانه به درگاه او، از اسباب استجابت سریع دعا

بل ایاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه

حرف <فاء> برای افاده معنی ترتیب بدون انفصال است. بنابراین میان <تدعون> و <فیکشف> فاصله ای فرض نشده است.

۸ استجابت دعا و برطرف شدن عذاب و سختی منوط به مشیت الهی است.

بل ایاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه إن شاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۰ - ۹

۹- ربوبیت الهی، مقتضی استجابت دعا و پذیرش درخواست های بندگان است.

ربنا و تقبل دعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱۳

۱۳- ربوبیت الهی ، مقتضی اجابت دعا های بندگان است .

و أدعوا ربّی . . . بدعاء ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۳

۳- نقش تهلیل و تسبیح خدا و اقرار به ظلم به خویشان ، در استجاب دعا و رهایی از غم ها

فنادی فی الظلمت أن لا إله

إِلَّا أَنْتَ سَبِّحُكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . فاستجبنا له و ن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۸

۸ - دعای مخلصانه به هنگام اضطرار و احساس خطر ، مورد اجابت خداوند است .

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَكَ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُم

<فَا> در <فَلَمَّا نَجَّاهُمْ> تفریع است بر <دَعَا اللَّهُ> و مفید حقیقت یاد شده است.

عوامل دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۴

۴ آدمیان ، به هنگام گرفتاری و رنج ، اهل دعا شده و در هر حالتی خدا را به فریادرسی می خوانند .

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا

عوامل مؤثر در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ درجات معرفت ، ایمان و تقوا ، مؤثر در انگیزه و نحوه نیایش به درگاه الهی و درخواست از او

هل يستطيع ربك . .. وءایه منك و ارزقنا

مقایسه سخنان مؤدبانه عیسی (ع) با سخنان ناشایست حواریون در تقاضای مائده، رسای به این است که انگیزه آدمی و نحوه

نیایش وی به درگاه خدا برخاسته از درجات ایمان و معرفت اوست.

فریاد در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نهی خداوند از خواندن دعا و نیایش با خدا ، با صدایی بسیار بلند یا بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

بنابر اینکه مراد از <صلاه> مطلق دعا باشد، برداشت فوق به دست می

آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳ - ۴

۴- جواز بلند کردن صدا در دعا

إذ نادى ربّه نداءً

فضیلت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۱۲

۱۲ ارجمندی دعا در حال قیام به هنگام نماز

و قوموا لله قانتین

امام باقر (ع): <و القنوت > هو الدعاء فی الصلوه فی حال القیام

مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۰۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۹۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۱

۱۱ ارزش و اهمیت دعا و استغفار به درگاه خداوند

ربّنا فاغفرلنا... و کفرّ عنّا... و توفّنا

چون خداوند در مقام ستایش از خردمندان، این دو ویژگی را برای آنان، ذکر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۵ - ۵

۵ - دعا به درگاه خداوند و درخواست از او در عین آگاهی و بصیرت او بر حال بندگان ، مطلوب و پسندیده است .

و أشركه في أمري .. إنك كنت بنا بصيرًا

موسی(ع) در عین سخن از آگاهی خداوند بر احوال خود و هارون به درگاه او دعا کرده و خواسته های خود را مطرح کرده است. این رویه موسی(ع) نشان آن است که در عین آگاهی خداوند از همه چیز، دعا به درگاه او مطلوب و کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ > عن يزيد بن معاوية العجلي . قال :

قلت لأبي جعفر (ع) كثره القرائه أفضل أم كثره الدعاء أفضل ، قال كثره الدعاء أفضل ، و قرء هذه الآيه ؛

يزيد بن معاويه عجلي گوید: به امام باقر(ع) گفتم: زیاد خواندن قرآن بهتر است یا زیاد دعا کردن؟ فرمود: زیاد دعا کردن با فضیلت تر است و این آیه را قرائت فرمود: <قل ما يعبؤا ربّي لولا دعاؤكم.. >.

فلسفه دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۵

۱۵- دعا ، راه امیدی برای مایوس شدگان از عوامل طبیعی و عادی در رسیدن به مطلوب خویش

الحمد لله الذي وهب لي على الكبر إسماعيل و إسحق إن ربّي لسميع الدعاء

کافران مکه و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

کیفر ترک دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۹

۹ - < في الصحيفة السجادية : و قلت : > ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين < فسميت دعاءك عباده و تركه استكباراً و توعدت على تركه دخول جهنم داخرين ... ؛

در صحیفه سجاده آمده است: [خدایا] تو فرمودی مرا بخوانید تا شما اجابت کنم [و فرمودی] کسانی که از روی کبر از عبادت من روی برمی گردانند، به زودی با ذلت وارد دوزخ خواهند شد. پس خواندن خودت را عبادت نامیدی

و ترک آن را استکبار خواندی و بر ترک آن وعده دخول ذلیلانه به جهنم را دادی <.

محمد(ص) و دعا بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۴

۴ ممنوع شدن پیامبر (ص) از حضور یافتن بر سر قبر منافقان و دعا و استغفار برای آنان

و لاتقم علی قبره

معبودان باطل و اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۴

۴ خدایان دروغین ، از اجابت کردن درخواست ها ناتوانند .

والذین یدعون من دونه لایستجیون لهم بشیء

مراد از ضمیر <یدعون> و <لهم> مشرکان است و ضمیری که باید به موصول (الذین) باز گردد محذوف می باشد. بنابراین <والذین یدعون...> یعنی ، آن چیزه او کسانی که مشرکان آنان را می خوانند، ایشان را اجابت نمی کنند به کمترین اجابتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۴ - ۳، ۱

۱ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجاب آن

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و لو سمعوا ما استجابوا لکم

۳ - استجاب دعا و بر آوردن حاجت ، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (الله) است .

ذلکم الله ربکم له الملک و الذین تدعون من دونه .. إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و

منشأ اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ - تنها خداوند شنوای دعای بندگان ، اجابت کننده درخواست های

ایشان و آگاه به نیازهای آنان است .

ربنا تقبل منا إنك أنت السميع العليم

شنوا بودن خداوند به مناسبت جمله قبل - که حاوی دعا و درخواست است - کنایه از اجابت کردن و برآورده ساختن تقاضاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۳،۴

۳ تنها خداوند بر اجابت درخواست های بندگان تواناست .

له دعوه الحق

جمله <لايستجيبون لهم بشيء إلا كسب... > بیانگر ملاک و معیار دعوت حق است. بنابراین حق بودن خواندن خداوند به این دلیل است که او هم آگاه به درخواستهاست و هم توانا بر اجابت آنها.

۴ خدایان دروغین ، از اجابت کردن درخواست ها ناتوانند .

والذین يدعون من دونه لا يستجيبون لهم بشيء

مراد از ضمیر <يدعون> و <لهم> مشرکان است و ضمیری که باید به موصول (الذین) باز گردد محذوف می باشد. بنابراین <والذین يدعون... > یعنی ، آن چیزه او کسانی که مشرکان آنان را می خوانند، ایشان را اجابت نمی کنند به کمترین اجابتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳ - ۷

۷- مقام ربوبیت خدا ، مقام اجابت درخواست بندگان است .

إذ نادى ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- اجابت دعا و رفع گرفتاری ها ، جلوه ای از رحمت بی کران الهی است .

و أنت أرحم الرحمین . فاستجبنا له ... رحمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۱۸

۱ - خداوند ، اجابت کننده دعای

درماندگانی که از تدبیر ناتوانند .

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمَضْطَّرَّ إِذَا دَعَا

۸- روی آورندگان به شرک ، علی رغم حل شدن مشکلاتشان به اراده خدا ، مردمی غفلت زده و مستحق نکوهش

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمَضْطَّرَّ .. قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ

عبارت <قليلًا- ما تذكرون> نکوهش از کسانی است که حقایق وحی را با همه روشنی در نمی یابند و با این که خداوند همواره گرفتاری هایشان را برطرف و مشکلاتشان را حل می کند، از او غافلند و به غیر او روی می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۳

۳- معبود های ادعایی مشرکان ، در دنیا و آخرت از استجاب دعا و درخواست انسان ها ناتوان اند .

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

موانع اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۲

۱۲- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <من کلّ> برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> تعلیل برای جملات پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۸

۸- کفر ، مانع بهره مندی از نتایج دعا و موجب محرومیت از تفضل الهی است .

الذین ءامنوا .. و یزیدهم من فضله و الکفرون لهم عذاب

شدید

به قرینه مقابله بین دو فراز آیه، می توان استفاده کرد که کافران از تفضل خداوند بی بهره اند.

موجبات اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ - ربوبیت الهی ، مقتضی استجاب دعاى بندگان خالص است .

ربِّ هب لی من الصلحین . فبشّرناه بغلم حلیم

موجبات دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

نقش دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ نقش دعای مادر و کمالات معنوی او ، در سعادت فرزند

ربِّ ائنی نذرت .. و ائنی اعیذها بک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ نقش دعا و درخواست از خداوند ، در دستیابی انسان به آرمان خویش

هنا لك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ ارزش و نقش دعا ، در زندگی انسان

رَبَّنَا .. فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۶ - ۶

۶ - دعا برای آسان شدن امور زندگانی ، امری مطلوب است .

و یسر

لی امری

مراد از < امری > می تواند همه امور زندگانی باشد.

نقش زمان در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ - لحظه ها و اوقات شبانه روز ، در شایستگی برای ذکر و دعا با هم برابر نیستند .

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ... ءِانَايِ الْاَيْلِ فَسَبِّحْ و اطراف النهار

نهی از دعا بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱

۱ نهی شدن پیامبر (ص) برای همیشه ، از نماز گزاردن بر جنازه منافقان و دعا کردن برای آنها بعد از جنگ تبوک

و لاتصل علی احد منهم مات ابدأ

نیاز به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۷

۷ مؤمنان نباید به خاطر عبادت و رفتار خوب خود ، به عجب و غرور گرفتار آیند و خویشان را بی نیاز از تضرع و دعا بپندارند

و الذین یبیتون لربهم ... یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابهاکان غرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۲

۲۲ - نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا برای کسب توفیق از درگاه خدا

و قال ربّ أوزعنی أن أشکر . . . و أن أعمل صلحًا ترضیه و أدخلنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۶

۶ - نیازمندی انسان ها حتی پیامبران ، به ارتباط مستمر و مداوم با خداوند

و

سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ . . . و أدبر السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۶

۶ - نیاز همه انسان ها حتی پیامبران ، به دعا و طلب آمرزش از خداوند

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا .. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً ... وَاغْفِرْ لَنَا

از این که خداوند به مؤمنان رهنمود داده است که چون ابراهیم(ع)، دعا و استغفار کنند، نیاز داشتن آنان به دعا و استغفار استفاده می شود.

وَعْدَهُ اجَابَتِ دَعَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۲

۲ - استجابت دعای بندگان و برآوردن خواسته های آنان ، وعده الهی است .

و قَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

وقت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۵

۱۵ - ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان . . . و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ

برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۹

۹ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

یدعون ربهم بالغدوة والعشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۸

۸- سپیده دم و پسین ، فرصت هایی مناسب برای دعا به درگاه خداوند است .

بالغدوة والعشی

مراد از <غداه و عشی> ممکن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال می رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد.

برداشت بالا، ناظر به نخستین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۵

۱۵- خصوصیت های زمانی ، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخیل است .

سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي

دعوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دعوت

{دعوت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۸، ۱۲، ۱۱، ۶

۶ پیامبر (ص) ، مأمور دعوت اهل کتاب و مشرکان مکه و درس نخوانندگان فاقد کتاب به تسلیم در برابر خدا

و قل للذین اوتوا الكتاب و الامّین ءاسلمتم

۱۱ پیامبر (ص) ، نگران عدم ایفای رسالت خویش ، به صرف ابلاغ دین به مردم

و ان تولّوا فانّما علیک البلاغ

بنابراینکه <فانّما علیک البلاغ>، در برابر نگرانی پیامبر (ص) از انجام وظیفه باشد.

۱۲ وظیفه پیامبر (ص) ، تنها ابلاغ پیام خدا به مردم است ؛ نه مجبور ساختن ایشان به ایمان .

فانّما علیک البلاغ

۱۸ ابلاغ دین از سوی پیامبر (ص) ، اتمام حجّت خداوند بر مردم

فانّما علیک البلاغ و الله بصیر بالعباد

آثار دعوت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۲

۲- دعوت حضرت ابراهیم (ع) به توحید و ردّ اندیشه شرک و بت پرستی ، موجب تردید مردم بت پرست در عقیده خود شد

ما هذه التماثيل .. أنتم وءاباؤکم فی ضلل مبین . قالوا أجنّتنا بالحقّ أم أنت م

آثار دعوت به اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

آثار دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، نشانه صداقت در پیروی از پیامبر (ص) است .

أدعوا إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعنی

آثار دعوت به توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

آثار دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ اعتصام به ریسمان الهی ، دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسفیدی در قیامت

واعتصموا بحبل الله .. و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

و یا مرون بالمعروف و ی

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، سفیدرویی می تواند پاداش نیکیهایی مذکور در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۷ - ۲،۴

۲ اعتصام به جبل الله، دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر، موجب استغراق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله... و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و یا مرون بالمعروف ...

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات پیشین، روسفیدی می تواند نتیجه اعمال نیک یاد شده در آیات قبل باشد.

۴ تمسک کنندگان به ريسمان الهی و دعوت گران به خیر، امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر، روسفیدان در قیامت و مستغرق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله... يدعون الى الخير و یا مرون بالمعروف... اما الذين ابيضت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

آثار دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۳

۳- امکان تعدی کافران به مؤمنان، در قبال فراخوانده شدن به دین

ادع إلى سبيل ربك... و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

آثار دعوت به شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک، نشانه صداقت در پیروی از پیامبر (ص) است.

أدعوا إلى الله على بصيره أنا و من اتبعنى

آثار دعوت به كفر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للإِنسِن اِکْفِرْ فَلَمَّا کَفَرَ .. فَکَانَ عَقْبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِی النَّارِ خُلِدَیْنِ فِیْهَا

۶ - کفرورزی و دعوت به آن ، از مصادیق ظلم

قال للإِنسِن اِکْفِرْ فَلَمَّا کَفَرَ .. فَکَانَ عَقْبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِی النَّارِ خُلِدَیْنِ فِیْهَا وَ ذَلِکَ

آثار دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۳

۳ - دعوت پیامبراسلام و هشدار به مردم ، مشکلات و سختی های فراوانی برای آن حضرت در پی داشت .

قَمْ فَأَنْذَرَ .. وَ لِرَبِّکَ فَاصْبِرْ

آثار دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱ - تلاش مستمر نوح (ع) ، برای ایمان آوردن قومش ، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت .

فَلَمْ یَزِدْهُمْ دَعَاءِیْ إِلَّا فَرَارًا

آغاز دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲ - ۲

۲ - انذار و اخطار به مردم ، رسالت اصلی پیامبر (ص) و نقطه آغازین دعوت آن حضرت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این سوره، از سوره هایی است که در مراحل اولیه رسالت پیامبر اسلام (ص) نازل شده است.

اجابت دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما يستجيب الذين

يسمعون و الموتى يعيظهم الله

اجابت دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱

۱ تنها کسانی به دعوت خدا و رسول او پاسخ می دهند که به سخنان پیامبر(ص) گوش فرادهند و آن را دریابند.

إنما يستجيب الذين يسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۵

۵ - روی گردانان از دعوت به حق پیامبر (ص) ، ناگزیر از اجابت دعوت الهی در قیامت برای حسابرسی و مجازات

فما تغن النذر .. یوم یدع الداع إلى شیء نکر

اجابت دعوت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷۸،۱۱

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشیطن .. و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن بر طرف مقابل است.

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا .. وقال الشيطان لما قضي الأمر

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان،

به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

اجابت دعوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۹

۹ - حواریون به دعوت عیسی (ع) ، پاسخ مثبت داده و برای یاری او اعلام آمادگی کردند .

قال الحواریون نحن أنصار الله

اجابت دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱،۴

۱ تنها کسانی به دعوت خدا و رسول او پاسخ می دهند که به سخنان پیامبر(ص) گوش فرادهند و آن را دریابند.

إنما يستجيب الذين يسمعون

۴ اجابت کنندگان دعوت پیامبر(ص) و مؤمنان به او، زندگانند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

اجتناب از دعوت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۷

۷ - رها ساختن تعالیم قرآن و کناره گیری از فراخواندن مردم به سوی آنها ، زمینه ساز قرار گرفتن در صف کافران است .

لا يصدنك عن آيت الله .. و ادع إلى ربك و لاتكونن من المشركين

گفتنی است که از صدر و ذیل آیه شریفه ، یعنی ، ارتباط میان موضوع جدا شدن از صف مشرکان و موضوع ابلاغ رسالت الهی و دعوت به توحید، برداشت یاد شده به دست می آید.

ارزش دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۳ - ۲

۲ - ارزش دعوت به سوی خدا و تبلیغ آیین الهی ، در گرو نیک کرداری دعوت

کنندگان و مبلغان آن است .

و من أحسن قولاً مّمن دعا إلى الله و عمل صلحاً

ارزش دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۳ - ۲

۲ - ارزش دعوت به سوی خدا و تبلیغ آیین الهی ، در گرو نیک کرداری دعوت کنندگان و مبلغان آن است .

و من أحسن قولاً مّمن دعا إلى الله و عمل صلحاً

اشراف فرعون و دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

اشراف فرعون و دعوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

اصول دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۸

۸ مبارزه و جهاد فرهنگی با کفر و شرک ، هدف کلی قرآن و محور اصلی دعوت پیامبر اسلام (ص)

و جهدهم به جهادًا کبیرًا

اعراض از دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹

۱ - روی گردانی کامل ولیدین مغیره ، از آیات الهی و دعوت پیامبر اسلام (ص)

ثم أدبر و استکبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود از آن اعراض و روی گردانی کامل است.

امت ها و دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۳، ۲

۲ پرسش از برخورد امت ها با دعوت انبیا هدف از گردآوری پیامبران در عرصه قیامت

یوم یجمع الله الرسل فبقول ماذا اجبتم

۳ قیامت صحنه حسابرسی از امت ها و واکنش های آنان در برابر دعوت پیامبران

یوم یجمع الله الرسل فبقول ماذا اجبتم

۱۰ امت ها ، موظف به پذیرش دعوت رسولان الهی

ماذا اجبتم

۱۱ اظهار بی اطلاعی پیامبران در قیامت از چگونگی برخورد امت ها با دعوت آنان

فیقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا

امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ان لهذا تأویلا یقول: ماذا اجبتم فی اوصیائکم الذین خلقتموهم علی اممکم؟ فیقولون لا علم لنا بما فعلوا بعدنا.

کافی، ج ۸، ص ۳۳۸، ح ۵۳۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۸، ح ۴۲۷.

۱۲ علم به چگونگی برخورد واقعی امت ها با دعوت پیامبران از جمله علوم غیبی

فيقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا انك انت علم الغيوب

۱۴ آگاهی کامل خداوند به واکنش های امت ها در برابر دعوت و رسالت پیامبران

فيقول ماذا اجبتم .. انك انت علم الغيوب

اولین دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۲

۲ - توحید و خداپرستی ، اولین و مهم ترین دعوت حضرت

نوح (ع)

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

برداشت یاد شده، از تقدم ذکرى <اعبدوا الله> به دست مى آید.

اولین دعوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۶

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام هود برای قوم عاد

قال يقوم اعبدوا الله

اهداف دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۳

۳ - جلب غفران و آمرزش خداوند برای مردم، از اهداف دعوت حضرت نوح (ع)

و اِنِّى كَلِّمًا دَعَوْتَهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ

اهل مكه و دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۵

۱۵ مردم مكه در واكنش به دعوت پیامبر (ص) دو دسته بودند: مؤمن و كافر.

أَنْ أُنذِرَ النَّاسَ وَبَشِّرَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. قَالَ الْكٰفِرُونَ

اهمیت اجابت دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته نمی شود.

لذین استجابوا لربهم الحسنى

مقصود از <الحسنى> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنى> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

۵ بهشت، جایگاه اجابت کنندگان دعوت خداوند است.

لذین استجابوا لربهم الحسنى

اهمیت دعوت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۴

۴ فراخوانی انسان ها به اسلام ، علت و فلسفه توجه و عنایت خداوند به آنان است .

قل مایعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم

اهمیت دعوت به تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری هود پیامبر

إذ قال لهم أخوهم هود ألا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از عادیان ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم هود ألا تتقون .. فاتقوا الله

اهمیت دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۳

۳ دعوت به توحید و مبارزه با شرک ، مهمترین رسالت پیامبران

أن لاتعبدوا إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱

۱ پیامبران پیشین برای گرایش دادن مردم به توحید تلاشی پی گیر داشتند و مدتی مدید به هدایت آنان همّت می گماشتند .

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَد كَذَّبُوا

<حتی> غایت برای جمله ای محذوف است و تقدیر کلام با توجه به آیه قبل و نیز آیه مورد بحث می تواند این گونه باشد:
آن پیامبرانی که به سوی امتهای پیشین فرستادیم، مردم خویش را دعوت کردند / ولی آنان نپذیرفتند. ایشان را به آمدن عذاب هشدار دادند، دست برنداشتند تا اینکه ... روشن است

که ناامید شدن پیامبران در مدت کوتاه تحقق نمی یابد و بدون تلاش نیز مأیوس شدن وجه صحیحی ندارد. از این رو <حتی
إذا استئیس الرسل > حاکی از تلاش پی گیر در مدت طولانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۷

۷- آشنا ساختن مردم با خداوند و وحدانیت او ، پایه و مقدمه دعوت آنان به عبادت خدا است .

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي

<فاء> در <فاعبدني> تفریع بر جمله قبل است که به معرفی خداوند و وحدانیت او پرداخته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۳

۳- فراخوانی به توحید و نفی شرک ، محور اصلی رسالت پیامبر اسلام (ص)

إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

طرح تنهای مسأله توحید و استکبار در برابر آن، برای مجرم و دوزخی شناختن مشرکان، می تواند گویای برداشت یاد شده
باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۲۴

۲۴- دعوت به توحید و انذار مشرکان ، وظیفه ای عمومی برای مسلمانان

كِبْرَ عَلِي الْمَشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ

با توجه به جمع بودن <ما تدعوهم>، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت دعوت به توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۱

۱ - پیام اصلی و بنیادین عیسی (ع)، دعوت مردم به توحید در ربوبیت و پرستش خداوند یکتا است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

اهمیت

دعوت به توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۱

۱ - پیام اصلی و بنیادین عیسی (ع)، دعوت مردم به توحید در ربوبیت و پرستش خداوند یکتا است.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

اهمیت دعوت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۳ - ۱

۱ - سخنی که در راستای دعوت مردم به سوی خداوند ایراد شود، بهترین و زیباترین گفتار است.

و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله

اهمیت دعوت به خدا شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۷

۷ - آشنا ساختن مردم با خداوند و وحدانیت او، پایه و مقدمه دعوت آنان به عبادت خدا است.

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي

<فاء> در <فاعبدنی> تفریع بر جمله قبل است که به معرفی خداوند و وحدانیت او پرداخته بود.

اهمیت دعوت عملی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۸

۸ - لزوم به کارگیری دعوت عملی در کنار دعوت لفظی

وأمر أهلك بالصلوة واصطبر عليها

وظیفه پایداری بر نماز پس از دعوت دیگران به آن، ممکن است به منظور تأثیر آن در تشویق دیگران به نماز باشد.

اهمیت دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - فراخوانی پیامبر (ص) را، نباید همسنگ با فراخوانی دیگران دانست .

لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء

بعضکم بعضاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که اضافه <دعا> به <الرسول> اضافه مصدر به فاعلش باشد؛ یعنی، دعوت پیامبر(ص) شما را. ...

۲- اجابت دعوت پیامبر (ص)، امری لازم و فراخوانی او، برتر از هر فراخوانی دیگر

لاتجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً

اهمیت قبول دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۳

۳- پاسخ به فراخوانی پیامبر (ص) برای حضور در کنار او، جهت حل و فصل مسائل اجتماعی و مشاوره و کنکاش در آنها، امری لازم و برتر از هر کاری

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنوه .. لاتجعلوا دعاء الرسول ب

مقصود از فراخوانی پیامبر(ص) با توجه به آیه پیش که درباره فراخوانی آن حضرت برای امر جامع و عمومی بود می تواند فراخوانی برای حل و فصل امور اجتماعی و مشاوره پیرامون آنها باشد.

برهان در دعوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱،۹

۱- پیامبر (ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه> یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

۹- انسان برای گرایش به راه خدا، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه

به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحکمه> است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که <وجادلهم> با بیان دیگر و امری مجزاً آمده است.

برهان در دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۷

۷- قانع کردن فکر مخاطب ، با برهانی محکم ، هنگام دعوت به توحید ، از روش های هدایتی قرآن کریم

لا تشرک .. إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ

بی اعتنایی به دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۳

۳ کسانی که آیات الهی و دعوت پیامبر(ص) را ناشنیده می انگارند، مردگانی متحرکند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

به کار رفتن کلمه <الموتی> در برابر <الذین یسمعون> حاکی از آن است که آن دسته که در برابر دعوت پیامبر(ص) به گونه ای رفتار می کنند که گویا اصلاً چیزی نشنیده اند، مرده دلانی هستند که کلمه <الموتی> در خور آنان است.

پاداش دعوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۴

۴ مزد و پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إن أجرى إلا على الله

پاداش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه .. فسوف نؤتیه أجراً عظيماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ،

دارای پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس . . . نؤتیه أجراً عظيماً

پذیرش دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۴

۴ ایمان واقعی مستلزم اجابت دعوت خدا و رسول

يأيتها الذين ءامنوا استجبوا لله و للرسول

مخاطب قرار دادن مسلمانان با وصف ایمان و سپس فرمان به اجابت خدا و پیامبر(ص) می تواند ناظر به برداشت فوق باشد.

پذیرش دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۱۵، ۱۳، ۱۴

۱ اهل ایمان وظیفه دار اجابت و پذیرش دعوت خدا و رسول او هستند .

يأيتها الذين ءامنوا استجبوا لله و للرسول إذا دعاكم

۴ ایمان واقعی مستلزم اجابت دعوت خدا و رسول

يأيتها الذين ءامنوا استجبوا لله و للرسول

مخاطب قرار دادن مسلمانان با وصف ایمان و سپس فرمان به اجابت خدا و پیامبر(ص) می تواند ناظر به برداشت فوق باشد.

۱۳ توجه به علم کامل خداوند بر اندیشه ها ، زمینه ساز اجابت دعوت خدا و رسول و پرهیز از نفاق و دورویی

لا تكونوا كالذين قالوا سمعنا و هم لا يسمعون . . . و اعلموا أن الله يحول

۱۵ توجه انسان ها به حشر قهری ایشان به پیشگاه الهی ، زمینه ساز گرایش آنان به اجابت دعوت خدا و رسول

يأيتها الذين ءامنوا استجبوا . . . و أنه إليه تحشرون

هدف از بیان حشر آدمیان به سوی خداوند پس از <استجیبوا .. >، ایجاد زمینه برای اجابت دعوت خدا و رسول است.

پذیرش دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ اهل ایمان وظیفه دار اجابت و پذیرش دعوت خدا و رسول او هستند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ

۴ ایمان واقعی مستلزم اجابت دعوت خدا و رسول

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

مخاطب قرار دادن مسلمانان با وصف ایمان و سپس فرمان به اجابت خدا و پیامبر(ص) می تواند ناظر به برداشت فوق باشد.

۱۳ توجه به علم کامل خداوند بر اندیشه ها ، زمینه ساز اجابت دعوت خدا و رسول و پرهیز از نفاق و دورویی

لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ .. و اعلموا أن الله يحول

۱۵ توجه انسان ها به حشر قهری ایشان به پیشگاه الهی ، زمینه ساز گرایش آنان به اجابت دعوت خدا و رسول

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا .. و أنه إليه تحشرون

هدف از بیان حشر آدمیان به سوی خداوند پس از <استجیبوا .. >، ایجاد زمینه برای اجابت دعوت خدا و رسول است.

تأکید بر مشترکات در دعوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۳

۲۳ - لزوم تأکید و بهره مندی از باور های مشترک و مورد اتفاق در مقام دعوت دینی

قل ءامنت .. الله ربنا و ربكم

تداوم دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۲

۲ - نوح پیامبر ، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان ، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوری به خدای غفار

تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربکم

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

ترك دعوت به توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۷، ۱۴

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود .

فمن ی نصرنی من الله إن عصيته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فاء> در <فما تزیدوننی ..> فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أتنهننا...> در آیه قبل مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترك ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

۱۷ افزایش اطمینان صالح (ع) به زیان کاری کافران ثمود، تنها دستاورد اصرار آنان بر انصراف او از دعوت به توحید

فما تزیدوننی غیر تخسیر

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <تخسیر> به معنای نسبت دادن خسارت و تباهی باشد، همانند تکفیر و تفسیق که به معنای نسبت دادن کفر و فسق می باشد. بر این مبنا، فاعل <تخسیر> حضرت صالح(ع) است و مفاد جمله <فما تزیدوننی...> چنین خواهد شد: آنچه اصرار شما بر ترك دعوت به توحید، بر من می افزاید این است که شما را در خسارت و تباهی بینم.

ترك دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۴

۴ دعوت نکردن به خیر و ترك امر به معروف و نهی از منکر، موجب روسیاهی

یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر . . . و تسودّ وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور در آن آیات باشد.

جادوگران فرعون و دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنًا برّب هرون و موسی

جادوگران فرعون و دعوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنًا برّب هرون و موسی

حقانیت دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۴

۴ - محتوای دعوت عیسی (ع) و دیگر پیامبران الهی ، غیر قابل خدشه و تردیدناپذیر

قال قد جئتکم بالحکمه

واژه <حکمت> به معنای معارف و احکام متقن و قطعی است.

حقانیت دعوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۴

۴ - محتوای دعوت عیسی (ع) و دیگر پیامبران الهی ، غیر قابل خدشه و تردیدناپذیر

قال قد جئکم بالحکمہ

واژه <حکمت> به معنای معارف و احکام متقن و قطعی است.

حکمت در دعوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱

۱- پیامبر)

ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلى سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه> یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

دعوت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند.

تدعوا من أدبر و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند.

تدعوا من... و جمع فأوعی

<وعاء> (ماده <أوعی>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعی> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

دعوت آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۳

۳ - دعوت آشکارا، کاملاً سرّی، خصوصی و یا عمومی، از روش های تبلیغی، تربیتی و هدایتی

ثمّ إنّی أعلنت لهم و أسررت لهم إسرارًا

دعوت آشکار نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱

۱ - نوح (ع) ، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی) ، مردم را به ایمان فراخواند .

ثمّ إني أعلنت لهم وأسررت لهم إسرارًا

دعوت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۷، ۱۰

۱۰ استدلال ابراهیم (ع) به امامت (میراندن) و احیاء (زنده کردن) پروردگار، بر وحدانیت و ربوبیت وی

اذ قال ابرهیم ربّی الّذی یحیی و یمیت

۱۷ ثابت شدن توحید ربوبی خداوند بر نمود، پس از بیان دلایل روشن توسط ابراهیم (ع)

اذ قال ابرهیم ربّی .. فبهت الّذی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۱

۱ - ابراهیم (ع)، منادی توحید و یکتاپرستی

إِلَّا الّذی فطرنی فإِنَّه سیهدین

دعوت اخروی از امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۸

۸ - فراخوانده شدن هر امت، به سوی نامه اعمال خویش در قیامت

کُلُّ أُمَّه تَدْعی إلی کتبهَا

دعوت ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۲

۲ - ادیان آسمانی، از تعالیم انحرافی مبرّا بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند، اخلاص، اعتدال در دین، اقامه نماز و پرداخت زکات، فرمان داده اند.

و ما تفرّق الذين أوتوا الكتب . . . و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصين له الد

حصر در <إِلَّا ليعبدوا الله>، حصر اضافی و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید، اعتدال، نماز و زکات

است.

دعوت از آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۲،۴

۲- آگاهی و دانش الهی حضرت ابراهیم (ع)، مبنا و مجوز او برای دعوت آزر به پیروی از خود

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي

۴- حضرت ابراهیم (ع)، آزر را به رها ساختن شرک و پیروی از وی فرا خواند.

يَأْتِي إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي

دعوت از ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۸ - ۱،۲

۱ - حضرت ابراهیم (ع) پس از دعوت شدن از سوی قومش برای خروج از شهر به تفکر عمیق در این باره پرداخت.

فَنظَرَ نَظْرَهُ فِي النُّجُومِ

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱ <فَاء> در <فَنظَرَ> عاطفه و جمله <فَنظَرَ..> عطف بر جمله مقدر است و تقدیر آن چنین است: <قال قومه أخرج معنا فنظر...>. ۲ جمله <فَنظَرَ نَظْرَهُ فِي النُّجُومِ>، ضرب المثلی است برای کسی که می خواهد به تفکر بپردازد. از این رو به آسمان می نگرد تا اشیا و موجودات پیرامونش، او را از تفکر درست باز ندارد (لسان العرب).

۲ - حضرت ابراهیم (ع)، به هنگام فراخوانده شدن برای خروج از شهر، به منظور تصمیم گیری در این باره به ستارگان نگرست.

فَنظَرَ نَظْرَهُ فِي النُّجُومِ

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که نگاه حضرت ابراهیم(ع) به ستارگان به معنای حقیقی آن باشد نه کنایه از به تفکر فرو رفتن.

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۹ - ۱،۲

۱ - ابراهیم (ع) ، پس از اندیشه عمیق ، مریض بودن خود را به قومش اعلام کرد .

فنظر نظره فی النجوم . فقال إني سقيم

۲ - مریض بودن ابراهیم (ع) ، به هنگام دعوت شدن از جانب قوم خود برای خروج از شهر

فقال إني سقيم

دعوت از اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

دعوت از اشراف قوم سباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۵

۵ - فراخوانی دربار سبا از سوی سلیمان برای تسلیم شدن در برابر خدای یگانه

بسم الله الرحمن الرحيم .. و أتوني مسلمين

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مسلمین> (به قرینه <بسم الله..>) و نیز آیه ۴۴ (أسلمت مع سلیمان لله) تسلیم شدن در برابر خدا باشد، یعنی، <و أتوني مسلمین لله> .

دعوت از اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - سخن دلسوزانه شعیب (ع) با مردم ایکه ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقواپیشه کنید) بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- دعوت شعیب (ع) از مردم ایکه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <آمین> دعوتی از جانب شعیب (ع) است که مردم به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱،۲

۱- دعوت مجدد شعیب (ع) از مردم ایکه ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۲- شعیب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

برداشت یاد شده از تفریح <اتَّقُوا..> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> به دست می آید.

دعوت از اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۶

۱۶- اقوام کافر ، نه تنها در جواب دعوت انبیا سکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادند بلکه به صراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج ۱۳، ص ۱۹۴)، از ابو عبیده و اخفش، عبارت <فردوا أيديهم في أفوههم> ضرب المثل برای کسی است که جواب مثبت به درخواست نمی دهد و

سکوت اختیار می کند.

دعوت از انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۹

۹ خداوند ، انسان ها را به مطالعه آثار گذشتگان و عبرت گیری از فرجام شوم ستم کاران ، فرا خوانده است .

و ما هی من الظلمین ببعید

بر اساس اینکه مراد از ضمیر <هی> آبادیهای قوم لوط باشد ، هدف از جمله <ما هی . . .> ترغیب انسانها به گذر کردن بر دیار قوم لوط و دیدن آثار عذاب الهی است؛ تا بدین وسیله عبرت گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۳، ۱

۱ - خداوند ، فراخوان مردم به دعا و نیایش به درگاه او

فادعوا الله

۳ - خداوند ، فراخوان انسان ها به عبادت خالصانه او

مخلصین له الدین

طبق گفته مفسران، واژه <دین> در این آیه، به معنای عبادت است. آمدن این واژه در معنای یاد شده از کاربردهای رایج در لغت عرب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۶

۶ - مؤمنان ، وظیفه دار فراخواندن مردم به نجات و رستگاری

و يقوم مالی ادعوکم إلى النجوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵ - آموختن تعالیم قرآن و پایداری بر عمل به

آن ، دعوت خداوند از همه انسان ها است .

إن هو إلا ذكر للعلمين . لمن شاء منكم أن يستقيم

مخاطبان در <منکم> گرچه همان کسانی اند که <این تذهبون> خطاب به آنان بود ولی به قرینه <للعالمین> این رهنمود برای عموم مردم است.

دعوت از اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - حبیب نجار ، مردم انطاکیه را به اقتدا و پیروی از رسولان الهی ، فراخوانده بود .

قال يقوم أتبعوا المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۲

۲ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، مردم را به گوش فرادادن به سخنان خود و تأمل و تفکر در اندیشه ها و باور های خود فراخواند .

فاسمعون

دعوت از اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای ایمان به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا بما نزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱،۱۳

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای پذیرش اسلام و ایمان به پیامبر (ص)

يا اهل الكتب قد جاءكم رسولنا

۱۳ ایمان به قرآن ، دعوت از اهل کتاب

يا اهل الكتب .. قد جاءكم من الله نور و كتب مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱

۱ دعوت خداوند از تمامی اهل کتاب برای ایمان به پیامبر (ص)

ص) و پذیرش اسلام

ياهل الكتب قد جاءكم رسولنا

دعوت از اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۶، ۱۵، ۶

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام شعیب (ع) برای مردم مدین بود.

قال يقوم اعبدوا الله

۱۵ شعیب (ع)، با آگاه ساختن قوم خویش به نبود معبودی جز خدا، آنان را به توحید و ترک شرک دعوت کرد.

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

۱۶ شعیب (ع)، از مردم خویش خواست تا از مقدار پیمانها و وزنها، نگاهند و از کم فروشی بپرهیزند.

و لاتنقصوا المکیال و المیزان

<مکیال> به معنای پیمانهاست. ناقص گذاردن پیمانها، یا به این است که آن را کم حجم تر از حد متعارف بسازند یا پیمانها متعارف را پر نکنند. <میزان> هم به معنای ترازوست. ناقص گذاردن ترازو، یا به این است که وزنها را مورد استفاده در آن کمتر از حد معمول باشد یا جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۲، ۱

۱ شعیب (ع)، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس، پیمانها را پر کنند و از وزنها را ترازو نگاهند.

و يقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

<مکیال> یعنی <پیمانها> و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانها مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به

این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲ شعیب (ع) ، دعوت کننده مردم به برقرار ساختن قسط و عدالت در معاملات خویش

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۳

۳ شعیب (ع) ، مردم مدین را به استغفار از گناهان ، حرکت به سوی خدا و تقرب یافتن به درگاه او فراخواند .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۲

۲ شعیب (ع) از مردم خویش خواست با در نظر گرفتن عزت و شکوه خداوند ، معارف و احکام الهی را بپذیرند .

أرھطی أعرّ علیکم من الله

با توجه به اینکه جمله <أرھطی أعرّ ..> پاسخ شعیب(ع) در برابر <لولا رھطک ...> است، می توان گفت: مقصود او این است که اگر به خاطر عزت خاندانم مرا سنگسار نمی کنید، چرا عزت و شکوه خداوند را که از هر کسی عزتمندتر است در نظر نمی آورید و غیر او را پرستش می کنید و

دعوت از اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۶

۶ - دعوت پیامبر (ص) از مردم مکه برای اندیشیدن درباره جنون نسبت داده شده به آن حضرت

ثمّ تتفکروا ما بصاحبکم من جتّه

مراد از <صاحب>، به قرینه <هو> در عبارت بعدی، پیامبر(ص) است.

دعوت از برادران

یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إِنَّهُ مِنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

دعوت از بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳- خداوند ، فراخوان مؤمنان و بندگان خالص خویش به انفاق اموال خود ، قبل از فرا رسیدن مرگ

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ يَنْفَقُوا ... مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُللَ

دعوت از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند ، بنی اسرائیل را به اقامه نماز و پرداخت زکات دعوت کرد .

يٰۤاِبْنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا .. وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ ءَاتُوا الزَّكَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۸

۸ خداوند از موسی خواست تا قومش را به فراگیری معارف نوشته شده بر الواح و احکام یاد شده در آن فرمان دهد .

وَ أَمْرٌ قَوْمِكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- بنی اسرائیل ، مخاطبان اصلی دعوت موسی (ع) و هدایت آنان ، مهم ترین هدف و وظیفه آن حضرت

و ءاتینا موسی الکتب و جعلنه هدی لبنی اسرائیل

از مجموع آیات مربوط به حضرت موسی (ع) برمی آید که دعوت ایشان، دعوتی فراگیر بوده است و ذکر بنی

اسرائیل در این آیه، می تواند برای این باشد که آنان مخاطبان اصلی دعوت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ - هارون در غیاب موسی (ع) ، بنی اسرائیل را به ترک تبعیت سامری ، و پیروی و اطاعت از خود فرا خواند .

لقد قال لهم هرون من قبل ... فأتبعوني و أطيعوا أمري

دعوت از بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا .. ءاوى إليه أخاه

دعوت از پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۷۸

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فرا خواند .

نادی نوح ابنه و كان في معزل بيني اركب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

بینی اركب معنا و لاتكن مع الكفرین

مراد از <مَعْنَا> همراهِو معیت عقیدتی است نه جسمانی؛ زیرا جمله <اركب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعْنَا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعْنَا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتكن ...> مؤید این معناست.

دعوت از پیروان شیطان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۵

۵ - شیطان ، پیروانش را هرگز رها نمی کند ؛ بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می خواند .

و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است ؛ زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است .

دعوت از پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فيها ... ففعل كذا و كذا و قال اركبوا فيها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت> آورده شد.

دعوت از ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من .. و جمع فأوعى

<وعاء> (ماده <أوعى>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعى> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

دعوت از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تدبير مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهر

ها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا... و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است، یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهرها، مورد پذیرش فرعون

قالوا... و ابعث فی المدائن... فجمع السحرة

دعوت از جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

دعوت از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

كان الشیطن یدعوهم إلی عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند.

تدعوا من أدبر و تولّى

دعوت از حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۷

۷ - عیسی بن مریم (ع) ، از حواریون خواست او را در هدایت خلق به سوی خداوند یاری کنند .

كما قال عیسی ابن مریم للحواریین من أنصاری إلی الله

دعوت از خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال ارکبوا فیها

به نظر می رسد جمله <قال ارکبوا ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کذا و کذا و قال ارکبوا فیها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

دعوت از خبرگان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۶

۶ - فراخوانی خبرگان جوامع شرک پیشه از سوی خدا در قیامت ، برای اقامه برهان و ارائه دلیل روشن بر شرکورزی خویش

فقلنا هاتوا برهنکم

دعوت از خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۱

۱- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

دعوت از دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۷

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم .. و يتوب الله على من يشاء و الله عليم حكيم

دعوت از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ٣١

۲۹ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فأرسلت إليهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتهنّ بآترج و > آت کل واحده منهنّ سکیناً ... < ;

از امام سجّاد(ع) روایت شده است: .. پس همسر عزیز [پیکی] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد ...<.

دعوت از صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنّتی

اضافه <جنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - خداوند در قیامت ، صاحبان قلب مطمئن را شایسته حضور در نزد خود خوانده و آنان را به قرب خویش دعوت خواهد کرد .

ارجعی إلی ربِّک

۲ - خداوند با فراخواندن صاحبان قلب آرام در قیامت به سوی خویش ، جلوه های ربوبیت خود را بر آنان می گستراند .

ارجعی إلی ربِّک

ذکر هر یک از اسمای خداوند در این موارد، بیانگر نوع مواجه شدن افراد با او است و تعبیر <ربِّک>، بیانگر این نکته است که صاحبان نفس مطمئن، مشمول ربوبیت خداوند و کمال افزون تر خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، با دعوت از صاحبان دل آرام و خشنود ، آنان را به جمع بندگان خاص خود بار می دهد .

فادخلی فی عبدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را

به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنَّة> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت از فراریان غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۱

۱ خداوند ، گریختگان از میدان کارزار حنین را به توبه و استغفار فراخواند .

ثم وليتم مدبرين .. ثم يتوب الله من بعد ذلك علي من يشاء

کلمه <ذَلِكْ> در <من بعد ذلك> اشاره به فرار مسلمانان از میدان نبرد حنین دارد. اعلام اینکه خدا توبه فراریان را می پذیرد، فراخوانی آنان به توبه و استغفار از آن خطاست.

دعوت از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۲۱

۲۱ - موسی و هارون (ع) ، محرومیت فرعون از هدایت را به وی گوشزد نموده و او را به پیروی از هدایت دعوت کردند .

والسلم علی من اتبع الهدی

جمله <السلام علی...> خبریه است و به کار بردن عنوان <من اتبع...>، اشاره به نبود این وصف در فرعون و برای ترغیب او به تحصیل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۱

۱ - گفت و گوی فرعون با سران و اشراف مصر ، درباره دعوت موسی از آنان مبنی بر پذیرش خدای یگانه

و قال فرعون يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي

<مألاً> به شخصیت های برجسته و بزرگان قوم

گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۱

۱ - موسی (ع) از جانب خداوند، مأمور راهنمایی فرعون به راه تکامل و درست کاری و ترغیب او به پاکسازی خویش از آلودگی ها

فقل هل لك إلى أن تزكى

زکات به دو معنا است: ۱. نمو ۲. طهارت (مقایس اللغه) و به کسی که صالح و درست کار شود، می گویند <تزکیه> شده است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۲

۲\$ - دعوت فرعون به خشیت از خداوند، از اهداف رسالت موسی (ع)

فتخشی

- دعوت فرعون به خشیت از خداوند، از اهداف رسالت موسی (ع)

دعوت از فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۱

۱ - ایادی و مبلغان فرعون، همه فرعونیان را به هم فکری، اتحاد و به کار بستن تمامی حيله ها، علیه موسی (ع) دعوت می کردند.

فتنزعوا .. قالوا ... فأجمعوا كيدكم ثم اتوا صفًا

از آیات پیشین چنین برمی آید که پس از سخنان موسی (ع)، در بین فرعونیان اختلافاتی بروز کرد (فتنازعوا) و گروه حامیان و مبلغان فرعون درصدد توجیه گروه دیگر برآمدند که نسبت به موسی (ع) و مبارزه با او تردید داشتند. به نظر می رسد <فأجمعوا> نیز از ناحیه همان گروه به عنوان نتیجه سخنان قبلی آنان ابراز شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۱

۱ - گفت و گوی

فرعون با سران و اشراف مصر ، درباره دعوت موسی از آنان مبنی بر پذیرش خدای یگانه

و قال فرعون یاٰیها الملائما علمت لکم من إله غیرى

<ملاً> به شخصیت های برجسته و بزرگان قوم گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۲

۲ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از فراخواندن قوم خود ، به نجات و رستگاری و دعوت آنان از او به سرنوشت هلاکت بار دوزخ

و یقوم مالی أَدعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

استفهام در <مالی> برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمن آل فرعون ، مردم مصر را به خدای عزیز و غفار خواند .

و أنا أَدعوکم إلی العزیز الغفّر

دعوت از قاتلان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، گنه کاران حتی قاتلان مردم مؤمن را به توبه دعوت کرده است .

ثمّ لم یتوبوا

بیان اختصاص عذاب به کسانی که توبه نکرده اند، ترغیب به توبه است.

دعوت از قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به پرستش خداوند پس از نهی آنان از بت پرستی

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إنما تعبدون من دون الله آوثناً... و اعبدوه

۱۲ - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به سپاسگزاری به درگاه خداوند

و ابرهیم إذ قال لقومه

... و اشکروا له

دعوت از قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۴ - ۱

۱ - الیاس (ع)، قومش را به تقوایبیشگی فراخواند .

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَأَتَّقُونَ

دعوت از قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۶

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قَالَ يَقُومِ اعْبُدُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۵

۵ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قَالَ يَقُومِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۷

۷ حضرت صالح (ع)، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أَتَنْهَأُنَّ أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

استفهام در <أَتَنْهَأُنَّ أَنْ نَعْبُدَ...> استفهام توییحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع) با ثمودیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ - فراخوانی

صالح (ع) قومه را، به پذیرفتن رسالت وی، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون>؛ (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ . . . فَاتَّقُوا اللَّهَ

۲ - صالح (ع)، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۱

۱ - فراخوانی مجدد صالح ثمودیان را برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ . . . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۵

۵ - دعوت به پرستش خدای یگانه، مهم ترین و نخستین پیام صالح برای ثمودیان

و لقد أرسلنا إلى ثمود . . . أن اعبدوا اللَّهَ

اهمیت پیام و نخستین بودن آن از این جهت استفاده می شود که آیه شریفه دعوت به خداپرستی را در رأس همه پیام ها و

قبل از هر پیام دیگر آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۲

۲ - فرستادگان الهی (هود و صالح) ، مبلغ توحید در میان قوم عاد و ثمود

إذ جاءتهم الرّسل .. ألاّ تعبدوا إلّا الله

دعوت از قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۵

۵ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام هود (ع) برای قوم عاد

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ هود (ع) ، قومش را به اندیشه کردن و فهمیدن حقایق و معارف دین فراخواند .

أفلاتتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ هود (ع) از قوم عاد خواست تا از دعوتش (پذیرش توحید ، یکتاپرستی و ترک شرک و استغفار از گناهان) اعراض نکنند و بر گناه خویش اصرار نورزند .

و لاتتولوا مجرمين

<تولّى> (مصدر لاتتولوا) به معنای اعراض کردن و نپذیرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۲

۲ هود (ع) ، همه مشرکان قوم عاد و خدایان آنان را ، به توطئه و مبارزه علیه خویش فرا خواند .

فکیدونی جمعاً

چون در آیه قبل ، سخن از مشرکان و نیز بت‌های آنان بود ، مقصود از <جمعاً> تمامی مشرکان و همه بت‌هاست .

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه هود (ع) با عادیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم هود ألا تتقون

قید <أخوهم> و وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۵ - ۲

۲ - دعوت هود (ع) از قومش مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تتقون . إني لكم رسول أمين

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أمین> دعوتی است از جانب هود(ع) به قومش که به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از عادیان ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم هود ألا تتقون .. فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از قوم عاد ، برای اطاعت از وی ، رعایت تقوای الهی و پرهیز از بیهودگی ، غرور و خشونت

أتبنون .. تعبثون ... بطشتم جبارين . فاتقوا الله و أطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- فرستادگان الهی (هود و صالح) ، مبلغ توحید در میان قوم عاد و ثمود

إذ جاءتهم الرّسل . . . ألاّ تعبدوا إلّا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۵

۱۵- هود (ع) ، پیامدار توحید و خداپرستی برای قوم خویش

و اذکر أخوا عاد إذ أنذر قومه بالأحقاف . . . ألاّ تعبدوا إلّا الله

در برداشت یاد شده <ألاّ تعبدوا..> ادامه اندازها و سخنان هود(ع) دانسته شده است. در این صورت تنها جمله <وقد خلت النذر...> جمله معترضه می باشد.

دعوت از قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاّ تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألاّ تتقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَاتتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <أَمِينٌ> می تواند از ریشه <أَمِنَ> و به معنای

<مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۱،۴

۱ - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون .. فاتقوا الله

۴ - لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتقوا الله و أطيعون

تفریع <اتقوا الله> بر <إني لكم رسول أمين> بیانگر مطلب یاد شده است.

دعوت از قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۵

۵ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه، نخستین و مهم ترین سخن نوح (ع) با قوم خویش

فقال يقوم اعبدوا الله .. أفلا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۲

۲ - سخن گفتن دلسوزانه نوح (ع) با قوم خویش، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

إِنِّي لَكُمْ رَسُول

<أَمِين> می تواند از ریشه <أَمِنَ> و به معنای <مأْمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أَمِين> دعوتی است از جانب نوح(ع) به قومش که به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱،۵

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُم أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

۵ - نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۱

۱ - نوح (ع) ، خواهان گرایش قومش به اطاعت از وی و رعایت تقوای الهی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، مردم را به عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از خود ، فرا می خواند .

أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۵ - ۳

۳ - دعوت شبانه روزی حضرت نوح (ع) ، از قوم خود برای ایمان به خدا

قال ربّ إنّى دعوت قومى ليلاً ونهراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱ - تلاش

مستمر نوح (ع)، برای ایمان آوردن قومش، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت.

فلم یزدهم دعای إلا فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱،۲

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثمّ إني دعوتهم جهارًا

<جهار> اسم مصدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سخن به کار رود، به معنای صدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

۲ - دعوت نوح (ع) در میان قومش، در آغاز به صورت سرّی و بی سروصدا بود.

و إني كلما دعوتهم... و استکبروا استکبارًا. ثمّ إني دعوتهم جهارًا

دعوت نوح(ع) با صدای بلند و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مستکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی، سرّی و بی سروصدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۲

۲ - نوح (ع)، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند.

ثمّ إني أعلنت لهم و أسررت لهم إسرارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ -

۱- نوح (ع)، قومش را به استغفار و آمرزش خواهی به پیشگاه خداوند فرامی خواند .

فقلت استغفروا ربکم

۲- نوح پیامبر، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوری به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربکم إنه کان غفّارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

دعوت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱

۱ فراخوانی خداوند کفرپیشگان را به پیروی از قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۴

۴ خداوند، فراخوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يتوب الله على من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۲

۲- فراخوانده شدن کافران به تدبیر و اندیشه در آیات قرآن و پرهیز از داوری های نسنجیده درباره آن

أفلم يدبروا القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۴

۴ - اتکای کافران به حس و تجربه عذاب ، علی رغم فرا خوانده شدن به تعقل و تدبر در فرجام شوم مجرمان تاریخ

فانظروا كيف كان عقبه المجرمين . . . و يقولون متى هذا الوعد إن

کنتم صدقین

علی رغم این که خداوند از کافران مکه می خواهد تا با مطالعه تاریخ و تدبر در فرجام مجرمان گذشته، درس عبرت بگیرند و بینش خود را تصحیح کنند، آنان برای پی بردن به حقانیت وعده الهی، خواهان لمس و شهود عذاب می شوند و تعیین زمان آن را می طلبند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد .

من یأتیه عذاب یخزیه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت الله أكبر .. إذ تدعون إلى الإیمن فتكفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمر کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بآئه إذا دعی الله وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۳

۳ - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرء یتیم النار الّتی تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

دعوت از کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما کتتم تکسیون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دعوت از کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۳

۳ - کافران صدراسلام ، به بهره مند شدن از رحمت و لطف خدا در سایه پرهیز از گناهان فراخوانده شدند .

و إذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم لعلكم ترحمون

دعوت از گمراهان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ - دعوت گمراهان به راه هدایت و صراط مستقیم ، وظیفه الهی تمامی ره یافتگان به آن

و ادع إلى ربك إنك لعلی هدی مستقیم

جمله <إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٌ> تعلیل برای <و ادع إلى ربك> است؛ یعنی، چون تو بر طریق هدایت و در صراط مستقیم هستی، آن گمراهان شرک پیشه را به سوی پروردگارت دعوت کن، تا شاید از ضلالت و گمراهی نجات یابند و به راه تو باز گردند.

دعوت از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من أدبر و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من .. و جمع فأوعی

<وعاء> (ماده <أوعی>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعی> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، گنه کاران حتی قاتلان مردم مؤمن را به توبه دعوت کرده است .

ثمّ لم یتوبوا

بیان اختصاص عذاب به کسانی که توبه نکرده اند، ترغیب به توبه است.

دعوت از متخلفان مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱

۱ - دعوت خداوند از متخلفان سفر حدیبیه

، برای شرکت در جنگی دشوار به منظور جبران گذشته خود

قل للمخلفین . . . ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

دعوت از متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۱

۱- دعوت از تقوایپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقین فی جَنّت و عیون

<باء> در <بسلام> در معنای <مصاحبت> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۳

۱۳- دعوت فرشتگان از تقوایپیشگان به هنگام قبض روح آنان ، برای ورود به بهشت

المتّقین . الذین تتوفّهم الملائکه طیّین یقولون ... ادخلوا الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۳

۱۳ - دعوت دربانان بهشت از تقوایپیشگان برای ورود به آن

قال لهم خزنتها .. فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۳

۳ - دعوت خداوند از تقوایپیشگان ، برای ورود آنان همراه با همسرانشان به بهشت

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۱

۱ - تقوایندگان ، مورد تکریم و دعوت الهی برای بهره‌وری آزاد از نعمت های بهشتی

کلوا و اشربوا

دعوت از مجادله گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱

۱ - در صورت دعوت از مجادله گران درباره خدا برای

پیروی از تعالیم آسمانی ، آنان ، خود را پیرو آیین نیاکان شان معرفی می کنند .

الناس من يجدل في الله بغير علم .. و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا

دعوت از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان پیامبر (ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت و مقاومت در برابر مشرکان و آزار های آنان

فاصبر

بیان سرگذشت نوح(ع) و سپس دعوت کردن پیامبر(ص) به صبر و مقاومت ، گویای این است که: مصداق مورد نظر برای <صبر> تحمل مشکلات و مشقتهاى تبلیغ رسالت و مقاومت در برابر آزارها و کارشکنیهای مخالفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۱

۱ خداوند ، پیامبر (ص) را به اندیشه و تحلیل در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و رسالت آن حضرت ، فراخواند

انظر كيف ضربوا لك الأمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان پیامبر (ص) به رویکرد تمام عیار به دین اسلام

فأقم وجهك للدين حنيفاً

احتمال دارد <ال> در <الدين> عهد بوده و مراد از آن، اسلام باشد. لازم به گفتن است که مراد از <إقامة وجه> اقبال و روی آوردن به چیزی با تمام توجه و بدون نظر به چیز دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- دعوت از پیامبر (ص) برای رعایت تقوا و پرهیز از تبعیت از کافران، دعوتی خطیر بود.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ

منادا، وقتی با <أَيُّهَا> آورده می شود، یا به خاطر از غفلت بیرون آوردن منادا است و یا به خاطر خطیر بودن ندا، چون درباره پیامبر(ص) غفلت، صادق نیست، به خصوص با توجه به این که از او به <النَّبِيِّ> تعبیر شده است، پس نکته دوم باعث شده است که خطاب به پیامبر، با واژه <أَيُّهَا> صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۲

۲- هشدار خداوند به پیامبر (ص)، درباره تن دادن به درخواست مشرکان مبنی بر عبادت غیر او

قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ .. لئن أشركت ليحبطن عملك

از ارتباط این آیه با آیه قبل که در آن مشرکان از پیامبر(ص) خواسته بودند که غیر خدا را عبادت کند برداشت بالا به دست می آید.

دعوت از مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطَانُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا

<فِي الْأَرْضِ> متعلق به <استهوى> است، و <استهوى فِي الْأَرْضِ> به معنی عقل او را در بیابان ربنده اند، می تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب يدعونه> ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق

احتمال دوم برگزیده شده است.

دعوت از مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۲

۲ فراخوانی مردم به خدا و سوق دادن آنان به سوی او ، وظیفه پیامبر (ص) و راه و رسم او بود .

أدعوا إلى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۳

۳ - حل و فصل امور مهم اجتماعی و فراخوانی مردم برای مشاوره و کنکاش پیرامون مسائل عمومی ، از وظایف و اختیارات پیامبر (ص) و رهبری جامعه اسلامی

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا

دعوت از مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۴

۴ - فراخوانده شدن مردم صدر اسلام به توحید و تلاوت شدن آیات قرآن بر آنان از سوی مؤمنان

و إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَتَنَا .. بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَتَنَا

دعوت از مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ رنج و اندوه پیامبر (ص) از مشکلات مسلمانان ، در عین فراخوانی آنان به جنگ با دشمنان و تحمل سختی های نبرد

رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

با توجه به اینکه در آیات قبل، سخن از جنگ تبوک و مشکلات توان فرسای آن بود و پیامبر(ص) مؤمنان را به شرکت در آن فرمان داده بود، یادآوری خصلتهای پیامبر(ص) در پایان این بخش، می تواند اشاره

به برداشت فوق باشد.

دعوت از مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۴

۴ - دعوت پیامبر (ص) از مؤمنان، برای شرکت در سفر مکه (قبل از صلح حدیبیه)

سيقول لك المخلفون من الأعراب

از واژه <مخلفون> و عذر تراشی های آنان، استفاده می شود که پیامبر(ص) برای این سفر، دعوت همگانی کرده است.

دعوت از مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۱

۱ دعوت خداوند از معتقدان به تثلیث و الوهیت مسیح (ع)، برای استغفار و بازگشت به خدا

افلا يتوبون إلى الله و يستغفرونه

به قرینه آیات پیشین (قالوا ان الله هو المسيح .. قالوا ان الله ثالث ثلثه) فاعل <یتوبون...> مسیحیان هستند و متعلق توبه و استغفار، عقیده به الوهیت مسیح(ع) و تثلیث می باشد.

دعوت از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۶

۶ دعوت خداوند از مشرکان و قائلان به تثلیث جهت گرایش به توحید و یکتاپرستی

ما من اله الا اله وحد و إن لم ينتهوا عما يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٤ خداوند ، فراخوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يتوب الله على من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - یونس - ١٠ - ٥١ - ٥

خداوند ، مشرکان را از پافشاری بر کفر برحذر داشته و به آنان هشدار داد که تا پیش از نزول عذاب استیصال ، متنبه شده و ایمان بیاورند .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰- خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإلّم يستجیبوا لکم فاعلموا .. فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۲

۲- دعوت خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء ینفیئوا ظلله

مرجع ضمیر <یروا> در این برداشت <مشرکان> می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- حج - ۲۲ - ۶۷ - ۷

۷- خداوند ، به پیامبر (ص) دستور داد که از مشرکان بخواهد به جای ستیزه جویی با وی و مخالفت با حدود و مقررات الهی ، به سوی خدای یگانه بازگردند و به پرستش او برخیزند .

فلاینز عنک فی الأمر و ادع إلی ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- حج - ۲۲ - ۷۳ - ۲

۲- فراخوانی مشرکان برای استماع ضرب المثل خداوند ، در تبیین سستی بنیان اندیشه شرک

یأیها الناس ضرب مثل فاستمعوا له

۱۰ - خداوند ، خواهان دلیلی قاطع و قانع کننده از سوی مشرکان برای عقیده ناروای شرک

أءله مع الله قل هاتوا برهنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۴ - ۳

۳ - فراخواندن مشرکان از سوی خداوند ، برای یاری خواستن از معبودهایشان در قیامت .

و قيل ادعوا شركاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان را به ارائه مخلوقات معبودان شان ، فرا می خواند .

فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۴

۴ - خداوند ، فراخوان مشرکان به مطالعه درباره مسخر بودن موجودات و نعمت های فراوان خدادادی جهت راه یافتن به

توحید

هذا خلق الله فأرونی ماذا خلق الذین من دونه. .. ألم تروا أنّ الله سخر لكم ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فراخوان مشرکان به آزمودن ناتوانی خدایانشان از طریق دعای خود

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد .

من یأتیة عذاب یخزیه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده

در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بآئنه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۲

۲ - فراخوانی مشرکان از سوی خداوند ، به اندیشه و تأمل درباره پوچی مکتب شرک

أفرء یتیم اللّٰت و العزّٰی

از واژه <أفرأیتم> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

دعوت از مشرکان پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دعوت از مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۰

۱۰- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان

، جهت به دست آوردن حقانیت وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً .. فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مخاطب فعل <فسئلوا> به قرینه آیات قبل که درباره مشرکان بود می تواند مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۸

۸- دعوت خداوند از مشرکان مکه ، مبنی بر پرسش از آگاهان در زمینه بشر بودن پیامبران پیشین

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور ترک مناظره و منازعه با مشرکان لجوج مکه و دعوت ایشان به مسالمت اجتماعی با مسلمانان

فاصفح عنهم و قل سلم

با توجه به مفهوم <سلام> که به معنای مسالمت است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

دعوت از مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۱

۱ - دعوت خداوند ، از منکران قرآن برای هموردی با مضامین بلند آن

فلیأتوا بحدیث مثله

دعوت از مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۸ - ۲

۲ - دعوت از منکران معاد ، به مطالعه در آب نوشیدنی و کیفیت قرار گرفتن آن در دسترس آنان برای پی بردن به قدرت الهی

أفرء یتیم الماء الذی تشرّبون

خطاب در این بخش از آیات، متوجه کافران و منکران معاد است. دعوت از آنان برای مطالعه در نقش آب شرب در زندگی بشر، بدان منظور است که آنان پی به قدرت الهی ببرند

و بدین وسیله از انکار رستاخیز که از غفلت کردن از قدرت الهی نشأت می گیرد دست بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۳

۳ - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرءیتم النار التي تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

دعوت از ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۵

۵ - فراخوانی دربار سبا از سوی سلیمان برای تسلیم شدن در برابر خدای یگانه

بسم الله الرحمن الرحيم .. و أتونی مسلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مسلمین> (به قرینه <بسم الله..>) و نیز آیه ۴۴ (أسلمت مع سلیمان لله) تسلیم شدن در برابر خدا باشد، یعنی، <و أتونی مسلمین لله>.

دعوت از منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۹

۹ - خداوند ، منافقان را به فرمان بری شایسته به جای سوگند بر انجام کار خیر فراخوانده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجنَّ قل لا نقسموا

<طاعه معروفه> یا مبتدا برای خبر محذوفی همچون <خیر من قسمکم> و یا خبر برای مبتدای محذوفی مانند <أمرنا>

است. در هر صورت این جمله نوعی فراخونی از جانب پروردگار

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان منافقان به اطاعت از خدا و رسول او و پرهیز از سرپیچی فرمان های ایشان

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا

دعوت از منافقان به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) فراخوان منافقان به ایمانی ، همانند ایمان توده مردم

و إذا قيل لهم ءامنوا كما ءامن الناس

چون در آیه بعد، مطرح شده که منافقان در برابر مردم اظهار ایمان می کنند، این احتمال رخ می دهد که گفتگوی مطرح شده در این آیه که در آن منافقان ابراز بی ایمانی می کنند میان پیامبر (ص) و اهل نفاق بوده است.

دعوت از منافقان توطئه گر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۹

۱۹ خداوند ، فراخوان منافقان مرتد و توطئه گر ، به توبه و بازگشت به دامن اسلام

فإن يتوبوا يك خيراً لهم

دعوت از منافقان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۱

۱ - دسته ای از منافقان صدراسلام ، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (ص) میان آنان ، از پذیرش آن خودداری می کردند .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

دعوت از منافقان مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ -

۱۹ خداوند ، فراخوان منافقان مرتد و توطئه گر ، به توبه و بازگشت به دامن اسلام

فإن يتوبوا يك خيراً لهم

دعوت از موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱

۱ - خداوند ، پس از نجات بنی اسرائیل از سیطره فرعونیان ، موسی (ع) را برای عبادت و مناجاتی خاص فرا خواند .

و إذ وعدنا موسی أربعین ليله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب) - با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن، از کلمه <یوم> (روز) استفاده می شود - اشاره به این معنا دارد که: وعده خدا با موسی (ع) برای عبادت و مناجات بوده است. از آن جا که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل نیز اعمال عبادی داشته، معلوم می شود آن دعوت برای عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۷، ۴، ۱

۱ - بازگشت یکی از دختران شعیب نزد موسی به فرمان پدر

فجاءته إحدىهما .. قالت إنَّ أباي يدعوک

۴ - دختر شعیب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع)

قالت إنَّ أباي يدعوک

۵ - دعوت شعیب از موسی ، برای پرداختن مزد در قبال آب دادن وی به گوسفندانش

إنَّ أباي يدعوک لیجزیک أجر ما سقیت لنا

۷ - پذیرش دعوت شعیب از سوی موسی (ع) و رفتن وی به نزد او

قالت إنَّ أباي يدعوک .. فلما جاءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۴

۴ - دعوت خداوند

از موسی (ع)، به حفظ آرامش و دور ساختن ترس از خود

و اضمم إليك جناحك من الرهب

<جناح> کنایه از <بازو> یا <دست> است. <رهب> نیز معادل <خوف> و <ال> در آن برای عهد است و اشاره به ترسی دارد که بر موسی(ع) در وادی طور، به خاطر مواجه شدن با چیزهای ناگهانی و دور از انتظار، غلبه یافته بود. بنابراین <واضمم إليك...> یعنی، برای فائق آمدن بر این ترسی که بر تو مستولی شده، بازوانت را به خودت بچسبان.

دعوت از مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۲

۲ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از فراخواندن قوم خود، به نجات و رستگاری و دعوت آنان از او به سرنوشت هلاکت بار دوزخ

و یقوم مالی ادعوکم إلى النجوه و تدعوننی إلى النار

استفهام در <مالی> برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱

۱ - مردم مصر (قبطیان و فرعونیان)، مؤمن آل فرعون را به کفر و شرک به خدا فراخواندند.

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به

دعوت از مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸

۸ خداوند، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن الله مع الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ خداوند ، فراهوان مؤمنان به رعایت تقوا و پرهیز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

۲ خداوند ، فراخوان مؤمنان به راستی و درستی در گفتار و عمل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. كونوا مع الصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۲

۱۲- انبیای الهی به اقوام خود اعلام کردند مؤمنان باید تنها خداوند را تکیه گاه خویش قرار بدهند و بر او توکل کنند .

و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳- خداوند ، فراخوان مؤمنان و بندگان خالص خویش به انفاق اموال خود ، قبل از فرا رسیدن مرگ

قل لعبادی الذین ءامنوا .. و ینفقوا ... من قبل أن یأتی یوم لایبع فیہ و لا خلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱

۱ - فراخوانی اهل ایمان به اقامه نماز از سوی خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا

<رکوع> (مصدر <ارکعوا>) و نیز <سجود> (مصدر <اسجدوا>) به معنای خضوع و اظهار تذلل می باشد؛ لکن رکوع اظهار تذلل به صورت خم شدن و سجود اظهار خضوع به صورت بر زمین گذاشتن پیشانی است. متعلق <ارکعوا> و <اسجدوا> حذف شده و تقدیر آن به قرینه <واعبدوا ربکم>، <ارکعوا و اسجدوا لربکم> می باشد. گفتنی است اظهار خضوع برای خداوند به صورت رکوع و سجود، در موارد دیگر <صلاه> نامیده شده است. بنابراین <ارکعوا و اسجدوا> کنایه از <صلوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۰

۳۰ - خداوند ،

فراخوان تمامی مؤمنان به توبه و بازگشت به درگاه خویش

و توبوا إلى الله جميعاً أيّه المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱

۱ - < حرف شنوا و مطیع هستیم > ، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (ص)

إنّما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و

فعل مضارع < يقولوا > همراه با فعل < كان > بر استمرار و کلمه < إنّما > که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند بر حصر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فراخواندن مؤمنان به تقوای پیشگی و پرواداشتن از پروردگار

قل يعباد الذين ءامنوا اتقوا ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - دعوت خداوند از اهل ایمان ، به انفاق بخشی از دارایی های خود و نه همه آن

و الذين استجابوا لربهم .. و ممّا رزقنهم ينفقون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که < مِنْ > در < ممّا > برای تبعیض باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۱

۱ - دعوت خداوند ، از مؤمنان برای جهاد و یاری دین

يأيتها الذين آمنوا إن تنصروا الله ينصركم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱- دعوت الهی از مؤمنان ، به

انفاق ، مواجهه با بخلورزی برخی از آنان

هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا .. فمنكم من يبخل

۲- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق در مسیر جهاد *

تدعون لتنفقوا فی سبیل الله

با توجه به این که آیات پیشین درباره جهاد می باشد، ممکن است مراد از <فی سبیل الله> نیازهای مالی جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱،۴

۱ - خداوند ، مؤمنان را به یاری خود فراخوانده است .

يأيتها الذين ءامنوا كونوا أنصار الله

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يأيتها الذين ءامنوا كونوا أنصار الله كما قال عيسى ابن مريم .. قال الحواریون

دعوت از همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف (ع) ، هم بندگان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

يصحبي السجن ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد

دعوت از همسران متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۳

۳ - دعوت خداوند از تقوایپیشگان ، برای ورود آنان همراه با همسرانشان به بهشت

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجكم

دعوت از همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - همسران پیامبر ، وظیفه داشتند که تقوای الهی را رعایت کنند .

و اتقین الله

دعوت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهنّ> یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه .. و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> یعنی، تا یوسف (ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به

أستخلصه لنفسي فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند / ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

دعوت از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، یهودیان را به پذیرش اسلام و ایمان آوردن به قرآن فرا می خواند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله

فاعل <قيل> به قرینه <قل فلم تقتلون> (در ذیل آیه) پیامبر است / یعنی: و إذا قلت لهم ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۵

۵ - خداوند توسط پیامبر (ص) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود (این که آنان دوستان خدایند) ، آرزوی مرگ کنند .

قل یا أيها الذین هادوا.. فتمنوا الموت إن كنتم صدقین

دعوت از مردم دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- خداوند ، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان ، فرا خواند .

و علمنه صنعه لبوس لكم .. فهل أنتم شكرون

استفهام در جمله <فهل أنتم شاکرون>، متضمن معنای امر است.

دعوت اسماعيل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - مريم - ١٩ - ٥٥ - ١

١- اسماعيل صادق الوعد ، همواره

خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

دعوت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۹

۹ فراخوانی امت ها به پیروی از فرمان های خداوند سرلوحه رسالت انبیا و یکی از وظایف آنان

یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا اجبتم

دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۸، ۱۲، ۱۱، ۶

۶ پیامبر (ص) ، مأمور دعوت اهل کتاب و مشرکان مکه و درس نخواندگان فاقد کتاب به تسلیم در برابر خدا

و قل للذین اوتوا الكتاب و الامین ءاسلمتم

۱۱ پیامبر (ص) ، نگران عدم ایفای رسالت خویش ، به صرف ابلاغ دین به مردم

و ان تولوا فأنما علیک البلاغ

بنابراینکه <فأنما علیک البلاغ>، در برابر نگرانی پیامبر (ص) از انجام وظیفه باشد.

۱۲ وظیفه پیامبر (ص) ، تنها ابلاغ پیام خدا به مردم است نه مجبور ساختن ایشان به ایمان .

فأنما علیک البلاغ

۱۸ ابلاغ دین از سوی پیامبر (ص) ، اتمام حجت خداوند بر مردم

فأنما علیک البلاغ و الله بصیر بالعباد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ تشویق خداوند به تبعیت و تصدیق و قبول دعوت پیامبر اکرم (ص)

قل ان كنتم تحبون الله فاتَّبِعُونِي

امير المؤمنين (ع): .. فقال تبارك و تعالی فی التحریض علی اتباعه و الترغیب فی تصدیقه

و القبول لدعوته <قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني>.

کافی، ج ۸، ص ۲۶، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۸۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۶

۶ معجزات روشنگر انبیای الهی، نشانه صدق دعوی رسالت آنان

بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ عیسی (ع) پس از ارائه معجزات، بنی اسرائیل را از مخالفت با خدا بر حذر داشت و به اطاعت خویش دعوت کرد.

و جئتکم بایه من ربکم فاتقوا الله و اطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۰، ۲

۲ دعوت پیامبر (ص) از اهل کتاب به توحید در عبادت، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند

یا اهل الکتاب تعالوا... و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

۱۰ مأموریت پیامبر (ص) بر دعوت اهل کتاب به آزاداندیشی و داشتن شخصیت مستقل انسانی

تعالوا... و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۰، ۹، ۷

۷ پیامبران، مردم را تنها به بندگی خدا دعوت می کردند.

ما كان لبشر . . . ثم يقول للناس كونوا عباداً لي من دون الله و لكن كونوا ربّانين

۹ ناسازگاری مقام نبوت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما كان

لبشر .. ثم يقول للناس كونوا عباداً لى من دون الله

۱۰ عبودیت برای خداوند و نفی آن از غیر او محور اصلی دعوت انبیا

ما كان لبشر .. ثم يقول للناس كونوا عباداً لى من دون الله و لكن كونوا ربّائين

ربانى كسى است كه با ربّ ارتباط شديد داشته و او را بسيار عبادت كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۰ - ۱،۷

۱ پیامبران ، كسى را به برگزیدن فرشتگان و انبیا به عنوان ربّ ، فرمان نداده اند .

ما كان لبشر .. و لا يامرکم ان تتخذوا الملائكة و التّبين ارباباً

۷ توحيد و تسليم در برابر خداوند ، روح دعوت انبیا

و لا يامرکم ان تتخذوا .. ايامرکم بالكفر بعد اذ انتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۲۲

۲۲ پیامبران موظفند مردم را در جريان ميثاق اكيد الهى از آنان ، در مورد ايمان به انبیا و نصرت آنان ، بگذارند .

و اخذتم على ذلكم اصرى .. فاشهدوا و انا معكم من الشّاهدين

بنابراينكه <فاشهدوا>، يعنى شهادت دهيد در برابر امتهاى خود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ دعوت پیامبر اکرم (ص) از پیروان ادیان الهی به وحدت عقیدتی و فرق نگذاشتن میان انبیای الهی در جهت ايمان به آنان

لا نفرّق بين احد منهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ ایمان به ربوبیت خداوند ، از دعوت های اساسی انبیا

سمعنا منادياً ينادي للایمان ان امنوا برَبِّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۷

۷ تقویت روحی پیامبر اسلام (رهبران و مبلغان دین) ، با یادآوری مخالفت برخی از مردم در برابر دعوت انبیای گذشته *

فمنهم من امن به و منهم من صدّ عنه

بیان موضوعیهای متفاوت مردمان در برابر پیامبران (ایمان و کفر) می تواند برای دلداری آن حضرت باشد که پیامبران گذشته نیز با چنین مردمی روبرو بودند و همچنان مقاومت می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۱

۱۱ پیامبران الهی منزّه از دعوت به پرستش خود و خدا خواندن خویش

ما یكون لی ان اقول ما لیس لی بحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۶

۶ دعوت خدا و رسولش دارای هویتی واحد برای هدایت انسان ها به حیات واقعی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۱

۱۱- پیامبران ، مأمور پایداری در مسیر تبلیغ و ماندن در

میان مردم و جامعه خویش تا آخرین مرحله

و ذالنون إذ ذهب مغضباً فظنّ أن لن نقدر عليه

توییح شدن یونس (ع) به خاطر ترک قوم خویش، قبل از این که فرمانی در این زمینه از جانب خداوند دریافت کند؛^۱ برای این نکته دلالت دارد که پیامبران مجاز به ترک مأموریت و مردم خود، قبل از آمدن فرمان و رخصت از جانب خداوند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- دعوت به توحید و انذار از عواقب شرک ، محور اصلی و مشترک دعوت پیامبران

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

بنابراین که <أَلَّا تَعْبُدُوا..> در ادامه <و قد خلت النذر> و مصداق انذار آنان باشد و نه صرفاً ادامه سخن هود برداشت بالا به دست می آید.

دعوت انبیا و اخلاالگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۵

۵ وجود دو گروه مؤمن و اخلاالگر در برابر دعوت پیامبران در طول تاریخ

فمنهم من امن به و منهم من صدّ عنه

دعوت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۸

۸ - ناتوانی مردم انطاکیه در برابر دعوت به حق و پیام روشن پیامبران خود

و ما علينا إلاّ البلغ المبین . قالوا ... لترجمنکم و لیمسننکم منا عذاب أليم

تهدید به سنگسار و شکنجه کردن پیامبران، در برابر سخن به حق و پیام روشن آنان، گویای حقیقت یاد شده است.

دعوت انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری

از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبينت ثم ان كثيرا منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

دعوت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ تبلیغات یاوران خداترس موسی (ع) (یوشع و کالب) به هدف برانگیختن و بسیج بنی اسرائیل برای هجوم به سرزمین مقدس و نبرد با زورگویان

قال رجالان .. ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بینی اسرئیل قد أنجینکم .. و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

دعوت به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۴

۴ - نخستین پیام شعیب (ع) به مردم مدین ، دعوت به خداپرستی و امیدواری به روزواپسین بود .

إلی مدین أخاصم شعیباً فقال یقوم اعبدوا الله و ارجوا الیوم الآخر

دعوت به آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۴

۴ - دعوت خداوند از موسی

(ع)، به حفظ آرامش و دور ساختن ترس از خود

و اضمم إليك جناحك من الرهب

<جناح> کنایه از <بازو> یا <دست> است. <رهب> نیز معادل <خوف> و <ال> در آن برای عهد است و اشاره به ترسی دارد که بر موسی(ع) در وادی طور، به خاطر مواجه شدن با چیزهای ناگهانی و دور از انتظار، غلبه یافته بود. بنابراین <واضمم إليك...> یعنی، برای فائق آمدن بر این ترسی که بر تو مستولی شده، بازوانت را به خودت بچسبان.

دعوت به اتحاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۱

۱ - ایادی و مبلغان فرعون ، همه فرعونیان را به هم فکری ، اتحاد و به کار بستن تمامی حيله ها ، علیه موسی (ع) دعوت می کردند .

فتنزعوا .. قالوا ... فأجمعوا كيدكم ثم اتوا صفًا

از آیات پیشین چنین برمی آید که پس از سخنان موسی(ع)، در بین فرعونیان اختلافاتی بروز کرد (فتنازعوا) و گروه حامیان و مبلغان فرعون در صدد توجیه گروه دیگر برآمدند که نسبت به موسی(ع) و مبارزه با او تردید داشتند. به نظر می رسد <فأجمعوا> نیز از ناحیه همان گروه به عنوان نتیجه سخنان قبلی آنان ابراز شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور به دعوت مردمان به اقامه دین و پرهیز از اختلافات و تفرقه در آن

أن أقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه .. فلذلك فادع

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ذلك> اشاره به جمله <أقيموا

الدین و... > باشد. گفتنی است که بر این مبنا لام >لذک> به معنای >إلی> خواهد بود.

دعوت به اجابت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان انسان ها به اجابت دعوت خویش

استجیبوا لرّبکم

دعوت به اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ هود (ع) از قوم عاد خواست تا از دعوتش (پذیرش توحید ، یکتاپرستی و ترک شرک و استغفار از گناهان) اعراض نکنند و بر گناه خویش اصرار نورزند .

و لاتتولوا مجرمین

>تولّی> (مصدر لاتتولوا) به معنای اعراض کردن و نپذیرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۵

۱۵ شعیب (ع) ، با آگاه ساختن قوم خویش به نبود معبودی جز خدا ، آنان را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف (ع) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

يصحبي السجن ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ٥١ - ٤

٤- دعوت به توحيد و نفى شرك ، روح اديان الهى

و قال الله لاتتخذوا إلهين اثنين إنما هو إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - حج -

۶- توحید و یکتاپرستی ، راه خدا و اسلام ، فراخوان مردم به پیمودن این راه و ترک آیین های شرک

و من الناس من یجدل فی الله .. لیضلّ عن سبیل الله

دعوت به اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

دعوت به احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۳

۱۳ سفارش خداوند به شوهران ، درباره رعایت تقوا و احسان به همسران خویش

و إن تحسنوا و تتقوا

برداشت فوق مبتنی بر این است که مخاطبان <ان تحسنوا ..> خصوص شوهران باشند زیرا فرض آیه بر نشوز و اعراض مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به

والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

دعوت به اخلاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۵ - ۲

۲ - ادیان آسمانی ، از تعالیم انحرافی مبرّا بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند ، اخلاص ، اعتدال در دین ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمان داده اند .

و ما تفرّق الذین أوتوا الكتب .. و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصين له الد

حصر در <إِلَّا ليعبدوا الله> ، حصر اضافی و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید، اعتدال، نماز و زکات است.

دعوت به ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۵ - ۲، ۸، ۱۳

۲ - ادیان آسمانی ، از تعالیم انحرافی مبرّا بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند ، اخلاص ، اعتدال در دین ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمان داده اند .

و ما تفرّق الذین أوتوا الكتب .. و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصين له الد

حصر در <إِلَّا ليعبدوا الله> ، حصر اضافی و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید،

اعتدال، نماز و زکات است.

۸ - استواری و سامان بخشی ، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل ، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد .

و ما أمرُوا إِلَّا .. و ذلك دين القِيمه

۱۳ - اسلام ، دینی توحیدی و معتدل و فراخوان مردم به اقامه نماز و پرداخت زکات

و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

مراد از <الذين أوتوا الكتاب> که مرجع ضمیر <أمرُوا> است ممکن است آن دسته از اهل کتاب باشد که به اسلام کفر ورزیدند. در این مینا، <الذين كفروا> در آیه اول نیز، به همان گروه نظر دارد.

دعوت به ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۵

۵ - منافقان ، در غزوه احزاب ، برای وادار کردن مؤمنان به ترک اسلام و روی آوردن به کفر ، تلاش می کردند .

يأهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

برداشت بالا، بر این احتمال است که مراد از <لامقام لكم> مانند در دین رسول الله و مراد از <فارجعوا> دعوت به رجوع به کفر باشد.

دعوت به استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۱

۱ دعوت خداوند از معتقدان به تثلیث و الوهیت مسیح (ع) ، برای استغفار و بازگشت به خدا

افلا يتوبون إلى الله و يستغفرونه

به قرینه آیات پیشین (قالوا ان الله هو المسيح .. قالوا ان الله ثالث ثلثه) فاعل <يتوبون...> مسیحیان هستند و متعلق توبه و

عقیده به الوهیت مسیح(ع) و تثلیث می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ هود (ع) از قوم عاد خواست تا از دعوتش (پذیرش توحید، یکتاپرستی و ترک شرک و استغفار از گناهان) اعراض نکنند و بر گناه خویش اصرار نورزند.

و لاتتولوا مجرمین

<تولّی> (مصدر لاتتولوا) به معنای اعراض کردن و نپذیرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹۰ - ۳

۳ شعیب (ع)، مردم مدین را به استغفار از گناهان، حرکت به سوی خدا و تقرب یافتن به درگاه او فراخواند.

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۱،۷

۱- نوح (ع)، قومش را به استغفار و آمرزش خواهی به پیشگاه خداوند فرامی خواند.

فقلت استغفروا ربکم

۷- استغفار و آمرزش خواهی از درگاه خداوند، از رهنمودهای مؤکد و مکرر نوح (ع)

یغفر لکم من ذنوبکم... دعوتهم لتغفر لهم... فقلت استغفروا ربکم إنه کان غفّاراً

دعوت به استقامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونیان فراخواند .

قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

۸ خداوند ، فراخوان پیامبر (ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت و مقاومت در برابر مشرکان و آزار های آنان

فاصبر

بیان سرگذشت نوح(ع) و سپس دعوت کردن پیامبر(ص) به صبر و مقاومت ، گویای این است که: مصداق مورد نظر برای <صبر> تحمل مشکلات و مشقتهاى تبلیغ رسالت و مقاومت در برابر آزارها و کارشکنیهای مخالفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵ - آموختن تعالیم قرآن و پایداری بر عمل به آن ، دعوت خداوند از همه انسان ها است .

إن هو إلا ذكر للعالمین . لمن شاء منكم أن يستقیم

مخاطبان در <منكم> گرچه همان کسانی اند که <این تذهبون> خطاب به آنان بود و ولی به قرینه <للعالمین> این رهنمود برای عموم مردم است.

دعوت به استهزای معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴ - ۳

۳ - دعوت مشرکان از یکدیگر برای به تمسخر گرفتن معجزات الهی

و إذا رأوا آیه يستسخرون

آمدن فعل <يستسخرون> به قالب باب استفعال، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

دعوت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، یهودیان را به پذیرش اسلام و ایمان آوردن به قرآن فرا می خواند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله

فاعل <قيل> به قرينه <قل فلم تقتلون> (در ذيل آيه) پيامبر است / يعنى: و إذا قلت لهم ..

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۳

۲۳ وعده و تضمین اجر و پاداش ، از روش های قرآن برای دعوت مردم به اسلام و ایمان به قرآن

اولئك لهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای پذیرش اسلام و ایمان به پیامبر (ص)

يا اهل الكتاب قد جاءكم رسولنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۸

۲۸ عن أبي بن كعب قال: أتى رسول الله (ص) بأسارى فقال لهم: هل دعيتم إلى الإسلام؟ قالوا: لا. فخلى سبيلهم، ثم قرأ > أوحى إلى هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ < ثم قال: خلوا سبيلهم حتى يأتوا مأمئهم من أجل أنهم لم يدعوا.

أبی بن کعب گوید: اسیرانی را نزد رسول خدا(ص) آوردند، حضرت به آنان فرمود: آیا تاکنون به اسلام دعوت شده اید؟ گفتند نه، پس آنان را آزاد کرد و آیه > و أوحى إلى .. < را تلاوت کرد. و سپس فرمود: آنان را آزاد کنید تا به جایگاه امن خویش بروند، زیرا ایشان هنوز به اسلام دعوت نشده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۳،۴،۷

۳ تذکر خداوند به باز بودن راه بازگشت به اسلام ، برای مشرکان پیمان شکن

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يتوب الله على من يشاء

۴ خداوند ، فراخوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يتوب الله على من يشاء

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم .. و يتوب الله على من يشاء و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا .. فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان پیامبر (ص) به رویکرد تمام عیار به دین اسلام

فأقم وجهك للدين حنيفاً

احتمال دارد <ال> در <الدين> عهد بوده و مراد از آن، اسلام باشد. لازم به گفتن است که مراد از <إقامة وجه> اقبال و روی آوردن به چیزی با تمام توجه و بدون نظر به چیز دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان پیامبر (ص) به رویکرد تمام عیار به اسلام

فأقم وجهك للدين القيم

<ال> در <الدين> ممکن است عهد و مراد از آن اسلام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دعوت پیامبر اسلام (ص)، با حيله ها و مکر های مخالفان روبه رو بود .

فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورا.. و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲ - ۱

۱ - فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر قیام برای انجام رسالت و دعوت مردم به اسلام

قم

دعوت به اصلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۲

۲ ارزش والای نجواها و مذاکرات محرمانه، به انگیزه وادار نمودن دیگران به صدقه و دعوت به کار نیک و اصلاح میان مردمان

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

دعوت به اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۹

۹ - خداوند، منافقان را به فرمان بری شایسته به جای سوگند بر انجام کار خیر فراخوانده است.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجنَّ قل لا تقسموا

<طاعه معروفه> یا مبتدا برای خبر محذوفی همچون <خیر من قسمکم> و یا خبر برای مبتدای محذوفی مانند <أمرنا> است. در هر صورت این جمله نوعی فراخونی از جانب پروردگار است.

دعوت به اطاعت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، همگان را به فرمان بری شایسته از خدا و رسول او به جای اظهار مکرر ایمان فراخوانده و تشویق کرده است .

و أقسموا باللّٰه جهد أيمانهم .. قل لا تقسموا طاعة معروفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱

- خداوند ، فراخوان منافقان به اطاعت از خدا و رسول او و پرهیز از سرپیچی فرمان های ایشان

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا

دعوت به اطاعت از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، همگان را به فرمان بری شایسته از خدا و رسول او به جای اظهار مکرر ایمان فراخوانده و تشویق کرده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم .. . قل لا تقسموا طاعة معروفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان منافقان به اطاعت از خدا و رسول او و پرهیز از سرپیچی فرمان های ایشان

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا

دعوت به اطاعت از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، مردم را به عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از خود ، فرا می خواند .

أن اعبدوا الله و اتّقوه و أطيعون

دعوت به اعتدال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۲

۲ - ادیان آسمانی ، از تعالیم انحرافی مبّرّا بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند ، اخلاص ، اعتدال در دین ، اقامه نماز و

پرداخت زکات ، فرمان داده اند .

و ما تفرّق الذين أُوتوا الكتب . . . و ما أمروا إلاّ ليعبدوا الله مخلصين له الد

حصر در <إلاّ ليعبدوا الله>، حصر اضافی

و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید، اعتدال، نماز و زکات است.

دعوت به امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلاها، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود.

بینی أقم الصلوه .. و اصبر علی ما أصابک

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر، نمودی از حکمت لقمان

و لقد ءاتینا لقمن الحکمہ .. إذ قال ... بینی أقم الصلوه

دعوت به انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - خداوند، فراخوان مؤمنان و بندگان خالص خویش به انفاق اموال خود، قبل از فرا رسیدن مرگ

قل لعبادی الذین ءامنوا .. و ینفقوا ... من قبل أن یأتی یوم لایبع فیہ و لا خلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - دعوت خداوند از اهل ایمان، به انفاق بخشی از دارایی های خود و نه همه آن

و الذین استجابوا لرّبّهم .. و ممّا رزقنهم ینفقون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <مِنْ> در <مِمَّا> برای تبعیض باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق ، مواجه با بخلورزی برخی از آنان

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنَفْسِكُمْ .. فَمَنْكُم مِّنْ يَّبْخُلُ

۲- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق در مسیر جهاد *

تَدْعُونَ لِنَفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

با توجه به این که آیات پیشین درباره جهاد می باشد، ممکن است مراد از <فی سبیل الله> نیازهای مالی جهاد باشد.

دعوت به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، از منکران قرآن خواسته است تا در صورت عجز از آوردن همانند برای قرآن ، به قرآن و رسالت پیامبر (ص) ایمان آورند .

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ

مراد از لزوم دوری از آتش دوزخ پرهیز از موجبات آن است و موجبات آتش - به قرینه موضوع بحث در این دو آیه (حقانیت قرآن و پیامبر (ص)) - انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) می باشد. بنابراین <فاتقوا النار> یعنی: فاتقوا الکفر بالقرآن و الرسول لتتقوا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۵،۶،۳

۳ دعوت کنندگان مردم به ایمان ، دارای مقامی والا و ارجمند

رَبَّنَا اُنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ اِنْ اَمِنَّا بِرَبِّكُمْ

۵ خردمندی ، زمینه پاسخ به دعوت منادیان ایمان

لَايَاتٍ لِّاُولِي الْاَلْبَابِ .. رَبَّنَا اُنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ اِنْ اَمِنَّا بِرَبِّكُمْ

۶ ایمان نیاوردن به ربوبیت خداوند ، پس از شنیدن ندای قرآن و دعوت پیامبر به آن ، نشانه بی خردی است .

رَبَّنَا اُنَّا سَمِعْنَا .. فَاْمِنَّا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای ایمان به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا بما نزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای پذیرش اسلام و ایمان به پیامبر (ص)

یا اهل الکتب قد جاءکم رسولنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از اهل کتاب به رعایت تقوا و ایمان به خدا، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و لو ان اهل الکتب امنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند.

و اذ اوحیت الی الحواریون ان امنوا بی و برسولی

ظاهراً <اذ قال ..> در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای <اوحیت> می باشد بنابراین مفاد آیه

چنین می شود: الهام خداوند به حواریون پس از جریان مائده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۵

۵ خداوند ، مشرکان را از پافشاری بر کفر برحذر داشته و به آنان هشدار داد که تا پیش از نزول عذاب استیصال ، متنبه شده و ایمان بیاورند .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۲

۲ موسی و هارون (ع) از سوی خدا مأمور بودند رسالت خود را به فرعون و سران حکومتش اعلان کنند و آنان را به ایمان فراخوانند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

<ملاً> به معنای رؤساست (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۸

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

بینی اربک معنا و لاتکن مع الکفرین

مراد از <مَعْنَا> همراهِو معیت عقیدتی است نه جسمانی؛ زیرا جمله <ارکب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعْنَا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعْنَا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتکن ...> مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- خداوند ، فراخوان مردم به ایمان ، برای آمرزش برخی از گناهانشان

و به تأخیر انداختن أجل آنان تا مدت معین

یدعوکم لیغفر لکم من ذنوبکم و یؤخرکم إلى أجل مسئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲۱

۲۱- ایمان به توحید و نبوت و معاد و دعوت به انجام دادن عمل صالح ، چکیده دعوت پیامبر (ص) است .

قل إنما أنا بشر .. و لا یشرك بعباده ربّه أحدًا

جمله <یوحی الیّ ..> نبوت و <إنما إلهکم...> توحید و <یرجو لقاء...> معاد و <عملاً صالحاً> عمل صالح را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان روی آوردن انسان به درگاه او در زندگی دنیوی است ؛ نه در تنگنای آتش دوزخ .

قال اخسئوا فیها و لا تکلمون . إنه کان ... ربّنا ءامنّا فاغفر لنا و ارحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت الله أكبر .. إذ تدعون إلى الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد ؛ یعنی ، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید ؛ ولی به جای ایمان آوردن ، به طور مستمر کفر میورزیدید .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان

به ایمان از سوی خداوند

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يَشْرِكْ بِهِ تَأْمِنُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱

۱- دعوت جنیان ایمان آورده به قرآن ، از قوم خود برای گرویدن به پیامبر (ص)

يَقُومُنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ

مراد از <داعی الله> پیامبر(ص) است که مردم را به سوی خدا دعوت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- هدف اصلی و نهایی دین ، دعوت مردم به ایمان و تقوا و نه دریافت مال از ایشان

وَإِنْ تَأْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْئَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ

<لایسئلكم أموالکم> می تواند در قبال <إِنْ تَأْمِنُوا وَتَتَّقُوا> و در مقایسه با آن باشد یعنی، پیام دین، پیام ایمان و تقوا است، نه دریافت مال.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۵ - ۳

۳- دعوت شبانه روزی حضرت نوح (ع) ، از قوم خود برای ایمان به خدا

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعُوتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱- تلاش مستمر نوح (ع) ، برای ایمان آوردن قومش ، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت .

فلم یزدهم دعاءى إلاً فراراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم ، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثم إني

دعوتهم چهارًا

<جهار> اسم مصدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سخن به کار رود، به معنای صدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۲

۲ - نوح (ع)، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند.

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۲

۲ - نوح پیامبر، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوری به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد.

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

دعوت به بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۱

۱ - درخواست تهدید آمیز و آمرانه مشرکان از پیامبر اسلام (ص) به عبادت معبودهایی جز الله

قُلْ أَغْفِرِ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُد

دعوت به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۳، ۲

۲ خداوند ، کسانی را که مردم را به بخلورزی دعوت کنند ،

دوست ندارد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ .. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ

۳ بخلورزی و دعوت دیگران به بخل ، از آثار تکبر و فخر فروشی

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مَخْتَالًا فُخْرًا. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ

۸ عذاب خوار کننده ، کیفر بخیلان و دعوت کنندگان به بخل

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ .. وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

مراد از کافران در آیه، یا خصوص بخیلان و آمران به بخل است و یا مصداق مورد نظر از آن.

۱۰ بخلورزی و دعوت دیگران به بخل و پنهان نمودن نعمت های خدادادی ، زمینه کفرورزی

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ .. وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

اطلاق کافر بر بخیل و .. یا بدین جهت است که بخیل در حقیقت کافر است، و یا هشدار به این است که سرانجام بخلورزی کفر است.

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ .. وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

۱۳ حرمت بخل ورزی و دعوت مردم به آن

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ .. وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

دعوت به بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۵

۵ - نقش شیطان ، فریب کاری و فراخواندن به بدی است .

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

برداشت یاد شده، از آن جا است که در این آیه نسبت به تلاش شیطان، تعبیر <دعوت> به کار رفته است.

دعوت به برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۴

۲۴ - > روی عن الباقر (ع)

(فی قوله تعالی : < و أمر أهلك بالصلاه واصطبر علیها > قال : أمر الله نبیّه أن یخص أهل بیته و أهله دون الناس لیعلم الناس أن لأهله منزله عندالله لیست لغيرهم فأمرهم مع الناس عامّه ثم أمرهم خاصه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره سخن خدا <و أمر أهلك بالصلاه..> فرمود: خدا به پیامبر خود امر کرده که خانواده و خاندان خود را جدای از مردم [در امر به نماز] اختصاص دهد تا مردم بدانند که برای اهل پیامبر(ص) منزلتی در نزد خداوند است که برای غیر آنان نیست، پس خدا [یک بار] اهل پیامبر(ص) را با جمع مردم فرمان داده است. سپس آنان را به طور خاص مورد امر قرار داده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلاها ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

بینی أقم الصلوه .. و اصبر علی ما أصابک

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه .. إذ قال ... بینی أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۲،۸،۱۳

۲ - ادیان آسمانی ، از تعالیم انحرافی میرا بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند ، اخلاص ، اعتدال در دین ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمان داده اند .

و ما تفرّق

الذین أوتوا الكتب . . . و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الد

حصر در <إلا ليعبدوا الله>، حصر اضافی و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید، اعتدال، نماز و زکات است.

۸ - استواری و سامان بخشی، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد.

و ما أمروا إلا.. و ذلك دين القیمه

۱۳ - اسلام، دینی توحیدی و معتدل و فراخوان مردم به اقامه نماز و پرداخت زکات

و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

مراد از <الذین أوتوا الكتاب> که مرجع ضمیر <أمروا> است ممکن است آن دسته از اهل کتاب باشد که به اسلام کفر ورزیدند. در این مبنا، <الذین کفروا> در آیه اول نیز، به همان گروه نظر دارد.

دعوت به بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دعوت خداوند به بصیرت و دقت نظر در تحولات طبیعی، به منظور پی بردن به گرداننده و ایجادکننده آنها است.

أولم یروا أنا نسوق الماء .. فنخرج به زرعاً... أفلا یبصرون

دعوت به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۱

۲۱ خداوند، دعوت کننده انسان ها به بهشت و آمرزش خویش است.

و الله

يدعوا الى الجنه و المغفره باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۵ - ۲

۲ خدا ، مردم را از فریفته شدن به زندگی ناپایدار دنیا بر حذر داشته و به سرایی سراسر امن و سلامت (بهشت) فرامی خواند .

إنما مثل الحيوه الدنيا .. و الله يدعوا إلى دارالسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۶ - ۱

۱- دعوت از تقوایبشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقين في جنّت و عيون

<باء> در <بسلام> در معنای <مصاحبت> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۳

۱۳- دعوت فرشتگان از تقوایبشگان به هنگام قبض روح آنان ، برای ورود به بهشت

المتّقين . الذين تتوفّهم الملكه طيبن يقولون ... ادخلوا الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلك خير أم جنّه الخلد التي وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۳

۳ - دعوت خداوند از تقوای پیشگان ، برای ورود آنان همراه با همسرانشان به بهشت

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر -

۱ - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه <جَنّه> به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

دعوت به پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۴

۴ - دعوت به پاکی و درست کاری ، سرلوحه برنامه پیامبران

فقل هل لك إلی أن تزکی

دعوت به تحدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۵ - ۷۸

۷ پیامبر (ص) از جانب خدا مأمور شد تا برای اثبات ناتوانی بت ها ، مشرکان را به تحدی و مبارزه علیه خویش دعوت کند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

۸ خداوند از مشرکان خواست اگر خدایانشان بر امری توانا هستند با کمک آنها علیه پیامبر (ص) توطئه کنند و برای از میان بردن وی هیچ درنگی رواندارند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

<کیدون> مرکب از فعل امر <کیدوا> (از <کید>، به معنی فکر کردن و توطئه چیدن) و نون وقایه است. کسر نون دلالت بر حذف <یاء> متکلم دارد. بنابراین <کیدون> (کیدونی) یعنی علیه من توطئه کنید. <انظار> مصدر <لاتنظروا> به معنای مهلت دادن است. <لاتنظرون> نیز مرکب از فعل نهی و نون وقایه است / یعنی: فلاتنظرونی، مرا مهلت ندهید.

دعوت به تدبیر در قرآن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۲

۲ - فراخوانده شدن کافران به تدبیر و اندیشه در آیات قرآن و پرهیز از داوری های نسنجیده درباره آن

أفلم يدبروا القول

دعوت به ترک شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۴

۴ خداوند ، فراخوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يتوب الله على من يشاء

دعوت به ترک عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۳

۳ - انجام نیکی ها و پرهیز از بدی ها ، یکی دیگر از محور های تبلیغی صالح پیامبر (ع)

يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه

دعوت به ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون .. فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از عادیان ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از قوم عاد ، برای اطاعت از

وی ، رعایت تقوای الهی و پرهیز از بیهودگی ، غرور و خشونت

أَتَّبِعُونَ ... تَعْبَثُونَ ... بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع) با ثمودیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَاتْتَقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَاتْتَقُونَ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۱

۱ - فراخوانی مجدد صالح ثمودیان را برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَاتْتَقُونَ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَاتْتَقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۱

۱ - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود،

برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون .. فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱

۱ - دعوت مجدد شعيب (ع) از مردم ايکه ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون .. فاتقوا الله و أطيعون

دعوت به تزکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۳ - ۳

۳ مبارزه با هوای نفس ، در رأس دعوت پیامبر اسلام (ص)

أرءیت من اتخذ إلهه هویه

دعوت به تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۶

۶ پیامبر (ص) ، مأمور دعوت اهل کتاب و مشرکان مکه و درس نخوانندگان فاقد کتاب به تسلیم در برابر خدا

و قل للذین اوتوا الكتاب و الامتین ءاسلمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۸ - ۶

۶- روحیه تسلیم ، امری مهم در ادیان الهی و پیامبر (ص) فراخوان مردم به آن

فهل أنتم مسلمون

جمله <فهل أنتم مسلمون> متضمن معنای امر (أسلموا) است و از این که پیامبر(ص) همراه دعوت مردم به توحید، آنان را به تسلیم در برابر خدا فراخوانده است، اهمیت و جایگاه بلند آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۵

۵ - فراخوانی دربار سبا از سوی سلیمان برای تسلیم شدن در برابر خدای یگانه

بسم الله

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مسلمین> (به قرینه <بسم الله..>) و نیز آیه ۴۴ (أسلمت مع سلیمان لله) تسلیم شدن در برابر خدا باشد؛ یعنی، <و أتونی مسلمین لله>.

دعوت به تسلیم به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۷ - ۵۸

۵ - دعوت کردن مردم به تسلیم شدن در برابر خداوند و دستور های او، رسالت پیامبر اکرم (ص)

و هو یدعی إلى الإسلام

<یدعی> به صورت مجهول آمده است؛ چون، دعوت کننده (پیامبر اکرم(ص)) معلوم می باشد. بنابراین، اصل جمله به شکل زیر است: <و الرسول یدعوه إلى الإسلام>. گفتنی است که کلمه <اسلام> در لغت به معنای تسلیم و انقیاد است و دین خداوند بدین جهت اسلام نامیده شده که مردم را به اطاعت و انقیاد در برابر فرمان ها و دستورات الهی فرا می خواند.

۸ - دعوت مردم از سوی پیامبر (ص) به تسلیم و انقیاد در برابر خداوند و نه فراخوانی آنان به اطاعت خویش نشانه حقانیت او است .

و من أظلم ممّن افتری علی الله .. و هو یدعی إلى الإسلام

دعوت به تضرع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۷

۷ - خداوند، خواهان خضوع و تضرع انسان ها به درگاه او

فما استکانوا لرّبهم و ما یتضرّعون

دعوت به تعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۶

۶- قرآن ، فراخوان مردم به

هوشمندی و ژرف نگری در آیات الهی و حوادث و تحولات تاریخی

و تَبْئَهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . . . و أمطرنا عليهم حجاره من سجّيل . إن في ذلك لآيت للممت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۲

۲ پیامبر (ص) وظیفه دار فراخوانی مردمان به اندیشه و مقایسه میان فرجام کافران و تقوایبندگان

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۴

۴ - اتکای کافران به حس و تجربه عذاب ، علی رغم فرا خوانده شدن به تعقل و تدبر در فرجام مجرمان تاریخ

فانظروا كيف كان عقبة المجرمين . . . و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

علی رغم این که خداوند از کافران مکه می خواهد تا با مطالعه تاریخ و تدبر در فرجام مجرمان گذشته، درس عبرت بگیرند و بینش خود را تصحیح کنند، آنان برای پی بردن به حقانیت وعده الهی، خواهان لمس و شهود عذاب می شوند و تعیین زمان آن را می طلبند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۲

۲ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، مردم را به گوش فرادادن به سخنان خود و تأمل و تفکر در اندیشه ها و باور های خود فراخواند .

فاسمعون

دعوت به تعلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵- آموختن تعالیم قرآن و پایداری بر عمل به آن ،

دعوت خداوند از همه انسان ها است .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ . لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

مخاطبان در <منکم> گرچه همان کسانی اند که <این تذهبون> خطاب به آنان بود، ولی به قرینه <للعالمین> این رهنمود برای عموم مردم است.

دعوت به تفکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۲

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر) فراخواند .

أَوْ لِمَ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جُنَّةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۰

۲۰- تشویق و فراخوانی خداوند به تفکر و اندیشه در طبیعت برای شناخت حقایق الهی

إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۶

۶ - دعوت پیامبر (ص) از مردم مکه برای اندیشیدن درباره جنون نسبت داده شده به آن حضرت

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جُنَّةٍ

مراد از <صاحب>، به قرینه <هو> در عبارت بعدی، پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۲

۲- فراخوانی مشرکان از سوی خداوند ، به اندیشه و تأمل درباره پوچی مکتب شرک

أفرأیتم اللّٰت و العزّٰی

از واژه <أفرأیتم> مطلب بالا استفاده می شود.

دعوت به تقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹۰ - ۳

۳ شعیب (ع) ، مردم مدین را به استغفار از گناهان ، حرکت به سوی خدا و تقرب یافتن به درگاه او

فراخواند .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۳

۳ - انتخاب راه خدا و هدف قرار دادن قرب او ، دعوت الهی از تمام مردم

فمن شاء اتخذ إلی ربّه ما بآ

تعبیر <إلی ربّه ما بآ> به قرینه <للطاغین ما بآ> در آیات پیشین دعوت به اعراض از فرجام طغیانگران (جهنم) و برگزیدن قرب خداوند به عنوان مقصد نهایی است. حرف <إلی> در <إلی ربّه> دلالت می کند که مقصد نهایی، راهی است که سمت و جهت آن به سوی خداوند باشد. این تعبیر کنایه از قرب به خداوند است نه وصول به آن ذات اقدس زیرا در آن صورت به حرف <إلی> نیازی نبود.

دعوت به تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۰، ۹، ۲، ۱

۱ سرسختی ، تکبر و غرور ریاکاران مدعی اصلاح (منافقان) ، در مقابل دعوت به تقوا

و من الناس من یعجبک .. و اذا قیل له اتق الله اخذته العزه بالاثم

۲ تکبر ، غرور و سرسختی ، در قبال دعوت به تقوا ، از نشانه های حاکمان ناصالح و مفسد

و اذا تولی سعی .. و اذا قیل له اتق الله اخذته العزه بالاثم

در صورتی که <تولی> ، به معنای پذیرش حکومت باشد.

۹ حاکمان مفسد در برابر دعوت به تقوا ، به خاطر سرسختی ، تکبر و غرور ، آلوده به گناه می شوند .

اخذته العزه بالاثم

بنابراینکه <باء> سببیه در <بالاثم> ، متعلق به <اخذته> باشد.

برابر دعوت به تقوا، گناه و موجب عذاب جهنم

و من الناس من يعجبك .. فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۳

۱۳ سفارش خداوند به شوهران، درباره رعایت تقوا و احسان به همسران خویش

و إن تحسنوا و تتقوا

برداشت فوق مبتنی بر این است که مخاطبان <ان تحسنوا ..> خصوص شوهران باشند زیرا فرض آیه بر نشوز و اعراض مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۲

۴۲ تقوا، زمینه ساز همکاری در نیکی ها، فراخوانی یکدیگر به تقوای پیشگی و پرهیز از تعاون بر گناه و تجاوز است.

واتقوا الله

جمله <اتقوا الله> پس از امر به تعاون در کارهای نیک و نهی از همکاری در گناه، می تواند اشاره به راهی جهت تحقق امر و نهی یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از اهل کتاب به رعایت تقوا و ایمان به خدا، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و لو ان أهل الكتبا امنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ گرایش مردم به تقوای پیشگی در پرتو رسالت انبیا، از اهداف نزول دین و و معارف الهی است.

أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم و لتتقوا

<لتتقوا> عطف بر <لينذركم> است و در نتیجه نیل مردم به تقوا از اهداف آمدن

ذکر و معارف دین می باشد. و چون بیان این هدف در پی <لیندرکم> ذکر شده است، می توان گفت نیل انسانها به تقوایبشگی در پرتو امداد و اندرز پیامبران امکان پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱

۱ خداوند ، فراخوان مؤمنان به رعایت تقوا و پرهیز از مخالفت او

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۴

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ يوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إِنَّهُ مِنْ يَتَّقِي وَ يَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۵

۱۵ پیامبر اکرم (ص) و دیگر رسولان الهی فراخوان مردم به تقوایبشگی

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً .. و لدار الأخره خير للذين اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۱۵

۱۵- عصاره دعوت انبیا ، دعوت به توحید

و خداترسی است .

لا إله إلا أنا فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۱

۱- برانگیختن روحیه تقوا و خداترسی در مرد ناشناس ، واکنش اعتراض آمیز مریم (س) ، هنگام مشاهده او در خلوت گاه خویش بود .

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

جمله <إن كنت تقياً> دعوت به تقوا در قالب جمله شرطیه است، مفاد آیه این است که اگر متقی هستی که باید باشی از من دور شو و خود را گرفتار خشم خداوند مساز، که من خود را در پناه او قرار داده و دفع خطر تو را از او می خواهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۵، ۲

۲ - سخن گفتن دلسوزانه نوح (ع) با قوم خویش ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) بیانگر برداشت یاد شده است.

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری نوح (ع)

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون .. فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۱،۴

۱ - نوح (ع)، خواهان

گرایش قومش به اطاعت از وی و رعایت تقوای الهی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۴ - دعوت به تقوا و پیروی از حق ، محور تبلیغ و هدایت گری نوح (ع)

أَلَا تَتَّقُونَ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۲،۷

۲ - سخن دلسوزانه هود (ع) با عادیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

قید <أخوهم> و وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

۷ - دعوت به تقوا ، لازمه اخوت و برادری راستین

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که اطلاق <أخ> نه صرفاً از جهت انتساب نژادی باشد، بلکه به منظور بیان دلسوزی و خیرخواهی نیز باشد که دعوت به تقوا لازمه حتمی آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از قوم عاد ، برای اطاعت از وی ، رعایت تقوای الهی و پرهیز از بیهودگی ، غرور و خشونت

أَتَيْنُونَ ... تَعْبَثُونَ ... بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۲،۵،۷

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع) با ثمودیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبير <ألا تتقون> (آيا نمى

خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

۵- دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری صالح پیامبر

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَاحِبٌ .. أَلَا تَتَّقُونَ

۷- دعوت به تقوا، لازمه اخوت و برادری راستین

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَاحِبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که اطلاق <أخ> صرفاً از جهت انتساب نژادی نباشد؛ بلکه به منظور بیان دلسوزی و خیرخواهی نیز باشد که دعوت به تقوا لازمه حتمی آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱

۱- دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَاحِبٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۱

۱- فراخوانی مجدد صالح ثمودیان را برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَاحِبٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲،۵

۲- سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

۵- دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری لوط (ع)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ -

۱ - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون .. فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۳،۴

۳ - دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری شعيب پیامبر

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

۴ - سخن دلسوزانه شعيب (ع) با مردم ايکه، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبير <ألا تتقون> (آيا نمی خواهيد تقواپيشه کنید) بيانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱

۱ - دعوت مجدد شعيب (ع) از مردم ايکه، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون .. فاتقوا الله و أطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۴ - ۱

۱ - تأکید شعيب (ع) بر رعایت تقوای الهی و پرهیز از مخالفت با آفریدگار

و اتقوا الذی خلقکم

<إتقا> (مصدر <اتقوا>) به معنای ترسیدن و پروا کردن و <جبّه> مرادف <خلقه> است. بنابراین <والجبّه الأولین> یا به معنای <والمخلوقات الأولین> است (مصدر به معنای مفعول) و یا به تقدیر <و ذوی الجبّه الأولین> می باشد. در هر حال مقصود این است که: <اتقوا الذی خلقکم و خلق الأمم قبلکم> از آن کس که شما و امت های پیش از شما را آفرید پروا

کنید <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - ابراهیم (ع) فرستاده خداوند برای دعوت قوم اش به عبادت خدا و رعایت تقوا بود .

لقد أرسلنا .. و إبرهیم إذ قال لقومه

۲ - دعوت به یکتاپرستی و رعایت تقوا ، از اصول تعالیم ابراهیم (ع) بود .

و إبرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله و اتقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان مردمان به تقوا و ترس از روز قیامت

يأيتها الناس اتقوا ربكم و اخشوا يومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۳

۳ - دعوت از پیامبر (ص) برای رعایت تقوا و پرهیز از تبعیت از کافران ، دعوتی خطیر بود .

يأيتها النبي اتق الله

منادا، وقتی با <أيتها> آورده می شود، یا به خاطر از غفلت بیرون آوردن منادا است و یا به خاطر خطیر بودن ندا، چون درباره پیامبر(ص) غفلت، صادق نیست، به خصوص با توجه به این که از او به <النبي> تعبیر شده است، پس نکته دوم باعث شده است که خطاب به پیامبر، با واژه <أيتها> صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۳۲، ۸، ۹

۸ - دعوت پیامبر (ص) از زید بن حارثه ، برای رعایت تقوای الهی درباره همسرش زینب

و إذ تقول للذي أنعم الله عليه .. و اتق الله

۹ - سفارش پیامبر (ص) به زید ، برای نگهداری همسرش و نیز

رعایت تقوای الهی ، امری شایسته یاد و یادآوری است .

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. و اتق الله

<إذ> متعلق به <أذكر> مقدر است و در نتیجه، نکته یاد شده، از آن فهمیده می شود.

۳۲ - > عن أبي جعفر (ع) .. ان رسول الله خطب علي زيد بن حارثه ، زينب بنت جحش ... فزوجها إياه فمكثت عند زيد ماشاء الله ، ثم إنهما تشاجرا في شيء إلى رسول الله ... فقال زيد : يا رسول الله ! تأذن لي في طلاقها فإن فيها كبراً و إنهما لتؤذيني بلسانها ، فقال رسول الله (ص) : اتق الله و أمسك عليك زوجك ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که رسول خدا(ص)، زینب دختر جحش را برای زید خواستگاری کرد ... و او را به عقد وی در آورد. سپس مدتی را که خدا مقدر کرده بود، زینب، پیش زید بود. آن گاه میان زید و زینب، مشاجره ای رخ داد و هر دو پیش رسول خدا، شکوه بردند. زید گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می دهی او را طلاق بدهم. به خاطر این که او متکبر است و با زبانش مرا اذیت می کند؟ رسول خدا فرمود: از خدا بترس و همسرت را نگه دار...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - همسران پیامبر ، وظیفه داشتند که تقوای الهی را رعایت کنند .

و اتقین الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷

۱ - الیاس (ع) ، قومش را به تقوای پیشگی فراخواند .

إذ قال لقومه ألا تتقون

۴ - دعوت به تقوا ، در رأس اهداف الیاس (ع) قرار داشت .

إذ قال لقومه ألا تتقون

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع) در نخستین خطاب خود به مردم، مسأله تقوا را یاد آور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فراخواندن مؤمنان به تقوای پیشگی و پرواداشتن از پروردگار

قل يعباد الذين ءامنوا اتقوا ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- هدف اصلی و نهایی دین ، دعوت مردم به ایمان و تقوا و نه دریافت مال از ایشان

و إن تؤمنوا و تتقوا يؤتكم أجوركم و لا یسئلكم أموالکم

<لایسئلكم أموالکم> می تواند در قبال <إن تؤمنوا و تتقوا> و در مقایسه با آن باشد یعنی، پیام دین، پیام ایمان و تقوا است نه دریافت مال.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، مردم را به عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از خود ، فرا می خواند .

أن اعبدوا الله و اتقوه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انداز در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. إنا

أندرنکم عذاباً قریباً

دعوت به تکامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۱

۱ - موسی (ع) از جانب خداوند ، مأمور راهنمایی فرعون به راه تکامل و درست کاری و ترغیب او به پاکسازی خویش از آلودگی ها

فقل هل لك إلى أن تزكى

زکات به دو معنا است: ۱. نمو ۲. طهارت (مقایس اللغه) و به کسی که صالح و درست کار شود، می گویند <تزکیه> شده است. (قاموس)

دعوت به توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۹ - ۵

۵ دعوت از اهل کتاب و مرتدان به توبه و گرایش به اسلام و بازگشت از انحراف

قوماً کفروا .. الا الذین تابوا

بنابراینکه مراد از <قوماً کفروا .. >، اهل کتاب نیز باشد که به حقانیت پیامبر اسلام (ص) کفر ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۱

۱ دعوت خداوند از معتقدان به تثلیث و الوهیت مسیح (ع) ، برای استغفار و بازگشت به خدا

افلا یتوبون إلى الله و یتغفرونه

به قرینه آیات پیشین (قالوا ان الله هو المسيح .. قالوا ان الله ثالث ثلثه) فاعل <یتوبون...> مسیحیان هستند و متعلق توبه و استغفار، عقیده به الوهیت مسیح(ع) و تثلیث می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۴،۷

۴ خداوند ، فراهوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام)

ألا تقتلون قوماً نكثوا

أَيْمَنَهُمْ .. و يتوب الله على من يشاء

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم .. و يتوب الله على من يشاء و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۱

۱ خداوند ، گریختگان از میدان کارزار حنین را به توبه و استغفار فراخواند .

ثم وليتم مدبرين .. ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء

کلمه <ذلك> در <من بعد ذلك> اشاره به فرار مسلمانان از میدان نبرد حنین دارد. اعلام اینکه خدا توبه فراریان را می پذیرد، فراخوانی آنان به توبه و استغفار از آن خطاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۹

۱۹ خداوند ، فراخوان منافقان مرتد و توطئه گر ، به توبه و بازگشت به دامن اسلام

فإن يتوبوا يك خيراً لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۰

۳۰ - خداوند ، فراخوان تمامی مؤمنان به توبه و بازگشت به درگاه خویش

و توبوا إلى الله جميعاً أيه المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۲

۲ - نوح پیامبر ، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان ، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوری به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربكم إنه كان غفّارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت

به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - خداوند، گنه کاران حتی قاتلان مردم مؤمن را به توبه دعوت کرده است.

ثم لم يتوبوا

بیان اختصاص عذاب به کسانی که توبه نکرده اند، ترغیب به توبه است.

دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۱

۱ عیسی (ع)، بنی اسرائیل را به توحید ربوبی و پرستش خدا دعوت کرد.

ان الله ربی و ربکم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۷

۱۷ یاری کردن دعوتگران راستین الهی، یاری خداست.

قال من انصاری الی الله .. نحن انصار الله

از اینکه حواریون در جواب درخواست عیسی (ع) (چه کسی مرا یاری می کند)، گفتند (ما یاوران خداییم)، معلوم می شود یاری کردن پیامبر، همان یاری خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۶

۶ دعوت خداوند از مشرکان و قاتلان به تثلیث جهت گرایش به توحید و یکتاپرستی

ما من اله الا اله وحد و إن لم ينتهوا عما يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۳

۲۳ پیامبر اکرم (ص)، مأمور به اعلام یگانگی خداوند و اظهار بیزاری از شرک و معبودهای مشرکان

قل إنما هو إله وحد و إني بريء مما تشرکون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۸

۸ مبارزه با شرک و دعوت به توحید ، مهمترین رسالت نوح

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۲، ۱

۱ هود با ابلاغ مأموریت خویش از جانب خداوند ، مردمش را به توحید ، عبادت خداوند و ترک پرستش معبودان دروغین فراخواند .

أجئتنا لنعبد الله وحده و نذر ما كان يعبد آباؤنا

۲ قوم عاد ، رسالت هود را از سوی خداوند ، برای دعوت به توحید و مبارزه با شرک باور نداشتند .

أجئتنا لنعبد الله وحده

استفهام در جمله <أجئتنا .. > استفهام انکاری ابطالی است. یعنی دلالت می کند که آنچه مورد استفهام واقع شده (مأموریت هود برای دعوت به یکتاپرستی)، بی اساس است و مدعی آن (حضرت هود) دروغگوست.

۱۲ قوم عاد ، مردمی مغرور ، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاء تكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ شعیب با ارائه بینه ای روشنگر، قوم خویش را به توحید و ترک شرک دعوت کرد.

اعبدوا الله ما لكم من إله

غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۳،۵

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتا پرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

۵ حضرت نوح (ع) ، در دعوت به توحید و یکتا پرستی و زدودن اندیشه شرک ، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد .

مقامی و تذکیری بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۹

۹ برخورداری شعیب (ع) از مقام نبوت ، برانگیزنده او به فراخوانی مردمان به توحید و رعایت عدل و انصاف در مبادلات

قالوا یشعیب أصلوتک تأمرک .. قال یقوم أرءیتم إن کنت علی بینه من ربی و رزقنی

سخنان شعیب(ع) در آیه مورد بحث ، پاسخی است به تحلیل استهزاآمیز قومش (أصلوتک). شعیب(ع) با جمله <أرءیتم...>

بیان می

دارد که منشأ مخالفت وی با آرا و عقاید آنان و عملکرد ناصوابشان ، مسؤلیتی است که خداوند برعهده او قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف (ع) ، هم بندگان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۲،۵،۹

۲ فراخوانی مردم به خدا و سوق دادن آنان به سوی او ، وظیفه پیامبر (ص) و راه و رسم او بود .

أدعوا إلى الله

۵ پیامبر (ص) بر عقیده توحیدی خویش و نفی شرک و نیز لزوم فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، از دلیل و حجّتی روشن برخوردار بود .

قل هذه سبیلی أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

<بصیره> به معنای حجت و دلیل روشن است (لسان العرب). آیات قبل و نیز آیه مورد بحث، بیانگر متعلق <بصیره> است که در برداشت، برخی از آنها آورده شد. قابل ذکر است که در ترکیب این فراز چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه <علی بصیره> خبر برای <أنا> و <من اتبعنی> عطف بر <أنا> است ؛ یعنی: <أنا و من اتبعنی علی بصیره>.

۹ پیروان پیامبر (ص) موظف به فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک

أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

برداشت فوق، بر این اساس است که <علی بصیره> متعلق به <أدعوا> باشد. بر این مبنا <أنا> تأکید برای ضمیر

<أدعوا> و <من اتبعني> عطف بر فاعل <أدعوا> می شود؛ یعنی: <أنا أدعوا إلى الله على بصيره و من اتبعني يدعوا إلى الله على بصيره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۱۵

۱۵- عصاره دعوت انبیا ، دعوت به توحید و خداترسی است .

لا إله إلا أنا فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۱ - ۴

۴- دعوت به توحید و نفی شرک ، روح ادیان الهی

و قال الله لاتتخذوا إلهين اثنين إنما هو إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۶

۶ - بهره جستن موسی (ع) از تجمع مردم مصر جهت تماشای صحنه مقابله او و ساحران ، برای بیم دادن مردم و دعوت آنان به توحید و ایمان

قال لهم موسى ويلكم لاتفتروا على الله كذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۲

۲- دعوت حضرت ابراهیم (ع) به توحید و ردّ اندیشه شرک و بت پرستی ، موجب تردید مردم بت پرست در عقیده خود شد

ما هذه التماثيل .. أنتم وءاباؤکم فی ضلل مبین . قالوا أجتئنا بالحقّ أم أنت م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۸ - ۱،۲

۱- پیامبر (ص) ، مأمور دعوت مردم به توحید و اعلان مواضع خویش به آنان

قل إنّما یوحی الّیّ أنّما إلهکم إله وحد

۲- دعوت به توحید ، اساس رسالت پیامبر اکرم (ص) بود .

و ما أرسلنک .. قل إنّما یوحی الّیّ أنّما إلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۶

۶- توحید و یکتاپرستی ، راه خدا و اسلام ، فراخوان مردم به پیمودن این راه و ترک آیین های شرک

و من الناس من یجدل فی الله .. لیضلّ عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۴

۴- توصیه خدا به اهل شرک ، به دست برداشتن از بت پرستی و روی آوردن به توحید و نیایش به درگاه او

یدعوا من دون الله ما لایضرّه و ما لاینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - فراخوانده شدن مردم صدراسلام به توحید و تلاوت شدن آیات قرآن بر آنان از سوی مؤمنان

و إذا تتلى عليهم آياتنا

... بالذین یتلون علیهم ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - گفت و گوی فرعون با سران و اشراف مصر ، درباره دعوت موسی از آنان مبنی بر پذیرش خدای یگانه

و قال فرعون یاٰیها الملائما علمت لکم من إله غیري

<ملائم> به شخصیت های برجسته و بزرگان قوم گفته می شود.

۲ - فرعون ، درباره خدای مورد ادعای موسی اظهار تردید کرد .

و قال فرعون .. ما علمت لکم من إله غیري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، وظیفه دار فراخواندن مردم به سوی پروردگار یگانه

و ادع إلی ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۲

۲ - دعوت به یکتاپرستی و رعایت تقوا ، از اصول تعالیم ابراهیم (ع) بود .

و إبرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله و اتّقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به پرستش خداوند پس از نهی آنان از بت پرستی

و إبرهیم إذ قال لقومه .. إنّما تعبدون من دون الله أوثناً ... و اعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۴

۴ - کشتن و آتش زدن ، از شیوه های قوم ابراهیم ، برای رویارویی با دعوت توحیدی او بود .

إبرهیم إذ قال .. ذلکم خیر لکم

... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۱۳

۱ - حضرت لوط (ع) به دعوت ابراهیم (ع) در پی فراخوانی او به توحید ، ایمان آورد .

و إبرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله .. فأمن له لوط

۳ - حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خویش ، پس از واقعه دعوت به توحید و انداخته شدن در آتش و نجات اش از آن ، هجرت کرد .

و إبرهیم إذ قال .. اعبدوا الله ... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا ... أو حرّ

به قرینه سیاق، مرجع ضمیر فاعلی <قال> حضرت ابراهیم(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۴

۴ - نخستین پیام شعیب (ع) به مردم مدین ، دعوت به خداپرستی و امیدواری به روزوایسین بود .

إلى مدین أخاصم شعيبًا فقال يقوم اعبدوا الله و ارجوا اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۹

۹ - موعظه انسان ها با منطق و برهانی محکم ، برای توجه دادن آنان به توحید عملی حکیمانه است .

و لقد آتينا لقمن الحكمة .. إذ قال لقمن لابنه... لا تشرك بالله إن الشرك لظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۷

۷ - توحید ، سرلوحه و اساس دعوت پیامبر (ص)

يُوحَىٰ إِلَيْنَا أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ

جلد - نام سورہ -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، منادی توحید و یکتاپرستی

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - دعوت به توحید و انذار از عواقب شرک ، محور اصلی و مشترک دعوت پیامبران

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

بنابراین که <أَلَّا تَعْبُدُوا..> در ادامه <وقد خلت النذر> و مصداق انذار آنان باشد و نه صرفاً ادامه سخن هود برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۲

۲ - توحید و خداپرستی ، اولین و مهم ترین دعوت حضرت نوح (ع)

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

برداشت یاد شده، از تقدم ذكری <اعبدوا الله> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۰ - ۴

۴ - توحید و نفی شرک ، اساس و محور دعوت پیامبر (ص)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

دعوت به توحید افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ - نفی بت پرستی ، توحید عبادی ، توحید افعالی ، شکر پروردگار ، عقیده به معاد ، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا ، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إنما تعبدون من دون الله أوثناً ... فابتغوا عند الله

دعوت به توحید ذاتی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۴

۴ دعوت مردمان به توحید و پرستش خداوند یکتا از اساسی ترین وظائف و رسالت های عیسی (ع)

ما امرتني به ان اعبدوا الله ربّي و ربکم

تفسیر <ما امرتني به> به <ان اعبدوا الله> با اینکه حضرت عیسی(ع) به جز فرمان به عبادت خدا پیامهای دیگر نیز داشت گویای این است که ابلاغ فرمان توحید از اساسی ترین وظایف مسیح(ع) بوده است.

دعوت به توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۳

۳- دعوت همه مردم به پذیرش توحید ربوبی و پرستش خدای یگانه ، از جمله سخنان عیسی (ع) در گهواره

و إنّ الله ربّي و ربکم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۷

۷ - مبارزه با شرک و دعوت مردم به ربوبیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، پیام اصلی حضرت موسی (ع)

قالوا ءامنّا برّب العلمین

برداشت یاد شده از اعتراف ساحران در حضور موسی(ع)، به ربوبیت مطلق خداوند بر جهان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - دعوت به توحید ربوبی ، برجسته ترین عنصر در رسالت حضرت موسی (ع)

فقال إنّی رسول ربّ العلمین

از این که موسی (ع) در اولین گام رسالت خویش، از ربوبیت خداوند سخن به میان آورده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات -

۵ - ادعای ربوبیت برتر، موضع گیری فرعون در برابر طرح توحید ربوبی از سوی موسی (ع)

و أهدیک إلی ربک .. أنا ربکم الأعلى

جمله <و أهدیک إلی ربک> در آیات پیشین، سخنی بود که موسی (ع)، آن را با توجه به انکار ربوبیت خداوند از سوی فرعون، مطرح ساخت. فرعون در واکنش به این دعوت، برترین ربوبیت را برای خود قائل شد.

دعوت به توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۴

۴ دعوت مردمان به توحید و پرستش خداوند یکتا از اساسی ترین وظائف و رسالت های عیسی (ع)

ما امرتني به ان اعبدوا الله ربی و ربکم

تفسیر <ما امرتني به> به <ان اعبدوا الله> با اینکه حضرت عیسی (ع) به جز فرمان به عبادت خدا پیامهای دیگر نیز داشت گویای این است که ابلاغ فرمان توحید از اساسی ترین وظایف مسیح (ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۶

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام هود برای قوم عاد

قال يقوم اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۶

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین

پیام شعیب برای مردم مدین

قال يقوم اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۲

۲ دعوت به یکتاپرستی ، در رأس برنامه تبلیغی حضرت نوح (ع) بود .

إني لكم نذير مبين. أن لا تعبدوا إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۸

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

بینی اركب معنا و لاتكن مع الكافرين

مراد از <مَعَنَا> همراهِو معیت عقیدتی است نه جسمانی؛ زیرا جمله <اركب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعَنَا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعَنَا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتكن...> مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۵

۵ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام هود (ع) برای قوم عاد

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ هود (ع) از قوم عاد خواست تا از دعوتش (پذیرش توحید ، یکتاپرستی و ترک شرک و استغفار از گناهان) اعراض نکنند و بر گناه خویش اصرار نورزند .

و لاتتولوا مجرمین

<تولّی> (مصدر لاتتولوا) به معنای اعراض کردن و نپذیرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۵

۵ دعوت به

پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۵، ۱۰، ۷

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد...> استفهام توییخی است.

۱۰ جوانان و میانسالان قوم ثمود ، مخاطبان اصلی حضرت صالح (ع) در دعوت به توحید و یکتاپرستی

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

فعل مضارع <يعبد> گویای این است که مخاطبان صالح ، کسانی اند که پدرانشان زنده بودند و به پرستش خدایان مشغول بودند.

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتاپرستی از سوی حضرت صالح (ع) ، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری او

و إنا لفي شك مما تدعوننا إليه مريب

<مريب> (تردیدافکن) صفت برای <شك> است و متعلق آن به قرینه جمله <قد كنت فينا مرجوًّا> خردمندی و هوشیاری صالح(ع) می باشد. بنابراین جمله <إنا لفي...>؛ یعنی، ما در درستی تعالیم تو شك داریم، آن چنان شکی که باعث شده درباره خردمندی و هوشیاری ات نیز تردید کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۵، ۶

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام شعیب (ع) برای مردم مدین بود .

قال يقوم اعبدوا الله

۱۵ شعيب (ع) ، با آگاه ساختن قوم خویش به نبود معبودی جز خدا ،

آنان را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ پیامبر (ص) مردمان را فقط به خداوند یکتا دعوت می کرد و به پرستش او فرا می خواند .

إليه أدعوا

تقديم <إليه> بر <أدعوا> حاکی از حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۵

۵- برانگیختن انبیا در میان همه امت ها برای دعوت به توحید عبادی ، دلیل بطلان عقیده مشرکان به جبری بودن شرکشان

و قال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و لقد بعثنا فی کلّ أ

آوردن عبارت <قد بعثنا..> پس از بیان کلام مشرکان درباره جبری بودن شرکشان، به منزله جواب برای آن است که با این بیان که اگر شرک خواست خداوند بود، نباید انبیا را مبعوث می کرد و حال آنکه آنان را برای هدایت برانگیخته است و این حکایت از بطلان عقیده آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۷

۷- خداوند ، به پیامبر (ص) دستور داد که از مشرکان بخواهد به جای ستیزه جویی با وی و مخالفت با حدود و مقررات الهی ، به سوی خدای یگانه بازگردند و به پرستش او برخیزند .

فلا ینزعنک فی الأمر و ادع إلی ربک

۲ - ردّ دعوت پیامبر (ص) (دعوت به یکتاپرستی) ، از سوی مشرکان و پافشاری آنان بر شرک و بت پرستی

و ادع إلى ربك... و إن جدلوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، نخستین و مهم ترین سخن نوح (ع) با قوم خویش

فقال يقوم اعبدوا الله... أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد... فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً وعلانيه... فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلاتبتأس بما كانوا يفعلون < فلذلك قال نوح : > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و أوحى الله إليه > أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: > أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلاتبتأس بما كانوا يفعلون < و به همین خاطر نوح گفت: > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و خداوند به نوح وحی

کرد: <أن اصنع الفلك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۴

۴ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، اولین و مهم ترین پیام نخستین پیامبر پس از نوح (هود یا صالح)

أن اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

<أن> برای تفسیر پیامی است که پیامبر (پیامبری که برای جامعه پس از طوفان نوح برانگیخته شده بود)، مأمور ابلاغ آن به مردم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۲

۲ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، عصاره پیام قرآن

فلاتدع مع الله إلهًا آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۵،۶

۵ - دعوت به پرستش خدای یگانه ، مهم ترین و نخستین پیام صالح برای ثمودیان

ولقد أرسلنا إلی ثمود .. أن اعبدوا الله

اهمیت پیام و نخستین بودن آن از این جهت استفاده می شود که آیه شریفه دعوت به خداپرستی را در رأس همه پیام ها و قبل از هر پیام دیگر آورده است.

۶ - رهیابی مردم به پرستش خدای یگانه ، محوری ترین هدف رسالت پیامبران

ولقد أرسلنا .. أن اعبدوا الله

بدیهی است آنچه در رأس دعوت ها قرار گیرد، در واقع اساس و محور برنامه های بعدی به حساب آمده و راه را برای حرکت های جدید خواهد گشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۱ - ۲

۲ - پرستش پروردگار یگانه و تسلیم محض در برابر او ،

پیام و هدف استوار و تغییرناپذیر پیامبر (ص)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ .. أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ - نفی بت پرستی ، توحید عبادی ، توحید افعالی ، شکر پروردگار ، عقیده به معاد ، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا ، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ .. إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا ... فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱

۱ - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ .. اَعْبُدُوهُ ... فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - بازداشتن مردم از تبهکاری و افساد در حد دعوت به توحید عبادی و آخرت طلبی ، اهمیت دارد .

يَقُومُوا عِبَادُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ

ذکر شدن نهی <لا تعتوا> در کنار دو امر مهم اعتقادی (توحید و آخرت)، حاکی از اهمیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ - دعوت مردم به یکتاپرستی و اعتقاد به روز رستاخیز ، در رأس برنامه های فرستادگان الهی

يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا

۳۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال: ... انّ الله عزّوجلّ بعث نوحاً إلى قومه > أن اعبدوا الله واتّقوه و أطيعون < ثمّ دعاهم إلى الله وحده و أن يعبدوه و لا يشركوا به شيئاً ثمّ بعث الأنبياء على ذلك إلى أن بلغوا محمداً فدعاهم إلى أن يعبدوا الله و لا يشركوا به شيئاً و قال: > شرع لكم من الدين ما وصى به نوحاً و الذي أوحينا ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند عزّوجلّ نوح را به سوی قومش مبعوث نمود که خدا را عبادت نمایند و از او پروا داشته باشید و مرا اطاعت کنید. سپس آنها را دعوت نمود به خدای یگانه که او را عبادت نمایند و هیچ گونه شریکی برای او نگیرید و بعد پیامبران را بر همین منوال فرستاد تا به رسول خدا(ص) رسید، و آنان را به عبادت خدا و این که نسبت به او هیچ گونه شرکی نوزند، فرا خوانده و فرمود: شرع لكم من الدين ما وصى به نوحاً...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- هود (ع) ، پیامدار توحید و خداپرستی برای قوم خویش

و اذکر أخوا عاد إذ أنذر قومه بالأحقاف .. ألا تعبدوا إلا الله

در برداشت یاد شده > ألا تعبدوا .. < ادامه اندازها و سخنان هود(ع) دانسته شده است. در این صورت تنها جمله > و قد خلت النذر... < جمله معترضه می باشد.

دعوت به توکل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ از امام باقر (ع) روایت شده است: >... ان قوم موسی استعبدهم آل فرعون و قالوا: لو كان لهؤلاء على الله كرامه كما يقولون ما سلطنا عليهم فقال موسى لقومه: يا قوم إن كنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا... ;

... همانا آل فرعون، قوم موسی را به بردگی گرفته بودند و می گفتند اگر آنان همان گونه که می گویند در نزد خداوند کرامتی داشتند، ما را بر آنان مسلط نمی ساخت. پس موسی (ع) به قوم خود گفت: ای قوم! اگر ایمان به خدا دارید، پس بر او توکل کنید... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۲

۱۲- انبیای الهی به اقوام خود اعلام کردند مؤمنان باید تنها خداوند را تکیه گاه خویش قرار بدهند و بر او توکل کنند .

و على الله فليتوكل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- انبیا، توکل بر خداوند را با دعوت و عمل خویش به مردم آموزش می دادند .

و على الله فليتوكل المؤمنون. و ما لنا الا نتوكل على الله... و على الله فليتو

دعوت به جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ یوشع و کالب، در عین ترس از دشمن، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف < یخافون >، < جبارین > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ رنج و اندوه پیامبر (ص) از مشکلات مسلمانان، در عین فراخوانی آنان به جنگ با دشمنان و تحمل سختی های نبرد

رسول من أنفسمک عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

با توجه به اینکه در آیات قبل، سخن از جنگ تبوک و مشکلات توان فرسای آن بود و پیامبر(ص) مؤمنان را به شرکت در آن فرمان داده بود، یادآوری خصلتهای پیامبر(ص) در پایان این بخش، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

دعوت به جنگ سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱

۱ - دعوت خداوند از متخلفان سفر حدیبیه، برای شرکت در جنگی دشوار به منظور جبران گذشته خود

قل للمخلفین .. ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

دعوت به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۱

۱- دعوت خداوند، از مؤمنان برای جهاد و یاری دین

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

دعوت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - فرعون و دارودسته وی ، از نوع پیشوایان دعوت کننده به دوزخ

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار

۹ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : ... قال الله تبارك و تعالی ... > و جعلناهم أئمه يدعون

إلى النار > يقدمون أمرهم قبل أمر الله و حكمهم قبل حكم الله و يأخذون بأهوائهم خلاف ما في كتاب الله عزوجل ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ... خدای تبارک و تعالی فرموده است: ... <و جعلناهم أئمة يدعون إلى النار> آنان فرمان خود را بر فرمان خدا مقدم می دارند و حکم خود را نیز بر حکم خدا مقدم می دارند و براساس هواهای نفسانی، برخلاف آنچه در کتاب خدا است عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

كان الشيطان يدعوهم إلى عذاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۲

۲ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از فراخواندن قوم خود ، به نجات و رستگاری و دعوت آنان از او به سرنوشت هلاکت بار دوزخ

و يقوم مالی أدعوکم إلى النجوه و تدعوننی إلى النار

استفهام در <مالی> برای تعجب است.

دعوت به حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۴، ۱۳

۱ - فراخوانی مردم به حج از سوی حضرت ابراهیم (ع) به فرمان خداوند

و أذن فی الناس بالحج

<تأذین> (مصدر <أذن>) به معنای اعلان و ندا در دادن است؛ یعنی، <ای ابراهیم! به میان مردم برو و آنان را به حج و زیارت بیت الله، فرا بخوان>.

۳- تبلیغ و فراخوانی مردم به حج و زیارت بیت الله ، از وظایف رهبران الهی

و أذن فی الناس بالحجّ

۱۴ - > عن عبید

اللّه بن علی الحلبي ، عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته لم جعلت التلبیه ؟ فقال : إنّ اللّه عزّوجلّ أوحى إلى ابراهيم (ع) > و
أذن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالاً < فنادی فأجیب من کلّ فجّ یلبون ;

عبداللّه بن علی الحلبي گوید: از امام صادق(ع) سؤال کردم: چرا [در حج] تلبیه مقرر شده است؟ فرمود: همانا خداوند به
حضرت ابراهیم(ع) وحی کرد: > و أذن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالاً < پس ابراهیم ندا در داد و از هر راه دوری با لیبیک
گفتن به ابراهیم(ع)، پاسخ داده شد.

دعوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۹

۹ - تعالیم پیامبران ، مطابق حق بوده و آنان مردم را به سوی حق فرامی خواندند .

كذّبت قبلهم قوم نوح . . . لیدحضوا به الحقّ

دعوت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) ، تنها مأمور فراخواندن مردم به راه خدا و دین الهی بود و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش آن .

و ما أرسلنک إلا مبشّراً و نذیراً . . . إلا من شاء أن یتخذ إلى ربّه سبیلاً

از این که خداوند در آیه قبل رسالت پیامبر(ص) را، منحصر به انذار و بشارت دانست و در آیه مورد بحث، انسان را در
انتخاب راه الهی آزاد گذاشت، می توان استفاده کرد که پیامبر(ص) حق نداشت مردم را به پذیرش دین مجبور کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب

۱ - دعوت مردم به خداوند ، از جمله مسؤولیت های پیامبر (ص) بود .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .. و داعيًا إِلَى اللَّهِ

۲ - دعوت پیامبر (ص) از مردم برای حرکت در راه خداوند ، به اذن و فرمان خدا است .

و داعيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمن آل فرعون ، مردم مصر را به خدای عزیز و غفار خواند .

و أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، منادی حق و دعوت کننده خلق به سوی خداوند

أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۸

۸ - دعوت به سوی خدا ، محور مسؤولیت حضرت عیسی (ع)

مِنَ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ

دعوت به خدا شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۲

۲ خداوند ، فراخوان انسان ها به شناخت ربوبیت او با مطالعه در پدیده های آفرینش

ألم تر إلی ربّك کیف مدّ الظلّ

استفهام در <ألم تر..> تقریری و متضمن معنای تشویق است.

دعوت به خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۲

۲۲- اقوام کافر گذشته ، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به مخالفت

برمی خاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

دعوت به خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۲۸

۲\$ - دعوت فرعون به خشیت از خداوند ، از اهداف رسالت موسی (ع)

فتخشی

- دعوت فرعون به خشیت از خداوند، از اهداف رسالت موسی(ع)

۸\$ - هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان ، از نخستین اهداف پیامبران است .

فقل . . . و أهدیک إلی ربّک فتخشی

- هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان، از نخستین اهداف پیامبران است.

دعوت به خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۷

۷ - خداوند ، خواهان خضوع و تضرع انسان ها به درگاه او

فما استکانوا لرّبهم و ما یتضرّعون

دعوت به خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد كانوا يدعون إلى السجود و هم سلمون

دعوت به خوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۳

۳ - انجام نیکی ها و پرهیز از بدی ها ، یکی دیگر از محور های تبلیغی صالح پیامبر (ع)

يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه

دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۲۱ خداوند ، دعوت کننده انسان ها به بهشت و آمرزش خویش است .

و الله يدعوا الى الجنة و المغفره باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از مردم ، برای پیروی از آیین ابراهیم (ع)

فاتبعوا مله ابراهیم حنیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۱ ، ۱۰ ، ۹ ، ۶ ، ۴ ، ۳ ، ۱

۱ ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر

و لتکن منکم ائمه ... عن المنکر

بنابراینکه <من> در <منکم> ، تبعیضیه باشد.

۳ ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت جامعه به اتحاد و اُلفت میان دل ها و برادری میان آنها

و اعتصموا بحبل الله .. و لتکن منکم ائمه يدعون الى الخیر

۴ دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، از شیوه های ایجاد وحدت در میان مؤمنین

و اعتصموا بحبل الله جميعاً .. و لتکن منکم ائمه يدعون الى الخیر

به نظر می رسد <ولتکن> به مقتضای ارتباط با آیه قبل ، ارائه راهی برای تحقق اعتصام به ریسمان الهی باشد.

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، دعوت به خیر است . *

و لتکن منکم ائمه يدعون الى الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

بنابراینکه <واو> در <و یأمرون> ، تفسیریه برای <یدعون الى الخیر> باشد ، و یا مصداقی از دعوت به خیر.

۹ دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر)

نظارت همگانی) ، وظیفه همه افراد جامعه اسلامی

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

بنابراینکه من در <منکم> بیائیه باشد.

۱۰ تنها دعوتگران به خیر و امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، اهل رستگاری هستند .

و لتكن منكم ... اولئك هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئك>، دعوت کنندگان به خیر و امرکنندگان و نهی کنندگان باشند.

۱۱ نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، در رستگاری جامعه

و لتكن منكم امة .. و اولئك هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئك> جامعه اسلامی باشد؛ یعنی تنها خود امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۲،۳

۲ دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، مانع بروز تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير .. و لا تكونوا كالذين تفرّقوا

جمله <لا تكونوا .. >، احتمالا بیان نتیجه آیه قبل است.

۳ سرانجام ترک دعوت به نیکی ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتكن منكم امة يدعون .. و لا تكونوا كالذين تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۳

۳ فرمان به اعتصام به حبل الهی ، پرهیز از تفرقه ، دستور به دعوت خیر ، امر به

معروف و نهی از منکر ، از آیات بحق الهی

و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرّقوا .. و لتكن منكم ائمه ... تلك ايات اللّ

بنابراینکه مشارالیه <تلك>، تمامی مطالب گذشته در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ، کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

دعوت به درخواست مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۵

۵ - خداوند توسط پیامبر (ص) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود (این که آنان دوستان خدایند) ، آرزوی مرگ کنند .

قل یا ایها الذین هادوا.. فتمنّوا الموت إن كنتم صدقین

دعوت به درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۶

۶ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن معارف و حقایق و توجه داشتن به آنها

أفلاتذکرون

متعلق <تذکرون> می تواند مطلق حقایق و معارف باشد و می تواند خصوص حقایقی باشد که در آیه مورد بحث بود. برداشت فوق براساس احتمال اول است. قابل ذکر است که استفهام در <أفلاتذکرون> به داعی امر و ترغیب ایراد شده است، یعنی، حقایق را بفهمید و بدانها توجه داشته باشید.

دعوت به درک مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۷

۷ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن امتیاز مؤمنان بر کافران و توجه داشتن به آن

هل یتویان مثلاً أفلاتنکرون

دعوت به دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۴

۴ - توصیه خدا به اهل شرک ، به دست برداشتن از بت پرستی و روی آوردن به توحید و نیایش به درگاه او

یدعوا من دون الله ما لایضره و ما لاینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان مردم به دعا و نیایش به درگاه او

فادعوا الله

دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص)، تنها مأمور فراخواندن مردم به راه خدا و دین الهی بود و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش آن.

و ما أرسلنک إلا مبشراً و نذیراً .. إلا من شاء أن یتخذ إلی ربّه سبیلاً

از این که خداوند در آیه قبل رسالت پیامبر(ص) را، منحصر به انذار و بشارت دانست و در آیه مورد بحث، انسان را در انتخاب راه الهی آزاد گذاشت، می توان استفاده کرد که پیامبر(ص) حق نداشت مردم را به پذیرش دین مجبور

کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱،۱۰

۱ - در صورت دعوت از مجادله گران درباره خدا برای پیروی از تعالیم آسمانی ، آنان ، خود را پیرو آیین نیاکان شان معرفی می کنند .

الناس من يجدل في الله بغير علم . . . و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا

۱۰ - پاسخ منفی دادن به فراخوان عمل به تعالیم دین آسمانی ، به بهانه پیروی از آیین نیاکان ، جاهلانه و مجادله ای بدون دلیل است .

و من الناس من يجدل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتب منير . و إذا قيل لهم ا

دعوت به دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۵

۵- خدا و رسولش ، فراخوان مردم به استفاده صحیح و بهره برداری کافی از فرصت ها و امکانات زندگی برای هدایت و دینداری

و أنذر الناس . . . فيقول الذين ظلموا ربنا أخرنا إلى أجل قريب نجب دعوتك و نتبع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور به دعوت مردمان به اقامه دین و پرهیز از اختلافات و تفرقه در آن

أن أقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه . . . فلذلك فادع

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ذلك> اشاره به جمله <أقيموا الدين و..> باشد. گفتنی است که بر این مبنا لام <لذلك> به معنای <إلى> خواهد بود.

دعوت به رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

دعوت به رد شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۰ - ۴

۴ - توحید و نفی شرک ، اساس و محور دعوت پیامبر (ص)

قل إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

دعوت به رستگاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۲،۶

۲ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از فراخواندن قوم خود ، به نجات و رستگاری و دعوت آنان از او به سرنوشت هلاکت بار دوزخ

و يقوم مالی أدعوکم إلى النجوه و تدعوننی إلى النار

استفهام در <مالی> برای تعجب است.

۶ - مؤمنان ، وظیفه دار فراخواندن مردم به نجات و رستگاری

و يقوم مالی أدعوکم إلى النجوه

دعوت به زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۱

۱- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و کان یأمر أهله بالصلوه والزكوه

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

دعوت به سیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱- پیامبر (ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظه الحسنه

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه> یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

۲- رشد و کمال پیامبر (ص) در پرتو ربوبیت الهی، مقتضی دعوت دیگران به راه خداست.

ادع إلى سبيل ربك

واژه <رب> که در لغت به معنای تربیت است (مفردات راغب) می تواند اشاره به این جهت داشته باشد که: بهره‌وری پیامبر(ص) از ربوبیت خدا، مقتضی آن است که آن حضرت دیگران را نیز از ربوبیت خدا بهره مند سازد.

۳- تبلیغ دین و دعوت دیگران به راه خدا، تکلیفی الهی بر همگان

ادع إلى سبيل ربك

برداشت فوق، با الغای خصوصیت از مخاطب اصلی آیه، یعنی، پیامبر اکرم(ص) است.

۹- انسان برای گرایش به راه خدا، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر <بالحکمه> است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که <وجادلهم> با بیان دیگر و امری مجزا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۳

۳ - انتخاب راه خدا و هدف قرار دادن قرب او، دعوت الهی از تمام مردم

فمن شاء اتخذ إلى ربه مآباً

تعبیر <إلى ربّه ماباً> به قرینه <للطاغین ماباً> در

آیات پیشین دعوت به اعراض از فرجام طغیانگران (جهنم) و برگزیدن قرب خداوند به عنوان مقصد نهایی است. حرف <إلی> در <إلی ربّه> دلالت می کند که مقصد نهایی، راهی است که سمت و جهت آن به سوی خداوند باشد. این تعبیر کنایه از قرب به خداوند است؛ نه وصول به آن ذات اقدس؛ زیرا در آن صورت به حرف <إلی> نیازی نبود.

دعوت به سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند؛ ولی آنان از این کار ناتوان اند.

و یدعون إلی السجود فلا یستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

دعوت به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

دعوت به سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

دعوت به سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود تا پیام خداوند را مبنی بر سیر در زمین و مطالعه در پدیده های آفرینش ، ابلاغ کند .

قل سيروا في الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق

دعوت به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ مشرکان، مرتدان متحیر را به شرک دعوت می کنند و خود را هدایت یافته می پندارند.

له أصحب يدعونه إلى الهدى ائتنا

مراد از <اصحاب>، بنا بر یک احتمال، مشرکان و منحرفانی هستند که مرتدان را تشویق می کنند و به جانب خود سوق می دهند و راه خود را طریق هدایت می شمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۷ - تلاش اغواگرانه به اعتقاد پیشوایان شرک تنها دعوت و فراخوانی است؛ نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوينهم كما غوينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مردم مصر (قبطیان و فرعونیان) ، مؤمن آل فرعون را به کفر و شرک به خدا فراخواندند .

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توصیه اکید صاحبان زر و زور به مردم در عصر نوح (ع) ، به دست برداشتن از عبادت معبود های خویش

و قالوا لاتدرنّ ءالهتکم

<إله> (مفرد <آلهه>) به معنای معبود است. گفتنی است تأکید در برداشت یاد شده از آمدن <ن> تأکید ثقیله <لاتدرنّ> استفاده می شود.

دعوت به شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ پیامبر (ص) بر عقیده توحیدی خویش و نفی شرک و نیز لزوم فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، از دلیل و حجّتی روشن برخوردار بود .

قل هذه سبیلی أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

<بصیره> به معنای حجت و دلیل روشن است (لسان العرب). آیات قبل و نیز آیه مورد بحث، بیانگر متعلق <بصیره> است

که در برداشت، برخی از آنها آورده شد. قابل ذکر است که در ترکیب این فراز چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه
<علی بصیره > خبر

برای <أنا> و <من اتبعنی> عطف بر <أنا> است؛ یعنی: <أنا و من اتبعنی علی بصیره>.

۹ پیروان پیامبر (ص) موظف به فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک

أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

برداشت فوق، بر این اساس است که <علی بصیره> متعلق به <أدعوا> باشد. بر این مبنا <أنا> تأکید برای ضمیر <أدعوا> و <من اتبعنی> عطف بر فاعل <أدعوا> می شود؛ یعنی: <أنا أدعوا إلى الله علی بصیره و من اتبعنی يدعوا إلى الله علی بصیره>.

دعوت به شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۲، ۱۹

۱۲ - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به سپاسگزاری به درگاه خداوند

و إبرهیم إذ قال لقومه .. و اشکروا له

۱۹ - نفی بت پرستی، توحید عبادی، توحید افعالی، شکر پروردگار، عقیده به معاد، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و إبرهیم إذ قال لقومه .. إنما تعبدون من دون الله أوثنا ... فابتغوا عند الله

دعوت به شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان، فراخواند.

و علمنه صنعه لبوس لکم .. فهل أنتم شکرون

استفهام در جمله <فهل أنتم شاکرون>، متضمن معنای امر است.

دعوت به شناخت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور -

۱۵ - خداوند ، فراخوان انسان ها به شناخت جهت گیری همه موجودات جهان آفرینش

ألم تر أنّ الله يَسْتَجِيبُ له من فى السموت و الأرض و الطير صَفَّتْ كُلّ قد علم صلاته

دعوت به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۹

۹ لزوم پیشه ساختن صبر و شکیبایی ، قبل از دعوت دیگران به صبر و استقامت *

یا ایّها الذین امنوا اصبروا و صابروا

برداشت فوق مبتنی بر این معناست که مراد از <صابروا>، دعوت یکدیگر به صبر و استقامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونیان فراخواند .

قال موسى لقومه استعینوا بالله و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان پیامبر (ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت و مقاومت در برابر مشرکان و آزار های آنان

فاصبر

بیان سرگذشت نوح(ع) و سپس دعوت کردن پیامبر(ص) به صبر و مقاومت ، گویای این است که: مصداق مورد نظر برای <صبر> تحمل مشکلات و مشقتهاى تبلیغ رسالت و مقاومت در برابر آزارها و کارشکنیهای مخالفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، پیامبرش را به صبرپیشگی و شکیبایی فرا خواند .

واصبر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إِنَّهُ مِنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلاها ، از مواظب لقمان به پسر خویش بود .

يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلٰوةَ .. و اصبر على ما اصابك

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد ءاتينا لقمن الحكمة .. إذ قال ... يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلٰوةَ

دعوت به صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۲

۲ خداوند ، فراخوان مؤمنان به راستی و درستی در گفتار و عمل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۴

۴ - دعوت به پاکی و درست کاری ، سرلوحه برنامه پیامبران

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ

دعوت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۲

۱۲- دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لایقدر علی شیء .. هل یتوی هو و من یأمر بالعدل و

هو علی صراط مستقیم

برداشت فوق، از تقابل <من يأمر بالعدل..> و <أحدهما أبکم... لایأت بخیر> به دست آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- عیسی (ع)، دعوت کننده مردم به صراط مستقیم

هذا صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، دعوت کننده راستین مردم، به راه مستقیم

و اِنَّک لتدعوهم اِلی صراط مستقیم

دعوت به عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۷

۷ محور دعوت عیسی (ع)، بیان ربوبیت خدا و هدایت مردم به پرستش او

اِنَّ اللّٰه ربّی و ربّکم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱

۱ هود با ابلاغ مأموریت خویش از جانب خداوند، مردمش را به توحید، عبادت خداوند و ترک پرستش معبودان دروغین فراخواند.

أجئتنا لنعبد الله وحده و نذر ما کان یعبدهاؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلك ممّا أوحى إليك ربّك من الحكمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۱

۱ - ابراهیم (ع)

فرستاده خداوند برای دعوت قوم اش به عبادت خدا و رعایت تقوا بود .

لقد أرسلنا .. و إبرهیم إذ قال لقومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۳

۳ - خداوند ، فراخوان انسان ها به عبادت خالصانه او

مخلصین له الدین

طبق گفته مفسران، واژه <دین> در این آیه، به معنای عبادت است. آمدن این واژه در معنای یاد شده از کاربردهای رایج در لغت عرب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۲

۲ - ادیان آسمانی ، از تعالیم انحرافی مبّرّا بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند ، اخلاص ، اعتدال در دین ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمان داده اند .

و ما تفرّق الذین أوتوا الکتب .. و ما أمرُوا إِلَّا لیعبدوا الله مخلصین له الد

حصر در <إِلَّا لیعبدوا الله> ، حصر اضافی و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید، اعتدال، نماز و زکات است.

دعوت به عبادت خالصانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۸

۸ - استواری و سامان بخشی ، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل ، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد .

و ما أمرُوا إِلَّا .. و ذلک دین القیمه

دعوت به عبادت خدا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۹،۱۱

۹ دعوت مسیح (ع) از بنی اسرائیل به پرستش خدای یگانه و توحید ربوبی

و قال المسیح یبنی اسرئیل اعبدو الله ربی و ربکم

۱۱ دعوت مسیح (ع) به پرستش خدای یگانه ، دلیل و گواهی روشن بر خدا نبودن او

قالوا إنّ الله هو المسیح ابن مریم و قال المسیح یبنی اسرئیل اعبدو

جمله حالیه <و قال المسیح> استدلالی است بر رد پندار الوهیت برای مسیح(ع).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۱،۲

۱ - حضرت نوح (ع) ، مردم را به عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از خود ، فرا می خواند .

أن اعبدوا الله و اتّقوه و اطيعون

۲ - توحید و خداپرستی ، اولین و مهم ترین دعوت حضرت نوح (ع) (ع)

أن اعبدوا الله و اتّقوه و اطيعون

برداشت یاد شده، از تقدم ذکرى <اعبدوا الله> به دست می آید.

دعوت به عبادت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۲

۲ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، درباره تن دادن به درخواست مشرکان مبنی بر عبادت غیر او

قل أغير الله تأمرؤنی أعبد .. لئن أشركت لیحبطن عملک

از ارتباط این آیه با آیه قبل که در آن مشرکان از پیامبر(ص) خواسته بودند که غیر خدا را عبادت کند برداشت بالا به دست

می آید.

دعوت به عبرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴

۴- دعوت خداوند از خلق ، برای پندگیری از آیات او و رخداد طوفان نوح

و لقد تركنھا ايه فهل من مدكر

تعبیر <فهل من مدكر> برای انگیزش است.

دعوت به عبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۶

۶ دعوت مردمان به بندگی خداوند ، اصلی بنیادین در رسالت پیامبران الهی

ما امرتنی به ان اعبدوا اللّٰه

دعوت به عدالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش

پس از دعوت به توحید

يقوم اعبدوا اللّٰه . . . فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۲، ۱۰، ۹، ۷

۷- دعوت به عدل ، مهم ترین اثر و نشان انسان ارزشمند

و ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء . . . هل یستوی هو و من یأمر بال

۹- خداوند ، دعوت کننده انسان ها به عدل

هل یستوی هو و من یأمر بالعدل

برداشت فوق، بر این اساس است که ضرب المثل آیه را در جهت نفی شرک بدانیم؛ یعنی، انسان لالی ناتوان، مثلی باشد برای مخلوقات و امرکننده به عدل، مثلی باشد از خداوند.

۱۰- تنها انسان درست کردار و ایستاده بر صراط مستقیم، شایستگی دعوت دیگران به عدل را دارد.

و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم

توصیف امرکننده به عدل به اینکه خود در صراط مستقیم

باشد، در حقیقت بیان شرط شایستگی برای چنین مسؤولیت است.

۱۲- دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لایقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم
برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل..> و <أحدهما أبکم... لایأت بخیر> به دست آمد.

دعوت به عدالت اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۲،۴

۲ شعیب (ع) ، دعوت کننده مردم به برقرار ساختن قسط و عدالت در معاملات خویش

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

۴ شعیب (ع) ، از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزش تر از آنچه هست ، جلوه ندهند .

و لا تبخسوا الناس أشیاءهم

<بخس> یعنی، کم کردن و عیب گرفتن (المصباح المنیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۹

۹ برخورداری شعیب (ع) از مقام نبوت ، برانگیزنده او به فراخوانی مردمان به توحید و رعایت عدل و انصاف در مبادلات

قالوا یشعیب أصلوتک تأمرک .. قال یقوم أریتم إن کنت علی بیّنه من ربی و رزقی

سخنان شعیب(ع) در آیه مورد بحث ، پاسخی است به تحلیل استهزاآمیز قومش (أصلوتک). شعیب(ع) با جمله <أریتم...> بیان می دارد که منشأ مخالفت وی با آرا و عقاید آنان و عملکرد ناصوابشان ، مسؤولیتی است که خداوند برعهده او قرار داده است.

دعوت به عمل به قرآن

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵ - آموختن تعالیم قرآن و پایداری بر عمل به آن ، دعوت خداوند از همه انسان ها است .

إن هو إلا ذكر للعلمين . لمن شاء منكم أن يستقيم

مخاطبان در <منکم> گرچه همان کسانی اند که <این تذهبون> خطاب به آنان بود؛ ولی به قرینه <للعالمین> این رهنمود برای عموم مردم است.

دعوت به عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۱۷

۱۷- اندیشه توحیدی ، فراخوان آدمی به عملکردی متناسب با آن

لا إله إلا أنا فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۱

۱ - موسی (ع) از جانب خداوند ، مأمور راهنمایی فرعون به راه تکامل و درست کاری و ترغیب او به پاکسازی خویش از آلودگی ها

فقل هل لك إلى أن تزكى

زکات به دو معنا است: ۱. نمو ۲. طهارت (مقایس اللغه) و به کسی که صالح و درست کار شود، می گویند <تزکیه> شده است. (قاموس)

دعوت به عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۲،۷

۲ ارزش والای نجوا ها و مذاکرات محرمانه ، به انگیزه وادار نمودن دیگران به صدقه و دعوت به کار نیک و اصلاح میان مردمان

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

۷ نجوا ها و مذاکرات محرمانه برای دعوت مردم به کار های نیک ، موجب پاداش بزرگ الهی

من نجویهم

... و من يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲۱

۲۱- ایمان به توحید و نبوت و معاد و دعوت به انجام دادن عمل صالح ، چکیده دعوت پیامبر (ص) است .

قل إنما أنا بشر... ولا يشرك بعبادة ربّ أحدًا

جمله <يوحى إلى...> نبوت و <إنما إلهكم...> توحید و <يرجو لقاء...> معاد و <عملاً صالحاً> عمل صالح را مطرح کرده است.

دعوت به عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۶،۷

۶ - دعوتگری شیطان به بدی ها و بدعتگذاری ها ، نمودی از شیطنت او و دلیل دشمنی وی با انسانهاست .

إنه لكم عدو مبين. إنما يأمركم بالسوء و الفحشاء و أن تقولوا على الله ما لا تعلمون

جمله <إنما يأمركم...> دلیلی است برای <إنه لكم عدو> یعنی، نشانه و دلیل دشمنی شیطان با شما انسانها این است که او شما را به کارهای ناروا ترغیب می کند.

۷- فراخوانی مردم به کارهای ناروا و زشت ، کاری شیطانی و معیاری برای شناسایی دشمنان انسان است .

إنه لكم عدو مبين. إنما يأمركم بالسوء و الفحشاء

از آن جا که جمله <إنما يأمركم> استدلالی است و برای <إنه لكم عدو> می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۸

۱۸ دعوت به اعمال و رفتار ناشایست ، کاری شیطانی

و لامرنهم فلیتکن... و لامرنهم

فلیغیرن خلق اللّٰه

دعوت به فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۵

۵ - شیطان ، پیروانش را هرگز رها نمی کند ؛ بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می خواند .

و من یتبع خطوت الشیطن فإِنَّه یأمر بالفحشاء و المنکر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است ؛ زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است.

دعوت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، یهودیان را به پذیرش اسلام و ایمان آوردن به قرآن فرا می خواند .

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّٰه

فاعل <قیل> به قرینه <قل فلم تقتلون> (در ذیل آیه) پیامبر است ؛ یعنی: و إذا قلت لهم ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ پیامبر اکرم (ص) در دعوت مردم به پذیرش کتاب الهی ، در پی جلب منفعت برای خود یا دفع ضرر از خویش نبود .

فمن اهتدی فإنما یتهدی لنفسه و من ضل فإنما یضل علیها

دعوت به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ، کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳؛

نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

دعوت به قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۱

۱ - دسته ای از منافقان صدراسلام ، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (ص) میان آنان ، از پذیرش آن خودداری می کردند .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

دعوت به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱

۱ - مردم مصر (قبطیان و فرعونیان) ، مؤمن آل فرعون را به کفر و شرک به خدا فراخواندند .

تدعونني لأكفر بالله و أشرك به

دعوت به کفر ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انذار در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا

دعوت به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرئیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

دعوت به مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران

و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد .

من یأتیة عذاب یخزیه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

دعوت به محبت اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، به خاطر دعوت مؤمنان به مودت اهل بیت ، در معرض اتهام کذب از سوی عناصر سست ایمان *

أم یقولون افتری علی الله کذباً

چنانچه مخاطب در < لا أسئلكم > مسلمانان باشند، از ارتباط < أم یقولون > با آیه شریفه، می توان استفاده کرد که فاعل < یقولون > عناصر سست ایمان هستند و نه مشرکان.

دعوت به محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، صاحبان قلب مطمئن را شایسته حضور در نزد خود خوانده و آنان را به قرب خویش دعوت خواهد کرد .

ارجعی إلی ربک

دعوت به مسافرت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۴

۴ - دعوت پیامبر (ص) از مؤمنان ، برای شرکت در سفر مکه (قبل از صلح حدیبیه)

سيقول لك المخلفون من الأعراب

از واژه <مخلفون> و عذر تراشی های آنان، استفاده می شود که پیامبر(ص) برای این سفر، دعوت همگانی کرده است.

دعوت به مشاوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۳- حل و فصل امور مهم اجتماعی و فراخوانی مردم برای مشاوره و کنکاش پیرامون مسائل عمومی ، از وظایف و اختیارات پیامبر (ص) و رهبری جامعه اسلامی

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا

دعوت به مطالعه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۲

۲- دعوت خداوند از مردم برای مطالعه عمیق در آفرینش جهت پی بردن به هدفمندی آن

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱- دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَتَّحُونَ ظِلًّا عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است: B۱. فعل <رأى> هر گاه به <إلى> وصل شود، متضمن معنای <نظر> است و <نظر> در لغت به معنای تأمل در چیزی با نگاه است. ۲ مرجع ضمیر <يروا> در آیه، احتمال دارد <ناس> باشد. ۳ همزه استفهام، انکاری توییخی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

۲- دعوت خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَتَّحُونَ ظِلًّا

مرجع ضمیر <يروا> در این برداشت <مشرکان> می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

۳- دعوت خداوند ، برای مطالعه و دقت در حرکات و آثار منظومه شمسی

لم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفتنوا ظلله عن اليمين و الشمال

دعوت برای ژرف نگری در سایه های پدیده های مادی، می تواند إشعار به مطالعه در منظومه شمسی باشد؛ چه اینکه گردش سایه اجسام، معلول خود آنها نیست؛ بلکه حاصل طلوع و غروب و گردش منظومه شمسی است.

دعوت به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۷ - ۴

۴ - فراخواندن خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

الم يك نطفه من منى يمنى

دعوت به مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۴

۴ - فراخوانی به مطالعه طبیعت ، برای پی بردن به قدرت خداوند ، و در نتیجه ، رفع تردید در امکان معاد ، روش هدایتی قرآن است .

قل سيروا فى الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق

دعوت به مطالعه گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۲، ۱

۱- دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أو لم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفتنوا ظلله عن اليمين و الشمال

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است: B1. فعل <رأى> هر گاه به <إلى> وصل شود، متضمن معنای <نظر> است و <نظر> در لغت به معنای تأمل در چیزی با نگاه است. ۲ مرجع ضمیر <يروا> در آیه، احتمال دارد <ناس> باشد. ۳ همزه

استفهام، انکاری توییخی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

۲- دعوت

خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیؤا ظلله

مرجع ضمیر <یروا> در این برداشت <مشرکان> می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

دعوت به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، پیامبر (ص) را به سبب دعوت به توحید و معاد ، فردی مجنون می پنداشتند .

أولم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

<جنه> به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر(ص) به جنون داشته است.

دعوت به نجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۶

۶ - مؤمنان ، وظیفه دار فراخواندن مردم به نجات و رستگاری

و یقوم مالی أَدعواکم إلی النجوه

دعوت به نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱،۴

۱ - خداوند ، مؤمنان را به یاری خود فراخوانده است .

یأیها الذین ءامنوا کونوا أنصار الله

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ . . قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

دعوت به نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵

۱- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و كان يأمر أهله بالصلوه والزكوه

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱

۱ - فرمان دادن و فراخوانی خانواده و خویشاوندان به نماز ، از جمله وظایف الهی پیامبر (ص)

وأمر أهلك بالصلوه

اهل هر شخصی، عشیره و خویشاوندان او هستند و نیز به کسانی که وابستگی بیشتری به شخص داشته باشند <أهل> گفته می شود (لسان العرب) و چون سوره <طه> در مکه نازل شده است، بستگان آن حضرت در مکه (علی(ع)، خدیجه(س) و ..) مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱

۱ - فراخوانی اهل ایمان به اقامه نماز از سوی خداوند

يأيتها الذين آمنوا اركعوا واسجدوا

<ركوع> (مصدر <اركعوا>) و نیز <سجود> (مصدر <اسجدوا>) به معنای خضوع و اظهار تذلل می باشد؛ لکن ركوع اظهار تذلل به صورت خم شدن و سجود اظهار خضوع به صورت بر زمین گذاشتن پیشانی است. متعلق <اركعوا> و <اسجدوا> حذف شده و تقدیر آن به قرینه <واعبدوا ربكم>، <اركعوا و اسجدوا لربكم> می باشد. گفتنی است اظهار خضوع برای خداوند به صورت ركوع و سجود، در موارد دیگر <صلاه> نامیده شده است. بنابراین <اركعوا و اسجدوا> کنایه از <صلوا> می باشد.

دعوت به نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱

۱ - اهتمام به

برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلاها، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود.

يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلٰوةَ .. و اصبر على ما اصابك

دعوت به نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۱

۱ - عالمان بنی اسرائیل، مردمان رابه کارهای نیک دعوت می کردند.

أتأمرون الناس بالبر

چون مخاطبان <أتأمرون> باید غیر از <الناس> باشند، می توان گفت: مراد از مخاطبان - به قرینه <و أنتم تتلون الكتاب> - عالمان دینی و مقصود از <الناس> توده های مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۵

۵ - بیان کارهای نیک برای مردم (امر به معروف، ارشاد به نیکی ها و ...) از عهد های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل .. و قولوا للناس حسناً

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <حسناً> مفعولاً به برای قولوا باشد. بنابراین <قولوا...>، یعنی، نیکیها را برای مردم بگوئید و بیان کنید.

دعوت به هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

كالذی استهوته الشیطان فی الأرض حیران له أصحاب یدعونه إلى الهدی اثتنا

<فِي الْأَرْضِ> متعلق به <استهوى> است، و <استهوى فِي الْأَرْضِ> به معنی عقل او را در

بیابان ریوده اند، می تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب یدعونه> ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق احتمال دوم برگزیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۵

۵- خدا و رسولش ، فراخوان مردم به استفاده صحیح و بهره برداری کافی از فرصت ها و امکانات زندگی برای هدایت و دینداری

و أُنذِرِ النَّاسَ .. فيقول الذين ظلموا ربّنا أخّرنا إلى أجل قريب نجب دعوتك و نتبع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۲۱

۲۱ - موسی و هارون (ع) ، محرومیت فرعون از هدایت را به وی گوشزد نموده و او را به پیروی از هدایت دعوت کردند .

والسلم علی من اتبع الهدی

جمله <السلام علی..> خبریه است و به کار بردن عنوان <من اتبع...>، اشاره به نبود این وصف در فرعون و برای ترغیب او به تحصیل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ - دعوت گمراهان به راه هدایت و صراط مستقیم ، وظیفه الهی تمامی ره یافتگان به آن

و ادع إلى ربّك إنك لعلی هدی مستقیم

جمله <إنك لعلی مستقیم> تعلیل برای <و ادع إلى ربّك> است؛ یعنی، چون تو بر طریق هدایت و در صراط مستقیم هستی، آن گمراهان شرک پیشه را به سوی پروردگارت دعوت کن، تا شاید از ضلالت و گمراهی نجات یابند و به راه تو باز گردند.

دعوت به همزیستی مسالمت آمیز

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص)، مأمور ترک مناظره و منازعه با مشرکان لجوج مکه و دعوت ایشان به مسالمت اجتماعی با مسلمانان

فاصفح عنهم و قل سلم

با توجه به مفهوم <سلام> که به معنای مسالمت است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۹ - ۳

۳ - خداوند، خواهان حاکمیت جوّ مسالمت و صلح، میان گرو های امت اسلامی

و إن طائفتان .. فأصلحوا بينهما

دعوت به همسرداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۳۲

۳۲ - > عن أبي جعفر (ع) .. انّ رسول الله خطب علی زید بن حارثه، زینب بنت جحش ... فزوجها إياه فمكثت عند زید ماشاء الله، ثمّ إنّهما تشاجرا فی شیء إلى رسول الله ... فقال زید: یا رسول الله! تأذن لی فی طلاقها فإنّ فیها کبراً و إنّها لتؤذینی بلسانها، فقال رسول الله (ص): اتق الله و أمسک علیک زوجک ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که رسول خدا(ص)، زینب دختر جحش را برای زید خواستگاری کرد .. و او را به عقد وی در آورد. سپس مدتی را که خدا مقدر کرده بود، زینب، پیش زید بود. آن گاه میان زید و زینب، مشاجره ای رخ داد و هر دو پیش رسول خدا، شکوه بردند. زید گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه

می دهی او را طلاق بدهم. به خاطر این که او متکبر است و با زبانش مرا اذیت می کند؟ رسول خدا فرمود: از خدا بترس و همسرت را نگه دار...>

دعوت به هوشیاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۱

۱- خداوند ، فراخوان مردم به مطالعه و تیزبینی در چگونگی مثالهایش برای دریافت حقایق

ألم تر كيف ضرب الله مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۶

۶- قرآن ، فراخوان مردم به هوشمندی و ژرف نگری در آیات الهی و حوادث و تحولات تاریخی

و تَبْتَهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . . . و أمطرنا عليهم حجارة من سجيل . إن في ذلك لآيت للمت

دعوت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۳

۳- دعوت آشکارا ، کاملاً سرّی ، خصوصی و یا عمومی ، از روش های تبلیغی ، تربیتی و هدایتی

ثمّ إني أعلنت لهم وأسررت لهم إسرارًا

دعوت پنهانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۲

۲- دعوت نوح (ع) در میان قومش ، در آغاز به صورت سرّی و بی سروصدا بود .

و اِنِّي كَلِّمًا دَعَوْتَهُمْ .. و استكبروا استكبارًا . ثُمَّ اِنِّي دَعَوْتَهُمْ جَهَارًا

دعوت نوح(ع) با صدای بلند و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مستکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی، سرّی و بی سروصدا بوده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱،۲

۱ - نوح (ع)، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی)، مردم را به ایمان فراخواند.

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

۲ - نوح (ع)، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند.

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

دعوت پیروان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۹

۹ پیروان پیامبر (ص) موظف به فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک

أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي

برداشت فوق، بر این اساس است که <علی بصیره> متعلق به <أدعوا> باشد. بر این مبنا <أنا> تأکید برای ضمیر <أدعوا> و <من اتبعنی> عطف بر فاعل <أدعوا> می شود / یعنی: <أنا أدعوا إلى الله علی بصیره و من اتبعنی يدعوا إلى الله علی بصیره>.

دعوت ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۱

۱ - توصیه اکید صاحبان زر و زور به مردم در عصر نوح (ع)، به دست بردن از عبادت معبودهای خویش

وقالوا لا تذرنا الهتكُم

<إله> (مفرد <آلهه>) به

معنای معبود است. گفتنی است تأکید در برداشت یاد شده از آمدن <ن> تأکید ثقیله <لا تذرَنَ> استفاده می شود.

دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۴

۴ دعوت خداوند به دقت در محاجه نمرود با ابراهیم (ع)

الم تر الى الذی حاج ابرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۹

۹ آزادی انسان در پذیرش دعوت خدا و یا وسوسه شیطان

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ . . . و اللّٰهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۴،۵،۱۱

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمیل جراحات های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ . . . اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمیل جراحات نبرد احد ، مشروط به احسان و تقوای آنان است .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا . . . لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا اجر عظیم

مفسران بر آنند که نبرد پیشین که مسلمانان در آن جراحاتها دیدند، همان نبرد احد است. به دلیل وقوع این آیه پس از بیان نبرد

احد و اینکه سخن از قرح به میان آورده است ؛ چنانچه درباره نبرد

احد نیز فرموده بود: <ان یمسسکم قرح>.

۵ برخی از مجروحان جنگ احد علی رغم پذیرش دعوت خدا و پیامبر (ص) به نبردی دیگر، از احسان و تقوای لازم برخوردار نبودند.

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اجر عظیم

<منهم>، حال برای ضمیر <احسنوا> است و کلمه <من>، ظهور در تبعیض دارد؛ یعنی اجابت کنندگان را به دارندگان تقوا و احسان و فاقدان آن تقسیم می کند.

۱۱ ارزش والای ثبات بر ایمان و پذیرش دعوت خدا و رسول (ص)، پس از تحمّل شدائد و مشکلات

انّ الله لا یضیع اجر المؤمنین. الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا اصابَهُمْ ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای ایمان به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا بما نزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۳،۴

۳ خداوند، دعوت کننده مسلمانان به ایمان راستین و اکتفا نکردن به ایمان ظاهری

یا ایها الذین امنوا امنوا

بدان احتمال که مراد از ایمان در <یا ایها الذین امنوا>، ایمان صوری باشد، بنابراین مقصود از <امنوا>، دعوت آنان به تلاش برای دستیابی به ایمان و باور واقعی خواهد بود.

۴ دعوت خداوند از مؤمنان، به ثبات و پایداری در طریق ایمان

یا ایها الذین امنوا امنوا بالله

برداشت فوق توجیه دیگری است برای دعوت مؤمنان به ایمان، یعنی ای اهل ایمان بر ایمان خویش همواره پایدار باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

۱۰ دعوت خداوند از مردم ، برای دستیابی به عزت و قدرتی شکست ناپذیر در پرتو عزت او

أَيُّتَغُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۲

۲ ایمان به همه پیامبران و از بین بردن زمینه اختلافات مذهبی ، مورد دعوت و تأکید خداست .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَفْرُقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱،۱۳

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای پذیرش اسلام و ایمان به پیامبر (ص)

يَا هَلْ أَهْلَ الْكُتُبِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا

۱۳ ایمان به قرآن ، دعوت از اهل کتاب

يَا هَلْ أَهْلَ الْكُتُبِ .. قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱

۱ دعوت خداوند از تمامی اهل کتاب برای ایمان به پیامبر (ص) و پذیرش اسلام

يَا هَلْ أَهْلَ الْكُتُبِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۶

۶ خداوند فراخوان محاربان و مفسدان به دست شستن از فسادگری و ستیزه جویی با خدا و رسول (ص)

الا الذين تابوا من قبل ان تقدروا عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من

اللّٰه حڪماً لقوم يوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از اهل كتاب به رعايت تقوا و ايمان به خدا ، قرآن و ديگر كتب آسماني

و لو ان اهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱

۱ دعوت خداوند از اهل كتاب به اقامه تورات ، انجيل و ساير معارف و تعاليم الهی

و لو انهم اقاموا التوريه و الانجيل و ما أنزل اليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۶

۶ دعوت خداوند از مشركان و قائلان به تثليث جهت گرايش به توحيد و يكتاپرستی

ما من اله الا اله وحد و إن لم ينتهوا عما يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۱

۱ دعوت خداوند از معتقدان به تثليث و الوهيت مسيح (ع) ، برای استغفار و بازگشت به خدا

افلا يتوبون إلى اللّٰه و يستغفرونه

به قرينه آيات پيشين (قالوا ان اللّٰه هو المسيح .. قالوا ان اللّٰه ثالث ثلثه) فاعل <يتوبون...> مسيحيان هستند و متعلق توبه و استغفار، عقیده به الوهيت مسيح(ع) و تثليث می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

۵ الهام خداوند و ارشاد خاص وی ، مایه

دستیابی مؤمنان به مراحل عالیتر ایمان

و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی قالوا ءامنا

الهام خداوند به حواریون چنانچه گذشت بعد از قصه مائده بوده است و جمله <واتقوا الله ان کنتم مؤمنین> در آن داستان و نیز کلمه <حواریون> که به معنای یاران مخلص است حاکی از این است که آنان پیش از این الهام به عیسی (ع) ایمان داشته اند، بنابراین جمله <ءامنا> بیانگر نیل آنان به مراحل عالیتر ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند، موسی (ع) را پس از عبور بنی اسرائیل از دریا، برای عبادت و مناجاتی خاص فراخواند.

و وعدنا موسی ثلثین ليله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب)، با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن از کلمه <یوم> استفاده می شود، اشاره به این دارد که مواعده خدا با موسی برای عبادت بوده است. و چون موسی در میان قومش نیز عبادت و مناجات داشته، معلوم می شود که این، عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۷

۷ خداوند دعوت کننده موسی (ع) به جدیت در فراگیری لوحه های دریافتی و به کار بستن آن

فخذها بقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۵،۶

۵ برخی از دعوت ها و دستورات خدا و پیامبر (ص)، دستوراتی زیربنایی و حیاتبخش برای جامعه ایمانی *

إذا دعاکم لما

اگر جمله شرطیه <إذا دعاکم... > دارای مفهوم باشد، این جمله با منطوق و مفهومی بیانگر دو نوع دستور است. دستوراتی زیربنایی، اساسی و حیاتبخش برای کل جامعه ایمانی، همانند مسائل حکومت و ولایت، و دستوراتی که جنبه فردی دارد و حیات کل جامعه در گرو آن نیست.

۶ دعوت خدا و رسولش دارای هویتی واحد برای هدایت انسان ها به حیات واقعی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۱

۱ خداوند ، مؤمنان را به رعایت تقوا و پرهیز از مخالفت با وی فراخوانده است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فِرْقَانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱،۵

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قُلْ لِلذِّينِ كَفَرُوا إِن يَتَّهَمُوا يَغْفِرْ لَهُمْ

انتهاء به معنای پذیرش نهی است ؛ یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <یتتهوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان یتتهوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

۵ خداوند ، کافران حق ستیز را به عبرت گرفتن از سرنوشت شوم همسانان گذشته خویش فرامی خواند .

و إِن يَعودُوا فَقَدْ مَضتْ سُنْتِ الْأَوَّلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات

پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن الله مع الصبرین

دعوت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دعوت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دعوت زلیخا از زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۳،۴

۳ زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمكرهنَّ أرسلت إليهنَّ

مراد از <به سوی آنان فرستاد> که مفاد <أرسلت إليهنَّ> است به قرینه جمله <و أعتدت لهنَّ متكئا و ..> این است که

آنان را به مهمانی دعوت کرد.

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده ، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إليهنّ و أعتدت لهنّ متّكئاً

دعوت شعيب(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۴، ۲۲، ۵، ۶

۵ شعیب با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال يقوم اعبدوا الله

شعیب با نسبت دادن مردم مدین به خویشتن با گفتن <یقوم> (ای قوم من) در صدد تحریک عواطف آنان بوده تا به این وسیله به آنان تفهیم کند که رسالتش در جهت منافع ایشان است.

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام شعیب برای مردم مدین

قال يقوم اعبدوا الله

۱۴ شعیب با ارائه بینه ای روشنگر ، قوم خویش را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

۲۲ دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش پس از دعوت به توحید

يقوم اعبدوا الله .. فأوفوا الكيل و الميزان و لاتبخسوا الناس أشياءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۲، ۳

۳ شعیب از مردم خویش خواست تا دست از تهدید اهل ایمان بردارند و آنان را از پیمودن راه خدا بازدارند .

و لا تقعدوا بكل صرط توعدون و تصدون عن سبيل الله من ءامن به

۱۲ شعیب ، مردم خویش را به مطالعه و بررسی فرجام شوم فسادگران تاریخ فراخواند .

و أنظروا كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۰، ۲

۲ شعیب (ع)، دعوتگر مؤمنان قوم خویش به

إِنَّ كَان طَائِفَةٌ مِنْكُمْ ءَامَنُوا بِالذِّى أُرْسِلَتْ بِهِ .. فَاصْبِرُوا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیت‌های کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید).

۱۰ شعب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند.

إِنَّ كَان طَائِفَةٌ مِنْكُمْ ءَامَنُوا .. وَ طَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا ... فَاصْبِرُوا حَتَّى یَحْكُمَ اللّٰهُ بَيْنَنَا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در <فاصبروا> علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در <فاصبروا> عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۵، ۱۶، ۵

۵ شعب (ع) با برانگیختن عواطف مردم، دعوت خویش را آغاز کرد.

قال یقوم اعبدوا الله

خطاب <یا قوم> (ای مردم من) تحریک کننده عواطف مخاطبان است.

۱۵ شعب (ع)، با آگاه ساختن قوم خویش به نبود معبودی جز خدا، آنان را به توحید و ترک شرک دعوت کرد.

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۱۶ شعب (ع)، از مردم خویش خواست تا از مقدار پیمان‌ها و وزنه‌ها، نگاهند و از کم فروشی پرهیزند.

و لاتنقصوا المکیال و المیزان

<مکیال> به معنای پیمان‌ها است. ناقص گذاردن پیمان‌ها، یا

به این است که آن را کم حجم تر از حد متعارف بسازند یا پیمانه متعارف را پر نکنند. <میزان> هم به معنای ترازوست. ناقص گذاردن ترازو، یا به این است که وزنه های مورد استفاده در آن کمتر از حد معمول باشد یا جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه های آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱،۲،۴

۱ شعيب (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

<مکیال> یعنی <پیمانه> و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲ شعيب (ع) ، دعوت کننده مردم به برقرار ساختن قسط و عدالت در معاملات خویش

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

۴ شعيب (ع) ، از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزش تر از آنچه هست ، جلوه ندهند .

و لا تبخسوا الناس أشياءهم

<بخس> یعنی، کم کردن و عیب گرفتن (المصباح المنير).

دعوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۵،۶،۱۳

۵ صالح (ع) با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال يقوم

دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا الله

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۲، ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا سرنوشت شوم قوم عاد را همواره به یاد داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء الله

<الاء> جمع <إلی> و به معنای نعمتهاست.

دعوت علی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۴ - ۷، ۶

۶- > عن عبیدالله بن علی الحلبي قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : مکث رسول الله (ص) بمکه بعد ما جاءه الوحى عن الله تبارک و تعالی ثلاث عشره سنه منها ثلاث سنين مختفياً خائفاً لا يظهر ، حتى أمره الله عزّوجلّ أن یصدع بما أمره به ، فأظهر حينئذ الدعوه ؛

عبیدالله بن علی الحلبي گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: پس از آنکه از جانب خداوند بر رسول خدا(ص) وحی نازل شد، مدت سیزده سال در مکه ماند که سه سال آن را پنهان و خائف بود [و در اجتماعات] ظاهر نمی شد تا اینکه خدا به آن حضرت فرمان داد که آنچه

را به او امر کرده است آشکار کند؛ از آن هنگام دعوتش را آشکار کرد.

۷- > عن محمد بن علی الحلبي عن أبي عبد الله (ع) قال: إكتم رسول الله (ص) بمكة مختفياً خائفاً خمس سنين ليس يظهر أمره... ثم أمره الله عزّوجلّ أن يصدع بما أمر به فظهر رسول الله (ص) و أظهر أمره ;

محمد بن علی الحلبي از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: رسول خدا(ص) به مدت پنج سال در مکه رسالت خود را پنهان می داشت. آن حضرت پنهان و ترسان بود و مأموریت خود را آشکار نمی کرد ... سپس خداوند عزّوجلّ او را فرمان داد تا مأموریت خود را علنی سازد؛ پس آن حضرت آشکار شد و رسالت خود را علنی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۳،۶

۳- حمایت خداوند از پیامبر (ص) در برابر دشمنان ، پشتوانه آن حضرت در آشکارا و علنی کردن دعوت خویش و بی اعتنایی به مشرکان و دشمنان

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشركين . إنا كفيناك المستهزين

جمله <إنا كفيناك... > به منزله تعلیل برای جمله <فاصدع بما تؤمر... > است؛ یعنی، چون ما از تو حمایت می کنیم، پس به آنچه مأمور شدی عمل کن و از مشرکان اعراض نما.

۶- پیامبر (ص) نسبت به دشمنی ، آزار روحی و تمسخر مشرکان و کافران در صورت علنی و آشکارا نمودن دعوت خویش ، نگران بود .

فاصدع بما تؤمر... إنا كفيناك المستهزين

جمله <إنا كفيناك المستهزين > احتمال دارد پاسخی باشد

در برابر نگرانیهای پیامبر(ص) که ممکن بود پس از فرمان آشکار کردن دعوت خود و اعراض از مشرکان (فاصدع بما تؤمر . .. و أعرض عن المشركين) بروز کند.

دعوت عملی مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۷

۷- لزوم پایداری و تلاش افزون تر مبلغان ، در عمل به توصیه های خود

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

وظیفه صبر شدید بر نماز، پس از توصیه خانواده به آن، گویای نکته یاد شده است.

دعوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۵

۵ معجزات روشنگر عیسی (ع) ، دلیل صدق دعوت او

أَنْتَ قَدْ جِئْتَكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ

چون عیسی (ع) مدعی رسالت بود، نخست می بایست آن را اثبات کند. بنابراین منظور از آیه و نشانه در <بایه من ربکم>، نشانه نبوت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۷

۷ محور دعوت عیسی (ع) ، بیان ربوبیت خدا و هدایت مردم به پرستش او

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ حواریون ، تنها اجابت کنندگان دعوت عیسی (ع) ، برای یاری وی در جهت حرکت به سوی خدا

من انصارى الى الله قال الحواريون نحن انصار الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ دعوت مسیح (ع)

از بنی اسرائیل به پرستش خدای یگانه و توحید ربوبی

و قال المسیح یبنی اسرائیل اعبدو اللّٰه ربی و ربکم

۱۰ پیراسته بودن مسیح (ع) از دعوت مردم به پرستش خویش

اعبدو اللّٰه ربی و ربکم

۱۱ دعوت مسیح (ع) به پرستش خدای یگانه ، دلیل و گواهی روشن بر خدا نبودن او

قالوا إنّ اللّٰه هو المسیح ابن مریم و قال المسیح یبنی اسرائیل اعبدو

جمله حالیه <و قال المسیح> استدلالی است بر رد پندار الوهیت برای مسیح(ع).

دعوت قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۱

۱ - توصیه اکید صاحبان زر و زور به مردم در عصر نوح (ع) ، به دست برداشتن از عبادت معبود های خویش

و قالوا لاتذرّنّ ءالہتکم

<إله> (مفرد <آلهه>) به معنای معبود است. گفتنی است تأکید در برداشت یاد شده از آمدن <ن> تأکید ثقیله <لاتذرّنّ> استفاده می شود.

دعوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۲

۲ قرآن ، فراخوان اهل کتاب به خودداری از گفتار باطل درباره خداوند

یاہل الکتب .. لاتقولوا علی اللّٰه الا الحق

دعوت کالب بن یافنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۹، ۱۲

۱۲ یوشع و کالب ، در عین ترس از دشمن ، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من الـذین یخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون> ، <جبارین > باشد.

۱۹ یوشع و کالب برای مقابله با زورگویان

و پیروزی بر آنان ، قوم موسی (ع) را به تلاش همراه با توکل بر خدا فرا خواندند .

ادخلوا عليهم الباب ... فانكم غلبون و على الله فتوكلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۳

۳ بی اعتنایی قوم موسی (ع) به فراخوانی یوشع و کالب برای یاری موسی (ع) در مبارزه با جباران

ادخلوا عليهم الباب ... قالوا يموسى انا لن ندخلها

بنی اسرائیل پس از شنیدن سخنان یوشع و کالب، حضرت موسی(ع) را مخاطب قرار دادند تا بی اعتنایی و بی توجهی خود را به دعوت آن دو نفر اعلام کرده باشند.

دعوت کنندگان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۲

۲ - پیشوایان و رهبران جوامع در بینش الهی دو دسته اند : دعوت کنندگان به آتش دوزخ و فراخوانان به نعمت های بهشت .

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار

دعوت کنندگان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۲

۲ - پیشوایان و رهبران جوامع در بینش الهی دو دسته اند : دعوت کنندگان به آتش دوزخ و فراخوانان به نعمت های بهشت .

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار

دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر (ص) فراخوان منافقان به ایمانی ، همانند ایمان توده مردم

و إذا قيل لهم ءامنوا كما ءامن الناس

چون در آیه بعد، مطرح شده

که منافقان در برابر مردم اظهار ایمان می کنند، این احتمال رخ می دهد که گفتگوی مطرح شده در این آیه که در آن منافقان ابراز بی ایمانی می کنند میان پیامبر (ص) و اهل نفاق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، یهودیان را به پذیرش اسلام و ایمان آوردن به قرآن فرا می خواند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله

فاعل <قيل> به قرینه <قل فلم تقتلون> (در ذیل آیه) پیامبر است ؛ یعنی: و إذا قلت لهم ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، فراخوان همه انسان ها به پیروی از قرآن و احکام الهی

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ دعوت پیامبر اکرم (ص) از پیروان ادیان الهی به وحدت عقیدتی و فرق نگذاشتن میان انبیای الهی در جهت ایمان به آنان

لا نفرق بین احد منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۴

۴ بی اعتنایی منافقان به دعوت پیامبر (ص) و یا برخی مسلمانان ، برای حضور در پیکار علیه کافران

و قيل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل الله او اذفعا

مراد از منافقان در برداشت فوق، کسانی هستند که نفاق آنان پس از دعوت برای نبرد و نپذیرفتن

آن مشخص شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۳

۳ اجابت مؤمنان به دعوت پیامبر (ص) برای شرکت در غزوه حمراء الاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ .. فَاَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ

مراد از <الموتی> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله <يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب است که خداوند این مرده دلاّن را برخواهد انگیخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱

۱ پیامبر(ص) از جانب خدا فرمان یافت تا مردم را فراخواند و محرمات الهی را برای آنان بیان کند.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

<تلاوت>، مصدر <أتل>، به معنای خواندن است. چون <أتل> در جواب فعل امر (تعالوا) قرار گرفته، به شرط مقدر مجزوم شده است. <عليکم> متعلق به <أتل> و نیز <حرم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۵،۶

۵ برخی از دعوت ها و دستورات خدا و پیامبر (ص) ، دستوراتی زیربنایی و حیاتبخش برای جامعه ایمانی *

إذا دعاكم لما يحييكم

اگر

جمله شرطیه <إذا دعاكم .. > دارای مفهوم باشد، این جمله با منطوق و مفهومش بیانگر دو نوع دستور است. دستوراتی زیربنایی، اساسی و حیاتبخش برای کل جامعه ایمانی، همانند مسائل حکومت و ولایت، و دستوراتی که جنبه فردی دارد و حیات کل جامعه در گرو آن نیست.

۶ دعوت خدا و رسولش دارای هویتی واحد برای هدایت انسان ها به حیات واقعی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲۱

۲۱- ایمان به توحید و نبوت و معاد و دعوت به انجام دادن عمل صالح ، چکیده دعوت پیامبر (ص) است .

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ ... وَ لَإِشْرَکَ بَعَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

جمله <يُوحَىٰ إِلَيَّ .. > نبوت و <إِنَّمَا إِلَهُكُم...> توحید و <يَرْجُو لِقَاءَ ...> معاد و <عَمَلًا صَالِحًا> عمل صالح را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۴

۴ - عدم تأثیر دعوت پیامبر (ص) بر مشرکان متعصب و متحجر

فَذَرِهِمْ فِي غَمَرْتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۳ - ۳

۳ مبارزه با هوای نفس ، در رأس دعوت پیامبر اسلام (ص)

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ

دعوت مخفی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- دعوت پیامبر (ص) در آغاز بعثت (دوران مکه) با برخی مخفی کاری ها، رازداری ها

و تقيه همراه بود .

فاصدع بما تؤمر

لازمه آشکار کردن دعوت، مخفی داشتن آن است هر چند در برهه ای از زمان و در بخشی از دعوت باشد.

۶- > عن عبيدالله بن علي الحلبي قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : مكث رسول الله (ص) بمكة بعد ما جاءه الوحي عن الله تبارك و تعالی ثلاث عشرة سنة منها ثلاث سنين مختفياً خائفاً لا يظهر ، حتى أمره الله عزّوجلّ أن يصدع بما أمره به ، فأظهر حينئذ الدّعوة ؛

عبيدالله بن علي الحلبي گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: پس از آنکه از جانب خداوند بر رسول خدا(ص) وحی نازل شد، مدت سیزده سال در مکه ماند که سه سال آن را پنهان و خائف بود [و در اجتماعات] ظاهر نمی شد تا اینکه خدا به آن حضرت فرمان داد که آنچه را به او امر کرده است آشکار کند؛ از آن هنگام دعوتش را آشکار کرد.

۷- > عن محمد بن علي الحلبي عن أبي عبد الله (ع) قال : إكتم رسول الله (ص) بمكة مختفياً خائفاً خمس سنين ليس يظهر أمره . . . ثم أمره الله عزّوجلّ أن يصدع بما أمر به فظهر رسول الله (ص) و أظهر أمره ؛

محمد بن علي الحلبي از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: رسول خدا(ص) به مدت پنج سال در مکه رسالت خود را پنهان می داشت. آن حضرت پنهان و ترسان بود و مأموریت خود را آشکار نمی کرد ... سپس خداوند عزّوجلّ او را فرمان داد تا مأموریت خود را علنی سازد؛ پس آن حضرت آشکار شد

و رسالت خود را علنی کرد.>

دعوت مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۷

۷ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن امتیاز مؤمنان بر کافران و توجه داشتن به آن

هل یستویان مثلاً أفلاتذکرون

دعوت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۴

۱۴ مشرکان ، دعوت کنندگان به آتش جهنم

اولئک یدعون الی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ مشرکان، مرتدان متحیر را به شرک دعوت می کنند و خود را هدایت یافته می پندارند.

له أصحب یدعونه إلی الهدی ائتنا

مراد از <اصحاب>، بنا بر یک احتمال، مشرکان و منحرفانی هستند که مرتدان را تشویق می کنند و به جانب خود سوق می دهند و راه خود را طریق هدایت می شمارند.

دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۲

۲ دعوت بنی اسرائیل از سوی موسی (ع) به یادآوری نعمت های الهی بر آنان

و اذ قال موسی لقومه یقوم اذکروا نعمه اللّٰه علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونیان فراخواند .

قال موسی لقومه استعینوا باللّٰه و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۲ موسی و هارون (ع) از سوی خدا مأمور بودند رسالت خود را به فرعون و سران حکومتش اعلان کنند و آنان را به ایمان فراخوانند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه

<ملاً> به معنای رؤساست (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۴ - ۱۱، ۳

۳ موسی (ع) تسلیم و توکل را نشانه های ایمان راستین به خدا اعلام کرده و قوم خویش را به دست یافتن به آن فراخواند .

و قال موسی یقوم إن کنتم ءامنتم بالله فعلیه توکلوا إن کنتم مسلمین

۱۱ از امام باقر (ع) روایت شده است : > ... ان قوم موسی استعبدهم آل فرعون و قالوا : لو کان لهؤلاء علی الله کرامه کما یقولون ما سلطنا علیهم فقال موسی لقومه : یا قوم إن کنتم آمنتم بالله فعلیه توکلوا ... ;

... همانا آل فرعون، قوم موسی را به بردگی گرفته بودند و می گفتند اگر آنان همان گونه که می گویند در نزد خداوند کرامتی داشتند، ما را بر آنان مسلط نمی ساخت. پس موسی (ع) به قوم خود گفت: ای قوم! اگر ایمان به خدا دارید، پس بر او توکل کنید ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۱

۱ قوم موسی ، پس از توصیه و دعوت او ، اعلام داشتند : ما تنها بر خدا توکل کرده و جز او بر احدی اتکال نخواهیم کرد .

قال موسى يقوم .. فعليه توكلوا ... فقالوا على الله توكلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - دعوت موسی (ع) و مقابله فرعون با آن حضرت ، موضوعی مطرح در افکار عمومی مردم مصر

فاجعل ... موعداً ... مکائناً سوئی

سعی فرعون در مقابله با موسی(ع) به وسیله سحر، و دعوت از مردم برای شرکت در این رویارویی، حکایت از آن دارد که موضوع دعوت آن حضرت، موضوعی مطرح در جامعه آن زمان بوده و مردم این رویداد را تعقیب می کرده اند.

۱۲ - فرعون ، ناگزیر از قانع کردن افکار عمومی مردم مصر ، در برابر دعوت و معجزات حضرت موسی (ع)

فلنأتینک بسحر مثله فاجعل .. مکائناً سوئی

دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۱، ۵، ۳

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتا پرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

۵ حضرت نوح (ع) ، در دعوت به توحید و یکتا پرستی و زدودن اندیشه شرک ، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد .

مقامی

و تذكیری بآیت الله

۱۱ حضرت نوح (ع) با توکل بر خداوند ، قومش را به مقابله همه جانبه با خود فراخواند .

فعلى الله توكلت فأجمعوا أمركم و شركاءكم ثم لا يكن أمركم عليكم غمها ثم اقصوا إلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۵

۵ حضرت نوح (ع) در امر دعوت ، تسلیم خدا بوده و تنها به فرمان او عمل می کرد .

و أمرت أن أكون من المسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد . . . فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانيه . . . فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون < فلذلك قال نوح : > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و أوحى الله إليه > أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزوجلّ به او وحی فرستاد: > أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتأس بما كانوا يفعلون < و به همین خاطر نوح گفت: > ولا يلدوا إلا فاجراً كفاراً < و خداوند به نوح وحی کرد: > أن اصنع الفلك < .

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۱

۱ - حضرت نوح (ع) ، مردم را به عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از خود ، فرا می خواند .

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۵ - ۳

۳ - دعوت شبانه روزی حضرت نوح (ع) ، از قوم خود برای ایمان به خدا

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۲،۷،۱

۱ - دعوت حضرت نوح (ع) ، در تمامی دفعات با مخالفت شدید قومش روبه رو می شد .

وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ لَتُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أُصْبَعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ

۲ - انگشت ها را در گوش ها نهادن و جامه ها را بر سر کشیدن ، واکنش معمول قوم نوح در برابر دعوت آن حضرت

وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ .. جَعَلُوا أُصْبَعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ

۷ - دعوت نوح (ع) ، با استکبار و گردن فرازی شدید قومش روبه رو شد .

وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۱

۱ - نوح (ع) ، قومش را به استغفار و آمرزش خواهی به پیشگاه خداوند فرامی خواند .

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ

دعوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ٧٥ - ٢

٢ موسى و هارون (ع)

(از سوی خدا مأمور بودند رسالت خود را به فرعون و سران حکومتش اعلان کنند و آنان را به ایمان فراخوانند .

ثم بعثنا من بعدهم موسى و هرون إلى فرعون و ملایه

<ملاً> به معنای رؤساست (لسان العرب).

دعوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۵

۵ هود با برانگیختن عواطف قومی مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال یقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۸، ۱۹ - ۱۶

۱۶ هود (ع) به منظور ایجاد زمینه رستگاری در قوم خویش آنان را به یادآوری دو نعمت بزرگ الهی (جانشینی قوم نوح ، برخورداری از نیرویی چشمگیر) فراخواند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح .. لعلکم تفلحون

۱۸ هود از مردم خویش خواست تا همواره نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء الله

۱۹ توجه دادن مردم به نعمت های الهی ، از روش های تبلیغی هدایتی هود (ع)

فاذکروا ءالاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۲، ۱

۱ هود با ابلاغ مأموریت خویش از جانب خداوند ، مردمش را به توحید ، عبادت خداوند و ترک پرستش معبودان دروغین فراخواند .

أَجْتَنَّا لِنُعْبِدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ نَذِرُ مَا كَانَ يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا

۱۲ قوم عاد ، مردمی مغرور ، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فَأْتْنَا بِمَا تَعَدْنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۲

۲ هود (ع) در پاسخ ناباوری قوم عاد به اخطار های عذاب ، فراهم آمدن زمینه های عذاب (پلید گشتن و گرفتاری به غضب خدا) را به آنان ابلاغ کرد .

فأتنا بما تعدنا .. قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

دعوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا .. ءاوى إليه آخاه

دعوت یوشع بن نون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۹، ۱۲

۱۲ یوشع و کالب ، در عین ترس از دشمن ، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من الذين يخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون> ، <جبارین> باشد.

۱۹ یوشع و کالب برای مقابله با زورگویان و پیروزی بر آنان ، قوم موسی (ع) را به تلاش همراه با توکل بر خدا فرا خواندند .

ادخلوا عليهم الباب .. فانكم غلبون و على الله فتوكلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۳

۳ بی اعتنایی قوم موسی (ع) به فراخوانی یوشع و کالب برای یاری موسی (ع) در مبارزه با جباران

ادخلوا عليهم الباب .. قالوا يموسی انا لن ندخلها

بنی اسرائیل پس از شنیدن

سخنان یوشع و کالب، حضرت موسی(ع) را مخاطب قرار دادند تا بی اعتنایی و بی توجهی خود را به دعوت آن دو نفر اعلام کرده باشند.

رد دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۴

۴ - متعصّانِ تابعِ احساسات خویشاوندی، هر دعوتی را، از هر کسی، برای پیروی از تعالیم آسمانی، جواب منفی می دهند.

و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نّتبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

آورده شدن فعل مجهول <قیل> به جای این که دعوت کننده و گوینده خاصی را، مانند انبیا، مشخص کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

رد دعوت به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۶،۷

۶ - از هر دعوت و تلاش شرک آلودی، باید سرپیچی کرد.

و إن جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

۷ - هشدار خداوند، به فرزند، درباره جواب مساعد دادن به دعوت و تلاش والدین در جهت مشرک ساختن او

و إن جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

رد دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۸ - ۲

۲ - ردّ دعوت پیامبر (ص) (دعوت به یکتاپرستی)، از سوی مشرکان و پافشاری آنان بر شرک و بت پرستی

و ادع إلى ربّک... و إن جدلوک

رد دعوت والدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ -

۷- هشدار خداوند ، به فرزند ، درباره جواب مساعد دادن به دعوت و تلاش والدین در جهت مشرک ساختن او

و إن جهداك لتشرك بی ما لیس لك به علم فلاتطعهما

روش دعوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱- پیامبر (ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلى سبیل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه> یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

۲- رشد و کمال پیامبر (ص) در پرتو ربوبیت الهی ، مقتضی دعوت دیگران به راه خداست .

ادع إلى سبیل ربك

واژه <رب> که در لغت به معنای تربیت است (مفردات راغب) می تواند اشاره به این جهت داشته باشد که: بهره‌وری پیامبر(ص) از ربوبیت خدا، مقتضی آن است که آن حضرت دیگران را نیز از ربوبیت خدا بهره مند سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۸

۸- لزوم به کارگیری دعوت عملی در کنار دعوت لفظی

وأمر أهلك بالصلوه واصطبر علیها

وظیفه پایداری بر نماز پس از دعوت دیگران به آن، ممکن است به منظور تأثیر آن در تشویق دیگران به نماز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۳

۲۳ - لزوم تأکید و بهره‌مندی از باورهای مشترک و مورد اتفاق در مقام

قل ءامنت .. الله ربنا و ربکم

روش دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۴

۴ توجه دادن مردم به امدادهای خداوند در دشواریها و تنگناهای هولناک زندگی، روشی در تبلیغ و دعوت به توحید

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونہ تضرعا و خفیه

<قل> فرمانی است به پیامبر(ص) برای بیان مضمون آیه از این دستور چنین بر می آید که این سبک احتجاج باید به عنوان محوری در تبلیغ مورد توجه قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۷

۷- قانع کردن فکر مخاطب، با برهانی محکم، هنگام دعوت به توحید، از روش های هدایتی قرآن کریم

لا تشرک .. إنَّ الشَّرکَ لظلم

روش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ موعظه، روشی مفید برای دعوت مردم به نیکیها

انَّ اللهَ نَعَمًا یُعظکم به

چون خداوند بهترین پاداشها را برای تربیت برمی گزیند، معلوم می شود موعظه از روشهای بسیار مفید برای تربیت مردم است.

روش دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۶

۶- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین *

إن المتقين فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- لزوم نگرشی یکسان و پرهیز از تبعیض و تفاوت در دعوت مردم به دین

فقل اذنتکم علی سواء

زمان دعوت از ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۸ - ۳

۳- دعوت مشرکان از ابراهیم (ع) برای خروج از شهر ، در شب هنگام بود .

فنظر نظره فی النجوم

نگاه ابراهیم(ع)، به ستارگان حاکی است که این نگاه در شب بود زیرا ستارگان در شب مشاهده می شوند.

زمینه اجابت دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۳

۳ باور به ربوبیت خدا و توجه به آن ، زمینه ساز پذیرش دعوت اوست .

للدین استجابوا لربهم

زمینه دعوت به تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۷

۷- دعوت به تقوا لازمه اخوت و برادری راستین

إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که قید <أخوْت> نه صرفاً از جهت انتساب نژادی بلکه به منظور بیان دلسوزی و

خیرخواهی نیز باشد؛ که در این صورت ذکر دعوت به تقوا پس از آن، بیانگر ارتباط حتمی میان تقوا و اخوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۷

۷ - دعوت به تقوا، لازمه اخوت و برادری راستین

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که اطلاق <أخ> نه صرفاً از جهت انتساب نژادی باشد؛ بلکه به منظور بیان دلسوزی و خیرخواهی نیز

باشد که دعوت به تقوا لازمه حتمی آن خواهد بود.

زمینه قبول دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۲

۲ بیمناکان از حشر و حضور در پیشگاه خداوند دارای زمینه مساعد برای پذیرش انذار و دعوت پیامبران هستند.

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا إلی ربهم

زمینه قبول دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ تهیدستان و طبقات پایین جامعه، دارای زمینه بیشتر برای پذیرش ایمان و دعوت پیامبرند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم .. ألیس الله بأعلم بالشکرین

سرزنش دعوت به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۴

۴ - بخلورزی و توصیه مردم به آن ، امری بس ناپسند و نکوهیده

و الله لایحبّ .. الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

صبر در دعوت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان

است .

ادع إلى سبيل ربك . . . و إن عاقبتكم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خير للصبرين

عقلانیت دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - دعوت پیامبران ، مبتنی بر منطق روشن و منطبق با مبانی عقلی و علمی

ثم أرسلنا .. و سلطن

فرعون و دعوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

فرعون و دعوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

فرعونیان و دعوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۷

۷- فرعونیان ، گرفتار تناقض فکری و رفتاری در برابر دعوت موسی (ع)

و قالوا یاأیه الساحر ادع لنا ربک

فرعونیان، از یک سو موسی (ع) را ساحر می خوانند و از سوی دیگر برای رفع بلا- دست به دامان او می شوند و این خود نمایانگر تشنگی و تناقضی است که بدان گرفتار آمده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ پیامبر اکرم (ص) در دعوت مردم به پذیرش کتاب الهی، در پی جلب منفعت برای خود یا دفع ضرر از خویش نبود.

فمن اهتدی فإنما يهتدى لنفسه

و من ضل فإنما يضل عليها

قبول دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۳،۴

۳ دست کشیدن از انحراف های عقیدتی ، پذیرش دعوت پیامبران و روی آوری به خدا ، فلسفه بلاها و مشکلات

و لقد أخذنا .. لعلهم يذكرون

با توجه به آیات قبل که سخن از ربوبیت خدا و رسالت موسی(ع) بود، معلوم می شود متعلق <یذکرون> همان توحید ربوبی و پیامبری موسی(ع) و رسالتهای اوست.

۴ باور به توحید ربوبی و پذیرش دعوت پیامبران ، امری لازم بر عهده بندگان

لعلهم يذكرون

قبول دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۲،۴

۲ - مؤمنان راستین ، به دعوت خدا و رسول او لبیک گفته و حرف شنوا و فرمانبراند .

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله .. أن يقولوا سمعنا و أطعنا

۴ - لبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و

قبول دعوت مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۴

۴- اجابت پیام مبلغان الهی ، ایمان به خداوند است .

أجیبوا داعی اللّٰه وءامنوا به

در برداشت یاد شده جمله <آمنوا به> تفسیر <أجیبوا> دانسته شده و ضمیر <به> به <اللّٰه> بازگردانده شده است.
احتمال دیگر این است

که <آمنوا> جمله مستقل باشد و ضمیر <به> به داعی الله <ارجاع گردد.

قبول دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۲،۴

۲ - مؤمنان راستین ، به دعوت خدا و رسول او لبیک گفته و حرف شنوا و فرمانبراند .

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ .. أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا

۴ - لبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۲

۲ - اجابت دعوت پیامبر (ص) ، امری لازم و فراخوانی او ، برتر از هر فراخوانی دیگر

لَاتَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا

کافران و دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۲

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا ، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع إلا دعاءً و نداءً

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذين كفروا .. إلا دعاءً و نداءً> چنین می شود: مثل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مثل گوسفندان و چوپان آنهاست؛ همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران

نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

کافران و دعوت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ - کافران مجرم، تنها، منکر رسالت پیامبر اسلام (ص) نبودند، بلکه هر دعوت کننده به خدا را، یاوه سرا می دانستند.

ليقولن الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

با این که خداوند، آورنده معجزه را، تنها پیامبر (ص) معرفی فرموده است (لئن جئتهم) اما آنان در جواب، جمعی را مخاطب قرار می دهند (إن أنتم..). این حقیقت را حکایت می کند که آنان، هر دعوت کننده ای را دارای چنان وصفی می پندارند.

کافران و دعوت محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۹

۹ - از امام باقر (ع) درباره آیه فوق روایت شده: > مثل الذين كفروا في دعائك إياهم أي مثل الداعي لهم إلى الإيمان كمثل الناعق في دعائه المنعوق به من البهائم التي لا تفهم و إنما تسمع الصوت فكما ان الأنعام لا يحصل لها من دعاء الراعي إلا السماع دون تفهم المعنى فكذلك الكفار لا يحصل لهم من دعائك إياهم إلى الإيمان إلا السماع دون تفهم المعنى ;

مثل تو ای رسول ما در دعوت این کافران، به سان چوپانی است که گوسفندان را فرا می خواند و آن گوسفندان نمی فهمند او چه می گوید و تنها صدایی می شنوند. پس همان طور که گوسفندان از فریاد چوپان غیر از صدا، معنایی نمی فهمند، کافران نیز از دعوت تو آنها را به ایمان غیر از

شنیدن صدا هیچ معنایی نمی فهمند >.

گمراهی معرضان از دعوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۶

۶- روی گردانان از مبلغان الهی و دعوت حق ، گرفتار گمراهی آشکار

و من لایجب داعی الله .. أولئک فی ضلل مبین

گناه ترک دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۰

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

۱۰ پیامبران ، در صورت مسامحه در امر رسالت و ترک ابلاغ توحید ، گنه کارند .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

گناه دعوت به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک ، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

گناه دعوت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

مبانی دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - دعوت پیامبران، مبتنی بر منطق روشن و منطبق با مبانی عقلی و علمی

ثم أرسلنا... و سلطن

محدوده دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۱

۱ مسؤولیت تبلیغ و دعوت انبیای الهی، تنها در محدوده بشارت و انذار

و ما نرسل المرسلین إلا مبشرین و منذرین

مخاطبان دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۲

۲- بنی اسرائیل ، مخاطبان اصلی دعوت موسی (ع) و هدایت آنان ، مهم ترین هدف و وظیفه آن حضرت

و ءاتینا موسی الکتب و جعلناه هدی لبنی اسرائیل

از مجموع آیات مربوط به حضرت موسی(ع) برمی آید که دعوت ایشان، دعوتی فراگیر بوده است و ذکر بنی اسرائیل در این آیه، می تواند برای این باشد که آنان مخاطبان اصلی دعوت بودند.

مراد از دعوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۹

۹ > عن علی بن ابی طالب (ع) فی قوله : < له دعوه الحق > قال : التوحید ، لا إله إلا الله ;

از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده که درباره قول خدا: <له دعوه الحق> فرمود: مقصود توحید و لا إله إلا الله است.<

مشرکان و دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - التزام به تبعیت از نیاکان و آداب و سنن آنان ، پاسخ مشرکان در برابر دعوت پیامبر به پیروی از احکام خدا

و إذا قيل لهم اتبعوا .. قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

<ألفاء> (مصدر ألفينا) به معنای یافتن است.

مشکلات دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ موهومات و عقاید خرافی از مشکلات تبلیغ توحید

و لا أخاف ما تشرکون به

ممانعت از دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۲

۲ کافران ، متوقف کردن دعوت به اسلام و محدود ساختن آن را ، از پیامبر (ص) خواستار شدند .

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا . فلاتطع الکفرین

با توجه به معنای لغوی <طاعت> (عمل کردن به آنچه که از انسان خواسته شده است) می توان برداشت یاد شده را به دست آورد؛ زیرا آنچه که کافران از پیامبر(ص) خواسته بودند با توجه به آیه قبل که سخن از جهانی بودن رسالت پیامبراسلام(ص) بود و آیه شریفه متفرع بر آن شده (فلاتطع الکفرین) می تواند توقف و محدود شدن رسالت باشد.

منشأ دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیا - ۲۱ - ۷ - ۷

۷- دعوت پیامبران ، تنها مبتنی بر وحی الهی بود .

بل قالوا أضغث .. بل هو شاعر ... و ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً نوحی إليهم

منشأ دعوت به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۲

۲ - بخلورزی و توصیه دیگران به آن ، زاییده کبر و خودپسندی است .

كَلِّ مَخْتَالَ فَخُورٍ . الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ

تقدیم <كَلِّ مَخْتَالَ> بر <الذين يبخلون..>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که

عجب و خودپسندی، ریشه بخل است و انسان های بخیل، در ابتدا گرفتار عجب می شوند. سپس آن صفت ناپسند، باعث می شود که آنان از دستگیری دیگران و انفاق برای آنان، امساک ورزند.

منشأ دعوت به تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ - فرمان به پیامبر (ص) برای رعایت تقوا، برخاسته از علم و حکمت الهی است .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ .. إِنَّ اللَّهَ كَانِ عَلِيمًا حَكِيمًا

جمله <إِنَّ اللَّهَ..> می تواند تعلیل برای فرمان به رعایت تقوا باشد؛ یعنی، چون خداوند، دارای آگاهی فراوان و صاحب حکمت است، چنین فرمانی را صادر کرده است.

موانع دعوت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۹

۹ - هواپرستی و تمایلات نفسانی، مخالف اهداف دعوت الهی است .

و لا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

موعظه در دعوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱،۹

۱- پیامبر (ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظه الحسنة

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه> یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

۹- انسان برای گرایش به راه خدا، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <الموعظه> عطف بر

<بالحکمه> است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که <و جادلهم> با بیان دیگر و امری مجزا آمده است.

مهمترین دعوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۴

۴ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، اولین و مهم ترین پیام نخستین پیامبر پس از نوح (هود یا صالح)

أَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلهٍ غَيْرِهِ

<آن> برای تفسیر پیامی است که پیامبر (پیامبری که برای جامعه پس از طوفان نوح برانگیخته شده بود)، مأمور ابلاغ آن به مردم بود.

مهمترین دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۰ - ۴

۴ - توحید و نفی شرک ، اساس و محور دعوت پیامبر (ص)

قُلْ اِنَّمَا اَدْعُوا رَبِّيْ وَاَلَا اَشْرِكُ بِهِ اَحَدًا

مهمترین دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۹

۹ - یاد خدا و سخن از او ، محور و شعار دعوت و رسالت موسی و هارون (ع)

و لا تنیا فی ذکرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۹

۹- موسی و هارون (ع)، دعوت به پذیرش ربوبیت خداوند را سرلوحه دعوت های خویش قرار داده بودند.

بربّ هرون و موسی

مهمترین دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۵۹ - ۴۸،۱۳

۴ دعوت به پرستش خدای یگانه ، در رأس برنامه تبلیغی نوح (ع)

فقال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

۸ مبارزه با شرک و دعوت به توحید ، مهمترین رسالت نوح

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

۱۳ هشدار به روز قیامت و عذاب هول انگیز آن ، از رسالت های اساسی نوح (ع)

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۵

۵ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، نخستین و مهم ترین سخن نوح (ع) با قوم خویش

فقال يقوم اعبدوا الله .. أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳ - ۲

۲ - توحید و خداپرستی ، اولین و مهم ترین دعوت حضرت نوح (ع)

أن اعبدوا الله و اتقوه و أطيعون

برداشت یاد شده، از تقدم ذكری <اعبدوا الله> به دست می آید.

مهمترین دعوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۹

۹ - یاد خدا و سخن از او ، محور و شعار دعوت و رسالت موسی و هارون (ع)

و لاتنیا فی ذکرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۹

۹ - موسی و هارون (ع) ، دعوت به پذیرش ربوبیت خداوند را سرلوحه دعوت های خویش قرار داده بودند .

بربّ هرون و موسی

مهمترین دعوت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۴

۴ - دعوت به توحید و

پرستش خدای یگانه ، اولین و مهم ترین پیام نخستین پیامبر پس از نوح (هود یا صالح)

أَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلهٍ غَيْرِهِ

<آن> برای تفسیر پیامی است که پیامبر (پیامبری که برای جامعه پس از طوفان نوح برانگیخته شده بود)، مأمور ابلاغ آن به مردم بود.

وضوح دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - دعوت پیامبران ، مبتنی بر منطق روشن و منطبق با مبانی عقلی و علمی

ثُمَّ اَرْسَلْنَا .. و سلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۷

۷- دعوت پیامبران و مبلغان الهی ، همراه با ادله روشن و آشکار

و من لایجب داعی اللّٰه .. اُولئک فی ضلل مبین

در این آیه مخالفت با دعوت گران به سوی خداوند، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته استفاده می شود که پیام منادیان الهی، حق آشکار بوده است.

وضوح دعوت مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۷

۷- دعوت پیامبران و مبلغان الهی ، همراه با ادله روشن و آشکار

و من لایجب داعی اللّٰه .. اُولئک فی ضلل مبین

در این آیه مخالفت با دعوت گران به سوی خداوند، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته استفاده می شود که پیام

منادیان الهی، حق آشکار بوده است.

ویژگیهای دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱

۱ دعوت پیامبر(ص) و اصول و مبانی

و برنامه های آن متکی بر حجت و دلیل روشن است.

قل إني علي بينه من ربي

در آیات گذشته از توحید و روش برخورد و .. سخن به میان آمده و لذا جمله <إني علي بينه> به منزله پشتوانه و تأییدی برای کلیه موارد ذکر شده است.

ویژگیهای دعوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۲

۲ حضرت نوح (ع) ، برای انجام رسالت خویش ، از مردم کمترین مزدی مطالبه نمی کرد .

فإن توليتم فما سألتكم من أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱،۲

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم ، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثم إني دعوتهم جهارًا

<جهار> اسم مصدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سخن به کار رود، به معنای صدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

۲ - دعوت نوح (ع) در میان قومش ، در آغاز به صورت سرّی و بی سروصدا بود .

و إني كلما دعوتهم ... و استكبروا استكبارًا . ثم إني دعوتهم جهارًا

دعوت نوح(ع) با صدای بلند و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مستکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی، سرّی و بی سروصدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۲

به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند .

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . . . ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . . .> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أنی لم أخنه...> باشد ؛ یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

دعوا

ادله اثبات دعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۷

۷ گواهی شهود عینی ، طریقی معتبر برای اثبات مدعا

وسئل القریه . . . والعیر الی أقبلا فیها

امارات قضایی در اثبات دعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

وَ إِنْ كَانَ ... وَ هُوَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ

دنيا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دنيا

{دنيا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ دنيا، میدان عمل برای آخرت

وَ مِنْ يَّرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُوْتِهٖ مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۲

۱۲ خردمندان، خواستار عزّت و سرافرازی از خداوند در دنيا و آخرت

رَبَّنَا وَ اٰتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسْلِكَ وَ لَا تَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کافران صدر اسلام ، برخوردار از شوکت ظاهری و بهره های دنیوی

لا یغزَنک تَقَلِّبَ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلَادِ

۲ کافران عصر بعثت ، بهره مند از سود های فراوان تجاری و نفوذ سیاسی ، بر اثر گشت و گذار در شهر ها و سرزمین های مختلف

لا یغزَنک تَقَلِّبَ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلَادِ

۳ قدرت و

شکوه ظاهری کافران و برخورداری آنان از بهره های مادی ، امری فریبنده برای مسلمانان

لا یغزَنک تَقَلِّبُ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۱

۱ - جهان فعلی ، نشأه نخستین است و در پی آن نشأه دیگری خواهد آمد .

و لَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشَأَ الْأُولَىٰ

آثار ادبار دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ اقبال دنیا به مردم ، زمینه ساز غفلت از خدا و ادبار آن ، عامل توجه به خداست .

و جَرینَ بِهِمُ بَرِیحٌ طَیِّبٌ وَ فَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِیحٌ عَاصِفٌ .. وَ ظَنُّوا أَنَّهُمُ أَحِیطُ بِهِمُ دَعَا

آثار اعراض از دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۲

۲ - آخرت طلبی و دل نبستن به دنیا ، موجب سرور و تابناکی چهره ها در قیامت

و جوه یومئذ ناضره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر جایگاه اخروی کسانی است که در قطب مخالف دلبستگان به دنیا قرار دارند.

آثار اقبال دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ اقبال دنیا به مردم ، زمینه ساز غفلت از خدا و ادبار آن ، عامل توجه به خداست .

و جرین بهم بریح طیبه و فرحوا بها جاءتها ریح عاصف .. و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا

آثار ترجیح دنیا بر آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- سوداگری با دین و ترجیح دادن دنیا بر آخرت ، نشان جهل و نادانی است .

و لا تشتروا بعهد الله .. إنما عند الله هو خير لكم إن كنتم تعلمون

آثار جهل به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۶

۱۶ دل بستگی به زندگی دنیوی ، نتیجه عدم شناخت صحیح دنیاست .

إنما مثل الحيوه الدنيا .. و ظن أهلها أنهم قدرون عليها ... كذلك نفصل الأيت لقوم

آثار ذکر فناپذیری دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۴

۴- توجه به عمر محدود دنیا و گرفتاری های لحظه مرگ ، بازدارنده انسان از گناه و انحراف

فكيف إذا توفتهم الملائكة

تعبیر <فكيف..> در مقام بازداشتن منافقان و منحرفان از بی ایمانی و نفاق است بدین منظور اولاً- مرگ را به رخ آنان کشیده تا بدانند زندگی دنیا دیری نمی پایید. ثانیاً کیفر و عقاب را به یاد آنان آورده تا بدانند حق ستیزی، فرجامی سخت و دشوار دارد.

آثار شناخت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۶

۶ - یافتن راه درست زندگی ، در گرو درک صحیح از حقیقت زندگی و آخرت

يقوم اتبعون أهدكم سبيل الرشاد .. إنما هذه الحيوه الدنيا متع و إن الأخره

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن آل فرعون در نخستین برنامه هدایتی خود (نشان دادن راه درست زندگی)، به مسأله حقیقت زندگی دنیایی و اخروی پرداخته است.

آثار فریبندگی دنیا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۶

۶ فریبندگی حیات دنیا زمینه ساز گرایش گروهی از انسان ها به کفرپیشگی و انکار مداوم آیات خدا

حرمهما علی الکفرین . . . غرثهم الحیوه الدنیا ... و ما کانوا بایتنا یجحدون

آخرت و دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۷

۷ دنیا ، عرصه تجارت سعادت و کسب توشه اخروی است ؛ نه قیامت .

انفقوا . . . من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیہ

آرزوی بازگشت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱،۱۴

۱ - بازگشت به دنیا برای تبّی از سران شرک و مخالفت کردن با آنان ، آرزوی مشرکان پیرو در صحنه قیامت

و قال الذین اتبعوا لو ان لنا کزّه فنتبرأ منهم

<کزّه> به معنای رجوع و <کزّه> به معنای یکبار رجوع کردن است و مراد از آن، بازگشت به دنیا می باشد. بنابراین <لو

ان لنا کزّه> یعنی، ای کاش یکبار دیگر به دنیا باز می گشتیم!

۱۴ - آرزوی بازگشت از سرای قیامت به دنیا ، آرزویی پوچ که هرگز تحقق نخواهد یافت .

لو ان لنا کره . . . و ما هم بخارجین من النار

<و ما هم بخارجین . . .> در حقیقت پاسخی است به اظهار آرزوی مشرکان مبنی بر بازگشت به دنیا. جمله مذکور بیان می

دارد که آنان نه تنها به دنیا باز نمی گردند، بلکه از آتش دوزخ نیز رهایی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۲

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۱

۱ پدیدار شدن عذابی که مشرکان آن را انکار می کردند، موجب آرزوی بازگشت به دنیا، نه ایمان واقعی به خداوند و آیات

فقالوا يلبتنا نرد .. بل بدالهم ما كانوا يخفون من قبل

جمله <يالبتنا .. و نكون من المؤمنين> در آیه قبل، بیان آرزوی مشرکان برای بازگشت به دنیا و ایمان آوردن بود. حرف <بل> اضراب از آن مطالب است. یعنی نه اینکه آرزوی بازگشت برای ایمان باشد، بلکه به پندار رهایی از عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۵ - ۲

۲- جوامع هلاک شده ، آرزومند بازگشت به دنیا و تدارك اعمال خویش اند .

حرم علی قریه أهلکنها أنهم لایرجعون

اگر مراد از بازگشت، بازگشت به دنیا باشد، با توجه به تأکید خداوند (حرام) .. أنهم لایرجعون) چنین استفاده می شود که امت ها خواهان بازگشت بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۶۸

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حتى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

٨ - > عن الصادق (ع) ... إذا مات الكافر

شيعه سبعون ألفاً من الزبانيه إلى قبره و أنه ليناشد حامله بصوت يسمعه كل شيء إلا الثقلان . . . و يقول : > رَبِّ ارجعون لعلِّي أعمل صالحاً فيما تركت > فتجيبه الزبانيه كلاً إنَّها كلمه أنت قائلها ;

از امام صادق(ع) روايت شده است : هنگامي که کافري می ميرد، هفتاد هزار فرشته عذاب او را به سوی قبرش می برند و آن کافر با صدای بلند که تمام موجودات غير از انس و جن می شنوند تشييع کنندگان را قسم می دهد . . . و می گويد: > رَبِّ ارجعون لعلِّي أعمل صالحاً فيما تركت <. پس فرشتگان عذاب به او جواب می دهند: هرگز! اين کلامی است که تو گوينده آنی <.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۳،۷

۳ - آرزوی کافران در هنگام مرگ ، برای بازگشت به دنيا و استفاده از امکانات و اموال خود در راه خير *

قال رَبِّ ارجعون . لعلِّي أعمل صالحاً فيما تركت

برداشت فوق، بدان احتمال است که مراد از <ما تركت > اموال و امکاناتی باشد که فرد، پس از مرگ خویش بر جای می گذارد؛ نه فرصت های از دست رفته؛ چنان که در برداشت پيشين بيان شد.

۷ - تمنای کافران بر بازگشت به دنيا ، تمنایي مردود و غير قابل پذيرش

قال رَبِّ ارجعون . . . كلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ - دوزخيان ، آرزومند بازگشت به دنيا ، حتی برای يك بار و قرار گرفتن در صف مؤمنان

فلو أن لنا كزّه فنكون من

حرف <لو> برای <تمنی> به کار می رود و <کزه> به معنای (یک بار بازگشتن) است. بنابراین <لو أنّ لنا کزه> یعنی، ای کاش! برای ما هرچند برای یک بار هم که شده، فرصت بازگشتی می بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱،۲

۱ - آرزوی کافران و گنه کاران ، هنگام مشاهده عذاب الهی ، به بازگشت دوباره به دنیا

أو تقول حين ترى العذاب لو أنّ لی کزه

<لو> در آیه شریفه، برای تمنی است.

۲ - احسان (نیک کرداری و نیکی کردن به دیگران) ، هدف و فلسفه درخواست کافران از بازگشت دوباره به زندگی دنیایی

لو أنّ لی کزه فأکون من المحسنين

<احسان> هم شامل نیکی به خود می باشد و هم نیکی به دیگران (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه ممکن است به هر دو معنا باشد.

احاطه بر دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۳ - ۳

۳ - بی ثمر بودن ثروت ، در نجات از هلاکت و سقوط ، برخاسته از سلطه کامل خداوند بر دنیا و آخرت است .

و ما یغنی عنه ماله إذا تردى .. و إنّ لنا للأخره والأولی

ادیان و آبادانی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ آبادانی و برخوردار شدن جامعه های بشری از نعمت ها و موهبت های دنیوی ، از اهداف پیامبران و ادیان الهی است .

یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوه إلی قوتکم

ارزش امکانات دنیوی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۷۸،۹

۷ آمرزش و رحمت الهی ، دارای ارزش برتر از تمامی ثروت های به دست آمده و امکانات دنیوی

لمغفره من الله و رحمه خیر ممّا یجمعون

۸ مرگ و یا شهادت در راه خدا ، دارای ارزشی برتر از ماندن در دنیا و ثروت اندوزی

و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم .. خیر ممّا یجمعون

۹ ارزش والاتر ماندگای در دنیا و ثروت اندوزی ، بر شهادت و رحمت و آمرزش الهی ، در پندار غلط کفرپیشگان

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا .. لمغفره من الله و رحمه خیر ممّا یجمعون

جمله < لو کانوا .. > شیفتگی کفرپیشگان را نسبت به ماندگاری در دنیا بیان می کند، و جمله < خیر ممّا یجمعون > هدف و یا عاقبت از ماندگاری را توضیح می دهد. یعنی هدف کفرپیشگان از ماندگاری در دنیا به چنگ آوردن منافع دنیوی و ثروت اندوزی است و آنان این منافع گذرا را بالاتر از رحمت و آمرزش الهی می پندارند و لذا بر کشته های در راه خدا تأسف می خورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۶

۶ ارزشمندی داده های الهی (امکانات مادی و معنوی) به انسانها

و لا یحسبنّ الذین ینخلون بما اتیهم الله من فضله

از اینکه خداوند امکاناتی را که در دسترس انسانها قرار داده، فضل خویش نامیده و به خود نسبت داده است، ارزشمندی آن

به دست می آید ؛ البته بنابر اینکه ضمیر

<فضله>، به <الله> برگردانده شود؛ نه به <ما آتیهم الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۸

۱۸ ناچیز و بی ارزش بودن هر آنچه (دنیا و لذائذ و زخارف آن و ...) در مقابل از دست دادن دین و رهاسازی کتاب آسمانی و بیوفایی به پیمان الهی باشد .

و اشتروا به ثمناً قليلاً

آنچه عالمان اهل کتاب در مقابل دین فروشی می گرفتند، به اعتقاد خودشان اندک نبوده است؛ چون با کتمان حقایقیت پیامبر (ص)، به خواسته های دنیوی، ریاست بر مردم و ... می رسیدند؛ ولی در عین حال خداوند همه آنها را به بی ارزشی و ناچیزی توصیف کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ - خداوند، خواهان آگاهی یافتن مردم به ارزش برتر پاداش های الهی بر منافع دنیوی

لمثوبه من عندالله خیر لو كانوا يعلمون

<لو> در <لو كانوا يعلمون> به معنای تمنی است و تمنی درباره خداوند به معنای اراده تشریعی است. مفعول <یعلمون> همه حقایقی است که در جمله های قبل بیان شده است. از آنهاست برتری پاداش دنیا بر دیگر منافع؛ یعنی: لیت هم يعلمون ان مثوبه الله خیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۵

۵ - ارزش برتر پاداش های اخروی نسبت به امکانات دنیوی

ثواب الله خیر

ارزش دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

به دنیا بدون داشتن ایمان و تقوا، فاقد ارزش در پیشگاه خداوند

من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذين كذبوا .. و ما الحيوه الدنيا إلا ... أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- سرای آخرت ، بسی بهتر از سرای دنیا است .

و لدار الآخرة خير

استحاله بازگشت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۵ - ۱

۱- عدم امکان بازگشت امت های هلاک شده به دنیا و تدارک اعمال خویش

و حرم علی قریه أهلکنها أنهم لایرجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حرام> خبر مقدم و مصدر مؤول (رجوع) در <أنهم لایرجعون> مبتدای مؤخر باشد. هم چنین <لا> در <لایرجعون> زایده و مقصود از رجوع، بازگشت به دنیا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۶ - ۱

۱- سنت الهی بر ثبت اعمال مؤمنان برای پاداش و محرومیت هلاک شدگان از بازگشت به دنیا ، تا خروج یا جوج و مأجوج (انقراض دنیا) ادامه خواهد داشت .

فمن يعمل . . . و حرم علی ... حتّی إذا فتحت یا جوج و ما جوج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حتی> معنای غایت را افاده کند. البته میان اهل

ادب در افاده آن برای غایت، اختلاف نظر وجود دارد ولی از سیاق و آهنگ آیه، غایت قابل استفاده است. براین اساس <حتی إذا فتحت...> غایت برای <فمن يعمل من الصالحات... و حرام قریه...> خواهد بود. گفتنی است که نوع مفسران بر آنند که مقصود از یأجوج و مأجوج، دو گروه از مردمی هستند که در آخر الزمان ظاهر می شوند و به تاختوتاز و فتوحات دست می زنند و پس از مرگ آنان، عمر دنیا به پایان می رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۴

۴ - عدم امکان بازگشت انسان به دنیا ، پس از برپایی قیامت

ربنا أخرجنا منها .. قال اخسثوا فيها ولا تكلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۵،۶

۵ - بازگشت به دنیا پس از برپایی قیامت ، ممکن نیست .

فلو أن لنا كره فنكون من المؤمنين

برداشت یاد شده با توجه به آمدن واژه <لو> است که معمولاً در موارد غیر ممکن به کار می رود.

۶ - توجه انسان ها در قیامت ، به عدم امکان بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها

فلو أن لنا كره فنكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۱ - ۳

۳ - اقوام عذاب شده و به هلاکت رسیده ، هرگز زنده نشده و به دنیا باز نخواهند گشت .

أنهم إليهم لا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۴

برای احسان کردن و جبران گذشته ها برای هیچ کس ممکن نیست .

لو أنّ لی کثره فأکون من المحسنین

استفاده کم از دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۷ - ۴

۴- ابتلای بدعت گذاران به عذاب دردناک ، پس از بهرهوری اندک از دنیا ، گواه عدم رستگاری آنان است .

إن الذین یفترون علی الله الکذب لایفلحون . متع قلیل و لهم عذاب ألیم

استفاده ناپسند از دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۸

۸ بهره جویی های ظالمانه از دنیا ، ناسپاسی در برابر خداست .

لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من الشکرین . فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر ال

اکتفا به بهره دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصیبک من الدنیا

امکانات دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۱، ۱۲، ۱۰

۱۰ امکانات مادی ، و تمایل به آنها ، فقط وسیله ای برای گذران زندگانی دنیاست و هدف آفرینش نیست .

زَيْنَ لِلنَّاسِ ذَلِكُمْ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

۱۱ ارزش محدود و مقطعی بهره های دنیوی

ذَلِكُمْ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

۱۲ هشدار خداوند به زوال پذیری بهرهوری ها و امکانات دنیا

ذَلِكُمْ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

امکانات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۵ دنیاطلبان ، زیبایی ها را تنها در امکانات و بهره های دنیوی می پندارند .

فمن الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا

از اینکه در هنگام خواسته هایشان قید <حَسَبَیْنَه> را ذکر نکرده اند، چنین برمی آید که هر چه را در دنیاست، زیبا می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۸

۸ برخورداری از امکانات دنیا ، ملاک سنجش شخصیت افراد از دیدگاه کافران

زین للذین . . . و یسخرن من الذین امنوا

چون کافران فریفته دنیا هستند، لذا هر کسی که برخوردار از آن نباشد که مؤمنان صدر اسلام غالباً تهدیدست بودند ، به نظرشان حقیر می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۲

۱۲ لزوم مقدم داشتن ارزش های الهی ، در برابر جاذبه های مادی و ظواهر دنیوی (زیبایی ، ثروت و . . .)

و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمننَّ و لامه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۲۱

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال ، فریبی بیش نیست .

و انما توفون اجورکم یوم القیمه . . . و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۱،۲،۳

۱ قدرت و توشه های مادی ، هر اندازه باشد ، ناچیز و اندک است .

لا یغزَنک . . . متاع

علی رغم اینکه امکانات مادی کافران به اندازه ای بوده که خطر فریبندگی داشته، خداوند آنها را اندک می شمارد.

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی، محدود و کوتاه است.

متاع قلیل ثم ماویهم جهنم

۳ توان و امکانات مادی کافران، دلیلی بر حقایق آنان نیست.

لا یغزَنک تقلب الذین کفروا فی البلاد. متاع قلیل ثم ماویهم جهنم

تصریح به اندک بودن بهره مندی کافران در دنیا و یادآوری فرجام شوم آنان، اشاره به این معنا دارد که شوکت ظاهری آنان، نه به خاطر تقریبشان در پیشگاه خداوند است و نه نشانه حقایق آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱،۳،۵،۷

۱ بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در دنیا، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

متاع قلیل ثم ماویهم جهنم .. لکن الذین اتقوا ربهم لهم جنات ... خالدین فیه

۳ تلاش برای دستیابی به ثروت و امکانات مادی با حفظ تقوا، آسیبی به سعادت اخروی نمی رساند.

لا یغزَنک تقلب الذین کفروا فی البلاد .. لکن الذین اتقوا

<لکن>، برای استدراک توهمی است که از آیات قبل به ذهن می رسد، و آن اینکه تلاش کافران برای به دست آوردن امکانات مادی، موجب جهنمی شدن آنهاست؛ کلمه <لکن>، این توهم را از بین برده و بیان می دارد که در صورت تقوا، کسب و ثروت ضرری به سعادت انسان وارد نمی سازد.

۵ فریفته نشدن در برابر شوکت ظاهری و قدرت اقتصادی کافران، از مصادیق تقوای پیشگی است. *

لا یغزَنک تقلب الذین کفروا

.. لكن الذین اتقوا ربهم

نهی از فریفته شدن و آنگاه بشارت بهشت به تقوای پیشگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۷ توجه به بهشت جاودانه ، موجب گرایش به تقوا و فریفته نشدن در برابر بهره های اندک دنیا

متاع قليل .. لكن الذین اتقوا ربهم لهم جنات ... خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱،۳

۱ خداوند ، راهنمای انسان به امکاناتی برتر از دارایی های دنیوی

ذلك متاع الحیوه الدنيا .. قل اؤتیبکم بخیر من ذلکم

۳ لذت های آخری (باغ های بهشتی و رضایت خدا و زنان پاکیزه) ، برتر از خوشی ها و امکانات دنیا

بخیر من ذلکم ... جنات ... و ازواج مطهره و رضوان من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ عن أبی جعفر(ع) فی قوله تعالی: <قد أنزلنا علیکم لباسا .. و ریشا> ... و اما الریش فآلمتاع و المال ...

از امام باقر(ع) روایت شده است: مراد از <ریشا> در آیه <قد أنزلنا علیکم .. و ریشا> متاع و مال است.

انبیا و آبادانی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ آبادانی و برخوردار شدن جامعه های بشری از نعمت ها و موهبت های دنیوی ، از اهداف پیامبران و ادیان الهی است .

یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوه إلی قوتکم

انقراض دنیا

۶ برپایی جهان آخرت در پی انقراض جهان کنونی است .

يبدؤا الخلق ثم يعيده

اهمیت شناخت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱

۱ - معرفت و شناخت درست نسبت به ماهیت و حقیقت حیات دنیوی ، امری لازم برای انسان ها

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب و لهو . . و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برتری آخرت بر دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - سرای آخرت ، بسی بهتر از سرای دنیا است .

و لدار الآخره خیر

بی ارزشی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ - سرای دنیا و نعمت های آن در قیاس با آخرت ، ناچیز و بی مقدار است .

إن کانت لکم الدار الآخره . . فتمنوا الموت

چنانچه نعمتهای دنیا در برابر سرای آخرت ارزشی داشت، تمنای مرگ برای نیل به آن وجهی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - تحقیر دنیا و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

إنّما تقضى هذه الحيوه الدنيا

فعل <تقضى> خطاب به فرعون و <هذه الحياه> مفعول فيه آن است ، يعنى ، <إنّما تقضى هذه الحياه الدنيا> (دايره حکم رانى تو، همين زندگى دنيابى است و فراتر از آن در دسترس تو نيست).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۲۰ - ۲۱

زندگانی دنیا، در مقایسه با آخرت، کالایی فریبنده بیش نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۷ - ۱

۱ - جهان آخرت، بهتر از زندگانی دنیا و سراسر خیر است.

و الآخره خیر

کلمه <خیر> مانند کلمه <شر> گاهی اسم و گاهی وصف تفضیلی است. در صورت اول یعنی، آنچه همگان به آن رغبت می کنند و در صورت دوم یعنی، برتر (مفردات راغب). در این آیه هر دو معنا احتمال می رود؛ گر چه به قرینه کلمه <أبقی> معنای تفضیل مناسب تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحیٰ - ۹۳ - ۵ - ۶

۶ - دنیا، فاقد زمینه مناسب برای بهره بردن پیامبر (ص) از عطا های ویژه الهی و رسیدن آن حضرت به خرسندی کامل

و للآخره خیر لک من الأولى . و لسوف یعطیک ربک فترضی

بی ارزشی منافع دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۷ - ۲

۲ - ناچیزی هر بهره دنیوی، در قبال عذاب دردناک اخروی

متع قلیل و لهم عذاب ألیم

پایان دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۶

۶- زمان برپایی قیامت ، در آخرین لحظه های پایانی دنیا است . *

و یوم تقوم الساعة

نامیده شدن قیامت به <الساعة> ممکن است به جهت این باشد که قیامت، در آخرین دقیقه ها و لحظه های عمر دنیا رخ می دهد و

از این رو، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۱ - ۴

۴ - پایان عمر دنیا و آغاز جهان آخرت ، در نزد خداوند مشخص و معلوم است .

فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ . قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ . إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که مقصود از <الوقت المعلوم> نفخه اولی و پایان عمر دنیا باشد.

پایان عمر دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۲

۲ - از عمر دنیا ، مقدار کمتری باقی مانده است .

اقتربت الساعة

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نزدیک شدن لحظه برپایی قیامت که با به پایان رسیدن عمر دنیا صورت می پذیرد در مقایسه با گذشته عمر دنیا سنجیده شده است.

پندار جاودانگی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است ؛ نه برهان و یقین .

إِنَّهُ ظَنَّ

۴ - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دل بستگی به خانواده و خاندان است .

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا . إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

حرف <إِنَّ> در <إِنَّه ظَنَّ>، برای بیان علت سُروری است که در <كان في أهله مسروراً> بیان شده است.

ترجیح آخرت بر دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضيتم بالحيوه الدنيا من الآخره فما متع الحيوه الدنيا فى الآخره إلا قليل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۷ - ۵

۵ - ترجیح آخرت بر زندگانی دنیا ، مایه رستگاری است .

قد أفلح .. و الآخره خیر و أبقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۱

۱ - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا ، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الآخره خیر و أبقى . إن هذا لفى الصحف الأولى

<الصحف> جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۳

۳ - برتری آخرت بر زندگانی دنیا و توقف رستگاری بر تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز ، از معارف یاد شده در کتاب های آسمانی ابراهیم و موسی (ع)

قد أفلح .. بل تؤثرون ... صحف إبرهیم و موسی

ترجیح آخرت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ویل للکفرین من عذاب شدید .

الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره

برداشت فوق بنابر این اساس است که <الذین یستحبون الحیاه...> جمله وصفی برای <للكافرین> باشد.

ترجیح دنیا بر آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۹

۹ دلخوش کردن به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی، امری است ناپسند و مورد نکوهش خداوند.

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۱

۱- کافران، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند.

ویل للکفرین من عذاب شدید. الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره

برداشت فوق بنابر این اساس است که <الذین یستحبون الحیاه...> جمله وصفی برای <للكافرین> باشد.

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند.

الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدون عن سبیل الله و ییغونها عوجاً

۸- دل بستگی به دنیا و برگزیدن آن بر آخرت، محکوم و ناپسند است.

الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره... أولئک فی ضلل بعید

۹- دل بستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است.

الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدون عن سبیل الله

تقدیم <یستحبون الحیاه الدنیا> بر جمله <و یصدون عن سبیل الله و ییغونها عوجاً> احتمالاً بیانگر معنای یاد شده باشد.

۱۰- ترجیح دادن همواره دنیا بر آخرت، سد مدام راه خدا و

کج جلوه دادن تعالیم الهی ، از نشانه های کفرپیشگی است .

ویل للكفرین .. الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدّون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۱،۴،۶

۱- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، ریشه اصلی ارتداد و گرایش به کفر است .

من کفر بالله من بعد إیمنه .. ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الآخره

جمله <ذلک بأنهم ..> در مقام تعلیل برای آیه قبل است و نیز <ذلک> اشاره دارد به ارتداد و کفر پس از ایمان.

۴- گرفتاری به خشم الهی و عذاب اخروی ، معلول دلبستگی انسان به دنیا و نادیده گرفتن آخرت است .

فعلیهم غضب .. ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الآخره

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <غضب من الله ..> باشد، برداشت فوق به دست می آید.

۶- ترجیح دنیا بر آخرت و نه صرف تأمین نیاز های زندگی امری نکوهیده است .

فعلیهم غضب من الله .. ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبّوا الحیوه الدنیا .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۵

۵- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، موجب زیان و ورشکستگی واقعی انسان در آخرت است .

ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا

على الآخره... لاجرم أنهم فى الآخره هم الخسرو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۲۶ - ۱

۱ - کسی که سرانجامش مرگ است ، نباید دنیا را بر آخرت ترجیح دهد و خود را دل بسته آن کند .

بل تحبون العاجله... كلاً إذا بلغت التراقي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۲،۳

۲ - طغیان گران ، دنیا طلبانی هستند که آن را بر آخرت ترجیح می دهند .

من طغى . و ءاثر الحيوه الدنيا

۳ - علاقه شدید به دنیا و ترجیح آن بر آخرت ، پیامد طغیانگری و سرپیچی از اطاعت خداوند است .

فأما من طغى . و ءاثر الحيوه الدنيا

ترتیبی که آیه شریفه در ذکر طغیان و دنیا طلبی به کار برده، ممکن است برخاسته از ترتب خارجی آن دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۳

۳ - ترجیح دنیا بر آخرت ، مایه گرفتاری به آتش دوزخ

و ءاثر الحيوه الدنيا . فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ - ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت ، پیروان هوای نفس خویش اند .

و ءاثر الحيوه الدنيا... و أما من... نهى النفس عن الهوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - مردم با گزینش دنیا به جای آخرت ، خود را از تزکیه ، یاد

خدا و ادای نماز دور نگه داشته ، از رستگاری محروم می سازند .

قد أفلح .. بل تؤثرون الحیوه الدنیا

۳- برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت ، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... بل تؤثرون الحیوه الدنیا

تزئین دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲

۲- خداوند ، توصیف کننده بهشت برای متقین ، در قبال جلوه دنیا در چشم کافران

و الذین کفروا یتمتّعون و یا کلون .. زین له سوء عمله ... مثل الجنّه الّتی وعدا

در صورتی که <مثل> به معنای توصیف باشد، از ارتباط این آیه با آیات پیشین مطلب بالا استفاده می شود.

تشبیه مدت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۱،۲

۱- فاصله ولادت تا قیامت در دیدگاه اهل محشر فاصله ای ناچیز و همسان با عصر یک روز و یا وقت چاشت آن

کأنّهم .. لم یلبثوا إلاّ عشیه أو ضحیها

مراد از <لبث> در <لم یلبثوا>، درنگی است که در دنیا و برزخ رخ می دهد. این زمان گرچه زیاد باشد، در مقایسه با آنچه انسان پس از حشر با آن مواجه خواهد شد، اندک است. برای <عشیه> معانی متفاوتی ذکر شده است؛ از قبیل: <ظهر تا غروب>، <آخر روز> و <ظهر تا صبح فردا> (مصباح). <ضحی>؛ یعنی، گسترش نور خورشید و پهنای شدن روز (مفردات راغب). اضافه <ضحی> به <عشیه>، برای بیان این نکته

است که مقدار صبح یا عصر از یک روز مراد است.

۲ - فاصله قیامت و دنیا هر چند طولانی باشد در برابر عظمت حوادث قیامت ناچیز و بسان گذشت نیمروز از عمر دنیا است .

كأنهم .. لم يلبثوا إلاّ عشية أو ضحیها

مفاد <یرونها> ممکن است در ناچیز دیدن دوران گذشته، دخیل باشد، یعنی، دیدن قیامت و رخدادهای آن، این ذهنیت را در انسان ایجاد می کند که فاصله طولانی دنیا و برزخ، در نظر او اندک آید.

تعقل در حقیقت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۱، ۹

۹ نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحیوه الدنیا .. أفلا تعقلون

۱۱ اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذین کذبوا .. و ما الحیوه الدنیا إلا ... أفلا تعقلون

تعقل در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۲۰

۲۰ ترغیب خداوند به تفکر درباره دنیا و آخرت

لعلکم تتفکرون. فی الدنیا و الاخره

تفاوت دنیا با آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۱۰

۱۰- آخرت و معیار سنجش زمان آن ، با دنیا و معیار های دنیوی ، متفاوت است .

فی یوم کان مقداره ألف سنه ممّا تعدّون

تفکر در حقیقت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم

۵ - درك عمیق و ژرف از حقیقت دنیا ، امری شایسته و لازم است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

عبارت <یعلمون ظاهراً..> به قرینه <و لکن اکثر الناس لا یعلمون> درصدد سرزنش و مذمت سطحی نگری به دنیا و توجه نکردن به ژرفا و باطن آن است. بنابراین، شایسته است که انسان ها، تنها به ظواهر بسنده نکنند، بلکه برای درك باطن آن تلاش کنند.

۶ - ژرف نگری درباره حیات دنیوی ، زمینه توجه به آخرت است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الآخره هم غفلون

تقدیم صفت سطحی نگری درباره دنیا بر صفت غفلت از آخرت، احتمال دارد به خاطر این واقعیت باشد که سطحی نگری درباره دنیا، غفلت از آخرت را در پی دارد. بنابراین، ژرف نگری درباره دنیا و توجه به باطن آن، در رویکرد به آخرت می تواند نقش داشته باشد.

تلاش برای دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۷

۷ تلاشگران برای پاداش های دنیوی ، از نعمت دنیا بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۳

۳ تلاش برای دستیابی به ثروت و امکانات مادی با حفظ تقوا ، آسیبی به سعادت اخروی نمی رساند .

لا یغزنک تقلب الذین کفروا فی البلاد .. لکن الذین اتقوا

<لکن>، برای استدراک توهمی است که از آیات قبل به ذهن می رسد، و آن اینکه تلاش کافران برای به دست آوردن امکانات مادی،

موجب جهنمی شدن آنهاست؛ کلمه <لکن>، این توهم را از بین برده و بیان می‌دارد که در صورت تقوا، کسب و ثروت ضرری به سعادت انسان وارد نمی‌سازد.

جدایی از دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۸ - ۱

۱ - درک نشانه‌های جدایی کامل از دنیا از سوی محضر، پیش از فرا رسیدن لحظه‌نهایی مرگ وی

و ظنُّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

جذابیت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۵

۵ - جاذبه و فریبندگی شدید دنیا و امکانات تجملی آن برای تمامی انسان‌ها

و لولا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا... سَقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ

از این که در فرض رفاه تمامی کافران، کفر سراسر جهان را فرامی‌گرفت، این نکته استفاده می‌شود که جاذبه دنیا، چنان شدید است که تمامی انسان‌ها را به وادی کفر می‌کشاند تا به امکانات دنیایی دست پیدا کنند.

حسن فرجام دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۹

۹ دنیا، دارای عاقبت و فرجامی نیک است.

لمن عقبی الدار

<ال> در <الدار> عهد حضوری و اشاره به حیات دنیا دارد. مراد از فرجام حیات دنیا بهشت و نعمتهای آن است.

حقیقت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۵

۵ - دنیا ، سرایی نیست که در آن بتوان گنه کاران را به کیفر گناهانشان رساند .

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

<یومئذ > ظرف و متعلق به

<یوفیهم> است. بنابراین تقدیم آن بر <یوفیهم> یا به خاطر اهتمام به ذکر <قیامت> و یا برای بیان حصر می باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است؛ زیرا در این صورت معنای آیه چنین می شود: تنها در آن روز (قیامت) است نه روزی دیگر (دنیا) که خداوند، جزای آنان را به صورت تام و کامل خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۷

۷ - دنیا، ناپایدار است و به سوی زوال پیش می رود.

کیف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشأه الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۲

۲ - دنیا، جهانی است گذرا و ناپایدار.

إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

برداشت یاد شده، از نام گذاری دنیا به <عاجله> (زود گذر) استفاده می شود.

حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۴ - ۶

۶ ظاهر سازی و فریفتن دیگران، فقط در تنگنای حیات دنیا ممکن است.

و من الناس من يعجبك قوله في الحيوه الدنيا

بنابراینکه <فی الحیوه الدنيا>، متعلق به <يعجبك> باشد؛ یعنی شگفتی گفتارشان در دنیا است؛ در آخرت که روز حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۷

۱۷ زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

<متاع> به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱،۲،۳

۱ آراستگی زندگانی دنیا ، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۳ کفر ، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

ان الذین توفیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۷

۷ - ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسان أن یترک سدی .. ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

خفای حقایق در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۶

۱۶- مخفی ماندن برخی از حقایق و مسائل مورد اختلاف انسان ها ، در دنیا

و لیبئن لکم یوم القیمه ما کتم فیہ تختلفون

تردید نیست که حق در پاره ای از مسائل مورد اختلاف مردم در دنیا روشن است. بنابراین تبیین حقایق مورد اختلاف در قیامت، مربوط به مسائلی است که حق در آنها روشن نیست.

درخواست بازگشت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ -

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی سعادت آفرین

يقول الذين نسوه .. فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذين كنا نعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۴

۴- ظالمان به وقت مشاهده عذاب در قیامت خواستار مهلتی کوتاه برای بازگشت به دنیا جهت پاسخ گویی به دعوت خداوند و پیروی از رسولان الهی می شوند . *

يوم يأتيهم العذاب فيقول الذين ظلموا ربنا أخرنا إلى أجل قريب نجب دعوتك و نتبع

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <يوم يأتيهم العذاب> روز قیامت باشد، نه عذاب استیصال.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۹، ۱۳، ۹

۹ - مجرمان در قیامت ، برای بازگشت به دنیا ، به ربوبیت الهی متمسک می شوند .

ربنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا

۱۳ - مجرمان در قیامت ، برای بازگشت به دنیا و یافتن فرصت انجام اعمال نیک ، تمنا می کنند .

فارجعنا نعمل صلحًا

۱۹ - به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد ، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنیا است .

فارجعنا نعمل صلحًا إنا موقنون

<إنا موقنون> به منزله تعلیل برای درخواست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - مشیت خداوند ، تعلق نگرفته است که به درخواست کنندگان بازگشت به دنیا از آخرت ، جواب مساعد بدهد .

رَبَّنَا ..فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا... و لو شئنا لأتينا كَلًّا

فراز <حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ> می تواند قرینه باشد به این که مراد از <لَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هَدِيهَا> بازگشت دادن به دنیا و در واقع جواب مثبت دادن به درخواست مجرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱

۱ - درخواست مجرمان در قیامت برای بازگشت به دنیا ، از سوی خداوند شدیداً رد می شود .

فارجعنا نعمل صلحاً .. فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا

احتمال دارد امر <ذوقوا> جواب درخواست مشرکان باشد که در آیه پیش (۱۲) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۶

۶ - ستمکاران ، خواهان بازگشت به دنیا و جبران گناهان گذشته خود به هنگام مشاهده عذاب

و ترى الظلمين لما رأوا العذاب يقولون هل إلى مردّ من سييل

دنیا در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۹

۱۹ خیر و سعادت بودن آخرت و برتری آن بر دنیا ، از تعالیم تورات به یهودیان

ألم يؤخذ عليهم ميثق الکتب .. و الدار الآخرة خير للذين يتقون

دنیا طلبی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۴

۴- دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

دنیا محل عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ دنیا ،

سرای تلاش است و جهان پس از مرگ ، برای کیفر و پاداش می باشد .

إذا هم يبغون .. متع الحيوه الدنيا ثم إلینا مرجعکم فننبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۱

۱ دنیا سرای تلاش و آخرت سرای کیفر و پاداش است .

للذین أحسنوا الحسنی .. و الذین کسبوا السيئات جزاء سيئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۳

۳ دنیا ، جایگاه عمل برای جهان آخرت است .

هنالك تبلوا کل نفس ما أسلفت

دنیا و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ - سرای دنیا و نعمت های آن در قیاس با آخرت ، ناچیز و بی مقدار است .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

چنانچه نعمتهای دنیا در برابر سرای آخرت ارزشی داشت، تمنای مرگ برای نیل به آن وجهی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۸،۱۲

۸ حج ، میدان انجام اعمال خیر و کسب توشه برای آخرت

و ما تفعلوا من خیر یعلمه الله و تزودوا

۱۲ انسان در دنیا، همچون مسافر است .

و تزوّدوا فان خیر الزاد التقوی

از به کار بردن <تزوّدوا> استفاده می شود که انسان تشبیه به مسافری شده است که نیاز به توشه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۷

۷ جمع بین دنیا

و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند الله ثواب الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۳

۳ آمیختگی دنیا و آخرت (زینت و عبادت) در بینش اسلامی

بینی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۴

۴ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

حرف <فی> در <فی الآخره> به معنای مقایسه است. <متاع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است. نکره آوردن آن برای رساندن قلت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) محمد بن علی الباقر (ع) أنه سئل عن قول الله عزوجل : > وقيل من راق > قال : ذاك قول ابن آدم إذا حضره الموت قال : هل من طيب ، هل من راق ، قال : > و ظن أنه الفراق > یعنی فراق الأهل و الأحبّه ، عند ذلك قال : > و التفت الساق بالساق > قال : التفت الدنيا بالآخره قال : > إلى ربك يومئذ المساق > إلى رب العالمين يومئذ المصير ;

از امام باقر(ع) روایت شده که از آن حضرت درباره سخن خدای عزوجل: <وقیل من راق> سؤال شد، فرمود: این سخن فرزند آدم است که

وقتی مرگش فرارسد، گوید: آیا طبیعی هست؟ آیا شفا دهنده ای هست؟ مقصود از [جدایی در آیه <و ظنَّ أَنَّهُ الفراق> [جدایی از اهل، عیال و دوستان است. از این جا است که خداوند می فرماید: <و التفت الساق بالساق> یعنی، دنیا به آخرت پیچیده است و نیز فرمود: <إلى ربك يومئذ المساق> یعنی، در این روز بازگشت همه به سوی پروردگار عالمیان است <.

رابطه آخرت با دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۱

۱ تمجید آن دسته از مردم که پس از انجام مناسک حج ، خواهان نیکو های دنیا و آخرت و نجات از آتش هستند .

و منهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنة و في الاخرة حسنة و قنا عذاب النار

رابطه دنیا با آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۵

۵ هدف از گردآوردن انسان ها در دنیا ، حضور آنان در قیامت و دادن جزای اعمال است . *

ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه

بنابراینکه <لام> در <لیوم>، غایت باشد نه به معنای <فی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبا - ۷۸ - ۴۰ - ۸

۸ - دنیا ، فرصتی مناسب برای تهیه نیازمندی های آخرت و پیش فرستادن آن

ما قدمت يداه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۶

۶ - سرنوشت انسان در آخرت ، وابسته به کردار و خصلت های او در دنیا است .

.. خاف مقام ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۵،۶

۵ - انجام دادن کار های سودمند برای آخرت ، تنها در دنیا امکان پذیر است .

یلیتنی قدّمت لحياتی

۶ - پی بردن اهل محشر ، به نتیجه بخش بودن کار های دنیا در آخرت

یومئذ یتذکر الإنسن . . . یقول یلیتنی قدّمت لحياتی

جمله < یقول . . . > یا حال برای < الإنسان > و یا بدل اشمال برای < یتذکر > است. در هر دو صورت، برداشت یاد شده استفاده می شود.

رابطه دنیا و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - تناسب زندگی دنیوی انسان ، با حیات اخروی او

أم حسب الذین . . . سواء محیاهم و مماتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۲

۲ - انسان ها ، باید دنیا را میدان مسابقه جهت دست یافتن به بهشت و آمرزش الهی قرار دهند .

و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور . سابقوا إلى مغفره من ربکم و جئّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۸

۸- زندگی دنیوی، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت.

و إليه الشور

یادآوری نشر و رستاخیز انسان ها پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ دنیا، میدان

عمل برای آخرت

و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

رهبران در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۴

۴ پیشوایان انسان ها در قیامت ، همان پیشوایان آنان در دنیا خواهند بود .

فاتبعوا أمر فرعون . . . یقدم قومه یوم القیمه

مطرح ساختن پیشوایی فرعون در صحنه آخرت (یقدم قومه) پس از بیان پیشوایی او در دنیا (فاتبعوا أمر فرعون)، اشاره به این نکته دارد که: انسانها در دنیا از هر کسی پیروی کنند در آخرت نیز همراه او بوده و در پی او حرکت خواهند کرد.

زمان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آخرت و معیار سنجش زمان آن ، با دنیا و معیار های دنیوی ، متفاوت است .

فی یوم کان مقداره ألف سنه ممّا تعدّون

زمینه ترجیح دنیا بر آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۶

۶- کوتاه نگری ، دون همتی و دنیاطلبی ، ریشه گرایش انسان به شکستن پیمان های الهی و ترجیح دادن دنیا بر آخرت است .

و لاتشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۸، ۱۵

۱۵ هشدار الهی به اینکه زندگی دنیا، جز بهره ای فریبنده نیست .

و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

<الغرور>، یا مصدر است و به معنای فریب دادن و گول زدن؛ و یا اسم فاعل است و جمع <غَارٌ> به معنای فریب دهنده.

لزوم هشیاری در قبال زندگانی دنیا

و ما الحيوه الدنیا الا متاع الغرور

خداوند حیات دنیا را به فریبندگی توصیف کرد تا به انسانها بفهماند که مبادا ظاهر فریبنده حیات دنیا، شما را از بهشت که فوز و سعادت است، غافل سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۳

۳- شرایط زندگی و حیات انسان در قیامت متفاوت با دنیاست .

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

روشن است که با تبدیل و دگرگونی نظام جهان زندگی انسان هم متناسب با آن تغییر می یابد؛ چون بین زندگی انسان و نظام موجود جهان، پیوندی ناگسستنی است.

سرزنش ترجیح دنیا بر آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی امت های گذشته ، رستگاری را در گرو تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز دانسته ، از ترجیح زندگانی دنیا بر آخرت نکوهش کرده اند .

قد أفلح إن هذا لفی الصحف الأولى

مشارالیه <هذا> می تواند آیه قبل (و الآخره خیر و أبقى) باشد و ممکن است آن را اشاره به مفاد آیات <قد أفلح.. > به بعد بدانیم. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

سرگرمی به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ - ۸

۸- هلاکت امت های کافر پیشین ، در حال غفلت و سرگرمی آنان به دنیا ، بوده است .

أهلکنا .. یمشون فی مسکنهم

احتمال دارد که جمله < یمشون .. > حال برای مفعول < أهلکنا > باشد.

ظهور حقایق

در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۴

۴- ظهور کامل حقیقت امور اختلافی ، در دنیا امکان پذیر نیست .

بلی وعدًا علیه حقًا . .. لیبین لهم الذی یختلفون فیه

با اینکه برای خداوند امکان تبیین حقایق در دنیا هم وجود دارد، اما از جمله دلایل وقوع حتمی قیامت را ظهور حقایق در آن معرفی می کند و این نشان دهنده آن است که علت فاعلی تبیین حقایق، مشکل ندارد بلکه ظرف، قابلیت چنان امری را دارا نیست.

علاقه به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۷

۷ دل بستگی انسان ها به مظاهر ناپایدار دنیا

تریدون عرض الدنيا و الله یرید الآخره

فعل مضارع <تریدون> حاکی از استمرار است و دلالت بر این دارد که این صفت (تلاش برای دنیا) با انسان عجین شده است. تعبیر از کالا- و متاع دنیوی به <عرض الدنيا>، اشاره به ناپایداری مواهب دنیایی است. زیرا <عرض> به معنای چیز ناپایدار است.

علمای دنیا طلب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیا طلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذین یکتُمون ... و یشترون ... ذلک بأن الله نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتمون . . .> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف

و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذکر) [الکتمان] [بأن الله نزل الكتاب بالحق] و از سوی دیگر جمله >یشترن به ثمناً قلیلاً در آیه ۱۷۴< رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

عمل در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ دنیا، میدان عمل برای آخرت

و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

غفلت از محدودیت عمر دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۳ - ۶

۶ - بی توجهی به محدودیت عمر، زمینه ساز بی اعتنایی به شخصیت دیگران و ضربه زدن به اعتبار آنان است .

همزه لمزه ... یحسب أن ماله أخلده

فرجام دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ زندگی دنیا دارای عاقبت و فرجامی نیک (بهشت) می باشد .

أولئک لهم عقبی الدار

>ال< در >الدار< عهد حضوری است و لذا مراد از >الدار< حیات دنیاست. مقصود از فرجام نیک آن (عقبی الدار) به قرینه آیه بعد بهشت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ بهشت ، سرانجام و فرجام حیات دنیاست .

أُولَئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدارِ. جَنَّتْ عَدْنُ

<جنات عدن> عطف بیان و یا بدل برای <عقبی الدار> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۳

۳ - زمین پس از تحولاتی در سه مرحله (< لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا > ، < اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت > و < اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود >) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إِذَا زُلْزِلَتْ... و أُخْرِجَتْ... تَحَدَّثَ أَخْبَارُهَا

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

فروش آخرت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۸

۲۸ وابستگی به مال و منال گذرای دنیا به قیمت از دست دادن سرای جاودانه آخرت ، به دور از خرد و اندیشه صحیح است .

يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى... و الدار الآخرة خيرا للذين يتقون أفلا تعقلون

از امام صادق (ع) روایت شده است که

خداوند، بندگان خود را به دو آیه از کتاب خود، توجه مخصوص داده (تا دو مطلب را فراگیرند)، یکی اینکه چیزی را نگویند مگر اینکه به آن علم داشته باشند .. سپس آیه <ألم يؤخذ عليهم ... > را تلاوت فرمود ...

فریبکاری دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۶، ۱۷، ۲۱

۱۶ توجه دادن به مرگ و کيفر و پاداش اعمال در قیامت و فریبنده بودن دنیا از روش های قرآن برای هدایت انسانها

كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ .. و ما الحيوه الدنیا الا متاع الغرور

۱۷ فریب در برابر بهره های دنیوی ، موجب محرومیت از سعادت و نجات اخروی

فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحيوه الدنیا الا متاع الغرور

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال ، فریبی بیش نیست .

و انما توفون اجورکم يوم القيومه .. و ما الحيوه الدنیا الا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۷

۷ توجه به مرگ و اجر اخروی و نیز فریبندگی دنیا ، زمینه ساز پیروزی انسان در آزمایش الهی

كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ .. لتبلون في اموالکم و انفسکم

ظاهراً آیه قبل (كُلِّ نَفْسٍ ..) رهنمودی برای پیروز شدن مؤمنان در امتحانهای جانی و مالی است. چون بهترین راه برای از جان گذشتگی و جهاد این است که آدمی بداند چه جهاد کند و یا سستی نماید، طعم مرگ را خواهد چشید. و راه معقول برای صرفنظر کردن

از اموال این است که آدمی بداند دنیا و آنچه در آن است، فریبده و پوچ است.

فریبندگی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ مفتون نشدن به دنیا و توجه کردن به آخرت و معاد، مقتضای خرد و اندیشه است.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۷، ۹، ۱۰

۷ زندگانی دنیا فریبده و لغزشگاهی پر مخاطره است.

و غرتهم الحیوه الدنیا

۹ کسانی که دین را بازیچه و سرگرمی قرار می دهند، فریب خوردگان دنیا و دل بسته به آنند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا و غرتهم الحیوه الدنیا

۱۰ لزوم هشیاری در برابر فریبندگی زندگانی دنیا و لغزشگاههای پر جاذبه آن

و غرتهم الحیوه الدنیا

هدف از بیان این جمله (و غرتهم ...)، که به عنوان عامل انحراف ذکر گردیده، هشدار به عموم مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ زندگی دنیا دارای جلوه های فریبده و گمراه کننده است.

و غرتهم الحیوه الدنیا

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در پذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انذار انبیا

و غرتهم الحيوه الدنيا

۱۲ لزوم هشيارى در برابر جلوه هاى فرينده دنيا براى مصون ماندن از گمراهى

و غرتهم الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۳،۴،۵،۹

۳ حيات دنيا ، حياتى فرينده و سرگرم كننده

غرتهم الحيوه الدنيا

غرور (مصدر)

غزت) به معنای فریب دادن است.

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

۵ سرگرمی و بازیچه گرفتن دین و فریفته شدن به زندگانی دنیا ، موجب محرومیت از بهشت و مواهب آن

إن الله. حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا ... و غرتهم الحیوه الدنیا

توصیف کافران دوزخی به <الذین اتخذوا .. > بیانگر علت گرفتاری آنان به آتش جهنم است.

۹ فریفته شدن به زندگانی دنیا و سرگرم شدن به آن ، عامل فراموشی روز قیامت و آتش دوزخ است .

و غرتهم الحیوه الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

<کما نسوا .. > می رساند که از علل بی اعتنایی خداوند به دوزخیان این است که آنان روز قیامت را فراموش کردند و چون جمله <الیوم ننسیهم ... > به وسیله فاء بر <غرتهم الحیوه الدنیا> تفریع شده، معلوم می شود که از ریشه های فراموشی قیامت، فریفته شدن به زندگانی دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۶

۶ معارف و احکام قرآن موجب هشیاری انسان از فریفتگی به حیات دنیا است .

غرتهم الحیوه الدنیا ... و لقد جننهم بکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۹

۹ دنیا ، سرایی است فریبنده .

إنما مثل الحیوه الدنیا کماء .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت

تشبیه دنیا به مزرعه سرسبز و زیبا، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- خداوند ، درباره فریفته شدن انسان ها به وسیله جلوه های زندگی دنیا ، هشدار داده است .

فَلَا تَغْرَبْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

۱۶ - زندگی دنیا ، فریبنده و مایه غفلت انسان از خدا و قیامت است .

اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَ اخْشَوْا يَوْمًا .. فَلَا تَغْرَبْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

۱۷ - تقوا و ایمان به قیامت و وعده های خدا ، مانع فریفتگی انسان به زندگی دنیا است .

اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَ اخْشَوْا يَوْمًا .. إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغْرَبْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۵

۵ - جاذبه و فریبندگی شدید دنیا و امکانات تجملی آن برای تمامی انسان ها

و لَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا .. سَقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ

از این که در فرض رفاه تمامی کافران، کفر سراسر جهان را فرامی گرفت، این نکته استفاده می شود که جاذبه دنیا، چنان شدید است که تمامی انسان ها را به وادی کفر می کشاند تا به امکانات دنیایی دست پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - مظاهر دنیا ، بسیار فریبنده است .

و غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

<غرور> صیغه مبالغه (مصباح المنیر) و به معنای بسیار فریبنده است. برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <الغرور> در این آیه دنیا باشد.

فناپذیری دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۳

۱۳- کافران ، گریزان از هشدار های الهی نسبت به زوال پذیری دنیا و وجود معاد

و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

در این

آیه، پیش از مسأله انذار، موضوع حقانیت هستی و محدود بودن حیات دنیوی مطرح شده است. با توجه به این مطلب می توان گفت: یکی از موضوعات مورد انذار، ناپایداری حیات دنیا و وجود رستاخیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۷ - ۲

۲ - جهان آخرت طولانی تر و پاینده تر از دنیا است .

و الآخره .. اُبقی

قدرت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۱،۲

۱ قدرت و توشه های مادی ، هر اندازه باشد ، ناچیز و اندک است .

لا یغزنک .. متاع قليل

علی رغم اینکه امکانات مادی کافران به اندازه ای بوده که خطر فریبندگی داشته، خداوند آنها را اندک می شمارد.

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قليل ثم ماویهم جهنم

قیاس دنیا با آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۱

۲۱ - زندگانی دنیا ، در مقایسه با آخرت ، کالایی فریبنده بیش نیست .

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

کافران در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۴

۴- کافران ، در دنیا هرگز به سختی و شدت آتش دوزخ و به بی یآوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو يعلم الذین کفروا حین لایکفون عن وجوههم النار . .. و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین > مفعولٌ

به برای <یعلم> باشد. در این صورت پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

کافران و بازگشت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷،۸

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب .. و إنهم لکذبون

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۳

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله <وقالوا> می تواند عطف بر جمله <لعادوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

کوتاهی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۲

۲۲- عمر دنیا، علی رغم طولانی جلوه شدن آن در نظر انسان، کوتاه و بسیار محدود است.

قل عسی أن یکون قریبًا

کلام خداوند درباره نزدیک بودن زمان وقوع قیامت، صریح و حقیقی است و کنایه و مجازی در آن نیست. از طرفی، این

نکته نیز روشن است که برای مردم گذشت زمان در دنیا طولانی است. توجه به این دو نکته گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۹،۱۰

۹- انسان ها ، پس از حضور در قیامت ، درمی یابند که زندگی دنیوی ، بسیار کوتاه بوده است .

یوم یدعوکم فتستجیبون .. تظنون إن لبثتم إلا قليلاً

بنابر اینکه مراد از <إن لبثتم> حیات دنیوی باشد که تصور می شد تا برپایی قیامت بسیار طولانی است، برداشت فوق به دست می آید.

۱۰- دنیا ، علی رغم تصور طولانی بودنش ، بسیار زودگذر است .

يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً .. تظنون إن لبثتم إلا قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۱

۱ - فاصله ولادت تا قیامت در دیدگاه اهل محشر فاصله ای ناچیز و همسان با عصر یک روز و یا وقت چاشت آن

كأنهم .. لم يلبثوا إلا عشيّة أو ضحها

مراد از <لَبِثَ> در <لم يلبثوا>، درنگی است که در دنیا و برزخ رخ می دهد. این زمان گرچه زیاد باشد، در مقایسه با آنچه انسان پس از حشر با آن مواجه خواهد شد، اندک است. برای <عشيّة> معانی متفاوتی ذکر شده است؛ از قبیل: <ظهر تا غروب>، <آخر روز> و <ظهر تا صبح فردا> (مصباح). <ضحی>؛ یعنی، گسترش نور خورشید و پهناور شدن روز (مفردات راغب). اضافه <ضحی> به <عشيّة>، برای بیان این نکته است که مقدار صبح یا عصر از یک روز مراد است.

کوردلان در

۱- کوردلان در دنیا، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً

۷- > عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزّوجلّ : < و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً > قال : من لم يدله خلق السماوات و الأرض و اختلاف الليل و النهار و دوران الفلك و الشمس و القمر و الآيات العجيبات على أن وراء ذلك أمراً أعظم منه فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً قال : فهو عمّا لم يعين أعمى و أضلّ ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً> روایت شده است که فرمود: کسی که آفرینش آسمانها و زمین و پی در پی در آمدن شب و روز و گردش فلک و خورشید و ماه و نشانه های عجیب، او را به این حقیقت راهنمایی نکنند که در پس این آفرینش، حقیقتی بزرگ تر از آن وجود دارد؛ چنین شخص نابینا و گمراه، در آخرت نابیناتر و گمراه تر خواهد بود. [امام] فرمود: پس این شخص نسبت به چیزی که ندیده و تجربه نکرده است، نابیناتر و گمراه تر است.<

۸- > عن أبي محمد (ع) . . . يا إسحاق ! انه من خرج من هذه الدنيا أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً يا إسحاق ليس تعمى الأبصار و لكن تعمى القلوب

التي في الصدور . . .

از امام هادی (ع) روایت شده است که آن حضرت به اسحاق نوشت: ای اسحاق! [مراد از] کسی که از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است، یا اسحاق! نابینایی چشم نیست؛ بلکه کوری قلبهایی است که در سینه ها جای دارد.

گمراهان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۳

۳- گمراهان و راه نیافتگان دنیا، در آخرت در گمراهی افزون تری فرو می روند.

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً

لذتهای دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ بالاترین لذت های مردم در دنیا و آخرت، لذت بردن از زنان است.

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ .. ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسْبُ

امام صادق (ع): ما تلذذ في الدنيا و الاخرة بلذّه اكثر لهم من لذه النساء و هو قول الله عز و جل: زَيْنَ لِلنَّاسِ . . .

کافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۱۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۱۰.

لقاءالله در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ امکان رسیدن به مقام لقای خداوند در دنیا

إنهم ملقوا ربهم

لهو بودن دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۱،۷

۱ - زندگی دنیایی ، جز سرگرمی و بازی نیست .

و ما هذه

الحيوه الدنيا إلا لهو و لعب

<لهو> چیزی است که انسان را از هدف باز می دارد (مفردات راغب) و <لعب>، انجام دادن کاری است که قصدی در آن نیست (مفردات راغب)

۷- مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

و لئن سألتهم من ... و ما هذه الحيوه الدنيا ... لو كانوا يعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی <يعلمون> به قرینه سیاق مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

مالك دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۲

۲ - دنیا و آخرت ، تنها در اختیار خداوند

من كان يظنّ أن لن ينصره الله في الدنيا و الآخره. .. هل يذهب كیده ما يغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۱

۱ - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فلله الآخره و الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - جهان آخرت و عالم دنیا ، مملوک خداوند و در اختیار او است .

و إنّ لنا للآخره و الأولى

۲ - مالکیت خداوند بر دنیا و آخرت ، دلیل سلطه کامل او بر فرجام انسان های نیک و بد

فَسَنِيَسِّرُهُ لِلْيَسْرَى . . . لِلْعَسْرَى ... وَ إِنَّا لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى

محدودیت پاداش در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۱

- ۱۱

دنیا، فاقد گنجایش و امکانات لازم برای جزای اعمال آدمیان است .

الساعه آتیه .. لتجزی کل نفس بما تسعی

ضرورت برپایی قیامت برای تحقق جزا، اشاره به این نکته دارد که ظرف دنیا گنجایش جزا دادن به تلاش های خوب و بد را ندارد، لذا روز دیگر و شرایط دیگری باید فراهم گردد تا <جزا> بتواند تحقق یابد.

محدودیت کیفر در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - دنیا، فاقد گنجایش و امکانات لازم برای جزای اعمال آدمیان است .

الساعه آتیه .. لتجزی کل نفس بما تسعی

ضرورت برپایی قیامت برای تحقق جزا، اشاره به این نکته دارد که ظرف دنیا گنجایش جزا دادن به تلاش های خوب و بد را ندارد، لذا روز دیگر و شرایط دیگری باید فراهم گردد تا <جزا> بتواند تحقق یابد.

محدویت عمر دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۳ - ۵

۵ - دنیا برای هیچ انسانی، حتی در صورت برخورداری او از ثروت هنگفت، جاودانه نخواهد ماند .

یحسب أنّ ماله أخلده

محرومان از دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۷

۷- برخی از دنیاطلبان هم از دنیا و هم از آخرت محرومند .

من كان يريد العاجله عجلنا له .. لمن نريد ثم جعلنا له جهنم

مرجع ضمیر <له> در <جعلنا له جهنم>، <من> در <من كان...> است؛ یعنی، هر کس به دنبال دنیا باشد جایگاهش دوزخ است، چه برخی از آنان با

خواست خداوند به آرزوهای دنیوی خود برسند و چه ناکام شوند. بنابراین عده ای هر چند که به خواسته های دنیوی خویش نرسیده اند، در آخرت دوزخی اند و از دنیا و آخرت محروم خواهند بود.

مشرکان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۲

۲ - مشرکان ، در دنیا به پیامبر (ص) کافر بودند ؛ ولی در قیامت به آن حضرت اظهار ایمان می کنند .

و لو تری إذ فزعوا .. و قالوا ءامنّا به ... و قد كفروا به من قبل

مشرکان و بازگشت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۹

۹ لجاجت پیشگان مشرک، پس از دیدن جهنم نیز اگر دنیا بازگردند اصلاح نمی شوند.

و لو تری إذ وقفوا علی النار .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

ملائکه حسابگر در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۶

۶ - وجود فرشتگان حسابگر برای شمارش مدت زندگی انسان در دنیا و یا در عالم برزخ

فصل العادین

ناامنی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ دنیا سرایی است ناامن و آرمیدن در آن و گردش بر مدار آن ، نشانه ای است از کوتاه نظری .

إنما مثل الحیوه الدنیا .. کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

غرض از تمثیل در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (و اللّٰه یدعوا الی دارالسلام ..)

(بیان این حقیقت است که: این سرا، سرایی است که در معرض انواع حوادث و رخداد‌های مرگبار است و انسان نباید به چنین جایی بسنده کند و آن را وجهه همت خود قرار دهد. گفتنی است که از ذیل آیه (لقوم یتفکرون) استفاده می شود که اهل دنیا مردمانی فاقد فکر و اندیشه هستند.

ناپایداری دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱

۱- پیامبر ، وظیفه دار استفاده از تمثیل برای بیان حقیقت زندگی دنیا و ناپایداری آن است .

و اضرب لهم مثل الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۲

۲ - متاع دنیا و زینت های آن ، چونان خود دنیا ناپایدار و زوال پذیر است .

و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا و زینتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۷

۷ - دنیا ، ناپایدار است و به سوی زوال پیش می رود .

کیف بدأ الخلق ثم الله ینشیء النشاء الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۵

۵ - دنیا ، جهانی است گذرا و ناپایدار .

کلاً بل تحبون العاجله

برداشت یاد شده، از نام گذاری دنیا به <عاجله> (زود گذر) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۲

۲ - دنیا، جهانی است گذرا و ناپایدار.

إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

برداشت یاد شده، از نام گذاری دنیا به <عاجله>

(زودگذر) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۴

۴ - دنیا و شادی های آن ، جاودانه نیست و دگرگون خواهد شد .

إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا . إِنَّهٗ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ . بلی

نقش دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۴ - ۳

۳ دنیا ، محل تکلیف و میدان آزمون انسانهاست .

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ . . . لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۶

۶- دنیا ، جایگاه عمل برای آخرت است .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

در صورتی که <فی هذه الدنيا> متعلق به <أحسنوا> باشد، مفید معنای فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۳

۳- دنیا ، ظرفی مناسب برای تلاش های سودمند و کفر ، مایه بهره بردن از فرصت های موجود در آن است .

ضَلَّ سَعِيْهِمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - تکالیف الهی ، محدود به زندگی دنیوی انسان ها است .

مادمت حیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ .. لَنَجْزِيَنَّ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

۵ - دنیا ، یگانه میدان عمل

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا .. قَالَ اخْسِئُوا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۲

۲ - تنها دنیا عرصه گرایش به ایمان و نه آخرت

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۷

۷ - دنیا ، جایگاهی مناسب و فرصتی مغتنم ، برای تصحیح باور است .

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۲ - ۸

۸ - جایگاه ایمان آوردن ، عالم دنیا است ، نه آخرت .

و لو ترى إذ فزعوا .. و قالوا ءامنا به و أنى لهم التناوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۴

۴ - دنیا ، زمينه فریب و لغزشگاه انسان

فَلَا تَغْرِبْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - دنیا ، عرصه تلاش و کوشش و جهان آخرت ، عرصه اجر و پاداش

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۴

۴ - دنیا ، گذرگاه و مقدمه برای حیات جاودانه آخرت است .

إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

واژه <متاع> در برخی از موارد به چیزی گفته می شود که بهره انسان

از آن کم و ناپایدار باشد. بنابراین توصیف زندگی دنیایی به <متاع> و زندگی اخروی به <دارالقرار> (سرای پایدار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۳

۳ - دنیا، جایگاه تلاش و کوشش و مزرعه ای برای آخرت است.

من كان يريد حرث الأخره نزد له في حرثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۲

۲ - توبه و اقرار به خطاها، تنها در فرصت زندگی دنیا دارای تأثیر است؛ و نه در آخرت.

و لن ينفعمكم اليوم إذ ظلمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - زندگی دنیا، صحنه عمل و آخرت میدان دریافت اعمال و نتایج آن *

و لكلّ درجت مّمّا عملوا و ليوفّيهم أعمالهم

بنابراین که <حقّ عليهم القول> در آیه قبل، عذاب اخروی باشد؛ از این آیه استفاده می شود که مراد از <درجات> درجه های اخروی است و در آن جایگاه، نتایج اعمال استیفا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۶

۶ - تنها دنیا، سرای عمل و اندوختن توشه آخرت است.

كانوا قبل ذلك محسنين

تصریح به <قبل ذلك>، می رساند که متقین، قبل از حضور در صحنه قیامت (در زندگی دنیا) توشه عمل بر گرفته اند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - دنیا ، محل کسب

نور برای آخرت

قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <ورائکم> در <ارجعوا ورائکم> دنیا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴ - دنیا، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است؛ نه میدان بازی، آرایش، فخرفروشی و فزون خواهی.

سابقوا إلی مغفره من ربکم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۹

۹ - دنیا، عرصه عمل و کسب توشه اخروی است.

و أنفقوا... من قبل أن یأتی أحدکم الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۷، ۸، ۹

۷ - دنیا، عرصه آزمایش انسان ها و آخرت، جایگاه پاداش و جایزه است.

لیبلوکم ایکم أحسن عملاً

روشن است که برای هر آزمایش و مسابقه ای، پاداش و جایزه ای مقرر شده است و چون آزمایش و مسابقه بشر در تمام دوران حیات دنیوی است؛ بنابراین پاداش و جایزه او نیز باید در ظرف حیات دیگری مقرر شده باشد و این حقیقت در بینش الهی، در آخرت محقق خواهد شد. گفتنی است اگر مقصود از <حیات> در این آیه حیات اخروی باشد؛ مؤید دیگری برای اثبات مطلب یاد شده است.

۸ - دنیا، بستر مناسب برای رشد و تعالی و انجام کار خیر

۹- دنیا برای انسان ، گذرگاه و مقدمه برای زندگی دیگر (حیات اخروی) است ؛ نه مقصد و مقصود او

الذی خلق الموت و الحیوه لیلوکم اَیکم أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۸

۸ - دنیا ، فرصتی مناسب برای تهیه نیازمندی های آخرت و پیش فرستادن آن

ما قَدِّمت یداه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۳

۳ - دنیا ، محل تلاش و آخرت ، جای بهره مندی از تلاش ها است .

فإذا جاءت الطامه الكبرى . یوم یتذکر الإنسن ما سعی

بیان <یادآوری اعمال در قیامت> ، صرفاً به منظور خبر از آینده نیست ؛ بلکه بشارت دادن و انذار انسان ها نسبت به فرجام اعمالشان است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۵

۵ - دنیا ، عرصه تلاش برای رسیدن به لذت های آخرت است .

فلیتنافس المتنافسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۵

۵ - انجام دادن کار های سودمند برای آخرت ، تنها در دنیا امکان پذیر است .

یلیتنی قَدِّمت لِحیاتی

ویژگیهای آتش دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۸

ویژگیهای دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۵ - ۷

۷- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحيوه الدنيا كما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشيمًا تذروه الرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۹

۹ - نظام توالی شب و روز ویژه عالم دنیا است .

إن جعل الله عليكم الليل سرمدًا إلى يوم القيمة

برداشت یاد شده با توجه به تقيید <سرمدًا> به قید <إلى يوم القيمة> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - نظام توالی شب و روز ، مخصوص عالم دنیا است .

إن جعل الله عليكم النهار سرمدًا إلى يوم القيمة

با توجه به مقید شدن <سرمدًا> به قید <إلى يوم القيمة>، برداشت یاد شده به دست می آید.

همانندی آخرت با دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۷

۷ جهان آخرت ، جهانی مثال و مانند جهان کنونی است .

يبدؤا الخلق ثم يعيده

دنیا و آخرت

{دنیا و آخرت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۹

۹ دنیا ، محل اندوختن و کسب سرمایه و آخرت روز دریافت اندوخته هاست .

و وُفِّيتَ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۴

۴ دنیا و آخرت ، عرصه بهره مندی دست پروردگان انبیا از پادشاهای الهی

و کاتین من نبی قاتل معه ربیون . . . فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخر

دنیا و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ - سرای دنیا و نعمت های آن در

قیاس با آخرت ، ناچیز و بی مقدار است .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

چنانچه نعمتهای دنیا در برابر سرای آخرت ارزشی داشت، تمنای مرگ برای نیل به آن وجهی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۸،۱۲

۸ حج ، میدان انجام اعمال خیر و کسب توشه برای آخرت

و ما تفعّلوا من خیر یعلمه الله و تزودوا

۱۲ انسان در دنیا ، همچون مسافر است .

و تزودوا فان خیر الزاد التقوی

از به کار بردن <تزودوا> استفاده می شود که انسان تشبیه به مسافری شده است که نیاز به توشه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۷

۷ جمع بین دنیا و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۳

۳ آمیختگی دنیا و آخرت (زینت و عبادت) در بینش اسلامی

بینی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۴

۴ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

حرف <فی> در <فی الآخره> به معنای مقایسه است. <متع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است. نکره آوردن آن برای رساندن قَلت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۴ - > عن أبي جعفر (ع) محمد بن علي الباقر (ع) أنه سُئِلَ عن قول الله عزَّوجلَّ: > وقيل من راق < قال: ذاك قول ابن آدم إذا حضره الموتُ قال: هل من طيب، هل من راق، قال: > و ظنَّ أنه الفراق < يعني فراق الأهل و الأحبّه، عند ذلك قال: > و التفت الساق بالساق < قال: التفت الدنيا بالآخرة قال: > إلى ربِّك يومئذ المساق < إلى ربِّ العالمين يومئذ المصير؛

از امام باقر(ع) روایت شده که از آن حضرت درباره سخن خدای عزوجل: > وقيل من راق < سؤال شد، فرمود: این سخن فرزند آدم است که وقتی مرگش فرا رسد، گوید: آیا طیبی هست؟ آیا شفا دهنده ای هست؟ مقصود از [جدایی در آیه > و ظنَّ أنه الفراق < [جدایی از اهل، عیال و دوستان است. از این جا است که خداوند می فرماید: > و التفت الساق بالساق <؛ یعنی، دنیا به آخرت پیچیده است و نیز فرمود: > إلى ربِّك يومئذ المساق <؛ یعنی، در این روز بازگشت همه به سوی پروردگار عالمیان است <.

رابطه دنیا و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ دنیا، میدان عمل برای آخرت

و من یرد ثواب الآخرة نؤته منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - تناسب زندگی دنیوی انسان، با حیات اخروی او

أم حسب الذین ..

سواء محياهم و مماتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۲

۲ - انسان ها ، باید دنیا را میدان مسابقه جهت دست یافتن به بهشت و آمرزش الهی قرار دهند .

و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور . سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۸

۸ - زندگی دنیوی ، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت .

و إليه النشور

یادآوری نشر و رستاخیز انسان ها پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دنیاپرستان

{دنیاپرستان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۲

۲۲ انکار حقایق رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزیان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . . . یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

آخرت فروشی دنیاپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۶

۶ دنیاخواهان ، محروم از بهره های اخروی

و ماله فی الاخره من خلاق

مراد از دنیاخواهان به قرینه آیه بعد مردمی هستند که نسبت به آخرت انگیزه ای ندارند و دنیا را چه مورد رضایت خدا باشد و یا نباشد طالبند.

بینش دنیاپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۵ دنیاطلبان ، زیبایی ها را تنها در امکانات و بهره های دنیوی می پندارند .

فمن الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا

از اینکه در هنگام خواسته هایشان قید <حَسَبَهِ> را ذکر نکرده اند، چنین برمی آید که هر چه را در دنیاست، زیبا می پنداشتند.

ترس دنیاپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۳

۲۳ ترس مسلمانان خودگزين و دنیاطلبِ احد از افشای موضع جاهلانه و شرک آمیزشان در برابر رسول خدا (ص)

و طائفه قد اهتمهم انفسهم . . . يخفون فی انفسهم ما لا یبدون لك

دنیاپرستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۵

۱۵ جایگاه پست دنیاپرستان و کافران در آخرت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

محرومیت دنیاپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۷

۷ حج گزارانِ دنیاطلب ، محروم از بهره های اخروی

فاذا قضیتم مناسککم . . . فمن الناس من يقول ربنا ... و ماله فی الاخره من خلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۴،۵،۶،۷

۴ شیطان، زینت دهنده محبت دنیا برای مردم *

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ

بنابراینکه فاعل محذوف از <زین>، شیطان باشد؛ چنانچه برخی از مفسرین گفته اند. زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانِ.

الدر المثور، ج ۲، ص ۱۶۱.

۵ شیفتگی مردم نسبت به زن، فرزندان ذکور، سیم و زر و مرکب های نامدار

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبِّ الشَّهَوَاتِ

من النساء و البنين و القناطير المقنطره من الذهب و الف

۶ شیفتگی مردمان نسبت به چهارپایان (دامداری) و کشاورزی و تولید (امکانات مادی)

زین للناس حب الشهوات .. الانعام و الحرث

۷ هشدار الهی در مورد جاذبه های موهوم امور مادی و دنیوی

زین للناس حب الشهوات .. متاع الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۷

۷ دریافت بهای دنیوی در قبال سوداگری بر سر عهد الهی ، هر چند زیاد باشد ، اندک است .

ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم ثمناً قليلاً

ظاهراً ثمنی (ریاستها و ثروتها) که سوداگران آیات الهی می گرفتند، اندک نبود؛ ولی خداوند آن را اندک معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۷۸

۷ انگیزه کافران در انفاق های خویش ، رسیدن به زندگی پست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقیید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

۸ انگیزه قرار دادن دنیا در انفاق ، ستمی است بر خویشان . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۰، ۲۳

۲۰ جمعی از پیکارگران احد، در پی دنیا و گردآوری غنائم و گروهی دیگر خواهان آخرت بودند.

منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الاخره

۲۳ شکست ها،

آزمون مناسبی برای روشن شدن صفوف پایمردان آخرت طلب ، از سست عنصران دنیاجو

منکم من یرید الدنیا .. ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۳

۱۳ دین فروشی و دنیاپرستی عالمان اهل کتاب

و اشتروا به ثمنًا قليلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۴

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الذین یفرحون بما آتوا

مراد از <ما آتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <و اشتروا به ثمنًا>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

آثار دنیاپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۷

۷ حج گزاران دنیاطلب ، محروم از بهره های اخروی

فاذا قضیتم مناسککم .. فمن الناس من یقول ربنا ... و ماله فی الآخرة من خلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۴،۷

۴ دلبستگی به جلوه های مادی دنیا ، از عوامل تحریف آیات الهی و تبدیل نعمت های او

و من یبدل . . . زین للذین کفروا

جمله <زین . . .>، بیان علت برای <و من یبدل . . .> است.

۷ تمسخر مؤمنان ، روش دنیاپرستان و کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا و یسخرن من الذین امنوا

فعل مضارع <یسخرن>، دلالت بر استمرار دارد که از آن در برداشت فوق، به <روش> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۴

۴ مال و اولاد ، اهرم بازدارنده از گرایش به خدا

لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۶، ۲، ۱

۱ توجه و علاقه به مادیات ، زمینه محرومیت از پندگیری و بینش صحیح

انّ فی ذلك لعبره لاولی الابصار. زین للناس حبّ الشهوات

برداشت فوق از ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل استفاده شده است؛ گویا <زین> بیان می کند که چرا همه انسانها اهل بصیرت نیستند.

۲ شهوت پرستی و زراندوزی ، زمینه کفر و تکذیب آیات الهی

زین للناس حبّ الشهوات .. من الذهب و الفضة

بنابراینکه منظور از <لنّاس> ، کافران باشد؛ به قرینه آیات پیشین که سخن از آنان بود.

۱۶ شیفتگی به امکانات زندگی دنیا ، مانع دستیابی انسان به فرجام نیک

ذلك متاع الحیوه الدنیا و الله عنده حسن المثاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۲، ۵

۵ دنیاپرستی ، ریشه سوداگری بر سر عهد الهی و مسؤولیت های ناشی از آن

انّ الذین یشترون بعهد الله .. ثمناً قليلاً

۲۲ دنیاپرستی ، موجب محرومیت از مواهب اخروی و سخن و نظر خدا در قیامت و مانع رشد یافتن و پاک گشتن

انّ الذين يشترون... ثمناً قليلاً... ولا يذكهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۳،۷

۳ دلبيستگي به دنيا ، موجب محروميت از نيل

به مقام برّ

لن تنالوا البرّ حتى تنفقوا ممّا تحبّون

۷ محرومیت بنی اسرائیل از مقام برّ، پیامد ترک انفاق از اشیای مورد علاقه خود و دل بستگی آنان به دنیا *

لن تنالوا البرّ حتى تنفقوا ممّا تحبّون

با توجه به آیات قبل و بعد می توان گفت: بنی اسرائیل از جمله مخاطبان آیه می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹

۱۶ دنیا طلبی برخی از پیکارگران احد، موجب سستی، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و شکست در آن کارزار

حتّی اذا فشلتم و .. منکم من یرید الدّنیاء

به نظر می رسد جمله <منکم من یرید الدّنیاء>، دلیل <اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم> باشد.

۱۷ دنیا طلبی و دلدادگی به مادیات، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمنان دین

حتّی اذا فشلتم و .. منکم من یرید الدّنیاء

۱۸ دنیا طلبی و دلدادگی به مادیات، از عوامل نزاع و اختلاف در صفوف مبارزان و شکست آنان

و تنازعتم فی الامر .. منکم من یرید الدّنیاء

۱۹ دنیا طلبی و دلدادگی به مادیات، از عوامل سرپیچی از فرمان رهبران الهی

و عصیتم .. منکم من یرید الدّنیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۸، ۱۴

۸ دنیا طلبی و خودگزینی آدمی، موجب محرومیت وی از موهبت آرامش روحی

ثمّ انزل .. یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهتمّهم انفسهم

۱۴ خودگرینی و دنیاطلبی ، منحرف کننده بینش توحیدی آدمی و عقاید دینی اوست .

و طائفه

قد اهتمتهم انفسهم يظنون بالله غير الحق ظن الجاهليه

بنابر اينکه < يظنون بالله .. > نتیجه < قد اهتمتهم > باشد، نه بيان علت آن.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۵،۷

۵ خودخواهی و دنیاپرستی برخی مجاهدان احد ، موجب نفوذ شیطان در آنان و گریزشان از صحنه کارزار

قد اهتمتهم انفسهم .. ان الذين تولوا .. انما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبو

خودمحوری و دنیاطلبی، که معنای جمله < قد اهتمتهم انفسهم > است، می تواند مصداق روشن و مورد نظر از جمله < ببعض ما كسبوا > باشد.

۷ خودمحوری و دنیاپرستی انسان ، زمینه نفوذ شیطان برای فرار از کارزار و ترک جهاد

قد اهتمتهم انفسهم .. ان الذين تولوا .. انما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۷،۱۹

۱۷ فریب در برابر بهره های دنیوی ، موجب محرومیت از سعادت و نجات اخروی

فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحيوه الدنيا الا متاع الغرور

۱۹ حیات دنیا و لذت های آن ، غافل کننده انسان از رسیدن مرگ و نابودی آن لذت ها و خوشیها

كل نفس ذائقة الموت .. و ما الحيوه الدنيا الا متاع الغرور

از تذکر به رسیدن مرگ، علی رغم آگاهی همگان از آن، و سپس فریبده خواندن حیات دنیا، معلوم می شود که مصداق بارز فریبندگی دنیا، غافل نمودن انسانها از مرگ و نابودی لذتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ -

۱۵ دنیاپرستی از موانع انجام تکالیف و عمل به میثاق خداوند

لَتَبَيِّنَنَّهٗ . . . فَنبْذُوهُ ... وَ اشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

ظاهراً جمله <و اشترُوا به . . . >، بیانگر علت رهاسازی کتب آسمانی و وفادار نبودن به پیمان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حَقانیت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود، به خاطر متاع اندک دنیا

انَّ مِنْ اهلِ الْکُتُبِ لَمَنْ . . . لَا یَشْتَرُونَ بِآیَاتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِیْلًا

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

دنیاپرستی آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۱

۱ تکیه بر مال، اولاد و احساس بی نیازی از خدا، شیوه فرعونیان و پیشینیان آنان

لَنْ تَغْنِیَ عَنْهُمْ . . . کَدَّ ابْنِ الْفِرْعَوْنَ وَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ

دنیاپرستی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۳

۱۳ دین فروشی و دنیاپرستی عالمان اهل کتاب

وَ اشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِیْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الدّین یفرحون بما آتوا

مراد از <ما آتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <واشترُوا به ثمنًا>،

با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

دنیاپرستی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶، ۲۱، ۱۰، ۹

۹ مسلمانان در پیکار احد متشکل از دو جناح ، خداجویانِ آخرت طلب و خودگزینانِ دنیاخواه بودند .

یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهتمتم انفسهم

۱۰ پندار های جاهلی مسلمانانِ خودگزین و دنیاطلب احد ، نسبت به خداوند

و طائفه قد اهتمتم .. یظنون بالله غیر الحقّ ظنّ الجاهلیه

۲۱ برخورد منافقانه خودمحوران و دنیاطلبان مسلمان با رسول خدا (ص)

و طائفه قد اهتمتم انفسهم .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حَقّانیت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظنّ الجاهلیه .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

دنیاپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۲، ۱

۱ آراستگی زندگانی دنیا ، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کافران به جای تکیه بر رحمت الهی ، بر مال و اولاد خویش متکی هستند .

رَبَّنَا .. هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ

۲ کافران ، بی نیازی را در مال و اولاد می جویند ؛ در حالی که هرگز آن را نمی

یابند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّٰه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۲

۲ فرعونیان ، نمونه بارز کافرانی که امکانات مادی و انسانی‌شان ، آنها را از عذاب نرهانید و از خدا بی نیازشان نکرد .

انّ الذین کفروا .. کدأب ال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۷

۷ انگیزه کافران در انفاق های خویش ، رسیدن به زندگی پست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

زمینه دنیاپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۳

۳ کفر ، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

سرزنش دنیاپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۴

۴ مذمت آن گروه از مردم که پس از انجام مناسک حج ، تنها خواهان بهره های دنیوی از پروردگار خویشند .

فمن الناس من يقول ربنا اتنا في الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - بقره - ٢ - ٢١٢ - ٥

٥ نکوهش فریفتگی و دل بستگی به زندگی دنیا

زين للذين كفروا الحيوه الدنيا

عوامل دنیا پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٢٦ - ١٣

١٣ حکومت و حاکمیت ،

دل‌بستگی آور است .

و تنزع الملك ممن تشاء

<نزع>، به معنای کنندن است و کنندن، مسبوق به اتصال دو چیز با یکدیگر است که در مورد حکومت، از آن تعبیر به <دل‌بستگی> می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۲

۱۲ بینش غلط و جاهلی نسبت به خداوند، از عوامل خودگزینی و دنیاطلبی

و طائفه قد اهتمتهم انفسهم يظنون بالله غير الحق ظنّ الجاهليّه

موانع دنیاپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۱

۱۱ ایمان، مانع فریفتگی و دل‌بستگی به دنیا و اصالت دادن به آن

زين للذين كفروا الحيوه الدنيا

مفهوم <زین للذین...>، این است که زندگی دنیا نزد مؤمنان، زیبا و دلفریب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۲

۱۲ ایمان به ارزشمندی والای شهادت و مرگ در راه خدا، رهایی بخش آدمی از وابستگی های دنیوی

و لئن قتلتم .. لمغفره من الله و رحمه خير مما يجمعون

دنیاطلبان

{دنیاطلبان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۲

۲ - گروهی از انسان ها با از دست دادن آخرت و نعمت های آن ، در پی دستیابی به مزایای دنیا هستند .

أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۶

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حيوه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۹

۹ کسانی که دین را بازیچه و سرگرمی قرار می دهند، فریب خوردگان دنیا و دل بسته به آنند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً و غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۴

۴ مشرکان صدر اسلام ، مردمانی دنیا طلب بودند .

اشتروا بأیت الله ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۴

۴- پیمان شکنان و نقض کنندگان سوگند و عهد الهی ، مردمی دنیا پرست ، کوتاه نگر و دون همتند .

لاتتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم .. و لاتتثروا بعهد الله ثمناً قليلاً

از تعبیر <ثمناً قليلاً> (بهای کم و ناچیز) کوتاه نظری و دون همتی استفاده می شود زیرا هیچ عاقل و صاحب فکری، کالایش را به بهای کم و ناچیز و کمتر از ارزش واقعی آن نمی فروشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دل‌بستگی به دنیا و بی‌اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه‌های کافران و گناه‌پیشگان است .

و لاتطع منهم ءائماً أو کفوراً .

.. إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحْتَوِنَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۶ - ۱

۱ - عموم مردم ، دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند .

بل توثرون الحیوه الدنیا

<ایشار> به معنای تفضیل و برتری دادن است (مصباح) و خطاب <توثرون>، ناظر به طبیعت دنیاگرایانه ای است که در غالب انسان ها وجود دارد.

آثار تکبر دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لیقولنّ هذا لی .. و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

بنابراین که لام در <هذا لی> و <إِنَّ لی> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشان را موظف به سپاس گذاری در برابر خداوند نمی بینند.

آرزوهای دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۵

۵ - ناکامی دنیاطلبان ، در رسیدن به تمامی آمال دنیوی خویش

من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها

آرزوی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - دستیابی به ثروتی هم چون ثروت قارون ، نهایت آرزوی دنیاطلبان غافل قوم وی بود .

قال الذين يريدون الحيوة الدنيا يلبت لنا مثل ما أوتى قرون

اجابت آرزوهای دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - خداوند ، خواسته

ها و آرزوهای مادی برخی از دنیاطلبان را در دنیا برآورده می کند و به آنان اجازه بهره مندی می دهد .

من کان یرید العاجله عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا

۵- دنیاطلبان ، تنها به بخشی از آرزوهای دنیوی خویش می رسند و نه به همه آنها

من کان یرید العاجله عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ

خداوند، دستیازی دنیاطلبان به آرزوهای خویش را منوط به مشیت خود ساخته است (ما نشاء) و این می رساند که آنان به همه خواسته های خویش نمی رسند و تنها به آن مقدار که خداوند بخواهد، دست می یابند.

ارزشگذاری دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۴ - ۴

۴- کثرت مال و عزت اجتماعی حاصل آمده از آن ، مهم ترین ارزش در نظر دنیاگرایان است .

فَقَالَ لَصْحَبِهِ .. أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا

استهزاهای دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۱

۱ - استهزای آیات الهی ، شیوه کافران مستکبر و دنیامحور

فاستكبرتم .. اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا

از این که به جای <استهزأتم> و یا تعبیر مشابه دیگر، گفته شده <اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا>، می توان به مطلب بالا راه برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا*

الْخَرَّصُونَ . الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرِهِمْ سَاهُونَ . يَسْتَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ

از ارتباط <يستلون..> با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت

و دنیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایند.

اضلال دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۷

۷- ایجاد انحراف در دین ، از شیوه ها و ابزار های دنیاپرستان و صاحبان زر و زور برای نیل به هدف های مادی خود

و أحلّوا قومهم . . . و جعلوا لله أندادًا ... قل تمتّعوا

اعراض از دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۰

۲۰- رهبران الهی ، باید از دنیاطلبی و توجه به دنیاگرایان و غفلت از تهیدستان با ایمان ، پرهیز کنند .

و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

اقرار دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - اعتراف آرزوکنندگان ثروت قارونی به لطف و رحمت خداوند در حق ایشان ، به خاطر گرفتار نساختن آنان به

سرنوشت قارون (فرو بردن آنان در زمین)

لولا أن منّ الله علينا لخسف بنا

امکانات دنیوی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۴

۴ - دنیاطلبان ، برخوردار از بخشی از مطامع دنیایی خویش و نه همه آن

من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها

با توجه به حرف <مِن> که برای تبعیض است برداشت بالا به دست می آید.

انفاق دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ -

۳ - دل‌بستگی شدید دنیامداران به اموال و دارایی، در هنگام انفاق و احسان به دیگران نمایان می‌شود. *

و لم یرد إلا الحیوه الدنیا .. و أعطی قلیلاً

ذکر <قلیلاً> می‌تواند اشاره به آن باشد که کافران دنیامدار در صورت تمایل به احسان، تنها بخش ناچیزی از اموال خویش را انفاق می‌کردند.

بی‌ارزشی عمل‌پسندیده دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۳

۳ اعمال نیک دل‌بستگان به دنیا و زیبایی‌های آن، در آخرت حبط شده و در پیشگاه خداوند ارزشی نخواهد داشت.

أولئک .. و حبط ما صنعوا فیها

ضمیر در <فیها> به <الحیاه الدنیا> برمی‌گردد و ظرف <حبط> به قرینه <فی الآخره> در فراز قبل جهان آخرت است؛ یعنی: و حبط فی الآخره ما صنعوا فی الدنیا. با توجه به معنای صنیع (عمل خیر) به نظر می‌رسد، مراد از <ما صنعوا> اعمال نیک، همانند دستگیری از مستمندان و ... و مقصود از <ما کانوا یعملون> اعمال متعارف، همانند تجارت و ... باشد.

بی‌اعتنایی به دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۶

۶ - لزوم پرهیز رهبران الهی، از دنیاطلبی و توجه به دنیاگرایان

لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا

بی‌لیاقتی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ شرافت پاسداری از دین ، شایسته ملت های مجاهد و انفاقگر و نه بخلورزان دنیاگرا

و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم ثم

با توجه به این که آیات پیشین در زمینه جهاد و انفاق و نیز روی گردانان از جهاد و انفاق بود، این آیه می تواند خطاب به جامعه مسلمین عصر پیامبر(ص) باشد که اگر آنان از جهاد و انفاق روی گردانند، خداوند شرافت پاسداری از دین را از آنان سلب کرده و به امتی خواهد داد که این چنین نباشند.

بینش دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۴ - ۴

۴- کثرت مال و عزت اجتماعی حاصل آمده از آن ، مهم ترین ارزش در نظر دنیاگرایان است .

فقال لصحبه .. أنا أكثر منكم مالاً و أعزّ نفرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- در بینش دنیاگرایان ، ثروت مندی ، نشانه محبوبیت بیشتر انسان نزد خداوند است .

ولئن رُدَدْتُ إلی ربّی لأجدنَّ خیرًا منها منقلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۲

۱۲- توجه دنیاگرایان به خدا ، برای منافع و مطامع مادی آنان است . *

و أُحِيطَ بِشْمَرِهِ .. و هی خاویه علی عروشها و یقول یلبتینی لم أُشْرک برّبّی أحدًا

احتمال دارد که تأسف مرد مغرور سرمایه از دست داده، بر شرک خویش، نه از آن رو باشد که به قبح ذاتی شرک پی برده، بلکه از آن رو باشد که چرا شرک ورزیده تا منافع اش تهدید و سرمایه اش نابود شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۱

، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۴

۴ - خرافات و موهومات ، اوج دید و نگرش مشرکان دنیاگرا

لیستّمون الملئکه تسمیه الأثنی و ما لهم به من علم . . . ذلک مبلغهم من العلم

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به عقاید خرافی مشرکان در مورد دختر انگاشتن ملائکه برای خداوند، داشته باشد.

بینش دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۹،۱۲

۹ - از دید دنیاطلبان ، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه . . . قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنّّه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است؛ یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

۱۲ - قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قرون إنّّه لذو حظّ عظیم

پشیمانی دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۵

۵ - پشیمان شدن دنیاطلبان غافل از سخنان نسنجیده روز پیش خویش با دیدن فرجام شوم قارون

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

برخی از مفسران واژه <وَوَيْ> را کلمه <تندم> گرفته و گفته اند: این واژه در مقام اظهار پشیمانی به کار

می رود.

تذکر به دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۷ - ۲

۲ - لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یأس، شایان یادآوری برای دل‌بستگان دنیا

و قیل من راق

ترس اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۲

۲ - منکران رستاخیز و دنیامداران، هراسناک از دستاورد های خود، در قیامت

تری الظلمین

تعبیر <الظالمین> در آیه شریفه، عنوانی است که بر منکران معاد و دنیامداران مطرح در آیات پیشین اطلاق شده است.

تعجب دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۴

۴ - آرزوکنندگان ثروت قارونی، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند.

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس يقولون ويكأن

واژه <وَيُؤَيُّ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

تکبر دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - دنیامداران ، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنى

تکذیبگری دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندار گرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا *

الخرّصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون أیّان یوم الدّین

از ارتباط <یسئلون..> با آیات پیشین، استفاده

می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و نیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

تنبه دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۴، ۱۲، ۶

۶ - فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است؛ یعنی، <الذين تمنّوا مكاناً مثل مكانه> آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. <..>.

۱۲ - آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن منّ الله علينا لخشف بنا

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

ويكأنّهم لا يفلح الكفرون

<كفر> (مصدر <كافرون>) در این جا مقابل <شكر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <ويكأنّهم لا يفلح الكفرون> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

تهدید دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ تهدید الهی نسبت به دنیاپرستی و دنیاپرستان

من كان يريد ثواب الدنيا .. و كان الله سميعاً بصيراً

تذکر این واقعیت که خداوند

ناظر اعمال دنیاپرستان و شنوای گفتار آنهاست، در حقیقت تهدید آنان به مؤاخذه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۴

۴ روی گردانان از جهاد، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر، فرزند، برادر، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم ... و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبيله فتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۴

۴ - مشاهده جهنم و آتش سوزان آن و پیدایش علم حضوری برای گرفتاران به آن در قیامت، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر، برای دل بستگان به امتیازات دروغین

ألهیکم التکاثر .. ثم لترونها عين اليقين

تهدید دنیاطلبان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۳

۳ - تهدید شدن گنه پیشگان و کافران دنیاگرا در صدر اسلام، به هلاکت و جایگزین شدن مردمی دیگر، از سوی خداوند

وإذا شئنا بدلنا أمثلهم تبديلاً

جهل دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۲

۲ - کسانی که به امتیازات مادی، دل بسته و به آن فخر میورزند، از علم و یقین محروم و از دستیابی به آن ناتوان اند.

كلّآ لو تعلمون علم اليقين

مخاطبانی که در آغاز سوره، با جمله <ألهيكم التكاثر> توبيخ شدند، در این آیه به دلیل حرف

<لو> که برای امتناع است محروم از <علم الیقین> معرفی شده اند. اضافه <علم> به <یقین>، اضافه بیانیه و نشانگر این است که علم مورد نظر، علمی است که از هر گونه شکّی به دور باشد.

حسرت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۸

۸ - اظهار حسرت و دریغ از سوی دنیاطلبان غافل ، به هنگام مشاهده قارون در تجمل ویژه خود

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قرون

حسرت دنیوی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمتم تفکّهون . إنا لمغرمون

حسن فرجام دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ - دنیامداران ، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

ختم قلب دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی

دنیا بر آخرت

استحبوا الحیوه الدنیا .. أولئك الذين طبع الله على قلوبهم

خواستہ های دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دنیا طلبان ، مردمانی دون همت

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

دنیا طلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۵

۵- مشرکان و دنیا گرایان ، از منظر لطف و رحمت الهی ، در قیامت ، ساقط اند .

و عرضوا علی ربک صفاً

در صورتی که نایب فاعل <عرضوا> مشرکان و دنیا گرایان باشند که در آیات قبل ، یاد آنان به میان آمد مجهول آمدن فعل و نیز به کار رفتن <ربک> که خطاب پیامبر(ص) است به جای <ربهم> دال بر تحقیر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکر ... و بززت الجحیم ... و ءاثر الحیوه الدنیا

دنیا طلبان و امکانات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- همه دنیاطلبان ، به منافع و امکانات دنیوی ، دست نمی یابند .

من كان يريد العاجله عجلنا له .. لمن نريد

دنیاطلبان و ثروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- کثرت مال و عزت اجتماعی حاصل آمده از آن ، مهم ترین ارزش در نظر دنیاگرایان است .

فقال لصحبه .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً

دنیاطلبان و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۶ - ۸

۸- عقیده به معاد ، ناسازگار با دنیاپرستی و غیرقابل پذیرش برای دنیاپرستان است .

أنا أكثر منك مالاً .. و ما أظنّ الساعة قائمه

مرد ثروت مند، در پی غرور و افتخار به مال و منال و پندار جاودانه بودن آن، به انکار قیامت پرداخت. به نظر می رسد که ارتباط این دو قسمت، به صورت زمینه و نتیجه باشد، یعنی، آنچه که فرد را به موضع انکار قیامت کشاند، دنیاپرستی و فریفته شدن بدان بود. فعل مجهول <رُددت> (برگردانده شوم) که حاکی از اجبار شدن است نیز گویای نکته یاد شده است.

دنیاطلبان و موقعیت اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۴ - ۴

۴- کثرت مال و عزت اجتماعی حاصل آمده از آن ، مهم ترین ارزش در نظر دنیاگرایان است .

فقال لصحبه .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً

دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱،۲،۴

۱ تاریخ یهود ، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنی و يقولون

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا

چنگ می زدند .

ورثوا الکتب یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند؛ مدعی اعتقاد به آن بودند.

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش (دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع) ، اصرار میورزیدند .

و إن یأتهم عرض مثله یاخذوه

جمله <و إن یأتهم .. > (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

ذلت دنیوی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . إنا لمغرمون

رد خواسته های دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۳

۳- خداوند ، پیامبر (ص) را در شیوه برخورد با دنیاگرایان و رد پیشنهاد های نادرست آنان تعلیم داد .

و لاتطع من .. و قل الحقّ

من ربکم

رضایت دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۷

۷ - پیدایش روحیه تسلیم و رضا (تسلیم در برابر اراده خدا و رضا به داده او) در آرزومندان ثروت قارونی ، با مشاهده هلاکت غافلگیرانه وی

و أصبح الذین .. ویکأنّ الله یسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر

تعبیر <الله یسط الرزق..> نشانگر این حقیقت است که روزی انسان ها در دست خداوند است. بنابراین ما به هر چه او مصلحت بداند (هر چند فقر و تنگدستی) راضی و تسلیم هستیم.

روش برخورد با دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۳

۳- خداوند ، پیامبر (ص) را در شیوه برخورد با دنیاگرایان و رد پیشنهاد های نادرست آنان تعلیم داد .

و لا تطع من .. و قل الحق من ربکم

روش برخورد دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۱

۱ - استهزای آیات الهی ، شیوه کافران مستکبر و دنیامحور

فاستکبرتم .. اتخذتم آیت الله هزواً

از این که به جای <استهزأتم> و یا تعبیر مشابه دیگر، گفته شده <اتخذتم آیات الله هزواً>، می توان به مطلب بالا راه برد.

زمینه عبرت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۵

۵- امکانات دنیوی به جای مانده از مستکبران فرعونی ، درس عبرت برای دنیاخواهان عشرت طلب

کم ترکوا من جنّت . . . و نعمه کانوا فیها فکھین

تعبیر > کم ترکوا.

..< در مقام درس آموزی و تأمل برانگیزی آدمیان در سونوشت فرعونیان است.

زمینه کفران دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

ليقولنّ هذا لي .. و لئن رجعت إلى ربّي إنّ لي عنده للحسنى

بنابراین که لام در <هذا لی> و <إنّ لی> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشان را موظف به سپاس گذاری در برابر خداوند نمی بینند.

زیاده طلبی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۶

۶ - طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول .. و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلّی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

زیان اقتصادی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . إنّنا لمغرمون

زیانکاری اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۱

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه الدنیا .

.. القوم الكافرين ... هم الغفلون . لاجرم أنهم في الآخر

سرزنش اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۹

۹- دنیاطلبان در آخرت ، مورد نکوهش واقع شده و از رحمت خداوند محروم و مطرود خواهند شد .

من كان يريد العاجله .. ثم جعلنا له جهنم يصلها مذمومًا مدحورًا

سرزنش دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۲

۲ - دل باختگان دنیا ، سزاوار سرزنش و نکوهش اند .

قال الذين يريدون الحيوه الدنيا .. وقال الذين أوتوا العلم ويلكم

سرزنش دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱

۱ - موضع گیری تند و عتاب آمیز فرزندان بنی اسرائیل در برابر آرزومندان ثروت قارونی .

قال الذين يريدون الحيوه الدنيا يليت لنا مثل ما أوتى قرون .. وقال الذين أوت

شکست دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۵

۵- منافع اخروی آخرت طلبان ، برخلاف امکان شکست و ناکامی دنیاطلبان در رسیدن به اهدافشان ، قطعی و تضمین شده

است .

و من يريد العاجله .. ما نشاء لمن نريد ... و من أراد الآخره ... كان سعيهم مشكور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۵

۵ - ناکامی دنیاطلبان ، در رسیدن به تمامی آمال دنیوی خویش

من كان يريد حرث الدنيا نؤته منها

صفات دنیاطلبان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۶

۶ - طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول .. و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

ضعف دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱

۱ دنیامداران و خودمحروران ، لیاقت و توانایی نبرد در راه خدا را ندارند .

و انّ منکم لمن لیبطنّ .. فلیقاتل فی سبیل اللّٰه الذّٰین

اینکه خداوند تنها از مسلمانان آخرت طلب خواسته در راه او جهاد کنند، با وجود اینکه جهاد بر تمامی مسلمانان واجب است، اشاره به این است که دنیاطلبان نه لیاقت جهاد در راه خدا را دارند و نه توان آن را. کلمه <فء> در <فلیقاتل>، دلالت روشن بر این معنا دارد.

عبرت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۸

۸- توجه به سرعت زوال زندگی دنیا ، مایه هشدار و عبرت رفاه مندان و دنیاطلبان است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کماء أنزلنه .. تذروه الریح

با توجه به ارتباط آیه با آیات قبل که در زمینه نشان دادن اندیشه های رفاه مندان مغرور و فرجام آنان بود، نکته بالا فهمیده می شود.

عبرت دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۶

فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است؛ یعنی، <الذين تمنّوا مکاناً مثل مکانه> آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. <..>.

عجز دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۵

۵- فرورفتگان در زندگی مادی و سرمستان بازی و بیهودگی ، ناتوان از توصیف بایسته پروردگار

سبحن .. عَمَّا يَصِفُونَ . فذرهم يخوضوا و يلعبوا

با توجه به ارتباط دو آیه، می توان استفاده کرد که اهل بازی و بیهودگی، قادر به توصیف حق نیستند. در این صورت وصف <يخوضوا و يلعبوا> می تواند مشعر به علیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۳

۱۳- انسان های مادی ، ناتوان از درک گستره قدرت خداوند ، در محاسبات خویش

ما ظننتم أن يخرجوا و ظنّوا .. فأتاهم الله من حيث لم يحتسبوا

عذاب اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۸

۸- دنیاطلبان علاوه بر عذاب جسمانی ، در آخرت نیز گرفتار عذاب روحی می شوند .

ثم جعلنا له جهنم يصلها مذمومًا مدحورًا

<یصلاها> (در آتش سوزان جهنم می سوزد) اشاره به عذاب جسمی و <مذموماً مدحوراً> (نکوهش شده و

مطروود) اشاره به رنج روحی دارد.

عذاب دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۹

۹ - کسانی که به انگیزه دستیابی به دنیا ، آخرت خویش را تباه می کنند ، برای رهایی از عذاب ، یآوری نخواهند داشت .

فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينصرون

عذاب روحی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۸

۸- دنیاطلبان علاوه بر عذاب جسمانی ، در آخرت نیز گرفتار عذاب روحی می شوند .

ثم جعلنا له جهنم يصلها مذموماً مدحوراً

<یصلاها> (در آتش سوزان جهنم می سوزد) اشاره به عذاب جسمی و <مذموماً مدحوراً> (نکوهش شده و مطروود) اشاره به رنج روحی دارد.

عقیده دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۳،۷،۱۱

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

ياخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله <یاخذون ... > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

۷ دنیاگرایان یهود بر این باور بودند که خداوند گناهان آنان را ، حتی بدون توبه ، خواهد آمرزید .

و يقولون سيغفر لنا و إن يأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن يأتهم عرض .. > حاکی از این است که گنهکاران یهود در عین آمادگی برای حرامخواری مجدد، خود را مورد عفو و مغفرت خداوند می پنداشتند. یعنی هرگز از

عمل گذشته پشیمان نبودند تا توبه کنند.

۱۱ ادعای آموزش گناه یهودیان بدون توبه ، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و يقولون سيغفر لنا .. ألم يؤخذ عليهم ... أن لا يقولوا على الله إلا الحق

عمل دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۹

۹ نظارت دقیق خداوند بر اعمال و گفتار دنیاپرستان

من كان يريد ثواب الدنيا .. و كان الله سمياً بصيراً

عوامل تنبه دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۶ - ۳

۳ - یادآوری حالات محض در هنگام احتضار ، تأثیرگذار در بیدارگری و غفلت زدایی نسبت به دل بستگان دنیا

بل تحبون العاجله .. كلاً إذا بلغت التراقي

غفلت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۷

۷- کافران دنیاگرا ، غافلان واقعی اند .

استحبوا الحيوه الدنيا .. الكفرين ... و أولئك هم الغفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندار گرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا *

الخرصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون ایتان یوم الدین

از ارتباط <یسئلون..> با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید

۲- فریفتگان زندگی دنیوی، مردمانی غافل و فاقد معرفت درست نسبت به حقیقت آن

اعلموا أنما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

امر <اعلموا> بیانگر آن است که اگر انسان ها، به ماهیت زندگی دنیایی آگاهی درست داشتند، فریب آن نمی خورند و خود را وقف آن نمی کنند.

فرجام اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ - دنیامداران، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنى

فرجام شوم دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۴

۱۴- اخطار و هشدار به سرنوشت شوم کافران دنیاطلب، روشی برای بازداشتن از کفر و دنیاطلبی

ربما یوّد الذین کفروا .. ذرهم یا کلوا و ... فسوف یعلمون

کری دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱- خداوند، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبوا الحیوه الدنیا .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

کوری دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبوا الحیوه الدنیا .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

کیفر دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۳

۳- برگزیدن دنیا در قبال از دست دادن آخرت ، در پی دارنده عذابی تخفیف ناپذیر است .

أولئک .. فلا یخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبوا الحیوه الدنیا .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۵

۲۵- غفلت از یاد خدا ، کیفر الهی برای دنیاگرایان دل بسته به جلوه های مادی است .

ترید زینه الحیوه الدنیا و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

توصیف دنیازدگان به کسانی که قلب شان از یاد خدا غافل است ، گویای ارتباط غفلت قلب با دنیازدگی است و اسناد اغفال

به خداوند (اغفلنا) کیفر بودن آن را می رساند.

کیفیت عبادت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- توجه دنیاگرایان به خدا، برای منافع و مطامع مادی آنان است . *

و أُحِيطَ بِشْمَرِهِ .. و هي خاويه على عروشها و يقول يلبتني لم أشرك بربي أحدًا

احتمال

دارد که تأسّف مرد مغرور سرمایه از دست داده، بر شرک خویش، نه از آن رو باشد که به قبیح ذاتی شرک پی برده، بلکه از آن رو باشد که چرا شرک ورزیده تا منافع اش تهدید و سرمایه اش نابود شد.

گمراهی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۶

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الذین يستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۲

۲۲ - دنیاطلبان ، انسان هایی فریب خورده اند .

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

گناه دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۸

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند

یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

مثل دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۲

۲ دنیامداران ، به دهقانی می مانند که مزرعه خرم و به خوشه نشسته اش وی را مست و بی خود سازد و با خاطری آسوده و

غافل از تمامی حوادث و آفت های در کمین نشسته به خوابی خوش فرو رود .

إنما مثل الحيوة الدنيا .. و ظن أهلها أنهم قدرون عليها أتيها

أمرنا ليلاً أو نهار

محرومیت اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۹

۹- دنیاطلبان در آخرت ، مورد نکوهش واقع شده و از رحمت خداوند محروم و مطرود خواهند شد .

من كان يريد العاجله .. ثم جعلنا له جهنم يصلها مذمومًا مدحورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - دنیامداران ، محروم از هرگونه بهره اخروی

و ما له فی الآخره من نصیب

محرومیت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۷

۷- کافران دنیاپرست ، محروم از هدایت الهی اند .

استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره و أن الله لا یهدی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئك الذين طبع الله على قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- برخی از دنیاطلبان هم از دنیا و هم از آخرت محرومند .

من كان يريد العاجله عجلنا له .. لمن نريد ثم جعلنا له جهنم

مرجع ضمیر <له> در <جعلنا له جهنم>، <من> در <من كان ..> است؛ یعنی، هر کس به دنبال دنیا باشد جایگاهش دوزخ است، چه برخی از آنان با خواست خداوند به آرزوهای دنیوی

خود برسند و چه ناکام شوند. بنابراین عده ای هر چند که به خواسته های دنیوی خویش نرسیده اند، در آخرت دوزخی اند و از دنیا و آخرت محروم خواهند بود.

ممنوعیت اطاعت از دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - پیروی از دنیاگرایان و آخرت گریزان ، ممنوع است .

و لا تطع منهم ... إن هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

منافع دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۶

۶- همه دنیاطلبان ، به منافع و امکانات دنیوی ، دست نمی یابند .

من کان یرید العاجله عجلنا له .. لمن یرید

منشأ امکانات دنیوی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۶

۶- برخورداری دنیاطلبان از بخشی از موهبت های دنیایی ، به اراده و تدبیر خداوند است و نه خارج از قدرت و خواست او .

یرزق من یشاء و هو القوی .. من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها

منفعت طلبی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۲

۱۲- توجه دنیاگرایان به خدا ، برای منافع و مطامع مادی آنان است . *

و أُحِيطَ بِشْمَرِهِ ... وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَلِيتَنِي لِمَ أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

احتمال دارد که تأسف مرد مغرور سرمایه از دست داده، بر شرک خویش، نه از آن رو باشد که به قبح ذاتی شرک پی برده، بلکه از آن رو

باشد که چرا شرک ورزیده تا منافع اش تهدید و سرمایه اش نابود شد.

ناامنی اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۳

۳ - دنیا جویان آسایش طلب ، فاقد امنیت و آسایش در آخرت

يستعجل بها الذين لا يؤمنون .. و من كان يريد حرث الدنيا ... ترى الظلمين مشفقين

نابخردی دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۶

۲۶ دنیاگرایان یهود ، مردمی نابخرد و خام فکر در پیشگاه خداوند

أفلا تعقلون

ناپایداری خوشگذرانی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند ، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و

خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه كان به بصیرًا

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

نعمتهای دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- سنت الهی بر بهره‌وری مستمر همه انسان‌ها (دنیاطلبان و آخرت طلبان) از مزایا و نعمت‌های دنیوی است.

كُلًّا نَمِدُّ هُوَآءَ و هُوَآءَ مَن عَطَاءِ رَبِّكَ

<امداد> (مصدر نمد) به معنای مدد و کمک رساندن است و فعل مضارع <نمد> دلالت بر استمرار دارد.

نقش دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۹

۹ - کافران و

دنیاطلبان ، از حزب شیطان اند .

فَلَا تَغْرِبْكُمْ الْحَيَوهَ الدنیا . .. إِنَّ الشیطنَ لَکُم عَدُوٌّ ... إِنَّمَا یَدْعُوا حزبه

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه پیش، از فریفته شدن به دنیا برحذر داشته و آیه مورد بحث فریفته شدگان به دنیا را حزب شیطان خوانده است.

هدایت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۷

۷- تمایل طبیعی پیامبر (ص) به هدایت تمامی انسان ها ، حتی دنیاپرستان روی گردان از یاد خدا

فَأَعْرَضَ عَن مَن تَوَلَّىٰ عَن ذَکْرِنَا وَ لَمْ یَرِدْ إِلَّا الْحَیَوهَ الدنیا

امر در <فأعرض> نشانگر آن است که چنان تمایل طبیعی (هدایت تمامی انسان ها) در پیامبر(ص) وجود داشته است.

هشدار به دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۷

۷- امکان زوال نعمت های مادی ، هشدار به دنیاگرایان مغرور است .

یَرسَلْ عَلَیْهَا حَسْبَانَا مَن السَّمَآءِ فَتَصْبِحُ صَعِیدًا زَلَقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۶

۶- حشر بدون استثنای همه انسان ها ، هشدار برای مشرکان و دنیاگرایان است .

و حشرنهم فلم نغادر منهم أحدًا

با توجه به این که آیات قبل در مورد دنیاگرایان مشرک صفت بود، تصریح به استثنای پذیرای حشر، تعریفی است به آنان که به دنیا دل خوش کردند و به آخرت بها ندادند.

هواپرستی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ - ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت ، پیروان هوای نفس خویش اند .

و اثر

الحيوه الدنيا .. و أمّا من ... نهى النفس عن الهوى

دنیاطلبی

آثار اجتناب از دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۳

۳ - چشم پوشی از گناه و لذت های آلوده دنیا ، در پی دارنده نعمت های سرشار اخروی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . ءِآخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ

<تقوا> یعنی، خودداری از مشتهیاتی که مورد منع دین قرار گرفته است. تقوای پیشگان در برابر داشتن این خصلت، از هدایای پروردگارشان بهره مند خواهند بود.

آثار دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - رسیدن به منافع دنیوی ، از عوامل گرایش به کفر و انکار قرآن

و لا تشتروا بآيتي ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۳، ۶

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی (مال ، ریاست ، جاهت و ...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلاً

۱۳ - جلب منافع مادی و دنیوی ، انگیزه بدعتگذاران و دین سازان

لیشتروا به ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱۱، ۱۰، ۵

۵ - دستیابی به مزایای دنیا، انگیزه آنان که پیمان های الهی را نادیده گرفته و آنها را نقض می کنند .

أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالآخره

۱۰ - دنیاطلبی، از انگیزه های تبعیض در دین (عمل کردن به برخی از دستورات دین و رها کردن برخی دیگر از آن)

است .

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا

۱۱ - دنیاطلبی ، از ریشه های بروز جنگ ها و درگیری های خونین میان گروه های معتقد به آیین الهی است .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۵

۵ - یهودیان عصر بعثت ، به دلیل وابستگی به دنیا و فسق پیشگی زمینه های ایمان و تقوا را از دست داده بودند .

لبس ما شروا به أنفسهم .. و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

به کارگیری <لو> امتناعیه در جمله <لو أنهم .. > می نمایاند که: ایمان آوردن یهود و پرهیز از گناهانی همانند سحر، امری مشکل یا ممتنع بوده است. آیات پیشین - که سخن از دل بستگی شدید یهود به دنیا و فاسق بودن آنان داشت - می تواند بیانگر علت به وجود آمدن این روحیه در ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۶

۶ - دستیابی به متاع دنیا از عوامل دین فروشی و کتمان حقایق دینی است .

و یثرون به ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذين يكتُمون .. و یثرون ... ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به <کتمان> -

که از جمله <یکتمون...> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلک [الکتمان] بأن الله نزل الكتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قليلاً در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۸ - ۵

۵ وابستگی به دنیا و بی اعتنایی به مواظظ الهی و پیروی نکردن از احکام پیامبر (ص)، مانعی برای نیل به صراط مستقیم

فلا وربك... و لو انا كتبنا... و لو انهم فعلوا... و لهدیناهم صراطا مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۴

۴ دنیامداری، عاملی برای تخلف از جهاد و دوگانگی در برخورد، به هنگام شکست و پیروزی

قد انعم الله علیّ اذ لم اکن معهم شهیدا... یا لیتنی کنت معهم معهم فافوز

جمله <یا لیتنی...> و <قد انعم الله...>، بیانگر این معناست که به چنگ آوردن متاع دنیا و یا از دست دادن آن، تعیین کننده خط مشی سست عنصران متخلف از جهاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۵

۱۵ ناسازگاری دنیاطلبی

با حرکت در راه خدا

إذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا .. تبغون عرض الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۴،۷

۴ نیل به متاع دنیا ، انگیزه عالمان یهود در تحریف حقایق تورات و احکام آن

يحرّفون الكلم من بعد مواضعه .. اكلون للسحت

۷ حرص و آزمندی به دنیا ، مایه تحریف احکام و حقایق دین

يحرّفون الكلم من بعد مواضعه .. اكلون للسحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ ترک نهی از منکر در برابر ستمگران ، از سوی علمای اهل کتاب ، به انگیزه حفظ منافع شخصی تأمین شده از ناحیه آن ستمگران و یا ترس از تهدیداتشان

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار

از امام حسین (ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و انما عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمه الذين بين اظهرهم المنكر و الفساد فلا ينهاونهم عن ذلك رغبه فيما كانوا ينالون منهم و رهبه مما يحذرون ...

تحف العقول، ص ۱۳۷ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹، ح ۳۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۲۰

۲۰ غضب خدا و عذاب همیشگی ، پیامد دوستی بسیاری از بنی اسرائیل با پادشاهان ستمگر و زیبا جلوه دادن هوا های نفسانی آنان ، به امید دستیابی به بهره های دنیایی آنان

ترى كثيراً منهم يتولون الذين كفروا .. وفي العذاب هم خلدون

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: يتولون الملوک

الجبارين و يزيتون لهم اهوائهم ليصيبوا من دنياهم.

تفسير تبيان، ج ۳، ص ۶۱۱؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۷

۷ اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو و للدار الآخرة خير للذين يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۸،۹

۸ فریفتگی و دلبستگی به دنیا موجب یاوه گویی، بازیچه شمردن دین و بیهوده گویی درباره آن است.

و ذر الذين اتخذوا دينهم ... و غرتهم الحيوه الدنيا

عطف جمله <غرتهم> از نوع عطف سبب بر مسبب است. یعنی سبب اینکه برخی دین را بازیچه گرفته اند، فریفتگی به زندگی دنیا است.

۹ کسانی که دین را بازیچه و سرگرمی قرار می دهند، فریب خوردگان دنیا و دلبسته به آنند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا و غرتهم الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۹

۹ فریفته شدن به زندگانی دنیا و سرگرم شدن به آن، عامل فراموشی روز قیامت و آتش دوزخ است.

و غرتهم الحيوه الدنيا فالیوم ننسیهم كما نسوا لقاء يومهم هذا

<كما نسوا...> می رساند که از علل بی اعتنایی خداوند به دوزخیان این است که آنان روز قیامت را فراموش کردند و

چون جمله <الیوم ننسیهم...> به وسیله فاء بر <غرتهم الحيوه الدنيا> تفریع شده، معلوم می شود که از ریشه

های فراموشی قیامت، فریفته شدن به زندگانی دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۸

۲۸ وابستگی به مال و منال گذرای دنیا به قیمت از دست دادن سرای جاودانه آخرت، به دور از خرد و اندیشه صحیح است.

يأخذون عرض هذا الأذنى .. و الدار الآخرة خير للذين يتقون أفلا تعقلون

از امام صادق(ع) روایت شده است که خداوند، بندگان خود را به دو آیه از کتاب خود، توجه مخصوص داده (تا دو مطلب را فراگیرند)، یکی اینکه چیزی را نگویند مگر اینکه به آن علم داشته باشند .. سپس آیه <ألم يؤخذ عليهم ... > را تلاوت فرمود ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۴، ۱۲، ۵، ۳

۳ بلعم باعورا به خاطر دنیاگرایی و هواپرستی از نایل شدن به منزلت های والا و قرب الهی محروم شد.

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه

۵ دنیاگرایی و پیروی از هوا های نفسانی مانع کارسازی دانش های الهی است.

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه

۱۲ دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا موجب فاصله گرفتن او از آیات الهی و تکذیب آنها شد.

فانسلخ منها .. و لکنه أخلد إلى الأرض

جمله <و لکنه أخلد .. > می تواند بیانگر علت <فانسلخ منها > باشد. یعنی دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا باعث شد که از آیات الهی فاصله گیرد.

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد

که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورد و له له زند .

فمثلة كمثل الكلب إن تحمل عليه يلهث أو تتركه يلهث

<تحمل> از <حَمَلَه> گرفته شده و <حَمَلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۹

۹ دنیادوستی و هواپرستی ، زمینه ساز گمراهی و زیانکاری است .

و لکنه أخلد إلى الأرض . . . و من یضلل فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۹

۹ اختلاف و نزاع در جامعه ایمانی بر سر دنیا و غنایم آن ، به دور از شأن مؤمنان واقعی

یسئلونک عن الأنفال . . . إنما المؤمنون ... و جلت قلوبهم ... و علی ربهم

بیان ویژگیهای یاد شده پس از اشاره به اختلاف و نزاع مسلمانان بر سر غنایم جنگی، اشاره به این دارد که رسیدن به مقام بلند ایمان، آدمی را از شیفتگی به مال دنیا و متأثر شدن از آن و در نتیجه نزاع کردن بر سر آن، باز خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۵، ۲

۲ دنیاطلبی ، زمینه ساز مبارزه با دین الهی و بازداشتن مردم از راه خداست .

اشتروا بأیت الله ثمناً قليلاً فصدوا عن سبيله

۵ دنیاطلبی مشرکان صدر اسلام ، عامل مبارزه آنان با اسلام و قرآن

اشتروا بأیت الله ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۴،۵

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم .. و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبيله فتر

۵ ترجیح محبت خویشاوندان و امکانات مادی بر محبت خدا و پیامبر (ص) و جهاد ، فسق و انحراف است .

قل إن كان ءاباؤکم .. أحب إليکم ... و الله لایهدی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۶

۶ دلخوشی به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی ، عامل سستی و روی گردانی از جهاد در راه خدا

ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله انناقلتم إلى الأرض أرضیتم بالحویه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۷

۷ عداوت برخی از مردمان نسبت به پیامبر (ص) و اسلام ، ریشه در امور مادی و مالی داشت .

یتخذ ما ینفق مغرماً و یتربص بکم الدوائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۲

۲ انکار لقای خدا ، دلبستگی به دنیا و غفلت از آیات الهی ، زمینه ساز اعمال نارواست .

إن الذین لایرجون لقاءنا .. أولئک مأویهم النار بما كانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۶

۶ دنیاطلبی، زمینه ساز گرفتار شدن آدمی به روحیه خودکامگی و بیدادگری

إذا هم یبغون فی الأرض بغير الحق . . . متع الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۸،۹

۸ مشرکان عصر بعثت به خاطر دنیا طلبی و تجمل گرایی، قرآن را نپذیرفته و آن را ساخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

أم یقولون افتریه . . . من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها

بیان پیامدهای دنیاخواهی و تجمل گرایی، پس از دعوت به توحید و اقامه برهانی روشن برای آن، اشاره به ریشه های اصرار مشرکان به کفرورزی دارد؛ یعنی، اینکه مشرکان با وجود دلیلی روشن بر حقانیت قرآن، حقایق مطرح شده در آن را نمی پذیرند به دلیل دنیاخواهی آنان است.

۹ دنیاطلبیو تجمل گرایی، از موانع پذیرش توحید و ایمان به پیامبر (ص) و قرآن است .

فاعلموا أنما أنزل بعلم الله و أن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون. من کان یرید ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱،۳

۱ کافران دنیاطلب و دل بسته به جلوه های آن، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها . . . أولئک الذین لیس لهم فی الآخره إلا ال

۳ اعمال نیک دل بستگان به دنیا و زیبایی های آن، در آخرت حبط شده و در پیشگاه خداوند ارزشی نخواهد داشت .

أولئک . . . و حبط ما صنعوا

ضمیر در < فیها > به < الحیاه الدنیا > برمی گردد و ظرف < حبط > به قرینه < فی الآخره > در فراز قبل جهان آخرت است؛ یعنی: و حبط فی الآخره ما صنعوا فی الدنیا. با توجه به معنای صنیعہ (عمل خیر) به نظر می رسد، مراد از < ما صنعوا > اعمال نیک، همانند دستگیری از مستمندان و ... و مقصود از < ما کانوا یعملون > اعمال متعارف، همانند تجارت و ... باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۶

۱۶ > عن علی بن الحسین (ع) [فی حدیث طویل]: ... و لا تتركوا إلى الدنيا فإن الله عزوجل قال لمحمد صلی الله علیه و آله و سلم: < و لا تتركوا إلى الذین ظلموا فتمسکم النار > و لا تتركوا إلى زهره الدنيا و ما فیها رکون من اتخذها دار قرار و منزل استیطان ... ;

از امام سجاده (ع) [ضمن حدیث طولانی] روایت شده است: .. به دنیا تمایل و اطمینان نکنید؛ زیرا خداوند عزوجل به حضرت محمد (ص) فرمود: < و لا تتركوا ... > و به زیبایی دنیا و آنچه در دنیاست تمایل و اطمینان نکنید، بدان تمایل و اطمینان کسی که آن را خانه همیشگی و جای ماندن خود قرار داده است... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۳، ۱۶

۱۳ گرایش شدید امت های پیشین به لذت های مادی و تمتعات دنیوی ، آنان را به فساد و تباهی کشانید .

واتبع الذین ظلموا ما أترفوا فيه

< ترفه > به معنای نعمت است و < مُتَرْفٍ > به کسی گفته

می شود که نعمت فراوان آن را سرمست و سرکش کرده باشد. مراد از <ما> مالومنال و لذتهای مادی است. بنابراین <ما اُترفوا فيه>؛ یعنی، مال و منال و لذایذی که در آن سرمست و سرکش شده بودند.

۱۶ رفاه و دل بستگی به لذت های دنیا، زمینه ساز ستمگری و گرایش به جرم و گناه است.

و اتبع الذين ظلموا ما اُترفوا فيه و كانوا مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۷

۷ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن، مایه کفرورزی است.

و فرحوا بالحيوه الدنيا و ما الحيوه الدنيا في الآخرة إلا متع

چون مراد از ضمیر در <فرحوا> کفرپیشگان و مخالفان پیامبر(ص) است، جمله <فرحوا بالحيوه الدنيا و ..> در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است؛ یعنی، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا، آنان را به کفرورزی کشانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۹،۱۰

۹- دل بستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است.

الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدون عن سبيل الله

تقديم <يستحبون الحياه الدنيا> بر جمله <و يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً> احتمالاً بیانگر معنای یاد شده باشد.

۱۰- ترجیح دادن همواره دنیا بر آخرت، سد مدام راه خدا و کج جلوه دادن تعالیم الهی، از نشانه های کفرپیشگی است.

ويل للكافرين ... الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدون عن سبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۶

۶- غوطه‌وری در تمتعات و لذت های مادی ، مانع تسلیم شدن در برابر حقایق دینی

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یا کلوا و یتمتّعوا

فراز <ذرهم یا کلوا و یتمتّعوا و...> که درصدد بیان حالات کفار است می تواند به منزله تعلیل و جوابی باشد برای اینکه: چرا آنان اسلام نمی آورند و سرانجام نادم و پشیمان می شوند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۶

۶- کوتاه نگری ، دون همتی و دنیاطلبی ، ریشه گرایش انسان به شکستن پیمان های الهی و ترجیح دادن دنیا بر آخرت است .

و لاتشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۱،۴

۱- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، ریشه اصلی ارتداد و گرایش به کفر است .

من کفر بالله من بعد إيمنه .. ذلك بأنهم استحبوا الحيوة الدنيا على الآخرة

جمله <ذلك بأنهم...> در مقام تعلیل برای آیه قبل است و نیز <ذلك> اشاره دارد به ارتداد و کفر پس از ایمان.

۴- گرفتاری به خشم الهی و عذاب اخروی ، معلول دل بستگی انسان به دنیا و نادیده گرفتن آخرت است .

فعلیهم غضب .. ذلك بأنهم استحبوا الحيوة الدنيا على الآخرة

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به <غضب من الله...> باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- عملکرد خود آدمیان (کفر و دنیاگرایی) ، عامل محرومیت آنان از درک حقایق معنوی است .

من كفر بالله .. بأنهم استحبوا الحيوه الدنيا ... أولئك الذين طبع الله على قـل

الذين طبع الله .. < در مقام بیان مجازات کسانی است که با اختیار خود به کفر گرویدند و دنیا را بر آخرت ترجیح دادند که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده است. بنابراین همین گزینش و انتخاب که عملی است اختیاری موجب مجازات < طبع قلب > می شود.

۸- دنیاگرایی ، عامل غفلت انسان از حقایق بایسته و دانستنی

ذلك بأنهم استحبوا الحيوه الدنيا على الآخره .. و أولئك هم الغفلون

در آیه شریفه، مفعول و متعلق < غافلون > ذکر نشده است، یعنی، بیان نشده که کافران دنیاگرا نسبت به چه چیز غفلت دارند. بنابراین عدم ذکر، دلیل این است که دنیاگرایی، عامل غفلت انسان از هر نوع حقایق دانستنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۵۲

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱

۱- دنیاطلبی ، عامل گرفتاری انسان به آتش دوزخ است .

من كان يريد العاجله .. جعلنا له جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷ - ۱۲

۱۲- فریفتگی به جلوه های مادی دنیا ، مانع اصلی نیک کرداری است .

ما على الأرض زينه لها لنبلوهم أيهم أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- كهف - ۱۸ - ۳۶ - ۳

۳- غفلت

از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالاً .. قال ما أظن أن تبید هذه أبداً . و ما أظن الساعة قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۷ - ۳، ۲

۲- انكار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا ، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظن الساعة قائمه .. قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت بالذی خلقك

۳- دل بستگی شدید به دنیا و غفلت از نقش خداوند در آفرینش و اعطای نعمت ها ، نشانه کفر است .

و كان له ثمر فقال .. أنا أكثر منك مالاً .. ما أظن أن تبید هذه ... قال له صاح

در پی گفته های مرد ثروت مند و فخرفروشی های او و انکار فناپذیری نعمت ها، مرد مؤمن، با سؤال <أكفرت> با وی به گفتوگو پرداخت و این نشان دهنده کفرورزی مرد ثروت مند در اندیشه ها و گفته هایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۹

۹- اتکای به دیگران ، دنیاپرستی ، و بنا نهادن بینش و منش براساس آن ، شرک است .

أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً .. لكننا هو الله ربّي و لا أشرك برّبّي أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۲ - ۹

۹- سرمستی های مادی ، از موانع مهم پی بردن انسان به کج روی های عملی و عقیدتی خویش است .

و أُحيط بثمره .

.. يقول يلىتنى لم أشرك برى أحداً

ثروت مند مغرور مورد بحث در آیه، تنها، پس از آن که اندوخته و اموال اش نابود شد، به کج روی خود پی برد و بر آن اظهار ندامت کرد، ولی تا قبل از آن، به آنچه داشت، سرمست و مغرور بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۶

۶- شرك و دنياپرستى و مغرور شدن به مال و فرزند ، گناه و مایه دلهره و وحشت در آخرت است .

فترى المجرمین مشفقین ممّا فیه

آیات گذشته، در باره دنياپرستى و شرك بود، لذا مصداق مورد نظر از <مجرمین> همان مشركان سرمست به مواهب دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۸

۸- فریفته شدن به دنیا و امکانات فناپذیر آن و اصیل پنداشتن آنها ، از زمینه های سقوط تمدن ها و نابودی دنیاگرایان است .

أى الفریقین خیر مقامًا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۸

۸- کفرورزی به آیات الهی ، فریفتگی به جاه و مقام و دل بستن به هم فکran در برابر مؤمنان ، از نمود های کامل گمراهی

قل من کان فى الضلله

جمله <من کان فى الضلاله ..> پاسخی است به گفته کافران که هنگام شنیدن آیات خدا، به مؤمنان می گفتند: <أى الفریقین خیر...>. در این آیه کافران به آیات الهی، اهل ضلالت معرفی شده اند و در آیه بعد مؤمنان به آیات الهی، اهل هدایت قلمداد

شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۸

۸ - خیره شدن و دل بستگی به دنیا و زندگی مرفه دیگران ، مانع از دسترسی به مقام رضا است .

لعلک ترضی . و لاتمدنّ عینیک إلی ما متّعنا

ممکن است این آیه در ارتباط با آخرین جمله آیه قبل باشد. مقتضای این ارتباط آن است که علاوه بر تسبیح و تنزیه پروردگار در شبانه روز که موجب کسب رضایت خاطر است چشم ندوختن به مال و منال دنیای دیگران نیز، دارای نقش مؤثر در وصول انسان به مقام رضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . . . و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیة قلوبهم> در صدر آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۳ - ۵

۵- خوش گذرانی و فرورفتن در ناز و نعمت و رفاه ، از زمینه های عذاب و هلاکت دنیوی

و کم قصمنا من قریه ... وارجعوا إلی ما أترفتم فیہ

برداشت یاد شده از آمدن <فیه> که برای ظرفیت است استفاده می شود؛ بدین صورت که نعمت و رفاه، ظرف و انسان برخوردار، مطروف قرار گرفته است. این مطلب حاکی از فرورفتن مترفان ستمگر در ناز و نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۹

۹ - پابیندی به دین به خاطر سود مادی و رها کردن آن (ارتداد) به وقت دشواری ها و محرومیت ها ، مایه خسران و تباهی دنیا و آخرت

و إن أصابته فتنة انقلب علی وجهه خسر الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۷

۲۷ - دل بستگی به مادیات و دنیامداری ، زمینه رواج فحشا و فساد جنسی در یک جامعه است .

و لاتکرها فتیتکم علی البغاء ... لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۳

۳ - کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند ، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی شدید بسر می برند .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله ... و الذین کفروا أعملهم ... کظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانی

است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتارانند و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ - غفلت از مرگ و پندار جاودانگی در دنیا ، عامل روی آوری عادیان به کاخ سازی ، تجمل گرایی و بیهودگی

أَتَبْنُونُ .. . تَعْبَثُونَ . وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ

تعبیر <لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ> بیانگر این معنا است که: کار شما طوری است که گویا از مرگ و ناپایداری زندگی دنیوی، غافل شده اید و می پندارید که همیشه در این دنیا خواهید ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۲

۲ - مصروف داشتن همه تلاش های علمی و فکری در امور دنیایی در پی دارنده خطر محروم شدن از درک حقایق اخروی

بل ادرك علمهم فی الآخره

کافران بدان علت از فهم و درک امور اخروی ناتوان شدند که تمام توان علمی خود را خرج دنیایشان کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۷

۷ - دل بستگی به زندگی دنیایی و مرز و بوم خویش ، زمینه ساز گریز از حق و هدایت

و قالوا إن نَّبِعَ الهدى معك نتخطف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۱

- انسان ، در معرض از دست دادن سعادت اخروی خویش به خاطر وابستگی به دنیا و متاع آن

و قالوا إن نَّبِع الهدی معك نتخطف من أرضنا .. و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه

آیه بالا در ادامه آیات پیشین و بیانگر پاسخی دیگر به مشرکان است؛ یعنی، همانانی که به خاطر دلبستگی زیاد به جان و مال و مرز و بوم خویش، به پیامبر(ص) می گفتند: اگر با تو همراه شویم و از هدایت الهی پیروی کنیم، مشرکان عرب ما را از سرزمین مان (مکه) خواهند ربود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ - دل باختگی به زخارف دنیا ، نشانه ضعف بینش نسبت به حقیقت آن و جهان آخرت

و قال الذین أوتوا العلم ویلکم ثواب اللّٰه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی به دنیا ، از جمله عوامل فرار از جهاد است .

إن فررتم من الموت .. و إذا لاتمتعون إلاّ قلیلاً

کاربرد <لاتمتعون> به جای این که بگویید: <چندان زنده نخواهید ماند.> ، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که منافقان، در پی دستیازیدن به متاع دنیوی، از مرگ فرار می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۵

۵ - تکذیب پیامبران و انکار وعده های الهی ، ناشی از دنیاطلبی و فریفتگی به زرق و برق آن است .

و إن یکذبوک .. إن وعد اللّٰه حقّ

از تفریح <فلاتغرثکم الحیاه الدنیا> بر جملات پیشین، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۹

۹ - دنیاطلبی و انکار معاد ، عامل بازدارنده از انفاق و زکات

لا یؤتون الزکوه و هم بالآخره هم کفرون

چنانچه جمله <هم بالآخره..> حالیه باشد می توان از ارتباط <هم بالآخره هم کفرون> با جمله قبل، مطلب بالا را برداشت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - فریفتگی انسان به دنیا و اعمال ناشایست ، موجب گرفتار شدن به عذاب الهی

فزینوا لهم ما بین أیدیهم و ما خلفهم و حقّ علیهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - هدف قرار دادن دنیا ، باعث محرومیت کامل از موهبت های جهان آخرت

من کان یرید حرث الآخره .. یرید حرث الدنیا ... و ما له فی الآخره من نصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۵

۵ - دل بستگی به زندگی دنیایی ، منشأ اصلی مجادله در آیات الهی و انکار آن است .

و یعلم الذین یجدلون .. فما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا

با توجه به فای تفریح در <فما أوتیتم>، می توان استفاده کرد که مجادله در آیات الهی و انکار آن، از دنیامحوری برخاسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر

دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا .. فإن الإنسن كفور

جمله <وإننا إذا .. كفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۵

۵ - گرایش به مادی گرایی و دنیاطلبی ، قدرت اندیشه (خرد) را تضعیف و آدمی را به سوی تقلید کورکورانه سوق می دهد .

و كذلك .. إلا قال مترفوها إننا وجدنا آباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۷

۷ - دنیاگرایی و مال پرستی ، عامل اساسی در مخالفت با حق

لما جاءهم الحقّ .. لولا نزل هذا القرآن على رجل

با توجه به توضیح برداشت قبل و الغای خصوصیت از مورد (مشركان مكه)، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۴

۴ - دل بستگی به تجملات زندگی دنیایی ، عامل روی گردانی از یاد خدا است .

و إن كل ذلك لَمَا مَتَعَ الْحَيَوَه الدنیا .. و من یعش عن ذکر الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۲،۳،۴،۵

۲ - عذاب اخروی کافران ، معلول استهزای ایشان نسبت به آیات الهی و فریفتگی آنان به زندگانی دنیا

ذَٰلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

۳- دل بستگی به حیات دنیا و به سخره گرفتن آیات الهی ، دارای

ارتباط و پیوستگی عمیق با یکدیگر

اتَّخَذْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ هُزُؤًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا

از ذکر <و غرّتکم...> در پی <اتّخذتم آیات...> و تکیه بر آن دو به عنوان دو عامل اصلی دوزخی شدن کافران مستکبر، مطلب بالا استفاده می شود.

۴- فریفتگی و دل‌بستگی به زندگی دنیایی، زمینه ساز روی آوری انسان به گناه *

أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا... وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ... وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا

در نخستین آیه از آیات مربوط به سرنوشت کافران، بر دو مسأله تأکید شده بود: ۱ روحیه استکباری، ۲ گناه پیشگی. اینک در آخرین آیات مربوط به آنان نیز به دو مسأله دیگر اشاره شده است: ۱ استهزای آیات الهی، ۲ فریفتگی آنان به زندگی دنیا. این دو در ارتباطی تنگاتنگ با دو نکته آغازین است و از آن جا که <کنتم قوماً مجرمین> به جنبه عملی زندگی آنان اشاره دارد، <غرّتکم...> می تواند به جنبه روحی و زمینه سازی آن برای گناه کاری ایشان نظر داشته باشد.

۵- محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتَّخَذْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ هُزُؤًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا لِأَيُّرْجُونَ مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۵، ۲

۲- دنیامداری و پندارگرایی، مانع اصلی نفوذ تبلیغ پیامبر (ص) در مشرکان

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ... فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى

از فای تفریع در <فأعرض>، استفاده می شود که بی اعتقادی مشرکان به آخرت و نیز اتکای آنان بر حدس و گمان، موجب شده بود که

آنان قابلیت خود را برای تأثیرپذیری از رهنمودهای پیامبر(ص)، از دست بدهند.

۵ - محرومیت انسان از هدایت و معارف وحی ، نتیجه روی گردانی از یاد خدا و دنیازدگی

فأعرض عن من تولّى عن ذكرنا و لم يرد إلّا الحيوه الدنيا

ذکر <عن من تولّى..> به جای <عنهم>، نشانگر آن است که اوصاف یاد شده، عامل محرمیت مشرکان از قبول دعوت و تبلیغ پیامبر(ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۹

۹ - خداگریزی و دنیامحوری ، بارزترین نمود انحراف و گمراهی

تولّى عن ذكرنا و لم يرد إلّا الحيوه الدنيا .. هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۵

۵ - خداگریزی و دنیامداری ، سرچشمه اصلی بدکرداری در انسان

تولّى عن ذكرنا و لم يرد إلّا الحيوه الدنيا .. لیجزی الذین أسوا بما عملوا

از ارتباط آیات شریفه، استفاده می شود که منشأ عملکرد ناشایست، گرایش های خداگريزانه و دنیامحورانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - اشتغال به دنیا (بازی ، لهو و سرگرمی و ...) ، ره آوردی جز پوچی و بی حاصلی ندارد .

اعلموا أنّما الحيوه الدنيا لعب .. کمثل غیث ... ثمّ یكون حطماً

ویژگی های پنجگانه ای که در آیه شریفه برای دنیا بیان شده، تماماً مصداق کاری است که هیچ ثمره ای بر آن مترتب نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - علاقه و دلبستگی به دنیا، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أتیان یوم القیمه ... کلاً بل تحبون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أتیان یوم القیامه) باشد.

۳ - دلبستگی به دنیا و نقدطلبی، منشأ تمایل انسان به فسق و فجور

بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . . . کلاً بل تحبون العاجله

مطلب یاد شده، از ارتباط میان این آیه و آیه ۵ استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۱ - ۳، ۲، ۱

۱ - دلبستگی به دنیا، زمینه رها کردن و به فراموشی سپردن آخرت است .

کلاً بل تحبون العاجله . و تذرون الآخره

۲ - دلبستگی به دنیا و رها کردن آخرت، از نشانه های کافران است .

بل تحبون العاجله . و تذرون الآخره

۳ - قابل جمع نبودن دلبستگی به دنیا و آخرت طلبی

بل تحبون العاجله . و تذرون الآخره

در آیه شریفه علاقه به دنیا و رها کردن آخرت با هم ذکر شده است. از این نکته استفاده می شود که میان این دو تلازم وجود دارد؛ یعنی، ممکن نیست کسی به دنیا دلبسته باشد؛ ولی به آخرت نیز علاقه مند باشد و آن را رها نسازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۲

۲ - دل بستن به دنیا و غفلت

از آخرت ، موجب اندوه شدید و گرفتگی چهره ها در قیامت

كَلَّا بَلْ تَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ . وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ ... وَ وَجْهَ يَوْمئِذٍ بَاسِرَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۴

۴ - محبت و دلبستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

وَ لَا تَطْعَمُهُمْ مِنْهُمْ أَثْمًا أَوْ كَفُورًا .. إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۳

۳ - ترجیح دنیا بر آخرت ، مایه گرفتاری به آتش دوزخ

وَ ءَاثِرَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا . فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوٰى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۶ - ۲

۲ - مردم با گزینش دنیا به جای آخرت ، خود را از ترکیه ، یاد خدا و ادای نماز دور نگه داشته ، از رستگاری محروم می سازند .

قَدْ أَفْلَحَ .. بَلْ تَوَثَّرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۷ - ۳

۳ - دنیاگرایی مانع آخرت طلبی است .

بَلْ تَوَثَّرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا . وَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۸

۸ - دنیاطلبی و ثروت خواهی ، زمینه سازی ارزش انگاشتن یتیمان و دست اندازی به ارث آنان

بل لاتکرمون الیتیم .. و تأکلون التراث ... و تحبون المال حبًا جمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۳

۳ - کسانی که

یتیمان را گرامی نداشته و بر تغذیه مساکین توصیه نمی کنند و به ناحق ارث دیگران را تصرف کرده و به مال دنیا دل بسته اند ، در قیامت به سخت ترین شکل به بند کشیده خواهند شد .

لاتکرمون .. لاتحضون ... تأکلون ... تحبون ... و لایوثق وثاقه أحد

ممکن است ضمیر <وثاقه> به <الإنسان> برگردد. در این صورت <وثاق> به مفعول خود اضافه شده است.

آثار دنیاطلبی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۳

۳ - دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم ایکه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام شعیب (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرين

بیان تقلب مردم <ایکه> در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعیب(ع) می تواند نشانگر این باشد که آنچه سبب شد تا مردم ایکه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

آثار دنیاطلبی باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۶ - ۱

۱- غرور و دنیاپرستی مرد رفاه مند ، به تردید و تشکیك در برپایی قیامت و وقوع رستاخیز منتهی شد .

و ما أظن الساعة قائمه

آثار دنیاطلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۷

۷ - دنیاطلبی فرعونیان و تصویر نادرست آنها از زندگی دنیایی و اخروی ، سبب انحراف و خود کامگی آنان شد

يقوم . . . و إِنَّ الأخره هي دار القرار

با توجه به یادآوری حقیقت زندگی در دنیا و آخرت از سوی مؤمن آل فرعون برای فرعونیان، برداشت بالا به دست می آید.

آثار دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۴

۴ - دل بستگی شدید قارون به اندوخته های خویش ، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فيما آتیک الله الدار الآخره

آثار دنیاطلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۱

۱۱- روی گردانی کافران از ارزش های نو قرآن ، معلول دنیاطلبی آنان است .

لم يؤمنوا بهذا الحدیث . . ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

جمله <إِنَّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها> می تواند به عنوان تعلیلی برای اعراض کافران مطرح باشد، یعنی، زیبایی دنیا، باعث شده که ایشان به آن، دل خوش کنند و به قرآن ایمان نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم ءائماً أو کفوراً . . إِنَّ هؤلاء یحبون العاجله و یدرون وراءهم یوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع

منهم آثماً أو كفوراً) است.

آثار دنیاطلبی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم آثمًا أو كفورًا .. إن هؤلاء يحبون العاجله و يذرون وراءهم يوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آثمًا أو كفورًا) است.

آثار دنیاطلبی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۲

۲ - دنیامداری و پندارگرایی ، مانع اصلی نفوذ تبلیغ پیامبر (ص) در مشرکان

إن الذين لا يؤمنون بالآخرة .. إن يتبعون إلا الظن .. فأعرض عن من تولی

از فای تفریح در <فأعرض>، استفاده می شود که بی اعتقادی مشرکان به آخرت و نیز اتکای آنان بر حدس و گمان، موجب شده بود که آنان قابلیت خود را برای تأثیرپذیری از رهنمودهای پیامبر(ص)، از دست بدهند.

آثار دنیاطلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غفلت از خداوند و فریفته شدن به مظاهر دنیا ، عامل بدبختی اخروی منافقان

قالوا بلی و لكنکم .. و عزکم بالله الغرور

آخرت طلبی و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۴

۴ عدم تنافی میان دنیاخواهی و آخرت طلبی

و منهم من يقول ربنا اتنا فی الدنيا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار

اجتناب از دنیا طلبی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۸

۱۸ غنائم فراوان خداوند از آن مجاهدانی است که در راه او می جنگند و از دنیا طلبی می پرهیزند .

إذا ضربتم في سبيل الله .. و لا تقولوا ... فعند الله مغنم كثيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دلبستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب پرهیزند .

ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۶،۸،۱۱

۶ نیل به مقام قرب الهی ، مشروط به پرهیز از دنیا گرایی و دوری از متابعت هوای نفس است .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه

۸ مشیت خداوند در اعطای منزلت های معنوی به انسان ها ، منوط به پرهیزشان از دنیا گرایی و هوا های نفسانی است .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض

جمله < و لکنه أخلد .. > تعلیل برای مفهوم جمله < و لو شئنا ... > است ؛ یعنی: و لو شئنا لرفعنه بها و لکننا لم نشأ ذلك لانه أخلد إلى الأرض.

۱۱ کسانی که دنیاگرا نباشند و از پیروی هواهان نفسانی پرهیز کنند ، شیطان راه نفوذی در آنان نخواهد داشت .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن .. و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض

آیه قبل شیطان را سوق دهنده بلعم

به گمراهی معرفی کرد، و آیه مورد بحث بیان می دارد که اگر او دنیاگرا و پیرو هوای خویش نبود، به درجات رفیع می رسید ؛ یعنی شیطان به تعقیب او نمی پرداخت. بنابراین تلاش شیطان برای گمراه سازی پس از تمایل آدمی به دنیا و هوای خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ برحذر بودن از دلبستگی به دنیا و فریفته نشدن به جلوه های ظاهری آن ، نشانه ای است از تفکر و دوراندیشی .

إنما مثل الحیوه الدنیا .. کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۰

۲۰- رهبران الهی ، باید از دنیاطلبی و توجه به دنیاگرایان و غفلت از تهیدستان با ایمان ، پرهیز کنند .

و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۲

۲- برخورداران نعمت ، باید به مبدأ یگانه نعمت آفرین ، توجه داشته باشند و از دل بستگی به نعمت ها و غفلت از یاد خدا ، پرهیز کنند .

و لولا إذ دخلت جنتک قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۶

۶ - سرگرم نشدن به دنیا و توجه به حیات اخروی ، امری لازم است .

و ما هذه الحیوه الدنیا إلا لهو و لعب و إن الدار الآخره لهی الحیوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - توجه به ناپایداری زندگی دنیایی ، هشدارى به انسان ها در فریفته نشدن به آن

كَلِّ مِنْ عَلَيْهَا فَاَنْ

ارزش دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۴

۱۴ پیروزی حق و شکست باطل ، هدفی بس والاتراز رسیدن به ثروت دنیا در بینش الهی

تودون أن غير ذات الشوكه تكون لكم و يريد الله .. و يقطع دابر الكافرين

امتحان با دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۵

۵ جذبه های دنیوی و کشش به آنها از ابزار امتحان الهی

يَأْيِهَ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَلُونَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ

انبیا و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۵

۵ پیامبران ، منزّه از علاقه به مال و منال و امور مادی

لَا أَسْتَلْكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ

تعبیر <أجر> در مقابل <مال> در آیه شریفه ، گویای این است که: نوح(ع) در پاداش خواهی از خداوند نیز ، درخواست مال و دارایی نمی کند و علاقه ای به آن نشان نمی دهد.

اهمیت اجتناب از دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱

۱ - هدف و آرمان انسان ، باید دستیابی به سعادت و نیکبختی اخروی باشد ، نه مظاهر فریبنده دنیا .

و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور . سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنّه

اهمیت ترک دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۳

۳ - هشدار خداوند از فریفته شدن به زندگی دنیایی و زرق و برق آن

فلاتغرّکم الحیوه الدنیا

بی ارزشی دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۷

۷ - تلاش برای دنیا ، بی برکت و کم حاصل است .

نزد له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها

بی منطقی دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۲

۲ دنیا محوری و دوست داشتن آن، مرام و اندیشه ای کودکانه و نابخردانه است.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

با توجه به اینکه لعب و لهو کار کودکان و کسانی است که بلوغ فکری ندارند، مقتضای تشبیه، وجود این ویژگیها در دنیاپرستان است.

پوچی دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۸

۸- پوچی و بی حاصلی و فرجام ناخوشایند ، پی آمد شرک و دنیاپرستی است .

و لم تكن له فئه ينصرونه من دون الله . . . هو خير ثوابًا و خير عقبًا

بيان سرگذشت مرد ثروت مند و پایان خسارت بار و بی حاصل او و سپس تذکر این که خداوند، بهترین پاداش دهنده و فراهم کننده سرانجام نیک برای بندگان است، این نتیجه را در پی دارد که دنیاپرستی و شرک، بدفرجامی و بی حاصلی را در پی خواهد داشت.

تشویق به دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ عن أبي جعفر(ع):

ان اصحاب محمّد (ص) قالوا: يا رسول الله . . . إذا كنا عندك فذكرتنا و رغبتنا و جلنا و نسينا الدنيا و زهدنا ... فاذا خرجنا من عندك و دخلنا هذه البيوت و شممنا الاولاد و رأينا العيال و الاهل يكاد أن نحول عن الحال التي كنا عليها عندك ... فقال لهم رسول الله (ص): ... إن هذه خطوات الشيطان فيرغبكم في الدنيا

از امام باقر (ع) روایت شده که یاران رسول خدا (ص) به آن حضرت عرض کردند: ... هنگامی که ما نزد شما هستیم و ما را متذکر می کنید و ترغیب می نمائید احساس ترس می کنیم و دنیا را فراموش کرده و زهد میورزیم ... اما چون از نزد شما خارج می شویم و به خانه های خود می رویم و فرزندان و خانواده را می بینیم، نزدیک است از آن حال معنوی که نزد شما داشتیم برگردیم ... رسول خدا (ص) فرمود: ... این از گامهای شیطان است که شما را به دنیا ترغیب می کند

تهمت دنیاطلبی به نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۳

۳ دستیابی به مال و دارایی مردم به بهانه پیامبری ، تحلیل نابخردانه سران و اشراف قوم نوح از ادعای نبوت و رسالت آن حضرت

و يقوم لأستلکم علیه مالاً

از اینکه نوح (ع) در پاسخ به قوم خویش ، مطرح می سازد که کمترین مالی از آنان مطالبه نمی کند ، معلوم می شود که کفرپیشگان چنین اتهامی را متوجه او کرده بودند.

جهاد و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء

۴ تضاد جهاد در راه خدا با دنیاپرستی

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة

حقيقت دنياطلبي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۳

۳- فریفتگی به جلوه های مادی دنیا ، ستم انسان بر خویش است .

أكثر منك مالا و أعزّ نفراً .. و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۲

۲- در پی دنیا بودن ، کار کودکانه است .

و ما هذه الحيوة الدنيا إلا لهو و لعب

با توجه به این که لهو و لعب، کار کودکان است، لهو و لعب معرفی کردن زندگی دنیا، القاکننده چنین نکته ای است.

خداترسان و دنياطلبي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - خداترسان ، از دل بستگی شدید به دنیا مبرا هستند .

و ءاثر الحيوة الدنيا .. و أمّا من خاف مقام ربّه

خطر دنياطلبي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب و يشترُونَ به ثمنًا قليلًا .. لهم عذاب الی

خطر دنیاطلبی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۹

۱۹ - پیامبر (ص) ، در صورت نزدیک شدن به رفاه مندان و بریدن از مؤمنان تهیدست ، در خطر گرایش به جلوه

های دنیا بود .

و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

دنیاطلبی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۹

۹ - برخورداری از امکانات مالی و اعتبار اجتماعی ، معیار ارزش افراد در نگاه اشراف جامعه نوح

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

دنیاطلبی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۲،۱۳

۱۲ امت های هلاک شده پیشین ، مردمی دل بسته به تمتعات و لذت های دنیوی بودند .

واتبع الذين ظلموا ما أترفوا فيه

۱۳ گرایش شدید امت های پیشین به لذت های مادی و تمتعات دنیوی ، آنان را به فساد و تباهی کشانید .

واتبع الذين ظلموا ما أترفوا فيه

<تُرفه> به معنای نعمت است و <مُتَرْف> به کسی گفته می شود که نعمت فراوان آن را سرمست و سرکش کرده باشد. مراد از <ما> مالومنال و لذتهای مادی است. بنابراین <ما أترفوا فيه> یعنی، مال و منال و لذایندی که در آن سرمست و سرکش شده بودند.

دنیاطلبی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۳

۳ گروهی از انسان ها به زندگی دنیا دل خوش می کنند و از سرای آخرت غافل می مانند .

فرحوا بالحيوه الدنيا و ما الحيوه الدنيا فى الآخره إلا متع

بیان ناچیزی دنیا در قیاس با آخرت ، پس از مذمت گروهی که به دنیا دل خوش کرده اند (فرحوا بالحيوه الدنيا) ، می رساند که مراد از آن گروه ، مردمی هستند که آخرت را نپذیرفته و یا

از آن غفلت کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۶ - ۱

۱ - عموم مردم ، دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند .

بل تؤثرون الحیوه الدنیا

<ایشار> به معنای تفضیل و برتری دادن است (مصباح) و خطاب <تؤثرون>، ناظر به طبیعت دنیاگرایانه ای است که در غالب انسان ها وجود دارد.

دنیاطلبی بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ - جلب منافع مادی و دنیوی ، انگیزه بدعتگذاران و دین سازان

لیشتروا به ثمناً قليلاً

دنیاطلبی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف (ع) و استرداد بنیامین *

يأبها العزيز مسنا و أهلنا الضر .. فأوف لنا الكيل و تصدق علينا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف (ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

دنیاطلبی بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ بلعم باعورا عالمی دنیاگرا و پیرو هوا و هوس خویش بود .

و لكنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه

<اخلاذ>، مصدر <أخلد>، هنگامی که به <إلى> متعدی شود، به معنای تمایل پیدا کردن و اعتماد داشتن است. کلمه <الأرض> چون

در مقابل رفعت و منزلت معنوی و تقرب به خدا قرار گرفته، مراد از آن امور پست و حقیر مادی و دنیوی است. بنابراین <أخلد إلى الأرض> یعنی او به امور پست مادی و لذتهای دنیوی تمایل پیدا کرد و به آنها دل خوش نمود.

۳ بلعم باعورا به خاطر دنیاگرایی و هواپرستی از نایل شدن به منزلت های والا و قرب الهی محروم شد .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه

۱۲ دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا موجب فاصله گرفتن او از آیات الهی و تکذیب آنها شد .

فانسلخ منها . . . و لکنه أخلد إلى الأرض

جمله <و لکنه أخلد . . . > می تواند بیانگر علت <فانسلخ منها> باشد. یعنی دنیاخواهی و هواپرستی بلعم باعورا باعث شد که از آیات الهی فاصله گیرد.

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمَلَه> گرفته شده و <حَمَلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

دنیاطلبی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۵،۶،۲۲

۵ سرشناسی و از طبقه اشراف و بزرگان بودن و داشتن ثروت فراوان ، شرط زمامداری ، در پندار بزرگان بنی اسرائیل

و نحن احق بالملک منه و لم یؤت سعۀ من المال

ظاهراً جمله <نحن احق . . . >

سخن ملأست؛ گویا آنان بدین جهت خود را برای زمامداری سزاوارتر می دانستند.

۶ سرشناسی و از اشراف بودن، مهمترین ملاک برای زمامداری، در دیدگاه ملأ بنی اسرائیل *

و نحن احقّ بالملك منه و لم يؤت سعه من المال

اشراف بنی اسرائیل در مقام بیان ملاک زمامداری، در ابتدا مسأله سرشناسی و ملأ بودن را مطرح نمودند و سپس مسأله ثروت را.

۲۲ نبودن طالوت از خاندان نبوت و پادشاهی، منشأ اعتراض بزرگان (ملأ) بنی اسرائیل به برگزیدگی وی از جانب خداوند

قالوا انی یکون له الملك علينا

امام باقر (ع) درباره آیه <انّ الله قد بعث .. > فرمود: لم یکن من سبط النبوه و لا من سبط المملکه ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

دنیاطلبی پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - تنها پادشاهان و دنیامداران، فریفته مال و مکنّت دنیایند، نه مردان الهی و خداجوی.

بل أنتم بهدیتکم تفرحون

دنیاطلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۴، ۳

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أئنّ لنا لأجرًا إن کنا نحن الغلبین

۴ - ساحران عصر فرعون ، قشری سودجو و دنیاگرا

أَنْتُمْ لَنَا لِأَجْرٍ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل؛ در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی

آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

دنیاطلبی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلتینی قَدَمَت لِحیاتی

دنیاطلبی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۴،۷

۴ مذمت آن گروه از مردم که پس از انجام مناسک حج، تنها خواهان بهره های دنیوی از پروردگار خویشند .

فمن الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا

۷ حج گزارانِ دنیاطلب، محروم از بهره های اخروی

فاذا قضیتم مناسککم .. فمّن الناس من يقول ربنا ... و ماله فی الاخره من خلاق

دنیاطلبی در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۸،۱۰

۸ برخی مردم، تنها دنیا را از پروردگارشان خواهند .

و من الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا

چون گروهی که در آیه بعد مطرح است، خواهان دنیا و نیز آخرتند، به قرینه مقابله، این گروه تنها طالب دنیایند.

۱۰ اجابت دعا ها و درخواست های دنیوی حج گزارانِ دنیاطلب

فمن الناس من يقول ربنا اتنا في الدنيا و ماله في الاخره من خلاق

و او عاطفه در جمله < و ماله .. >، بیانگر جمله ای محذوف است. \$ مثل < نؤتیه > (به او عطا می کنیم) و از آخرت نصیبی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۵

۵ نیایش به درگاه الهی ،

برای تأمین نیاز های جامعه امری پسندیده و ارزشمند

قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء . . . و ارزقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - دعا برای امور دنیوی (مانند داشتن قدرت سیاسی و رهبری) در صورت داشتن هدف الهی از آن، امری پسندیده برای مردان الهی است.

و هب لی ملکاً لا ینبغی لأحد من بعدی

دنیاطلبی در شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۴

۴ - آیین شرک، اندیشه ای دنیا مدار و فاقد گرایش به آخرت

من کان یرید حرث الدنیا .. أم لهم شرکوا

دنیاطلبی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۵

۵ - دستیابی به منافع مادی و رسیدن به حکومت و مقام، انگیزه اصلی سازندگان آیین شرک و بت پرستی

و أحلّوا قومهم . . . و جعلوا لله أنداداً لیضلّوا عن سبیله قل تمتّعوا

جمله <قل تمتّعوا> (بگو برخوردار شوید)، پیش از جمله <فإن مصیرکم إلى النار>، می تواند کنایه از آن باشد که هر چند شما به دنبال تمتع و کامیابی از دنیا هستید، ولی مسیر و نهایت کار شما دوزخ است. گفتنی است موضوع رسیدن به حکومت و مقام، از جمله <و أحلّوا قومهم...> استفاده شده است.

دنیاطلبی سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۴

۴- پیمان شکنان و نقض کنندگان سوگند و عهد الهی ، مردمی دنیاپرست ،

کوتاه نگر و دون همتند .

لاتتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم . . . و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

از تعبیر <ثمناً قليلاً> (بهای کم و ناچیز) کوتاه نظری و دون همتی استفاده می شود؛ زیرا هیچ عاقل و صاحب فکری، کالایش را به بهای کم و ناچیز و کمتر از ارزش واقعی آن نمی فروشد.

دنیاطلبي طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۲

۲ - طغیان گران ، دنیا طلبانی هستند که آن را بر آخرت ترجیح می دهند .

من طغی . و ءاثر الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۱

۱ - طغیان گران دنیاطلب ، در قیامت ، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فأما من طغی . . . فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى

<مأوی>؛ یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله <فإنَّ الجحیم هی المأوی> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳

۳ - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه آیاں مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود؛ زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان

وقوع آن استهزایی خواهد بود.

دنیاطلبي ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- غوطهوری در زندگی مادی و خوش گذرانی ، شیوه زندگی در جوامع ستمگر

قریه کانت ظالمه .. وارجعوا إلی ما أترفتم فیه

دنیاطلبی علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۹

۹- دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه من الکتب و یشترون به ثمناً قليلاً .. لهم عذاب الی

دنیاطلبی علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۸

۸ تلاش احبار و راهبان ، در بازداشتن مردم از راه خدا ، در راستای دستیابی به مطامع دنیوی خویش

لیأکلون أموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل اللّٰه

با توجه به ارتباط و پیوستگی <یصدون> با <یأکلون> برداشت فوق استفاده می شود.

دنیاطلبی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۶

۶- دستیابی به متاع های دنیوی (مال ، ریاست ، جاهت و ...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب

آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۸

۸ تلاش احبار و راهبان ، در بازداشتن مردم از راه خدا ، در راستای دستیابی به مطامع دنیوی خویش

لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

با توجه به ارتباط و پیوستگی <یصدون> با <یأکلون> برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۶

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر پیامبر (ص) به متاع دنیا

اکلون للسحت

صیغه مبالغه <اکلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

دنیاطلبی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۵

۵ - دستیابی به مزایای دنیا، انگیزه آنان که پیمان های الهی را نادیده گرفته و آنها را نقض می کنند .

أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالأخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۴

۴- پیمان شکنان و نقض کنندگان سوگند و عهد الهی، مردمی دنیاپرست، کوتاه نگر و دون همتند .

لا تتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم... ولا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

از تعبیر <ثمناً قليلاً> (بهای کم و ناچیز) کوتاه نظری و دون همتی استفاده می شود زیرا هیچ عاقل و صاحب فکری، کالایش را به بهای کم و ناچیز و کمتر از ارزش واقعی آن نمی فروشد.

دنیاطلبی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۹

۹ - فرعون و قومش (قبطیان)، برخوردار از متاع های فراوان دنیوی و دل بسته به آنها

يقوم إنّما هذه الحيوه الدنيا متع

تذكر مؤمن آل فرعون به اندك و ناپایداری بودن دنیا و متاع های آن به قوم خود، بیانگر مطلب یاد شده است.

دنیاطلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۹

۹ - فرعون و قومش (قبطیان)

(، برخوردار از متاع های فراوان دنیوی و دل بسته به آنها

يقوم إنما هذه الحيوه الدنيا متع

تذکر مؤمن آل فرعون به اندک و ناپایداری بودن دنیا و متاع های آن به قوم خود، بیانگر مطلب یاد شده است.

دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی افزون طلب و ناراضی به سهم خویش بود .

و لاتنس نصیبک من الدنيا

دنیاطلبی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۴

۴ قوم ثمود ، مردمی سخت دل بسته به دنیا و تمتعات آن

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

روشن است که مقصود صالح(ع) از این فرمان (تمتعوا ..) این نیست که قوم ثمود را به بهره برداری از تمتعات دنیا فرابخواند؛ بلکه به قرینه جمله بعد، اعلام سه روز مهلت است. بیان مهلت سه روزه به سه روز بهره گیری از تمتعات دنیا، اشاره به رویه قوم ثمود دارد؛ یعنی، آنچه خواهان آن هستید و بدان دل بسته اید و به خاطر آن به آیین الهی نمی گرایید، تنها تا سه روز دیگر ادامه خواهد داشت.

دنیاطلبی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ - غفلت از مرگ و پندار جاودانگی در دنیا ، عامل روی آوری عادیان به کاخ سازی ، تجمل گرایی و بیهودگی

أُتَبِنُونَ... تَعْبَثُونَ . وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ

تعبیر <لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ> بیانگر این معنا است که: کار شما طوری است که گویا از مرگ و

ناپایداری زندگی دنیوی، غافل شده اید و می پندارید که همیشه در این دنیا خواهید ماند.

دنیاطلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۴

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۸

۸ غرق شدن منافقان و کافران در باتلاق بهرهوری های مادی ، گرایش مستمر آنان در طول تاریخ

فاستمتعوا بخلقهم و خضتم کالدی خاضوا

برداشت فوق بدان احتمال است که <خوض> (فرو رفتن) به قرینه <استمتعوا> همان بهره وری از مادیات و فرورفتن در منجلاب آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین ... و رضوا بالحوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱

۱- کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ویل للکفرین من عذاب شدید . الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره

برداشت فوق بنابر این اساس است که <الذین یستحبون الحیاة . . . > جمله وصفی برای <للكافرین > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۵

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها

و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذره‌م یا کُلُوا و یتمتعوا و یلهبهم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۳

۳ - کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند ، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی شدید بسر می برند .

رجال لا تلهيهم تجره ولا يبيع عن ذكر الله .. و الذين كفروا أعمالهم ... كظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانی است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتاراند و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۷

۷ - افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن .. لَمَّا مَتَعَ الْحَيَوٰهَ الدُّنْيَا و الْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِّلْمُتَّقِينَ

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب

همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا و غَرَّتْكُمْ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۱ - ۲

۲ - دل بستگی به دنیا و رها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بَلْ تَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ . و تَذَرُونَ الْآخِرَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دل بستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لَا تَطْعَمْنَهُمْ أَمْثًا أَوْ كَفُورًا .. إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ و يَذَرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمَ

دنیاطلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۴

۴- تمامی همّ و تلاش کافران هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهره‌وری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا و يَتَمَتَّعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- کافران عصر بعثت ، فریفته وضعیت بهتر اقتصادی و هم نشینان به ظاهر آراسته خویش بودند .

أَيُّ الْفَرِيقِينَ خَيْرٌ مَقَامًا وَ أَحْسَنَ نَدِيًّا

افتخار به محفل، در حقیقت افتخار به حاضران در آن است و مراد از اهل محفل به قرینه

>من هو.. أضعف جنداً< در آیات بعد هم فکرا و یاوران کافران است.

دنیاطلبی کتمان کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

دنیاطلبی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لا تطع منهم ءاثماً أو کفوراً .. إن هؤلاء یحبون العاجله و یذرون وراءهم یوم

دنیاطلبی متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لا تبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

دنیاطلبی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰- انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن يملك لكم من الله شيئاً إن أراد بكم ضرراً أو أراد بكم نفعاً

جلد - نام

۲ - تمایل متخلفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ . . . ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلىٰ مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یدلّوا...> حاکی از نکته دوم است.

۸ - تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر*

یریدون أن یدلّوا کلم الله قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه <قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهم بردن در غنایم بودند.

دنیاطلبی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱

۱ - مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و مصلاً را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، رها می کردند .

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و ترکوک قائماً

دنیاطلبی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا ، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لا تشتروا بآیتی ثمناً قليلاً

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

دنیاطلبي مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۶

۶- مشرکان ، حتی در صورت برآورده شدن خواسته های مادی شان و دارای امکانات فراوان بودن ، از انفاق آن ابا می کردند . *

لن تؤمن لك حتى تفجر لنا .. قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربِّي إذْا لأمسكتم

اینکه خداوند در آیات قبل، خواسته های مادی مشرکان (برخورداری از چشمه و ..) را از پیامبر(ص) مطرح کرد و در این آیه، از بخل آنان در صورت برخورداری از امکانات فراوان سخن می گوید، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۰ - ۳

۳- ربوبیت پروردگار ، مقتضی سلب نعمت از فخر فروشان و مشرکان دل بسته به دنیا واعطای نعمتی افزون تر به موحدان است ،

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنَّا خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلْ عَلَيْهَا حِسَابًا مِّن السَّمَاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- گزارش خداوند از صحنه قیامت و حشر مشرکان ، تسلیت و دل جویی از پیامبر (ص) در برابر انکارها و دنیاپرستی آنان است .

و البقیة الصلحت خیر عند ربك . . و ترى الأرض ... علی ربك

خطاب در <ربك> و <تری> به پیامبر(ص) است این گونه خطاب در دل آیات مربوط به قیامت مشرکان، نوعی تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر انکار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۹

۹ - نكوهش خداوند از مشرکان بهانه جو ، به خاطر انتخاب نابخردانه آنان (انتخاب زندگی دنیوی به بهانه از دست دادن سعادت اخروی)

و قالوا إن نتبع الهدی معك نتخطف من أرضنا .. و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مکلف به اعراض از مشرکان دنیا محور و خدا گریز

فأعرض عن من تولی عن ذکرنا و لم یرد إلا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۱

۱ - افق دید و نگرش مشرکان خدا گریز ، محصور در محدوده دنیا و مظاهر آن

و لم یرد إلا الحیوه الدنیا . ذلک مبلغهم من العلم

<ذلک> اشاره به دنیا گرایی مشرکان دارد یعنی، دنیا گرایی منتهای دانش آنان است.

دنیاطلبی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۴،۵،۶

۴ مشرکان صدر اسلام ،

مردمانی دنیاطلب بودند .

اشتروا بأيت الله ثمناً قليلاً

۵ دنیاطلبی مشرکان صدر اسلام ، عامل مبارزه آنان با اسلام و قرآن

اشتروا بأيت الله ثمناً قليلاً

۶ شرک پیشگان صدر اسلام ، به خاطر تأمین و حفظ منافع مادی خود ، مردم را از گرویدن به اسلام و سلوک راه خدا باز می داشتند .

اشتروا بأيت الله ثمناً قليلاً فصدوا عن سبيله

آیه فوق به قرینه آیات قبل درباره مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۸

۸ مشرکان عصر بعثت به خاطر دنیا طلبی و تجمل گرایی ، قرآن را نپذیرفته و آن را ساخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

أم يقولون افتريه . . . من كان يريد الحيوة الدنيا و زينتها

بیان پیامدهای دنیاخواهی و تجمل گرایی، پس از دعوت به توحید و اقامه برهانی روشن برای آن، اشاره به ریشه های اصرار مشرکان به کفرورزی دارد؛ یعنی، اینکه مشرکان با وجود دلیلی روشن بر حقانیت قرآن، حقایق مطرح شده در آن را نمی پذیرند به دلیل دنیاخواهی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۲

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی سخت غافل و به دور از تعالیم بلند وحی و سرگرم به زندگی پست دنیایی

و إذا ذكروا لا يذكرون

پندناپذیری مشرکان، یا به سبب غفلت شدید آنان از معارف بلند الهی بود و یا به این دلیل بود که آنان علی رغم شناخت تعالیم وحی و پیامبر (ص) مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند. برداشت یاد شده مبتنی بر

احتمال نخست است.

دنیاطلبی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۳

۳- مشرکان مکه ، از مفاهیم عالی قرآن غافل بوده و به زخارف دنیا چشم دوخته بودند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن من کلّ مثل فآبی . . . و قالوا لن نؤمن لک حتی ... أو

دنیاطلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۷

۷ شرکت برخی افراد (منافقان) در جهاد با کافران ، به منظور دستیابی به منافع مادی

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لا تبعوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۸

۸ غرق شدن منافقان و کافران در باتلاق بهره‌وری های مادی ، گرایش مستمر آنان در طول تاریخ

فاستمعوا بخلقهم . . . و خضتم کالذی خاضوا

برداشت فوق بدان احتمال است که <خوض> (فرو رفتن) به قرینه <استمتعوا> همان بهره‌وری از مادیات و فرورفتن در

منجلا ب آن با شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۵

۵ منافقان ، دارای روحیه مادی

و منهم من عهد الله لئن آتینا . . . لنكونن من الصالحین

برداشت فوق بدین جهت است که منافقان، صلاح خویش را مشروط به برخورداری از مال و ثروت

کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۱

۱ بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات به هنگام برخوردار شدن از مال و فضل الهی ، علی رغم تعهدشان با خدا

و منهم من عهد الله .. فلما آتاهم من فضله بخلوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۹، ۱۴

۱۴ - منافقان ، فریفته دنیا و غافل از خداوند

و غرّکم بالله الغرور

در صورتی که مراد از <الغرور> دنیا باشد، مقصود این خواهد بود که مظاهر دنیا (مال، جاه، مقام و ..) شما را فریب داده و از خدا غافلتان کرده است.

۱۹ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرّکم بالله الغرور

دنیاطلبی همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۶

۶ - رفتار پیامبر (ص) با همسران خود ، در صورت ادامه دنیاطلبی آنان ، نه تنها بر زور و جبر مبتنی نبود ، بلکه بر آسان گیری استوار بود .

قل لأزوجک إن کتنّ تردن الحیوه الدنیا .. فتعالین أمتّعکنّ و أسرّحکنّ سراحًا

دنیاطلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا ، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

ولاتشتروا بأیتی

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۷، ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالأخرة

۷ - یهودیان برای رسیدن به مزایای دنیوی، آخرت و نعمت های آن را از دست دادند .

أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالأخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۶، ۶

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حياة

۱۶ - خداوند، ناظر بر رفتار و کردار برخاسته از دنیاپرستی یهود است .

و الله بصير بما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتريه ماله في الآخرة من خلق و لبئس ما شروا به أنفسهم لو كانوا يعلم

کسی که بدانند با دستیابی به منافع نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا ..) ولی در عین حال به

زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو)

کانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

دنیاطلبی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۵

۵ - یهودیان عصر بعثت ، به دلیل وابستگی به دنیا و فسق پیشگی زمینه های ایمان و تقوا را از دست داده بودند .

لبس ما شروا به أنفسهم . . . و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لثموبه من عندالله خیر

به کارگیری <لو> امتناعیه در جمله <لو أنهم . . . > می نمایاند که: ایمان آوردن یهود و پرهیز از گناهانی همانند سحر، امری مشکل یا ممتنع بوده است. آیات پیشین - که سخن از دل بستگی شدید یهود به دنیا و فاسق بودن آنان داشت - می تواند بیانگر علت به وجود آمدن این روحیه در ایشان باشد.

روش مبارزه با دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۴

۱۴- اخطار و هشدار به سرنوشت شوم کافرانِ دنیاطلب ، روشی برای بازداشتن از کفر و دنیاطلبی

ربما یوّد الذین کفروا . . . ذرهم یا کلووا و . . . فسوف یعلمون

زمینه ترک دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ - چشم پوشی از زخارف دنیا ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

ثواب الله خیر . . . و لایلقیها إلا الصبرون

مفاد سخنان فرزندگان بنی اسرائیل این است که مردم نباید فریفته دنیا شوند؛ بلکه باید به ثواب اخروی خداوند دل ببندند. البته این امر نیاز به صبر و شکیبایی دارد تا بتوان با خواهش های نفسانی

مبارزه کرد و بر انجام اعمال صالح توفیق یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸- ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

زمینه دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ به کار نگرفتن عقل و اندیشه زمینه توجه به دنیا و غفلت از آخرت

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا .. أَفَلَا تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۳

۳ انکار جهان آخرت ، زمینه ساز دلبستگی به دنیا و فریفته شدن به زخارف و زینت های آن

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ غفلت از حقیقت و هویت باطنی دنیا ، زمینه ای است برای فریفته شدن به زیبایی های صوری و افتادن در دام جلوه های ظاهری آن .

إِنَّمَا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ .. إِذَا أَخَذَتْ زُخْرُفَهَا وَازِينَتْ ... كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- قطع ارتباط با خداخواهان تهیدست ، زمینه ساز تمایل آدمی به مظاهر مادی و جلوه های ظاهری دنیامداران است .

و لاتعد عیناک عنهم

ترید زینه الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۳

۳ - دل‌بستگی انسان به دنیا ، معلول جهل او به ناچیز بودن عمرش

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنکم کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۶

۶ - برخورداری از امکانات و دارایی های زیاد ، زمینه ساز دل‌بسته شدن انسان به دنیا و غافل شدن وی از سرای آخرت

و ابتغ فیما ءاتیک الله الدار الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۶،۱۰

۶ - خودنمایی و تجمل گرایی عده ای ، عامل گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومہ فی زینتہ قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أوتی قر

۱۰ - نقش مؤثر ثروتمندان و صاحبان زر و زور ، در گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومہ فی زینتہ قال الذین .. یلیت لنا مثل ما أوتی قرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۵

۵ - بی اعتقادی به معاد ، گرایش دهنده انسان به لذت جویی هر چه بیشتر از امکانات دنیایی

الذین کفروا .. اذہبتم طیبیتکم ... و استمتعتم بها

مخاطب قرار گرفتن لذت جویان با عنوان کفر، می نمایاند که این وصف در گرایش کافران به لذت جویی و حرص بر لذت

های دنیایی نقشی اساسی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۰

- انسان ها ، در معرض قرار گرفتن در دام دنیا و فریفته شدن به زندگی دنیوی

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

<متاع> به <ما یتمتع به> تفسیر شده است؛ یعنی، چیزی که انسان از آن بهره بگیرد. معادل فارسی آن <کالا> است. <غرور> نیز به معنای خدعه و نیرنگ است. بنابراین <متاع الغرور>؛ یعنی، کالایی که صرفاً جنبه خدعه و فریب دهی دارد. بیان این حقیقت، بدان هدف است که انسان، مواظب باشد تا در دام آن گرفتار نشود. و این در صورتی است که انسان، در معرض و خطر فریفته شدن به زندگانی دنیا قرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - ظاهرنگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و تجهدون فی سبیل .. ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - جهل و ناآگاهی ، مایه دلخوش شدن انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به ذکر خدا و عبادت او و مصالح نهفته در آن

ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

زمینه دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا .. إنه لذو حظّ عظیم

زیان دنیاطلبی

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۷

۴۷ - دستیابی به منافع دنیا در مقابل از دست دادن آخرت ، سودایی زیانبار است .

لبس ماشروا به أنفسهم

زیانهای دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۸

۸- شرک و غفلت از ربوبیت خدا ، مهم ترین خطر رفاه زدگی و سرمستی به امکانات دنیوی است .

لکننا هو الله ربی و لا اشرک بری احدًا

مرد مؤمن، برای جدا کردن صف خویش از ثروت مند مغرور، به دو نکته اشاره کرده است: ربوبیت خدا و عدم شرک و با این تعبیر، ثروت مند مغرور را به غفلت از خدا و گرفتاری به شرک، هشدار داده است.

سرزنش دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۹

۹ - علاقه به دنیا و آرزوی عمر طولانی به خاطر آن ، خوبی ناپسند و نکوهیده است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه .. یود أحدهم لو یعمر الف سنه

لحن آیه گویای مذمت یهود به خاطر علاقه به دنیا و درخواست عمر طولانی به خاطر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ تهدید الهی نسبت به دنیاپرستی و دنیاپرستان

من كان يريد ثواب الدنيا .. و كان الله سميعاً بصيراً

تذکر این واقعیت که خداوند ناظر اعمال دنیاپرستان و شنوای گفتار آنهاست، در حقیقت تهدید آنان به مؤاخذه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۲

دنیا محوری و دوست داشتن آن، مرام و اندیشه ای کودکانه و نابخردانه است.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

با توجه به اینکه لعب و لهو کار کودکان و کسانی است که بلوغ فکری ندارند، مقتضای تشبیه، وجود این ویژگی‌ها در دنیاپرستان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دل‌بستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلوپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۹

۹ دلخوش کردن به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی ، امری است ناپسند و مورد نکوهش خداوند .

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۹

۹ مذمت الهی از غرق شدن در لذایذ و بهره‌وری های مادی

فاستمعوا بخلقهم ... و خضتم کالدی خاضوا

با توجه به اینکه مراد از <خوض>، می تواند خوض در بهره‌وری‌های مادی باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و

إن الذین . . . و رضوا بالحوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ دنیا سرایی است ناامن و آرمیدن در آن و گردش بر مدار آن ، نشانه ای است از کوته نظری .

إنما مثل الحیوه الدنیا . . . كذلك فصل الأیت لقوم یتفکرون

غرض از تمثیل در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (و الله یدعوا إلى دارالسلام . . .) بیان این حقیقت است که: این سرا، سرایی است که در معرض انواع حوادث و رخدادهای مرگبار است و انسان نباید به چنین جایی بسنده کند و آن را وجهه همت خود قرار دهد. گفتنی است که از ذیل آیه (لقوم یتفکرون) استفاده می شود که اهل دنیا مردمانی فاقد فکر و اندیشه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۶

۱۶ > عن علی بن الحسین (ع) [فی حدیث طویل] : . . . و لاترکنوا إلى الدنیا فإن الله عزوجل قال لمحمد صلی الله علیه و آله و سلم : > و لاترکنوا إلى الذین ظلموا فتمسکم النار < و لاترکنوا إلى زهره الدنیا و ما فیها رکون من اتخذها دار قرار و منزل استیطان . . . ;

از امام سجاد(ع) [ضمن حدیث طولانی] روایت شده است: . . . به دنیا تمایل و اطمینان نکنید؛ زیرا خداوند عزوجل به حضرت محمد(ص) فرمود: >ولاترکنوا...< و به زیبایی دنیا و آنچه در دنیاست تمایل و اطمینان

نکنید، بسان تمایل و اطمینان کسی که آن را خانه همیشگی و جای ماندن خود قرار داده است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۶

۶- چشم دوختن و غبطه خوردن به مال و منال دنیا ، امری نکوهیده و ناپسند

لَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۶

۶- ترجیح دنیا بر آخرت و نه صرف تأمین نیاز های زندگی امری نکوهیده است .

فعلیهم غضب من الله .. ذلك بأنهم استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶- انکار معاد ، نکوهیده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا کما خلقناکم أول مرّه بل زعمتم أنّ نجعل لکم موعداً

حرف <بل> برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در <کما خلقناکم>، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۵

۵ - چشم دوختن و غبطه خوردن بر مال و منال دنیاداران ، امری نکوهیده و نارو است .

و لَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - تنها دنیا محوری ، امری نکوهیده و ناپسند است

نه صرف برخورداری از نعمت های دنیایی .

یرزق من یشاء .. من کان یرد حرث الدنیا ... و ما له فی الآخره من نصیب

همه بنندگان از رزق دنیوی بهره می برند چه مؤمن و چه منکر ولی آنان که تمام همتشان دنیا باشد در آخرت بهره ای نخواهند داشت. پس آنچه مذموم است بهره‌وری از دنیا نیست؛ بلکه دنیا محوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - دلخوشی به دنیا و مظاهر آن ، نکوهیده و ناروا است .

و إنا إذا .. فرح بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۲

۲- شرافت ایمانی و پاداش الهی به مجاهدان ، شایان دل بستگی و نه سرگرمی های بی فرجام دنیا

أنتم الأعلون و الله معکم و لن یتراکم أعملکم . إنما الحیوه الدنیالعب و لهو

از ارتباط این آیه با آیه قبل که درباره تشویق مؤمنان به جهاد و از یاد نبردن ارجمندی خویش و پاداش الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۶

۶ - متمرکز کردن علایق و گرایش ها در امور دنیوی ، امری نکوهیده ؛ و نه صرف بهره‌وری از دنیا

فأعرض عن من .. و لم یرد إلا الحیوه الدنیا

حصر در آیه شریفه، مفید مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۷

به آبادانی حیات دنیوی ، در صورت بی اعتنایی به امر آخرت و حیات اخروی ، مورد نکوهش و محکوم در نگاه وحی

إِنَّ هَؤُلَاءِ يَجْبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذْرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد نکوهش و محکوم کردن کسانی است که تنها به دنیا دلبسته و آخرت را رها کرده اند.

ظلم دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۸

۸ - دنیامداری ، شرک ، بدعت در دین ، ظلم و سیاه کاری است .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَوَا .. وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

عذر بر دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جئتهم بکتاب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

عوامل دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۹

۹ - جهل انسان ها به ارزش برتر پاداش های الهی ، آنان را به منافع

دنیوی دلپسته کرده و از ایمان و تقوا باز داشته است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا .. لو كانوا يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو> در جمله فوق شرطیه باشد. بر این اساس احتمالاتی قابل تصور است و از آنهاست اینکه مفعول <یعلمون> برتری پاداش الهی گرفته شود و جواب شرط از جمله <و لو أنهم ءامنوا> استفاده گردد. یعنی: <لو كانوا يعلمون ان ثواب الله خير لأمنوا و اتقوا> اگر می دانستند که پاداش الهی از منافع دنیوی برتر است، همانا ایمان می آوردند و تقوا پیشه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ عن أبي جعفر(ع): ان اصحاب محمد(ص) قالوا: يا رسول الله .. إذا كنا عندك فذكرتنا و رغبتنا و جلنا و نسينا الدنيا و زهدنا ... فاذا خرجنا من عندك و دخلنا هذه البيوت و شممنا الاولاد و رأينا العيال و الاهل يكاد أن نحول عن الحال التي كنا عليها عندك ... فقال لهم رسول الله(ص): ... إن هذه خطوات الشيطان فيرغبكم في الدنيا ...

از امام باقر(ع) روایت شده که یاران رسول خدا(ص) به آن حضرت عرض کردند: .. هنگامی که ما نزد شما هستیم و ما را متذکر می کنید و ترغیب می نمائید احساس ترس می کنیم و دنیا را فراموش کرده و زهد میورزیم ... اما چون از نزد شما خارج می شویم و به خانه های خود می رویم و فرزندان و خانواده را می بینیم، نزدیک است از آن حال معنوی که نزد شما داشتیم

برگردیم ... رسول خدا(ص) فرمود: ... این از گامهای شیطان است که شما را به دنیا ترغیب می کند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۸

۸ ظاهر نگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیوی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و جهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه ذلکم خیر لکم إن کتمت تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۶

۱۶ دل بستگی به زندگی دنیوی ، نتیجه عدم شناخت صحیح دنیاست .

إنما مثل الحیوه الدنیا .. و ظن أهلها أنهم قدرون علیها ... كذلك نفضل الأیة لقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۴

۴ - دنیا گرایی ، بازتاب اعراض از یاد خدا *

تولّی عن ذکرنا و لم یرد إلا الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که تقدیم عبارت <عن من تولّی عن ذکرنا>، اشاره به نقش روی گردانی از یاد خدا در فریفتگی انسان به دنیا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۳

۳ - علاقه شدید به دنیا و ترجیح آن بر آخرت ، پیامد طغیانگری و سرپیچی از اطاعت خداوند است .

فأما من طغی . و ءاثر الحیوه الدنیا

ترتیبی که آیه شریفه در ذکر طغیان و دنیا طلبی به کار برده، ممکن است برخاسته از ترتب خارجی آن دو باشد.

غفلت و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۳

۳ - اعراض از یاد خدا و دنیامداری ، دو پدیده به هم پیوسته و تفکیک ناپذیر

تولّى عن ذکرنا و لم یرد إلاّ الحیوه الدنیا

فرجام دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۸

۸- پوچی و بی حاصلی و فرجام ناخوشایند ، پی آمد شرک و دنیاپرستی است .

و لم تکن له فئه ینصرونه من دون الله .. هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

بیان سرگذشت مرد ثروت مند و پایان خسارت بار و بی حاصل او و سپس تذکر این که خداوند، بهترین پاداش دهنده و فراهم کننده سرانجام نیک برای بندگان است، این نتیجه را در پی دارد که دنیاپرستی و شرک، بدفرجامی و بی حاصلی را در پی خواهد داشت.

فسق دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۹

۹ - دنیا پرستی ، دشمنی با فرشتگان ، ارتکاب گناہانی همچون کشتن انبیا و رهبران دینی و شکستن پیمان های الهی ، از مصداق های فسق است .

و ما یکفر بها إلاّ الفسقون

آیات گذشته (از آیه ۷۴ - ۹۸) موانعی را برای ایمان آوردن یهود به قرآن و پیامبر ذکر کرده و در آیه مورد بحث ریشه انکار قرآن و پیامبر(ص) را فسق پیشگی دانسته است. بنابراین آنچه در آن آیات از موانع ایمان آوردن شمرده شده، از نظر قرآن مصداق فسق و بیانگر معنای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ ترجیح محبت خویشاوندان و امکانات مادی بر محبت خدا و پیامبر (ص) و جهاد، فسق و انحراف است.

قل إن كان ءاباؤکم .. أحب إليکم ... و اللّٰه لا یهدی القوم الفسقین

کیفر دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیا دوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی، اهل دوزخند.

لکنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه .. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

گمراهی دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۸

۸ - دنیامداری، شرک، بدعت در دین، ظلم و سیاه کاری است.

أم لهم شرکؤا .. و إنّ الظلمین لهم عذاب أليم

گناه دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۳

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند.

یاخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله

<یاخذون .. > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ دل بستگی به تمتعات دنیوی و لذت های مادی ، گناه است .

واتبع الذين ظلموا ما أترفوا فيه و كانوا مجرمين

مسلمانان و دنیا طلبی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ مسلمانان دنیاطلب ، به چنگ آوردن غنیمت در سایه پیروزی ظاهری را فوز عظیم (رستگاری بزرگ) می شمرند .

و لئن اصابکم فضل من الله ليقولنّ .. فافوز فوزاً عظيماً

منشأ دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۲

۲- نقدطلبی ، شتابزدگی و نداشتن دوراندیشی ، ریشه دنیاخواهی و غفلت از آخرت است .

من كان يريد العاجله

کاربرد واژه <عاجله> از ماده <عجله> (چیزی را با عجله و شتاب خواستن) به جای <الدنيا> می رساند که نقد بودن متاع دنیا و امکان دستیابی سریع تر به آن، نقش عمده ای در دنیاخواهی دنیاطلبان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۲

۲ - نقدطلبی و نداشتن دوراندیشی ، ریشه دل بستگی به دنیا و رها کردن آخرت

كَلَّا بَلْ تَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

کاربرد واژه <عاجله> (از ماده <عجله>) به جای <الدنيا> می رساند که نقد بودن متاع دنیا و امکان دستیابی سریع تر به آن، نقش عمده ای در دنیاخواهی و آخرت گریزی کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۳

۳ - نقد طلبی و نداشتن دوراندیشی ، ریشه دل بستگی به دنیا و بی اعتنایی به حیات اخروی

إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

به کارگیری واژه <عاجله> (از ماده <عجله>) جای <الدنیا>، می رساند که نقد بودن متاع دنیا و امکان دستیابی سریع تر به آن، نقش

عمده ای در دل بسته شدن انسان به دنیا دارد.

موانع دنیا طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ مفتون نشدن به دنیا و توجه کردن به آخرت و معاد، مقتضای خرد و اندیشه است.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۶

۶ معارف و احکام قرآن موجب هشیاری انسان از فریفتگی به حیات دنیاست .

غرثهم الحیوه الدنیا .. و لقد جئتهم بکتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸ - ۵

۵- توجه به ناپایداری زیبایی ها و مواهب زمین ، زمینه ساز عدم گرایش انسان ها به مظاهر دنیا است .

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینة .. و إنّنا لجعلون ما علیها صعیداً جرّاً

هدف از بیان فرجام زمین و توجه دادن آدمیان به ناپایداری مواهب آن، پس از طرح مسئله آزمون، این است که انسان ها، به آن دل نبندند و رسیدن به آن را هدف خویش قرار ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۸

۸- عقیده به معاد ، ناسازگار با دنیا پرستی و غیرقابل پذیرش برای دنیا پرستان است .

أنا أكثر منك مالاً .. و ما أظنّ الساعة قائمه

مرد ثروت مند، در پی غرور و افتخار به مال و منال و پندار جاودانه بودن آن، به انکار قیامت پرداخت. به نظر می رسد که ارتباط این دو قسمت، به صورت زمینه و

نتیجه باشد؛ یعنی، آنچه که فرد را به موضع انکار قیامت کشاند، دنیاپرستی و فریفته شدن بدان بود. فعل مجهول <زُددت> (برگردانده شوم) که حاکی از اجبار شدن است نیز گویای نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۳۹ - ۹

۹- توجه به مشیت نافذ و نیروی قاهر خداوند، بازدارنده آدمی از مغرور شدن به اموال دنیا و ابدی پنداشتن آن است.

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۴۷ - ۱

۱- یادآوری مسائل آخرت، به منظور دل نبستن به زندگی ناپایدار دنیا، لازم است.

المال و البنون زينه الحيوه الدنيا . . . و يوم نسیر الجبال

<یوم> مفعول برای فعل مقدر <أذکر> است؛ یعنی، <یاد کن روزی را که..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مَرِیم - ۱۹ - ۷۴ - ۱۱

۱۱- توجه به مرگ و هلاکت اقوام متمدن و ثروتمند تاریخ، مایه هشدار و موجب فریفته نشدن به دنیا

أی الفریقین . . . و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - اقامه نماز و مداومت بر آن، سدّی در برابر تمایلات دنیاطلبانه و مانع چشم دوختن به دنیای دیگران است.

و لا تمدّن عینیک . . . وأمر أهلک بالصلوه واصطبر علیها

فرمان به اقامه پی گیر نماز، پس از نهی از چشم دوختن به دارایی های دنیاداران، این نکته

را گوشزد می کند که با اقامه نماز و گسترش دامنه آن، می توان زمینه را برای دل بریدن از ثروت های کافران فراهم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۸

۸- انسان ها ، در صورت آگاهی و اطلاع از سرگرمی و بازی بودن دنیا و حیات واقعی بودن عالم آخرت ، از دنیا دست می کشیدند و به آخرت روی می آوردند .

و ما هذه الحيوة الدنيا إلا لهو .. و إنّ الدار الآخرة لهي الحيوان لو كانوا يع

برداشت بالا- بنا بر محذوف بودن جواب <لو> است و آن، چیزی مانند این فراز است: <لرغبوا في الآخرة و زهدوا في الدنيا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۴

۴- توجه به سختی فرجام دین ستیزان ، بازدارنده انسان از فرو رفتن در پوچی های زندگی دنیوی

فویل .. للمكذّبين . الذين هم في خوض يلعبون

تذکر خداوند به دین ستیزان (الذين هم في خوض)، در حقیقت هشداری به گرفتاران در پوچی دنیا است تا به فرجام آن بیندیشند و از پوچی به در آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۹

۹- آخرت طلبی ، ناسازگار با گرایش به دنیا و دلبسته شدن به آن

إنّ هؤلاء يحبّون العاجله و يذرون وراءهم يوماً ثقیلاً

ناپسندی دنیا طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۶

۶ مال و منال دنیا ، اموری ناپایدار و ناشایست برای دل بستگی

به آن

يأخذون عرض هذا الأذني

<أذني> افعال تفضيل و به معنای نزدیکتر است و مراد از آن، دنیا، در مقابل آخرت، می باشد. <عرض> در لغت به چیزی گفته می شود که ثبات ندارد و مقصود از آن مال و منال است. از آن رو به عرض تعبیر شده تا به زوال مال و منال اشاره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذين .. و رضوا بالحيوه الدنيا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۸

۸- دل بستگی به دنیا و برگزیدن آن بر آخرت ، محکوم و ناپسند است .

الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخره .. أولئك في ضلل بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۸

۸- متمرکز کردن تمامی هم و تلاش بر بهره‌وری هر چه بیشتر از تمتعات و لذت های دنیوی و دل بستن به آرزو های واهی ، امری ناپسند و محکوم است .

ذرههم يأكلوا و يتمتعوا و يلهمهم

آیه، تعریض است به اینکه: کافران هدایت ناپذیر، تمام همشان تمتعات دنیوی است؛ لذا باید آنان را به حال خود رها کرد و این حاکی از ناخرسندی خداوند از آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ - دل بستن به

زندگی گذرای دنیوی و مغرور شدن به آن ، کاری ناروا است .

إِنَّمَا تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - دلخوشی به دنیا و مظاهر آن ، نکوهیده و ناروا است .

و إِنَّا إِذَا... فرح بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۶ - ۱

۱ - کسی که سرانجامش مرگ است ، نباید دنیا را بر آخرت ترجیح دهد و خود را دل بسته آن کند .

بَلْ تَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ... كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ

نجات از دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۹

۹ - رهایی از جلوه های فانی دنیا و تلاش در راه نعمت های پایدار اخروی ، تنها در سایه ایمان و توکل بر خدا ممکن است .

فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ... و مَا عِنْدَ اللَّهِ... لِلَّذِينَ ءَامَنُوا و عَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

نشانه های دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ ترک جهاد و سستی در پیکار با دشمنان دین ، نشانه دنیاطلبی و دلبستگی به زندگی دنیوی است .

مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خودداری از انفاق ، نمودی از دنیامداری و بی تقوایی

فأعرض عن من تولى . . لم يرد إلا الحيوه

الدنيا... فلا تزكوا أنفسكم هو أعلم بمن

در صورتی که مراد از <تولی> اعراض از انفاق باشد، از تفریح <أفرايت..> بر آیات پیشین، می توان استفاده کرد که درینغورزان از انفاق، در زمره دنیامداران بی تقوا قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أئما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر ... و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

نهی از دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۲

۲ خدا ، مردم را از فریفته شدن به زندگی ناپایدار دنیا بر حذر داشته و به سرایی سراسر امن و سلامت (بهشت) فرامی خواند .

إنما مثل الحیوه الدنیا .. و الله یدعوا إلى دارالسلم

دوراندیشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دوراندیشی

آثار دوراندیشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۶

۱۶ توجه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیت طاغوت

اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۶

۶ توجه به فحشاخواهی شیطان ، عامل بازدارنده انسان از پذیرش وسوسه های او

الشیطان يعدکم الفقر

و یا مَرکَم بالفحشاء

بنابراینکه جمله <یا مَرکَم بالفحشاء>، تعلیلی برای جمله <یعدکم الفقر> باشد. یعنی به وعده ها و وسوسه های او گوش فرا ندهید؛ چه اینکه شما را به فحشا فرامی خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۹، ۱۱

۹ پذیرش آیینی غیر از اسلام، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یتبع غیر الاسلام دیناً... و هو فی الاخره من الخاسرین

۱۱ تسلیم در برابر خدا و انتخاب دین اسلام، نتیجه دوراندیشی انسان

و من یتبع غیر الاسلام... و هو فی الاخره من الخاسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ بیان فرجام و عاقبت شوم اعمال ناپسند، از روش های قرآن برای بازداشتن انسان ها از آن اعمال

و لا تکنوا کالذین تفرّقوا... و اولئک لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۹

۹ ارزیابی صحیح و عاقبت اندیشی، زمینه جلوگیری از انحراف

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۹

۹ اطلاع و آگاهی از مشکلات آینده، آسان کننده تحمل آن

و لتسمعَنَّ من الَّذِينَ اوتوا الكتب من قبلكم و من الَّذِينَ اشرکوا اذی کثیراً

هدف از آگاه کردن مسلمانان به آزار و اذیت مخالفان پیش از وقوع آن، برای آماده سازی آنان است تا با برخورد ناگهانی
تاب و تحمل

خویش را از دست ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳۰

۳۰ توجه به عاقبت و فرجام کارها، از معیارهای ارزشگذاری آنها

ذلک خیر و احسن تاویلا

خداوند، عاقبت نیک و فرجام خوش <اطاعت از خدا و...> را ملاک لزوم عمل به آنها قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۲

۲ آخرت اندیشی و توجه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلما کتب علیهم القتال... قل متاع الدنیا قلیل و الاخره خیر... این ما تکونوا

آثار دوران‌دیشی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۵

۵ سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف (ع) و تدبیر عالمانه او، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند.

و جاء إخوه یوسف

اهمیت دوران‌دیشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۸

۸ توجه به قیامت و خوف از آن، بازدارنده آدمی از اعمال ناشایست (ربا و...) و ترغیب کننده او به اعمال شایسته (انفاق،

صدقه و...)

يا ايها الذين امنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربوا .. و ان تصدقوا خير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - نساء - ٤ - ٥٩ - ٢٨

٢٨ خيراندیشی و فرجام نگرى

، مبنای توصیه های خداوند

ذلك خير و احسن تاويلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۹

۹- انسان وظیفه دار تأمل در جوانب خواسته ها و آمال خویش

و يدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخير و كان الإنسن عجولاً

در آیه فوق، یکی از نقاط ضعف بشری که منشأ آن شتابزدگی و دوراندیش نبودن است بیان شده که در حقیقت هشدار است به اینکه انسانها باید دوراندیش باشند و پیرامون مصالح خویش تأمل و تفکر نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- آینده نگری و تدبیر ، اصلی مهم در تنظیم صحیح خط مشی زندگی انسان

و لاتجعل يدك مغلوله .. و لاتبسطها ... فتقعد ملوماً محسوراً

خداوند بر اساس اصل آینده نگری که از جمله <فتقعد ملوماً محسوراً> استفاده می شود (چرا که <فاء> در <فتقعد> برای بیان نتیجه و پایان و آینده کار است) انسان را از افراط و تفریط در انفاق و ... منع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۵،۷

۵- لزوم دوراندیشی و توجه به مراحل که در آینده ، برای انسان پیش خواهد آمد .

لترکبنّ طبقاً عن طبق

۷- مراحل آینده انسان ، مراحل سرنوشت ساز و هر یک برتر و مهم تر از مرحله قبل و سزاوار آمادگی بیشتر است .

لترکبنّ طبقاً عن طبق

خبر از پیدایش حالت های پیاپی و تأکید آن با سوگندهای مکرر، هشدار است به انسان ها که برای آن چاره اندیشی

کنند.

تحقق دورانیشی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۸

۸ حدس و پیش بینی یوسف (ع) (تقویت عزم برادرانش برای آمدن به مصر با مشاهده بهای باز گرداننده شده) حدسی صائب و نظری بجا بود .

لعلهم يعرفونها .. لعلهم يرجعون ... ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلن

دورانیشی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۴

۴- انبیا و رهبران الهی نسبت به دستاورد ها و حاصل تلاش خویش ، دورانیش و حساس اند .

و إني خفت المولى من وراءی

دورانیشی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۴

۴- انبیا و رهبران الهی نسبت به دستاورد ها و حاصل تلاش خویش ، دورانیش و حساس اند .

و إني خفت المولى من وراءی

دورانیشی زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۱،۳

۱- زکریا (ع)، نگران تصرفات ناروای آنان که پس از مرگ او زمام مسؤولیت های وی را به دست می گیرند .

و ائنی خفت المولی من ورائی

<مولی> و <ولی> به یک معنا است؛ یعنی، کسی که پس از شخص، امور مربوط به او را سرپرستی کند (تاج العروس)؛
گرچه با او خویشاوند نباشد.

۳- زکریا (ع) پیش بینی می کرد که پس از وی دست های فراوانی حاصل تلاش او را به یغما برده و زحمات او را بی نتیجه
خواهند ساخت

و إني خفت المولى من وراءى

آنچه زکریا برای از دست رفتن یا انحراف آن پس از مرگ خود نگران بود، نبوت نبود، زیرا خداوند تنها صالحان را به مقام نبوت می‌رساند، بلکه مناصب و موقعیت‌های دینی اجتماعی او در میان مردم و یا اموالی بود که دخل و تصرف در آن به عهده او بود. وصف <یرثی و یرث...> در آیه بعد احتمال دوم را ترجیح می‌دهد.

دوراندیشی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۳ - ۳

۳ - فرعون ، تأثیر رسالت موسی (ع) را بر دیگران پیش بینی کرده و از آن وحشت داشت .

فحشر فنادی

دوراندیشی گروه‌های نه گانه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۷

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثمّ لنتقولنّ لولیه ما شهدنا مهلك أهله و إنا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می‌دهد که گروه‌های مزبور می‌اندیشیده‌اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولی دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

دوراندیشی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۸

۸ متقین ، مردمانی دور اندیش و در پی حیات جاودانه

أَمْ جِنَّةَ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ .. لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خُلْدِينَ كَانِ عَلَى رَبِّكَ وَعْدٌ

دوراندیشی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۳

۳ آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا ، ویژگی مجاهدان در راه خدا

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة

دوراندیشی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۷

۷ - دوراندیشی و آینده نگری نوح (ع) و آگاهی کامل آن حضرت از وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

دوراندیشی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۴،۵،۶،۸

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَحِدٍ .. مَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَحِدٍ .. مَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَحِدٍ .. مَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندانش خویش (اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای

بنیامین احساس کرده بود.

يعقوب (ع) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید .

*

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۹

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب (ع) برای فرزندانش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد .. إنه لذو علم لما علمنه

دورانیشی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب

حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

موانع دورانیشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ حسد و هوای نفس آدمی ، جلوگیری از پندپذیری و عاقبت اندیشی

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

نشانه های دورانیشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ برحذر بودن از دل‌بستگی به دنیا و فریفته نشدن به جلوه‌های ظاهری آن، نشانه‌ای است از تفکر و دوراندیشی.

إنما مثل الحیوه الدنیا .. کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

دوست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دوست

ارزش دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ -

۱۳ ارزش والای رفیق و همنشین خوب برای انسان

من يطع الله .. و حسن اولئک رفیقاً

چون رفاقت با انبیا و .. به عنوان پاداشی برای اطاعت کنندگان مطرح شده است، ارزش رفاقت و همنشینی با نیکان به دست می آید.

انفاق از دوست داشتنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۳، ۷، ۵، ۲، ۱

۱ باید انفاق از دستاورد های پاکیزه و مرغوب باشد .

انفقوا من طیبات ما کسبتم

۲ مؤمنان ، موظف به انفاق از دستاورد های پاکیزه و برداشت های خود از زمین هستند .

یا ایها الذین امنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض

۵ لزوم پرهیز مؤمنان از تمایل به چیز های نامرغوب و بی ارزش برای انفاق

و لا تیمموا الخیث منه تنفقون

<لا تیمموا> از <تیمم> به معنای قصد و تمایل است.

۷ احاله انفاق کننده به داوری وجدان خویش ، در پرهیز از اموال نامرغوب

و لا تیمموا الخیث منه تنفقون و لستم باخذیه

۱۳ توجه به غنای الهی و ستایش وی از انفاق کنندگان ، برانگیزنده آدمی به انفاق از اموال پاکیزه خویش

و اعلموا ان الله غنی حمید

مقصود از توجه دادن مؤمنان به بی نیازی خداوند و نیز ستایش وی از انفاق کنندگان، ایجاد انگیزه انفاق صحیح در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۲

۲ انفاق کنندگان در راه خداوند از اموالی مرغوب و بدون منت و آزار و ریا، برخورداران از حکمت

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ .. يُوْتِي الْحِكْمَةَ

من يشاء و من يؤت الحكمة فقد

به مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات سابق که درباره انفاق و احکام آن بود، می توان گفت که مراد از حکمت در این آیه، همان انفاق کردن با شرایط ویژه است و یا اینکه انفاق کردن، مصداقی از حکمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۳ - ۱۱

۱۱ دانایی خداوند ، به انفاق از خیر ها و نیکیها

و ما تنفقوا من خیر فانّ الله به علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۴، ۷، ۲، ۱

۱ دستیابی انسان به نیکی ، تنها در گرو انفاق از اشیای مورد علاقه خویش

لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا ممّا تحبّون

۲ کم ارزشی انفاق ، از اموال که مورد علاقه انفاق کننده نیست .

لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا ممّا تحبّون

رسیدن به <برّ> منوط به انفاق از اموال مورد علاقه است؛ پس انفاق از اموالی که مورد علاقه نباشد، بی ارزش نیست؛ بلکه صرفاً کم ارزش است.

۷ محرومیت بنی اسرائیل از مقام برّ ، پیامد ترک انفاق از اشیای مورد علاقه خود و دل بستگی آنان به دنیا *

لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا ممّا تحبّون

با توجه به آیات قبل و بعد می توان گفت: بنی اسرائیل از جمله مخاطبان آیه می باشند.

۱۴ رسیدن به پاداش نیک خدا در گرو انفاق از مال با وجود علاقه به آن و ترس از فقر

لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا ممّا تحبّون

از رسول الله (ص) درباره آیه فوق سؤال شد آن حضرت فرمود: هو ان ینفق العبد

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۹۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ قرض به خدا (انفاق) ، باید از چیز های نیک باشد .

و اقرضتم الله قرضاً حسناً

<قرض> وامی است که به دیگری پرداخت می شود. (لسان العرب). بر اساس این معنی، <قرضاً> مفعول به است و <حسناً> توصیف چیزی خواهد بود که مورد انفاق قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۸

۸ - > عن مُعْمَرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى < وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا > قَالَ : قَلت حُبَّ اللَّهِ أَوْ حُبَّ الطَّعَامِ ؟ قَالَ : حُبَّ الطَّعَامِ ؛

معمر بن خلّاد از امام رضا(ع) درباره سخن خدای تعالی <و يطعمون الطعام على حبه مسكيناً و يتيماً و أسيراً> روایت کرده که به امام گفتیم: [در <على حبه>] حُبّ خدا مراد است یا حُبّ طعام؟ فرمود: حُبّ طعام.

اهمیت دوست شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ ضرورت شناسایی دشمنان و دوستان جامعه ایمانی

لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . .. الذين قالوا إنا نصری

خوردن از خانه دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۹، ۲۲، ۱۵، ۱۳، ۴

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده

از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقکم

۱۳ - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بيوتكم ... أو صدیقکم

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفات

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بيوتكم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۹ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل : < أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقکم > قال : هؤلاء الذين سمى الله عزوجل في هذه الآية تأكل بغير إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذلك من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل <أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقکم> فرمود: افرادی که خداوند عزوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشیشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون

اجازه بخورید > .

دوست بی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ روی عن أبي عبدالله(ع) إنه قال: معنى <عذابا من فوقكم> السلطان الجائر <و من تحت أرجلكم> السفله و من لاخير فيه .. <و يذيق بعضكم بأس بعض> قال: سوء الجوار.

امام صادق(ع) فرمود: معنای <عذابا من فوقكم>، سلطان ستمگر و معنای <و من تحت أرجلكم>، زبردستان و افراد بی خیر و معنای <و يذيق بعضكم بأس بعض>، بدرفتاری همسایگان است.

عوامل محرومیت از امداد دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - ظلم ، موجب محرومیت از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان در هنگام مرگ و روز قیامت

ما للظلمين من حميم و لا شفيع يطاع

از یاد شدن کافران و مشرکان با عنوان ظالمان، برداشت بالا به دست می آید.

محدوده اختیارات دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۵، ۱۳

۱۳ - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

ليس على الأعمى حرج .. أن تأكلوا من بيوتكم ... أو صدقكم

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

ليس على الأعمى حرج .. و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفات

محدوده استیذان از دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ - استفاده از خوراکی

های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

ليس على الأعمى حرج ... ولا على أنفسمكم أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفات

محرومان از امداد دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳، ۱۱، ۹

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمين من حميم و لا شفيع يطاع

<حميم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القريب المشفق> (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

۱۱ - محرومیت ستمگران به هنگام دشواری مرگ از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان

ما للظلمين من حميم و لا شفيع يطاع

۱۳ - کفر و شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند .

ما للظلمين من حميم و لا شفيع يطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمين> آنان می باشند.

ملاك انتخاب دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ صداقت ، علم و صلاح ، از معیار های انتخاب رفیق

و حسن اولئك رفيقاً

در برداشت فوق ، <الشهداء> به معنای عالمان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- پای بندی به دعا و عبادت ، شرط شایستگی افراد برای

همنشینی و مصاحبت است .

و اصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۷

۷ - لزوم رعایت معیار های ارزشی و معنوی در انتخاب دوست

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين

نقش دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۸

۸ - تأثیر مهم روابط صمیمانه و ماهیت دوستان ، در موضع گیری های دینی انسان و فرجام اخروی او

فاختلف الأحزاب .. الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه اختلاف گروهی و احزاب درباره عیسی (ع) و دین الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

نقش دوست بد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۴ - ۱،۲،۴

۱ اظهار تأسف و ناراحتی شدید ستم گران در قیامت ، از دوستی با افراد ناباب در دنیا

الظالم .. یویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً

<خلیل> به معنای صدیق و دوست است.

۲ دوستی با افراد ناباب ، دارای تأثیر سوء بر عقیده و رفتار انسان و مؤثر در سرنوشت او

یویلتی لیتنی لم اتّخذ فلاناً خلیلاً

۴ دوستی با افراد ناباب ، موجب تأسف و پشیمانی شدید در روز قیامت

یویلتی لیتنی لم اتّخذ فلاناً خلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۱،۲،۵

۱ ظالمان در روز رستاخیز ، دوستان ناباب را عامل گمراهی خود خواهند شمرد .

و یوم یعضّ الظالم علی یدیہ یقول

یلتنی اتخذت مع الرسول . . . لم اتخذ فلاناً خل

۲ دوستی و نزدیکی با افراد ناباب ، عامل غفلت و دوری از تعالیم بیدارگر قرآن

لقد أضلّني عن الذكر بعد إذ جاءني

مقصود از <الذكر> به قرینه آیه بعد که از مهجور شدن قرآن و فراموش شدن آن در میان جامعه سخن می گوید و نیز به این دلیل که یکی از نام های قرآن، <ذکر> است، قرآن می باشد.

۵ دوستی با افراد ناباب ، دارای تأثیر سوء در رفتار و عقیده انسان و مؤثر در سرنوشت او

یلتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً. لقد أضلّني عن الذكر بعد إذ جاءني

نیاز به دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۲

۲ - نیاز انسان به دوستِ دلسوز ، حتی در قیامت

و لاصدیق حمیم

حسرت گمراهان بر نداشتن رفیق، نشانگر نیاز و کمبود آنان است.

دوست شناسی

اهمیت دوست شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ ضرورت شناسایی دشمنان و دوستان جامعه ایمانی

لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . . . الذین قالوا إنّنا نصری

دوستان

احسان به دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ ضرورت احسان به همسایگان نزدیک و دور و دوستان و همراهان

احساناً .. و الجار ذی القربى و الجار الجنب و الصاحب بالجنب

در برداشت فوق، دور و نزدیکی همسایه به لحاظ دوری و نزدیکی خانه او معنا شده است. گفتمنی است که <جنب> به معنای پهلوست و مراد از آن،

همراهان نزدیک و رفیقان همراه است.

اطاعت از دوستان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ اطاعت از شیطان و اولیای آن، شرک است.

و إن أطمعتموهم إنکم لمشركون

بیوفایی دوستان مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۳ - ۵

۵- یاران دوران رفاه و توان مندی، به وقت گران باری و تهیدستی، ناپیدایند.

و أُحیط بثمره .. و لم تکن له فئه ینصرونه من دون الله

در آیه، سخنی درباره نابودی نفرات مرد ثروت مند به میان نیامده است، لذا ممکن است که عبارت <لم تکن له فئه > بدان معنا باشد که افراد وی، با مشاهده نابودی اموال ارباب خود، از اطراف او متفرق شدند و او را مدد نکردند.

بینش غلط مال دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۲

۲ - پندار عزت در پیشگاه خداوند، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند، پنداری موهوم است.

رَبِّي أَكْرَمَن .. كَلَّا ... وَ تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

تشبیه دوستان بد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ دوست ناباب ، چونان شیطان است .

یویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً . لقد أضلّنی عن الذکر... و كان الشیطن للإن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و كان الشیطان..> دنباله سخن ظالمان باشد و مقصود از <شیطان> ابلیس

نباشد؛ بلکه نامی باشد که ظالمان برای دوستان ناباب و گمراه

گر خود انتخاب کرده باشند؛ زیرا عمل گمراهی، کار شیطان است و هر کس چنین کاری را انجام دهد، همچون شیطان خواهد بود.

جنگ با دوستان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله .. فقاتلوا اولياء الشيطان

دشمنی اخروی دوستان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - > عن علي (ع) قال : في ... خليلين كافرين ... أميا الكافرين فتخالأ- بمعصيه الله و تباذلا- عليها و توادا عليها فمات أحدهما قبل صاحبه فأراه الله تبارك و تعالى منزله في النار فقال يا ربّ فلان خليلي كان يأمرني بمعصيتك و ينهاني عن طاعتك فثبتته على ما ثبتني عليه من المعاصي حتى تُريه ما أريتني من العذاب فيلتقيان عند الله يوم القيامة يقول كلّ واحد منهما لصاحبه جزاك الله من خليل شرّاً كنت تأمرني بمعصيه الله و تنهاني عن طاعه الله قال ثمّ قرأ (ع) > الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقين < ... ;

از امام علی(ع) روایت شده که درباره دو دوست کافر فرمود: .. اما آن دو کافر، دوستی آنان در نافرمانی خداوند بوده و در این نافرمانی به یکدیگر کمک کرده و دوستی نموده بودند یکی از آنان قبل از دوست دیگری مرده و جایگاهش را در آتش به او نشان می دهند؛ پس می

گوید: پروردگارا! فلانی دوست من بود و مرا به نافرمانی تو دستور می داد و از طاعت تو نهی می کرد. پس او را بر همان چیزی ثابت قدم بدار که مرا بر آن نگه داشت تا به او نشان دهی عذابی را که به من نشان دادی، پس در روز قیامت همدیگر را ملاقات می کنند و هر یک از آنان به دوست خود می گوید: خداوند تو را به عنوان <دوست>، جزای شرّ بدهد! مرا به نافرمانی خدا دستور می دادی و از اطاعت خدا نهی می کردی. راوی گوید: حضرت علی(ع) سپس آیه <الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتّقین> را تلاوت فرمود...<

دوستان بد ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۱

۱ ظالمان در روز رستاخیز، دوستان ناباب را عامل گمراهی خود خواهند شمرد .

و یوم یعضّ الظالم علی یدیهِ یقول یلینتی اتّخذت مع الرسول .. لم اتّخذ فلاناً خل

دوستان بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- کافران، بدعت گزاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لتفتری علینا غیره و إذا لاتّخذوک خلیلاً

دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۲

۲- نیاز انسان به دوستِ دلسوز، حتی در قیامت

و لاصدیق حمیم

حسرت گمراهان بر نداشتن رفیق، نشانگر نیاز و کمبود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل شدن

دوستی های غیرخدایی ، به عداوت و دشمنی در قیامت

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جويا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۲

۲ - اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جويا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد .

و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <یبصرونهم>، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

دوستان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ پیروان شیاطین جن، دوستان آنان هستند.

يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس و قال أولياؤهم من الإنس

دوستان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱،۴،۷

۱ شیطان با ایجاد ترس و وحشت ، دوستانش را از شرکت در جهاد بازمی دارد .

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف

۴ کسانی که به خاطر ترس از شرکت در جهاد خودداری می کنند، از اولیاء و دوستان شیطان هستند.

أَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

از <أَنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ>، معلوم می شود که شیطان (ابلیس و یا جاسوس دشمن)، همه مؤمنان را می ترساند، ولی از <يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین مراد از <يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ>، فعلیت و تحقق ترس می باشد که مخصوص دوستان شیطان است. پس کسانی که به خاطر ترس، از جهاد خودداری کنند، اولیای شیطانند.

۷ لشگریان کفر و شرک و دشمنان اسلام، دوستان شیطانند.

أَنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ .. أَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

برداشت فوق بر این اساس است که <كُم> از <يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ> حذف شده باشد؛ یعنی <يَخَوْفُكُمْ أَوْلِيَاءَهُ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۷

۷ طاغوت ها و هموارکنندگان راه آنان، دوستان و یاوران شیطانند.

و الَّذِينَ كَفَرُوا يَفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ

مراد از اولیای شیطان به قرینه فای تفریع در <فقاتلوا>، کافران و طاغوتها هستند. گفتنی است که در برداشت فوق، شیطان، غیر طاغوت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۲، ۱۱

۱۱ جدال کنندگان در مورد احکام روشن خداوند دوستان شیطانند.

و إِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلِيَ أَوْلِيَاءَهُمْ لِيَجْذُلُوكُمْ

۱۲ دوستان شیطان در مسیر مبارزه با دین و احکام الهی آن هستند.

و إن الشيطان ليوحون إلى أوليائهم ليجدلوكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - مريم

۱۲- گرفتاران به عذاب الهی ، همراه و قرین شیطان خواهند بود .

يَمْسُكُ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

دوستان طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۷

۷ طاغوت ها و هموارکنندگان راه آنان ، دوستان و یاوران شیطانند .

و الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ

مراد از اولیای شیطان به قرینه فای تفریع در <فقاتلوا>، کافران و طاغوتها هستند. گفتنی است که در برداشت فوق، شیطان، غیر طاغوت گرفته شده است.

دوستان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- کافران ، بدعت گذاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لَتَفْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا

دوستان کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۵

۵ - برقرارکنندگان روابط دوستانه و مسالمت آمیز ، با کسانی که به دین و سرزمین مسلمانان هجوم آورده اند ، ظالمان واقعی هستند .

و من يتولّهم فأولئك هم الظالمون

دوستان متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۲

۲ - مودت و دوستی تقوایندگان ، پابرجا و مستحکم حتی در قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقین

رؤیت دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، خویشان و دوستان هر فردی ، به وی نشان داده خواهند شد .

حمیمًا . یبصرونهم

صلابت دوستان

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۸

۲۸ دلباختگان خداوند ، فروتن در برابر مؤمنان ، سرفراز در قبال کافران و مجاهدانی بی پروا از ملامت دشمنان دین

يحبونه اذله على المؤمنين .. يجهدون في سبيل الله ولا يخافون لومه لائم

عوامل تهدید مال دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۵

۵ - صحنه برملا شدن رازها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا يعلم إذا .. و حصل ما في الصدور

عوامل محرومیت از حمایت دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن و ترغیب نکردن دیگران به تغذیه گرسنگان و بینوایان ، سبب محرومیت از حمایت نزدیکان و دوستان

صمیمی در قیامت

إنه كان لا يؤمن .. فليس له اليوم ههنا حميم

مال دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۸

۸ - مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید

بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لا تَكْرُمُونَ . . . و لا تَحْضُونَ . . . تَأْكُلُونَ . . . تَحِبُّونَ . . . كَلَّا . . . يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسُ

مال دوستان و عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۲

۲ - پندار عزت در پیشگاه خداوند ، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند ،

پنداری موهوم است .

رَبِّي أَكْرَمَن .. كَلَّا ... وَتَحْبُونَ الْمَالَ حَبًّا جَمًّا

محرومیت از حمایت دوستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

ویژگیهای دوستان ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۹ - ۵

۵ - ظالمان ، دوست و یاور کسانی که همچون خودشان ، ظالم و سیه کاراند .

وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

دوستان خدا

{دوستان خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۸،۹

۸ خداوند نوید بخش ظهور مجاهدانی نستوه ، محبوب خدا و دوستدار وی ، متواضع در برابر مؤمنان و سرافراز بر کافران

فسوف يأتي الله بقوم .. و لا يخافون لومه لائم

۹ عشق به خدا و محبوب وی شدن ، فروتنی در برابر اهل ایمان و سرفرازی در مقابل کافران ، از صفات مؤمنان واقعی

فسوف يأتي الله بقوم .. اعزه على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۲

۲ دوستداران خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، از زمره حزب خدا

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

بدان احتمال که <تولی> به

معنای دوست داشتن باشد.

صلابت دوستان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۸

۲۸ دلباختگان خداوند ، فروتن در برابر مؤمنان ، سرفراز در قبال کافران و مجاهدانی بی پروا از ملامت دشمنان دین

يَجِبُونَهُ اِذْ لَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ . . . يَجْهَدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لائمٍ

دوستان کافران

{دوستان کافران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۶

۲۶ دوستداران اهل کفر ، رویگردان از جهاد در راه خدا و هراسان و درمانده در برابر سرزنش دشمنان

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّٰه یقوم یحبهم

دوستان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- کافران ، بدعت گذاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لتفتري علينا غيره و إذا لاتخذوك خلیلاً

دوستان کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۵

۵ - برقرارکنندگان روابط دوستانه و مسالمت آمیز ، با کسانی که به دین و سرزمین مسلمانان هجوم آورده اند ، ظالمان واقعی هستند .

و من يتولّهم فأولئك هم الظالمون

دوستان مؤمنان

{دوستان مؤمنان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۲

۲ دوستداران خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، از زمره حزب خدا

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

بدان احتمال که <تولی> به معنای دوست داشتن باشد.

دوستان محمد(ص)

{دوستان محمد(ص)}

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۲

دوستان مسلمانان

{دوستان مسلمانان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۵،۶،۱۰

۵ نصارا دارای نزدیکترین روابط عاطفی و دوستانه با مسلمانان

و لتجدن اقربهم موده للذین ءامنوا الذین قالوا إنا نصری

۶ حضور کشیشان و راهبان خداترس در بین مسیحیان موجب دوستی و نزدیکی آنان با مسلمانان

اقربهم موده للذین ءامنوا الذین .. ذلك بان منهم قسيسین و رهباناً

۱۰ نبود روحیه سلطه گری و گردن فرازی در بین نصارا زمینه مودت و دوستی آنان با مسلمانان

اقربهم موده للذین ءامنوا الذین قالوا إنا نصری .. و انهم لایستکبرون

بدان احتمال که فعل <لایستکبرون> دارای متعلقی محذوف نباشد در این صورت لایستکبرون به این معنا است که آنان خواهان سلطه گری و گردن فرازی نیستند.

دوستاناران خدا

{دوستاناران خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۷

۷ - خداوند محبوبترین حقیقت هستی ، در نزد مؤمنان موحد است .

و الذین ءامنوا أشد حباً لله

مقصود از <الذین ءامنوا> - به قرینه فراز قبل و نیز آیات گذشته - موحدانی هستند که تنها خداوند را عبادت می کنند و هیچ کس و هیچ چیز را همانند او نمی دانند. <أشد> افعال تفضیل است و مفضل علیه آن ذکر نشده تا شامل هر چیز و هر کس بشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۱۷، ۲، ۱

۱ پیامبر (ص) مأمور فراخوانی دوستان خدا به

پیروی از خویش

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني

۲ دوستداران راستین خداوند ، پیروان پیامبر (ص) هستند .

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني

۱۷ نصارا ، مدعی دوست داشتن خدا

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني

در جمله <ان كنتم...> فرض شده که مخاطبان مدعی دوست داشتن خداوند هستند و بنابر آنچه مجمع البیان در شأن نزول آیه آورده مراد از مخاطبان آیه مسیحیان می باشند.

پاکی دوستداران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابنوا الله و احبوه قل فلم يعذبكم بذنوبكم

دوستی

آثار اخروی دوستی با بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

آثار دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۶

۶ محبت و دوستی ، مشوق و محرک انسان به عمل

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ نقش همراه و همدم در جان و روح آدمی و در اعمال و کردار وی

و الذین

ينفقوا اموالهم رياء الناس . . . و من يكن الشيطان له قريناً فساء قريناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۷، ۲۶

۱۷ - رابطه خویشاوندی و دوستی ، منشأ پیدایش حق است .

ليس على الأعمى حرج . . . و لا على أنفككم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ...

۲۶ - پیوند خویشاوندی و دوستی و ارتباطات نزدیک ، نباید موجب سهل انگاری در رعایت ادب اسلامی و آداب معاشرتی میان خویشاوندان و دوستان گردد .

ليس على الأعمى حرج . . . و لا على أنفككم أن تأكلوا من بيوتكم ... أو صديقكم ... فإ

برداشت یاد شده به خاطر این است که غالباً پیوند دوستی و خویشاوندی، سبب سهل انگاری در رعایت ادب فیما بین می شود. از این رو می توان گفت: خداوند توصیه فرمود که مسلمانان به هنگام ملاقات با دوستان و خویشاوندان خود، سلام کنند و....

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۸

۸ - تأثیر مهم روابط صمیمانه و ماهیت دوستان ، در موضع گیری های دینی انسان و فرجام اخروی او

فاختلف الأحزاب . . الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوٌ

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه اختلاف گروهی و احزاب درباره عیسی(ع) و دین الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

آثار دوستی با بدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۱، ۲، ۴

۱ اظهار تأسف و ناراحتی شدید ستم گران در قیامت ، از دوستی با افراد ناباب

الظالم ... یویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً

<خلیل> به معنای صدیق و دوست است.

۲ دوستی با افراد ناباب ، دارای تأثیر سوء بر عقیده و رفتار انسان و مؤثر در سرنوشت او

یویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً

۴ دوستی با افراد ناباب ، موجب تأسف و پشیمانی شدید در روز قیامت

یویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۵، ۹، ۲، ۱

۱ ظالمان در روز رستاخیز ، دوستان ناباب را عامل گمراهی خود خواهند شمرد .

و یوم یعضّ الظالم علی یدیهِ یقول یلیتنی اتّخذت مع الرسول .. لم أتخذ فلاناً خل

۲ دوستی و نزدیکی با افراد ناباب ، عامل غفلت و دوری از تعالیم بیدارگر قرآن

لقد أضلّنی عن الذکر بعد إذ جاءنی

مقصود از <الذکر> به قرینه آیه بعد که از مهجور شدن قرآن و فراموش شدن آن در میان جامعه سخن می گوید و نیز به این دلیل که یکی از نام های قرآن ، <ذکر> است، قرآن می باشد.

۵ دوستی با افراد ناباب ، دارای تأثیر سوء در رفتار و عقیده انسان و مؤثر در سرنوشت او

یلیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً. لقد أضلّنی عن الذکر بعد إذ جاءنی

۹ جدایی از راه پیامبران ، دوستی با افراد ناباب و بیگانه شدن با تعالیم قرآن ، موجب درافتادن به ورطه خواری و نهایت ذلت

یویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً. لقد أضلّنی عن الذکر ... و کان الشیطن للا

آثار دوستی با رهبران مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - اظهار پشیمانی مشرکان پیرو در صحنه قیامت ، از دوستی با سران شرک و اطاعت از ایشان در دنیا

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کزّه فتتبرأ منهم

آثار دوستی با شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۹

۹ دوستی با شیاطین زمینه پذیرش القائات باطل آنان است.

و إن الشیطن لیوحون إلی أولیائهم لیجدلوکم

آثار دوستی با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۶

۶ دوست پنداشتن شیاطین، نابود کننده زمینه هدایت

و فریقاً حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطن أولیاء

کلمه <ولی> می تواند به معنای دوست و نیز به معنای سرپرست باشد. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۲

۲ - همدمی با شیطان ، کیفر الهی برای اعراض کنندگان از یاد او

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً

آثار دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ مسلمانانی که با کفار و دشمنان اسلام پیوند دوستی و موالات می بندند ، مردمانی ستم پیشه اند .

إن استحبوا الكفر على الإيمان و من يتولهم منكم فأولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۳

۳ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، در پی دارنده عذابی دردناک

بشر المنفقين بأن لهم عذاباً أليماً. الذين يتخذون الكافرين أولياء

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، خیانت در جنگ، خدعه با خدا، سستی در عبادت، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است.

و من یضلل الله فلن تجد له سیبلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ برقراری پیوند های دوستی با کافران از سوی اهل ایمان، تباه کننده اعمال نیک آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۵، ۱۰

۱۰ محرومیت مسلمانان از محبت خداوند، در صورت ایجاد روابط دوستانه با کافران

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم

۱۵ دوستی با کافران (یهود، نصارا و...)، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفرازی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه... اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۷، ۱۴

۱۴ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری کثیراً منهم یتولون... لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم

۱۷ غضب الہی و عذاب ہمیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی

با آنان

یتولون الذین کفروا لبئس .. ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خلدون

آثار دوستی با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۲

۲ - دوستی مجرمان ، عامل گمراهی انسان ها

و ما أضلنا إلا المجرمون

آثار دوستی با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶، ۱۲

۱۲ روابط دوستانه گروهی از مسلمانان عصر پیامبر (ص) ، با یهود و نصارا ، موجب تباهی اعمال نیک گذشته آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

۱۶ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا ، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

بدان احتمال که مراد از <اعمالهم> تلاشهایی است که بیمار دلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند / بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ دوستی با کافران (یهود ، نصارا و ...) ، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفریزی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

آثار دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶، ۱۲

۱۲ روابط دوستانه گروهی از مسلمانان عصر پیامبر (ص)، با یهود و نصارا، موجب تباهی اعمال نیک گذشته آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

بدان احتمال که مراد از <اعملهم> تلاشهایی است که بیماردلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند؛ بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ دوستی با کافران (یهود، نصارا و...)، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفریزی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۵

۵ - برقراری رابطه دوستی منافقان با یهودیان، مصداق بارز زشت کاری آنان و سبب دچار شدنشان به عذاب سخت الهی

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا .. إنهم ساء ما کانوا یعملون

آثار دوستی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۹

۹ - دوستی ها و پیروی های انسان بر محور باطل، در پی دارنده دشمنی و اختلاف در قیامت است.

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا

آثار دوستی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۲ - ۳

۳ دوستی خدا ، مایه رفع اندوه و ترس انسان است .

ألا إن أولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون

آثار مال دوستی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۲

۴۲ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلاتخشوا الناس . . . و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱،۴

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها ... أحب إليکم من الله و رسوله و جهاد

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبيله فتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۲

۱۲ دلبستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

از مفهوم آیه برداشت می شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دلبستگی، از پرداخت آن سرباز می زنند، آلوده اند و رشد نخواهند یافت.

جلد - نام

۴ - غفلت و باز ماندن از یاد خداوند ، طبیعت دلبسته شدن به مال و اولاد

لا تلهکم أموالکم و لا أولدکم

<إلهاء> (مصدر <تلهکم>) به معنای مشغول و سرگرم کردن است. نسبت دادن <إلهاء> به <اموال و اولاد> گویای مطلب یاد شده است. گفتنی است که لازمه مشغول کردن به خود، ایجاد غفلت از یاد خدا می باشد.

۵ - مؤمنان ، در معرض غفلت از یاد خدا ، به خاطر دلبسته شدن به اموال و اولاد

يأتیها الذین ءامنوا لاتلهکم أموالکم و لا أولدکم عن ذکر اللّٰه

۷ - دلبستگی به مال و اولاد و غفلت از یاد خدا ، موجب خسران برای انسان

و من یفعل ذلک فأولئک هم الخسرون

۸ - دلبستگان به مال و اولاد ، غافل از یاد خدا و دارای فرجامی خسارت بار

و من یفعل ذلک فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - وابستگی و دلبستگی به اموال و اولاد ، زمینه ساز لغزش انسان ها و ممانعت از دین داری است .

إنما أموالکم و أولدکم فتنه

۳ - هشدار خداوند به مؤمنان ، نسبت به لغزش و نافرمانی کردن به خاطر دلبستگی و وابستگی به مال و فرزند

إنما أموالکم و أولدکم فتنه

۴ - علاقه و دلبستگی به اموال و اولاد ، نباید مانع از دین داری و انجام تکالیف الهی شود .

إنما أموالکم و أولدکم فتنه

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول آیات است که در آیه قبل توضیح داده شد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۳،۴،۶

۳ - افراط در مال دوستی ، حتی برای تهی دستان ، ذلت آفرین است .

رَبِّي أَهْنَن . كَلَّا ... تَحْبُونَ الْمَالَ حَبًّا جَمًّا

۴ - علاقه به ثروت ، از عوامل بی توجهی به بینوایان و ترک تلاش در رفع گرسنگی آنان است .

و لَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ . . . و تَحْبُونَ الْمَالَ حَبًّا جَمًّا

ارتباط این آیه و آیه قبل با دو آیه پیش از آنها، بیانگر برداشت یاد شده است.

۶ - دل بستگی به ثروت ، شکست در آزمون الهی است .

ابتلیه . . . و تَحْبُونَ الْمَالَ حَبًّا جَمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۵ - ۲

۲ - ترک یتیم نوازی ، بی توجهی به تغذیه فقیران ، تصاحب ارث دیگران و دل بستگی شدید به ثروت ، مایه گرفتاری به

عذابی بی نظیر در قیامت

فیومئذ لا یعذب عذابه أحد

ضمیر <عذابه>، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب که اسم مصدر و به معنای تعذیب است به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به گونه ای انجام می گیرد که کسی جز خداوند آن گونه عذاب نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۶

۶ - مال دوستی ، از ریشه های بخل است .

لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيد

اجتناب از دوستی با دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱

۱ - فرمان الهی به مؤمنان ، در اجتناب از دوستی با دشمنان خدا و دشمنان جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ

اجتناب از دوستی با دشمنان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱

۱ - فرمان الهی به مؤمنان ، در اجتناب از دوستی با دشمنان خدا و دشمنان جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ

اجتناب از دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لَا تَتَّخِذُوا .. الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ

<هزوا> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

اجتناب از مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۹ - ۶

۶ - دل بسته نشدن به مال و اولاد ، سفارش خداوند به مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَلْهَكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۸

۸ - ارج نهادن به یتیمان ، تغذیه نیازمندان ، پرهیز از غضب ارث دیگران و دل نبستن به ثروت ، توشه هایی سودمند برای آخرت

لا تکرمون . . . لا تحضون ... تأکلون ... تحبون ... یلیتنی قدّمت لحياتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۴،۵

۴ - آزمون دانستن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، سیر کردن گرسنگان ، تصرف نکردن

ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه های وحشت بار قیامت

فَأَمَّا الْإِنْسَانَ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسَ الْمَطْمَئِنَّةَ

<نفس مطمئن> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، میرا باشد.

۵- آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فَأَمَّا الْإِنْسَانَ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسَ الْمَطْمَئِنَّةَ

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۸

۸- آزمون دیدن فقر و غنا، گرمی داشت یتیمان، تغذیه فقیران، ترک تصرف ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی، مایه احساس رضایت انسان از خداوند و زمینه ساز رضایت خداوند از او است.

فَأَمَّا الْإِنْسَانَ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً

نفس <راضی> و <مرضی> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، میرا باشد.

احکام دوستی با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۱

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحْبَبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

احکام دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءِآبَاءَ كُفْرٍ وَ إِبْنَانَهُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

انسان دوستی ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۵ - ۷

۷- ذوالقرنین ، دارای روحیه توحیدی و انسان دوستی و ستیز با متجاوزان بود .

مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ

ذوالقرنین، در عین پیشنهاد مردم برای دریافت کارمزد برای ساختن سدّ، از پذیرفتن آن امتناع کرده و با امکانات و قدرت خدادادی، در حمایت از آسیب پذیران، به ساختن سدّ می پردازد. این برخورد، بشان دهنده روحیات ذوالقرنین است.

اهمیت خود دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۴

۴ حب نفس ، قوی ترین غریزه در انسان است .

و لو أن لكل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

اینکه شخص معذب، حاضر است تمامی آنچه را که در زمین است اگر در اختیارش می بود جهت نجات خود، نثار کند، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

ایمان و دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل

إليه ما اتخذوهم أولياء

بی اعتباری دوستی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۸ - ۹ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاً و لاذمه

بی اعتباری دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۸ - ۹ - ۳،۶

۳ غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاً و لاذمه

<إل> در لغت به معنای عهد، قسم و قرابت (خویشاوندی) آمده است (قاموس المحيط) ولی در این آیه به قرینه آمدن واژه <ذمه> که به معنای عهد است معنای قرابت و خویشاوندی مقصود است.

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاً و لاذمه

بی اعتباری دوستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۸ - ۹ - ۳

۳ غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلّا و لاذمہ

<إلّ> در لغت به معنای عهد، قسم و قرابت (خویشاوندی) آمده است (قاموس المحيط) ولی در این آیه به قرینه آمدن واژه <ذمه> که به معنای عهد است معنای قرابت و خویشاوندی مقصود است.

پاداش ترک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۶

۶- رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها، دارای پاداش بزرگ الهی است.

و الله عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

تداوم دوستی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۲

۲- مودت و دوستی تقوایندگان، پابرجا و مستحکم حتی در قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقین

ترک دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۷

۷ ضرورت پرهیز از دوستی با کافران و مشرکان

و لو كانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مناسبت که مراد از <النبی> پیامبر بنی اسرائیل باشد نه پیامبر اسلام (ص) و در نتیجه مراد از <ما انزل

إلیه> دستورات دینی بنی اسرائیل خواهد بود.

ترک دوستی با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ لزوم قطع پیوند ، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند .

لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء .. و من يتولهم منكم فانه منهم

جمله <فانه منهم> می رساند که هر مسلمانی که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله >

لاتتخذوا... > دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

ترک دوستی با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۷

۷ ضرورت پرهیز از دوستی با کافران و مشرکان

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <النبي> پیامبر بنی اسرائیل باشد نه پیامبر اسلام (ص) و در نتیجه مراد از <ما أنزل إليه> دستورات دینی بنی اسرائیل خواهد بود.

ترک دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ لزوم قطع پیوند، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند.

لاتتخذوا اليهود و النصری أولياء... و من يتولهم منكم فانه منهم

جمله <فانه منهم> می رساند که هر مسلمانی که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله <ولاتتخذوا...> دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

تهدید مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۴

۴ - معاد، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لكنود... لحبّ الخیر لشدید. أفلا يعلم إذا بعثر ما فی القبور

حرمت دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۱،۳

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا

... أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يأبها الذين ءامنوا لا تتخذوا ءاباءكم و إخوانكم أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۵

۵ حرمت برقرار ساختن پیوند های دوستانه با کافران

الذين يتخذون الكافرين أولياء من دون المؤمنين

در برداشت فوق، <اولی>، به معنای دوستی و موَدّت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱

۱ حرمت ایجاد روابط دوستی و موَدّت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

يأبها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين أولياء من دون المؤمنين

حرمت دوستی با منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۷

۷ حرمت برقراری روابط دوستی با منافقان و پذیرش ولایت و حکومت آنان

إنّ المنافقين ... لاتتخذوا الكافرين أولياء

حقوق دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

ليس على الأعمى حرج ... ولا على أنفككم أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفات

دروغگویی مدعیان دوستی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۶

۶ - ترس از مرگ ، نشان دروغ گویی مدعیان دوستی با خداوند

فتمنوا الموت إن

کنتم صدقین

دلایل رد دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالموذّه و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

عبارت <و قد کفروا..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لاتتخذوا عدوی) است.

دوستی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۵

۲۵- اصحاب کهف ، باهم ، هماهنگ و صمیمی بودند .

بورقکم هذه

استناد یافتن پول و سرمایه در <بورقکم> به تمامی افراد، حاکی از نکته یاد شده است.

دوستی اعضای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۹

۹ - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم موذّه و رحمه

احتمال دارد عبارت <و جعل بینکم..> ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۵، ۱۲

۱۲ - پیدایش دوستی و محبت میان انسان ها ، برخاسته از لطف و عنایت خداوند و از آیات او است .

و من آیته ... و جعل بینکم موّده و رحمه

نکته فوق بنابر این احتمال است که خطاب <و جعل بینکم موّده.. > خطاب به همه انسان ها است.

۱۵ - اندیشمندان و متفکران ، آیه الهی بودن

روابط دوستانه زن و شوهر و محبت بین انسان ها را درمی یابد .

و من آیته أن .. و جعل بینکم مودّه و رحمہ إنّ فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

دوستی اهل مدینه و اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۱

۱ - امیدبخشی خداوند به مؤمنان مدینه ، درباره اصلاح روابط آنان و اهل مکه

عسی اللّٰه أن یجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودّه

دوستی با استهزاگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۷،۴

۴ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که نماز و اذان را بازیچه می پندارند و آن را به تمسخر می گیرند .

لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. و إذا نادیتم إلی الصّلوٰه

۷ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که حتی برخی از احکام و شعایر دین را به بازی گرفته و مورد تمسخر قرار می دهند .

*

لا تتخذوا الذین .. و إذا نادیتم إلی الصّلوٰه اتخذوها هزواً و لعباً

تحریم دوستی با استهزا کنندگان نماز پس از تحریم دوستی با استهزا کنندگان دین، می تواند گویای این نکته باشد که تمسخر هر یک از احکام اسلام، مصداق استهزای دین است و همان حکم (حرمت ایجاد روابط) را در پی خواهد داشت.

دوستی با امدادگران کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۳

۳ - ممنوعیت دوستی و مسالمت با یاری دهندگان و پشتیبانان عناصر مهاجم به دین و سرزمین مسلمانان

إِنَّمَا يَنْهَىكُمُ اللّٰهُ عَنِ

الذين .. و ظهوروا على إخراجكم

دوستی با اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۴۶ - ۱۳

۱۳- > عن أبي عبدالله (ع) [انه قال] يا حصين ! لاتستصغرنّ مودتنا ؛ فإنّها من الباقيات الصالحات ؛

از امام صادق (ع) روایت شده که [به حصین بن عبدالرحمان] فرمود: ای حصین! دوستی ما (اهل بیت) را هرگز کوچک
مشمار، که آن، از <باقیات صالحات> است.

دوستی با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲، ۴

۴ بی احترامی برخی اهل کتاب به مقدسات اسلام، دلیل تحریم ایجاد رابطه ولایی و دوستی با آنان

لاتتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزواً و لعباً من الذين اتوا الكتب .. أولياء

هدف از تبیین <الذين> با جمله <اتخذوا ..>، بیان علت تحریم ایجاد روابط دوستی با اهل کتاب است.

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذين ءامنوا لاتتخذوا الذين .. أولياء و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين > می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی برقرار
کرده بودند.

دوستی با برادر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يأيها الذين ءامنوا لا تتخذوا ءاباءكم و

إخوانكم أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

دوستی با پدر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يأبها الذين آمنوا لا تتخذوا آباءكم وإخوانكم أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

دوستی با جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

وقال أولياؤهم من الإنس

دوستی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۶

۶ دوستی با خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان و تبرّی از دشمنان آنان، از نشانه های ایمان راستین

ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين وليجة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۵

۵ خداوند، بی نیاز از دوست گرفتن مردم حتی بر گزیدگان ایشان برای خویش

واتخذ الله إبراهيم خليلا. والله ما في السموت وما في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- اعمال نیک انسان (نماز ، انفاق و ...) داد و ستد و دوستی با خداوند است .

یقیموا الصلوه و ینفقوا .. من قبل أن یأتی یوم لایبع فیہ و لا خلل

دوستی با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَآبَاءَ كُفْرٍ وَإِخْوَانَكُمْ ءَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

دوستی با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۵

۵ عرصه های دوستی با مؤمنان و یا برقراری روابط پنهانی با دشمنان و بیگانگان ، میدان آزمون الهی و جدا شدن مؤمنان

راستین از غیر ایشان

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ ... لَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ

دوستی با دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۴

۴ ایجاد پیوند دوستی و موالات با کفار و دشمنان اسلام ، نشانه وجود روحیه ستم پیشگی است .

إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

دوستی با دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۳،۴

۳ - دوستی با دشمنان خدا و پیامبر (ص) ، نشانه نفاق است .

لا تجد قومًا يؤمنون .. يوادون من حادّ الله ورسوله

با توجه به آیات پیشین که درباره منافقان است آیه بالا که در بیان ویژگی های مؤمنان راستین می باشد اشاره به نشانه های منافقین نیز دارد.

۴ - مؤمنان راستین ، هرگز با دشمنان خدا و

پیامبر (ص) هر چند پدر، برادر، فرزند یا عشیره باشند دوستی نمیورزند.

لا تجد قومًا... یوادون من حادّ الله ورسوله... أو عشیرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲

۲ - اهل ایمان، در معرض خطر ایجاد ارتباط دوستانه با دشمنان خدا

يأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا عدوی و عدوكم أولیاء

نهی معمولاً در جایی صورت می گیرد که زمینه ابتلا و ارتکاب به عملی وجود دارد، به ویژه که شأن نزول خبر از چنین مشکلی می دهد.

دوستی با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۱

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

يأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا... أولیاء إن استحبوا الکفر علی الایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲۰

۲۰ - داشتن روابط سرّی و دوستانه با دشمنان دین، رفتن به بیراهه و حرکتی بی فرجام است.

و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل

دوستی با دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۳،۴

۳- دوستی با دشمنان خدا و پیامبر (ص)، نشانه نفاق است .

لا تجد قومًا يؤمنون .. یوآدون من حادّ اللّٰه و رسوله

با توجه به آیات پیشین که درباره منافقان است آیه بالا که در بیان ویژگی های مؤمنان راستین می باشد اشاره به نشانه های منافقین نیز

دارد.

۴ - مؤمنان راستین ، هرگز با دشمنان خدا و پیامبر (ص) هر چند پدر ، برادر ، فرزند یا عشیره باشند دوستی نمیورزند .

لا تجد قوماً .. یوادون من حادّ الله و رسوله ... أو عشیرتهم

دوستی با رهبران مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۹

۹ - شیطان ، وادار کننده انسان ها به شرک و کفر و ترغیب کننده آنها به دوستی با سران شرک و پیروی از آنان *

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً .. إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

از مصداقهای مورد نظر برای <سوء> و <فحشاء> به قرینه آیات قبل، شرک و رزی و .. است.

دوستی با زن شوهردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لک قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا ، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّ آفرین باشد.

دوستی با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ شیطان ، همدل و همراهی شوم و نامیمون است .

و من یکن الشیطان له قریناً فساء قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۴

۴ کیفر بخیلان و ریاکاران (عذاب ، محرومیت از محبت خداوند ، همراهی با شیطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه ستمی از جانب خداوند .

إِنَّ اللَّهَ لَا

يحبّ .. الذين ييخلون ... و الذين ينفقون اموالهم رياء الناس ... و

جمله <انّ الله .. > می تواند پاسخی باشد برای این سؤال که چرا خداوند مردم را به عذاب و ... مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

دوستی با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۲۰

۲۰ غضب خدا و عذاب همیشگی ، پیامد دوستی بسیاری از بنی اسرائیل با پادشاهان ستمگر و زیبا جلوه دادن هوا های نفسانی آنان ، به امید دستیابی به بهره های دنیایی آنان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا .. و في العذاب هم خلدون

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: يتولون الملوك الجبارين و يزینون لهم اهوائهم ليصيوا من دنياهم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۱۱ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - تقوایپیشگان ، مبرّاً از ظلم و دوستی با ظالمان

و إنّ الظالمين بعضهم أولياء بعض و الله وليّ المتّقين

از این که <المتّقين> در مقابل <الظالمين> قرار گرفته، مطلب یاد شده به دست می آید.

دوستی با غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۱

۱ - دوست گیرندگان غیرخدا ، همانند عنكبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذين اتَّخذوا من دون الله أولياء كما مثل العنكبوت اتَّخذت بيتًا

دوستى با كافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۲،۴

۲ کفر ، مایه قطع پیوند دوستی میان مسلمانان و کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَنِ

۴ ایجاد پیوند دوستی و موالات با کفار و دشمنان اسلام ، نشانه وجود روحیه ستم پیشگی است .

إِنْ اسْتَحَبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَنِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۴،۱۲،۳

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۱۲ پذیرش دوستی کافران ، گسستن رابطه با خداوند است .

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیه ، اضطرار و هراس

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تَقِيَةً

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده ، به همپیمانان مسلمانان *

و لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا. إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ

در برداشت فوق احتمال داده شده که <أَلَّا الَّذِينَ يَصْلُونَ .. > استثنا از حکمی است که در جمله <وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا و
لَا نَصِيرًا> بیان شده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱،۷

۱ مدعیان ایمان ، در صورت پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، در زمره اهل نفاقند .

بَشْرُ الْمُنْفِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

<أولياء> جمع <ولی> می تواند به معنای دوست و یا سرپرست باشد. گفتنی است که در برداشت فوق، <الذین>، وصف برای منافقان گرفته شده است.

۷ دستیابی به عزت و شکوه ، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذین يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. أَيْتَخُونُ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۳

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای دوستی و ولایت کفار ، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. يَكْفُرُ بِهَا وَيَسْتَهْزِئُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۳،۹،۱۰

۳ ایمان به خداوند ، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مَبِينًا

۱۰ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مَبِينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۱،۳۲

۱۱ دوستی با کافران (یهود و نصارا و ...) ، ناسازگار با عشق به خداوند

و من يتولهم منكم .. فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات گذشته، معلوم می شود که توصیف مؤمنان واقعی به ویژگیهای یاد شده برای اشاره به این حقیقت است که مدعیان اسلام در صورت گرایش به کافران (من يتولهم منكم) نمی توانند آن ویژگیها و از جمله محبت و عشق به خدا را دارا باشند.

۳۲ بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله یقوم .. ذلک فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲،۱۳

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین .. اولیاء و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین > می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی برقرار کرده بودند.

۱۳ پذیرش ولایت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۵

کتاب نسبت به نماز و اذان ، دلیل تحریم روابط دوستی با آنان

لا تتخذوا الذین .. و إذا نادیتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۸، ۹، ۱۰، ۷، ۵

۵ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری كثيراً منهم يتولون الذین كفروا لبئس ما قدمت

۷ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لا یتناهون عن منکره فعلوه .. تری كثيراً منهم يتولون الذین كفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت

آمیز با آنان

کانوا لا یتناهون عن منکر .. تری كثيراً منهم يتولون الذین كفروا

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین كفروا .. تری كثيراً منهم يتولون الذین كفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین

پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون .. کانوا لا یتناهون ... يتولون الذین كفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی

اسرائیل بیان شد.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۲،۱۱

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

دوستی با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۶، ۲، ۱

۱ - ممنوعیت رابطه دوستانه با کافران ، منحصر به کافران تهاجم کننده بر ایمان و سرزمین مسلمانان

إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ

۲ - ممنوعیت رفتار دوستانه و مسالمت جویانه ، با کافران معاند ، صرفاً مقابله به مثل است نه [جهاد] ابتدایی .

لَا يَنْهَيْكُمْ .. إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ

تأکید خداوند در نهی از رابطه دوستی با کافران، بر اقدامات عملی آنان علیه مسلمانان، بیانگر مطلب بالا است.

۶ - نیکی و مسالمت با کافران معاند و همدستان آنان ، مصداق واقعی ظلم است .

أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتَقْسُوا إِلَيْهِمْ .. إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ ... وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

از مجموع دو آیه، استفاده می شود که نیکی و قسط، اصولاً در مورد کافران معاند، مفهوم واقعی ندارد و نباید تحت عنوان عدالت و انسان دوستی، به دشمنان حق روی خوش نشان داد.

دوستی با مایوسان از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- مایوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیرقابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و موَدّت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا

.. قد یسوا من الآخره

جمله <قد یسوا> به منزله تعلیل برای <لاتتولوا> می باشد.

دوستی با مایوسان از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۶

۶ - مایوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیر قابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و مودت

یأیها الذین ءامنوا لاتتولوا قومًا .. قد یسوا من الآخره

جمله <قد یسوا> به منزله تعلیل برای <لاتتولوا> می باشد.

دوستی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۶

۶ دوستی با خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان و تبرّی از دشمنان آنان ، از نشانه های ایمان راستین

و لم یتخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجه

دوستی با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۷، ۴۸، ۳، ۲

۲ حرمت ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا

لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء

در برداشت فوق <ولی> به معنای دوست که یکی از معانی آن است، گرفته شده است.

۳ یهود و نصارا ، مردمی غیر قابل اعتماد و ناشایست برای برقراری روابط دوستی مسلمانان با آنان

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء

كلمه <اتخاذ> به معنای برگزیدن و اعتماد کردن است. (مجمع البيان).

۴ ناسازگاری ایمان با ایجاد پیوند دوستی و مودت با یهود و نصارا

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء

مخاطب قرار دادن مسلمانان با عنوان اهل ایمان و سپس نهی از ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا، گویای برداشت فوق است.

پایند نبودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان ، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء بعضهم أولياء بعض

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من يتولهم منهم فانه منكم إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۳، ۲۰، ۱۴، ۱۳

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائره

۱۴ مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیماردلان برای دوستی با یهود و نصارا

يقولون نخشى ان تصيبنا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخیدن) است ؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده ؛ چون چرخش روزگار احياناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يسرعون فيهم .. فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

۲۳ نزول عذاب الهی بر دشمنان دین ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <امر>، عذاب دنیوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۲، ۱

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند

اهولاء الذین اقساموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <اهولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد؛ یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله <اهولاء ..> حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر(ص)، رسوا شده و به ذلت افتادند؛ بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵،۱۱

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من یتولهم منکم فانه منهم .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

۱۱ دوستی با کافران (یهود و نصارا و ...)، ناسازگار با عشق به خداوند

و من یتولهم منکم .. فسوف یأتی اللّٰه بقوم یحبهم و

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات گذشته، معلوم می شود که توصیف مؤمنان واقعی به ویژگیهای یاد شده برای اشاره به این حقیقت است که مدعیان اسلام در صورت گرایش به کافران (من یتولهم منکم) نمی توانند آن ویژگیها و از جمله محبت و عشق به خدا را دارا باشند.

دوستی با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱،۶

۱ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از <الذین کفروا> مشرکان مکه می باشد.

۶ پذیرش ولایت مشرکان و دوستی با آنان از جمله اعمال ناپسند و رایج در بین انبوهی از یهودیان عصر پیامبر (ص)

لبس ما کانوا یفعلون. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

جمله <یتولون الذین کفروا> مصداقی برای جمله <لبس ما کانوا یفعلون> است. وبه قرینه آیه ۸۲ (و لتجدن اقربهم موده ...) که مسیحیان را دوستار مسلمانان معرفی کرده است، معلوم می شود، مراد از بنی اسرائیل در این بخش از آیات، یهودیان است.

دوستی با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۷

۱۷ - اقدام برخی از مهاجران ، به برقراری رابطه سرّی و دوستانه با مشرکان مکه

تسرّون إلیهم بالموّده

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

دوستی با مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه -

۱ - مؤمنان ، موظف به دوستی نکردن با گروه ها و جوامع مورد غضب الهی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم

۳ - نهی الهی از رابطه موّدت آمیز مؤمنان با یهودیان معاند و مورد خشم خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم

مفسران در تفسیر <قوماً غضب الله>، یهود را یاد کرده اند.

دوستی با منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۴،۸

۴ ممنوعیت دوستی با منافقان تلاش کننده برای گسترش کفر

وَدَّوَالُو تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ

۸ رفع ممنوعیت دوستی و ارتباط با منافقان در صورت دست برداشتن از نفاق ، با هجرت در راه خدا

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ .. فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده ، به همپیمانان مسلمانان *

و لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا. اَلَّذِينَ يَصِلُونَ اِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِثًا

در برداشت فوق احتمال داده شده که <اَلَّذِينَ يَصِلُونَ .. > استثنا از حکمی است که در جمله <و لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا و لَا نَصِيرًا> بیان شده است.

دوستی با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۵،۶

۵ عرصه های دوستی با مؤمنان و یا برقراری روابط پنهانی با دشمنان و بیگانگان ، میدان آزمون الهی و جدا شدن مؤمنان

راستین از غیر ایشان

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ... لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولَهُ

۶ دوستی با خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان و تبرّی از دشمنان آنان، از نشانه های ایمان راستین

و لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولَهُ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۷

۷ پذیرش احکام قضایی پیامبر (ص) و همسویی با مؤمنان، شرط نجات از عذاب دوزخ

و مَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ

با توجه به آیات قبل، مخالفت و موافقت با احکام قضایی پیامبر(ص)، از مصادیق مورد نظر در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۲،۶

۲ مدعیان ایمان در صورت قطع رابطه دوستی با اهل ایمان و پذیرفتن ولایت آنان، در شمار منافقانند.

بَشَرِ الْمُنَافِقِينَ... الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۶ مؤمنان، وظیفه دار برقراری پیوند های دوستانه با یکدیگر

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۴

۴ مؤمنان، موظف به برقراری روابط دوستانه با دیگر مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

دوستی با مؤمنان فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۷

۱۷- نظر به تهیدستان خداجوی و افکندن نگاه رفاقت و دوستی

به چهره آنان ، امری پسندیده و مطلوب خداوند است .

و لاتعد عيناك عنهم

دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۷، ۴، ۳، ۲

۲ حرمت ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا

لاتتخذوا اليهود و النصری أولیاء

در برداشت فوق <ولی> به معنای دوست که یکی از معانی آن است، گرفته شده است.

۳ یهود و نصارا ، مردمی غیر قابل اعتماد و ناشایست برای برقراری روابط دوستی مسلمانان با آنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصری أولیاء

کلمه <اتخاذ> به معنای برگزیدن و اعتماد کردن است. (مجمع البیان).

۴ ناسازگاری ایمان با ایجاد پیوند دوستی و مودت با یهود و نصارا

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصری أولیاء

مخاطب قرار دادن مسلمانان با عنوان اهل ایمان و سپس نهی از ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا، گویای برداشت فوق است.

۸ پایبند نبودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان ، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا اليهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من یتولهم منکم فانه منهم إِنَّ اللّٰهَ لایهدی القوم الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائره

۱۴ مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیمار دلان

برای دوستی با یهود و نصارا

يقولون نخشى ان تصيبنا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخیدن) است؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده؛ چون چرخش روزگار احياناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

۲۰ پشیمانی، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يسرعون فيهم .. فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

۲۳ نزول عذاب الهی بر دشمنان دین، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <امر>، عذاب دنیوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱،۲

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند.

اهولاء الذين اقساموا بالله جهد ايمنهم انهم لمعكم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <اهولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعكم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد؛ یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند.

اهولاء الذين اقساموا بالله جهد ايمنهم انهم لمعكم

لحن ملامت بار جمله <اهولاء ..> حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر(ص)، رسوا شده و به ذلت افتادند؛ بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵،۱۱

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من يتولهم منكم فانه منهم . . . يا ايها الذين ءامنوا من يرتد منكم عن دينه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتري الذين في قلوبهم مرض . . يا ايها الذين ءامنوا من يرتد منكم عن دينه

۱۱ دوستی با کافران (یهود و نصارا و . .) ، ناسازگار با عشق به خداوند

و من يتولهم منكم . . فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات گذشته، معلوم می شود که توصیف مؤمنان واقعی به ویژگیهای یاد شده برای اشاره به این حقیقت است که مدعیان اسلام در صورت گرایش به کافران (من يتولهم منكم) نمی توانند آن ویژگیها و از جمله محبت و عشق به خدا را دارا باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۱،۳،۶

۱ - منافقان، دارای روابط دوستانه با یهودیان

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

<تولّی> (مصدر <تولّوا>) به معنای دوست گرفتن است و مراد از <قومی که خدا بر آنان غضب کرده است>، قوم یهود می باشد.

۳ - روابط دوستانه منافقان

با یهود ، از نشانه های روشن و قابل توجه نفاق آنان

ألم تر إلى الذين تولوا قوماً غضب الله عليهم

۶ - منافقان ، عناصری بیگانه ، هم با مسلمانان به رغم ادعای مسلمانی و هم با یهودیان به رغم برقرار کردن روابط دوستی با آنان

ما هم منكم ولا منهم

دوستی حاطب ابن ابی بلتعہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۱۰

۱۰ - اخبار خداوند از عمل پنهانی > حاطب ابن ابی بلتعہ < نمودی از بصیرت او بر اعمال خلق

تسرون إليهم بالموده .. و الله بما تعملون بصير

دوستی حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۲

۲ حرمت ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا

لا تتخذوا اليهود والنصرى أولياء

در برداشت فوق <ولی> به معنای دوست که یکی از معانی آن است، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۴

۴ بی احترامی برخی اهل کتاب به مقدسات اسلام ، دلیل تحریم ایجاد رابطه ولایی و دوستی با آنان

لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزواً ولعباً من الذين اتوا الكتب .. أولياء

هدف از تبیین <الذین> با جمله <اتخذوا..>، بیان علت تحریم ایجاد روابط دوستی با اهل کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۷، ۵، ۴

۴ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که نماز و اذان را بازیچه می‌پندارند و آن را به تمسخر می

گیرند .

لَاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. و إذا نادیتم إلی الصلوة

۵ تمسخر برخی اهل کتاب نسبت به نماز و اذان ، دلیل تحریم روابط دوستی با آنان

لَاتتخذوا الذین .. و إذا نادیتم إلی الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

۷ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که حتی برخی از احکام و شعایر دین را به بازی گرفته و مورد تمسخر قرار می دهند .

*

لَاتتخذوا الذین .. و إذا نادیتم إلی الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

تحریم دوستی با استهزا کنندگان نماز پس از تحریم دوستی با استهزا کنندگان دین، می تواند گویای این نکته باشد که تمسخر هر یک از احکام اسلام، مصداق استهزای دین است و همان حکم (حرمت ایجاد روابط) را در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۵

۵ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا ءاباءکم و إخوانکم أولیاء إنا استحبوا الکفر علی الإیمن

دوستی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۷،۹

۷ خداوند ، دوست و سرپرستی کافی است .

و كفى بالله ولياً

۹ خداوند ، دوست و حامی مؤمنان است .

و الله اعلم باعدائكم و كفى بالله ولياً و

كفى بالله نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۸

۸ معرفی خداوند به رحیم بودن و دوست داشتن بندگان ، از تعالیم شعیب (ع)

إن ربی رحیم ودود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۷ - ۲

۲ - پروردگار جهانیان ، تنها دوست انسان و پرستش او تضمین گر رشد و رستگاری وی

فإنهم عدوٌ لی إلا ربّ العلمین

دوستی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶- عالم آخرت ، جای هیچ گونه تلاش ، سوداگری و پیوند دوستی نیست و برای انسان کارساز نخواهد بود .

یقیموا الصلوه و ینفقوا .. من قبل أن یأتی یوم لایبع فیه و لا خلل

دوستی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۱

۱- قیامت صحنه گسستگی و بی تأثیری دوستی ها ، پیوند ها ، حمایت ها و دیگر روابط دنیایی

یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون

<مولی> در لغت، از ماده <ولاء> به معنای ارتباط و پیوند دو چیز با یکدیگر است و در مصادیق مختلفی همچون دوست،

سرور، خدمت گزار، بنده، مالک و .. به کار می رود.

دوستی دنیوی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - در قیامت ، قوم ابراهیم به رغم دوستی در دنیا از هم برائت می جویند .

ثمَّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض

<یکفر> در

این آیه، احتمال دارد به معنای رایج آن، یعنی <کفر ورزیدن> باشد، و احتمال هم دارد به معنای <بی زاری جستن> باشد. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

دوستی دنیوی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - روابط دوستانه دنیوی مشرکان، در قیامت، تبدیل به نفرت می شود.

مودّه بینکم... ثمّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض

دوستی کافران با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - کافران، در صورت عقب نشینی پیامبر (ص) از مواضع اصولی خویش (تعالیم وحی شده بر آن حضرت) قطعاً با او طرح دوستی صمیمانه ای می ریختند.

و إن کادوا لیفتنونک... و إذا لاتخذوک خلیلاً

دوستی متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۲

۲ - متقین در بهشت، دارای روابط صمیمانه و به دور از هرگونه ناخالصی اند.

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای غش و ناخالصی آمده است.

دوستی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ پیامبر اکرم (ص) آشتی ناپذیری خود با جبهه شرک و رها نکردن جبهه مؤمنان را نه تنها خواسته خود، بلکه دستوری صریح از جانب خداوند اعلام داشت .

قل یا ایها الناس إن کنتم فی شک من دینی فلا أعبد الذین تعبدون ..

و أمرت أن أكون م

دوستی مسلمانان صدراسلام با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۴

۴ - روابط دوستانه برخی از مسلمانان صدراسلام با یهودیان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم

چنان که در بعضی شأن نزول ها آمده است، آیه شریفه ناظر به جریان خارجی می باشد.

دوستی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

۶ یهود و نصارا، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند .

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء بعضهم اولياء بعض

چون جمله <بعضهم أولياء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

دوستی ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۱۴، ۱۳، ۴

۴ ممنوعیت دوستی با منافقان تلاش کننده برای گسترش کفر

وَدَّوَالُو تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ

۱۳ ضرورت پرهیز از دوستی با کسانی که هجرت در راه خدا را ترک کنند .

فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجَرُوا .. و لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا

۱۴ ممنوعیت دوستی و کمک گرفتن از کسانی که ارتباط با آنان زمینه تضعیف و سستی عقاید اسلامی است .

وَدَّالُو تَكْفُرُونَ ... فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ اَوْلِيَاءَ حَتَّى يَهَاجَرُوا ... وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِل

در برداشت فوق، کلمه <اولیاء> به معنای دوستی گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰

۱ - ممنوعیت رابطه دوستانه با کافران ، منحصر به کافران مهاجم کننده بر ایمان و سرزمین مسلمانان

إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ

۲ - ممنوعیت رفتار دوستانه و مسالمت جوینانه ، با کافران معاند ، صرفاً مقابله به مثل است نه [جهاد] ابتدایی .

لَا يَنْهَيْكُمْ ... إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ

تأکید خداوند در نهی از رابطه دوستی با کافران، بر اقدامات عملی آنان علیه مسلمانان، بیانگر مطلب بالا است.

۳ - ممنوعیت دوستی و مسالمت با یاری دهندگان و پشتیبانان عناصر مهاجم به دین و سرزمین مسلمانان

إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ .. وَظَهَرُوا عَلَيَّ إِخْرَجَكُمْ

دوستی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۳

۳ رسیدن به دنیا و تأمین منافع شخصی ، تعیین کننده خط مشی منافقان در برقراری روابط دوستی و اجتماعی است .

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُم .. أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۶،۵،۳،۱

۱ - منافقان ، دارای روابط دوستانه با یهودیان

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

<تولّی> (مصدر <تولّوا>) به معنای دوست گرفتن است و مراد از <قومی که خدا بر آنان غضب کرده است>، قوم یهود می باشد.

۳ - روابط دوستانه منافقان با یهود ، از نشانه های روشن و قابل توجه نفاق آنان

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

۵- برقراری دوستی میان منافقان و یهودیان ، امری بس شگفت آور

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

استفهام در <ألم تر> تعجیبی است.

منافقان ، عناصری بیگانه ، هم با مسلمانان به رغم ادعای مسلمانی و هم با یهودیان به رغم برقرار کردن روابط دوستی با آنان

ما هم منکم و لا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۵

۵ - برقراری رابطه دوستی منافقان با یهودیان ، مصداق بارز زشت کاری آنان و سبب دچار شدنشان به عذاب سخت الهی

ألم تر إلى الذين تولوا قوماً .. إنهم ساء ما كانوا يعملون

دوستی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴، ۹، ۴، ۳، ۲

۲ خداوند ایجادکننده الفت و محبت میان مؤمنان صدر اسلام

و ألف بين قلوبهم

۳ امتنان الهی بر پیامبر (ص) به سبب ایجاد الفت در قلب مؤمنان نسبت به یکدیگر

و ألف بين قلوبهم .. ما ألفت بين قلوبهم

۴ الفت و محبت عمیق مؤمنان صدر اسلام نسبت به یکدیگر ، از عوامل تقویت پایگاه پیامبر (ص)

هو الذي أيدك بنصره و بالمؤمنين . و ألف بين قلوبهم

۹ خداوند علاوه بر ایجاد محبت میان مؤمنان ، آنان را در یک منطقه گرداگرد پیامبر (ص) مجتمع ساخت . *

و ألف بين قلوبهم .. و لكن الله ألفت بينهم

برداشت فوق از مقایسه بین دو جمله <ألف بين قلوبهم> و <ألف بينهم> به دست آمده است. جمله نخست بیانگر تألیف قلوب است و جمله دوم بیانگر تألیف خود مؤمنان است. یعنی آنان را در کنار یکدیگر قرار داد و همگان را گرداگرد پیامبر(ص) مجتمع ساخت.

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و

ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لكن الله ألف بينهم إنه عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱

۱ روح ولایت و دوستی ، حاکم بر جامعه مؤمنان

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، با هم ، بر اساس دین ، دوستی دارند

فإخوانكم في الدين و مولیکم

احتمال دارد منظور از <مولی> با توجه به ریشه لغوی آن، دوستی باشد. <موالیکم> عطف به <إخوانکم> است و قید <فی الدین> در <إخوانکم> می تواند برای <موالیکم> هم لحاظ شود.

دوستی مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱

۱ مؤمنان عصر بعثت برخوردار از نعمت الفت و دوستی نسبت به یکدیگر

و ألف بين قلوبهم

دوستی مهاجران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۷

۱۷ - اقدام برخی از مهاجران ، به برقراری رابطه سزی و دوستانه با مشرکان مکه

تسرون إلیهم بالموّده

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

دوستی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۲

۲ - اظهار پشیمانی مشرکان پیرو در صحنه قیامت ، از دوستی با سران شرک و اطاعت از ایشان در دنیا

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کزّه فنتبرأ منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ محرومیت مسلمانان از محبت خداوند ، در صورت ایجاد روابط دوستانه با کافران

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۷

۷ ضرورت پرهیز از دوستی با کافران و مشرکان

و لو کانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <النبی> پیامبر بنی اسرائیل باشد نه پیامبر اسلام (ص) و در نتیجه مراد از <ما انزل إلیه> دستورات دینی بنی اسرائیل خواهد بود.

دوستی و اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۱۰

۱۰ - دوستی و اطاعت دارای ارتباطی تنگاتنگ

یحبونهم کحب الله .. إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا

آیه قبل محبت و دوستی را پایه ارتباط میان سران و پیروان دانست. - البته بنابراین تفسیر که مراد از <أنداد> سران باشد - و آیه مورد بحث رابطه میان آنان را رابطه تابع و متبوع معرفی کرد تا به این نکته اشاره کند که محبت و اطاعت ملازم

یکدیگرند؛ یعنی، هر کجا محبت هست اطاعت نیز می باشد.

دوستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۶ یهود و نصارا، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند.

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض

چون جمله <بعضهم اولیاء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

زمینه دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۰

۱۰ نبود روحیه سلطه گری و گردن فرازی در بین نصارا زمینه مودت و دوستی آنان با مسلمانان

اقریهم موده للذین ءامنوا الذین قالوا انا نصری .. و انهم لایستکبرون

بدان احتمال که فعل <لایستکبرون> دارای متعلقی محذوف نباشد در این صورت لایستکبرون به این معنا است که آنان خواهان سلطه گری و گردن فرازی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۳

۳ - ایمان ، برقرارکننده دوستی و پیوند عمیق میان انسان ها

إنما المؤمنون إخوه

عنوان <المؤمنون>، مشعر به علیت است.

زمینه دوستی با دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۳

۳ - عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ... لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ

زمینه دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

۱۱ - بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ

أولياء... يخرجون... أن تؤمنوا بالله ربكم

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

زمینه دوستی با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۴

۴ سستی ایمان زمینه گرایش به یهود و نصارا و طرح دوستی با آنان

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

مراد از بیمار دلان، کسانی هستند که نسبت به حقانیت پیامبر(ص) و یا برخی از معارف دین در شک بوده و ایمانی ضعیف دارند.

زمینه دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۴

۴ سستی ایمان زمینه گرایش به یهود و نصارا و طرح دوستی با آنان

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

مراد از بیمار دلان، کسانی هستند که نسبت به حقانیت پیامبر(ص) و یا برخی از معارف دین در شک بوده و ایمانی ضعیف دارند.

زمینه دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۱، ۱۲

۱۱- کافران، در صورت عقب نشینی پیامبر (ص) از مواضع اصولی خویش (تعالیم وحی شده بر آن حضرت) قطعاً با او طرح دوستی صمیمانه ای می ریختند.

و إن كادوا ليفتنونك . . . و إذا لآتخذوك خلیلاً

۱۲- کافران و دشمنان اسلام ، تنها در صورت عقب نشینی مسلمانان از برخی مواضع خویش ، راضی به تسالم و دوستی با آنان می شدند .

و إن كادوا ليفتنونك عن الذی أوحینا إلیك . . . و إذا لآتخذوك خلیلاً

زمینه مال دوستی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۷

۷ - غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنائی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دل بستگی به ثروت است .

ابتلیه .. کلاً بل لا تکرمون الیتیم . و لاتحضون ... و تأکلون التراث ... و تحبّ

زیان اخروی دوستی با بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و موذت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلا المتّقین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

زیان دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسیرین

سرزنش مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دل بستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا

و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹

۵ - عشق به ثروت ، مذموم است .

و تحبون المال حبًا جَمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۳

۳ - علاقه شدید به ثروت ، مذموم است .

و إنه لحبّ الخیر لشدید

شرایط دوستی با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۴

۱۴ - دست برداشتن مشرکان از شرک ، تنها شرط رفع خصومت مؤمنان با آنان

بدا بیننا و بینکم العدوه و البغضاء أبداً حتی تؤمنوا بالله وحده

شگفتی دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۵

۵ - برقراری دوستی میان منافقان و یهودیان ، امری بس شگفت آور

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

استفهام در <ألم تر> تعجیبی است.

عوامل تداوم دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تقوا ، عامل حفظ و ثبات دوستی ها و موَدّت ها است .

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقين

عوامل دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۶

۶ حضور کشیشان و راهبان خداترس در بین مسیحیان موجب دوستی و نزدیکی آنان با مسلمانان

اقربهم موده للذين ءامنوا الذين .. ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۶

۶ - تأثیر شگرف حسن خلق و برخورد نیک ، در تبدیل دشمنی ها

به دوستی ها

فَإِذَا الذِّی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَدُوهُ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ

عوامل دوستی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ ایمان به خدا و تقرب به درگاه او ، عامل پیوند انبیا با پیروان خود

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا إنهم ملقوا ربهم

عوامل دوستی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ عوامل دشمنی زا ، ناپایدار در مقابل اراده خداوند بر ایجاد محبت و دوستی میان انسانها

و لکن الله أَلْفَ بَیْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِیزٌ

جمله <لو أنفقت ... > اشاره به این دارد که عوامل دشمنی زا در میان قبایل عرب بسیار شدید بوده است. و جمله استدر اکیه <و لکن الله ... > اشاره به این دارد که آن عوامل در برابر اراده خدا نمی توانست اثری داشته باشد. یعنی اگر چه آنان دارای دشمنیهای دیرپای بودند و امکان الفت بین آنها نبود، ولی خداوند چنین خواست که آنان با یکدیگر الفت یابند.

عوامل دوستی با بدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۷

۷ شیطان ، عامل جدا شدن آدمی از راه انبیا ، دوستی با افراد ناباب و گمراهی

یَلِیْتَنِیْ اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیْلًا . یُوَلِّتُنِیْ لِیْتَنِیْ لِمَ اَتَّخِذُ فَلَآئِیْ خَلِیْلًا . لَقَدْ اَضَلَّ

عوامل دوستی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۸،۱۳

۸ ایجاد الفت و محبت میان مؤمنان عصر بعثت ، امری خدایی و غیر قابل دستیابی به

و ألف بین قلوبهم لو أنفقت ما فی الأرض جمیعا ما ألفت بین قلوبهم و لكن الله ألف

۱۳ ایجاد الفت و محبت بین مؤمنان ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند

و ألف بین قلوبهم ... و لكن الله ألف بینهم إنه عزیز حکیم

فرجام دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۸

۸ - اظهار محبت با جبهه کفر ، به امید جلب عطوفت آنان ، تلاشی بی فرجام و محکوم به شکست

تسرون إلیهم بالموده .. إن یتقفوکم یکنوا لکم أعداء

فطریط مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۱

۱ - تمایل شدید به مال ، از ویژگی های طبیعت انسان است .

و إنه لحب الخیر لشدید

قطع دوستی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز پایان دوستی ها و پیوند های غیر الهی است .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - نابود شدن دوستی ها و پیوند های ظالمان با یکدیگر در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ولیّ> و <نصیر>، دوست و یاور دنیایی ظالمان باشد که در آخرت آن دوستی ها و یاری ها وجود نخواهد داشت.

کیفر دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ کيفر الهی ، فرجام شوم دوستی با کافران و پذيرش سلطه آنهاست .

لاتتخذوا الکفرين اولياء .. ان تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبيناً

حجت آشکار خداوند، حکایت از این دارد که مقتضی کيفر و عقاب برای چنین افرادی فراهم است.

مال دوستی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۸ - ۳

۳ - باغداران يمني ، گروهی مال دوست و خسيس

إذ أقسموا ليصرمنها .. ولايستثنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۴ - ۳

۳ - مال دوستی و بخل شديد باغداران يمني

أن لايدخلنها اليوم عليكم مسكين

مال دوستی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲- دلبيستگی انسان به دارایی های خویش ، شديدتر از ساير دلبيستگی های وی

و لايسئلكم أموالكم

از این که خداوند در کنار تشويق به ايمان و تقوا، فوراً به انسان یادآور شده که هدف از این ايمان و تقوا، گرفتن مال از ایشان نیست؛ استفاده می شود که دلبيستگی انسان به مال زیاد است و چه بسا بیشتر از ساير دلبيستگی ها است؛ زیرا خداوند، تنها به همین يك نکته اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۷ - ۱

۱- تذکر خداوند ، به ضعف شدید انسان در آزمون های مالی و دست کشیدن از اموال

إن یسئلکموها فیحکم تبخلوا و یخرج أضغثکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۴ - دل‌بستگی عمیق انسان‌ها ، به مال

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۱

۱ - تمایل شدید به مال ، از ویژگی‌های طبیعت انسان است .

و إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

مال دوستی بادیه‌نشینان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۷

۷ - وجود شک و دل‌بستگی به مال و جان در میان اعراب ، دلیل رد ادعای ایمان آنان از سوی خداوند

قُلْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ لَغَافِلٌ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ... ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

مال دوستی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۵،۷،۲

۲ - افزایش مال دوستی در دشمنان دین ، زمینه رویارویی آنان با سپاه اسلام است .

و الْعَدِيَّةُ ... وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

۵ - دشمنان دین ، به دلیل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

و إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

کلمه <شدید> چنان‌که در قاموس آمده گاه به معنای <بخیل> است. در صورتی‌که این معنا در آیه مراد باشد، حرف

<لام> در <لحَبِّ الخَيْر> لام تعلیل خواهد بود؛ یعنی، به خاطر حَبِّ مال.

۷- خداوند، در تأکید بر شدت مال دوستی دشمنان دین، به مَرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است.

و العدیت .. و إِنَّه لَحَبِّ الخَيْر لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹

۶ - ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ .. أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (ص)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا

مال دوستی مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه فراوان به مال ، از ویژگی های مردم در عصر جاهلیت

و تحبون المال حبًّا جَمًّا

<جَمًّا>، به معنای زیاد بودن و انباشته شدن است. (مقایس)

مال دوستی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۸ - ۷

۷ منافقان ، تنها در صورت برخورداری از صدقات (دارایی بیت المال) هر چند به ناحق باشد خشنود و در غیر آن صورت ، ناخرسند بودند .

فَإِنْ أَعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يَعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

ملاک دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۵

۵ ایمان و عقیده اسلامی ، ملاک و معیار بایسته در ایجاد روابط و مناسبات مودت آمیز

يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۶ -

۱۲- دینداری ، معیار اصلی وحدت ، دوستی و تنظیم روابط میان انسانهاست .

فمن تبعنی فإنه منی و من عصانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، با هم ، بر اساس دین ، دوستی دارند

فإخوانکم فی الدین و مولیکم

احتمال دارد منظور از <مولی> با توجه به ریشه لغوی آن، دوستی باشد. <موالیکم> عطف به <إخوانکم> است و قید <فی الدین> در <إخوانکم> می تواند برای <موالیکم> هم لحاظ شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۴

۴ - تناسب دوستان و هم نشینان انسان با شخصیت وی

و قیضنا لهم قرناء فزینوا لهم

بنابر این که معنای <قیضنا> تبدیل باشد، استفاده می شود که انسان به تناسب شخصیت خودش دوستان و هم نشینانی پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۵

۵ - دوستی های بنا شده بر بی تقوایی ، دارای باطنی عداوت خیز و دشمنی پرور

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتّقین

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیه شریفه اشاره به کشف باطن این گونه دوستی ها در قیامت داشته باشد.

ملاکهای دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۵

۵ ایمان ، محور و ملاک ایجاد روابط دوستانه و صمیمانه

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنانہ من دونکم

از مفهوم جمله <لا تتخذوا .. > استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۰ - ایمان و کفر و راستی و نفاق در نگاه وحی ، از معیار های دوستی و دشمنی و از مرز های خودی و غیر خودی

لا تجد قومًا .. ألا إنَّ حزب الله هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۶،۱۰

۶ - مایوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیر قابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و مودت

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَتَوَلَّوْا قَوْمًا .. قَدْ يَسْؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ

جمله <قد يسؤوا> به منزله تعلیل برای <لا تتولوا> می باشد.

۱۰ - باور های دینی و اعتقادات ، ملاکی تعیین کننده در روابط و دوستی های مؤمنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَتَوَلَّوْا .. قَدْ يَسْؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ

ممنوعیت دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۵،۹

۵ - ممنوعیت پیوند دوستانه اهل ایمان ، با کافران و منکران دین و پیامبر

تَلْقَوْنَ إِلَيْهِم بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بَمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ

۹ - ممنوعیت دوستی و ارتباط با کافران ، منوط به وجود درگیری و عداوت میان ایشان و مسلمانان *

لَاتَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ .. يَخْرُجُونَ الرِّسُولَ وَإِيَّاكُمْ

برداشت بالا، بدان احتمال است که تعبیر <قد كفروا .. يخرجون الرسول...> که فلسفه نهی در <لا تتخذوا عدوی> را بیان

می کند در عین حال قلمرو نهی را نیز مشخص سازد.

ممنوعیت دوستی با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۹

۱۹ - عدم جواز اظهار ملاطفت با مشرکان ،

جز برای گرایش دادن آنان به ایمان *

و بدا بیننا و بینکم .. حَتَّى تَوْمِنُوا... إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ

در صورتی که وعده استغفار به آزر از سوی ابراهیم(ع) نیز به عنوان اسوه مطرح شده باشد، از آیه شریفه استفاده می شود که مؤمنان، باید در برابر مشرکان آشتی ناپذیر باشند و به آنان روی خوش نشان ندهند؛ مگر در آن جا که امید دارند با سخن نرم، هدایت پذیراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۱۱

۱۱ - برنامه برائت از مشرکان و نهی از مودت با ایشان ، در جهت مصالح خود مؤمنان و نه خداوند

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنى الحميد

با توجه به این که این آیات، در ادامه نهی مؤمنان از مودت مشرکان است، تعبیر <و من يتولّ.. > بیانگر مطلب یاد شده است.

ممنوعیت دوستی با مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۵

۵ - ممنوعیت پیوند دوستانه اهل ایمان ، با کافران و منکران دین و پیامبر

تلقون إليهم بالموّده و قد كفروا بما جاءكم من الحقّ

ممنوعیت دوستی با مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۵

۵ - ممنوعیت پیوند دوستانه اهل ایمان ، با کافران و منکران دین و پیامبر

تلقون إليهم بالموّده و قد كفروا بما جاءكم من الحقّ

منشأ دوستی با غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۷

۷ - دوست گیرندگان غیر خدا، از سر

جهل و نادانی ، چنین انتخابی کرده اند .

مثل الذين اتَّخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت.. لو كانوا يعلمون

متعلق <یعلمون> موهون بودن اتخاذ ولی غیر خدا است. بنابراین، نکته بالا، از آن استفاده می شود.

منشأ دوستی در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۳

۳ ایمان ، مایه پیدایش روح دوستی در میان اهل ایمان

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض

موانع دوستی با دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲

۲ - ایمان به خدا و روز بازپسین ، ناسازگار با دوستی ورزیدن با دشمنان خدا و رسول او

لا تجد قوماً يؤمنون .. یوادون من حادّ الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۴،۱۵

۴ - ایمان به خدا ، ناسازگار با مهرورزی و اعتماد دوستانه به کافران و خداستیزان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا عدوی و عدوکم أولیاء تلقون إلیهم بالموءه

وصف <ایمان> مشعر به علیت است.

۱۵ - حرکت جهادگرانه در راه خدا و رضای او ، ناسازگار با دوستی نسبت به دشمنان او

لاتتخذوا عدوی و عدوکم أولیاء .. إن کتمم خرجتم جهداً فی سبیلی و ابتغاء مرضا

هر چند آیه در مورد خاصی نازل شده، ولی پیام کلی آن برای امت اسلامی باقی است.

موانع دوستی با دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲

۲ - ایمان به خدا و روز بازپسین ، ناسازگار با دوستی ورزیدن با دشمنان خدا

لا تجد قومًا يؤمنون .. يوادون من حادّ الله و رسوله

موانع دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۳

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند .

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۴

۴ - توجه مسلمانان به عمق دشمنی ها و تعارض های جبهه کفر با اسلام ، مانع برقراری روابط دوستانه با آنان

تسرون إليهم بالموّده .. إن يثقفوكم يکونوا لکم اعداء

از بیان دشمنی کافران با مؤمنان در پی خبر دادن از رابطه دوستی با کافران استفاده می شود که توجه به این امر بازدارنده مسلمانان از ارتباط با آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۲

۲ - ایمان راستین ، ناسازگار با دوستی نسبت به کافران و خداستیزان

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا

از آن جا که خطاب متوجه مؤمنان است ؛ استفاده می شود که وصف ایمان، در حکم (دوستی نکردن) نقش دارد.

موانع دوستی با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - هجرت از مکه به مدینه برای جلب رضای الهی ، ناسازگار با مودت نسبت به مشرکان مکه

لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ .. . إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا

آیه شریفه در مرحله نخست،

نظر به موضوعی دارد که در صدر اسلام رخ داده است. مخاطب اولیه آیه مهاجری به نام حاطب بن ابی بلتعه است که برای خدا هجرت کرده ولی گام در مسیر دوستی با مشرکان نهاده بود (غافل از این که آن هجرت و این حرکت با هم سازگار نیستند).

موانع دوستی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۳

۳ - یاد خداوند ، ایمنی بخش انسان از سلطه شیطان و همدمی با او

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین

موانع دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳ - هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی أوحینا إلیک . . . و إذا لاتخذوک خلیلاً

موانع مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۷

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و الله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۸ - ۷،۹

۷ - خردمندی و اعتدال ، برانگیزاننده آدمی به دستگیری از مستمندان و مانع از بخل و مال دوستی است .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

از این که برادر عاقل و معتدل، دیگر برادرانش را به انفاق و دستگیری از مستمندان ترغیب کرد، می

توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

۹ - تسبیح و یاد خدا ، برانگیزاننده آدمی به انفاق و دستگیری از مستمندان و مانع بخل و مال دوستی

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبیحون

توصیه به تسبیح و یاد خداوند، درباره ادای سهم فقیران (لولا تسبیحون)، می رساند که آن دو در برانگیختن آدمی به انفاق و دوری از بخل، مؤثر است و نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۳

۳ - لحظه خروج مردگان از قبر ها در قیامت ، وحشت انگیز و توجه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دل بستگی شدید به ثروت است .

لکنود .. أفلا یعلم إذا بعثر ما فی القبور

مؤاخذه بر مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود .. لحب الخیر لشدید . أفلا یعلم ... إن ربهم بهم یومئذ لخبیر

هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

نعمت دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱

۱ مؤمنان عصر بعثت برخوردار از نعمت الفت و دوستی نسبت به یکدیگر

و ألف بین قلوبهم

نقش دوستی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۸

۸ - تأثیر تمایلات و حبّ و بغض های انسان ها

، در شکل گیری اندیشه ها و باور های آنان

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً .. إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا

نهی از دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۸

۸ - نهی خداوند از دوستی اهل ایمان با کافران که باعث خروج ناخواسته پیامبر (ص) و مؤمنان از سرزمینشان (مکه) شده بودند .

لَا تَتَّخِذُوا .. يَخْرُجُونَ الرِّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَتُومِنُوا بِاللَّهِ

نهی از دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۳

۳ - نهی الهی از رابطه موَدّت آمیز مؤمنان با یهودیان معاند و مورد خشم خداوند

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

مفسران در تفسیر <قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ>، یهود را یاد کرده اند.

نیکان و مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۵

۲۵ - محبت و علاقه به مال ، بازدارنده نیکان از انفاق و مصرف کردن آنها برای نجات مستمندان نخواهد شد .

و ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّ ذَوِي الْقُرْبَى

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <حبه> به <المال> برگردد.

دین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دین

{دین}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۲، ۱۳

۱۲ اختلاف انگیزی در دین ، پس از درك حقیقت آن ، کفر است .

و ما اختلف .. و من یکفر بایات الله

۱۳ بروز تضاد های فکری و اجتماعی و دینی ، معلول تجاوز از

قوانین عادلانه ادیان الهی

و ما اختلف الذین ... بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۹

۹ انسان با اختیار خویش ، دین را می پذیرد و یا نفی می کند .

فان اسلموا فقد اهتدوا و ان تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۶ - ۸،۹

۸ خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب ، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار .. و یقولون علی الله الکذب ... بلی من اوفی بعهده و

۹ تقوا ، عامل بازدارنده انسان از خودبرتربینی و بدعتگذاری در دین

قالوا لیس علینا .. و یقولن علی الله الکذب ... بلی ... و اتقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۹

۹ افترای آگاهانه برخی از اهل کتاب (عالمان آنان) ، به خدا و دین او

و یقولون هو من عند الله .. و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۴،۵

۴ لزوم تمسک به دین واحد الهی و پرهیز از گرایش به مذاهب گوناگون

و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرّقوا

به قرینه آیه صدم که سخن از گرایش به کفر بود، تفرقه در این آیه می تواند اشاره به تفرقه های دینی باشد.

۵ وحدت بر مبنای دین الهی (کتاب و سنت)

و اعتقاد به آن ، نجات دهنده انسان ها از آتش اختلاف

و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۶،۱۹

۱۶ پذیرش آیین اسلام ، به خیر و صلاح بشر

و لو أمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

گر چه خیر بودن را برای اهل کتاب ذکر کرده است، ولی اهل کتاب در این جهت، قطعاً خصوصیتی ندارند.

۱۹ اسلام ، برترین آیین در میان سایر ادیان (دین یهود و نصارا) برای سعادت بشر

و لو أمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

بنابر اینکه <خیر> برای تفضیل باشد و مُفَضَّل علیه، آیین خود اهل کتاب و مفضل، اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۱

۱۱ پذیرش ولایت خداوند ، از بین برنده هر نوع سستی در انجام وظایف دینی

اذ همت .. و الله وليهما

<و الله وليهما>، با لحن اعتراض گونه اش (در حالی که خداوند سرپرست و حمایت کننده شماست، سستی چرا؟) به این نکته اشاره دارد که پذیرش ولایت الهی و اعتقاد به آن، مانع از هر گونه سستی در راه انجام وظایف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۷

۱۷ دنیاطلبی و دلدادگی به مادیات ، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمنان دین

حتی اذا فشتم و .. منکم من یرید الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۱۰ هدایت بشر، بدون حضور تعالیم دین، امری ناممکن

و يزكّيهم و يعلمهم الكتب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

خداوند جامعه بشری را تا قبل از آموزش تعالیم و معارف دین، فرو رفته در گمراهی می داند و تنها راهی که برای خارج ساختن آنان از گمراهی به کار گرفته بعثت انبیا همراه با تزکیه و تعلیم معارف دینی است. بنابراین هدایت بشر در گرو تعالیم دین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۷۸

۷ ضرورت وجود مبلغان و تبیین کنندگان کتب آسمانی در جامعه

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب لتبيننه للناس

گرفتن میثاق از عالمان و تأکید خداوند بر لزوم تبیین آن برای مردم، مبین مطلب فوق است.

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب لتبيننه للناس و لا تكتمنونه

آتشخواری دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۴

۴ - تناول از منافع به دست آمده از دین فروشی و کتمان معارف کتاب های آسمانی، در حقیقت خوردن آتش و پرکردن شکم از آن است.

و يشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

آثار آزادی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ انتخاب دین از سر آزادی و اختیار ، مایه رشد و تعالی انسانهاست .

و لو شاء ربك لجعل الناس أمةً وحده

از

اینکه عدم اجبار در گزینش دین به <رب> استناد یافته است و <رب> به معنای مدبر و مربی است، می توان به برداشت فوق دست یافت، یعنی، تدبیر و تربیت انسانها اقتضا می کند که دین را از روی اختیار بپذیرند.

۷ اختیار انسان ها و برخورداری آنان از آزادی در گزینش دین، زمینه بروز اختلافات دینی و مذهبی در میان ایشان است.

و لو شاء ربك لجعل الناس أمة واحدة ولا يزالون مختلفين

مراد از اختلاف به قرینه <إلا من رحم> اختلافات دینی و مذهبی است و جمله <لا يزالون...> (پیوسته با یکدیگر اختلاف دارید) به منزله نتیجه ای برای مفهوم <لو شاء...> می باشد، یعنی، چون نخواسته که شما را مجبور کند بلکه خواسته که مختار باشید پیوسته اختلاف دارید.

آثار اجتناب از نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۵

۲۵ - خودداری از نصرت دین خدا، موجب محرومیت انسان از یاری و حمایت او

و لينصرنَّ الله من ينصره

آثار استقامت در اصول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۷

۷ - پایداری بر اصول، پوشش دهنده و جبران کننده کاستی ها در میدان عمل و لغزش ها در فروع است.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ... نَزَّلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

از تعبیر <قالوا ربنا الله ثم استقاموا> و تتمیم آن با عبارت <نُزَّلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ> استفاده می شود که انسان ها دارای خطا، لغزش، سهو و نسیان خواهند بود ولی آنچه مهم است

پایداری بر اصل <توحید ربوبی> است و در پرتو این امر لغزش های غیر اصولی قابل بخشش می باشد.

آثار استقامت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۶

۶ - تأثیر و نقش اساسی استقامت و پایداری بر مواضع دینی ، در به ثمر نشستن ایمان و دین داری

وَأَلْوَسْتُمْوَا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

آثار اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۵

۵ هشدار به مردم درباره پیامدهای شوم اعراض از تعالیم دین و احکام خداوند، از اهداف نزول قرآن

کتب أنزل .. لتنذر به

با توجه به آیات بعد معلوم می شود متعلق <لتنذر> عذابهای دنیوی و اخروی خداوند است که دامنگیر مخالفان احکام الهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ تکذیب آیات الهی و تکبر در مقابل معارف دین، موجب مسدود شدن تمامی راههای ورود به بهشت

لا تفتح لهم أبواب السماء ولا يدخلون الجنة

در برداشت فوق جمله <ولا يدخلون ..> تفسیر جمله <لا تفتح لهم ...> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۸

۸ جوامع بی اعتنا به پیام های الهی و بیزار از خیرخواهی نصیحت گران ، در خطر هلاکت و نابودی

فأخذتهم الرجفه . . . نصحت لكم و لكن لاتحبون النصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۶

۶ مخالفان انبیا و اعراض

کنندگان از حقایق و معارف الهی ، در خطر نابودی و عذاب الهی اند .

فإن تولوا .. يستخلف ربی قومًا غیر کم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۲

۲ - کفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فإنّ الإنسان کفور . لله ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۱

۲۱ - فسق پیشگی اهل کتاب و نافرمانی آنان از حق ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان نسبت به تعالیم الهی و گرفتار شدن به قساوت قلب

فطال علیهم الأمد ففست قلوبهم و کثیر منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱

۱ - انکار معجزات و دلایل روشن پیامبران و روی گردانی از تعالیم آنان ، عامل گرفتاری کافران پیشین به سرنوشت شوم و عذاب دردناک الهی

الذین کفروا .. لهم عذاب أليم . ذلک بأنّه کانت تأتیهم رسلهم بالبینة ... فکفرو

<بینة> (مفرد <بینات>) به معنای دلیل و حجت است و ولی در قرآن بر معجزه پیامبران الهی نیز اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۴

۴ - دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، پیامدار سرنوشتی شوم و خسارت بار

عتت عن أمر ربّها .. فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

- فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۲

۲ - دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و رسول ، موجب عذاب شدید اخروی

أعدّ الله لهم عذابًا شديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۱

۱ - تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها ، از نشانه های کفر و اوصاف کافران

و لكن کذب و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۲

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی است .

و لكن کذب و تولّی .. . اولی لک فأولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۲

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی

و لكن کذب و تولّی .. . ثمّ اولی لک فأولی

آثار امداد به دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴ قرار دادن پایگاه و امکانات در اختیار دشمن خدا و دین ، ظلم و موجب سقوط در آتش است .

و إِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ .. فأنهار به في نار جهنم

آثار امداد به دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ١٠٠ - ٧

٧ هجرت در راه خدا و يارى دين ، سبب جلب رضايت الهى و دستيابى به حيات جاودان در بهشت

من المهجرين و

الأنصار .. رضی اللہ عنہم

آثار امداد دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۸

۸ ایمان، هجرت، جهاد، یاری کردن مؤمنان و دین خدا، زمینه بهره مند شدن از مغفرت و روزی با کرامت خداوند.

و الذین ءامنوا و هاجروا .. لهم مغفره و رزق کریم

آثار ایمان به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - باور به معارف الهی و حقایق دینی، نشانه فهم و درک صحیح است.

أفلا تعقلون

آثار بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۶

۱۶ بازیچه قرار دادن دین موجب تباهی و محرومیت از خیر و ثواب می شود.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. و ذکر به أن تبسل نفس

در آیه قبل سخن از بازیگری با دین بود و جمله < ذکر به .. > در مقام هشدار و بیان نتیجه کار آنان است.

آثار بدنمایی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱۰

۱۰- ترجیح دادن همواره دنیا بر آخرت ، سد مدام راه خدا و کج جلوه دادن تعالیم الهی ، از نشانه های کفرپیشگی است .

ویل للكفرین .. الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدون عن سبیل الله

آثار بی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۷ - ۳

۳ - >

دین داری < ، موجب پیشرفت و تکامل و > بی دینی < ، موجب انحطاط و سقوط است .

لمن شاء منكم أن يتقدم أو يتأخر

مقصود از تقدم و تأخر در آیه شریفه به قرینه نظیر آن در آیه ۱۹ از سوره قبل (إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا) ممکن است سبقت در اتخاذ راه خدا و عقب افتادن با تخلف از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۶

۶- جلوگیری از نفوذ ادیان الهی و رواج بی دینی ، زمینه ساز رواج فساد و تبه کاری در جامعه است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله .. بما کانوا یفسدون

آثار بی نیازی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۶

۶- بی نیاز دیدن خویش از تعالیم دین ، مصداق بارز ناپاکی و محرومیت از تزکیه است .

أَمَا مِنْ اسْتَغْنَىٰ .. وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزْكِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۵

۵- احساس بی نیازی از تعالیم دین ، زمینه ساز غفلت از خداوند و بی باکی از آلودگی به پلیدی ها است .

أَمَا مِنْ اسْتَغْنَىٰ .. إِلَّا يَزْكِي ... وَ هُوَ يَخْشَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۲

۲- احساس بی نیازی از تعالیم دین ، مایه روسیاهی در قیامت

أَمَّا مِنْ اسْتَغْنَى . فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ... وَ وَجْه

یومئذ علیها غیره

ارائه دو ترسیم از حاضران صحنه قیامت در ذیل سوره، ممکن است اشاره به تقسیمی باشد که در آغاز سوره انجام گرفته بود که در یک طرف ابن ام مکتوم و در طرف دیگر اشراف قرار داشتند.

آثار پیروی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۸

۸ دستیابی به رحمت خداوند در آخرت، در گرو گام نهادن در راه خدا و پیروی از دین او و ایمان به آخرت است.

ألا لعنة الله على الظالمين. الذين يصدون عن سبيل الله ... و هم بالأخره هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱۰

۱۰ - ایمان، توبه و پیروی از دین، از شرایط ورود به بهشت

و يستغفرون للذين ءامنوا... فاغفر للذين تابوا و اتبعوا سبيلك... و ادخلهم جنّ

برداشت یاد شده از آن جا است که فرشتگان پیش از درخواست بهشت برای مؤمنان، آنان را به وصف ایمان، توبه و پیروی از راه دین توصیف کرده اند.

آثار پیروی از دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ - پیروی از مرام حنیف (معتدل و بی انحراف) ابراهیمی، دربردارنده نیکی های دنیوی و صلاح اخروی

و ءاتينه فى الدنيا حسنه و إنه فى الآخره لمن الصالحين... أتبع مله إبرهیم حنیف

آثار پیروی از دین حنیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰- پیروی از

مرام حنیف (معتدل و بی انحراف) ابراهیمی ، دربردارنده نیکی های دنیوی و صلاح اخروی

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الآخره لمن الصلحین . . . اتبع مله ابرهیم حنیف

آثار تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل يهلك إلا القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۳

۳- تبلیغ دین و تشکیل جامعه اسلامی ، درپی دارنده سخنان ناروا و تبلیغات سوء دشمنان و مخالفان دین

و اصبر علی ما یقولون

آثار تبلیغ علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۴

۴- تکذیب دین و بدگویی از آن ، از موجبات کیفر و عذاب الهی

و اصبر علی ما یقولون . . . و المکذبین ... إِنَّ لَدینَا أَنْکَالاً ... و عذاباً ألیماً

آثار تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ تحریف دین (تغییر و تبدیل و کم و زیاد کردن وحی الهی) گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب اخروی

قل ما یكون لی أن أبدله .. إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم

آثار تحمل مشکلات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۸

۸ - تحمل دشواری ها در راه دین در نظر مؤمنان راستین ، تنها زمینه ساز برخورداری از مغفرت الهی است و نه تضمینی حتمی .

قالوا لاضیر .. . إنا نطمع أن یغفر لنا ربنا

ساحران مؤمن، در عین اظهار آمادگی برای پذیرش هر دشواری، خود را در آن مرتبه ندیدند که حتماً مورد غفران قرار می گیرند؛ بلکه فقط اظهار امیدواری کردند.

آثار ترک فروع دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۸

۸ - کافران ، بر ترک فروع دین نیز توییح می شوند .

فما لهم .. . لایسجدون

مراد از سجود در آیه ممکن است معنای اصطلاحی آن و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن باشد.

آثار تشریح تدریجی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۴

۴- نزول تدریجی تعالیم دینی و آموزش تدریجی آنها ، دارای نقشی مؤثر در هدایت مردم

فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

از آن جایی که قرآن کتاب هدایت است، تذکر به نزول تدریجی آن بر پیامبر(ص) می تواند به خاطر این باشد که: نزول

تدریجی در امر هدایت مؤثرتر است.

آثار تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۹

۹ - بررسی دقیق و منصفانه حقایق دینی ، موجب ایمان آوردن به آنهاست .

یتلونه حق تلاوته أولئک يؤمنون به

آثار تعلیم دین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۸

۸ - رسیدن امت ها به مقام تسلیم در گرو بعثت پیامبران ؛ آموزش کتاب آسمانی و معارف و احکام دینی و پاک شدن از آلودگیهاست .

من ذریتنا أمه مسلمه لک .. ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا ... یرکبهم

به نظر می رسد درخواست ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) برای بعثت پیامبری از میان ذریه آنها در پی درخواست تشکیل >امت مسلمه < بدین جهت باشد که: بعثت و هدفهای آن، از ضروریات بنیادی برای تشکیل >امت مسلمه < است.

آثار تکذیب بخشی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۴

۴- التقاط در دین (پذیرش قسمتی از دین و انکار برخی دیگر) گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب الهی است .

كما أنزلنا علی المقتسمین

آثار تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین . الذین یصدون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۳

۳ اصرار بر کفر و انکار پیامبران و معارف الهی ، موجب از دست دادن شایستگی برای ایمان و هدایت است .

ينوح قد جدلتنا فأكثر جدلنا فأتنا بما تعدنا .. لن يؤمن من قومك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ نپذیرفتن آیین و شریعت الهی ، کفر به خداوند است .

حش لله.. .. اینی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

آیه ۳۸ و ۳۹ و نیز جمله هایی نظیر <حاش لله> (در آیه ۳۱ و ۵۱) دلالت بر آن دارد که: مصریان عصر یوسف(ع) به وجود خداوند معتقد بودند / ولی یوسف(ع) از آنان به کافران به خدا یاد می کند (لایؤمنون بالله). این تعبیر به قرینه <ترکت مله قوم...> می تواند بدان سبب باشد که شریعت و آیین آنان، شریعتی غیر الهی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۵

۵ - کفر و انکار دین الهی ، هر چند توأم با عمل کفرآمیز نباشد ، موجب عذاب شدید و بدبختی است .

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، سعادت مندی مؤمنان را در گرو دو چیز (ایمان و عمل صالح) دانسته است / ولی بدبختی و عذاب شدید کافران را صرفاً به کفر آنان مربوط کرده و عمل کفرآمیز آنان سخن نگفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۵

۵ - کیفر دوزخ برای تکذیب کنندگان دین ، بازتاب قهری عملکرد مستمر خود آنان

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۵،۲

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت

و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا

۵ - تکذیب عمدی دین ، عامل دوزخی شدن است .

قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۸ - ۲

۲ - عذاب شدن اقوام و ملت های گذشته ، بر اثر تکذیب دین و پیامبران الهی

و لقد كذب الذين من قبلهم فكيف كان نكير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۳

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خوئی و بی تباری) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفت بار الهی

فلاتطع المكذبين ... كل حلاف مهين ... عتل بعد ذلك زنيماً ... سنسمه على الخرطوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۴

۴ - تکذیب دین و بدگویی از آن ، از موجبات کیفر و عذاب الهی

و اصبر على ما يقولون .. و المكذبين ... ان لدينا انكالا ... و عذابا أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۱

۱ - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

۱ - تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها ، از نشانه های کفر و اوصاف کافران
و لکن کذب و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۲

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی است .

و لکن کذب و تولی ... اولی لک فأولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۲

۲ - تکذیب دین و روی گردانی عمدی از تعالیم آن ، موجب هلاکت و نفرین الهی

و لکن کذب و تولی ... ثم اولی لک فأولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۷ - ۳

۳ - تکذیب دین ، موجب هلاکت و نابودی است .

ألم نهلك الأولین . ثم تتبعهم الآخیرین

آثار توطئه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۴

۴- خداوند ، تمامی مکرها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مكر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز <فأتی الله بنیانهم من القواعد..> بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

آثار توطئه علیه دین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۴

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

آثار جهل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۳

۳ جهل و عدم درک صحیح نسبت به مفاهیم دینی و ارزش های الهی ، عامل بد تفسیر کردن و ناروا شمردن آنها

و أجدر ألاً يعلموا حدود ما أنزل الله . . يتخذ ما ينفق مغرماً

جمله < يتخذ ما ينفق مغرماً > می تواند نمونه ای باشد از آنچه در آیه قبل به طور کلی درباره جهل و نادانی بادیه نشینان گفته شده.

آثار حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - ایمان و عمل صالح ، (حاکمیت دین) موجب زدایش ترس و اضطراب و عامل امنیت و آرامش

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً

آثار حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۵

۵- ارشاد و راهنمایی در پرتو قوانین حق ، دارای ثمربخشی *

أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره

برداشت بالا بدان احتمال است که هدایت امری علاوه بر دین حق باشد یعنی، هدایت، راهنمایی و ارشاد در کنار قوانین حق، مکمل یکدیگر بوده و آثار بایسته را در پی دارند.

آثار حمایت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس

۶- ایمان و دفاع از دین تا مرز شهادت و ایثار، موجب غفران الهی و رسیدن به عزت و کرامت در پیشگاه خدا است.

قال يقوم اتبعوا المرسلين .. ائني امانت بر بكم فاسمعون . قيل ادخل الجنة ... ب

آثار دروغگویی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹- سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین، کیفر مخالفت آنان با نماز، هدایت و تقوا

لنسفعا بالناصيه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

آثار دشمنی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵- دشمنی با دین خدا، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است.

ان الله يدفع .. ان الله لا يحب كل خوان كفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۵

۵ برخورد عناد آلود و بهانه جویانه با تعالیم آسمانی، در پی دارنده گمراهی هدایت ناپذیر و مانع دستیابی به حق

انظر كيف ضربوا لك الأمثل فضلوا فلا يستطيعون سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - جبهه گیری در برابر خدا و پیامبر و حاکمیت دین ، از نمود های بارز فسق

ذلك

بأنهم شاقوا الله ورسوله .. و ليخزي الفسقين

از تطبیق عنوان <فاسق> بر کسانی که در برابر خدا و پیامبر(ص) جبهه گیری کردند (شاقوا الله و رسوله)، مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۶

۶ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب زوال نعمت ها است .

ثم يطمع أن أزيد . كلاً إنّه كان لأيتنا عنيداً

جمله <إنّه كان لأيتنا عنيداً> تعلیل برای ردع (کلاً) است؛ یعنی، چنین نخواهد شد (بر قدرت و ثروت او افزوده نخواهد شد)؛ چون او نسبت به آیات ما عناد دارد.

آثار دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۳

۳- امکان تعدی کافران به مؤمنان ، در قبال فراخوانده شدن به دین

ادع إلى سبيل ربك .. و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

آثار دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاون .. و سيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۸

۸- کفر و ستیزه جویی با دین و پیامبر (ص) ، از عوامل حبط عمل و نابودی اعمال نیک انسان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... و سَيَحْبُطُ أَعْمَلَهُمْ

آثار دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - دین فروشی ، مایه گرفتار شدن به عقوبت ها و عذاب های الهی است .

و لا تشتروا بآیتی . . . و ایّی فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ - سوداگری با دین و ترجیح دادن دنیا بر آخرت ، نشان جهل و نادانی است .

و لا تشتروا بعهد الله . . . إنما عند الله هو خیر لكم إن كنتم تعلمون

آثار دین موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۳

۳ - نفوذ آیین موسی (ع) در میان خاندان فرعون و ایمان آوردن مردی از آنان

قال رجل مؤمن من آل فرعون

آثار ذکر فرجام دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۴

۴ - توجه به سختی فرجام دین ستیزان ، بازدارنده انسان از فرو رفتن در پوچی های زندگی دنیوی

فویل . . . للمکذبین . الذین هم فی خوض یلعبون

تذکر خداوند به دین ستیزان (الذین هم فی خوض)، در حقیقت هشدار به گرفتاران در پوچی دنیا است تا به فرجام آن بیندیشند و از پوچی به در آیند.

آثار رابطه با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲۱

۲۱ - پندار تأمین بعضی منافع از طریق روابط سرّی با دشمنان دین ، پنداری باطل و بی فرجام *

و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل

برداشت یاد شده با توجه به شأن نزول آیه شریفه

است؛ یعنی، برقراری ارتباط برخی از مسلمانان با دشمن، به انگیزه حفظ منافع؛ نه خیانت به مسلمانان.

آثار سوءاستفاده از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۶

۶ - کارآمد بودن استفاده ابزاری از دین علیه خود دین، برای منافقان

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

آثار شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان، موجب خشم و عذاب الهی است.

و الذين يحاجون في الله .. عليهم غضب و لهم عذاب شديد

آثار شك در اصول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۱ - ۹

۹ - تردید هرچند اندک درباره اصول عقیده، در پی دارنده فاجعه ای عقیدتی و رفتاری

فَاتَّبِعُوهُ .. و ما كان له عليهم من سلطان إلا لنعلم ... ممن هو منها في شك

تنوین <شك> برای تقلیل است و دلالت بر ناچیزی و اندکی دارد.

آثار شك در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۵

۵- ماندگار شدن در شك و تردید نسبت به حقایق دین ، سرچشمه نگاه بازیگرانه به هستی و انسان

إن كنتم موقنین .. فی شكّ یلعبون

آثار شكست در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۳۱

۳۱ - تردید در عالمانه و حکیمانه بودن احکام دین و انطباق

آن با مصالح واقعی بشر، از عوامل عدم پابندی به آن *

ذلکم حکم اللّٰه .. و اللّٰه علیم حکیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پس از بیان حکم الهی، برای تأکید بیشتر بر اهمیت این حکم و پابندی مؤمنان به آن، موضوع علم و حکمت صادرکننده آن حکم تذکر داده شده است.

آثار شناخت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ علاقه به معارف دینی، در گرو شناخت آنهاست.

فَعَمَّیتِ عَلَیْکُمْ .. و اَنْتُمْ لَهَا کَرْهُونَ

آثار عدم فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان

بأنهم قوم لا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ درک نکردن معارف و حقایق دین، ریشه گرایش به کفر و شرک است.

أولئک .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جمله <ما کانوا...> بیانگر دلیل و ریشه کفرورزی کافران است.

آثار علاقه به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۶،۲۴

۱۶ - حرکت مؤمنان راستین در طریق ایمان و اطاعت از پیامبر (ص) ، براساس عشق و محبت به دین و نه تحمیل و تحکم

و لکنّ الله حبّ إليکم الإیمن و زینة فی قلوبکم

از این که خداوند در باز داشتن

مؤمنان از تحمیل آرای شخصی بر پیامبر(ص)، به <حَبِّ إِلَيْكُم الْإِيمَانُ> تکیه کرده است؛ استفاده می شود که نیرو و جاذبه محبت، اصلی ترین و نیرومندترین محرک مؤمنان برای حرکت به سمت ایمان و اطاعت از رسول الله است.

۲۴ - رشد واقعی انسان، در پرتو محبت دین و بیزاری از کفر و گناه

حَبِّ إِلَيْكُم الْإِيمَانُ .. و كَرِهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ ... أَوْلَيْكُمُ هُمُ الرُّشْدُونَ

آثار عمل به بخشی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۷

۲۷ - تبعیض در ایمان و عمل به احکام دین، در پی دارنده ذلت و خواری در دنیا و عذاب شدید در قیامت است.

ما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحياه الدنيا و يوم القيمه يردون إلى أشد الع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۸

۸ - کشتن و آواره کردن اهل ایمان و تبعیض در دین، موجب از دست دادن سرای آخرت و گرفتار شدن به عذاب شدید قیامت است.

أَوْلَيْكُمُ الَّذِينَ اشْتَرُوا .. فلا يخفف عنهم العذاب

<ال> در <العذاب> عهد ذکری و اشاره به <أشد العذاب> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۲۰

۲۰ - اکتفا به انجام برخی از تعالیم شریعت، خطری برای کلیت دین

أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ

برداشت یاد شده باتوجه به دو مطلب زیر است: الف) مراد از <لَا تَتَفَرَّقُوا> عمل به برخی از دستورات و ترک بعضی دیگر باشد. ب) فعل

<لا تتفرّقوا> تفسیر و تأکید برای <أقيموا الدين> باشد.

آثار عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها .. يأخذوا بأحسنها سأوريكم دار الفسقين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <ساوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولك يأخذوا> باشد؛ یعنی: <این تاخذها و يأخذوا سأوريكم دار الفسقين> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوریکم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - عمل به مقتضای دین و اقتدا به پیامبران، شرط دین داری و سعادت مندی است.

قال يقوم أتبعوا المرسلين

تصریح به اقتدا و پیروی از پیامبران به جای ایمان آوردن به آنان و .. می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

آثار غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۶،۷

۶ کفر گروهی از بنی اسرائیل پیامد غلو آنان در دین

لا تغلوا فی دینکم .. لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل

بیان گرایش گروهی از بنی اسرائیل به کفر پس از اشاره به غلو و گزافه گویی اهل کتاب در دین، می تواند بیانگر این باشد که کفرورزی آنان پیامد غلوشان بوده است.

۷ غلو در دین موجب کفر است .

لاتغلوا فی دینکم . . لعن الذین کفروا

آثار فهم دین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ درک معارف الهی (توحید ، معاد و ...) و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لا يفقهون

آثار قبول بخشی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۴

۴- التقاتل در دین (پذیرش قسمتی از دین و انکار برخی دیگر) گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب الهی است .

كما أنزلنا على المقتسمين

آثار قتل مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۶

۶ - کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنة .. إن كانت إلا صيحة وحده فإذا هم خمدون

آثار کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۲

۲ - کتمان معارف و احکام دین و حقایق کتاب های آسمانی ، کفرپیشگی است .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. إن الذين كفروا و ماتوا و هم کفار

آوردن جمله <إن الذين كفروا ..> پس از <إن الذين يكتُمون> - بدون حرف فاصله ای همانند واو - گویای این است

که: <الذین کفروا> همان کتمان کنندگان هستند و یا کتمان کنندگان از مصادیق کفرپیشگان می باشند. به هر تقدیر این معنا که کتمان حقایق دینی کفر است، از ارتباط دو آیه به دست می آید.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۲

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذين يكتُمون .. أولئك عليهم لعنة الله ... خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۷

۷ - امساک دانش از دیگران و کتمان علوم الهی ، بخل است .

و ما هو علی الغیب بضنین

آثار کفر به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی ، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان

بأنهم قوم لا یفقهون

آثار گناه مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و

تقوا

لنسفعا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه>

و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

آثار مبارزه با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۶

۶ همیاریهای ضد دینی در دنیا، در پی دارنده دشمنی و کینه توزی در آخرت خواهد شد.

كلما دخلت أمه لعنت أختها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه

۲ - ملائک ممنوعیت رابطه نیک با کافران ، ستیز و جنگ آنان با دین و دینداران است ؛ نه صرف کافر بودن ایشان .

لا ینهیکم اللّٰه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیرکم

آثار مجادله در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۳،۴

۳ - جدال بدون دلیل و برهان در آیات الهی (دین) ، موجب گمراهی و محرومیت ابدی از هدایت الهی است .

کذلک یضلّ اللّٰه من هو مسرف مرتاب . الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه بغیر سلطن اُتیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که <الذین یجدلون ..> بدل برای <من> در آیه پیش باشد.

۴ - جدال در آیات الهی (تعالیم دین) ، بدون دلیل و برهان و از سر جهل و بی فکری ، موجب تردید و شکاک بودن انسان

در معارف الهی و زیاده روی در مخالفت با آن

کذلک یضلّ اللّٰه من هو مسرف مرتاب . الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه بغیر سلطن اُتیه

جمله <الذین یجدلون ..> در واقع بیانگر علت مسرف و مرتاب (شکاک) بودن برخی از انسان ها است ؛ یعنی، چون برخی

به جای فکر کردن در آیات الهی، از سر جهل و یا تقلید به مجادله با آن بر می خیزند. از این رو نسبت به تعالیم الهی همواره

در شک و تردید به سر می برند و در مخالفت با تعالیم آسمانی اسراف می کنند.

آثار مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۱۰ کفرپیشگان و مخالفان معارف دین ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی اند .

فلما جاء أمرنا نجینا صلحاً . . . و من خزی یومئذ إن ربک هو القوی العزیز

آثار مکر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۴،۹

۴- خداوند ، تمامی مکر ها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز <فأتی الله بنینهم من القواعد..> بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

۹- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد . . . و أتهم العذاب من حیث لا

آثار مکر علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۴

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

آثار ممانعت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت

خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنة الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱۱

۱۱- ایجاد مانع بر سر راه خدا (دین الهی) ، موجب مشکلات دنیوی و عذاب بزرگ اخروی است .

و تذوقوا السوء بما صدقتم عن سبيل الله و لكم عذاب عظيم

مقصود از <سبیل الله> دین خداست که در آیات بسیاری از قرآن به همین عنوان آمده است.

آثار نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ .. و يثبت أقدامكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - توسعه و گسترش دین ، نیازمند یاران مؤمنی همچون حواریون عیسی (ع)

قال الحواریون نحن أنصار الله

آخرین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۲

۲ اسلام آخرین دین آسمانی و پیامبر(ص) خاتم انبیا و قرآن آخرین کتاب آسمانی است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

لازمه تمام بودن قرآن در طول زمان این است که قرآن آخرین کتاب آسمانی و محتوای آن اسلام نیز آخرین دین باشد.

آرزوی زیان برای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۷

۷ - آرزوی مرگ و زیان

کاری برای دشمن دین و نفرین بر او ، کاری پسندیده است .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

آرزوی مرگ برای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۷

۷ - آرزوی مرگ و زیان کاری برای دشمن دین و نفرین بر او ، کاری پسندیده است .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

آزادی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۵

۵ - انسان ، در انتخاب دین ، دارای اختیار تکوینی است .

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ

آزادی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۴

۴ - انسان در انتخاب دین و تعیین سرنوشت خویش ، دارای اختیار است .

فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ . وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ ... يَدْخُلُ مِنْ يَشَاءَ ... وَ الظَّالِمُونَ

از این که خداوند نخواستهممگان به اجبار آیین واحدی داشته باشند، می توان استفاده کرد که انتخاب آیین و سرنوشت، به اختیار انسان واگذار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۴

۴ - دین ، امری متکی به اختیار و انتخاب خود آدمی است .

و ما أنت علیهم بجبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۸

۸ - انسان ، موجودی انتخابگر و توانمند بر پذیرش یا ردّ دین

لمن شاء منکم أن یستقیم

آزادی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان -

۹ انسان در انتخاب راه و روش زندگی و عقیده و دیانت ، مختار است .

يَلْتَنِي اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً

این که ظالمان عمل نپیمودن راه پیامبر(ص) را به خود نسبت می دهند (اتخذت..) و از این کار اظهار پشیمانی و تأسف می کنند، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۷ - ۹،۱۰

۹ انسان در انتخاب دین ، آزاد و مختار است .

إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً

۱۰ پیامبر (ص) ، تنها مأمور فراخواندن مردم به راه خدا و دین الهی بود و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش آن .

و مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا .. إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً

از این که خداوند در آیه قبل رسالت پیامبر(ص) را، منحصر به انذار و بشارت دانست و در آیه مورد بحث، انسان را در انتخاب راه الهی آزاد گذاشت، می توان استفاده کرد که پیامبر(ص) حق نداشت مردم را به پذیرش دین مجبور کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، خواهان ایمان اختیاری مردم است ، نه گرایش جبری آنان به دین .

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ .. فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ

آسیب شناسی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - رسیدن به منافع دنیوی ، از عوامل گرایش به کفر و انکار قرآن

ولاتشتروا بأيتي ثمناً قليلاً

جلد - نام

۴ - گرفتاری عوام به خیالات واهی درباره دین و کتاب های آسمانی ، پیامد تحریفگری و عملکرد عالمان سوء است .

و منهم أمیون .. فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم

تفریع جمله <فویل للذین ..> بر آیه قبل - که درباره جهل مردم به کتاب آسمانی بود - گویای این معناست که: عالمان سوء و تحریفگر، دارای نقشی بسزا در جهل و خرافه گرایی مردم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تلاش پی گیر اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان

وَدَّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد ایمنکم کفاراً

<وَدَّ> به معنای علاقه داشتن است، ولی به دلیل جمله <فاعفوا ..> معلوم می شود: اهل کتاب برای تحقق بخشیدن به آرزوی خود (مرتد ساختن اهل ایمان) به تلاشهای توطئه گرانه نیز روی آورده بودند.

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من ءایه .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... وَدَّ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۳، ۱۴

۱۳ - باور ها و عقاید دینی در خطر آمیخته شدن با آرزو ها و خیالات واهی است .

تلک أمانتھم

۱۴ - ضرورت پرهیز از گرایش دادن آرزو ها و خیالات واهی به سمت باور ها و عقاید دینی

قالوا لن یدخل الجنه . . . تلک أمانتھم قل هاتوا برھنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۲۲

۲۲ - ادیان الهی ، در خطر آمیخته شدن به افکار و اندیشه های برخاسته از هوا های نفسانی

لئن اتبعت أهواءھم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۵، ۷

۵ - تکیه بر آداب و رسوم گذشتگان و اصرار بر رعایت آنها ، از عوامل نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص) و پیروی نکردن از

قرآن و احکام دین

قالوا بل نتبع ما ألفینا علیہ ءاباءنا

۷ - تأثیر آداب و رسوم اقوام در هدایت و یا گمراهی نسل های آنان

قالوا بل نتبع ما ألفینا علیہ ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۰

۲۰ - خطر آسیب پذیری دین با تشدید انحرافات داخلی ، پس از فراغت از ناحیه دشمن خارجی

اليوم يئس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم و اخشون

با توجه به اینکه بحث در این بخش از آیه درباره اكمال دين و مصونيت آن از خطر دشمن خارجي است، مي توان گفت هدف از فرمان به ترسيدن از خداوند (و اخشون) پس از دفع خطر دشمنان از آسيب رسانی به دين، اين است که مبدا

مسلمانان خود، به معارف دین ضربه زده و اساس آن را تهدید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۱، ۱۰، ۴، ۳

۳ غلو در دین (آمیختن معارف الهی به گزافه هایی باطل) امری نکوهیده و حرام

لاتغلو فی دینکم

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلو فی دینکم

۱۰ عقاید ناروا و غلوآمیز اهل کتاب برخاسته از افکار باطل گمراهانی مشرک در گذشته تاریخ

قل یاهل الکتب لاتغلو فی دینکم .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

بدان احتمال که خطاب در <یا اهل الکتب> متوجه تمام یهود و نصارا باشد نه خصوص آنانکه در عصر پیامبر(ص) بودند. بر این مبنا مراد از <قوم قد ضلوا> پیشینیان اهل کتاب نخواهند بود بلکه مقصود، پیروان مذاهب شرک می باشند.

۱۱ ضلالت های فراوان و ریشه دار بشر ، میراث عقاید و افکار هواپرستان تاریخ

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا کثیراً

بدان احتمال که <کثیراً> صفت مفعول مطلق محذوف باشد ؛ یعنی (اضلوا اضلالاً کثیراً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۷

۷ غلو در دین موجب کفر است .

لاتغلو فی دینکم .. لعن الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۷، ۶

۶ تکیه بر گمان در مسائل اصولی و زیربنایی موجب گمراهی می شود.

يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

۷ گرایش به همسویی و همشکل شدن با توده های مردم در عقاید و

افکار، لغزشگاهی خطرناک برای رهروان حق است.

و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلوک

نهی از پیروی از اکثریت، بیانگر جاذبه عظیم عقاید اکثریت و خطر لغزش به سوی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۳،۵،۸

۳ مشرکان از مفهوم <مشیت الهی> برداشتی نادرست داشتند.

سیقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

۵ برداشت نادرست از مفهوم مشیت الهی دستاویزی برای ابراز عقیده جبر است.

لو شاء الله ما أشركنا و لا ءاباؤنا

۸ جبرگرایی بهانه ای برای فرار از مسؤولیت است.

سیقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱،۲

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین شریعتهای الهی به خود انسانها می رسد. ب: <اتخذوا> از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین الله لهوا و لعباً. و تبدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

۲ ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

دنیاطلبیو تجمل‌گرایی، از موانع پذیرش توحید و ایمان به پیامبر (ص) و قرآن است.

فاعلموا أنما أنزل بعلم الله و أن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون. من کان یرید ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۲

۲ حرمت بدعت گذاری در دین و انتساب امری خود بافته و دروغین به خداوند

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۹

۹ دروغ بستن به خدا، موجب بازداري مردم از پیوستن به راه او و منحرف ساختن دین الهی و نشانه کفر به آخرت است.

و من أظلم ممن افتری ... و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ درک نکردن معارف و حقایق دین، ریشه‌گرایی به کفر و شرک است.

أولئک .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جمله <ما کانوا...> بیانگر دلیل و ریشه کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۲

۲ منفعت پرستی، حرام خواری، تعصب و قوم‌گرایی عامل‌های بازدارنده مردم مدین از اندیشه کردن در تعالیم شعیب (ع) و فهمیدن آنها

قالوا یشعیب ما نفقه کثیرًا مما تقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۹

۹ اختلاف انسان ها در دین ، مایه پوشیده

شدن حقیقت بر عموم آنان می شود .

و لایزالون مختلفین

چون <إلّا من رحم> در آیه بعد استثنا از <لایزالون مختلفین> است معلوم می شود همه اختلاف کنندگان در دین جز کسی که مورد رحمت الهی قرار گیرد بر طریق ناصوابند بنابراین اختلاف در دین باعث می شود که حق بر همه گروهها پوشیده بماند و همگان بیراهه بروند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۲، ۱۷

۱۷ تنها ادیانی که قرین برهان باشند ، از کجی و انحراف میرا هستند .

ما أنزل الله بها من سلطان . . . أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

۲۲ جهل و نادانی مردم ، زمینه ساز پیدایش شرک و پرستش غیر خدا

ما أنزل الله بها من سلطان . . . و لكن أكثر الناس لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۵، ۶

۵ غرور و خودپسندی مردمان ، از ریشه های ایمان نیاوردن آنان به پیامبر (ص) و قرآن *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه مورد بحث می تواند به عنوان یکی از نتایج نقل داستان یوسف و برادرانش مطرح باشد و در آن داستان بیان شد که یکی از علل برخورد برادران یوسف با وی غرور و خودبرتربینی آنان بود (و نحن عصبه) بنابراین <ما أكثر الناس> پس از نقل آن داستان اشاره به این معنا دارد که از علل ایمان نیاوردن مردم مکه به پیامبر(ص) غرور و خودبرتربینی ایشان بوده است.

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان

به آن حضرت *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ معارف و حقایق الهی همواره در خطر مشوب شدن و آمیخته گشتن به اموری باطل است .

أنزل من السماء .. فاحتمل السيل زبداً رايباً و مما يوقدون ... زبد مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۹

۱۹- شك توأم با بدینی اقوام کفرپیشه نسبت به تعالیم انبیا، منشأ کفر آنان بود .

قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به و إنا لفي شكّ ممّا تدعوننا إليه مريب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۶

۶- غوطه‌وری در تمتعات و لذت های مادی ، مانع تسلیم شدن در برابر حقایق دینی

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم يأكلوا و يتمتعوا

فراز <ذرهم يأكلوا و يتمتعوا و...> که درصدد بیان حالات کفار است می تواند به منزله تعلیل و جوابی باشد برای اینکه:

چرا آنان اسلام نمی آورند و سرانجام نادم و پشیمان می شوند؟

آسیب شناسی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۲،۳،۹

۲- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للكفرين . . . الذين ... و يصدون عن سبيل الله

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و

تعالیم الهی هستند .

للكفرین . . . الذین ... و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً

۹- دل‌بستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت ، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است .

الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدّون عن سبیل الله

تقدیم < یستحبّون الحیاه الدنیا > بر جمله < و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً > احتمالاً بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۳

۳- لجاجت و هدایت ناپذیری ، عامل عدم تسلیم و مقاومت در برابر تعالیم آسمانی

و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظلّوا فیہ یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۴

۴- التقاط در دین (پذیرش قسمتی از دین و انکار برخی دیگر) گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب الهی است .

كما أنزلنا علی المقتسمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتري الكذب الذین لا یؤمنون بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۶ - ۱

۱- نسبت دادن برداشت های شخصی ، بی اساس و دروغین خود به دین ، حرام و ممنوع است .

و لا تقولوا لما تصف ألسنتكم الكذب هذا حلل و هذا حرام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۵

۵- پيش داوری

های مبتنی بر ملاک های غلط ، مانع برخورد صحیح با تعالیم انبیاست .

و ما منع الناس .. إذ جاءهم الهدى إلا أن قالوا أبعث الله بشراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۳

۳- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالاً .. قال ما أظن أن تبيد هذه أبداً . و ما أظن الساعة قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶- انکار معاد ، نکوهیده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا كما خلقناكم أول مره بل زعمتم أن نجعل لكم موعداً

حرف <بل> برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در <كما خلقناكم>، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۵

۵- رفاه طلبی و قدرت خواهی ، از عوامل ارتداد

كفر بآيتنا و قال لأتينا مالا و ولدا

ظاهر عبارت <كفر بآيتنا> به قرینه <لأتينا> که برای استقبال است حدوث کفر است نه استمرار آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵،۶

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

.. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

۶- پیروی از هواها و امیال نفسانی، در پی دارنده کفر و بی ایمانی به قیامت است.

من لایؤمن بها واتبع هویه

<اتبع> ماضی است و عطف بر <لایؤمن> که مضارع است؛ بنابراین پیروی از هوس ها که در زمان قبل انجام گرفته است، سبب بی ایمان در زمان بعد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ روحیه خود برترینی و خوی تجاوزگری، از موانع پذیرفتن حق و ایمان آوردن

لقد استکبروا فی أنفسهم و عتو عتوًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۵

۵- اشرافیت و بینش غلط طبقاتی، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأردلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳- رفاه و توانمندی قوم عاد، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتقوا الذی أمّدکم .. أمّدکم بأنعم و بنین ... قالوا سواء علینا أو عظمت أم ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۳

۳- سرمستی، رفاه زدگی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرين

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۳

۳ - دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم آیکه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام شعیب (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرين

بیان تقلب مردم <ایکه> در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعیب(ع) می تواند نشانگر این باشد که آنچه سبب شد تا مردم آیکه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۱

۱ - محیط و عادت های شرک آلود ، مانع هدایت بلقیس به راه راست و یکتاپرستی در گذشته عمر وی

و صدّها ما کانت .. إنّها کانت من قوم کفرین

<صَيِّدٌ> (مصدر <صَيَّدَ>) به معنای منع و بازداشتن است. متعلق <صَيِّدٌ> محذوف و به تقدیر <صدّها عن السبيل> می باشد. برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه یاد شده ناظر به پاسخ این پرسش باشد که بلقیس چرا پیش از این ماجرا (ماجرا)

میان او و سلیمان(ع)) با فراستی که داشت، از راه راست منحرف شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲ - ۳

۳ - ایمان ، در عین فضیلت آفرینی ، ممکن است که انسان را دچار خودفریبی کند .

أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱،۱۰

۱ - اغواگران کافر ، برای مرتد ساختن مسلمانان ، در تلاش بودند .

و قال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم

برعهده گرفتن بار خطای مسلمانان، از سوی کافران، با بیان فعل امر (لنحمل خطاياكم) هنگام دعوت از آنان برای تبعیت از خط و راه کافران، حکایت از نوعی برخورد اغواگرانه دارد.

۱۰ - فریب دادن با تمسک به دروغ و پذیرش مسؤولیت خطا ، از راه های ایجاد انحراف دینی است .

و قال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم .. إنهم لكاذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - گروهی از مردم ، به هنگام برخورداری از رفاه و آسایش و رهیدن از خطرات و سختی ها ، ناسپاسی می کنند و شرک میورزند .

و إذا مسّ الناس ضرٌّ .. ثمّ إذا أذاهم ... إذا فریق منهم برّهم یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۲،۳،۴،۵،۸،۱۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های

بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهایمانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل الله> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

۳ - کافران ، به منظور منحرف ساختن جامعه از راه خدا و ترویج باطل ، سرمایه گذاری می کردند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

آورده شدن فعل مضارع <بیشتری> و <يضلّ> دلالت بر تلاش های مستمر می کند.

۴ - داستان های خرافی و سرگرمی های واهی ، ابزار کافران برای مبارزه با دین بود .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

۵ - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) کنیزان آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

منظور از <لهو الحدیث> طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا <اشترأ> حقیقی است.

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای گمراه کردن مردم از راه خدا

است .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

۱۲ - از اهداف رواج دهندگان افسانه های باطل و خرافی در میان مردم ، به تمسخر گرفتن راه خدا است .

يشتري لهو الحديث ليضلّ .. و يتخذها هزواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۷

۷ - برخورد منفی با آیات الهی ، مانع از پذیرش آنها است .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله .. و إذا تتلى عليه آيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۹،۱۴،۲

۲ - تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

۹ - آداب و رسوم اقوام ، در هدایت و یا گمراهی نسل ها آنان ، تأثیری قابل توجه دارد .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

۱۴ - شیطان ، بازدارنده انسان ها از تبعیت از دین است .

اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع .. أو لو كان الشيطان يدعوهم إلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

وإذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا

علیه اباونا .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لا یعلمون> مفعول به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۹

۱۹ - رحمانیت خدا، مورد سوء استفاده اغواکنندگان، در غافل ساختن انسان از قیامت و کیفر اعمال است.

و لا یغزَنکم باللّٰه الغرور

<باء> در <بالله> سببی است و مراد از آن، این است که شیطان و یا هر موجود فریبنده ای، به وسیله ذکر خدا و برخی از اوصاف او، همانند رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۳

۳ - پیروی بی چون و چرا (و بی منطق) از بزرگان، راهزن خرد دینی است.

رَبَّنَا إِنَّا أٰطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۱ - ۹

۹ - تردید هرچند اندک درباره اصول عقیده، در پی دارنده فاجعه ای عقیدتی و رفتاری

فَاتَّبِعُوهُ .. و ما كان له عليهم من سلطان إلا لنعلم ... مَمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكِّ

تنوین <شكّ> برای تقلیل است و دلالت بر ناچیزی و اندکی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۸

۸ - تأثیر تبلیغات منحرفانه در آسیب زدن به آیین درست و جای گزین کردن اعتقاد باطل به جای آن

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله

و نجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كانى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۴

۴ - برخوردارى ملت هاى كفرپیشه از مال و امكانات فراوان ، سبب ايستادگى آنها در مقابل پيامبران و تكذيب آنان شد .

و ما بلغوا معشار ما ءاتينهم فكذبوا رسلى

جمله <و ما بلغوا..> معترضه است و <فا> در <فكذبوا> عاطفه مى باشد. ذكر جمله معترضه بين معطوف و معطوف عليه، مى رساند كه تكذيب پيامبران از سوى ملت هاى داراى امكانات، متأثر از برخوردارى آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸ - دين و معارف الهى ، در معرض كج فهمى و تحريف معنوى با توطئه فریبکاران

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۱

۱ - استکبار و حيله گری مشرکان ، دو عامل تنفر و دورى آنان از گرایش به اسلام و دين الهی

فلما جاءهم نذیر ما زادهم إلا نفورا . استکبارًا فى الأرض و مکر السیّی

شده، مبتنی بر این احتمال است که <استکباراً> مفعول لأجله بوده و <مکر السَّيِّئِ> نیز بر آن عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲ - بی تقوایی، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه ألا تتقون . أتدعون بعلاً و تذرّون أحسن الخلقين

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذين يجدلون في آيت الله .. الذين كذبوا بالكتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳ - افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذين كذبوا بالكتب .. ذلكم بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحق و بما كنتم تم

برداشت یاد شده بر

این اساس استوار است که مشار الیه <ذلكم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - اختلافات پیروان شریعت ، مانع حیات و قوام دین در جامعه .

أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ

برداشت بالا- بر این اساس است که عطف جمله <لا-تتفرَّقوا فيه> بر <أقيموا الدين>، عطف تفسیری و از نوع یکی از متلازمین بر دیگری باشد.

۲۰ - اکتفا به انجام برخی از تعالیم شریعت ، خطری برای کلیت دین

أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر است: الف) مراد از <لا-تتفرَّقوا> عمل به برخی از دستورات و ترک بعضی دیگر باشد. ب) فعل <لا-تتفرَّقوا> تفسیر و تأکید برای <أقيموا الدين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۵

۵ - دل بستگی به زندگی دنیایی ، منشأ اصلی مجادله در آیات الهی و انکار آن است .

و يعلم الذين يجدلون .. فما أوتيتم من شيء فمتع الحيوه الدنيا

با توجه به فای تفریع در <فما أوتيتم>، می توان استفاده کرد که مجادله در آیات الهی و انکار آن، از دنیا محوری برخاسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فَإِنْ أَعْرَضُوا .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

جمله <وإنّا إذا .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - عنصر رفاه و استکبار ، مایه انکار تمامی پیامبران و مقابله با همه ادیان الهی

قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۱

۱ - تصور ناقص انسان از خداوند و گستره علم وی ، زمینه ساز فروغلتیدن وی در دام حق ستیزی و مبارزه با پیامبران

أَمْ أَمْروا أَمْراً .. أم يحسبون أنا لانسمع سرهم و نجويهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۴

۴- سرگرمی در میدان تردید و توقف در وادی شک و مصمم نبودن برای رسیدن به یقین ، مایه محرومیت انسان از درک پیام مستدل وحی

إن كنتم موقنين .. بل هم في شك يلعبون

تعبیر <فی شك> استقرار در شك را می رساند؛ به علاوه آن که <يلعبون> آن را تأکید می کند. از مقابله این آیه با <إن كنتم موقنين>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطه‌وری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أن هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أَنْ هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - تأثیر پذیری

از خواسته ها و امیال ناآگاهان ، ناسازگار با اجرای صحیح و بایسته شریعت

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيحَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا . وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذين كفروا... لو كان خيراً ما سبقونا إليه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸،۱۱

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا... ماذا قال... أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و اتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع الله على قلوبهم> به عنوان علت <يستمع إليك... قالوا... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

۱۱- هواپرستی ، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و اتبعوا أهواءهم

جمله <واتبعوا أهواءهم> می تواند بیانگر علت <طبع الله...> باشد؛ چه این که <طبع الله> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۴

۴- بادیه نشینی ، از عوامل کندی نفوذ فرهنگ و

معارف عمیق دین در میان اعراب *

قالت الأعراب ءامنا قل لم تؤمنوا

از این که خداوند وصف بدویت [اعراب] را مورد اشاره و موضوع سخن قرار داده است، احتمال معنای یاد شده می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳ - روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءایت للموقنین .. أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و توییح کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۳

۳ - کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن یروا .. یقولوا سبحان

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۴

۴ - ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره لیسّمون الملئکه تسمیه الأنثی

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دنیامداری و پندارگرایی ، مانع اصلی نفوذ تبلیغ پیامبر (ص)

إِنَّ الدِّينَ لَا يُؤْمَنُونَ بِالْآخِرَةِ... إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ... فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى

از فای تفریع در <فأعرض>، استفاده می شود که بی اعتقادی مشرکان به آخرت و نیز اتکای آنان بر حدس و گمان، موجب شده بود که آنان قابلیت خود را برای تأثیرپذیری از رهنمودهای پیامبر(ص)، از دست بدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۳۱

۳۱ - تردید در عالمانه و حکیمانه بودن احکام دین و انطباق آن با مصالح واقعی بشر، از عوامل عدم پابندی به آن *

ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ... وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پس از بیان حکم الهی، برای تأکید بیشتر بر اهمیت این حکم و پابندی مؤمنان به آن، موضوع علم و حکمت صادرکننده آن حکم تذکر داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتبعوا من لم يزدده ماله و ولده إلا خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۵

۵ - رفاه و قدرت اقتصادی، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المكذِّبين أولی النعمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۴

۴ - هواهای نفسانی، مانع پذیرش حقایق دینی و ایمان و اذعان به آن

بل يريد الإنسان ليفجر أمامه

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱ - علاقه و دل‌بستگی به دنیا ، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه ... کلاً بل تحبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیامه) باشد.

۲ - نقدطلبی و نداشتن دوراندیشی ، ریشه دل‌بستگی به دنیا و رها کردن آخرت

کلاً بل تحبّون العاجله

کاربرد واژه <عاجله> (از ماده <عجله>) به جای <الدنیا> می رساند که نقد بودن متاع دنیا و امکان دستیابی سریع تر به آن، نقش عمده ای در دنیاخواهی و آخرت گریزی کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۵

۵ - باور نداشتن معاد ، زمینه ساز انکار تعالیم الهی و آموزه های دینی است .

لایرجون حساباً . و کذبوا بایتنا کذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۵ - ۳

۳ - ثروت و امکانات مادی ، زمینه ساز بازماندن از تلاش برای درک معارف الهی و غافل سازنده انسان از عاقبت خویش *

أما من استغنی

مراد از <استغناء> ممکن است داشتن مال و ثروت باشد. در این صورت به قرینه <جاءك یسعی و هو یخشی> در توصیف جبهه مقابل می توان گفت ثروتمندان در معرض ترك حضور در مجالس دینی و خودداری از تلاش برای آموختن دین و دچار محرومیت از خشیت هستند.

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . . . و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیة قلوبهم> در صدر آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

آسیب شناسی دینی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۴

۴ - علاقه و دلبستگی به اموال و اولاد ، نباید مانع از دین داری و انجام تکالیف الهی شود .

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول آیات است که در آیه قبل توضیح داده شد.

آگاهی به روحیه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ لزوم آشنایی انبیا و رهبران الهی به روایات مردم و ماهیت مخالفان و منکران دین

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

آمزش پیروان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱۳

۱۳ - آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا .. إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

یاد شدن دو صفت عزت

و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

ابزار تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۹

۹- توکل بر خدا و صبرپیشگی ، دو ابزار لازم برای ابلاغ رسالت الهی

و ما لنا الا نتوكل على الله . . . و لنصبرن على ما اذيتونا

ابزار تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۲

۲- فلسفه ارسال انبیا به زبان مردم ، تبیین دقیق معارف الهی و تفهیم آن برای مردم است .

و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه ليبين لهم

ابزار تشخیص حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۵

۵ - عقل به تنهایی ، برای قضاوت در حقانیت تعالیم آسمانی و یا عدم آن ، کافی نیست .

و ما اتينهم من كتب يدرسونها

ابزار دین شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۵

۵ - عقل ، از ابزار شناخت معارف الهی

هل في ذلك قسم لذي حجر

ابعاد اجتماعی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - فراگیری دستورات الهی ، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ، عبادی ، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۴

۴ - اهتمام دین به مسائل اجتماعی و

رفع خلأ های اقتصادی جامعه ، همپای تعالی بخشیدن به معنویات و پرداختن به مسائل فردی

و بالأسحار هم یستغفرون . و فی أموالهم حقّ للسائل و المحروم

ابعاد اخروی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۳

۳ - توجه به ابعاد دنیوی ، اخروی ، معنوی و مادی انسان در شریعت الهی

و أذن فی الناس بالحجّ . . . لیشهدوا منفع لهم

از این که <منافع> مقید به دنیوی یا اخروی و مادی یا معنوی نشده است، می توان گفت که: مقصود از آن اعم از خیرات دنیوی و اخروی و مادی و معنوی است.

ابعاد اقتصادی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - فراگیری دستورات الهی ، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ، عبادی ، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

ابعاد دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعمال عبادی و اجتماعی ، در بینش الهی دارای پیوندی تنگاتنگ اند .

یدعون ربّهم . . . و ممّا رزقنهم ینفقون

ابعاد دین بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۸

۸ - آیین بنی اسرائیل ، دارای ابعاد اعتقادی ، اجتماعی ، عبادی و اقتصادی

لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحساناً .. و آتوا الزكوه

ابعاد سیاسی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۵

- فراگیری دستورات الهی ، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ، عبادی ، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

ابعاد عبادی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - فراگیری دستورات الهی ، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ، عبادی ، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

ابعاد فردی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - فراگیری دستورات الهی ، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ، عبادی ، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۴

۴ - اهتمام دین به مسائل اجتماعی و رفع خلأ های اقتصادی جامعه ، همپای تعالی بخشیدن به معنویات و پرداختن به مسائل

فردی

و بالأسحار هم یتغفرون . و فی أموالهم حقّ للسائل و المحروم

ابعاد مادی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۳

۳ - توجه به ابعاد دنیوی ، اخروی ، معنوی و مادی انسان در شریعت الهی

و أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَقِّ . . . لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ

از این که <منافع> مقید به دنیوی یا اخروی و مادی یا معنوی نشده است، می توان گفت که: مقصود از آن اعم از خیرات دنیوی و اخروی و مادی و معنوی است.

ابعاد معنوی دین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۳

۳ - توجه به ابعاد دنیوی ، اخروی ، معنوی و مادی انسان در شریعت الهی

و أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ . . . لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ

از این که <منافع> مقید به دنیوی یا اخروی و مادی یا معنوی نشده است، می توان گفت که: مقصود از آن اعم از خیرات دنیوی و اخروی و مادی و معنوی است.

ابقای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۲۰

۲۰ دین الهی برای بقا و استمرار خود ، وابسته به هیچ گروه و قوم خاصی نیست .

و إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ

امکان جایگزینی قومی به جای قومی دیگر، برای پاسداری از دین، می رساند که شرافت پاسداری از دین، از آن کسانی است که به قوانین آن عمل کنند، چه آنان از عرب باشند یا عجم.

اتمام حجت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۴

۴ - تعالیم رسولان الهی برای اتمام حجت بر مشرکان کافی است، هر چند که آنان ، رسالت خویش را با معجزه اثبات نکرده باشند .

و لو أَنَا أَهْلُكُمْ . . . لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

خداوند، برای عذاب مشرکان پیش از آمدن پیامبران، اعتراض قابل قبول را، در <محرومیت از آیات الهی> منحصر کرده است، یعنی، برای پی بردن به بطلان شرک، صرف آمدن رسولان و آوردن تعالیم الهی کافی است، نه این که پس آنان از شنیدن آیات خداوند، منتظر صدور معجزه باشند

و بعد از آن تا به بطلان شرک پی ببرند.

اتمام دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۷

۷ اتمام دین، با بعثت پیامبر(ص) جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اجتناب از دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لا تکونوا اول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی ، ویژگی اهل کتاب مؤمن به خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

۱۱ پرهیز از دین فروشی گروهی از اهل کتاب ، علی رغم سوداگری با آیات الهی از سوی برخی دیگر

ان من اهل الکتاب .. خاشعین لله لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

۱۲ پرهیز برخی اهل کتاب از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی (تورات و انجیل) ، مایه ایمان آنان به قرآن

ان من اهل الکتاب لمن یؤمن .. خاشعین لله لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

جمله <لا- یشترون .. > ، حال برای فاعل <یؤمن> است (یعنی مؤمنان اهل کتاب) و توصیف آنان به جمله ذکر شده، می

تواند اشاره به علّت و زمینه ایمان آنان به قرآن باشد.

اجتناب از شك در دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۵

۵ - ضرورت پذیرش احکام و معارف نازل شده از جانب خدا و پرهیز از شك و تردید در آنها

الحق من ربك فلا تکونن من الممترین

<امتراء> (مصدر مترین) به معنای شك کردن و تردید داشتن است.

اجتناب از کتمان دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۰

۱۰ - ضرورت پرهیز از کتمان حقایق دینی

و إن فریقاً منهم لیکتبون الحق و هم یعلمون

احکام تبلیغ دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۷

۷ تفقه در دين و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن ، از واجبات کفایی است .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم

احکام تفقه در دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۷

۷ تفقه در دين و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن ، از واجبات کفایی است .

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفه ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم

احكام دوستى با دشمنان دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٢٣ - ١

١ حرمت ايجاد پيوند دوستى با كافران و دشمنان دين

يأبها الذين ءامنوا لا تتخذوا .. أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

احياى دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٤٤ -

۱۴ احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف، در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست.

یحکم بها النبیون... و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله

<باء> در <بما استحفظوا> سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

اختلاف در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۸

۸ - تفرقه گرایان در دین و راه انبیا، انسان‌هایی ستمگر و مستحق عذاب اخروی

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ... فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ

اختلاف در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۲

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم(ع) بود.

إِنَّمَا جَعَلَ السَّبِّتَ عَلَيِ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِيهِ

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در دین ابراهیم(ع) و ادیان پس از آن حضرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شده بود، پس چرا در دین یهود روز شنبه اعلان شد؟ پاسخ این است که: این حکم مختص به یهودیان بود که به جرم اختلافشان در دین ابراهیم(ع) وضع گردید. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف^۲ یعنی، ملته باز می‌گردد.

اختلاف در دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۸

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

اختیار در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱،۲

۱ تحمیل و اجباری در پذیرش دین نیست .

لا اکراه فی الدین

۲ عقیده و مرام ، جبربردار نیست .

لا اکراه فی الدین

نفی <اکراه> در دین و عقیده به صورت مطلق، این مطلب را می رساند که سنخ مسائل عقیدتی که با قلب و فکر انسان سر و کار دارد، قابل تحمیل نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۷ - ۳،۵،۸،۹

۳ خداوند خواهان ایمان آزادانه و انتخابی آدمیان

و لو شاء الله ما أشركوا

۵ پیامبر(ص) مسؤول وادار ساختن مردم به ایمان و رها ساختن آنان از شرک نیست.

و ما جعلنک علیهم حفیظا

۸ پیامبر(ص) مسؤول تبلیغ و رساندن پیام الهی است، نه وادار ساختن مردم بر ایمان

و ما جعلنک علیهم حفیظا و ما أنت علیهم بوکیل

۹ مبلغان دین وظیفه دار دعوت مردم به دین خدا، نه وادار کننده مردم به آن

و ما جعلنک علیهم حفیظا و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۹ - ۳

۳ انسان ها ، در پذیرش و عدم پذیرش دین الهی مختارند .

و لو شاء ربک

لأمن من في الأرض كلهم جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۵

۱۵ هیچ کس حتی پیامبر (ص) حق تحمیل عقیده و دین خویش بر دیگران هر چند بر حق باشد ندارد .

قد جاءكم الحق... فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه... و ما أنا عليكم بوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۱۳

۱۳- انسان ها در پذیرش دین و یارد آن ، مختارند .

وقال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء... فهل على الرسل إلا

آوردن عبارت <فهل على الرسل إلا البلاغ...> در پایان آیه، می تواند جواب ادعای مشرکان درباره جبری بودن عقیده شان باشد؛ به این صورت که خداوند در جواب آنان می فرماید: پیامبران فقط برای ابلاغ پیام خداوند فرستاده شده اند و جبری در کار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۲ - ۲

۲ - پذیرش دین ، اجباری نیست .

لست عليهم بمسيطر

اخلاص در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۵

۵ - پابندی مخلصانه به دین و پرهیز از هرگونه شرک و التقاط ، امری لازم است .

دعوا لله مخلصين له الدين

چون جمله <دعوا الله مخلصين له الدين> در مقام تعریف گرفتاران در خطر است، استفاده می شود که داشتن حالت اخلاص در دین و نداشتن هیچ گونه شرکی، مطلوب خداوند است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۶

۶ - لازم است که رویکرد به خداوند خالصانه باشد .

دعوا الله مخلصين له الدين

از این که خداوند، چنین وصفی را برای گرفتاران در امواج متلاطم دریا آورده، نشان می دهد که این صفت، مورد پسند خداوند است.

ارائه نمونه در تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - استفاده از امور محسوس و قابل درک برای بشر، جهت تبیین معارف عالی، مانند مسأله معاد، از روش های هدایتی قرآن است .

كيف يحيى الأرض بعد موتها إنّ ذلك لمحى الموتى

ارائه نمونه عینی در تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۵

۵ - استفاده از امور محسوس، برای تبیین معارف دقیق، از روش های هدایتی قرآن است .

مثل الذين اتخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتاً

ارائه نمونه عینی در تفهیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۹ - ۸

۸ - استفاده از رخداد های تاریخی، شیوه ای قرآنی جهت تفهیم معارف آسمانی به مردم است .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَاذُوا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا

ارزش امداد به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۶

۶ هجرت و جهاد در راه خدا، یاری کردن دین او، پناه دادن به مهاجران مجاهد، از ارزش های متعالی

اسلام و تعیین کننده مرز ایمان حقیقی از غیر آن

و الذین ءامنوا .. أولئک هم المؤمنون حقا

مفعول <نصروا> هم می تواند کلمه ای همانند <دین الله> باشد و هم می تواند ضمیری محذوف باشد که به <الذین ءامنوا .. > برمی گردد ؛ یعنی: نصروا المؤمنین المهاجرین المجاهدین مآل هر دو معنا یکی است ؛ زیرا یاری کردن مهاجران مجاهد نیز یاری دین خداست.

ارزش تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ قوانین الهی ، بهترین و برترین قانون در دیدگاه اهل یقین

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

ارزش تعلم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ - زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشان ، فراگیری قرآن و آموختن حکمت ، احکام و معارف دین ، دارای جایگاهی رفیع و ارزشمند

كما أرسلنا فیکم رسولا .. و یعلمکم الکتب و الحکمه

ارزش تعلیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۹

۹ - آموزش کتاب آسمانی ؛ یادگیری حکمت ، احکام و معارف الهی و زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشان ، دارای جایگاهی رفیع و ارزشمند در دیدگاه پیامبران الهی

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا... يزكّهم

ارزش حمايت از دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۳

۳ حمايت از دين و ارزش هاي الهی در شرايط سخت و

دشوار ، دارای ارزشی برتر

و السبقون الأولون من المهجرين و الأنصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۹

۹ دین الهی و حمایت از آن ، دارای ارزش برتر از جان و مال انسانها

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم .. یقتلون فی سبیل الله

ارزش دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۳ - ۲

۲ - ارزش دعوت به سوی خدا و تبلیغ آیین الهی ، در گرو نیک کرداری دعوت کنندگان و مبلغان آن است .

و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله و عمل صلحاً

ارزش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهد به پیمان های الهی

فنبذوه .. و اشتروا به ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۳

۳ متاع دنیا در مقایسه با دین خدا و کتاب او (قرآن) ، متاعی اندک است .

اشتروا بأيت الله ثمناً قليلاً

خداوند سوداگری بر سر دین را ثمن قلیل و بهای ناچیز شمرد (ثمناً قلیلاً) این حقیقت بیانگر این است که متاعهای دنیوی در مقایسه با ارزش دین بسیار اندک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۶

۶ راه خدا و دین الهی ، ارزشمندتر از جان و مال انسانهاست

و جهدوا بأموالكم و أنفسكم في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۹

۹ دین الهی و حمایت از آن ، دارای ارزش برتر از جان و مال انسانها

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم .. یقتلون فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۳

۳- ارزش عالی دین و معنویات و قابل مقایسه نبودن آنها با امور مادی

و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً إنما عند الله هو خیر لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - راه خدا و دین الهی ، ارزشمندتر از جان و مال انسان ها است .

و تجهودون فی سبیل الله بأموالكم و أنفسكم

ارباب دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۵

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو الله و عدوكم

ارکان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۴

۴ - نماز و انفاق از ارکان عملی دین و دارای اهمیتی خاص در میان سایر تکالیف

و یقیمون الصلوه و مما رزقناهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۸

۸ - ایمان به خدا و رسالت انبیا و یقین به آخرت ، رکن های اعتقادی دین

الذین یؤمنون بالغیب

... و ما انزل من قبلک و بالأخره هم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲،۵،۶

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا، سرای آخرت و ...) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله، به بحث و مشاجره می پرداختند.

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: > آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. <

۵ - ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران و پرداخت مال (انفاق) برای رفع نیاز مستمندان و آزادی بردگان از مسائل اساسی دین است.

لیس البر أن تولوا وجوهکم ... و لكن البر من ءامن بالله ... و ءاتی المال علی حبه

۶ - برپایی نماز، پرداخت زکات، وفای به عهد، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از مسائل اساسی دین

لیس البر أن تولوا وجوهکم ... و لكن البر من ... و أقام الصلوه ... و الصبرین فی ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۸

۸ نماز و اذان، از ارکان اساسی دین و شعایر مقدس آن

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. و إذا نادیتم إلی

الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

آیه مورد بحث، استهزای نماز و اذان را نمونه ای از استهزای دین شمرده است و اطلاق دین بر نماز و اذان نشان می دهد که این دو از ارکان اساسی دین می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۶

۶ ایمان (اعتقاد به خدا و روز بازپسین) و عمل (اقامه نماز و پرداخت زکات) دو رکن اساسی و جدایی ناپذیر دین الهی

إنما يعمر مسجداً لله من آمن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوة و آتى الزكوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۲

۲ - انفاق و رسیدگی به امور معیشتی نیازمندان (پرداخت زکات) ، از رکن های عملی شریعت

و ویل للمشرکین . الذین لایؤتون الزکوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۴

۴ - نماز ، از ارکان عملی دین و نشانه اصلی دین داری است .

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

به گفته مفسران، مقصود از سجود و فراخوانده شدن کافران به آن، نماز است که در آیات گوناگون، همگان به این عبادت فراخوانده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۵

۵ - نماز ، مهم ترین صفت مسلمانی و اساسی ترین رکن دین داری است .

إلا المصلین

از ذکر نماز در آغاز و تقدیم آن بر سایر مسائل و احکام دینی، مطلب یاد شده به دست می آید.

ازدواج

در دین لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ جواز ازدواج زنان مؤمن با مردان کافر در شریعت حضرت لوط (ع)

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم

جمله <فأسر بأهلك .. إلا امرأتك> حاکی است که دختران حضرت لوط (ع) از مؤمنان به او بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۴

۴- ازدواج زن و مرد ، راه مقبول در شریعت حضرت لوط (ع) و وسیله طبیعی و شایسته برای ارضای غریزه جنسی

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلين

استحکام در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۸

۸ - استواری و سامان بخشی ، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل ، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد .

و ما أمرُوا إِلَّا .. و ذلك دين القیمة

استحکام دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۸

۸ تضمین خداوند نسبت به آسیب ناپذیری دین اسلام ، از ناحیه کفر گروهی از مردم

انّ الذّين اشترّوا الكفر بالايّمان لن يضرّوا الله شيئاً

برخی برآنند که مراد از ضرر رساندن به خدا، ضرر رساندن به دین خداست. زیرا هیچکس تصور ضرر رساندن به خداوند را ندارد تا خداوند آن پندار را نفی کند.

استعاذه از دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - لزوم

پناه بردن به خدا و یاری جستن از او ، در برابر دشمنان دیانت

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ .. فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

استفاده از تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ بهره مندی از احکام برتر (قوانین الهی) مخصوص اهل یقین است .

و من احسن من الله حكماً لقوم يوقنون

بدان احتمال که لام در <لقوم> برای منفعت باشد، یعنی بهره مندی از قوانین الهی از آن اهل یقین است.

استفاده از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ هر انسانی به اندازه استعداد و ظرفیتش از حقایق و معارف الهی بهره مند می شود .

أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها .. كذلك يضرب الله الحق و البطل

جمله <فسالت أودية بقدرها> می رساند که هر دره ای به اندازه ظرفیتش آبها را جاری می سازد و این معنا در جانب مثل (كذلك يضرب الله الأمثال) بیانگر آن است که هر انسانی استعدادی خاص دارد و به اندازه استعدادش معارف الهی را دریافت می کند.

استقامت در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۳

۳ استقامت در ابلاغ دین و گسترش توحید ، وظیفه پیامبر (ص) و مؤمنان به اوست .

فاستقم كما أمرت و من تاب معك

جمله <تو و پیروانت پایداری و استقامت کنید> می تواند به این معنا باشد: بر توحید و احکام دین پایبند و ثابت قدم بمانید؛
مبادا سختیها و مشکلات شما

را از مسیر حق منحرف سازد. و نیز می تواند گویای این باشد: در ابلاغ توحید و دین پایداری کنید و از دعوت ملول و خسته نشوید. برداشت فوق ناظر به معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۵

۵- سلب نشدن وظیفه ابلاغ دین از پیامبر (ص) و رهبران الهی، به صرف روی گردانی مردم از آنان

فإن تولّوا فإنما عليك المبین

بدین احتمال که معنای آیه چنین باشد که اگر مردم روی گردانند، تو نباید بار تکلیف را فرو نهی؛ بلکه باید همچنان به وظیفه ابلاغ پیام الهی همت گماری، برداشت فوق به دست می آید. گفتنی است آمدن جمله <فإنما عليك...> به صورت جمله اسمیه که دال بر استمرار است مؤید همین برداشت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۵،۶

۵ - تبلیغ دین، همراه با مشکلات انبوه و نیازمند استقامت و پایداری

فادع و استقم كما أمرت

۶ - پایداری و استواری در راه تبلیغ و اقامه دین، وظیفه ای دشوار و طاقت فرسا برای مبلغان دینی

فادع و استقم كما أمرت

توصیه خداوند به استقامت، بیانگر این است که راه تبلیغ دین و اقامه آن، راهی بس ناهموار و پیمودن آن بسیار سخت و دشوار است.

استقامت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - ثبات در باورهای دینی و جهاد همه جانبه در راه خداوند، گواه صداقت انسان در ادعای

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ... ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهِدُوا ... أَوْلَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۳

۳ - ذکر و یاد مستمر خداوند ، نیرو آفرین و مقاومت بخش در برابر مشکلات و سختی های تبلیغ و اجرای تعالیم دین

فاصبر لحکم ربِّک \$.. و اذکر اسم ربِّک بکره و أصیلاً

از توصیه به ذکر خداوند پس از فرمان صبر و شکیبایی در مشکلات رسالت مطلب یاد شده به دست می آید.

استکبار با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۶

۶- استکبار و گردن فرازی در برابر حقایق و معارف الهی ، ظلم است .

علی الرحمن عتیاً .. و نذر الظلمین فیها

در آیات پیشین سخن از احضار مستکبران و تعیین اولویت های آنان برای ورود به جهنم بود. مقتضای ارتباط این آیه با آیات گذشته، آن است که از جمله ظالمان مطرح شده در این آیه، مستکبران و عصیان گران هستند که آیات قبل در باره آنان سخن گفته بود.

استمرار تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۵

۵ - تبلیغ دین ، نیازمند تلاشی همه جانبه و مستمر

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ

تعبیر <من بین آیدیهم و من خلفهم> نمایانگر نوعی تلاش همه جانبه و فراگیر از سوی پیامبران، در مقام دعوت اقوام خویش

می باشد.

استهزاهای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

كلما مرّ عليه ملامن قومه سخروا منه

استهزاهای مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - برخورد بازیگرانه و تمسخرآمیز دین ناباوران با مسأله قیامت

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتّى يلقوا يومهم الذی يوعدون

استهزای اخروی استهزاگران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۱

۱ - استهزاکنندگان دین و قیامت ، مورد تحقیر و تمسخر در آتش دوزخ

يسئلون أتيان يوم الدين . . ذوقوا فنتنكم هذا الذی كنتم به تستعجلون

امر در <ذوقوا>، برای تهکم و استهزا است.

استهزای تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۶

۶ یهود با اظهار ناتوانی از درک سخنان پیامبران ، تعالیم آنان را به استهزا می گرفتند .

و قولهم قلوبنا غلف

<غلف> جمع اغلف به چیزی گفته می شود که دارای حجاب و پرده باشد ؛ بر این مبنا به نظر می رسد قصد و داعی یهود از

جمله <قلوبنا غلف> (قلبهای ما دارای حجاب است)، استهزای انبیا باشد.

استهزای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۱

۱۱ سوءاستفاده از مقررات دین ، استهزای دین و آیات الهی است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً... و لا تتخذوا آیات الله هُزُوًا

تمسک به قانون حق رجوع که به مصلحت انسانها وضع شده ، برای اضرار به همسران، استهزای آیات

و مقررات الهی قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۵

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین ... >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ نفاق و دورویی در دین ، استهزای دین است .

یحذر المنفقون .. قل استهزءوا

قبل از <استهزءوا> سخن خاصی از منافقان ذکر نشده که حاکی از استهزا باشد ؛ بدین جهت احتمال می رود که نفس حالت نفاق، استهزا باشد.

اسحاق(ع) و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبعت مله ءاباءى إبرهیم و إسحق و یعقوب

اسلام و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۳

۳ اسلام ، آیین ابراهیمی

فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

به جای پیروی از اسلام، پیروی از آیین ابراهیم را دستور داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۴

۴ - آیین ابراهیم ، پایه و اساس دین اسلام

و من یرغب عن مله إبرهیم إلا من سفه نفسه

از آن

جا که قرآن مردم را به دین اسلام دعوت می کند و اعراض از دین ابراهیم را نیز جایز نمی شمرد، معلوم می شود: ماهیت هر دو آیین یکی است و آیین ابراهیم اساس و شالوده دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۴

۴- اسلام، آیینی ابراهیمی و مطابق و هماهنگ با معارف و تعالیم حضرت ابراهیم (ع) است.

اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

اشراف قوم نوح و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۸

۸ سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءیتم إن .. ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

تعمیه (مصدر عمیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به <علی> متعدی شود، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین <فعمیت علیکم>؛ یعنی، آن یئنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

اصرار بر دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - پافشاری در مخالفت با دین و تردید در حقانیت آن باوجود مشاهده دلایل روشن موجب گمراهی ابدی است.

كذلك یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

مقصود از <مسرف> در این آیه، کسی است که در مخالفت با حق، پافشاری و اصرار فراوان دارد.

اصول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ -

۲۱ ایمان به قیامت ، از اصول مهم اعتقادی اسلام

ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر

یاد کردن ایمان به قیامت در کنار ایمان به خداوند، دلالت بر اهمیت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ توحید در عبادت و اعتقاد به بقای انسان پس از مرگ ، دو پایه و اساس دین الهی است .

و لكن أعبد الله الذی یتوفیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع)

واتبع مله آباءى إبرهیم .. ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء

جمله <ما کان لنا ..> توصیف <مله آباءى ...> می باشد. تفسیر و تبیین یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه اصلی آن آیین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۴

۱۴ توحید و نفی شرک اساس دین اسلام

قل هذه سبیلی .. و ما أنا من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۷

۱۷ برپایی قیامت ، اصلی که باید به آن یقین و اطمینان داشت .

لعلکم بقاء ربکم توقنون

<لقای پروردگار> کنایه از برپایی قیامت است ؛ زیرا در آن صحنه است که ربوبیت خدا برای انسانها ملموس و محسوس می شود و آن را به عین الیقین درمی یابند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۸

۸- معاد و قیامت ، از مهم ترین موضوعات معرفت دینی پس از توحید *

و ما أمر الساعه إلاّ كالمح البصر

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط آیات و اینکه در آیات گذشته، محور اصلی موضوع توحید و پرهیز از شرک بود و در این آیه سخن از برپایی قیامت می باشد به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰ - ۲

۲- ایمان به آخرت ، دارای اهمیتی ویژه در مجموعه مسائل اعتقادی است .

و أن الذین لایؤمنون بالأخره

خداوند، بهره مندی مؤمنان از پاداش بزرگ را منوط به عمل صالح دانسته، ولی در مورد علت عذاب کافران، تنها انکار معاد را مطرح ساخته است. این نکته حکایت از آن دارد که ایمان به قیامت در میان مجموعه مسائل دینی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۷

۷- اعتقاد به آخرت ، دارای جایگاهی اساسی و مهم در میان اعتقادات دینی

و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً

اختصاص به ذکر <لایؤمنون بالأخره> از میان سایر اعتقادات برای مشرکان، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۴

۴- ایمان به رستاخیز و معاد ، از تعالیم مهم دین و آموزه های قرآن است .

وقالوا أءذا .. لمبعوثون خلقاً جديداً

ذكر مسألة معاد پس از بیان موضوع قرآن و

رسالت پیامبر(ص) از میان سایر تعالیم دین، حکایت از جایگاه ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۸

۸- ایمان به قیامت و جزای اعمال، دارای اهمیت و جایگاهی ویژه در عقیده دینی است.

الساعة آتیه .. فلا یصدنک عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۲ - ۳

۳- توحید، اساس وحدت ادیان الهی است.

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۷

۷- پرستش خدای یگانه و پرهیز از شرک ورزی به او، زیربنایی ترین اصل عقیدتی و پایه هر تحول معنوی

فَأرسلنا فیهم رسولا منهم أن اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۹

۹- توحید و معاد، دو عقیده محوری و انسان ساز

ان الذین هم من خشیه ربهم مشفقون .. أنهم إلی ربهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۶

۶- اعتقاد به قیامت و محاسبه اعمال، دارای نقشی بنیادین در مجموعه باورهای دینی

و هم بالأخره هم يوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٣ - قصص - ٢٨ - ٨٨ - ١٣

١٣ - توحيد و معاد ، دو ركن اساسى تعليمات پيامبر (ص)

و لاتدع مع الله .. و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴ - ۲

۲ - توحید و یگانگی خداوند ، رکن اساسی اسلام و محور موضوعات قرآن کریم

و الصَّفَّتْ صَفًّا .. إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

خداوند برای اثبات مسأله توحید و قرار گرفتن این مسأله به عنوان نخستین موضوع این سوره، سه بار سوگند یاد کرده است. این مطلب می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۵

۵ - عقیده به معاد ، رکن دین و دارای جایگاه بلند در میان اصول اعتقادی

أءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعْنَا لَمَدِينُونَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته که بهشتیان از میان اصول و مبانی دینی، تنها به مسأله معاد پرداخته و انکار آن را از جانب کافران مطرح می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۸

۸ - مسأله معاد ، مهم ترین عقیده پس از توحید و یگانه پرستی

لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ .. وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

طرح مسأله قیامت و معاد، پس از تبیین فرمانروایی یگانه خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۵ - ۴

۴ - معاد و اعتقاد به حیات اخروی ، از نخستین تعالیم پیامبر (ص)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ . إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتْنَا الْأُولَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱

۱ - اعتقاد به خداوند و روز بازپسین ، دو رکن

اساسی اسلام و ایمان

لا تجد قومًا يؤمنون بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۷

۷ - توحید ، سرلوحه باور های ضروری مؤمنان

يبايعنك على أن لا يشركن بالله شيئاً

از این که نخستین موضوع بیعت، پرهیز از شرک یاد شده اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۴

۴ - عقیده به قیامت و روز جزا ، از ارکان مهم دین

بل لا يخافون الآخره

مطلب یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن انکار معاد از سوی کافران از میان دیگر اندیشه ها و عقاید اسلامی به دست می آید.

اصول دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۵

۵ - توحید ربوبی و افعالی و تسلیم بودن در برابر خدا و تصدیق رسالت پیامبر اکرم (ص) و کتاب آن حضرت (قرآن) ، از اصول آیین ابراهیم است .

وابعث فيهم رسولا... و من يرغب عن مله إبراهيم

آیه مورد بحث انسانها را به گزینش آیین ابراهیم دعوت می کند و آیه های گذشته، اشاره به اصول این آیین دارد. جمله <ربنا تقبل...> بیانگر این است که: ابراهیم(ع) به توحید ربوبی و افعالی و ... معتقد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۲

۱۲ - توحید ، اساس و پایه آیین ابراهیم

مله إبراهيم حنیفاً و ما كان من المشركين

اصول دین در ادیان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۰

۲۰ هماهنگی ادیان الهی و کتاب های آسمانی در بیان اصول عقیدتی و ارزشی

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم .. وعداً عليه حقاً في التوریه و الإ

اضرار به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲

۲ ارتداد مسلمانان و بازگشتشان از اسلام ، هیچ ضرری را متوجه دین خدا نخواهد کرد .

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم

برداشت فوق بر این مبناست که جواب شرط (من یرتد ..) جمله ای همانند >فلن یضر دین الله< در تقدیر گرفته شود و جمله

>فسوف یأتی الله...< جایگزین جزای حقیقی شده باشد ؛ زیرا بیانگر علت آن جزاست.

اطاعت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱۷

۱۷ لزوم تعبد در برابر احکام الهی ، در عین جهل به حکمت و فلسفه آن

ذکک یوعظ به من کان منکم یؤمن بالله و الیوم الاخر .. و الله یعلم و انتم لا تع

اطاعت از دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۲،۱۱

۲ برترین آیین ، پیروی از دین ابراهیم است .

و من احسن دیناً ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع مله ابرهیم حنیفاً

۱۱ پیروی از آیین ابراهیم (ع) (دین حنیف) ، موجب برخوردار شدن از محبت خداوند

و اتبع مله ابرهیم حنیفاً و اتخذ الله ابرهیم خلیلاً

در

صورتی که آیین پیراسته از انحراف، باعث دستیابی ابراهیم به مقام دوستی خدا شده باشد، پیروی از آن آیین، برای دیگران نیز می تواند چنان تأثیری داشته باشد و آنان را چون ابراهیم به مقام دوستی خداوند ارتقا دهد.

اظهار حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۳

۳ - اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إِلا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيْنُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ

اظهار نظر درباره دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۹

۹- اظهار نظر درست درباره دین و وحی الهی، از مصداق های احسان است .

و قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

برداشت فوق، بر این اساس است که <للَّذِينَ أَحْسَنُوا..> کلام خداوند باشد و نه ادامه کلام متقین. بنابراین خداوند با این بیان، درصدد توصیف تقوای پیشگانی است که قرآن و دین را وحی دانسته اند.

اعتکاف در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۱

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه، از احکام شریعت ابراهیم

أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ

اعتلای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ نوید الهی به اعتلای دین خویش با بسیج مردمانی مجاهد و نستوه ، با صلابت و بی باک

از ملامت دشمنان دین

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللہ یقوم . . . لایخافون لومه لائم

اعراض از تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۲

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کنند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لایعقلون

اعراض از تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۰

۳۰ توجه رهبران دینی به پلیدی و ناپاکی گروه بسیاری از مردم ، مانع حزن و اندوه آنان بر سرپیچی برخی از مردم از دین و احکام آن

فان تولوا . . . و إن كثيراً من الناس لفسقون

چنانچه هدف از جمله <فاعلم . . .> ، بازداري زاید پیامبر(ص) از حزن و اندوه باشد، می توان جمله <ان كثيراً> را بیانگر علت آن دانست ؛ یعنی ای پیامبر(ص) بسیاری از مردم فاسقند و خداوند هدایت آنان را اراده نکرده است. بنابراین بر رویگردانی آنان از دین و احکام آن محزون مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۴،۵

۴ گروهی از امت های گذشته پس از آگاهی به احکام و معارف ابراز شده دینی ، آنها را نپذیرفتند و بدان کافر شدند .

قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

۵ سرپیچی امت ها از پذیرش و انجام پاره ای از احکام ، دلیل سکوت خداوند از بیان

آنها

لاتسئلوا عن اشیاء ان تبد لکم تسؤکم . . . قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۴

۴ مسلمانان در صورت بی توجهی به احکام الهی در خطر گمراهی و گرایش های کفرآمیز

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۴،۶

۴ بلعم باعورا معارف الهی را به دور افکند و آنها را نادیده انگاشت و مرتد شد .

ءاتینه ءایتنا فانسلخ منها

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوايه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۳

۳ انسان های رویگردان از تعلیمات و رهنمود های خدا و رسول ، محروم از حیات واقعی انسانی

یاأیها الذین ءامنوا استجبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم

اعراض از تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۱

۱ - لزوم پرهیز از مخالفت با نماز و اجتناب از تکذیب دین

کَلَّا

حرف <کَلَّا> برای ردع و بازداشتن از گفتار یا کرداری است که پیش از آن آمده و در آیه شریفه ناظر به اموری است که کلمات <کَذَّبَ>، <تَوَلَّى>، <أَلَمْ يَعْلَمْ> و <يَنْهَى> در آیات پیشین بر آن دلالت داشت.

اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۶ - درک نکردن معارف الهی ، کیفری است از جانب خدا ، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست / یعنی، بدان جهت خداوند آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - درک نکردن و نپذیرفتن حقایق دینی و معارف الهی ، نشانه سخت شدن و قساوت پیدا کردن دلهاست .

یریکم ءایته لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۹

۹ - نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشتن است .

کنتم تختانون أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۶

۱۶ - ناخشنودی انسان از احکام الهی ، برخاسته از جهل اوست .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا .. و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۸

۱۸ - ناچیز و بی ارزش بودن هر آنچه (دنیا و لذائذ و زخارف آن و ...) در مقابل از دست دادن دین و رهاسازی کتاب آسمانی و بیوفایی به پیمان الهی باشد .

واشتروا به ثمنًا قليلا

آنچه

عالمان اهل کتاب در مقابل دین فروشی می گرفتند، به اعتقاد خودشان اندک نبوده است؛ چون با کتمان حقایقیت پیامبر (ص)، به خواسته های دنیوی، ریاست بر مردم و ... می رسیدند؛ ولی در عین حال خداوند همه آنها را به بی ارزشی و ناچیزی توصیف کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۵ - ۲

۲ جوامع بی اعتنا به قوانین دین و اعراض کنندگان از ولایت خداوند، از ظالمان هستند.

اتبعوا .. قالوا إنا كنا ظالمین

ظالم خواندن اقوام هلاک شده پیشین پس از فرمان به تبعیت از قوانین دین و بر حذر داشتن مردم از پذیرش ولایت غیر خدا، بیانگر آن است که پذیرش ولایت غیر خدا و پیروی نکردن از قوانین دین، ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۱

۱ اعراض کنندگان از راه خدا (دین و معارف الهی) از زمره ستمکارانند .

أَنْ لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الظالمین. الذین یصدون عن سبیل الله

<صدّ> مصدر <یصدّون> می تواند به معنای اعراض کردن باشد و می تواند به معنای مانع شدن و باز داشتن به کار رود. در صورت اول <یصدّون> فعلی لازم است و در صورت دوم فعلی است متعدی. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ اشراف و سران قوم نوح، به معارف الهی تمایلی نشان نمی دادند و از آن بیزار و متنفر بودند .

و أنتم لها کرهون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۷

۷- امکان روی گردانی انسان از حق و حقایق دینی علی رغم روشن بودن آنها

فإن تولّوا فإنما عليك البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا .. و ما علی الرسول إلاّ البلغ المبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق گریزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۷ - ۴

۴ - سلب نشدن وظیفه ابلاغ دین و تبلیغ اسلام از مبلغان ، به صرف روی گردانی مردم از آن

إن أنتم إلاّ تكذبون .. قالوا ... و ما علينا إلاّ البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۴

۴ - بشر بودن پیامبران ، بهانه و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا أبشر يهدوننا فكفروا و تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۱

۱ - اعتراف کافران دوزخی ، به گوش نسپردن و اندیشه نکردن درباره تعالیم دین و پیامبران الهی

وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل

اعراض از قبول دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۴

امتناع از پذیرش احکام الهی، برخاسته از جهل و نادانی است.

فان تولوا... افحکم الجهلیه بیغون

اعراض از معرضان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۸

۸- لزوم پرهیز از هرگونه اظهار تمایل و همدلی با ناراضیان از دین

قالوا للذین کرهوا ما نزل اللّٰه سنطیعکم فی بعض الأمر

از توییح شدید منافقان، به خاطر اظهار همدلی و تمایل با کافران، مطلب بالا استفاده می شود.

اعراض از مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۳،۸

۳ پرهیز از بحث و مجادله با یاوه گوینان و مغالطه گران در مورد دین و آیات الهی، وظیفه مؤمنان است.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

۸ گفتگو و مجالست با مشرکان و مخالفان، در صورتی که به یاوه گویی و مغالطه گری در دین نپردازند، ممنوع نیست.

فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

ظاهراً <حتی> غایت برای حکم <اعراض> است؛ یعنی تا زمانی از مشرکان اعراض کن که در آیات الهی خوض می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۹

۲۹ لجاجت پیشگان مغالطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

اعراض بنی اسرائیل از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۰

۲۰ - اکثریت بنی اسرائیل با اعراض از تکالیف دینی ،

عهد ها و پیمان های الهی را شکستند .

ثم تولیتکم إلا قلیلا منکم و أنتم معرضون

<تولی> و <اعراض> به معنای رویگردانی و مراد از آن سرپیچی و تمرد است. جمله <و أنتم معرضون> چنانچه حال برای فاعل <تولیتکم> باشد - به دلیل هم معنا بودن <اعراض> و <تولی> - حال مؤکده است و حکایت از شدت تمرد و سرپیچی بنی اسرائیل دارد.

افترا به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان و افترایشان در دین

قالوا لن تمسنا النار .. فکیف اذا جمعناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۶ - ۱

۱- نسبت دادن برداشت های شخصی ، بی اساس و دروغین خود به دین ، حرام و ممنوع است .

و لاتقولوا لما تصف ألسنتکم الکذب هذا حلل و هذا حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۹

۹ افترای آگاهانه برخی از اهل کتاب (عالمان آنان) ، به خدا و دین او

و يقولون هو من عند الله .. و يقولون علی الله الکذب و هم يعلمون

افراط در دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۴

۴ - جدال در آیات الهی (تعالیم دین) ، بدون دلیل و برهان و از سر جهل و بی فکری ، موجب تردید

و شکاک بودن انسان در معارف الهی و زیاده روی در مخالفت با آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب . الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان آتیه

جمله <الذين يجادلون..> در واقع بیانگر علت مسرف و مرتاب (شکاک) بودن برخی از انسان ها است، یعنی، چون برخی به جای فکر کردن در آیات الهی، از سر جهل و یا تقلید به مجادله با آن بر می خیزند. از این رو نسبت به تعالیم الهی همواره در شک و تردید به سر می برند و در مخالفت با تعالیم آسمانی اسراف می کنند.

اکراه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۲

۱۲ وادار کردن مردم به پذیرش معارف و حقایق دین، خارج از حیطه مسؤولیت مبلغان و پیشوایان دین است.

قد جاءكم بصائر من ربكم .. و ما أنا عليكم بحفيظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۶

۱۶ پیامبر(ص) مسؤول هدایت و ارشاد است و نه رساندن قهری انسان به مقصد.

و لو شاء الله ما فعلوه فذرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، به الزام مخالفان بر ایمان در صورت بی اعتنایی و کفر ورزیدن آنان مجاز است .

لست عليهم بمصيطر . إلا من تولى و كفر

حرف <إلا>، ممکن است برای استثنای حقیقی از ضمیر <عليهم> باشد.

اکمال دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ روز غدیر (روز نصب علی (ع) به امامت) ، روز اکمال دین و اتمام نعمت خداوند بر مسلمانان

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي

مراد از <اليوم اكملت لكم دينكم > .. ، با توجه به شأن نزول آیه و روایات متعدد، روز غدیر خم بوده که پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را به امامت منصوب کرد.

۲۲ تعیین امامت و رهبری علی (ع) در روز غدیر ، موجب اکمال دین و اتمام نعمت

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۳

۳۳ دین ، نعمت الهی و احکام ، متمم آن است . *

ولیتم نعمته

بنابر اینکه مراد از <نعمت> ، دین باشد.

التقاط در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۱

۱۱ - اهل کتاب ، دین خود را با تعالیم غیر الهی ، آمیختند و خود به انحراف کشیده شدند .

و ما تفرّق الذين أوتوا الكتب .. و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصين له الد

اوامر الهی برای اهل کتاب، بیش از اموری بوده که این آیه از آنها یاد کرده است. بنابراین اکتفا به آنها، تعریض به اهل کتاب خواهد بود که خود را با آن امور، بیگانه ساخته بودند.

القای شبهه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و

كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم

در آیه شریفه تزین کشتن فرزندان به <شركاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گرچه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و... فرزندان خود را می کشتند.

۱۱ شریکان موهوم خداوند با تزین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و كذلك زين .. ليردوهم و ليلبسوا عليهم دينهم

<ردی> به معنای هلاکت و <لبس> به معنای اشتباه است.

امت های پیشین و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۲

۲ گروهی از پیشینیان با بی اعتنایی به نهی خداوند در پی دست یافتن به احکام بیان نشده در دین برآمدند

قد سألها قوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱

۱ امت های پیشین علیه پیامبران و برنامه های الهی، توطئه می کردند و برای مقابله با آنها به مکر و حيله می پرداختند.

و قد مكر الذين من قبلهم

امتحان با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۳۲

۳۲ خداوند آزمایش کننده جوامع انسانی با جعل شرایع متعدد و اختلاف امتهما

لكل جعلنا منكم شرعه و منهاجاً ولو شاء الله لجعلكم امه وحده و لكن ليلوكم

امتحان در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۹

۹ - > عن معمر بن خلّاد ،

قال : سمعت أبا الحسن (ع) يقول : < الم . أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا و هم لا يفتنون > . ثم قال لي : < ما الفتنه ؟ > . قلت : < جعلت فداك ! الذي عندنا الفتنه في الدين . > . فقال : < يفتنون كما يفتن الذهب ! > . ثم قال : < يخلصون كما يخلص الذهب ! > ;

معمربن خلاد می گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که گفت: <الم . أحسب الناس...>. سپس از من پرسید: <آیا معنای <فتنه> را می دانی؟>. عرض کردم: <فدایت شوم! آنچه ما از <فتنه> می فهمیم، <فتنه در دین> است.>. امام فرمود: <مردم، در کوره امتحان قرار می گیرند، آن گونه که طلا، در کوره ذوب قرار می گیرد.>. و آن گاه فرمود: خالص می شوند آن گونه که طلا، خالص می شود.>.

امدادگران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۲

۲ مؤمنانی که مهاجران را در مدینه پناه دادند و از پیامبر (ص) و مهاجران حمایت کرده و دین خدا را یاری دادند ، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

و الذين ءاؤوا و نصرؤا أولئك هم المؤمنون حقا

امدادگران دین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۲

۲ مؤمنانی که مهاجران را در مدینه پناه دادند و از پیامبر (ص) و مهاجران حمایت کرده و دین خدا را یاری دادند ، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

و الذين ءاؤوا و نصرؤا أولئك هم المؤمنون

انبیا و تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۱

۱۱- خداوند ، عزیز (شکست ناپذیر) و حکیم (کاردان) است .

و هو العزيز الحكيم

انتساب به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۵

۵ بهره مندی مردم از پاداش های الهی و ورودشان به بهشت ، در گرو ایمان و عمل صالح است ، نه جنسیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

انجام رسالت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۸،۹

۸ - حضرت ابراهیم (ع) ، وقتی محیط را برای انجام رسالت اش مساعد ندید ، تصمیم به هجرت از آنجا گرفت .

قالوا .. حَرْقوه فَأَنْجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ... وَ قَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي

۹ - در صورت مساعد نبودن محیط برای انجام رسالت دینی ، شایسته است که از آن محیط ، هجرت شود .

قالوا .. أَوْ حَرْقوه فَأَنْجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ... وَ قَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي

انحراف از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۷

۷ - انحراف از خط مشی زندگی تعیین شده از سوی خدا ، برانگیزاننده خشم الهی و در پی دارنده عذاب او

يَأْتِيهَا الرِّسَلُ .. كَلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ ... وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

انحراف از دین حنیف

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۶

۶ شرک ، انحراف از دین حنیف و صراط مستقیم است .

و أن أقم وجهك للدين حنيفاً ولا تكونن من المشركين

انحراف در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۷

۷- ایجاد انحراف در دین ، از شیوه ها و ابزار های دنیاپرستان و صاحبان زر و زور برای نیل به هدف های مادی خود

و أحلّوا قومهم . .. و جعلوا لله أنداداً ... قل تمتعوا

انذار دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۶

۶- بشارت به پرهیزگاران و انذار دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقين و تنذر به قومًا لُدًّا

<لُدًّا> جمع <ألدًّا> است و <قومًا لُدًّا>؛ یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

انسان و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۹

۹ انسان با اختیار خویش ، دین را می پذیرد و یا نفی می کند .

فان اسلموا فقد اهتدوا و ان تولّوا

انسان ها و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۴

۴ - انسان ها در ارتباط با دین الهی و کتاب آسمانی ، به سه دسته ستمکار ، میانه رو و پیشتاز تقسیم می شوند .

فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرت

برداشت یاد شده، براین احتمال است

که ضمیر <منهم> به <عبادنا> (عموم بندگان) بازگردد؛ به ویژه اگر مقصود از <الکتاب> مطلق کتاب های آسمانی باشد، این احتمال تقویت خواهد شد.

انکار دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۵

۵ انکار دین پس از اتمام حجت و درک حقیقت ، کفر است .

أَنْتِ قَدْ جِئْتِكُمْ .. فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ

زیرا عیسی (ع) پس از ارائه آیات و معجزات، منکران را کافر نامید.

اولین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۱

۱۱ نوح ، نخستین پیامبر دارای کتاب و شریعت *

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ

چون مسلم است که قبل از نوح (ع) نیز پیامبری وجود داشته، بنابراین ذکر حضرت نوح (ع) بدون اشاره به پیامبر پیش از او می تواند به این جهت باشد که او اولین پیامبر دارای شریعت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۶

۶ - دین نوح ، اولین شریعت آسمانی است . *

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا

آیه شریفه در مقام بیان ادیان پیشین است. تعبیر <شَرَعَ لَكُمْ... أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ> می تواند ناظر به اولین و آخرین شرایع آسمانی باشد.

اهداف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۴

۴ - ضرورت پرداختن به اهداف اصلی دین و اجتناب از بحث‌ها و گفتگوهای انحرافی و بازدارنده، از هدف‌های اساسی شریعت

لیس البر أن تولوا

... و لكن البر من ءامن

نفی نیکی از روی آوردن به مشرق یا مغرب یا هر قبله ای دیگر - با اینکه خود از فرامین الهی است - به این جهت است که: مخاطبان، هدف اصلی، یعنی ایمان و .. را به فراموشی سپرده و به مسائل فرعی پرداخته و بر سر آن به مشاجره و گفتگو پرداخته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ نقش رهبران الهی در جلب محبت خداوند به انسان *

فَاتَّبِعُونِي يَحَبِّبْكُمْ اللَّهُ

پیامبر (ص) به عنوان مرشد راه محبت الهی، معرفی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۳

۱۳ اصلاح جوامع بشری، فلسفه ای برای ظهور ادیان

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

حرف <لام> در <لنناس>، بیانگر رعایت و فلسفه ظهور دین است و جمله <خیر امه .. >، دلالت دارد که همه ادیان عهده دار رسالت اصلاح بشر بوده اند که از میان آنها، امت اسلامی بهترین امت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۷

۷- دین، در پی سعادت دنیوی مردم

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۴

۴ - هدايت انسان ها به راه خداوند ، اساس دعوت دين و محور تلاش پيامبراسلام (ص)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

اهل كتاب

و تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۳

۳ بسیاری از اهل کتاب ، مردمی بی اعتنا به تورات ، انجیل و دیگر تعالیم نازل شده بر آنان

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب ، موظف به پذیرش و اقامه قرآن و تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص)

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

ظاهراً ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن است. بنابراین آنان موظف به پذیرش قرآن و تعالیم آن هستند.

اهل مدین و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۲

۲ شعیب (ع) از مردم خویش خواست با در نظر گرفتن عزت و شکوه خداوند ، معارف و احکام الهی را بپذیرند .

أرهطی أعزّ علیکم من الله

با توجه به اینکه جمله <أرهطی أعزّ...> پاسخ شعیب(ع) در برابر <لولا رهطک...> است، می توان گفت: مقصود او این است که اگر به خاطر عزت خاندانم مرا سنگسار نمی کنید، چرا عزت و شکوه خداوند را که از هر کسی عزتمندتر است در نظر نمی آورید و غیر او را پرستش می کنید و

اهمیت احیای ارزشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۲۱

در جامعه ، مسئولیت هر فرد مسلمان

أن أقيموا الدين

اهمیت احیای حوادث دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۳

۳ - لزوم زنده نگه داشتن یاد رویداد های خاطره انگیز دینی *

و الطور

در صورتی که مراد از <الطور> کوه طور (محل وحی بر موسی(ع)) باشد، مورد سوگند قرار گرفتن آن در حقیقت وسیله ای برای زنده نگه داشتن این واقعیت تاریخی است.

اهمیت احیای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۷

۷ تلاش در راه احیای معارف دین و مبارزه فرهنگی با جریان کفر و شرک ، جهادی بزرگ و با عظمت

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۳

۳ - به کارگیری <فیء> در احیای دین و راه خدا ، از جمله مصارف آن است .

ما أفاء الله علی رسوله .. فله

برداشت یاد شده، بر این مبنا است که ذکر <فله> برای بیان موارد مصرف <فیء> باشد و نه تیمن و تبرک (چنان که برخی برآیند).

اهمیت ارزشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۵

۵ - ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لا تتخذوا عدوی .. لن تنفعکم أرحامکم ولا أولدکم یوم القیمه

اهمیت انقطاع مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۸

۸ - بایستگی توجه کامل به

خدا و انقطاع از دیگران ، برای رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی

و اذکر اسم ربّک و تبثّل إلیه تبتیلاً

مخاطب این آیات، شخص پیامبر(ص) است؛ ولی به اعتبار این که آن حضرت به عنوان رهبر و ابلاغ کننده پیام های الهی به مردم بود، می توان درباره همه کسانی که داعیه دار رهبری جامعه اسلامی و هدایت دینی اند، این مسأله را سرایت داد.

اهمیت برهان در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ تنها ادیانی که قرین برهان باشند ، از کجی و انحراف مبرا هستند .

ما أنزل الله بها من سلطان . . . أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۹

۹ - مبانی دینی و اصول اعتقادی و نیز هرگونه بحث و گفتوگو درباره آنها ، باید مبتنی بر دلیل و برهان باشد .

الذین یجدلون فی ءایت الله بغير سلطان اتيهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، کسانی را که بدون دلیل و برهان درباره دین مجادله می کنند، محکوم کرده است.

اهمیت پاسخ شبهات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۳

۳- پاسخ گویی به شبهات منکران تعالیم دینی ، امری لازم و ضروری است .

قالوا أءذا کنا عظماً و رفتاً . . . قل کونوا حجاره أو حديدًا

دستور خداوند به پیامبر(ص) برای پاسخ گویی به شبهات منکران معاد به عنوان یکی از ارکان عقیده دینی و نیز آموزش شیوه

آن حضرت، دلالت می کند بر اهمیت جواب گویی به شبهات یاد شده.

اهمیت پاسداری از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۲۳

۲۳ - لزوم حفظ و حراست دین از نفوذ آرا و افکار برخاسته از هوا های نفسانی

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولی و لانصیر

اهمیت پیروی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۸

۸ - پیروی از قرآن و تعالیم نازل شده از جانب خداوند ، ضروری است .

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۸

۸ - همه ، به تبعیت از تعالیم نازل شده از جانب خداوند ، موظف اند .

و اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

اگرچه فرمان به تبعیت، به پیامبر(ص) است، اما ذیل آیه، عام است و دلالت بر عمومی بودن فرمان می کند.

اهمیت تبعیت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱

۱ - ضرورت پیروی از قرآن و احکام و مقررات نازل شده از جانب خدا

اتبعوا ما أنزل الله

اهمیت تبلیغ تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۴

۴- تحقق فریضه های نماز و زکات ، نیازمند پی گیری و تبلیغ و ترویج مداوم

و کان یاامر أهله بالصلوه والزكوه

<کان یاامر ..>، یعنی اسماعیل(ع) به طور پیوسته بر انجام نماز و

ادای زکات فرمان می داد.

اهمیت تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۷

۷ لزوم بهره گیری از هر فرصت مناسب برای تبلیغ دین الهی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي آيَاتِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۵

۱۵ لزوم تشکیل مراکز علمی تحقیقاتی و تبلیغی به منظور شناخت عمیق دین و تبلیغ و نشر آن

فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم إذا رجعوا إليه

از اینکه خداوند فرمود: >باید گروهی از هر قومی به منظور تفقه در دین در مدینه باشد و پس از تفقه کامل به سرزمینهای خود بازگردند<، استفاده می شود که باید شهر مدینه را به مرکز تحقیقات اسلامی تبدیل کرد؛ زیرا از نظر عقل مقدمه واجب، واجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ رهبران و مبلغان دینی، وظیفه دار رساندن معارف الهی به مردم بدون هر گونه دخل و تصرف و کم و زیاد کردن

قل ما يكون لى أن أبدله من تلقاءى نفسى إن أتبع إلا ما يوحى إلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲ - ۲

۲ پیامبر (ص) وظیفه دار ابلاغ همه معارف و احکام وحی شده به او، هر چند برخی از آنها، جبهه گیری و مخالفت مردمان را در پی داشته باشد.

إن هذا إلا سحر مبین . . . فلعلك تارك بعض ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۴

۴ مسؤولیت مبلغان دین ، ابلاغ حقایق و معارف الهی به مردم است نه واداشتن آنان به پذیرش .

فإن تولّوا فقد أبلغتكم ما أرسلت به إليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ لزوم بهره گیری مبلغان دینی از هر فرصت و زمینه مناسب ، برای ارشاد و تبلیغ دین

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت .. و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۵

۵- سلب نشدن وظیفه ابلاغ دین از پیامبر (ص) و رهبران الهی ، به صرف روی گردانی مردم از آنان

فإن تولّوا فإنما علیک البلغ المبین

بدین احتمال که معنای آیه چنین باشد که اگر مردم روی گردانند، تو نباید بار تکلیف را فرو نهی؛ بلکه باید همچنان به وظیفه ابلاغ پیام الهی همت گماری، برداشت فوق به دست می آید. گفتنی است آمدن جمله <فإنما علیک...> به صورت جمله اسمیه که دال بر استمرار است مؤید همین برداشت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۷

۷- خویشاوندی ، نبایستی موجب ترک تبلیغ دین و توحید و مبارزه با شرک گردد .

یأبت لِمَ تعبد .. یأبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - سلب نشدن وظیفه ابلاغ دین و تبلیغ اسلام ، به صرف

روی گردانی مردم از آن

فإن تولّوا .. و ما على الرسول إلاّ البلاغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی به مردم است .

قل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - ابلاغ پیام های الهی به صورت روشن و آشکار ، وظیفه پیامبران فرستاده شده به سوی مردم انطاکیه بود .

و ما علينا إلاّ البلاغ المبین

۴ - سلب نشدن وظیفه ابلاغ دین و تبلیغ اسلام از مبلغان ، به صرف روی گردانی مردم از آن

إن أنتم إلاّ تكذبون .. قالوا ... و ما علينا إلاّ البلاغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۵

۵ - تبلیغ دین ، نیازمند تلاشی همه جانبه و مستمر

إذ جاءتهم الرّسل من بین أیدیهم و من خلفهم

تعبیر <من بین أیدیهم و من خلفهم> نمایانگر نوعی تلاش همه جانبه و فراگیر از سوی پیامبران، در مقام دعوت اقوام خویش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان ، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلیغ دین سست گرداند

فَإِذَا نَذِهْبِنَّ .. فَاسْتَمْسِكْ بِالذِّى أُوحِىَ إِلَيْكَ

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۷

۷- لزوم کار بنیادی، در ترویج دین و تشکیل امت اسلامی و ضرورت مبارزه با عوامل اصلی کفر و فساد اجتماعی

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۲ - ۴

۴- اثر نبخشیدن پند و اندرزهای دینی برای مردم، تکلیف ابلاغ معارف الهی را ساقط نمی کند.

فذکر .. لست علیهم بمصیطر

آیه شریفه، بیانگر روگردانی برخی مردم، از تذکرات پیامبر(ص) است و بیان می دارد که در این موارد، نباید معارف الهی را بر مردم تحمیل کرد. آیه قبل با توصیف پیامبر(ص) به <تذکر دهنده>، آن حضرت را حتی در این موارد، به تذکر دادن مأمور ساخته است.

اهمیت تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۳،۶

۳- تعالیم انبیا برای مردم قابل درک است .

و ما أرسلنا من رسول .. لیبین لهم

۶- مبلغان، در تبلیغ دین باید با زبان مردم خویش سخن بگویند .

و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین لهم

اهمیت تحکیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - خداوند ، خواهان تلاش مؤمنان در تحکیم پایه های دین و گرمی داشت رسول او

لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ

اهمیت تسلیم به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳

۱۶ - لزوم تبعیت از پیامبر (ص) و تسلیم شدن در برابر احکام الهی

ما جعلنا القبلة .. إلا لنعلم من يتبع الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۸

۱۸ لزوم تسلیم شدن در برابر خداوند و احکام و مقدرات او

توفنی مسلماً

<اسلام> (مصدر مسلماً) به معنای تسلیم شدن و انقیاد است. نیاوردن متعلق <مسلماً> برای رساندن شمول و عموم آن می باشد؛ یعنی، تسلیم در برابر هر آنچه خداوند بخواهد فرمان دهد و یا تقدیر کند.

اهمیت تشریح دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۹

۹ - تشریح دین از سوی خداوند، امری ضروری و مطابق با نیازهای انسان است.

أنزل الكتب بالحق

بنابراین احتمال که مراد از <الکتاب> محتوای آن (دین) باشد چنان که برخی از مفسران گفته اند و نیز با توجه به معنای <حق>، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

اهمیت تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۱

۲۱ توصیه های چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و ..) تعلیماتی است که باید انسانها فراگیرند و به خاطر بسپارند و رفتار خویش را بر اساس آن پایه ریزی کنند.

ذلکم وصیکم به لعلکم تذکرون

<تذکر> (مصدر تذکرون) به معنای فراگرفتن و به خاطر سپردن است و مفعول آن همان حقایقی است که در آیه مطرح شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۷

معارف الهی آموزه هایی است که باید آنها را همواره به خاطر داشت .

آن جاء کم ذکر من ربکم

<ذکر>، علم و معرفتی است که آدمی آن را در ذهن خود حاضر دارد و از آن غفلت نمیورزد. و معارف الهی از آن رو <ذکر> نامیده شده که انسان باید آنها را بیاموزد و همواره به خاطر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۶

۶ معارف الهی ، تعالیمی است که باید آنها را همواره به خاطر داشت .

آن جاء کم ذکر من ربکم

<ذکر>، علم و معرفتی است که آدمی آن را در ذهن خود حاضر دارد و از آن غفلت نمیورزد. و معارف الهی از آن رو <ذکر> نامیده شده که انسان باید آنها را بیاموزد و همواره به خاطر داشته باشد.

اهمیت تعقل در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۹

۱۹ ضرورت به کارگیری اندیشه برای فهم معارف دینی

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً .. أفلاتتعقلون

اهمیت تعلم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱۰

۱۰ جهل و ناآگاهی مشرکان ، فلسفه دستور خدا به پیامبر (ص) مبنی بر به حضور پذیرفتن آنان و ابلاغ پیام وحی به آنان

و إن أحد من المشركين استجارك فأجره .. ذلك بأنهم قوم لا يعلمون

اهمیت تعلیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۸ - ۳

۳ - معارف دین ، سزاوار جستوجو و

تلاش در راه فراگیری آن از محضر عالمان

من جاءك يسعي

اهمیت تفقه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۳

۳ لزوم هجرت گروهی از هر جامعه ، به سوی مراکز علمی ، برای کسب شناخت اسلام و تفقه در دین

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين

اهمیت تقویت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - لزوم حرکت دسته جمعی برای تقویت جبهه حق و دین الهی و صف آرایی در برابر جبهه باطل و کفر ، به هنگام ضرورت و نیاز

فكذبوهما فعزنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون

اهمیت تلاوت قرآن مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۵

۵ - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الیل . . . و رتل القرآن ترتیلاً . إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت تهجد مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الیل . . . و رتل القرءان ترتیلاً . إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت ثبات قدم در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن

ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد.

و لاتطع .. أن كان ذا مال و بنين

تردیدی نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست؛ بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است؛ ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

اهمیت حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۴

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی .. یكون الدین كله لله

اهمیت حفظ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا . إنک إن تذرهم یضلوا عبادک

اهمیت حمایت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۲

۲ - اظهار ایمان به خدای یکتا و دفاع از پیامبران و دین الهی تا مرز شهادت، در محیط خفقان آور شرک و کفر، امری پسندیده و عامل سعادت اخروی)

بهشت) است .

قال يقوم أتبعوا المرسلين .. إني ءأمنت برّبكم فاسمعون . قيل ادخل الجنّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که داستان مؤمن انطاکیه همانند دیگر داستان های یاد شده در قرآن، به منظور الگوگیری و درس آموزی نقل می شود.

اهمیت دفاع از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۶ - ۲

۲ - رهبران و مبلغان دینی نباید در برابر استهزا و جوّ آفرینی دشمنان دیانت ، دلسرد شده و دست از تبلیغ دین و دفاع از آن بردارند .

قال لمن حوله ألا تستمعون . قال ربّكم و ربّ ءابائکم الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۶

۶ - لزوم نادیده گرفتن پیوند خویشاوندی ، در دفاع از اصول دین و مبارزه با انحرافات عقیدتی

إذ قال لأبیه و قومہ ماذا تعبدون

اهمیت دفاع از مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۹

۹ - لزوم نهی از منکر و حمایت از دین و مبلغان دینی ، به وقت ضرورت و نیاز

و جاء من أقصا المدینہ رجل یسعی

نقل داستان حبیب نجار، می تواند هشدارى به همه مؤمنان باشد که مانند او به دفاع از دین و دینداران پردازند.

اهمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۳

۲۳ هر امتی ، نیازمند آیین و شریعتی الهی *

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

چون خداوند برای تمامی امتهای آیین و شریعت قرار داده، معلوم می

شود بشر نمی تواند بدون آیین و شریعتی از سوی خداوند، حیاتی مطلوب داشته باشد و به کمال خویش برسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ لزوم فدا کردن منافع مادی برای تحقق بخشیدن به ارزش های دینی

یا ایها الذین ءامنوا إنما المشركون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ معارف الهی و احکام دینی ، از عطا ها و روزی های نیکوی خداوند برای بشریت

و رزقنی منه رزقاً حسناً

می توان گفت مقصود از <رزقاً حسناً> به قرینه آیات گذشته (اعبدوا الله ..) معارف و احکامی است که خداوند به شعیب (ع) آموخت تا او آنها را به مردم تعلیم دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۷

۷- زندگی بدون تن دادن به تعالیم دین ، سرگرمی و تباهی عمر است .

ذرهم .. و یلههم الأمل

<لهو> در لغت به معنای چیزی است که انسان را مشغول می کند و از مراد و مقصودش باز می دارد. بنابراین کسی که از هدفش باز بماند، عمر خود را تباه کرده است.

۳- انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

و قل إني أنا النذير المبين

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطر ها و تهدید های بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان انذار و اخطار های پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطر ها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۹

۹- پیوند خویشاوندی و عاطفی ، باید تحت الشعاع روابط عقیدتی و دینی باشد .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون .. أف لكم و لمتععب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی ، دارای اهمیتی بسیار و منزلتی والا در نزد خداوند

و من يعظم حرمت الله .. أو تهوى به الريح فى مكان سحيق . ذلك

<ذلك> اشاره است به موضوع بزرگداشت حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی که در آیه پیش مطرح شده است. مقصود از آوردن <ذلك> در این جا، ایجاد فاصله میان کلام قبل و کلام بعد و انتقال از یک مطلب مهم به مطلب مهمی دیگر است. در چنین مواردی کلمه <هذا> را به کار می برند؛ مانند: <هذا و أنّ للطاغين لشرّ مآب>. بنابراین به کارگیری <ذلك> که برای اشاره به بعید است می تواند برای بیان بُعد منزلت توحید و یکتاپرستی و اهمیت حدود و

مقررات الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۳ - ۵

۵ - علوم و تجربه های بشری ، نمی تواند جایگزین تعالیم الهی و تجربه های پیامبران شود و انسان را از آنها بی نیاز سازد .

فلما جاءتهم رسلهم بالبینة فرحوا بما عندهم من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - جامعه اسلامی ، نباید تمایلات اجتماعی ناروا را بر قوانین الهی برتری دهد .

فادع و ... ولا تتبع أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۲،۷

۲- هدایت خلق در مسیر بایسته زندگی و ارائه قوانین حق ، دو هدف مهم رسالت پیامبر (ص)

أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

۷- وجود رهبری ، نظام هدایت گری و قوانین بایسته ، راز پیروزی نهایی اسلام بر سایر ادیان

بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدین کله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۷

۷- زندگی انسان ها بدون تعالیم دین در معرض انواع خطر ها و آسیب های نابود کننده و علاج ناپذیر

ألم یأتکم نذیر

انذار و اخطار پیامبران، بیانگر وجود خطر ها و آسیب های بسیاری است که اگر انسان ها به تعالیم دین بی اعتنایی کنند، دچار

آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۸ - ۳

۳ - معارف دین ، سزاوار جستوجو و تلاش در راه فراگیری آن از محضر عالمان

من

اهميت دين ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء - ٤ - ١٢٥ - ٤

٤ آيين ابراهيم (ع) ، تار و پود تمامى اديان الهى است .

و من احسن ديناً ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع مله ابراهيم حنيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ١٢٠ - ٦

٦- هماهنگى و عدم هماهنگى با دين ابراهيم (ع) ، معيار و ملاك درستى و نادرستى احكام شريعتهاست .

و لاتقولوا .. هذا حلال و هذا حرام لتفتروا على الله الكذب ... إن ابراهيم كان أ

برداشت فوق، از ارتباط اين آيه با آيات قبل و با توجه به سه نکته زير به دست آمده است: B١ در آيات گذشته از بدعت و تحريم حلال و تحليل حرام الهى بود. ٢ همه پيروان اديان آسمانى، مدعى پيروى از دين ابراهيم(ع) هستند. ٣ تذکر به اينکه ابراهيم(ع) در برابر خدا خاضع و حنيف بود، تعريفش به همان كسانى است كه مدعى پيروى از ابراهيم(ع) هستند ولى در عين حال، بدون هيچ دليلى به تحليل و تحريم امور مى پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ١٢٣ - ١

١- پيامبر (ص) ، مأمور پيروى از آيين ابراهيم (ع) گرديد .

ثم أوحينا إليك أن اتبع مله ابراهيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - نجم - ٥٣ - ٣٧ - ٧

٧- اهميت دين ابراهيم و موسى (ع) ، در ميان مشركان صدر اسلام

لم يتبأ بما في صحف موسى و إبراهيم

از تخصیص به ذکر صحف موسی و ابراهیم(ع)، مطلب بالا استفاده می شود.

اهمیت دین اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱۴

۱۴ - > عن رسول الله (ص) أنه قال : [في قول الله عز وجل] > إهدنا الصراط المستقيم < دين الله الذي نزل به جبرئيل (ع) على محمد (ص) ... ;

از رسول خدا (ص) روایت شده که [درباره سخن خدای عز و جل] > إهدنا الصراط المستقيم < فرمود: [مراد از صراط مستقیم] دین خداست که جبرئیل آن را بر محمد (ص) نازل کرده است. <.

اهمیت دین شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۸

۸ - درك حقایق و معارف دین و پذیرش آنها ، تعیین کننده میزان ارزش قوای ادراکی است .

صم بكم عمی فهم لا یعقلون

کر، لال و کور خواندن کفرپیشگان علی رغم اینکه آنان از ابزار شنوایی و ... برخوردار هستند، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که: اگر ابزار و قوای ادراکی وسیله فهم معارف دین قرار نگیرند، در حقیقت با نبودشان یکسانند و ارزشی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۵

۱۵ لزوم تشکیل مراکز علمی تحقیقاتی و تبلیغی به منظور شناخت عمیق دین و تبلیغ و نشر آن

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم إذا رجعوا إليه

از اینکه خداوند فرمود:

>باید گروهی از هر قومی به منظور تفقه در دین در مدینه باشد و پس از تفقه کامل به سرزمینهای خود بازگردند<، استفاده می شود که باید شهر مدینه را به مرکز تحقیقات اسلامی تبدیل کرد؛ زیرا از نظر عقل مقدمه واجب، واجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۵

۱۵- شناخت حق و جستجو برای فهم صحیح حقایق دینی ، امری است لازم و بایسته .

بل أكثرهم لایعلمون الحقّ فهم معرضون

آیه بالا صرفاً برای حکایت از وضعیت مشرکان نیست؛ بلکه علاوه بر این درصدد محکومیت و سرزنش آنان نیز هست و این می رساند که شناخت حق، امری لازم است؛ زیرا سرزنش بر امر غیر لازم معقول نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - بهره نجستن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت شناخت دین و عمل به تعالیم آسمانی ، محکوم و مورد سرزنش و بازخواست خداوند

أولم نَعْمَرْكُمْ ما يتذكّر فيه من تذكّر و جاءكم النذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۵

۵ - لزوم شناخت دین و آشنایی با تعالیم پیامبران ، از راه شنیدن صحیح و اندیشه و تعقل

و قالوا لو كُنّا نسمع أو نعقل

اهمیت شبهه زدایی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - زدودن خیالات و توهمات واهی درباره مسائل دینی ، شرط اساسی برای ایجاد زمینه های ایمان واقعی در مردم

أفتطمعون أن يؤمنوا

لکم . . . و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا أمانی

جمله های فوق (أفتطمعون . . .) حاوی این معناست که تا مردم به خیالات واهی، به عنوان مسائل دینی دل خوش کرده اند، انتظار ایمان از آنان نا به جاست. بنابراین آیات یاد شده اشاره به این نکته دارد که: داعیان اسلام و قرآن باید تلاش کنند خیالات واهی را از مردم بزدایند تا زمینه ایمان در آنان فراهم شود.

اهمیت صداقت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۶

۶- لزوم صداقت داشتن در مسیر دین و پذیرفتن فرمان جهاد، پس از صدور آن

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم

اهمیت صراحت در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۸

۸- ابلاغ پیام های الهی به صورت روشن و آشکار، وظیفه رسول خدا (ص)

و ما علی الرسول إلا البلغ المبین

اهمیت علم به اصول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۹

۹- علم به اصول دین (توحید و . . .) امری است لازم.

هذا بلغ للناس . . . و لیعلموا أنما هو إله وحد

از اینکه علم مردم به یکتایی خدا از هدفها و غایتهای انذار و ابلاغ وحی قرار گرفت، معلوم می شود رسیدن به این هدف؛ یعنی، آگاهی به یکتایی خداوند، امری لازم و است.

اهمیت علم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹

۱۳ تکذیب کنندگان آیات الهی به دلیل بهره نگرستن از ابزار شناخت معارف الهی از چهارپایان بدترند .

بل هم أضل

حرف <بل> برای اضراب است که در این مورد به معنای انتقال از غرضی به غرض مهمتر می باشد. در نتیجه مفاد <بل> این است که اگر چه تکذیب کنندگان مانند چهارپایان از درک آیات الهی محرومند، ولی چون از ابزاری برای شناخت آیات الهی بهره مند بودند که حیوانات فاقد آن هستند، باید آنان را از چهارپایان نیز فرومایه تر خواند.

۱۴ فهم حقایق و معارف دینی و حق بینی و حق شنوی ، ملاک انسانیت و برتری انسان بر چهارپایان است .

أولئك كالأنعم

اهمیت عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ جدیت در فراگیری معارف الهی به بهترین وجه ، و عمل به احکام دین به نیکوترین صورت ، وظیفه ای بر عهده مردم

و أمر قومك يأخذوا بأحسنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - بهره نجستن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت شناخت دین و عمل به تعالیم آسمانی ، محکوم و مورد سرزنش و

بازخواست خداوند

أولم نَعْمَرَكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مِن تَذَكَّرٍ وَ جَاءَكُم النذير

اهمیت فروع دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۵

۵ مشرکان و کافران همچون مؤمنان ، مکلف به فروع دین اند .

يضعف له العذاب يوم القيامة

دو چندان شدن مجازات مشرکان و کافران در صورت ارتکاب بزه

کاری، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۵

۵ - کافران ، نسبت به فروع دین همچون اصول دین مکلف اند .

فلا صدق و لا صلی

برداشت یاد شده، به این سبب است که اگر کافران به فروع دین مکلف نباشند، ترک نماز به عنوان نشانه آنان شمرده نمی شد و فردی مثل ابوجهل، به جهت آن ملامت نمی گردید.

اهمیت فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ هود (ع) ، قومش را به اندیشه کردن و فهمیدن حقایق و معارف دین فراخواند .

أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۳

۳- تعالیم انبیا برای مردم قابل درک است .

و ما أرسلنا من رسول .. لیبین لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، پیشتاز در درک معارف دینی و دارای نقش الگویی در آن

ألم تر کیف ضرب الله مثلاً كلمه طيبه كشجره طيبه

استفهام <ألم تر> تقریری است. یعنی تو می بینی ... از اینکه خداوند، به جای عموم مردم پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار داده است می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که وقتی پیامبر(ص) در مثالهای خداوند دقت می کند، مردم باید آن حضرت را سرمشق خود قرار دهند.

اهمیت قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ -

۵ - ضرورت پذیرش احکام و معارف نازل شده از جانب خدا و پرهیز از شک و تردید در آنها

الحق من ربك فلا تكونن من الممترین

<امتراء> (مصدر ممتترین) به معنای شک کردن و تردید داشتن است.

اهمیت گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲

۲ - رویکرد تمام عیار به دین خدا و مشغول نکردن خود به مشرکان هواپرستی که بر گمراهی خود پا می فشارند، لازم است .

بل اتبع الذين ظلموا .. فأقم وجهك للدين

<فا> در <فأقم> فصیحه و نتیجه گیری از جمله محذوف است؛ یعنی : <حال که روشن شد که مشرکان، به دلیل هواپرستی شان، به خدا شرک میورزند و هدایت ناپذیرند، تو، به آنان توجه نکن و تنها، به دین خدا متوجه باش.>

اهمیت محافظت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - <عن أبي جعفر (ع) في قوله > يا عبادي الذين آمنوا إنّ أرضي واسعة < يقول : لا تطيعوا أهل الفسق من الملوک فإن خفتموهم أن يفتنوكم عن دينكم فإن أرضي واسعة ... >

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند <يا عبادي الذين آمنوا إنّ أرضي واسعة> روایت شده که خدا می فرماید: از پادشاهان فاسق، پیروی نکنید و اگر ترسیدید که آنان، باعث فتنه و انحراف شما در دین شوند، پس زمین من وسیع است (هجرت کنید)..>

اهمیت مناجات مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الیل . . . و رتل القرآن ترتیلاً . إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت وضوح دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۵

۵ - پیام های دینی برای مردم ، باید روشن و به دور از ابهام باشد .

و الکتب المبین

از این که خداوند، قرآن را با وصف <مبین> می ستاید، می توان استفاده کرد که روشنی برنامه تبلیغی، امری پسندیده و ارزشمند است.

ایمان به تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ هابیل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف الله رب العلمین . . . تبوأ باثمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب ، موظف به پذیرش و اقامه قرآن و تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص)

و لیزیدن كثيراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیاناً و کفراً

ظاهراً ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن است. بنابراین آنان موظف به پذیرش قرآن و تعالیم آن هستند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - ہود - ۱۱ - ۸۶ - ۵

۵ خیر و سعادت امتہا ، در ایمان و باور بہ معارف الہی

و عمل به احکام دین است .

بقیت الله خیر لکم

برخی از مفسران مراد از <بقیت الله> را اطاعت از خدا و برخی مقصود از آن را احکام و معارف دانسته اند. برداشت فوق، براساس این نظریه است.

ایمان به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵ - ۵

۵ - رستگاری انسان در گرو ایمان به اصول اعتقادی دین و پابندی به ارکان عملی آن است .

الذین یؤمنون .. و أولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ - ایمان به آیات الهی و احکام دین ، طریق درست و راه اعتدال است .

و من یتبدل الکفر بالایمن فقد ضل سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ پذیرش آیین جدید و دست کشیدن از آیین قبلی ، امری دشوار

و اذ اخذ الله میثاق النّیین .. و اخذتم علی ذلکم اصری

گرفتن پیمان مؤکد، حاکی از آن است که پیروان هر دینی نسبت به قبول دین جدید، سرسختی نشان می دادند و دست کشیدن از دین قبلی، دشوار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۴

۴ لزوم ایمان به تمامی دستورات و معارفی که بر پیامبر (ص) و یا دیگر پیامبران نازل شده است .

الم تر الى الذين يزعمون أنهم امنوا بما انزل اليك و ما انزل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ مؤمنان با ایمان خویش به پیامبر(ص) و آیین الهی سپاسگزار نعمت هدایت هستند.

أهؤلاء منّ الله عليهم .. أليس الله بأعلم بالشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ درك معارف الهی (توحید ، معاد و ...) و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ ایمان به پیامبران و باور به معارف الهی ، غیر قابل اجبار و اکراه

أنلزمكموها و أنتم لها كرهون

بادیه نشینان صدر اسلام و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۳

۳ - شناخت سطحی و صوری برخی از بادیه نشینان صدر اسلام ، از ایمان و دین داری

قالت الأعراب ءامنا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا

احتمال می رود که ادعای بادیه نشینان، نه از آن جهت بوده که به امتیازی دست یابند؛ بلکه واقعاً قادر نبودند که فرق اسلام و ایمان را تشخیص دهند و گمان می کردند که صرف تسلیم در برابر نیروی مسلمانان، ایمان به شمار می رود.

بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۳، ۹، ۶، ۵، ۲

۲ گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سرگرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

مراد از <دینهم> می تواند آیین الهی

باشد که برای آنان نازل گشته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار داده اند.

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی آیتنا .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین ... >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

۶ رها کردن و بی اعتنایی به کسانی که دین خدا را بازیچه و سرگرمی انگاشته اند، وظیفه پیامبر(ص) و مؤمنان است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۹ کسانی که دین را بازیچه و سرگرمی قرار می دهند، فریب خوردگان دنیا و دلبسته به آنند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا و غرتهم الحیوه الدنیا

۲۳ بازیچه قرار دادن دین، کفر است و بازیچه قرار دهندگان آن کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. بما كانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۵، ۲، ۱

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین

شریعتهای الهی به خود انسانها می رسد. ب: <اتخذوا> از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین الله لهوا و لعبا. و تبدیل دین

خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی

را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

۲ ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل ، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

۵ سرگرمی و بازیچه گرفتن دین و فریفته شدن به زندگانی دنیا ، موجب محرومیت از بهشت و مواهب آن

إن الله حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا ... و غرتهم الحیوه الدنیا

توصیف کافران دوزخی به <الذین اتخذوا... > بیانگر علت گرفتاری آنان به آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۷

۷ به بازی گرفتن ارزش های دینی ، نشانه نفاق و از شیوه منافقان است .

یحذر المنفقون .. ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب ... کنتم تستهزءون

بازی منافقان با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۵

۵ پیامبر (ص) مأمور توبیخ منافقان ، به خاطر بازیچه شمردن دین و استهزای ارزش های الهی

قل أبالله و ءایته و رسوله کنتم تستهزءون

بخل دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۵

۵ - دشمنان دین ، به دلیل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

و إنه لحب الخیر لشدید

کلمه <شدید> چنان که در قاموس آمده گاه به معنای <بخیل> است. در صورتی که این معنا در آیه مراد باشد، حرف <لام> در <لحبّ الخیر> لام تعلیل خواهد بود؛ یعنی، به خاطر حبّ مال.

بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۱

۱ تحریف تورات و انجیل و بدعت در دین ، توسط گروهی از اهل کتاب (عالمان آنان)

و انّ منهم لفريقاً يلوّن السنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۸

۸ شیطان ، دعوت کننده آدمی به حرام کردن حلال های خداوند

و لامرنهم فليبتكن ءاذن الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۲

۲ حرمت بدعت در دین و تغییر حلال و حرام های الهی

يايها الذين ءامنوا لاتحرموا طيبات ما احل الله لكم و لاتعتدوا

بدان احتمال که تحریم حلال، به معنای حرام دانستن حلالهای الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۹

۹ هیچ گونه توجیهی نمی تواند مجوز بدعتگذاری در دین شود

ما جعل الله من بحيره . . . و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

با توجه به خصوصیات یاد شده برای بحیره و . . . به دست می آید که بدعت گذاران با توجیهاتی نظیر حمایت از حیوانات و یا دارا بودن نوعی تقدس به دلیل ثمردهی فراوان، احکامی را جعل می کردند و به خداوند نسبت می دادند ابطال اینگونه احکام از سوی خداوند بیانگر این است که بدعتها و افتراها گرچه به توجیهاتی زیبا، آراسته شده باشد، احکامی ناروا و کفرآمیز

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۴ تحریم و ممنوعیت استفاده از نعمتهای الهی به دلایل واهی مجاز نیست.

كلوا مما رزقكم الله و لا تتبعوا خطوات الشيطان

۵ حرام شمردن نعمتهای خداوند، بدون دلیل و یا به دلایل واهی، پیروی از راه و گام شیطان است.

و لا تتبعوا خطوات الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۶ - ۸،۹

۸ خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب ، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار . .. و یقولون علی الله الکذب ... بلی من اوفی بعهده و

۹ تقوا ، عامل بازدارنده انسان از خودبرتربینی و بدعتگذاری در دین

قالوا لیس علینا .. و یقولن علی الله الکذب ... بلی ... و اتقی

بدنمایاندن دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال ، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین شریعتهای الهی به خود انسانها می رسد. ب: <اتخذوا> از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین الله لهوا و لعبا. و تبدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ کافران قوم شعیب در تلاش مستمر برای بد جلوه دادن راه خدا

و تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به و تبغونها عوجاً

۵ تهدید اهل ایمان و ساختن چهره ای ناپسند از راه خدا، از روش های دشمنان دین برای مبارزه با پیامبران و ادیان الهی

و تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به و تبغونها عوجاً

۱۴ سد کنندگان راه خدا و ترسیم کنندگان چهره ای ناپسند از دین، مردمی فسادگر و در خطر گرفتاری به سرنوشتی شوم هستند.

تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به و تبغونها عوجاً... و أنظروا کیف کان عقبه المفسد

بدنمایانی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۳

۳- کافران، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند.

للكفرین... الذین... و یصدون عن سبیل اللّٰه و یبغونها عوجاً

برتری دین فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۷

۷- فرعونیان، خود را برخوردار از راه و آیینی نمونه و برتر می دانستند.

و یدهبها بطریقکم المثلی

<طریقه> به معنای راه و روش است و <مثلی> (مؤنث <أمثل>)؛ یعنی، به حق شبیه تر و به خیر و خوبی نزدیک تر (مفردات راغب).

برخورد با مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۴،۵

۴ روش برخورد با مغالطه گران و مجادله کنندگان یاوه گوی در مورد دین که در پی

کشف حقیقت نیستند، بی اعتنایی است.

الذین یخوضون فی آیتنا فأعرض عنهم

۵ ترک سخن و مجادله با مغالطه گران یاوه گو درباره قرآن، روشی در بازداشتن آنان از این عمل ناپسند و مرتبه ای در نهی آنان از این منکر است.

یخوضون فی آیتنا فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

بردگی در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ > استرقاق < کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه کذلک نجزی الظلمین

جمله < کذلک نجزی الظلمین > اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم، مقتضای آیین ماست.

برگزیدگی احیاگران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۳ - ۳

۳ - برانگیختن هادیان خلق و احیاگران دین، نمودی از عزت و حکمت خداوند

بعث فی الأمین رسولاً... و آخرین منهم لما یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم

برگزیدگی دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۶،۷

۶ - آیین ابراهیم (تسلیم خدا بودن)، آیین برگزیده خداوند

إن الله اصطفى لكم الدين

۷- منزه بودن آیین ابراهیم از هرگونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها إبرهیم بینی إن الله اصطفى لكم الدين فلاتموتن

تفریع جمله <لاتموتن> بر <إن الله ...> به وسیله حرف <فاء> گویای برداشت فوق است.

برهان در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ -

۸- معارف دینی و آیات الهی، مبتنی بر دلیل و برهان

الذین یجدلون فی ءایت الله بغير سلطن اٰتیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۶

۶- اصول و معارف دین، مبتنی بر دلیل و برهان عقلی

أولم یروا أنّ الله .. بقدر علی أن یحیی الموتی

خداوند در این آیه، برای اثبات امکان زنده شدن دوباره مردگان، دلیل عقلی آورده است و آن نمود مظاهر قدرت و حکمت در پیکره آفرینش است.

بطلان غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۶

۶ هر نوع افراط و غلو در دین، باطل و خارج شدن از حقیقت است.

لا تغلوا فی دینکم غیر الحق

<غیر الحق> صفت برای <غلو> در تقدیر است و ظاهراً صفتی توضیحی می باشد. یعنی از حدود معارف الهی خارج نشوید که این امری باطل است.

بعد اجتماعی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ دین، دربردارنده ابعاد اجتماعی و عبادی و اعتقادی

أمر ربی بالقسط و اقیموا .. و ادعوه مخلصین له الدین كما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- دین الهی ، ناظر بر همه شؤون زندگی و دربردارنده پیام های اجتماعی ، سیاسی و معنوی

أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءَ بَيْنَهُمْ تَرِيَهُمْ رُكَّعًا سَجَّدًا

تعبیر <أَشْدَاءَ..> ترسیمگر خط سیاسی ، <رَحِمَاءَ بَيْنَهُمْ> بیانگر اخلاق اجتماعی و <تراهم رُكَّعًا...> بیانگر روح معنوی جامعه اسلامی است.

بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- دین الهی ، ناظر بر همه شؤون زندگی و دربردارنده پیام های اجتماعی ، سیاسی و معنوی

أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءَ بَيْنَهُمْ تَرِيَهُمْ رَكَعًا سَجْدًا

تعبیر <أَشْدَاءَ..> ترسیمگر خط سیاسی، <رحماء بینهم> بیانگر اخلاق اجتماعی و <تراهم ركَعًا...> بیانگر روح معنوی جامعه اسلامی است.

بعد عبادی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ دین، دربردارنده ابعاد اجتماعی و عبادی و اعتقادی

أمر ربی بالقسط و اقیموا .. و ادعوه مخلصین له الدین كما بدأکم تعودون

بعد عقیدتی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ دین، دربردارنده ابعاد اجتماعی و عبادی و اعتقادی

أمر ربی بالقسط و اقیموا .. و ادعوه مخلصین له الدین كما بدأکم تعودون

بعد معنوی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- دین الهی ، ناظر بر همه شؤون زندگی و دربردارنده پیام های اجتماعی ، سیاسی و معنوی

أشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم ركعاً سجداً

تعبیر <أشداء..> ترسیمگر خط سیاسی، <رحماء بينهم> بیانگر اخلاق اجتماعی و <تراهم ركعاً...> بیانگر روح معنوی جامعه اسلامی است.

بعد هدایتگری دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۲

۲ - روشنگری و معرفت بخشی دین ، دارای ابعاد گسترده

هذا بصائر للناس

تعبیر به <بصائر> و نه <بصیره>، نمایانگر این حقیقت است که دین نه

در یک بُعد؛ بلکه در همه ابعاد زندگی به انسان بینش صحیح می دهد.

بنی اسرائیل و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، همسان با اسلاف گذشتگان خویش در برخورد با کتاب های آسمانی و احکام دین

ثم تولیتم

نسبت دادن رفتار پیشینیان بنی اسرائیل به موجودین عصر بعثت و عصرهای پس از آن (ثم تولیتم)، بیانگر اتحاد و اشتراک آنان در خصلتها و ویژگیهاست.

بهای دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۶

۱۶ - هر ثمنی که در قبال دین فروشی به دست آید - هر چند فراوان هم باشد - حقیر و ناچیز است .

و لا تشتروا بایتی ثمناً قليلاً

کلمه <قلیلاً> قید توضیحی برای <ثمناً> است؛ یعنی، ثمنی که در مقابل از دست دادن آیات الهی باشد اندک است، هر چند به ظاهر کلان و فراوان به نظر آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۱

۱۱ - متاع و بهره های دنیوی در قبال دین فروشی ، بهایی اندک و ناچیز است .

و یشترون به ثمناً قليلاً

کلمه <قلیلاً> صفت توضیحی است و حکایت از آن دارد که هر قیمتی که در قبال دین فروشی قرار گیرد، اندک و ناچیز است.

بهترین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۱۲، ۲، ۱

۱ تسلیم خدا بودن با تمام وجود به همراه انجام کارهای نیک و شایسته ، بهترین آیین

است .

و من احسن دیناً ممن اسلم وجهه لله و هو محسن

مراد از <وجه>، ذات و نفس آدمی است که از آن به تمام وجود تعبیر شده است؛ <محسن> در برداشت فوق به معنای انجام دهنده کار نیک گرفته شده است.

۲ برترین آیین ، پیروی از دین ابراهیم است .

و من احسن دیناً ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع مله ابرهیم حنیفاً

۱۲ بهترین دین ، از آن کسی است که تسلیم خدا باشد و بر پایه توجه به حضور خداوند او را پرستش کند .

و من احسن دیناً ممن اسلم وجهه لله و هو محسن

رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنای <احسان> فرمود: ان تعبد الله تعالی کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۷۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۳، ح ۵۷۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۱

۱- قرآن در بردارنده برترین هدایت ها و استوارترین شریعت برای بشر است .

إن هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم

عبارت <التی هی أقوم> صفت برای موصوف محذوف مثل کلمه <شریعت> و <ملت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۹

۹ - اسلام ، برترین عقیده و بهترین سخن در باب دین

الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه

مقصود از سخن در آیه شریفه و گزینش بهترین سخنان، آن سخنی است که درباره مسائل دینی است. بنابراین مصداق اصلی و مورد نظر بهترین سخن، مکتب اسلام خواهد بود که دین منتخب قرآن است.

بی ارزشی بهای دین فروشی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۴،۶

۴ - هر آنچه آدمی در برابر کفر به قرآن و از دست دادن دین الهی به چنگ آورد، پست و ناچیز است .

بِسْمَا اشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

برداشت فوق مبتنی بر این است که مخصوص به ذم، مال و منال، ریاستهای دنیوی و مانند آن باشد که در کلام ذکر نشده تا شامل هر چیزی بشود. بر این مبنا <أَنْ يَكْفُرُوا...> بیان معامله و داد و ستد است و معنای جمله <بِسْمَا اشْتَرُوا...> چنین می شود: یهودیان آنچه از مال و منال دنیا در برابر فروختن خویش به دست آوردند، بهای پستی بود و این معامله با کفر به قرآن صورت گرفت.

۶ - الهی بودن قرآن، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن، است .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أَنْزَلَ اللَّهُ> بیانگر علت و دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد؛ یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

بی اعتنایی به استهزاگران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۶

۶ رها کردن و بی اعتنایی به کسانی که دین خدا را بازیچه و سرگرمی انگاشته اند، وظیفه پیامبر(ص) و مؤمنان است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

بی اعتنایی به مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۴،۵

۴ روش برخورد با مغالطه گران و مجادله کنندگان یاوه گوی در مورد دین که در پی کشف حقیقت نیستند، بی اعتنایی است.

الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

۵ ترک سخن و مجادله با مغالطه گران یاوه گو درباره قرآن، روشی در بازداشتن آنان از این عمل ناپسند و مرتبه ای در نهی آنان از این منکر است.

یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

بی اعتنایی به مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۴

۴ - خداوند ، برحذر دارنده پیامبر (ص) از ترتیب اثر دادن به تهدید های تکذیب کنندگان دین و هراس از آرایش نیروی آنان

فلیدع نادیه ... کلاً لاتطعه

بی تأثیری اتحاد مخالفان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۷ - ۶

۶ - مباهات به گروه های هم فکر و دلگرمی به یاری آنان در رویارویی با دین ، امری واهی و اطمینانی بی پایه است .

فلیدع نادیه

بی تأثیری معجزه بر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ معجزات انبیا بی تأثیر در کفرپیشگان و تکذیب کنندگان معارف الهی برای ایمان به آن معارف

و لقد جاءتهم رسلهم بالبینت فما كانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل

بی تأثیری مکر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - همه مکرها و توطئه‌های سوء کافران و دین ستیزان ، رو به کساد و نابودی است .

و الذین یمکرون السیئات .. و مکر أولئک هو یبور

<ال> در <السیئات> برای جنس و مفید استغراق و به معنای انواع مکرهای بد است. <بوار> (مصدر <یبور> هم در معنای هلاکت به کار رفته و هم به معنای کساد و مفرط آمده است (لسان العرب). در هر صورت در این آیه، کنایه از عدم تأثیر و بی نتیجه بودن مکرهای کافران می باشد.

بی تأثیری مکر علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۲،۵

۲ خداوند ، مکرهای پیشینیان علیه پیامبران و برنامه های الهی را بی اثر ساخت و توطئه گران را به هلاکت رسانید .

أولم یروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ ... و قد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

نمی توان جمله <الله المکر جمیعاً> را متفرع بر <قدمکرالذین ..> دانست ؛ زیرا بر مکر کردن کافران این نتیجه مترتب نمی شود که مکرها از آن خداست. بنابراین <فاء> در <فله ...> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر دارد. کلام با تقدیر آن چنین است: <قد مکر الذین من قبلهم فأبطله الله فله المکر جمیعاً>. جمله <أولم یروا ...> قرینه بر این نکته است که خداوند با هلاک سازی آنان مکرشان را باطل ساخت.

۵ نابودی کفرپیشگان توطئه گر در طول تاریخ ، نشانه بی اثر بودن مکر آنان در برابر برنامه های الهی است .

أولم یروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا ..

و قد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

بی تقوایی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۵

۵ - بی تقوایی و هواپرستی ، بزرگ ترین مشکل تکذیب کنندگان دین در قیامت

فویل یومئذ للمکذبین . . . هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون ... إنّ المتّقین فی

در این آیات، <متّقین> جبهه مقابل <مکذّبین> قرار گرفته است. از این تقابل مطلب استفاده می شود.

بی منطقی تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۶

۶ - انکار دین خدا و معارف آن ، فاقد دلیل منطقی و بنیاد علمی است .

و الذین یحاجّون فی اللّهِ . . . حجّتهم داحضه

بنابراین که مراد از <فی اللّهِ> دین خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۲

۲ - تکذیب دین و روز جزا ، فاقد هرگونه برهان است .

فما یکذّبک بعد بالدین

<ما> ممکن است برای استفهام از عوامل تکذیب باشد. در این صورت <ما یکذّبک؟>؛ یعنی، چه چیز تو را کاذب یا تکذیب گر می سازد؟ مخاطب در این فرض، هر انسانی است که مصداق آیه قبل نباشد؛ یعنی، ای انسان بی ایمان! چه عاملی سبب شده است، درباره دین (اسلام یا کفرهای اخروی)؛ کاذب شده، سخن نادرست گویی؟ یا چه عاملی تو را تکذیب کننده دین ساخته است؟

بی منطقی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۷

۷ - دشمنان دیانت

و ستیزه جویان با آیات الهی، فاقد منطق و برهان

الذین یجدلون فی ءایت الله بغير سلطن اَیهم

برداشت یادشده بر این اساس است که <بغیر سلطان ..> قید توضیحی باشد؛ یعنی، همواره چنین است که مجادله گران با آیات الهی، بدون حجت و برهان به مجادله می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۲

۲ - دشمنان دیانت و ستیزه جویان با آیات الهی، فاقد منطق و برهان

الذین یجدلون فی ءایت الله بغير سلطن اَیهم

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت <بغیر سلطان> قید توضیحی باشد؛ یعنی، همواره چنین است که مجادله گران در آیات الهی، بدون حجت و برهان به جدال برمی خیزند.

بی یاوری اخروی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۷ - ۷

۷ - تکذیب کنندگان دین، در قیامت از یاری هم نشینان خویش محروم خواهند بود.

فلیدع نادیه

امر در <فلیدع>، تعجیزی و بیانگر آن است که شخص گرفتار، نمی توان هم نشینان خود را به یاری بخواند.

بی یاوری پیروان دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۱

۱ - ارائه دهندگان برنامه های ضد دینی، ناتوان از حمایت نسبت به پیروان خویش در برابر عذاب خداوند

إِنَّهم لَن یغنوا عنک من الله شیاً

با توجه به این که <من الله> ممکن است به حذف مضاف باشد، یعنی، <من عذاب الله> و با الغای خصوصیت از مورد پیامبر اکرم (ص)، مطلب بالا استفاده می شود.

پاداش تبلیغ دین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۴

۴ مزد و پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إن أجرى إلا على الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۷

۷ ابلاغ پیام های الهی به مردم و تبلیغ معارف دین ، در پی دارنده پاداش از ناحیه خداوند

إن أجرى إلا على الذى فطرني

پاداش حمایت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال يقوم أتبعوا المرسلين . .. إننى ءامنتم بربكم فاسمعون . قيل ادخل الجنة

پاسخ به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ پیام الهی به مردم و پاسخگویی به شبهه های مطرح شده است .

قل يتوفىكم ملك الموت

پاسداری از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - زدودن خیالات و توهمات واهی درباره مسائل دینی، شرط اساسی برای ایجاد زمینه های ایمان واقعی در مردم

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... و منهم أميون لا يعلمون الكتب إلا أمانی

جمله های فوق (أفتطمعون...) حاوی این معناست که تا مردم به خیالات واهی، به عنوان مسائل دینی دل خوش کرده اند، انتظار ایمان از آنان نا به جاست. بنابراین آیات یاد شده اشاره به این نکته

دارد که: داعیان اسلام و قرآن باید تلاش کنند خیالات واهی را از مردم بزدایند تا زمینه ایمان در آنان فراهم شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۴

۱۴ - لزوم پاسخگویی به تبلیغات سوء دشمنان دین

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا قل بل مله إبرهیم حنیفاً

هدف از آوردن کلمه <قل> در آیه، بیان ضرورت پاسخگویی به تبلیغات دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۸

۸ سلامت و دوام جامعه ایمانی، در گرو پاسداری از حریم ارزش های دینی در برابر فرهنگ کفر

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

مراد از <ضرر> در <لایضرکم> ممکن است ضرر معنوی بوده و اشاره به خطرهایی باشد که ایمان مؤمنان را تهدید می کند و ممکن است مراد آسیبهایی باشد که بنیه و توان جوامع مؤمن را تضعیف و یا نابود می سازد. برداشت فوق ناظر به دومین معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲

۲ پیامبر(ص) موظف به اجتناب از بحث و جدال و درگیر شدن با مغالطه گران و شبهه افکنان در آیات قرآن و دیگر آیات الهی

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

۳ پرهیز از بحث و مجادله با یاهو گویان و مغالطه گران در مورد دین و آیات الهی، وظیفه مؤمنان است.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

۴ روش برخورد با مغالطه گران و مجادله کنندگان یاهو گوی در مورد دین که در پی

کشف حقیقت نیستند، بی اعتنایی است.

الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

۵ ترک سخن و مجادله با مغالطه گران یاوه گو درباره قرآن، روشی در بازداشتن آنان از این عمل ناپسند و مرتبه ای در نهی آنان از این منکر است.

یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

۶ لزوم سوق دادن یاوه گویان و مغالطه گران درباره قرآن و آیات الهی به بحثهای دیگر

الذین یخوضون .. فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

۸ گفتگو و مجالست با مشرکان و مخالفان، در صورتی که به یاوه گویی و مغالطه گری در دین پردازند، ممنوع نیست.

فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

ظاهراً <حتی> غایت برای حکم <اعراض> است؛ یعنی تا زمانی از مشرکان اعراض کن که در آیات الهی خوض می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۵، ۷، ۸

۵ فلسفه تحریم همنشینی با یاوه گویان مغالطه گر در آیات الهی، بازداشتن آنها از این عمل ناپسند است.

فلا تتعد بعد الذکری .. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

۷ مسلمانان در همنشینی با کافران و مشرکان بی طرف باید با تذکر آنان را از مغالطه و استهزای در اسلام و قرآن بر حذر دارند. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

۸ حفظ قداست قرآن و اسلام و بازداشتن دیگران از یاوه سرایی و تخطئه و استهزای آن، وظیفه مسلمانان است.

و ما علی الذین یتقون .. و لکن ذکری لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۳،۶

۳ پیامبر(ص) وظیفه دار بی اعتنایی به کسانی که آیین آنها بازی و سرگرمی است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۶ رها کردن و بی اعتنایی به کسانی که دین خدا را بازیچه و سرگرمی انگاشته اند، وظیفه پیامبر(ص) و مؤمنان است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ خداوند در هر زمان مردمانی را برای حمایت و حراست از آرمان پیامبران برگماشته است.

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا بها قوما لیسوا بها بکفرین

۱۳ حمایت و حراست کنندگان از دین خدا، نزد او از مرتبه ای بلند برخوردارند.

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا بها قوما لیسوا بها بکفرین

نکره آمدن کلمه <قوما> دال بر تفخیم و بزرگداشت است، علاوه بر آنکه توصیف این قوم با <و کلنا> و جملات پس از آن خالی از مدح نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۸

۲۸ لزوم پاسخگویی به شبهات القا شده علیه دین، در عین پرهیز از بحث و مجادله بی ثمر

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

پاسداری دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ در برابر کسانی که حرث و نسل را فدای مصلحت خود می کنند ، برخی ، جان خود را در برابر حفظ ارزش های الهی فدا

می کنند .

لیفسد الحرث و النسل . . . و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۱۲

۱۲ لزوم یاری دین خدا

من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله

جمله <نحن انصار الله> در پاسخ <من انصاری الی الله> بیانگر این است که یاری کردن مسیح برای حرکت به سوی خدا، همان یاری خدا و دین اوست.

۱۵ یاری کردن دین خدا، مشخصه ایمان آورندگان به خدا و تسلیم شدگان در برابر اوست .

نحن انصار الله امنا بالله و اشهد باننا مسلمون

جمله <امنا بالله . . . > به منزله برهانی است از جانب حواریون برای دعوای یاری خدا.

۱۷ یاری کردن دعوتگران راستین الهی، یاری خداست .

قال من انصاری الی الله . . . نحن انصار الله

از اینکه حواریون در جواب درخواست عیسی (ع) (چه کسی مرا یاری می کند)، گفتند (ما یاوران خداییم)، معلوم می شود یاری کردن پیامبر، همان یاری خداست.

۱۹ ارزش پیشتازی و سبقت در ایمان به خدا و یاری دین

قال الحواریون نحن انصار الله

به نظر می رسد تمجید خداوند از حواریون، با وجود اینکه افراد بسیاری به نبوت عیسی ایمان آوردند، به لحاظ پیشتازی آنان در ایمان به خدا و یاری دین بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۱، ۹

۱ پاسداری از مرز های ایمان و عقاید دینی ، مسؤولیت همگانی مؤمنان

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا .. یردوکم بعد ایمانکم کافرین

۹ لزوم پاسداری مؤمنان)

جامعه ایمانی) ، از مرز های فرهنگی ، در روابط خویش با کافران

یا ایها الذین امنوا ان تطيعوا فريقاً من الذين اوتوا الكتاب يردّوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۲

۲ قرآن و پیامبر (ص) (سنّت) ، زمینه ای کامل برای پاسداری از ایمان و عقیده

و كيف تكفرون وانتم تتلى عليكم آيات الله و فيكم رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۲ - ۷

۷ لزوم پاسداری اهل ایمان از اسلام خویش تا لحظه مرگ ، در برابر هجوم کفر و ارتداد

ان تطيعوا فريقاً من الذين اوتوا الكتاب يردّوكم . . . و لا تموتنّ الا و انتم مسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۹

۹ نظارت همگانی و اصلاح جوامع (امر به معروف و نهی از منکر) ، نگهدار ایمان به خداوند *

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون . . . و تؤمنون بالله

تقدم < امر به معروف و نهی از منکر > در آیه شریفه بر < ایمان > ، علی رغم تقدم ذاتی ایمان بر آنها، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲۳

۲۳ پاسداری جامعه ایمانی از خطر نفوذ بیگانگان و دشمنان دین ، وظیفه و مسؤولیت همه اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم

به نظر می رسد هدف از دستور خداوند مبنی بر اینکه کافران

را محرم اسرار قرار ندهید، جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه اسلامی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۵

۵ ایمان به مقدر بودن اجل و معین بودن عمر نزد خداوند ، از عوامل تقویت روحیه پاسداران رسالت انبیا

و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتاباً مؤجلاً

چون آیات قبل درباره جهاد و ترس از مرگ و شهادت بود، به نظر می رسد از اهداف این آیه، تقویت روحیه و رفع اضطراب از مسلمانان پیکارجو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۵،۶

۵ زنده ماندن ، ولو با توجیه کوتاهی ها و تقصیر ها در دفاع از دین ، خواسته کفرپیشگان به ظاهر مسلمان

لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

۲ در برداشت بالا <الذين كفروا> به قرینه <لاخوانهم> به مسلمانان ضعیف الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

۶ ضرورت دفاع جامعه ایمانی از معارف و عقاید دین ، در برابر هجوم تبلیغاتی دشمن

لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا لاخوانهم اذا ضربوا في الارض

دفاع خداوند از معارف و عقاید دینی اسلام (لا تكونوا ..)، درسی است برای مسلمانان که از آن معارف و عقاید دفاع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۴

۴ نگرانی پیامبر (ص) از آسیب یافتن دین خدا به واسطه تلاش های کفرآمیز

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر

از اینکه خداوند در مقام

دل‌داری می‌فرماید: *أَنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً* (آنان با کفرشان به خدا ضرری نمی‌رسانند)، معلوم می‌شود که سبب ناراحتی پیامبر (ص)، احتمال آسیب‌رسانی کافران به دین خدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۸

۸ تضمین خداوند نسبت به آسیب‌ناپذیری دین اسلام، از ناحیه کفر گروهی از مردم

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً

برخی برآنند که مراد از ضرر رساندن به خدا، ضرر رساندن به دین خداست. زیرا هیچکس تصور ضرر رساندن به خداوند را ندارد تا خداوند آن پندار را نفی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نمازهای پنجگانه و صبر در جنگ مسلحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند، وظیفه مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا

پیامبر اسلام (ص) درباره *<.. اصبروا و صابروا و رابطوا .. >* فرمود: *اصبروا على الصلوات الخمس، و صابروا على قتال عدوكم بالسيف، و ربطوا في سبيل الله لعلكم تفلحون.*

الدّر المثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

پابندی به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۸،۹

۸ پابندی خالصانه به دین و پرهیز از شرک و التقاط، از شرایط دعا و نیایش به درگاه خداوند

و ادعوه مخلصين له الدين

۹ انقطاع کامل از غیر خدا و پابندی خالصانه به دین، از مصادیق قسط در عبادت و پرستش

قل أمر ربی بالقسط و أقیموا وجوهکم عند کل

مسجد و ادعوه مخلصین له الدین

پذیرش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۲۰

۲۰ توجه انسان به جهل خود و علم خداوند ، زمینه پذیرش احکام الهی

و الله يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۱۳، ۱۱، ۴

۴ ناسازگاری برگزیدن دین غیر خدا با حرکت نظام هستی

افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض

۱۱ تسلیم همه موجودات در برابر خداوند ، دلیل لزوم پذیرش دین و تسلیم انسان در برابر او

افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض

۱۳ توجه به رجوع قهری تمامی موجودات به سوی خداوند ، زمینه ای برای پذیرش دین خداوند

افغیر دین الله .. و الیه یرجعون

جمله <و الیه .. > به منزله دلیلی است برای لزوم پذیرش دین خداوند، که از جمله <افغیر دین ... > به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۹، ۲، ۱

۱ پذیرش دین اسلام ، میثاق خداوند از پیامبران و مردم

و اذ اخذ الله میثاق النبیین .. و من یتغ غیر الاسلام دیناً

بنابر اینکه مراد از <الاسلام>، شریعت پیامبر (ص) باشد.

۲ برگزیدن دینی غیر از اسلام ، مورد پذیرش خداوند نیست .

و من یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه

۹ پذیرش آیینی غیر از اسلام ، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یبتغ غیر الاسلام دیناً .. و هو فی

الآخره من الخاسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۷

۷ پذیرش آیات الهی و تبعیت از پیامبران ، از مصادیق بارز اعتصام و پیروی کامل از خداوند

و انتم تتلى عليكم آيات الله و فيكم رسوله و من يعتصم بالله

ظاهراً <و من يعتصم بالله>، توضیح جمله <و انتم تتلى عليكم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۵،۱۶

۱۵ دعوت خداوند از اهل کتاب به پذیرش آیین اسلام

و لو أمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

بیان خیر بودن آیین اسلام، خود به منزله دعوت به اسلام است.

۱۶ پذیرش آیین اسلام ، به خیر و صلاح بشر

و لو أمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

گر چه خیر بودن را برای اهل کتاب ذکر کرده است، ولی اهل کتاب در این جهت، قطعاً خصوصیتی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ عبدالله بن سلام و گروهی از اهل کتاب ، به اسلام گرویدند و از زمره صالحان گردیدند .

من اهل الكتب امه قائمه .. و اولئك من الصالحين

در شأن نزول آمده است: چون عبدالله بن سلام و گروهی از اهل کتاب ، اجبار یهود گفتند تنها اشرار ما به پیامبر (ص) ایمان آوردند. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۱،۲،۴،۵

۱ تفهیم معارف دینی به انسان های مستعد ، از سنت های خداوند

و لو علم الله فيهم خيرا لاسمعهم

۲ حق

ناشنوایی کافران و منافقان ، نشانه نبودن استعداد پذیرش معارف الهی در آنان است .

و لو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم

مراد از خیر به قرینه آیه قبل، استعداد پذیرش معارف الهی است.

۴ دارندگان خیر و استعداد کمال ، برخوردار از هدایت های ویژه خداوند و توفیق پذیرش معارف دین

و لو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم

چون خداوند معارف دین را برای تمامی انسانها بیان کرده و به گوش همگان رسانده، معلوم می شود مراد از <اسماع> در این آیه هدایتها و توفیقات ویژه خداوند است که تنها شامل دارندگان استعدادهای خاص می شود.

۵ فاقدان خیر و استعداد کمال ، ناشایست برای شمول هدایت های ویژه خداوند و توفیق یافتن به پذیرش معارف دین

و لو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم

پرسش از مجهولات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۲

۲ پرسش از معارف و احکام ناگفته از سوی خداوند ، مورد نهی الهی

لاتسئلوا عن اشیاء .. عفا الله عنها

<عفو> در لغت به معنای مستور کردن است و مراد از مستور کردن اشیاء، بیان نکردن آنهاست. و مقصود از <اشیاء> به قرینه <و ان تسئلوا عنها حين ينزل القرآن> مسائلی است که در راستای هدف قرآن (هدایت بشر) قرار دارد که همان احکام و معارف الهی است. و آیه بعد که گروهی را به دلیل انکار آن اشیاء کافر نامیده مؤید این است که مراد از <اشیاء> معارف الهی باشد.

پرسش از مسکوتات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۱،۲،۳

و تحقیق درباره احکام ناگفته الهی ، مورد نهی خداوند در تمامی ادیان

لاتسئلوا عن اشیاء . . . قد سألها قوم من قبلکم

۲ گروهی از پیشینیان با بی اعتنایی به نهی خداوند در پی دست یافتن به احکام بیان نشده در دین برآمدند

قد سألها قوم

۳ پرسش امت های پیشین از احکام مسکوت مانده در دین ، موجب جعل و تشریح آن احکام برای آنان

قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

پیروان دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ عن الحسين بن علی(ع): ما احد علی مله ابراهیم إلا نحن و شیعتنا . . .

از امام حسین(ع) روایت شده است: هیچ کس، جز ما و شیعیان ما، پیرو آیین ابراهیم نیست . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴،۵

۲ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۵ اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

پیروان دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴

۲ یوسف (ع)

در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع) ، پیرو شریعت پدرانیش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

پیروان دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴

۲ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع) ، پیرو شریعت پدرانیش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

پیروزی بر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۵

۵ تنها خداوند شایسته آن است که برای درخواست یاری و پیروزی بر دشمنان دین به پیشگاه او روی آورد .

إذ تستغيثون .. و ما النصر إلا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۳

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا ، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فأثبتوا و اذكروا الله كثيرا لعلکم تفلحون

<لعلکم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذکروا لله> است، می تواند متعلق به <فاثبتوا> نیز باشد. در این

صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است.

ما کان لنبی... و الله عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

پیروزی بر دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۱، ۳، ۲

۲ - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از <سبقت از خدا>، پشت سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

۳ - پندار کافران در غلبه بر دین خدا، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <یعملون السیئات> می تواند <کافران> باشد.

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا، مبتنی بر وهم و خیال و قضاوت ناشایست بود.

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

پیروزی حامیان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان

قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

پیروزی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن الله مخزي الكافرين

پیروزی دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ > عن محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الماضي (ع) قال : قلت : > هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق < قال : . .
. . الولایه هی دین الحق قلت : > لیظهره علی الدین کله < قال : یظهره علی جمیع الأديان عند قیام القائم . . . ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره >هو الذي ارسل رسوله . . < سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره >لیظهره علی الدین کله < فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... <.

پیروی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، به مؤمنان برای رعایت فرمان به تبعیت

از تعالیم و حیانی اش ، هشدار داده است .

و اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

جمله <إِنَّ اللَّهَ..> پس از امرِ <اتَّبِعْ>، می تواند هشدار می باشد به مخاطبان این فرمان، تا مراقب عمل به آن فرمان باشند، چون خداوند آگاه است و خبر دارد.

پیروی از دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱،۲

۱- پیامبر (ص) ، مأمور پیروی از آیین ابراهیم (ع) گردید .

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

۲- لزوم پیروی از حضرت ابراهیم (ع) ، در اجتناب از هرگونه انحراف و شرک

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

پیروی محمد(ص) از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، تابع رهنمود های الهی و عمل کننده به آن

إِنْ تَتَّبِعِ الْهَدَىٰ مَعَكَ

پیشگامی در عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - اذن خداوند ، شرط رسیدن به مقام پیشتازی در دین داری ، زندگی قرآنی و انجام کار های خیر

و منهم سابق بالخیرت یاذن الله

پیوستگی تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۸

۸ پیوستگی و انسجام میان تمامی معارف و احکام نازل شده بر پیامبر (ص) *

و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

پیوستگی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری

۱۷ - لزوم عمل به مجموعه کامل دستورات دین و پرهیز از هر گونه گزینش نسبت به آن

و لا تتفرّقوا فیه

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <تفرّق> در <لا-تتفرّقوا فیه> عمل کردن به برخی از دستورات دین و رها کردن بعضی دیگر باشد.

۱۸ - تکالیف و قوانین دینی ، مجموعه مرتبط و تفکیک ناپذیر است .

أن أقیموا الدین و لا تتفرّقوا فیه

تاریخ تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب دین ، دارای پیشینه ای طولانی

ألم نهلك الأولین

تاریخ توطئه علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱

۱- توطئه و مکر علیه دین ، پیشینه ای طولانی دارد .

قد مکر الذین من قبلهم

متعلق مکر در آیه به قرینه <قالوا أساطیر الأولین> کتابهای آسمانی پیشین است که نماد و حاوی معارف دین الهی بوده اند.

تبری از دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را، ابراز داشت .

إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

جمله

<اینی ترکت .. > تعلیل برای <علمنی ربی > می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

تبعیت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۲،۱۱

۲ - پیامبر (ص) ، فراخوان همه انسان ها به پیروی از قرآن و احکام الهی

و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله

۱۱ - تبعیت از قرآن و احکام الهی ، امری عاقلانه است .

اتبعوا ما انزل الله .. او لو كان اباؤهم لا يعقلون شيئاً ولا يهتدون

بیان ضرورت پیروی از قرآن و احکام الهی و سپس انتقاد از مشرکان و غیر منطقی خواندن روش آنان در پیروی کردن از نیاکانی بی خرد و گمراه، گویای این است که: تبعیت از قرآن و احکام الهی امری عاقلانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۷

۷ وجوب پیروی از قوانین دین و حرکت در صراط مستقیم الهی

و أن هذا صراطي مستقيماً فاتبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۹

۹ ایمان به آیات خداوند و پیروی از قوانین دین، شکرگزاری نعمتهای الهی است.

اتبعوا ما انزل إليكم .. قليلا ما تشكرون

تبعیت از دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آیین ابراهیم ، آیینی خردمندانه و پیروی از آن خردمندی است .

و من یرغب عن مله إبرهیم إلا من

۱۰ - اخلاص ابراهیم (ع) و گزینشش از سوی خداوند و نیز شایستگی او برای ملحق شدن به صالحان سرای آخرت ، دلیل های لزوم پیروی از آیین اوست .

و من یرغب .. لقد اصطفینہ فی الدنیا و إنه فی الآخره لمن الصالحین

جمله های <لقد اصطفیناه> و <إنه فی الآخره ..> به منزله دلیلی برای <و من یرغب ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۲،۳

۲ - ابراهیم (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین خویش (تسلیم خدا بودن) توصیه کرد .

و وصی بها إبرهیم بنیه

ضمیر <بها> می تواند به <مله إبرهیم> (در آیه ۱۳۰) برگردد و نیز می تواند به جمله <أسلمت> در آیه قبل بازگردانده شود. گفتنی است بازگشت هر دو فرض به یک معناست زیرا آئین ابراهیم همان تسلیم گشتن در برابر خداوند است.

۳ - یعقوب (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم (تسلیم شدن در برابر خدا) سفارش کرد .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <إبراهیم> است یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۵

۵ - ضرورت پیروی از آیین ابراهیم (ع)

کونوا هوداً .. قل بل مله إبرهیم

<مله إبرهیم> مفعول برای <اتبعوا> (پیروی کنید) و یا <تبع> (پیروی می کنیم) می باشد.

تبعیض در قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۸

۸

- قبول بخشی از دین و رها ساختن جنبه های دیگر آن ، عملی مشرکانه است .

و لاتکونوا من المشرکین . من الذین فرّقوا دینهم و کانوا شیعیاً

مراد از <دین> می تواند اسلام باشد. متفرق ساختن آن، به معنای پذیرش بخشی از آن و قبول نکردن بخشی دیگر است. لازم به ذکر است که فعل ماضی <فرّقوا> در صورت یاد شده منسلخ از زمان می باشد.

تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۷

۱۷ - اتخاذ روش ها و قالب های گوناگون در تبلیغ دین ، امری شایسته و نیکوست .

إن الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن إلا و أنتم مسلمون .. إذ قال لبنیه ما تعبدون

آیه قبل و آیه مورد بحث، هر دو گویای دعوت و سفارش به توحید است و ولی هر کدام به مقتضای حال دارای بیان و قالبی خاص و متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۴

۴ - ابلاغ و تعلیم حقایق کتاب های آسمانی (احکام و معارف دین و براهین آنها) به مردم ، وظیفه ای بر عهده عالمان دینی

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینة للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۷

۷ - مسؤولیت عالمان دینی و آگاهان به کتاب های آسمانی در بیان احکام و معارف الهی

إن الذین یکتُمون ما أنزل الله من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره -

۳ پیامبر (ص)، واسطه بیان و ابلاغ احکام الهی

و یستلونک عن الیتامی قل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ ضرورت بی اعتنایی مبلغان دین به خواسته های انحرافی مردمان به هنگام اجرای فرمان های الهی و تبلیغ احکام دین

بلغ .. و الله یعصمک من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ اجر و مزد طلب نکردن از مردم در قبال انجام رسالت و تبلیغ دین، از هدایت های خداوند به انبیای گذشته است.

فبهدیهم اقتده قل لأستلکم علیه اجرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۷

۷ بهره برداری از تمایل انسان به فرجام نیک و حسن عاقبت، روشی در تبلیغ و دعوت مردم به دین است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۴

۱۴ لزوم به کارگیری بشارت و انذار در تبلیغ و دعوت مردم به دین

فإن کذبوک فقل ربکم ذو رحمه وسعه ولا یرد بأسه عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ مبلغان دین باید دلسوز مردم و آراسته به شکیبایی در ابلاغ احکام و معارف الهی باشند .

إني أخاف عليكم .. قال يقوم ليس بي ضلله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ نوح (ع) ، مبلغ پیام های الهی ، نه باز گوکننده نظریات شخصی خویش

أبلغکم رسلت ربی

۴ اعتقاد راسخ نوح (ع) به ربوبیت خدا بر وی ، موجب استواریش در تبلیغ رسالت های الهی بود .

و لکنی رسول من رب العلمین . أبلغکم رسلت ربی

حضرت نوح(ع) برای اینکه اشاره به علت پایداریش بر ابلاغ رسالت کند، به جای آوردن ضمیر و گفتن <رسالاته> ،
<رسلت ربی > گفت.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از خیرخواهی نوح برای مردم خویش بود .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۱،۸

۱ پیامبران ، واسطه ابلاغ دین و معارف الهی به مردم

أو عجبتم أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم

مراد از <ذکر>، دین و معارف الهی است.

۸ نوح (ع) ، وظیفه دار ترساندن مردم از عذاب های الهی و فراهم آوردن زمینه های تقوایبشگی برای آنان با تبلیغ معارف
دین

أن جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم لینذرکم ولتتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۵

۵ مبلغان دین باید دلسوز مردم و آراسته به شکیبایی در ابلاغ معارف الهی باشند .

قال یقوم لیس بی سفاهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۲،۷

۲ هود ، مبلّغ پیام های الهی ، و نه بازگو کننده نظریات شخصی خویش

أبلغکم رسلت ربی

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه

ای از درستکاری و خیرخواهی هود برای مردم خویش

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱۲

۱۲ تبیین اهداف قوانین و احکام الهی ، روشی نیکو در تبلیغ دین

خذوا ما ءاتینکم .. لعلکم تتقون

خداوند با جمله <لعلکم تتقون> هدف از فرمان خویش (خذوا ما ءاتینکم ..) را بیان داشت و این درسی است به همه مبلغان دین که تنها به بیان احکام دین اکتفا نکنند بلکه حتی المقدور هدف از آن احکام را برای مردم تبیین کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۳

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲ - ۴،۵،۱۰

۴ وظیفه داران تبلیغ دین ، باید همه معارف و قوانین دین را برای مردم بیان کرده و از وانهادن حتی اندکی از آن دوری کنند .

فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک

۵ استیحا ش مردم از برخی معارف و احکام دین و نبود زمینه پذیرش در آنان ، مجوز ترک ابلاغ آنها نیست .

إن هذا إلا سحر مبین .. فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک

۱۰ وظیفه پیامبر (ص

(انذار مردم و ابلاغ احکام و معارف دین است نه پاسخ گویی به درخواست های نابه جای آنان

إنما أنت نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۴

۴ اقامه نماز ، تکیه گاهی برای استقامت در راه دین و ابلاغ آن

فاستقم كما أمرت .. و أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۵

۵ مبلغان دینی ، باید از سر مهربانی و با ملاحظت ، مردمان را به دین فراخوانند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) در آستانه سفر فرزندانیش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال ینبی لاتدخلوا .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۴ - ۵

۵- صراحت و قاطعیت در بیان اصول و مبانی دین ، امری لازم و تکلیفی واجب بر رهبران اسلامی

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- وظیفه همه انبیای الهی ، تنها ابلاغ پیام خداوند به صورت روشن و صریح بوده است و نه اجبار مردم به قبول آن .

فهل على الرسل إلاّ البلغ المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تبلیغ دین و دعوت دیگران به راه خدا ، تکلیفی الهی بر همگان

ادع إلى سبيل ربك

برداشت فوق، با الغای خصوصیت از مخاطب اصلی آیه، یعنی پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۳۹

۳۹- یکتاپرستان ، از هر فرصت مناسب برای ترویج دین و اندیشه الهی بهره می گیرند .

قال الذين غلبوا على أمرهم لنتخذنَّ عليهم مسجدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۶

۶ - استغنا از مردم ، در برابر تبلیغ دین و هدایت آنان ، سیره ای پیامبرگونه است .

أم تسألهم خرَجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - ابلاغ پیام های الهی از جانب پیامبر (ص) ، وابسته به پذیرش و عدم پذیرش مردم نبود .

قل أطيعوا الله.. فإن تولّوا... و ما على الرسول إلاّ البلاغ المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۵ - ۳

۳ - توکل و واگذاشتن کارها به خداوند پس از تلاش گسترده در راه دین موجب جلب حمایت و امداد خداوند در برابر مکر های دشمنان است .

أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ .. فَوْقِيهِ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا

برداشت یاد شده، از آن جااست که مؤمن آل فرعون در راستای تبلیغ دین، کارهای خود را به خدا واگذار کرده بود. خداوند نیز او را از مکرهای دشمنان محفوظ داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف -

۸- پیام های دینی ، اگر با زبانی فصیح و قالبی متناسب ارائه شود ، ذهن و اندیشه انسان ها را به خود جذب می کند .

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

این نکته که قرآن به واسطه فصاحتش، زمینه تعقل و جذب اذهان را فراهم می کند، نشانگر آن است که اگر پیام های دینی، این ویژگی را داشته باشند، در جذب مخاطب موفق خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۶

۶- لزوم برخوردی استوار و به دور از هرگونه ضعف و سستی ، در مقام تبلیغ معارف دینی

فاستمسك بالذی اُوْحی اِلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- ترویج دین و مبارزه با گمراهی ، از لوازم ایمان و پذیرش قرآن

یستمعون القرآن .. فلما قضی ولوا اِلی قومهم منذرین

عبارت <فلما قضی ولوا.. منذرین> می رساند که پس از فهم پیام وحی و قبول آن، نوبت اقدام برای هدایت خلق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۷

۷- وصول قوانین و پیام های الهی به خلق ، از طریق وسایط برگزیده او

اُرسل رسولهُ بالهدی و دین الحقّ .. محمّد رسول اللّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰- التجا به پروردگار ، هنگام حرکت در مسیر دین و مسئولیت ، ضامن شکیبایی و موفقیت

و اصبر .. و سبح بحمد ربك حين تقوم

از ارتباط

<و سَبَّحَ> با <و اصبر>، می توان به مطلب بالا ره برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۱

۱ - رسالت الهی و دعوت مردم به دین ، وظیفه ای سنگین بر دوش پیامبر (ص)

و وضعنا عنك وزرك

<وزر>؛ یعنی، سنگینی و <وزیر>، به معنای کسی است که وظایف سنگین فرمانروایش را برعهده می گیرد (مفردات).
مصادق مورد نظر از <وزر> به قرینه شرح صدر که در آیه قبل آمده بود تکالیف دشوار و رسالت سنگینی بود که در صورت فقدان امدادهای ویژه خداوند، تحمّل آن بر پیامبر(ص) سخت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، دعوت کننده مردم به دین و هشداردهنده آنان ، به روز جزا است .

فما یکذبک بعد بالدین

برداشت یاد شده، بر دو پیش فرض استوار است: ۱. مخاطب آیه شریفه پیامبر(ص) باشد؛ ۲. کلمه <دین> در هر دو معنای <شریعت> و <جزا> استعمال شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۷

۱۷ - پیامبران ، با رفتن به سوی مردم ، پیام الهی را به آنان ابلاغ می کردند .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ . رسول من الله

تبلیغ علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۷

۷- مسؤلیت عالمان دینی و آگاهان به کتاب های آسمانی در بیان احکام و معارف الهی

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه من الکتب

تبلیغ

علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۰

۱۰ - تسبیح و حمد مداوم پروردگار، از راه های مقابله مؤمنان با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند، آگاه به گفتار ناروای مشرکان و کافران علیه دین

نحن أعلم بما یقولون

تبیین تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۸

۸ بیان احکام و معارف دین، بازگشت خداوند به بندگان خویش است.

و یرید الله لیبئن لکم .. و یتوب علیکم

چنانچه عطف جمله <یتوب علیکم> بر <لیبئن>، عطف تفسیری باشد، بیانگر این است که بیان احکام از جانب خداوند، همان بازگشت او به بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۴،۵،۷

۴ تبیین و تشریح احکام و معارف الهی، وظیفه مهم پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا یبیین لکم

در برداشت فوق، احکام و معارف دین به عنوان مفعول برای <یبین> در تقدیر گرفته شده است.

۵ نیازمندی احکام و معارف الهی به تبیین و تشریح

یبین لکم

فعل <یبین> بیانگر آن است که احکام و معارف دینی علاوه بر اینکه باید به مردم ابلاغ شود، نیاز به تبیین و تشریح دارد و لذا نفرمود <یلغ>.

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا یبیین

بنابر

اینکه مفعول حذف شده از <بیین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۹

۹ ارائه نمونه های عینی از روش های قرآن برای تبیین معارف و حقایق

لاتسئلوا .. قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۲،۳

۲ پیامبر(ص) وظیفه دار بیان برخی از معارف به صورت طرح پرسش و ارائه پاسخ است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

۳ طرح پرسش و ارائه پاسخ، روشی در تبیین و تبلیغ معارف دین است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ خداوند آیات خویش و معارف دین را به صورت های گوناگون بیان کرده است .

کذلک نصرف الأیت

<صرف> به معنای تغییر دادن چیزی از حالتی به حالت دیگر است و <تصریف> دلالت بر کثرت وقوع این معنا دارد.

بنابراین <نصرف الأیت> یعنی ما آیات خویش را به صورتهای گوناگون عرضه می کنیم و بیان می داریم.

تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۵

۵- معارف الهی ، نیازمند تبیین از سوی انبیاست .

و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین لهم

تبیین فرجام مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۴

- ترسیم فرجام نیک متقین و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان دین ، از وظایف رهبران الهی

فدگر

ظاهراً موضوع تذکر، مطالبی است که در آیات پیشین در مورد فرجام نیک مؤمنان و سرنوشت شوم کافران آمده است.

تجزی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۴، ۱۵

۱۴ - بنی اسرائیل مورد توبیخ و سرزنش خدا، به خاطر تبعیض در برخورد و عمل به دین (عمل کردن به برخی از دستورات تورات و وانهادن برخی دیگر)

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض

مراد از ایمان و کفر در <أفتؤمنون> و <تكفرون> عمل کردن و وانهادن است.

۱۵ - بنی اسرائیل، به برخی از دستورات تورات عمل کرده و برخی را نادیده می گرفتند .

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دنیاطلبی، از انگیزه های تبعیض در دین (عمل کردن به برخی از دستورات دین و رها کردن برخی دیگر از آن) است

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض ... أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا

تجزی در قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۳، ۲۴، ۱۴

۱۴ - بنی اسرائیل مورد توبیخ و سرزنش خدا، به خاطر تبعیض در برخورد و عمل به دین (عمل کردن به برخی از دستورات

تورات و وانهادن برخی دیگر)

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض

مراد از ایمان و کفر در <أفتؤمنون> و <تكفرون> عمل کردن و وانهادن است.

سزای یهودیانی که کتاب آسمانی را تبعیض کردند (به برخی از تورات عمل کرده و برخی را وانهادند) ، خفت و خواری در دنیاست .

أفتؤمنون ببعض .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا

۲۴ - یهودیانی که با تبعیض به احکام و معارف تورات برخورد می کردند ، در قیامت به شدیدترین عذاب ها گرفتار خواهند شد .

أفتؤمنون ببعض .. و يوم القيمه يردون إلى أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۱، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ پذیرش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، امری ناروا و مانند نپذیرفتن همه دین است.

إن الذين فرقوا دينهم .. لست منهم في شيء

مراد از <دین>، دین الهی است و متفرق ساختن دین به معنای پذیرش بخشی از آن و نپذیرفتن بخشی دیگر است.

۲ کسانی که تنها بخشی از دین را پذیرفته اند، از امت پیامبر(ص) محسوب نخواهند شد.

إن الذين فرقوا دينهم .. لست منهم في شيء

<منهم> خبر برای <لست> است، <من> در جمله هایی مانند <لیس منی> و <انه منی> و ... به معنای اتصال و ارتباط است. بنابراین <لست منهم> یعنی تو ارتباط با آنان نداری و در نتیجه آنان نیز با تو به عنوان پیامبر(ص) ارتباطی ندارند و این به معنای خروج از امت محمد(ص) و دین اسلام است.

۳ تفرقه در دین موجب از میان رفتن وحدت جامعه و تشکیل گروههای مختلف بر اساس مذاهب گوناگون است.

إن الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعا

۵ گروههای مذهبی که بر اساس پذیرش بخشی از دین

تشکیل یافته اند، از امت پیامبر(ص) نیستند.

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ

۱۱ خداوند گروه‌های تشکیل شده بر اساس پذیرش بخشی از دین را به عذاب گرفتار خواهد ساخت.

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ .. . إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

<آگاه سازی از اعمال ناپسند>، کنایه از گرفتار ساختن به عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۴

۴ پذیرش همه معارف و احکام دین، حسنه و پذیرش بخشی از آن و رهاسازی بخشهای دیگر، سیئه است.

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ .. . مِنْ جَاءٍ بِالْحَسَنَةِ ... وَ مِنْ جَاءٍ بِالسَّيِّئَةِ

با توجه به آیه قبل می توان گفت مصداق مورد نظر برای <الحسنه> ایمان به همه معارف و احکام دین و مصداق <السیئه> تفرقه در دین است.

تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱۰، ۶

۶ بنی اسرائیل ، مصداق بارز تفرقه افکنان و تحریفگران دین خداوند و مشمول عذاب شدید الهی

ادخلوا فِي السَّلَامِ كَافَهُ .. . فَان زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا ... سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا أَتَيْنَاهُمْ م

پس از امر به دخول در <سلم> (تسلیم در برابر خداوند و اتحاد جامعه ایمانی)، و عدم تبعیت از شیطان، بنی اسرائیل را به عنوان نمونه ذکر می کند.

۱۰ تحریفگران و تبدیل کنندگان دین و آیات روشن الهی ، مستحق عذابی شدید

و مِنْ يَبْدُلِ نِعْمَةَ اللَّهِ .. . فَان اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

از مصادیق روشن و مورد نظر نعمتهای الهی، دین و آیات خداوندی است. و مراد از تبدیل،

تحریف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۲

۲ به کار بستن فرهنگ و زبان دین ، ابزاری برای تحریف آن

و انّ منهم لفريقاً يلوّن السنتهم بالكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۴

۲۴ شیطان ، برانگیزنده مردمان به تحریف دین خدا

لامرئهم فليغيرن خلق الله

امام باقر(ع) در مورد <خلق الله> در آیه فوق فرمود: دین الله.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۲۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۳

۳۳ تعلق اراده الهی به عذاب و ضلالت آدمی ، پیامد کفرورزی ، تحریفگری ، دروغپردازی علیه پیامبر (ص) و پیروی از

تحریفگران دین

الذین يسرعون في الكفر . .. و من یرد الله فتنته فلن تملك له من الله شيئاً

تحقق اهداف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۶

۶ دستیابی مؤمنان به ارزش ها و آرمان های مکتبی ، در پرتو تلاش و جهاد خود آنان میسر است .

قتلوهم یعذبهم الله بأیدیکم

تحقیر اخروی استهزاگران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۱

۱ - استهزاکنندگان دین و قیامت ، مورد تحقیر و تمسخر در آتش دوزخ

یسئلون أیّان یوم الدین .. ذوقوا فتنّکم هذا الذی کنتم به تستعجلون

امر در <ذوقوا>، برای تهکم و استهزا است.

تحقیر اخروی دشمنان دین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱

۱- خداوند ، مشرکان توطئه گر علیه دین را علاوه بر عذاب دنیوی ، در قیامت به صورت تحقیر آمیزی خوار خواهد ساخت .

قد مکر الذین من قبلهم .. و اتهم العذاب ... ثم یوم القیمه یخزیهم و یقول این

<خزی> در لغت به معنای شکست و ذلت است. این حالت گاهی از ناحیه خود شخص عارض می شود و گاهی از سوی دیگری. در صورتی که از سوی دیگری باشد، همراه با خفت و تحقیر است.

تحقیر علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- مشرکانی که قرآن را اسطوره می خوانند و کسانی که علیه دین الهی توطئه می کنند ، با علمای دین برخورد تحقیر آمیز و خوار کننده دارند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم ...

حضور عالمان در قیامت هنگام مؤاخذه مشرکان و اعلام این نکته از آنان که: خواری و بدی روز قیامت برای کافران است، می تواند حکایت کننده این نکته باشد که: آنان در دنیا، مورد برخورد اهانت آمیز افراد یاد شده قرار گرفته بوده اند. لازم به ذکر است که مراد از <أوتوا العلم> به تناسب موضوع (قرآن و تعالیم ادیان آسمانی)، می تواند علمای دین باشد.

تحقیر معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۸

۸- تکذیب دین و روی گردانی از آن ، در پی دارنده کیفری تحقیر آمیز

أرءیت إن کذب و تولی . . . کلاً لئن لم ینته لنسفعا بالناصیه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد؛ به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است؛ ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

تحقیر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۸

۸- تکذیب دین و روی گردانی از آن، در پی دارنده کیفری تحقیرآمیز و گریزناپذیر

أرءیت إن کذب و تولی . . . کلاً لئن لم ینته لنسفعا بالناصیه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد؛ به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است؛ ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

تحقیق از حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- لزوم کنکاش برای به دست آوردن ویژگی های انبیا و حقایق دین

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

متعلق <لاتعلمون> محذوف است و به قرینه صدر آیه، می تواند انبیا و ویژگیهای آنان باشد و چون بحث از انبیا و عقیده به آن، از جمله معارف دینی است، می توان استفاده کرد که سایر مسائل دینی هم مشمول آن است.

تخیلات مردم درباره دین

جلد - نام سوره - سوره -

۴ - گرفتاری عوام به خیالات واهی درباره دین و کتاب های آسمانی ، پیامد تحریفگری و عملکرد عالمان سوء است .

و منهم أمیون .. فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم

تفریع جمله <فویل للذین ..> بر آیه قبل - که درباره جهل مردم به کتاب آسمانی بود - گویای این معناست که: عالمان سوء و تحریفگر، دارای نقشی بسزا در جهل و خرافه گرایی مردم هستند.

تداوم دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - بعثت پیامبراسلام (ص) ، تحقق اراده الهی به استمرار آیین توحیدی در نسل ابراهیم (ع)

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه .. حتی جاءهم الحق و رسول مبین

تداوم دین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تداوم خط فکری و مکتبی نوح (ع) ، از سوی ابراهیم (ع) و اشتراک دین آنان در اصول و مبانی

و إن من شیعتہ لإبرهیم

تذکر تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ یادآوری همواره تعالیم دین به مؤمنان، از اهداف نزول قرآن

کتاب أنزل إليك .. ذکری للمؤمنین

کلمه <ذکری> به معنای تذکر دادن و عطف بر <تذکر> است. یعنی: کتاب أنزل لانذار الناس و تذکیر المؤمنین.

ترس از دین موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

- وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی (ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

ترک امداد به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۳

۳ مسلمانانی که از هجرت به مدینه سر باز زدند و یا در راه خدا جهاد نکردند و یا مهاجران و دین خدا را یاری ندادند ، از دایره مؤمنان راستین خارج هستند .

و الذین ءامنوا و هاجروا .. أولئک هم المؤمنون حقا

<أولئک> اشاره است به هر یک از <الذین> اول و دوم با ویژگیهایی که در توصیف آنها آمده است. با توجه به این معنا و دلالت ضمیر فصل (هم) بر حصر معلوم می شود کسانی که مجموع صفات یاد شده را نداشته، اگر چه برخی از آنها را دارا باشند مؤمن حقیقی نیستند.

تشابه برخوردهای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۵

۵- تکرار تاریخ در برخورد دشمنان ادیان ، با ادیان

کذلک فعل الذین من قبلهم

تشریح تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱

۱ خداوند برخی از احکام و معارف دینی را مسکوت گذاشته و برای مردمان تبیین نکرده است .

لا تسئلوا عن اشیاء .. عفا اللّٰه عنها

جمله شرطیه <ان تبدلکم تسؤکم> صفت برای <اشیاء> است و جمله <عفا اللّٰه عنها> بیانگر این است که آن اشیاء

توصیف شده، احکام و معارفی نمی باشند که خداوند آنها را مسکوت گذاشته و تبیین نکرده است بنابراین <لا تسئلوا ..>
یعنی از احکام و معارف و موضوعات دینی که خداوند بیان نکرده، سؤال نکنید زیرا آگاهی به آنها مایه ناراحتی شما می
گردد.

تشریح دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ تشریح دین مخصوص خداوند است.

و ادعوه مخلصین له الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۳،۱۲

۳ - تشریح دین از سوی خداوند ، در جهت منافع و مصالح انسان است .

شرع لکم من الدین

با توجه به لام <لکم> که برای انتفاع است و نیز از این که آیه در مقام امتنان است، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۲ - تشریح دین از سوی خداوند ، مظهری از سلطه وی بر جهان هستی است .

له مقالید السموت و الأرض ... شرع لکم من الدین

تشویق به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱۳

۱۳ - تشویق و ترغیب شدن مردم از سوی حضرت نوح (ع) ، به کسب دانش و شناخت حقایق و معارف الهی

لو کنتم تعلمون

تظاهر به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إِنَّ الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْئُونَ وَالنَّصْرِيُّ .. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

تعالیم اجتماعی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعمال عبادی و اجتماعی ، در بینش الهی دارای پیوندی تنگاتنگ اند .

يدعون ربهم .. و مما رزقنهم ينفقون

تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۹

۱۹ - تکالیف دینی ، پیمان های خدا با مردم است .

و إذ خذنا ميثق بني إسرائيل .. و ءاتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱۸، ۱۳

۱۳ قوانین الهی برای رشد و طهارت جامعه ، مفیدتر از قوانین و رسوم مردم است .

و اذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ .. فلا تعضلوهنَّ ... ذلکم از کی لکم و اطهر

۱۸ احکام خداوند ، برخاسته از علم بیکران او

فلا تعضلوهنَّ .. و الله يعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۲ - ۵

۵ احکام الهی ، نشانه های خداوند برای شناخت او

يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

مراد از <آیات> (نشانه ها) احکام الهی است ؛ چون <كذالك> اشاره به احکام گذشته دارد؛ بنابراین هر حکم الهی، نشانی از او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۵

۱۵ احکام الهی ، موعظه و اندرز خداوند به بندگان خویش

فمن

جاءه موعظه من ربّه فانتھی

خداوند از حکم خویش (تحریم ربا) به <موعظه> تعبیر کرده است؛ بنابراین احکام الهی، از جمله مواعظ اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ برخی از تعالیم دین، تنها از رهگذر الهامات الهی قابل دستیابی است.

و علمک ما لم تکن تعلم

جمله <علمک...> به این معناست: خداوند معارفی را به تو آموخت که هیچگاه آنرا با وسائط عادی همچون تجربه، علم و ... نمی توانستی فراگیری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۲

۲ دین و تعلیمات و رهنمودهای خدا و پیامبر (ص)، مایه حیات واقعی انسان

يأيتها الذين ءامنوا استجبوا لله و للرسول إذا دعاكم لما يحييكم

مراد از <ما> در <لما يحييكم>، تمامی تعلیمات و معارف و رهنمودهای خدا و رسول اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسانها در اجرای کیفرها و مجازاتهای مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق عليه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها.. أهلك إلا من سبق عليه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران، از کیفر آنان چشم پوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۱

١١ > عن أبي عبد الله (ع) : التقية من دين الله .

.. لقد قال يوسف > أيتها العير إنكم لسارقون < والله ما كانوا سرقوا شيئاً... >

از امام صادق(ع) روایت شده است: تقیه از دین خداست .. به تحقیق یوسف گفت: >أيتها العير إنكم لسارقون< [ولی] به خدا سوگند چیزی را ندزدیده بودند...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۸

۸- تبه یافتن همه مردم دارای اهمیتی ویژه در تعالیم دینی

يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون

کلمه <الناس> اسم جنس و دال بر همه انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۸

۸- نهی ها و نبایدهای دین ، مبتنی بر دفع مفاسد از انسانهاست .

إنه كان فحشه و ساء سبيلاً

پرداختن به تبیین علل و مفاسد عمل مورد نهی، می تواند بیانگر این نکته باشد که: نبایدها و نهیهای خداوند تابع مفاسد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲،۴

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة

۴- ارائه تعالیمی حکیمانه از سوی خداوند برای بشر ، مقتضای ربوبیت اوست .

ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- دين ، داراي برنامه و آموزه هايي براي شيوه سخن گفتن و تصميم گيري انسان است .

و لاتقولنّ لشيء

إِنِّي فاعل ذلك غداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۴

۴ - توصیه به انجام کار صنعتی و متناسب و به اندازه عمل کردن در آن ، از جمله تعالیم دینی و در قلمرو آن

أن اعلم سبغت و قدر فی السرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۳

۳ - معارف الهی و عقاید دینی ، قابل شناخت و درس آموز برای بشر

أفلاتندگرون

سرزنش مشرکان به سبب بیدار نشدن و پند نپذیرفتن درباره حقایق الهی، نشانگر این حقیقت است که حقایق الهی و معارف دینی، قابل فهم و پندآموز است. از این رو آنان مورد سرزیش قرار گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۵

۵ - عقیده و عمل ، پیوسته به یکدیگر در نظام ارزشی دین

لتؤمنوا... و تعزروه و توقروه و تسبحوه

<لتؤمنوا...> ناظر به عقیده و <تعزروه و...> ناظر به عمل می باشد.

تعالیم دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۲، ۲۱

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام شریعت ابراهیم

أن طهرا بيتي للطائفين و العكفين

۲۲ - رکوع و سجده کردن به درگاه خدا (نماز) ، از برنامه های عبادی در آیین ابراهیم

و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۷

۱۷ - طواف و نماز ، از تکالیف مقرر در شریعت حضرت ابراهیم (

(ع)

و طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۴

۴ - حج ، یادگاری از شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ

تعالیم دین اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۲

۲- نماز ، زکات و انفاق ، دارای اهمیت ویژه در آیین اسماعیل صادق الوعد

و كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

اصرار حضرت اسماعیل(ع) بر نماز و زکات (انفاق)، نشان اهمیت آن دو، در آیین آن حضرت بود.

تعالیم دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۸

۸ اعتبار مالکیت خصوصی در آئین یهود

و أَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَطْلِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اموال الناس> ثروتهای شخصی مردم باشد.

تعالیم دین یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

۲۱ آیین یهود شامل دستورهای تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الآخره .. للذین یتقون و یؤتون الزکوه

تعالیم عبادی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعمال عبادی و اجتماعی ، در بینش الهی دارای پیوندی تنگاتنگ اند .

یدعون ربهم .. و مما رزقنهم ینفقون

تعاون بر ضد دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ همیاریهای ضد دینی در دنیا، در پی دارنده دشمنی و کینه توزی در آخرت خواهد شد.

كلما دخلت أمه لعنت أختها

تعصب در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ وابستگی و تعصب یهود، نسبت به قوانین اجتماعی و دینی خویش

و لاحلّ لكم .. فاتقوا الله و اطیعون

امر به تقوا و اطاعت پس از عنوان کردن تغییر برخی احکام، بیانگر انتظار جبهه گیری و تعصب یهود در قبال احکام جدید است.

تعقل در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۴، ۱۲، ۱۱

۱۱ ترک اندیشه در احکام و شعایر دین اسلام، ریشه استهزای کافران نسبت به آن

اتخذوها هزواً و لعباً ذلک بانهم قوم لا یعقلون

در برداشت فوق <لا یعقلون>، فعلی متعدی گرفته شده و مفعول آن محذوف فرض شده است. یعنی لا یعقلون الدین و الصلوه و ...

۱۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر ترک اندیشه و تعقل در حقانیت دین و احکام و شعایر آن

ذلک بانهم قوم لا یعقلون

۱۴ نگاه به دین اسلام با دیدی منطقی و عقلی، مایه اطمینان به حقانیت، شایستگی و بایستگی آن

اتخذوها هزواً و لعباً .. ذلک بانهم قوم لا یعقلون

تعلیم تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱۱

۱۱ لزوم هجرت برای فراگیری معارف دینی و احکام الهی

أَلَا الْمُسْتَضْعِفِينَ... وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۷

۱۷ خداوند آموزگار مسیح در فراگیری علوم ، معارف دین و کتب آسمانی

و اذ علمتک الکتب و الحکمہ و التوریه و الانجیل

تعلیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۲،۴

۲ - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و ...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمہ و ینزّیهم

۴ - دعا برای نیل فرزندان به فراگیری معالم و احکام الهی و تربیت دینی امری نیکو و شایسته است .

ربنا وابعث فیهم رسولا .. و ینزّیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۱۱

۱۱ - پیراستن مردم از آلودگی ها و تعلیم قرآن ، احکام و معارف دین ، از وظایف اساسی مبلغان دین و از رؤوس برنامه های آنان است .

یتلوا علیکم ءایتنا و ینزّیکم و یعلمکم الکتب و الحکمہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ پاکسازی جان ها و آموزش تعالیم دین ، دو مرحله از هدایت انسانها

ینزّیهم و یعلمهم الکتب و الحکمہ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

هدایت انسانها، که مفهوم جمله <وان كانوا...> دلالت بر

آن دارد، بیانگر هدف کلی بعثت است. بنابراین تلاوت و ترکیه و تعلیم می تواند مرحله‌ی برای تحقق این هدف، یعنی هدایت انسانها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۱

۱ تفهیم معارف دینی به انسان های مستعد ، از سنت های خداوند

و لو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم

تفریط در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها و هم يحملون أوزارهم على ظهورهم ألا ساء ما يزرون

بنابراین که <ما در >ما فرطنا< موصوله و مرجع برای ضمیر <فيها> باشد.

تفقه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۷،۹،۱۱

۷ درك حقایق و معارف دینی ، تنها در پرتو خرد ناب میسر است .

و من يؤت الحكمة . . . و ما یدكر الا اولوا الالباب

در برداشت فوق، <حکمت> به معنای معارف و حقایق دینی گرفته شده است.

۹ درك معارف و حقایق دینی و عمل به مقتضای آن ، حکمتی خدادادی است .

يؤتى الحكمة من يشاء

با در نظر گرفتن ارتباط این آیه با آیات سابق (که درباره لزوم انفاق، مصالح و پیامدهای نیک آن و نیز عوامل ترک انفاق و پیامدهای شوم آن بود که یکسره درباره احکام و معارف دینی است)، می توان گفت که مراد از حکمت، معارف و حقایق دینی است.

، حکمت است .

و من يؤت الحكمة

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: ان الحكمة المعرفة و التفقه فی الدین

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۴۹۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۲۱، ۲۰، ۱۸

۱۸ باقی ماندگان در مراکز علمی (برای تفقه در دین) ، موظف به تعلیم و هدایت مجاهدان مراجعت کننده از نبرد *

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که ضمیر جمع فاعلی در <رجعوا> به جهادگران بازگردد نه به کسانی که به تفقه در دین می پردازند؛ یعنی، گروهی باید برای جنگ بسیج شوند و گروهی دیگر در مرکز باقی بمانند و کسب معرفت کنند تا هنگامی که رزمندگان از جنگ باز می گردند، به تعلیم و هدایت آنان پردازند.

۲۰ یعقوب بن شعیب گوید: قلت لأبی عبدالله (ع) إذا حدث علی الامام حدث کیف یصنع الناس قال: این قول الله عزوجل: < فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة لیتفقوها فی الدین . . . > ;

به امام صادق (ع) گفتم: اگر برای امام حادثه [فوت] پیش آمد، مردم [در مورد شناخت امام بعد] چه کنند؟ فرمود: کجاست سخن خدای عزوجل که فرمود: چرا از هر گروهی یک عده کوچ نمی کنند تا در امر دین تفقه نمایند؟ [و امام را بشناسند] . . . <

۲۱ عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل:

> فلولا من كل فرقه منهم طائفه ليتفقهوا في الدين ... > فامرهم ان ينفروا إلى رسول الله (ص) ... ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عز و جل که می فرماید: > چرا از هر گروهی یک عده کوچ نمی کنند تا در دین تفقه نمایند < روایت شده: خداوند آنان را امر فرموده که به سوی رسول خدا (ص) کوچ نمایند [و فقه را از وی فراگیرند] .. <.

تفہیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۳

۳ - قرآن کریم ، به تفہیم دقیق مطالب حساس برای مخاطبان خود ، عنایت دارد . *

و إن كانوا من قبل .. من قبله

احتمال دارد تکرار < من قبل > به منظور حساس ساختن مخاطبان و توجه دادن آنها به این نکته باشد که انسان ها، در برخورد با حوادث شادی آفرین و غم آور، به سرعت، دچار تغییر می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۲

۲ - تفہیم معارف و حقایق در قرآن ، با شیوه ها و مثال های گوناگون ، اتمام حجتی بر انسان ها است . *

لاينفع الذين ظلموا معذرتهم .. و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كل مثل

احتمال دارد ذکر < و لقد ضربنا .. > به دنبال اعلام سودمند نبودن معذرت خواهی کافران در قیامت، به جهت یادآوری تمام شدن حجت بر آنان، بعد از تفہیم حقایق، به وسیله قرآن باشد.

تقلید در اصول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- صفات - ۳۷ - ۶۹ - ۴

۴ - تقلید در اصول دین و مبانی فکری ، امری ناپسند و غیرجایز

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آباءَهُمْ ضَالِّينَ

تقیه در دین موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۶

۶ - مشروعیت تقیه و کتمان ایمان ، در دین موسی (ع)

و قال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه

تکبر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۱

۱ - کسانی که بدون هیچ دلیل و برهانی ، به مجادله و ستیزه جویی در آیات الهی (دین) بر می خیزند ، در دل آنان نوعی کبر و خودبرتربینی نهفته است .

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتِيهِمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ

<سلطان> به معنای حجت و برهان است.

تکذیب بخشی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۲

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر ، کفر به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است . *

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتَوْنَ كُفْرَهُمْ كُفْرًا بَعْدَ كُفْرٍ سَاءَ مُنْقَلَبًا لِقَوْمٍ كَافِرِينَ

با توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامل تبعیض در اعتقاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود؛ یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۶۸،۱۴

۶ ضرورت کاوش و دقت در فرجام تکذیب کنندگان دین الهی

فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

۸ هشدار به مردم از عاقبت و فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند

فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

۱۴ وجود تکذیب کنندگان دین الهی در امت های گذشته

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۶

۶ جهانگردی و تأمل در سرنوشت شوم گذشتگان ، زمینه ای برای پرهیز از تکذیب دین خداوند

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین. هذا بیان للناس

اگر <هذا> اشاره به مطالب آیه قبل باشد، متعلق کلمه <بیان> چنین خواهد بود: هذا بیان للناس لئلا یرتکبوا الذی ارتکبوه.

یعنی مشاهده سرنوشت تکذیب کنندگان، روشنگر مردم است به اینکه مانند گذشتگان، آیات الهی را تکذیب نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۵

۵ توجه به سنت های الهی در فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه و سستی از

جامعه ایمانی

فسیروا .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین ... و لاتهنوا و لاتحزنوا

اگر جمله <و لاتهنوا ... >، عطف بر جمله <فانظروا کیف ...> باشد، معنای این دو آیه چنین می شود: شما محزون نباشید،

عاقبت تکذیب کنندگان آیات الهی (دشمن شما مسلمانان)، نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۳

۱۳

تظاهر به دینداری (ایمان) و پنهان کردن کفر و تکذیب دین، از اوصاف منافقان

مذبذبین بین ذلک

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... یظهرون الایمان و یسرون الکفر و التکذیب لعنهم الله.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۲۹۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۲

۲ - نوح (ع)، نگران تکذیب ارزش ها و تعالیم الهی از سوی مردم بود؛ نه نگران تهدید خود او از سوی آنان.

قال ربّ إنّ قومی کذبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکوه نوح(ع) به درگاه خدا در پی تهدیدهای سخت مخالفان، از تکذیب گری آنان بود نه از تهدیدهای آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق، از خصوصیات کافران است.

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مَثْوَى لِلْكَافِرِينَ) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۷

۱۷- انکار حقایق دین از سوی کافران، در قالب روشن فکری و ارزش گرایی

و قال الذین کفروا... لو کان خیرًا ما سبقونا إليه... فسیقولون هذا إفک قدیم

کافران با دعوی <لو کان خیراً> خود را ارزش خواه و با اتهام <هذا إفکّ قدیم> خود را روشن فکر و ضد ارتجاع معرفی می کنند و

با این ادعاها، بدون تأمل در حقایق قرآن (إذ لم يهتدوا به) به کفر و انکار می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۸ - ۱

۱ - تکذیب شدن دین و پیامبران الهی ، از سوی برخی از اقوام و ملت های پیش از ظهور اسلام

و لقد كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

تناول از منافع دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۴

۴ - تناول از منافع به دست آمده از دین فروشی و کتمان معارف کتاب های آسمانی ، در حقیقت خوردن آتش و پرکردن شکم از آن است .

و يشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

تنبلی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۱

۱۱ پذیرش ولایت خداوند ، از بین برنده هر نوع سستی در انجام وظایف دینی

اذ همت .. و الله وليهما

<و الله وليهما>، با لحن اعتراض گونه اش (در حالی که خداوند سرپرست و حمایت کننده شماست، سستی چرا؟) به این نکته اشاره دارد که پذیرش ولایت الهی و اعتقاد به آن، مانع از هر گونه سستی در راه انجام وظایف الهی است.

تنزیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۵

۵ راه خدا (احکام و معارف الهی) از هر گونه کجی ، ناهنجاری و انحراف منزّه است .

و بیغونها عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

۱۰ حقایق و معارف نازل شده از ناحیه خدا پیراسته از هر باطلی است .

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. فَاحْتَمَلَ السَّيْلَ زَبَدًا رَايًّا ... كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ

از آن جا که حق به آبی تشبیه شده است که از آسمان فرومی ریزد و در آن هنگام هیچ کفی همراه ندارد ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۸

۸ - استواری و سامان بخشی ، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل ، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد .

و مَا أَمْرُوا إِلَّا .. وَ ذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ

تنقیص دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۴

۴ - کافران ، در پی یافتن عیب و نقص در تعالیم الهی و اثبات نادرستی آنها هستند .

لِلْكَافِرِينَ .. وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا

عبارت <یَبْغُونَهَا عِوَجًا> (راه خدا را کج می خواهند) می تواند به این معنا باشد که کافران، در پی این بودند که در تعالیم آسمانی اعوجاج و نقصی بیابند و آن را برملا کنند.

توبه اهانت کنندگان به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۴

۲۴ توبه مرتد و اهانت کننده به ارزش های الهی ، مایه رفع عذاب الهی از اوست .

فإن يتوبوا يك خيراً لهم وإن يتولوا يعدبهم الله

توحید در دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع)

واتبعت مله اباہی ابرہیم . . ما کان لنا أن نشرک باللہ من شیء

جمله <ما کان لنا . . > توصیف <مله اباہی . . > می باشد. تفسیر و تبیین یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه اصلی آن آیین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۲

۱۲ - توحید ، اساس و پایه آیین ابراهیم

مله ابرہیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

توحید در دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع)

واتبعت مله اباہی ابرہیم . . ما کان لنا أن نشرک باللہ من شیء

جمله <ما کان لنا . . > توصیف <مله اباہی . . > می باشد. تفسیر و تبیین یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه اصلی آن آیین است.

توحید در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع)

واتبعت مله اباہی ابرہیم . . ما کان لنا أن نشرک باللہ من شیء

جمله <ما كان لنا ..> توصیف <ملّه آباءى ...> مى باشد. تفسیر و تبیین

یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه اصلی آن آیین است.

توحید در دین یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع)

واتبع مله آباءى إبراهيم .. ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء

جمله <ما كان لنا ..> توصیف <مله آباءى ...> می باشد. تفسیر و تبیین یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه اصلی آن آیین است.

توطئه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۶

۶ انکار نفوذ آموزه های قرآن در میان دل و جان مردم ، از ترفند های منافقان و دشمنان دین

و إذا ما أنزلت سورة فمنهم من يقول أئیکم زادته هذه إيمناً

استفهام در جمله <أئیکم زادته ..> استفهام انکاری و بیانگر نفی تأثیرگذاری آیات قرآن در دل و جان اهل ایمان است. قابل ذکر است که ضمیر <منهم> به منافقان برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۷

۷- دخالت خداوند در تحولات تاریخ ، آن گاه که دشمنان علیه دین توطئه و مکر کنند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم فأت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۳ دفع توطئه ها و تجاوزات دشمنان دین علیه مسلمانان در صدر اسلام ، از سوی خداوند

اذ هم قوم .. فكف ایدیهم عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۱

۳۱ خداوند ، حامی مؤمنان ، در برابر توطئه های یهودیان و دشمنان دین

كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

توطئه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۷

۱۷- دلجویی و حمایت خداوند از مؤمنان ، در برابر توطئه های کافران دین ستیز

الذین كفروا .. أضلّ أعمالهم . و الذین ءامنوا ... کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بال

از مجموع آیه شریفه، استفاده می شود که خداوند، در کنار تهدید و توییح کافران دین ستیز، در این آیه به دلجویی و حمایت از مؤمنان راستین پرداخته است.

توطئه علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۷

۷ خداوند برهم زننده برنامه ها و توطئه های کافران علیه دین

و یمکرون و یمکر الله و الله خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- اسطوره خواندن قرآن ، توطئه علیه دین الهی و انتخاب کفر ، اعمالی زشت و ناپسند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . . . قد مكر الذين من قبلهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۱،۴

۱ - کافران همواره و به دقت ، در

حال توطئه و چاره اندیشی برای رویارویی با آیین الهی اند .

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

فعل مضارع <یکیدون> به قرینه سیاق آیه بر استمرار دلالت دارد و <کیداً> مفعول مطلق و برای تأکید است. آیات بعد بیانگر آن است که مراد از ضمیر <إِنَّهُمْ>، کافران و مراد از <کید> چاره سازی برای مقابله با برنامه های خداوند است.

۴ - جدی نگرفتن هشدار های قرآن به معاد و شوخی قلمداد کردن آن ، دسیسه کافران در مقابله با آیین الهی

و ما هو بالهزل . إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

توقع انعطاف پذیری دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۶

۶ - رفاه زدگان کافر ، متوقع انعطاف پذیری دین در برابر هوس ها و منافع ناحق آنان

و أكثرهم للحقّ كرهون . و لو اتبع الحقّ أهواءهم

توکل مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۹ - ۷

۷ - بایستگی توکل بر خدا و واگذاری کار ها به او ، برای رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی

فَاتَّخِذْهُ وَكَيْلًا

تهدید دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۵ - ۵

۵ - عذاب غافلگیرانه تکذیب کنندگان پیامبران در گذشته ، تهدیدی علیه دشمنان دین است .

كذَّب الذين من قبلهم فأتتهم العذاب من حيث لا يشعرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تهدید و هشدار و عبرت آموزی است.

تهدید معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ -

۵ - خداوند ، تکذیب گران دین و روی گردانان از آن و نهی کنندگان مردم از نماز را ، به عذاب خویش تهدید کرده است .

ألم يعلم بأن الله يرى

جمله <ألم يعلم...> در مقام تهدید و حاکی از کیفرهایی است که نظارت خداوند، آن را به دلالت التزامی می رساند.

تهدید مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لكن كذب و تولّى .. أولى لك فأولى

عبارت <أولى لك فأولى> مانند <ویل لك> برای تهدید و نفرین علیه دیگری به کار می رود و نوعاً کسانی مورد خطاب این جمله قرار می گیرند که در معرض هلاکت اند و بدین وسیله ترغیب می شوند که خود را از این مهلکه نجات دهند (برگرفته از مفردات راغب و تفاسیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لكن كذب و تولّى .. ثم أولى لك فأولى

گفتنی است که این آیه، تأکید برای آیه پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۷ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و نابودی

ثم تتبعهم الآخريين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ويل يومئذ للمكذبين

<ويل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ويل يومئذ للمكذبين

<ويل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ويل يومئذ للمكذبين

<ويل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید

و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۷

۷ - حکم نافذ و قضاوت حکیمانه خداوند ، تهدیدی برای تکذیب کنندگان دین و منکران قیامت

فما یکذّبک بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۴

۴ - تکذیب کنندگان تعالیم هدایت گر دین و دستورات تقوایی آن ، طغیان گر و مورد تهدید الهی اند .

ليطغى .. أريت إن كذب و تولّى

سیاق آیات، بر تهدید دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۵

۵ - خداوند ، تکذیب گران دین و روی گردانان از آن و نهی کنندگان مردم از نماز را ، به عذاب خویش تهدید کرده است .

ألم يعلم بأنّ الله يرى

جمله <ألم يعلم...> در مقام تهدید و حاکی از کیفیهایی است که نظارت خداوند، آن را به دلالت التزامی می رساند.

تهمت ارتجاع به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۹، ۱۷

۱۷- منکران معاد ، توجیه کنندگان کفر خویش ، با روشنفکر مآبی و اتهام ارتجاع به دین

فيقول ما هذا إلاّ أسطير الأولين

آیه بعد، گوینده <ما هذا إلاّ..> را وعده به عذاب داده است. از این نکته استفاده می شود که نسبت دادن <أساطیر
الأولین> به وعده های حق، نه از سر جهل و نادانی؛ بلکه به دلیل کفر و گستاخی بوده است و با این تعبیر، کافران توجیه گر
کفر خویش

بوده اند.

۱۹- پیشینه داشتن اندیشه های دینی ، زمینه ارتجاعی شمرده شدن آن از سوی کافران *

فيقول ما هذا إلا أسطير الأولين

تعبیر <الأولين> نشانگر پرسابقه بودن عقیده به معاد در میان جوامع است و تعبیر <أساطير>، اشاره به ارتجاعی بودن اندیشه معاد دارد. قرین آمدن این دو تعبیر، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تهمت افسانه به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۷

۷ - کافران فرو رفته در خرافات و شرک ، متهم کننده پیام انبیا به خرافه و افسانه

وقال الذين كفروا... إن هذا إلا أسطير الأولين

با توجه به این که وعده معاد و رستاخیز همواره از سوی پیامبران الهی مطرح می شده است، می توان گفت که واژه <أولين> اشاره به آن بزرگواران دارد.

تهمت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۲۱

۲۱ اتهام بدعتگذاری و تجاوز به احکام دین الهی به اسلام و مسلمانان در تبلیغات مشرکان مکه

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

کاربرد فعل تفضیل <أعلم> و تأکید و حصر آن با <إن> و ضمیر فصل <هو> در مواردی است که مدعیان و منکرانی در برابر وجود داشته باشند. بدین معنی که چه بسا مشرکان، مسلمانان را به سبب پایبندی به احکام اسلام به بدعتگذاری متهم می ساختند.

تهمت خرافه به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۷

۷ - کافران فرو رفته در خرافات و شرک ، متهم کننده پیام انبیا به خرافه و افسانه

و

قال الذين كفروا... إن هذا إلا أسطير الأولين

با توجه به این که وعده معاد و رستاخیز همواره از سوی پیامبران الهی مطرح می شده است، می توان گفت که واژه <أولین> اشاره به آن بزرگواران دارد.

ثبات قدم در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۲

۲ پیامبر(ص) مأمور اعلام به ثبات و قاطعیت عملی بر آیین خود در برابر کفار

قل يقوم اعمالوا علی مکانتکم إنی عامل فسوف تعلمون

جامعیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - فراگیری دستورات الهی ، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ، عبادی ، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- دین الهی ، ناظر بر همه شؤون زندگی و دربردارنده پیام های اجتماعی ، سیاسی و معنوی

أشداء علی الکفار رحماء بینهم ترهیم رکعاً سجداً

تعبیر <أشداء..> ترسیمگر خط سیاسی، <رحماء بینهم> بیانگر اخلاق اجتماعی و <تراهم رکعاً...> بیانگر روح معنوی جامعه اسلامی است.

جاودانگی دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پیامبر اکرم (ص) ، استمرار دهنده خط توحید ابراهیمی در جامعه بشری

و إذ قال إبراهيم .. بل متعت هؤلاء و ءاباءهم حتى جاءهم الحق و رسول مبين

جاهلان به تعاليم دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ -

۱۵ ناآگاهان به معارف الهی ، بی خبران واقعی و مردمی غفلت زده اند .

أولئك هم الغفلون

جایگاه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ - قلب و دل آدمی باید منشأ بروز حقایق و معارف الهی بوده و خاستگاه علم و حکمت باشد .

و إن من الحجارة لما يتفجر منه الأنهر و إن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

جرم اهانت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۶

۶ بازیچه قرار دادن ارزش های دینی ، حرام است .

ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أبالله و آياته و رسوله كنتم تستهزءون

جرم تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۴

۴ - انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إنّ المجرمين في ضلل و سعر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمين> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

کذلك نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمان>، همان <مکذبان> است که در این سوره یازده بار ذکر شده است و چون تکذیب گران، محکوم به هلاکت اند؛ بنابراین جرم آنان (تکذیب دین)، بزرگ و غیر قابل بخشش خواهد بود.

جرم دین سازی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی، جرم و گناهی بزرگ، و در پی دارنده عذاب الهی است.

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <فویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

جنگ با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۱،۲

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری در نبرد با دشمنان دین

یا یها الذین ءامنوا إذا لقیتم فئه فاثبتوا

<لقاء> مصدر <لقیتم> به معنای رو در رو شدن و برخورد کردن است و مراد از آن به مناسبت سیاق آیه، برخورد نظامی، یعنی پیکار و نبرد، می باشد.

۲ لزوم زیاد یاد کردن خدا به هنگام رویارویی با دشمنان دین و نبرد با آنان

إذا لقیتم فئه فاثبتوا و اذکروا الله کثیرا

<اذکروا الله> می تواند عطف بر <اثبتوا> باشد که در حقیقت جواب شرط <إذا لقیتم> خواهد بود. بر این مبنا مقصود، زیاد یاد کردن خدا به هنگام نبرد است. همچنین <اذکروا...> می تواند جمله مستانفه باشد. در این صورت زیاد یاد کردن خدا برنامه ای است برای تمامی مراحل زندگی که از مصادیق آن هنگام رویارویی با دشمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۳،۴

۳ پرهیز از نزاع و اختلاف به هنگام

رویارویی با دشمنان دین ، وظیفه ای ضروری بر عهده مجاهدان

و لاتنزعوا

۴ نزاع و اختلاف اهل ایمان موجب سست شدن آنان در پیکار با دشمنان دین

و لاتنزعوا ففتشلوا و تذهب ریحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ نبرد با دشمنان دین ، از مصادیق < سبیل الله > است .

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف إلیکم

سیاق آیه حکایت از آن دارد که از مصادیق < سبیل الله > جهاد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۳

۳ نابودی و ذلت دشمنان دین و چشیدن طعم پیروزی ، در گرو نبرد با آنان است .

قتلوهم یعذبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

جنگ با موهنان به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۹

۹ مسلمانان صدر اسلام ، موظف بودند در صورت مشاهده طعن و توهین به دین الهی از سوی معاهدان مشرک ، با ایشان به

پیکار برخیزند .

و إن نکثوا أیمنهم .. و طعنوا فی دینکم فقتلوا أئمه الکفر

جنیان و قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۹

۹ جنیان نیز نظیر انسانها ، مکلف به احکام الهی و موظف به پذیرش دین حَقَّند .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

جهاد با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۷،۳۱

۲۷ - استقامت

و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لكن البر من .. الصبرين في البأساء و الضراء حين البأس

۳۱ - مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقواییشان حقیقی هستند .

الصبرين .. حين البأس ... أولئك هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۴،۲۱

۱۴ - لزوم جهاد و پیکار بی امان با دشمنان دین و عدالت

و أنزلنا معهم الكتب و الميزان .. و أنزلنا الحديد

واژه <حدید> در آیه شریفه مجازاً در معنای جهاد و قتال به کار رفته است ، یعنی ، ما فرمان قتال با دشمنان را ، به همراه پیامبران نازل کردیم .

۲۱ - دین داران راستین ، کسانی اند که به یاری خدا برمی خیزند و با دشمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ينصره و رسله بالغيب

جهل به تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۴

۴ اطلاع ناقص از تعالیم الهی ، زمینه گمراهی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يشترون الضلالة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ نسبت دادن خوبی ها به خدا و بدی ها به پیامبر (ص) (ثنویت) ، نشانه دوری کامل از درک دقیق معارف الهی

فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا

مراد از <حديثا> به مناسبت مورد، معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری آن ، گناه و ستم بر خویشتن است .

ظالمی انفسهم .. قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها .. الا المستضعفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع الله عليها بكفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع الله> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸

۸ خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

يسئلك أهل الكتب .. لكن الرسخون في العلم منهم و المؤمنون

توصیف صالحان یهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

جهل معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۱

۱۱- روی گردانان از تکالیف و

تعهدات الهی ، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند .

و لا تشترُوا بعهد الله .. إنما عند الله هو خیر لكم إن کتتم تعلمون

حافظان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۴

۴ مؤمنان واقعی ، حافظان حرمت احکام دینی و اجتماعی صادر شده از سوی پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی

و جاء المعذرون .. لیؤذن لهم

برداشت فوق بر این مناست که <معذرون> به معنای کسانی باشد که دارای عذر موجه بوده و با این وصف سر خود ترک جهاد نکرده اند ؛ بلکه نزد پیامبر(ص) آمدند و عذر خویش را عرضه کردند تا رسماً اجازه دریافت کنند.

حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۳

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لا تكون فتنه و یكون الدین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۳

۳ - بهره‌وری انسان از مصنوعات خویش ، تنها در قلمرو قوانین فائق الهی بر نظام طبیعت

و له الجوار المنشات فی البحر

خداوند با تعبیر <له الجوار..> به انسان تذکر داده است که اگر بشر می تواند با ساخت وسایلی به بهره‌وری بیشتر از دریا پردازد، این چیزی است که در پرتو قوانین الهی حاکم بر ماده صورت می گیرد.

حاکمیت دین در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

يعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

حامی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۶ - ۵

۵ - مکتب حق در رویارویی با مخالفان ، همواره مورد حمایت خداوند بوده است .

انتقمنا منهم .. فجعلنهم سلفاً و مثلاً للأخیرین

حتمیت عذاب اخروی مخالفان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، نزدیک و گرفتاری ثروتمندان مخالف دین به آتش دوزخ ، حتمی است .

سیصلی

حرف <سین> در <سیصلی> در تهدید به کار رفته و بر حتمی بودن دلالت دارد (کشاف). در تفاوت <سین> و <سوف> گفته شده است: <سین> بر استقبال نزدیک دلالت دارد.

حتمیت کیفر اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۷

۷- صحنه های هول انگیز قیامت و مجازات دین ستیزان ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

اقتربت الساعة . . . و کذبوا ... و کلّ امر مستقرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که > و کلّ امر

مستقرّ > در ارتباط با <اقتربت الساعة> باشد و نظر به تکذیب گران پیامبر(ص) داشته باشد که قیامت نزدیک شده و تهدیدهای الهی در مورد آنان محقق خواهد شد.

حتمیت کیفر تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۹

۹ کفر و تکذیب دین ، دارای کیفر و پیامد قطعی و اجتناب ناپذیر است .

فقد کذبتم فسوف یکون لزاماً

حتمیت کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لفسفًا بالناصیه

<لام> در <لئن...> لام قسم است.

حج در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۴

۴ - حج ، یادگاری از شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و أذن فی الناس بالحجّ

حرمت بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ بازیچه قرار دادن ارزش های دینی ، حرام است .

ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أبالله و آيته و رسوله كنتم تستهزءون

حرمت دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۳

۳ - ارائه و نشر افکار خود به عنوان کتاب آسمانی ، دارای حرمتی شدیدتر نسبت به تحریر و نوشتن آن

ثم يقولون هذا من عند الله

جمله <فویل للذین . . . > بیانگر حرمت نوشتن بافته های خویش به

عنوان کتاب آسمانی است و جمله <يقولون...> بیانگر حرمت نشر و ارائه آنهاست. از آن جا که جمله دوم با حرف <ثم> آمده و <ثم> در این جا برای تراخی رتبه ای است نه زمانی، دلالت می کند که: حرمت نشر و ارائه، از حرمت اصل کتابت شدیدتر است.

حرمت دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۹

۱۹ حرمت سوداگری با آیات الهی

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۵

۳۵ حرمت سوداگری با آیات الهی و احکام دین

ولا تشتروا بایتی ثمناً قليلاً

حرمت غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۴

۴ حرمت غلو در دین ، و لزوم کنترل احساسات مذهبی

يا اهل الكتب لا تغلوا في دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۳

۳ غلو در دین (آمیختن معارف الهی به گزافه هایی باطل) امری نکوهیده و حرام

لا تغلوا في دينكم

حسابرسی از تجزیه کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربک لنسئلهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسئلهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت

فوق بنا بر هر دو احتمال است.

حقانیت تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۴

۲۴ احکام قضایی و قوانین الهی ، عادلانه و به دور از هرگونه ستم

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ خداوند آگاه کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلى ربکم مرجعکم فینبئکم

۱۱ قیامت روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

حقانیت تعالیم دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ نکوهش خداوند

از اهل کتاب به خاطر ترک اندیشه و تعقل در حقانیت دین و احکام و شعایر آن

ذلك بانهم قوم لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۵

۵- دستور های الهی ، حقایقی است مبتنی بر علم و آگاهی خداوند به نیاز های تربیتی بشر

ذلك ممّا أوحى إليك ربك من الحكمة

<حکمت> وقتی به خداوند نسبت داده شود، به معنای معرفت او به اشیا و به وجود آوردن آنها در نهایت اتقان است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۶ - ۹

۹- معارف و احکام ارائه شده به پیامبران ، سراسر حق است .

و ما نرسل المرسلین . . . و یجدل ... لیدحضوا به الحقّ

توصیف برنامه پیامبران و بشارت و انذار آنان به <الحقّ> گویای آن است که آنچه آنان می گویند، همه، از حقایق و تطبیق با واقعیت های هستی برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۵

۵ - بنیان دین ، نهاده شده بر شالوده حق و نه تمایلات هوس آلود کافران

و اکثرهم للحقّ کرهون . و لو اتبع الحقّ أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳

۳- کتاب تشریح و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی

خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتابِ تشریح با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۴

۴- قوانین حق شریعت ، تبلور هدایت الهی نسبت به خلق

أرسل ... بالهدی و دین الحقّ

عطف <دین الحقّ> بر <الهدی> ممکن است عطف تفسیری باشد.

حقانیت دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۵،۷

۵ - آیین ابراهیم ، آیینی نیکو و منزّه از هر گونه شائبه باطل و ناهنجار

إن الله اصطفى لكم الدين

<اصطفاء> به معنای گزینش صفوه (خالص و نیکوی) هر چیزی است. <ال> در <الدين> عهد ذکر و اشاره به آیین ابراهیم دارد.

۷ - منزّه بودن آیین ابراهیم از هر گونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها إبرهیم بینی إن الله اصطفى لكم الدين فلاتموتن

تفریع جمله <لاتموتن ...> بر <إن الله ...> به وسیله حرف <فاء> گویای برداشت فوق است.

حقانیت دین محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱

۱- خداوند ، فرستنده رسول خویش (محمد (ص)) ، با دو ارمغانِ هدایت و دین حق

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

حقیقت تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۶

۶ - روح تبلیغ دین ، تبیین حق برای مردم است ؛ نه اکراه

ایشان به ایمان .

و ما أنت عليهم بوكيل

حقیقت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۴،۱۲

۴ روح دین ، تسلیم شدن در برابر خداست .

انّ الدّین عند الله الاسلام

۱۲ اختلاف انگیزی در دین ، پس از درک حقیقت آن ، کفر است .

و ما اختلف . . . و من یکفر بایات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۵

۵ محور آیین پیامبر (ص) ، تسلیم در برابر خداوند

فقل اسلمت وجهی . . . ءاسلمتم فان اسلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ تبعیت از پیامبر (ص) ، در نیکوکاری ، تقوا ، تواضع و خضوع ، موجب جلب محبت خداوند

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله

رسول خدا (ص) درباره آیه فوق فرمود: علی البرّ و التقوی و التواضع و ذلّه النفس .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۶

۶ ایمان و عمل صالح ، حقیقت پیروی از رسول الهی (عیسی (ع))

و اتبعنا الرسول .. جاعل الذین اتبعوک ... و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ تسلیم در برابر خدا ، روح ادیان الهی

فقولوا اشهدوا بانا مسلمون

از تمام دستورات گذشته (عبادت خدا، نفی

شرک و ...) تعبیر به تسلیم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۰ - ۷

۷ توحید و تسلیم در برابر خداوند ، روح دعوت انبیا

و لا یأمرکم ان تتخذوا .. ایأمرکم بالكفر بعد اذ انتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۲،۶

۲ عمل نمودن به میثاق الهی (ایمان به پیامبران و یاری کردن آنان) ، دین خداوند است .

و اذ اخذ الله میثاق .. افغیر دین الله یبغون

۶ تسلیم در برابر خداوند ، حقیقت دین

افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۱۵

۱۵ تسلیم ، روح دین خداوند (شریعت اسلام)

و نحن له مسلمون

گویا جمله <و نحن له مسلمون>، خلاصه ای از مطالب گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۴ - ۵

۵ - تقوا ، روح دیانت الهی و ارزشمندترین ارزش ها

إذ قال لقومه ألا تتقون

یاد کرد تقوا، به عنوان نخستین پیام الیاس (ع) به مردم خود، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۳

۳ - ارائه حق ، گوهر و قلمرو اصلی دین الهی

فلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ

مقصود از <حَقٌّ> در آیه شریفه، دین و پیام الهی است. این تعبیر گویای مطلب یاد شده است.

حمایت از دین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۴

۴ - حمایت خداوند از مکتب حق ، وابسته به حیات پیامبران و رهبران الهی نیست .

فَاِذَا نَدَّهْبْنَ بِكَ فَاِنَّا مِنْهُمْ مِّنْقَمُونَ

خداوند می فرماید: حتی در صورت رحلت پیامبر(ص) ما انتقام خویش را از مخالفان خواهیم گرفت. از این نکته حمایت مستمر او از آیین حق استفاده می شود.

خاستگاه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۲

۲۲ هر امتی برخوردار از شریعت و آیینی خاص از جانب خداوند

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَ مَنَاجَاً

<شرعه> به معنای طریقی است که به آب منتهی می شود و مراد از آن دین و آیین است، چون آدمی را به کمال و حیات واقعی راهنمایی می کند قابل ذکر است که در برداشت فوق مخاطب <منکم>، همه انسانها دانسته شده است.

خطر التقاط در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ معارف و حقایق الهی همواره در خطر مشوب شدن و آمیخته گشتن به اموری باطل است .

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ .. فَاحْتَمَلَ السَّيْلَ زَبَدًا رَابِيًا وَ مِمَّا يُوقَدُونَ ... زَبَدٌ مِّثْلَهُ

خطر بدفهمی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸- دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند

با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

خطر تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸ - دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

خطر دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۶

۳۶ مسؤولان قضایی و عالمان دینی ، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لا تشتروا بایتی ثمناً قليلاً

خوش اخلاقی مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری از منش و خلق و خوی والا ، از شرایط مبلغان دینی و رهبران جامعه اسلامی

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ

خیانت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله .. أنما أموالكم و أولدکم فتنه و أن الله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل

۶ کافران

جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله علیم حکیم

خیرخواهی برای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۳، ۱۰، ۹

۹ لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (ص) و رهبر الهی

إذا نصحوا لله ورسوله

۱۰ خیرخواهی برای دین و رهبر الهی ، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

برداشت فوق بدان دلیل است که جهاد در موارد ضعف، بیماری و تهیدستی ساقط می شود ولی <نصح> (خیرخواهی) ساقط نمی شود.

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین كفروا منهم عذاب أليم .. ما علی المحسنین من سبیل

خیریت تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۴

۴ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی ، از تعالیم شعیب (ع

(به مردم خویش

يقوم . . . بقیت الله خير لكم

خيریت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۴

۴- دین برای بشر ، خیر محض است .

وقیل للذین اتقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیرًا

از آن جایی که محتوای وحی و قرآن که خیر محضند دین است، استفاده می شود که دین نیز خیر است.

درک تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۲،۳

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کنند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

دروغگویی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۱

۱ - نهی کنندگان از نماز و تکذیب گران دین ، مردمی خطاکار و دروغ گویند .

ینهی . . . کذب ... ناصیه کذبہ خاطئه

دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۷

۷ دشمنی برخی از اهل کتاب (یهود)

، با اسلام و مسلمین

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الكتاب یردوکم بعد ایمانکم ک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲۷، ۲۵، ۲۳

۲۳ پاسداری جامعه ایمانی از خطر نفوذ بیگانگان و دشمنان دین ، وظیفه و مسؤولیت همه اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم

به نظر می رسد هدف از دستور خداوند مبنی بر اینکه کافران را محرم اسرار قرار ندهید، جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه اسلامی باشد.

۲۵ افشاگری دسیسه و توطئه بیگانگان و دشمنان دین ، از آیات الهی است .

قد بدت البغضاء من افواههم .. قد بیننا لکم الایات

۲۷ تعقل و اندیشه جامعه ایمانی ، ابزار شناسایی دشمنان دین و زمینه ساز پرهیز از توطئه های آنان

یا ایها الذین امنوا .. قد بدت البغضاء من افواههم ... ان کنتم تعقلون

بنابر اینکه <ان کنتم تعقلون>، شرطی برای تمام مطالب ذکر شده در آیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۰

۱۰ بروز شدت کینه و خشم دشمنان دین نسبت به مؤمنان ، در گزیدن سر انگشتان خویش

عَصُوا عَلَیْکُم الْأَنَامِلَ مِنَ الْغِیْظِ

۱۵ ایمان جامعه اسلامی ، مورد خشم و کینه دشمنان دین

و تَوَمَّنُونَ بِالْکُتُبِ کُلِّهِ ... و اذا خلوا عَصُوا عَلَیْکُم الْأَنَامِلَ مِنَ الْغِیْظِ

۱۶ نفرین پیامبر (ص) برای نابودی دشمنان خشمگین دین و جامعه ایمانی

قل موتوا بغيظكم

۱۷ عنایت خاص خداوند ، بر حفظ سلامت جامعه ایمانی از گزند دشمنان دین

وَدَّوَا مَا عَنَّتُمْ قَدْ بَدَت

البغضاء .. و اذا خلوا عَضُوا عليكم الانامل من الغيظ قل مو

افشای کینه ها و دشمنیهای کافران و ارائه راه حل برای مقابله با توطئه آنها، نشانه عنایت ویژه خداوند به مؤمنان است.

۱۹ علم و آگاهی همه جانبه خداوند ، به خشم و کینه ای که دشمنان دین ، از اسلام و جامعه ایمانی به دل دارند .

عضواً عليكم الانامل من الغيظ .. ان الله عليم بذات الصدور

۲۲ هشدار خداوند به دشمنان دین ، نسبت به عواقب توطئه های ایشان علیه جامعه اسلامی

و اذا خلوا عَضُوا عليكم .. ان الله عليم بذات الصدور

جمله <ان الله .. > پس از جمله <و اذا خلوا ... > در حقیقت هشدار است به کافران که نپندارند اگر در خفا علیه مسلمانان کینه توزی و توطئه می کنند، خداوند آگاه به آن نیست؛ چرا که خداوند نه تنها به جلسات مخفی آنان آگاه است، بلکه به درون سینه های آنان که مخفیتر از جلسات سری آنان است، نیز دانا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۱،۲،۴،۸

۱ ناخشنودی دشمنان دین ، حتی از اندک خیر و خوشایندی برای مؤمنان

ان تمسککم حسنه تسؤهم

۲ خشنودی دشمنان دین از گرفتاری اهل ایمان ، به حوادث بد و ناگوار

و ان تصبکُم سيئه يفرحوا بها

۴ افشای بدخواهی های دشمنان دین نسبت به مسلمانان ، از جانب خداوند

ان تمسککم حسنه تسؤهم

۸ صبر و پایداری در برابر ناگواری های ناشی از قطع رابطه دوستی با دشمنان دین ، عامل مصون ماندن جامعه ایمانی از

لا تتخذوا بطنه من دونکم ... و ان تصبروا و تتقوا لایضركم کیدهم شیئاً

در برداشت فوق، متعلق <تقوا> به قرینه صدر آیه، پرهیز از دوستی با دشمنان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۷

۱۷ هراس و سستی در رویارویی با دشمنان دین و عدم اتکا و توکل بر خداوند، نشانه بی تقوایی *

اذ همت طائفتان منکم ان تفشلا .. فاتقوا الله لعلکم تشکرون

جمله <فاتقوا الله>، می تواند تفریح برای تمامی مطالب سابق باشد؛ یعنی از سستی در جنگ و بی اعتقادی به ولایت خداوند و عدم توکل بر او برحذر باشید که با تقوای الهی سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲ محرومیت از امداد های ویژه الهی در رویارویی با دشمنان دین، پیامد بی صبری و بی تقوایی

ان تصبروا و تتقوا .. یمدکم ربکم بخسمة الالف من الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲۲

۲۲ بی ایمانی و سستی در رویارویی با دشمنان دین، موجب محرومیت از محبت الهی

و لاتهنوا .. و لیعلم الله الذین امنوا ... و الله لایحب الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱،۲،۹

۱ پذیرفته شدن دعای همزمان انبیای گذشته، در پیکار با دشمنان دین

فاتيهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره

<ثواب الدنيا>، می تواند اشاره

به پیروزی مجاهدان باشد که با جمله <و انصرنا علی القوم الکافرین> درخواست شده بود. و <ثواب الاخره>، حکایت از برآورده شدن خواسته دیگر آنان دارد که با جمله <و اغفرلنا ذنوبنا>، درخواست شده بود. زیرا ثواب آخرت در گرو آمرزش گناهان است.

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

رَبَّنَا .. و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین . فاتیمهم الله ثواب الدنیا

۹ پیروزی بر دشمنان دین ، تنها از جانب خداست ؛ گر چه تمامی عوامل طبیعی آن فراهم باشد .

قال معه ربیون کثیر فما وهنوا .. فاتیمهم الله ثواب الدنیا

در آیه شریفه به کلّیه عوامل پیروزی و نیز استقامت و پایمردی نیروها (فما وهنوا ..) اشاره شده است ؛ ولی در عین حال خداوند پیروزی مجاهدان را عطایی از جانب خویش می شمارد. (فاتیمهم الله).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۹

۹ گریز از میدان کارزار با دشمنان دین ، لغزشی شیطانی

انّ الذین تولّوا .. انما استزلّهم الشیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۸،۱۳

۸ پیکار با دشمنان دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل الله او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ... >،

ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

۱۳ سرباز زدن از حضور در پیکار با دشمنان دین و دفاع از کیان اسلامی ، از نشانه های نفاق

و ليعلم الذين نافقوا .. لو نعلم قتالاً لاتبعناكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۲

۱۲ نیاز میرم پیامبر (ص) به نیرو های مجاهد برای مقابله با دشمن ، پس از نبرد احد

الذين استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع

فراخوانی نیروهای مجروح جنگ احد برای نبردی دیگر، چنانچه در شأن نزول آمده است، حکایت از نیاز مبرم به نیروهای مجاهد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۷،۱۰

۷ اجتماع دشمنان دین برای نبرد با مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص) ، موجب افزایش ایمان و اعتقاد آنان به حَقانیت راهشان می گردد .

الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم .. فزادهم ايماناً

مراد از ضمیر فاعلی در <زادهم>، اجتماع دشمنان است که از <ان الناس قد جمعوا لكم> استفاده می شود. یعنی اجتماع مشرکان برای نبرد، باعث افزونی ایمان پیروان خدا و رسول شد.

۱۰ لزوم توکل به خداوند در مقابله با دشمنان مهاجم

و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل

بر شمردن صفات پسندیده مجاهدان حقیقی و تمجید آنان از سوی خداوند، برای ترغیب دیگر مؤمنان به داشتن و تحصیل چنین حالات و صفات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ لشگریان کفر و شرک و دشمنان اسلام، دوستان شیطانند.

انَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ .. انَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

برداشت فوق بر این اساس است که <كُم> از <يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ> حذف شده باشد، یعنی <يُخَوِّفُكُمْ أَوْلِيَاءَهُ>.

۱۲ مؤمنان نباید از دشمنان دین هر چند لشگری انبوه باشند هراسناک شوند.

انَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ .. فَلَا تَخَافُوهُمْ

۱۷ شجاعت و شهامت در برابر دشمنان دین، از نشانه های ایمان و ویژگی مؤمنان

فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا انْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۱۸ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به رویارویی و جهاد با دشمنان دین

انَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ .. فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا انْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

جمله <اگر ایمان داری از دشمنان دین نهراسید>، خطاب به کسانی است که مدعی ایمان هستند و به هدف ترغیب آنان به رویارویی با دشمن ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۲

۱۲ شناخت سنن الهی و توجه به تدبیر وی درباره مخالفان اسلام، موجب رفع اندوه از عملکرد آنان

و لا يحزنك .. يرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

جمله <یرید الله ..>، دال بر سنت الهی در محروم کردن کافران از بهره های اخروی است و خداوند با شناساندن این سنت خویش، پیامبر (ص) را از غم و اندوه بازداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۴

۴ مهاجمان به آیین و فرهنگ جامعه ایمانی، دشمنان واقعی مسلمانان

و يريدون ان تصلوا السبيل.

و الله اعلم باعدائكم

خداوند از آن جهت عالمان یهود را دشمن مسلمانان معرفی می کند که آنان در پی گمراهی مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۷،۱۶

۱۷ اذعان به مالکیت خدا بر زمین و نفوذ مشیت او ، زمینه ساز مقاومت در برابر دشمنان دین است .

استعينوا بالله و اصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء

۱۶ ایمان به حاکمیت خدا بر زمین ، صبر در برابر دشمنان دین و استعانت از خدا ، جلوه هایی از تقوایبشگی است .

و العقبه للمتقين

از بشارت ضمنی موسی(ع) به حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به شرط استعانت از خدا و پیشه کردن صبر و سپس بیان این حقیقت که <حاکمیت سرانجام از آن تقوایبشگان است> ، معلوم می شود شرایط ذکر شده جلوه هایی بارز از تقوایبشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۳

۳ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

جمله <فاعلموا ... > علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۳

۳ به کارگیری خانه خدا علیه دین خدا ، توسط منافقان

و الذین اتخذوا مسجداً .. إرصاداً لمن حارب الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ امت های پیشین علیه پیامبران و برنامه های الهی ، توطئه می کردند و برای مقابله با آنها به مکر و حيله می پرداختند .

و قد مکر الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۲،۳،۴

۲- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للكفرین ... الذین ... و یصدون عن سبیل الله

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للكفرین ... الذین ... و یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً

۴- کافران ، در پی یافتن عیب و نقص در تعالیم الهی و اثبات نادرستی آنها هستند .

للكفرین ... و یبغونها عوجاً

عبارت <یبغونها عوجاً> (راه خدا را کج می خواهند) می تواند به این معنا باشد که کافران، در پی این بودند که در تعالیم آسمانی اعوجاج و نقصی بیابند و آن را برملا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۳

۳- اقوام کافر ، نه تنها تعالیم انبیا را نپذیرفتند ؛ بلکه تحمل دینداری خود آنان را نیز نداشتند .

و قال الذین کفروا لرسلم لَنُخْرِجَنَّکُم مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَنُعَوِّدَنَّ فِی مَلَّتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۶ - ۵

۵ - مکتب حق در رویارویی با مخالفان ، همواره مورد حمایت خداوند بوده است .

انتقمنا منهم .. فجعلناهم سلفاً و مثلاً للأخرين

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۳

۳ بیمار دلان منافق ، دارای کینه های عمیق نسبت به دین و مؤمنان

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَنَهُمْ

<أضغان>، (جمع <ضغن>) به معنای کینه های شدید و عمیق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۷

۱۷ دنیا طلبی و دلدادگی به مادیات ، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمنان دین

حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَ... مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۷

۱۷ نوید خداوند به حمایت از مسلمانان در برابر دشمنان دین با فراهم آوردن پیروزی با امداد های غیبی برای آنان

فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَّ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

دشمنان دین در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۵

۵- تکرار تاریخ در برخورد دشمنان ادیان ، با ادیان

كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

دشمنان دین و معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ انکار نفوذ آموزه های قرآن در میان دل و جان مردم ، از ترفند های منافقان و دشمنان دین

و إذا ما أنزلت سورة فمنهم من يقول أئیکم زادته هذه إیماناً

استفهام در جمله <أئیکم زادته .. > استفهام انکاری و بیانگر نفی تأثیر گذاری آیات قرآن در دل و جان اهل ایمان است. قابل ذکر است که ضمیر <منهم> به منافقان برمی گردد.

دشمنان دین و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۱

۳۱ خداوند ، حامی مؤمنان ، در برابر توطئه های یهودیان و دشمنان دین

كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

دشمنان علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- مشرکانی که قرآن را اسطوره می خوانند و کسانی که علیه دین الهی توطئه می کنند ، با علمای دین برخورد تحقیر آمیز و خوار کننده دارند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . . . قد مكر الذين من قبلهم ...

حضور عالمان در قیامت هنگام مؤاخذه مشرکان و اعلام این نکته از آنان که: خواری و بدی روز قیامت برای کافران است، می تواند حکایت کننده این نکته باشد که: آنان در دنیا، مورد برخورد اهانت آمیز افراد یاد شده قرار گرفته بوده اند. لازم به ذکر است که مراد از <أوتوا العلم> به تناسب موضوع (قرآن و تعالیم ادیان آسمانی)، می تواند علمای دین باشد.

دشمنی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۳

۲۳ پرستش غیر خدا ، دشمنی با دین و رسولان الهی است .

فلا تشمت بی الأعداء

مراد از <الأعداء> پرستشگران غیر خدا هستند و هارون آنان را دشمنان دین و رسالت دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - دشمنی بی دلیل با دین خدا و کتاب های آسمانی ، بدترین نوع گمراهی

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

مصاداق مورد

نظر در آیه، هواپرستانی اند که با قرآن و تورات به مبارزه برخاسته و بدون دلیل آنها را به سحر متهم ساختند.

دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما أنا بطارد الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) ، تنها مأمور فراخواندن مردم به راه خدا و دین الهی بود و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش آن .

و ما أرسلنك إلا مبشراً و نذيراً .. إلا من شاء أن يتخذ إلى ربّه سبيلاً

از این که خداوند در آیه قبل رسالت پیامبر(ص) را، منحصر به انذار و بشارت دانست و در آیه مورد بحث، انسان را در انتخاب راه الهی آزاد گذاشت، می توان استفاده کرد که پیامبر(ص) حق نداشت مردم را به پذیرش دین مجبور کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۰،۱۰

۱ - در صورت دعوت از مجادله گران درباره خدا برای پیروی از تعالیم آسمانی ، آنان ، خود را پیرو آیین نیاکان شان معرفی می کنند .

الناس من يجدل في الله بغير علم .. و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا

۱۰ - پاسخ منفی دادن به فراخوان عمل به تعالیم دین آسمانی ، به بهانه پیروی از آیین نیاکان ، جاهلانه و مجادله ای بدون دلیل است

و من الناس من يجدل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتب منير . و إذا قيل لهم ا

دفاع از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - سنت الهی در حفظ شریعت و دیانت ، از طریق دفاع و مجاهدت های مردمان

و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض . . . و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - شتاب در کار خیر و در دفاع از دین و مبلغان دینی ، کاری است شایسته و بایسته .

و جاء من أقصا المدينة رجل يسعى قال يقوم أتبعوا المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۴

۴ - دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم ، از حيله ها و نیرنگ های صاحبان زر و زور ، برای مبارزه با دعوت توحیدی

نوح (ع)

و قالوا لاتذرنا الهتكم و لاتذرنا ودا . . . و نسرًا

دفاع از مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - شتاب در کار خیر و در دفاع از دین و مبلغان دینی ، کاری است شایسته و بایسته .

و جاء من أقصا المدينة رجل يسعى قال يقوم أتبعوا المرسلين

دفع توطئه دشمنان دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۸

۸ آگاهی خداوند به عملکرد و دستاورد انسانها ، زمینه ساز اقتدار

او بر خنثی کردن مکرها و توطئه های ایشان علیه پیامبران و برنامه های الهی

فَللّٰهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ

جمله <...> به منزله تعلیلی است برای <فَللّٰهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا> و اشاره به ریشه و خاستگاه این حقیقت دارد که مکرها و توطئه های کافران علیه برنامه های الهی بی اثر است و همه برنامه ها در اختیار خداوند است؛ یعنی، چون خداوند از اعمال و رفتار انسانها آگاه است، مکر و نقشه های ایشان بر او مخفی نمی ماند و لذا به خوبی می تواند آنها را خنثی سازد.

دفع مکر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۸

۸ آگاهی خداوند به عملکرد و دستاورد انسانها، زمینه ساز اقتدار او بر خنثی کردن مکرها و توطئه های ایشان علیه پیامبران و برنامه های الهی

فَللّٰهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ

جمله <...> به منزله تعلیلی است برای <فَللّٰهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا> و اشاره به ریشه و خاستگاه این حقیقت دارد که مکرها و توطئه های کافران علیه برنامه های الهی بی اثر است و همه برنامه ها در اختیار خداوند است؛ یعنی، چون خداوند از اعمال و رفتار انسانها آگاه است، مکر و نقشه های ایشان بر او مخفی نمی ماند و لذا به خوبی می تواند آنها را خنثی سازد.

دلایل اختیار در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۹ - ۵

۵ ایمان نیاوردن گروه های بسیاری از انسان ها، نشان آزادی

آدمیان و مجبور نبودنشان از سوی خداوند در پذیرش دین الهی است .

و لو شاء ربك لآمن من في الأرض كلهم جميعاً

دلایل اهمیت تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۶

۶ - سرآمد بودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن ، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است .

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

دلایل حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - کتاب های آسمانی ، حاوی احکام و معارف دینی و در بردارنده دلایلی روشن بر حقانیت آنها

ما أنزلنا من البينت و الهدى من بعد ما بينه للناس في الكتب

۲ - خداوند ، احکام و معارف دینی و دلایل حقانیت آنها را نازل کرده و در کتاب های آسمانی بیان داشته است .

ما أنزلنا من البينت و الهدى من بعد ما بينه للناس في الكتب

<هدی> به معنای هدایت کننده است و مقصود از آن در آیه شریفه احکام و معارف دین می باشد. <بینات> به معنای دلایل روشن است و مراد از آن در آیه، دلایل و براهینی است که برای معارف و احکام دینی ایراد شده است.

دلداری به حامیان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۵

۵ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) و حامیان دین ، در قبال توطئه گران

فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ

کافران، علیه دین و پیامبر (ص) توطئه می کنند؛ ولی خداوند اطمینان داده است که تنها اشخاصی که در این

میان ضرر می کنند، خود کافران اند نه پیامبر(ص) و مؤمنان.

دنیاطلبی علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۹

۹ - دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب و يشترُونَ به ثمنًا قليلًا .. لهم عذاب الی

دنیاطلبی کتمان کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

دوستی با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲۰

۲۰ - داشتن روابط سرّی و دوستانه با دشمنان دین ، رفتن به بیراهه و حرکتی بی فرجام است .

و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۱

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

يأيتها الذين آمنوا لا تتخذوا .. أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

دين ابراهيم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ١٣٥ - ١١، ١٠

١٠ - آيين ابراهيم ، پايه و اساس دين اسلام است .

قل بل مله إبراهيم حنيفاً

١١ - ابراهيم (ع) ، نه بر آيين يهود و نه

بر آیین نصارا .

قالوا كونوا هوداً أو نصری تهتدوا قل بل مله إبرهیم حنیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۴

۱۴ - آیین ابراهیم ، پایه و اساس همه ادیان الهی

مله إبرهیم حنیفاً .. قولوا ءامنا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم .

جمله <بل مله إبرهیم ..> بیان می دارد که تنها آیین بایسته پذیرش، آیین ابراهیم است و آیه مورد بحث ایمان به همه پیامبران و کتابها، معارف و احکام نازل شده بر آنان را ضروری دانسته است. مقایسه این دو معنا نشان می دهد که اساس همه ادیان پس از ابرهیم(ع)، همان آیین ابراهیم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۵

۵ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب (ع) و نوادگان او ، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون .. کانوا هوداً أو نصری

جمله <أم تقولون ..> در بردارنده استفهام انکاری توییخی است یعنی، چنین پنداری هست ولی پنداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۷، ۳، ۲

۲ محاجه یهود و نصارا درباره آیین ابراهیم (ع)

یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم

از جمله <و ما انزلت ..> معلوم می شود محاجّه و نزاع، درباره آیین ابراهیم بوده است.

۳ نصارا ، ابراهیم (ع) را نصرانی و یهودیان ، او را یهودی

می پنداشتند .

لم تحاجون فی ابرهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل

۷ نزول تورات و انجیل پس از ابراهیم (ع) ، دلیل بطلان ادعای یهودی یا نصرانی بودن آن حضرت

یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل الا من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۵،۶

۵ آگاهی کامل خداوند از آیینی که حضرت ابراهیم (ع) بدان متدین بود .

و الله يعلم و انتم لا تعلمون

۶ جهل اهل کتاب به آیینی که حضرت ابراهیم (ع) بدان متدین بود .

و الله يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۱۰،۷،۶،۴،۳،۲،۱

۱ ابراهیم (ع) ، نه یهودی بود ، نه نصرانی .

ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

۲ یهود ، مدعی یهودیت ابراهیم (ع) و نصارا ، مدعی نصرانیت او بودند .

یا اهل الکتاب .. ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

۳ ادعای یهودیت ابراهیم (ع) ، حجت یهود بر حقایق خویش در مقابل نصارا *

یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم .. ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

۴ ادعای مسیحیت ابراهیم (ع) ، حجت نصارا برای حقایق خویش در مقابل یهودیان *

یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم .. ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

۶ ابراهیم (ع)، حنیف (گرویده به حق) و تسلیم در برابر

خداوند بود .

و لکن کان حنیفاً مسلماً

۷ ابراهیم (ع) ، هرگز مشرک نبود .

و ما کان من المشرکین

۱۰ ابراهیم (ع) بر آیین محمّد (ص)

و لکن کان حنیفاً مسلماً

امیرالمؤمنین (ع) درباره <و لکن کان حنیفاً مسلماً> می فرماید: کان علی دین محمّد (ص).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۶۰؛ بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۱، ح ۲۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۴

۴ بیگانگی یهود و نصارا از آیین حضرت ابراهیم (ع) (تسلیم بودن در برابر خدا)

انّ اولی الناس بابرهیم للذین اتّبعوه

جمله <ان اولی .. >، تعریضی است به یهود و نصارا که چنین نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۲،۴

۲ دعوت خداوند از مردم ، برای پیروی از آیین ابراهیم (ع)

فاتّبعوا ملّه ابراهیم حنیفاً

۴ حلیت کلیه خوردنی ها در آیین ابراهیم (ع)

کلّ الطّعام کان حلالاً لبنی اسرائیل .. فاتّبعوا ملّه ابراهیم

بنابراینکه استثناء در <الّا ما حرّم> استثناء منقطع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۲

۲ کفر اهل کتاب به آیات الهی (انکار حلیّت خوردنی ها قبل از نزول تورات در آیین ابراهیم و انکار تقدّم تاریخی بنای کعبه
(

کل الطعام .. قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات الله

مراد از <ایات الله>، مضامینی است که در آیه های قبل بیان شد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۹

۹ آیین اسلام، آیین ابراهیم است.

دینا قیما مله ابرهیم

<مله ابراهیم> بدل برای <دینا قیما> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۰ - ۸

۸- <عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > **إن إبراهيم كان أمه قانتاً لله حنيفاً** < : و ذلك انه على دين لم يكن عليه أحد غيره فكان أمه واحده و أما > **قانتاً** < فالمطيع و أما الحنيف فالمسلم ... >

از امام باقر(ع) در باره سخن خدا <إن ابراهیم کان أمه قانتاً لله حنیفاً> روایت شده است: امت بودن ابراهیم(ع) به خاطر آن است که او بر دینی بود که هیچ کس غیر او بر آن دین نبود و اما <قانتاً> به معنای مطیع است و اما حنیف به معنای مسلم می باشد. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۸

۸- داشتن اندیشه و آیین درست و بی انحراف (توحیدی)، ویژگی اصلی و برجسته حضرت ابراهیم (ع) بود.

مله ابرهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

از اینکه خداوند از میان اوصاف چهارگانه ای که برای ابراهیم(ع) در آیات پیش بیان داشت، وصف <حنیف> را ملاک پیروی پیامبر(ص) از ایشان قرار داد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۳

۳ - تداوم خط فکری و مکتبی نوح (ع)، از سوی ابراهیم

(ع) و اشتراك دين آنان در اصول و مباني

و إنّ من شيعته لإبراهيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۴،۱۳

۴ - نوح ، ابراهيم ، موسى ، عيسى (ع) و پیامبر اسلام (ص) ، پیامبران اولوالعزم و دارای شريعت

شرع لكم من الدين ما وصّى به نوحًا .. و موسى و عيسى

۱۳ - شرايع آسماني ، منحصر در شريعت نوح ، ابراهيم ، موسى ، عيسى (ع) و پیامبر اکرم (ص) است .

شرع لكم من الدين ما وصّى به نوحًا .. و عيسى

از اين كه خداوند به يادآوری شريعت های ياد شده بسنده نموده، برداشت بالا به دست می آيد.

دين ابراهيم(ع) و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۸

۸ پیامبر اکرم (ص) از ابراهيم (ع) و ابراهيم (ع) از پیامبر (ص) و دين و سنت پیامبر (ص) همان دين و سنت ابراهيم (ع)
(

ذريّه بعضها من بعض

رسول الله (ص): .. لأئني من ابراهيم و ابراهيم مني، دينه ديني و سنته سنتي و انا افضل منه، و فضلي من فضله و فضله من فضلي و تصديق قولي قول ربي <ذريه بعضها من بعض>.

محاسن برقي، ج ۱، ص ۱۵۲ / ح ۷۴ / تفسير عياشي، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۳۳.

دين اسباط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ١٤٠ - ٥

٥ - ابراهيم

، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب (ع) و نوادگان او ، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون .. كانوا هوداً أو نصری

جمله <أم تقولون ..> در بردارنده استفهام انکاری توییخی است؛ یعنی، چنین پنداری هست ولی پنداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

دین استوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۵

۵ - دین فطری ، دینی ثابت و استوار است .

فأقم وجهك للدين القيم حيناً فطرت الله التي .. فأقم وجهك للدين القيم

<ال> در <الدين> در این آیه، ممکن است عهد بوده و اشاره به دینی داشته باشد که در آیه سی همین سوره از آن سخن گفته شده است. بنابراین <القيم> صفت دین فطری می شود.

دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۵

۵ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب (ع) و نوادگان او ، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون .. كانوا هوداً أو نصری

جمله <أم تقولون ..> در بردارنده استفهام انکاری توییخی است؛ یعنی، چنین پنداری هست ولی پنداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبعت مله ءاباءى إبراهيم و إسحق و يعقوب

دين اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: > ان الحنیفه هی الاسلام ;

[آیین] حنیف، همان آیین اسلام است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۳

۳ دین اسلام ، > سبیل الله < است .

لم تصدّون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۴

۳۴ اسلام ، نام رسمی دین خاتم پیامبران

و رضیت لکم الاسلام دیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۹

۹ آیین اسلام، آیین ابراهیم است.

دینا قیما مله ابرهیم

>مله ابراهیم< بدل برای >دینا قیما< است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۲ - ۳

۳ - اسلام ، تنها دین قابل انتساب به خداوند است .

دین الله

دین اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۵

۵ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب (ع) و نوادگان او ، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون ... كانوا هوداً أو نصری

جمله <أم تقولون ...> در بردارنده استفهام انکاری توییخی است، یعنی، چنین پنداری هست ولی پنداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

دین امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۲،۲۵

۲۲ هر امتی برخوردار از شریعت و

آیینی خاص از جانب خداوند

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

<شرعه> به معنای طریقی است که به آب منتهی می شود و مراد از آن دین و آیین است، چون آدمی را به کمال و حیات واقعی راهنمایی می کند قابل ذکر است که در برداشت فوق مخاطب <منکم>، همه انسانها دانسته شده است.

۲۵ شرایط و مقتضیات خاص هر امت ، دلیل ارائه شریعت های متعدد از جانب خداوند

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

ظاهراً <منکم> متعلق به <جعلنا> است و اشاره به ریشه تعدد شرایع دارد. یعنی اختصاص هر امتی از شما مردم به شریعتی خاص، برخاسته از خصلتهای خودتان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۳

۳ دین و شریعت آسمانی برای تمامی امت ها در همه اعصار ، وجود داشته است .

و لکل أمه رسول فإذا جاء رسولهم

دین انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۴

۴ - خداوند ، به آیین پیامبران خویش از همگان آگاهتر است .

قل ء أنتم أعلم أم الله

دین انسان های نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۳

۳ توحید و یکتاپرستی ، دین مشترک جوامع بشری نخستین

و ما كان الناس إلا أمه وحده فاختلفوا

<امت> به هر جمعیتی که امر واحدی آنان را گرد هم آورده باشد گفته می شود. مراد از آن امر واحد که جوامع بشری نخستین را گرد هم آورد و از ایشان یک امت تشکیل داد به قرینه آیه

قبل، توحید و یکتاپرستی است.

دین اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۲

۲ تشریح امر به معروف و نهی از منکر، در آیین اهل کتاب

من اهل الکتاب... یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

ظاهر این است که اوصاف مذکور برای اهل کتاب، با وصف اهل کتاب بودن آنان است.

دین اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ اهل مدین در زمان شعیب دارای آیینی غیر الهی

أولتعودن فی ملتنا

۱۱ مؤمنان به شعیب (ع) پیش از ایمان به وی هم مسلک با مردم مدین در پیروی از آیین غیر الهی

أولتعودن فی ملتنا

عَوْد (مصدر لتعودن) به معنای بازگشتن است. بنابراین <لتعودن> دلالت می کند که مؤمنان به شعیب(ع) تا پیش از ایمان به وی با مردم مدین هم مسلک بودند. قابل ذکر است که اطلاق این معنا بر شعیب(ع) از باب تغلیب است.

دین اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۲

۲- آیین شرک و عقیده به وجود خدایی جز الله، دین غالب و آیین مردم مکه \$ بود.

و أعرض عن المشركين .. الذين يجعلون مع الله إلهًا آخر

بود.

دین برگزیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۵،۶،۷

۵ - آیین ابراهیم ، آیینی نیکو و منزّه از هرگونه شائبه باطل و ناهنجار

إن الله اصطفى لكم الدين

<اصطفاء> به معنای گزینش صفوه (خالص

و نیکوی) هر چیزی است. <ال> در <الدین> عهد ذکری و اشاره به آیین ابراهیم دارد.

۶- آیین ابراهیم (تسلیم خدا بودن) ، آیین برگزیده خداوند

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ

۷- منزله بودن آیین ابراهیم از هرگونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها إِبْرَاهِيمَ يَبْنِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَاتَمُوتُنَّ

تفریع جمله <لاتموتن...> بر <إِنَّ اللَّهَ...> به وسیله حرف <فاء> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۳، ۱۷

۳ تنها دین پذیرفته شده نزد خداوند اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است .

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامَ

۱۷ تسلیم از روی اعتقاد و باور قلبی ، تنها دین پذیرفته شده نزد خداوند

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامَ

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی الدِّینَ فیهِ الْإِیْمَانُ.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۲۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶۸.

دین بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ کردار ناروای بنی اسرائیل علی رغم انتساب آنان به دین یهود ، دلیل کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی در

سعادت انسان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا .. فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ

در آیه قبل بیان شد که <ان الذین .. > اشاره دارد به این که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نمی باشد و این آیه به منزله برهانی بر آن حقیقت

است، یعنی انتساب یهود و نصارا به یهودیت و نصرانیت چگونه می تواند مایه سعادت آنان باشد با اینکه پیامبران راتکذیب کردند و گروهی از آنان را کشتند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۵

۵ بنی اسرائیل ، مردمی مغرور به نژاد و دین خویش

لقد اخذنا ميثق بنی اسرئيل . . و حسبوا الا تكون فتنه

بسیاری از مفسران بر آنند که ریشه اعتقاد بنی اسرائیل (رهایی از آزمون و مجازات الهی) این بوده که آنان از نسل اسرائیل هستند و به یهودیت و یا نصرانیت منتسب می باشند. آیه ۶۹ که مجرد انتساب به دین را کارساز در سعادت نمی دانست، می تواند اشاره به این نظریه داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۵

۵ - پایبند ماندن بنی اسرائیل بر آیین توحیدی پدران خویش (ابراهیم ، اسحاق و یعقوب)

هذا من شيعته

دین پسران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۴

۴ - یعقوب (ع) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدی

دین پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۳

۳۳ دین کامل ، تنها دین مورد پسند خداوند

اليوم اكملت لكم دينكم و رضيت لكم الاسلام ديناً

چون خداوند پس از بیان اکمال دین، آن را پسندیده خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۲، ۱۰، ۹

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليمننَّ لهم دينهم الذي ارتض

۱۰ - وعده أكيد خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليمننَّ لهم دينهم الذي ارتض

۱۲ - اسلام ، تنها دین مورد پسند خدا و متناسب و سودمند برای انسان ها

و ليمننَّ لهم دينهم الذي ارتضى لهم

گفتنی است سودمند بودن دین اسلام برای بشر، از لام <لهم> که برای انتفاع است به دست آمده است.

دین جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۹

۹ قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان و ماندگار

و يأبى الله إلا أن يتم نوره

دین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۶

۶- شریعت موسی ، برای جن و انس و مشترک میان آنان

قالوا يقومنا إنا سمعنا كُتُبًا أنزل من بعد موسى

از سخنان اندازگران جن، استفاده می شود که آنان قبل از قرآن، به موسی(ع) و کتاب آسمانی او ایمان داشته اند.

دین حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۵

۵ حکومت مصر در زمان یوسف از شریعت یعقوب پیروی نمی کرد .

قالوا فما جزؤه .. من وجد فی رحله فهو جزؤه

دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۳

۱۳ - اصرار بر توحید ، از نشانه های اساسی دین حق و از علامت های مهم آیین هدایت بخش است .

و قالوا .. تهتدوا قل بل مله إبرهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

جمله <و ما کان من المشرکین> در حقیقت بیان علت گزینش آیین ابراهیم، اعلام شایستگی آن برای پیروی و دلیل هدایت بخشی آن است؛ یعنی، به این دلیل که ابراهیم مشرک نبود و آیین او به شرک آمیخته نبود، باید پیروی شود و به همین دلیل آیین او آیینی هدایت بخش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۶

۶ شریعت اسلام ، تنها دین حق و مورد پذیرش خداوند

و لا یدینون دین الحق

مقصود از دین حق در <لا یدینون دین الحق> دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۴،۵،۸

۴ اسلام ، تنها دین حق و مورد قبول خدا

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۵ آمدن پیامبر (ص) ، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست .

و یأبی الله إلا أن یتم نوره .. هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۸ تعلق اراده الهی در غلبه یافتن دین حق (اسلام) بر دیگر ادیان جهان ، علی رغم کراهت مشرکان

و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - تنها دین اسلام از میان دیگر ادیان الهی ، حق بوده و سزاوار پیروی کردن است .

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

از این که پیروان ادیان الهی پیشین (اهل کتاب) با آمدن دین اسلام، این دین را حق دانستند و دست از دین گذشته خود برداشته و تسلیم دین اسلام گشتند؛ می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

دین حنیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۵،۱۶

۱۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: > ان الحنیفه هی الاسلام ;

[آیین حنیف، همان آیین اسلام است].

۱۶ - از امام باقر (ع) روایت شده است: > ما أبقت الحنیفه شیئاً حتی ان من ها قص الشارب و قلم الاظفار و الختان ;

دین حنیف هیچ چیزی را فرو گزار نکرده است، حتی کوتاه کردن موی سبیل، ناخن و ختنه کردن را هم، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۶،۱۱

۶ آیین ابراهیم (ع) ، پیراسته از هرگونه انحراف و گرایش به باطل

و اتبع مله إبرهیم حنیفاً

>حنیفاً< توصیف >مله< (آیین) و به معنای مستقیم و خالی از هرگونه انحراف است.

۱۱ پیروی از آیین ابراهیم (ع) (دین حنیف) ، موجب برخوردار شدن از محبت خداوند

و اتبع مله إبراهيم حنيفاً و اتخذ الله إبراهيم خليلاً

در صورتی که آیین پیراسته از انحراف، باعث دستیابی ابراهیم به

مقام دوستی خدا شده باشد، پیروی از آن آیین، برای دیگران نیز می تواند چنان تأثیری داشته باشد و آنان را چون ابراهیم به مقام دوستی خداوند ارتقا دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۳،۴

۳ توحید در عبادت و یکتاپرستی ، دین حنیف و صراط مستقیم است .

و أن أقم وجهك للدين حنيفاً ولاتكفرن من المشركين

۴ اسلام ، دین حنیف و تنها راه مستقیم و بی انحراف برای بشریت است .

أقم وجهك للدين حنيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۵

۵ - اسلام ، دینی استوار و به دور از هرگونه انحراف و نادرستی است .

للدین حنیفاً .. ذلك الدین القیم

بنابراین که <حنیفاً> حال برای <الدین> باشد، دلالت بر نکته یاد شده می کند.

دین خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۶

۲۶ دستیابی به آیین ها و شرایع الهی ، دارای روش و طریقی خاص و روشن

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

<شرعه> به معنای شریعت است و <منهاجاً> یعنی راه رسیدن به آن شریعت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - اسلام، تنها دین مورد پسند خدا و متناسب و سودمند برای انسان ها

و لِيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

گفتنی است سودمند بودن دین اسلام برای بشر، از لام <لهم> که برای انتفاع است به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۳

۳ - پیامبران ، آورندگان دین الهی و تصدیق کننده و مؤمن به آن

و الذی جاء بالصدق و صدق به

دین در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۱

۱۱ - وجود مذاهب و ادیان گوناگون در جزیره العرب به هنگام بعثت پیامبر (ص)

لیظهره علی الدین کله

دین در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - دین الهی ، با تلاش ذوالقرنین ، تا آخرین نقطه سرزمین او ، گسترش یافت .

و أمّا من ءامن

دین در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۶ - ۵

۵ - ریشه بدعت گذاری در دین ، آرا و گفته های بی اساس و دروغین است .

و لا تقولوا لما تصف ألسنتکم الکذب هذا حلل و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب

دین در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۱

۱۱- دین الهی ، با تلاش ذوالقرنین ، تا آخرین نقطه سرزمین او ، گسترش یافت .

و أمّا من ءامن

دین سازی با سرگرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۵، ۱

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۲۵ کسانی که بازی و سرگرمی دنیا را دین خود قرار داده اند،

کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . . . بما كانوا یکفرون

بنابراین که <اتخذوا دینهم لعبا>، به معنای <اتخذوا اللعب دینا> باشد.

دین سازی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵، ۶، ۸، ۹

۵ - گروهی از عالمان یهود، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف، احکام و ...) از جانب خدا قلمداد نموده، به مردم ارائه می کردند.

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند الله

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <یقولون بأفواههم> و <نظرته بعینی . . .> و ...

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی (مال، ریاست، وجاهت و ...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلاً

۸ - گروهی از عالمان یهود، مردمانی بدعتگذار و دین ساز بودند.

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم

۹ - عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

فویل للذین یکتبون الکتب . . . فویل لهم مما کتبت أیدیهم

دین سازی مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

دین ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل -

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

دین ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز ، گرفتار قید و بند های گران در عرصه قیامت

إِنَّ لَدِينَا أَنْكَالًا

<نِکَل> (مفرد <أنکال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحيط).

دین ستیزی ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۲

۲ - قدرت صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت مکر و حيله گری علیه دین الهی و در جهت گمراه کردن مردم قرار داشت .

و مکروا مکراً کبارًا

دین ستیزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ - وجود شعار های شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است؛ یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سر می دادند.

دین ستیزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۵ - دستور ساختن بنای مرتفع و رصدخانه برای اطلاع پیدا کردن از خدای موسی (ع)، نیرنگ و ترفند فرعون برای اثبات دروغ گویی موسی (ع) در ادعای وجود خدای یکتا در جهان

أسبب السموت فأطلع إلى إله موسى

در این که مقصود اصلی فرعون از ساختن بنای مرتفع چه بوده، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: از جمله این که فرعون با ساختن بنای مرتفع، درصدد نبود که به راه های آسمان دست یابد؛ زیرا کوه های مرتفعی وجود داشت که از برج ها و بنای احدائی او بلندتر بود. از این رو مقصود اصلی او این بود که برای مردم اثبات کند که راه یافتن به آسمان، امری ناممکن است. بنابر این ادعای موسی (ع) به این که در جهان خدایی هست که با او ارتباط دارد، دروغ و باطل می باشد. گفتنی است ذیل آیه که در آن از بی اثر بودن توطئه فرعون سخن به میان آمده مؤید همین برداشت است.

دین ستیزی قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۲

۲ - قدرت صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، در خدمت مکر و حیله گری علیه دین الهی و در جهت گمراه کردن مردم قرار داشت .

و مکروا مکراً کباراً

دین ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به

آن هستند . *

فاعبدنی ... فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله أضلّ أعمالهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اِخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إِنَّ الذّین کفروا و صدّوا .. و شاقّوا ... من بعد ما تبین لهم الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۴

۴ - انکار معاد ، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیدًا

در آیات پیشین، سخن از اتهام های

مشركان عليه پيامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند.

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

دین ستیزی مشركان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۲

۲- حق پوشی، کارشکنی در طریق دین و پیامبرستیزی، ویژگی مشركان عصر نزول

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقَّوْا الرَّسُولَ

دین ستیزی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مِنْهُ مَسْرُوفٌ مَرْتَابٍ

دین ستیزی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱۰

۱۰- بیماردلان منافق، در انتظار پدید آمدن فرصت، برای همکاری با دشمنان علیه دین

قالوا للذين كرهوا ما نزل الله سنطيعكم في بعض الأمر

سین در <سنطيعکم> اشاره به موقعیتی دارد که هنوز فرانسیده است و منافقان در انتظار فرارسیدن آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۳

۳ بیمار دلان منافق ، دارای کینه های عمیق نسبت به دین و مؤمنان

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَنَهُمْ

<أضغان>، (جمع <ضغن>) به معنای کینه های شدید و عمیق است.

دین صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۶

۶ - آیین یهود ، نصارا و صابئان ، از ادیان الهی و آسمانی است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ الصَّبِئِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۳

۳ آیین یهود ، نصارا و صابئین ، از ادیان رسمی و الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّبِئُونَ وَ النَّصْرَى .. فَلَاخَوْفَ عَلَيْهِمْ

درباره آیین صابئیها نظرات مختلفی بیان شده است، علامه طباطبایی در تفسیر <المیزان> پس از اشاره به اقوالی گوناگون تأیید می کند که آیین صابئی آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیه بوده است.

دین عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۳

۱۳ - معارف و احکام متکی بر وحی ، حقایقی عالمانه است .

من بعد ما جاءك من العلم

آوردن کلمه <علم> به جای <وحی> اشاره به این حقیقت دارد که: دستورات متکی به وحی، دستوراتی عالمانه است.

دین عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۱۶

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۴،۱۳

۴ - نوح ،

ابراهیم ، موسی ، عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص) ، پیامبران اولوالعزم و دارای شریعت

شرع لكم من الدين ما وصّی به نوحًا .. و موسی و عیسی

۱۳ - شرایع آسمانی ، منحصر در شریعت نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) است .

شرع لكم من الدين ما وصّی به نوحًا .. و عیسی

از این که خداوند به یادآوری شریعت های یاد شده بسنده نموده، برداشت بالا به دست می آید.

دین فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۶

۶ - ربوبیت مطلق الهی ، نقطه اصلی تضاد میان آیین موسی و آیین فرعونیان

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی و لیدع ربّه .. و قال موسی إئی عذت برّبی و ربّکم

دین فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

دین فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی

، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأيتى . . . و أقيموا الصلوه ... و اتقوا يوماً لا تجزى نفس عن نفس

دین فروشی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۵، ۱۸

۱ دین فروشی و پیمان شکنی اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای رسیدن به اهداف دنیوی

انّ الذین یشترون بعهد اللّٰه و ایمانهم ثمناً قليلاً

از مصادیق بارز <انّ الذین .. > ، به قرینه آیات سابق، اهل کتاب هستند و چون دین فروشی و بدعت معمولاً به دست عالمان دین است، در برداشت فوق، کلمه <عالمان> اضافه شده است.

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلمهم اللّٰه و لا ینظر

۱۸ علمای اهل کتاب به خاطر سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

و من اهل الکتاب .. انّ الذین یشترون ... و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۴، ۱۷، ۱۳

۱۳ دین فروشی و دنیاپرستی عالمان اهل کتاب

و اشتروا به ثمناً قليلاً

۱۴ سوداگری عالمان اهل کتاب با کتب آسمانی و میثاق الهی در برابر بهره های ناچیز

و اشتروا به ثمناً قليلاً

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهد به پیمان های الهی

فیندوه .. و اشتروا به ثمناً قليلاً

دین فروشی در اهل کتاب

آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۱

۱۱ پرهیز از دین فروشی گروهی از اهل کتاب ، علی رغم سوداگری با آیات الهی از سوی برخی دیگر

انّ من اهل الكتب .. خاشعین لله لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

دین فروشی علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۶

۶ سودای هدایت با گمراهی از سوی عالمان دین ، امری بس شگفت و نکوهیده

الم تر .. یشترون الضلّاله

استفهام در <الم تر>، به انگیزه تعجب و شگفتی است.

دین فروشی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۴

۳۴ خداوند بر حذر دارنده عالمان یهود از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

ولا تشتروا بایتی ثمناً قليلاً

دین فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حقیقت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الكتب لمن .. لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

دین فطری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۵

۵ - دین فطری ، دینی ثابت و استوار است .

فأقم وجهك للدين حنيفاً فطرت الله التي .. فأقم وجهك للدين القيم

<ال> در <الدين> در این آیه،

ممکن است عهد بوده و اشاره به دینی داشته باشد که در آیه سی همین سوره از آن سخن گفته شده است. بنابراین <القیّم> صفت دین فطری می شود.

دین کامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۹، ۳۲، ۳۳

۲۹ اسلام همراه با ولایت ، دین کامل و مورد رضایت خداست .

اليوم . . . و رضيت لكم الاسلام ديناً

۳۲ دین اسلام ، شریعتی کامل و مورد رضایت خداوند

اليوم اكملت لكم دينكم و رضيت لكم الاسلام ديناً

۳۳ دین کامل ، تنها دین مورد پسند خداوند

اليوم اكملت لكم دينكم و رضيت لكم الاسلام ديناً

چون خداوند پس از بیان اكمال دین، آن را پسندیده خویش دانسته است.

دین گریزی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۹

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و اِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ . . . و استكبروا استكباراً

دین مجادله گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱

۱ - در صورت دعوت از مجادله گران درباره خدا برای پیروی از تعالیم آسمانی ، آنان ، خود را پیرو آیین نیاکان شان معرفی می کنند .

الناس من يجادل في الله بغير علم .. و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا

دين محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۴

۳۴ اسلام ، نام رسمی دين خاتم پيامبران

و رضيت

لکم الاسلام دیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۳

۳ - اسلام، نام دین حضرت محمد (ص) و شناخته شده در دوران نخستین رسالت

أفمن شرح الله صدره للإسلام

گفتنی است که شناخته شده بودن نام اسلام در صدر اسلام، با توجه به مکی بودن سوره و آیه مورد بحث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۳، ۳۲، ۴۱

۴ - نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص)، پیامبران اولوالعزم و دارای شریعت

شرح لکم من الدین ما وصی به نوحاً .. و موسی و عیسی

۱۳ - شرایع آسمانی، منحصر در شریعت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) است.

شرح لکم من الدین ما وصی به نوحاً .. و عیسی

از این که خداوند به یادآوری شریعت های یاد شده بسنده نموده، برداشت بالا به دست می آید.

۳۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال: ... انّ الله عزّوجلّ بعث نوحاً إلى قومه > أن اعبدوا الله واتّقوه و أطيعون > ثمّ دعاهم إلى الله وحده و أن يعبدوه و لا يشركوا به شيئاً ثمّ بعث الأنبياء على ذلك إلى أن بلغوا محمداً فدعاهم إلى أن يعبدوا الله و لا يشركوا به شيئاً و قال: > شرح لکم من الدین ما وصی به نوحاً و الذی أوحینا ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند عزّوجلّ نوح را به

سوی قومش مبعوث نمود که خدا را عبادت نمایند و از او پروا داشته باشید و مرا اطاعت کنید. سپس آنها را دعوت نمود به خدای یگانه که او را عبادت نمایید و هیچ گونه شریکی برای او نگیرید و بعد پیامبران را بر همین منوال فرستاد تا به رسول خدا(ص) رسید، و آنان را به عبادت خدا و این که نسبت به او هیچ گونه شرکی نوززند، فرا خوانده و فرمود: شرع لکم من الدین ما وصّی به نوحاً...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۸

۸- پیامبر اکرم (ص) ، از رسولان < اولوالعزم > (صاحب شریعت)

فاصبر كما صبر أولوا العزم

خداوند، پیامبر(ص) را موظف کرده است که همچون رسولان اولوالعزم، پایدار باشد. از این مطلب معلوم می شود که آن حضرت خود نیز از جمله آنان می باشد؛ زیرا خدای حکیم شخصی را به چیزی تکلیف نمی کند که در محدوده توان و عنوان وی نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴ - ۶۸

۶- استواری پیامبر (ص) بر آیینی عظیم *

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ

برخی از اهل لغت، برای <خلق> افزون بر معنای <سجیه> معنای آیین نیز یاد کرده اند (قاموس المحيط و تاج العروس). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۸- > عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزَّوجلَّ : > إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ < قال : هو الإسلام و روى أَنَّ الخُلُقَ العَظِيمَ هو الدِّينُ العَظِيمُ ;

از امام باقر(ع) درباره

سخن خدای عزوجل: (إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ) روایت شده که فرمود: آن (خلق عظیم) اسلام است. و نیز روایت شده است که خلق عظیم [همان] دین عظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۸ - ۵، ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) وعده داد که او را به برنامه و شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد

و نیسِرک لیسری

<یسری> وصف برای موصوفی محذوف از قبیل <الطریقه> یا <الشریعه> و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل <نیسیر> به ضمیر خطاب با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر <آسان کردن یسری برای پیامبر(ص)> به کار رود؛ نه <آسان ساختن پیامبر(ص) برای یسری> بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات درونی در شخص پیامبر(ص) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

۵ - فراهم ساختن شریعتی ساده برای پیامبر (ص) ، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ .. و نیسِرک لیسری

دین مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۴

۲۴ یهودیان ، مسیحیان و مسلمانان ، هر کدام دارای آیین و شریعتی خاص

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

با توجه به آیات گذشته که درباره یهودیان، مسیحیان و مسلمانان سخن داشت، می توان گفت خطاب در <منکم> متوجه همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۲ - ۱

امتی واحد و دارای دینی یکتا

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً

<هذه> مبتدا و مشارالیه آن امری است که در ذهن مخاطبان مستحضر است و <أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً> خبر <هذه> و حال است. این جمله مثل <هذا بعلی شیخاً> بیانگر آن امر در ذهن است. گفتنی است <أُمَّةً> در نزد برخی از اهل لغت به معنای مجموعه انسان هایی است که در چیزی مانند دین، زمان و مکان واحد اجتماع کرده و مشترک باشند (مفردات راغب) و در نظر برخی دیگر به معنای دین و ملت است (لسان العرب).

دین مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۶

۶ - آیین یهود، نصارا و صابئان، از ادیان الهی و آسمانی است.

إِنَّ الدِّينَ إِيمَانٌ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآئِتِ وَالْحَقِّ وَالصَّبْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۴

۲۴ یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، هر کدام دارای آیین و شریعتی خاص

لِكُلِّ دِينٍ شَرَعٌ

با توجه به آیات گذشته که درباره یهودیان، مسیحیان و مسلمانان سخن داشت، می توان گفت خطاب در <منکم> متوجه همه آنهاست.

دین مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۸

۸ اهمیّت ویژه آیین موسی و عیسی و کتاب نازل شده بر آنها (تورات و انجیل)

و ما أوتى موسى و عيسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۹

۱۹ اسلام ، برترین آیین در میان سایر ادیان)

دین یهود و نصارا (برای سعادت بشر

و لو أمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

بنابر اینکه <خیر> برای تفضیل باشد و مُفَضَّل علیه، آیین خود اهل کتاب و مفضَّل، اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۳

۳ آیین یهود، نصارا و صابئین، از ادیان رسمی و الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْءُونَ وَالنَّصْرَى .. فَلَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ

درباره آیین صابئینها نظرات مختلفی بیان شده است، علامه طباطبایی در تفسیر <المیزان> پس از اشاره به اقوالی گوناگون تأیید می کند که آیین صابئی آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیه بوده است.

دین ملت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۲

۲۲ هر امتی برخوردار از شریعت و آیینی خاص از جانب خداوند

لكل جعلنا منكم شرعه و منهاجاً

<شرعه> به معنای طریقی است که به آب منتهی می شود و مراد از آن دین و آیین است، چون آدمی را به کمال و حیات واقعی راهنمایی می کند قابل ذکر است که در برداشت فوق مخاطب <منکم>، همه انسانها دانسته شده است.

دین منسوخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۴

۴ دین سازان و مروجان آیین های منسوخ، در حقیقت خود را در رتبه خدا و شریک او قرار داده اند .

یا ایها الذین اتوا الكتب امنوا بما نزلنا .. انّ الله لا یغفر ان یشرک به

دین موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۱

۱۱ صندوق معهود ، یاد آور و موجب برانگیختن بنی اسرائیل به پیروی از آیین موسی (پیکار در راه خدا و رهایی از اسارت متجاوزان) *

و بقیه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

ذکر جمله <بقیه ممّا ترک .. > شاید از این جهت باشد که به بنی اسرائیل خاطرنشان سازد که پیوند مذهبی خود را با موسی (ع) قطع ننمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۷ - ۱

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) ، برخوردار از کتاب آسمانی (تورات) و شریعت مستقل و جدا از شریعت الهی پیشین

و ءاتینهما الکتب

دریافت کتاب آسمانی، می تواند حاکی از دریافت شریعت مستقل و جدا از شریعت سابق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۶

۶ - ربوبیت مطلق الهی ، نقطه اصلی تضاد میان آیین موسی و آیین فرعونیان

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی و لیدع ربّه .. و قال موسی إنی عذت برّبی و ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۲

۲ - موسی (ع) ، از پیامبران صاحب شریعت و کتاب آسمانی

و لقد ءاتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص) ، پیامبران اولوالعزم و دارای شریعت

شرع لکم من

الدین ما وصى به نوحًا .. و موسی و عیسی

۱۳ - شرایع آسمانی ، منحصر در شریعت نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) است .

شرع لکم من الدین ما وصى به نوحًا .. و عیسی

از این که خداوند به یادآوری شریعت های یاد شده بسنده نموده، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱

۱ - اعطای دلایل آشکار از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، درباره شریعت موسی

و ءاتینهم بینت من الأمر

<من> در <من الأمر> می تواند به معنای <فی> باشد و کلمه <الأمر> اشاره به کتاب و شریعت موسی (ع) داشته باشد.

دین مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۵ - ۷

۷ - <عن أبی عبد الله (ع) فی قول الله عزوجل > فوقاه الله سیئات ما مکروا < فقال : أما لقد بسطوا علیه و قتلوه و لکن أددرون ما وقاه ؟ وقاه أن یفتنوه فی دینه ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزوجل: <فوقاه الله سیئات ما مکروا> روایت شده که فرمود: آگاه باشید فرعونیان بر آن مؤمن، مسلط شده و او را به قتل رساندند؛ لکن می دانید که خداوند او را از چه چیزی حفظ کرد؟ او را از این که در دینش فتنه کنند حفظ کرد.

دین نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۱

۱۱ نوح ، نخستین پیامبر دارای

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوْحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ

چون مسلم است که قبل از نوح(ع) نیز پیامبری وجود داشته، بنابراین ذکر حضرت نوح(ع) بدون اشاره به پیامبر پیش از او می تواند به این جهت باشد که او اولین پیامبر دارای شریعت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۳،۳۲

۱۳ - شرایع آسمانی ، منحصر در شریعت نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) است .

شرع لكم من الدين ما وصّی به نوحاً .. و عیسی

از این که خداوند به یادآوری شریعت های یاد شده بسنده نموده، برداشت بالا به دست می آید.

۳۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال : ... انّ الله عزّوجلّ بعث نوحاً إلى قومه > أن اعبدوا الله واتّقوه و أطيعون > ثمّ دعاهم إلى الله وحده و أن يعبدوه و لا يشركوا به شيئاً ثمّ بعث الأنبياء على ذلك إلى أن بلغوا محمداً فدعاهم إلى أن يعبدوا الله و لا يشركوا به شيئاً و قال : > شرع لكم من الدين ما وصّی به نوحاً و الذي أوحينا ... > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند عزّوجلّ نوح را به سوی قومش مبعوث نمود که خدا را عبادت نمایند و از او پروا داشته باشید و مرا اطاعت کنید. سپس آنها را دعوت نمود به خدای یگانه که او را عبادت نمایند و هیچ گونه شریکی برای او نگیرید و بعد پیامبران را بر همین منوال فرستاد تا

به رسول خدا(ص) رسید، و آنان را به عبادت خدا و این که نسبت به او هیچ گونه شرکی نوززند، فرا خوانده و فرمود: شرع لکم من الدین ما وصّی به نوحاً...>.

دین و اقتصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۸،۱۰

۸ کتب آسمانی، مشتمل بر رهنمود های اقتصادی و راهگشای تأمین نیاز های جامعه *

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لاکلوا

ترتیب رفاه اقتصادی بر عمل به تورات و انجیل می تواند به این معنا باشد که خداوند به عنوان پاداش، برکتهای زمین و آسمان را به روی عمل کنندگان بگشاید و می تواند به این معنا باشد که در خود تورات و انجیل رهنمودهایی است که عمل به آنها رونق اقتصادی را برای جامعه در پی دارد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

۱۰ ارزشمندی رفاه اقتصادی جامعه از دیدگاه ادیان الهی

لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

چنانچه رفاه اقتصادی که از جمله <لا-کلوا...> به دست می آید ارزشمند نبود، آن را به عنوان نتیجه ای برای اقامه کتب آسمانی ذکر نمی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۷

۷ احکام خداوند و قوانین دین، فراگیر امور مادی و مسائل اجتماعی انسانها

قل الأنفال لله و الرسول

دین و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ لزوم تلاش برای محور قرار دادن کتب آسمانی در کلیه شؤن جامعه

و لو انهم

اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

اقامه کتب آسمانی به معنای ادای کامل حق آنها و کنایه از حضور تعالیم آنها در تمامی شؤون زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۷

۷ احکام خداوند و قوانین دین ، فراگیر امور مادی و مسائل اجتماعی انسانها

قل الأنفال لله و الرسول

دین و رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ ارزشمندی رفاه اقتصادی جامعه از دیدگاه ادیان الهی

لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

چنانچه رفاه اقتصادی که از جمله <لا-کلوا...> به دست می آید ارزشمند نبود، آن را به عنوان نتیجه ای برای اقامه کتب آسمانی ذکر نمی کرد.

دین و سیاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۲

۲۲ ارتباط عمیق میان فلسفه سیاسی و اعتقادی اسلام

یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول . . فان تنازعتم... ان کنتم

چون اطاعت از رسول (ص) و اولوالامر، که یک مسأله سیاسی است، مترتب به ایمان، که یک مسأله اعتقادی است، شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ رابطه دین با سیاست ، رابطه ای تنگاتنگ و جدایی ناپذیر است .

قالوا أجبثنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

دین و طبع انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۸،۹،۱۰

احکام و قوانین الهی هماهنگ با طبایع انسان است .

لا تحرموا طیب ما احل الله لکم

ذکر کلمه <طیبیت> علی رغم اینکه برای رساندن معنای مقصود (نهی از تحریم حلالها) نیازی بدان نبود، برای اشاره به این حقیقت است که حلالهای الهی مطابق طبع انسانها و مایه لذت آنان است.

۹ جواز بهره گیری از مادیات در گرو تناسب آن با طبع آدمی است .

لا تحرموا طیب ما احل الله لکم

۱۰ مصلحت انسان ها پایه و اساس قوانین و احکام دین اسلام

طیب ما احل الله لکم

کلمه طیب که به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و نیز حرف لام در <لکم> که برای منفعت است می رساند خداوند در حلال کردن چیزها سودبری انسانها را لحاظ کرده است.

دین و عدالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۵

۵ ارتباط توحید و قسط و دین ، در نگرش قرآن

لا اله هو . . قائماً بالقسط ... انّ الدین

دین و عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۷

۷ اسلام ، دین منطق و برهان است ، نه زور و اجبار

لا اکراه فی الدّین قد تبین الرّشد من الغیّ

دین و علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۸

۸ احکام و قوانین قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّٰه . . افحکم الجهلیه یبغون

جهل در لغت مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

دین و عمل

ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ - گرایش به کارهای بیهوده و صرفاً مایه سرخوشی، در تضاد با مکتب پیامبران و ناسازگار با بینش الهی

أَتَبْنُون بَكْلَ رِيْعٍ ءَايَه تَعْبَثُون

دین و عواطف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۵

۵- دستورات دین در ادای حقوق دیگران، همخوان و همسو با عواطف طبیعی انسان است.

و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا .. و ءَاتِ ذَآلِ الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

مقدم شمردن حق پدر و مادر و خویشان و رسیدگی به مشکلات آنان، گرایش طبیعی انسان است و خدا همین را مورد تأیید قرار داده است.

دین و عینیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ ضرورت توأم بودن ایمان به مکتب و تلاش برای تحقق و عیثیت بخشیدن به آن

لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۴، ۱۱، ۸

۸ کتب آسمانی، مشتمل بر رهنمودهای اقتصادی و راهگشای تأمین نیازهای جامعه *

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لاکلوا

ترتیب رفاه اقتصادی بر عمل به تورات و انجیل می تواند به این معنا باشد که خداوند به عنوان پاداش، برکتهای زمین و آسمان را به روی عمل کنندگان بگشاید و می تواند به این معنا باشد که در خود تورات و انجیل رهنمودهایی است که عمل به آنها رونق اقتصادی را برای جامعه در پی دارد. برداشت

فوق بر اساس معنای دوم است.

۱۱ لزوم تلاش برای محور قرار دادن کتب آسمانی در کلیه شئون جامعه

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

اقامه کتب آسمانی به معنای ادای کامل حق آنها و کنایه از حضور تعالیم آنها در تمامی شئون زندگی است.

۱۴ اهل کتاب وظیفه دار ایمان به قرآن و اقامه آن در تمام شئون زندگی *

و لو انهم اقاموا .. ما أنزل الیهم من ربهم

می توان گفت مراد از <ما انزل الیهم>، قرآن است و کلمه <الیهم> بیانگر این معناست که اهل کتاب باید خود را از مخاطبان قرآن بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۶،۲۶

۶ لزوم برپاداشتن همه جانبه کتب آسمانی و دیگر فرامین الهی و محور قرار دادن آنها در جوامع

لستم علی شیء حتی تقیموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیکم من ربکم

۲۶ برپا نداشتن کتب آسمانی در جامعه ، کفر به آنهاست . *

حتى تقیموا التوریه و الانجیل ... فلا تأس علی القوم الکفرین

جمله <فلا تأس ... > علاوه بر ارتباط آن با جمله <و لیزیدن ... > می تواند تفریح بر ترک اقامه تورات، انجیل و دیگر کتب آسمانی نیز باشد. بنابراین کسانی که به کتب آسمانی پایبند نیستند از مصادیق کافران خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۸

۸ ادیان الهی در بردارنده حد و مرز روابط و مناسبات اجتماعی با دیگر ملتها

و لو كانوا یؤمنون .. ما اتخذوهم اولیاء

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۸،۱۰

۸ احکام و قوانین الهی هماهنگ با طبایع انسان است .

لا تحرموا طیب ما احل الله لکم

ذکر کلمه <طیبیت> علی رغم اینکه برای رساندن معنای مقصود (نهی از تحریم حلالها) نیازی بدان نبود، برای اشاره به این حقیقت است که حلالهای الهی مطابق طبع انسانها و مایه لذت آنان است.

۱۰ مصلحت انسان ها پایه و اساس قوانین و احکام دین اسلام

طیب ما احل الله لکم

کلمه طیب که به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و نیز حرف لام در <لکم> که برای منفعت است می رساند خداوند در حلال کردن چیزها سودبری انسانها را لحاظ کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۷

۷ تأمین نیاز های طبیعی انسان مورد توجه و در چشم انداز احکام و قوانین دین

لا تحرموا طیب .. و کلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱۱،۱۳

۱۱ تشریح قوانین و احکام اسلامی در راستای فقرزدایی

فکفرتہ اطعام عشره مسکین .. او کسوتهم

۱۳ مناسبات تنگاتنگ میان احکام و قوانین فردی اسلام با مصالح جامعه

فکفرتہ اطعام عشره مسکین .. او تحریر رقبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ مصالح و مفاسد جوامع انسانی معیاری در تشریح احکام دین

انما الخمر .. فاجتنبوه لعلکم تفلحون. انما يريد الشيطان ان يوقع بینکم العدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۸

۱۸ جامعه قوام یافته در پرتو تعالیم دین ، جامعه ای آماده برای شناخت خداوند و صفات او

قیماً للناس .. يعلم ما فی السموت و ما فی الارض و إنّ الله بكل شیء علیم

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به <قیماً للناس> باشد. یعنی هدف از اینکه خداوند می خواهد جامعه انسانی دارای ثبات باشد این است که زمینه خدانشناسی و علم انسانها به اسماء و صفات الهی فراهم آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش پس از دعوت به توحید

يقوم اعبدوا الله .. فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۷

۷ ادیان الهی خواستار بهبود وضع اقتصادی مردم و خواهان برخورداری آنان از انواع خیر ها و برکت های مادی

لفتحنا عليهم برکت من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۱

۱۱- تحقیق آموزه های دین و عینیت یافتن آنها در میان مردم ، نیازمند به مجری ای کاردان و رهبری شایسته است .

كتب أنزلنه إليك لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

از اینکه خداوند، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده و برآوردن غرض و هدف از نزول قرآن را با آوردن فعل متعدی، به آن حضرت واگذار کرده

است و به خود مردم واگذار نکرده است، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۰

۱۰- تحقیق آموزه های دین ، نیازمند مجری ای کاردان و رهبری شایسته

أن أخرج قومك من الظلمت إلى النور

از اینکه خداوند پس از اعطای آیات (تورات) به موسی(ع) او را مسؤول خارج ساختن مردم از ظلمتها معرفی می کند، معلوم می شود که اجرای تعالیم آسمانی و به کارگیری آنها نیاز به مجری و شخصیتی کاردان، چون موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۵

۵- ارائه راه حل عملی و مشروع ، هم زمان با طرح مشکل و نهی از اعمال نامشروع ، از شیوه های دعوت انبیای الهی

فلاتفضحون ... و لاتخزون ... قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱۵، ۱۲

۱۲- در نظر گرفته شدن نیاز و توان بشر ، در احکام و تکالیف الهی

إنما حرّم علیکم .. فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد فإن الله غفور رحیم

۱۵- حفظ سلامتی و رفع نیاز های ضروری بدن ، دارای اهمیت و مورد توجه ویژه در تعالیم دین

إنما حرّم علیکم المیتة .. فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد فإن الله غفور رحیم

از آن جایی که خداوند خوردنیهای حرام را در صورت اضطرار (نیاز ضروری بدن و سلامتی جسم به تناول خوردنیهای حرام) حلال شمرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- تبیین همه نیاز های انسان در سعادت و کمال خویش ، در قلمرو تعالیم دین و آموزه های وحی است .

إن هذا القرآن يهدي . . . و كلّ شيء فضلنه تفصيلاً

نوع مفسّران برآنند که چون قرآن، کتاب هدایت و در جهت تأمین سعادت و کمال آدمی است، بنابراین مقصود از <و كلّ شيء> همه امور مرتبط با سعادت و کمال و هدایت است، نه تمامی حقایق و پدیده های عالم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۳

۳- توجه به ابعاد دنیوی ، اخروی ، معنوی و مادی انسان در شریعت الهی

و أذن فی الناس بالحجّ . . . ليشهدوا منفع لهم

از این که <منافع> مقید به دنیوی یا اخروی و مادی یا معنوی نشده است، می توان گفت که: مقصود از آن اعم از خیرات دنیوی و اخروی و مادی و معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۹

۹- توجه ادیان الهی ، به امکانات رفاهی و آسایش در زندگی دنیوی

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۴

۴- اهمیت دادن به تغذیه سالم و بهره گیری از نعمت های الهی ، وجه مشترک همه ادیان آسمانی

يأئنها الرسل كلوا من الطّيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - توجه به واقعیت ها و ضرورت ها

، از ملاک ها و شاخص های لحاظ شده در تشریح احکام و دستورات الهی در باره زنان

و لایب‌دین زینت‌هنن إلا ما ظهر منها

حکمت و فلسفه حرمت آشکار ساختن زینت برای زنان به قرینه استثنای <إلا ما ظهر منها> جز آنچه خود به خود آشکار است < حساسیت و جلب توجهی است که این کار برای نامحرمان ایجاد می کند. از سوی دیگر، اگر پوشاندن آن قسمت از بدن و زیورآلات که خود به خود آشکار است، استثنا نمی شد، به دور از واقعیت ها و مخالف با نیازها و ضرورت هایی بود که عموم زنان با آنها دست به گریبان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۷

۷- احکام و قوانین اسلام ، مطابق با ضرورت ها و واقعیت های موجود در زندگی و متناسب با توانایی ها و مقدورات بشری است .

و القواعد من النساء التي لا يرجون نکاحًا فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهن غير متب

سخت گیری اسلام نسبت به مسأله حجاب و پوشش زنان و استثنا کردن زنان سالخورده و آسان گرفتن بر آنان در این مسأله نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۸

۸- احکام و قوانین اسلام ، مطابق با ضرورت ها و واقعیت های موجود در زندگی و متناسب با توانایی ها و مقدورات بشری

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

اختصاص احکام و مقرراتی ویژه برای افرادی که برخی از توانایی های خود را از دست

داده اند (مانند نابینایان لنگ ها و مریضان) و نیز آسان گرفتن برای آنان، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعمال عبادی و اجتماعی ، در بینش الهی دارای پیوندی تنگاتنگ اند .

یدعون ربهم .. و مما رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۶

۱۶ - عینیت بخشیدن به تعالیم شریعت در جامعه ، توصیه خداوند به تمامی پیروان ادیان آسمانی

شرع لکم .. أن أقیموا الدین

<إقامه> (مصدر <أقیموا>) که به معنای به پاداشتن است مطلب بالا را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۹

۹ - تشریح دین از سوی خداوند ، امری ضروری و مطابق با نیاز های انسان است .

أنزل الکتب بالحقّ

بنابراین احتمال که مراد از <الکتب> محتوای آن (دین) باشد چنان که برخی از مفسران گفته اند و نیز با توجه به معنای

<حق>، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه شریعت به خصلت های درونی مردم ، در تنظیم برنامه های تبلیغی خود *

أم تسئلهم أجرًا فهم من مغرم مثقلون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند چون دل‌بستگی شدید مردم به مال را می‌دانسته است، پیامبران را از درخواست مزد مادی از مردم، دور داشته است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تحقق آموزه های دین و عینیت یافتن آن در میان مردم ، نیازمند به مجری کاردان و رهبری شایسته است .

لیخرجکم من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پیامبر(ص) را متصدی امر هدایت قرار داده و برآوردن غرض و هدف از نزول قرآن را، با آوردن فعل متعدی <لیخرجکم> به آن حضرت واگذار کرده است و نه به خود مردم.

دین و مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۷

۷ تهیه مسکن برای مردم ، از مسایل مورد توجه دین است .

أَنْ تَبُوءَ لِقَوْمِكَمَا بِمَصْرَ بِيوتاً و اجعلوا بيوتكم قبله

دین و مقتضیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۴

۱۴ - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریح آن قوانین

فمن اضطر غير باغ و لاعاد فلا إثم عليه

دین و نیازهای تربیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۵

۵- دستور های الهی ، حقایقی است مبتنی بر علم و آگاهی خداوند به نیاز های تربیتی بشر

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

<حکمت> وقتی به خداوند نسبت داده شود، به معنای معرفت او به اشیا و به وجود آوردن آنها در نهایت اتقان است (مفردات راغب).

دین و نیازهای مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۷

۷ تأمین نیازهای

طبیعی انسان مورد توجه و در چشم انداز احکام و قوانین دین

لا تحرموا طیباً .. و کلووا مما رزقکم اللہ حللاً طیباً

دین و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر اللہ أتخذ ولیاً .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت .. > حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر اللہ أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

دین یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۴

۴ - یعقوب ، پیرو آیین ابراهیم و مبلغ آن

و وصی بها ابرهیم بنیه و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۵

۵ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب (ع) و نوادگان او ، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون .. کانوا هوداً أو نصری

جمله <أم تقولون .. > در بردارنده استفهام انکاری توییخی است؛ یعنی، چنین پنداری هست ولی پنداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب (ع)، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبع

ملّه ءاباءِی ابرهیم و إسحق و یعقوب

دین یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴

۲ یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی خویش از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت.

واتبع ملّه ءاباءِی ابرهیم و إسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع)، پیرو شریعت پدرانش، ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود.

واتبع ملّه ءاباءِی ابرهیم و إسحق و یعقوب

دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۶

۶ - آیین یهود، نصارا و صابئان، از ادیان الهی و آسمانی است.

إن الذین ءامنوا .. و الصبیّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۴،۵

۴ سهولت شریعت عیسی (ع)، در مقایسه با شریعت موسی (ع)

و لآحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

۵ وعده عیسی (ع) به بنی اسرائیل، در برداشتن حرمت برخی از محرّمات شریعت موسی (ع)

و لآحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۸

۸ اهمیت ویژه آیین موسی و عیسی و کتاب نازل شده بر آنها (تورات و انجیل)

و ما أوتی موسی و عیسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۹

اسلام، برترین آیین در میان سایر ادیان (دین یهود و نصارا) برای سعادت بشر

و لو أمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

بنابر اینکه <خیر> برای تفضیل باشد و مُفَضَّل علیه، آیین خود اهل کتاب و مفضَّل، اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۴

۲۴ یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، هر کدام دارای آیین و شریعتی خاص

لكل جعلنا منكم شرعه و منهاجاً

با توجه به آیات گذشته که درباره یهودیان، مسیحیان و مسلمانان سخن داشت، می توان گفت خطاب در <منکم> متوجه همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۳

۳ آیین یهود، نصارا و صابئین، از ادیان رسمی و الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِئُونَ وَالنَّصِرَى .. فَلَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ

درباره آیین صابئینها نظرات مختلفی بیان شده است، علامه طباطبایی در تفسیر <المیزان> پس از اشاره به اقوالی گوناگون تأیید می کند که آیین صابئین آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیه بوده است.

ذکر تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۷

۷ معارف الهی آموزه هایی است که باید آنها را همواره به خاطر داشت .

أَنْ جَاءَ كَمْ ذَكَرَ مِنْ رَبِّكُمْ

<ذکر>، علم و معرفتی است که آدمی آن را در ذهن خود حاضر دارد و از آن غفلت نمیورزد. و معارف الهی از آن رو

<ذکر> نامیده شده که انسان باید آنها را بیاموزد و همواره به خاطر داشته باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۶

۶ معارف الهی ، تعالیمی است که باید آنها را همواره به خاطر داشت .

آن جاء کم ذکر من ربکم

<ذکر>، علم و معرفتی است که آدمی آن را در ذهن خود حاضر دارد و از آن غفلت نمیورزد. و معارف الهی از آن رو <ذکر> نامیده شده که انسان باید آنها را بیاموزد و همواره به خاطر داشته باشد.

ذلت اخروی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱

۱- خداوند ، مشرکان توطئه گر علیه دین را علاوه بر عذاب دنیوی ، در قیامت به صورت تحقیر آمیزی خوار خواهد ساخت .

قد مکر الذین من قبلهم .. و أتهم العذاب ... ثم یوم القیمه یخزیهم و یقول این

<خزی> در لغت به معنای شکست و ذلت است. این حالت گاهی از ناحیه خود شخص عارض می شود و گاهی از سوی دیگری. در صورتی که از سوی دیگری باشد، همراه با خفت و تحقیر است.

ذلت دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۲

۲ خدا ، خواستار شکست و ذلت دشمنان دین و پیروزی و عزت مؤمنان است .

قتلوههم یعذبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

رد بخشی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ پذیرش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، امری ناروا و مانند نپذیرفتن همه دین است.

إِنَّ الدِّينَ فَرْقُوا دِينَهُمْ .

.. لست منهم فی شیء

مراد از <دین>، دین الهی است و متفرق ساختن دین به معنای پذیرش بخشی از آن و نپذیرفتن بخشی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۸

۸ - قبول بخشی از دین و رها ساختن جنبه های دیگر آن ، عملی مشرکانه است .

و لا تکونوا من المشرکین . من الذین فرّقوا دینهم و کانوا شیعاً

مراد از <دین> می تواند اسلام باشد. متفرق ساختن آن، به معنای پذیرش بخشی از آن و قبول نکردن بخشی دیگر است. لازم به ذکر است که فعل ماضی <فرّقوا> در صورت یاد شده منسلخ از زمان می باشد.

رد دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۴

۴ - متعصّانِ تابع احساسات خویشاوندی ، هر دعوتی را ، از هر کسی ، برای پیروی از تعالیم آسمانی ، جواب منفی می دهند .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل الله قالوا بل نّسب ما وجدنا علیه ءاباءنا

آورده شدن فعل مجهول <قیل> به جای این که دعوت کننده و گوینده خاصی را، مانند انبیا، مشخص کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

رد دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ پذیرش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، امری ناروا و مانند نپذیرفتن همه دین است.

إن الذین فرّقوا دینهم .. لست منهم فی شیء

مراد از <دین>، دین الهی است و متفرق ساختن دین به معنای پذیرش بخشی از آن

و نپذیرفتن بخشی دیگر است.

رذایل دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۵،۷

۵ - دشمنان دین ، به دلیل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

و إِنَّه لَحَبَّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

کلمه <شدید> چنان که در قاموس آمده گاه به معنای <بخیل> است. در صورتی که این معنا در آیه مراد باشد، حرف <لام> در <لَحَبَّ الْخَيْرِ> لام تعلیل خواهد بود^۲ یعنی، به خاطر حَبِّ مال.

۷ - خداوند ، در تأکید بر شدت مال دوستی دشمنان دین ، به مَرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت ... و إِنَّه لَحَبَّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

رسمیت دین صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۸

۸ - دین یهود ، نصارا و صابئان از آیین های به رسمیت شناخته شده در قرآن

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرِي وَالصَّبِئِينَ

از نکته هایی که می تواند توجیه کننده آوردن عناوین مذکور باشد، اعلام رسمیت آیینهای یاد شده است.

رکوع در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۲

۲۲ - رکوع و سجده کردن به درگاه خدا (نماز) ، از برنامه های عبادی در آیین ابراهیم

و الركع السجود

روش انتخاب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - لزوم اجتناب از هر گونه تقلید کورکورانه در علوم و معارف الهی و در گزینش آنها

الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه

روش

برخورد با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۸

۸ ضرورت حفظ مواضع و ابراز پابندی به عقاید دینی ، در برخورد با مخالفان دین

إن افتريته فعلی إجرامی و أنا بریء مما تجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ جواز مقابله به مثل در پاسخ گویی به دشمنان دین

إن تسخروا منا فإننا نسخر منكم كما تسخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۳

۳- لزوم به کارگیری بهترین شیوه های رفتاری ، حتی در برابر دشمنان دین

ادفع بالتي هي أحسن السيئه

روش برخورد با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- برخورد های مشرکان با انبیا و تعالیم آسمانی در طول تاریخ ، همسو و یکنواخت بوده است .

كذلك فعل الذين من قبلهم . . . وقال الذين أشركوا لو شاء الله ... كذلك فعل الذين م

روش برخورد دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- مشرکانی که قرآن را اسطوره می خوانند و کسانی که علیه دین الهی توطئه می کنند ، با علمای دین برخورد تحقیرآمیز و خوار کننده دارند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . . . قد مكر الذين من قبلهم ...

حضور عالمان در قیامت هنگام مؤاخذه مشرکان و اعلام این نکته از آنان که: خواری و بدی روز قیامت برای کافران است،

می تواند حکایت کننده این نکته باشد که: آنان در دنیا، مورد برخورد اهانت آمیز افراد یاد شده قرار گرفته بوده اند. لازم به ذکر است که مراد از <أوتوا العلم> به تناسب موضوع (قرآن و تعالیم ادیان آسمانی)، می تواند علمای دین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۷

۷- تهمت و تحقیر ، از ترفند ها و ابزار های طاغیان و دشمنان دین ، علیه دینداران و مؤمنان

رجالاً کنا نعدّهم من الأشرار

روش تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۷

۷ ضرورت ارزیابی دقیق، از روشهای تبلیغ دین و برآورد آثار آن

و أنذر به .. و لا تطرد الذین یدعون ربهم

برخی مفسران گفته اند آیه <لا- تطرد .. > تبصره ای بر آیه قبل است. بر این فرض آیه می تواند رهنمودی کلی در تبلیغ باشد. یعنی قبل از به کارگیری هر روشی در تبلیغ به بررسی ابعاد آن باید پرداخت و از عوارض احتمالی آن با تدابیر لازم جلوگیری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۴،۳

۳- پیامبر (ص) ، وظیفه دار به کارگیری مفاهیم روشن و صریح در تبلیغ دین

فإنما علیک البلغ المبین

<بلاغ> به معنای تبلیغ و رساندن پیام است. توصیف آن به <المبین> (آشکار و روشنگر) بیانگر مطلب یاد شده است.

۴- لزوم به کارگیری مفاهیم و مطالب روشن و صریح ، در تبلیغ دین

فإنما علیک البلغ المبین

آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۵

۵- هشدار و انذار و یا توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین ، باید پس از اتمام حجت و بیان حقایق دینی باشد .

و ما أرسلنک إلاّ رحمہ للعلمین . . . قل إنّما یوحی الّیّ ... فهل أنتم مسلمون . فإ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ - لزوم به کار گیری مفاهیم و مطالب روشن و بی ابهام در تبلیغ دین

و ما علی الرسول إلاّ البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - تثبیت و گسترش دین الهی ، نیازمند اقدام و تلاش جمعی است .

أن أقیموا الدین

با توجه به جمع بودن <أقیموا>، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۱

۲۱ - تفاوت نگذاشتن بین طبقات مختلف اجتماعی در مقام تبلیغ و هدایت و اجرای شریعت ، از وظایف پیامبر (ص)

و أمرت لأعدل بینکم

بنابراین که <أمرت لأعدل بینکم> مربوط به نحوه اجرای دعوت و اقامه دین به وسیله پیامبر(ص) باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۷

۷ - لزوم استفاده از روش های روشن و بی ابهام در تبلیغ دین و هدایت مردمان

إنّما أنا نذیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰

۶ - خودداری از تعرّض به مخالفان بدگو (مقابله به مثل و پاسخ گویی به آنان) در مرحله آغازین کار هدایت و تبلیغ دین ، امری سزاوار و بایسته

و اهجرهم هجرًا جمیلًا

۷ - ترویج دین و گسترش دین داری در جامعه ، مستلزم سعه صدر ، صبر و خویشتن داری است .

و اصبر .. و اهجرهم هجرًا جمیلًا

روش تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ به کارگیری تمثیل و تشبیه در تفهیم معارف دین ، شیوه ای از شیوه های گوناگون بیان آیات الهی در قرآن

و البلد الطیب .. کذلک نصرّف الأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۵

۵ بیان حقایق و معارف در قالب پرسش و پاسخ از روش های قرآن برای توجه دادن مردم به آن حقایق

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۸

۸- بیان نعمت های الهی در ابعاد زندگی ، از مصادیق < بلاغ مبین > (بیان روشن دین) است .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً .. کذلک یتّم نعمته علیک لعلکم تسلّمون ... فإنما

در آیات گذشته نعمتهای مختلف خداوند بیان گردید و در پایان اشاره شد که هدف از بیان نعمتها، تسلیم شدن انسانها در برابر خداست و اگر مردم روی گردانند، وظیفه ای جز همین بیان روشن (بیان نعمتها) نیست.

۱۳- لزوم به کارگیری برترین و مؤثرترین روش ها ، در جدل (مباحثه و مناظره) برای بیان مسائل دینی و احیای حقایق الهی

ادع إلى سبیل ربّک . . . و جدلهم بالتي هي أحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۵

۵- لزوم به کارگیری روشی متناسب با استعداد فکری و روحی انسان برای تفهیم دقیق معارف دین و آموزه های قرآن

و قرءأنا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

از اینکه خداوند در بیان معارف دینی در قرآن، از روش تدریج و گام به گام استفاده کرده است؛ نکته فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۹

۹- ادعا و سخن در باره معارف دینی و آثار مثبت و منفی آن ، باید مستند به علم و حجت باشد .

کفر بآیتنا و قال . . سنکتب ما یقول و نمذ له من العذاب مدأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۱

۱ - استفاده خداوند ، از مثل برای تبیین دقایق معارف آسمانی

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئا . . و تلک الأم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۹

۹ - استفاده از رخداد های محسوس و قابل فهم برای همه ، جهت تبیین دقیق معارف ظریف دینی ، از روش های قرآن کریم است .

يخرج الحيّ من الميت . . . و

كذلك تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۶

۶ - به کارگیری تمثیل و تشبیه ، برای بیان دقیق مبانی دینی ، امری سودمند و مفید

ضرب لكم مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۶

۶ - استفاده از مثال های متنوع ، از روش های قرآن کریم ، برای تبیین معارف و حقایق است .

و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كل مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۸

۸ - تبیین حقایق و معارف والا ، با بیانی ساده و همه فهم ، روش هدایتی قرآن

و الذي نزل .. فأنشرنا به بلدة ميتاً كذلك تخرجون

روش تحصیل دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۶

۲۶ دستیابی به آیین ها و شرایع الهی ، دارای روش و طریقی خاص و روشن

لكل جعلنا منكم شرعه و منهاجاً

<شرعه> به معنای شریعت است و <منهاجاً> یعنی راه رسیدن به آن شریعت.

روش تفهیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۹ - ۸

۸ - استفاده از رخداد های تاریخی ، شیوه ای قرآنی جهت تفهیم معارف آسمانی به مردم است .

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَادُوا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا

روش تقویت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - لزوم حرکت دسته جمعی برای

تقویت جبهه حق و دین الهی و صف آراییی در برابر جبهه باطل و کفر ، به هنگام ضرورت و نیاز

فَكَذَّبُوهُمَا فَعَبَّوْا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ

روش دعوت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۶

۶- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین *

إِنِ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . ادخلوها بسلم ءامنين . و نزعنا ما في صدورهم من غلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۹

۹- لزوم نگرشی یکسان و پرهیز از تبعیض و تفاوت در دعوت مردم به دین

فقل ءاذنتکم علی سواء

روش فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۹

۱۹ ضرورت به کارگیری اندیشه برای فهم معارف دینی

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۴

۴- لزوم مراجعه به عالمان دینی ، برای فهم صحیح حقایق شریعت

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - استفاده از امور محسوس ، برای تفهیم معارف ظریف و غامض ، از شیوه های هدایتی قرآن کریم است .

إن تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخره . . . یأت بها الله

روش مبارزه با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۴

۴ - داستان های خرافی و سرگرمی های واهی ، ابزار کافران برای مبارزه با دین بود .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله

روش مبارزه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۵

۵ تهدید اهل ایمان و ساختن چهره ای ناپسند از راه خدا ، از روش های دشمنان دین برای مبارزه با پیامبران و ادیان الهی

و تصدون عن سبيل الله من ءامن به و تبغونها عوجاً

روشهای تفهیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۵

۵ - استفاده از تمثیل ، جهت تفهیم معارف والای دینی ، از روش های تبلیغی قرآن

ضرب لكم مثلاً من أنفسكم .. كذلك نفصل الأيت

لام <لكم> برای تعلیل و در نتیجه، بیان کننده این نکته است که بیان مَثَل ها، به خاطر تفهیم دقیق است. <من> در <من
أنفسكم> برای ابتدا و به منظور بیان این است که مَثَل از خود شما زده می شود که دقیقاً برایتان قابل فهم است.

رهبران دینی و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۲

۲۲ رهبران و مبلغان دین ، تا توان دارند باید در اصلاح جامعه و ابلاغ معارف الهی تلاش کنند .

إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت

زکات در دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی

در آیین یهود

و یوتون الزکوه

زمینه اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۵

۵ - رفاه و قدرت اقتصادی ، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المکذبین اُولی النعمه

زمینه ایمان به تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴ - ۲

۲ - امکان بهره گیری انسان از تذکرات و تعالیم دینی حتی در صورتی که خود را تزکیه نکرده باشد .

لَعَلَّ يَرْكَبِي . أَوْ يَذَّكَّر

حرف <أَوْ> دلالت دارد که هرگاه یکی از دو ویژگی (تزکیه یا تذکر) محتمل باشد؛ باید شخصی را که می خواهد به مجلس وعظ و ارشاد وارد شود، پذیرفت و نباید او را تا پس از خودسازی و تزکیه از تذکرات دینی محروم کرد.

زمینه بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۹

۹- غفلت از قیامت ، زمینه سازی اعتنایی به وحی و بازیچه قراردادن دین است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم ... و هم یلعبون

زمینه پیروزی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و الله عزیز حکیم

زمینه پیروی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱ - ۲

۲ ایمان واقعی

، مستلزم تبعیت کامل از دستورات دین و پرهیز از بدعت و خودرأیی

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

زمینه تأثیرناپذیری از تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فَذَكَرْ .. إِلَّا مِنْ تَوَلَّى وَكُفِرَ

استثنای اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن تذکرات آن حضرت، در آنان است.

زمینه تباهی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شکر گزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ .. لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

زمینه تبلیغ مخالفان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۳

۳ - تبلیغ دین و تشکیل جامعه اسلامی ، در پی دارنده سخنان ناروا و تبلیغات سوء دشمنان و مخالفان دین

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

زمینه تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۷

۷ حرص و آزمندی به دنیا ، مایه تحریف احکام و حقایق دین

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ .. اَكْلُونَ لِلسَّحْتِ

زمینه تحقیق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۱

۱۱- تحقیق آموزه های دین و عینیت یافتن آنها در میان مردم ، نیازمند به مجری ای کاردان و رهبری

شایسته است .

کتب أنزلنه إليك لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

از اینکه خداوند، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده و برآوردن غرض و هدف از نزول قرآن را با آوردن فعل متعدی، به آن حضرت واگذار کرده است و به خود مردم واگذار نکرده است، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۰

۱۰- تحقیق آموزه های دین ، نیازمند مجری ای کاردان و رهبری شایسته

أن أخرج قومك من الظلمت إلى النور

از اینکه خداوند پس از اعطای آیات (تورات) به موسی(ع) او را مسؤول خارج ساختن مردم از ظلمتها معرفی می کند، معلوم می شود که اجرای تعالیم آسمانی و به کارگیری آنها نیاز به مجری و شخصیتی کاردان، چون موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تحقیق آموزه های دین و عینیت یافتن آن در میان مردم ، نیازمند به مجری کاردان و رهبری شایسته است .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پیامبر(ص) را متصدی امر هدایت قرار داده و برآوردن غرض و هدف از نزول قرآن را، با آوردن فعل متعدی <ليخرجكم> به آن حضرت واگذار کرده است؛ و نه به خود مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۹

۹ - تحقیق آموزه های دین و عینیت یافتن تعالیم قرآن در میان مردم ، نیازمند به مجری ای کاردان و رهبری شایسته است .

ليخرج الذين آمنوا و

عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

از این که خداوند، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده و مسئولیت برآوردن غرض و هدف از نزول قرآن را با آوردن فعل متعدی بر عهده آن حضرت نهاده است نه بر عهده مردم نکته یاد دهنده به دست می آید.

زمینه تشریح دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۵

۵- ربوبیت خداوند ، مقتضی فرو فرستادن قرآن (تعالیم دین) بر بندگان خویش

و قيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيراً

زمینه تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- بندگی به درگاه خدا ، زمینه برخورداری از علم و معارف الهی است . *

عبداً من عبادنا .. و علمنه من لدنا علماً

زمینه تعجب دین شناسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۵

۳۵- سرعت گسترش اسلام ، از پیدایش تا استقرار و شکوفایی آن ، مایه شگفتی دین شناسان و خشم کافران

كزرع ... يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار

زمینه تعلیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - طهارت و پاکی نفس ، زمینه لازم برای فراگیری معارف و احکام دین

و یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

تقدم ذکر ی < یزکیهم > بر < یعلمهم >، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۶

۶ - همه انسان ها

، استعداد شناخت معارف قرآن را دارند .

فمن شاء ذكره

زمینه تعمیق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۷

۷- توجه به تحولات نظام طبیعت ، راهی برای شناخت و عمق بخشیدن به باور های دینی است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

زمینه تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ تباه کردن سرمایه وجودی خود زیانکاری و زمینه انکار معارف دین است.

لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .. الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ ظلم و بیدادگری ، زمینه ساز انکار قیامت و تکذیب دین و پیامبران

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ .. فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳- افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ .. ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلكم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۹ - ۸

۸ - آگاهی اندک و غیر جامع نسبت به مفاهیم دینی ، زمینه مواجهه منفی با آنها *

و إذا علم من

ءايتنا شيا آخذها هزوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ٢٨ - ٥

٥ - باور نداشتن معاد ، زمينه ساز انكار تعاليم الهی و آموزه های دینی است .

لايرجون حسابا . و كذبوا بايتنا كذابا

زمينه درك دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٩٧ - ١٠

١٠ دانش و فرهنگ بالای اجتماعی ، زمينه ساز درك عميق تر حدود و احكام الهی ، و نیز پذيرش آن

الأعراب .. أجدر أُلّا يعلموا حدود ما أنزل الله

بيان اينکه <بدويان> از درك حدود خدا دورند، إشعار به اين معنا دارد که: متمدن بودن و برخورداري از دانش، زمينه ای بهتر برای شناخت حدود خداست.

زمينه دين ستيزی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٢٤ - ٨

٨ - برخورداري از قدرت و توانايی سياسی و اقتصادی ، از زمينه های طغيان ، حق گريزی و دين ستيزی

كانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارا .. إلى فرعون و همن و قرون فقالوا سحر كذّ

زمينه دين شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ١٢٢ - ١٩

۱۹ میدان های نبرد با کفر ، زمینه دستیابی مجاهدان به درک عمیق حقایق معنوی دین *

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین

برداشت فوق بدان احتمال است که <نفر> در <لولا نفر> به معنای بسیج برای جنگ باشد و فاعل <لیتفقوها> مجاهدان باشند.

زمینه دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ دنیاپرستی ، ریشه سوداگری بر سر عهد الهی و مسؤولیت های ناشی از آن

انّ الذّین یشترون بعهد اللّهِ .. ثمنًا قلیلاً

زمینه دین گریزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۹

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و اِنّی کَلِّمًا دعوتهم .. و استکبروا استکبارًا

زمینه رفع مشکلات تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳ - ۵

۵ - ایمان و توجه به کبریایی و عظمت خداوند ، هموار کننده مشکلات ناشی از انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین

قم فأنذر . و ربّک فکبر

برداشت یاد شده، از ارتباط میان موضوع قیام برای انداز مردمان و موضوع به عظمت یاد کردن خداوند، استفاده می شود.

زمینه زوال دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۵

۵ - کم فروشی ، از بین برنده دیانت انسان و نمونه ای از فسق و سرکشی در برابر خداوند است .

ویل للمطففین .. کلاً إنّ کتب الفجّار لفی سحّین

<فجور> یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب) و به معنای فسق و عصیان نیز آمده است (قاموس). ارتباط این آیه با

آیات پیشین، بیانگر این است که از <فَجَار>، همان <مَطْفَفِينَ> اراده شده است.

زمینه سوءاستفاده از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۹

۹ - تسویلات و وسوسه های

نفس ، زمینه ساز به کارگیری دین و دانش برای ایجاد انحراف و گمراه ساختن مردم

بصرت .. فنبدتها و كذلك سؤلت لی نفسی

آنچه که سامری در اختیار داشت و موجب گمراهی او و مردم بسیاری شد، علوم و معارفی بود که وی آن را در راه گمراه کردن مردم به کار گرفت.

زمینه صبر در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۶

۶ - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر .. فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

زمینه ظهور حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۶

۶- تاریخ ، بستری برای ظهور و تجلی حقانیت دین الهی است .

فَتَرَبَّصُوا فَمَا تَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصَّرْطِ السَّوِيِّ

مطرح ساختن آینده به عنوان زمان ظهور قطعی حقایق، بیانگر این نکته است که بستر تاریخ ظرفی مناسب برای احقاق حق است که حقایق را به تناسب حوادث، به منصفه ظهور می رساند.

زمینه عبرت ناپذیری از تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فذكر .. إلا من تولی و کفر

استثنای

اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن تذکرات آن حضرت، در آنان است.

زمینه عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به وقوع حتمی قیامت و از دست رفتن فرصت ها ، زمینه پابندی انسان به دین است .

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ لَا بَدْعَ لَهُ شَرِكٌ ۚ ۝۱۱۰

یادآوری وقوع قیامت پس از سفارش به پابندی به دین، می تواند به منظور ایجاد انگیزه در انسان برای عمل به آن فرمان باشد.

زمینه غفلت دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۶

۶ - ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دل بستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ۝۱۰۰ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

زمینه فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ درك نكردن توحيد ، ملازم با درك نكردن هيچيك از معارف الهی

قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ اللَّهِ ۚ فَمَالٌ هُوَآ لِقَوْمٍ لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

۲ . خداوند به آن دسته از مردم که منشأ واحد را در حوادث عالم نمی فهمند، نسبت عدم درك دیگر معارف را داده است. بنابراین ملازمه ای بین درك توحيد و درك دیگر معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۶

۶ مطالعه و دقت

در داستان یوسف ، مایه دریافت حقایق و معارف الهی است .

إنا أنزلناه قرءاً نأ عربياً لعلکم تعقلون. نحن نقصّ علیک أحسن القصص

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان جمله <لعلکم تعقلون> با <نحن نقصّ علیک> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۶

۶ - نقش تعیین کننده انسان شناسی ، در درک معارف الهی (معاد و ...)

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، برای اثبات توانایی خویش بر احیای مردگان و برپایی قیامت، مسأله هدفمند بودن زندگی انسان و سیر آفرینش او را مطرح ساخته است.

زمینه قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۶

۶ توجه به ربوبیت خدا بر انسانها، زمینه ساز پذیرش احکام اوست.

أتل ما حرم ربکم علیکم

از اهداف بیان ربوبیت خدا به عنوان خاستگاه تحریم شرک و ... ، این است که انسانها بدانند محرمات الهی در راستای تربیت ایشان بوده و در نتیجه زمینه پذیرش در آنان ایجاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۹

۹- علم ، وسیله ای بس ارزشمند برای راه یافتن به حقیقت و قبول تعالیم دین

إن الذین أوتوا العلم من قبله یخزّون للأذقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - بهره مندی از دانش و معرفت ، زمینه ساز

بهره مندی از معارف و حقایق الهی

لو کنتم تعلمون

در برداشت یاد شده، فعل <تعلمون> گرفته شده است؛ یعنی، <لو کنتم أهل العلم لاستجبتم دعوتی و آمنتکم>.

زمینه گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ علاقه به معارف دینی، در گرو شناخت آنهاست.

فعمیت علیکم... و أنتم لها کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۴

۴ - توجه به منشأ خلقت و روزی و مرگ انسان، مقتضی رویکرد تمام عیار به دین است.

الله الذی خلقکم... فأقم وجهک للذین

احتمال دارد <فاء> در <فأقم> تفریع بر آیه <الذی خلقکم...> باشد که در آن، خداوند، برخی از افعال خود را به عنوان نشانه، یادآوری کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۴

۴- ملت های محروم و رنج دیده، دارای زمینه حق پذیری و گرایش به دین

و لقد اخترنهم... وءاتینهم

با توجه به سیاق آیات پیشین که فرعونیان را به دلیل رفاه مندی و اسرافگری، حق ناپذیر و محکوم به هلاکت معرفی کرده است می توان علت و انتخاب بنی اسرائیل را برای دریافت آیات و معجزات، محرومیت آنان از رفاه مندی و آمادگی آنان برای حق پذیری دانست. البته این هم آغاز یک آزمون است؛ نه امضای صلاحیت مطلق و بی استثنای آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ - توجه به

محدودیت عمر زندگی ، هشداری به انسان ها و عاملی در جهت حق گرایي و روی آوردن آنان به حقایق دین *

ما خلقنا..إلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مَعْرُضُونَ

برداشت بالا براساس این احتمال است که تذکر خداوند به <أجل مسمی> در پی تذکر به حقانیت هستی هشداري باشد به آدمیان که دل به زندگی ناپایدار نبندند و از حاکمیت حق غافل نگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۴

۴ - تأثیر مثبت بیان فواید و نتایج ایمان و دین داری در گرایش بیشتر مردم به دین

و أَلُواسْتَقْمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

مأموریت پیامبر(ص) به بیان فواید دین، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲

۲ - تسییح و حمد خداوند و استغفار به درگاه او ، پس از مشاهده امداد های الهی و گرایش وسیع مردم ، به دین ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (ص)

إِذَا جَاءَ نَصْرَ اللَّهِ وَالْفَتْحَ . وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا . فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

زمینه گسترش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۸

۸- مؤمنان ، محتاج امداد های الهی ، در پیشبرد دین و مبارزه با دشمنان

إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ

از این که خداوند، نوید نصرت و امداد به مؤمنان را در زمینه جهاد مطرح کرده است؛ نیاز آنان به امدادهای خداوند استفاده می شود.

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - توسعه و گسترش دین ، نیازمند یاران مؤمنی همچون حواریون عیسی (ع)

قال الحواریون نحن أنصار الله

زمینه مبارزه با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۲

۲ دنیا طلبی ، زمینه ساز مبارزه با دین الهی و بازداشتن مردم از راه خداست .

اشتروا بأيت الله ثمناً قليلاً فصدوا عن سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۹

۹- دل بستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت ، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است .

الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدون عن سبيل الله

تقديم <يستحبون الحياه الدنيا> بر جمله <و يصدون عن سبيل الله و ييغونها عوجاً> احتمالاً بيانگر معنای یاد شده باشد.

زمینه نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۳

۳- ایمان واقعی ، مقتضی تلاش در راه خداوند و دفاع از دین او

يأيها الذين ءامنوا إن تنصروا الله ينصركم

خداوند، اهل ایمان را با صفت ایمانشان یاد کرده و در پی آن از ایشان دعوت کرده است که به یاری دین برخیزند، یعنی،

ایمان واقعی مستلزم یاری رساندن به دین و راه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۴

۴ - یاری دین خدا و تعظیم و تنزیه پیوسته ذات او ، لازمه ایمان و مکمل آن

لتؤمنوا... و تعزروه و توقروه

زهد علمای دین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دلبستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنی

زیان اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۹

۹ اعراض مردم از دین و معارف الهی ، هیچ ضرری متوجه خداوند نخواهد کرد .

فإن تولّوا .. و لا تضرونا شیئاً

برداشت فوق ، مبتنی براین است که <لاتضرونه> نیز جواب شرط (فإن تولّوا) باشد. قابل ذکر است که مجزوم نشدن <تضرون> به خاطر عطف شدن آن بر فعل ماضی <قد أبلغتكم> می باشد.

زیان دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۳

۱۳ هر بهایی که در قبال سوداگری با آیات الهی قرار گیرد ، اندک و ناچیز است .

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

معمولاً افرادی که بر سر آیات الهی سوداگری می کنند به قصد رسیدن به بهره های فراوان دنیوی است، ولی خداوند آنها را در مقابل از دست دادن دین و محرومیت از مواهب اخروی اندک می شمارد.

سبقت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ ارزش پیشتازی و سبقت در ایمان به خدا و یاری دین

قال الحواریون نحن انصار الله

به نظر می رسد تمجید خداوند از حواریون، با وجود اینکه افراد بسیاری به نبوت عیسی ایمان

آوردند، به لحاظ پیشتازی آنان در ایمان به خدا و یاری دین بوده است.

سجده در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۲

۲۲ - رکوع و سجده کردن به درگاه خدا (نماز) ، از برنامه های عبادی در آیین ابراهیم

و الرکع السجود

سختی اذیتهای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۷

۷- اذیت ، آزار و تجاوزات دشمنان دین ، بسیار شدید و تحمل آنها امری دشوار برای پیامبر (ص) بود .

و اصبر و ما صبرک إلا بالله

از اینکه خداوند فرموده است: صبر تو ای پیامبر! تنها به توفیق الهی است، مطلب فوق به دست می آید.

سختی استقامت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - استقامت و پایداری در مسیر دین ، امری دشوار و نیازمند به تأیید الهی است .

فاستمسک .. إنک علی صراط مستقیم

از لحن آیه شریفه که برای دلداری و تقویت روحیه پیامبر(ص) است، مطلب بالا برداشت می شود.

سخن جاهلانه درباره دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ سخن ناآگاهانه درباره دین تجاوزگری است.

فکلوا .. إن ربک هو أعلم بالمعتدین

سرزنش تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب دین و روی گردانی از آن ، شگفت آور و نکوهیده است .

أرءیت إن

کذب و تولی

تکرار <أرءیت>، تأکید بر شگفتی و توبیخ است.

سرزنش دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۱،۱۹

۱۱ سرزنش عالمان اهل کتاب از سوی خداوند به سبب نادیده گرفتن پیمان الهی و دین فروشی

فبندوه و رآء ظهورهم و اشتروا به ثمناً قليلا

۱۹ زشتی و بدی دستاورد دین فروشی

و اشتروا به ثمناً قليلا فبئس ما يشترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۸

۱۸ توبیخ الهی نسبت به برخی از عالمان اهل کتاب ، به خاطر سوداگری آنان با آیات الهی

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . . لا يشترون بايات الله ثمناً قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۶

۶ سودای هدایت با گمراهی از سوی عالمان دین ، امری بس شگفت و نکوهیده

الم تر . . يشترون الضلالة

استفهام در <الم تر>، به انگیزه تعجیب و شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۱

۴۱ منافع به دست آمده از دین فروشی ، مصداقی بارز برای سحت

اکلون للسحت . . . و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلا

نهی خداوند از دین فروشی در قبال منافع دنیا، پس از توصیف عالمان یهود در آیات پیش به <اکلون للسحت>، بیانگر آن است که از مصداق مورد نظر برای <سحت> (حرامی ننگ آور)، منافی است که آنان از دین فروشی به چنگ می آورند.

سرزنش کتمان تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ کتمان معارف و حقایق کتب آسمانی امری نکوهیده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

سرزنش کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۹

۹ - کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فریقاً منهم لیکتبون الحق و هم یعلمون

لحن جمله <إن فریقاً...> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

سرکوبی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۱،۱۷

۱۱ سرکوب دشمنان دین در میدان نبرد ، آخرت جویی و موجب رسیدن به منافع معنوی و مواهب اخروی است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری .. و الله یرید الآخره

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و الله عزیز حکیم

سرور از مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (ص) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

سستی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و

باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها و هم يحملون أوزارهم على ظهورهم ألا ساء ما يزرون

بنابراین که <ما در >ما فرطنا< موصوله و مرجع برای ضمیر <فیهما> باشد.

سوء استفاده از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۱

۱۱ سوء استفاده از مقررات دین ، استهزای دین و آیات الهی است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً .. و لا تتخذوا آیات الله هُزُوًا

تمسک به قانون حق رجوع که به مصلحت انسانها وضع شده ، برای اضرار به همسران، استهزای آیات و مقررات الهی قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۳۹ ، ۱۱ ، ۹

۹ امکان دستاویز قرار دادن حق در جهت باطل

فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

۱۱ افراد منحرف (کج اندیش) ، دنبال کننده آیات متشابه ، به منظور ایجاد فتنه

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

۳۹ گسترش کفر ، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

امام صادق(ع): المراد بالفتنة هاهنا الكفر.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۰۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۲،۶،۸

۲ به کار بستن فرهنگ و زبان دین، ابزاری برای تحریف آن

و انّ منهم لفريقاً يلوّن السنتهم بالكتاب

۶ برخی از اهل کتاب (عالمان آنان)، برای فریب مردم

، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند .

و أنّ منهم لفريقاً يلوّن السنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب

۸ برخی اهل کتاب (عالمان آنان) نوشته های خود را به عنوان کتاب خدا به مردم ارائه می دادند .

و يقولون هو من عند الله و ما هو من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۷، ۸

۸ پیامبران ، هیچگاه از مقام خود و دین خدا ، سوء استفاده نکردند .

ما كان لبشر .. ثم يقول للناس كونوا عبداً لى من دون الله

۱۷ ممنوعیت سوء استفاده از مقام و مناصب دینی ، برای دعوت مردم به خود

ما كان لبشر ان يؤتیه الله الكتاب .. ثم يقول للناس كونوا عبداً لى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۴

۱۴ سوء استفاده دشمنان دین از شعائر دینی ، برای اغفال مؤمنان

ها انتم اولاء تحبونكم و لا يحبونكم .. و اذا لقوكم قالوا امنا

بنابر اینکه محبت مؤمنان به کافران، معلول تظاهر آنان به ایمان (امنا) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۵

۵ مبارزات یهود علیه اسلام و پیامبر (ص) ، به نام دین و دینداری

انّ الله عهد الينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان

چون یهود مدعی بودند با ایمان نیاوردن به پیامبر (ص)، به عهد الهی وفادار بوده و از دستورات خداوند پیروی کرده اند.

- فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲

۲ سوء استفاده منافقان از ارزش های مکتبی و باور های جامعه اسلامی

یحلفون بالله ما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۴

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فبذتها

<بذ> در <بذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۷

۷ - استفاده ابزاری از دین علیه دیانت حق ، از ترفند های منافقان است .

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

برقراری روابط دوستانه با پیروان دین یهود از سوی منافقان، بی تردید برای ضربه زدن به دین اسلام و پیروان آن بوده است. بنابراین منافقان با اظهار علاقه به دین یهود، درصدد نفی دین حق و اصل دینداری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۶ - ۲

۲ - استفاده ابزاری از ارزش های دینی علیه دین ، از شیوه های منافقان

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً

برداشت یاد شده به این خاطر است که منافقان از سوگند که در میان

همه پیروان ادیان از ارزش ها به شمار می رود در جهت سد کردن پیشرفت اسلام، بهره می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۴

۴ - دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم ، از حيله ها و نیرنگ های صاحبان زر و زور ، برای مبارزه با دعوت توحیدی نوح (ع)

و قالوا لاتذرنا الهتکم و لاتذرنا ودا . . . و نسرًا

سوگند در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او ، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتى تؤتون موثقا من الله . . . إلا أن يحاط بكم

سهولت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۵

۵ شریعت الهی ، شریعتی است سهل و آسان

و الذین . . . لانکلف نفسا إلا وسعها

سهولت دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - تکالیف الهی در شریعت ابراهیم (ع) تکالیفی آسان و به دور از هرگونه عسر و حرج بود .

و ما جعل عليكم في الدين من حرج ملة أبيكم إبراهيم

سهولت فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۴

۴ - خداوند و تعالیم آسمانی او، قابل شناخت برای بشر

و یریکم ءایته

برداشت یاد شده از آن

جا است که لازمه نشان دادن آیات و نشانه های الهی به عموم مردم (یریکم) و توییح کسانی که به آنها ایمان نمی آورند، قابل شناخت بودن آنها می باشد.

سیاه رویی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیاه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و تقوا

لنسفًا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالندّر

شخصیت مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبدًا إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لاتطعه

شرایط تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۴

۴- تبلیغ دین و پیام وحی ، نیازمند به استقامت و پایداری

فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل

از این که خداوند، پیامبر(ص) را در راستای رسالت و تبلیغ دین، به صبر و شکیبایی فراخوانده

و عزم بزرگ رسولان پیشین را به آن حضرت یادآور شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

شرایط تعلم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰- پیمودن راه تکامل و رسیدن به معارف ویژه الهی، نیازمند معلم و راهنما است.

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

این که موسی(ع) خود را برای رسیدن به رشد، به تبعیت از خضر(ع) ناگزیر می بیند و برای ملاقات با وی، سفر و مشقت های آن را تحمل می کند، نشان احساس نیاز او به راهنما است.

شرایط دفاع از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۵

۵- تبلیغ دین و دفاع صریح و قاطعانه از مواضع عقیدتی خود در محیط خفقان آور و پرخطر کفر و شرک، باید پس از طی مراحل چون دفاع غیرمستقیم و برخورد دلسوزانه با مخالفان و... انجام گیرد.

قال يقوم أتبعوا المرسلين .. و مالی لا أعبد الذی فطرنی ... ءأتخذ من دونه ءال

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ..> که آخرین کلام مؤمن انطاکیه با مردم است در مقام نتیجه گیری و بیان هدف نهایی او از مجموعه سخنانی است که در ضمن پنج آیه پیش بیان شده است. بدین صورت که او در ابتدا سخن خود را با لحنی خیرخواهانه و نرم آغاز کرد و در پایان با زبان صریح و قاطعانه، مواضع عقیدتی خود را اظهار داشت.

شرایط مبلغان دین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری از منش و خلق و خوی والا، از شرایط مبلغان دینی و رهبران جامعه اسلامی

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۶ - ۴

۴ - دوری از منت نهادن و زیاد شمردن عطایا و خدمات خود، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و لا تمنن تستكثر

شرك دين سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۴

۴ دین سازان و مروجان آیین های منسوخ، در حقیقت خود را در رتبه خدا و شریک او قرار داده اند.

يا ايها الذين اتوا الكتب امنوا بما نزلنا .. ان الله لا يغفر ان يشرك به

شعائر دين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۸

۸ نماز و اذان، از ارکان اساسی دین و شعائر مقدس آن

الذين اتخذوا دينكم هزواً .. و إذا ناديتهم إلى الصلوة اتخذوها هزواً ولعباً

آیه مورد بحث، استهزای نماز و اذان را نمونه ای از استهزای دین شمرده است و اطلاق دین بر نماز و اذان نشان می دهد که این دو از ارکان اساسی دین می باشد.

شعیب(ع) و دین اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ آیین مردم مدین ، آیینی منفور و کریه در دیدگاه شعیب (ع)

(و پیروان او

أو لو کنا کرهین

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست

قال أو لو کنا کرهین

شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۷

۷ - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله

شکست دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۲

۲ خدا، خواستار شکست و ذلت دشمنان دین و پیروزی و عزت مؤمنان است .

قتلوهم یعذبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذین کفروا و ذلک جزاء الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- شریعت ها و ادیان توحیدی ، در برابر دین ستیزان ، استوارتر از کوه ، پایدار و جاودانه خواهند ماند .

فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرَنَا .. نَجِبْ دَعْوَتَكَ وَ تَتَّبِعِ الرِّسْلَ ... وَ قَدْ مَكْرُوا ... وَ

از اینکه خداوند فرمود: مکر و نقشه های ستمگران در برابر نیروی حق و رسولان الهی، هر چند در قدرت و توانمندی کوه شکن باشد، مؤثر نخواهد بود، به دست

می آید که ادیان توحیدی و شرایع رسولان الهی استوارتر از کوه بوده و پایدار و ضربه ناپذیرند.

شکست دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

شگفتی از دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی بس شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

ثم قتل کیف قدر

شگفتی تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب دین و روی گردانی از آن ، شگفت آور و نکوهیده است .

أرءیت إن کذب و تولی

تکرار <أرءیت> ، تأکید بر شگفتی و توبیخ است.

شگفتی دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

فقتل کیف قدر

<کیف>، در این آیه برای تعجب است.

شیعیان و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ عن الحسين بن علي(ع): ما احد على مله ابراهيم إلا نحن و شيعتنا

از امام حسین(ع) روایت شده است: هیچ کس، جز ما و شیعیان

ما، پیرو آیین ابراهیم نیست . . .

صبر در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۷

۷ - تبلیغ پیام الهی ، نیازمند تحمل دشواری ها و مشکلات

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۴

۴ - مقام تبلیغ دین و رهبری امت ، نیازمند صبر و شکیبایی

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱،۲

۱ - فرمان پایداری و شکیبایی از سوی خداوند به پیامبر (ص) ، در راستای تبلیغ دین

و اصبر لحکم ربّک

مراد از <لحکم ربّک> می تواند حکم رسالت و تبلیغ دین باشد. در این صورت پیامبر(ص) مأمور شده است تا در برابر اذیت و آزار تکذیب کنندگان، صبر پیشه کند و تحمل خویش را از دست ندهد.

۲ - تبلیغ دین و انجام رسالت الهی ، نیازمند شکیبایی

و اصبر لحکم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۷

۷- ترویج دین و گسترش دین داری در جامعه ، مستلزم سعه صدر ، صبر و خویشن داری است .

و اصبر .. و اهجرهم هجرًا جمیلًا

صلابت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۶

۱۶ پایداری در دین و حرکت در مسیر انبیای الهی ، شکر نعمتِ هدایت و رسالت انبیاست .

افاین مات او قتل انقلبتم

... و سیجزی الله الشاکرین

مراد از <الشاکرین> در این آیه، یا خصوص کسانی است که هرگز مرتد نمی شوند و همچنان پایبند دین الهی هستند، و یا مؤمنان پایدار، مصداق مورد نظر برای <الشاکرین> هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیاشگر

رَبَّنَا .. وَ تَبَّتْ أقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین. فاتیهم الله ثواب الدنیا

ضروریات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۲

۲ اقامه نماز و پرداخت زکات، از نشانه های ضروری مسلمانی است.

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

طعن به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۷

۷- گفتار مرموز و نیشدار درباره دین، نشانه نفاق و بیمار دلی

و لتعرفنهم فی لحن القول

<لحن القول>، به معنای آهنگ گفتار و نیز استعارات و کنایه هایی است که در بد جلوه دادن و مخدوش کردن موضوع، تأثیر دارد. خداوند، این گونه سخن گفتن را وسیله ای برای رسوایی منافقان، معرفی کرده است.

طغیانگری مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تکذیب کنندگان تعالیم هدایت گر دین و دستورات تقوایشگي آن ، طغیان گر و مورد تهدید الهی اند .

ليطغى .. أراءيت إن كذب و تولّى

سياق آیات، بر تهدید دلالت دارد.

طواف در دین ابراهیم(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۷

۱۷ - طواف و نماز ، از تکالیف مقرر در شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۱

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام شریعت ابراهیم

أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ

ظلم تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۸

۸ بدعت و تحریف حقایق دینی ظلم است .

فبدل الذين ظلموا منهم قولاً غير الذي قيل لهم فأرسلنا... بما كانوا يظلمون

از مصادیق <ما كانوا يظلمون> تبدیل و تحریف سخنی است که خداوند به بنی اسرائیل آموخت تا به هنگام ورود به بیت المقدس آن را به زبان جاری کنند (قولوا حطه). خداوند آن تبدیل و تحریف را ظلم شمرده است. بنابراین تحریف و تبدیل سخنان الهی که همان حقایق دینی است، از مصادیق ظلم می باشد.

ظلم تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱

۱ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، بزرگ ترین نوع ظلم است .

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق

مقصود از <صدق> قرآن و دین حق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۲

۲ - شرکورزیدن به خدا و انکار دین و پیامبر)

ص) ، ظلم است .

و إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا

برداشت یاد شده از آن جا است که عنوان <ظلموا> در آیه شریفه، بر منکران پیامبر و مشرکان اطلاق شده است.

ظلم دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- اقوام کافری که با تعالیم انبیا به مخالفت برخاستند ، مردمانی ستمگر بودند .

و قال الذين كفروا لرسولهم لئخرجنكم .. فأوحى إليهم ... لنهلكن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۷

۷- دشمنان دین خدا و کتاب های آسمانی ، عناصری هواپرست و ظالم

و من أضلّ ممّن اتّبع هويّه .. إنّ الله لا يهدى القوم الظالمين

ظلم دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتّبعهم الغاون .. و سيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون

ظلم سازش در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۹

۱۹ - پیشوایان دین اسلام در صورت سازش کردن با پیروان دیگر ادیان بر سر مسائل دینی ، از زمره ستگرانند .

و لئن اتبعت اهواءهم .. إنك إذا لمن الظلمين

ظلم مانعان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۱

۱ کسانی که مردم را از پیوستن به راه خدا (دین و معارف الهی

(بازدارند ، از زمره ستمکارانند .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

فعل <یصدون> به معنای باز می دارند و نیز به معنای اعراض می کنند، آمده است. برداشت فوق براساس معنای اول است.

ظلم منحرف کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۶

۶ کسانی که در پی منحرف ساختن دین و معارف الهی هستند ، ستمکارند و در آخرت به لعنت خدا گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين ... يبغونها عوجًا

عبرت از فرجام دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۸

۸- لزوم عبرت گیری از فرجام شوم توطئه گران علیه دین الهی

قد مكر الذين من قبلهم فأتى الله بنينهم .. و أتهم العذاب

اینکه خداوند پس از بیان رفتار مخالفان قرآن به ذکر داستان کسانی می پردازد که علیه تعالیم آسمانی انبیا توطئه و مکر کردند و به خاطر آن گرفتار عذاب الهی شدند، هشدار است به سایر انسانها که از آن قضیه عبرت بگیرند.

عجز از فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۲

۲ - دل های گرفتار غفلت ، ناتوان از درک و پذیرش پیام آوران الهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

عجز دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- توطئه گران ، از درک عوامل شکست و ناکامی خود در توطئه علیه دین ، عاجزند .

قد مکر الذین من

قبلهم . . . و أتهم العذاب من حيث لا يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۹ - ۱

۱ - ارائه دهندگان برنامه های ضد دینی ، ناتوان از حمایت نسبت به پیروان خویش در برابر عذاب خداوند

إِنَّهُمْ لَن يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

با توجه به این که <من الله> ممکن است به حذف مضاف باشد، یعنی، <من عذاب الله> و با الغای خصوصیت از مورد پیامبر اکرم (ص)، مطلب بالا استفاده می شود.

عجز مخالفان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خشتی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانيه

<زَبَّيْتِيَه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبَّيْن> به معنای <دفع>)؛ به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

عجز مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۵

۵ - منکران دین و رسالت پیامبران ، رودررو با اراده خداوند و ناتوان از مقابله با آن

أَمْ أُرْمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مَبْرُمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۲

۲ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، هر چند فراوان و سازمان یافته باشند ، از مقاومت در برابر مأموران الهی عاجزانند .

ینهی . عبدًا إذا صلّى ... کذب و تولّى ... فليدع نادیه . سندع الزبانیه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ، گرچه گروهی منسجم باشند ، از مانع شدن نماز گزاران ناتوان اند .

کَلَّا

حرف <کَلَّا> برای ردع و منع است و در آیه شریفه تکذیب گران دین را، از پندار موفقیت در باز داشتن مردم از نماز منع می کند.

عذاب اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، گرفتار عذابی درد آور

و المکذبین ... و عذابًا أليماً

عذاب اخروی کتمان کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۴۸

۴ - کتمان کنندگان احکام و معارف دین و حقایق کتب آسمانی ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

۸ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، پس از مرگ آغاز شده و به تأخیر نخواهد افتاد .

و لاهم ینظرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مجهول از باب افعال باشد؛ یعنی، از مصدر انظار (مهلت دادن) گرفته شده باشد. مراد از مهلت ندادن به قرینه <ماتوا و هم کفار> شروع عذاب پس از مرگ است.

عذاب اخروی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است

(لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند

به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

عذاب اخروی ممانعت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۱۱

۱۱- ایجاد مانع بر سر راه خدا (دین الهی) ، موجب مشکلات دنیوی و عذاب بزرگ اخروی است .

و تذوقوا السوء بما صدقتم عن سبیل الله و لکم عذاب عظیم

مقصود از <سبیل الله> دین خداست که در آیات بسیاری از قرآن به همین عنوان آمده است.

عذاب اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۶

۶ ستمگران و اعراض کنندگان از قوانین دین، علاوه بر عذابهای دنیوی به عذابهای آخرت نیز گرفتار خواهند شد.

و کم من قریه أهلکنها .. إنا کنا ظلمین . فلنستلن الذین أرسل إلیهم

هدف از بیان بازجویی در قیامت، تهدید ظالمان به عذابهای اخروی است، و کلمه <فاء> در <فلنستلن> بیانگر آن است که عذابهای دنیا پایان مجازات آنان نیست.

عذاب دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگان و مخالفان معارف دین ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی اند .

فلما جاء أمرنا نجینا صلحًا .. و من خزی یومئذ إن ربک هو القوی العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۳،۵

۳- توطئه کنندگان علیه دین الهی ، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان ، به هلاکت رسیدند .

قد مكر الذين من قبلهم فأتى الله بنينهم من القواعد فخر عليهم السقف من فوقهم

ذكر قيد <من فوقهم> پس از بيان <فخر عليهم السقف> (سقف بر آنها فرو

ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

۵- خداوند ، توطئه گران علیه دین را به گونه ای غافلگیرانه گرفتار عذاب کرد که هیچ گاه به آن گمان نمی بردند .

قد مکر الذین من قبلهم .. و أتهم العذاب من حیث لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- مرتکبان کار های زشت و توطئه گران علیه پیامبر (ص) و دین ، در معرض عذاب های گوناگونند .

أفأمن الذین مکروا السیئات أن یخسف الله بهم الأرض أو یأتیهم العذاب

عذاب دنیوی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱

۱- خداوند ، مشرکان توطئه گر علیه دین را علاوه بر عذاب دنیوی ، در قیامت به صورت تحقیر آمیزی خوار خواهد ساخت .

قد مکر الذین من قبلهم .. و أتهم العذاب ... ثم یوم القیمه یخزیهم و یقول این

<خزی> در لغت به معنای شکست و ذلت است. این حالت گاهی از ناحیه خود شخص عارض می شود و گاهی از سوی دیگری. در صورتی که از سوی دیگری باشد، همراه با خفت و تحقیر است.

عذاب دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۴

۴- کافرانی که تا آخرین لحظه زندگی در حال عناد و ستیز با دین باشند ، محکوم به عذاب ابدی خواهند بود .

إنّ الذین کفروا و صدّوا .. فلن

يغفر الله لهم

لازمه قطعی <لن يغفر الله> باقی ماندن همیشگی در عذاب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثم قتل كيف قدر

عذاب کتمان کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

عذاب معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۶

۶ مخالفان انبیا و اعراض کنندگان از حقایق و معارف الهی ، در خطر نابودی و عذاب الهی اند .

فإن تولّوا .. يستخلف ربی قوماً غیر کم

عرف و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۶

۶ - نقش معیار های عرفی در احکام دین

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف

عصیان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ - گرایش به کار های بیهوده و صرفاً مایه سرخوشی ، در تضاد با مکتب پیامبران و ناسازگار با بینش الهی

أتبنون بكلّ ریح ءایه تعبثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۱

- سرپیچی کنندگان از پیام وحی و روی گردانان از یاد قیامت ، ظالم و ستمگرند .

و كذلك أوحينا .. و تنذر يوم الجمع ... و الظلمون ما لهم من وليّ و لانصير

عقلانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۶

۶- اصول و معارف دین ، مبتنی بر دلیل و برهان عقلی

أولم يروا أنّ الله .. بقدر على أن يحيى الموتى

خداوند در این آیه، برای اثبات امکان زنده شدن دو باره مردگان، دلیل عقلی آورده است و آن نمود مظاهر قدرت و حکمت در پیکره آفرینش است.

عقلانیت دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱

۱ - آیین ابراهیم ، آیینی خردمندانه و پیروی از آن خردمندی است .

و من يرغب عن ملة إبراهيم إلا من سفه نفسه

عقیده به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۹

۲۹ - آنان که ابعاد اعتقادی دین را باور دارند و از اموال خویش برای دستگیری مستمندان بهره می گیرند و وظایف عبادی و اجتماعی خویش را انجام می دهند ، تقواییشان حقیقی هستند .

و لكن البر من ءامن .. و أولئك هم المتقون

عقیده به دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۶

۶ - اعتقاد به آیین ابراهیم ، مستلزم پذیرش اسلام است .

ربنا وابعث فيهم رسولا .. و من يرغب عن مله إبراهيم إلا من سفه نفسه

جمله >ربنا وابعث

..> - که اشاره به بعثت پیامبر اسلام دارد - بیانگر اصلی از اصول آیین ابراهیم است. بنابراین باور به آیین ابراهیم، در پی دارنده باور به حقانیت دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۷

۷- اعتقاد به مرام ابراهیمی (ع) ، ناسازگار با هرگونه شرک به خدا

مَلَّه اِبْرٰهِيْمَ حَنِيفًا وَّ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که عبارت <ما كان من المشركين> تعریضی باشد به مشرکان مکه که از یک سو به حضرت ابراهیم(ع)، بنیان گذار کعبه، ارج می نهادند، ولی از سوی دیگر شرک میورزیدند.

علايق دشمنان دين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۵

۵ - دشمنان دين ، به دليل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

و اِنَّهٗ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيْدٌ

کلمه <شدید> چنان که در قاموس آمده گاه به معنای <بخیل> است. در صورتی که این معنا در آیه مراد باشد، حرف <لام> در <لحَبِّ الْخَيْرِ> لام تعلیل خواهد بود، یعنی، به خاطر حَبِّ مال.

علم به تعاليم دين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۷

۷ آشنایی عمیق با احکام دین و معارف الهی ، از شرایط ضروری برای نهی کنندگان از منکر

لولا ینھیهم الربنیون و الاحبار

بدان احتمال که نام بردن عالمان دین برای اشاره به این باشد که نهی از منکر تنها وظیفه آشنایان به احکام الهی، است.

- فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۲

۱۲ شیطان ناتوان از گمراه کردن کسانی که معارف و آیات الهی را بخوبی بشناسند و به آنها پایبند باشند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

از اینکه شیطان پس از فاصله گرفتن بلعم باعورا به تعقیب او می پردازد، معلوم می شود پیش از آن به وی دسترسی نداشته و از گمراه کردن او ناتوان بوده است.

علم به حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا بالله و رسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و... .

علم در تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۵

۵- دستور های الهی ، حقایقی است مبتنی بر علم و آگاهی خداوند به نیاز های تربیتی بشر

ذلك ممّا أوحى إليك ربك من الحكمة

<حکمت> وقتی به خداوند نسبت داده شود، به معنای معرفت او به اشیا و به وجود آوردن آنها در نهایت اتقان است (مفردات راغب).

علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۳۰

۳۰ دلایل

روشن الهی ، تمام کننده عذر و اتمام حجّت بر عالمان به آن

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات

علمای دین در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۴

۴ وجود عالمان دین و قاریان کتاب های آسمانی در عهد نزول قرآن

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلك

علمای دین دنیا طلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیا دوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لكنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه ... و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

علمای دین و انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

علمای دین و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ نسخه های کتاب های آسمانی پیشین در عصر نزول قرآن ، محدود و تنها در اختیار علمای ادیان بود .

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلك

علمای دین و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>؛ یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبد فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۹،۱۱

۹ - کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

لحن جمله <إن فريقاً...> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

علمای دین هواپرست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیا دوست و هواپرست و

تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لكنه أخذ إلى الأرض و اتبع هوه ... و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

عمل به بخشی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دنیاطلبی ، از انگیزه های تبعیض در دین (عمل کردن به برخی از دستورات دین و رها کردن برخی دیگر از آن) است

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۷

۱۷ - لزوم عمل به مجموعه کامل دستورات دین و پرهیز از هر گونه گزینش نسبت به آن

و لا تتفرّقوا فيه

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <تفرّق> در <لا تتفرّقوا فيه> عمل کردن به برخی از دستورات دین و رها کردن بعضی دیگر باشد.

عمل به تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱،۲

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب به اقامه تورات ، انجیل و سایر معارف و تعالیم الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم

۲ بهره مندی اهل کتاب از نعمت های آسمانی و زمینی ، در صورت باور به معارف تورات و انجیل و عمل به احکام آنها به

همراه دیگر تعالیم نازل شده بر آنان

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم

<اقامه > به معنای برپایی

چیزی و یا کاری است با تمام شرایط آن و اقامه کتب آسمانی، باور به معارف آن و انجام تمامی تکالیف آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۴

۴ پایبندی به کتاب های آسمانی و ادیان الهی نه مجرد انتساب به آن، تعیین کننده ارزشمندی جوامع

ياهل الكتب لستم على شيء حتى تقيموا التوریه و الانجیل

مخاطب قرار دادن یهود و نصارا با عنوان اهل کتاب و سپس تعیین ملاک ارزشمندی یعنی پایبندی به کتب آسمانی، اشاره به این است که صرف انتساب به دین و آیین الهی کارساز نیست، بلکه پایبندی به آن موجب ارزشمندی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۸

۸ بنی اسرائیل با نقض پیمان های الهی و پیروی از هوا های نفسانی، فاقد پایگاه مطمئن برای اقامه تورات، انجیل و دیگر معارف الهی

لستم على شيء... لقد اخذنا ميثق بنی اسرئیل

بنابر اینکه جمله <لستم على شيء...> به این معنا باشد که شما پایگاهی ندارید تا بتوانید تورات و انجیل را اقامه کنید، می توان گفت آیه مورد بحث آن پایگاه را تفسیر می کند؛ یعنی آن پایگاه عبارت است از تعهد به میثاق الهی و پرهیز از هواپرستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالت های انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنستلن الذين أرسل إليهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل>

إلهم > دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالت‌های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۳، ۱۰، ۸

۸ خداوند از موسی (ع) خواست تا پیام‌های او را دریافت کند و فراگیرد و اعمال و رفتارش را بر اساس آنها استوار سازد.

فخذ ماء آتیتک

<أخذ> (مصدر <خذ>) به معنای گرفتن است و گرفتن پیام‌های الهی به این است که انسان آنها را فراگیرد و به آنها عمل کند.

۱۰ فرمان به دریافت پیام‌های خدا و به کار بستن آنها و سپاسگزاری در برابر نعمت‌های او، از سخنان خداوند با موسی (ع) در میعادگاه مناجات

قال .. فخذ ماء آتیتک و کن من الشکرین

۱۳ فراگیری پیام‌های خدا و به کارگیری آنها در اعمال و رفتار، سپاسگزاری از او در برابر نعمت دین است.

فخذ ماء آتیتک و کن من الشکرین

مطرح کردن سپاسگزاری پس از اعطای پیام‌های آسمانی، برای رساندن این حقیقت است که آن پیامها از نعمتهاست و باید خداوند را به خاطر اعطای آنها شاکر بود. فرمان به فراگیری آنها می‌رساند که شکر این نعمت به فراگرفتن و به کار بستن آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۲

۱۲ لزوم پیشتازی رهبران بر پیروانشان در به کارگیری تعالیم خویش

فخذها بقوه و أمر قومک یاخذوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶

الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله .. انما أموالکم و اولدکم فتنه و ان الله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۹

۹- پایبندی به دین و عمل به دستورهی آن ، معیار ارزشمندی و ملاک دینداری است ، نه صرف ادعا و سخنوری .

فمن تبعنی فانه منی

<تبع> و <اتبع> به معنای گام نهادن در جای پای کسی و پیروی کردن همراه با دستورگیری است (مفردات راغب).

عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵ - ۵

۵ - رستگاری انسان در گرو ایمان به اصول اعتقادی دین و پایبندی به ارکان عملی آن است .

الذین یؤمنون .. و اولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۶

۶ سلامت و سعادت جوامع در گرو پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دین

و لو کانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

با توجه به آیات گذشته که در آن جامعه ای منحط از بنی اسرائیل ترسیم گردیده بود، معلوم می شود آیه مورد بحث، رهنمودی است برای نجات جوامع از انحطاط، بنابراین <ما اتخذوهم أولیاء> تنها، بیان یکی از نتایج ترک پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دینی است و نتایج دیگر که از آنها به سلامت و سعادت تعبیر شد با توجه به آیات گذشته به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۴

۴- حفظ معارف و شریعت الهی و اجرای احکام آن ، نیازمند صلابت و توان مندی است .

خذ الکتب بقوه

عمل پنهانی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۶

۶ - رفتار پنهان و آشکار دین ستیزان ، تحت نظارت مستقیم خداوند و نیز در نظرگاه کاتبان و مأموران الهی

أم یحسبون أنا لانسمع سرهم و نجویهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

عوامل اجتناب از دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ - پروا داشتن از خدا و نهرا سیدن از غیر او ، مستلزم ایمان به قرآن و پرهیز از دین فروشی است .

ءامنوا بما أنزلت .. و لاتشتروا بآیتی ثمناً قليلاً و ایّی فاتقون

عوامل استهزای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۸

۸ فریفتگی و دلبستگی به دنیا موجب یاوه گویی، بازیچه شمردن دین و بیهوده گویی درباره آن است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم .. و غرتهم الحیوه الدنیا

عطف جمله < غرتهم > از نوع عطف سبب بر مسبب است. یعنی سبب اینکه برخی دین را بازیچه گرفته اند، فریفتگی به

زندگی دنیاست.

عوامل اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۵

۵ - تکیه بر آداب و رسوم گذشتگان و اصرار بر رعایت آنها ، از عوامل نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص) و پیروی نکردن از قرآن

قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذین یصدون عن سبیل اللّٰه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره کفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلله گفته می شود. بر این مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن باز می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فَإِنْ أَعْرَضُوا .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

جمله <و اِنّا اذا .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۳۱

۳۱ - تردید در عالمانه و حکیمانه بودن احکام دین و انطباق آن با مصالح واقعی بشر ، از عوامل عدم پابندی به آن *

ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ .. وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

برداشت یاد شده با توجه به این

نکته است که پس از بیان حکم الهی، برای تأکید بیشتر بر اهمیت این حکم و پایبندی مؤمنان به آن، موضوع علم و حکمت صادرکننده آن حکم تذکر داده شده است.

عوامل التزام به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۱۰

۱۰ - لازمه بندگی خدا و توحید در عبادت و اطاعتش، حلال دانستن حلال‌های خدا و حرام دانستن حرام‌های خداست.

كلوا من طيب ما رزقنكم .. إن كنتم إياه تعبدون

هر یک از دو جمله <كلوا> و <اشکروا> می‌تواند حاکی از جواب شرط <إن كنتم ..> باشد. برداشت فوق‌ناظر به این است که جمله نخست به منزله جواب شرط گرفته شود. قابل ذکر است که چون عبادت، شرط برای امر <كلوا> و <اشکروا> قرار گرفته است، متضمن معنای اطاعت نیز می‌باشد. تقدیم <إياه> بر <تعبدون> دلالت بر حصر دارد و لذا توحید در عبادت و اطاعت از آن استفاده شد.

عوامل انحراف از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۹

۹ دروغ بستن به خدا، موجب بازدارندگی مردم از پیوستن به راه او و منحرف ساختن دین الهی و نشانه کفر به آخرت است.

و من أظلم ممن افتری .. و هم بالأخره هم كفرون

عوامل ایمان به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۱

۱۱ قرآن و پیام‌های آن بهترین وسیله برای ایمان به معارف الهی (توحید، قیامت و

.....) است .

فبأى حديث بعده يؤمنون

در برداشت فوق ضمیر <بعده> به قرآن و <باء> در فبأى < سببیه گرفته شده است. قابل ذکر است که در این صورت متعلق <یؤمنون> معارف الهی خواهد بود. یعنی اگر به وسیله قرآن به توحید و مانند آن ایمان نیاورند، پس به سبب چه چیز دیگری ایمان خواهند آورد؟

عوامل بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۸

۸ فریفتگی و دلبستگی به دنیا موجب یاوه گویی، بازیچه شمردن دین و بیهوده گویی درباره آن است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم .. و غرتهم الحیوه الدنیا

عطف جمله <غرتهم> از نوع عطف سبب بر مسبب است. یعنی سبب اینکه برخی دین را بازیچه گرفته اند، فریفتگی به زندگی دنیاست.

عوامل بدنماییانی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ انکار سرای آخرت، ریشه نپذیرفتن دین و معارف الهی، بازداشتن مردم از روی آوردن به آن و ناهنجار نشان دادن آن است .

الذین یصدون عن سبیل الله و ییغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون

جمله <و هم بالأخره ..> را می توان جمله حالیه و بیانگر علت اموری دانست که در جمله های قبل بیان شده است.

عوامل پاسداری از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ استقامت و پایداری توده مردم بر ایمان و عقاید دینی خود، در گرو تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان

قالوا نريد ان نأكل

منها و تطمئن قلوبنا

عوامل تثبیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۳

۱۳ - ایمان و عمل صالح ، موجب تثبیت و تحکیم دین در میان جامعه بشری

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتض

عوامل تحیر در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ شریکان موهوم خداوند با تزئین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و کذلک زین . . لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم

<ردی> به معنای هلاکت و <لبس> به معنای اشتباه است.

عوامل تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ انکار سرای آخرت ، ریشه نپذیرفتن دین و معارف الهی ، بازداشتن مردم از روی آوردن به آن و ناهنجار نشان دادن آن است .

الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون

جمله <و هم بالأخره . . > را می توان جمله حالیه و بیانگر علت اموری دانست که در جمله های قبل بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

۵ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات

کفر و تکذیب دین

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۴،۵

۴ - ثروت و جمعیت بسیار کافران در صدر اسلام ، عامل تکذیب دین و مانع آنان از پذیرش ایمان

آن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <آن کان ذا..> متعلق به فعل محذوفی (مانند <کذب>) باشد که جمله شرطیه <إذا تتلی...> در آیه بعد بر آن دلالت دارد. تقدیر آن چنین است: <لکونه ذا مال و بنین کذب بآیاتنا...>.

۵ - ثروت انبوه و جمعیت بسیار ، از عوامل تکذیب دین و از موانع ایمان است .

آن کان ذا مال و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۴

۴ - آلودگی به دروغ و گناه ، ساقط کننده انسان تا مرحله تکذیب دین و باز داشتن مردم از نماز

ینهی. عبدا إذا صلّی ... کذب و تولّی ... ناصیه کذبه خاطئه

وصف های <کاذبه> و <خاطئه> بیانگر استمرار کذب و خطا در شخص است. این دو وصف در مقایسه با <ینهی> و <کذب> فعل و دلالت کننده بر حدوث نهی و تکذیب اند به منزله علت و معلول می باشند.

عوامل دشمنی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۵

۵- اطاعت نداشتن از خدا و رسول او ، منتهی به عنادورزی با دین و محرومیت ابدی از غفران الهی *

یأیها الذین ءامنوا

أطيعوا الله و... إن الذين كفروا و... فلن يغفر الله له

از ارتباط <أطيعوا الله و...> با <إن الذين كفروا و...>، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - تکبر و تجاوزگری، موجب پافشاری بر راه باطل، تردید در حق و ستیزه جویی با آیات الهی (تعالیم دین) است.

من هو مسرف مرتاب . الذين يجدلون في آيات الله ... كذلك يطبع الله على كل قلب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار> درصدد بیان علت اسراف و تردید در حق و جدال در آیات الهی باشد (که در آیه پیش و صدر این آیه، مورد بحث قرار گرفته است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذين يجدلون في آيات الله .. الذين كذبوا بالكتب و بما أرسلنا به رسلنا

عوامل دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۶

۶ - دستیابی به متاع دنیا از عوامل دین فروشی و کتمان حقایق دینی است.

و يشترون به ثمناً قليلاً

عوامل دین گریزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - روح استکبار و خودبرتربینی ، از عوامل حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی

و

إِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتَهُمْ .. وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

عوامل سرزنش علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت اليهود .. و هم يتلون الكتب ... فالله يحكم بينهم يوم القيمة

عوامل شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۹

۹ - تردیدافکندن در باور های دینی ، نتیجه گمراهی عمیق انسان

ألا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ

با توجه به معنای <یمارون> (مجادله ای که در آن شک و تردید باشد) برداشت بالا به دست می آید. (مفردات راغب).

عوامل شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۴

۴ - جدال در آیات الهی (تعالیم دین) ، بدون دلیل و برهان و از سر جهل و بی فکری ، موجب تردید و شکاک بودن انسان در معارف الهی و زیاده روی در مخالفت با آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب . الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان آتیه

جمله <الذين يجادلون..> در واقع بیانگر علت مسرف و مرتاب (شکاک) بودن برخی از انسان ها است؛ یعنی، چون برخی به جای فکر کردن در آیات الهی، از سر جهل و یا تقلید به مجادله با آن بر می خیزند. از این رو نسبت به تعالیم الهی همواره

در مخالفت با تعالیم آسمانی اسراف می کنند.

عوامل شکست دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- توطئه گران ، از درك عوامل شکست و ناکامی خود در توطئه علیه دین ، عاجزند .

قد مکر الذین من قبلهم .. و أتهم العذاب من حیث لایشعرون

عوامل غفلت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر .. و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیة قلوبهم> در صدر آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

عوامل کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و حرام است .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۶

۶ - گرایش انسان ها به شرک و پرستش غیر خدا ، از عوامل وادار کننده آنان به کتمان حقایق دینی و معارف کتاب های آسمانی است . *

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا .

.. و إلهكم إله واحد لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۶

۶ - دستیابی به متاع دنیا از عوامل دین فروشی و کتمان حقایق دینی است .

و یثرون به ثمناً قليلاً

عوامل گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۵

۵ - توجه انسان در دنیا به ناپایداری عمر خویش ، دارای نقشی اساسی در گرایش او به دین الهی

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

تعبیر <لو أنكم كنتم تعلمون> می رساند که اگر انسان در زندگی دنیوی، به ناپایداری آن توجه داشته باشد، راهی را انتخاب خواهد کرد که به دوزخ و پشیمانی منتهی نشود. آن راه، همان گردن نهادن به شریعت و آیین الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به آیات فراوان الهی ، مقتضی روی آوردن به دین خداست .

و من آياته .. فأقم وجهك للدين حنيفاً

احتمال دارد <فا> در <فأقم> تفریع بر آیاتی باشد که در صدد اثبات یک تایی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۱۰، ۱۱

۱۰ - تأثیر سازنده اخلاص و نداشتن چشم داشت مادی ، در تبلیغ دین و گرایش دادن مردم به دین داری

اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَتَكُمْ أَجْرًا

۱۱ - تأثیر سازنده آگاهی و پیمودن راه دین ، در تبلیغات دینی و گرایش دادن مردم به دین داری

اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَتَكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مَهْتَدُونَ

مقصود از

جمله <و هم مهتدون> (آنان ره یافته اند) این است که پیامبران، راه دین را شناخته و آن را پیموده اند و طبیعی است کسانی که راه دین را پیموده باشند، در تبلیغ دین موفق تر خواهند بود و مردم نیز دعوت آنان را بهتر خواهند پذیرفت.

عوامل گسترش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۴

۴ - هدف از تشریح جهاد و مبارزه در اسلام ، گسترش و جهانی شدن دین الهی و بر طرف شدن فتنه است .

و قتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۷

۷- سنّت الهی ، بر پیشبرد اهداف دین ، در اثر تلاش و جهاد مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

از مجموع شرط و جزا، استفاده می شود که خداوند، آن گاه امت اسلامی را نصرت بخشیده و قوت می دهد که آنان، خود در راه دفاع از مکتب به پاخیزند. مفهوم شرط نیز می رساند که بدون تلاش، نصرت نصیبشان نخواهد شد.

عوامل مبارزه با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۵

۵ - خوی استکبار و برتری طلبی ، عاملی مهم در کفر و دین گریزی

ثمّ أدبر و استکبر

عوامل محرومیت از درک دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۸

۸- مردمی که دل هایشان مهر شده ، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند

فطبح علی قلوبهم فهم لایفقهون

عوامل محرومیت از فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إنا جعلنا فی أعنقهم أغللاً ... فهم مغمحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و

بینایی

فهم لایؤمنون .. فأغشینهم فهم لایبصرون

عوامل موفقیت مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۴

۴ - طهارت و پاکیزگی جسم و جان ، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و ثيابک فطهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵ - ۲

۲ - پرهیز از پلیدی و آلودگی ، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و الرجز فاهجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۶ - ۴

۴ - دوری از منت نهادن و زیاد شمردن عطایا و خدمات خود ، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و لاتمنن تستکثر

عوامل مؤثر در ثبات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۱

۱۱ اراده خداوند به اعتلای

دین و راه خود ، در پرتو ایثار و جهاد مؤمنان

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .. يَقتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

از اینکه خداوند، اعلام کرده است که خریدار جان و مال مؤمنان می باشد و سپس مسأله جهاد فی سبیل الله را مطرح ساخته، استفاده می شود که خداوند، پیشبرد راه خود را در پرتو جهاد مؤمنان قرار داده است.

عوامل مؤثر در فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۷

۷- ویژگی ها و خصایل اخلاقی (چون صبر و شکر) ، مؤثر در فهم معارف توحیدی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

با توجه به این که صبر و شکر از فضایل اخلاقی می باشد، از تعلیق فهم آیات الهی بر صبر و شکر استفاده می شود که ویژگی های اخلاقی، دارای نقشی مهم و اساسی برای درک معارف است.

عوامل ناخشنودی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- ناخشنودی از دین و پیام های الهی ، معلول نیندیشیدن به عاقبت کفر و کافران *

كُرْهُوَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

از ارتباط <أفلم يسيروا> با <كُرْهُوَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ>، می توان استفاده کرد که اگر کافران عصر بعثت به فرجام شوم پیشینیان کافر می اندیشیدند، این چنین از پیام های دین، گریزان و ناخشنود نبودند.

عینیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۸

جعلنك خليفه في الأرض فاحكم بين الناس بالحقّ

انتخاب داوود(ع) از سوی خداوند برای تدبیر کلیه امور جامعه بشری و مأموریت او برای داوری میان مردم در کلیه نزاع ها و اختلاف ها، بیانگر حقیقت یاد شده است.

غفلت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۶

۶ - جوامع معاصر موسی ، گرفتار غفلت و بی خبری از تعالیم الهی

و لقد ءاتینا موسی الکتب .. لعلهم یتذکرون

غفلت دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۵،۹

۵- خداوند ، توطئه گران علیه دین را به گونه ای غافلگیرانه گرفتار عذاب کرد که هیچ گاه به آن گمان نمی بردند .

قد مکر الذین من قبلهم .. و أتهم العذاب من حیث لایشعرون

۹- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد .. و أتهم العذاب من حیث لا

غفلت مسیحیان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و ...) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان

نقل شده است: > آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. <

غفلت معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۱

۱۱- روی گردانان از تکالیف و تعهدات الهی، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند.

و لا تشتروا بعهد الله .. إنما عند الله هو خير لكم إن كنتم تعلمون

غفلت یهود از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲- یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا، سرای آخرت و ...) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله، به بحث و مشاجره می پرداختند.

ليس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: > آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. <

غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۲۳، ۵، ۳، ۱

۱ خداوند، اهل کتاب را از غلو در دینشان نهی کرده است.

يا اهل الكتب لا تغلوا في دينكم

>غلو< به معنای تجاوز است، و غلو در دین به معنای خارج شدن از حدود و معارفی است که در کتب

آسمانی آمده و یا پیامبران الهی تعلیم داده اند.

۳ یهود و نصارا مردمی آلوده به غلو و گزافه گویی در دین

ياهل الكتب لاتغلو في دينكم

با توجه به سیاق آیه معلوم می شود، غلو و تجاوز تحقق پیدا کرده نه اینکه نهی از غلو تنها برای پیشگیری باشد.

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

ياهل الكتب لاتغلو في دينكم

۲۳ مسیحیان معتقد به تثلیث ، غلو کنندگان در دین هستند .

ياهل الكتب لاتغلو في دينكم .. و لاتقولوا ثلثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۷، ۱۴، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲

۲ پیامبر (ص) مأمور نهی اهل کتاب از غلو و گزافه گویی در آیین خویش

قل ياهل الكتب لاتغلو في دينكم

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

ياهل الكتب لاتغلو في دينكم

۵ پندار تثلیث و الوهیت مسیح (ع) و مادرش مریم ، مصداق روشن گزافه گویی و غلو مسیحیان در دین خویش

ياهل الكتب لاتغلو في دينكم

از مصادیق مورد نظر از گزافه گویی مسیحیان به قرینه آیات گذشته اعتقاد آنان به تثلیث و الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است.

۷ بی توجهی به کتاب های آسمانی ، منشأ غلو و گزافه گویی در دین

ياهل الكتب لاتغلو في دينكم غير الحق

مخاطب قرار دادن مسیحیان با عنوان اهل کتاب، برای اشاره به این حقیقت است که غلو در دین با پیروی از کتب آسمانی ناسازگار است. بنابراین غلو پیروان ادیان الهی ریشه در بی توجهی آنان به کتب آسمانی خویش دارد.

۸ پیروی

اهل کتاب از پیشینیان گمراه و هواپرست خویش ، منشأ غلو و گزافه بستن آنان به دین

ياهل الكتب لا تغلوا .. و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

بنابر اینکه مخاطبان <يا اهل الكتب> نصارا و يهود در عصر پیامبر(ص) باشند، به نظر می رسد مراد از <قوم قد ضلوا من قبل> پیشینیانی از خود اهل کتاب باشد و مصداق مورد نظر در ضلالت آن قوم، غلو و تجاوزشان در طرح مسائل دینی است.

۱۴ غلو و افراط در دین ، برخاسته از تمایلات نفسانی و بدور از دلیل و برهان

لا تغلوا فی دینکم غیر الحق و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

۱۷ غلو در دین ، ضلالت و انحراف از حد اعتدال و راه میانه است .

لا تغلوا فی دینکم غیر الحق و لا تتبعوا اهواء قوم .. و ضلوا عن سواء السبیل

فراگیری تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۳، ۱۰، ۸

۸ خداوند از موسی (ع) خواست تا پیام های او را دریافت کند و فراگیرد و اعمال و رفتارش را بر اساس آنها استوار سازد .

فخذ ما ءاتیتک

<أخذ> (مصدر <خذ>) به معنای گرفتن است و گرفتن پیامهای الهی به این است که انسان آنها را فراگیرد و به آنها عمل کند.

۱۰ فرمان به دریافت پیام های خدا و به کار بستن آنها و سپاسگزاری در برابر نعمت های او ، از سخنان خداوند با موسی (ع) در میعادگاه مناجات

قال .. فخذ ما ءاتیتک و کن من الشکرین

۱۳ فراگیری پیام های خدا و به کارگیری آنها در

اعمال و رفتار ، سپاسگزاری از او در برابر نعمت دین است .

فخذ ما ءاتیتک و کن من الشکرین

مطرح کردن سپاسگزاری پس از اعطای پیامهای آسمانی، برای رساندن این حقیقت است که آن پیامها از نعمتهاست و باید خداوند را به خاطر اعطای آنها شاکر بود. فرمان به فراگیری آنها می رساند که شکر این نعمت به فراگرفتن و به کار بستن آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴ - ۱۰،۱۴

۱۰ جدیت در فراگیری معارف الهی به بهترین وجه ، و عمل به احکام دین به نیکوترین صورت ، وظیفه ای بر عهده مردم

و أمر قومک یاخذوا بأحسنها

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها .. یاخذوا بأحسنها سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <سأوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولک یاخذوا> باشد / یعنی: <این تاخذها و یاخذوا سأوریکم دار الفسقین> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوریکم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

فراموشی تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۷

۱۷ گناه ، از عوامل فراموشی و نسیان معارف الهی

فبما نقضهم ميثقهم .. و نسوا حظاً مما ذكروا به

فرجام اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - سرانجام رویگردانی از آن چه که خداوند نازل کرده و گردن نهادن

به راه شیطان ، آتش شعلهور است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله .. أو لو كان الشيطان يدعوهم إلى عذاب السع

فرجام دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذين كفروا و ذلك جزاء الكافرين

فرجام شوم مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۴

۴ - ترسیم فرجام نیک متقین و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان دین ، از وظایف رهبران الهی

فذكر

ظاهراً موضوع تذکر، مطالبی است که در آیات پیشین در مورد فرجام نیک مؤمنان و سرنوشت شوم کافران آمده است.

فرجام مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر

فرعون و انتخاب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ فرعون ، مردم را در گزینش دین و آیین ، نیازمند رخصت دهی خویش می دانست و آن را حقی برای خود می شمرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

فضایل پیروان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۸

- مؤمنان تائب و پیرو راه الهی ، برخوردار از لطف و حمایت فرشتگان عرش الهی

الذین یحملون العرش ... یتستغفرون ... للذین تابوا و اتبعوا سبیلک

فضایل علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۷

۳۷ عالمان خداترسی ، وارسته از دین فروشی و تحریفگری

و اخشون و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلاً

فضیلت دین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۶

۶ - دین نوح ، اولین شریعت آسمانی است . *

شرع لکم من الدین ما وصّی به نوحاً

آیه شریفه در مقام بیان ادیان پیشین است. تعبیر <شرع لکم... أوحینا إلیک> می تواند ناظر به اولین و آخرین شرایع آسمانی باشد.

فضیلت محافظت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ شرافت پاسداری از دین ، شایسته ملت های مجاهد و انفاقگر و نه بخلورزان دنیاگرا

و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم ثمّ لایکونوا أمثلکم

با توجه به این که آیات پیشین در زمینه جهاد و انفاق و نیز روی گردانان از جهاد و انفاق بود، این آیه می تواند خطاب به جامعه مسلمین عصر پیامبر(ص) باشد که اگر آنان از جهاد و انفاق روی گردانند، خداوند شرافت پاسداری از دین را از آنان

سلب کرده و به امتی خواهد داد که این چنین نباشند.

فطرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۴

۴ التزام به دین الهی، امری فطری و آمیخته با فطرت

آدمی است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

انتساب دین به کافران (دینهم) حکایت از آن دارد که دینی برای آنان فرض شده است. بنا بر یک احتمال این دین همان ندای فطرت است که آنان را به توحید و تدین فرامی خواند؛ چنانکه صاحب المیزان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳- هماهنگی احکام الهی، با فطرت و طبیعت انسان

حللاً طیباً

برداشت فوق، از آن جاست که <طیب> به معنای چیزی است که انسان با طیب نفس و رغبت کامل آن را بپذیرد و قرآن چنین چیزی را متعلق حلیت دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۷

۷- تعالیم دینی، با فطرت و گرایش انسان ها، هماهنگ است.

کلّ ذلک کان سیئه عند ربّک مکروهاً

مشارالیه <ذلک> مجموع انحرافهای عقیدتی و اخلاقی است که در آیات پیش مطرح شده است و خداوند، آنها را ناخوشایند دانسته و از آنها تعبیر به <سیئه> کرده است و <سیئه> از ریشه <سوء> به معنای هر چیزی است که مایه اندوه و ناراحتی انسان شود و این، نشان می دهد که بین تعالیم دینی و طبیعت انسان، هماهنگی وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱۶، ۱۸

۱۶ - ثبات و بقای دین توحیدی، به خاطر هماهنگی آن با فطرت انسانی است.

فطرت الله الّتی فطر الناس علیها .. ذلک الدین القیم

<ذلك> اشاره به دینی است که از هرگونه انحراف و کجی

به دور بوده و مطابق با فطرت انسان ها است و خداوند، آنان را مأمور به رویگرد تمام عیار به سمت آن کرده است.

۱۸ - اکثریت مردم ، به دین حقی که فطرت انسان ها با آن هماهنگ است ، جاهل اند .

فطرت الله .. و لكن أكثر الناس لا يعلمون

متعلق <لا يعلمون> در آیه نیامده است. احتمال دارد به قرینه ذکر دین فطری (اسلام)، متعلق آن نکته ای باشد که در بالا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۸

۸ - معارف دین ، دارای ریشه در فطرت و سرشت انسان

فی الله من بعد ما استجیب له

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <فی الله> دین خدا و اجابت کننده فطرت انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۷

۷ - حقایق دین ، نهفته در نهاد آدمیان ؛ اما نیازمند تذکر و یادآوری با پیام

فذكر بالقرءان

واژه <ذکر> به معنای تذکر است. یادآوری کردن در جایی کاربرد دارد که قبلاً مورد توجه بوده ؛ اما به دلایلی مغفول واقع شده است. در مورد آدمیان توجه قبلی آنان به حقایق دین، توجه فطری و غریزی خواهد بود.

فلسفه تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ از میان بردن فرهنگ و مقررات جاهلی حاکم بر جوامع ، از اهداف احکام و قوانین الهی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله .. افحکم الجهلیه بیغون

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۹

۱۹ نیل انسان ها به فلاح و رستگاری از جمله اهداف امر الهی به تقوای پیشگی است .

فاتقوا الله یا ولی الالب لعلمک تفلحون

فلسفه تعلم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ کسب معارف دینی ، مقدمه ای برای انذار و هدایت جامعه است .

لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم

فلسفه تفقه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ انذار جامعه ، از هدف های اصلی و محور تفقه در دین است .

لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم

فلسفه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - دستورات الهی ، برنامه هایی برای رساندن انسان به اهداف تعیین شده

اعبدوا ربکم .. لعلمک تتقون

جمله <لعلمک تتقون> می رساند که: هدف تعیین شده برای انسانها نیل به تقوای پیشگی است و خداوند به منظور رساندن

انسانها به این هدف، عبادت را بر آنان واجب کرده است. بنابراین دستورات خداوند به منظور رساندن آدمی به این هدف، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ تکالیف الهی، تأمین کننده مصالح و منافع انسانهاست.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۸

۱۸ - مصلحت انسان ها، اساس احکام و فرمان های

ادیان الهی است .

ذلکم خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۳، ۱۰، ۸، ۶

۶ - پذیرش تورات با جدیت تمام و استوارسازی رفتار و اندیشه ها بر اساس آن ، فرمان خداوند به بنی اسرائیل

خدا ما ءاتینکم بقوه

۸ - تحصیل تقوا و دوری از اعمال ناروا ، هدف از فراخوانی بنی اسرائیل به پذیرش تورات

خدا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

۱۰ - نیل انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی است .

خدا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

۱۳ - فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اعمال بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خدا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۸ - ۲

۲ - خداوند ارائه کننده بهترین معارف و دستورات برای پاک سازی بشر از آلودگیها

و من أحسن من الله صبغه

جمله <و من أحسن...> چه کسی در رنگ آمیزی کردن (تطهیر) از خدا بهتر است. > به دلیل وقوع آن پس از مطرح ساختن ایمان و فرستادن احکام و معارف قرآن و ... اشاره به این دارد که: احکام و معارفی که خداوند نازل کرده و مردم را بدان فراخوانده، بهترین معارف و دستورات برای پاک سازی و تطهیر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۵

از تشریح دین و جعل احکام از سوی خداوند است .

ما ولیهم عن قبلتهم ... یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۳

۳ - داشتن قبله ای خاص و روکردن به آن ، هدف اصلی دین و عبادت نیست .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من ءامن

بدیهی است که روی آوردن به قبله (در عبادتها) خود از فرمانهای الهی است. بنابراین نفی نیکی از آن با توجه به فزاینده‌های بعد (و لکن البر ...) اشاره به این دارد که: دستور روی آوردن به قبله یک دستور فرعی است و آنچه هدف و اساس دین است، ایمان و ... می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۴

۴ ادیان الهی ، راه رشد و تعالی انسان و جامعه

ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم

خداوند با تعبیر واپسگرایی به جای کفر و شرک، اشاره به این معنا دارد که دین الهی، راه رشد و تعالی واقعی انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۶

۶ هدایت و تربیت تمامی انسان ها ، هدف از بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ رشد ، رستگاری و سعادت انسان ، هدف برنامه ها و تکالیف الهی

اتقوا الله وابتغوا إليه

الوسيله و جهدوا في سبيله لعلكم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ فلاح و رستگاری ، از اهداف تشریح احکام دین

انما الخمر .. فاجتنبوه لعلكم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اوامر، نواهی، هشدارها و توبیخهای خداوند همواره در جهت رشد و تربیت انسانهاست.

و ناديهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ توجه انسان به خدادادی بودن نعمتهای مادی و معنوی، از اهداف تبیین آیات قرآن و معارف دین

ذلک من ءایت الله لعلهم یذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۱۴، ۱۰، ۹، ۶

۶ دین و معارف الهی ناشی از مقام ربوبی خداوند و برای رشد و تعالی انسانهاست .

أن جاءکم ذکر من ربکم

<من> در <ذکر من ربکم> برای ابتدای غایت است. یعنی معارف دین از مقام ربوبی سرچشمه گرفته است. و اضافه

<رب> به <کم> می رساند که نزول آن معارف در راستای ربوبیت خدا بر انسانها و برای تربیت آنان است.

۹ ترساندن مردم از عذاب های الهی به واسطه پیامبران ، از اهداف نزول دین و معارف الهی است .

أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم

<لینذرکم> متعلق به <جاء> است و ضمیر <لینذر> به <رجل> برمی گردد. یعنی هدف از اینکه معارف دین بر پیامبری نازل می شود، این است که وی مردم را از عذابهای الهی بترساند.

گرایش مردم به تقوای پیشگی در پرتو رسالت انبیا، از اهداف نزول دین و و معارف الهی است.

أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رِجْلِ مَنْكُمُ لِنَنْذَرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا

<لتتقوا> عطف بر <لینذركم> است و در نتیجه نیل مردم به تقوا از اهداف آمدن ذکر و معارف دین می باشد. و چون بیان این هدف در پی <لینذركم> ذکر شده است، می توان گفت نیل انسانها به تقوای پیشگی در پرتو امداد و اندرز پیامبران امکان پذیر است.

۱۴ شمول رحمت خاص الهی بر بندگان، از اهداف نزول دین و بعثت پیامبران

أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رِجْلِ مَنْكُمُ ... لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۷،۹

۷ دین و معارف الهی ناشی از مقام ربوبی خداوند و برای رشد و تعالی انسانهاست.

أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ

۹ ترساندم مردم از عذاب های الهی به واسطه پیامبران، از اهداف نزول دین و معارف الهی است.

أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رِجْلِ مَنْكُمُ لِنَنْذَرَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۲

۲ دین و تعلیمات و رهنمود های خدا و پیامبر (ص)، مایه حیات واقعی انسان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

مراد از <ما> در <لما يحييكم>، تمامی تعلیمات و معارف و رهنمودهای خدا و رسول اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۷ - ۲

۲- مورد لطف و مرحمت قرار گرفتن انسان، فلسفه

دین و حکمت فرستاده رسولان

و ما أرسلنک إلاّ رحمہ للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۹ - ۵

۵ - بعثت پیامبران و تعالیم ادیان ، در جهت تأمین منافع و مصالح انسان ها است .

إنما أنا لکم نذیر مبین

به کارگیری <لام> انتفاع در <لکم> می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - احکام و تعالیم دین در جهت رشد ، بالندگی ، طهارت و پاکی انسان ها است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - احکام و تعالیم دین ، در جهت رشد ، بالندگی ، طهارت و پاکی انسان است .

قل للمؤمنین یغضوا من أبصرهم . . . ذلک ازکی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۹ - ۴

۴ - بنده خالص و برگزیده خدا شدن ، روح ادیان الهی و ثمره اصلی کتاب های آسمانی

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا عباد الله المخلصین

از این که مشرکان گفته اند: اگر کتاب آسمانی برای ما نازل می شد، ما هم بنده خالص و برگزیده خدا می بودیم؛ می توان

استفاده کرد که این بندگی بر اثر تعالیم کتاب های آسمانی به وجود می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۵

۵ - نشان دادن راه درست زندگی ، از

اهداف ادیان توحیدی و پیامبران الهی

اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که راه درستی که مؤمن آل فرعون مردم را به آن فرا می خواند، همان راه پیامبران (چون حضرت موسی(ع)) و ادیان الهی (چون یهود) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- هدف اصلی و نهایی دین ، دعوت مردم به ایمان و تقوا و نه دریافت مال از ایشان

و إِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يُسْئَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ

<لَا يُسْئَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ> می تواند در قبال <إِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا> و در مقایسه با آن باشد؛ یعنی، پیام دین، پیام ایمان و تقوا است؛ نه دریافت مال.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - احکام و قوانین الهی ، در جهت منافع و مصالح واقعی انسان ها است .

تَوَمَّنُونَ .. و تَجْهَدُونَ ... ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۵

۵ - دین ، راهی است که مقصد در آن تقرب به خداوند است .

اتَّخِذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا

فلسفه دین ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۴

۴ - خوی استکبار و برتری طلبی ، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت ولیدین مغیره ، با آیات الهی و پیامبراسلام (ص)

و استکبر

خداوند در آیه ۱۶، ولیدین مغیره را به عنوان مخالف و دشمن آیات قرآن معرفی کرده (إِنَّهٗ كَانَ لَآيَاتِنَا عَنِيدًا)

و در آیه مورد بحث، از او به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبر اسلام (ص)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

فواید تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۱

۱۱ تعالیم آسمانی ، منبعی برای شناخت خیر و شرّ

و لا یحسینَ . . . هو خیراً لهم بل هو شرّ لهم

فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین (کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد یبّینا الأیت لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در <لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۲۲

۲۲ - آیات خدا و معارف دینی ، به وسیله عقل ، قابل درک و فهم است .

نفصل الأیت لقوم یعقلون

قبول بخشی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر، کفر

به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است . *

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتَوْنَ أَجْرًا لِمَن يَعْبُدُ أُولَئِكَ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ

با توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامل تبعیض در اعتقاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود؛ یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۸

۸ - قبول بخشی از دین و رها ساختن جنبه های دیگر آن ، عملی مشرکانه است .

و لا تكونوا من المشركين . من الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعاً

مراد از <دین> می تواند اسلام باشد. متفرق ساختن آن، به معنای پذیرش بخشی از آن و قبول نکردن بخشی دیگر است. لازم به ذکر است که فعل ماضی <فَرَّقُوا> در صورت یاد شده منسلخ از زمان می باشد.

قبول تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۶

۶ پذیرش احکام و تعالیم الهی در گرو پرهیز از هواپرستی و تمایلات نفسانی

كلما جاءهم رسول بما لا تهوى انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۶

۶ کسانی که آیات الهی و معارف آن را فرا گرفته و آن را به فراموشی نسپرده و غفلت نمی کنند، نزد خداوند ارجمندند.

قد فصلنا الأيت لقوم يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۶ ضرورت ایمان به همه معارف و احکام دین

إن الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا لست منهم فی شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۴

۴ پذیرش همه معارف و احکام دین، حسنه و پذیرش بخشی از آن و رهاسازی بخشهای دیگر، سیئه است.

إن الذین فرقوا دینهم .. من جاء بالحسنه ... و من جاء بالسیئه

با توجه به آیه قبل می توان گفت مصداق مورد نظر برای <الحسنه> ایمان به همه معارف و احکام دین و مصداق <السیئه> تفرقه در دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ پذیرش معارف دین و باور به اندرزهای پیامبران، زمینه ساز گرایش به تقوا و پرهیزگاری است.

لینذركم و لتتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۹

۹ امت های کفرپیشه و تکذیب کننده انبیا در تاریخ گذشته، اهل ایمان و گرایش به معارف دین نبودند.

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل

<ما> در <ما کانوا> برای نفی و <لام> در <لیؤمنوا> لام وجود و تقویت کننده نفی است. بنابراین جمله <فما کانوا> با تأکید فراوان گرایش امتهای گذشته را به ایمان نفی می کند و آنها را اهل باور به دین نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۲ - ۳

۳ امت های گذشته با پیامبران خویش عهد بستند که با مشاهده معجزه ، آنان را تصدیق

کرده و به حقایق و معارف الهی ایمان آورند .

و ما وجدنا لأكثرهم من عهد

با توجه به آنچه درباره مضاف إليه کلمه <قبل> در آیه پیشین گذشت، می توان گفت مراد از <عهد> وعده ایمان و تصدیق بوده است. یعنی امتها تعهد می کردند که با دیدن معجزه ایمان خواهند آورد، ولی اکثر آنان به عهد خویش وفا نکردند.

قبول دعوت مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۴

۴- اجابت پیام مبلغان الهی ، ایمان به خداوند است .

أجیبوا داعی الله و ءامنوا به

در برداشت یاد شده جمله <آمنوا به> تفسیر <أجیبوا> دانسته شده و ضمیر <به> به <الله> باز گردانده شده است. احتمال دیگر این است که <آمنوا> جمله مستقل باشد و ضمیر <به> به داعی الله <ارجاع کردد.

قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۴

۱۴ - توصیه به پذیرش آیین الهی و تسلیم خدا بودن ، از بهترین وصیتهاست .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب بینی . . . فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۴

۱۴ - پذیرش احکام الهی ، نشانه پیروی از فرستادگان الهی است .

ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۸

۸ - درک حقایق و معارف دین و پذیرش آنها ، تعیین کننده میزان ارزش قوای ادراکی است

صم بکم عمی فهم لایعقلون

کر، لال و کور خواندن کفرپیشگان علی رغم اینکه آنان از ابزار شنوایی و ... برخوردار هستند، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که: اگر ابزار و قوای ادراکی وسیله فهم معارف دین قرار نگیرند، در حقیقت با نبودشان یکسانند و ارزشی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱۲

۱۲ پذیرش احکام الهی و عمل به آن ، باعث رشد و طهارت انسان

و اذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. ذَلِكُمْ اِزْكِ لَكُمْ و اطهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۳،۴

۳ غیر مسلمانان را نباید مجبور به پذیرش اسلام کرد .

لا اکراه فی الدّین

بنابراینکه <لا-اکراه> در مقام تشریح باشد، یعنی تحمیل عقاید و اوامر و نواهی دین بر کسانی که خارج از اسلام هستند، جایز نیست.

۴ آزادی و اختیار آدمی در پذیرش ایمان و کفر

لا اکراه فی الدّین قد تبین الرّشد من الغیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۸

۱۸ رهایی از کیفر گناهان ، در گرو پذیرش احکام الهی و قضاوت های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ خشنودی قلبی از خدا و پذیرش قوانین و مقررات الهی از روی میل و رغبت و نه از روی اکراه و بی میلی از اوصاف مؤمنان راستین است .

و السبقون

الأولون . . . و الذين اتبعوهم بإحسن رضى الله عنهم و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۶

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی در پیش گرفتن راه او (راه دین) است .

اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا

قبول دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۷

۷ - منزّه بودن آیین ابراهیم از هر گونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها إبرهیم . . . بینی إن الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن

تفریع جمله <لا تموتن . . . > بر <إن الله... > به وسیله حرف <فاء > گویای برداشت فوق است.

قبول دین برگزیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۸

۸ - ضرورت پذیرش هر آنچه خداوند برای انسان گزینش می کند و بدان فرمان می دهد .

إن الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن إلا و أنتم مسلمون

حرف <فاء > در <فلا تموتن . . . > سببیه است، یعنی، بیان می دارد: آنچه پس از آن واقع شده، نتیجه مضمون جمله قبل

است. بنابراین جمله فوق به این معناست: چون خداوند دین ابراهیم (تسلیم بودن در برابر خدا) را برای شما گزینش کرده، باید

همواره بدان ملتزم باشید.

قبول دین مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از

هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

تفریع جمله <فتری> بر جمله <ان الله...>، می رساند که گرایش عمیق بیماردلان، بیان مصداقی برای جمله <ان الله لا يهدى...> است.

قبول دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۹

۹ گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

تفریع جمله <فتری> بر جمله <ان الله...>، می رساند که گرایش عمیق بیماردلان، بیان مصداقی برای جمله <ان الله لا يهدى...> است.

قضاوت درباره دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذين كفروا... لو كان خيراً ما سبقونا إليه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

قلمرو تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ دین، دربردارنده ابعاد اجتماعی و عبادی و اعتقادی

أمر ربی بالقسط و اقیموا... و ادعوه مخلصین له الدین كما بدأکم تعودون

قوه فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۹

۹ از دست دادن

نیروی درک معارف و حقایق بیان شده از سوی سفیران الهی، پیامدی برای مهرشدن قلبهاست.

و نطبع علی قلوبهم فهم لا یسمعون

برداشت فوق از <فاء> تفریع استفاده شده است.

قیدهای اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز، گرفتار قید و بند های گران در عرصه قیامت

إِنَّ لَدِينَا أَنْكَالًا

<نِکَل> (مفرد <أنکال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحيط).

کافران و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین شریعتهای الهی به خود انسانها می رسد. ب: <اتخذوا> از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین الله لهوا و لعبا. و تبدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین، پلید هستند و اهل ایمان، پاک.

لیمیز الله الخبیث من الطیب

کافران و فروع دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۶

۶ - مکلف بودن کافران

به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

یدعون إلى السجود و هم سلمون

کافران و فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴،۶

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن، محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین، از درک آنها ناتوان و محرومند .

بکم ... فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند؛ یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل

لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون> یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۷

۷ - ظالمترین مردم کسی است که حقایق دینی و معارف الهی را کتمان کرده و از ارائه آنها به دیگران خودداری کند .

و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

<من الله> همانند <عنده> صفت برای <شهاده> است. بنابراین <شهاده عنده من الله> یعنی، شهادتی که در نزد اوست از ناحیه خدا دریافت کرده است. مقصود از شهادت که از ناحیه خدا در اختیار انسان می باشد، حقایق دینی و معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك يلعنهم الله .. أولئك عليهم لعنه الله

جمله <أولئك يلعنهم الله> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذين تابوا ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئك عليهم لعنه الله> به دلیل <ماتوا و هم كفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

کسب با دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱۱ - درآمد های به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری ، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد .

و ویل لهم مما یکسبون

مراد از <ما>ی موصوله در <مما یکسبون> می تواند درآمدهایی باشد که عبارت <لیشتروا به ثمناً قليلاً> آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۲ - هر درآمدی که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیشتروا به ثمناً قليلاً

ظاهر این است که <قليلاً> صفت توضیحی برای <ثمناً> باشد. بنابراین <ثمناً قليلاً> به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

کفر به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ اختلاف انگیزی در دین ، پس از درک حقیقت آن ، کفر است .

و ما اختلف .. و من یکفر بایات الله

کفر به دین لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرین

کفر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و

نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

کفران دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۶

۶ - ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إنّ الإنسن لربّه لکنود .. أفلا یعلم إذا بعثر ما فی القبور

کفران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۸

۸ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مکر فی آياتنا

کیفر اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلوگیر کیفر می شوند .

و المکذبین .. و طعامًا ذا غصّه

کیفر اخروی علما دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت اليهود .. و هم يتلون الكتب ... فالله يحكم بينهم يوم القيمة

کیفر اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۴

به هلاکت رساندن امتهای بی اعتنا به تعالیم دین، از سنتهای خداوند است. *

و کم من قریه أهلکنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۵

۵ - مردم ، گرچه نباید بر ایمان مجبور شوند ؛ ولی بر اعراض و کفر مؤاخذه شده و در آخرت عذاب خواهند دید .

لست علیهم بمصیطر . إلا من تولی و کفر

حرف <إلا> در یک احتمال برای استثنای منقطع است. در نتیجه مفاد این آیه و آیه بعد، این است که: <تو بر هیچ کس سیطره نداری ؛ لکن اعراض کنندگان کافر در آخرت به عذاب خداوند گرفتار خواهند شد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۸

۸ - تکذیب دین و روی گردانی از آن ، در پی دارنده کیفری تحقیر آمیز و گریزناپذیر

أرءیت إن کذب و تولی . . . کلاً لئن لم ینته لفسقاً بالناصیه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد ؛ به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است ؛ ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

کیفر بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۲ ، ۲۰ ، ۱۹ ، ۳

۳ پیامبر (ص) وظیفه دار بی اعتنایی به کسانی که آیین آنها بازی و سرگرمی است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهوا

۱۹ هیچ فدیة ای از بازیچه قرار دهندگان دین، برای رهایی

آنان از عذاب پذیرفته نمی شود.

اتخذوا دينهم لعبا .. و إن تعدل كل عدل لا يؤخذ منها

۲۰ گرفتاری به عذاب و محرومیت از شفاعت، نتیجه بازیچه قرار دادن دین است.

الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا .. أولئك الذين أفسلوا بما كسبوا

۲۲ نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قراردهندگان دین است.

أولئك الذين أفسلوا .. لهم شراب من حميم و عذاب أليم

کیفر تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱۴

۱۴ از سنت های الهی، عذاب شدید تحریفگران و تبدیل کنندگان دین است .

و من یبدل نعمه الله .. فان الله شدید العقاب

<و من یبدل نعمه الله > عام است و دربرگیرنده کلیه کسانی است که آیات الهی را تحریف می کنند؛ خصوصاً با توجه به ضرورت پندگیری دیگران از بنی اسرائیل تحریفگر.

کیفر تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ، جزای کفر، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرصون .. یوم هم علی النار یفتنون

کیفر توطئه علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ فریبکاری و توطئه مداوم علیه دین، عامل گرفتاری توطئه گران به ذلت و عذاب شدید است.

سیصیب الذین . . . بما کانوا یمکرون

کیفر دزد در دین یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ > استرقاق <

کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزی الظلمین

جمله <کذلك نجزی الظلمین> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

کیفر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذین کفروا و ذلك جزاء الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۲، ۱۳

۱۲- <عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : > فأتی الله بنیانهم من القواعد < قال : کان بیت غدر یجتمعون فیه ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <فأتی الله بنیانهم من القواعد> فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند.

۱۳- <عن ابی جعفر (ع) فی قوله : > قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد < فخر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لا یشعرون قال : بیت مکرهم ای ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <.. فأتی الله بنیانهم من القواعد...> فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد؛ یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای

منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من يجدل .. و نذيقه يوم القيمة عذاب الحريق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۲

۲ - گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قیتضنا لهم قرناء فزینوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قیتضنا)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

کیفر دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

کیفر دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ علمای اهل کتاب به خاطر سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

و من اهل الكتاب .. انّ الذین یشترون ... و لهم عذاب الیم

کیفر عصیان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ - دوزخ ، فرجام

کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلناك بالحق .. و لا تسئل عن أصحاب الجحيم

کیفر کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

کیفر مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۷

۷ - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند .

و ما الله بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فإن لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان

لم تفعلوا تمت عليكم الحجة و ثبت لديكم ان القرآن منزل من عند الله فاتقوا ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مراسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در

جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا

یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷۸

۷ - گرفتن موهای بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبداً إذا صلّى ... لئن لم ينته لنسفعا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علوّ> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقایس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است

به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

۸- تکذیب دین و روی گردانی از آن، در پی دارنده کیفری تحقیرآمیز و گریزناپذیر

أرءیت إن كذب و تولّى .. كلاً لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد؛ به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است؛ ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

کیفیت هلاکت دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۳

۳- توطئه کنندگان علیه دین الهی، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان، به هلاکت رسیدند.

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید <من فوقهم> پس از بیان <فخر علیهم السقف> (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۳

۳ گرایش به دین، امری فطری است. *

افغیر دین الله یبغون

<بغی> به معنای طلب است. و فعل مضارع <یبغون> دلالت بر طلب و خواست مستمر دارد. بنابراین آیه شریفه فرض کرده که مردمان همواره در پی دین

هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲،۳،۴

۲ - رویکرد تمام عیار به دین خدا و مشغول نکردن خود به مشرکان هواپرستی که بر گمراهی خود پا می فشارند ، لازم است .

بل اتبع الذين ظلموا .. فأقم وجهك للدين

<فا> در <فأقم> فصیحه و نتیجه گیری از جمله محذوف است یعنی : <حال که روشن شد که مشرکان، به دلیل هواپرستی شان، به خدا شرک میورزند و هدایت ناپذیرند، تو، به آنان توجه نکن و تنها، به دین خدا متوجه باش.> .

۳ - توجه به آیات فراوان الهی ، مقتضی روی آوردن به دین خداست .

و من آیته .. فأقم وجهك للدين حنیفاً

احتمال دارد <فا> در <فأقم> تفریح بر آیاتی باشد که در صدد اثبات یک تایی خداوند است.

۴ - لزوم توجه همه جانبه و به دور از هرگونه انحراف و کجی به دین خداوند

فأقم وجهك للدين حنیفاً

بنابراین احتمال که <حنیفاً> حال برای ضمیر فاعلی <أقم> باشد، نکته بالا- استفاده می شود لازم به ذکر است که <حنف> مصدر <حنیف> به معنای <پرهیز از هرگونه تمایل به انحراف> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۶

۶ - لزوم توجه تمام عیار به دین حق ، با عبرت گیری از فرجام بدکرداران گذشته

فانظروا كيف كان عقبه الذين من قبل .. فأقم وجهك للدين

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که <فاء> در <فأقم> تفریح بر آیه پیش باشد.

گسترش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - لزوم ترك جنگ با كافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

متعلق <إنتهوا...> - به قرینه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازداري از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است و جمله <فلاعدوان...> جانشین آن می باشد یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۶

۶ دین خدا ، علی رغم ارتداد و گرایش گروههایی از مسلمانان به کفر ، همچنان توفنده و گسترش یابنده

یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّٰه بقوم یحبهم و یحبونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۵،۶

۵ گسترش و جهانگیر شدن دین الهی ، از اهداف جهاد و مبارزه در اسلام

و قتلوهم حتی . . . و یکون الدین کله لله

۶ لزوم ترك مبارزه با كافران در صورت دست برداشتن از فتنه انگیزی علیه اسلام و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصیر

متعلق <انتهوا> به قرینه فرازهای پیشین، فتنه انگیزی و جلوگیری از حاکمیت یافتن دین الهی است.

گسترش دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۷

۷ - گسترش آیین توحیدی حضرت ابراهیم (ع) در سرزمین های دور

و نزدیک ، در زمان حیات خود آن حضرت

يَأْتُوكَ .. مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

گسترش دین موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۸

۸- آیین توحیدی موسی (ع) در زمان حکومت فرعون ، هامان و قارون ، به شدت در حال گسترش بود .

قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ

فرمان قتل فرزندان مؤمنان به موسی (ع)، نشان دهنده گسترش شدید آیین موسی است؛ زیرا در صورت کذب بودن آن، فرمان قتل به عنوان نخستین واکنش از سوی فرعونیان صادر نمی شد.

گمراهی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹- پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

گمراهی بدنمایان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۶

۶- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا

گمراهی دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

گمراهی مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ -

۲۹ لجاجت پیشگان مغلظه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

گمراهی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۷

۷ - کافران تکذیب کننده دین ، در گمراهی عمیق بسر می برند .

إن أنتم إلا فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم..> از سخنان نگهبانان دوزخ باشد.

گناه استهزای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ استهزای دین و احکام الهی و بازیچه دانستن آن ، از گناهان بزرگ

لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. أولیاء

چون تمسخر کنندگان دین باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر احکام الهی از گناهان بزرگ است.

گناه اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ تکذیب کنندگان آیات الهی و آنان که از سر تکبیر معارف دین را نپذیرند، مردمی تجاوزگر و گناهکارند.

و كذلك نجزي المجرمين

<جرم> به معنای تعدی و گناه است.

گناه تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲۱

۲۱ تحریف دین (تغییر و تبدیل و کم و زیاد کردن وحی الهی) گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب اخروی

قل ما يكون لى أن أبدله .. إنى أخاف إن عصيت ربي

عذاب یوم عظیم

گناه تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمان>، همان <مکذبان> است که در این سوره یازده بار ذکر شده است و چون تکذیب گران، محکوم به هلاکت اند، بنابراین جرم آنان (تکذیب دین)، بزرگ و غیر قابل بخشش خواهد بود.

گناه دین سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ گناه پیروی از مکاتب انحرافی و تأیید رهبران آن، همپراز با گناه مکتب سازان و سران آن مکاتب

ربنا هؤلاء أضلونا .. قال لكل ضعف

گناه دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۲

۲ - ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی ، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین .. ثم يقولون هذا من عند الله

گناه دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۳

۳ - دین فروشی و کسب متاع دنیا در قبال آن ، از گناهان بزرگ است .

و یشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

گناه کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱،۸

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت

شده ، از گناهان بزرگ است .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكُتُبِ .. لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكُتُبِ

گناه معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ اعراض کنندگان از تعالیم پیامبران و معارف دین ، مجرم و گنهکارند .

و لا تتولوا مجرمین

گوشت گاو در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

گوشت گوساله در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

لجاجة دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۶

۶- بشارت به پرهیزگاران و انداز دشمنان متعصب و سرسخت دین، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقین و تنذّر به قومًا لُدًّا

<لُدًّا> جمع <أَلْدُّ> است و <قومًا لُدًّا>؛ یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

لجاجت مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۹

۲۹ لجاجت پیشگان مغلطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ

قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم فى خوضهم يلعبون

لجاجة مكذبان دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۲

۲ - سرسختی و لجاجة تکذیب گران صدراسلام ، در پذیرش قرآن و اسلام

فبأى حديث بعده يؤمنون

لعن اخروى مانعان از دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دين و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

لعن بر دين ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرين و دعا ، عليه كافران حق ناپذير و دين ستيز

فقتل كيف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرين و دعا ، عليه كافران حق ناپذير و دين ستيز

ثمّ قتل كيف قدر

مال دوستی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۷، ۵، ۲

۲ - افزایش مال دوستی در دشمنان دین ، زمینه رویارویی آنان با سپاه اسلام است .

و العدیت .. و إنّه لحبّ الخیر لشدید

۵ - دشمنان دین ، به دلیل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

و إنّه لحبّ الخیر لشدید

کلمه <شدید> چنان که در قاموس آمده گاه به

معنای <بخیل> است. در صورتی که این معنا در آیه مراد باشد، حرف <لام> در <لحبّ الخیر> لام تعلیل خواهد بود؛ یعنی، به خاطر حبّ مال.

۷- خداوند، در تأکید بر شدّت مال دوستی دشمنان دین، به مرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است.

و العدیت .. و إنّ له حبّ الخیر لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۶

۶- ناسپاسی دشمنان دین، در برابر نعمت های خداوند و دل‌بستگی شدید آنها به دارایی خویش، نشان بی توجهی آنان به معاد

إنّ الإنسن لربّه لکنود .. أفلا یعلم إذا بعثر ما فی القبور

مانعان از حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۸

۸- تنها باید با ظالمان (کافران محارب و فتنه انگیزان و مانعان از گسترش و حاکمیت دین) مبارزه کرد.

فلا عدون إلا علی الظلمین

مانعان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۱

۱ کسانی که مردم را از پیوستن به راه خدا (دین و معارف الهی) بازدارند، از زمره ستمکارانند.

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

فعل <یصدون> به معنای باز می دارند و نیز به معنای اعراض می کنند، آمده است. برداشت فوق براساس معنای اول است.

مبارزه با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۶

۶ - برخورد و مبارزه پیامبر (ص) و قرآن

با مخالفان دعوت الهی (کافران و مشرکان) ، متکی بر منطق و استدلال بود .

فأتوا بكتبكم إن كنتم صدقین

مبارزه با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ دوستان شیطان در مسیر مبارزه با دین و احکام الهی آن هستند.

و إن الشیطن لیوحون إلی أولیائهم لیجدلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاک .

لیمیز الله الخبیث من الطیب

مبارزه با مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۷

۷ خودبزرگ بینی ، ریشه مبارزه با پیامبران الهی و مبلغان دین

قال الملاء الذین استکبروا من قومه .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

مبارزه با مخالفان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۴

۴ معجزه پیامبران در راستای اثبات حقانیت آنان و خنثی کردن عملکرد مخالفان دین است .

فوق الحق و بطل ما كانوا يعملون

مبارزه علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۵

۲۵ حاکمیت و زمامداری ، حقّ عالمانی حکیم است که تا هزیمت ستمگران و متجاوزان مبارزه می کنند . *

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملك و الحكمه و علمه مما یشاء

ظاهراً بیان اعطای ملک به داود پس از بیان کشتن جالوت، اشاره به سببیت اعطای ملک دارد؛ یعنی

مبارزه و کشتن جالوت باعث اعطای ملک به وی شد.

مبانی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ خداوند ، علاوه بر قرآن ، برنامه ها و دستورات دیگری نیز به پیامبر (ص) ارائه فرموده است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

بدان احتمال است که مراد از <ما اریک اللہ> معارفی غیر از معارف قرآن باشد، چون اگر همان محتوای قرآن می بود، باید جمله این گونه بیان می شد: <لتحکم بین الناس به>. یعنی به جای <بما اریک اللہ>، از ضمیر استفاده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ عقل و منطق ، زیر بنای دین اسلام و احکام و شعایر آن

اتخذوها هزواً و لعباً ذلك بانهم قوم لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۵

۵ - بنیان دین ، نهاده شده بر شالوده حق و نه تمایلات هوس آلود کافران

و أكثرهم للحقّ كرهون . و لو اتبع الحقّ أهواءهم

مبغوضیت دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۰

۱۰- توطئه گران علیه دین الهی ، شدیداً مبغوض خداوند می باشند . *

فَأْتَى اللَّهَ بِنِينِهِمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ

از اینکه خداوند برای بیان کیفیت عذاب توطئه گران علیه دین، به جای <أَتَى أَمْرَ اللَّهِ> از <أَتَى اللَّهَ> استفاده کرده است، احتمال دارد به منظور یاد شده باشد.

مبغوضیت مجادله گران در دین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱

۱ - کسانی که بی هیچ دلیل و برهانی ، به مجادله و ستیزه جویی در آیات الهی (دین) برخیزند ، مبعوض خدا و مؤمنان هستند .

الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه بغیر سلطن اّتیهم کبر مقتّاً عند اللّٰه و عند الذین ءا
<سلطان> به معنای حجت و برهان و <مقت> به معنای بغض شدید است.

مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۶

۶ مبلغان دین باید در برابر اتهام های ناروا از خویشان دفاع کنند .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۰، ۲، ۱

۱ هود (ع) در پاسخ قوم عاد ، خویشان را مبلغ پیام های خداوند ، خیرخواه مردم و فردی امین و سزاوار اطمینان خواند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

۲ هود ، مبلغ پیام های الهی ، و نه بازگو کننده نظریات شخصی خویش

أبلغکم رسلت ربی

۱۰ مبلغان دین باید خیرخواه مردم باشند و خیرخواهی خویش را به منافع شخصی آمیخته نسازند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٦ - اعراف - ٧ - ٦٩ - ٥

٥ پیامبران ، واسطه ابلاغ دین و معارف الهی به مردم

أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٦ - اعراف - ٧ - ٩٣ - ٩

مبلغان دین باید خیرخواه مردم و نصایح خویش را به منافع شخصی آمیخته نسازند .

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور موعظه و زنده نگه داشتن تعالیم الهی در اذهان مردم

فذکر

<تذکیر> (مصدر <ذکر>) به معنای موعظه کردن است (قاموس)، ذکر و حفظ به یک معنا است؛ جز این که حفظ به فراگیری نظر دارد و ذکر به حضور در ذهن. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۷

۷ ضرورت وجود مبلغان و تبیین کنندگان کتب آسمانی در جامعه

و اذاخذ الله میثاق الذین اتوا الکتب لتبیننّه للناس

گرفتن میثاق از عالمان و تأکید خداوند بر لزوم تبیین آن برای مردم، مبین مطلب فوق است.

مبلغان دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ - ۳

۳ - دعای ابراهیم (ع) به درگاه خدا ، برای تداوم راه رسالت او در امت های آینده ، به وسیله برگزیدگان الهی و گویندگان صادق

و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین

برخی از مفسران <لسان صدق> را به انسان های صادق که همان پیامبران الهی هستند تفسیر کرده اند. بنابراین درخواست حضرت ابراهیم(ع) این است که خداوند در میان نسل های آینده، پیامبرانی را برانگیزد تا به دعوت او قیام کنند و مردم را به

آیین توحیدی او فرا بخوانند.

مبلغان و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۱۷ ضرورت پابندی مبلغان دین و مصلحان جامعه ، به تعالیم دینی و برنامه های اصلاحی خود

و ما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهيكم عنه

۲۲ رهبران و مبلغان دین ، تا توان دارند باید در اصلاح جامعه و ابلاغ معارف الهی تلاش کنند .

إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت

مجادله در فروع دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۷۸

۷ - لزوم پرهیز و مجادله با پیروان دیگر ادیان بر سر احکام فرعی دین *

و لكل وجهه هو مولئها فاستبقوا الخیرت

۸ - مشاجره و مجادله بر سر قبله و احکام فرعی دین ، از مصداق های خیر نیست .

و لكل وجهه هو مولئها فاستبقوا الخیرت

مجازات دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ < استرقاق > کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزی الظلمین

جمله < كذلك نجزی الظلمین > اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست .

محافظت از ارزشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۶ - ۵

۵ - مؤمنان ، در انتخاب مسکن ، باید نقطه ای را انتخاب کنند که ارزش های دینی شان محفوظ باشد .

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَه فَايِّي فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۲،۶

۲ - هجرت از دارالکفر ، برای حفظ ارزش های دینی ، حتی اگر منجر به مرگ شود ، امری لازم است .

إِنَّ أَرْضِي

وسعه .. كلّ نفس ذائقه الموت

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که آیه <كلّ نفس ذائقه الموت> در صدد جواب از پرسشی مقدر باشد و آن، چنین است:
> آیا اگر هجرت در پی دارنده مرگ هم باشد باز هجرت لازم است؟ و خداوند، پاسخ می دهد: <مرگ سرنوشت حتمی است و از آن، گریزی نیست و هجرت را، نباید به خاطر آن ترک کرد.>

۶- وعده خداوند، به مؤمنان مهاجری که درصدد حفظ ارزش های دین خود بودند، مبنی بر برخوردار کردنشان از پاداش

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةٌ .. كلّ نفس ذائقه الموت ثمّ إلینا ترجعون

برداشت بالا، بنابراین است که <ثمّ إلینا ترجعون> کنایه از اعطای پاداش به مؤمنان و مؤاخذه کافران باشد. در این آیه، به قرینه مقام، پاداش دهی، به مؤمنان مهاجر است.

محافظت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱

۱ اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) نسبت به ایمنی دین الهی از ناحیه اسیران جنگی آزاد شده

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۴

۴- حفظ معارف و شریعت الهی و اجرای احکام آن، نیازمند صلابت و توان مندی است.

خذ الکتب بقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۳

۳- لزوم حراست از دین و آیین الهی در برابر شبهه افکنی ها و فشار های کافران

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۴

۱۴ - اقامه دین و حفظ وحدت در آن ، تکلیف مشترک در تمامی شریعت های آسمانی است .

شرع لکم .. أن أقیموا الدین و لا تتفرّقوا فیه

محافظت از دین فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۹

۹ - حفظ آیین مردم (قبطیان) ، بهانه فرعون برای کشتن موسی (ع)

أقتل موسی .. إني أخاف أن یبدل دینکم

محدوده تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۳، ۲۲

۲۲ دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش

پس از دعوت به توحید

یقوم اعبدوا الله .. فأوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم

۲۳ برنامه های انبیا حاوی مسائل عبادی ، عقیدتی ، اجتماعی و اقتصادی است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره .. فأوفوا الکیل و المیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۷

۷ ادیان الهی خواستار بهبود وضع اقتصادی مردم و خواهان برخورداری آنان از انواع خیر ها و برکت های مادی

لفتحنا عليهم بركت من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - انفال - ٨ - ١ - ٧

٧ احكام خداوند و قوانين دين ، فراگير امور مادي و مسائل اجتماعي انسانها

قل الأنفال لله و الرسول

محدوده دين

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۴

۴ - رسالت دین ، محدود به ارائه رهنمود نیست ؛ بلکه دین ، برنامه زندگی و راهنمای عمل است .

و قالوا إن نَّبَع الهدی معک نتخطف من أرضنا

برداشت یاد شده از آمدن تعبیر < تبعیت > استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - تعالیم دین ، حتی ساده ترین رفتار اخلاقی را مانند کیفیت راه رفتن و سخن گفتن دربردارد .

بینی . . . و لاتصعّر خدک للناس ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

محدوده مسؤولیت مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۴

۴ - پیامبران و مبلغان دینی ، تنها موظف به انجام وظیفه اند ؛ نه مأمور به نتیجه .

لا أملك لكم ضرًا ولا رشدًا .. إلا بلغًا من الله و رسلته

محرومان از تعلیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۴

۴ - اشراف حاضر در مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم ، بر اثر بی رغبتی خود ، از آموختن و به خاطر سپردن

معارف قرآن محروم بودند .

فمن شاء ذکره

محرومان از درك دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٨٧ - ٦

٦ منافقان ، محروم از درك عميق معارف الهى

و طبع على قلوبهم فهم لا يفقهون

محرومان از فهم دين

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۵

۵ - منافقان ، سزاوار محروم شدن از توانایی شناخت معارف الهی هستند .

و لو شاء الله لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۶

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین ، از درک آنها ناتوان و محرومند .

بکم .. فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند؛ یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۷،۱۰

۷ خداوند بی اعتنایان به راه رشد و هدایت را از درک معارف دین و آیات خویش محروم می سازد .

سأصرف عن آیتی الذین .. و إن یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلا

جمله <و إن یروا سبیل الرشد> عطف بر <یتکبرون> و در حقیقت صله دیگری برای <الذین> است؛ یعنی: <سأصرف عن آیتی الذین إن یروا سبیل الرشد ..> بنابراین جمله <و إن یروا سبیل الرشد> اشاره به گروه سومی دارد که خداوند آنان را از درک معارف دین بازمی دارد.

۱۰ خداوند انسانهایی را که با برخورد به راه ضلالت آن را روش زندگانی خویش قرار می دهند ، از درک معارف و آیات خویش محروم می سازد .

سأصرف عن آیتی الذین .. و إن یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ گروهی از انسان ها حتی اندکی از حقایق و معارف الهی را در نمی یابند و از آن بهره مند نمی شوند .

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا .. كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَطْلَ

نکره آوردن <اودیه> (دره هایی) نه <دره ها> می رساند که باران بر همه دره ها و رودها نمی بارد و آب در آن جاری نمی شود و این معنا در جانب ممثل گویای آن است که معارف الهی بر همه قلبها فرو نمی ریزد و تنها قلبهایی نه همه قلبها لیاقت دریافت آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۲

۲ - کافران و مشرکان لجوج و حق ناپذیر ، محروم از فهم صحیح حقایق الهی

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا .. فهُمْ مَقْمَحُونَ

از تشبیه کافران لجوج و حق ناپذیر به انسان هایی که چون اسیران، غل و زنجیر بر گردن دارند و سرهایشان بالا مانده و از دیدن اطراف خویش محروم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

محرومیت اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۳

۳ - مرفهان تکذیب گر و دین ستیز ، از هرگونه آسایش و راحتی یا لذت و کام جویی در قیامت ، محروم خواهند بود .

و ذرني و المكذبين أولي النعمة ... و طعامًا ذا غصه و عذابًا أليماً

تأکید خداوند بر گلوگیر و درد آور بودن کیفر صاحبان ثروت و رفاه،

می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

محرومیت اخروی کتمان کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ينظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ينظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ينظرون> یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت لطف خویش را از کتمان کنندگان احکام و معارف دین دریغ کرده و با آنان سخن نخواهد گفت .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله .. لا يكلمهم الله يوم القيمة

جمله <ولا يكلمهم الله> کنایه از خشم خدا و دریغ کردن لطف و رحمت است.

محرومیت اخروی مانعان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنة الله على الظالمين. الذين يصدون عن سبيل الله

محرومیت اخروی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - تکذیب کنندگان دین ، در قیامت از یاری هم نشینان خویش محروم خواهند بود .

فلیدع نادیه

امر در <فلیدع>، تعجیزی و بیانگر آن است که شخص گرفتار، نمی توان هم نشینان خود را به یاری بخواند.

محرومیت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۲

۲ - عدم دسترسی جوامع هم عصر موسی (ع) به تعالیم آسمانی، بر اثر انقراض نسل های پیشین

و لقد ءاتینا موسی الکتب من بعد ما اهلکنا القرون الأولى

قید <من بعد ما اهلکنا..> می رساند که با انقراض نسل های پیشین، تعلیمات پیامبران قبل نیز از میان رفته بود و مردم عصر موسی(ع) به کلی از آموزه های آنان فاصله گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۹

۹ - بی بهره بودن مردم سرزمین مکه از تعلیمات آسمانی، عامل عقب ماندگی آنان و فراگیر شدن غفلت و بی خبری در میان آنها

لتندر قومًا ما أتیهم من نذیر من قبلک لعلهم یتذکرون

محرومیت از فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۴

۴ محرومیت مشرکان حق ناپذیر از فهم حقایق و معارف الهی نتیجه عملکرد خود آنهاست.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

توصیف مشرکان به <فی ءاذانهم وقرا و إن یروا... یجادلونک...> گویای نقش و تأثیر این عوامل در مهر خوردن به دل‌های آنان است. چنانکه موصول <یقول الذین کفروا> به جای ضمیر برای اشاره به همین جهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی

محروم می سازد .

كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۱،۱۷

۱۱ تکذیب آیات الهی و بی اعتنایی به آنها موجب محروم شدن از درک آیات و معارف الهی است .

سأصرف عن آيتي .. ذلك بأنهم كذبوا بآيتنا و كانوا عنها غفلين

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره باشد به <صرف> که از <سأصرف> استفاده می شود. یعنی به این دلیل متکبران را از درک آیات خویش محروم می کنیم که آنها را تکذیب کردند و به آن بی اعتنا بودند.

۱۷ خداوند به قوم موسی هشدار داد که متکبران و ناباروان ایشان را از درک تورات و معارف آن باز خواهد داشت .

و أمر قومك يأخذوا بأحسنها .. سأصرف عن آيتي الذين يتكبرون في الأرض

مصادق مورد نظر برای آیه مورد بحث، با توجه به آیات پیشین، متکبران و متمردان قوم موسی هستند.

محرومیت از قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۷،۲۱

۱۷ برخی گناهان ، مایه محرومیت از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ان يصيبهم> همان گرفتار ساختن گنهکاران به رویگردانی و نپذیرفتن احکام قرآن باشد.

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

> بعض می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

محرومیت دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱،۲

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

محمد(ص) و تبیین دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۳

۳ - وظیفه پیامبر (ص) ارائه معارف الهی و احکام دین است ، نه تشریح و تبیین علوم طبیعی *

يسئلونك عن الأهله قل هي موقيت للناس و الحج

ظاهر آن بود که در پاسخ به چگونگی ظهور ماه به صورت هلالها، علل طبیعی آن تبیین می شد. عدول از بیان علل و مطرح ساختن فواید آن، خصوصاًمسأله حج، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

محمد(ص) و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، از آیین ابراهیم (ع) توسط وحی آگاه

گردید .

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <أَنْ اتَّبِعْ...> جمله تفسیریه باشد، یعنی، ما به تو وحی کردیم و محتوای وحی ما، همان آیین ابراهیم (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبر اکرم (ص) ، استمرار دهنده خط توحید ابراهیمی در جامعه بشری

و إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ... بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ

مخاطبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۷

۷ - خردورزان و اندیشمندان ، مخاطبان اصلی دین و قرآن اند .

فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

مخالفان دین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خشتی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زَبِيَّةٌ> (مفرد) <زبانیه> از ریشه <زَبَّيْنُ> به معنای <دفع>، به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

مراد از دین حق

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۷ - توبہ - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ > عن محمد بن الفضيل عن ابي الحسن الماضي (ع) قال : قلت : > هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق < قال : .
.. الولاية هي دين الحق قلت :

> ليظهره على الدين كله < قال : يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم ... >

محمد بن فضيل گوید: از امام کاظم (ع) درباره <هو الذي ارسل رسوله .. > سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره <ليظهره على الدين كله > فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... <.

مردم صدر اسلام و علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۷

۷ مردم در عصر نزول قرآن ، برای آگاهی از متون کتاب های آسمانی ، چاره ای جز رجوع به عالمان دین نداشتند .

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلك

مردم و تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۱۳

۱۳ بیان احکام الهی از سوی پیامبر (ص) ، وابسته به پذیرش و عدم پذیرش مردم نیست .

فان توليتم فاعلموا انما على رسولنا البليغ المبين

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <فان توليتم .. > درباره کسانی باشد که بخواهند با بی اعتنایی به احکام الهی، رسول خدا(ص) را دلسرد کرده و از ابلاغ آن، به مردم باز دارند. در این صورت جواب مقدر جمله ای نظیر <فلا يهملكم > (شما را رها نخواهد کرد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ عیسی (ع) ، گواه بر کیفیت برخورد مردمان با تعالیم و فرمان های

الهی

و اشهد باننا مسلمون

مسابقه در دین یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۴

۴ مسابقه ، امری مشروع در آیین یعقوب (ع) و مرسوم در زمان آن حضرت

قالوا یاابانا إنا ذهبنا نستبق

مسؤولیت علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۴

۴ - ابلاغ و تعلیم حقایق کتاب های آسمانی (احکام و معارف دین و براهین آنها) به مردم ، وظیفه ای بر عهده عالمان دینی

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۷

۷ - مسؤولیت عالمان دینی و آگاهان به کتاب های آسمانی در بیان احکام و معارف الهی

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۵،۳۶

۱۵ ضرورت حضور عالمان ربانی و دانشمندان دینی در هر عصر ، برای حفاظت کامل از کتب الهی

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه

۳۶ مسؤولان قضایی و عالمان دینی ، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دل بستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الکتب یاخذون

عرض هذا الأدنی

مسؤولیت علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دل‌بستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الکتب یاخذون عرض هذا الأدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۴

۴ - ابلاغ و تعلیم حقایق کتاب های آسمانی (احکام و معارف دین و براهین آنها) به مردم ، وظیفه ای بر عهده عالمان دینی

إن الذین یکتبون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۷

۷ - مسؤولیت عالمان دینی و آگاهان به کتاب های آسمانی در بیان احکام و معارف الهی

إن الذین یکتبون ما أنزل الله من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۵،۳۶

۱۵ ضرورت حضور عالمان ربانی و دانشمندان دینی در هر عصر ، برای حفاظت کامل از کتب الهی

و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله

۳۶ مسؤولان قضایی و عالمان دینی ، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لا تشتروا بايتي ثمناً قليلاً

مسئولیت مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۲۰

۲۰ مبلغان دین ، وظیفه دار توجه دادن مردم به نعمت های الهی

و اذکروا .. فاذکروا ءالاء الله

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ ترغیب مردم به یادآوری مداوم نعمت های الهی ، از وظایف مبلغان دین

اذکروا إذ جعلکم خلفاء .. فاذکروا لاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۷

۷ ابلاغ رسالت های الهی به سردمداران نظام های غیر الهی ، وظیفه ای بر عهده مبلغان دین

إلی فرعون و ملائیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - مبلغان دین ، موظف به تلاش در بیداری نفوس مستعد و وانهادن حق ستیزان ، به خداوند

نحن أعلم بما یقولون .. فذکر بالقرءان من یخاف وعید

برداشت یاد شده، با الغای خصوصیت از مورد پیامبر اکرم(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۴

۴ - تکذیب و نپذیرفتن گروهی ، نباید مانع از اظهار سخن حق و تبلیغ دین از سوی منادیان حق و مبلغان دین گردد .

و إنا لنعلم أن منکم مکذبین

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، با آن که از تکذیب گروهی از مردم آگاهی کامل دارد و این مطلب را نیز

اعلام می کند؛ در عین حال پیام های خود (وحی) را به وسیله پیامبر اسلام(ص)، پیاپی ابلاغ می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- لزوم صبر و پایداری در انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین ، برای مبلغان و رهبران

قم فأنذر . . . و لربك فاصبر

مسیحیان و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۲

۲ - نصارا آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً أو نصری

مسیحیان و دین اسباط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۲

۲ - نصارا آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً أو نصری

مسیحیان و دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۲

۲ - نصارا آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً أو نصری

مسیحیان و دین اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۲

۲ - نصارا آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً أو نصری

مسیحیان و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۲

۲ - نصارا آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب

و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً أو نصری

مشركان و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- برخورد های مشركان با انبیا و تعالیم آسمانی در طول تاریخ ، همسو و یکنواخت بوده است .

كذلك فعل الذین من قبلهم . . . و قال الذین أشركوا لو شاء الله ... كذلك فعل الذین م

مشكلات اخروی مكذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۵

۵- بی تقوایی و هواپرستی ، بزرگ ترین مشکل تکذیب کنندگان دین در قیامت

فویل يومئذ للمكذبين . . . هذه النار التي كنتم بها تكذبون ... إن المتقين في

در این آیات، <متقین> جبهه مقابل <مکذبین> قرار گرفته است. از این تقابل مطلب استفاده می شود.

مشكلات تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۴

۴- رسالت الهی و تبلیغ دین ، مشکلات اندوه باری را در پی دارد .

و نَجينه و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که یاد داستان نوح(ع)، به منظور دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان به آن حضرت است که در مکه، با انواع مشکلات اندوه بار ایجاد شده از سوی کافران و مشركان، روبه رو بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۵

۵ - رسالت الهی و تبلیغ دین ، مشکلات اندوه باری در پی

دارد .

و نَجِّينَهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که بیان داستان موسی و هارون (علیهما السلام) و مشکلات آنان به منظور دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آوردندگان به آن حضرت است که در مکه با انواع مشکلات اندوه بار از سوی کافران و مشرکان رو به رو بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۷

۷ - تبلیغ پیام الهی ، نیازمند تحمل دشواری ها و مشکلات

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۵

۵ - تبلیغ دین ، همراه با مشکلات انبوه و نیازمند استقامت و پایداری

فادع و استقم كما أمرت

معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۴،۶،۷

۴ گروهی از انسان ها هیچ نشانه ای را که برای اثبات حقانیت دین به آنان ارائه شود ، تصدیق نمی کنند و بدان ایمان نمی آورند .

و إن يروا كل آية لا يؤمنوا بها

۶ گروهی از انسان ها هر چند راه رشد و هدایت را پیش روی خویش ببینند ، آن را راه و رسم زندگانی خویش قرار نمی دهند .

وإن يروا سبيل الرشدا لا يتخذوه سبيلا

۷ خداوند بی اعتنايان به راه رشد و هدايت را از درك معارف دين و آيات خویش محروم می سازد .

سأصرف عن آيتى الذين . . . و إن يروا سبيل الرشدا لا يتخذوه سبيلا

جمله <وإن يروا سبيل الرشدا>

عطف بر <یتکبرون> و در حقیقت صله دیگری برای <الذین> است؛ یعنی: <سأصرف عن آیتی الذین إن یروا سیبل الرشد...>. بنابراین جمله <و إن یروا سیبل الرشد> اشاره به گروه سومی دارد که خداوند آنان را از درک معارف دین بازمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۲

۲ - کافران پندناپذیر و مخالف پیامبر (ص)، هیچ دلیل و عذر قابل قبولی، برای روی گردانی از دین و پند های قرآن نداشتند.

فما لهم عن التذکره معرضین

از مفاد <فما لهم> (چیست آنان را)، استفاده می شود که مقصود، نبودن هیچ دلیل و عذری برای کفر و انکار کافران نسبت به قرآن پند آفرین است.

معرضان از دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۲

۲ - تنها سفیهان و بی خردان از آیین ابراهیم روی گردان شده و آن را نمی پذیرند.

و من یرغب عن مله إبرهیم إلا من سفه نفسه

کلمه <رغبه> و مشتقات آن، چنانچه با حرف <عن> متعدی شود، به معنای اعراض و روی گردانی است. <من> در <من یرغب> اسم استفهام می باشد و استفهام در اینجا استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۱

۱ - بهره مندی مشرکان مکه از موهبت های الهی، به رغم بی اعتنایی آنان به آیین توحیدی ابراهیم (ع)

و إذ قال إبرهیم... لعلهم یرجعون. بل متّعت هؤلاء و آباءهم

از آن جا که

در آیات پیشین سخن از ابراهیم(ع) و نسل آن حضرت بود و با توجه به این که مشرکان مکه از نسل او به شمار می آمدند، می توان گفت که <هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه دارد.

مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۵

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین ...>، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

مقامات پاسداران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۳

۱۳ حمایت و حراست کنندگان از دین خدا، نزد او از مرتبه ای بلند برخوردارند.

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا بها قوما لیسوا بها بکفرین

نکره آمدن کلمه <قوما> دال بر تفخیم و بزرگداشت است، علاوه بر آنکه توصیف این قوم با <و کلنا> و جملات پس از آن خالی از مدح نیست.

مقتضیات و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۵

۲۵ شرایط و مقتضیات خاص هر امت، دلیل ارائه شریعت های متعدد از جانب خداوند

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

ظاهراً <منکم> متعلق به <جعلنا> است و اشاره به ریشه تعدد شرایع دارد. یعنی اختصاص هر امتی از شما مردم به شریعتی

خاص، برخاسته از خصلتهای خودتان می باشد.

مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مَثْوَى لِلْكَافِرِينَ) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱

۱ - قوم نوح ، دین الهی و پیامبر خویش را تکذیب کردند .

كذبت قبلهم قوم نوح

مکذبان دین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق .. أليس في جهنم مثوى للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل يومئذ للمكذبين

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی

در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و

یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

مکذبان قیامت و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذین یصدون عن سبیل اللّٰه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره کفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلله گفته می شود. بر این مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن باز می دارند.

مکر به دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۴،۹

۴- خداوند ، تمامی مکر ها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی اللّٰه بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز <فأتی اللّٰه بنینهم من القواعد..> بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین

می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

۹- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد . . و أتهم العذاب من حیث لا

مکر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۷

۷- دخالت خداوند در تحولات تاریخ ، آن گاه که دشمنان علیه دین توطئه و مکر کنند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین . . قد مکر الذین من قبلهم فأت

مکر علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱

۱ امت های پیشین علیه پیامبران و برنامه های الهی ، توطئه می کردند و برای مقابله با آنها به مکر و حيله می پرداختند .

و قد مکر الذین من قبلهم

ملاک ارزیابی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۳

۳ - داوری درباره دین و دینداران ، باید مبتنی بر عقل و منطق و انگیزه صحیح باشد .

ما لکم کیف تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - داوری درباره دین ، باید بر مبنای وحی و کتاب آسمانی باشد .

أم لکم کتب فیہ تدرسون

۴ - وحی و کتاب های آسمانی ، مبنای داوری درباره

درستی و نادرستی عقاید و مسائل دینی است .

أم لکم کتب فیہ تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۴

۴ - عهد و پیمان الهی ، از مبانی و ملاک های داوری درباره معارف و مسائل دینی

أم لکم ایمن . . . إن لکم لما تحکمون

از این که خداوند به مشرکان تعهدی بر عقایدشان نسپرده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

ملاک اظهارنظر درباره دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۲

۲ - اظهارنظر درباره تعالیم آسمانی ، دلایلی نازل شده از جانب خداوند لازم دارد و بدون آن معتبر نیست .

و قال الذین کفروا للحقّ لما جاءهم إن هذا إلا سحر مبین . و ما ءاتینهم من کتب

ملاک انتخاب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۳

۳ - ملاک صحیح انتخاب دین و آیین ، برخورداری از هدایت برتر است ؛ نه چیز دیگر .

قل أو لو جئتکم بأهدی

ملاک فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۹

۹- هدایت و گمراهی مردم براساس مشیت خداوند است .

فیضاً الله من یشاء و یهدی من یشاء

ملاکهای تشخیص حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۵

۱۵ - محک زدن باور ها با دلیل و برهان ، راه شناسایی حقایق دینی از خیالات و آرزو های وارده شده در حوزه عقاید

تلك أمانتهم قل هاتوا برهنكم

ملاکهای حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت أهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۱

۱ - احکام و معارفی حق است که از ناحیه خداوند باشد .

الحق من ربك

<ال> در <الحق> جنسیه و مفید استغراق است، یعنی، هر آنچه حق است از ناحیه خداوند می باشد. البته به مناسبت مورد،

مقصود اصلی احکام و معارف است.

ملاکهای دین مقبول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی است که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشد .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد الذي جاءك من العلم مالک من الله من وليّ و لانصير

ممانعت از توطئه علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- دخالت خداوند در جلوگیری از ادامه توطئه توطئه کنندگان علیه پیامبران و دین ، آن هنگامی که توطئه ها انبوه و سنگین شود .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب

اسناد <خسف> (فرو رفتن در زمین) و عذاب به خداوند برای رویارویی با توطئه گران، از نوعی عدم تحمل

توطئه علیه پیامبر(ص) و دین حکایت می کند. جمع آورده شدن <سینات> با الف و لام، که مفید عموم است، می تواند حاکی از ابعاد مختلف و سنگینی توطئه و گوناگونی آن باشد.

ممانعت از حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۷

۷ - کافران محارب ، فتنه انگیزان و بازدارندگان از گسترش و حاکمیت دین الهی ، ظالم هستند .

فلا عدون إلا علی الظلمین

ممانعت از گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

فاعبدنی .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

ممانعت از گسترش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۳،۶

۳- جلوگیری از رواج دین الهی ، فسادانگیزی است و سد کنندگان راه خدا مفسدند .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله .. بما کانوا یفسدون

۶- جلوگیری از نفوذ ادیان الهی و رواج بی دینی ، زمینه ساز رواج فساد و تبه کاری در جامعه است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله .. بما کانوا یفسدون

ممانعت از گسترش دین موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۴ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه .. و قال فرعون ذروني أقتل موسى

تصمیم شخص فرعون مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

ممنوعیت تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ رهبران و مبلغان دینی ، وظیفه دار رساندن معارف الهی به مردم بدون هر گونه دخل و تصرف و کم و زیاد کردن

قل ما یکون لی أن أبدله من تلقاء نفسی إن أتبع إلا ما یوحی الیّ

ممنوعیت دوستی با مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۵

۵ - ممنوعیت پیوند دوستانه اهل ایمان ، با کافران و منکران دین و پیامبر

تلقون إلیهم بالموّده و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

منابع دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ قرآن ، منبعی برای دستیابی به قوانین و مقررات دین .

فی کتب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و كذلك أنزلنه حکمًا

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب).

بر این اساس <قرآن حکم است>؛ یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد؛ مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

منابع دین شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۴

۴- وحی ، منبع اصلی معرفت دینی و شناخت تعالیم الهی است .

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پیامبر(ص) مأمور بود تنها بر اساس وحی الهی، به انذار مردم بپردازد.

مناطق مناسب برای ارزشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۶ - ۹

۹- همواره فضایی مناسب برای انجام دادن تکالیف دینی و حفظ توحید عبادی ، وجود دارد .

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةً فَأَبْذُونِ

منافقان و تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۵

۵- منافقان ، سزاوار محروم شدن از توانایی شناخت معارف الهی هستند .

و لو شاء الله لذهب بسمعهم و أبصرهم

منافقان و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٨ نابودى دين و مردم ، روش منافقان

و اذا تولى .. و يهلك الحرث و النسل

امام صادق (ع): ان <الحرث> فى هذا الموضع، الدين و <النسل> الناس.

البیان، ج ۲، ص ۵۳۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۴، ح ۷۵۴ و ۷۵۵.

منافقان و مبارزه با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۷

۷ اعلان عدم صلاحیت منافقان برای همراه شدن با پیامبر (ص) جهت مقابله با دشمنان دین

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی عدواً

منشأ اختیار در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۹ - ۸

۸ مختار و آزاد بودن انسان در پذیرش و عدم پذیرش دین ، مقتضای ربوبیت خداست .

و لو شاء ربك لأمن من فی الأرض کلهم جميعاً أفأنت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین

منشأ استهزای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۹

۹ نابخردی ، ریشه تمسخر احکام و شعایر دین اسلام

اتخذوا دینکم هزواً .. ذلك بانهم قوم لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ فسق (نادیده گرفتن دستورات خداوند) ، ریشه استهزای دین و شعایر الهی

اتخذوا دینکم هزواً و لعباً .. و إن اکثرکم فسقون

مصدق جمله <هل تنقمون ..> همان استهزای نماز و احکام دین است. بنابراین <فسق> که علت برای <تنقمون> گرفته شده است، در حقیقت علت استهزای دین نیز می باشد.

منشأ افترا به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ

پردازى و افترا بستن به حقايق دين است .

إنما يفتري الكذب الذين لا يؤمنون بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جايه - ۴۵ - ۷ - ۴

۴ - دروغ پردازى عليه دين و آيات الهى ، داراى ريشه در گناه پيشگى فرد

أفأك أثيم

مى توان گفتم: <أثيم> در مقام بيان فلسفه <أفأك> است.

منشأ بقاى دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۳ - ۷

۷ - عزت خداوند ، ضامن بقاء و استحکام وحى و معارف الهى است .

يوحى إليك .. الله العزيز الحكيم

از توصيف خداوند به عزيز و ارتباط صدر و ذيل آيه، مى توان استفاده کرد که عزت خداوند مانع از بين رفتن معارف الهى است.

منشأ پيروى دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهى گسترده خداوند ، پشتوانه پيروى دين حق و شکست جبهه کفر و باطل

و يمح الله البطل .. إنه عليم بذات الصدور

جمله <إنه عليم بذات الصدور> مى تواند علت براى جمله <و يمح الله البطل> باشد.

منشأ تشریح دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۹

۹ - تشریح احکام دین و بیان چگونگی پرستش ، از شئون خداوند است .

ربنا .. أرنا مناسکنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ تشریح دین و ارسال پیامبران در راستای فرمانروایی خدا بر جهان هستی است .

إنی رسول الله إلیکم جمیعا

الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴،۶

۴- تشریح دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

۶- یگانگی خداوند ، مستلزم اختصاص یافتن حق تشریح دین به او

إنما هو إله وحد .. و له الدین واصبًا

اینکه خداوند در پی دستور به اجتناب از عقیده به ثنویت، برخی ویژگیها و اختصاصات خود، از جمله اختصاص داشتن دین را یادآوری می کند؛ احتمال دارد برای بیان نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۲

۲ - حق تشریح و قانون گذاری و نظام بخشی به باورها ، تنها از آن خداوند است .

من الدین ما لم یأذن به الله

منشأ تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۷

۱۷ فرمان ها ، معارف و تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) برخاسته از ربوبیت خداوند

ما أنزل إليك من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۶

۶ دین و معارف الهی ناشی از مقام ربوبی خداوند و برای رشد و تعالی انسانهاست .

آن جاء کم ذکر من ربکم

<من> در <ذکر من ربکم> برای ابتدای غایت است. یعنی معارف دین از مقام ربوبی سرچشمه گرفته است. و اضافه <رب> به <کم> می رساند که نزول آن معارف در راستای ربوبیت خدا بر انسانها و برای تربیت آنان است.

منشأ تکذیب دین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۸

۸ - کفر و تکذیب دین ، برخاسته از تأمل نکردن و نیندیشیدن در آیات الهی در طبیعت است .

و لقد کذب الذین من قبلهم ... أولم یروا إلی الطیر ... إنه بکل شیء بصیر

از سرزنش شدن کافران تکذیب گر، به خاطر تأمل نکردن در پدیده های طبیعت (مانند پرندگان) می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

منشأ تهمت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۱

۱ - اتهام های کافران ، علیه دین و پیامبر (ص) ناشی از مکر و حلیه آنان

أم تریدون کیداً

منشأ حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۲

۲ - حقانیت دین ، وابسته به انتساب آن به خداوند است .

البینه .. من الله

منشأ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۸ - ۲

۲ - خداوند ارائه کننده بهترین معارف و دستورات برای پاک سازی بشر از آلودگیها

و من أحسن من الله صبغه

جمله <و من أحسن...> چه کسی در رنگ آمیزی کردن (تطهیر) از خدا بهتر است. <به دلیل وقوع آن پس از مطرح ساختن ایمان و فرستادن احکام و معارف قرآن و ... اشاره به این دارد که: احکام و معارفی که خداوند نازل کرده و مردم را بدان فراخوانده، بهترین معارف و دستورات برای پاک سازی و تطهیر آنان است.>

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۱

۱ - احکام و معارفی حق است که از ناحیه خداوند باشد .

الحق من ربك

<ال> در <الحق> جنسیه و مفید استغراق است، یعنی، هر آنچه حق است از ناحیه خداوند می باشد. البته به مناسبت مورد، مقصود اصلی احکام و معارف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۷

۷ دین و معارف الهی ناشی از مقام ربوبی خداوند و برای رشد و تعالی انسانهاست .

أن جاءكم ذكر من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - ربوبیت الهی ، مقتضی فرستادن رسول و ارائه دین به بشر ، همراه با دلیل و برهان روشن و اثباتگر

و قد جاءكم بالبينت من ربكم

برداشت یاد شده از آمدن قید <من ربكم> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - برنامه های دین الهی ، نشأت یافته از مبدأ علم و نه تمایلات بی اساس

جعلناك على شريعة .. و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

از مقابله میان <جعلناك على شريعة> و <أهواء الذين لا يعلمون>، استفاده می شود که شریعت الهی، هم عالمانه است و هم میرا از هوا و هوس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۱

۱۱- ربوبیت الهی ، مقتضی فرو فرستادن برنامه و قانون حق برای بشر

بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم

از ارتباط <ما نزل> ، <الحق> و <من ربهم>

مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۳

۳ - تصمیم انسان بر پیمودن راه دین و پذیرش تعالیم قرآن ، وابسته به مشیت و خواست خداوند است .

فمن شاء اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا . و ما تشاءون إلاَّ أن يشاء الله

یکی از مصادیق <ما تشاءون>، مشیت انسان در انتخاب راه خدا است که در آیه پیش بیان شده است (فمن شاء اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا).

منشأ غلو در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص) ، هواپرستان گمراه و ناشر عقاید افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لا تتبعوا اهواء قوم .. و اضلوا كثيراً و ضلوا عن سواء السبيل

کلمه <ضلوا> در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که جمله <قد ضلوا من قبل> بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر(ص) که جمله <ضلوا عن سواء السبيل> حاکی از آنان می باشد. گفتنی است که آوردن قید <من قبل> در یک بخش و نیامدن آن در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

منشأ کمال دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۴

۱۴ کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت كلمت . . . و هو السميع العليم

منشأ مبارزه با دين

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۵ - ۳

۳- دین ستیزی و انکار آیات الهی ، دارای ریشه در نوع نگرش انسان به زندگی و مرگ

إِن هِيَ إِلَّا مَوْتَتْنَا الْأُولَىٰ

منشأ مجادله در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۱

۱ - کسانی که بدون هیچ دلیل و برهانی ، به مجادله و ستیزه جویی در آیات الهی (دین) بر می خیزند ، در دل آنان نوعی کبر و خودبرتربینی نهفته است .

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتِيهِمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ

<سلطان> به معنای حجت و برهان است.

منشأ مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - جهل و هواپرستی ، منشأ و خاستگاه مخالفت با شریعت و آیین الهی

جعلنك على شريعته .. و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

از تقابل میان <أهواء> با <شریعه> می توان استفاده کرد که هر آنچه مخالف با شریعت باشد، ریشه در هوا و هوس های جاهلانه دارد.

منفوریت دین اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ آیین مردم مدین ، آیینی منفور و کریه در دیدگاه شعیب (ع) و پیروان او

أولو کنا کرهین

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین ، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست

قال أولو کنا کرهین

موانع اجرای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - تأثیرپذیری از خواسته ها و امیال ناآگاهان ، ناسازگار با اجرای صحیح و بایسته شریعت

ثم جعلنک علی شریعه من الأمر فاتبعها . و لا تتبع أهواء الذین لا یعلمون

موانع اعتلای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۲

۲۲ سرزنش و جنگ روانی ، حربه دشمنان دین برای جلوگیری از تلاش مسلمانان در جهت اعتلای دین خدا

و لا یخافون لومه لائم

موانع اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۲

۲ - توجه به آگاهی و نظارت خداوند بر گفتار و کردار انسان ها ، دور سازنده آنان از تکذیب دین و روی گردانی از آن

أرءیت إن کذب و تولی . ألم یعلم بأنّ الله یری

موانع انحراف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ تنها ادیانی که قرین برهان باشند ، از کجی و انحراف می‌رأ هستند .

ما أنزل الله بها من سلطن . . . أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدین القيم

موانع تأثیر علم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۵

۵ دنیاگرایی و پیروی از هواهای نفسانی مانع کارسازی دانش های الهی است .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه

موانع تبعیت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۸ - تقلید های کورکورانه ، از دسیسه های شیطان برای بازداري انسان ها از پیروی قرآن و احکام دین

لا تتبعوا خطوت الشیطن . . . و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما أل

جمله <بل نتبع ..> که گویای تقلید کورکورانه است - به قرینه آیات قبل - بیانگر مصداقی است برای <خطوات الشیطان>. قابل ذکر است که قید <کورکورانه> از جمله <أو لو کان آباؤهم ...> استفاده شده است.

موانع تسلیم در برابر دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۳

۳- لجاجت و هدایت ناپذیری ، عامل عدم تسلیم و مقاومت در برابر تعالیم آسمانی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکرّت أبصرنا

موانع تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۴

۴ - توجه به آفرینش نیکوی انسان ها و سقوط و انحراف برخی از آنان ، دستاویزی برای تکذیب دین و کیفر های اخروی ، باقی نمی گذارد .

فما یکذبک بعد بالدین

حرف <فاء> در <فما یکذبک> و نیز کلمه <بعد>، این آیه را بر آیات پیشین، تفریع کرده است؛ یعنی، آیا وجود کسانی که در <أحسن تقویم> بوده و خود را به <أسفل سافلین> سقوط داده اند؛ دلیل ضرورت دین برای پیشگیری از آن سقوط و ضرورت روز جزا، برای کیفر آن منحرفان نیست؟!>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۲

خداوند بر گفتار و کردار انسان ها ، دور سازنده آنان از تکذیب دین و روی گردانی از آن

أرءیت إن كذب و تولّى . ألم يعلم بأنّ الله يرى

موانع توطئه علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱۴

۱۴- توجه به علم و نظارت الهی ، مانع تلاش های پنهانی انسان علیه دین

و الله يعلم إسرارهم

علم الهی، از آن جهت به منافقان تذکر داده شده تا آنان، با توجه به این حقیقت، دست از خلاف کاری بردارند.

موانع ثبات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۹

۱۹ - اختلافات پیروان شریعت ، مانع حیات و قوام دین در جامعه .

أن أقيموا الدین و لا تتفرّقوا فیه

برداشت بالا- بر این اساس است که عطف جمله <لا-تتفرّقوا فیه> بر <أقيموا الدین>، عطف تفسیری و از نوع یکی از متلازمین بر دیگری باشد.

موانع درک دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۵ - ۳

۳ - ثروت و امکانات مادی ، زمینه ساز بازماندن از تلاش برای درک معارف الهی و غافل سازنده انسان از عاقبت خویش *

أما من استغنی

مراد از <استغناء> ممکن است داشتن مال و ثروت باشد. در این صورت به قرینه <جاءك یسعی و هو یخشی> در توصیف جبهه مقابل می توان گفت ثروتمندان در معرض ترك حضور در مجالس دینی و خودداری از تلاش برای آموختن دین و دچار محرومیت از خشیت هستند.

موانع دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۳

۳ توجه به مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند ، زمینه پرهیز از شکستن میثاق ، کتمان حقایق ، دین فروشی و خودپسندی

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبیتنه .. و لا تکتمنونه ... و اشتروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۷

۳۷ عالمان خداترسی ، وارسته از دین فروشی و تحریفگری

و اخشون و لا تشتروا بایتی ثمناً قليلاً

موانع دینشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۸

۸ غیر علمی شمردن تعالیم انبیا ، بهانه بی اساس یهود ، برای نپذیرفتن آنها

و قولهم قلوبنا غلف

مقصود یهودیان از اینکه می گفتند قلبهایمان آکنده از علم است، می تواند این باشد که تعالیم انبیا اگر دارای مبنایی علمی بود، قلبهای ما آن را درک می کرد و در خود جای می داد و چنین نتیجه می گرفتند که تعالیم انبیا به دلیل نافذ نبودنش در قلبها علمی نیست.

موانع شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۸

۸ - شناخت خداوند و افعال او ، زداینده شک و تردید در احکام و معارف نازل شده از سوی اوست .

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

موانع فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق

دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲- بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۶،۷

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

۶ گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبئهم> است و فعل ماضی <أصبئنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

۷ مهر شدن قلب ها و از دست دادن توان درک معارف دین ، از کیفر های الهی است .

و نطبع علی قلوبهم فهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱،۲

۱ خداوند ، متکبران و خودبزرگ بینان را از درک آیات و معارف خویش بازمی دارد .

سأصرف عن آیتی الذین یتکبرون فی الأرض

کلمه <صرف> آنگاه که با <عن> متعدی شود، به معنای بازداشتن و مانع شدن است. و بازداشتن از آیات الهی یا به معنای مانع شدن از فهم آیات است و یا به معنای بازداری از ایمان به آیات و یا جلوگیری از ابطال و از میان بردن آنهاست. تنها معنای اول با همه فرازهای آیه متناسب است.

۲ تکبر و خودبزرگ بینی ، زمینه از دست دادن توان درک آیات و معارف الهی است .

سأصرف عن آیتی الذین یتکبرون فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۶

۶ کفرپیشگان به خاطر تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات برای پی بردن به معارف الهی (توحید ، قیامت و ...) سزاوار سرزنش هستند .

أو لم ينظروا فی ملکوت السموت و الأرض و ما خلق اللّٰه من شیء

استفهام در جمله <أو لم ينظروا .. > انکار توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۹

۹ - منافقان ، بر اثر مُهر شدن دل هایشان از درک معارف دین ناتوان اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون

موانع قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ اراده خداوند بر عذاب گنهکاران ،

مانع توفیق آنان به پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یریدالله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۶

۶ پایبندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا .. قالوا حسبنا ما وجدنا علیه اباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۳

۱۳ تکذیب آیات الهی و بی اعتنایی به آنها موجب پیدایش روحیه ناباوری به حقایق دین می شود .

إن یروا کل ءایه لا یؤمنوا بها .. ذلک بأنهم کذبوا بایتنا و کانوا عنها غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ انکار سرای آخرت ، ریشه نپذیرفتن دین و معارف الهی ، بازداشتن مردم از روی آوردن به آن و ناهنجار نشان دادن آن است .

الذین یصدون عن سبیل الله و ییغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون

جمله <و هم بالأخره ..> را می توان جمله حالیه و بیانگر علت اموری دانست که در جمله های قبل بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لا يعلمون> مفعولٌ به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كانى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۱

۱ - تلاش پیوسته شیطان ، برای بازداشتن انسان از پذیرش دین

و اتبعون .. و لا يصدتكم الشيطان

موانع گرایش به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۹

۹ منافقان همواره ، مانعی در جهت گسترش اسلام و گرایش مردم به دین

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

جمله <نمنعكم من المؤمنين> می تواند به این معنا باشد که منافقان پس از پیروزی کافران مدعی بودند که آنان اهل کفر را از گرایش به اسلام و ایمان باز می داشتند. قابل ذکر است که بر این مبنا مراد از غلبه در <الم نستحوذ>، غلبه در تفضل و احسان است. یعنی ما نسبت به شما احسان کردیم.

موانع گسترش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۲ - ۱۰

۱۰ خدشه وارد آوردن به ابهت رهبری الهی ، دارای تأثیر منفی و ناخواسته ، بر تلاش مؤمنان در اعتلای دین *

أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

برداشت یاد شده

بدان احتمال است که مراد از حیط اعمال به تناسب موضوع سخن تلاش هایی باشد که مؤمنان صدر اسلام، برای عظمت بخشیدن به اسلام و مستحکم ساختن موضع دین انجام می داده اند؛ یعنی، شما از یک سو جهاد می کنید؛ ولی از سوی دیگر با بی حرمتی به رهبری، ندانسته ابّهت خویش را در چشم دشمن می شکنید.

موانع مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱ - ۸

۸ مخالفت با احکام و معارف دین ، ناسازگار با روح تقوا

لا تَقْدَمُوا... وَ اتَّقُوا اللَّهَ

موانع هدم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳۲

۳۲ اقامه حدود و احکام ، جلوگیری از نابودی دین و یا تغییر سنت ها و احکام الهی ، هدف گزینش < اولی الامر > و لزوم اطاعت از آنان

اطيعوا الله... و اولی الامر منکم

امام رضا (ع) درباره فلسفه قرار دادن اولوالامر و وجوب اطاعت از آنان فرمود: .. فجعل عليهم قِيماً يمنعهم من الفساد و يقيم فيهم الحدود و الاحكام... انه لو لم يجعل لهم اماماً قِيماً... لدرست المله و ذهب الدين و غيرت السنن و الاحكام... .

عيون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱، ب ۳۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۲۹.

موجبات اکمال دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۳، ۵۵

ص) ، موجب کمال دین و تمام نعمت و رضای پروردگار

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي

از رسول خدا(ص) روایت شده که هنگام نزول آیه فوق فرمود: ان کمال الدین و تمام النعمه و رضی الرب بارسالی الیکم بالولایه بعدی لعلی ابن ابی طالب(ع).

امالی صدوق، ص ۲۹۱، ح ۱۰، مجلس ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۱، ح ۳.

۵۵ کامل شدن دین و اتمام نعمت الهی بر مردم ، به سبب تعیین جانشینان پیامبر (ص) از سوی خداوند

اليوم اكملت لكم دينكم

از امام حسن عسکری(ع) روایت شده: .. فلما منّ الله علیکم باقامه الاولیاء بعد نبیکم(ص) قال الله عزوجل: اليوم اكملت لكم دينکم

علل الشرايع، ص ۲۴۹، ح ۶، ب ۱۸۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۵.

موضعگیری علیه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۶

۶ - لزوم موضع گرفتن و بی تفاوت نبودن در برابر دشمنان دیانت و ستیزه جویان حق ناپذیر

الذین یجدلون فی آیت الله .. کبر مقتاً ... عند الذین ءامنوا

مؤمنان و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ - کسانی که پدیده های عالم را به عنوان آیه های خداوند باور دارند ، به پیام های آسمانی ، گوش فرامی دهند .

إِن تَسْمَعُ إِلَّا مِنْ يَوْمِنَا فَهَمَّ مُسْلِمُونَ

مراد از <آیات> ممکن است آیات آفاقی و یا انفسی باشد و احتمال دارد آیات تشریحی باشد. برداشت، بنابر احتمال نخست است.

مهلت به دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۶ - ۳

۳ مشرکان ، کافران و دین ستیزان ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم مفری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نباید نگران کننده باشد .

و إما نرينك بعض الذي نعدهم أو نتوفينك فإلينا مرجعهم

مهلت به دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۶

۶ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) در آغاز رسالت ، مبنی بر دادن مهلتی اندک به تکذیب گران و بدگویان دین ستیز

و اصبر علی ما یقولون ... و ذرنی و المکذبین ... و مهلهم قليلاً

مهمترین تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۷

۷- پرهیز از شرک به خدا ، دارای اهمیتی ویژه در مجموعه آموزه های دین

و لاتجعل مع الله إلهًا آخر

برداشت فوق ، از تکرار نهی <لاتجعل مع الله إلهًا آخر> که یکی در آغاز مجموعه اوامر و نهیهای خداوند در این سوره (آیه ۲۲) و دیگری در پایان آنها (آیه مورد بحث) آمده است استفاده می شود.

ناپسندی دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۸

۸ سوداگری بر سر آیات الهی و دین حق ، از کردار های بد آدمی

اشترُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا .. إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نام دين محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - صف - ٦١ - ٧ -

۶ - < اسلام > ، نام دین حضرت رسول اکرم (ص)

و هو يدعى إلى الإسلام

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که کلمه <اسلام> در آیه شریفه، در معنای لغوی آن به کار نرفته باشد؛ بلکه مقصود از آن دین الهی پیامبر(ص) باشد.

نزدیکی کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز ، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار ، نزدیک است .

سندع الزبانیه

حرف <سین> ، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نزول تدریجی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱ - بیان و ابلاغ معارف الهی و حقایق دینی ، تدریجی بود .

و یسلونک .. فقل

نزول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۷

۷ - اعطای کتاب های آسمانی به پیامبران و نازل کردن احکام و معارف دین بر آنان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

و ما أوتى النبيون من ربهم

برداشت فوق با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

نشانه های اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۲

۲ - ترک نماز، به منزله روی گردانی از پذیرش دین و پشت کردن به تعالیم آن است .

و لاصلی . و لکن کذب و تولی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <تولی> در برابر <لاصلی> قرار گرفته است.

نشانه های حقانیت دین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۳

۱۳ - اصرار بر توحید ، از نشانه های اساسی دین حق و از علامت های مهم آیین هدایت بخش است .

و قالوا .. تهتدوا قل بل مله ابرهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

جمله <و ما کان من المشرکین> در حقیقت بیان علت گزینش آیین ابراهیم، اعلام شایستگی آن برای پیروی و دلیل هدایت بخشی آن است؛ یعنی، به این دلیل که ابراهیم مشرک نبود و آیین او به شرک آمیخته نبود، باید پیروی شود و به همین دلیل آیین او آیینی هدایت بخش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و بهبود آن ، الزاماً نشانه حقانیت یک اندیشه و آیین نیست .

أیّ الفریقین خیر مقاماً و أحسن ندیاً

نشر تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۷

۱۷ > عن ابی عبداللّه (ع) [فی قوله] ... < و مما رزقناهم ینفقون > قال : مما علمناهم ینبؤن و مما علمناهم من القرآن یتلون ؛

از امام صادق (ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید:] <و مما رزقناهم ینفقون> روایت شده که فرمود: یعنی، از آن چه ما به آنان تعلیم داده ایم خیر می دهند (آن را نشر می نمایند) و از آن چه ما از قرآن به آنها آموخته ایم تلاوت می کنند.

نصرت حامیان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۳

۲۳ - حمایت قطعی خدا ، از یاری کنندگان دین خویش

و لِنَصْرِنَ اللّٰهَ مِنْ يَنْصُرِهِ

نصرت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۴

۲۴ - جهاد و دفاع ، یاری از دین خدا و وسیله جلب کمک و حمایت او است .

و لَوْلَا دَفَعَ اللّٰهُ .. و لِنَصْرِنَ اللّٰهَ مِنْ يَنْصُرِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۱

۱- دعوت خداوند ، از مؤمنان برای جهاد و یاری دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللّٰهَ يَنصُرْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱

۱ - ایمان به خدا و رسول او ، یاری دین و تعظیم و تقدیس پیوسته ذات الهی ، هدف عالی و نهایی رسالت پیامبر اکرم (ص)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .. لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بِكُورِهِ وَأَصْوَاتِهِ

نظام تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۶

۱۶ - تشریح و تکوین دارای ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر *

نأت بخير منها أو مثلها ألم تعلم أن الله كل شيء قدير

جمله <ألم تعلم...> تعلیل است برای جمله <ما ننسخ...> و رسای به این نکته است که نسخ شریعت تنها از کسی بر می آید که بر همه چیز قادر باشد، بنابراین، شریعت به همه هستی و قوانین حاکم بر آن مرتبط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۶

۶ - ادیان الهی و احکام دین ، دارای ارتباطی تنگاتنگ با هستی و جهان آفرینش

نأت بخیر منها أو مثلها .. ألم تعلم أن الله له ملك السموت و الأرض

جمله < ألم تعلم أن الله .. > به منزله دلیلی برای امکان نسخ و تشریح دین جدید است. استدلال به حاکمیت خدا بر هستی - برای امکان نسخ و تشریح دین جدید - بیانگر ارتباط عمیق دین و قوانین دینی با هستی و قوانین آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۴

۴ - احکام و آداب اسلام ، میرا از هر گونه افراط و تفریط

جعلنکم أمه وسطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۲

۲۲ - انعطاف پذیری احکام الهی و تخفیف در تکالیف ، پرتوی از رحمت الهی است .

فمن عفی له من أخیه شیء .. ذلك تخفیف من ربکم و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۳۰

۳۰ تکالیف پنجگانه (پرهیز از شرک و ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر و به منزله تکلیفی واحد

ذکم و صیکم

آوردن ضمیر مفرد <به> و نیز اسم اشاره مفرد <ذکم> برای اشاره به محرّمات پنجگانه، می تواند حاکی از این باشد که آن محرّمات آن چنان مرتبط با یکدیگرند که گویا یک تکلیف هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۲

۲۲ تکالیف چهارگانه (ضایع نساختن دارایی)

یتیمان و ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله تکلیفی واحد

ذلکم وصیکم به

به کارگیری ضمیر و اسم اشاره مفرد برای تکالیف یاد شده می تواند حاکی از برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۴

۴ احکام نه گانه (پرهیز از شرک و ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله حکمی واحد

و أن هذا صرطی مستقیماً

<هذا> اشاره به دستورهایی است که در دو آیه پیشین مطرح شده است. به کارگیری اسم اشاره مفرد برای دستورهای نه گانه حکایت از وجود ارتباطی شدید میان آنها دارد؛ به گونه ای که گویا امری واحد هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۳

۳ آمیختگی دنیا و آخرت (زینت و عبادت) در بینش اسلامی

بینی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۳

۲۳ برنامه های انبیا حاوی مسائل عبادی ، عقیدتی ، اجتماعی و اقتصادی است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره .. فأوفوا الکیل و المیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۷

۷ احکام خداوند و قوانین دین ، فراگیر امور مادی و مسائل اجتماعی انسانها

قل الأنفال لله و الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - انفال - ٨ - ٦٦ - ٨

٨ تكاليف الهى متناسب با توان مكلفان است .

و علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۳

۳ - امور مادی و معنوی ، در خدمت یکدیگر و آمیخته به هم ، در بینش دینی *

وعدکم الله مغنم کثیره تأخذونها

خداوند، از یک سو مؤمنان حاضر در حدیبیه را به جهت پایداری بر دین و بیعت با پیامبر(ص) مورد تحسین قرار داده و وعده <جَنَاتِ تَجْرِي..> داده است و از سوی دیگر برای تشویق آنان و امیدبخشی به رفع کمبودهای مادی، نوید <مغنم کثیره> را به ایشان داده است. این نکته، پیوستگی میان حیات معنوی و مادی را می رساند.

نعمت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۳

۳۳ دین ، نعمت الهی و احکام ، متمم آن است . *

ولیتم نعمته

بنابر اینکه مراد از <نعمت>، دین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۴، ۱۳

۱۳ فراگیری پیام های خدا و به کارگیری آنها در اعمال و رفتار ، سپاسگزاری از او در برابر نعمت دین است .

فخذ ما ءاتیتک و کن من الشکرین

مطرح کردن سپاسگزاری پس از اعطای پیامهای آسمانی، برای رساندن این حقیقت است که آن پیامها از نعمتهاست و باید خداوند را به خاطر اعطای آنها شاکر بود. فرمان به فراگیری آنها می رساند که شکر این نعمت به فراگرفتن و به کار بستن آنها است.

۱۴ دین و تعالیم آسمانی ، از نعمت های خداوند برای بشریت است .

برسلیتی . . . و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - نجات از چنگال دشمن ستمگر و نابودی او ، اعطای مکتب و برنامه زندگی و تأمین ارزاق ، از بزرگ ترین نعمت های الهی است .

أنجینکم ... وعدنکم ... نزلنا علیکم المنّ والسلوی

امتنان به بنی اسرائیل در قالب سه نوع نعمت در آیه بیان شده است: نجات، اعطای برنامه زندگی در طور (تورات) و تأمین رزق آنان. از این رو معلوم می شود که این سه امر، از نعمت های بزرگ الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۲

۲ - هدایت (دین) ، عطیه ای است الهی برای بشر .

و لقد آتینا موسی الهدی

<إیتاء> (مصدر <آتینا>) مرادف <إعطاء> به معنای بخشش است.

نفرین بر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۴ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان دین ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب و نابودی

و لکن کذب و تولی ... أولى لک فأولی

عبارت <أولی لک فأولی> مانند <ویل لک> برای تهدید و نفرین علیه دیگری به کار می رود و نوعاً کسانی مورد خطاب این جمله قرار می گیرند که در معرض هلاکت اند و بدین وسیله ترغیب می شوند که خود را از این مهلکه نجات دهند (برگرفته از مفردات راغب و تفاسیر).

نفرین مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ، مورد نفرین و تهدید

خداوند به عذاب و نابودی

و لکن کذب و تولی . . . ثم أولى لک فأولی

گفتنی است که این آیه، تأکید برای آیه پیشین است.

نفی اکراه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۹

۱۹ - پیامبران، حتی فرزندانشان را به پذیرش خدای یکتا و پرستش او اجبار نمی کردند.

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعد قالوا نعبد

دعوت و توصیه به یکتا پرستی با پرسش (ما تعبدون . . .؟) به نبود اجبار در پذیرش دین و پرستش خداوند اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۲

۲ الزام قهری مردم به ایمان و وظیفه پیامبران نیست.

و ما نرسل المرسلین إلا مبشرین و منذرین

چون در آیات قبل سخن از درخواست نزول آیات و رد آن بود، لاجرم این سؤال مطرح می گردد که مسؤولیت پیامبران در برابر هدایت مردم چیست و تا کجاست؟ این آیه با محدود دانستن وظیفه تبلیغی پیامبران در انذار و تبشیر، اجبار مردم به ایمان را خارج از حیطه مسؤولیت پیامبران می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۶

۶ پیامبر(ص) وظیفه دار وادار ساختن مردم به ایمان و پذیرش حق نیست.

و کذب به قومک و هو الحق قل لست علیکم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶- ۱۰۷ - ۳،۵۸،۹

۳ خداوند خواهان ایمان آزادانه و انتخابی آدمیان

و لو شاء الله ما أشركوا

۵ پیامبر(ص) مسؤول وادار ساختن مردم به

ایمان و رها ساختن آنان از شرک نیست.

و ما جعلنک علیهم حفیظا

۸ پیامبر(ص) مسؤول تبلیغ و رساندن پیام الهی است، نه وادار ساختن مردم بر ایمان

و ما جعلنک علیهم حفیظا و ما أنت علیهم بوکیل

۹ مبلغان دین وظیفه دار دعوت مردم به دین خدا، نه وادار کننده مردم به آن

و ما جعلنک علیهم حفیظا و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۴،۵،۶

۴ سنت خداوند، هدایت آزادانه و از روی اختیار انسانها با دلایل محکم و رساست.

قل فله الحججه البلغه فلو شاء لهدیکم أجمعین

مفهوم جمله امتناعیه <لو شاء .. > آن است که خداوند هدایت آزادانه آدمیان را خواسته است، نه جبر آنان بر هدایت. چگونگی این هدایت در جمله <فله ... > بیان گردیده است. یعنی اینکه خداوند چنین خواسته که با حجت‌های بالغه آدمیان را هدایت کند.

۵ انسان در انتخاب مسیر هدایت یا ضلالت مختار است.

قل فله الحججه البلغه فلو شاء لهدیکم أجمعین

۶ اگر مشیت خداوند اجبار انسان بر هدایت بود، همگان را، بی استثنا، هدایت می کرد.

فلو شاء لهدیکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۹ - ۴،۷

۴ پذیرش دین از روی اجبار و ناچاری، مورد قبول و خواسته خدا نیست.

إن الذین حقت علیهم کلمت ربک لا یؤمنون .. حتی یروا العذاب الألیم ... و لو شاء رب

اینکه خداوند خواست که مردم، ایمان را از روی اختیار، انتخاب کنند، مفهومی است که: ایمانی که از روی اکراه و اجبار باشد،

خدا آن را نخواسته و لازمه اش این است که مورد قبول او واقع نخواهد شد.

۷ هیچ کس ، حتی پیامبر (ص) حق مجبور ساختن مردم بر پذیرش دین را ندارد .

أفأنت تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۵ ، ۱۴ ، ۸

۸ مردم در پذیرش و عدم پذیرش قرآن ، آزاد و مختارند .

قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضل فإنما يضل عليها و ما أ

۱۴ مسؤولیت پیامبر اکرم (ص) ، تنها رساندن و ابلاغ پیام خداوند به مردم است نه اجبار آنان به پذیرش آن .

يأيتها الناس قد جاءكم الحق من ربكم . . . و ما أنا عليكم بوكيل

۱۵ هیچ کس حتی پیامبر (ص) حق تحمیل عقیده و دین خویش بر دیگران هر چند بر حق باشد ندارد .

قد جاءكم الحق . . . فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه ... و ما أنا عليكم بوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ ایمان به پیامبران و باور به معارف الهی ، غیر قابل اجبار و اکراه

أنزلمكموها و أنتم لها كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۴

۴ مسؤولیت مبلغان دین ، ابلاغ حقایق و معارف الهی به مردم است نه واداشتن آنان به پذیرش .

فإن تولوا فقد أبلغتكم ما أرسلت به إليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ شعيب (ع) ، به مردم مدین ابلاغ کرد که هرگز درصدد اجبار آنان به پذیرش تعالیمش نخواهد بود .

و ما أنا علیکم بحفیظ

<حفیظ> به معنای مراقب و نگهبان است و چون به <علی> متعدی شده، معنای تسلط نیز در آن اشراب شده است. بنابراین <و ما أنا...> یعنی، من موظف نیستم از سر جبر شما را از اعمال ناروا باز دارم و به اعمال شایسته سوق دهم.

۷ پیامبران ، مأمور به واداشتن مردم و اجبار آنان به پذیرش معارف و احکام الهی نیستند .

و ما أنا علیکم بحفیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۱،۲

۱ مشیت خداوند بر آن نیست که انسان ها را در پذیرش دین حق مضطر و مجبور کند .

و لو شاء ربك لجعل الناس أمة وحده

مراد از <مشیت> در آیه فوق، مشیت تکوینی است که ملازم جبر و اکراه می باشد و مقصود از اتفاق همگان و تشکیل امت واحده به قرینه <إلا من رحم> در آیه بعد اتفاق به کلمه حق و دین الهی است. بنابراین <لو شاء...> یعنی، اگر خداوند اراده می کرد که همه انسانها به اتفاق دین حق را بپذیرند، چنین می شد، ولی خداوند چنین نخواسته؛ بلکه خواسته است تا مردم از روی اختیار به حق گرایش پیدا کنند.

۲ مشیت خداوند بر آن نیست که با جبر و اکراه، مردمان را بر محور حق گرد آورد و از آنان امتی واحد بسازد .

و لو شاء ربك لجعل الناس أمة وحده

جلد - نام سوره - سوره -

۲- وظیفه پیامبر (ص)، تنها ابلاغ پیام الهی به انسان ها بود و نه اجبار مردمان به پذیرش آن پیام.

فإنما عليك البلاغ المبين

حصر در آیه فوق (فإنما عليك ..) حصر اضافی بوده و نسبت به اجبار و اکراه سنجیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- > عن أبي عبدالله (ع) قال رسول الله (ص): رفع عن أمتي أربع خصال... و ما أكرهوا عليه... و ذلك قول الله عزوجل... > إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان <;

از امام صادق(ع) روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: چهار چیز از امت من برداشته شده... [یکی از آنها] چیزی است که با اکراه بر آنها تحمیل شود... و این است فرموده خدای عزوجل: إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- هیچ کس حق تحمیل عقیده و دین خویش بر مردم را ندارد، هر چند بر حق باشد.

و بالحقّ نزل و ما أرسلنک إلا مبشّراً و نذیراً

وقتی پیامبر(ص) حق تحمیل اسلام را که دین حق است بر مردم نداشت و تنها عهده دار بشارت و انذار مردمان بود، دیگران به طریق اولی چنین حقی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- الزامِ قهريِ مردم به ايمان و استغفار ، وظيفه پيامبران نيست .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. و ما نرسل المرسلين إلا مبشرين و منذرين

آيه قبل، از ايمان نياوردن و استغفار نکردن مردم سخن گفت و اين آيه، در جواب اين پرسش است که: >پس مسؤوليت پيامبران در برابر هدايت مردم چيست؟<. آيه مي گويد: که اجبارِ مردم به ايمان و استغفار، از حيطه مسؤوليت پيامبران خارج است و آن ها تنها، براي بشارت و انذار آمده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۹ - ۷

۷- وظيفه پيامبر (ص) ، تنها هشدار دادن است نه اجبار کردن مردم به ايمان .

إنما أنا لكم نذير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۳ - ۵

۵ پيامبر (ص) مسؤوليت نداشت تا همچون موكلان ، بر جريان عقیده هواپرستان ناظر و نگهبان باشد و آنان را به ايمان آوردن مجبور کند .

أرءيت من اتخذ إلهه هويه أفأنت تكون عليه وكيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ پيامبر (ص) ، تنها مأمور فراخواندن مردم به راه خدا و دين الهی بود و نه مجبور ساختن آنان به پذيرش آن .

و ما أرسلنك إلا مبشراً و نذيراً .. إلا من شاء أن يتخذ إلى ربه سبيلاً

از اين که خداوند در آيه قبل رسالت پيامبر(ص) را، منحصر به انذار و بشارت دانست و در آيه مورد بحث، انسان را در انتخاب

راه الهی آزاد گذاشت، می توان استفاده کرد که پیامبر(ص) حق نداشت مردم را به پذیرش دین مجبور کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، خواهان ایمان اختیاری مردم است ، نه گرایش جبری آنان به دین .

إِنْ نَشَأْ نُزَلِّ عَلَيْهِمْ .. فَظَلَّتْ أَعْنَاقَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۸

۸ - واداشتن مردم به قبول پیام خدا ، از حیطة وظیفه پیامبر ، خارج است .

و ما على الرسول إلاّ البلى المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۸، ۱۷

۱۷ - مسؤولیت پیامبراسلام (ص) ، تنها رساندن و ابلاغ پیام خداوند به مردم است ؛ نه اجبار آنان به پذیرش آن .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ .. وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

۱۸ - هیچ کس حتی پیامبر (ص) حق ندارد عقیده و دین خویش را هر چند بر حق باشد بر دیگران تحمیل کند .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ .. وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۶

۶ - روح تبلیغ دین ، تبیین حق برای مردم است ؛ نه اکراه ایشان به ایمان .

وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - وظیفه پیامبر (ص)، تنها ابلاغ رسالت الهی

است، نه ممانعت قاهرانه از کفر و حق‌گریزی مردم

فإن أعرضوا فما أرسلنك عليهم حفيظًا إن عليك إلاّ البلغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۳،۴

۳ - پیامبر (ص)، تنها موظف به ابلاغ پیام وحی و نه مجبور ساختن کافران به پذیرش آن

و ما أنت عليهم بجبار

۴ - دین، امری متکی به اختیار و انتخاب خود آدمی است.

و ما أنت عليهم بجبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص)، موظف به اتمام حجت بر کافران، و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش دین

فتولّ عنهم

<فاء> می‌رساند که علت سلب مسؤولیت از پیامبر(ص) این است که بر کافران حجت تمام گشته و آنان از سر طغیان کفر می‌ورزند و نه به خاطر نادانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۶،۷

۶ - اجبار مردمان کافر به پذیرش دین و ایمان، بر عهده پیامبر (ص) نبود.

فإن تولّيتم فإنما علی رسولنا البلغ المبین

۷ - در جامعه اسلامی، کافران در پذیرش اسلام، آزاد و مختاراند و کسی حق تحمیل و اجبار آن را بر آنان ندارد.

فإن تولّيتم فإنما علی رسولنا البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۲ - ۲

۲ - پذیرش دین ، اجباری نیست .

لست علیهم بمصیطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه -

۵ - مردم ، گرچه نباید بر ایمان مجبور شوند ؛ ولی بر اعراض و کفر مؤاخذه شده و در آخرت عذاب خواهند دید .

لست عليهم بمصیطر . إلا من تولی و کفر

حرف <إلا> در یک احتمال برای استثنای منقطع است. در نتیجه مفاد این آیه و آیه بعد، این است که: <تو بر هیچ کس سیطره نداری ؛ لکن اعراض کنندگان کافر در آخرت به عذاب خداوند گرفتار خواهند شد.>

نقش تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۳ - ۶

۶ دین و معارف الهی ناشی از مقام ربوبی خداوند و برای رشد و تعالی انسانهاست .

آن جاء کم ذکر من ربکم

<من> در <ذکر من ربکم> برای ابتدای غایت است. یعنی معارف دین از مقام ربوبی سرچشمه گرفته است. و اضافه <رب> به <کم> می رساند که نزول آن معارف در راستای ربوبیت خدا بر انسانها و برای تربیت آنان است.

نقش دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۷ - ۹

۹ - چگونگی توبه و واسطه های لازم برای آن را ، باید از دین فرا گرفت .

فتلقى ءادم من ربه کلمت فتاب علیه

تفریع پذیرش توبه آدم(ع) (تاب علیه) به وسیله حرف <فاء> بر فراگیری کلماتی از جانب خدا، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ - امت ها ، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی و احکام نازل شده از ناحیه خدا ، هدایت آفرین و زمینه ساز جلب مغفرت الهی اند .

إن الذين يكتُمون .. أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى و العذاب بالمغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۲۰

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تعضلوهنَّ ان ينکحن . .. ذلکم از کی لکم و اطهر و اللّٰه يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۰

۱۰ دین ، منشأ اختلاف نیست ؛ بلکه مردم ، خود ، اختلاف می کنند .

من بعد ما جاءتهم البینات و لکن اختلفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۳۰

۳۰ وحدت امت ها در گرو وحدت شریعت و آیین آنهاست .

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً ولو شاء اللّٰه لجعلکم امه واحده

مقتضای ارتباط دو جمله <لکل جعلنا ..> و <لو شاء اللّٰه ...> ، این است که پیدایش امت واحده به وسیله شریعت واحد

تحقق می یابد. بنابراین وحدت انسانها، وابسته به وحدت شریعت و دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۸

۸ دین و معارف الهی ارائه کننده راه رشد و هدایت و تأمین کننده سعادت انسانهاست .

سأصرف عن آيتي الذين . . . و إن يروا سبيل

مراد از <سبيل الرشده> (راه هدايت) همان آيات خدا، يعنى دين و معارف الهى، است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱

۱ آيات و معارف ارائه شده به بلعم باعورا مى توانست وى را به مقامى والا در پيشگاه خدا برساند .

و لو شئنا لرفعنه بها

<با> در <بها> باى استعانت است و ضمير آن به <آياتنا> بر مى گردد. بنابراین جمله <لرفعناه بها> حاكى از آن است كه آيات الهى وسيله اى مناسب براى رفعت درجات بلعم باعورا بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱ - ۸

۸- انسان ها ، بدون تعاليم دين و آموزه هاى قرآن ، گرفتار انواع ظلمت ها گمراهيهايند .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

خداوند، هدف از نزول كتاب خویش را بيرون آوردن مردم از ظلمتها معرفى مى كند و براى ظلمتها نیز هيچ گونه قيدى نياورده است كه مشخص كند مراد از آنها چيست و اين، حكايه از آن دارد كه بدون تعاليم دين، زندگى انسانها در ظلمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۸

۸- دين ، دربردارنده سعادت و حسنات دنيوى و اخروى است .

و ءاتينه فى الدنيا حسنه و إنه فى الآخرة لمن الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- تبیین همه نیاز های انسان در سعادت و کمال خویش ، در قلمرو تعالیم دین و آموزه های وحی است .

إِن هَذَا الْقُرْءَانُ يَهْدِي

... و کلّ شیء فصلنه تفصیلاً

نوع مفسّیران برآنند که چون قرآن، کتاب هدایت و در جهت تأمین سعادت و کمال آدمی است، بنابراین مقصود از <و کلّ شیء> همه امور مرتبط با سعادت و کمال و هدایت است، نه تمامی حقایق و پدیده های عالم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۴

۴- در دیدگاه کافران، دین مانع پیشرفت اقتصادی و نظامی است.

کفر بآیتنا و قال لأتینّ مالا و ولداً

تلاش برای فراوانی اولاد (در عصر نزول قرآن) برخاسته از نیازهای امنیتی و اقتصادی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۷

۷- انسان ها بدون تمسّک به ریسمان دین، در معرض سقوط و ابتلا به خطر ها و آفت های علاج ناپذیراند.

قل إنّما أنذرکم بالوحی

انذار و اخطار وحی بیانگر وجود خطر ها و آفت های بسیار بر سر راه انسان ها است. اگر آنان به این خطر ها و آفت ها را به درستی می شناختند و به علاج آنها می پرداختند، آمدن انذار و اخطار های الهی لغو می بود. بنابراین انذار الهی بیانگر این است که انسان بدون دین، با آفت ها و خطر های مهلکی روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۴

۴ - دین الهی، امانت خدا در میان مردم

إنّ الله یدفع عن الذین ءامنوا إنّ الله لایحبّ کلّ خوّان کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۵

جوامع بشری ، تنها در پرتو رهبری دین و پیامبران میسر است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ . الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - اختلافات به وجود آمده در ادیان الهی ، از ناحیه پیروان آنها بود و نه تعالیم پیامبران

الذی هم فیه یختلفون

ضمیر <هم> به اصطلاح فاعل معنوی و تقدیم آن مفید حصر است. بنابراین نسبت داده شدن اختلاف به خود بنی اسرائیل، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۶

۶ - انسان ها بدون آموزه های بیداربخش تعالیم آسمانی ، گرفتار غفلت و بی خبری اند .

و لقد وَّصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۴،۵،۲

۲ - پیشوایان دینی برخاسته از قوم بنی اسرائیل ، هدایت کننده مردم ، براساس و چهارچوب تعالیم الهی بودند .

لَبْنِي إِسْرَائِيلَ . وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

۴ - شایسته است که رهبران دینی ، جامعه را براساس قوانین وحی و در محدوده معارف دین هدایت کنند .

و جعلنا منهم أئمة يهدون بأمرنا

۵ - در میان بنی اسرائیل ، پیشوایان متعددی وجود داشتند که براساس تعالیم دینی ، مردم را هدایت می کردند .

و جعلنا منهم أئمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، با هم ، بر اساس دین ، دوستی دارند

فإخونكم فى الدين و

احتمال دارد منظور از <مولی> با توجه به ریشه لغوی آن، دوستی باشد. <موالیکم> عطف به <إخوانکم> است و قید <فی الدین> در <إخوانکم> می تواند برای <موالیکم> هم لحاظ شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۶

۶ - انسان من های تعالیم دین و پیامبر اسلام ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . *

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم

از انذار کردن رسول اکرم(ص) به دست می آید که بر سر راه انسان ها، خطرها، آسیب ها و دشواری های بسیاری است که پیامبر(ص) به آنان انذار و اخطار می کند و اگر انسان از رهنمودهای اسلام و پیامبر(ص) بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۳

۳ - معارف الهی و عقاید دینی ، قابل شناخت و درس آموز برای بشر

أفلاتنكرون

سرزنش مشرکان به سبب بیدار نشدن و پند نپذیرفتن درباره حقایق الهی، نشانگر این حقیقت است که حقایق الهی و معارف دینی، قابل فهم و پندآموز است. از این رو آنان مورد سرزیش قرار گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - تعالیم دین ، معیار حقانیت و بطلان باور ها و اعمال است .

أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

بنابراین احتمال که عطف <المیزان> بر <الکتاب> تفسیری بوده و مراد از <الکتاب> دین باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۸

۱۸ - انسان ، بدون تأثیرپذیری از مکتب وحی ، گرفتار کفران و ناسپاسی است .

فَإِنْ أَعْرَضُوا .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد آتینا .. و الحكم و النبوه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، <حکم> دانسته شده است ؛
آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤن خداوند است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۱

۱ - قرآن و دین ، مظهر بصیرت و بینش برای خلق

هذا بصائر للناس

<هذا> اشاره به قرآن و یا اشاره به دین است که از <الأمر> در دو آیه قبل استفاده می شود. اطلاق <بصائر> بر قرآن و
دین از قبیل <زید عدل> مبالغه را افاده می کند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۳، ۷

۷ - ناسازگاری دین الهی ، با ظلم و بی عدالتی

و أنزلنا معهم الكتب و المیزان

۱۳ - دین و عدالت ، مایه قوام و سلامت جامعه است .

و أنزلنا معهم الكتب و الميزان ليقوم الناس بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۶

۶ - انسان ها ، بدون تعالیم دین و آموزه های قرآن ، گرفتار

انواع ظلمت ها و گمراهی هابند .

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

تأکید خداوند بر این مطلب که قرآن، رهایی بخش انسان ها از ظلمت ها و هدایت به نور است؛ می رساند که بدون تمسک به این کتاب، امکان رهایی برای بشر نخواهد بود؛ زیرا اگر راه دیگری ممکن بود خداوند آن را به بشر ارائه می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۷

۷- زندگی انسان ها بدون تعالیم دین در معرض انواع خطر ها و آسیب های نابود کننده و علاج ناپذیر

ألم یأتکم نذیر

انذار و اخطار پیامبران، بیانگر وجود خطر ها و آسیب های بسیاری است که اگر انسان ها به تعالیم دین بی اعتنایی کنند، دچار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۸

۸- زندگی انسان ها ، من های تعالیم دین ، در معرض انواع خطر ها و آسیب های مهلک و علاج ناپذیر قرار دارد .

إنما أنا نذیر مبین

انذار و اخطار پیامبران، بیانگر وجود خطر ها و آسیب های بسیار است که اگر انسان ها به تعالیم دین بی اعتنایی کنند، دچار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۵

۵- زندگی من های دین و ایمان به خدا و قیامت ، پوچ و بی هدف و سرگرمی صرف است .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطر ها و تهدید های بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطار های پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطر ها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ - انسان در این جهان ، همچون رونده ای گم کرده راه و دین راهی است درست ، و دینداران مردمی راه یافته اند .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۴

۴ - دین ، راهی است که مقصد در آن تقرب به خداوند است .

فَمَنْ شَاءَ اتَّخِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۲

۲ - دین و تعالیم قرآن ، رحمت الهی برای انسان ها

يَدْخُلُ مِنَ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ

مفسران برای <رحمت> در این آیه، دو مصداق ذکر کرده اند: ۱. دین و پیمودن راه خدا (به قرینه <مَنْ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا>) ۲. بهشت (به قرینه بخش آخر این آیه که عذاب دوزخ در آن مطرح شده است). گفتنی است، برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تذکرات دینی برای انسان ، سودمند است و آموختن آن او را برای تزکیه

آماده می سازد .

لَعَلَّه يَزَكِّي . أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى

<فاء> در <فتنفعه>، انتفاع را نتیجه تذکر پذیری قراردادده است؛ یعنی، چنانچه با حضور در مجلس پند و اندرز تذکر حاصل شود، نافع بودن آن حتمی است. ارتباط این آیه با آیه قبل، گویای این است که نافع بودن تذکر، در رساندن انسان به تزکیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۵

۵ - معارف و تعالیم دین ، مایه پاکی انسان از پلیدی ها است .

و ما عليك إلا يزكي

براساس شأن نزول آیه شریفه، حضور کافران سرشناس در مجلس پند و اندرز، مایه برخورد ناهنجار فرد مسلمان با ابن ام مکتوم بوده است. این که آیه از اسلام نیاوردن آنان، با تعبیر <تزکیه نخواستن> یاد کرده است، گویای ثمربخشی تعالیم دین در تزکیه است.

نقش علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۷، ۱۶

۱۶ دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان ، گواهان حقانیت تورات و بیان کنندگان حقایق آن

يحكم بها .. و الربنيون و الاحبار بما استحفظوا من كتب الله و كانوا عليه شهداء

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

يحكم .. بما استحفظوا من كتب الله و كانوا عليه شهداء

چون جمله <كانوا ..> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ نقش اساسی عالمان و دانشمندان دینی در ساختار دینی و اخلاقی جامعه

لبئس ما كانوا يصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۷

۷ نقش مؤثر عالمان دینی و عابدان خداترس در بهبود و اصلاح آراء و افکار مردم

ذلک بان منهم قسيسين و رهباناً

به عالمان دینی که عهده دار ریاست مذهبی مسیحیان هستند، قسیسین (کشیش) گفته می شود و رهبان جمع راهب است و راهب به کسی گفته می شود که از ترس خدا بی اندازه عبادت می کند. و در اصطلاح به عابدان مسیحی اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۵

۲۵ حاکمیت و زمامداری، حقّ عالمانی حکیم است که تا هزیمت ستمگران و متجاوزان مبارزه می کنند . *

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملك و الحکمه و علمه مما یشاء

ظاهراً بیان اعطای ملک به داود پس از بیان کشتن جالوت، اشاره به سببیت اعطای ملک دارد؛ یعنی مبارزه و کشتن جالوت باعث اعطای ملک به وی شد.

نقش علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۵

۲۵ حاکمیت و زمامداری، حقّ عالمانی حکیم است که تا هزیمت ستمگران و متجاوزان مبارزه می کنند . *

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملك و الحکمه و علمه مما یشاء

ظاهراً بیان اعطای ملک به داود پس از بیان کشتن جالوت، اشاره به سببیت اعطای ملک دارد؛ یعنی مبارزه و کشتن جالوت

شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان، گواهان حقانیت تورات و بیان کنندگان حقایق آن

یحکم بها... و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند.

یحکم... بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

چون جمله <کانوا...> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ نقش اساسی عالمان و دانشمندان دینی در ساختار دینی و اخلاقی جامعه

لبئس ما کانوا یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۷

۷ نقش مؤثر عالمان دینی و عابدان خداترس در بهبود و اصلاح آراء و افکار مردم

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً

به عالمان دینی که عهده دار ریاست مذهبی مسیحیان هستند، قسیسین (کشیش) گفته می شود و رهبان جمع راهب است و راهب به کسی گفته می شود که از ترس خدا بی اندازه عبادت می کند. و در اصطلاح به عابدان مسیحی اطلاق می شود.

نماز در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - طواف و نماز، از تکالیف مقرر در شریعت حضرت ابراهیم (ع

و طهّر بيتی للطائفین و القائمین و الرّکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۲

۲۲ - رکوع و سجده کردن به درگاه خدا (نماز) ، از برنامه های عبادی در آیین ابراهیم

و الرّکع السجود

نیاز به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ انسان موجودی نیازمند به قانون و هدایت های تشریحی از جانب خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۷

۷- بشر ، برای رفع اختلاف های عقیدتی و نیل به عقیده ای سالم و برتر ، محتاج به وحی و تعالیم آسمانی است .

و ما أنزلنا عليك الكتب إلا لتبين لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۳

۳ - نیاز مردم عصر موسی به تعالیم آسمانی جدید

و لقد آتینا موسی الكتب من بعد ما أهلكنا القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلما جاءهم بالحق من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حق> به دست می آید.

و دین ابراهیم(ع) یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۴

۴ - یعقوب ، پیرو آیین ابراهیم و مبلغ آن

و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب

واجبات

در دین یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

وجوب پیروی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱- > سماعه عن أبي عبدالله (ع) قال : سألته عن قول الله : > و له الدين واصباً < قال : واجباً ;

سماعه گوید از امام صادق(ع) از معنای قول خدا > و له الدين واصباً < سؤال کردم، حضرت فرمود: > واصب <، یعنی واجب <.

وجوب تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۷

۷ تفقه در دین و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن ، از واجبات کفایی است .

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۸

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب لتبيننه للناس ولا تكتُمونه

وجوب تفقه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۷

۷ تفقه در دین و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن ، از واجبات کفایی است .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم

وحدت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ -

۴ شریعت و رسول الهی در هر عصری ، یکی بیش نیست .

و لكل أمه رسول فإذا جاء رسولهم

و حیانت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۲

۲ - خداوند ، احکام و معارف دینی و دلایل حقانیت آنها را نازل کرده و در کتاب های آسمانی بیان داشته است .

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

<هدی> به معنای هدایت کننده است و مقصود از آن در آیه شریفه احکام و معارف دین می باشد. <بینات> به معنای دلایل روشن است و مراد از آن در آیه، دلایل و براهینی است که برای معارف و احکام دینی ایراد شده است.

وضوح حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا بالله و رسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و

وضوح دعوت مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۷

٧- دعوت پیامبران و مبلغان الهی ، همراه با ادله روشن و آشکار

و من لایجب داعی الله

.. أولئك في ضلل مبين

در این آیه مخالفت با دعوت گران به سوی خداوند، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته استفاده می شود که پیام منادیان الهی، حق آشکار بوده است.

وظایف علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۵

۵ اظهار حق و نیامیختن آن به باطل ، از وظایف عالمان و آگاهان

یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتُمون الحق و انتم تعلمون

اگر کتمان حق حرام باشد، لزوماً اظهار آن ضرورت دارد؛ چون شقّ سوّمی تصوّر نمی شود.

وعدۀ تثبیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۰، ۹

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت .. و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده اکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت .. و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتض

وعدۀ کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و يقولون متى هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر

امت ها وجود داشت.

ویرانی خانه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳- توطئه کنندگان علیه دین الهی، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان، به هلاکت رسیدند.

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید <من فوقهم> پس از بیان <فخر علیهم السقف> (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

۱۲- > عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : > فأتی الله بنیانهم من القواعد < قال : کان بیت غدر یجتمعون فیه ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا >فأتی الله بنیانهم من القواعد< فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند.<

۱۳- > عن ابی جعفر (ع) فی قوله : > قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد < فخر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لایشعرون قال : بیت مکرهم ای ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا >.. فأتی الله بنیانهم من القواعد...< فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد؛ یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند.<

ویژگی تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۱۲ تناسب و هماهنگی احکام دین با ویژگی های تکوینی انسان

یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۸

۸ احکام و قوانین الهی هماهنگ با طبایع انسان است .

لا تحرموا طيب ما احل الله لكم

ذکر کلمه <طیبیت> علی رغم اینکه برای رساندن معنای مقصود (نهی از تحریم حلالها) نیازی بدان نبود، برای اشاره به این حقیقت است که حلالهای الهی مطابق طبع انسانها و مایه لذت آنان است.

ویژگی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۵

۵ راه خدا (دین و معارف الهی) بدور از هر گونه انحراف و ناهنجاری

أن لعنه الله على الظالمين. الذين ... يبغونها عوجاً

ویژگی دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۶

۶ آیین ابراهیم (ع) ، پیراسته از هر گونه انحراف و گرایش به باطل

و اتبع مله إبرهیم حنیفاً

<حنیفاً> توصیف <مله> (آیین) و به معنای مستقیم و خالی از هر گونه انحراف است.

ویژگیهای تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۵

۵- دستورات دین در ادای حقوق دیگران ، همخوان و همسو با عواطف طبیعی انسان است .

و باللودین إحسنًا . .. وءات ذالقربی حقه

مقدم شمردن حق پدر و مادر و خویشان و رسیدگی به مشکلات آنان، گرایش طبیعی انسان است و خدا همین را مورد تأیید قرار داده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۴

۴ - مجموعه قوانین و احکام خداوند ، در حد اعتدال و به دور از افراط و تفریط

قل یعبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم

از تعبیر اسراف درباره گناه که به معنای عمل نکردن به قوانین و احکام الهی است برداشت یاد شده به دست می آید.

ویژگیهای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۴

۴ - خداوند و تعالیم آسمانی او ، قابل شناخت برای بشر

و یریکم ءایته

برداشت یاد شده از آن جا است که لازمه نشان دادن آیات و نشانه های الهی به عموم مردم (یریکم) و توییح کسانی که به آنها ایمان نمی آورند، قابل شناخت بودن آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ - تکالیف و قوانین دینی ، مجموعه مرتبط و تفکیک ناپذیر است .

أن أقیموا الدین و لاتتفرّقا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۴

۴ - دین ، امری متکی به اختیار و انتخاب خود آدمی است .

و ما أنت علیهم بجبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۸

۸ - استواری و سامان بخشی ، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل ، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد .

و ما أمرُوا إِلَّا .. و ذلك دين القِيمه

ویژگیهای دین ابراهیم(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۵،۶،۷

۵ - آیین ابراهیم ، آیینی نیکو و منزّه از هر گونه شائبه باطل و ناهنجار

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ

<اصطفاء> به معنای گزینش صفوه (خالص و نیکوی) هر چیزی است. <ال> در <الدین> عهد ذکری و اشاره به آیین ابراهیم دارد.

۶ - آیین ابراهیم (تسلیم خدا بودن) ، آیین برگزیده خداوند

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ

۷ - منزّه بودن آیین ابراهیم از هر گونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها إبرهیم . . . بینی إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَآتُمُوتَنَّ

تفریع جمله <لا تموتن . . .> بر <إِنَّ اللَّهَ...> به وسیله حرف <فاء> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۷

۷- اعتقاد به مرام ابراهیمی (ع) ، ناسازگار با هر گونه شرک به خدا

مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که عبارت <ما كان من المشركين> تعریضی باشد به مشرکان مکه که از یک سو به حضرت ابراهیم(ع)، بنیان گذار کعبه، ارج می نهادند، ولی از سوی دیگر شرک میورزیدند.

ویژگیهای دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۴

۴ - ستم پیشگان و دین ستیزان ، غفلت زدگان از یاد قیامت اند .

فويل للذين ظلموا .. هل ينظرون إلا الساعة

هتك حرمت دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٤٩

۲۸ گرفتاری به عذاب الهی ، پیامد فسق و شکستن حریم دین

فان تولوا .. ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن كثيراً من الناس لفسقون

جمله <و ان كثيراً ..> به منزله تعلیل برای <یرید الله ان یصیبهم> است، یعنی چون بسیاری از مردم بر اثر گناه در زمره فاسقان در آمده اند، خداوند آنان را گرفتار عذاب خواهد ساخت.

۲۹ ضرورت هشیاری ، آمادگی و پایداری رهبران الهی در برابر انبوه فاسقان و شکنندگان حریم دین

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم .. و إن كثيراً من الناس لفسقون

یادآوری فسق بسیاری از مردم در پی نهی از پیروی هواپرستان، می تواند به منظور هشدار به قاضیان و رهبران الهی ایراد شده باشد ؛ یعنی باید متوجه باشند که فاسقان بسیاری برای بازداشتن آنان از اجرای احکام الهی در تلاش هستند.

هدایتگری دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱۲

۱۲ - احکام نازل شده از ناحیه خداوند ، هدایت آفرین است .

و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله .. أو لو کان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً و لایهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی و احکام نازل شده از ناحیه خدا ، هدایت آفرین و زمینه ساز جلب مغفرت الهی اند .

إن الذین ینکتمون .. أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إِلَّا جِنَّكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۴

۴ - رسالت دین ، محدود به ارائه رهنمود نیست ؛ بلکه دین ، برنامه زندگی و راهنمای عمل است .

و قالوا إن نَتَّبِعِ الْهَدْيَ مَعَكَ نَتَّخِطُفَ مِنْ أَرْضِنَا

برداشت یاد شده از آمدن تعبیر <تبعیت> استفاده می شود.

هدایتگری دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۶

۶ - آیین ابراهیم ، آیینی هدایت آفرین برای بشر

قالوا كونوا هوداً أو نصری تهتدوا قل بل مله ابرهیم

حرف <بل> حاکی از نفی ادعاهای مطرح شده در جمله قبل و اثبات ضد آن برای ما بعد می باشد. بنابراین <بل مله ابراهیم> یعنی، آیین یهود و نصارا هدایت آفرین نبوده و لزوم تبعیت ندارد؛ بلکه آیین ابراهیم هدایت بخش بوده و پیروی کردن از آن ضروری است.

هشدار به استهزاگران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ هشدار خداوند به استهزاکنندگان معارف و ادیان الهی

و لقد استهزیء برسلك من قبلك فحاق بالذین سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون

هشدار به دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۸

۸- هشدار خداوند به کافران دین ستیز ، نسبت به از دست دادن فرصت توبه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

لحن

آیه شریفه از یک سو تهدید و از سوی دیگر دربردارنده هشدار به کافران است که کار خویش را به جایی نرسانند که راه توبه بر رویشان بسته باشد.

هشدار به علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۸،۹

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب

۹ - دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب و يشترُونَ به ثمناً قليلاً .. لهم عذاب الی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۳،۷

۳ داستان بلعم باعورا ، داستانی پرفایده و هشداردهنده به دینداران و عالمان دینی

و اتل عليهم نبأ الذي آتينا

<نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده ای بزرگ باشد. (مفردات راغب). گویا هدف از نقل آن هشدار به دینداران و عالمان

دینی است. یعنی کسانی که از آیات الهی بهره مند هستند.

۷ انسان ها ، حتی عالمان هدایت یافته ، در خطر پیروی از شیطان و گام نهادن در مسیر گمراهی هستند .

فانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

هشدار به علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۳،۷

۳ داستان بلعم باعورا ، داستانی پرفایده و هشداردهنده به دینداران و عالمان دینی

و اتل عليهم نأ الذی ءاتينه ءايتنا

<نبا> به خبری گفته می شود که دارای فایده ای بزرگ باشد. (مفردات راغب). گویا هدف از نقل آن هشدار به دینداران و عالمان دینی است. یعنی کسانی که از آیات الهی بهره مند هستند.

۷ انسان ها ، حتی عالمان هدایت یافته ، در خطر پیروی از شیطان و گام نهادن در مسیر گمراهی هستند .

فانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نَبذْ فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكُتُبَ كَتَبَ اللَّهُ وِرَاءَ ظُهُورِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۸،۹

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده

شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب

۹ - دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب و يشترُونَ به ثمنًا قليلًا .. لهم عذاب الی

هشدار به مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۶

۶ هلاکت تکذیب کنندگان انبیا در گذشته تاریخ ، هشدار به تکذیب گران پیامبر (ص) و دین الهی

كذبت قبلهم .. كل كذب الرسل فحق وعيد

هلاکت اخروی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در

مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۱

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب اخروی

<ویل>، در اصل به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب) و در مقام تهدید و وعید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۲

۲ خداوند ، مکر های پیشینیان علیه پیامبران و برنامه های الهی را بی اثر ساخت و توطئه گران را به هلاکت رسانید .

أولم یروا أننا نأتی الأرض . . . و قد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

نمی توان جمله <الله المکر جمیعاً> را متفرع بر <قدمکرالذین . . .> دانست ؛ زیرا بر مکر کردن کافران این نتیجه مترتب نمی شود که مکرها از آن خداست. بنابراین <فأء> در <فله . . .> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر دارد. کلام با تقدیر آن چنین است: <قد مکر الذین من قبلهم فأبطله الله فله المکر جمیعاً>. جمله <أولم یروا . . .> قرینه بر این نکته

است که خداوند با هلاک سازی آنان مکرشان را باطل ساخت.

هلاکت دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۶،۷

۶- نابودی کافران دین ستیز و پیروزی مسلمانان ، قانونمند و دارای وقت مناسب است .

خلق الإنسن من عجل سأوریکم ءایتی فلاتستعجلون

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده شده است. بدین ترتیب که مؤمنان با مشاهده برخورد گستاخانه مشرکان با پیامبر(ص)، بی صبرانه منتظر تحقق وعده الهی، مبنی بر هلاکت دشمنان و پیروزی مسلمانان بودند. و خداوند آنان را به صبر و شتاب نکردن فراخوانده است. گفتنی است برداشت فوق بر اساس این است که مخاطبان جمله <سأوریکم... فلاتستعجلون> مسلمانان باشند.

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثم قتل کیف قدر

هلاکت معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴- ملت های روی گردان از قوانین الهی ، محکوم به زوال *

و إن تتولّوا يستبدل قوماً غيركم

بنابر این که متعلق <تتولّوا>، مطلق قوانین شرع باشد و تعبیر <یستبدل> نظر به زوال و اضمحلال داشته باشد، برداشت بالا به دست می آید.

هلاکت مکذبان دین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۶ - ۱

۱ - هلاکت و نابودی گروه های بسیاری از تکذیب کنندگان دین در گذشته

ألم نهلك الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - تهدید شدن تکذیب گران دین ، از سوی خداوند به هلاکت و نابودی

ثمّ تبعهم الآخريين

۲ - تکذیب گران دین ، در معرض هلاکت و نابودی

ثمّ تبعهم الآخريين

از این که خداوند، پیشینیان را نابود کرده و پسینیان را به هلاکت تهدید نموده است، استفاده می شود که تکذیب گران، همیشه در معرض چنین برخوردی از سوی خداوند می باشند.

هماهنگی ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۱

۱۱ هماهنگی و همگونی کتاب های آسمانی

مصدقاً لما بين يديه و انزل التوريه و الانجيل

بنابر اینکه مصدق بودن، به معنای تصدیق محتوای دیگر کتابهای آسمانی باشد که طبعاً دلالت بر هماهنگی و همگونی آنها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۴

۴ - ادیان الهی منزّه از تضاد و ناسازگاری با یکدیگر

و الذین یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۵،۷

۵ - ایمان به خدا و قیامت و تصدیق رسالت پیامبران ، از اصول مشترک ادیان آسمانی است .

إن الذین ءامنوا و الذین هادوا .. من ءامن بالله و الیوم الآخر

ایمان به خدا و قیامت از <من آمن .. >

به دست می آید و ایمان به رسولان الهی از عنوانهای مذکور در آیه (مسلمانان، یهودیان و ...) معلوم می شود؛ زیرا این ملتها همه معتقد به رسالت انبیا هستند.

۷- انجام اعمال صالح ، خواسته تمامی ادیان الهی است .

إن الذین ءامنوا و الذین هادوا .. و عمل صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۸

۸- پیوستگی نظام نبوت و اشتراک ادیان الهی در مسائل اساسی

و لكن البر من ءامن بالله .. و النبین و ءاتی المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۵

۵- تشابه احکام و مقررات ادیان الهی با یکدیگر

کتب علیکم الصیام كما کتب علی الذین من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۹

۱۹ کلیه انبیا ، مروج حق و دارای برنامه و هدفی واحد

فبعث الله النبین مبشرین و منذرین و انزل معهم الكتاب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱

۱ نفی پرستش غیر خدا ، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند ، وجه اشتراک ادیان الهی

یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۵

۵ همه انبیا ، دارای مسیر و هدفی واحد

و اذ اخذ الله ميثاق النبيّن . . لتؤمننّ به و

لتنصرنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ دعوت پیامبر اکرم (ص) از پیروان ادیان الهی به وحدت عقیدتی و فرق نگذاشتن میان انبیای الهی در جهت ایمان به آنان

لا نفرّق بین احد منهم

۱۳ هماهنگی ادیان الهی و انبیا، در جهت گیری های اعتقادی و رفتاری

امنا باللّٰه و ما أنزل .. لا نفرّق بین احد منهم و نحن له مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ اطاعت خداوند، تلاوت آیات الهی و سجده به درگاه او، از اصول رفتاری مشترک بین ادیان الهی

من اهل الکتب امه قائمه یتلون .. و هم یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۵

۵ ایمان به خدا و روز واپسین، امر به معروف و نهی از منکر، از اصول مشترک اعتقادی و عملی ادیان الهی

من اهل الکتب .. یؤمنون باللّٰه و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۵

۵ تشابه احکام اسلام با مقررات ادیان گذشته *

و یتهدیکم سنن الدّین من قبلکم

چون خداوند با بیان احکام اسلام، سنّت صحیح گذشتگان را می شناساند، معلوم می شود آن سنتها همانند احکام اسلام بوده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۷

۷ لزوم کفر

به طاغوت و موضعگیری در مقابل آن ، فرمان مشترک همه ادیان الهی

یزعمون انهم امنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغ

چون خداوند مراجعه به طاغوت را با ایمان به کتب آسمانی گذشته ناسازگار دانسته، معلوم می شود که در آن کتابها نیز چنین کرداری محکوم و ناپسند شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۹

۹ بیان اشتراک تکالیف بین امت های گذشته و مسلمانان ، از روش های قرآن برای تسهیل عمل به آن تکالیف

و لقد وصینا الذین اوتوا الکتب من قبلکم و ایاکم ان اتقوا الله

به نظر می رسد خداوند به منظور تسهیل رعایت تقوا، مسلمانان را متوجه این حقیقت کرده که لزوم رعایت تقوا، تکلیف همگانی است که امتهای پیشین نیز مکلف به آن بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۱

۱ پیامبران و ادیان الهی ، مجموعه ای به هم پیوسته

و الذین ءامنوا بالله و رسله و لم یفرقوا بین أحد منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۷

۷ کتاب های آسمانی و ادیان الهی ، همسو و هماهنگ با یکدیگر

و ءاتینه الانجیل . . . و انزلنا الیک الکتب بالحق مصداقاً لما بین یدیه من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۲

۲ حرمت گرفتن اسیر پیش از غلبه بر دشمن ، سنت تمام انبیای الهی و حکمی

لازم الاجرا در تمام ادیان آسمانی

ما كان لنبي أن يكون له أسرى حتى يثخن في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۰

۲۰ هماهنگی ادیان الهی و کتاب های آسمانی در بیان اصول عقیدتی و ارزشی

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم .. وعداً عليه حقاً في التوریه و الإ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ ممنوعیت استغفار برای مشرکان و لزوم برائت از آنان ، حکمی مشترک در ادیان آسمانی

ما كان للنبي .. أن يستغفروا للمشرکين ... و ما كان استغفار أبرهيم ... أنه عدو ل

از اینکه خداوند، به موضوع استغفار حضرت ابراهیم (ع) برای آزر، به عنوان تنها موردی که می تواند در ذهن مسلمانان ایجاد تردید کند پرداخت و از راز آن پرده برداشت نشان می دهد که مسأله ممنوعیت استغفار برای اهل شرک، مشترک همه ادیان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۳

۳ توحید و یکتاپرستی ، دین مشترک جوامع بشری نخستین

و ما كان الناس إلا أمة واحدة فاختلفوا

<امت> به هر جمعیتی که امر واحدی آنان را گرد هم آورده باشد گفته می شود. مراد از آن امر واحد که جوامع بشری نخستین را گرد هم آورد و از ایشان یک امت تشکیل داد به قرینه آیه قبل، توحید و یکتاپرستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۰ - ۴

و دین های آسمانی ، دارای مشترکات و همبستگی جداناپذیر و تکذیب هر یک به منزله تکذیب همه آنهاست .

و لقد کذب أصحاب الحجر المرسلین

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که برای اصحاب حجر تنها یک پیامبر مبعوث شده باشد؛ چنان که در قرآن هم تنها از حضرت صالح(ع) یاد شده است. و جمع آمدن <المرسلین> می تواند گویای این حقیقت باشد که: میان ادیان و پیامبران الهی مشترکات و همبستگی وجود دارد و تکذیب هر یک از آنها، به منزله تکذیب همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۱ - ۴

۴- دعوت به توحید و نفی شرک ، روح ادیان الهی

و قال الله لاتتخذوا إلهین اثنین إنما هو إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۶

۶- یکسانی محرمات اصلی خوردنی ها ، در همه شریعت های آسمانی

و علی الذین هادوا حرمنا .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

چنان که از ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود، آیه شریفه در مقام پاسخ به سؤالی مقدر است که چرا یهودیان به تکالیف فزون تر مکلف شده اند؛ ولی در مقام بیان نگفته است که هر شریعتی تکلیف خاص به خود را دارد؛ بلکه یکسانی تکالیف را پذیرفته و بر اساس آن، عملکرد ظالمانه خود یهود را دلیل حرام شدن برخی از حلالها شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۴

۴- اسلام ، آیینی ابراهیمی و مطابق و هماهنگ

با معارف و تعالیم حضرت ابراهیم (ع) است .

اتَّبِعْ مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۵

۵- اعمال زشت و ناپسند ، در همه ادیان آسمانی ناپسند است .

كُلِّ ذَلِكْ كَانَ سَيِّئَةً عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

<كان> فعل ماضی است و بر کراهت و نهی دیرینه الهی، از محرّمات در ادیان پیشین دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۷۸

۷- لزوم توبه از گناه و داشتن صداقت در ایمان ، از تعالیم مشترک ادیان آسمانی

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ ... إِلَّا مِنْ تَابٍ وَءَامِنٍ

۸- لزوم انجام اعمال صالح ، از دستورات تمامی ادیان الهی

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ ... إِلَّا مِنْ ... عَمَلٍ صَالِحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۴

۴ - نیاز انسان به پروردگار ، باور مشترک همه ادیان توحیدی و مکاتب شرک

هَذَا خِصْمَانِ اِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ

از این آیه شریفه، استفاده می شود که آنچه مورد اختلاف واقع شده، مصداق <پروردگار> است و اما اصل نیاز انسان به پروردگار، باوری پذیرفته شده در میان تمامی مکاتب و ادیان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تکلیف قربانی ، از احکام مشترک تمامی ادیان آسمانی

و لکلُّ أُمَّه جعلنا منسكاً

<منسك> مشتق از مصدر <نُسك> است. <نُسك> یعنی، اظهار کردن طاعت و انقیاد خود به خدا، به وسیله قربانی کردن دام. بنابراین <منسك> در آیه یاد شده، می تواند مصدر میمی باشد؛

یعنی، ما برای هر امتی از امت های پیشین، عبادتی قرار دادیم که با قربانی کردن دام های خود به ما تقرب جویند. هم چنین می تواند اسم مکان باشد، یعنی، برای هر امتی محلی برای قربانی کردن قرار دادیم و نیز می تواند اسم زمان باشد، یعنی، برای هر امتی، زمانی برای انجام مراسم قربانی مشخص ساختیم برداشت فوق، بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۵،۲۱

۱۵ - دفاع، حقی مشروع در تمامی شریعت های آسمانی

و لولا دفع الله... لهدمت... و مسجد

۲۱ - ذکر و یاد خدا، روح ادیان الهی و فریضه مشترک میان همه آنها است.

صومع... مسجد یذکر فیها اسم الله کثیرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱

۱ - قربانی کردن، از مراسم عبادی در همه ادیان و شریعت های الهی

لکل أمه جعلنا منسکاً هم ناسکوه

<منسک> مصدر میمی و مرداف با <نُسک> است. <نُسک> به عمل ذبح کردن حیوان با قصد تقرب به خدا، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۹

۹ - وحدت و یگانگی شریعت اسلام و شریعت ابراهیم (ع)

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج مله أبیکم إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۴

۴- اهمیت دادن به تغذیه سالم و بهره گیری از نعمت های الهی ، وجه مشترک

همه ادیان آسمانی

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُّوَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

هماهنگی اسلام و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۹

۹- وحدت و یگانگی شریعت اسلام و شریعت ابراهیم (ع)

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملّه أئیکم إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱

۱ - هماهنگی آیین اسلام با دین نوح ، ابراهیم ، موسی و عیسی (ع)

شرع لكم من الدین ما وصى به نوحًا .. و ما وصىنا به إبرهیم و موسی و عیسی

هماهنگی اسلام و دین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱

۱ - هماهنگی آیین اسلام با دین نوح ، ابراهیم ، موسی و عیسی (ع)

شرع لكم من الدین ما وصى به نوحًا .. و ما وصىنا به إبرهیم و موسی و عیسی

هماهنگی دین با تلاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۳

۲۳- روح دیانت و معنویت ، سازگار با کار و تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر و برتر

يبتغون فضلاً من الله ورضواناً

<فضلاً> اشاره به امکانات مادی و <رضواناً> ناظر به امور معنوی است.

هماهنگی دین با سیاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۵

۵ - دین از سیاست و اجتماع جدا نیست؛ بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

و شددنا ملکه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۸

۸ - جدا نبودن دین از سیاست ، معیشت و تدبیر امور جامعه

یداود إنا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

انتخاب داوود(ع) از سوی خداوند برای تدبیر کلیه امور جامعه بشری و مأموریت او برای داوری میان مردم در کلیه نزاع ها و اختلاف ها، بیانگر حقیقت یاد شده است.

هماهنگی دین با علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - برنامه های دین الهی ، نشأت یافته از مبدأ علم و نه تمایلات بی اساس

جعلنک علی شریعه ... و لاتتبع أهواء الذین لایعلمون

از مقابله میان <جعلناک علی شریعه> و <أهواء الذین لایعلمون>، استفاده می شود که شریعت الهی، هم عالمانه است و هم مبرّاً از هوا و هوس.

هماهنگی دین و عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت ...> حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر الله أتخذ ...> نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۷، ۲۸

۲۷ توصیه های خداوند (پرهیز از شرک و

.. (حقایقی است که آدمی باید در آنها دقت کند و ضرورت پرهیز از آنها را با عقل خویش دریابد.

ذَلِكُمْ وَصِيكُم بِه لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

مفعول <تعقلون> ضرورت پرهیز از محرمات یاد شده است. مراد از <توصیه> می تواند به قرینه <تعقلون> سفارش به تأمل و دقت در احکام مذکور باشد. بنابراین جمله <ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِه ...> یعنی خداوند سفارش کرده که در محرمات بیان شده دقت کنید؛ باشد که ضرورت پرهیز از آنها را با عقل خویش دریابید.

۲۸ تعالیم پنجگانه (اجتناب از شرک، احسان به والدین و ..) تعالیمی مطابق با عقل

ذَلِكُمْ وَصِيكُم بِه لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

هماهنگی عقل و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱۵

۱۵ - هماهنگی و همسوئی عقل و دین

اتبعوا ما أنزل الله .. أو لو كان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۲

۱۲- معارف و آموزه های قرآن مطابق و هماهنگ با خرد ناب است .

هذا بلغ للناس .. و لیدّکر أولوالألئب

از اینکه خداوند هدف از نزول قرآن را پذیرایی صاحبان خرد قرار داد، معلوم می شود که قرآن با موازین عقلی مطابق و هماهنگ است و اگر غیر از این بود، خردورزان از آن پند نمی گرفتند؛ بلکه نتیجه معکوس در برمی داشت.

همنشینان دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱

۱ - دشمنان دین حق ، گرفتار هم نشینانی اغواگراند .

و قَيْضًا لَهُمْ قِرْنَاءَ فَرِيضًا لَهُمْ

<تقیض> (مصدر <قَيْضًا>) به معنای

مقدر ساختن است که در این جا به مفهوم گرفتار ساختن می باشد. <قرناء> (جمع <قرین>) نیز به معنای هم نشینان و هم دمان است.

همنشینی با مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۳

۱۳ شیطان در صدد است حکم حرمت حضور در مجلس یاوه گویان مغالطه گر درباره دین فراموش شود.

و إِمَّا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانَ

نون <ینسینک> زایده در <اما>، که برای تأکید می باشد، بیانگر این است که شیطان در صدد به فراموشی کشاندن انسان در این گونه موارد است.

هوآپرستی دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۷

۷ - دشمنان دین خدا و کتاب های آسمانی ، عناصری هوآپرست و ظالم

و من أضلَّ ممَّن اتَّبِع هویه . . . إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

هوآپرستی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۵

۵ - بی تقوایی و هوآپرستی ، بزرگ ترین مشکل تکذیب کنندگان دین در قیامت

فویل یومئذ للمکذبین . . . هذه النار الّتی کتّم بها تکذّبون ... إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي

در این آیات، <متّقین> جبهه مقابل <مکذّبین> قرار گرفته است. از این تقابل مطلب استفاده می شود.

یأس دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۶

۲۶ روز نصب حضرت علی (ع) به امامت و رهبری ، روز یأس دشمنان دین از شکست اسلام

اليوم يئس الذين كفروا .. اليوم اكملت لكم دينكم

سياق و لحن آیه حکایت

از آن دارد که بین این دو فراز از آیه (یعنی <الیوم یئس> و <الیوم اکملت>)، ارتباط کامل وجود دارد و می‌رساند که یأس دشمنان، ریشه در اکمال و اتمام دین دارد و این کمال و تمامیت با توجه به شأن نزول با نصب حضرت علی(ع) تحقق پذیرفته است.

یعقوب(ع) و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبعت مله اباؤی إبرهیم و إسحق و یعقوب

یوسف(ع) و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴،۷

۲ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبعت مله اباؤی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت مله اباؤی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی انی ترکت .. واتبعت مله اباؤی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می‌کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره‌مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یوسف(ع)

و دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴،۷

۴ یوسف (ع) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی اِنی ترکت .. واتبعت مله اباؤی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یوسف(ع) و دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۳،۱۴

۱۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

اِنی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی اِنی ترکت مله قوم لایؤمنون

جمله <اِنی ترکت ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

یوسف(ع) و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴،۷

۴ یوسف (ع) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی اِنی ترکت .. واتبعت مله اباؤی

جمله <اتبعت .. > عطف بر <ترکت > در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یهود و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن ابراهیم و اسمعیل .. كانوا هوداً

جمله <أم تقولون .. > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسباط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت

و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . . . > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . . . > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . . . > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . . . > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

دیانت و عیّت

{دیانت و عیّت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۶

۶ دین اسلام ، جامع همه معارف و دستورات مورد نیاز بشر

ادخلوا فی السلم کافه

در صورتی که <کافّه>، حال از <السلم> باشد ، یعنی تسلیم همه جانبه اسلام بودن ، و این مستلزم آن است که اسلام به تمام نیازها، پاسخگو باشد.

دین سازان

{دین سازان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵،۶،۸،۹

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف ، احکام و ...) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند الله

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته

خود آنان بود، همانند جمله های <يقولون بأفواههم> و <نظرتهم بعینی...> و

۶- دستیابی به متاع های دنیوی (مال ، ریاست ، وجاهت و

(هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلاً

۸ - گروهی از عالمان یهود ، مردمانی بدعتگذار و دین ساز بودند .

فويل للذين يكتبون الكتب بأيديهم

۹ - عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فويل للذين يكتبون الكتب .. فويل لهم مما كتبت أيديهم

شرك دين سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۴

۴ دین سازان و مروجان آیین های منسوخ ، در حقیقت خود را در رتبه خدا و شریک او قرار داده اند .

يا ايها الذين اتوا الكتب امنوا بما نزلنا .. ان الله لا يغفر ان يشرك به

گناه دين سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ گناه پیروی از مکاتب انحرافی و تأیید رهبران آن، همطراز با گناه مکتب سازان و سران آن مکاتب

ربنا هؤلاء أضلونا .. قال لكل ضعف

دين سازی

جرم دين سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون . . . فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <ویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

حرمت دین سازی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۳

۳ - ارائه و نشر افکار خود به عنوان کتاب آسمانی ، دارای حرمتی شدیدتر نسبت به تحریر و نوشتن آن

ثم يقولون هذا من عند الله

جمله <فويل للذين...> بیانگر حرمت نوشتن بافته های خویش به عنوان کتاب آسمانی است و جمله <يقولون...> بیانگر حرمت نشر و ارائه آنهاست. از آن جا که جمله دوم با حرف <ثم> آمده و <ثم> در این جا برای تراخی رتبه ای است نه زمانی، دلالت می کند که: حرمت نشر و ارائه، از حرمت اصل کتابت شدیدتر است.

دین سازی با سرگرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۵، ۱

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۲۵ کسانی که بازی و سرگرمی دنیا را دین خود قرار داده اند، کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا... بما كانوا یکفرون

بنابراین که <اتخذوا دینهم لعبا>، به معنای <اتخذوا اللعب دینا> باشد.

دین سازی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵، ۶، ۸، ۹

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف ، احکام و ...) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند الله

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود

آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <يقولون بأفواههم> و <نظرتهم بعینی...> و

۶- دستیابی به متاع های دنیوی (مال ، ریاست ، وجاهت و ...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلاً

۸- گروهی از عالمان یهود ، مردمانی بدعتگذار و دین ساز بودند .

فويل للذين يكتبون الكتب بأيديهم

۹- عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فويل للذين يكتبون الكتب... فويل لهم مما كتبت أيديهم

دین سازی مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۷۰ - ۱

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعلوا

کسب با دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۱، ۱۲

۱۱- در آمد های به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری ، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد .

و ويل لهم مما يكسبون

مراد از <ما>ی موصوله در <مما يكسبون> می تواند درآمدهایی باشد که عبارت <لیشتروا به ثمناً قليلاً> آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۲ - هر درآمدی که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیستروا به ثمناً

ظاهر این است که <قلیلا> صفت توضیحی برای <ثمناً> باشد. بنابراین <ثمناً قلیلاً> به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

گناه دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۲

۲ - ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی ، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین . . ثم یقولون هذا من عند الله

دین ستیزان

آثار ذکر فرجام دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۴

۴ - توجه به سختی فرجام دین ستیزان ، بازدارنده انسان از فرو رفتن در پوچی های زندگی دنیوی

فویل . . للمکذبین . الذین هم فی خوض یلعبون

تذکر خداوند به دین ستیزان (الذین هم فی خوض)، در حقیقت هشدار به گرفتاران در پوچی دنیا است تا به فرجام آن بیندیشند و از پوچی به در آیند.

حتمیت کیفر اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۷

۷ - صحنه های هول انگیز قیامت و مجازات دین ستیزان ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

اقتربت الساعة .. و كذبوا ... و كل أمر مستقر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <و كل أمر مستقر> در ارتباط با <اقتربت الساعة> باشد و نظر به تکذیب گران پیامبر(ص) داشته باشد که قیامت نزدیک شده و تهدیدهای الهی در مورد آنان محقق خواهد شد.

دین ستیزان

در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

دین ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز ، گرفتار قید و بند های گران در عرصه قیامت

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا

<نِكَلٌ> (مفرد <أنكال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحيط).

شکست دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

عذاب اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۲

۲ - تکذیب گرانِ دین ستیز در قیامت ، گرفتار عذاب‌ی دردآور

و المکذبین .. و عذابًا أليماً

عذاب دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۴

۴- کافرانی که تا آخرین لحظه زندگی در حال عناد و ستیز با دین باشند ، محکوم به عذاب ابدی خواهند بود .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا .. فَلَئِنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

لازمه قطعی <لن يغفر الله> باقی ماندن همیشگی در عذاب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

- کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثم قتل کیف قدر

عمل پنهانی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۶

۶ - رفتار پنهان و آشکار دین ستیزان ، تحت نظارت مستقیم خداوند و نیز در نظرگاه کاتبان و مأموران الهی

أم یحسبون أنا لانسمع سرهم و نجویهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

قیدهای اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز ، گرفتار قید و بند های گران در عرصه قیامت

إن لدینا أنکالاً

<نِکَل> (مفرد <أنکال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحيط).

کیفر اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلوگیر کیفر می شوند .

و المکذبین . . . و طعامًا ذا غصه

کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

لعن بر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و

دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل کیف قدر

محرومیت اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۳

۳- مرفهان تکذیب گر و دین ستیز ، از هرگونه آسایش و راحتی یا لذت و کام جویی در قیامت ، محروم خواهند بود .

و ذرنی و المکذبین أولی النعمه . . . و طعامًا ذا غصه و عذابًا أليماً

تأکید خداوند بر گلوگیر و درد آور بودن کیفر صاحبان ثروت و رفاه، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

مهلت به دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۶

۶- توصیه خداوند به پیامبر (ص) در آغاز رسالت ، مبنی بر دادن مهلتی اندک به تکذیب گران و بدگویان دین ستیز

و اصبر علی ما یقولون . . . و ذرنی و المکذبین ... و مهلهم قليلاً

وعده کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

ویژگیهای دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۴

۴ - ستم پیشگان و دین ستیزان ، غفلت زدگان

از یاد قیامت اند .

فویل للذین ظلموا .. هل ينظرون إلا الساعة

هشدار به دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۸

۸- هشدار خداوند به کافران دین ستیز ، نسبت به از دست دادن فرصت توبه

إِنَّ الذِّينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

لحن آیه شریفه از یک سو تهدید و از سوی دیگر دربردارنده هشدار به کافران است که کار خویش را به جایی نرسانند که راه توبه بر رویشان بسته باشد.

هلاکت دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۶،۷

۶- نابودی کافران دین ستیز و پیروزی مسلمانان ، قانونمند و دارای وقت مناسب است .

خلق الإنسن من عجل سَأُورِيكُمْ ءآيتي فَلَا تَسْتَعْجِلُون

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده شده است؛ بدین ترتیب که مؤمنان با مشاهده برخورد گستاخانه مشرکان با پیامبر(ص)، بی صبرانه منتظر تحقق وعده الهی، مبنی بر هلاکت دشمنان و پیروزی مسلمانان بودند. و خداوند آنان را به صبر و شتاب نکردن فراخوانده است. گفتنی است برداشت فوق بر اساس این است که مخاطبان جمله <سَأُورِيكُمْ... فَلَا تَسْتَعْجِلُون> مسلمانان باشند.

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سَأُورِيكُمْ ءآيتي

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیز و

اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثم قتل كيف قدر

دین ستیزی

آثار دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۸

۸- کفر و ستیزه جویی با دین و پیامبر (ص) ، از عوامل حبط عمل و نابودی اعمال نیک انسان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... و سيجبب أعمالهم

اصرار بر دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - پافشاری در مخالفت با دین و تردید در حقانیت آن باوجود مشاهده دلایل روشن موجب گمراهی ابدی است .

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

مقصود از <مسرف> در این آیه، کسی است که در مخالفت با حق، پافشاری و اصرار فراوان دارد.

افراط در دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - جدال در آیات الهی (تعالیم دین) ، بدون دلیل و برهان و از سر جهل و بی فکری ، موجب تردید و شکاک بودن انسان در معارف الهی و زیاده روی در مخالفت با آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب . الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان أتیه

جمله >الذين يجادلون.

..< در واقع بیانگر علت مسرف و مرتاب (شکاک) بودن برخی از انسان ها است؛ یعنی، چون برخی به جای فکر کردن در آیات الهی، از سر جهل و یا تقلید به مجادله با آن بر می خیزند. از این رو نسبت به تعالیم الهی همواره در شک و تردید به سر می برند و در مخالفت با تعالیم آسمانی اسراف می کنند.

دین ستیزی ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۲

۲ - قدرت صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، در خدمت مکر و حيله گری علیه دین الهی و در جهت گمراه کردن مردم قرار داشت .

و مکروا مکراً کباراً

دین ستیزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ - وجود شعار های شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است؛ یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سر می دادند.

دین ستیزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۵

۵ - دستور

ساختن بنای مرتفع و رصدخانه برای اطلاع پیدا کردن از خدای موسی (ع)، نیرنگ و ترفند فرعون برای اثبات دروغ گویی موسی (ع) در ادعای وجود خدای یکتا در جهان

أسبب السموت فأطلع إلى إله موسى

در این که مقصود اصلی فرعون از ساختن بنای مرتفع چه بوده، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: از جمله این که فرعون با ساختن بنای مرتفع، درصدد نبود که به راه های آسمان دست یابد؛ زیرا کوه های مرتفعی وجود داشت که از برج ها و بنای احدائی او بلندتر بود. از این رو مقصود اصلی او این بود که برای مردم اثبات کند که راه یافتن به آسمان، امری ناممکن است. بنابر این ادعای موسی (ع) به این که در جهان خدایی هست که با او ارتباط دارد، دروغ و باطل می باشد. گفتنی است ذیل آیه که در آن از بی اثر بودن توطئه فرعون سخن به میان آمده مؤید همین برداشت است.

دین ستیزی قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۲

۲ - قدرت صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، در خدمت مکر و حيله گری علیه دین الهی و در جهت گمراه کردن مردم قرار داشت .

و مکروا مکراً کباراً

دین ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

فاعبدنی .

.. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله أضلّ أعمالهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إِنَّ الذّین کفروا و صدّوا .. و شاقّوا ... من بعد ما تبین لهم الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۴

۴- انکار معاد ، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲- کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیدًا

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر (ص) و بررسی

علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند.

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

دین ستیزی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۲

۲- حق پوشی، کارشکنی در طریق دین و پیامبرستیزی، ویژگی مشرکان عصر نزول

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقَّوْا الرَّسُولَ

دین ستیزی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مِنْهُ مَسْرِفٌ مَرْتَابٍ

دین ستیزی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱۰

۱۰- بیماردلان منافق، در انتظار پدید آمدن فرصت، برای همکاری با دشمنان علیه دین

قالوا للذين كرهوا ما نزل الله سنطيعكم في بعض الأمر

سین در <سنطيعكم> اشاره به موقعیتی دارد که هنوز فرانسیده است و منافقان در انتظار فرارسیدن آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ بیمار دلان منافق ، دارای کینه های عمیق نسبت به دین و مؤمنان

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَنَهُمْ

<أضغان>، (جمع <ضغن>) به معنای کینه های شدید و عمیق است.

زمینه دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

كانوا هم أشدّ منهم قوّه وءاثارًا .. إلى فرعون و همن و قرون فقالوا سحر كذّ

شگفتی از دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی بس شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

ثمّ قتل كيف قدر

شگفتی دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

فقتل كيف قدر

<كيف>، در این آیه برای تعجب است.

ظلم دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

عوامل دین ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۲

تکبر و تجاوزگری، موجب پافشاری بر راه باطل، تردید در حق و ستیزه جویی با آیات الهی (تعالیم دین) است.

من هو مسرف مرتاب . الذین یجدلون فی ءایت الله ... كذلك یطبع الله علی کل قلب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <کذلك یطبع الله علی کل قلب متکبر جبار> درصدد بیان علت اسراف و تردید در حق و جدال در آیات الهی باشد (که در آیه پیش و صدر این آیه، مورد بحث قرار گرفته است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت الله .. الذین کذبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

فلسفه دین ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۴

۴ - خوی استکبار و برتری طلبی، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت ولید بن مغیره، با آیات الهی و پیامبر اسلام (ص)

و استکبر

خداوند در آیه ۱۶، ولید بن مغیره را به عنوان مخالف و دشمن آیات قرآن معرفی کرده (إِنَّه کان لآیاتنا عنیداً) و در آیه مورد بحث، از او به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبر اسلام (ص)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

دین شناسان

زمینه تعجب دین شناسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح -

۳۵- سرعت گسترش اسلام، از پیدایش تا استقرار و شکوفایی آن، مایه شگفتی دین شناسان و خشم کافران

کز ع... یعجب الزّاع لیغیظ بهم الکفّار

دین شناسی

ابزار دین شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۵

۵ - عقل، از ابزار شناخت معارف الهی

هل فی ذلک قسم لذی حجر

اهمیت دین شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۸

۸ - درک حقایق و معارف دین و پذیرش آنها، تعیین کننده میزان ارزش قوای ادراکی است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

کر، لال و کور خواندن کفرپیشگان علی رغم اینکه آنان از ابزار شنوایی و ... برخوردار هستند، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که: اگر ابزار و قوای ادراکی وسیله فهم معارف دین قرار نگیرند، در حقیقت با نبودشان یکسانند و ارزشی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۵

۱۵ لزوم تشکیل مراکز علمی تحقیقاتی و تبلیغی به منظور شناخت عمیق دین و تبلیغ و نشر آن

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیه

از اینکه خداوند فرمود: >باید گروهی از هر قومی به منظور تفقه در دین در مدینه باشد و پس از تفقه کامل به سرزمینهای خود بازگردند<، استفاده می شود که باید شهر مدینه را به مرکز تحقیقات اسلامی تبدیل کرد زیرا از نظر عقل مقدمه واجب، واجب است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۵

۱۵- شناخت حق و جستجو برای فهم صحیح حقایق دینی ، امری است لازم و بایسته .

بل أكثرهم لا یعلمون الحقّ فهم معرضون

آیه بالا صرفاً برای حکایت از وضعیت مشرکان نیست؛ بلکه علاوه بر این درصدد محکومیت و سرزنش آنان نیز هست و این می رساند که شناخت حق، امری لازم است؛ زیرا سرزنش بر امر غیر لازم معقول نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - بهره نجستن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت شناخت دین و عمل به تعالیم آسمانی ، محکوم و مورد سرزنش و بازخواست خداوند

أولم نَعْمَرکم ما یتذکر فیه من تذکر و جاءکم النذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۵

۵- لزوم شناخت دین و آشنایی با تعالیم پیامبران ، از راه شنیدن صحیح و اندیشه و تعقل

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل

زمینه دین شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۹

۱۹ میدان های نبرد با کفر ، زمینه دستیابی مجاهدان به درک عمیق حقایق معنوی دین *

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقها فی الدین

برداشت فوق بدان احتمال است که <نفر> در <لولا نفر> به معنای بسیج برای جنگ باشد و فاعل <لیتفقها> مجاهدان

باشند.

منابع دین شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۴

۴- وحی ، منبع اصلی معرفت دینی و شناخت

تعالیم الهی است .

قل إِنَّمَا أَنذَرُكُمْ بِالْوَحَى

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پیامبر(ص) مأمور بود تنها بر اساس وحی الهی، به انداز مردم بپردازد.

دین فروشان

{دین فروشان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۶

۶ سودای هدایت با گمراهی از سوی عالمان دین ، امری بس شگفت و نکوهیده

الم تر . . . یشترون الضلالة

استفهام در <الم تر>، به انگیزه تعجیب و شگفتی است.

آتشخواری دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۴

۴ - تناول از منافع به دست آمده از دین فروشی و کتمان معارف کتاب های آسمانی ، در حقیقت خوردن آتش و پرکردن شکم از آن است .

و یشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون فی بطونهم إلا النار

دین فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

دین فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . . . و أقیموا الصلوه ... واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن

کیفر دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

گمراهی دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

محرومیت دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱،۲

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

دین فروشی

{دین فروشی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۱، ۸، ۷، ۱

۱ دین فروشی و پیمان شکنی اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای رسیدن به اهداف دنیوی

انّ الذّین یشترون بعهد اللّٰه و ایمانهم ثمناً قليلاً

از مصادیق بارز < انّ الذّین .. > ، به قرینه آیات سابق، اهل کتاب هستند و چون دین فروشی و بدعت معمولاً به دست عالمان دین است، در برداشت فوق، کلمه < عالمان > اضافه شده است.

۷ دریافت بهای دنیوی

در قبال سوداگری بر سر عهد الهی ، هر چند زیاد باشد ، اندک است .

انّ الذّین یشترون بعهد اللّٰه و ایمانهم ثمناً قليلاً

ظاهراً ثمنی (ریاستها و ثروتها) که سوداگران آیات الهی می گرفتند، اندک نبود؛ ولی خداوند آن را اندک معرفی کرده است.

۸ محرومیت عالمان یهود ، سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، از بهره های اخروی

انّ الذّین یشترون .. اولئک لا خلاق لهم فی الاخره

۱۱ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مورد غضب الهی و محروم از سخن گفتن و توجه نمودن خداوند به آنان در آخرت

انّ الذّین یشترون .. و لا یکلّمهم اللّٰه و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۴ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، محروم از پاک شدن و رشد یافتن به دست خداوند .

انّ الذّین یشترون بعهد اللّٰه .. و لا یرکّیهم

تزکیه از ماده <زکّو> و یا <زکّی> ، به معنای پاک شدن و نیز به معنای رشد یافتن می باشد.

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار .. انّ الذّین یشترون ... و لا یکلّمهم اللّٰه و لا ینظر

۱۷ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

انّ الذّین یشترون .. و لهم عذاب الیم

۱۸ علمای اهل کتاب به خاطر سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

و من اهل الکتاب .. انّ

الذین یشترون ... و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۴، ۱۷، ۱۳

۱۳ دین فروشی و دنیاپرستی عالمان اهل کتاب

و اشتروا به ثمنًا قلیلاً

۱۴ سوداگری عالمان اهل کتاب با کتب آسمانی و میثاق الهی در برابر بهره های ناچیز

و اشتروا به ثمنًا قلیلاً

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهد به پیمان های الهی

فبذوه ... و اشتروا به ثمنًا قلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حقیقت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتب لمن .. لا یشترون بایات الله ثمنًا قلیلاً

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

آثار دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - دین فروشی ، مایه گرفتار شدن به عقوبت ها و عذاب های الهی است .

ولا تشتروا بایتی ... و ایّی فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- سوداگری با دین و ترجیح دادن دنیا بر آخرت ، نشان جهل و نادانی است .

و لا تشتروا بعهد الله .. إنما عند الله هو خير لكم إن كنتم تعلمون

اجتناب از دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره -

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا اول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی ، ویژگی اهل کتاب مؤمن به خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

۱۱ پرهیز از دین فروشی گروهی از اهل کتاب ، علی رغم سوداگری با آیات الهی از سوی برخی دیگر

انّ من اهل الکتب .. خاشعین لله لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

۱۲ پرهیز برخی اهل کتاب از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی (تورات و انجیل) ، مایه ایمان آنان به قرآن

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن .. خاشعین لله لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

جمله <لا یشترون .. > ، حال برای فاعل <یؤمن> است (یعنی مؤمنان اهل کتاب) و توصیف آنان به جمله ذکر شده، می تواند اشاره به علت و زمینه ایمان آنان به قرآن باشد.

بهای دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۶

۱۶ - هر ثمنی که در قبال دین فروشی به دست آید - هر چند فراوان هم باشد - حقیر و ناچیز است .

و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلاً

کلمه <قلیلاً> قید توضیحی برای <ثمناً> است ، یعنی ، ثمنی که در

مقابل از دست دادن آیات الهی باشد اندک است، هر چند به ظاهر کلان و فراوان به نظر آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۱

۱۱ - متاع و بهره های دنیوی در قبال دین فروشی ، بهایی اندک و ناچیز است .

و یثرون به ثمناً قليلاً

کلمه <قلیلاً> صفت توضیحی است و حکایت از آن دارد که هر قیمتی که در قبال دین فروشی قرار گیرد، اندک و ناچیز است.

بی ارزشی بهای دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۴،۶

۴ - هر آنچه آدمی در برابر کفر به قرآن و از دست دادن دین الهی به چنگ آورد ، پست و ناچیز است .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

برداشت فوق مبتنی بر این است که مخصوص به ذم، مال و منال، ریاستهای دنیوی و مانند آن باشد که در کلام ذکر نشده تا شامل هر چیزی بشود. بر این مبنا <أن يكفروا...> بیان معامله و داد و ستد است و معنای جمله <بئسما اشتروا...> چنین می شود: یهودیان آنچه از مال و منال دنیا در برابر فروختن خویش به دست آوردند، بهای پستی بود و این معامله با کفر به قرآن صورت گرفت.

۶ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن ، است .

أن يكفروا بما أنزل الله

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أنزل الله> بیانگر علت و

دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد، یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

تناول از منافع دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۴

۴ - تناول از منافع به دست آمده از دین فروشی و کتمان معارف کتاب های آسمانی، در حقیقت خوردن آتش و پرکردن شکم از آن است.

و یشترون به ثمنًا قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

حرمت دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۹

۱۹ حرمت سوداگری با آیات الهی

لا یشترون بایات الله ثمنًا قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۵

۳۵ حرمت سوداگری با آیات الهی و احکام دین

ولا تشتروا بایتی ثمنًا قليلاً

خطر دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۶

۳۶ مسؤولان قضایی و عالمان دینی، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لا تشتروا بايتي ثمنًا قليلا

دين فروشى اهل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۸، ۱۵، ۱

۱ دين فروشى و پيمان شکنى اهل كتاب (عالمان آنان) ، براى رسيدن به اهداف دنيوى

ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم ثمنًا قليلا

از مصاديق بارز > ان الذين . . .

<، به قرینه آیات سابق، اهل کتاب هستند؛ و چون دین فروشی و بدعت معمولاً به دست عالمان دین است، در برداشت فوق، کلمه <عالمان> اضافه شده است.

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی، مورد غضب خداوند، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلمهم الله و لا ینظر

۱۸ علمای اهل کتاب به خاطر سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

و من اهل الکتاب .. انّ الذین یشترون ... و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۴، ۱۷، ۱۳

۱۳ دین فروشی و دنیاپرستی عالمان اهل کتاب

و اشتروا به ثمناً قليلاً

۱۴ سوداگری عالمان اهل کتاب با کتب آسمانی و میثاق الهی در برابر بهره های ناچیز

و اشتروا به ثمناً قليلاً

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهد به پیمان های الهی

فیندوه ... و اشتروا به ثمناً قليلاً

دین فروشی در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۱

۱۱ پرهیز از دین فروشی گروهی از اهل کتاب، علی رغم سوداگری با آیات الهی از سوی برخی دیگر

انّ من اهل الکتاب .. خاشعین لله لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

دین فروشی علما

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۶

۶ سودای هدایت با گمراهی از سوی عالمان دین ، امری بس شگفت و نکوهیده

الم تر . . . یشترون الضلاله

استفهام در <الم تر>، به انگیزه تعجیب و شگفتی است.

دین فروشی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۴

۳۴ خداوند بر حذر دارنده عالمان یهود از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلا

دین فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حَقَّائِیت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتاب لمن . . . لا یشترون بایات الله ثمناً قليلا

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

زمینه دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۵

۵ دنیاپرستی ، ریشه سوداگری بر سر عهد الهی و مسؤولیت های ناشی از آن

انّ الذين يشترون بعهد الله .. ثمناً قليلاً

زیان دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۳

۱۳ هر بهایی که در قبال سوداگری با آیات الهی قرار گیرد، اندک و ناچیز است .

لا يشترون بايات الله ثمناً قليلاً

معمولاً افرادی که بر سر آیات الهی سوداگری می کنند به قصد رسیدن

به بهره های فراوان دنیوی است، ولی خداوند آنها را در مقابل از دست دادن دین و محرومیت از مواهب اخروی اندک می شمارد.

سرزنش دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۱، ۱۹

۱۱ سرزنش عالمان اهل کتاب از سوی خداوند به سبب نادیده گرفتن پیمان الهی و دین فروشی

فبذوه وراء ظهورهم و اشتروا به ثمناً قليلا

۱۹ زشتی و بدی دستاورد دین فروشی

و اشتروا به ثمناً قليلا فبئس ما يشترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۸

۱۸ توبیخ الهی نسبت به برخی از عالمان اهل کتاب ، به خاطر سوداگری آنان با آیات الهی

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن .. لا يشترون بايات الله ثمناً قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۶

۶ سودای هدایت با گمراهی از سوی عالمان دین ، امری بس شگفت و نکوهیده

الم تر .. يشترون الضلالة

استفهام در <الم تر>، به انگیزه تعجیب و شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۱

۴۱ منافع به دست آمده از دین فروشی ، مصداقی بارز برای سحت

اکلون للسحت . . . و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلا

نهی خداوند از دین فروشی در قبال منافع دنیا، پس از توصیف عالمان یهود در آیات پیش به <اکلون للسحت>، بیانگر آن است که از مصداق مورد نظر برای <سحت> (حرامی ننگ آور)، منافی است که آنان از دین فروشی

به چنگ می آورند.

عوامل اجتناب از دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ - پروا داشتن از خدا و نهرا سیدن از غیر او ، مستلزم ایمان به قرآن و پرهیز از دین فروشی است .

ءامنوا بما أنزلت .. و لاتشتروا بأیتی ثمناً قليلا و ایّی فاتقون

عوامل دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۶

۶ - دستیابی به متاع دنیا از عوامل دین فروشی و کتمان حقایق دینی است .

و یشترون به ثمناً قليلا

کیفر دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ علمای اهل کتاب به خاطر سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

و من اهل الکتاب .. انّ الذین یشترون ... و لهم عذاب الیم

گناه دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۳

۳ - دین فروشی و کسب متاع دنیا در قبال آن ، از گناهان بزرگ است .

و يشترون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم إلا النار

موانع دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۳

۳ توجه به مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند ، زمینه پرهیز از شکستن میثاق ، کتمان حقایق ، دین فروشی و خودپسندی

و اذ اخذ الله میثاق الذین اتوا الکتب لتبیننه .. و

لا تکتونه ... و اشتروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۷

۳۷ عالمان خداترسی ، وارسته از دین فروشی و تحریفگری

و اخشون و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلا

ناپسندی دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۸

۸ سوداگری بر سر آیات الهی و دین حق ، از کردار های بد آدمی

اشتروا بآیت الله ثمناً قليلا .. إنهم ساء ما كانوا يعملون

دینداران

اجتناب از تبعید دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۵

۵ - معتقدان به ادیان الهی نباید یکدیگر را بکشند یا گروهی از آنان ، گروهی دیگر را از خانه و دیارشان بیرون رانند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم و تخرجون فريقاً منكم من دیرهم

اجتناب از قتل دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۵

۵ - معتقدان به ادیان الهی نباید یکدیگر را بکشند یا گروهی از آنان ، گروهی دیگر را از خانه و دیارشان بیرون رانند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم و تخرجون فريقاً منكم من ديرهم

تحقير دينداران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۷

۷ - تهمت و تحقير ، از ترفند ها و ابزار های طاغيان و دشمنان دين ، عليه دينداران و مؤمنان

رجالاً كنا نعدهم من الأشرار

تداوم دينداران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ -

۱۹ خالی نشدن صحنه جهان ، از حاملان دین و وفاداران به قوانین الهی

و إن تتولّوا يستبدل قوماً غیرکم ثم لا یكونوا أمثلکم

خداوند به روی گردانان از دین و انفاق، صرفاً نفرموده است که شما را از میان می بریم بلکه فرموده است: ملتی جز شما روی کار خواهیم آورد تا چون شما با دین و احکام الهی مقابله نکنند. از این مطلب، برداشت بالا استفاده می شود.

تشبیه دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ - انسان در این جهان ، همچون رونده ای گم کرده راه و دین راهی است درست ، و دینداران مردمی راه یافته اند .

إنا هدینہ السبیل إنا شاكرًا و إنا کفورًا

توصیه به دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - ذکر و یاد خدا ، توصیه او به دین داران

یذکر فیها اسم اللّٰه کثیرًا

تهمت به دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۷

۷ - تهمت و تحقیر ، از ترفند ها و ابزار های طاغیان و دشمنان دین ، علیه دینداران و مؤمنان

رجالاً کنا نعدّهم من الأشرار

جهاد دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۲۱

۲۱ - دین داران راستین ، کسانی اند که به یاری خدا برمی خیزند و با دشمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ینصره و رسله بالغیب

زمینه پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ - ایمان توأم با اعمال صالح ، رمز پیروزی فراگیر دین داران و موجب جلب کمک ها و امداد های الهی

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمکنن لهم

مسئولیت دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۵،۶

۵ - معتقدان به ادیان الهی نباید یکدیگر را بکشند یا گروهی از آنان ، گروهی دیگر را از خانه و دیارشان بیرون رانند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم و تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

۶ - معتقدان به ادیان الهی نباید در کشتن و آواره کردن همکیشان خود ، به قاتلان و آواره کنندگان یاری رسانند .

تظهرون علیهم بالاثم و العدون

هشدار به دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۸

۲۸ - معتقدان به مکتب الهی ، در صورت کشتن یا آواره ساختن همکیشان خود ، به خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در

آخرت گرفتار خواهند شد .

فما جزاء من یفعل . . . و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

یاور دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لينصرنّ الله من ينصره إنّ الله لقوى عزيز

دینداری

آثار استقامت در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵

۶- حمایت خداوند از پیامبر (ص)، منوط به پایداری او در طریق وحی

و لولا أن ثبتنك لقد كدت تركن إليهم شيئاً قليلاً. إذا لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۲،۵

۲ - صبر و شکیبایی در راه دین، در پی دارنده پاداش حتمی خداوند

إني جزيتهم اليوم بما صبروا أنهم هم الفائزون

۵ - دستیابی به پیروزی واقعی و رستگاری اخروی، در گرو صبر و تحمل مشکلات در راه دین

إني جزيتهم اليوم بما صبروا أنهم هم الفائزون

آثار تبیین فواید دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۴

۴ - تأثیر مثبت بیان فواید و نتایج ایمان و دین داری در گرایش بیشتر مردم به دین

و ألوأستموا على الطريقة لأسقينهم ماء غدقاً

مأموریت پیامبر(ص) به بیان فواید دین، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱۳

۱۳ قوانین الهی برای رشد و طهارت جامعه، مفیدتر از قوانین و رسوم مردم است.

و اذا طلقتم النساء... فلا تعضوهن... ذلكم ازکی لکم و اطهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ نقش رهبران الهی در جلب محبت خداوند به انسان *

فَاتَّبِعُونِي يَحَبِّبْكُمْ اللَّهُ

پیامبر (ص) به عنوان مرشدِ راه محبت الهی، معرفی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ -

۱۵ کردار ناروای بنی اسرائیل علی رغم انتساب آنان به دین یهود، دلیل کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی در سعادت انسان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

در آیه قبل بیان شد که <ان الذین ..> اشاره دارد به این که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نمی باشد و این آیه به منزله برهانی بر آن حقیقت است، یعنی انتساب یهود و نصارا به یهودیت و نصرانیت چگونه می تواند مایه سعادت آنان باشد با اینکه پیامبران را تکذیب کردند و گروهی از آنان را کشتند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱۰

۱۰ صلابت و جدیت انسان در دینداری، رساننده وی به تقوا و دورسازنده وی از کردار های نارواست .

خذوا ما ءاتینکم بقوه .. لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۲

۱۲ شیطان ناتوان از گمراه کردن کسانی که معارف و آیات الهی را بخوبی بشناسند و به آنها پایبند باشند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

از اینکه شیطان پس از فاصله گرفتن بلعم باعورا به تعقیب او می پردازد، معلوم می شود پیش از آن به وی دسترسی نداشته و از گمراه کردن او ناتوان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۴

۴ التزام به آیات و معارف الهی مایه رسیدن به منزلت های والا و وسیله تقرب به درگاه خداوند است .

و لو شئنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۶

۶ - نقش دین داری و خوشبینی به تأییدات الهی ، در دلگرمی به ادامه حیات و رهایی از پوچی و بن بست در زندگی

من كان يظن أن لن ينصره الله... فلمدد... هل يذهبن كیده ما يغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - اطاعت از خدا و رسول او و پذیرش داوری متکی بر احکام الهی ، موجب رستگاری و پیروزی است .

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا... ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا وأول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۳

۳ - تسلیم حکم پیامبر بودن و پذیرش داوری بر مبنای تعالیم دین ، نشانه خدا ترسی ، تقواپیشگی و مطیع خدا و رسول بودن است .

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا... و من يطع الله

برداشت یاد شده، از ارتباط میان دو آیه فوق استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۴

۴ - توبه و رویکرد به دین و تحمل سختی های آن ، زمینه ساز جلب غفران و آمرزش الهی

قالوا ائمانا برب العلمين... قالوا لاضير انا إلى ربنا منقلبون... انا نطمع أ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران پس از ایمان به خدا و پذیرش شکنجه های فرعون، نسبت به غفران

و آموزش الهی اظهار امیدواری کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۴

۴ - بهره مند شدن از موهبت های دنیایی ، از فواید و برکات ایمان و دین داری

فَامِنُوا فَمَتَّعْنَهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - خیرخواهی ، تبلیغ دین و ارشاد مردم به راه درست زندگی ، از مقتضیات ایمان و دینداری

و قَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ اِهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

توصیف مؤمن آل فرعون به مؤمن بودن و تکرار آن در سه نوبت (آیه های ۲۸، ۳۰ و ۳۸) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - ایمان و دین داری ، موجب نزول باران و فراهم آمدن آب فراوان

وَأَلْوِاسْتَقْمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

۳ - ایمان و دین داری ، موجب وفور نعمت و برکت و رفاه عالی است .

وَأَلْوِاسْتَقْمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۲ - ۳

۳ - برخورداری از اموال و ثروت بدون ایمان و دین داری ، بی ارزش در نظام ارزشی قرآن

و جعلت له مالاً ممدوداً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد محکوم کردن کسی است که از ثروت و اموال برخوردار بوده و ولی از ایمان بی بهره است و در مقابل دین، موضع مخالف گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - برخورداری از امکانات زندگی و وسایل معیشت ، بدون بهره مندی از ایمان و دین داری ، بی ارزش در نظام ارزشی قرآن و مَهْدَت له تمهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۷ - ۳

۳ - < دین داری > ، موجب پیشرفت و تکامل و < بی دینی > ، موجب انحطاط و سقوط است .

لمن شاء منکم أن یتقدّم أو یتأخّر

مقصود از تقدم و تأخر در آیه شریفه به قرینه نظیر آن در آیه ۱۹ از سوره قبل (إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا) ممکن است سبقت در اتخاذ راه خدا و عقب افتادن با تخلف از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹ - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

ارزش دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۳

۳ - تمامی ثروت ها ، امکانات و جلوه های زندگی دنیا ، در مقایسه با دین داری و شناخت حقایق نورانی قرآن ، ناچیز و بی فروغ است .

و لقد آتینک سبعا من المثانی و القرءان العظیم . لا تمدّن عینیک إلی ما متّعنا به

نهی از چشم دوختن به متاعها و امکانات مادی دنیا، پس از یادآوری اعطای نعمت بزرگ قرآن به پیامبر(ص)، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۸

۸ - تحمل دشواری ها در راه دین ، محفوظ در نزد خدا و مایه ارجمندی

قالوا لاضير إننا إلى ربنا منقلبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اگر رنج ها تأثیری در سرنوشت انسان و تقرب وی به خدا نداشت، خود زیانی انکارناپذیر بود.

استقامت در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۸

۸ ضرورت حفظ مواضع و ابراز پابندی به عقاید دینی ، در برخورد با مخالفان دین

إن افتريته فعلی إجرامی و أنا بریء مما تجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۷، ۱۰، ۵

۵ شرایط مکه برای پیامبر (ص) و مسلمانان صدراسلام ، شرایطی دشوار و دین داری امری مشکل و نیازمند استقامت و پایداری بوده است .

فاستقم كما أمرت و من تاب معك

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضى بينهم .. . إن كلاً لما ليوفيهم أعملهم ... فاستقم كما أمرت

۱۷ توجه و باور به آگاهی و نظارت خداوند بر اعمال و رفتار انسانها ، موجب پایداری و استقامت در راه دین است .

فاستقم كما أمرت و من تاب معك .. . إنه بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۵،۱۲

۵ مسلمانان نباید در پایداری بر دین و پیشبرد اهداف آن بر ستمگران ، اتکا

کنند و از آنان یاری طلبند .

فاستقم كما أمرت و من تاب معك .. و لا تتركوا إلى الذين ظلموا

نهی از تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، پس از امر به استقامت در راه دین ، توجه دادن مؤمنان است به این که مبدا برای رسیدن به این مقصود (استقامت در راه دین و پیشبرد اهداف آن) بر ستمگران تکیه کنند و از آنان یاری بخواهند.

۱۲ تنها با اتکا بر خدا و یاری طلبیدن از او ، می توان بر دین داری پایداری کرد و اهداف دین را پیش برد .

فاستقم كما أمرت .. و ما لكم من دون الله من أولياء

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط <فاستقم ..> با <ما لكم من دون الله من أولياء> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۴

۴ اقامه نماز ، تکیه گاهی برای استقامت در راه دین و ابلاغ آن

فاستقم كما أمرت .. و أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۳،۷

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم كما أمرت .. و لا تتركوا إلى الذين ظلموا ... و اصبر

۷ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری ، تکیه نکردن بر ستمگران و اقامه نماز ، نیکوکاری و در پی دارنده اجر و پاداش الهی است .

فاستقم .. و لا تتركوا ... أقم الصلوه ... فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸- رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱

۱ لزوم استقامت ورزیدن و صبر پیشه ساختن در اجرای احکام و فرمان های الهی

والذین صبروا

عبارت <ابتغاء وجه ربهم> (برای دستیابی به رضایت خدا) می رساند که متعلق <صبروا> احکام و فرمانهای خداست ; یعنی: <صبروا علی ما أمرهم الله به و عمّا نهاهم عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۴

۴ صبر و استقامت بر پیروی از فرمان های خدا در پی دارنده ورود به بهشت

سلم علیکم بما صبرتم

حرف <باء> در <بما صبرتم> سببیه و <ما> در آن مصدریه است. متعلق <صبرتم> اموری است که در آیات گذشته (<الذین یوفون> تا <یدرءون بالحسنه السیئه>) مطرح شد که می توان از آنها به <طاعه الله> تعبیر کرد. بنابراین بما صبرتم ; یعنی: <بسبب صبرکم علی طاعه الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۹

۹- پایبندی به دین و عمل به دستورهی آن ، معیار ارزشمندی و ملاک دینداری است ، نه صرف ادعا و سخنوری .

فمن تبعنی فانه منی

<تبع> و <اتبع> به معنای گام نهادن در جای پای کسی و پیروی کردن همراه با دستورگیری است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۲

۲- خداوند ، نسبت به مهاجرانی که با هجرت ، جهاد و صبر ، دین خود را حفظ کردند ، بسیار بخشنده و مهربان است .

ثم إن ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا و صبروا

خبر <إن ربك للذين . . . > محذوف

است که <لغفور رحيم> بر آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۴

۴ - مقاومت روحی در برابر استهزا و مضحکه کافران و حق ستیزان و پایبندی بر ارزش های دینی و الهی ، از مصداق های بارز صبر و شکیبایی

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا ... وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ . إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا

اعلام نقش دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام فایده و نقش ایمان و دین داری در زندگی انس و جن

و أَلْوِاسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

جمله <و أَلْوِاسْتَقَمُوا...> عطف بر <أَنَّهُ اسْتَمَعَ...> است ، یعنی ، <قَالَ أَوْحَى إِلَيَّ أَلْوِاسْتَقَمُوا...>. گفتمنی است که مقصود از <طَرِيقَةَ>، راه ایمان و اسلام و پیروی از قرآن کریم است.

اعلان زیان بی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۵

۵- آگاه کردن مردم به سودمندی دین داری و یا زیان بی دینی ، روشی پسندیده و مفید در تبلیغ دین و هدایت انسان ها

قَالَ أَفْتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

اعلام منافع دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۵

۵- آگاه کردن مردم به سودمندی دین داری و یا زیان بی دینی ، روشی پسندیده و مفید در تبلیغ دین و هدایت انسان ها

قال أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً ولا يضرکم

اهمیت استقامت در دینداری

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ لزوم پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان و سرکشی و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، از مواعظ و پند های مهم خداوند است .

فاستقم كما أمرت .. و لاتطغوا ... و لاترکونوا إلی الذین ظلموا... ذلک ذکرى للذکر

اهمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۸

۸ باور به پاداش های عظیم الهی ، زمینه پابندی به ارزش ها و گذشت از منافع مادی برای دین و دینداری

لاتخونوا الله .. و اعلموا ... و أن الله عنده أجر عظیم

هدف از بیان پاداش دهی خداوند پس از تکالیف یاد شده، ایجاد زمینه پابندی به آن تکالیف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۴

۴ حمایت نکردن از مسلمانانی که برای دینشان مورد هجوم کافران هستند ، موجب فتنه و فسادى بزرگ خواهد شد .

فعلیکم النصر .. إلا تفعلوه تکن فتنه فى الأرض و فساد کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۸

۸ ضرورت حفظ مواضع و ابراز پابندی به عقاید دینی ، در برخورد با مخالفان دین

إن افتريته فعلی إجرامی و أنا برىء مما تجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- حفظ ارزش های الهی (تعالیم وحی شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله) در هر شرایط و

هر کجا ، از همه چیز مهمتر و ارزشمندتر است .

و إن كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا إليك . . . و إذا لاتخذوك خليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۱

۱ - ترک شهر و دیار خود و هجرت به دیار غربت به منظور حفظ دین ، عملی شایسته و محبوب خداوند

و الذین هاجروا فی سبیل اللّٰه . . . لیرزقنهم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ - بهره نبردن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت دین داری و در سایه تعالیم آسمانی ، ظلم به خویشان است .

و الذین کفروا . . . أولم نعمرکم ما یتدکر فیہ من تدکر و جاءکم النذیر فذوقوا فم

برداشت یاد شده به این خاطر است که خداوند کسانی را که به قرآن و کتاب های آسمانی ایمان نیاورده اند و از انذار پیامبران پند نگرفته و به دعوت آنان پاسخ مثبت نداده اند، با عنوان ظالم یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - وجود شرایط مناسب و مساعد برای دینداری ، تقوای پیشگی و احسان ، از معیار های شایسته و بایسته در انتخاب وطن و محل زندگی

یعباد الذین ءامنوا اتقوا ربکم . . . و أرض اللّٰه وسعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۶

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ،

دارای پاداش بزرگ الهی است .

و الله عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۷

۷- دین داری، در عین زندگی خواهی و معنویت توأم با توسعه زندگی مادی، از توصیه های قرآن

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا . و اذکر اسم رَبِّكَ و تَبْتَئِلْ إِلَيْهِ تَبْتِيَالًا

اهمیت صبر در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۴

۴- دین داری و نیل به کمالات معنوی و سعادت ابدی، نیازمند به صبر و شکیبایی است .

جزیهم بما صبروا جَنَّةً و حریرًا

پاداش استقامت در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ استقامت در دین و پایداری بر توحید، در پی دارنده پاداش الهی است .

فاستقم .. إنه بما تعملون بصیر

یادآوری علم و آگاهی خداوند به اعمال بندگان پس از امرها و نهی ها، اشاره به پاداش دهی و کیفر رساندن است.

پاداش تحمل مشکلات دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین ، زمینه بر خورداری از اجر و پاداش الهی است .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ... وَوَصَّيْنَا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین، می توان استفاده کرد که

خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر رنجی، پاداشی در خور توجه قرار داده است؛ پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند، بهشت قرار داده و مادران را نیز که به حکم تکوین، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان، از خدمت های آنان بهره مند ساخته است.

پاداش دینداری متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تقوایبندگان ، مورد حفاظت خداوند از گرفتاری به جهنم ، در قبال تلاش آنان برای حفظ ارزش های الهی در دنیا

إِنَّ الْمُتَّقِينَ... و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

با توجه به این که ریشه <متقین> و <وقاهم> از یک ماده می باشد، ممکن است تعبیر <وقاهم> اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

تاریخ دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ - پیشینه داشتن اندیشه های دینی ، زمینه ارتجاعی شمرده شدن آن از سوی کافران *

فیقول ما هذا إلا أسطیر الأولین

تعبیر <الأولین> نشانگر پرسابقه بودن عقیده به معاد در میان جوامع است و تعبیر <أسطیر>، اشاره به ارتجاعی بودن اندیشه معاد دارد. قرین آمدن این دو تعبیر، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تبیین فواید دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۸

۸ - تبیین فواید ایمان و دین داری ، از روش های تبلیغی و هدایتی

استغفروا ربّكم . . . يرسل السماء عليكم مدرارًا .

و یمددکم بأمول و بنین ... و یجعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۵

۵ - بیان فواید و نتایج ایمان و دین داری ، از روش های هدایتی و تبلیغی قرآن

و أَلْوِاسْتَقْمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

تظاهر به دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۳

۱۳ تظاهر به دینداری (ایمان) و پنهان کردن کفر و تکذیب دین ، از اوصاف منافقان

مذبذبین بین ذلک

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... یظهرون الایمان و یسرون الکفر و التکذیب لعنهم الله.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۲۹۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۱.

ثبات در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۹

۹ - ضرورت صلابت و جدیت در دینداری و اهتمام به کتاب های آسمانی

خذوا ماء اتینکم بقوه

ثبات قدم در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - صلابت و جدیت انسان در دینداری ، شرط اساسی برای رسیدن به مرحله تقوایپیشگی است .

خذوا ما آتینکم بقره .. لعلکم تتقون

برداشت فوق از قید <بقره> استفاده شده است.

حاکمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۵

۲۵ - کفر و ارتداد ، پس از دیدن حاکمیت دین و دین داران و امنیت و آرامش زیر سایه آن ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از

راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم .. ليستخلفنهم ... و ليمكنن لهم دينهم ... يعبدون

در این که مقصود از <کفر> در آیه شریفه چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود ارتداد است؛ یعنی، چنانچه هر کس پس از دیدن حاکمیت و امنیت زیر سایه دین و نیز اتمام حجت الهی، مجدداً راه کفر را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. ۲- مراد کفران نعمت است؛ یعنی، آن کس که نعمت حاکمیت و امنیت تحت لوای دین را مشاهده کند و در عین حال به جای شکرگزاری، راه ناسپاسی را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. برداشت یاد شده، بنابر دیدگاه نخست است.

خویشاوندی در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۵ - ۶

۶- لزوم نادیده گرفتن پیوند خویشاوندی، در دفاع از اصول دین و مبارزه با انحرافات عقیدتی

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

درخواست دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان، امری مهم و ارزشمند است .

و إذ قال إبراهيم ربّ .. اجنّبی و بنی أن نعبد الأصنام

دعوت به دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۵

۵- خدا و رسولش، فراخوان مردم به استفاده صحیح و بهره برداری کافی از فرصت ها و امکانات زندگی برای هدایت و

دینداری

وأنذر الناس .. فيقول

الذین ظلموا ربنا أخرنا إلى أجل قريب نجب دعوتک و نتبع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور به دعوت مردمان به اقامه دین و پرهیز از اختلافات و تفرقه در آن

أن أقيموا الدین و لاتتفرقوا فيه .. فلذلك فادع

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ذلك> اشاره به جمله <أقيموا الدین و ..> باشد. گفتنی است که بر این مبنا لام <لذلك> به معنای <إلی> خواهد بود.

دینداری اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۷

۷ بیگانگی برخی مسلمانان صدر اسلام و اهل کتاب ، با روح دیانت و مقررات الهی

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من يعمل سوءاً یجز به

دینداری در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۵

۵ تاریخ شاهد دین داری و گرایش به خدا از روز آغازین پیدایش انسان

و ما کان الناس إلا أمه و حده فاختلفوا

دینداری در سختیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۳

۳ حمایت از دین و ارزش های الهی در شرایط سخت و دشوار ، دارای ارزشی برتر

و السبقون الأولون من المهجرین و الأنصار

دینداری در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۵

۵ شرایط مکه برای پیامبر (ص) و مسلمانان صدر اسلام ، شرایطی دشوار و دین داری امری

مشکل و نیازمند استقامت و پایداری بوده است .

فاستقم كما أمرت و من تاب معك

دینداری ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۳

۳- در وجود ذی القرنین بینش توحیدی و الهی همراه ، با قدرت علمی و فنی ، تبلور داشت .

ما مکنتی فیه ربی خیر .. هذا رحمه من ربی

دینداری رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۶

۶- پیمودن راه و دین داری ، شرط رهبری جامعه اسلامی

و هدیٰ نهما الصراط المستقیم

خداوند در توصیف موسی و هارون (علیهما السلام) که پیامبر و رهبر امت خویش بودند مسأله بر صراط مستقیم بودن آنان را مطرح فرمود. طرح این مسأله، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

دینداری مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - تأثیر سازنده آگاهی و پیمودن راه دین ، در تبلیغات دینی و گرایش دادن مردم به دین داری

اتَّبِعُوا مِنْ لَایْسَلْکُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مَهْتَدُونَ

مقصود از جمله <و هم مهتدون> (آنان ره یافته اند) این است که پیامبران، راه دین را شناخته و آن را پیموده اند و طبیعی است کسانی که راه دین را پیموده باشند، در تبلیغ دین موفق تر خواهند بود و مردم نیز دعوت آنان را بهتر خواهند پذیرفت.

دینداری مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۲

۲- خداوند ، نسبت به مهاجرانی که با هجرت ، جهاد و صبر ،

دین خود را حفظ کردند ، بسیار بخشنده و مهربان است .

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثَمَّ جَهَدُوا وَصَبَرُوا

خبر <إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ...> محذوف است که <لغفور رحيم> بر آن دلالت دارد.

دینداری محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱

۱ - پیامبر اکرم (ص) رهیافته به مسیر دین و مصمم به هدایت خلق ، به اراده الهی

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيْعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ

دینداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱

۱ - حضرت مریم (ع) ، نمونه بارز و مثال زدنی برای ایمان و دین داری

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ مَرِيْمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ

دینداری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱

۱ - < حرف شنوا و مطیع هستیم > ، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (ص)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

فَعَلْ مُضَارِعٌ <يقولوا> همراه با فعل <كان> بر استمرار و کلمه <إنما> که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند بر حصر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۳

۳ - مؤمنان واقعی ، پایبند به تکالیف فردی و اجتماعی و دارای بینشی ژرف در عقاید دینی

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

و هم بالأخره هم یوقنون

<نماز> برقرار ساختن پیوند عبودیت و بندگی با خدا و <زکات> ایجاد ارتباط با مردم پیرامون خود و دستگیری از نیازمندان جامعه است. بنابراین آوردن <پرداخت زکات> پس از <اقامه صلاه> بیانگر این حقیقت است که مؤمنان واقعی تنها به فکر خود نیستند؛ بلکه با مردم جامعه خود نیز ارتباطی مسئولانه دارند. گفتنی است که <یقین به آخرت> که عبارت از اعتقاد قطعی است بیانگر آن است که مؤمنان واقعی در مسائل اعتقادی دارای بینشی عمیق و تردیدناپذیراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۹ - ۲

۲ - مؤمنان ، دارای عزم دینی و حضور مؤثر اجتماعی و همیاری نسبت به یکدیگر در قبال متجاوزان

و الذین إذا أصابهم البغي هم ينتصرون

برخی از مفسران <انتصار> را به معنای <تناصر> (تعاون و همیاری) گرفته اند؛ یعنی، مؤمنان راستین آنانند که هر گاه مورد ستم و تجاوز قرار گیرند برای دفع آن به یاری هم برمی خیزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۶

۱۶ - حرکت مؤمنان راستین در طریق ایمان و اطاعت از پیامبر (ص) ، براساس عشق و محبت به دین و نه تحمیل و تحکم

و لکنّ الله حبیب إلیکم الإیمن و زینة فی قلوبکم

از این که خداوند در باز داشتن مؤمنان از تحمیل آرای شخصی بر پیامبر(ص)، به <حبیب إلیکم الإیمان> تکیه کرده است؛ استفاده می شود که نیرو و جاذبه محبت، اصلی ترین و نیرومندترین محرک مؤمنان برای حرکت به سمت ایمان و اطاعت از رسول

اللّٰه است.

دینداری مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۲

۲- خداوند ، نسبت به مهاجرانی که با هجرت ، جهاد و صبر ، دین خود را حفظ کردند ، بسیار بخشنده و مهربان است .

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا

خبر <إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ...> محذوف است که <لغفور رحيم> بر آن دلالت دارد.

دینداری مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۸ - ۱۲، ۸

۸- روحیه خداجویی و دین یآوری ، از ویژگی های بارز مهاجران صدراسلام

المهجرین الذین .. یتغون فضلاً من اللّٰه و رضوناً و ینصرون اللّٰه و رسوله

۱۲ - مهاجران خداجو و دین باور صدراسلام ، نمونه مؤمنان راستین

المهجرین الذین .. أولئک هم الصدقون

دینداری همسر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۲

۲- همسر فرعون (آسیه) ، نمونه بارز و مثال زدنی برای ایمان و دین داری است .

ضرب اللّٰه مثلاً للذین کفروا ءامنوا امرأت فرعون

روش دینداری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۶

۶ - منافقان ، تنها در چارچوب منافع خویش به دین روی می آورند و در برابر فرمان های خدا و رسول او ، مطیع و منقاد می شوند .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون ۰ و إن يكن لهم الح

زمینه دینداری

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم ایجاد امید به مغفرت و رحمت الهی در دل گمراهان برای گرایش دادن آنان به دین و دینداری

قل للذین كفروا إن ینتھوا یغفر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۶

۶ - توجه به در اختیار خداوند بودن همه موجودات عالم و نیز نعمت های اعطا شده به انسان ، تبعیت از تعالیم آسمانی را اقتضا می کند .

ألم تروا أن الله سخر .. و أسبغ علیکم نعمه ... اتبعوا ما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به فرجام امور و بازگشت تمامی موجودات به سوی خداوند ، موجب طرد مکاتب انحرافی و روی آوری به دین الهی است .

صرط الله .. ألا إلى الله تصیر الأمور

زمینه سازی سستی در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۶

۶- حرمت فراهم آوردن زمینه بی اعتقادی مردم نسبت به دین و ارزش های دینی

و لاتتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم فترلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که نهی از <حنث قسم> از آن جهت صورت گرفته که سبب سست شدن عقیده دیگران می شود و در ذیل آیه شریفه، این عمل <صد عن سبیل الله> و دارای <عذاب عظیم> شناخته شده است.

زمینه ممانعت از دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴

۲- وابستگی و دلبستگی به اموال و اولاد، زمینه ساز لغزش انسان ها و ممانعت از دین داری است .

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

شرایط دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۶

۱۶ - مجرد انتساب به آیین الهی، موجب مصونیت از آتش دوزخ نخواهد شد .

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة قل أتخذتم عند الله عهداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۷ - ۴

۴ - اطاعت و فرمان بری از خدا و رسولش، لازمه جداناپذیر ایمان راستین و شرط دین داری است .

و يقولون ءامنا بالله و بالرسول و اطعنا

تأکید و اصرار منافقان بر اطاعت و فرمان بری از خدا و رسول او، پس از اظهار ایمان، حاکی از این است که اطاعت و فرمان بری از خداوند و پیامبر(ص) در کنار ایمان، امری مسلم و پذیرفته شده میان همگان بود. از این رو منافقان برای پوشاندن ماهیت پلید خود، مسأله اطاعت و فرمان بری خود را به صراحت اظهار می داشتند. گفتنی است ذیل آیه که آنان را مؤمن ندانسته است (و ما أولئك بالمؤمنين) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - عمل به مقتضای دین و اقتدا به پیامبران، شرط دین داری و سعادت‌مندی است .

قال يقوم أتبعوا المرسلين

تصریح به اقتدا و پیروی از پیامبران به جای ایمان آوردن به آنان و .. می

تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۲

۲ - دستیابی به اهداف دینی ، محتاج به صبر و شکیبایی و پرهیز از حرکت های شتابزده است .

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ... وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ... قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۴

۴ - دین داری و نیل به کمالات معنوی و سعادت ابدی ، نیازمند به صبر و شکیبایی است .

جزیهم بما صبروا جنة و حریرًا

صبر در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۲،۳

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم كما أمرت... و اصبر

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم كما أمرت... و لاترکونوا إلی الذین ظلموا... و اصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱

۱ لزوم استقامت ورزیدن و صبر پیشه ساختن در اجرای احکام و فرمان های الهی

والذین صبروا

عبارت <ابتغاء وجه ربهم> (برای دستیابی به رضایت خدا) می‌رساند که متعلق <صبروا> احکام و فرمانهای خداست؛
یعنی: <صبروا علی ما أمرهم الله به و عما نهاهم عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۴

۴ صبر و استقامت بر پیروی از فرمان‌های خدا در پی دارنده ورود

به بهشت

سلم علیکم بما صبرتم

حرف <باء> در <بما صبرتم> سببیه و <ما> در آن مصدریه است. متعلق <صبرتم> اموری است که در آیات گذشته (<الذین یوفون> تا <یدرءون بالحسنه السیئه>) مطرح شد که می توان از آنها به <طاعه الله> تعبیر کرد. بنابراین بما صبرتم ؛ یعنی: <بسبب صبرکم علی طاعه الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۲

۲ - دستیابی به اهداف دینی ، محتاج به صبر و شکیبایی و پرهیز از حرکت های شتابزده است .

اللّٰه الذی سَخَّرَ لَکُمْ ... و سَخَّرَ لَکُمْ مَا فِی السَّمَوَاتِ ... قُلْ لِلذِّیْنِ ءَامَنُوا یَغْفِرُوا

عوامل دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۷ - ۸

۸ ربوبیت خداوند ، مقتضی حرکت انسان به سوی او و برگزیدن راه الهی (دین)

إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

عوامل مؤثر در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۶

۶ - تأثیر و نقش اساسی استقامت و پایداری بر مواضع دینی ، در به ثمر نشستن ایمان و دین داری

وَأَلْوِاسْتَقِمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

فواید دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - تبیین فواید ایمان و دین داری ، از سوی نوح (ع) برای مردم

استغفروا ربکم . . . یرسل السماء علیکم مدرارًا . و یمددکم بأموال و بنین ... و یجعل

محدوده دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ ضرورت حرکت در چارچوب قوانین و مقررات تبیین شده از سوی خداوند

لا تحرموا .. و لاتعتدوا

مراتب دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۸

۸ مرتبه < صادقین > برترین مرتبه ایمان و دینداری

اتقوا الله و كونوا مع الصادقين

دستور خدا به همراهی و همگامی با صادقان پس از توصیه به تقوایشگی بیانگر این حقیقت است که <مرتبه صادقین > مرتبه ای فراتر از مرتبه کسانی است که در راه تقوا گام می نهند و به تعبیر دیگر <صادقین > کسانی هستند که در اوج رعایت تقوایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - تفاوت درجات دین داری و هدایت پذیری انسان ها ، در فرهنگ قرآن

ثم أورثنا الکتب .. فمنهم ظالم ... و منهم سابق بالخیرت

برداشت بالا از تقسیم شدن مردم در برابر قرآن به سه گروه یاد شده به دست می آید.

ملاک دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۹

۹- پایبندی به دین و عمل به دستورهی آن ، معیار ارزشمندی و ملاک دینداری است ، نه صرف ادعا و سخنوری .

فمن تبعني فإنه مني

<تبع> و <اتبع> به معنای گام نهادن در جای پای کسی و پیروی کردن همراه با دستورگیری است (مفردات راغب).

ممانعت از دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۴ - ۷

۷ - جلوگیری مؤمنان از دین داری

و انجام تکالیف دینی (همچون جهاد ، هجرت و ...) ، دشمنی با آنان محسوب می شود .

عدوًّا لکم فاحذروهم

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول این آیه است. امام باقر(ع) می فرماید «وقتی برخی از مردان می خواستند هجرت کنند، پسر و همسرش دامن او را می گرفتند و می گفتند: تو را به خدا سوگند که هجرت نکن...»، (برگرفته از نورالثقلین، ج ۵، ذیل آیه).

منشأ دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۴

۴ التزام به دین الهی، امری فطری و آمیخته با فطرت آدمی است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

انتساب دین به کافران (دینهم) حکایت از آن دارد که دینی برای آنان فرض شده است. بنا بر یک احتمال این دین همان ندای فطرت است که آنان را به توحید و تدین فرامی خواند؛ چنانکه صاحب المیزان فرموده است.

موانع دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۸

۳۸ عالمان بیمناک از دشمنی مردم، در خطر ترجیح رفاه و آسایش بر دینداری و نگرهبانی از کتاب خدا

فلاتخشوا الناس .. و لاتتروا بایتی ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - شیطان، بازدارنده انسان ها از تبعیت از دین است .

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَل نَتَّبِعُ .. أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن -

۸ - دوستی و پیوند خویشاوندی ، نباید مانع دینداری و انجام تکالیف شرعی (همچون جهاد ، هجرت و ...) شود .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۴

۴ - علاقه و دلبستگی به اموال و اولاد ، نباید مانع از دین داری و انجام تکالیف الهی شود .

إِنَّمَا أَمْوَالَكُمُ وَأَوْلَادُكُمْ فَتَنَةٌ

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول آیات است که در آیه قبل توضیح داده شد.

نشانه های دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۶

۶ - پذیرش داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، نشانه ایمان راستین به خدا و رسول او و فرمان بری از ایشان و التزام عملی به دین است .

و يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى . . . وَ مَا أَوْلَىٰكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۳

۳ - احسان و نیکوکاری ، مظهر ایمان و مصداق بارز دین داری

و مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که تقسیم نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) به دو گروه محسن و ظالم، به این منظور است که نشان دهد برخی از آنان مؤمن و برخی دیگر کافر شدند و <احسان> اشاره به ایمان و <ظلم به خویشتن>، اشاره به کفر و شرک آنان دارد.

- قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۴

۴ - نماز ، از ارکان عملی دین و نشانه اصلی دین داری است .

و قد كانوا يدعون إلى السجود و هم سلمون

به گفته مفسران، مقصود از سجود و فراخوانده شدن کافران به آن، نماز است که در آیات گوناگون، همگان به این عبادت فراخوانده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۳

۳ - نماز ، مظهر دین داری و تصدیق عملی دین

فلا صدق و لا صلّی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، پس از بیان تصدیق نشدن اصل دین از سوی کافران، تنها به ترک فریضه نماز از سوی آنان بسنده کرده است.

نعمت حاکمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم .. لیستخلفنهم ... و لیمکنن لهم دینهم ... یعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

نفاق در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ نفاق و دورویی در دین ، استهزای دین است .

يحذر المنفقون .. قل استهزءوا

قبل از <استهزءوا> سخن خاصی از منافقان ذکر نشده که حاکی از استهزا باشد ؛ بدین جهت احتمال می رود که نفس حالت نفاق، استهزا باشد.

نقش دینداری

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۲

۱۲- دینداری ، معیار اصلی وحدت ، دوستی و تنظیم روابط میان انسانهاست .

فمن تبعنی فإنه منی و من عصانی

دیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

دیه

آثار دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۵،۲۶

۲۵ پرداخت خونبها ، آزاد کردن برده مؤمن و یا گرفتن روزه ، در قتل خطائی ، زمینه پذیرش توبه قاتل از جانب خداوند

و من قتل مؤمناً خطا . . . توبه من الله

<توبه>، مفعول له است و بیانگر فلسفه احکام بیان شده در قتل خطائی. یعنی بنده ای را آزاد کنید یا روزه بگیرید و خونبها هم بدهید، تا خداوند رحمتش را شامل حال شما کند و توبه شما را بپذیرد.

۲۶ پرداخت خونبها و آزادسازی برده مؤمن و گرفتن روزه ، برطرف کننده آثار نامطلوب قتل خطائی است .

فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلمة الی اهله . . . فصیام شهرین متتابعین توبه من الله

آداب پرداخت دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۳۰

۳۰ - حلبی می گوید : از امام صادق (ع) . . . درباره سخن خداوند که فرموده < فمّن عفی له من أخیه شی فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسان > سؤال کردم ، فرمود : < ینبغی للذی له الحق ان لایعسر أخواه إذا کان قد صالحه علی دیه و ینبغی للذی علیه الحق ان لایمطل أخواه إذا قدر علی ما یعطیه و یؤدی إلیه بإحسان قال : و

سألته عن قول الله عز و جل < فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم > فقال : هو الرجل يقبل الدية أو يعفو أو يصالح ثم يعتدى فيقتل فله عذاب أليم كما قال الله عز و جل ؛

سزاوار است کسی که صاحب حق خون است و توافق در دیه کرده اند، در گرفتن دیه سخت گیری نکند و سزاوار است برای کسی که باید دیه بدهد اگر توانایی پرداخت آن را دارد کوتاهی نکند و با نیکویی پرداخت نماید. حلبی گوید: از سخن خداوند که فرموده: <فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم> سؤال نمودم، امام فرمود: مراد کسی است که دیه را پذیرفته یا عفو نموده و یا مصالحه کرده، سپس تجاوز نماید و دست به قتل زند؛ پس همان طوری که خداوند فرموده برای او عذاب دردناکی است.>

احکام دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۳

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یاحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۵۸،۹،۱۳،۱۶،۱۸،۲۳،۳۳،۳۵

۵ ضرورت پرداخت خونبها علاوه بر کفاره در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً .. و دیه مسلّمه الی اهله

۸ لزوم پرداخت دیه ، مشروط به درخواست خانواده مقتول نیست . *

و دیه مسلّمه الی اهله

۹ در صورت چشمپوشی خانواده مقتول از خونبها ، پرداخت آن واجب نیست

و ديه مسلّمه الى اهله الا ان يصدّقوا

۱۳ اگر خانواده مقتول از دشمنان اهل ایمان باشند ، پرداخت ديه به آنان لازم نیست .

فان كان من قوم عدوّلكم و هو مؤمن فتحرير رقبه مؤمنه

چون در فرض قبل و نیز فرض بعدی تصریح به خونبها شده است، ولی در فرض مذکور سخنی از خونبها نرفته، معلوم می شود که در این فرض، خونبها لازم نیست.

۱۶ اگر خانواده مؤمن مقتول ، کافر و همپیمان با مسلمانان باشند ، پرداخت ديه به آنان لازم است .

و ان كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فديه مسلّمه الى اهله

۱۸ لزوم پرداخت خونبها و نیز آزادسازی يك برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فديه مسلّمه الى اهله و تحرير رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمير در <کان>، مقتول باشد / بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان كان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

۲۳ قاتل در قتل خطائی ، در صورت ناتوانی از آزادسازی برده با ایمان ، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد .

فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفاره فرمود: كلّ العتق يجوز فيه المولود ألّا في كفّاره القتل فانّ الله عزّ و جلّ يقول: <فتحرير رقبه مؤمنه> یعنی بذالك

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

۳۵ قاتل، معاف از پرداخت دیه مؤمن مقتول به قتل خطائی، در صورت مشرک بودن اولیای وی

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا كان من اهل الشرك فتحريه رقبه مؤمنه فيما بينه وبين الله و ليس عليه ديه . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۲۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۴.

اهمیت التزام به احکام دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۳

۲۳ - کسانی که به احکام قصاص و دیه ملتزم نباشند، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

<ذلك> می تواند اشاره به احکام یاد شده درباره قصاص و دیه باشد. بر این مبنا جمله <فمن اعتدى...> گویای این است که: اگر کسی ملتزم به احکام مذکور نباشد و همانند روزگار جاهلیت عمل کند، گنهگار است و به عذاب الهی گرفتار خواهد شد.

پرداخت دیه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۹

۱۹ - قاتل باید با نیکی و رفتاری پسندیده، دیه را به اولیای مقتول بپردازد.

فاتباع بالمعروف و أداء إليه بإحسن

فاعل <أداء> قاتل است و ضمیر در <إلیه> به <أخیه> - که مراد از آن ولی مقتول است - باز می گردد. بنابراین جمله <أداء إلیه ...>؛ یعنی، قاتل باید دیه را با رعایت احسان به

ولی مقتول بپردازد؛ بدین صورت که در پرداخت دیه تأخیر نکند و کمتر از مقدار تعیین شده بپردازد و موجب ناراحتی اولیای مقتول نگردد.

تبدیل قصاص به دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۱، ۲۰، ۱۳

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد.

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یاحسن

۲۰ - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه اسلامی

ذکک تخفیف من ربکم و رحمه

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است.

ذکک تخفیف من ربکم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

دیه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۸، ۱۳

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد.

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یاحسن

۱۸ - اولیای مقتول در صورت گذشت از حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند.

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعل <اتباع> محتمل است ولی مقتول، و محتمل است قاتل باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا

<اتباع بالمعروف>؛ یعنی، اولیای مقتول باید به گونه ای پسندیده با قاتل رفتار کنند؛ وی را آزار ندهند؛ در گرفتن دیه بر

او سخت نگیرند^۲ و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و ...

دیه قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۷،۲۳،۲۵،۳۲،۳۳،۳۵

۷ خونب های قتل از روی خطا ، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمناً خطاً .. و دیه مسلّمه الی اهله

در معنای کلمه <مسلّمه> گفته شده است: <المدفوعه الیههم موفّره غیر منقّصه>. یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. <مجمع البیان>.

۲۳ قاتل در قتل خطائی ، در صورت ناتوانی از آزادسازی برده با ایمان ، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد .

فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین

۲۵ پرداخت خونب ها ، آزاد کردن برده مؤمن و یا گرفتن روزه ، در قتل خطائی ، زمینه پذیرش توبه قاتل از جانب خداوند

و من قتل مؤمناً خطاً .. توبه من اللّٰه

<توبه>، مفعول له است و بیانگر فلسفه احکام بیان شده در قتل خطائی. یعنی بنده ای را آزاد کنید یا روزه بگیرید و خونبها هم بدهید، تا خداوند رحمتش را شامل حال شما کند و توبه شما را بپذیرد.

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حق اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلّمه الی اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحریر رقبه مؤمنه ففیما بینه و بین اللّٰه و امّا الدّیه المسلّمه الی اولیاء المقتول. ..

نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفاره فرمود: کلّ العتق یجوز فیہ المولود الّما فی کفاره القتل فانّ اللّٰه عزّ و جلّ یقول: <فتحریر رقبه مؤمنه > یعنی بذالك مقرّه قد بلغت الحنث.

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

۳۵ قاتل، معاف از پرداخت دیه مؤمن مقتول به قتل خطائی، در صورت مشرک بودن اولیای وی

فان کان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا کان من اهل الشرك فتحریر رقبه مؤمنه فیما بینہ و بین اللّٰه و لیس علیہ دیه . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۲۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۴.

دیه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۸

۱۸ لزوم پرداخت خونبها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیہ مسلّمه الی اهلہ و تحریر رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد؛ بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان کان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

دیه قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۵،۱۶

۵ ضرورت پرداخت خونبها علاوه بر کفار در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً .. و ديه مسّلمه الى اهله

۱۶ اگر خانواده مؤمن مقتول، کافر و همپیمان با مسلمانان باشند، پرداخت ديه به آنان لازم است.

و ان كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فديه مسّلمه الى اهله

عفو از ديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ در صورت چشمپوشی خانواده مقتول از خونبها، پرداخت آن واجب نیست.

و ديه مسّلمه الى اهله الا ان يصدقوا

۱۰ بخشش خونبها از سوی خانواده مقتول، نوعی صدقه است.

و ديه مسّلمه الى اهله الا ان يصدقوا

مراد از <ان يصدقوا>، گذشت از ديه است. و خداوند از آن به صدقه دادن تعبیر کرد تا اشاره کند به اینکه گذشت از ديه نوعی صدقه است.

۱۱ گذشت خانواده مقتول از ديه، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

الا ان يصدقوا

فلسفه ديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۰

۳۰. تشریح قانون دیه و کفاره در مورد قتل خطائی، بر اساس علم و حکمت گسترده خداوند است.

و من قتل مؤمناً خطأً .. و كان الله علیماً حکیماً

کشتن قاتل پس از دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۴،۱۶،۳۰

۱۴ - اخوت و برادری اهل ایمان با یکدیگر

یایها

الذین ءامنوا .. فمن عفی له من أخیه شیء

۱۶ - گذشت از قصاص ، مظهر عواطف ایمانی و اخوت اسلامی است .

فمن عفی له من أخیه شیء

۳۰ - حلبی می گوید : از امام صادق (ع) ... درباره سخن خداوند که فرموده > فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسان < سؤال کردم ، فرمود : > ینبغی للذی له الحق ان لا یعسر أخواه إذا کان قد صالحه علی دیه و ینبغی للذی علیه الحق ان لا یتمطل أخواه إذا قدر علی ما یعطیه و یؤدی إلیه بإحسان قال : و سألته عن قول اللّٰه عز و جل > فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم < فقال : هو الرجل یقبل الدیه أو یعفو أو یصالح ثم یعتدی فیقتل فله عذاب ألیم كما قال اللّٰه عز و جل ;

سزاوار است کسی که صاحب حق خون است و توافق در دیه کرده اند، در گرفتن دیه سخت گیری نکند و سزاوار است برای کسی که باید دیه بدهد اگر توانایی پرداخت آن را دارد کوتاهی نکند و با نیکویی پرداخت نماید. حلبی گوید: از سخن خداوند که فرموده: >فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم< سؤال نمودم، امام فرمود: مراد کسی است که دیه را پذیرفته یا عفو نموده و یا مصالحه کرده، سپس تجاوز نماید و دست به قتل زندگرس همان طوری که خداوند فرموده برای او عذاب دردناکی است.<.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

